اطلاعات

دوشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۴ - ۴ جمادی الثانی ۱۴۳۷ - ۱۴ مارس ۲۰۱۶ - سال نودم - شماره ۲۶۴۰۰ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه و ۱۰۰ صفحه نوروزنامه - استثنائاً ۲۰۰۰ تومان

رئیس جمهوری: حرمین اهل بیت(ع) خط قرمز ماست

* باید درس ایثار و خدمت به مردم و کشور را از خانواده شهدا بیاموزیم
* عده‌ای با تنگ‌نظری نمی‌توانند عظمت ملت ایران و رفاه آنان را ببینند
* در برابر هر کس که به این کشور خدمت می‌کند، سر فرود می‌آوریم

صفحه ۲

تروریست‌ها با موشک شهرهای شیعه‌نشین سوریه را گلوله‌باران کردند

* هیأت‌های معارضان و دولت سوریه برای از سرگیری گفتگوهای صلح وارد ژنو شدند
* سازمان ملل: در صورت شکست گفتگوها هیچ جایگزینی برای حل بحران سوریه نیست
* روسیه: معارضان سوری از درخواست کناره‌گیری فوری اسد دست بردارند

صفحه ۱۶

دکتر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری در گفتگو با اطلاعات اعلام کرد

میلیاردها دلار سرمایه خارجی در راه ایران

سال ۹۵ از نظر اقتصادی سال بسیار خوبی خواهد بود



* دستاوردهای انتخابات ۷ اسفند، اثرات اجرای برجام و کارهای دولت در ۲ سال گذشته در سال ۹۵ آشکار خواهد شد
* در سال آینده در زمینه‌های اقتصادی دستاوردهای خوبی خواهیم داشت که هم معیشت مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم رونق اقتصادی را به دنبال دارد
* مهمترین ویژگی دولت یازدهم این است که مدیران، مجرب و به مسائل کشور مسلط هستند و از ابتدا می‌دانستند که چه تصمیمی باید اتخاذ کنند
* اکنون شاخص‌های اصلی اقتصادی از آرامش برخوردارند
* یکی از طرح‌هایی که در اقتصاد مقاومتی به آن پرداخته‌ایم نوسازی صنایع است
* در سال‌های ۹۱ و ۹۲ به نسبت سال ۹۰، درآمد جمعیت شهری، ۱۵ درصد و روستایی ۲۹ درصد کاهش داشته است
* در سال آینده و به دنبال رفع تحریم‌ها، بخش خصوصی وارد دور جدیدی می‌شود و منابع خود را درگیر اقتصاد کشور می‌کند
* ننگ فساد سازمان‌یافته را باید از دامان نظام پاک کرد
* باید هزینه‌های فساد را آنقدر بالا برد تا هیچکس جرأت تخلف پیدا نکند
* می‌خواهیم قانونگرایی واقعی بر کشور حاکم باشد
* شیوه دولت اعتدال افشاگری نیست

رجوع به صفحات نوروزنامه

تشییع پیکرهای ۱۱۱ شهید دفاع مقدس در ۱۷ استان

* پیکر مطهر ۱۴ شهید دفاع مقدس در ۸ منطقه تهران تشییع و خاکسپاری شد
* مراسم شبی با شهدای گمنام همزمان با شب شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) در بسیاری از استان‌ها برگزار شد
* امیر سرتیپ پوردستان فرمانده نیروی زمینی ارتش: آنچه روح شهدا را خرسند می‌کند حفظ وحدت همه ارکان کشور است

صفحه ۱۳

سردار سلیمانی: ایران به دنبال ماجراجویی نیست

* تکفیر و تکفیری، آتش در خانه برادران سنی است

صفحه ۱۳

حجت‌الاسلام حمیدزاده در مراسم سالگرد ارتحال یادگار گرامی حضرت امام:

همه کوشش مرحوم حاج احمد آقا(ره) حراست از اندیشه‌های امام راحل بود

* امروز ایران به عنوان یک کشور امن تحت عنوان نظام ولایت فقیه و با همراهی امت بزرگ اسلامی در جهان مطرح است
* آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: مرحوم حاج سید احمد خمینی(ره) در حد اعلای عقلانیت، امانتداری و انسانیت در امور انقلاب بودند
* اقدامات حاج حسن آقا از حاج احمد آقا(ره) کمتر نیست و ایشان بسیار باسواد است و جامعیت دارد

صفحه ۲



به همراه «نوروزنامه» اطلاعات



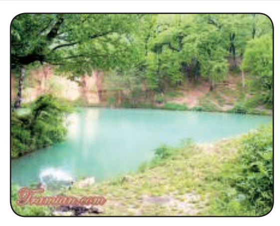


ویژه اجتماعی ضمیمه اطلاعات امروز

اقتصادی
حقوق مصرف کننده راهکارها و چالش ها
صفحه ۷



نظرها و اندیشه ها
خشونت و کارآیی گفتگو
دکتر فاطمه صدرعاملی
صفحه ۶



گزارش
آب شیرینِ بی‌جانشین!
صفحه ۵

نگاه
کارت پستال؛ سنت حسنه‌ای که فراموش می‌شود
دُر دانه دُرّه (باستانی پاریزی)
صفحه ۴

یادداشت
بنیادهای تمدن اسلامی (۱۰)
سیّد علی گرامیان
صفحه ۳

محک
نشست ژنو برای سوریه!
صفحه ۲

محک
خوش بود گر محک تجربه آید به میان
ابوالقاسم قاسم‌زاده

نشست ژنو برای سوریه!

امروز در ژنو نشست دیگری برای گفتگوی سیاسی درباره سوریه برگزار می‌گردد. ولید معلم وزیر خارجه سوریه دیروز در مصاحبه مطبوعاتی گفت، دولت سوریه نماینده‌ای برای مذاکره به ژنو می‌فرستد اما اگر برخی گمان دارند که با شکست در میدان جنگ، اکنون می‌توانند از طریق گفتگو امتیاز کسب کنند، سخت در اشتباهند. آینده دولت سوریه را مردم سوریه تعیین می‌کنند و نه دولت‌هایی در خارج از سوریه. نماینده گروه معارضین که به ژنو رفته است، گفت: ما به ژنو آمده‌ایم تا از طریق گفتگو با نظارت سازمان ملل به راه حل سیاسی برای پایان بخشیدن به بحران سوریه دست پیدا کنیم. ادامه آتش‌بس تا تشکیل دولت موقت و در نهایت برگزاری انتخابات مجلس و ریاست جمهوری سوریه مسیر گفتگوها خواهد بود. محافل سیاسی در اروپا می‌گویند، شکست‌های پی‌درپی گروه‌های مسلح در سوریه که مورد حمایت دولت سعودی و اردوغان قرار دارند، آینده پیروزی از طریق جنگ و سرنگونی بشار اسد را بسیار دشوار و غیرممکن کرده است.

امروز روسیه به صورت قوی و گسترده در سوریه حضور نظامی دارد و از سوی دیگر دو گروه داعش و النصره را آمریکا و روسیه تشکل‌های تروریستی نامیده‌اند. اختلاف نظر در میان ده‌ها گروه کوچک و بزرگ چنان شدت گرفته و آشکار شده است که معارضین سخنگوی واحدی ندارند و هر گروه مواضع سیاسی و نظامی خود را برحق می‌شمارد و آینده پیروز را برای خود متصور است. دو وزیر خارجه آمریکا و روسیه مسیر راه‌حل سیاسی برای بحران سوریه را پذیرفته‌اند و می‌خواهند تا از طریق سازمان ملل، مصوبه شورای امنیت این سازمان را در مسیر اجرا قرار دهند. دیگر کسی از سقوط فوری بشار اسد سخن نمی‌گوید و آن را موکول به انتخابات و رأی مردم سوریه دانسته‌اند. سیاستمداران اروپایی می‌گویند، مشکلات اردوغان در داخل و خارج از ترکیه چنان شده است که می‌خواهد همگام با آمریکا برای حل سیاسی بحران سوریه گام بردارد.

اردوغان نمی‌خواهد همزمان اتحادیه اروپا و همسایه قوی خود ایران را از دست بدهد. به خصوص که روابط تجاری با تهران کمک بسیار بزرگی برای دولت ترکیه است. اتحادیه اروپا نیز از ترکیه خواسته است درباره سوریه تعدیل سیاسی کند تا مشکل آوارگان از طریق پایان بخشیدن به این بحران حل و فصل گردد. آمریکا اما به سران سعودی هشدار داده است که در مسیر پیشنهادهای کاخ سفید قرار گیرد و دست از رادیکالیزم سیاسی و نظامی بردارد. به خصوص که سعودی‌ها خود گرفتار جنگ در یمن هستند و دلارهای نفتی آن‌ها در سوریه نتیجه مطلوب نداده است.

مواضع جمهوری اسلامی ایران آشکار است و آن همکاری برای پایان بخشیدن به جنگ در سوریه بعد از گذشت بیش از ۵ سال، بازگشت آوارگان و برگزاری انتخابات مردمی برای مجلس و ریاست جمهوری در این کشور است. ایران معتقد است تنها مردم سوریه‌اند که حق تعیین سرنوشت سیاسی کشور خود را در اختیار دارند.

مختصات امروز سوریه چنین است:

۱ـ بعد از ۵ سال جنگ از سوریه به صورت زمین سوخته نام می‌برند زیرا همه ساختارهای بنیادین در این کشور ویران شده است. سازمان ملل اگرچه هنوز آمار دقیق از میزان کشته شده‌ها در این جنگ ندارد، اما آن را بالاتراز ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار نفر می‌داند.

مجموعه زخمی‌ها دو برابر این عدد و رقم است و آوارگان سوریه چندین میلیون نفراند.

۲ـ بحران آوارگان سوریه دیگر بحرانی برای کشورهای همسایه آن ترکیه، اردن، لبنان و عراق نیست که امروز به اصلی‌ترین بحران برای کشورهای اروپایی درآمده است. فاجعه انسانی تعریف آوارگان سوریه در اروپا شده است.

۳ـ همه کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که بحران سوریه راه‌حل نظامی ندارد. این باور را واشنگتن ـ مسکو رسمیت داده‌اند. اما هنوز دولت سعودی خواب جنگ مستقیم در سوریه را می‌بیند و در تلاش است تا ائتلافی برای چنین جنگی از چند دولت از کشورهای اسلامی منطقه فراهم سازد.

۴ـ استقرار پایگاه نظامی بزرگ و استراتژیکی روسیه در سوریه، پیروزی‌های میدانی جنگ در شش ماه گذشته از سوی ارتش و نیروهای مردمی سوریه، تثبیت نظامی نسبی را برای دولت حاکم فراهم آورده است، به طوری که تغییر این معادله موفق بسیار دشوار و به نظر برخی از کارشناسان غیرممکن است.

۵ـ طرح صلح مصوب شورای امنیت سازمان ملل با مسئولیت دبیرکل این سازمان که نماینده ویژه‌ای برای نشست‌های سیاسی انتخاب کرده است، در دستور کار قرار گرفته و دو وزیر خارجه آمریکا و روسیه برای اجرا و موفقیت آن تلاش دارند. موضوع روز بحران سوریه تغییر از فاز نظامی به فاز سیاسی از طریق گفتگوهای طرفین است. تمدید مدت آتش‌بس و ادامه گفتگوهای سیاسی موضوع نشست ژنو است.

۶ـ هنوز دورنمایی برای ادامه نشست‌های سیاسی حل بحران سوریه دیده نمی‌شود. اما آمریکا برای رضایت همراهان خود در منطقه، به خصوص سعودی‌ها و رژیم صهیونیستی، طرح نظامی را به نام طرح «بی» پیش کشیده است که در آن جنگ مستقیم برای براندازی بشار اسد دیده شده است.

کارشناسان نظامی طرح جنگی «بی» را که وزیر خارجه آمریکا آن را مطرح کرده است، «تهدید» می‌شمارند که در صورت اقدام منجر به تجزیه سوریه خواهد شد.

۷ـ اتحادیه اروپا گرفتار بحران آوارگان سوریه شده و در عمل، بحران جنگ در سوریه به اروپا رسیده است. پایان بخشیدن به بحران سوریه دستور کار فوری سیاسی اتحادیه اروپا شده است.

۸ـ ادامه بحران سوریه در حالی که برای هیچ کشوری در منطقه و در سطح بین‌المللی مزایای اقتصادی و سیاسی ندارد، موجب گسترش بیشتر تروریسم تا داخل کشورهای غربی شده است. همین بحران از نگاه کارشناسان سیاسی و نظامی پتانسیل بالقوه شعله‌ور کردن جنگ بین‌المللی را در خود دارد.

۹ـ طرح سیاسی برای حل بحران سوریه، گام‌به‌گام دیده شده است، موانع آن بسیار اما تا اینجای کار توافق مسکو ـ واشنگتن برای موفقیت آن کارساز بوده است. تمکین به آراء مردم سوریه برای آینده کشور خود مورد قبول روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا شده است. کارشناسان اروپایی می‌گویند، اگر طرح مصوب شورای امنیت سازمان ملل شکست بخورد، تجزیه سوریه در دستور کار قرار خواهد گرفت.

۱۰ـ هر دو طرف درگیر در داخل سوریه، روسیه و آمریکا نیز معتقدند حل سیاسی بحران جنگی ۵ ساله، به صورت گام‌به‌گام و در فاصله چند سال آینده امکان‌پذیر است. اوباما می‌گوید، حداقل ۵ سال برای پایان بخشیدن به بحران و رسیدن به شرایط عادی زمان لازم است.

در حالی که بسیاری معتقدند، اگر بعد از ۱۸ ماه انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در سوریه انجام پذیرد، مسیر استقرار سیاسی به سرعت هموار می‌گردد.

اگرچه بشار اسد، کلید انتخابات مجلس را تا پایان اردیبهشت ماه آینده زده است. سوریه در یک کلام همچنان در میدان جنگ و صلح در چرخش است.

رئیس جمهوری، درگذشت آیت‌الله اعتمادی تبریزی را تسلیت گفت

رئیس جمهوری در پیامی، رحلت عالم وارسته حضرت آیت‌الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی از مدرسان برجسته حوزه علمیه قم را تسلیت گفت.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، متن پیام حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

رحلت عالم وارسته حضرت آیت‌الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی از مدرسان برجسته حوزه علمیه قم، موجب تأثر و تألم خاطر شد. آن فقیه فرزانه و استاد صاحب سبک، سالیان متمادی از عمر گرانقدر خویش را وقف ترویج معارف اسلامی‌و پرورش شاگردان و طلاب مکتب امام جعفر صادق (ع) کرد و آثاری ماندگار برای حوزه‌های علمیه به یادگار گذاشت.

اینجانب این ضایعه را به محضر مراجع عظام تقلید، حوزه‌های علمیه، شاگردان و ارادتمندان و بیت مکرم ایشان به ویژه فرزند گرامیشان حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا اعتمادی تسلیت می‌گویم و علو درجات آن عالم ربانی را از خداوند متعال مسألت می‌دارم.

حسن روحانی

رئیس جمهوری ویتنام وارد تهران شد

ترانگ تان سانگ رئیس جمهوری ویتنام به منظور گسترش روابط تهران – هانوی عصر دیروز با استقبال محمدرضا نعمت زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت وارد تهران شد.

به گزارش ایرنا،«ترانگ تان سانگ» Truong Tan Sang در سفر سه‌روزه به ایران قرار است با مقامات بلندپایه کشورمان از جمله رئیس جمهوری دیدار و گفتگو کند.

رئیس جمهوری ویتنام قرار است در این سفر و درباره افزایش روابط دوجانبه به ویژه در بخش اقتصادی، مالی ، بانکی و نفت و گاز با مقامات کشورمان گفتگو کند. «ترانگ تان سانگ» رئیس جمهوری ویتنام چندی پیش با استقبال از مذاکرات هسته ای ایران و گروه ۱+۵ و اجرای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، این توافق را باعث صلح و ثبات منطقه ای و جهانی دانست و بر توسعه مناسبات دو کشور در دوره جدید تاکید کرد.

وی همچنین با استقبال از توسعه مناسبات بین هانوی و تهران خواستار تقویت همکاری‌ها در بخش نفت، کشاورزی، گردشگری، تجارت و سرمایه‌گذاری شده بود.

مراسم شام شهادت حضرت زهرا(س) با حضور رهبر معظم انقلاب



مراسم سوگواری و عزاداری شام شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها با حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی و جمعی از مسئولان و هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم در حسینیه امام خمینی(ره) برگزار شد.

در این مراسم حجت الاسلام و المسلمین رفیعی در سخنانی دشمن‌شناسی و غفلت نکردن از مکرهای دشمن را یکی از توصیه‌های مهم قرآنی برشمرد و گفت: مسلمان عاقل و هوشیار، دشمنان درونی و بیرونی جامعه اسلامی را به‌درستی می‌شناسد و ضمن پرهیز از رفتاری که موجب تقویت آنان شود، از شیوه‌ها و روش های شیطانی دشمنان هم پرهیز می‌کند. وی «تخریب باور، امید و وحدت جامعه اسلامی» را از راهبردهای اساسی دشمن خواند و افزود: دشمنان دین خدا می‌کوشند بی‌دینی، غفلت و سستی را ترویج کنند و اگر موفق نشدند، آنگاه با ایجاد موانع، جامعه اسلامی را از پیمودن راه درست به دشواری بیاندازند. در این مراسم، همچنین آقای میثم مطیعی به مرثیه‌خوانی و نوحه‌سرایی در عزای حضرت صدیقه کبری سلام‌الله‌علیها پرداخت.

بنا به این گزارش، همچنین مراسم عزاداری و سوگواری شب شهادت حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها، پریشب بعد از نماز مغرب و عشاء با حضور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی، مردم دلداده‌ی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و جمعی از مسئولان کشوری و لشکری در حسینیه‌ی امام خمینی رحمه‌الله برگزار شد.

معاون اول رئیس جمهوری: برنامه سه ساله اصلاح نظام اداری در دولت تصویب شد

معاون اول رئیس جمهوری با تاکید بر این که دولت تردیدی ندارد که بخش خصوصی باید میداندار اصلی اقتصاد کشور باشد، گفت: دولت به طور کامل آمادگی دارد در یک تعامل سازنده با بخش خصوصی واقعی، موانع پیش روی تولید و سرمایه گذاری در کشور را رفع کند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری معاون اول رئیس جمهوری، دکتر اسحاق جهانگیری در جلسه شورای عالی پیشکسوتان اتاق بازرگانی، صنایع معادن و کشاورزی ایران با تسلیت سالروز شهادت حضرت زهرا(س)، از پیشکسوتان اتاق بازرگانی به عنوان صاحبان دانش و تجربه یاد کرد و گفت: این افراد گنجینه‌های ارزشمندی برای کشور هستند که باید قدر آنها را بدانیم. وی افزود: وقتی صحبت از سرمایه‌های کشور می‌شود، بیشتر افراد به منابع طبیعی کشور فکر می‌کنند، اما سرمایه‌های انسانی بسیار با ارزشتر از منابع طبیعی هستند که باید از آنها حراست شود.

معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به سفر هفته گذشته خود به استان ایلام و بهره برداری از سد سیمره، اظهار داشت: در ساخت این سد کار پیچیده مهندسی انجام شده و این باعث غرور و افتخار است که توانمندی بزرگی در مهندسی کشور شکل گرفته که قادر هستند کارهای بزرگی انجام دهند.

جهانگیری با تاکید براین که اندوخته‌های تجربی پیشکسوتان و صاحبنظران اقتصاد کشور باید تدوین شود، گفت: متاسفانه در تدوین تاریخ اقتصاد ایران ضعیف عمل شده است و اگراین تجربیات به درستی ثبت و مدون شود، بسیاری از خطاها در آینده تکرار نخواهد شد. وی با اشاره به این که در گذشته بخش خصوصی جایگاه مطلوبی در اذهان عمومی‌نداشت، خاطرنشان کرد: خوشبختانه امروز با افتخار گفته می‌شود که بخش خصوصی باید محور و مدار اقتصاد ایران باشد.

معاون اول رئیس جمهوری ادامه داد: در گذشته این ابهام همواره در کشور وجود داشت که بخش خصوصی تا چه میزان اجازه دارد که بزرگ شود.

خوشبختانه با ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ از سوی مقام معظم رهبری این ابهامات به طور کامل رفع و مشخص شد که هیچ سقفی برای کار و فعالیت بخش خصوصی در کشور وجود ندارد و بخش خصوصی باید بتواند تا هر سطحی که می‌خواهد، رشد کند.

بقیه در صفحه ۱۴

رئیس جمهوری: حرمین اهل بیت(ع) خط قرمز ماست

رئیس جمهوری در سومین همایش بزرگداشت روز شهید، با تجلیل و ستایش از مقام شامخ شهدای انقلاب اسلامی‌و دوران دفاع مقدس و صبر و مقاومت خانواده معظم این شهدای گرانقدر، تاکید کرد: شهدا به ما درس وحدت و ایثار دادند و به تمامی‌ایرانیان آموختند که ایران اسلامی‌باید پرافتخار در منطقه و جهان باشد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی با بیان این که همگان درس ایثار و خدمت به مردم و کشور را باید از خانواده شهدا بیاموزیم، گفت: همه مردم ایران وامدار خانواده معظم شهدا هستند.

رئیس جمهوری، شهیدان را قدرت بزرگ کشور و سرمایه بزرگ اجتماعی برشمرد و افزود: شهیدان راه دین، ایثار و فداکاری و دفاع از دین، اخلاق و میهن را به ما آموختند و همواره خواستار این بودند تا ما در کنار رهبری و مسئولان باشیم و با وحدت و یگانگی ایران را در منطقه و جهان پرافتخار کنیم.

روحانی با اشاره به این که شهیدان درس ایثار و شهادت را از قرآن و اهل بیت(ع) و از فرهنگ ایستادگی و مقاومت سرزمین خود آموخته‌اند، گفت: شهدا و رزمندگان ما در دوران دفاع مقدس با عشق به فرهنگ عاشورا و کربلا به جبهه‌ها رفتند و ایستادگی کردند و هیچ کس این روحیه بلند شهیدان را نمی‌تواند حس کند، مگر این که آنان را در شب عملیات دیده باشد.

رئیس جمهوری با گرامیداشت ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) ،گفت: پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) نخستین کسی که مسیر شهادت را برگزید، بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا (س) بود که برای حفظ راه پیامبر(ص) و مسیر هدایت و گفتن سخن حق ایستاد و مقاومت کرد و سختی‌ها را به جان خرید و با مظلومیت ندای خود را به گوش تمامی‌مسلمانان و آزادی‌خواهان در طول تاریخ رساند.

روحانی با بیان خاطراتی از دوران دفاع مقدس و فداکاری‌های رزمندگان اسلام ، تصریح کرد: جز عشق به اهل بیت (ع) و ایمان به خدا، رسول گرامی‌اسلام (ص)و قیامت، هیچ چیزی نمی‌تواند این قدرت بزرگ را بیافریند.

رئیس جمهوری با اشاره به دیدارهای مستمر خود با خانواده‌های معظم شهدا ،گفت: ما در این دیدارها دنیایی از معنویت و روحیه را از خانواده شهدا و ایثارگران دریافت می‌کنیم. روحانی با تأکید بر این که هیچ راهی برای جاودانگی جز ایثار وجود ندارد، گفت: کسانی که جان خود را در راه خدا تقدیم می‌کنند ،جاودانه و پایدار خواهند بود و این وعده الهی است که شهیدان زنده و نزد خدا متنعم هستند.

رئیس جمهوری با بیان این که مقام شهید لحظه به لحظه ارتقا می‌یابد و تا قیامت ادامه خواهد داشت، گفت: خداوند این مقام را به آنهایی داده که عزیزترین سرمایه خود را در راه خدا نثار کرده‌اند.

وی با بیان این که هیچ کار خیری به اندازه جهاد، ایمان، ایثار و شهادت ارزشمند نیست، اظهارداشت: روحیه والای پدران و مادران شهدا توانست فرزندانی را تربیت کند که در راه خدا و برای حفظ کشور ایثار و جهاد کنند.

رئیس جمهوری با اشاره به اهدای تابلو فرش وصیتنامه شهید کرمعلی از سوی مادر این شهید گرانقدر به وی، گفت: این بزرگترین افتخار برای من است که بهترین هدیه را در دوران ریاست جمهوری خود از دستان این مادر بزرگوار گرفتم و این هدیه را به موزه شهدا تقدیم می‌کنم تا در آنجا در معرض دید عموم قرار گیرد و همه بدانند که شهدا و خانواده معظم آنان چه روحیه بالایی دارند.

روحانی با اشاره به درخواست یکی از جانبازان ۷۰ درصد دفاع مقدس از وی مبنی بر رسیدگی به معلولان عادی کشور، گفت: انسان در برابر روحیه و عظمت جانبازان و ایثارگران مبهوت می‌شود و می‌بیند که پیام آنها این است که در راه حفظ کشور و دین و برای ملت ایران ایثارگری کرده‌اند و نه برای خودشان و ما باید درس زندگی را از این عزیزان بیاموزیم.

رئیس جمهوری با انتقاد از به وجود آمدن فضای اتهام زنی و دروغ در کشور برای تخریب جناح مقابل، گفت: ماباید‌برای به وجود آمدن فضای برادری و وحدت در کشور و عظمت و راحتی ملت ایران تلاش کنیم.

روحانی افزود: این دولت توانسته است در این دوره در کنار ملت کار بزرگی را به پایان برساند، اما عده‌ای با تنگ نظری نمی‌توانند عظمت ملت ایران و رفاه آنان را ببینند در حالی که ما همه متعلق به یک کشور و ملت هستیم و هر کس در هر منصبی باید به مردم خدمت کند.

رئیس جمهوری با بیان این که پیروزی انقلاب در ایران برای این بود که نور اسلام و اخلاق و برادری و ادب در جامعه تابیده شود، خاطرنشان کرد: انقلابی بودن به معنای مطیع خدا بودن است و ما باید درس ایثار و فداکاری برای کشور و ملت را از خانواده‌های شهدا، جانبازان و ایثارگران‌بیاموزیم.

روحانی با بیان این که ما باید همه یک هدف واحد را دنبال کنیم، گفت: شهیدان به ما اعلام کردند که اگر مسلمانی در نزدیک شما وضع دشواری دارد ،به او کمک و اگر حرم ائمه(ع) در خطر بود، از آن محافظت کنیم.

روحانی خاطرنشان کرد: ما پیش از این هم اعلام کردیم که حرمین اهل بیت(ع) خط قرمز ماست و اگر تروریست‌ها بخواهند به حرم اهل بیت (ع) تجاوز و اهانت کنند، سکوت و تحمل نکرده و ایستادگی خواهیم کرد.

رئیس جمهوری افزود: جوانان ایران نشان دادند که از ایران و سرزمین اسلام و حرم اهل بیت (ع) درهر کجا که باشد دفاع خواهند کرد و ما به جوانان خود و خانواده‌های عزیز شاهد و ایثارگر افتخار می‌کنیم که در هر مقطعی که لازم باشد، برای دفاع از اسلام و خاندان رسالت پا به رکاب هستند. روحانی افزود: ما تابع دین هستیم و از خاندان رسالت و خط رهبری دفاع می‌کنیم و به دنبال ساختن ایران عزیز هستیم و در برابر هر کس که به این کشور خدمت می‌کند، سر فرود می‌آوریم.

رئیس جمهوری با بیان این که همه تلاش این دولت این بوده است که تا حد توان در خدمت به خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان سرافراز کشور بکوشد، گفت: از ابتدای فعالیت دولت یازدهم و باوجود دشواری‌های گسترده، تأکید ما بر این بوده که بدهی خانواده شهدا پرداخت شود، هر چند ما تا ابد مدیون آنان هستیم و هر چه توان داشته باشیم، با افتخار برای خدمت به آنان کوتاهی نخواهیم کرد.

پیش از سخنان رئیس جمهوری، حجت‌الاسلام والمسلمین شهیدی معاون رئیس جمهوری و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران گزارشی را از برنامه‌ها و اقدامات انجام شده در چارچوب فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه و تکریم خانواده معظم شهدا، جانبازان و ایثارگران ارائه کرد.

همچنین در این مراسم، مادر شهید کرمعلی، تابلو فرش وصیتنامه شهید خود را به رئیس جمهوری اهدا کرد.

روحانی در سومین کنگره ملی بزرگداشت روز شهید، همچنین از چند کتاب که توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران در زمینه وصیتنامه شهیدان منتشر شده، رونمایی کرد.

نگاه

دفاعیّات فاطمی در پیشگاه تاریخ

محمدحسن اصغرنیا

در بررسی هر واقعه تاریخی و شناخت حوادث، ظروفی را باید داشت و در پژوهش به کار گرفت، ظرف زمان و ظرف مکان، تا محقق حقایق را کشف کند و سره را از ناسره بشناسد و با ژرف‌نگری و با معرفت به قضاوت بنشیند و نتایج به دست آمده را به اطلاع دیگران برساند؛ «زکوه‌العلم نشره».

زمان: دوران صدر اسلام امت؛ مکان: شهر یثرب، مدینه‌النبی واقع در جزیره‌العرب.

پیامبر رحمت و مرحمت دعوت حق را لبیک گفته است و کسانی طلایه‌دار حکومت محمدی شده‌اند! و وارثان و اوصیای حقیقی و واقعی برای حفظ مکتب و مرام نبوی و سنت مصطفوی، سکوت و سکون را انتخاب کرده‌اند. و فرزند و داماد وصی و نوه‌های رسول خاتم، تنها یادگاران این خانه کوچک که بزرگترین خانه تاریخ است مانده‌اند. و مؤمنین و معتقدان به مکتب وحی و محبّان آل‌الله هرگاه که دلتنگ می‌شوند، به حضرت حق توکل می‌کنند و به خاندان اهل‌بیت عصمت و طهارت متوسل می‌شوند:

علی الله فی کل الامور توکلی
و بالخمس اصحاب الکساء توسلی

تنها فرزند تاریخ اسلام در بیت محمدی، هدیه‌ای از طرف پدر در زمان حیاتش گرفته که به «فدک» معروف است؛ ولی برخی طرح و نقشه‌ای در سر می‌پرورانند که این بخشش نبوی را زیر سؤال ببرند و شایع کنند که پیامبران از خود ارثی بر جای نمی‌گذارند، هر چند می‌دانند در آیات مبارک قرآن، برخی از پیامبران ارث گذاشتن را برای ورثه خود تأیید کرده‌اند. غاصبان حقوق فاطمی نگرانند که این هدیه در مسیری هزینه شود که مورد قبول آنان نیست و نهال علوی را در قلوب مردم می‌نشاند و محبت سرمدی را سبب می‌شود. آنان از هر چیزی که سبب رشد جامعه شود و نقش اهل‌بیت(ع) را مستحکم‌تر کند، می‌ترسند و آگاهی و دانش‌افزایی را برنمی‌تابند. هر چند می‌دانند، مادرش خدیجه کبراست، ثروتمندترین زن دنیا و پدرش، محمد امین فخر عالم امکان، و همسر و امیر مؤمنان، مرد میدان‌های علم و عمل، رزم و جهاد و قلم و کتابت، و فرزندانش را پیامبر، جوانان اهل بهشت خوانده است. و دخترانش، زینت بابا علی (امیرالمومنین) هستند یعنی زینبین و حسنین.

در این خانه، تدین و تعقل و تفکر موروثی است و ساعتی اندیشیدن را برتر از ۷۰ سال عبادت می‌دانند. هرگاه احساس وظیفه کنند، حرکت می‌کنند و مجاهدی فی سبیل‌الله هستند. گاهی با بیان و زمانی با بنان. خطبه می‌خوانند و می‌نویسند با سرانگشتانشان و سلاح برمی‌گیرند برای اصلاح اجتماع از کژی‌هایی که منحرفین به نام اسلام و ایمان و اعتقاد و سنت احمدی در جامعه می‌خواهند ساری و جاری کنند.

الجهاد جهادان: جهاد بالبیان و جهاد بالبنان

دخت پیامبر، می‌خواهد نمونه‌سازی کند و شخصاً طرح موضوع می‌کند و دعوای حقیقی و حقوقی حق و باطل و شرک و نفاق را با خطبه فدکیّه آغاز می‌کند تا پیروان طریق فاطمی یاد بگیرند که معنای (خذالحق) چیست؟ حق را باید گفت و با ایستادن و مقاومت باید گرفت «ولو بلغ ما بلغ» حتی اگر با نوشیدن شهد شهادت باشد.

به نظر می‌رسد حافظان حدود الهی و مدافعان حریم حق و حقیقت همواره دنبال فرصتی هستند تا نقشه راه سعادت را به رهروان بیاموزند تا مقدمه سقوط ظالمان و ستمکاران فراهم شود و مفسّر عملی آیه مبارکه باشند: «وسیلعم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون».

تا درسی به فقیهان و خطیبان و دانشمندان و واعظان عملاً داده شود که آنچه می‌گویید عمل کنید اگر می‌خواهید مردم شما را باور کنند: «لم تقولون ما لا تفعلون».

نکات ذیل از عصاره کلام محمدی به خواننده و شنونده می‌فهماند که برای احقاق حقوقتان باید مانیفست اسلام را مبنا قرار دهید تا خداشناسی خودشناس شوید؛

اول از ایمان سخن می‌گوید که آدمی را از شرک و نفاق و دورویی دور می‌کند.

دوم از شکر نعمت و اقامه نماز و سپاس را از حضرت دوست می‌گوید که زمینه‌ساز آرامش فردی و جمعی است. سوم سخن از سیستم اقتصادی اسلام است که باعث تزکیه نفس افراد و زمینه رشد و بالندگی و کسب حلال است. چهارم روزه‌داری که انسان‌ها را از مشکلات دیگران مطلع می‌سازد و تصفیه‌کننده روح و جان است. و بالاخره استحکام بخشیدن به ستون‌های دین، از ریز و درشت که بذرپاشی در بهاران برای رشد اجتماع در خلوص و اخلاص و پاکدامنی و پاکدستی و تقویت اراده و اعتقاد را در دل‌ها پرورده و اقویا و انسان‌های جامعه را تربیت می‌کند و شاه بیت این قسمت از خطبه فاطمی دادگستری و عدل است که التیام‌بخش قلوب است و دل‌های مجروح را ترمیم می‌سازد و با جد و جهد و جهاد عزّت اسلام و مسلمین را در پی دارد و آخرین پیامش این است که در محکمه‌ای این چنین حاکم و والی و خلیفه‌ای که حقم را ضایع کرده است نمی‌تواند قاضی و مدعی‌العموم باشد سخن از با همه عصرها و نسل‌هاست که: «قل الحق ولو علی نفسک».

قالت فاطمه علیها سلام: فجعل الله الایمان تطهیر لکم من الشرک و الصلوه تنزیه لکم عن الکبر و الزکوه تزکیه للنفس و نماء فی الرزق و الصیام تثبیتا للاخلاص و الحج تشیید للدین والعدل تنسیقا للقلوب و طاعتنا نظاماً للمله و امامتنا امانه من الفرقه و الجهاد عزا للاسلام.

حضور آیت‌الله العظمی علوی گرگانی در بیت یادگار گرامی امام



آیت‌الله العظمی‌علوی گرگانی در بیت یادگار گرامی‌امام در قم حضور یافتند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران، ایشان در این دیدار خطاب به حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی گفتند: خدا را شاکر باشید که به شما و بیت شما عزت فراوان داده است و انشاء الله این عزت روز افزون باشد.

ایشان تأکید کردند: هیچ امری نمی‌تواند این عزت را زایل کند.

خدا را شاهد می گیرم که اینجانب به جنابعالی بسیار علاقه مندم.

آیت‌الله العظمی‌علوی گرگانی همچنین از شخصیت برجسته حضرت امام خمینی تجلیل کردند.

حجت الاسلام حمیدزاده در مراسم سالگرد ارتحال یادگار گرامی حضرت امام:

همه کوشش مرحوم حاج احمد آقا(ره)، حراست از اندیشه‌های امام راحل بود

سرویس سیاسی – اجتماعی: همزمان با شب شهادت حضرت صدیقه طاهره(س)، مراسم بیست و یکمین سالگرد رحلت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی(ره) یادگارگرامی‌امام در حرم مطهر امام خمینی(ره) با حضور اقشار مختلف مردم، یادگاران و اعضای بیت امام راحل، علما، روحانیون و شخصیت‌های سیاسی برگزار شد.

در این مراسم اعضای بیت امام از جمله حجج اسلام سید حسن خمینی، سید یاسر خمینی، سید علی خمینی، مسیح بروجردی و دکتر زهرا مصطفوی و... حضور داشتند.

آیت‌الله سید محمد موسوی بجنوردی، آیت‌الله سید علی محقق داماد، آیت‌الله صانعی، دکتر محمدرضا عارف، علی اشراقی، محمدرضا خاتمی، سید محمود علوی (وزیر اطلاعات)، سیدهادی خامنه ای، عبدالله نوری، حمید میرزاده، مجید انصاری، محمدعلی انصاری، حمید انصاری، آیت‌الله سید محمدهاشمی، حجت‌الاسلام والمسلمین کیان‌ارثی، محمدرضا تابش، طه‌هاشمی، محسن مهرعلیزاده، سید سراج‌الدین موسوی، غلامحسین کرباسچی، قدرت‌الله علیخانی، محمد مقدم، علی کمساری، محمدصادق صالحی منش، علی عسکری، علی اکبر آشتیانی و... از حاضران این مراسم بودند.

در این مراسم یکی از قاریان قرآن آیاتی از کلام الله مجید را تلاوت کرد و یکی از مداحان اهل بیت(ع) به مدیحه سرایی پرداخت.

حجت‌الاسلام والمسلمین حمید زاده هم در این مراسم گفت: امام(ره) نباید مصادره گروهی شود و امیدواریم ارشادات مقام معظم رهبری و سایر بزرگان در این باره موجب شود انقلاب قدرتمند تر و زمینه نمایش عظمت روح خدا بیش از پیش فراهم شود.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران، این خطیب دینی با بیان این که همه کوشش مرحوم یادگار امام در زندگی خویش، حراست از اندیشه امام راحل بود، اظهار داشت: جا داشت که مجلسی به وسعت ایران برای این عزیز تشکیل شود؛ گرچه قلب انقلاب در بیت امام می‌تپد و حرم امام کانون پر جاذبه ای برای همه انقلابیون و وفاداران به نهضت امام است، لذا وقتی صحبت از گرامیداشت سالگشت درگذشت حاج احمد آقا به میان می‌آید، به همه دل‌های امام باور توسعه می‌یابد.

وی با انتقاد از انعکاس نیافتن شایسته این مناسبت در شبکه‌های مختلف صدا و سیما، دومین انگیزه از برگزاری این مجلس را پاسداشت امام راحل و همدلی و همدردی با بیت بزرگ ایشان خواند و سپس به جایگاه مفهوم «حق» در نهج البلاغه امیرالمومنین(ع) اشاره کرد و با بیان این که برای علی(ع) حمایت از حق مهم بود و ایشان چهره افراد کاری نداشتند، افزود: در زمانی که پیمان شکنان در مقام دفاع از حق، ناجوانمردانه در مقابل حق خالص یعنی علی(ع) ایستادند ایشان از حق دفاع کردند.

حمید زاده همچنین درباره التقاط میان حق و باطل و هشدارهای حضرت علی(ع) نسبت به این موضوع، تاکید کرد: پس از دوران امام راحل برخی افراد امتزاج میان حق و باطل برای فروش متاع بی کیفیت خود را محور فعالیت قرار دادند و همواره نگران گذشته امام ستیزانه خویش بودند؛ در حالی که مرحوم حاج احمد آقا با این مدعیان آشنایی کامل داشت و صندوقچه اسرار انقلاب بود.



این خطیب دینی گفت: مرحوم حاج احمد آقا پل ارتباطی امام(ره) با مسئولان، چشم بینای ایشان در جامعه و گوش شنوای امام راحل هنگام گزارشات مسئولان به رهبر کبیر انقلاب بود. وی در ادامه سخنان خود با بیان این که امروز ایران به عنوان یک کشور امن تحت عنوان نظام ولایت فقیه و با همراهی امت بزرگ اسلامی‌در جهان مطرح است، افزود: همراهی مردم به گونه ای است که در انتخابات اخیر نشان دادند و مورد تجلیل رهبری انقلاب هم قرار گرفتند؛ بنابراین این انتخابات توانست یک سند زنده از موجودیت فقه سیاسی شیعه نشان دهد.

حمید زاده با انتقاد از برخی عبارات تند و اهانت‌ها علیه بزرگان و به ویژه بیت امام راحل، تأکید کرد: کسانی که بر سر سفره انقلاب نشسته اند ،نباید به خود اجازه دهند به بیت امام و بزرگان کشور دهن کجی کنند و بزرگان هم نباید چنین اجازه‌ای به آنها دهند.

وی با انتقاد از رویکرد «نؤمن ببعض و نکفر ببعض» برخی افراد نسبت به اصول نظام جمهوری اسلامی، این شیوه را جفاکارانه دانست و گفت: جمعیت کثیری که پای صندوق‌های رأی رفتند استحکام این نظام را به جهانیان نشان دادند ، لذا فضای کشور نباید مکدر شود.

این خطیب دینی با توصیه به این که انتخابات اخیر باید از لحاظ روانشناختی و جامعه شناختی مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد، رأی مردم را آری به اصلاحات و اعتدال دانست و گفت: باید اصلاحات را باور کنیم و توجه کنیم که «استصلاح» یک عنوان مهم در نهج البلاغه بوده و «اصلاح» عنوان نهضت عاشورا بود.

وی افزود: مردم در این انتخابات همدلی و همزبانی با دولت و نظام را نشان دادند و اکنون نوبت دولتمردان است که همدلی خود را نشان دهند.

حمید زاده با اشاره به نقشه‌های دشمنان و برخوردهای اخیر استکبار با حزب الله لبنان و همچنین مسأله حضور مدافعان حرم در سوریه، گفت: رئیس جمهوری ما از اعتدال و مفاهیم انقلابی در سطح جهان دفاع می‌کند و شایسته نیست سخنرانی چنین شخصیتی قطع و سانسورشود .

وی با بیان این که برخی در طول زندگی مرحوم حاج احمد آقا چشم دیدن او را نداشتند چرا که منطق ایشان منطق امروز حاج سید حسن خمینی است، تأکید کرد: امام راحل نباید مصادره گروهی و مصادره به مطلوب شود و امیدواریم ارشادات مقام معظم رهبری و سایر بزرگان در این زمینه موجب شود انقلاب قدرتمند تر و زمینه نمایش عظمت روح خدا بیش از پیش فراهم شود.

تجلیل آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی ازشخصیت مرحوم حاج سید احمد خمینی

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفتگو با پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران با تأکید بر حدّ اعلای عقلانیت، امانتداری و انسانیت مرحوم حاج سید احمد خمینی (ره)در امور انقلاب، گفت: اقدامات حاج حسن آقا از احمد آقا کمتر نیست، بلکه به روزتر شده است و به نظر من ایشان بسیار باسواد، باهوش و جامعیت دارد و مثل حاج حسن آقا، ما در تاریخ کم داریم.

آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی ، در پاسخ به سئوالی درباره شخصیت مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی یادگارگرامی‌امام ، با بیان این که حاج احمد آقا انصافاً به انقلاب، امام و همه کشور خدمت کرد، اظهار داشت: ایشان دفتر امام را سالم نگه داشت و اجازه نداد افراد ناباب در آنجا نفوذ کنند.

وی افزود: ایشان(حاج احمدآقا) مخلصانه در آنجا مراعات می‌کرد؛ در ابلاغ نظرات امام(ره)، به طور جدّی امانتدار بود و کوچکترین تخلفی را به خودش اجازه نمی‌دادو در جلسات به مسایل کشور، کاملاً آشنا و دلسوز واقعی بود.

رابط بسیار خوبی بین مسؤلان و امام راحل بود و از این جهت فکر می‌کنم خیلی خدمت کرد و این بیت را تا آخر سالم نگه داشت و همه حرف‌های امام(ره) را ضبط کردند و اکنون این‌گونه می‌بینید که اسناد و مدارک کاملاً با امانتداری وجود دارد. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: اگر این کارها را احمدآقا نمی‌کرد، این‌گونه نمی‌شد و خیلی موارد از دست می‌رفت. من فکر می‌کنم حاج احمد آقا حدّ اعلای عقلانیت، امانتداری و انسانیت را درباره انقلاب در سال‌های حیاتشان به عهده داشت.

وی در پاسخ به این سؤال که با توجه به این که برخی بیت امام را متهم می‌کنند، آیا آن مجموعه همچنان بر همان مسیر حرکت کرده است؟ تاکید کرد: بله، اقدامات حاج حسن آقا از احمد آقا کمتر نیست. بلکه به روزتر شده است و به نظر من ایشان بسیار باسواد، باهوش و جامعیت دارد و مثل حاج حسن آقا، ما در تاریخ‌مان کم داریم و لذا" دشمن طاووس آمد پر او "و طیفی نمی‌توانند تحملش کنند.

آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی گفت: شما بهترین شخصی را که دارید حسن آقا ست. ایشان این موارد را بهتر می‌داند و همه اسناد دستش هست. من با حافظه‌ام حرف می‌زنم. اما حسن آقا از روی سند می‌تواند حرف بزند. بهتر است در بیشتر مسایل با ایشان مصاحبه بگذارید، اگر شما می‌خواهید روی صحیفه کار کنید، با حسن آقا کار کنید. اگر یک جاهایی لازم شد، آن موقع پیش من بیایید.

ظریف: پیام مشارکت گسترده ایرانیان در انتخابات به جهانیان، همکاری است

وزیر امور خارجه گفت: مردم ایران هوشمندانه با مشارکت گسترده در انتخابات ۹۴ بدخواهان ایران را ناامید کردند و به جهانیان نشان دادند که باید با این کشور مذاکره وهمکاری کرد.

به گزارش ایرنا، محمد جواد ظریف روز یکشنبه در نشستی با ایرانیان مقیم نیوزیلند تاکید کرد: مردم ایران بودند که فضای تحریم علیه ایران را شکستند و شرایط را به سمت همکاری با این کشور سوق دادند.

وی با بیان این که باید از این شرایط به خوبی استفاده کرد، افزود: شاهدیم که رژیم سعودی تلاش می‌کند فضای تهدید علیه ایران را تشدید کند و حتی قیمت نفت را به حدی پایین آورد تا پشت ایران را به زمین بزنند. رئیس دستگاه دیپلماسی یادآور شد: خوشبختانه پایین آمدن قیمت نفت اتکای به درآمد نفتی را از بالای ۵۰ درصد به حدود ۳۳ درصد رساند و در واقع پشت اقتصاد سعودی و همکاران آن در خلیج فارس به زمین خورد و حال به گرفتن وام روی آورده‌اند. ظریف در بخش دیگری از سخنان خود با تسلیت شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) اظهار داشت: سالی که گذشت با شهادت دخت پیامبر اکرم(ص) آغاز شد و با شهادت ایشان پایان می‌یابد، سال آینده نیز با میلاد حضرت زهرا(س) آغاز می‌شود و امیدواریم که در سال آینده به برکت ایشان شاهد پیروزی‌ها و موفقیت‌های بیشتر مردم ایران در عرصه‌های مختلف باشیم. وی ادامه داد: در سال جاری به برکت فاطمه زهرا(س) شاهد پیروزی برجام و انتخابات بودیم چراکه مردم قهرمانان واقعی در همه صحنه‌ها هستند.

وزیر امور خارجه تصریح کرد: مقاومت، ایستادگی، هوشیاری این مردم نشان داد که هیچ ایرانی را نباید تهدید کرد بلکه در خور تکریم و سپاسگزاری هستند. وی با بیان این که ایران همواره خواهان گفتگو و مذاکره بوده است، اظهار داشت: مردم دیگران را قانع کردند که باید با ایران گفتگو کرد و ما فقط یک وظیفه تکنیکی و فنی را اجرا کردیم و هر چه است از تلاش این مردم است. ظریف در بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت بهره مندی از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور برای رشد و توسعه کشور تاکید کرد.

رئیس دستگاه دیپلماسی ایران با حضور در دفتر 'موری مک کالی' وزیر امور خارجه نیوزیلند با وی گفتگو کرد. وزیران امور خارجه ایران و نیوزیلند در این دیدار بر گسترش مناسبات دو کشوربه ویژه در عرصه اقتصادی تاکید کردند.

دکتر سجادپور: همکاری ایران و روسیه می‌تواند ثبات را به سوریه بازگرداند

دیپلمات ایرانی در گفتگو با یک رسانه روسی گفت: ایران بر این باور است که نوع دولت آینده سوریه را مردم این کشور باید تعیین کنند.

به گزارش فارس، «سید محمد کاظم سجادپور» مشاور ارشد وزیر خارجه ایران در گفت‌وگو با خبرگزاری روسی «اسپوتنیک» گفت: «بی‌ثباتی فعلی در خاورمیانه در بقیه نقاط جهان اثر منفی دارد. تروریست‌هایی از فنلاند، فرانسه، انگلیس، روسیه و آسیای مرکزی به منطقه هجوم آورده‌اند. این امر چالشی جدید و واقعیت جغرافیایی، سیاسی نوینی است که ایران اینک با آن مواجه است.

وی بازیگران فرا منطقه‌ای را آنهایی نامید که از خارج از منطقه، در خاورمیانه نقش آفرینی می‌کنند که در وهله اول آنها آمریکا، فرانسه و انگلیس و البته گروه دیگر نیز متشکل از ایران و عربستان سعودی و ترکیه هستند و در این بین عربستان کوته اندیش و نامنظم است. ترکیه نیز به خاطر مداخله در سوریه در آشوب سیاسی است.

سجادپور داعش را به طور کم و بیش بازیگری داخلی و فرا منطقه‌ای نامید و در ادامه ایران را بازیگر مستحکم و با نفوذ منطقه با سطح امنیت بالای اجتماعی و سیاسی نام نهاد.

این دیپلمات ایرانی با اشاره به حضور گسترده مردم ایران در انتخابات گفت: «میلیون‌ها ایرانی در انتخابات پارلمانی به‌صورت مسالمت‌آمیز، مطابق با قانون اساسی و بدون خشونت و درگیری که غالبا در کشورهای همسایه مشاهده می‌شود، حضور یافتند.»

سجادپور با ستودن نقش روسیه در حل و فصل تنش‌های منطقه‌ای و به ویژه حضور در کنار ایران گفت: «در حال گشایش فصلی جدید از روابط دو جانبه بر پایه احترام به هویت ملی و استقلال همدیگر هستیم. تلاش هماهنگ ما به تغییر روند جنگ داخلی سوریه کمک کرده است. کشورهای بسیاری اینک بر این باورند که روسیه و ایران می‌توانند اوضاع منطقه را با ثبات سازند.» مشاور وزیر خارجه در زمینه تفاوت دیدگاه ایران و روسیه پیرامون تروریست بودن یا نبودن یک گروه گفت: «از نظر ما هرکسی که در نبرد مسلحانه علیه دولت مشروع سوریه مشارکت دارد، تروریست است و ما با روسیه در ضرورت نبرد علیه تروریسم در سوریه هم عقیده هستیم. باور راسخ ما این است که نوع دولت آینده سوریه را مردم این کشور باید تعیین کنند.»

وزیر کشور: شورای نگهبان در اعلام صحت برگزاری انتخابات تسریع کند

سرویس سیاسی – اجتماعی: وزیر کشور از اجرای اقتصاد مقاومتی و مبارزه با مواد مخدر به عنوان ماموریت‌های نخست استانداران در سال آینده یاد کرد.

دکتر رحمانی فضلی در نشست استانداران سراسر کشور، با تقدیر از حضور با شکوه مردم در دو انتخابات مهم و سرنوشت ساز مجلس شورای اسلامی‌و مجلس خبرگان رهبری و تشکر از همه عوامل اجرایی و نظارتی برای برگزاری انتخاباتی امن، سالم و قانونی، گفت: یکی از راه‌های شکرگزاری به خاطر این موهبت بزرگ الهی ، تلاش مضاعف برای پاسخگویی به خواست‌ها و مطالبات مشروع مردم و تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی‌در همه ابعاد ، به ویژه ابعاد اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی است.

وی با تشریح روند فعالیت ستاد انتخابات کشور و تعامل مثبت با شورای نگهبان افزود: همه مسائل و موارد برگزاری انتخابات را قدم به قدم و با هماهنگی کامل از جمله تعیین اعضای هیات‌های اجرایی هر دو انتخابات و معتمدان دو هیات به طور مشترک پیش بردیم و شرایط به گونه ای پیش رفت که تعداد گلایه‌ها، اعتراضات یا تقاضای رسیدگی به نتایج انتخابات انگشت شمار و نتایج اعلام شده هم مورد توافق همگان بود.

وزیر کشور با اعلام امیدواری برای تسریع در روند اعلام صحت برگزاری انتخابات از سوی شورای نگهبان برای تداوم نشاط سیاسی در کشور گفت: انتخابات هفتم اسفند علاوه بر نظارت قانونی از سوی شورای نگهبان با بیشترین نظارت از سوی مردم، گروه‌های سیاسی و رسانه‌های داخلی و خارجی همراه بود و همگان بر حضور با شکوه مردم در انتخابات صحه گذاشتند و سلامت انتخابات را تائید کردند.

رحمانی فضلی در ادامه با بیان عملکرد مطلوب و مناسب مجموعه وزارت کشور در مواجهه با تبعات حادثه منا در کشور و کنترل هیجانات و التهابات داخلی ناشی از حادثه غم انگیز جانباختن زائران حرم امن الهی و اعزام حدودا ۲ میلیون زائر به عتبات عالیات و برگزاری راهپیمایی با شکوه اربعین حسینی در فضای امن و مدیریت خوب و آبرومند این حرکت بزرگ به ویژه در استان‌های خوزستان و ایلام ، به تشریح مهمترین ماموریت‌های استانداران سراسر کشور در سال آینده پرداخت و گفت: اجرای اقتصاد مقاومتی برای تحقق مطالبات مردم در حوزه اقتصادی ، از مهمترین اولویت‌های سال ۹۵ استانداری‌ها خواهد بود و تحقق آن بدست مدیران استانی است، چرا که بخوبی از ظرفیت‌های استان‌های محل ماموریت خود واقفند. وزیر کشور با مهم خواندن افزایش توانمندی اقتصادی کشور برای رضایتمندی مردم افزود: هر چند که اجرای برجام کمک کننده و تسهیل کننده برای اجرای طرح‌های اقتصادی در کشور است، اما به معنی رفع مشکلات نیست و برجام زمانی موثر خواهد بود که از آن به عنوان یک ظرفیت برای پیشبرد امور استفاده کنیم.

وزیر کشور همچنین با بیان این که مقام معظم رهبری بر حل معضلات مربوط به اعتیاد و حاشیه نشینی تاکید دارند، اظهار داشت: استانداران فرمایشات معظم له را در موضوع برخورد با معضلات و آسیب‌های اجتماعی ناشی از این دو پدیده به ویژه مبارزه با مواد مخدر مد نظر داشته باشند و آن را عملیاتی کنند. رحمانی فضلی بر تکریم ارباب رجوع در ادارات دولتی استان‌ها هم تاکید کرد و گفت: در همه سطوح استانداری‌ها وفرمانداری‌ها به گونه ای عمل شود که مشکلات نظام اداری رصد و با متخلفان برخورد و رضایتمندی مردم و ارباب رجوع فراهم شود.

وزیر کشور در ادامه سخنانش، نیمه دوم سال آینده را دارای فضای انتخاباتی اعلام کرد و گفت: کلید برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در سال ۹۶ از مهر ماه سال آینده زده خواهد شد و از دی ماه ۹۵ این انتخابات فضای سیاسی غالب کشور خواهد بود.

حسینعلی امیری قائم مقام وزیر کشور هم در این جلسه با اشاره به پیروزی گفتمان اعتدال در انتخابات سال ۹۲ ، از فهرست محوری و لیستی رای دادن، به عنوان شاخص‌های این دوره از انتخابات یاد کرد و گفت: مردم، احزاب، شخصیت‌های سیاسی و نخبه‌ها به مدد امید دمیده شده در کشور به شکل جدی در صحنه‌های سیاسی حضور یافتند و همان طور که شاهد بودیم انتخابات در یک فضای پر شور و با نشاط و در عین آرامش به طور کاملاً قانونی برگزار شد.

وی با اشاره به رشد مشارکت در این دوره از انتخابات نسبت به دوره قبل گفت: با مشارکت ۶۲ درصدی، ۲۲۱ کرسی در مرحله نخست تعیین تکلیف شد و ۶۹ کرسی از ۲۱ استان باقی مانده است که ۲۷ فروردین و ۱۰ اردیبهشت سال آینده برای زمان رای گیری به شورای نگهبان پیشنهاد شده و ۳۰ کرسی تهران برای نخستین بار در مرحله اول تعیین تکلیف شده است.

یادداشت

بنیادهای تمدن اسلامی (۱۰)

سیّد علی گرامیان

پیامبر اکرم کتابی آورد که در آن بیان همه چیز است. آنچه بشر از نظر فردی، خانوادگی، اجتماعی، در همه ابعاد سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی در همه زمانها و مکانها نیاز دارد، در آن آمده است: «فِیهِ تِبْیانُ کُلِّ شَیْءٍ» متناسب با ساختمان و سرشت انسان.

در اسلام، ایمان و اعتقاد وجود دارد اما اعتقاد و ایمان مبتنی بر واقعیت‌های اصیل و حقایق قطعی، به دور از خرافات و مبانی خیالی و اعتباری.

در اسلام اخلاق وجود دارد اما اخلاق اعتدالی و به دور از افراط و تفریط و دنیاگرائی صرف یا آخرت‌گرائی صرف.

در اسلام اقتصاد وجود دارد اما اقتصاد سالم و حلال به دور از رشوه و احتکار و استثمار و ربا و بهره‌کشی و اکل به باطل.

در اسلام سیاست وجود دارد؛ سیاست بر مبنای تدبیر و مشورت و احسان و عدالت و خیرخواهی و عزت و آزادی‌های معقول ورعایت حقوق انسان، فارغ از دروغ و تزویر و مداهنه و استفاده ابزاری از مقدسات.

در این قسمت، بخشی از فرمایشات رسول اکرم اسلام در حجه الوداع و سخنان جناب جعفر بن ابوطالب در دربار پادشاه حبشه را می‌آورم تا نسبت به معیارهای تمدن اسلامی بیشتر متذکر شویم.

پیامبر اکرم در حجه‌الوداع در جمع مسلمین که بیش از یکصد هزار نفر می‌شدند خطبه مفصلی خواندند که در بخشی از آن فرمودند:

«یَا أَیُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّکُمْ وَاحِدٌ، وَإِنَّ أَبَاکُمْ وَاحِدٌ، کُلُّکُمْ بَنُو آدَمَ، وَآدَمُ مِنْ تُرَاب، إِنَّ أَکرَمَکُم عِندَ اللهِ أَتقاکُم، لا فخر لِعَرَبیٍّ عَلَی عَجَمِیٍّ و لالِلاحمَرِ عَلَی الاَسوَدِ الّا بِالتّقوی.»

ای مردم! خدای شما یکی است، پدر شما یکی است. همه شما فرزندان آدم هستید، عرب بر عجم و سرخ بر سیاه فخر و برتری ندارد مگر به سبب تقوی؛ هیچ نژادی بر نژاد دیگر برتری ندارد مگر به تقوی؛ مقیاس فضیلت تقوی است نه چیز دیگر، مقیاس فضیلت، عرب بودن، عجم بودن، شرقی بودن و غربی بودن نیست، هر که با تقوی‌تر باشد نزد خدا گرامی‌تر است، عیار انسانیت او بیشتر است و به همین دلیل ارزشش بیشتر است.

سبب اینکه مردم ایران به خاندان علی علیه السلام گرویدند، این بود که از بعضی کسان که به نام اسلام حکومت می‌کردند، تعصب نژادی دیدند که آن بر خلاف روح اسلام است. اسلام برای این نیامده که ملتی را برگردن ملت دیگر سوار کند، اسلام آمد که همه ملت ها را آزاد کند، همه افراد را آزاد کند، استعمار و استثمار را به هر اسم و به هر رسم که باشد، از بین ببرد. روح اسلام را در علی بن ابیطالب دیدند، دیدند او همانگونه بود که اسلام هست، اولاد او مثل او همانگونه بودند.

در جملات دیگری که حضرت در آن خطبه فرمودند، یکی این بود:

«اَیُّهَا النّاسُ انَّ دمائَکُمْ وَ اَموالَکُمْ وَ اَعْراضَکُمْ عَلَیْکُمْ حَرامٌ کَحُرْمَه یَوْمِکُمْ هذَا فی شَهْرِکُمْ هَذا فی بَلَدِکُمْ هذا انَّ اللهَ حَرَّمَ الْغیْبه کَما حَرَّمَ الْمالَ وَ الدَّمَ»

ای مردم! خون‌ها و اموال و آبروی شما بر یکدیگر محترم است مانند احترام امروز و این ماه (ذی الحجه) و این شهر (مکه)، خداوند حرام کرده است غیبت را همان‌گونه که حرام کرده است (تعرّض به) مال و خون را.

پس اگر شما با هم درگیر شوید، چهره هم را بخراشید، یک قطره خون مسلمانی را از تنش جاری کنید، به یکدیگر سنگ و چوب و چاقو و گلوله بزنید؛ گناه کبیره مرتکب شده‌اید و بزرگترین محرمات الهی را در هم شکسته‌اید، چنانکه حرمت عرفه و ذی‌الحجه و مکه را در هم شکسته‌اید و حرمت دین اسلام را از بین برده‌اید.

اگر شما به مال یکدیگر تجاوز کنید، حقوق یکدیگر را بدون کم و کاست ادا نکنید، اگر در خانه‌ای، در زمینی، در دکانی، در آبی، در معامله‌ای، در ارثی و در شراکتی ستم کنید، حق دیگران را ندهید، کار را بر دیگران مشکل کنید، قانونی وضع کنید که افراد را گرفتار کنید؛ چنان است که حرمت کعبه و عرفه و ذی‌الحجه را از بین برده‌اید. حرمت یکدیگر را حفظ کنید تا قوی ومحترم باشید.

پیامبر فرمودند: من آمده‌ام تا شما را نجات دهم، آمده‌ام تا شما را آزاد کنم اما این نجات و آزادی تا روز قیامت باید باشد. من‌که تا روز قیامت در میان شما نیستم، اما تعلیمات من در میان شما هست.

در کتاب «الشفاء فی تعریف حقوق المصطفی» که مؤلف آن قاضی عیاض یکی از علمای بزرگ اهل سنت است، از حضرت علی علیه‌السلام نقل می‌کند که حضرت می‌فرمایند: از پیامبر (ص) پرسیدم سنت و طریقه شما چیست؟ چه روشی در راه خدا دارید؟ پیغمبر (ص) فرمودند:

«الْمَعْرِفَه رَأسُ مَالِی» سرمایه کار من معرفت است و دانائی، سرمایه کار من ریاست نیست، پول نیست، ملک نیست، متاع جهان نیست، بلکه معرفت است و دانائی.

«وَ الْعَقْلُ أَصْلُ دِینِی» اصل و اساس و ریشه دین من عقل است و خرد، این دین مردم را دعوت می‌کند به آنچه عقل دعوت می‌کند.

«وَ الْحُبُّ أَسَاسِی» بنیاد کار من بر محبت است، می‌گویم مردم یکدیگر را دوست داشته باشند، کینه‌ها از سینه‌ها باید بیرون برود، مردم باید با هم برادر باشند، به هم محبت کنند، به هم خیر برسانند، برای هم منشأ شر و فسادنباشند.

«العِلمُ سِلاحِی» سلاح من در مقابل مخالفین علم است و محبت، دلیل است و برهان، دشنام نیست. اگر می‌بینید گاهی به امر من، یاران من شمشیر کشیدند و جنگیدند آن برای دفاع ؛ یا دفاع پیشگیرانه بوده است یا اینکه دشمنان در برابر حق سد و مانع می‌شده‌اند و الا سلاح من در برابر مردم غیرمعاند علم است و منطق، برهان است و موعظه حَسَنه «و الصَّبرُ ردائی» ردا و کسوت من و پوشش و جامه‌ام، جامه صبر و ثبات و ضبط نفس و حلم و وقار است.

«قرّه عینِي فِی الصلوه» روشنی چشم من در نماز است و در روایت دیگر چنین آمده: « ثَمرهُ فُؤَادِی ذکر الله» ثمره قلب من یاد خداست .

«و غمّی لأجل أمّتی» و اندوه من غم امت است، می‌خواهم امتم سعادتمند و سربلند باشند، چون من رسول آنهایم و پیشوای آنها، میل دارم آنها از همه ملتها بهتر باشند. نه اینکه برای ملت‌های دیگر خوبی نمی‌خواهم. برای همه خوبی می‌خواهم، اما باید اینها که پیرو من هستند، سعادت و خوبی را به دیگران نشان دهند. زیرا برنامه سعادت و خوشبختی بشر کتابی است که من از جانب خدا آورده‌ام، اینها باید سرمشق باشند و نمونه عملی باشند برای مردم دیگر تا دیگران به وسیله اینها، راه دین خدا را پیدا کنند. شما به من اقتدا کنید و آنها به شما اقتدا کنند :«لَقَد کانَ لَکُم فی رَسولِ اللهِ اُسوَه حَسَنَه».

اکنون شرایط مسلمین چگونه است؟ ما با دین اسلام و دین سِلمُ و صفا و مهر و وفا چه کرده‌ایم، به افغانستان، پاکستان، عراق، عربستان، یمن، بحرین، سوریه، لیبی، مصر، سومالی، سودان، تونس، القاعده، بوکوحرام، داعش، النصره و احرارالشام نگاه کنید، به کشته‌های بر خاک و خون غلتیده، خانه‌های خراب شده و زنان و کودکان آواره مسلمانان نگاه کنید، چرا؟

انسان شرم می‌کند از گفته خانم مرکل صدراعظم آلمان که گفته: هند و چین نزدیک به ۲/۵ میلیارد نفر جمعیت دارند و ۱۵۰ خدا و ۸۰۰ عقیده متفاوت، اما کنار هم با صلح زندگی می‌کنند؛ مسلمانان یک خدا و یک پیامبر، یک دین و یک کتاب دارند، ولی خیابانهایشان سرخ شده از خون یکدیگر است، قاتلش می‌گوید الله اکبر، مقتولش هم می‌گوید الله اکبر، کشته‌های دو طرف شهید نامیده می‌شوند و این درد است که متوجه نشدیم دین چیست؟

او در سخنی دیگر هم گفته بود، وقتی آوارگان سوریه و عراق و افغان و میانمار به آن سامان سرازیر شدند، او گفت ما به فرزندانمان می‌گوییم مسلمانان به اینجا روی آوردند درصورتی که مکه نزدیکتر بود. چه کسی باید شرمنده باشد؟ علمای مسلمان یا سردمدارانشان؟ علت این همه بدبختی و جنایت آن هم به نام دین چیست؟ یک چیز: جهالت و شیطنت. جاهلان در دام شیطان افتاده‌اند (استکبار جهانی و نوکران جاه‌طلب منطقه‌ای آنها) و به نام اسلام علیه اسلام و مسلمانان شمشیر کشیده‌اند، همان دو قشری که کمر پیامبر را شکسته‌اند: جاهلان دیندار و عالمان بی‌دین.

برگردیم به اصل سخن؛ وقتی فشار مشرکین مکه بر مسلمانان شدید شد، ناچار شدند یک دسته هشتاد و چند نفری خانه و کاشانه خودرا در مکه رها و به حبشه مهاجرت کنند. مشرکین دو نفر فرستادند نزد نجاشی پادشاه حبشه که اینها را برگردانند، این دو نفر به نجاشی گفتند: پادشاها !عده‌ای از جوانهای نادان و کم‌خرد ما دین پدران خود را رها کرده و به دین شما هم داخل نشده‌اند، دین دیگری را خودشان اختراع کرده‌اند. اینها مسکن و دیار خود را رها کرده و به کشور شما آمده‌اند. بزرگان اینها و اشراف قبیله، ما را فرستاده‌اند خدمت شما تا تقاضا کنیم این عده گمراه را به ما تسلیم کنید تا برگردانیم به خانه‌ها پیش پدران و مادران خودشان. پادشاه حبشه که مرد دوراندیشی بود، گفت: تا خودم اینها را نبینم و سخن آنان را نشنوم، نمی‌توانم به تقاضای شما جواب مثبتی بدهم. آنان را احضار کردند و از آنها پرسید چرا دیار خود را ترک کرده و به اینجا آمده‌اید و چه دینی آورده‌اید؟

جعفر بن ابیطالب برادر امیرالمومنین علی (ع) میان آنها بود، گفت :ایها الملک! ما مردمی بودیم اهل جاهلیت. دین نداشتیم، قانون نداشتیم، ادب نداشتیم، اخلاق نداشتیم، مانند جماعتی از وحوش گرد هم آمده بودیم، مردار می‌خوردیم، مال یتیم را می‌ربودیم، به زنان عفیف نسبت ناروا می‌دادیم، به نوامیس یکدیگر تعرض می‌کردیم، خون یکدیگر را می‌ریختیم، نه به خدا توجه داشتیم و نه به عزت و شوکت دنیوی، به خودمان توجه داشتیم. به جای اینکه به یکدیگر کمک کنیم، لقمه‌ها را از یکدیگر می‌ربودیم «وَیَاکُلُ القَّوِی مِنا الضَعیف» قوی ما ضعیف را می‌خورد. این وضع ما بود تا خدا در میان ما پیغمبری را برانگیخت که نسب او را می‌شناختیم، صدق و امانتش را می‌شناختیم. او ما را دعوت کرد که فقط خدا را پرستش کنیم، سنگها و مجسمه‌ها همگی را به دور اندازیم، دلها و فکرهای ما همه یکی شود، خون ما را بر یکدیگر حرام کرد، مال ما را بر یکدیگر حرام کرد، ناموس ما را بر یکدیگر حرام کرد، ما را از خوردن میته و ربا و رشوه نهی کرد، ما را به نماز و روزه و زکوه و صدقات امر فرمود، ما را امرکرد که به یکدیگر نیکی و احسان کنیم.

بقیه در صفحه ۱۴

دکتر پورنامداریان: شعر معاصر، وضع مناسبی ندارد



در ادامه سلسله نشستهای کتابفروشی آینده در بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و با همراهی مجلهٔ بخارا، چهل و هفتمین نشست به دیدار با دکتر تقی پورنامداریان شاعر و محقق زبان و ادبیات فارسی اختصاص داشت.

در این نشست دکتر سید مصطفی موسوی سخنانی در وصف فعالیت های علمی و تحقیقاتی و اخلاقی دکتر پورنامداریان ایراد نمود. وی در بخشی از سخنانش گفت : در این سال‌هایی که با استاد در تصحیح و شرح مخزن‌الاسرار کار می‌کردم خیلی چیزها یاد گرفتم. تجربه‌های جالبی برای من بوده است. تا جایی که من برخورد کردم پس از طرح مطالب به نتیجهٔ تحلیل و طرح مسائل می پردازند و نظر خود را بیان می‌دارند. تغییر این نظر بسیار دشوار است و با هم بحث می کنیم ولی به محض دریافت نظر جدید و درست‌تری، تغییر عقیده می‌دهند. بارها پیش آمده که بیتی را خوانده‌ایم و توضیح دادند و من را مجاب کردند اما بعد گفتند که می توانیم این را با دید متفاوت از نظرات مطرح شده و نتایج قبل بخوانیم و ببینیم.

در ادامهٔ این نشست دکتر مریم مُشرّف به گفتگو با دکتر تقی پورنامداریان پرداخت و دکتر نامداریان در بخشی از این گفت‌وگو اظهار داشت: کتاب تأملی در مورد شعر احمد شاملو که بعدها سفر در مه نام گرفت، یادگار تکلیفی است که آقای دکتر شفیعی کدکنی به من دادند. زمانی که شاگرد ایشان بودم خیلی ها شاملو و نیما را شاعر نمی دانستند. هیچگاه در نوشته هایم تحت تأثیر یک نظریه مطلبی را نمی نویسم. اول سعی دارم که آن نظریه را جذب کنم و بفهمم و بعد خود فکرم را پیاده می کنم و آثاری را که خواندم تنها به عنوان شاهد برای صحت سخنانم می‌آورم. کتاب رمز و داستان‌های رمزی یک کنجکاوی بود که من نوشتم.

وی در بخش دیگر از گفته‌هایش با انتقاد از وضع دانشگاه‌ها گفت: فکر می‌کنم برنامه‌هایی که در سیستم تدریس دانشگاه تغییر کرده است هیچ یک با مطالب اصلی سر و کار ندارند و بیشتر در جهت این است که بتوانند از راه ادبیات درآمدزایی کنند. وقتی ادبیات تبدیل به دکان شود باید فاتحهٔ این رشته را خواند. امیدواریم با کوشش جناب دکتر شفیعی کدکنی که در نظر دارند، برنامهٔ دکتری را تغییر دهند به نتایج خوبی برسیم.

وی همچنین درباره شعر و وظایف آن نیز گفت: شعر ما در واقع دو هدف دارد یا می خواهد با انتقال به دیگران عاطفه را برانگیزد مثل حماسه که می خواهد حس سلحشوری و میهن پرستی را برانگیخته کند یا ادبیات تعلیمی مثل بوستان سعدی است که قصد تعلیم دارد. اما شعر غنایی بیان احساسات و عواطف شخصی است. یعنی می‌خواهد احساسات خود را بیان دارد و دیگران به عنوان یک انسان می توانند شعری را بخوانند و تحت تأثیر قرار گیرند اما هدف برای سرودن شعر «خود» شاعر است. مخاطب شعر غنایی «من» شاعر است. اما مخاطب شعر غیرغنایی دیگران هستند. بنابراین در شعر غنایی که مخاطبش خود شاعر است، زیبایی‌ها اوج می گیرد. انتقال فرهنگ از راه‌های دیگر هم امکان‌پذیر است. در قدیم به خاطر نبودن رسانه‌های جمعی و سواد، امکان تکثیر اثر نبود و شعر هنر شنیداری به شمار می‌رفت و شاعر وقتی شعری می‌سرود، از سطح سواد و تعداد مخاطبان خود آگاهی داشت و ممکن بود این حماسه و بخش تعلیمی هم باشد و قصد داشت مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد. امروزه با وجود رسانه‌های جمعی، امکان تکثیر اثر و همینطور بالا رفتن سطح سواد مخاطبان، شعر تبدیل به هنر دیداری شده است.

دکتر نامداریان در پاسخ به این پرسش که شعر معاصر را در چه وضعی می بینید؟ گفت: در وضع افتضاح! با این اشعاری که امروزه پیدا شده هر چه دوست دارند می گویند. در جایی تدریس می کردم گفتند که خانمی در مورد شعرهای دههٔ هفتاد نظراتی داده اند. گفتم که خودش برای دیدار من بیاید. جلسه ای داشتیم و هر چه از او می پرسیدم و حتی دلیل جمله ای که به کار برده بود را نمی دانست. می‌گفت پنجاه سال بعد اشعار ما را می‌فهمند. می‌گفتم جمله‌ای که از نظر دستوری به کار بردی غلط است و می گفت که شاعر باید بر دستور حاکم باشد نه دستور حاکم بر شاعر! اگر اینگونه باشد پس چه کسی شاعر نیست.

دادائیست ها همین کارها را می‌کردند و کلمات روزنامه را می‌بریدند و کنار هم می گذاشتند و می‌گفتند ما شاعریم. شما هیچوقت گزارهٔ بی‌معنی نمی‌توانید بسازید. گزارهٔ بی‌معنی در زبان وجود ندارد. وی همچنین درباره شعر سپید گفت: شعر شاملو را قبول دارم. امروزه همه شعر سپید می‌گویند منتهی سپید سپید می‌گویند! فکر می‌کنم گاهی نمی‌شود موضوعی را با شعر موزون گفت و اگر بگویید ارزشش کم می‌شود شاید این برای ضعف شاعری باشد اما گاهی برخی اشعار را که می‌خوانم، گمان می‌کنم که اگر موزون می گفت چه اتفاقی می‌افتاد و فکر می‌کنم آن هم شکلی است که شکل خودش را دارد.

یادداشت

جانا سخن از زبان ما می گویی

افشین علاء



سخنان یادگار گرامی امام در آیین اختتامیه جشنواره شعر یار و یادگار، حاوی نکات دقیق و ظریفی بود که کمتر کسی به آنها پرداخته است. ضرورت انعکاس مسائل و معضلات روزگار ما در شعر شاعران از جمله نکات برجسته سخنان ایشان بود.

البته ایشان قبلا هم به بنده توصیه کرده بودند به سرودن اشعاری با مضامین اجتماعی روز، ادامه بدهم و از ملامت‌ها و انکارها بیم نداشته باشم. درست در زمانی که بسیاری از منتقدان اشعار سیاسی من، اعم از مخالفان و حتی دوستان نزدیک، به ملامت من مشغول بودند که چرا ساحت شعر را به مضامین گذرا بویژه تجلیل یا انتقاد از بزرگان اختصاص می‌دهم!

بدیهی است که من درمواجهه با چنین انذارهایی،گاه مکدر و ملول می‌شدم و گاه انگیزه سرودن این اشعار را از دست می‌دادم آنهم درشرایطی که توقع تقدیر بابت از خودگذشتگی و ترک برج عاج‌نشینی و ورود به ساحت نه چندان امن سیاست را لااقل از جانب دوستان داشتم. چرا که اگر برای پیوند مجدد بین بزرگان و پیشکسوتان، نفی اراده اختلاف‌افکنی بین انقلابیون، تجلیل از سیاسیون آزاده‌ای که بر سر عهد خود با انقلاب و مردم پایمردی کرده وایستاده‌اند، و بسیاری از مظلوم‌واقع‌شدگان سالهای اخیر با گرایشهای متفاوت سروده‌ام، به وظیفه‌ام عمل کرده‌ام. انجام وظیفه‌ای که از قبل آن نه به جاه و متاعی رسیده‌ام و نه قدردانی دیده‌ام. در این میان اما یادگارگرامی امام از معدود کسانی بود که با تقدیر، و گاه نقدهای لازم به ادامه این راه تشویقم کرده است.

یادآوری فضای حاکم بر اشعار دوره مشروطه که درآنها، وقایع روز ترسیم شده است، ازنکات مهم دیگری است که ایشان اشاره هوشمندانه‌ای به آن کرده‌اند. من نیز به دلایل عدیده‌ای که انشاءالله در مجالی دیگر به آن خواهم پرداخت، به شباهت شرایط جریان موسوم به شعر انقلاب، با دوران مشروطه باور دارم.

خواهشم از دوستان دیگر بویژه اساتید، این است که یا با نقد جدی و مستدل به این ادعا واکنش نشان دهند،یا اگر به هر دلیل التفاتی به اینگونه اشعار ندارند از انکار و انذارصرف نیز حذر کنند، تا لااقل خستگی حاصل از تنهایی در این حیطه، مضاعف نگردد!

خوشبختانه سخنان حاج حسن آقا بهانه‌ای شد برای این درد دل کوتاه! در پایان بار دیگر به دعوت ایشان لبیک می گویم و عرض می‌کنم: جانا سخن از زبان ما می گویی...

انسان پاک خویشتن عیسی کند همی



آیت‌الله علی کاظمی‌اردبیلی

انسان پاک، خویشتن عیسی کند همی
با یک نگاه، کارِ مسیحا کند همی
توفیق خدمت از حق منّان لم یَزِل
دارد اگر چه باز تمنّا کند همی
راهی به اندرون دل یار خویشتن
با اشک و قلب سوخته پیدا کند همی
تن گرچه بر زمین زده چنگال خویشتن
جان لیک، قصد عالم بالا کند همی
هرگز توجّهی به ظواهر نمی‌کند
پیوسته فکر عالم معنا کند همی
با ناخن علوم و معارف، مثال پیر
از لطف حقّ، حلِّ معمّا کند همی
خویش از ضمیر خویش فراموش می‌شود
پرهیز، یکسر از من و از ما کند همی
بر تن توجّهی نکند هم به میل تن
جان را به حدّ خویش، توانا کند همی
دوری کند ز صحبت جهّال، روز و شب
خود را غلام مردم دانا کند همی
بر دردمند، شفقت و رأفت نشان دَهد
درد ورا به عشق، مداوا کند همی
شبهای تار و تیره که هنگام خلوت است
در موقف عبادت خود جا کند همی
دلهای مرده را ز عنایات ذات حق
با یک توجّهی همه احیا کند همی
فرعون نفس گر ره طغیان، بسپرد
غرقش به رود نیل، چو موسی کند همی
در وقت بامداد و به هنگامهٔ غروب
حق را در آفتاب تماشا کند همی
شام و سحر که موقع اوراد خواندن است
لب بر ثنا و شکر خدا وا کند همی
فکر و تأمّلی که خدا خویش گفته است
در جلوه‌های خالق یکتا کند همی
گنج نهان سیم و زر و ملک و مال را
بر اهل فقر و مسکنت اهدا کند همی
اندر تجلیّات خداوند ذوالجلال
بیند که ذات حقّ، تجلّی کند همی
بر دارِ آخرت کند اقبال، یکسره
ادبار هم به عالم دنیا کند همی
چون کاظمی ز لطف و عنایات کردگار
تکیه به عشق عترت طاها کند همی

رئیس ایکوم ایران انتخاب شد



در رای‌گیری هیات انتخاب ایکوم (کمیته ملی موزه‌های ایران) سیدمحمد بهشتی بار دیگر به عنوان رئیس ایکوم ایران انتخاب شد.

به گزارش ایسنا، در رای‌گیری هیات اجرایی ایکوم ایران که هر سه سال یک‌بار برگزار می‌شود، سیدمحمد بهشتی با ۱۰۶ رای، سیداحمد محیط طباطبایی با ۱۰۶ رای، محمدحسن طالبیان با ۱۰۰ رای، علیرضا قلی‌نژاد با ۱۰۰ رای، کوروش کمالی سروستانی با ۹۶ رای، اردشیر صالح پور با ۱۰۰ رای و فرزانه قائنی با ۹۴ رای به عنوان هیأت اجرایی ایکوم و الهه اولیایی زاده به عنوان بازرس این کمیته انتخاب شدند.

سیدمحمد بهشتی برای چهارمین‌بار به عنوان رئیس ایکوم ایران انتخاب شده است. برای انتخاب ریاست ایکوم، مانند انتخابات ریاست جمهوری، هر رئیس امکان انتخاب شدن در دو دوره متوالی و پشت سرهم را دارد.

بهشتی در این جلسه اظهار کرد: بهار موزه داری در جامعه ایران در حال شکل گیری است، وقتی که تعادل پایدار در جامعه برقرار باشد، موزه‌ها جایگاه، نقش و تأثیر خودشان را به خوبی آشکار می‌کنند.

او با اشاره به داوطلبانه بودن فعالیت‌های ایکوم نیز بیان کرد: ایکوم بر اساس نقشی که به عهده دارد تا به امروز مُحرک خوبی برای ارتقای موزه‌ها بوده و توانسته فعالیت‌های موزه‌ای را رونق بخشد.

وی با بیان اینکه جامعه ایران هم اکنون به سمت تعادل پایدار حرکت می‌کند، افزود: وقتی که تعادل پایدار در جامعه برقرار باشد، موزه‌ها جایگاه، نقش و تأثیر خودشان را به خوبی آشکار می‌کنند. همچنین زمانی‌که جامعه به مرحله جدیدی وارد شود نقش موزه‌های موجود و ضرورت پیدایش موزه‌های جدید نمایان می‌شود .

رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری با اشاره به این نکته که بهار موزه‌داری در حال شکل گیری است، اظهار کرد: تا پیش از این تنها در جمع خودمان از موزه‌ها و موزه‌داری سخن می‌گفتیم، اما دراین شرایط این حوزه عمومی‌تر شده و در این صورت است که ضرورت وجود تشکل‌هایی مانند ایکوم مشخص می‌شود.

بهشتی گفت: در گذشته تنها بر اساس نیاز خودمان فعالیت می‌کردیم، اما با فراهم شدن شرایط و محیط بیرونی فضای مساعدی برای فعالیت یک چنین تشکل‌هایی ایجاد شده است.او با تأکید بر فعال شدن اعضای ایکوم افزود: باید به استقبال شرایط جدید رفته و کمیته‌هایی زیر مجموعه کمیته اجرایی ایکوم تشکیل دهیم، تا فعالیت‌ها گسترده‌تر شوند.وی گفت: همه‌ی اعضای ایکوم باید با ذوق و ابتکار در ایجاد ساختار این نهاد فعالیت کنند و فعالیت‌شان به شرکت در جلسات و برگزاری انتخابات ختم نشود.بهشتی بیان کرد: در سال ۹۵ فعالیت‌های اعضای ایکوم به سمتی برود که آغوش‌شان را به سوی تحولی که در جامعه و مفهوم موزه‌داری اتفاق می‌افتد، باز کنند.

در ادامه این نشست، سیداحمد محیط طباطبایی، قائم مقام ایکوم ایران به ارائه گزارشی از فعالیت‌های این نهاد در سالی که گذشت پرداخت و گفت: اقدامات صورت گرفته در سه حوزه دبیرخانه، خزانه‌داری و فعالیت هیأت اجرایی انجام شده است. او برگزاری آیین رونمایی کتاب برگزیده آثار نقاشی استاد ناصری پور از اعضای قدیمی ایکوم ایران درموزه هنرهای معاصر، معرفی شاخص‌ها و چگونگی حضور فعال موزه‌ها در گزینش انتخاب موزه برتر، صدور بیانیه در محکوم کردن اقدامات ضد بشری داعش در شهر و موزه موصل درموزه ملی ایران، برگزاری ده‌ها نمایشگاه و رویدادهای موزه‌ای را از فعالیت‌های شاخص کمیته موزه‌های ایران اعلام کرد.

طباطبایی مشارکت در اجرای پروژه گامی به سوی موزه‌های سبز در کشور، امضای تفاهمنامه میان ایکوم ایران، ایکوم و ایکوموس ارمنستان، امضای تفاهمنامه میان ایکوم ایران، ایکوم ترکیه و موسسه «یونس امره» ترکیه و رونمایی دو کتاب «الیما» و «تاریشا» را از دیگر اقدامات ایکوم عنوان کرد . وی افزود: با ارایه کارنامه فعالیت های ایکوم ایران در سه سال گذشته و جلب نظر هیأت رئیسه شورای بین المللی موزه قرار شد سال آینده در روز جهانی موزه ها همزمان با ۲۹اردیبهشت رئیس ایکوم جهانی پنج روز مهمان ایران باشد .

قائم مقام ایکوم گفت: انجام هماهنگی به منظور برگزاری کارگاه های آموزشی از طریق دعوت از کارشناسان و اساتید مجرب بین المللی در حوزه های مختلف فعالیت های مرتبط با موزه به جهت ارتقای سطح کیفی اعضا و موزه داران و علاقمندان به موضوع موزه در کشور از برنامه های در پیش رو است .

درادامه علیرضا قلی نژاد به ارایه گزارشی از بخش خزانه داری کمیته موزه های ایران پرداخت و گفت :امسال تعداد اعضای ایکوم به ۱۳۷نفر و ۴موسسه رسیده است در حالی که در سال قبل ۸۸ عضو انفرادی و دو عضو موسسه ای داشته‌ایم.

تفاهمنامه همکاری بین موزه هنرهای معاصر تهران و موزه ملی ارمنستان



سرپرست موزه‌ی هنرهای معاصر تهران و رئیس موزه‌ی ملی ارمنستان، تفاهم‌نامه‌ی همکاری بین دو موزه را امضا کردند.

به گزارش سرویس هنرهای تجسمی ایسنا، این تفاهمنامه در حاشیه برگزاری نمایشگاه نگارگری آثار هنرمندان ایران در گالری ملی ارمنستان توسط مجید ملانوروزی- مدیر کل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سرپرست موزه‌ی هنرهای معاصر تهران – و آرمان زادوریان –رئیس موزه‌ی ملی ارمنستان– امضا شد، که بر گسترش همکاری‌های هنری و برگزاری نمایشگاه در رشته‌های مختلف هنری تاکید دارد.

همچنین کنفرانس خبری با حضور مجید مشکی –رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ارمنستان–، مدیر کل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سرپرست موزه‌ی هنرهای معاصر تهران و رئیس موزه‌ی ملی ارمنستان برگزار شد و مسئولان هنری ایرانی و ارمنستانی درباره نقش هنر در تعاملات فرهنگی ایران و ارمنستان و نیز تأثیر فعالیت‌های هنری در ایجاد صلح و ثبات در دنیای کنونی گفتند و بر توسعه ارتباط و تعامل فرهنگی، هنری تاکید کردند.

نمایشگاه آثار نگارگری و تذهیب هنرمندان ایرانی جمعه ۲۱ اسفندماه در گالری ملی ارمنستان با حضور روسای موزه هنرهای معاصر تهران و موزه ملی ارمنستان افتتاح شد که تا ۲۳ فروردین ۱۳۹۵ ادامه دارد.

نمایش آثار نقاشی «ویونا وژد» در نیاوران

پنجمین نمایشگاه آثار نقاشی «ویونا وژد» با عنوان «راز نهان» از ۲۴ اسفند ۹۴ تا ۱۵ فروردین ۹۵ در کافه گالری نیاوران به تماشا گذاشته می‌شود.

علاقه‌مندان می‌توانند برای تماشای این آثار همه روزه از ساعت ۱۰ تا ۲۲ به نشانی انتهای پاسداران، فرهنگسرای نیاوران کافه گالری نیاوران مراجعه کنند.

عیادت پرستویی و میر کریمی از استاد عزت الله انتظامی

رضا میرکریمی و پرویز پرستویی با حضور در منزل عزت‌الله انتظامی، از این بازیگر سرشناس عیادت و از او برای حضور در مراسم اکران نسخه تصحیح شده‌ی فیلم «گاو» دعوت کردند.

به گزارش ایسنا، سیدرضا میرکریمی (مدیرعامل خانه‌ی سینما و دبیر سی‌وچهارمین جشنواره‌ی جهانی فیلم فجر)، پرویز پرستویی و کیوان کثیریان (مدیر ارتباطات و اطلاع‌رسانی جشنواره) شنبه ۲۲ اسفند با حضور در منزل عزت‌الله انتظامی، بازیگر پیشکسوت سینما و تئاتر از «آقای بازیگر» عیادت کردند.

در این دیدار که انتظامی و پرستویی خاطراتشان را هم مرور کردند، تابلویی از پوستر جشنواره جهانی فیلم فجر –که عکس عزت‌الله انتظامی در فیلم «گاو» بر آن نقش بسته– برای یادگار به او هدیه شد.

میرکریمی در ابتدای این دیدار درباره دلایل انتخاب تصویری از فیلم «گاو» (ساخته‌ی داریوش مهرجویی) به عنوان پوستر جشنواره گفت: این فیلم اولین جایزه بین‌المللی بازیگری را برای سینمای ایران به ارمغان آورده و از آثار شاخص و ماندگار تاریخ سینمای ایران است. دوست داشتم در این جشنواره، فیلمی را به مخاطب بین‌المللی معرفی کنیم که برای ما افتخار آفرین بوده است.



دبیر جشنواره جهانی فیلم فجر با بیان اینکه در این دور از جشنواره نسخه‌ی تصحیح شده و باکیفیت این فیلم با حضور میهمانان خارجی به نمایش درخواهد آمد، از عزت‌الله انتظامی نیز برای حضور در این مراسم دعوت کرد.

عزت‌الله انتظامی نیز ضمن تشکر از میرکریمی برای انتخاب این پوستر، گفت: برای بازی در این نقش روی زندگی گاوها مطالعه کردم. یکی از دوستانم در باغش گاوی داشت و چند روزی مشغول نگاه کردن به این گاو بودم. یک شب تا صبح کنار آن نشستم و جزئیات رفتارش را نگاه و دنبال کردم. به ظرایف کارهایش آگاه شدم و زیر و بم نگاه و حرکت‌هایش برایم روشن شد.

انتظامی با یادآوری خاطره سیمرغی که برای فیلم «آژانس شیشه‌ای» به پرویز پرستویی اهدا کرده بود، گفت: پرویز اولین جایزه بازیگری جشنواره فیلم فجر را برای «دیار عاشقان» دریافت کرد، او بازیگر خوش ذوقی است. در «آژانس شیشه‌ای» هم بسیار خوب بازی کرد و بازی‌اش به یادماندنی است. بازیگر باید به قلب تماشاگر نفوذ کند و پرویز در آثارش این کار را انجام داد. حضورش در «آژانس شیشه‌ای» برجسته است. وقتی مقابل او بازی می‌کنی باید حواست جمع باشد.

پرویز پرستویی نیز که در فیلم «دیوانه‌ای از قفس پرید» با عزت‌الله انتظامی همبازی بوده است، گفت: خاطره‌ای از آن فیلم و همکاری در ذهنم باقی مانده که نشان دهنده نوع نگاه آقای انتظامی به حرفه‌شان است. یک روز صبح ساعت هفت، من، خانم نیکی کریمی و آقای علی نصیریان یک سکانس مشترک داشتیم. آقای انتظامی آن روز بازی نداشتند، اما دیدم صبح زود به لوکیشن آمده‌اند. گفتم: شما چرا این قدر زود آمدید؟ گفتند: آمده‌ام بازی علی را ببینم، برخوردی که این شخصیت در این فصل دارد خیلی مهم است. در صحنه‌ای که من و او در یکی از بخش‌های فیلم بازی داریم، نتیجه این سکانس دیده می‌شود و من باید ببینم علی چطور این فصل را بازی می‌کند.

به گزارش ایسنا، سی‌وچهارمین جشنواره‌ی جهانی فیلم فجر اول تا ششم اردیبهشت ۹۵ در پردیس سینمایی چارسو برگزار خواهد شد.

گشایش ۳ نمایشگاه تجسمی در خانه هنرمندان ایران



سه نمایشگاه آثار تجسمی از هنرمندانی چون سایه پارسایی، فرشته شاهانی، هنگامه اسدی و نوید سلطانی، در خانه هنرمندان ایران افتتاح شدند.

به گزارش روابط عمومی خانه هنرمندان ایران، در این نمایشگاه‌ها آثار ترکیب مواد، آبرنگ و طراحی و چاپ روی پارچه ارائه شده است.

در نگارخانه استاد «میرمیران» و در نمایشگاه آثار سایه پارسایی، ۵۵ اثر با تکنیک‌های مختلفی مانند ترکیب مواد، گواش، پاستل، ماژیک و ... از این هنرمند نوجوان به نمایش گذاشته شده است. این آثار، گزیده‌ای از ۵ سال فعالیت هنری سایه پارسایی محسوب می‌شوند.

همچنین نگارخانه «بهار» میزبان نمایشگاه آبرنگ فرشته شاهانی با عنوان «درختان در فراسوی نگاه من» است. در این نمایشگاه ۱۴ اثر در معرض دید عمومی قرار گرفته است . مجموعه‌ای از آثار او بر روی کاغذ کتان کاهی رنگی متعلق به ۴۰ سال پیش کار شده‌اند.

در این روز همچنین، نمایشگاه «آنا» در نگارخانه «پاییز» افتتاح شد. در این نمایشگاه ۷ اثر از طراحی‌های پارچه هنگامه اسدی و نوید سلطانی با تکنیک عکس و تکرار، در قالب تابلو و ۴ اثر نیز در قالب مبل و صندلی به نمایش در آمده است. طرح‌های این آثار از آینه‌کاری‌های کاخ گلستان الهام گرفته شده و با عنصر تکرار، شکل گرفته است. آثار این نمایشگاه در انگلیس خلق و چاپ شده‌اند.

این نمایشگاه‌ها تا ۲۶ اسفند ادامه خواهد داشت و علاقه‌مندان می‌توانند برای دیدار از این آثار، همه‌روزه از ساعت ۱۳ تا ۲۰ به نشانی خیابان آیت الله طالقانی، خیابان شهید موسوی شمالی، باغ هنر، خانه هنرمندان ایران مراجعه کنند.

برگزاری هشتمین جشنواره قند پارسی در حوزه هنری

در مراسم دو روزه «هشتمین جشنواره قند پارسی» ضمن شعر خوانی شاعران افغان، از نقش ادبیات به عنوان تجلی بخش روح و اِحساس جمعی ملت‌ها و تاثیر آن برهمگرایی، آشتی با خود و دیگران سخن گفته شد.

به گزارش ایسنا، مراسم اختتامیه «هشتمین جشنواره قند پارسی»، ویژه شعر و قصه جوان افغانستان، با حضور ادیبان‌افغانستانی و ایرانی در تالار سوره حوزه هنری برگزار شد.

در ابتدای برنامه، دکتر محمدصادق دهقان دبیر جشنواره در سخنانی گفت: در روزگاری زندگی می‌کنیم که در منطقه ما نابسامانی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به چشم می‌خورد و بازار چانه زنی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بر سر سرنوشت ملت‌های ستم دیده گرم است. در این زمانه پرآشوب، سخن گفتن از صلح دوستی، کرامت و حقوق انسانی آسان به نظر می‌رسد ولی در عمل بسیار دشوار است. او با تاکید بر این که افغانستان بیش و پیش از همه به بازسازی فرهنگی نیاز دارد، ادامه داد: این امر جز با فراهم شدن پیش زمینه‌های فکری آن از جمله دیگرپذیری و تعامل همه جانبه محقق نمی‌شود. در این میان هر از گاه فرصت‌هایی به دست می‌آید مانند انتخاب کهن شهرهای غزنین و بامیان به عنوان پایتخت‌های فرهنگی جهان اسلام که نشان دهنده ظرفیت بزرگ فرهنگی در افغانستان است اما دریغ و درد که به دلیل ناتوانی و بی توجهی دولت شاهد از دست رفتن این فرصت‌های طلایی برای حفظ بخشی از میراث کهن این سرزمین هستیم.

سپس احمد هارون نجم‌پور، معاون سفیر افغانستان در سخنانی گفت: معتقدم کارهایی که خانه ادبیات افغانستان انجام داده، کمتر از کاری نیست که سربازان نظامی در دفاع از افغانستان انجام می‌دهند. سربازان فرهنگی مخصوصا در شرایط مهاجرت، وظایف سنگینی به دوش خود دارند که این عزیزان توانسته‌اند این وظایف را به خوبی انجام دهند.

او با بیان این که سفارت افغانستان با تمام توان در کارهای فرهنگی همکاری خواهد کرد، افزود: کمتر زبانی در دنیا آنقدر که فارسی به شعر اهمیت می‌دهد، به این مقوله توجه دارد. ما در این زمینه به جایگاه‌های خوبی رسیده‌ایم و امیدوارم در زمینه داستان نیز بتوانیم آثار بهتری خلق کنیم و با ترجمه به زبانهای دیگر، مردم کشورهای مختلف را با فرهنگ و ادبیاتمان آشنا کنیم. در این مراسم علی عبداللهی، شاعر و مترجم در سخنانی گفت: به عنوان یکی از داوران، می‌توانم بگویم شعرهایی که در این دوره خواندم، شعرهایی خوب با مضامینی بکر بود. این شعرها، برآمده از واقعیات روزمره و تجربه‌های زیسته ناشی از جنگ بود؛ صداهای فردیت یافته‌ای که نوید شاعران بزرگ را می‌دهد.

هشتمین جشنواره قند پارسی امسال که با شعرخوانی شاعران جوان همراه بود، به پاسداشت جایگاه ادبی «آصف سلطان‌زاده» نویسنده برجسته این کشور پرداخت و پاسداشت جایگاه فرهنگی و تمدنی «بامیان باستان» از دیگر برنامه‌های این دوره از «جشنواره قند پارسی» بود.به گزارش ایسنا، این برنامه به همت خانه ادبیات افغانستان و با همکاری مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری برگزار شد.

کوتاه آموزشی

دانشجویان وزارت علوم صاحب رفاه کارت دانشجویی می‌شوند

رئیس صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم از ارائه "رفاه کارت دانشجویی" به دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های زیرمجموعه وزارت علوم خبر داد.

مهندس ذوالفقار یزدان‌مهر در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان اینکه "رفاه کارت دانشجویی" یا "کارت هوشمند یک پارچه دانشجویی" به عنوان یک پروژه در صندوق رفاه دانشجویان در حال بررسی است،افزود: مشاور مربوط به این پروژه بررسی های لازم را انجام داده و خدماتی که قرار است ارائه شود را با خدمات مشابه در کشورهای دیگر تطبیق داده است.

وی توضیح داد:رفاه کارت دانشجویی حدود ۲۶ نوع خدمت شامل خدمات رفاهی،ورزشی،فرهنگی، تخفیفات دانشجویی،سفر،ویزا کارت،حمل و نقل عمومی و... را ارائه می کند و پس از تصویب به دانشجویان همه مقاطع ارائه خواهد شد.

تمدید ثبت‌نام داوطلبان آزمون ورودی دبیرستانهای استعدادهای درخشان

مرکزملی پرورش استعدادهای درخشان و دانش پژوهان جوان از تمدید ثبت نام داوطلبان آزمون ورودی دبیرستان های استعدادهای درخشان تا ساعت ۲۴ روز دوشنبه (۲۴ اسفندماه) خبرداد.

به گزارش ایسنا، دانش آموزان پایه ششم و پایه‌نهم می‌توانند برای ثبت نام در آزمون ورودی مدارس استعدادهای درخشان به پایگاه اینترنتی http://www.sanaad.medu.ir/مراجعه کنند.

بر اساس این گزارش؛ کارت ورود به جلسه آزمون ده روز قبل از برگزاری آزمون از طریق پایگاه اینترنتی سناد در اختیار داوطلبان قرار خواهد گرفت.

به گزارش مرکز اطلاع رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش، بر این اساس؛ آزمون ورودی پایه هفتم مدارس استعدادهای درخشان راس ساعت ۹ صبح روز پنج شنبه ۲۳ اردیبهشت و آزمون ورودی پایه دهم راس ساعت ۹ صبح روز جمعه ۲۴ اردیبهشت ماه ۹۵ در سراسر کشور به صورت همزمان برگزار می شود.

اجرای آیین نامه دکتری پیوسته برای دانشجویان استعداد درخشان

معاون آموزشی وزارت علوم با اشاره به ابلاغ آیین نامه دکتری پیوسته به دانشگاه ها گفت: این آیین نامه با درخواست دانشگاه ها برای دانشجویان استعداد درخشان اجرا می شود.

مجتبی شریعتی نیاسر در گفتگو با مهر گفت: براساس این آیین نامه دانشجویان استعدادهای درخشان می توانند از دوره کارشناسی به صورت مستقیم وارد مرحله دکتری شوند.

معاون آموزشی وزارت علوم تاکید کرد: این آیین نامه تنها برای دانشجویان استعدادهای درخشان دانشگاه ها اجرا می شود و باید رشته‌های تحصیلی دانشجویان در مقطع کارشناسی با مقطع دکتری هم راستا و در یک جهت باشد.

به گزارش مهر، محمد فرهادی وزیر علوم پیش از این اعلام کرده بود اجرای آیین نامه دکتری پیوسته در دانشگاه ها بیشتر مربوط به رشته های علوم پایه است تا دانشجویان تشویق شوند و در این رشته ها که بسیار مورد نیاز کشور است اقدام به ادامه تحصیل دهند.

مهلت شورای عالی انقلاب فرهنگی به دانشگاه آزاد

معاون آموزشی دانشگاه آزاد گفت: شورای عالی انقلاب فرهنگی تا شهریورماه سال ۹۵به این دانشگاه مهلت داده است که نقص رشته محل‌های خود را رفع کند.

فرهاد حسین زاده لطفی در گفتگو با مهر گفت: ممیزی رشته های این دانشگاه در راستای رفع نقص مشکلات آموزشی این دانشگاه انجام شده است و در مرحله نخست ممیزی حدود ۸هزار رشته محل بررسی شدند. وی افزود: در مرحله نخست ممیزی رشته محل های این دانشگاه بیشتر بررسی ها مربوط به حوزه تحصیلات تکمیلی بود.

معاون آموزشی دانشگاه آزاد خاطرنشان کرد: طی ممیزی صورت گرفته بیشتر نقص رشته محل های این دانشگاه مربوط به کمبود هیات علمی بوده است که اعلام فراخوان دوم جذب هیات علمی این دانشگاه در سال جاری برای رفع این مشکلات بوده است.

حسین زاده لطفی تاکید کرد: شورای عالی انقلاب فرهنگی تا شهریورماه سال ۹۵به دانشگاه آزاد فرصت داده که مشکلات رشته محل‌های خود را رفع کند و در این راستا نیز دانشگاه آزاد با وزارت علوم همکاری بسیار خوبی دارد.

وی عنوان کرد: مرحله دوم ممیزی رشته محل های این دانشگاه آغاز شده است و در صورتی که واحدی اقدام به رفع مشکلات رشته محل‌های خود نکرده باشد به طور حتم در ظرفیت های این واحد تجدید نظر جدی از سوی سازمان مرکزی دانشگاه انجام خواهد شد.

آغاز ثبت نام پذیرفته شدگان کاردانی های علمی کاربردی از ۱۴ فروردین

ثبت نام پذیرفته شدگان رشته‌های متمرکز و معرفی‌شدگان رشته‌های نیمه‌متمرکز دوره‌های کاردانی فنی و کاردانی حرفه‌ای دانشگاه جامع علمی ـ کاربردی از ۱۴ فروردین ۹۵ آغاز می‌شود.

به گزارش مهر،پذیرفته‌شدگان لازم است در یکی از روزهای شنبه ۱۴تا روز دوشنبه ۱۶فروردین ۹۵ با در دست داشتن مدارک ثبت نام و با توجه به کدرشته محل قبولی به نشانی تعیین شده در جدول شماره (۴) دفترچه راهنمای پذیرش دوره‌های مذکور مراجعه کنند.

گزینش رشته‌های نیمه‌متمرکز برای رشته‌هایی که نیاز به اقداماتی نظیر مصاحبه یا آزمون عملی دارند، لازم است برای شرکت در مراحل مذکور در یکی از روزهای شنبه ۱۴ تا روز دوشنبه ۱۶فروردین ۹۵ با در دست داشتن مدارک مورد نیاز ثبت‌نام به مرکز آموزشی ذیربط به نشانی تعیین شده در جدول شماره (۴) دفترچه راهنمای پذیرش مراجعه کنند.

عدم مراجعه داوطلبان در روزهای تعیین شده برای انجام مراحل نهایی‌گزینش به منزله انصراف قطعی از پذیرش در رشته ذیربط تلقی خواهد شد.

نگاه

کارت پستال؛ سنت حسنه‌ای که فراموش می‌شود

* دُر دانه دُرّه (باستانی پاریزی)

امسال نیز به رسم هر سال در نیمه اسفند ماه به قصد پست کردن چهار پاکت کارت تبریک عید نوروز به اداره پست شهرک غرب مراجعه کردم. مقصد یکی از پاکت‌ها آمریکا و سه تای دیگر اروپا بود. هیچیک از پاکت‌ها نیز ابعاد و وزن غیر عادی نداشتند (ابعاد کارتها ۱۴در۱۹ سانتیمتر و مقوای گلاسه معمولی بودند که هرکدام را هزار و پانصد تومان خریده بودم.) و می‌خواستم که با پست عادی فرستاده شوند. در کمال تعجب، کارمند محترم پست از من مبلغ یکصد و یازده هزار تومان دریافت کرد. بر اساس نقش تمبر روی پاکت‌ها، برای اروپا هرکدام بیست و دو هزار تومان و برای آمریکا سی و دو هزار و دویست تومان تمبر لازم بود که با احتساب عوارض و مالیات و.... مجموعاً همان مبلغ عجیب یکصد و یازده هزار تومان را پرداختم و طبق راهنمایی همان کارمند محترم پاکت‌ها را داخل صندوق پست بیرون ساختمان انداختم.

اولین عکس العملی که پس از این ماجرا به ذهنم متبادر شد، این بود که از سال آینده پست کردن کارت تبریک عید را متوقف خواهم کرد. کما اینکه با گران شدن سال به سال هزینه پست، تعداد کارتهای ارسالی را هر سال کمتر کرده و امسال به حداقل رسانده بودم. مخاطبان این تعداد اندک کارتهای تبریک هم عموماً افراد پا به سن گذاشته‌ای هستند که علاقه (یا توانایی) استفاده از اینترنت و وایبر و تلگرام و دیگر راههای ارتباطی امروزی را ندارند و احتمال می‌دهم که با دریافت این کارت در آستانه نوروز دلگرم و خوشحال شوند.

از آنجایی که منطقاً به نظر می‌رسد که نرخ خدمات پستی در سراسر دنیا باید متوازن و تا حدودی هماهنگ باشد، از آشنایانی که مقیم خارج از کشور هستند، در مورد نرخ پست عادی برای یک پاکت معمولی به مقصد تهران سوال کردم. پاسخ این بود: از تورنتو ۲/۵ دلار کانادا، از پاریس ۱/۲۵ یورو، از لوزان ۳/۶ فرانک سوئیس.

از سوی دیگر بر اساس قانون ساده عرضه و تقاضا، چون در این روزگار اکثراً برای ارسال تبریک و پیامهای مختلف در مناسبتهای ملی و مذهبی از روشهای الکترونیکی و دیجیتال استفاده می‌شود و تقاضا برای خدمات ساده پستی بسیار کمتر از گذشته است، افزایش بی رویه نرخ این گونه خدمات منطقی به نظر نمی‌رسد. تنها یکی از اثرات این وضعیت، مهجور ماندن و فراموش شدن تدریجی سنت حسنه ارسال نامه و مکتوبات و کارت پستال و کارت تبریک و..... خواهد بود.

یاد شادروان استاد باستانی پاریزی به خیر که تا همین چند سال پیش هم در هر سفری که به خارج از کشور داشتند، یکی دو یادداشت و نامه و کارت پستال برای ما پست می‌کردند و مصرانه از ما نیز می‌خواستند که چنین کنیم.

حجم نقدینگی از مرز ۹۴۹ هزار میلیارد تومان گذشت

حجم نقدینگی در ۱۲ ماه منتهی به دی امسال با ۲۷/۲ درصد رشد به ۹۴۹ هزار و ۳۹۰ میلیارد تومان رسید.

به گزارش فارس، جزئیات ارقام عمده پولی در پایان دی ۱۳۹۴ از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران منتشر شد.بر این اساس، حجم اسکناس مسکوک در دست اشخاص به ۲۹ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان رسیده که نسبت به اسفند پارسال ۱۵/۳ درصد کاهش داشته، اما نسبت به دی پارسال ۵/۹ درصد رشد داشت.

همچنین حجم پول با ۲/۲ درصد کاهش نسبت به اسفند و ۷/۴ درصد رشد نسبت به دی پارسال به ۱۱۸ هزار و ۱۱۰ میلیارد تومان رسیده است.شبه پول هم در ۱۲ ماه منتهی به دی امسال با ۳۰/۷ درصد رشد حدود ۸۳۱ هزار و ۲۸۰ میلیارد تومان محاسبه شده که البته نسبت به اسفند ۹۳ حدود ۲۵/۶ درصد افزایش یافته است.

حجم نقدینگی در پایان دی امسال با ۲۱/۳ درصد رشد نسبت به اسفند پارسال و ۲۷/۲ درصد رشد نسبت به دی پارسال به ۹۴۹ هزار و ۳۹۰ میلیارد تومان رسیده است.به نظر می‌رسد با ادامه این روند حجم کل نقدینگی کشور تا پایان امسال از یک هزار تریلیون تومان عبور کند.

از سوی دیگر بدهی بخش دولتی به بانک‌ها در پایان دی امسال با ۱۰/۲ درصد رشد به ۱۱۴ هزار و ۶۲۰ میلیارد تومان رسید که سهم دولت ۱۱۱ هزار و ۶۹۰ میلیارد تومان است.

بر اساس گزارش متغیرهای پولی و بانکی، مجموع کل دارایی‌های بانک‌ها که شامل بدهی بخش دولتی و غیردولتی هم می‌شود، در پایان دی امسال به یک هزار و ۹۲۰ تریلیون تومان رسید.در بخش دارایی‌ها، دارایی‌های خارجی با ۱۴ درصد افزایش ۲۱۷ هزار و ۵۹۰ میلیارد تومان، اسکناس‌های مسکوک ۱۰ هزار و ۵۷۰ میلیارد تومان، سپرده نزد بانک مرکزی ۱۰۶ هزار و ۴۱۰ میلیارد تومان (۹۶ هزار و ۷۹۰ میلیارد تومان سپرده قانونی و ۹ هراز و ۶۲۰ میلیارد تومان سپرده دیداری)، بدهی بخش غیردولتی با ۱۰ درصد افزایش ۶۹۴ هزار و ۲۹۰ میلیارد تومان و سایر دارایی‌ها با ۳۷/۴ درصد رشد ۵۲۸ هزار و ۲۴۰ میلیارد تومان بالغ شده است.

همچنین بدهی بخش دولتی در ۱۰ ماهه امسال با ۱۰/۲ درصد رشد به ۱۱۴ هزار و ۶۲۰ میلیارد تومان افزایش یافته و از این میان بدهی دولت ۱۱۱ هزار و ۶۹۰ میلیارد تومان و بدهی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی ۲۹۳۰ میلیارد تومان بوده است.

همچنین سپرده‌های بخش غیردولتی ۹۱۹ هزار و ۵۹۰ میلیارد تومان است که در ۱۰ ماهه امسال ۲۳/۱ درصد رشد داشته است.این سپرده‌ها شامل سپرده‌های دیداری با ۸۸ هزار و ۳۱۰ میلیارد تومان، سرمایه‌گذاری مدت‌دار ۷۷۶ هزار و ۸۳۰ میلیارد تومان و ۲۷/۳درصد



رشد، سپرده‌های قرض‌الحسنه ۳۹ هزار و ۹۳۰ میلیارد تومان و ۲/۱ درصد رشد و سایر ۱۴ هزار و ۵۲۰ میلیارد تومان و ۱۶/۶ درصد رشد می‌شود.

همچنین بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در ۱۰ ماهه امسال با ۲/۵ درصد کاهش به ۸۳ هزار و ۶۹۰ میلیارد تومان رسیده است. در سال‌های اخیر و حتی در سال‌های ۹۲ و ۹۳ معمولاً بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی رشد قابل توجهی داشته و برای اولین بار در مجموع بدهی بانک‌ها هر چند اندک کاهش یافته است.

در این میان در حالی که بدهی بانک‌های تخصصی ۲/۵ درصد و بدهی بانک‌های غیردولتی و موسسات اعتباری ۴۷/۷ درصد به بانک مرکزی کاهش داشته، در ۱۰ ماه امسال بدهی بانک‌های تجاری دولتی ۱۸۱/۶ درصد رشد کرده است.

در بخش خلاصه دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌ها، بدهی بخش دولتی به بانک‌های تجاری که شامل بانک‌های تجاری دولتی می‌شود به ۳۱ هزار و ۸۰ میلیارد تومان رسیده که از این میان سهم دولت ۲۹ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان و شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یک هزار و ۸۸۰ میلیارد تومان است.

بدهی بانک‌های تجاری (دولتی) به بانک مرکزی برخلاف روند کاهشی در متغیر کلی، ۱۸۱/۶ درصد رشد داشته و به ۱۶ هزار و ۶۴۰ میلیارد تومان رسیده است.

مجموع سپرده‌های بخش غیردولتی نزد بانک‌های دولتی ۱۶۰ هزار و ۵۲۰ میلیارد تومان بوده که ۱۵/۸ درصد رشد نشان می‌دهد و از این میان سهم سرمایه‌گذاری مدت‌دار ۱۲۴ هزار و ۸۰ میلیارد تومان است.

همچنین دارایی‌های خارجی این بانک‌ها در ۱۰ ماهه امسال با ۱۶/۲ درصد رشد به ۳۱ هزار و ۵۶۰ میلیارد تومان بالغ شده و سپرده قانونی آنها نزد بانک مرکزی ۱۵ هزار و ۶۶۰ میلیارد تومان و سپرده دیداری ۲۵۴۰ میلیارد تومان بوده است.سپرده بانک‌های تجاری دولتی در ۱۰ ماهه امسال فقط ۲/۲ درصد رشد داشته، در حالی که مجموع سپرده‌های این بانک‌ها بیش از ۱۰ درصد افزایش داشته است.

در بخش بانک‌های تخصصی، بدهی بخش دولتی ۳۷ هزار و ۴۸۰ میلیارد تومان بوده که ۱۴/۴ درصد رشد داشته است.دارایی‌های خارجی بانک‌های تخصصی هم با ۱۰/۴ درصد رشد ۴۳ هزار و ۵۳۰ میلیارد تومان، سپرده نزد بانک مرکزی با ۱۹ درصد افزایش ۸۹۴۰ میلیارد تومان، بدهی بخش غیردولتی با ۸/۷ درصد افزایش ۱۷۵ هزار و ۴۲۰ میلیارد تومان و سایر دارایی‌ها با ۲/۵ درصد کاهش ۴۱ هزار و ۵۱۰ میلیارد تومان برآورد شده و مجموع دارایی‌های بانک‌های تخصصی ۳۷۰ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان است.

همچنین بدهی بانک‌های تخصصی به بانک مرکزی در ۱۰ ماهه امسال ۲/۵ درصد کاهش داشته و به ۵۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان رسیده که البته بخش عمده این بدهی‌ها ناشی از خط اعتباری بانک مرکزی برای مسکن مهر است. سپرده‌های بخش غیردولتی نزد بانک‌های تخصصی به ۹۵ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان (۲۵/۱ درصد افزایش) می‌رسد که سپرده‌های دیداری ۸۹۹۰ میلیارد تومان (۱/۲ درصد کاهش)، سرمایه‌گذاری مدت‌دار ۷۸ هزار و ۴۰ میلیارد تومان (۳۱ درصد افزایش)، قرض‌الحسنه ۶۹۰۰ میلیارد تومان (۹/۴ درصد رشد) و سایر بخش ها با ۱۴/۴ درصد افزایش یک هزار و ۲۷۰ میلیارد تومان محاسبه شده است.

در بخش بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری مجموع کل دارایی‌ها به هزار تریلیون و ۲۲۵ هزار و ۶۲۰ میلیارد تومان رسیده که ۱۹/۸ درصد رشد داشته است.

از میان دارایی‌های بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری، دارایی‌های خارجی با ۱۴/۶ درصد رشد ۱۴۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان، اسکناس مسکوک با ۲۲/۷ درصد افزایش ۵ هزار و ۲۰ میلیارد تومان، سپرده نزد بانک مرکزی با ۲۱/۴ درصد افزایش ۷۹ هزار و ۲۷۰ میلیارد تومان (۷۳ هزار و ۹۹۰ میلیارد تومان، سپرده قانونی و ۵ هزار و ۲۸۰ میلیارد تومان سپرده دیداری) و بدهی بخش دولتی ۴۶ هزار و ۶۰ میلیارد تومان است.

بدهی بخش غیردولتی که شامل مانده تسهیلات اعطایی می‌شود هم ۴۱۱ هزار و ۵۵۰ میلیارد تومان و ۱۰/۳ درصد رشد می‌شود.در بخش بدهی‌ها، سپرده‌های بخش غیردولتی به رقم ۶۶۳ هزار و ۸۶۰ میلیارد تومان رسیده که ۲۴/۷درصد رشد داشته است.

همچنین سپرده‌های دیداری با ۴/۹ درصد افزایش ۵۷ هزار و ۲۲۰ میلیارد تومان، سرمایه گذاری مدت‌دار با ۲۸/۵ درصد رشد ۵۷۴ هزار و ۷۱۰ میلیارد تومان، قرض‌الحسنه با ۰/۳ درصد کاهش ۲۲ هزار و ۹۷۰ میلیارد تومان و سایر با ۱۶/۵ درصد رشد ۸ هزار و ۹۶۰ میلیارد تومان بالغ شده است.

ضمن آنکه بدهی بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری به بانک مرکزی در پایان دی امسال به ۱۴ هزار و ۵۵۰ میلیارد تومان رسیده که نسبت به اسفند پارسال ۴۷/۷ درصد کاهش داشته که این کاهش پس از رشد بدهی این بانک‌ها به بانک مرکزی رقم خورده است.

افزایش ۱۵درصدی حق بیمه شخص ثالث در سال آینده

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس از افزایش ۱۵/۱۵ درصدی حق بیمه شخص ثالث در سال آینده خبر داد.

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، رحیم زارع افزود: با توجه به فرمول محاسبه نرخ حق بیمه که میانگین پنج در هزار حق دیه است، این حق بیمه حدود ۹۵۰ هزار تومان برای انواع خودرو هاست. البته نرخ کامیون ها و اتوبوس ها کمتر از ۵ در هزار است.

وی افزود: تعیین دیه در ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضائیه بر اساس قانون شرع و با نظر مقام معظم رهبری و طبق ماده ۵۴۹ قانون مجازات اسلامی و همچنین نرخ حق بیمه توسط بیمه مرکزی تعیین می شود. وی افزود: پارسال نرخ دیه ۱۰ درصد و سال های قبل هم حدود ۱۶ درصد افزایش یافت، اما نرخ حق بیمه افزایش نیافت.

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفت: امسال شرکت های بیمه می خواستند ۲۶ درصد افزایش نرخ دیه را اعمال کنند، اما بیمه مرکزی با مشورت مجلس، طرف مردم را گرفت و بنابراین فقط ۱۵/۱۵ درصد افزایش می یابد.

زارع افزود: البته تخفیفات نداشتن خسارت هم وجود دارد. از جمله اینکه در سال اول نداشتن خسارت، ۱۰ درصد و سال دوم ۱۵ درصد و تا سال پنجم این تخفیف به ۷۰ درصد نرخ حق بیمه شخص ثالث هم می رسد.

وی گفت: با توجه به اینکه شرکت های بیمه مدعی هستند تخفیف‌های قانونی را اعمال می کنند، به همین علت مدعی لزوم افزایش ۴۱ درصدی حق بیمه بودند، اما نظر مجلس همان افزایش حدود ۱۵ درصد و متناسب با افزایش نرخ دیه است.

رهاسازی آب ۳ سد آذربایجان غربی به سمت دریاچه ارومیه

در اجرای مصوبات ستاد احیای دریاچه ارومیه و پیرو ابلاغیه اخیر مدیریت منابع آب ایران، عملیات رهاسازی آب از سدهای بوکان ، مهاباد و زولا به سمت این دریاچه از ۲۰ اسفند آغاز شد. به گزارش مهر، کیومرث دانشجو گفت: در این مرحله میزان حجم رهاسازی از سد بوکان ۱۴۰ میلیون مترمکعب، مهاباد ۴۰ میلیون متر مکعب و زولا ۱۰ میلیون متر مکعب پیش‌بینی شده است.

دانشجو افزود: با تکمیل این حجم از رهاسازی از سدهای گفته شده، مجموع آب رها شده از سدهای استان آذربایجان‌غربی از ابتدای سال آبی بالغ بر ۴۲۵ میلیون مترمکعب خواهد بود با توجه به تقارن ایام رهاسازی با تعطیلات نوروزی، مناطق پایین دست این سدها تحت تاثیر قرار خواهند گرفت و به همین دلیل لازم است مردم محلی و مسافران نوروزی در زمان رهاسازی و پس از آن از نزدیک شدن به حریم و بستر رودخانه‌های مربوطه و هرگونه برداشت غیرمجاز آب خودداری کنند.

وزارت راه و شهرسازی درصدد کاهش میزان اقساط تسهیلات مسکن است

سیاست معاونت مسکن و ساختمان در پشتیبانی از بالا بردن میزان وام، افزایش توان مالی خانه اولی‌ها برای دسترسی به مسکن مناسب بود و شرایط جدید وام مسکن ما را به این هدف نزدیک کرده است.

معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی گفت: تلاش می‌کنیم سال آینده با کاهش بیشتر نرخ سود تسهیلات شاهد کاهش اقساط باشیم.

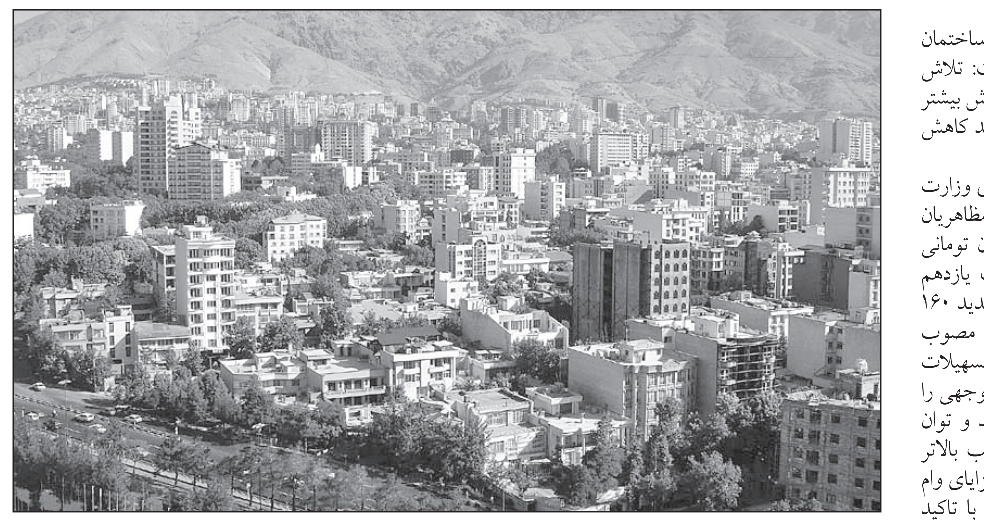
به گزارش پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی ،حامد مظاهریان گفت: فاصله وام ۲۵ میلیون تومانی مسکن که در ابتدای دولت یازدهم پرداخت می‌شد با وام جدید ۱۶۰ میلیون تومانی که به تازگی مصوب شده ،بسیار زیاد است و تسهیلات پرداختی جدید تغییر قابل توجهی را به نفع خانوارها رقم می‌زند و توان مالی خانه‌اولی‌ها را به مراتب بالاتر خواهد برد. وی درباره مزایای وام ۱۶۰ میلیون تومانی مسکن با تاکید بر این‌که پرداخت این وام محدودیتی ندارد و متناسب با تعداد متقاضیان، منابع جدیدی برای بانک مسکن تجهیز و وام‌های مسکن پرداخت خواهد شد،گفت: وامی که مصوبه آن به تازگی از سوی شورای پول و اعتبار اعلام شده از نظر ریالی بیشترین میزانی است که در تاریخ ما برای خرید مسکن پرداخت شده و میزان وام حدود ۵۰ درصد مبلغ مورد نیاز برای خرید یک واحد مسکونی متوسط را برای تهران و برای شهرهای کوچک تا ۸۰ درصد پوشش می‌دهد.

معاون امور مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی افزود: این وام در تهران به همراه وام جعاله تا ۱۷۰ میلیون تومان می‌رسد و اگر قیمت متوسط آپارتمان را در تهران در نظر بگیریم، می‌بینیم به نسبت وام‌های قبلی مسکن که در کشور پرداخت می‌شد، وام ۱۶۰ میلیونی اقتصادی‌تر است. وی با بیان این‌که میزان اقساط این وام از ۹۷۰ هزار تومان برای ساکنان شهرهای کوچک آغاز می‌شود و در تهران به حدود یک میلیون و ۹۰۰ هزار تومان می‌رسد،افزود: گرچه برخی معتقدند این میزان اقساط زیاد است، اما با محاسبه دقیق‌تر و در نظر گرفتن میزان اجاره ماهانه و مبالغ پرداخت شده به عنوان رهن، مشخص خواهد شد که افراد برای اجاره همان واحد مسکونی ماهانه باید معادل این میزان هزینه را بپردازند.

نامبرده با تاکید بر این‌که درباره این وام نباید اطلاعات اشتباه به مردم داد،گفت: این میزان وام در شرایطی محقق شد که بانک‌ها در تنگنای مالی شدیدی قرار دارند و طبیعتا با بهبود شرایط اقتصادی وضع بهتری در این حوزه برای مردم فراهم خواهد شد. وام جدید از یک سو افزایش توان خانوارها را برای خرید مسکن در پی خواهد داشت و از سوی دیگر در تلاشیم سال آینده با کاهش بیشتر نرخ سود تسهیلات شاهد کاهش میزان اقساط باشیم.

وی درباره تغییرات میزان وام مسکن در سال‌های اخیر اظهار داشت: مسیر مناسبی از ابتدای دولت یازدهم طی شد؛ به نحوی که با توقف روند صعودی قیمت مسکن و ثبات بازار، تسهیلات پرداختی تغییر قابل توجهی را به نفع خانوارها رقم زده است. در حالی که میزان وام مسکن در ابتدای این دولت ۲۵ میلیون تومان بود، به تدریج به ۳۵ میلیون تومان رسید و متقاضیان به همراه وام جعاله می‌توانستند مبلغ ۴۵ میلیون تومان وام دریافت کنند که البته حدود ۸ میلیون تومان از این مبلغ برای خرید اوراق صرف می‌شد. به عبارت دیگر افرادی که وام ۴۵ میلیون تومانی دریافت می‌کردند، حدود ۳۷ میلیون تومان برای خرید خانه به دست می‌آوردند و بین ۷۵۰ تا ۸۰۰ هزار تومان باید در ماه اقساط این وام را می‌پرداختند. مظاهریان ادامه داد: وام جدید مسکن شرایط به مراتب بهتری را برای متقاضیان خرید مسکن به وجود آورده، زیرا مبلغ اعلام شده صرف خرید اوراق نمی‌شود و تسهیلات مسکن بصورت کامل در اختیار متقاضی قرار می‌گیرد، ضمن این‌که میزان سود وام صندوق پس‌انداز مسکن یکم کاهش یافته و محدودیتی هم برای دریافت این وام توسط خانه‌اولی‌ها وجود ندارد.

وی در پایان گفت: سیاست اصلی وزارت راه و شهرسازی در حوزه مسکن در مرحله بعد و برای سال آینده کاهش نرخ سود تسهیلات است. از سوی دیگر مدیرعامل بانک مسکن با تاکید بر اینکه بانک‌ها از سیاست سود بالا استقبال نمی‌کنند، گفت: هرچقدر که نرخ سود کاهش یابد، به دلیل اینکه در نرخ تجهیز منابع ما هم مؤثر است و قیمت تمام‌شده منابع را پایین می‌آورد، استقبال می‌کنیم.



محمدهاشم بت‌شکن در گفتگو با فارس در پاسخ به این سؤال که آیا کاهش نرخ سود تسهیلات مسکن به نفع بانک مسکن است، گفت: برای بانک مسکن تفاوتی ندارد، چون برای بانک مابه‌التفاوت نرخ سود تسهیلات سپرده مهم است و وقتی‌که نرخ سود سپرده پایین می‌آید، خودبه‌خود نرخ سود تسهیلات هم باید کاهش یابد، پس بنابراین بانک‌ها از سیاست سود بالا استقبال نمی‌کنند، به دلیل اینکه به همان شکل مجبور هستند سپرده را با نرخ سود بالاتر بگیرند.

بت شکن در پاسخ به این سؤال که آیا پیگیری بانک مسکن یا وزارت راه و شهرسازی برای کاهش نرخ سود تسهیلات برای سال آینده ادامه می‌یابد، گفت: اگر نرخ تورم کاهش یابد، قطعاً این اقدام شدنی است.

وی ادامه داد: در حال حاضر بانک مسکن با نرخ سود ۱۳ درصد تسهیلات ارائه می‌کند و اخیراً با کاهش نرخ سود تسهیلات در سایر بخش ها در دوره مشارکتی ۲۲ درصد و فروش اقساطی ۲۰ درصد است، پس در حال حاضر نرخ سود تسهیلات مسکن با نرخ ۱۳ درصد ۷ درصد پایین‌تر از سایر تسهیلات است و این نشان می‌دهد که بانک مسکن به عنوان یک بانک دولتی پشتیبانی‌کننده سیاست‌های دولت به‌ویژه کاهش نرخ سود و توانمند کردن مردم است.

دلایل سقوط پرواز آنتونف ۱۴۰ اعلام شد

پس از گذشت بیش از ۱۸ ماه از سانحه هواپیمای آنتونف ۱۴۰ و صرف هزاران نفر ساعت کار کارشناسی توسط تیم بررسی سانحه، کار بررسی سانحه هواپیمای مذکور به پایان رسید و نقص فنی نتیجه نهایی سانحه پرواز مسیر تهران- طبس علت اصلی سقوط هواپیما شناخته شد.

به گزارش مهر، رضا جعفرزاده مشاور رئیس سازمان هواپیمایی کشوری با اعلام نتیجه بررسی‌ها درباره دلایل سقوط آنتونف ۱۴۰ که درمرداد ۹۳ اتفاق افتاده بود، گفت: نقص فنی، نتیجه نهایی سانحه پرواز مسیر تهران- طبس اعلام شده است.

وی خاطر نشان کرد: با توجه به کارایی هواپیما و بررسی های تخصصی صورت گرفته روی تمامی احتمالات و نظریات، اشکال در سیستم کنترل الکترونیک موتور هواپیما عامل محوری و موثر در سانحه بوده و اشکال در این سیستم نه فقط موجب نارسایی در هشدار به موقع به خلبان شده بلکه خود عامل مهمی برای از دست رفتن موتور هواپیما شده است.

جعفرزاده گفت: سازمان هواپیمایی کشوری برای رسیدن به نتایج دقیق و رفع تمامی احتمالات مطرح شده و رسیدن به نتایج صحیح از تمامی ظرفیت‌های ممکن استفاده و در طول بررسی ها از کارشناسان روسی و اکراینی و شرکت طراح و سازنده موتور هواپیما هم بهره گرفته است. وی در ادامه اظهار کرد: بررسی ها باتوجه به مستندات موجود از جمله اطلاعات استخراج شده از FDR و CVR (جعبه سیاه) و لاشه هواپیما حاصل و از سه عامل سانحه ساز ماشین (هواپیما)، محیط (وضع جوی) و انسان، عامل اول یعنی نقص فنی علت اصلی سانحه اعلام شد. این هواپیما با ۴۸ سرنشین در مرداد ۹۳ در ساعت ۹/۲۲ به وقت محلی در حوالی فرودگاه مهرآباد تهران دچار سانحه شد و دو خلبان و چهار کادر پروازی و ۳۴ مسافر آن جان باختند.

فعالیت مشترک جهانی برای ارزیابی سلامت غذا در ایران

فائو در حال نهایی کردن پروژه ای است تا با دولت ایران نسبت به تدوین استراتژی اطمینان از تامین امنیت غذایی در ایران تا پایان سال ۲۰۲۵ دست یابد.

نماینده فائو در ایران با اشاره به فعالیت مشترک فائو و WHO برای ارزیابی سلامت مواد غذایی در ایران گفت: ایران یکی از ۱۳ کشوری بود که به هدف اول از اهداف هزاره که همان مبارزه با گرسنگی و فقر است، دست پیدا کرد.

سرج ناکوزی در گفتگو با تسنیم در ارتباط با وضع تامین امنیت غذایی در ایران اظهار کرد: سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد در ایران این موفقیت را سال گذشته (۲۰۱۵) به رسمیت شناخت و آن را به دولت جمهوری اسلامی ایران رسما اعلام کرد. وی ادامه داد: دولت آقای روحانی تلاش‌های جدی در این رابطه در حال انجام دارد تا امنیت غذایی با توجه به جمعیت کشور ایران محقق شود.

ناکوزی دراین باره اضافه کرد: مسلما با چالش‌هایی در موضوع تغذیه و امنیت غذا روبه رو هستیم که برای آنها فائو برنامه ریزی‌هایی دارد و در آن با بخش های مختلف دولت ایران از جمله وزارتخانه‌های بهداشت،کشاورزی و بقیه دستگاه‌های ملی و سایر دستگاه‌های مرتبط داخل سازمان ملل و هر نهاد و سازمانی که در این ارتباط بتواند کار کند، در ارتباط است.

وی درباره وضع سلامت محصولات کشاورزی و غذایی ایران گفت: در حال تدوین فعالیت مشترک بین فائو و WHO برای ارزیابی سلامت مواد غذایی در ایران هستیم و امیدواریم این ارزیابی هر چه زودتر به نتیجه برسد تا بتوانیم اطلاعات دقیق‌تری درباره وضع سلامت غذا در ایران در اختیار شما قرار دهیم.

تکمیل مطالعات اولیه انتقال آب خزر به فلات مرکزی

مطالعات اولیه طرح انتقال آب از خزر به فلات مرکزی تکمیل شده و پس از هماهنگی کامل با سازمان حفاظت محیط زیست، در زمینه زمان بندی انتخاب پیمانکار و دیگر مراحل اجرایی این پروژه تصمیم گیری خواهد شد.

وزیر نیرو با بیان اینکه چاره ای جز انتقال آب بین حوضه ای نداریم، از برنامه ریزی برای انتقال آب خزر، خلیج فارس و دریای عمان به شهرهای مرکزی ایران خبر داد.

حمید چیت چیان در گفتگو با تسنیم اظهار داشت: جمعیت پراکنده کشور و مناطق تمرکز جمعیتی که بیش از ظرفیت های تأمین آب، جمعیت در آنجا ساکن شده و همچنین تغییر اقلیم و تغییر الگوی بارش ها چاره ای برای ما باقی نگذاشته جز اینکه به انتقال آب بین حوضه ای اقدام کنیم.

وی افزود: اینکار به معنای این نیست که در نقاطی که آب را به دیگر نقاط انتقال می دهیم، مشکلات آبی به وجود بیاید؛ بلکه این کار با مطالعات گسترده انجام می شود که بعضا یک پروژه انتقال آب پیش از رسیدن به زمان اجرا سالها مورد مطالعه و پایش قرار می‌گیرد و از نقاطی اقدام به انتقال آب می کنیم که ظرفیت های لازم را داشته باشد.

وزیر نیرو همچنین به رونق پروژه های انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان به شهرهای جنوبی و فلات مرکزی ایران اشاره کرد و گفت: بخش خصوصی به ویژه در بخش صنعت برای بهره‌مندی از آب خلیج فارس و دریای عمان در حال سرمایه گذاری است تا با انتقال آب و شیرین سازی آن، آب مورد نیاز خود را در شهرهای جنوبی تأمین کند.

همچنین در حال برنامه ریزی برای انتقال آب خلیج فارس و دریای عمان به شهرهای مرکزی کشور هستیم.

تمهیدات ویژه بانک ها برای تأمین نقدینگی مردم در شب عید

بانک‌ها موظفند به دلیل تقاضای بالای مردم برای نقدینگی در شب عید به پول گذاری در خودپردازها توجه ویژه کنند و اگر مشتریان نتوانند سرویس مناسب دریافت کنند، بانک ها موظف به پاسخگویی هستند.

مدیر اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی از اتخاذ تمهیدات ویژه نوروزی بانک‌ها خبر داد و گفت: تقاضای نقدینگی در شب عید بالا رفته است.از این رو به همه بانک ها ابلاغ شده است کشیک ویژه و مراکز پاسخگویی داشته باشند. هر سال در ایام پایانی سال با ترافیک دریافت خدمات بانکی مواجه هستیم .

به گزارش مهر، داود محمد بیگی با اظهار اینکه تمام تلاش بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور این است که بهترین خدمات را در روز های پایانی سال به مردم ارائه کند،افزود: تمامی بانک ها موظف هستند که برای ایام نوروز شعب کشیک خود را معرفی کنند. همچنین نام تمامی این شعب کشیک در وب سایت بانک مرکزی درج شده و اگر افراد مشکلی داشته باشند می توانند با افراد پاسخگو در خود بانک‌ها تماس بگیرند.

وی خاطرنشان کرد: در صورتی که شهروندان نتوانستند مشکل خود را با بانک مربوطه حل کنند، می توانند از طریق کانال هایی که در بانک مرکزی است مانند وب سایت بانک مرکزی و همینطور شماره‌هایی که در سایت بانک مرکزی برای ارتباط با روابط عمومی و نظام های پرداخت است، ارتباط برقرار کنند و مشکل خود را مطرح کنند.

مدیر اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی با بیان اینکه مانند هر سال بانک ها شعبی را به عنوان شعب منتخب به مردم معرفی می کنند تا مشتریان بتوانند از آنها پول نو دریافت کنند ادامه داد: تصمیم بانک مرکزی بر این است که پول نو از طریق شعب در اختیار مشتریان قرار گیرد و دستگاه های خودپرداز به صورت مرتب کنترل می شود تا در روزهای پایانی اسفند نقدینگی مورد نیاز مردم را تأمین کند.

وی گفت: تلاش کردیم تا پول نو کافی در اختیار مردم قرار دهیم. اما در برخی شعب ممکن است به علت تقاضای زیاد مردم محدودیت هایی هم وجود داشته باشد که طبیعی است.

محمد بیگی تصریح کرد: برای مواردی که پول از حساب مشتری کم می شود، اما خدمتی را دریافت نمی کند، صندوقی تشکیل شده که به صورت روز شمار ۳۴ درصد سود به پول مشتریان پرداخت می‌کند صندوق جبران خسارت مشتریان تشکیل شده و تمام وجوهی که از محل هزینه های بانک ها برای تراکنش‌های ناموفق دریافت می شود به این صندوق واریز می شود و از این صندوق به صورت روز شمار سود ۳۴ درصدی و هزار تومان بابت هزینه رفت وآمد به مشتری تعلق می گیرد.

وی ادامه داد: به صورت کاملا اتوماتیک و بدون نیاز به مراجعه مشتری، این حساب و کتاب ها انجام و پول به حساب مشتری واریز می شود.

نامبرده با بیان اینکه در سال جاری توافقنامه‌ای در خصوص ارائه سطح خدمات با بانک ها امضا کردیم گفت: در سال های گذشته اگر بانک‌ها تا ۹۵ درصد تراکنش هایشان موفق بود ،خسارتی به بانک مرکزی پرداخت نمی کردند، اما امسال این عدد به ۹۷/۵ درصد ارتقاء پیدا کرده، یعنی بانک ها فقط مجاز هستند که ۲/۵ درصد تراکنش ناموفق داشته باشند.

سرمایه گذاری چین برای اجرای ۳ پروژه در صنعت آلومینیوم ایران

شرکت ساینواستیل چین با امضای تفاهمنامه ای با ایمیدرو، آماده اجرای سه طرح آلومینا، آلومینیوم و نیروگاه در صنعت آلومینیوم ایران شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران(ایمیدرو)، طبق تفاهمنامه ای که بین دو طرف به امضا رسید، ساینواستیل قرار است سه طرح برای تولید پودر آلومینا، شمش آلومینیوم و نیروگاه (برای تامین برق این کارخانه ها) ایجاد کند.

ظرفیت طرح تولید کارخانه آلومینا ۱/۶میلیون تن، طرح تولید شمش آلومینیوم ۳۵۰هزار تن و پروژه نیروگاه سیکل ترکیبی هزار مگاوات خواهد بود .دو کارخانه در صنعت آلومینیوم به صورت ای پی سی اف (مهندسی، تامین، اجرا و تامین مالی) یا مشارکت اجرا می شوند و طرح نیروگاه به صورت سرمایه گذاری مستقیم با مدل (ساخت، تملک، بهره برداری) ساخته خواهد شد.

ساینواستیل و ایمیدور مقرر کردند: گروه کاری به فوریت معین شده تا مراحل اجرایی شدن این تفاهمنامه را فراهم کنند و در ضمن با اجرایی شدن این فاز از همکاری، فاز دوم طرح را با هدف دو برابر شدن ظرفیت تولید به اجرا در آوردند.

مدیر عامل ساینواستیل پیش از امضای این سند همکاری، از علاقه شرکت و کشور خود برای افزایش همکاری ها با ایران در دوره پسا برجام خبر داد.

هوانگ جیان با تاکید بر اینکه این سه پروژه به صورت تامین مالی و سرمایه گذاری مستقیم خواهد بود، افزود: پیشتر در شرکت های بزرگ فولادسازی در ایران، همکاری‌هایی داشته ایم، اما اکنون در حال توسعه روابط هستیم.

رئیس هیات عامل ایمیدرو هم در این مراسم از سرمایه گذاری ساینواستیل در ایران استقبال کرد و خواهان اجرای این طرح ها مطابق با استانداردهای روز زیست محیطی و فناوری های به روز شد.

کرباسیان ادامه داد: پشتیبانی بانک های چینی از این طرح ها، عاملی برای اجرای به هنگام طرح ها و انجام تعهدات به شمار می آید.

خبر دیگری حاکیست: عملکرد ۱۱ ماهه امسال در سه واحد بزرگ مس کشور حاکی از تولید ۸۹۳/۸ هزار تن کنسانتره است که در مقایسه با مدت مشابه در سال ۹۳ رشد نزدیک به ۲۵ درصدی را نشان می دهد.

به گزارش ایرنا، جدول آماری سازمان توسعه ونوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) نشان می دهد که در مدت ۱۱ ماهه امسال در واحد های مس سرچشمه، میدوک (استان کرمان) و سونگون (آذربایجان شرقی) در مجموع ۸۹۳ هزار و ۸۳۹ تن کنسانتره مس تولید شد، در حالی که در مدت مشابه در سال ۹۳ عملکرد در این زمینه ۷۲۸/۶ هزار تن ثبت شده بود.

میزان کنسانتره مس تولیدی در قالب عملکرد ۱۱ ماهه پارسال واحد های یاد شده نسبت دوره مشابه در سال ۱۳۹۲ افزایش یک درصدی داشت.

برابر این گزارش، میزان تولید آند مس هم در ۱۱ماهه امسال به ۲۱۳ هزار و ۹۸۰ تن رسید، در حالی که در ۱۱ ماهه پارسال بیش از ۲۱۱ هزار تن بود. همچنین کاتد مس تولیدی در این مدت ۱۷۲ هزار و ۲۱۱ تن بود، اما در مدت مشابه پارسال بیش از ۱۷۶ هزار تن به ثبت رسید.

کل استخراج صورت گرفته در دوره مورد بررسی از معادن مس سرچشمه، سونگون و میدوک ۱۴۷ میلیون و ۳۶۱ هزار و ۷۵۲ تن بود، در حالی که در ۱۱ ماهه پارسال مقدار ۱۴۹ میلیون و ۳۷۹ هزار و ۱۳۳ تن مواد معدنی استخراج شد.

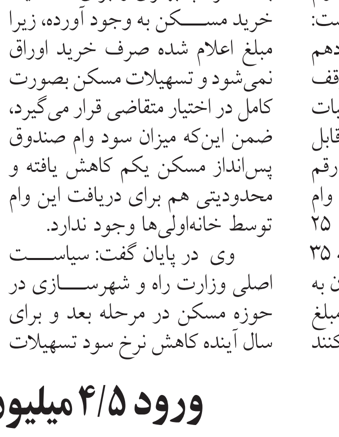
آمارهای ثبتی نشان می دهد که عملکرد ۱۱ ماهه پارسال در زمینه استخراج مواد معدنی از سه معدن یاد شده در مقایسه با مدت مشابه در سال ۱۳۹۲ که ۱۲۵ میلیون و ۵۲۸ هزار و ۴۲۷ تن بود، رشد ۱۹ درصدی داشت.

علاوه براین، در زمینه استخراج سنگ سولفیدی میزان استخراج در دوره مورد بررسی برابر با ۴۰ میلیون و ۷۴۰ هزار و ۲۶۳ تن بود، درحالی که در ۱۱ ماهه پارسال سنگ سولفیدی استخراج شده از معادن یادشده ۳۳ میلیون و ۳۸۷ هزار و ۷۲۳ تن بود.

همچنین در مدت یاد شده ۳۰ هزار و ۶۴۳ تن مفتول تولید شد و پنج هزار و ۶۵۴ تن کنسانتره مولیبدن از دیگر اقلام این واحدها بود، در حالی که در ۱۱ ماهه پارسال پنج هزار و ۳۸۰ تن کنسانتره مولیبدن به تولید رسید و علاوه براین ۶۲۷ تن مولیبدن به تولید رسید. همچنین میزان لجن محتوی طلا و نقره در دوره این گزارش ۴۷۴ تن اعلام شده است.

براساس برنامه ریزی انجام شده، قرار است ظرفیت تولید مس در سال های ۹۷-۱۳۹۴ به ترتیب ۲۸۰، ۳۰۰، ۳۵۰ و به ۳۸۰ هزار تن برسد. گزارش های منتشر شده نشان می دهد، میزان ذخایر شناسایی شده مس در کشور به بیش از ۳۰ میلیون تن می رسد و کشورمان بر روی کمربند آهن، روی، سرب، مرمیت، مس و طلای جهانی قرار دارد. مجموع ذخایر مس در ایران بیش از ۴ میلیارد تن کانسنگ مس برآورد شده که حدود ۱/۹ میلیارد تن ذخیره قطعی و بقیه احتمالی است. حدود پنج درصد از ذخایر جهانی مس در ایران واقع شده و معدن مس سرچشمه دارای ذخیره قطعی و احتمالی دو هزار و ۱۰۰ میلیون تن است. قرار است با اجرای طرح توسعه مرحله دوم سونگون (آذربایجان شرقی) و مرحله دوم سرچشمه (کرمان) ۳۰۰ هزار تن به ظرفیت تولید کنسانتره مس کشور افزوده شود که ۷۰ هزار تن مس خالص تولید خواهد شد.

ورود ۴/۵ میلیون فارغ التحصیل به بازار کار در سال ۹۵



به‌زودی۴/۵میلیون‌فارغ‌التحصیل بیکار وارد بازار کار ایران می‌شوند که پتانسیل کشورمان از نظر نیروی انسانی را نشان می دهد و فرانسه می تواند از این موقعیت بیشترین بهره را ببرد.

به گزارش مهر، علی ربیعی وزیر کار در دیدار فرانسوا فیلون نخست وزیر و وزیر کار و امور اجتماعی پیشین فرانسه گفت: مجموعه های زیادی زیرنظر سازمان تامین اجتماعی است که می توانند تعاملات اقتصادی زیادی را با شرکت‌های فرانسوی داشته باشند.

وزیر کار با تاکید بر اینکه تعاملات اقتصادی ایران با اروپا به گسترش ثبات و امنیت در منطقه منجر می شود، اظهارداشت: پس از تحریم‌ها فرصت خوبی برای همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور وجود دارد.

وزیر کار حضور ایران در بازار عراق و گسترش روابط با جمهوری آذربایجان را یادآور شد و گفت: ایران همچنین موقعیت خوبی در بازار افغانستان دارد و دو هفته پیش هم با جمهوری آذربایجان تفاهمنامه‌ای در خصوص تاسیس یک شرکت دارویی امضا کردیم که به زودی عملیاتی می شود.

به گفته وی، همچنین بزرگترین شرکت نفتی و گازی خلیج فارس با ۴۹ درصد سهم، زیرمجموعه سازمان تامین اجتماعی است که می‌تواند تعاملات اقتصادی خوبی برای همکاری با شرکت‌های فرانسوی داشته باشد. هم اکنون برای ساخت دو پالایشگاه بزرگ نیاز مالی داریم که فرانسوی‌ها می توانند در این حوزه سرمایه گذاری کنند.

این عضو کابینه دولت تاکید کرد: با توجه به تعاملات کشورهای منطقه با ایران، روابط اقتصادی فرانسه با ایران می تواند به توسعه حضور بیشتر فرانسه در کشورهای منطقه منجر شود. ایران و فرانسه همچنین می توانند تعاملات فرهنگی خود را گسترش دهند.

وی به توانمندی‌های ایران در زمینه گردشگری اشاره کرد و افزود: علاوه بر قابلیت‌های بسیار بالای ایران در بخش پزشکی، هزینه درمان در ایران ارزان است؛از این رو ایران می تواند در زمینه توریسم درمانی نقش بسزایی داشته باشد.

ربیعی ادامه داد: ایران همچنین از آثار تاریخی و موقعیت ویژه طبیعی از توانمندی بالایی در بخش گردشگری و جذب توریسم برخوردار است.

همچنین فرانسوا فیلون نخست وزیر و وزیر کار و امور اجتماعی پیشین فرانسه در این دیدار گفت: فرانسه همواره ایران را نسبت به کشورهای دیگر منطقه متمایز می‌کند و دید متفاوتی نسبت به تهران دارد. فرانسه سال‌های طولانی با کشورهای آلمان و انگلیس در جنگ بود، اما اکنون با همدیگر در اتحادیه اروپا همکاری می‌کنند.

وی با بیان اینکه فرهنگ هر ملتی می تواند مجموعه سیاست یک کشور را تبیین کند، ایران را کشوری دارای ثبات و آرام در منطقه بیان کرد و گفت: مسئولان در این کشور با مسئولیت پذیری توانسته اند ثبات ، آرامش و امنیت را در ایران جاری سازند و اروپا باید سیاست متفاوت و مستقلی در مورد ایران داشته باشد.

دسترسی آزاد به اطلاعات حق تمامی شهروندان است

دولت تدبیر و امید دسترسی آزاد به اطلاعات را حق همه شهروندان می داند؛ زیرا این دسترسی به ارتقای سطح آگاهی و امنیت، ارتقای سطح زندگی، شفافیت و کاهش فساد و افزایش امید منجر می شود.

به گزارش ایرنا ،محمود واعظی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در شبکه اجتماعی کلوب به مناسبت یکصد و سی و نهمین سالگرد ورود تلگراف به ایران نوشت: از ۱۳۹ سال پیش تاکنون تغییرات وسیعی در این فناوری ایجاد شده است؛ به گونه‌ای که در این زمان از هر قوم و نژادی که باشید و درهر نقطه‌ای از جهان که هستید به آسانی می توانید با مخاطبین خود ارتباط برقرار کنید.

وی تاکید کرد: کوچک ترین تعلل در توسعه این بخش می‌تواند اثرهای ناگواری بر سایر بخش‌های جامعه داشته باشد.

وزیر ارتباطات افزود: لزوم دسترسی سهل و آسان همه شهروندان، ایجاد عدالت ارتباطی و کاهش شکاف دیجیتالی بین شهر و روستا ما را بر آن داشت تا به توسعه اینترنت روستایی، اجرای نسل سوم و چهارم تلفن همراه و ایجاد تسهیلات و قوانین لازم در روابط بین اپراتورها پرداخته تا شاید بخشی از وظیفه خود را به مردم فهیم و عزیز کشورمان ادا کرده باشیم.

وی یکی از مهمترین راه‌های دسترسی آزاد به اطلاعات را رشد سریع فناوری ارتباطات و اطلاعات در کشور دانست.

خبر دیگر اینکه، واعظی همچنین در مراسم افتتاح موزه شهدای وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ، ضمن تاکید بر اینکه امروز هرچه داریم از ایثارگری و خون شهدا به دست آمده، افزود: تکریم و بزرگداشت شهدا و خانواده شهدا حفظ روحیه شهادت طلبی و ایثارگری است.

وی گفت:موفقیت های بین‌المللی به دست آمده، نتیجه ایثار و از خود گذشتگی شهدا، هدایت مقام معظم رهبری و مقاومت مردم ایران است و امنیت فعلی و یکپارچگی امروز مرهون خون شهداست.

این عضو کابینه دولت افزود: نظام اعتقادی ما هر روز را روز شهید و گرامیداشت یاد آنان می‌داند وفقط محدود به یک روز نیست.

وی پایداری انقلاب اسلامی را مرهون آگاهی و تدبیر معمار کبیر انقلاب اسلامی امام (ره) و در ادامه رهبری توانا دانست که مکتب پشتوانه انقلاب است و افزود: چنانچه ایثار و فداکاری‌های شهدا نبود، امروز امنیت هم نداشتیم و معلوم نبود وضع انقلاب چگونه خواهد شد.

وزیر ارتباطات موفقیت های کشور را مرهون هدایت مقام معظم رهبری و مقاومت مردم ایران دانست که سختی ها را با جان تحمل کردند و گفت: امید می رود همانگونه که شهدا بر اساس اعتقادات خود عمل کردند، مدیران دستگاه های اجرایی هم بر اساس اعتقادات خود به گونه ای رفتار کنند که تداوم بخش راه شهیدان باشند.

وی اقتدار و امنیت امروز ایران را نتیجه پایمردی و ایستادگی شهدا دانست و ابراز امیدواری کرد مسئولان با رفتارهای خود و خدمتگذاری بیشتر به مردم ادامه دهنده خون شهدا باشند .

موزه شهدای وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات روز شنبه گذشته واقع در میدان امام خمینی(ره) تهران با حضور جمعی از خانواده های شهدای وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات افتتاح شد.

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در مراسم افتتاحیه این موزه، کانال تلگرامی همراه با شهدا را هم افتتاح کرد و علاوه برآن از تمبر یادمان شهدای این وزارتخانه هم رونمایی شد.

اختلاس ۸ میلیارد تومانی در فروشگاه رفاه

مدیرعامل فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه ضمن انتقاد شدید از ضعف سیستم مالی این فروشگاه در سال‌های گذشته، از اختلاس چند میلیاردی در این مجموعه در اواخر دولت قبل خبر داد.

به گزارش ایسنا، فرشید گلزاده در یک نشست خبری اظهار داشت: در اواخر دولت گذشته مبلغ ۵/۶میلیارد تومان که با سود آن این رقم در حال حاضر به ۸ میلیارد تومان می‌رسد، از شرکت خارج شد که برای آن پرونده حقوقی تشکیل دادیم و این موضوع در حال پیگیری است. همچنین در همان دوره مبلغ ۵ میلیارد تومان بن به ۱۱ شرکت سوری فروخته شد که توانستیم نیمی از مبلغ را به شرکت بازگردانیم و بقیه هم در حال بازپس‌گیری است.

وی ورود و استخدام افراد غیر کارشناس توسط لابی‌های مختلف در اواخر دوره قبل را از دیگر مشکلات این مجموعه دانست و اظهار داشت: بیش از ۱۰۰ نفر به این شرکت وارد شدند که بعضا در پست‌های مدیریتی هم فعالیت می‌کنند و استخدام رسمی شده اند که تخصص و توانایی های لازم را ندارند و فقط هزینه زایی برای مجموعه به همراه دارند و متاسفانه هر از گاهی که در نظر داریم برخی از آن ها را تعدیل کنیم، جوسازی کرده و مشکلاتی برای ما ایجاد می شود.

مدیرعامل فروشگاه‌های زنجیره ای رفاه در عین حال با بیان اینکه برنامه‌ای برای ورود به کشور عراق داریم و مذاکراتی انجام شده است، گفت: معتقدیم با توجه به ضعف زیرساخت‌های شهری آنجا، دولت باید به ما کمک کند که بتوانیم به بازار عراق راه یابیم که یکی از برنامه های مهم ما در آینده ورود به این بازار است.

وی همچنین از مذاکره با چند شرکت اروپایی و ترک خبر داد و افزود: تقاضاهایی از شرکت‌های عربی داشتیم و به دنبال آن هستیم که دو مدل فروشگاهی جدید ایجاد و از خارجی‌ها در این فروشگاه‌ها استفاده کنیم.

گلزاده همچنین از ایجاد اتحادیه فروشگاه‌های زنجیره‌ای در آینده خبر داد و در عین حال درپاسخ به سوالی درباره برگزاری نمایشگاه‌های بهاره تاکید کرد: به شدت منتقد برگزاری این گونه نمایشگاه‌ها هستیم؛ این نمایشگاه‌ها که بعضا توسط شهرداری برگزار می‌شود و دلالان و واسطه‌ها در آن شرکت کرده وکالاهایی که شاید قاچاق باشد در این نمایشگاه عرضه می شود.

به انگیزه نشست‌های جهانی چاره‌جویی بحران آب

آب شیرینِ بی‌جانشین!

شعر«دشت‌هایی چه فراخ» سهراب سپهری، امروز مفهوم زیباشناسانه خود را از دست داده است؛ امروز آن چه فراخ شده و می‌گسترد، نوبیابان‌های برآمده از کم‌آبی است.

خاک کشتزار زیر نور سوزنده خورشید، ترک بر می‌داشت و برگ‌های سبز ذرت، کم‌کم به زردی می‌گرایید. بیشتر کشاورزان روستا به شهر کوچیده و تنها پدر و پسر مانده بودند. موتور آب کشاورزی، هرچه زور می‌زد، توان پمپاژ آب از چاه را نداشت، زیرا آب چاه به گِل نشسته بود. پسر داوطلب شد که به ته چاه ژرف برود و زمین را بیشتر بکند، بلکه به آب برسند. پدر از بالای چاه داد زد:«به آب رسیدی پسرم؟» پسر که داشت از آن‌سوی کره زمین بیرون می‌آمد، فریاد کرد:«نه پدر، ته چاه معلوم نیست، دارم از چاه بیرون می‌آیم!»

اگر در رخدادها منفردنگر نباشیم، درخواهیم یافت که باروت رخدادهای درون‌کشوری و میان‌کشوری در بیشتر قلمروهای جهان، با«آب» آمیخته است، و بی آن که این باروت، نم بردارد، خشن‌تر و کشنده‌تر شده است. اینک در پی «مدیریت نامدبرانه» دودی از آب‌های اندک جهان بر می‌خیزد که در زیر خود، آتشی پنهان دارد که از چندین دهه پیش، آماده زبانه‌کشیدن شده است.

تولید آب‌شیرین؟

با آن که امکان شیرین‌سازی آب شور دریا با دستگاه‌های مدرن و گران و به بهای گزاف، ممکن است، ولی تولید آب شیرین، با هیچ فناوری و ابزاری ممکن نیست و فقط باید باران ببارد، که آن هم دگرگون به سیل می‌شود؛ البته باران در خود، ماهیت سیل ندارد، ولی از آن‌جایی که درخت‌ها و بوته‌ها روی زمین در حال نیست شدن‌اند، ترنم باران، دگردیس به آوای شوم سیل می‌شود؛ برای همین، حتی باران، درمانگر درد کم‌آبی و بی‌آبی نیست، و یگانه دارو، برف است، که از آن هم خبری نیست.

کارشناسان کشورهای جهان با نشست‌های هر سال خود با چرخشگاه «آب» می‌کوشند به این پرسش پاسخ دهند که آیا انسان‌ها در پایانه«عصر آسایش آب» قرار دارند و باید از اتوبوس «دلخوشی فراوانی آب» پیاده شوند و برای ادامه زندگی، مسیرهای دیگری را بپویند؟ این نشست‌های پیاپی سران، بی‌سبب نیست، کم‌آبی، حساسیت بی‌مانندی در انسان‌ها به وجود آورده است و گاه دو همسایه‌دوست قدیمی و دارای روابط خوش را به جان هم می‌اندازد! همه این رویدادهای ناخوش، آتشی را در ذهن انسان به تصویر می‌کشد که هیچ آبی را توان خاموش‌کردنش نیست.

اما ما در این آشفتگی چه می‌کنیم؟

یک‌بار در بوستانی، یکی از باغبانان در حال خوردن آب از شیلنگ بود که در برابر ندای من که:«نخور!» گفته بود:«آب خوردنه!» باور نکردم تا این‌که خبری خواندم بر این مضمون که همزمان با پیش‌بینی جیره‌بندی آب در پایتخت، گویا برخی پیمانکاران، در گوشه‌هایی از تهران، به گونه‌ای ناقانونی، از آب آشامیدنی برای آبیاری چمن استفاده می‌کنند!

کم‌آبی فراگیر

بر پایه سخنان یک مدیر آب، مجوز سقف برداشت آب از هزاران چاه گلپایگان در سال گذشته، نباید از ۱۴۱ میلیون متر مکعب می‌گذشت، ولی حتی از ۲۰۲ میلیون مترمکعب نیز گذر کرده است؛ که پیامدهایش، افت بسیار زیاد آب‌های زیرزمینی تا ۲ متر و نشست ۱۲سانتیمتری آبخوان‌های دشت گلپایگان و نابودشدن کاریزهای آن قلمرو بوده است.

در رادیو جوان(در سال‌های گذشته)، برنامه «عصر پرتقالی» زنده‌یاد مهران دوستی اجرا می‌شد که یکی از بخش‌های ثابت زیست‌محیطی‌اش «حال زمین خوب نیست» نام داشت؛ این را گفتیم برای آن که پافشاری کنیم که به راستی، حال زمین خوب نیست؛ یا هرچه زودتر به دیدارش برویم که حالش بسیار بد است!

جهان امروز با آشفتگی‌های بزرگی مانند جنگ‌های فرسایشی، تروریسم جهانی و گسترش شکاف‌های طبقاتی روبه رو است، و با این آزمندی که انسان‌ها برای فروکشیدن ذخیره‌گاه‌های آب از خود نشان می‌دهند، چه بسا که در آینده نزدیک، جنگ‌آب، به دیگر جنگ‌های دوران ما افزوده شود.

به هر رو، به لحاظ گستره تاثیر، بزرگ‌ترین چالشی که انسان امروز به دست خود در کره زمین به وجود آورده، کمبود آب است. گزاره‌های رفتار زیست‌محیطی سال ۲۰۱۶ (دانشگاه ییل Yale آمریکا)، زنگ‌های هشداردهنده‌ای را به ما نشان می‌دهد که دیرزمانی است به صدا درآمده، ولی مانمی‌خواهیم‌بشنویم.

فقط در اندیشه خود

ما در اندیشه کودکی که در پایین‌دست از رودخانه برای خوردن، آب بر می‌دارد و یا ماهیگیر تهیدست ساحلی که نباید دست‌تهی از دریا برگردد، نیستیم و بیش از ۸۰ درصد از فاضلاب‌هایی را که به رودخانه‌ها و دریاها می‌ریزیم، هنوز تصفیه نشده است که افزون بر آلودن آب‌های شیرین مصرفی انسان‌ها، به نابودی هرچه بیشتر آبزیان می‌انجامد. در ۲۳ درصد کشور جهان، هنوز هیچ‌گونه سیستم تصفیه فاضلاب وجود ندارد.

بازپسین تصویرهای ماهواره‌ای از پهنه جنگل‌های باران‌زای جهان(۲۰۱۴) نشانگر آن است که نزدیک به ۲ و نیم میلیون کیلومتر مربع آن‌ها از میان رفته است؛ ولی انسان‌های آزمند هنوز خوابند و درنیافته‌اند که نبود جنگل و درخت و پوشش‌های گیاهی، تباه‌گر سلامت‌اکوسیستم،زیستگاه‌های‌طبیعی جانور/انسان و تغییر اقلیم خواهد بود و بازپسین درخت، بر هستی خودِ آنان و فرزندان‌شان سرنگون خواهد شد.

دانشگاه ییل آمریکا در گزارش سال ۲۰۱۶ میلادی خود، ایران را به لحاظ رفتارهای زیست‌محیطی در رده ۱۰۵(از ۱۸۰ کشور جهان) قرار داده است؛ و با این رده‌بندی، کشور همسایه ما ارمنستان (با شماره ۳۷) با رفتار درست‌تر، جایگاه بهتری یافته است. به باور پژوهشگران آن دانشگاه، قرارگرفتن فنلاند بر پیشانی سیاههِ رفتار درست زیست‌محیطی، برخاسته از تعهد اجتماعی آن کشور برای برپاداشتن سرزمینی تهی از کربن است؛ فنلاند، نخستین کشور به کارگیرنده انرژی‌پاک نیز هست و ۳۸ درصد از انرژی مصرفی‌اش، از ذخیره‌گاه‌های تجدیدپذیر است.

به سبب حساسیت جهانی در مورد محیط‌زیست، از دهه ۱۹۶۰ میلادی تاکنون، جنبش‌ها و سازمان‌های سبز در اروپا، در برابر استفاده بی‌سامان از طبیعت –که انسان را به لبه تاریکی می‌برد– شکل گرفته است؛ به گونه‌ای که در برخی کشورها از شمار آلمان، سازمان‌های سبز توانسته‌اند به ساختار قدرت سیاسی راه یابند. جنبش‌های زیست‌محیطی در کشورهای غربی، همچنین توانسته‌اند بر رویکردهای سازمان‌های(تا دیروز صرفا چپ‌گرا) تاثیر خوبی بگذارند و توجه آن‌ها را به چالش‌های سلامت محیط‌زیست برانگیزند، تا جایی که اینک حفاظت از زیست‌محیط، بخش مهمی از برنامه این سازمان‌ها را تشکیل می‌دهد.

خیزش هواداران محیط زیست

افزون بر فشارهای سازمان‌های زیست‌محیطی، در این سال‌ها گواه خیزش‌های سازمان‌نیافته مردمی(بی‌دخالت مردم‌نهادها) نیز بوده‌ایم، که یکی از آن‌ها، خیزش پارک‌گزی بوده است. در سال ۲۰۱۳ میلادی، درگیری‌هایی میان پلیس و جوانانی پیش آمد که از چند روز پیش، برای جلوگیری از ویرانی «پارک‌گزی» در میدان «تاکسیم» گرد آمده بودند. این برخورد خشمگین پلیس با جوانان، ناآرامی‌ها را به دیگر شهرها کشاند. شهرداری بر آن بود تا با انداختن شماری از درختان بوستان در میدان تاکسیم، بر جنازه آن درختان، یک سازمان فرهنگی بنا کند. بی‌گمان فریاد بر سر کسانی که به ویرانی درختان می‌اندیشند، نمادی از حساسیت افکار عمومی و واکنش بجا به برنامه‌های نابجا است که سرانجامش، فضای بی‌درخت و به جایش انباشته از سازه‌های بتونی است؛ این خیزش در ترکیه(استانبول) سبز رخ داد، کشوری که پیش از آن، دغدغه محیط‌زیستی نداشت.

دیگر نمونه خیزش‌های سازمان‌نیافته سال گذشته، از سوی مردم لبنان بود. بحران زباله از آن جا آغاز شد که قرارداد پیمان‌کار گردآوری زباله با دولت این کشور به پایان رسیده بود و به سبب به تفاهم‌نرسیدن، کوهی از آشغال پدید آمد و سبب آغاز نخستین خیزش «شما بوی بد می‌دهید» شد و یک گروه کوچک(همچون توده بهمن)، به ده‌ها هزار تن رسید و خیزش به سراسر کشور دامن گسترد، تا دولت پیام برچیدن هرچه زودتر زباله‌ها را دریافت کند.

خاک‌سبز

مرد روستایی، دست را سایبان چشم می‌کند تا از دور، زمین بی‌نم و خشک و مانند دستش ترک‌دار را ببیند که چگونه هر روز بیش از پیش، به قلمرو زندگیش نزدیک می‌شود.

گمانی نیست که فقط خاک سبز، بستر طبیعی زندگی انسان است. اینک خاک باروری –که پدیدآمدنش میلیون‌ها سال به درازا کشیده است و برای به وجودآمدن یک سانت از لایه‌از دست‌شده‌اش باید تا ۳۰۰ سال چشم به راه بود– در حال فرسایش است و اگر در این زمینه‌ها روش‌های بهره‌برداری خود را تغییر ندهیم، فردا باید با اشگ چشم، خاک خشک سرزمین خود راتر کنیم

ایران با هشدارهای زیست‌محیطی زیادی رو–در–رو است؛ پوشش گیاهی ناپدید می‌شود. روستاییان از بی‌آبی به شهرها می‌کوچند و از آب لوله‌کشی و کلرزده و بدبو و بی‌خاصیت شهرها می‌نوشند! کمی آب، سبب قطع آن در تابستان‌ها در لوَله‌های خانه‌ها می‌شود و بیابان‌زدایی جایش را به بیابان‌رهایی می‌دهد، چرا که اگر آبی نباشد، درختکاران بیابان‌زدا نیز کار خود را رها خواهند کرد.

اگر خود را گول نزنیم، درخواهیم یافت که بحران آب، فقط برآمده از پدیده‌های جوی و خشک‌سالی و کاهش برف و بارش نیست، بلکه بیشتر گناه، از دستان آزمند ماست که یک کاسه در ذخیره‌گاه‌ها نریخته، دو کاسه آب برداشته‌ایم. میانگین بارش‌ها در ایران، یک‌سوم دیگر کشورهای جهان است، ولی ما بی‌توجه به این مهم، آب مصرف کرده‌ایم. چه کسی نمی‌داند که شیوه درست تامین آب در دوران خشک‌سالی، کندن هرچه بیشتر چاه‌های ژرف نیست؟

فرونشست دشت‌ها

ناهید حمیدی، کنشگر محیط‌زیست در باره دشت‌ها می‌گوید: فرونشست دشت‌ها به سبب بی‌آبی و تهی شدن آبخوان‌ها، رخداد تکرارشونده نازیبایی است. خودتان می‌دانید چرا در آستانه سال نو، واژه زشت را به کار نمی‌برم! در درازنای زندگی ۵۲ ساله خود، هرگز با چنین چشم‌اندازهای ناخوشایندی رو به رو نبوده‌ام، که در این ۱۰ سال روبه شده‌ام. زمانی شهرستان کوچک من که در گذشته، رودخانه‌های فراوان و پرآب داشت، اینک در بی‌آبی می‌سوزد و دشت‌های بارورش، رو به ویرانی است.

این پژوهشگر می‌افزاید: بی‌آبی و کندن چاه‌های ژرف فراوان، افزون بر کاهش بسیار زیاد آبخوان‌ها، سبب فشردگی لایه‌های خاک، پایین‌روی تراز ایستایی آب زیرخاکی و پیدایش پدیده فرونشست در پهنه دشت‌های کشور شده است. استفاده بی‌سامان از آب و آبخوان‌ها، سبب مرگ دشت‌ها شده و به فرسایش خاک انجامیده است. کندن ده‌ها چاه در بستر رودخانه‌ها، این ذخیره‌گاه‌ها را نیز به نابودی کشانده است. دشت‌ها دیگر توان آن را ندارند که آب‌شان انتقال یابد و یا برداشت شود. روشن نیست چرا صدها چاه در سال‌های گذشته در روستاها زده شد، در حالی که هر شهرستان و روستاهای دور و برش فقط ظرفیت کندن ۱۰ حلقه چاه را داشته است. در گذشته توجه کمی به فرونشست دشت‌ها می‌شد، ولی اینک این پدیده نازیبا، نگاه هر رهگذری را به سوی خود می‌خواند؛ بنابراین جا دارد که خود کشاورزان، چاه‌های آرتزین را پلمب کنند. فرونشست دشت‌ها حتی همزمان شده با ویرانی خانه‌ها و سازه‌ها. این فرونشست برای کودکان و جانوران خطرآفرین شده است؛ که در این میان، کارگذاری دستگاه‌های آب‌شیرین‌کن در کنار دریَاها می‌تواند کمک بزرگی به حال روستاییان باشد.

حمیدی با این سخن که آبخیزداری می‌تواند تا اندازه‌ای رهایی‌بخش از بحران کم‌آبی باشد، ادامه می‌دهد: یک دهه است که کشاورز و زمین، هر دو با هم در آتش خشک‌سالی می‌سوزند؛ همواره خبر«افزون‌برداشت» میلیاردها مترمکعب آب از دشت‌ها به گوش می‌رسد، تا نه دیگر آبخوان‌ها توان آب‌دهی داشته باشند و نه کاریزها و نه چشمه‌ها. برخی از شهرستان‌ها و استان‌ها، بنیان اقتصادی‌شان کشاورزی است، ولی ۱۵ سال است که در چالش با خشکسالی به سر می‌برند؛ که این هم رویکرد به آبخیزداری را گوشزد می‌کند. با فراگیری دوباره آبخیزداری می‌توان از آسیب بیشتر سفره‌های زیرخاکی جلوگیری کرد و با هدایت روان‌آب‌ها و سیلاب‌ها، به نُرم چنددهه پیش برگشت. بی‌گمان گسترش زمین‌های زیرکشت، همراه خواهد بود با «افزون‌برداشت» از آبخوان‌ها! بنابراین، باور بیاوریم که ما مانند دیگر کشورهای جهان در وضعیت بارندگی ۷۵۰ میلی متر در سال نیستیم و نمی‌توانیم این‌همه آب مصرف کنیم. به خود بباورانیم که از سهم بارش‌های جهانی، فقط با۲۵۰ میلی‌متر باران در سال باید کشاورزی کنیم.

او در ادامه گفت‌وشنود با روزنامه اطلاعات می‌گوید: برای بسیاری از دشت‌های در آستانه نابودی و دچار کم‌آبی، بارندگی‌های بی‌برف امسال، نوشدارویی بیش نبوده و به بهبود وضعیت نیانجامیده است. امروز با فرونشست زمین، ترک‌های ۴۵ درجه‌ای را در برخی دیوار خانه‌های روستاهای گلپایگان گواهیم. از این‌رو زمانش رسیده است که در رفتار خود با طبیعت، درنگ کنیم و به پاسخی بیندیشیم که فرزندان‌مان در آینده از ما خواهند خواست. اختیارداری(آب، خاک، جنگل، چراگاه و جانوران) ما را به این پندار دچار نکند که مالک آن‌ها هم هستیم؛ مالک آنان فرزندان ما و آیندگانند.

جنگ آب در آینده جهان

به سبب افزایش مصرف آب، سوء مدیریت، بالاروی جمعیت دنیا و گسترش شهرنشینی و نیز پایین‌روی تراز آب‌های زیرخاکی در بیشتر کشورهای جهان، کارشناسان بر این باورند که «چالش آب» در سده ۲۱ میلادی، گزاره مهم زندگی انسان‌ها است. سازمان‌های جهانی رصدگر وضعیت کشورها، در گزاره‌های خود، مدام از چشم‌انداز تیره آب در جهان می‌گویند و جنگ آب در آینده را گوشزد می‌کنند. با کاهش دسترسی به آب در قلمروهای خاورمیانه، آسیَا و آفریقا، زنگ خطر در این مورد به صدا درآمده است. گاه درگیری‌هایی در جهان رخ می‌دهد که نشانی از آب در آن‌ها نیست، ولی ماهیت بحران آب را در خود نهفته دارد.

اینک جنگ‌آب، نه به روشنی، ولی در پرده‌ای پنهان و در برخی کشورهای جهان رخ داده و می‌دهد. برای نمونه، در گذشته، جنگ در لبنان، به شبکه آب‌رسانی آن کشور و کانال‌های انتقال آب رود لیتانی(زمین‌های کشاورزی قلمروهای ساحلی) آسیب زیادی وارد کرده است. یا در سریلانکا، خودداری چریک‌های تامیل از گشایش یک کانال، که آب مورد نیاز کشاورزان برنج کار را تامین می‌کرد، به درگیری‌های نظامی کشیده شد و کارگران زیادی جان باختند.

ناهید حمیدی بر این باور است که کم‌آبی شیر آشپزخانه نیز برای خانم‌هایَ خانه‌دار پرسش‌انگیز شده است، که چه پیش آمده است؟ او می‌افزاید:اینک ۲ میلیارد تن از مردمان کره‌زمین، دسترسی به آب موردنیاز خویش را در همه بخش‌هایَ خانگی، خوراکی، کشاورزی و صنعت از دست داده‌اند. حتی در چین پرباران نیز، رودخانه‌ها هر سال بیشتر از خروشندگی می‌افتند و برخی خشک می‌شوند. در بخش‌هایی از هند، تراز آب‌های زیرزمینی با چنان شتابی رو به کاهش نهاده و کشت‌وکار را بی‌صرفه کرده که راهی مگر تعطیلی کشاورزی باقی نگذاشته است. از دریاچه آرال تا آفریقا، دریاچه‌ها با شتاب بی‌مانندی رو به خشک‌شدن می‌روند و برآیندش آن که بخش بزرگی از انسان‌ها امروز در قلمروهایی زندگی می‌کنند که محدودیت آب، به همه سختی‌های توان‌فرسای اکولوژیکی(بومی)–که تاکنون با آن مواجه بوده‌اند– افزوده شده است. اینک کشورهای جهان(مشترک در بحران آب) برای پرهیز از درگیری‌های مرزی بر سر رودخانه‌ها، در تکاپو برای گفتگو و تفاهم‌اند؛ با این‌همه، از بحران انرژی «آب بی‌جانشین» که ماهیتی تجدیدناپذیر و کاهش‌شونده دارد، چیزی کاسته نشده است. اینک کشورها در پی برپایی انرژی‌های بادی و خورشیدی، برای حذف انرژی فسیلی هستند، ولی در کنار انرژی آب، گزینه دیگری وجود ندارد. کمبود آب، حتی دسترسی به انرژی هسته‌ای را که تولیدش بدون آب، ممکن نیست، به چالش کشیده است.

ع. درویشی ـ دکتر ابراهیم جعفری



چشمه گل شهرستان رامیان

*** ناهید حمیدی- پژوهشگر محیط زیست : فر و نشست دشت‌ها به سبب بی‌آبی و تهی‌شدن آبخوان‌ها، رخداد تکرارشونده نازیبایی است. در درازنای زندگی خود هرگز با چنین چشم‌اندازهای ناخوشایندی رو به رو نبوده‌ایم، که در این ۱۰سال روبه‌شده‌ایم**

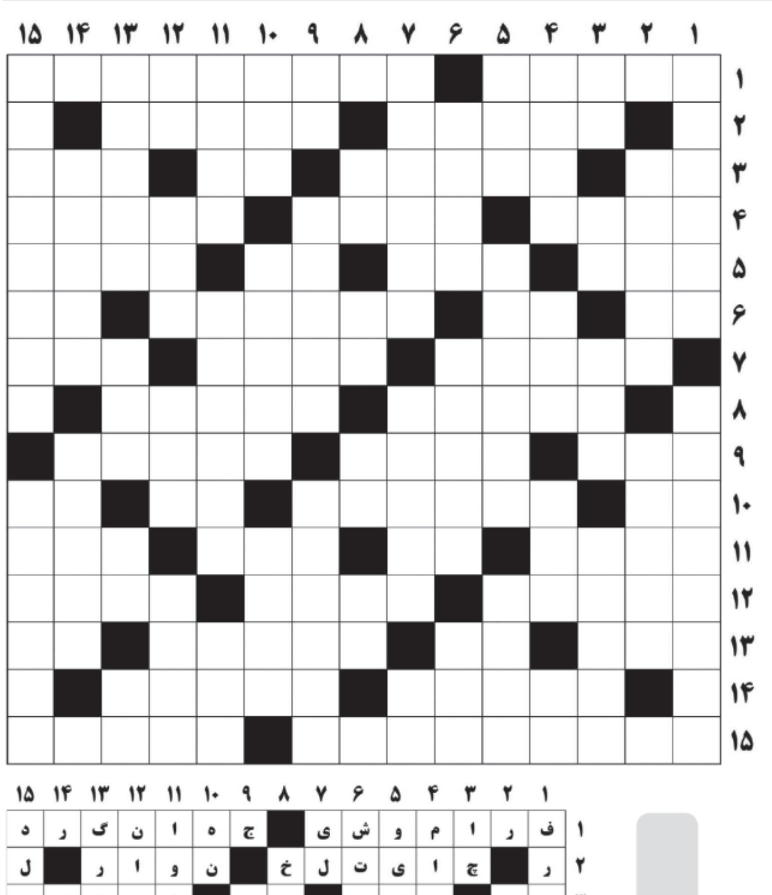
*** برای بسیاری از دشت‌های در آستانه نابودی و دچار کم‌آبی، بارندگی‌های بی‌برف امسال، نوشدارویی بیش نبوده است**

*** ۲ میلیارد تن از مردمان کره‌زمین، دسترسی به آبِ موردنیاز خویش را در همهِ بخش‌های خانگی، خوراکی، کشاورزی و صنعت از دست داده‌اند و حتی در چین پرباران نیز، رودخانه‌ها هر سال بیشتر از خروشندگی می‌افتند و برخی خشک می‌شوند**

*** مجوز سقف برداشت آب از هزاران چاه گلپایگان در سال گذشته، نباید از ۱۴۱ میلیون مترمکعب می‌گذشت، ولی حتی ۲۰۲ میلیون مترمکعب نیز گذرکرده است که پیامدهایش، افت بسیار زیاد آب‌های زیرزمینی تا ۲متر و نابودشدن کاریزهای آن منطقه بوده است**

جدول ۲۲۷۹۲

طراح: غلامحسین باغبان



افقی:

[illegible]

عمودی:

[illegible]

حل جدول ۲۲۷۹۱



ریا از نگاه غزّالی، مولانا و حافظ

ساغر صدق

دکتر ایرج شهبازی بخش نهم



آنان که با آشوب‌ها و فتنه‌های زمانه حافظ آشنایند، نیک می‌دانند رمز این آرزوها، که حق طبیعی هر فرد و جامعه‌ای است، چیست و چرا حافـظ کنج فراغت را بر همه دنیا ترجیح می‌دهد و از دسـت‌دادن آن را برابر با فروختن یوسـف به ثمن بخس می‌داند. آری، او در «زمانه‌ای عجیب» زندگـی می‌کند؛ زمانه‌ای کـه جاه‌طلبی‌ها و خودخواهی‌های گروهی بی‌مغز و ستمگر همه مردم را در جهنمی از ناامنی و درد و رنج قرار داده است. حافظ این دوره را چنین توصیف می‌کند:

زیرکی را گفتم این احوال بین، خندید و گفت:
صعب روزی، بُلعجب کاری، پریشان عالَمی!

۳ـ۴) ظاهرگرایی

درباره نسـبت «صورت» و «معنی» باید دانست که معنی بدون صورت برای همیشه پنهان می‌ماند و چنانچه صورتی وجود نداشته باشد، انسان‌ها راهی به معنی نخواهند داشت. درست همان گونه که برای آگاهی یافتن بر اندیشه‌های دیگران راهی جز مشاهده و بررسی گفتارها و کردارهای آنها وجود ندارد، برای راه یافتن به عالم معنی نیز ناگزیر باید از دنیای صورت عبور کرد (مثنوی معنوی، ۱/ ۱۱۳۹ـ۱۱۳۷). بین معنی و صورت رابطه‌ای استوار وجود دارد؛ صورت از معنی می‌زاید؛ ولی معنی نیز بدون صورت نمی‌تواند ظهور پیدا کند؛ از این رو اندیشه بدون لفظ نمی‌تواند خود را نشان دهد و عشق و محبت صرف نیز که از مقولهٔ معنی‌اند، به گواهانی از نوع سخن و عمل نیازمندند، وگرنه نمی‌توان به آنها راه برد (همان، ۱/ ۲۶۳۲ـ۲۶۲۴).

نقش صورت در این منحصر نیست که مجالی برای ظهور و بروز معنی فراهم می‌آورد، نقش مهمترش این است که در عین حال محافظ و نگهبان معنی هم هسـت. رابطهٔ صورت و معنی دقیقاً مانند رابطهٔ پوست و مغز است؛ مغز بدون پوست سخت آسیب‌پذیر می‌شود و به‌سرعت می‌پوسد و نابود می‌شود. احساسات و اندیشه‌های آدمی نیز اگر همیشه پنهان بمانند و در قالب سخنان و کردارهای متناسب با خود درنیایند، بدیهی است که دیری نمی‌پایند و به‌زودی از بین می‌روند. عشق اگر فقط در درون عاشق پنهان باشد و در قالب سخنان عاشقانه، هدیه دادن، خدمت کردن و مانند آنها درنیاید، نه تنها نمی‌توان آن را شناخت، بلکه نمی‌توان به دوامش هم امید بست. شاید یکی از مهمترین دلایل جعل آداب و رسوم و مناسک دینی همین امر باشد.

صورت‌بندی اندیشه‌ها و باورهای دینی در قالب مناسک باعث محافظت این اندیشه‌ها و باورها از فراموشی و نابودی می‌شود. نکته‌ای کـه در اینجا باید بر آن تأکید کرد، این اسـت که صورت محافظ معناست؛ ولی اگر به هدف تبدیل شود، مانع دستیابی انسان به معنی می‌شود؛ به عبارت دیگر صورت همزمان می‌تواند نقشهای دوگانه‌ای را در خصوص معنی ایفا کند؛ از سـویی محافظ معنی و از سـویی دیگر حجاب آن باشد (مثنوی، ۶/ ۳۷۰۸ـ۳۷۰۷).

از آنجا که بیشـتر انسان‌ها گرفتار صورت‌گرایی هستند، بدیهی است که آنها در مواجهه با صورت‌ها و معنی‌ها غالباً جانب صورت را می‌گیرند و معنی را رها می‌کنند و بدین گونه با توقف کردن در صورت، آن را به حجابی برای معنی تبدیل می‌کنند. انسان‌ها عموماً گرایشـی مهارناپذیر به سوی صورت‌گرایی و شکل‌آفرینی و حتی ظاهرپرستی دارند. بهترین دلیل این امر توجه فراوانی است که همه به پرورش جسم خود و آرایش ظاهر خویش دارند و به همین میزان از پرورش ابعاد روحانی خود و از آرایش باطن خویش غفلت می‌ورزند. نکتهٔ دیگر در مورد رابطهٔ ظاهر و باطن این است که معانی باطنی و شور و شیفتگی درونی حتماً بر حرکات ظاهری تأثیر می‌گذارند. کسی که حقیقتاً دلی خاشع و خاضع دارد، بدنش هم از سعادت خضوع و خشوع بهره‌مند خواهد شد.

در مورد سـایر ویژگی‌ها مانند شجاعت، دانایی، خوش‌قلبی و مهربانی و نظایر آنها و نیز دربارهٔ ویژگی‌های منفی مانند کین‌ورزی، ترس و مانند آنها نیز وضع به همین منوال است؛ اما باید دانست که این تأثیر یکطرفه نیست و حرکات ظاهری هم بر حالات درونی تأثیر می‌گذارند و ممکن است که کسی به سوی صورتی کشیده شود و آن صورت او را به سوی معنا راهنمایی کند. عده اندکی از سالکان هستند که حرکتشان از باطن به سوی ظاهر است؛ ولی بخش اعظم افراد ناچار باید از ظاهر به سوی باطن و از صورت به طرف معنی پیش بروند و اعمال ظاهری و آداب صوری چنانچه با دقت و به طور شایسته انجام گیرند، می‌توانند راهی به سوی باطن بگشایند.

بحـث صـورت و معنی را در حوزه دین و مذهب نیز می‌توان مطرح کرد؛ در اینجا ما با دو نگاه کاملاً متفاوت روبرو هستیم؛ نگاهی که ظاهر کارها و اعمال انسـانی را ملاک قضاوت قرار می‌دهد و مأموریت خود را تبیین ظاهر و حفظ آن می‌داند و نگاه دیگر که همه جا در پی راه یافتن به باطن و تفسیر معنوی از کارهای ظاهری است. یکی از دلایل اصلی کشمکش‌های فقیهان و عارفان در طول تاریخ، همین ظاهرگرایی گروهی و باطن‌گرایی گروه دیگر بوده است، البته کم نبوده‌اند فقیهانی که از نگاه باطنی هم بهرهٔ وافر داشـته‌اند و نیز بوده‌اند عارفانی که خود نیز فقیه به شمار می‌آمده‌اند؛ اما به طور کلی جدی‌ترین برخوردها و نزاع‌ها بین این دو گروه، بر سر اختلاف آنها در مورد ظاهر و باطن بوده است. فقه اصغر تلاش خود را مصروف فهم ظواهر اوامر و نواهی شـرعی می‌کند و پس از تبیین آنها، تمام تلاش خود را برای اجرای آنها به کار می‌گیرد و حاصل کار، تعداد زیادی یجوز و لایجوز است که الزاماً متوجه ساحت باطنی نیست. از این روی در آن به آیات ژرف قرآن در مورد توحید، فرجام‌شناسی، حقیقت زندگی، انسان‌شناسی و اخلاق توجهی نمی‌شود.

در نقطهٔ مقابل، در فقه اکبر کسانی را داریم که با پرداختن به ابعاد باطنی دین، زندگانی معنوی شاد و پرطراوتی را بنیان می‌نهند و همهٔ بخشهای دین را به طور باطنی تأویل و تفسیر می‌کنند و بر آنند که در ورای ظواهر عبادات و احکام به روحی معنوی دست یابند. در گروه اول همین که شروط و آداب ظاهری یک حکم به‌درستی انجام پذیرد، آن حکم به‌درستی انجام شده است؛ اما در گروه دوم مهمتر از ظاهر حُکم، روحی است که در پس آن نهفته است؛ بنابراین ممکن است که کسی تمام واجبات و مستحبات و ارکان نماز را به‌درستی به جا آورد، ولی قلباً به خدا توجهی نداشته باشد. از نظر عارف نماز ظاهراً نادرستی که همراه با توجه تمام به خدا و با نیت خالص انجام پذیرفته باشد، از چنین نمازی مقبول‌تر و بهتر است. به نظر آنان ظواهر چندان اهمیتی ندارد و خدا به دل انسان نگاه می‌کند؛ چه بسا کسانی با الفاظی کژ و دلی راست دعا کنند و خدا دعایشان را بپذیرد.

به هر حال هریک از این دو نگاه در جای خود لازم و درست اسـت؛ اما غلبهٔ هرکدام از آنها بر دیگری سـبب می‌شود که جامعه دچار آسـیب‌های فراوانی شود و متأسفانه در جامعهٔ ما همواره این گونه بوده اسـت؛ گاه نگاه باطنی آنچنان بر همهٔ سـطوح زندگی ما چیره شده است که به کلی قانون‌ها و احکام را به فراموشی سپرده‌ایم و بـه دام اباحی‌گری افتاده‌ایم و گاهی هم آن‌گونه در رعایت احکام ظاهری غرق شـده‌ایم که روح دینداری را از یاد برده‌ایم. کمال در جمع بین صورت و معناست؛ چراکه تکیه بر معنای صرف، زندگانی دنیایـی را تعطیـل می‌کند و گرایش به صورت محض نیز دین را از معنی تهی می‌سازد.

همان گونه که عشق را جز از طریق تظاهرات بیرونی که در زبان تن عاشق و رفتارها و سخنان او آشکار می‌شوند، نمی‌توان شناخت، ایمان افراد را نیز جز از راه رفتارهای ظاهری آنها، از قبیل نماز و روزه و مانند آنها نمی‌توان شناخت. تا اینجا حق به دست فقیهان است و نگاه فقاهتی به دین نگاهی کاملاً خردپذیر و درست است؛ اما چنانچه این نگاه بر همهٔ سطوح دینداری سیطره یابد و عهده‌دار تبیین تمامیت دین شود، آنگاه است که تمام دین در تعدادی کار ظاهری سطحی خلاصه می‌شود و حقیقت متعالی آن از دست می‌رود و بدین‌گونه جامعه به سوی ظاهرپرستی سوق می‌یابد؛ در این صورت، «ظاهر» ملاک همهٔ داوری‌ها می‌شود و تمام تلاشها به سوی حفظ ظاهر هدایت می‌گردد و در نتیجه ریاکاری هر روز و هر روز در جامعه بیشتر می‌شود.

بحثهای دقیق و عمیق حافظ درمورد «وارونگی ارزشها» و «گناه» به‌خوبی نشان می‌دهد که حافظ عمیقاً به این مسأله مهم توجه دارد که هرگاه نگاه‌های ظاهرگرایانه بر نظام دینداری جامعه غلبه یابد، آسیب‌های زیادی به بار می‌آید که از جمله آنها ریاکاری و تزویر است. یکی از جدی‌ترین نقدهای حافظ بر صوفی و زاهد و واعظ و حافظ قرآن و محتسب، همین ظاهرگرایی آنهاست:

زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست
در حق ما هرچه گوید، جای هیچ اکراه نیست

ادامه دارد

خشونت و کار آیی گفتگو

دکتر فاطمه صدرعاملی
مدیر کانون گفتگو در موسسه امام موسی‌صدر



در دنیایی پر از خشونت زندگی می‌کنیم و مرتباً از دشمن و دشمنی و مقاومت‌کردن در برابر دشمن و تلافی‌کردن، داد سخن می‌دهیم. فراموش می‌کنیم که انسانها به هم وابسته‌اند و سرنوشت مشترکی دارند. پیشرفت علوم مختلف و تجربیات جامعه ارتباطی، این بستگی و انسجام را بیش از هر زمان و به طور روشن جلوه‌گر کرده است. دنیای زندگی موجودات این جهان یکی است و همه در تاثیر و تاثر متقابل قرار دارند و هرگونه اعمال خشـونت در یک گوشـه، تاثیری فراگیر در ارتباطات انسانها در جهان دارد و تاثیر آن به محدوده‌ای که خشونت صورت گرفته محدود نمی‌ماند و آثار سـوء آن همه را در برمی‌گیرد. همان طور که نظریه‌های حفاظت از محیط زیسـت به این موضوع توجه دارد که عدم توجه به سیستم طبیعت و تخریب یکی از عناصر آن، آثار تخریبی بر کل نظام هسـتی دارد، خدشه‌دار کردن کرامت یک انسان هم تاثیرات فراگیر بر روابط انسانهای دیگر دارد.

خشونت ابعاد و شکل‌های مختلف دارد. اما بطور کلی زمینه اصلی خشونت شکست ارتباط انسانی و بی‌حرمتی بین افراد است. متاسفانه در جهانی پر از خشـونت زندگی می‌کنیم و همه با هم سـقوط کرده‌ایم. به جای تفاهم و همدلی و گفتگو با یکدیگر به فکر دفاع در برابر یکدیگر هستیم. عدم گفتگو و نارسایی‌های ارتباط انسانی جوامع را متشنج می‌کند. دفاع‌کردن به گفته «دیوید بوهم» کاری متناسب با زندگی در جنگل است و با زندگی انسانی تناسبی ندارد. درباره موضوعات مورد اختلاف گفتگو چاره‌ساز است تا ریشه‌های خشونت کشف و رفع شود.

تنها با بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل مورد اختلاف علل تشنجات مطرح می‌شـود و به بیان می‌آید و قابل برطرف‌شـدن می‌شود. در چنین حالی متوجه می‌شویم که مطلب خود را به طور دقیق به زبان نیاورده‌ایم. در ضمن، خشونت تنها شامل فرم فیزیکی نیست بلکه هر نوع قضاوت بیجا برچسب‌زدن و بدگویی نسبت به حرمت و شخصیت دیگران نوعی زورگویی و اعمال سلطه است. خشونت وقتی ایجاد می‌شود که به خود شک داریم و جایگاه خود را در زندگی پیدا نکرده‌ایم.

با توجه به مساله ترور که حد نهایی خشونت است و بررسی جوانب مختلف آن روشن می‌شود که تنها فقر عامل ترور نبوده است.

بسیاری از افرادی که دست به ترور زده‌اند افرادی توانا و تحصیل‌کرده هستند. سوال این است که چه شده که این افراد به چنین کارهایی دست می‌زنند. اگرچه تفاوت بین فقیر و غنی و بی‌عدالتی مواد خامی برای خشونت گروه‌های اجتماعی هستند ولی به تنهایی افراد را به شورش وانمی‌دارند... بلکه عوامل روانشناختی و احساسی در آن نقش دارد.

تروریسـت‌ها وابسـتگی خاصی هم به عادات و سنت‌های مذهبی نداشته‌اند بلکه خود تصمیم می‌گیرند یک گروه سرسپرده تشکیل دهند و بطور سر سپرده خود را در اختیار اوامر آن گروه قرار دهند. زیرا آنان خود را متعلق به جامعه‌ای که در آن هستند نمی‌بینند. یکی از عواملی که افراد خود را متعلق به جامعه نمی‌بینند آن است که جامعه به آنان اهمیت نمی‌دهد. و این احساس برای آنان بوجود آمده است که اگر در این جا "ما" گفته می‌شود آنان منظور نظر نیستند و در مورد آنان تصمیم گرفته می‌شود و «نه با آنان». چنین وضعیتی می‌تواند زمینه‌ساز خشونت شود. نوعی تحقیر و پست‌انگاری است که باعث برانگیختن شورش می‌شود.

متاسـفانه ارگان‌هایی هم هستند که از طریق ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی و ارتباطاتی هر روز به گسترش خشونت دامن می‌زنند و طعمه خـود را از میـان جوانان انتخاب می‌کنند و در نتیجه جوانان قربانی این تبلیغات به شبکه جهانی افراطی می‌پیوندند و «وابستگی به گروه» آنان را به اعمال خشونت می‌کشاند.

تاثیر گروه بر اعمال فرد را روانشناسان از جنبه‌های مختلف بررسی کرده‌اند و معمولاً چنین است که فرد تحت تاثیر گروه قرار می‌گیرد و خود فکر نمی‌کند! احساس و دید این افراد در اثر تجاربشان در جامعه شکل گرفته اسـت و ایجاد چنین گروه‌هایی به اسـلام ربطی ندارد. اما ما برای روشن‌شدن زمینه‌های این بلا در قرن بیست و یکم به گفتگو نیاز داریم تا این مسایل را از جنبه‌های مختلف بررسی کنیم و بفهمیم وگرنه مشکلی رفع نخواهد شد. لازم است بفهمیم با چه مشکلی سروکار داریم و لازم است بدانیم که ریشه‌های آن کدام است؟ ظواهر این پدیده خشونت و ترور است. بایستی بررسی کنیم و عمق آنرا بفهمیم. این کار جز با گفتگو در مورد مساله و ریشه‌یابی آن مسیر دیگری ندارد.

انسان از فرهنگ خود نمی‌تواند جدا شود همان‌طور که از بدن خود و از زبان خود جداشدنی نیست. بدون توجه به این امر بین فرهنگ‌ها ارتباط واقعی و همزیستی شکل نمی‌گیرد. در بعضی مواقع در برابر جهانی‌سازی، محله‌گرایی قد علم می‌کند تا حدی که ایدئولوژی از آن ساخته می‌شود و افراد آن قوم با خون خود از آن حمایت می‌کنند. دفاع خشونت‌آمیز از «خودیتِ خود» معمولاً از یک شـک و تردید نسـبت به خود و از زخمی‌شدنِ نتیجه گرفته می‌شود. تصویر نیرنگ‌آمیز هستی‌شناسی بیگانه که بر دیگری برچسـب می‌زند که کیست؟ و چیست؟ و جامعیت‌دادن به اینکه چه کس دوست است و چه کسی دشمن؟ و چه کسی خودی است و چه کسی بیگانه؟ راهی برای فرار از این طبقه‌بندی‌ها نمی‌گذارد. در چنین مشـاجره‌ای زور و خشونت بروز می‌کند که تکنیک‌های بسیار پیشرفته در اختیار دارد. صنعتی‌شدن بدانجا رسیده است که هر دو نوع زور به هم نزدیک شده است. خود کشی‌های بمب‌گذار خود را به ابزار زور تبدیل کرده اسـت. برای برطرف کردن زمینه خشونت باید فضای گفتگو را آماده کرد تا با تعمیق ارتباطات و «فهم از دیگری»، جایی برای فهم مشترکات ایجاد شود.

گفتگو و دیالوگ از مباحثی است که ضرورت آن در دنیای امروز برای ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح بر کسی بوشیده نیست. ریشه بسیاری از بحران‌ها در سوءتفاهمات و شکست گفتگوی واقعی اسـت. در مورد دیالوگ سـخن بسیار گفته‌اند و در قرن بیستم رویکرد آن قوت و قدرت یافته است اما سابقه آن به آغاز تاریخ فلسفه بر می‌گردد. سقراط شیوه محاوره و دیالوگ را برای طرح مباحث فلسفی به کار می‌گرفت. امروزه ارتباط بین انسانها و گفتگوی بین آنها را لایه‌های مختلفی پوشانده و تفاهم بین افراد را مشکل کرده است. رویکرد جدید به گفتگو برای کنارزدن این لایه‌ها و برداشت و فهم دیگران متناسب با واقعیت است.

گفتگو بین مردم مشکل شده است. کسی درست به حرف کسی گوش نمی‌دهد. یک نفر یک چیزی می‌گوید اما منظورش آن چیزی نیست که می‌گوید! دیگری آن حرف را معنی می‌کند که معنی حقیقی آن نیسـت و در جواب چیزی می‌گوید که جواب آن مطلب نیست. ارتباط کلامی ما پر از سـوءتفاهم اسـت. زبان وسیله تفاهم است و اگر در فرم ظاهری آن باقی بماند بلای اجتماعی به بار می‌آورد. پس باید به بازآفرینی توان گفتگو فکر کرد و آن را یاد گرفت و یاد داد.

هدف اصلی، بهبود وضعیت تعامل و تفاهم و گفتگو و همفکری و همکاری بین افراد جامعه و اگاهی یافتن نسبت به نارسایی‌ها است تا زمینه برطرف کردن بسترهای سوءتفاهمات ایجاد شود. بدون بر طرف کردن این نارسایی‌ها توسعه اجتماعی صورت نمی‌گیرد و ساختار اجتماعی که لازمه بیشرفت اجتماعی است غیرممکن می‌شود.

مقصودمان از گفتگو چیست

گفتگو مهمترین وجه مدنیت اسـت. گفتگو تنها به معنی رد و بدل کردن اطلاعات نیسـت بلکه گفتگوی واقعی شیوه‌ای است برای جویایی مشترک و دست‌یافتن به ریشه‌های سوءتفاهم‌ها و پیش‌داوری‌هایی که مانع فهم درست و تفاهم بین انسان‌ها می‌شوند.

گفتگو اگر به صورت واقعی جریان پیدا کند، اذهان و شـعور را با هم مرتبط می‌کند و وسیله‌ای است برای دسترسی به حوزه‌های مشترک وجود انسـانی. حوزه هایی که وجود دارد و بر اعمال و رفتار انسـان تاثیرگذار است.

گفتگو وقتی مطرح است که انسان با انسان دیگر مکالمه هدفمند می‌کند. روند گفتگو به مثابه مدل فرسـتنده و گیرنده نیسـت، من با دیگران در مورد موضوعی صحبت می‌کنم و این ارتباط یک وحدتی را نشان می‌دهند که در آن هر کدام دیگری را تعیین می‌بخشد.

جمع گفتگوکنندگان مجموعه‌ای ظاهری از تک تک افراد گفتگوکننده نیست، بلکه اتصال و وحدت زنده‌ای است بین افراد شرکت کننده. چنین گفتگوئی دارای گشودگی نظری برای همه همفکران و همراهان است. اگر جلوی یک نفر گرفته شود و یک نفر کنار گذاشته شود، در آن صورت از شرکت‌کنندگان نمی‌توان به عنوان افراد آزاد سخن گفت و آنها را آزاد دانست. مثلا گفته می‌شود سفیدها، سیاه‌ها، اروپائیها، کاتولیک‌ها، هم طبقه‌ها و غیره...و از این طریق عده‌ای کنار گذاشته می‌شوند. با کنارگذاشتن عده و گروهی، خود انسان ورود به بخشی از اجتماع را برروی خود می‌بندد و خـود را محـدود می‌کند و به آزادی امکان بروز نمی‌دهند. هر جمعی که خود را محدود می‌کنند عده‌ای را کنار می‌گذارد، و دیگر نمی‌توان از آزادی سخن گفت.

چگونه می‌توان گفتگو را یاد گرفت

معمولا آگاهی یافتن نسـبت به اهمیت به کارگیری یک ارزش با عمل‌کردن به آن ارزش متفاوت اسـت و کمتر در یک زمان اتفاق رخ می‌دهد. دو صد گفته چون نیم کرار نیست و بطور کلی در مواقع بحران اجتماعی برای تحول در منش انسان‌ها معرفی ارزشها کفایت نمی‌کند. برای یادگیری ارزش‌ها کم‌تر می‌توان به حرف و گفتار، تکیه کرد بلکه در روند تجربه و گفتگو می‌توان ارزشها را به مهارت‌هایی مشخص و متناسب با مقتضیات زمان و قابل یادگیری تبدیل نمود. و سـپس راه یادگیری و تمرین آنها را برنامه‌ریزی کرد. با چنین برداشتی در پی راه‌حل بر آمدیم و در این جسـت‌وجو به تحقیقاتی برخوردیم که به پرورش و یادگیری مهارت‌های گفتگو می‌پردازد، و از طریق کارگاه‌های آموزشی عرضه می‌شود. این شیوه توسط گروهی به همراهی «ویلیام اسحاق» ایجاد و به صورت درس دانشگاهی در «ام ای تی» ارائه شده است. نظریات «دیوید بوهم» دانشـمند فیزیک کوآنتم که در باب گفتگو هم نظریه‌ای دارد و همچنین «مارتین بوبر» و بعضی مکاتب روانشناسی و فلسفی و نظریه سیستم‌ها از پایه‌های نظری این طرح است.

برای یادگیری گفتگو از روش کارگاهی اسـتفاده می‌شـود. این نوع یادگیری از آن جهت موثر است که از حد آموزش کلاسیک که در آن فقط ذهن افراد یادگیرنده فعال می‌شود، فراتر رفته و احساسات و تجربیات و معلومات و ارزش‌های خود افراد را با مطالب ارائه شده در کارگاه درگیر می‌نماید. تا از این طریق امکان یادگیری بهتر و گسترده‌تر فراهم شود. مواد کارگاهها شامل فعالیتها و تمرین‌ها ایفای نقش کارهای هنری و غیره است. چگونگی فضای کارگاه و نوع همکاری و هم‌اندیشی اعضای کارگاه نیز از پایه‌های مهم کارگاه آشنایی با گفتگوست. برای تنظیم برنامه کارگاه‌ها شناخت و تجاربی که از تحقیقات علمی بدست آمده است مبنا قرار می‌گیرد و متناسب با آن شناخت راه و روش کاربردی ارائه می‌شود.

در اینجا یک نمونه از چگونگی اسـتفاده از برداشت فلسفی برای بدسـت آوردن و معرفی یک مهارت ذکر می‌شـود. یکی از مباحث مهم فلسـفی مربوط به سـؤال در مورد چگونگی شناخت انسان و معرفت او نسبت به دیگران و اشیای پیرامونی اوست است. هرکدام از مکتب های فلسـفی جوابی متناسب با دیدگاه خود عرضه کرده‌اند. در پدیدارشناسی برای شناختن اشیاء بایستی پرده‌هائی را که واقعیت اشیاء را پوشانده‌اند کنار زد و به اصطلاح کشـف‌المحجوب کرد. اگر به این برداشـت توجه کنیم از خود می‌پرسیم چگونه می‌توان در عمل، و به هنگام گفتگو متوجه شـد که برداشـت ما از واقعیتی که در مورد آن گفتگو می‌کنیم بخشی از واقعیت اسـت و به نسـبی‌بودن شناختِ خود، آگاهی پیدا کرد. چگونه می‌توان برداشت خود را به واقعیت نزدیکَ کرد و لایه‌هایی که واقعیت را پوشانده‌اند، کنار زد و به واقع شرایطی را ایجاد کرد که بتوان تحت همان شرایط کیفیت شناخت و متعاقب آن کیفیت مطلبی را که در گفتگو رد و بدل می‌شود به واقعیت نزدیک نمود.

برای نیل به چنین مقصودی در جست‌وجوی مهارت های مشخص که رعایت آنها به صورت لوازم و شـرایط مناسـبی برای انجام گفتگوی واقعی باشد برآمدیم و به علاوه بر آن شدیم تا تلاش کنیم که این اصول بدست آمده، قابل تعلیم و تعلم یا یاددادن و یادگرفتن هم باشد. برای مثال با توجه به تجربیات علمی در مورد محدودیت شـناخت انسـان که در بالا بیان شـد سـه شرط زیر که می‌تواند مقداری از این محدودیت را بر طرف نماید به عنوان مهارت تعریف می‌شود و با تمرین هایی زمینه یادگیری آنها فراهم می‌شود .

۱ـ به تعلیق در آوردن ارزیابی‌ها و برداشت‌های خودبه طور موقت؛
۲ـ بر ساختار ذهن خود و بر شیوهٔ نگرش خودنظارت داشتن؛
۳ـ ذهن باز داشتن و دارای گشودگی ذهن و فکر بودن؛

این سه مهارت در کارگاه در کنار هفت مهارت دیگر که به مبتنی بر تجربیات علمی و تجربی هستند در قالب تمرین هایی عرضه می‌شود . و با فعالیت‌های کارگاهی زمینه‌ای فراهم می‌شود تا خودِ افراد به اهمیت مهارت‌های مورد نیاز پی ببرند ...

این نوع کارگاه‌ها را می‌توان عرصه تجربه گفتگو دانست. بدین معنی که تک تک افراد فرصت پیدا می‌کنند تا از طریق اجرای تمرین به افکار و مدل‌های ذهنی و رفتاری خود آگاهی پیدا کنند و بتوانند از این طریق خود را بهتر بشناسند و فرهنگ گفتگو را توسعه دهند .

کانون گفتگو دیر زمانی است که این کارگاهها را بر گزار می‌کند . اهداف آن عبارت است از:

- پرورش مهارت‌های گفتگو
- شناسایی و برطرف کردن موانع گفتگو
- پایدار ساختن فرهنگ گفتگو در جامعه
- جمع آوری و انتقال تجربیات ملی، منطقه‌ای و جهانی در این زمینه
- ایجاد ارتباط حضوری و مجازی بین علاقه مندان به گفتگوی واقعی

با مثالی از امام موسی صدر که چگونه با استفاده از گفتگو، خشونت را تقلیل دادند مطلب را به پایان می‌برم:

در یکی از دهات لبنان یک جوان فلسـطینی، یک دختر مسیحی را کشته و فرار کرده بود. مسیحی‌ها عده زیادی از فلسطینی‌ها را به گروگان گرفته بودند. یاسر عرفات از امام موسی صدر کمک خواست. ایشان ابتدا دستور دادند جوان فلسطینی را پیدا کنند و بدست فلسطینیان بسپارند و سـپس به مسیحیان گفتند من در به خاکسپاری دخترتان شرکت می‌کنم. سرانجام با سخنرانی عاطفی خود و نقل سیره مسیح در «بخشش دیگران» مشکل را حل نمودند. (به نقل از کتاب خاطرات دکتر صادق طباطبایی، صفحه ۱۲۰)

سخن پایانی

کشور ایران با انقلاب اسلامی و مواضعی که در سطح بین الملل اتخاذ می‌کند برای جوانان کشورهای مسلمان الگوست . آگاهی نسبت به این امر وظیفه مهمی بر عهده مسئولان کشور می‌گذارد . تبلیغات و اقدامات مناسب می‌تواند دنیای بهتری برای آنان نوید دهد .

طرح گفتگوی تمدن‌ها و اتخاذ مواضع فر هنگی و سیاسی متناسب با آن نه تنها اقبال دیگر فرهنگ‌ها و توجه جهانی را نسبت به اسلام مثبت کرد بلکه در رفتار جوانان کشورهای مسلمان هم تاثیر سازنده‌ای داشت.

باید توجه داشت و مواضعی اتخاذ کرد که در روح جوانان مسلمان دنیا حالت خشونت ایجاد نشود و دوستی و مدارا جایگزین شود. احساسات جریحه‌دار شـده جوانان آنان را به تشکیل تجمع‌های افراطی می‌کشاند و به صورت گروهی به کارهایی دست می‌زنند که هیچگاه به تنهایی به آن نمی‌پردازند.

نوین گرایی در شعر حافظ

مهندس امیررضا پوررضایی بخش اول





گفتمان(discourse) سـنت و نوین‌گرایی (مدرنیته)، به نظر می‌رسد که پیوسته در تاریخ وجود داشته است. علاوه بر این، تمام آنچه امروز «سـنّت» اسـت، روزی مدرن و با سـنت زمانهٔ خود درگیر بوده تا توانسته خود را ثابت کند و در ذهن و زندگی انسـانها در بلندمدت باقی بماند و ما امروز آن را سنت بخوانیم؛ ولی از آنجا که سرعت تغییرات و دسـتاوردهای بشر در سده‌های اخیر بالا رفته است، بین سنت و مدرنیته شکافی جدی پیدا شده و جدالهای سنگینی به بار آورده است.

نوین‌گرایـی (مدرنیته) در مفهوم امروزینش بر دو پایهٔ «اصالـت فرد» و «اصالت علم» قرار دارد. به سـخن دیگر هرچه انسان را اصل قرار ندهد و به او توجه کامل نکنـد و یا هر آنچه پایه و استدلال علمی‌نداشته باشـد، در مسیر توسعه و مدرنیته کنار گذاشـته می‌شود. توسـعه در دوران‌های مختلف تاریخ بشر مفهوم متفاوتی داشته است و در حال حاضر به معنای حرکت از جامعهٔ سـنتی به جامعهٔ نوین (مدرن) است.

جامعهٔ سنتی بر دو پایهٔ «سنتهای نیاکان» و «دستورات بزرگان» استوار است. سنتهایی که به جا مانده و باید دقیقاً پیروی شود و دستوراتی که رئیس قبیله، بزرگ قوم یا پدر صادر می‌کند و باید اطاعت شـود. این شـرط بقای جامعهٔ سـنتی بوده اسـت و اگر جز این بود، ادامه حیات جوامع سنتی ممکن نبود.

با تغییرات به وجود آمده در زندگی انسان، به‌ویژه پیامدها و دسـتاوردهای انقلاب صنعتی، که به انسان این امکان را داد از قبیله خارج شـود و برای خودش زندگی کند، لزوم رعایت ارزشهای قبیله‌ای نیز که از لوازم زندگی گروهی بود، از بین رفت و جامعهٔ جدیدی پا به عرصه حیات بشـری گذاشـت که تا پیش از آن امکان وجود نداشت. اگر چنین نبود و همواره پدیده‌های مدرنی به جای آنچه سـنت بود نمی‌نشستند، ما امروز در عقاید توتمی باقی مانده بودیم و هنوز جادوگر قبیله زمام امور را در دست داشت! این جامعه، که امروز آن را جامعهٔ مدرن می‌خوانیم، بر دو پایهٔ جدید بنا شده: «خرد» و «خلاقیت».

«توسعه» و «مدرنیته» که در کُنه خود به یک جا می‌رسند، در معنـای امروزین آن، حرکت از جامعه‌ای اسـت که بر پایهٔ «سـنتهای نیاکان» و «دستورات بزرگان» بنا شده و اداره می‌شـود، به سوی جامعه‌ای که بر پایه «خرد» و «خلاقیت» بنا شود و قرار گیرد و در آن «اصالت فرد» و «اصالت علم»، ارزشـهای حاکم باشد. عده‌ای از ما و نگاه خارجیان به ما، شاید این گونه باشد که جامعهٔ ما جامعه‌ای است بیگانه با مفهوم نوین‌گرایی (مدرنیته).

این نگاه به نظر درست نمی‌رسد و بدون اینکه بخواهیم داعیه‌دار این باشیم که مدرنیسم امروز جهانِ ریشه‌های ایرانی دارد و یا اینکه جامعهٔ ما امروز جامعه‌ای کاملاً نوین‌گرا (مدرن) به حساب می‌آید، تنها به یک نکته اشاره می‌کنیم و آن اینکه اگر بالاترین ارزش موجود در سـازمان ارزش‌داوری نوین (مدرن) را حقوق انسانها بدانیم، قدیمی‌ترین سند حقوق بشر جهان تا امروز، منشور حقوق بشر کوروش است.

فارغ از گذشته‌های دورتر، زمانی که در آستانهٔ انقلاب مشروطیت بحث نوین‌گرایی (مدرنیته) در ایران مطرح شد، ایران جامعه‌ای بود سنتی که صحبت‌هایی از مدرنیته در آن آغاز شده بود و امروز ایران جامعه‌ای است نوین‌گرا(مدرن)، کـه تکمیل فرآیند نوین‌گرایی در آن جریان دارد. این نکته شایان توجه است که مدرنیته را یک «روند» بدانیم و نه یک «رویداد» و در نظر داشته باشیم که نوین‌گرایی ماهیت خطی دارد و نه ماهیت نقطه‌ای.

نوین‌گرایی برای جوامعی که مدرنیته در آنها متولد شد، امری درونی و بدون برنامه‌ریزی بود که در یک فرآیند بلند چندصد سـاله و بسیار پرهزینه طی شد؛ اما برای جوامعی مثل ما، شکل امروزین آن پدیده‌ای وارداتی است که سرعت و هزینهٔ تحققش می‌شود خیلی کمتر باشد؛ ولی جامعه در دوره‌ای مثل یک عضو پیوندی آن را پس زده!

درست است که جامعهٔ ما در زمان ورود نوین‌گرایی به ایران نشانی از آن نداشت، اما میراث فرهنگی ما از آنچه به عنوان مدرنیسم شناخته می‌شود، فقره‌های بسیاری داشت که آنها را علاوه بر میراث مکتوب، در ناخودآگاه فرهنگی جامعه نیز می‌توان دنبال کرد. ما در دوره‌های گذشته، در بسیاری از موارد، زمانی که بحث ارتباط و زاویهٔ عناصر فرهنگی‌مان با آنچه نگاه روز بوده پیدا شده، یا به شکلی هیجان‌زده ابراز داشـته‌ایم که ما از ابتدا پیرو همین جریان بوده‌ایم و با زور و زحمت خود را به شـکلی غیرواقعی به آن چسبانده‌ایم؛ مثل برخوردی که در دههٔ ۷۰ میلادی با کمونیسم داشتیم و دین و مذهب و مزدک، همه را کمونیست قلمداد کردیم و یا در مواردی همهٔ سنت‌مان را کنار گذاشتیم و از خودمان فرار کردیم و سـعدی را هـم ماکیاولی خواندیم! باید از هرگونه افراط و تفریطی فاصله گرفت و در نظر داشت که کار علمی با هیجان‌زدگی، پیش‌داوری و مصادره به مطلوب قابل جمع نیست.

تغییر دیگری که از دوران جامعهٔ سنتی به دوران جامعهٔ مدرن پیش آمده، جایگزینی گفتمان «تکلیف» با گفتمان «حق» اسـت. به سخن دیگر با بررسی آثار مکتوب دوران سنتی درمی‌یابیم در اکثر موارد در خصوص تکلیف انسان صحبت و سفارش می‌شود؛ اما آثار دوران نوین‌گرا بیشتر از حقوق انسانها صحبت می‌کند.

تفاوت دیگری که به چشم می‌خورد، تفاوت جایگاه فکر است. در دنیای ماقبل مدرن، انسان موجودی در میان طبیعت به نظر می‌رسید که در مواقعی فکر می‌کند و افکاری دارد. هرچه به عقب برمی‌گردیم، به نظر می‌رسد که نقش، کارکرد و زمان فکر کردن انسانها کمتر می‌شود. در انسان امروز این روند برعکس شـده و در زندگی انسانها فکر، سهم بسیار بزرگتـری بر عهده دارد تا آنجا که بخش بزرگی از زندگی امروز را فکر به همه چیز تشـکیل داده است. انسان امروز، در «واقعیت» در زندگی‌اش فکر می‌کند؛ اما در «حقیقت» در فکرهایش زندگی می‌کند!

علاوه بر اینها در جامعهٔ مدرن، اخلاق به شکل حداقلی حاکم است. به سخن دیگر انسان مدرن با جمع‌بندی نظرات و مشـترکات بین ادیان و آیینهای بزرگ، و با فاصله گرفتن از ایده‌آل‌های دور از دسترس یا غیر واقع‌بینانه دربارهٔ انسان، به نگاهی در اخلاق رسیده که می‌توانیم آن را نگاه حداقلی بنامیم.

نکتهٔ دیگری که در خصوص تفاوتها و مشـخصه‌های جامعهٔ مدرن و جامعهٔ سـنتی به نظر می‌رسد، این است که زندگی در جامعهٔ سنتی نیاز به توان و صرف انرژی کمتری در مقایسـه با جامعهٔ مدرن دارد و از سـوی دیگر آزادی و مسئولیت نیز در آن، تقریباً به همان اندازه کمتر است.

و بالاخره مهمترین تفاوت نگاه نوین‌گرا (مدرن) با نگاه سنتی، تفکر انتقادی است. در نگاه نوین‌گرا این تفکر انتقادی است که به عنوان نوک پیکان تغییرخواهی و تغییرپذیری، همه چیز را به چالش می‌گیرد و به نقد می‌کشد و در موارد زیادی هم نتیجه این می‌شـود که یا مفهوم به چالش کشـیده شده درست نیست؛ چرا که «درست» خود مفهومی است سخت تابع موقعیت، و یا اینکه درست هست، اما «درست‌تری» از دل این نقد و چالش سر برمی‌آورد.

پس از این مقدمه دربارهٔ سـنت و نوین‌گرایی، تلاش خواهد شد فقط بر اساس نسخ معتبر دیوان حافظ، دریابیم که حافظ نسبت به آنچه امروز نوین‌گرایی (مدرنیته) خوانده می‌شود، چه نگاه و زاویه‌ای داشته و آثار و آرای او که تأثیر جدی بر جامعهٔ ما داشته و دارد، و در رسیدن جامعهٔ امروز ایران به هر آنچه هست سهیم بوده، چه نسبتی با مفاهیم نوین دارد. از زاویهٔ دیگر، تا حد امکان دریابیم نگاه نوین‌گرایی و انسـانهای نوین‌گرا به حافظ چگونه ارزیابی می‌شود و چرا در زمانی که ایران به سـمت نوین‌گرایی پیش رفت، حافظ جایگاه بالاتری نسبت به قبل از آن یافت و از بزرگانی مثل سـعدی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. تا به آنجا که امروز کتاب‌شناسی آثار حافظ‌پژوهی و حافظ‌شناسی خود یک کتاب چندصد صفحه‌ای است.

نگاه حافظ به انسان

حافظ برای انسان جایگاه بسیار بالایی قائل است و او را شایسـتهٔ بودن در موقعیت عالی می‌داند و توصیه می‌کند خود را درگیر ارزشهای دست کم نکند و همواره سعی دارد این وجود بسیار پر ارزش را به ترتیبی راهنمایی کند تا بتواند بهترین بهره را از عمر و زندگی ببرد.

فـاش می‌گویم و از گفتهٔ خود دلشـادم:
بندهٔ عشـقم و از هـر دو جهان آزادم
طایر گلشـن قدسم، چه دهم شرح فراق
کـه در این دامگه حادثـه چون افتادم
من ملَک بودم و فردوس برین جایم بود
آدم آورد در ایـن دیـر خراب‌آبـادم

در خصوص چگونگی و حسن استفاده از عمر، حافظ سفارش به خوشباشی معنوی و اغتنام فرصت دارد و این نگاه نیز در راستای قائل شدن ارزش دست بالا برای انسان است.

عشـقبازی و جوانـی و شـراب لعـل فام
مجلس اُنس و حریف و همدم و شُـرب مدام
سـاقی شـکردهان و مطرب شیرین‌سـخن
همنشـینی نیک‌کـردار و ندیمـی نیکنـام
شـاهدی از لطف و پاکی، رشـک آب زندگی
دلبری در حسـن و خوبی، غیـرت ماه تمام
بزمگاهی دلنشـان، چون قصر فردوس برین
گلشـنی پیرامنـش چون روضهٔ دارالسـلام

حافظ در این غزل با هنرمندی بسیار و مبالغهٔ شاعرانه آنچه را هدف‌گذاری برای زندگی می‌داند، توصیه می‌کند و در دو بیت پایانی با اشـاره به برخی شخصیت‌های تاریخی می‌گوید:

نکته‌دانـی بذله‌گو چون حافظ شیرین‌سـخن
بخشـش‌آموزی جهان‌افروز چون حاجی قوام
هر که این عشرت نخواهد، خوشدلی بر وی تباه
وان که این مجلس نجوید، زندگی بر وی حرام

در غزلی دیگر با اشـاراتی به جهان گذرا و سفارشاتی به انسـان بر این پایه، باز نشـان می‌دهد که ارزش بالاتر را برای انسان قائل است و سعی دارد که او عمر گرانمایه را به پدیده‌های کم ارزش نفروشد:

بیا که قصر امل سـخت سست بنیاد است
بیـار باده کـه بنیاد عمر بر باد اسـت
غـلام همت آنـم که زیر چـرخ کبود
ز هرچـه رنگ تعلق پذیرد، آزاد اسـت
مگـر تعلـق خاطـر به ماه‌رخسـاری
که خاطر از همه غمها به مهر او شاد است

در ابیات بعد می‌گوید:

رضـا به داده بده، وز جبین گره بگشـای
کـه بر مـن و تو در اختیار نگشادسـت

چند بیت دیگر را نیز که همین نگاه حافظ به انسان در آن به روشنی دیده می‌شود به عنوان نمونه می‌آوریم:

ـ سـاقیا، برخیـز و درده جام را
خـاک بر سـر کن غـم ایام را
ـ ای دل، شباب رفت و نچیدی گلی ز عیش
پیرانه‌سـر بکـن هنـری ننـگ و نام را
در عیـش نقد کوش که چون آبخور نماند
آدم بهشـت روضـهٔ دارالسـلام را
ـ ای دل، ار عشـرت امروز به فردا فکنی
مایـهٔ نقد بقا را که ضمان خواهد شـد؟
ـ به گوش هوش نیوش از من و به عشرت کوش
که این سـخن سـحر از هاتفم به گوش آمد...
ـ بنشـین بر لب جوی و گذر عمر ببین
کاین اشـارت ز جهان گذران ما را بس
ـ شکوه تاج سلطانی که بیم جان در او درج است
کلاهی دلکش اسـت، اما به ترک سر نمی‌ارزد
ـ زیادتـی مطلب، کار بر خود آسـان کن
صراحی می لعل و بتی چو ماهت هسـت
ـ دوش بـا من گفت پنهـان کاردانی تیزهوش:
کز شـما پنهان نشـاید کرد سـرّ میفروش
گفت: آسـان گیر بر خود کارها، کز روی طبع
سـخت می‌گردد جهان بر مردمان سـختکوش
ـ حافظا، چون غم و شادی جهان در گذر است
بهتر آن اسـت که من خاطر خود خوش دارم

نگاه حافظ به عقل و خرد

مدرنیته به منبعی غیر از عقل متکی نیست و عقل‌گرایی را می‌توان جزء جدایی ناپذیر نوین‌گرایی دانسـت. به بیان دیگر آنچه در نوین‌گرایی قائل شدن ارزش برای انسان است، در واقع قائل شدن ارزش برای توان عقلی انسان و جایگاهی است که انسان به پشتوانهٔ عقل یافته است. ممیز انسان و غیر انسان در نگاه مدرن، عقل است. حافظ نیز برای عقل و خرد جایگاه والایی قائل است؛ گرچه ممکن است در مقام نقد به این بیت استناد شود که:

یکـی از عقل می‌لافد، یکی طامات می‌بافد
بیا کایـن داوری‌ها را به پیش داور اندازیم

اما در حقیقت در بیت بالا حافظ در عین اینکه پیشنهاد می‌دهد داوری بین عقل و طامات به خداوند واگذار شود، با آوردن «لاف‌زدن» برای عقل و «بافتن» برای طامات، عقل را پدیده‌ای ارزنده معرفی می‌کند. زمانی که حافظ از عقل سخن می‌گوید، دو عقل متفاوت و به عبارتی، دو درجهٔ متفاوت از عقل مدنظرش است: یکی «عقل معاش‌اندیش» که حافظ آن را پست و وسوسه‌گر و در نهایت گمراه‌کننده معرفی می‌کند:

ـ ز باده هیچت اگر نیست، این بس که تو را
دمـی ز وسوسـهٔ عقـل بی‌خبـر دارد
ـ حریم عشـق را درگه بسی بالاتر از عقل است
کسـی آن آستان بوسـد که جان در آستین دارد
ـ اگر نه عقل به مسـتی فروکشـد لنگر
چگونـه کشـتی از این ورطـهٔ بلا ببرد
ـ بهای بادهٔ چون لعل چیسـت؟ جوهر عقل
بیا که سـود کسـی برد کاین تجارت کرد
ـ ور چنیـن زیر خم زلـف نهد دانهٔ خال
ای بسـا مرغ خـرد را که بـه دام اندازد
ـ هش دار که گر وسوسـهٔ عقل کنی گوش
آدم‌صفـت از روضـهٔ رضوان بـه‌در آیی

دیگری «عقل مآل‌اندیش» است که آن را می‌توان مراد اصلی از آنچه عقل خوانده می‌شود دانست و حافظ برایش جایگاه بسیار والایی قائل است:

ـ زر از بهای می اکنون چو گل دریغ مدار
که عقـل کل به صدت عیب متهم دارد
ـ مشورت با عقل کردم، گفت: حافظ می بنوش
سـاقیا، مـی ده بـه قول مستشـار مؤتمن
ـ من نگویم که کنون با که نشین و چه بنوش
کـه تو خود دانی اگر زیرک و عاقل باشـی
ـ نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست‌تر دارند
جوانـان سـعادتمند پنـد پیـر دانـا را
ـ امروز قدر پند عزیزان شـناختم
یارب، روان ناصح ما از تو شاد باد
ـ ای که انشـاء عطارد صفت شوکت توست
عقـل کل چاکر طغراکش دیـوان تو باد

علم نیز از شمار ارزشهای نوین‌گرایانه است و نگاه حافظ به آن در اینجا اهمیت دارد.

ـ علم و فضلی که به چل سال دلم جمع آورد
ترسـم آن نرگس مسـتانه بـه یغما ببرد
ـ هر آبروی که اندوختم ز دانش و دین
نثـار خاک ره آن نـگار خواهم کرد

به روشـنی پیداست که حافظ برای علم ارزش بسیار قائل است و آن را ثمرهٔ زحمات چهل ساله، مایهٔ آبرو و در ردیف دین می‌داند.

ادامه دارد

صادرات برق با درآمدهای میلیاردی

میزان صادرات برق در سال ۹۴ حدود ۱۰ میلیارد کیلووات ساعت و میزان واردات برق هم بین ۳/۷ و ۴ میلیارد کیلووات ساعت بوده، البته این در حالی است که به گفته معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی، ایران پتانسیل بالایی برای صادرات برق دارد و اگرنرخ گاز خوراک نیروگاه‌ها اعلام شود، قطعا صادرات برق با یک جهش روبه رو خواهدشد.

به گزارش ایسنا، در حال حاضر ایران به جز کشورهای حاشیه خلیج فارس که از طریق دریا با آنها ارتباط دارد، توانسته شبکه برق خود را به تمام کشورهای پیرامون متصل کند و با آنها تبادل انرژی داشته باشد؛ به طوری که در شرایط فعلی به کشورهای افغانستان، پاکستان و عراق بیشترین میزان صادرات برق را دارد و از کشورهای ارمنستان و ترکمنستان برق وارد می کند.

از سوی دیگر به دلیل اشباع بازارهای صادراتی پیش‌بینی می‌شود که سال۹۵ حدود ۱۵۰۰ میلیارد تومان از محل صادرات برق عائد وزارت نیرو شودکه بر همین اساس این وزارتخانه سیاست های خود را بر افزایش صادرات برق استوار کرده است. در همین راستا قرار است که در طول برنامه ششم توسعه ظرفیت نیروگاه‌ها از ۷۴هزار مگاوات به ۱۰۰ هزار مگاوات افزایش یابد و در کنار این مساله هم خطوط انتقال برق، ایستگاه‌های ولتاژ توسعه پیدا کند و به گفته هوشنگ فلاحتیان معاون وزیر نیرودر امور برق و انرژی باتوجه به اینکه در حال حاضر قیمت نفت کاهش پیدا کرده است،صادرات برق در این شرایط یک مزیت نسبی برای کشور محسوب می‌شود که از این طریق می‌توانیم پایداری شبکه برق را با ظرفیت‌سازی جدید اضافه و میزان ارتباط را باکشورهای همسایه تقویت کرد. فلاحتیان درخصوص برنامه‌های وزارت نیرو برای افزایش صادرات برق تاکید کرد: قرار است تا پایان سال جاری شبکه برق جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان متصل شود. در حالی که وزارت نیرو توانست درسال ۹۳ یک میلیارد دلار برق صادر کند،بر اساس آخرین پیش بینی ها قرار است ۵۰۰میلیارد دلار دیگر به مجموعه درآمدهای صادرات برقی اضافه شود که البته این مساله نیازمند اعلام نرخ خوراک نیروگاه‌های صادراتی است که باید توسط وزارت نفت تعیین وتکلیف شود. اما مساله قابل توجه این است که وزارت نیرو عزم خود را برای افزایش صادرات برق جزم کرده و نسبت به کسب درآمدهایی از این طریق امیدوار است.

دومین خط کشتیرانی بزرگ جهان در مسیر ایران

پس از عقد نخستین قراردادها با شرکت‌های خارجی در حوزه هوایی و ریلی، این بارنوبت بخش دریایی کشور است که از فرصت به وجود آمده پس از لغو تحریم‌ها استفاده کند،فرصتی که با ورود هیات سوییسی به تهران مقدمات آن برداشته شده و گامی مهم در این حوزه محقق شده است.

به گزارش ایسنا، جایگاه خاص دریایی ایران که از یک سو به عنوان مهم‌ترین پل ارتباطی کشورهای آسیای میانه با آب‌های آزاد محسوب شده و از سوی دیگرموقعیت استراتژیک در دریای خزر را از آن خود کرده است، باعث شده بسیاری از کشورهای خارجی پس از اجرای برجام روی حضور در صنعت دریایی کشور حسابی ویژه باز کنند.

ظرفیت بالای چابهار برای گسترش نفوذ ایران در حوزه ترانزیت و ترانشیپ، جایگاه مهم بندر شهید رجایی در تخلیه و بارگیری محموله‌های اقتصادی و طرح‌های توسعه دربنادر شمالی کشور مانند امیر آباد و نوشهر باعث شده ایران خیزی محکم برای بهبودجایگاه اقتصادی خود بردارد و این فضا جز با ورود لاینرهای بزرگ جهان در آب های ایران محقق نمی‌شود.

در طول هفته‌های گذشته هرچند مذاکرات بسیاری با هیات‌های خارجی برای سرمایه گذاری در آب‌های ایران مطرح شده، اما به نظر می رسد سفر اخیر هیات سوییسی به کشورمهم‌ترین نتایج ممکن را به بار خواهد آورد.

بر اساس اطلاعات ارائه شده از سوی وزارت راه و شهرسازی، هیات اقتصادی سوییس با نماینده آخوندی مذاکراتی جدی داشته، مذاکراتی که به وروددومین لاینر بزرگ جهان به ایران منجر خواهد شد.شرکت ام.اس.سی. سوئیس یکی از بزرگترین شرکت‌های کشتیرانی بزرگ جهان است که۱۴/۹درصد سهم بازار حمل و نقل دریایی جهان را در اختیار دارد که در جریان مذاکرات باطرف‌های مذاکره کننده ایرانی رسما فعالیت خود را در آب‌های ایران از سر خواهد گرفت،لاینری که با توجه به نفوذ بین المللی در بنادر بزرگ جهان می تواند برای کشور برددریایی مهمی به ارمغان بیاورد.

وزیر راه و شهرسازی اعلام کرد وجود سواحل و بنادر بزرگ و استراتژیک در ایران،برنامه ریزی بر اساس توسعه دریامحور را امری غیر قابل چشم پوشی کرده و در این مسیرقطعا بازگشت شرکت‌هایی که تحریم آنها را از آبهای ایران دور کرده بود، امری تاثیرگذار تلقی می‌شود. رقابت با کشورهای منطقه حاشیه خلیج فارس برای گرفتن بندر هاب منطقه از مدت‌ها پیش آغاز شده و این امر جز با تلاش برای سرعت گرفتن طرح‌های توسعه دریایی محقق نمی‌شود.

حقوق مصرف کننده؛ راهکارها و چالش ها



تنوع نیازها و تخصصی شدن شغل ها در دنیای کنونی سبب شده است تا افراد یک خانواده برای تامین کالاهای مصرفی خویش نیازمند استفاده از کالاها و خدمات عرضه شده به وسیله دیگران باشند. بنابراین هرگونه اختلال در تولید و توزیع این کالاها و خدمات می تواند جامعه و مدیریت آن را به چالش بکشد و در کنار آسیب های مادی، زیان‌های معنوی را هم‌متوجه مصرف کننده کند.

علاوه بر آن با توجه به نظریه جهانی شدن اقتصاد و تنوع کالاها، خطر ناشی از مصرف کالاهای نامرغوب و ناآشنا هم وجود دارد و در این میان چون مصرف کننده از کیفیت کالا، مواد زیان آور موجود در آن و از قیمت واقعی کالا آگاهی ندارد، امکان بروز آسیب وجود دارد.

بی تردید مسئولان با در نظر گرفتن حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی، تدبیرهای لازم را برای جلوگیری از چنین رخدادهایی اندیشیده اند که یکی از آنها، وضع قانون های مناسب است تا به نظام تولید، توزیع و مصرف سامان بخشند تا از زیان دیدن مصرف کننده جلوگیری شود و در صورت بروز خسارت، با آسان ترین و سریع ترین روش به جبران آن و مجازات متخلف اقدام کنند.

بدین صورت دولت به عنوان بزرگ ترین حامی مصرف کنندگان برای جلوگیری از نابسامانی ها و مشکلات اقتصادی به تشکیل سازمان حمایت از حقوق مصرف کننده و تولیدکننده مبادرت ورزید. این نهاد زیر نظر وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار دارد و از اهداف آن می توان پشتیبانی از تولیدات داخلی و افزایش آن، حمایت از مصرف کنندگان در برابر نوسان های غیر معمول قیمت ها، انجام پژوهش ها، ارائه طرح های ضروری در زمینه متعادل ساختن قیمت های وارداتی، تولیدی و ... اشاره کرد.

باید خاطرنشان کرد:فهم دقیق حقوق مصرف‌کننده مستلزم این است که ابتدا باید از کالا و مصرف کننده تعریفی درست و نزدیک به واقع داشته باشیم و در کنار آن ضمن شناسایی دقیق و صریح حقوق مصرف‌کننده، راهکارهای اصولی در جهت تحقق آن در پیش گرفته شود. همچنین ضرورت، حساسیت و اولویت این حقوق مورد ارزیابی قرار گیرد و برای آن وزن مشخصی در مقایسه با سایر سیاست‌های کلی تعریف شود. در زنجیره تولید، تمامی تولیدکنندگان به نوعی مصرف کننده هم هستند و حمایتی که از مصرف کننده انجام می شود، در حقیقت حمایت از تولیدکننده است.

حقوق مصرف کنندگان شامل موارد زیر است:

*- حق به دست آوردن کالا و خدمات سالم و مرغوب و حق ایمنی:عرضه کنندگان کالا بر این اساس موظفند برای تولید کالا، از مواد اولیه مرغوب استفاده کنند و کالاهایشان استاندارد باشند.

*- حق برخورداری از اطلاعات کامل : عرضه کنندگان کالا و خدمات مکلفند همه اطلاعات چگونگی استفاده از کالا را در اختیارَ مصرف کنندگان قرار دهند. اطلاعات کامل شامل قیمت کالا، نام، نشانی و شماره تلفن و علامت تجاری تولیدکننده یا واردکننده، وزن، درجه و کیفیت، محل تولید، تاریخ تولید، تاریخ انقضا، ترکیب ساخت، مواد اولیه و اجزای تشکیل دهنده، نوع رنگ، دستورالعمل های ضروری، خطرهای جانی و مشخصات فنی و استانداردهاست.

*- حق ایجاد تشکیلات مستقل و برخورداری این تشکیلات از حمایت دولت: مصرف کنندگان می‌توانند با ایجاد تشکل های غیردولتی و آنچه امروز با عنوان تشکل های مدنی یا NGOمطرح است، با تشکیل اتحادیه ها، جمعیت ها و انجمن ها، حقوق خود را پی گیری کنند.

از سوی دیگر،همچنین دولت برای تحقق بخشیدن به هدف های خود در این زمینه لایحه حمایت از حقوق مصرف کنندگان را در ۱۳۶۹ در معاونت اقتصادی سازمان برنامه و بودجه وقت مطرح کرد و در دی ۱۳۷۱ آن را به مرحله اجرا درآورد.

حق به دست آوردن کالاها و خدمات با کیفیت سالم و استاندارد، برخورداری از اطلاعات لازم درباره کالاها و خدمات، مشاهده و دستیابی به نمونه کالاها، برخورداری از حمایت دولت در صورت وقوع برخی تخلف‌ها از طرف صاحبان واحدهای صنفی، دریافت کالاها و خدمات بهداشتی و سالم و شکایت از متخلفان اقتصادی به مراجع مورد نظر از مواد این لایحه محسوب می شود.

دولت در کنار آن برای مبارزه با پدیده گران فروشی و تعیین شاخص قیمت بر روی کالاها، سازمان های بازرسی، نظارت و تعزیرات حکومتی راایجاد کرد تابتواند احساس مسئولیت و انگیزه بیشتری را در تولیدکنندگان برای رعایت حقوق مصرف کننده به تولید و عرضه کالا پدید آورد.

وحید شقاقی شهری عضو هیات علمی دانشگاه تهران و استاد علوم اقتصاد می گوید: مصرف کننده در هر اقتصادی در دنیا از اهمیت بالایی برخوردار است، به همین منظور مورد حمایت قرار می گیرد. در اقتصاد ایران هم با مرور قانون اساسی، پشتیبانی از مردم در دسترسی به نیازهای مهمی چون آموزش، اشتغال، کالاهای اساسی و... تاکید شده است. بنابراین ضروری خواهد بود که از مصرف کنندگان در حوزه دسترسی به کالاهای اساسی یا مورد نیاز آنها حمایت شود.

این عضو هیات علمی دانشگاه تهران درباره حق و حقوق مصرف کنندگان می افزاید: این موارد به نوعی حق الناس یا همان حقوق شهروندی محسوب می شود که دامنه تعریف بسیار گسترده ای دارد و از دسترسی به هوای پاک تا کالاهای مورد نیاز، غذای سالم و داروها را شامل می شود.

حقوق شهروندی در قانون اساسی، حقی است که بر برگردن حاکمیت و دولت وجود دارد تا از حقوق مردم در برابر رویدادها و مشکل‌های مختلف دفاع و حمایت کند. در نتیجه تمامی شهروندان حق دارند که به غذای سالم و کالاهای مورد نیاز خود دسترسی پیدا کنند و تبعیضی وجود نداشته باشد، همچنین سلامت کالا تضمین شود و قیمت بالا برای کالاها پرداخت نشود، در واقع این امر حق مردم برای تامین امنیت غذا و کالای سالم با قیمت عادلانه است و برای تحقق بخشیدن به این هدف‌ها، سازمان های مردم نهاد و دولتی باید پیگیر حقوق شهروندی مردم در در زمینه دسترسی به کالاهای مورد نیاز آنان باشند.

این کارشناس اقتصادی با اشاره به جنبه های گوناگون مقوله حمایت از حقوق مصرف کنندگان، تصریح می‌کند: یکی از حقوق مصرف کنندگان، شفافیت به شمار می رود. هر چقدر اقتصاد دارای شفافیت بالاتری باشد، به صورت طبیعی مصرف کننده می‌تواند به حق خود در زمینه تامین دسترسی به کالاهای مختلف دست یابد؛ بدین منظور باید بحث شفاف سازی و اطلاع رسانی در ارتباط با نوع قیمت، کالا و ... در دستور کار نهادهای گوناگون قرار داده شود و اگر این امر در حق مصرف کننده صورت نگیرد، می تواند سبب ایجاد رانت و تبعیض شود.

وی اضافه می کند:موضوع بعدی در زمینه رعایت حقوق مصرف کنندگان، جلوگیری از تبعیض های مختلف است. هر چقدر بازار از رانت‌های مختلف برخوردار باشد، تبعیض بیشتر می شود. عامل دیگری که باید در حق مصرف کننده مورد توجه قرار گیرد، بررسی کیفیت کالاها است که نبود کیفیت و سنجش درست می تواند حق مصرف کننده را تباه سازد. به صورت طبیعی دولت یا هر ارگان مسئول دیگری باید حقوق مصرف کننده را در زمینه کیفیت کالا تضمین کند. زیرا ممکن است مصرف کننده از نبود کیفیت در کالاها آگاهی نداشته باشد.

عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی ادامه می دهد: نوسانات قیمت ها مورد دیگری است که در زمینه حقوق مصرف کننده باید بررسی کرد و در این مورد سازمان تعزیرات و حمایت از حقوق مصرف کننده باید بتواند به این موضوع رسیدگی کند، زیرا ممکن است قیمت های متفاوتی در مکان ها و شهرهای مختلف اعلام و این امر سبب از میان رفتن حقوق مصرف کننده شود. بحث قاچاق کالا هم از راهبردهای دیگر در رعایت حق مصرف کننده به شمار می رود؛ هنگامی که اقتصاد زیرزمینی به هر میزانی بیشتر شود، حق مصرف کننده هم تباه خواهد شد و چون کالاهای قاچاق ممکن است پشتیبانی نشوند، بنابراین وظیفه مسئولان این است که مانع قاچاق کالا به ویژه کالاهای ضروری شوند.

وی به وظیفه تولیدکنندگان و فروشندگان در برابر مصرف کنندگان اشاره کرده و اظهار می دارد: وظیفه تولید کننده و فروشنده در برابر مصرف کننده این است که کالای سالم را تا میزان امکان به دست آنان برساند و قیمت ها را با شفافیت به مصرف کننده اعلام کند. بنابراین فروشندگان باید نبود تبعیض در قیمت‌ها را در دستور کار خود قرار دهند و از افزایش غیر متعارف قیمت ها جلوگیری کنند، همچنین مشکل هایی که در حوزه کالا وجود دارد، مطرح کنند تا سبب رشد و ایجاد اعتماد اقتصادی در میان مردم شوند.

شقاقی شهری درباره نقش موسسه استاندارد و انجمن های حمایت از مصرف کننده می گوید: ضمانت کیفیت کالا از وظایف این موسسه و انجمن های حمایت از مصرف کننده است، زیرا برخی از مردم نمی توانند کیفیت کالا را تشخیص دهند یا امکان دارد پس از مصرف متوجه شوند که کالا بی کیفیت بوده است. بنابراین این نهادها وظیفه سنجش سلامت و کیفیت کالا را برعهده دارند و به یقین باید در انجام آن دقت کنند، زیرا اگر مشکلی در کالا وجود داشته باشد، امکان دارد، عموم مردم را درگیر کند و ممکن است میزان خسارت به اندازه ای باشد که دیگر نتوان آن را جبران کرد.

در این زمینه سازمان هایی همچون استاندارد پیشرو هستند.عضو هیات علمی دانشگاه تهران درباره شرایط حقوق مصرف کنندگان در ایران بیان می دارد: سازمان های نظارتی در حوزه حقوق شهروندی باید در برابر مصرف کالا، شاخص های گذشته و کنونی را با یکدیگر مقایسه کنند تا بررسی شود که شاخص ها به چه شکل هستند و از زاویه های مختلف به این مساله بپردازند. به عنوان نمونه بایستی به بررسی تمامی شاخص هایی همچون سلامت کالا، کیفیت، قیمت، نبود تبعیض، نبود انحصار، رقابتی بودن و شفافیت بازار بپردازند. البته این شاخص ها در اقتصاد ایران در زمینه حقوق مصرف کننده اینک به صورت دوره ای ارزیابی نشده اند و باید این امر صورت بپذیرد.

وی درباره ضرورت حقوق شهروندی می افزاید: سازمان های حقوق بشر هم در حوزه های مختلف حقوق شهروندی را در کشورهای گوناگون رصد می کنند و برای بررسی سلامت سنجش حقوق شهروندان در زمینه غذا و دارو، موافقت نامه ای را تهیه کرده اند تا سازمان های غذا و دارو بتوانند در سراسر جهان در این مقوله گزارشی را آماده کنند. بدین منظور در ایران هم دولت باید در زمینه حقوق شهروندی در بحث مصرف، ورود پیدا کند، زیرا مردم نیاز مبرم به این امر دارند که دستگاه های نظارتی از کارآمدی بیشتری برخوردار باشند و بتوانند بر کیفیت کالاها بیفزایند، چون نبود کیفیت به ویژه در سلامت کالایی و غذایی تاثیر مستقیمی بر روی امنیت روانی جامعه خواهد گذاشت.

ایرنا

بازاری با ۶۳۰ میلیون دلار پوشاک قاچاق

براساس آمارهای مستند و میزان پارچه ای که در دوزندگی ها به البسه تبدیل می شود، توان تولید سالانه ۳۰۰هزار تن پوشاک را در داخل کشور داریم؛ ولی سالانه ۶۳۰میلیون دلار پوشاک قاچاق وارد ایران می شود.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، نیاز سالانه ما به پوشاک حدود ۴۰۰ تا ۴۵۰ هزار تن است ؛این در حالی است که‌طبق آمارهای جهانی در سال ۲۰۱۴ سالانه بالغ بر ۷۰۰ میلیون دلار پوشاک وارد ایران شده که تنها ۱۰ درصد آن از مبادی قانونی و۹۰ درصد آن قاچاق بوده است.

به گفته نصراللهی ،اگر چه بیش از ۶۰ درصد از بازار پوشاک کشور در اختیار تولیدکنندگان داخلی قرار دارد، ولی پوشاک قاچاق به دلیل ریسک پائین آن چون تعرفه پرداخت نمی کند به تولید داخلی آسیب می رساند .

باید اشاره داشت: صنعت پوشاک ما صنعتی قوی است و علیرغم همه این فشارها و قیمت تمام شده بالای تولید در برابر واردات مقاومت می‌کند و اگر پوشاک از مبادی رسمی وارد شود ، تولیدات پوشاک ما قابل گسترش است و می تواند تولیدات بهتری به لحاظ کمی به بازار عرضه کند، ضمن اینکه از نظر کیفی هم آنچه در صنعت نساجی تولید می شود، از نظر کیفیت و مواد اولیه بسیار خوب است .

با این وجود به گفته مدیرکل دفتر صنایع نساجی و پوشاک وزارت صنعت، پوشاک خارجی استوک و خارج از فصل دیگر کشورها با قیمت ارزان تر وارد می شود که همین امر به تولید داخلی و به اشتغال کشور آسیب می زند ، لذا وزارت صنعت ، معدن و تجارت با همکاری ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا برنامه کنترل کالا در مبادی عرضه و کارهای فرهنگی مثل ارایه توانمندی های این صنعت را با هدف حمایت از صنایع نساجی به اجرا گذاشته است .

وی با اشاره تعیین تعرفه ۷۵ درصدی پوشاک در کتاب تعرفه های امسال می گوید : پوشاک قبلا در گروه کالایی ۱۰ قرار داشت که تعرفه آن دو برابر یعنی۱۵۰ درصد محاسبه می شد، ولی سه ماه قبل از گروه کالاهای ۱۰ خارج شد .

نصراللهی با بیان اینکه سال آینده تعرفه پوشاک ۵۵ درصد خواهد شد، می افزاید : در بحث تعرفه و حقوق گمرکی دستگاه های دیگری هم دخالت دارند، ولی تعرفه ها به شرط آنکه به تولید داخلی آسیب نزنند، بتدریج کاهش می یابند .

در حال حاضر ۲۰۰ ردیف تعرفه ای وجود دارد که پوشاک از جمله آنها است و در این میان تعرفه ترجیحی ترکیه خیلی در قاچاق پوشاک تاثیری ندارد . تعرفه ترجیحی ترکیه ۱۰ردیف از این ردیف ها را تشکیل می دهد و سال گذشته ۲۰۰ هزار دلار پوشاک از ترکیه وارد می شد که اکنون به یک میلیون دلار رسیده و این رقم در مقابل قاچاق ۷۰۰ میلیون دلاری پوشاک معنا دار نیست.

صنعت پوشاک ، پتو ، فرش ماشینی و کل صنعت نساجی در مقابل واردات رسمی که حقوق ورودی مناسب خود را بپردازد، مشکلی ندارند؛اما آنچه به صنعت نساجی لطمه می زند واردات غیررسمی است که هیچ کنترلی بر روی آن وجود ندارد.

مدیرکل دفتر صنایع نساجی و پوشاک وزارت صنعت می افزاید : اگر از سال آینده تعرفه پوشاک به ۵۵ درصد هم کاهش یابد با لحاظ تخفیف۴۰ درصدی تعرفه ترجیحی ترکیه ، تعرفه واردات پوشاک به ۳۵ درصد موثر می رسد که باز هم صنعت پوشاک ما با پوشاکی که از مبادی رسمی وارد کشور می شود می تواند رقابت کند ؛از این رو از همه مسئولان درخواست می کنم بحث قاچاق در صنعت نساجی را جدی تر بگیرند چرا که تولیدکنندگان ما روی مباحث مد و تعرفه سهم خود را ادا کردند و از این به بعد دستگاه های ذیربط باید سهم خود را در کنترل قاچاق ایفا کنند .

ناگفته نماند: سالانه ۶۳۰ میلیون دلار پوشاک قاچاق وارد ایران می شود. همچنین در زمینه پتو هم ۹۰درصد قاچاق داریم . به نظر می رسد مناطق آزاد محلی برای ورود کالاهای ساخته شده است و نساجی از این مناطق خیلی صدمه می بیند؛به طوری که این احتمال وجود دارد که کل محصولات نساجی که وارد مناطق آزاد می شود وارد سرزمین اصلی می شود .

نصراللهی می گوید: از گمرکات هم ممکن است وارد شود. البته همکاران ما در گمرک به شدت روی این موضوع کار می کنند و الان هم کشفیات مقداری افزایش یافته است؛اگر چه ممکن است از طریق گمرکات هم باشد یا یک قسمت هایی کم اظهاری بشود .

وی اضافه می کند : با بررسی هایی که در برخی از استان ها انجام دادیم به نظر می رسد بخشی از همین ۱۰ درصد واردات رسمی هم غیررسمی وارد می شود .

آخرین عرضه های امسال در فرابورس ایران

سهام پتروشیمی کازرون، صنایع پتروشیمی دهدشت و تولید نیروی برق سبز منجیل به عنوان آخرین عرضه های امسال دولت در فرابورس روز ۲۵ اسفند روی میز فروش قرار می گیرند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)؛ آخرین عرضه‌های امسال سازمان خصوصی سازی در فرابورس ایران در حالی با عرضه سهام سه شرکت دولتی در هفته پایانی سال ۹۴ صورت می گیرد که بر این اساس قرار است ۱۹/۷۸ درصد سهام پتروشیمی کازرون معادل ۱۳۰میلیون و ۵۵۲ هزار و ۲۶۶ سهم به ارزش پایه هر سهم ۲۶۶۶ ریال و ارزش کل پایه ۳۴۸ میلیارد و ۵۲ میلیون و ۳۴۱ هزار و ۱۵۶ ریال روز ۲۵ اسفند در فرابورس عرضه شود.

بر اساس این گزارش؛ مبلغ سپرده شرکت در این مزایده ۱۰ میلیارد و ۴۴۱ میلیون و ۵۷۰ هزار و ۲۳۵ ریال تعیین شده است و برنده مزایده باید ۲۰درصد مبلغ پیشنهادی خود را تا ۲۰ روز کاری پرداخت کند و بقیه را به صورت قسطی در مدت ۵ سال بپردازد.

سازمان خصوصی سازی بلوک ۱۹/۸۷ درصد سهام شرکت صنایع پتروشیمی دهدشت شامل ۱۹۲ میلیون و ۶۳۸ هزار و ۲۷۵ سهم را هم در این روز روی میز فروش فرابورس می گذارد که قیمت پایه هر سهم آن ۲۱۳۹ ریال و ارزش کل پایه ۴۱۲ میلیارد و ۵۳ میلیون و ۲۷۰ هزار و ۲۲۵ریال تعیین شده است.

مبلغ سپرده شرکت در این مزایده ۱۲ میلیارد و ۳۶۱میلیون و ۵۹۸ هزار و ۱۰۷ ریال تعیین شده است و برنده مزایده باید ۲۰درصد مبلغ پیشنهادی خود را تا ۲۰ روز کاری پرداخت کند و بقیه را به صورت قسطی در مدت پنج سال بپردازد.

این گزارش می افزاید:همچنین ۱۰۰ درصد سهام شرکت تولید نیروی برق سبز منجیل شامل ۳۰۰ میلیون سهم این شرکت هم قرار است به قیمت پایه هر سهم ۸ هزار و ۸۰۰ ریال و ارزش پایه کل ۲ هزار و ۶۴۰ میلیارد ریال در این روز روی میز فروش فرابورس برود.

سپرده حضور در این رقابت، ۷۹ میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال و مهلت پرداخت حصه نقدی حداکثر ۲۰ روز کاری پس از انجام معامله تعیین شده است و ۱۵ درصد ثمن معامله هم به طور نقد و بقیه در اقساط هفت ساله با نرخ ۱۵ درصد پرداخت خواهد شد.

خبر دیگر اینکه هفته سوم اسفند در حالی به پایان رسید که ۴ میلیون و ۳۰۵ هزار ورقه بهادار در ۱۹۱ هزار نوبت به ارزش ۲۱ هزار و ۴۴۷ میلیارد ریال در بازار فرابورس داد و ستد شد این وضع نشانگر رشد ۶۹ درصدی حجم و افت ۵۴ درصدی ارزش معاملات در مقایسه با هفته پیشین است.

در هفته پنجاه و یکم سال جاری ضمن عرضه اولیه سهام دو شرکت در بازار فرابورس، حجم معاملات با رشد ۶۹ درصدی در مقایسه با هفته قبل از آن مواجه شد.

به گزارش روابط عمومی فرابورس ایران، هفته سوم اسفند در حالی به پایان رسید که ۴ میلیون و ۳۰۵ هزار ورقه بهادار در ۱۹۱ هزار نوبت به ارزش ۲۱ هزار و ۴۴۷ میلیارد ریال در بازار فرابورس داد و ستد شد. این وضعیت نشانگر رشد ۶۹ درصدی حجم و افت ۵۴ درصدی ارزش معاملات در مقایسه با هفته پیشین است.

در بازار اول ۹۸۸ میلیون ورقه بهادار طی این مدت مورد معامله قرار گرفت و ارزش آن به ۲ هزار و ۸۰۹ میلیارد ریال رسید در بازار دوم هم یک میلیارد و ۲۲۳ میلیون ورقه بهادار به ارزش ۳ میلیارد و ۴۵ میلیون ریال داد و ستد شد که این وضع از رشد ۸۳ درصدی حجم و ۱۰۵ درصدی ارزش معاملات بازار اول و همین طور رشد ۳۰ درصدی حجم و ۲۷ درصدی ارزش معاملات بازار دوم حکایت دارد.

از سوی دیگر، حجم معاملات بازار پایه دو برابر شد اما ارزش معاملات این بازار با افت ۷۵ درصدی، معادل ۸ میلیارد و ۸۰۵ میلیون ریال شد.

همچنین حجم و ارزش معاملات در بازار ابزارهای نوین مالی در این هفته با کاهش روبرو شد ، به طوری که ۱۷ میلیون اوراق بهادار به ارزش ۶ میلیارد و ۷۸۸ میلیون ریال معامله را به ثبت رساند؛ معاملات مرحله نخست اسناد خزانه اسلامی هم در روز سه‌شنبه به منظور پرداخت مبلغ اسمی آن در سررسید (۲۳ اسفند)، متوقف شد.

در روز سه‌شنبه بازار فرابورس شاهد عرضه اولیه سهام دو شرکت داروسازی سبحان انکولوژی و صنایع بهداشتی ساینا در بازار دوم بود و به این ترتیب تعداد عرضه‌های اولیه امسال فرابورس به ۱۳ عدد رسید؛ بیشترین حجم و ارزش معاملات روزانه هم در همان روز رقم خورد.

عرضه های صنعتی در بورس کالا

تالار محصولات صنعتی و معدنی میزبان عرضه ۱۶۵هزار و ۷۲۸ تن سبد میلگرد و تیرآهن شرکت ذوب آهن اصفهان بود.

به گزارش روابط عمومی بورس کالا، مقدار یک هزار و ۱۲تن سبد میلگرد ۱۲ تا ۲۵- A۳ ، ۹۰۵ تن سبد میلگرد مخلوط، یک هزار و ۲۶۵ تن سبد میلگرد ۱۲ تا ۲۲-A۳، ۵ هزار تن سبد میلگرد ۱۲ تا ۳۲-۲، A۳ هزار و ۴۶ تن میلگرد ۱۴ و ۱۶ تولیدی شرکت ذوب آهن اصفهان در تالار محصولات صنعتی و معدنی بر روی تابلوی عرضه رفت.

همچنین ۱۳ هزار تن شمش هزار پوندی ۹۹/۸ و ۳۰ تن شمش آلیاژ A-۴۱۳ شرکت ایرالکو در گروه آلومینیوم و ۵۰۰ تن کک متالورژی شرکت کک سازی زرند و ۵۰۰ تن ورق گالوانیزه Gشرکت صنایع هفت الماس در این تالار عرضه شد.علاوه بر این، ۲۰۰ تن قیر، ۷۶ هزار و ۵۰۰ تن وکیوم باتوم، ۲ هزار و ۴۱۸ تن آمونیاک، ۱۳ هزار تن لوب کات، ۸ هزار و ۷۸۶ تن مواد شیمیایی و ۶۵ هزار و ۴۰۷ تن انواع مواد پلیمری در تالار فرآورده های نفتی و پتروشیمی بر روی تابلوی عرضه رفت.

تالار صادراتی بورس کالای ایران هم شاهد عرضه ۱۴ هزار و ۶۰۰ تن قیر و عایق رطوبتی بود.همچنین تالار محصولات کشاورزی عرضه ۵۵۵ تن جو دامی همدان، ۳هزار و ۵۵۵ تن ذرت دانه ای دزفول، ۱۰۰ تن روغن خام سویا آرژانتین، ۳۶۰ تن شکر سفید کارخانه قند و شکر دعبل، ۲۰۰ تن کنجاله سویا پلیت کرمانشاه، ۲ هزار تن گندم دوروم کرمانشاه، خوزستان، فارس و کرمان را تجربه کرد.

نیروی برق دماوند در بازار دوم

بازار دوم فرابورس ایران روز دوشنبه ۲۴ اسفند، میزبان عرضه اولیه هفت درصد از سهام شرکت تولیدی نیروی برق دماوند به عنوان چهاردهمین عرضه اولیه سال جاری است.

به گزارش روابط عمومی فرابورس ایران، شرکت تولیدی برق دماوند که به‌عنوان بزرگترین نیروگاه حرارتی و سیکل ترکیبی کشور شناخته می‌شود با سرمایه‌ای بالغ بر ۴۶۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۷ به ثبت رسید و سال جاری بانک دی ۹۹/۸۹ درصد از سهام آن را خریداری کرد.

این شرکت امروز ۳۲ میلیون و ۲۰۰ هزار سهم معادل ۷ درصد از سهام خود را در بازار دوم ارائه می‌کند تا به این ترتیب عرضه‌های اولیه امسال فرابورس ایران در هفته پایانی اسفند به ایستگاه چهاردهم خود برسد.

معاون عملیات و نظارت بازار فرابورس ایران در باره این عرضه اولیه توضیح داد: تعداد کل سهام شرکت ۴۶۰ میلیون سهم است که تعداد ۳۲ میلیون و ۲۰۰ هزار سهم آن روز۲۴ اسفندعرضه می‌شود.

بهنام محسنی با بیان اینکه صندوق‌های سرمایه‌گذاری (اعم از مشترک و قابل معامله) هیچگونه سهمیه‌ای برای خرید این سهام ندارند، افزود: از تعداد سهام قابل عرضه در روز عرضه اولیه تعداد ۱۹ میلیون و ۳۲۰ هزار سهم به فرایند کشف قیمت و تعداد ۱۲ میلیون و ۸۸۰ هزار سهم به معامله‌گران آنلاین تخصیص یافته است.

افزایش نقش بازار سرمایه در تأمین مالی بلندمدت

بودجه سال ۱۳۹۵ نسبت به بودجه سال ۱۳۹۴ انبساطی تر است و نگاهی ویژه‌ای به بازار سرمایه به خصوص بازار اوراق بدهی دارد. همچنین هزینه‌های عمرانی دولت در لایحه بودجه سال آتی افزایش داشته است که می‌تواند برای صنایع بورسی، خبری مثبت تلقی شود.

بررسی بودجه ۹۵ نشان می‌دهد دولت در سال آتی برنامه‌های مهمی برای رونق در بازار سهام و بازار بدهی کشور دارد؛ به طوری‌که فروش حجم ۲۷۵ هزار میلیارد ریالی را برای سه نوع اوراق با درآمد ثابت شامل اوراق خزانه اسلامی، صکوک و مشارکت برنامه‌ریزی کرده است. همچنین دولت در بودجه سال آتی، واگذاری حدود ۱۶۰/۵ هزار میلیارد ریالی شرکت‌های دولتی را برآورد کرده است.

معاون توسعه بورس اوراق بهادار تهران با اعلام این خبر به پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، گفت: بودجه سال ۱۳۹۵ نسبت به بودجه سال ۱۳۹۴ انبساطی تر است و نگاهی ویژه‌ای به بازار سرمایه به خصوص بازار اوراق بدهی دارد. همچنین هزینه‌های عمرانی دولت در لایحه بودجه سال آتی افزایش داشته است که می‌تواند برای صنایع بورسی، خبری مثبت تلقی شود.

علی عباس کریمی یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر بازار سرمایه را لوایح بودجه سالانه دولت‌ها دانست و افزود: بررسی ها نشان می‌دهد منابع و مخارج بودجه کل کشور در سال ۱۳۹۵ نسبت به قانون بودجه پارسال ۱۲/۵ درصد افزایش یافته است در بخش درآمدها جمع منابع عمومی دولت ۱۳/۲ درصد رشد داشته که بیشترین رشد مربوط به سرفصل واگذاری دارایی‌های مالی (با رشد ۳۰/۸ درصد) است.

وی همچنین اظهار داشت: درآمدهای مالیاتی دولت در لایحه سال ۱۳۹۵ حدود ۱۴/۴ درصد نسبت به قانون بودجه سال ۱۳۹۴ رشد دارد.به گفته کریمی، در بخش واگذاری دارایی‌های مالی، منابع حاصل از فروش سه اوراق با درآمد ثابت در سال ۱۳۹۵ در حدود ۲۷۵ هزار میلیارد ریال پیش‌بینی شده که این رقم در مقایسه با سال ۱۳۹۴ (۱۱۰ هزار میلیارد ریال) رشد ۱۵۰ درصدی را داشته است همچنین انتشار اوراق صکوک اجاره در سال ۱۳۹۵ در حدود ۱۵۰ هزار میلیارد ریال پیش‌بینی شده که این رقم در مقایسه با سال ۱۳۹۴ (۱۰ هزار میلیارد ریال) رشد قابل توجه ۱۴۰۰ درصدی را داشته است.

معاون توسعه بورس اوراق بهادار تهران افزود: انتشار اسناد خزانه‌داری اسلامی در سال ۱۳۹۵ در مقایسه با سال ۱۳۹۴ رشد ۵۰ درصدی را تجربه کرده و از رقم حدود ۵۰ هزار میلیارد ریال به ۷۵ هزار میلیارد ریال رسیده است. همچنین انتشار اوراق مشارکت برای اجرای طرح های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای اجاره در سال ۱۳۹۵ در حدود ۵۰ هزار میلیارد ریال پیش‌بینی شده که در مقایسه با سال ۱۳۹۴ تغییری نداشته است.

وی تصریح کرد: در بخش هزینه‌ها هم بودجه عمرانی دولت در لایحه بودجه ۱۳۹۵ حدود ۲۶ درصد رشد داشته و سرمایه‌گذاری دولت در دارایی‌های مولد (سه فصل نخست) رشد ۳۴/۷ درصد و سرمایه‌گذاری در دارایی‌های غیرمولد با افت ۷۰ درصدی همراه است.

کریمی افزود: دولت در برنامه ششم توسعه نرخ رشد اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۵ را ۸ درصد اعلام کرده است که این موضوع نشان‌دهنده بهبود وضع کسب و کار و رشد تولید ناخالص ملی کشور است. علاوه بر این، موسسات بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هم چشم‌انداز روشنی را برای ایران در سال ۲۰۱۶ متصورند.وی با اشاره به لغو تحریم‌های اقتصادی و خیز دولت برای بهره‌مندی حداکثری از اجرای برجام پیش‌بینی کرد: سطح مراودات تجاری و همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی افزایش درخور توجهی داشته باشد. به عبارتی این موضوع می‌تواند علاوه بر توسعه بازار سرمایه کشور و افزایش مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در بازار اوراق بهادار شامل بازار اولیه و ثانویه، رشد سودآوری بنگاه‌های تجاری و شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس را به ارمغان آورد.

کریمی همچنین در باره عوامل تأثیرگذار بر بازار در سال جاری



گفت: بازار سرمایه از جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شاهد تحولات بااهمیت بوده است سال ۱۳۹۴ با خبرهای مذاکرات هسته‌ای ایران و قدرت‌های دنیا در لوزان سوئیس آغاز شد و تا زمان دستیابی به توافق جامع اتمی در دی‌ماه، مذاکرات هسته‌ای همچنان به عنوان تأثیرگذارترین رویداد سیاسی، بازار سرمایه را تحت شعاع قرار داده بود.

وی افزود: در سالی که گذشت، کاهش قابل‌توجه نرخ سود بین‌بانکی و پس از آن کاهش نرخ سود بانکی و نرخ تسهیلات اعطایی از اخبار مثبتی بود که به بازار سرمایه مخابره شد کاهش نرخ سود بانکی می‌تواند علاوه بر کاهش هزینه‌های مالی شرکت‌ها، بخشی از منابع مالی را از بازار پول به بازار سرمایه هدایت کند و با این شرایط می‌توان امیدوار بود که دولت در سال آتی توجه ویژه‌ای به بازار سرمایه و افزایش نقش آن در تأمین مالی بلندمدت خواهد داشت.

معاون توسعه بورس اوراق بهادار تهران ادامه داد: علاوه بر این، قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور که لایحه آن توسط دولت ارایه شده بود در اردیبهشت برای اجرا به وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت صنعت، معدن و تجارت ابلاغ شد. این قانون که در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و با هدف خروج از رکود تورمی تهیه شده است، در بسیاری از موارد به طور مستقیم به بازار سرمایه و شفاف‌سازی برخی از ابهامات موجود در آن پرداخته است.

کریمی همچنین گفت:راه‌اندازی صندوق تثبیت بازار، شرایط انتشار صکوک و اوراق مشارکت، وصول مطالبات سررسید گذشته بانک‌ها و مواردی از این قبیل در قانون یادشده مورد توجه قرار گرفته بود.

وی برنامه‌های اقتصادی دولت در کاهش نرخ تورم و ایجاد ثبات اقتصادی در بخش‌های پولی و مالی، ارایه لوایح بودجه سال ۱۳۹۵ و برنامه ششم توسعه کشور، انتخابات مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی و تحولات منطقه‌ای را از سایر عوامل مهم و تأثیرگذار بر بازار سرمایه در سال ۱۳۹۴ دانست.معاون توسعه بورس اوراق بهادار تهران در خصوص عوامل و تحولات اثرگذار بر صنایع مختلف گفت: پس از حصول توافق هسته‌ای و برچیده‌شدن تحریم‌های مرتبط با موضوع هسته‌ای، هیأت‌های تجاری مختلفی از سراسر دنیا برای گسترش روابط اقتصادی و سیاسی به ایران سفر کرده‌اند.

علاوه بر این، شرکت‌های فعال در بخش‌های تولیدی و خدماتی برای گسترش سطح ارتباطات و بهره‌گیری از تکنولوژی روز اقدام به مذاکره با شرکت‌های پیشرو در دنیا کرده‌اند بنابراین توافق هسته‌ای راه را برای استفاده از فناوری‌ها و تجهیزات روز دنیا توسط شرکت‌های ایرانی باز می‌کند.

وی خاطرنشان کرد: دولت دکتر روحانی پس از کسب توافق جامع اتمی، اجرای برجام ۲ که همان برجام اقتصادی است را هدف خود قرار داده و از تمامی جریان‌های اقتصادی و سیاسی دعوت کرده که برای دستیابی به نرخ رشد اقتصادی ۸ درصد در سال آتی، بر اجرای برجام اقتصادی اهتمام نشان دهند از این‌رو، پیش‌بینی می‌شود دولت در سال آتی برای حمایت از صنایع مختلف و بهبود محیط کسب‌وکار برنامه داشته باشد.

کریمی اظهار داشت: بهبود فضای اقتصادی کشور و افزایش سطح مراودات تجاری با دنیا بر تمامی صنایع بورسی تأثیر مثبت خواهد داشت. علاوه بر این، افزایش سهم بانک‌های خارجی در اعطای تسهیلات به شرکت‌ها در قالب طرح‌های مختلف و تأمین مالی طرح‌ها و پروژه‌های زیرساختی و عمرانی می‌تواند محرک بخش‌های دیگر اقتصاد باشد.

وی ادامه داد: همچنین کاهش نرخ سود بانکی در سال جاری و اتفاق نظر مسئولان اقتصادی و بانک مرکزی مبنی بر کاهش نرخ سود در سال آتی مطابق با کاهش نرخ تورم می‌تواند نویدبخش کاهش درخور توجه هزینه‌های مالی شرکت‌ها و تسریع در تأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای آن‌ها باشد. ثبات نسبی نرخ ارز در بازار و مأموریت دولت به بانک مرکزی برای ایجاد بازار ارز تک نرخی می‌تواند سال ۱۳۹۵ را نسبت به سال‌های قبل از آن تا حد زیادی متمایز سازد.

معاون توسعه بورس اوراق بهادار تهران گفت: باید به این نکته نیز توجه داشت که دولت تلاش کرده است برای ایجاد ثبات و کاهش ابهامات در سرمایه‌گذاری، مباحث مربوط به قیمت‌گذاری نرخ سوخت و خوراک شرکت‌های فعال در صنایع پالایشگاهی و پتروشیمی را در چارچوب فرمول بلندمدت ارایه کند تا از این طریق محیط برای تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری شفاف‌تر شود همچنین در سال جاری، مباحث مربوط به تعیین عوارض و نرخ بهره مالکانه معادن از بودجه سالانه خارج شد که این موضوع می‌تواند تا حد زیادی محیط کسب‌وکار را برای سرمایه‌گذاری شفاف کند.

وی در پاسخ به این سوال که اخیراً چه ابهاماتی غیر از برجام از سر راه بازار برداشته شده است و آیا عوامل بنیادی هم از سال ۱۳۹۵ تأثیر خود را نشان خواهند داد یا همچنان بار اصلی بر دوش فاکتورهای روانی است، گفت: در سالی که گذشت ابهامات متعددی بر بازار سرمایه سایه انداخته بود که مهمترین آنها تحریم‌های هسته‌ای، نرخ سود بانکی و نرخ هزینه واقعی تسهیلات به بخش‌های مختلف اقتصادی بوده است .

مهمترین اخبار بازار سرمایه در هفته گذشته

بازار سرمایه در هفته گذشته روزهای پر جنب و جوشی را پشت سر گذاشت.

پایگاه اطلاع‌رسانی بازار سرمایه (سنا)، در بسته خبری پیش‌رو، به بررسی مهمترین اخبار بازار سرمایه در هفته‌ای که گذشت پرداخته است:

ششمین نشست هم‌اندیشی با صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، با حضور معاون ناشران و اعضا بورس اوراق بهادار تهران و مدیران صندوق‌های سرمایه گذاری (۱۲ اسفند ۹۴)، با هدف تعامل و گفتگو مدیران صندوق های سرمایه گذاری با شرکت و سازمان بورس برگزار شد. دستورالعمل نحوه قیمت اوراق بهادار در صندوق های سرمایه گذاری به عنوان یکی از محورهای اصلی نشست، به بحث و گفتکو گذاشته شد.

رییس سازمان بورس و اوراق بهادار در همایش چشم انداز اقتصاد ایران در سال ۹۵ به جذب ۶۰۰ میلیارد تومان اوراق بهادار و اوراق بدهی توسط سرمایه گذار خارجی اشاره کرد و گفت: عرضه اوراق بدهی به ذائقه سرمایه گذاران خارجی سازگاری بیشتری دارد و در این بین اسناد خزانه اسلامی با توجه به گارانتی دولت، عدم ریسک و معاف از مالیات بودن و سود بین ۲۳ تا ۲۵ درصد، جذابیت مناسبی برای سرمایه گذاران خارجی دارد.

روز ۱۷ اسفند، طی مراسمی تفاهم نامه همکاری میان فرابورس ایران و سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران به امضا رسید. در این مراسم دکتر محمد فطانت رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، امیر هامونی مدیرعامل فرابورس ایران، علی یزدانی رئیس هیات مدیره و مدیر عامل صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران و تعداد دیگری از مدیران ضمن تشریح این تفاهم نامه به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند.

حسن قالیباف اصل در آخرین نشست خبری امسال خود در جمع اصحاب رسانه، عملکرد سال ۹۴ را تا روز ۱۸ اسفندماه ۱۳۹۴ تشریح کرد مدیرعامل شرکت بورس اوراق بهادار تهران در این نشست به تشریح مواردی همچون ارزش بازار، ارزش اسمی بازار، علت رشد اسمی بازار، ارزش معلاملات خرد و بلوک، معاملات آنلاین، معاملات حقیقی و حقوقی، درآمد و سودآوری شرکت های پذیرفته شده در بازار پرداخت.

حسن قالیباف اصل، در ادامه نشست خبری خود، با بیان اینکه بازار سرمایه ایران از پیش ساختار قوی و جایگاه مطلوبی در فضای کسب و کار بین‌المللی برخوردار است، گفت: یکی از عوامل موثر در جذب سرمایه گذار خارجی، رتبه ایران در فضای کسب و کار بین‌الملل است. مدیرعامل بورس تهران در کنار پاسخ به پرسش خبرنگاران، به رتبه ایران در فضای کسب و کار دنیا، امکان دسترسی آنلاین به بازار سرمایه و معاملات بورسی، بازده بالای بازار سرمایه ایران در میان بورس‌های جهان را از جمله جذابیت‌های بازار سرمایه ایران در جذب سرمایه‌گذار خارجی قلمداد کرد.

از سوی دیگر مدیرعامل بزرگترین گروه هلدینگ و سرمایه گذاری ترکیه (کوچ) که به همراه یک هیات عالی رتبه این کشور به تهران سفر کرده است با مدیرعامل شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه (سمات) دیدار و درباره راهکارهای توسعه همکاری ها به گفتگو پرداخت. مرد شماره یک بخش خصوصی ترکیه در دیدار با محمدرضا محسنی با بیان اینکه گروه کوچ در زمینه نفت، گاز، پتروشیمی، خودرو، ساخت و ساز، سرمایه گذاری و ... فعال است، تمایل این شرکت را برای افزایش تعاملات اقتصادی با ایران اعلام کرد.

دکتر درک مرکر، مدیر کمیته ریسک نهاد ناظر بازار سرمایه آلمان(Bafin) ،طی بازدید از سازمان بورس و اوراق بهادار تهران با دکتر بیژنی جانشین رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار در امور بین‌الملل و سرمایه‌گذاری خارجی و فرهاد مرسلی، رئیس امور بین الملل سازمان بورس ملاقات داشت. در این دیدار، گفتگویی در باره همکاری های آتی میان سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و نهاد ناظر بازار سرمایه آلمان صورت گرفت.مدیرعامل شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه (سمات) از تسویه نخستین اسناد خزانه اسلامی پیش از سر رسید اوراق خبر داد.

محسنی اهتمام دولت به ویژه وزارت امور اقتصادی و دارایی در تسویه به موقع اسناد خزانه اسلامی را نمایانگر توجه دولت تدبیر و امید به انجام تعهدات خود بر شمرد.

شمار استادان دانشگاه در برنامه ششم افزایش می یابد



سرویس شهرستانها: وزیر علوم ، تحقیقات و فناوری گفت: در برنامه ششم توسعه به ازای هر ۲۲ دانشجو یک استاد برای تدریس در دانشگاه پیش بینی شده است.

محمد فرهادی شنبه در شورای دانشگاه شهید چمران که با حضور شماری از اساتید و اعضای هیات علمی این دانشگاه برگزار شد، افزود: در حال حاضر به ازای هر ۲۷ دانشجو یک استاد تدریس می کند.وی گفت: وزارت علوم به دنبال طرحی است تا دانشجویان از کارشناسی به مقطع دکترا وارد شوند.

وزیر علوم، با اشاره به بحث رتبه بندی دانشگاه ها افزود: تاکنون عنوانی به نام رتبه بندی دانشگاه ها به طور رسمی اعلام نشده است و فقط طرح سطح بندی دانشگاه ها در کشور اجرا شده است.

فرهادی اضافه کرد: طبق سند چشم انداز تا سال ۱۴۰۴ تعداد دانش آموختگان دکترا باید ۳ درصد افزایش یابند.

*** کاربردی شدن علوم**

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در مراسم معارفه رئیس دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر با تاکید بر لزوم کاربردی شدن علوم در آموزش عالی، گفت:دانشگاه ها و مراکز علمی باید به سمت تخصصی شدن حرکت کنند. فرهادی با بیان افزایش ۱۵ درصدی اعتبارات دانشگاه ها، افزود:اعتبار دیگری نیز به صورت ریالی و ارزی در عرصه پژوهش و فناوری برای دانشگاه ها و پارک های علم و فناوری پیش بینی شده است که تحقق این مهم نیز به موافقت هایی رسیده است.

وی از دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر به عنوان مصداق یک دانشگاه کاربردی و کارآفرین یاد کرد و افزود:لازم است، برای توسعه و تکمیل رشته های تخصصی دانشگاه ها گام برداشت.

فرهادی گفت:طرح آمایش مراکز آموزش عالی کشور نیز در نشست اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده و وزارت علوم نیز، موظف است وضعیت آموزش عالی در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی دولتی و غیر دولتی را ساماندهی کند.وی اضافه کرد:دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی باید در ۱۰ منطقه در رتبه بندی در سطح بین المللی، ملی، منطقه ای و استانی و بر اساس ضرورت ها به سمت کارآفرینی مهارت آموزی سوق یابند.وزیر علوم، تحقیقات و فناوری افزود:دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر نیز لازم است، با توجه به موقعیت جغرافیایی، در سطح بین المللی و منطقه ای در رشته های خاص فعالیت کند.

وی ادامه داد:با توجه به تخصیص اعتبار ۱۹۵ میلیارد ریالی معادل ۱۹/۵میلیارد تومان، بودجه دانشگاه های کشور ۱۵ درصد افزایش یافت.

فرهادی راه اندازی آزمایشگاه مرکزی در دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر را ضروری دانست و گفت:با راه اندازی و تجهیز آزمایشگاه مرکزی این دانشگاه، این آزمایشگاه به مرجعی برای این منطقه، سایر دانشگاه ها و دیگر مراکز تخصصی تبدیل شده، به خصوص با توجه به واردات و وجود منطقه آزاد اروند، قطعا کالاهای وارداتی نیاز به ارزیابی، نظارت و آزمایش دارند.در این نشست لطف الله خواجه پور به عنوان رئیس جدید دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر معرفی و از اقدامات مسعود صدری نسب رئیس پیشین این دانشگاه تجلیل شد.

***برگزاری بیش از ۵۰۰ کنگره بزرگداشت شهدای دانشجو**

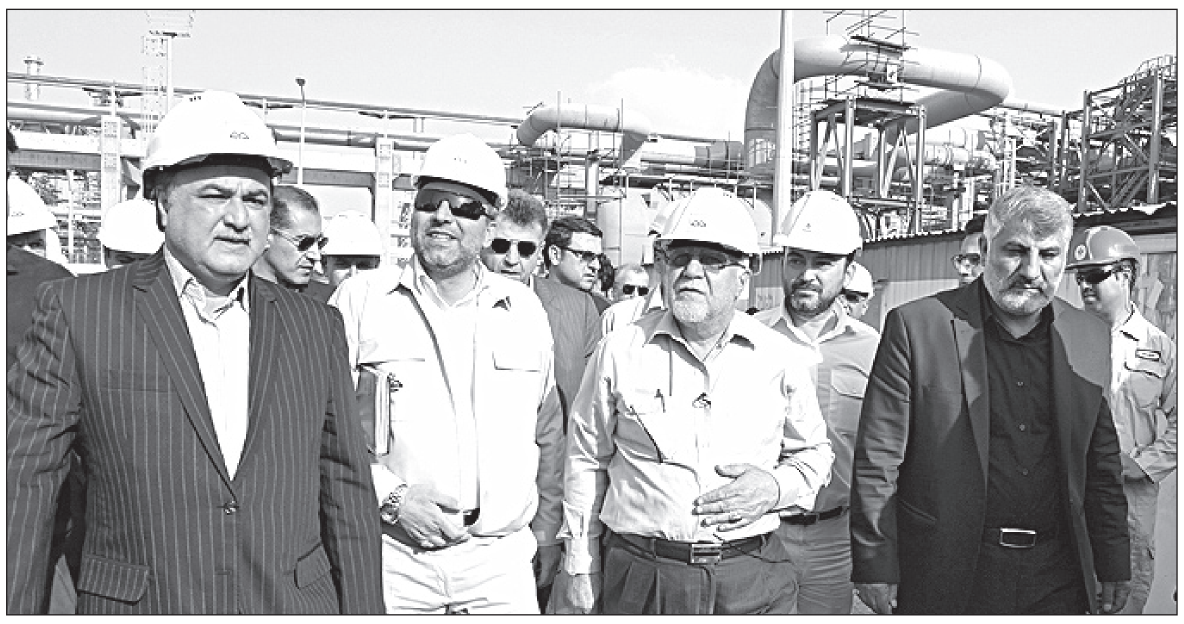
وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در حاشیه بازدید از یادمان شهدای هویزه در خوزستان، با گرامیداشت سالروز ملی راهیان نور و روز شهدا گفت: در یک سال گذشته بیش از ۵۰۰ کنگره بزرگداشت شهدای دانشجو در کشور برگزار شد.فرهادی اظهار داشت : طرح راهیان نور به ویژه راهیان نور دانشگاهی از راهکارهای ماندگاری فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه است.

وی گفت: یادمان های راهیان نور در هفت استان کشور از جمله کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان تاسیس شده است.

وی افزود: برنامه های مختلفی از جمله انتشار زندگینامه شهدا در سطح دانشگاه ها و حوزه های فرهنگی در این رابطه در حال انجام است.

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری گفت: بسیاری از مسئولان دانشگاه های ما هم اکنون از رزمندگان دفاع مقدس هستند. وزیر علوم، در دومین گردهمایی میثاق با شهیدان که در یادمان شهدای هویزه برگزار شد گفت: امسال توفیق پیدا کردیم در سالروز ملی راهیان نور و روز شهدا به زیارت شهدای هویزه نائل شویم.وی اضافه کرد: برنامه های بازدید از یادمان ها توسط حوزه های دانشگاهی باید گسترده تر برگزار شود.فرهادی افزود: شعار و هدف ما این است که هر دانشجو در دوره تحصیل خود حداقل یک بار به این یادمان ها رجوع کرده و درس بگیرد.

مشعل نخستین پالایشگاه میعانات گازی کشور در بندرعباس روشن شد



بندرعباس: مشعل پالایشگاه ستاره خلیج فارس، بزرگترین و نخستین پالایشگاه میعانات گازی کشور عصرشنبه با حضوربیژن زنگنه وزیر نفت در بندرعباس روشن شد.

پالایشگاه میعانات گازی ستاره خلیج فارس بزرگترین و نخستین پالایشگاه میعانات گازی کشور است که بهره برداری از آن، افزون بر خودکفایی در تولید فرآورده های نفتی،ایران رابرای نخستین باراز وارد کننده به صادر کننده فرآورده های نفتی بدل می کند.

با توجه به این که مجموع تولید بنزین در پالایشگاه های کشور، حدود ۶۵ میلیون لیتر در روز است، پالایشگاه ستاره خلیج فارس به تنهایی قادر است معادل ۶۰ درصد تولید همه پالایشگاههای کشور، بنزین تولید کند.

روشن شدن مشعل این پالایشگاه نشان از آغاز عملیات فرآیند تقطیر و تسویه بنزین در آن دارد که نوید بخش روزهای خوبی در حوزه نفت و انرژی است.

پالایشگاه ستاره خلیج فارس به عنوان نخستین پالایشگاه طراحی شده براساس خوراک میعانات گازی با ظرفیت ۳۶۰ هزاربشکه در روز شامل (سه مرحله هریک به ظرفیت ۱۲۰هزار بشکه میعانات گازی) واحدهای تقطیر، تصفیه گازمایع، تبدیل کاتالیستی، تصفیه نفتا، ایزومریزاسیون، تصفیه نفت سفید و نفت گاز با هدف تولید بنزین، گازوییل، گاز مایع و سوخت جت در۲۵کیلومتری غرب شهر بندرعباس قرار دارد.

خوراک مورد نیاز این پالایشگاه از طریق خط لوله ای به طول بیش از۳۸۵ کیلومتراز منطقه گازی پارس جنوبی در عسلویه تأمین می شود که با بهره برداری از فاز نخست پالایشگاه ستاره خلیج فارس مشکلات موجود در زمینه تولید و ذخیره سازی میعانات گازی در پارس جنوبی نیز برطرف می شود.

آب مورد نیازپالایشگاه میعانات گازی ستاره خلیج فارس با ظرفیت ۲۰۰هزار مترمکعب در ساعت با دارا بودن هشت تلمبه خانه بعنوان بزرگ ترین پروژه آبگیر کشور(یک و نیم برابر آب آشامیدنی شهر تهران) با کار گذاشتن لوله هایی به قطر بیش از دو متر از فاصله پنج و نیم کیلومتری وارد و به مصرف بخش های آتش نشانی، آشامیدنی، خنک سازی تجهیزات پالایشگاهی، تولید بخارمی‌رسدوبقیه‌آن به دریا باز می گردد.با بهره برداری از پالایشگاه ستاره خلیج فارس روزانه ۳۵ میلیون لیتر بنزین (عدد اکتان ۹۵) و ۱۴ میلیون لیتر گازوییل به ظرفیت تولید فرآورده های نفتی کشور اضافه می شود.

حفاظت از محیط زیست و مراتع، باید به فرهنگ عمومی تبدیل شود

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: حفاظت از محیط زیست و مراتع باید به فرهنگ عمومی تبدیل شود.

قربانعلی سعادت استاندار آذربایجان غربی این مطلب را در مراسم روز درختکاری در ارومیه اعلام کرد و افزود: یکی از اساسی‌ترین وظایفی که امروز همه ما باید به آن توجه داشته باشیم، حفظ منابع طبیعی و محیط زیست و جلوگیری از تخریب این منابع است.

رحمان وهاب‌زاده مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری آذربایجان غربی هم در جمع خبرنگاران گفت: حفاظت از منابع طبیعی به عنوان سرمایه ملی یک وظیفه عمومی بوده که تحقق این مهم قطعاً با مساعدت و همراهی آحاد مردم و مسئولان محقق می‌شود.

وی اقدام اصلی این اداره را مبارزه با زمینخواری اعلام کرد و گفت: با همکاری ادارات دادگستری، نیروی انتظامی، اطلاعات و استانداری از ابتدای امسال تاکنون بیش از ۱۴۰۰ هکتار از زمین‌خواران خلع ید شده است.

وی اضافه کرد: سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری استان حداکثر تلاش خود را برای حفاظت، توسعه و بهره‌برداری پایدار از این منابع خدادادی به عنوان امانت گذشتگان و سرمایه آیندگان به کار گرفته و در راستای تحقق منویات مقام معظم رهبری و سیاست‌های دولت تدبیر و امید، به رغم محدودیت‌های موجود، با بهره‌برداری از مشارکت مردم و جوامع محلی، راهبردهای اساسی جامع‌نگر را برای ارتقای فرهنگ حفظ و احیای پایدار منابع طبیعی اتخاذ کرده و در این راه از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد.

او ادامه داد: در حوزه طرح‌های احیای دریاچه ارومیه کانون‌های تولید گرد و غبار در ۳ نقطه استان از جمله ارومیه سلماس و میاندوآب شناسایی شد و اقدامات بیولوژیکی خوبی به انجام رسید.

وهاب‌زاده همچنین بر لزوم مشارکت مردمی در حفاظت از منابع طبیعی آذربایجان غربی تأکید کرد و گفت: هرگونه دخالت غیراصولی و غیرفنی و استفاده نادرست از منابع طبیعی باعث برهم خوردن تعادل زیست محیطی و اکولوژیکی یک منطقه می‌شود که تأثیرات جبران‌ناپذیری در زندگی امروز و نسل آینده به همراه دارد و باید فرهنگ استفاده صحیح از منابع طبیعی، و حفاظت از عرصه‌های ملی ترویج و گسترش یابد.

انتصاب عضو ستاد راهبری و مدیریت اقتصاد مقاومتی استان یزد

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: دکتر محمدرضا رضایی‌نژاد با حکم استاندار یزد به عنوان عضو ستاد راهبری و مدیریت اقتصاد مقاومتی استان منصوب شد.

به گزارش روابط عمومی گروه تعاونی پیشگامان، دکتر محمدرضا رضایی‌نژاد مدیرعامل گروه تعاونی پیشگامان با حکم استاندار یزد به این سمت منصوب شد.

نیمی از جمعیت کشور اضافه وزن دارند

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر کل دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت اعلام کرد:۵۰ درصد جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال کشور دچار چاقی و اضافه وزن هستند.

زهرا عبدالهی در نشست کشوری کارشناسان مسئول تغذیه دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در یزد، افزود: در زمینه تغذیه و کنترل بیماری‌های غیر واگیر ناشی از تغذیه نادرست از جمله دیابت، فشار خون، چاقی و اضافه وزن، بیماریهای قلبی عروقی و غیره، مشاوره تغذیه و مدیریت بهبود تغذیه، توسط کارشناسان تغذیه در مراکز سلامت جامعه به صورت رایگان به مردم ارائه می‌شود.

او اظهار داشت: با هدف ارائه خدمات تغذیه‌ای، با اجرای طرح تحول نظام سلامت، حدود ۴۸۰ کارشناس تغذیه در مراکز سلامت جامعه پذیرفته شدند.وی اظهار کرد: برای اجرای طرح مذکور به همه گروه‌های سنی از جمله کودکان زیر پنج سال که دچار اختلال رشد هستند، مادران باردار که مشکل اختلال در روند وزن‌گیری دارند، تمام بیماران دیابتی، مبتلایان به فشار خون و کسانی که الگوی غذایی آنها نیز باید اصلاح شود، خدمات متعدد ارائه می‌شود به طوری که این افراد پس از مراجعه به پزشک به کارشناس تغذیه ارجاع می‌شوند.

مدیر کل دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت همچنین ارائه مکمل ویتامین D به دختران و پسران مقطع دبیرستان، زنان میانسال و سالمندان به صورت ماهانه را از دیگر اقدام‌های انجام گرفته در طرح تحول نظام سلامت اعلام کرد.

همزمان با این نشست، مدیر کل دفتر بهبود تغذیه وزارت و کارشناسان مسئول تغذیه دانشگاه‌های علوم پزشکی از ۶ مرکز سلامت جامعه یزد دیدن کردند. همچنین در این نشست کارشناسان مسئول تغذیه ۵ دانشگاه البرز، قم، اصفهان، شیراز و همدان، اقدام‌های نوآورانه خود را در راستای طرح تحول سلامت ارائه و تغییرات برنامه عملیاتی سال ۱۳۹۵ نیز مطرح شد.

رویداد فرهنگی «نوروزگاه» در شهر اصفهان برگزار می‌شود

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: رویداد فرهنگی نوروزگاه از ۲۴ تا پایان تعطیلات نوروز در محل باغ موزه چهلستون و همچنین شهر رویاهای اصفهان برگزار خواهد شد.

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان با بیان اینکه این رویداد فرهنگی همزمان با ۱۲ استان کشور برگزار می‌شود، افزود: مراسم نوروزگاه فرصتی فراهم می‌کند تا آداب و سنت‌های نوروزی مناطق مختلف استان معرفی و مردم و بخصوص نسل جوان امروز با آنها آشنا شوند.

فریدون اللهیاری افزود: امسال سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور برای احیای آداب و سنت‌های نوروزی و شناخت بیشتر مردم این برنامه را طراحی کرده است. او با اشاره به اینکه نوروزگاه از ۲۴ تا ۲۸ اسفند در باغ موزه چهلستون و از ۲۸ تا پایان تعطیلات نوروز در شهر رویاها برگزار خواهد شد، گفت: در باغ موزه چهلستون سنت‌ها و آداب مختلف فرهنگی همچون نقالی، پرده‌خوانی، شعر، نمایشگاه عکس و پخت غذاهای محلی ویژه نوروز در مناطق مختلف استان برگزار می‌شود.

وی از ویژه برنامه‌های مراسم نوروزگاه در اصفهان را برگزاری ورزش چوگان به صورت نمادین در میدان تاریخی امام خمینی(ره) به عنوان نخستین میدان چوگان دنیا اعلام کرد و افزود: ورزش چوگان یکی از میراث‌های معنوی کشورمان است.

اللهیاری افزود: برای آشنایی شهروندان و گردشگران با بازی چوگان نمایشگاهی در موزه هنرهای تزیینی برپا خواهد شد.

او گفت: ۲۴ اسفند مراسم افتتاح رویداد فرهنگی نوروزگاه در کتابخانه مرکزی اصفهان برگزار خواهد شد.

شهردار اصفهان نیز از میراث ناملموس فرهنگی به عنوان جلوه‌های پنهان گردشگری یاد کرد و گفت: گردشگری میراث معنوی دریچه نوینی در حوزه گردشگری باز می‌کند و می‌تواند عاملی مهم و راهگشا در توسعه دیپلماسی بین شهرها و کشورها باشد.

مهدی جمالی‌نژاد افزود: دیپلماسی گردشگری می‌تواند ضریب ماندگاری گردشگر و بازدید دوباره گردشگران را افزایش دهد و سبد جاذبه‌ها را دوچندان کند.

او با بیان اینکه میراث معنوی گسترده وسیعی دارد، اضافه کرد: این میراث ناملموس نشان‌دهنده فرهنگ، آداب، رسوم، ادب، نزاکت، سبک و شیوه زندگی خوب نیاکانمان است و فرهنگ غنی و اصیلمان را به جهان نشان می‌دهد.

شهردار اصفهان با اشاره به اینکه بخشی از ادامه مراسم نوروزگاه در شهر رویاها برگزار خواهد شد، برگزاری بازی‌های بومی و محلی، برگزاری ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای، اجرای موسیقی نواحی مختلف کشور، اجرای موسیقی ردیف اصفهان، شاهنامه خوانی و پرده‌خوانی و جُنگ‌های شبانه و همچنین برپایی نمایشگاه و کارگاه صنایع دستی و نمایشگاه سوغات اصفهان را از برنامه‌های این مراسم در شهر رویاها برشمرد.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

ادامه از صفحه۱۳

انتظار از منتخبین ملت

انتخابات ۷ اسفند نشان داد که مردم هوشمندند و دنبال اصلاحات. از منتخبان محترم می‌خواهیم هنگامی که به مجلس رفتند با اراده و عزم قاطع جلوی فسادهای اقتصادی و رانت خواری‌ها را بگیرند.

یک هموطن

با حمله نابخردانه به سفارت عربستان...

به نظر من به علت حمله نابخردانه به سفارت عربستان موضوع جانباختن صدها زائر ایرانی و غیرایرانی در منا به محاق رفت و در سایه این حادثه آنطور که باید امکان رسیدگی به موضوع فراهم نشد. ببینید که یک کار جاهلانه چقدر آسیب‌زا و خسارت بار می‌شود؟

شهروندی از تهران

انتقاد از آقای سرافراز

از وقتی که آقای سرافراز رئیس صداوسیما شده است، سریال‌ها و برنامه‌های این رسانه غمگین‌تر شده‌اند. نمی‌دانم کجا گفته شده که پخش آهنگ شاد گناه دارد و چرا با چنین رویکردی جوانان را به سمت ماهواره می‌کشانیم؟

یک هموطن

مردم ما آگاه هستند

چگونه رئیس قوه قضائیه قایل به این شده که گویا مردم از اجانب خط گرفته‌اند؟ آیا مردم ایران اینقدر ناآگاه هستند که اجازه‌دهند بیگانگان برای آنها خط و مشی مشخص کنند؟

شهروندی از تهران

راه یارانه گرفتن را باز بگذارید

با این که چند بار زنگ زده و پیام گذاشته‌ام چاپ نکردید! همسر من هنگام ثبت نام یارانه‌ها در بیمارستان بستری بود و ما نتوانستیم مراحل اداری آن را انجام دهیم، در حالی که استحقاق آن را داریم و نیازمان به یارانه‌ها زیاد است. چرا متولیان امر راهی نگذاشتند که افرادی مثل ما بتوانند ثبت نام و یارانه دریافت کنند؟

شهروندی از تهران

غفلت از هنر و موسیقی

به نظرم عدم توجه و بهره‌برداری صحیح و فعالانه از هنر و موسیقی که اتفاقاً طرفدار بسیار دارد، خودش یک چالش است و باعث می‌شود خیلی‌ها به ماهواره پناه ببرند. ماهواره‌ای که اسباب انحراف هم در آن زیاد است. با توجه به هوشیاری و نکاتی که در نظام وجود دارد خوب است که به این نکته مهم توجه و چاره‌ای اندیشیده شود.

سید ساجدین حسینی

برای مبارزه با اعتیاد

برای جلوگیری از اعتیاد بیش از همه این خانواده‌ها هستند که باید مواظب جوانان و نوجوانان خود باشند و در هیچ شرایطی آنها را طرد نکنند و در ضمن خوب می‌دانیم که سیگار مقدمه اعتیاد است، پس در این زمینه هم هوشیاری پدران و مادران ضروری است که از ابتدا جلوی آن را بگیرند.

تماس با خط ارتباطی

سئوال از سازمان محیط زیست

کارخانه پارس بنوئان واقع در شهری نزدیک تنکابن فاضلاب خطرناک شیمیایی خود را در دریا رها می‌کند و باعث مرگ و میر ماهیان آن منطقه شده است. از این کارخانه همچنین شب‌ها دود غلیظی متصاعد می‌شود که هوای منطقه را آلوده کرده است. آیا سازمان محیط زیست نمی‌خواهد به این موضوع رسیدگی کند؟

شهروندی از تنکابن

برداشت همه حقوق برای دیرکرد وام!

برای ۵ میلیون وام که از شعبه زامیاد بانک ملت گرفته‌ام کل حقوقم را برای جریمه دیرکرد برمی‌دارند و در مجموع ۱۳ میلیون تومان از من مطالبه می‌کنند. آیا واقعاً این گونه باید با مردم معامله و رفتار کرد؟

یدا... خورشیدی

اصل شناسنامه مالکیت خودرو سواری تندر لوگان L90 مدل ۱۳۸۷ به شماره انتظامی ۷۲۱ج۴۸ ایران ۹۱ شماره موتور ۷۷۰۲۰۳۵۳۲۲D۰۴۵۴۳۷ شماره شاسی NAALSRALD۸A۰۱۸۸۳۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. اردبیل

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
نوبت دوم
مدرک فارغ التحصیلی اینجانب مریم یونسیان فرزند مهدی به شماره شناسنامه ۲۲۱ صادره از ساری در مقطع لیسانس در رشته مترجمی زبان انگلیسی صادره از واحد دانشگاهی قائمشهر مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر به نشانی قائمشهر خیابان علامه طبرسی (جاده نظامی) کیلومتر ۷ صندوق پستی ۱۶۳ دانشگاه آزاد قائمشهر ارسال نماید.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک فارغ التحصیلی اینجانب محمدرضا صالحی فرزند مراد به شماره شناسنامه ۹۶۸ صادره از آبادان در مقطع کاردانی رشته دینی و عربی صادره از واحد دانشگاهی بندرعباس دانشنامه به شماره ۱۳۸۷۱۱۴۰۱۲۳۸-۸۸/۲/۲/۲۷ با شماره سریال ۰۵۰۹۶۴۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس به نشانی اصفهان ـ فرودگاه شهید بهشتی اصفهان ارسال نماید.
اصفهان

مدرک فارغ الحصیلی اینجانب مهدی جزینی فرزند علی به شماره شناسنامه ۱۵۶ صادره از ۳ـخمینی‌شهر در مقطع کارشناسی رشته مکانیک ـ طراحی جامدات صادره از واحد دانشگاهی خمینی‌شهر با شماره ۷۹۱۸۸۴۶۶۹۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر به نشانی اصفهان ـ خمینی‌شهر ـ منظریه ـ بلوار دانشجو ـ صندوق پستی: ۱۱۹-۸۴۱۷۵ کدپستی ۸۴۱۸۱۴۸۴۹۹ تلفن ۱۴-۰۳۱۳۳۶۶۰۰۱۱ ارسال نماید.
اصفهان

آگهی مفقودی
برگ کمپانی خودروی سواری پژو پارس رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۳۸۹ به شماره موتور ۱۲۴۸۹۱۵۶۵۵۱ و شماره شاسی NAANP1CA9AK789974 و شماره پلاک ایران ۲۵-۲۴ب۵۹۲ به نام اکبر بهنام مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است.
هادی شهر

سند کمپانی خودرو سواری پراید ۱۳۲ مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ۶۲۱-۱۷ج۸۵ و شماره موتور ۳۰۵۰۷۴۰ و شماره شاسی S1422288098390 مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
ارومیه

آگهی مفقودی کارت هوشمند راننده باری
اصل کارت هوشمند راننده باری به شماره ۲۶۳۸۵۹۴ صادره از شیراز متعلق به اینجانب هادی رجب دوست فرزند عبدالغفار به ش ش ۸۹ و به شماره ملی ۲۵۷۱۸۴۵۸۸۸ متولد ۱۳۶۴/۱/۱۷ فسا و به شماره گواهینامه ۹۰۷۰۷۲۲۷۵۹ پایه دوم صادره از فسا مفقود و ازدرجه اعتبار ساقط می‌باشد.
(فسا)

اصلاحیه
در آگهی دعوت از بستانکاران شرکت در حال تصفیه آرین گستر آمل نوبت دوم که در تاریخ ۹۴/۱۰/۳۰ چاپ شده در قسمت امضای آن باید نوشته شود مدیر تصفیه شرکت در حال تصفیه آرین‌گستر آمل که بدین ترتیب اصلاح می‌شود.

آگهی دعوت سهامداران شرکت سهامی خاص آذر ایپک سولدوز به شماره ثبت ۹۵۲ و شناسه ملی ۱۰۹۸۰۰۴۸۰۰۷ جهت تشکیل مجمع عمومی عادی سالیانه
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم دعوت می‌شود که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۱۵ در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه که در آدرس شرکت تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند.
الف: دستور جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه: ۱ـ انتخاب اعضای هیات مدیره ۲ـ انتخاب بازرسین ۳ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
هیات مدیره شرکت

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت منحله لشکه (نوبت دوم) به شماره ثبت ۱۷۱۷۵
از کلیه سهامداران دعوت می‌شود ساعت ۱۶ به تاریخ ۹۵/۱/۱۴ در محل تصفیه شرکت حضور بهم رسانند.
موضوع جلسه: ۱ـ انتخاب مدیر تصفیه ۲ـ استماع گزارش مدیر تصفیه
۳ـ هرگونه تصمیمی که در صلاحیت مجمع باشد.
مدیر تصفیه – علی شریفی

آگهی تغییرات
شرکت سرزمین شاتل سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۵۷۷۸۴
و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۲۵۲۱۰۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ایرج شریفی با کد ملی ۰۰۵۱۷۲۲۶۹۰ به سمت بازرس اصلی و فرهاد کرم‌زاده با کد ملی ۰۴۵۲۲۳۲۰۰۷ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. ـ ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۳ به تصویب رسید. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران
۱۴۸۱۲۵ ـ ۸۲۶۶۲۷۱ /م‌الف

تکثیر ماهی «شیزوتراکس» در زهک

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: کارشناسان مرکز تحقیقات و تکثیر ذخایر شهرستان زهک موفق به تکثیرماهی شیزوتراکس زارودینی (سفیدک) شدند.

مهندس رضا فدایی رئیس مرکز تکثیر ذخایر شیلات زهک گفت: زیستگاه اینگونه ماهی در فلات ایران فقط در تالاب بین المللی هامون و چاه نیمه‌های سیستان است که در دمای ۱۴ تا ۱۸ درجه سانتیگراد و در جریان سیلاب‌های رود خانه هیرمند تخم ریزی می کند.

وی افزود: این ماهیان با ارزش در محیط‌های محصور قادر به تخم ریزی نیستند به همین دلیل با قطع جریان آب رودخانه هیرمند تولید و نسل این گونه ماهی بشدت کاهش یافت.

او اعلام کرد: کارشناسان و پژوهشگران این مرکز از سال ۸۱ با هدف حفظ ذخایر ژنتیکی این نوع ماهی اقدام به تکثیر مصنوعی آن کردند.

به گفته فدایی این ماهی شرایط زیست بین سرد آبی و گرم آبی دارد و پرورش آن در دمای ۱۸ درجه سانتی گراد به بالا انجام می‌گیرد. وی گفت: وزن این ماهی در شرایط طبیعی تا ۹ کیلوگرم هم گزارش شده است و پیش بینی ما این است که بین یک تا دو میلیون لارو ماهی شیزوتراکس تولید و در منابع آبی استان و استخرهای پرورش ماهی رهاسازی شود.

همچنین جمعی از پرورش دهندگان ماهی گرم آبی و سرد آبی در گفتگو با خبرنگار اطلاعات ایجاد استخر پرورش ماهیان سرد آبی و گرم آبی را فرصت بسیار مناسبی در ماندگاری روستائیان دشت سیستان دانستند و اعلام کردند: با توجه به خشکسالی‌های پی در پی و منقرض شدن ماهیان، اداره کل شیلات در سطح گسترده‌ای نسبت به تکثیر و رهاسازی ماهی در استخرها اقدام کرد که ضمن تامین مواد پروتئینی مورد نیاز مردم در زمینه ایجاد اشتغال برای روستائیان نقش اساسی و مهمی داشت.

خان محمد شهرکی از روستای دشتک شهرستان زهک، افزود: باساخت استخر هشت ضلعی پرورش ماهی گرم آبی و همیاری شیلات سیستان موفق شدم امسال ۳۰ تن ماهی برداشت و به بازار عرضه کنم.

وی گفت آب این استخرها از طریق حفر چاهک تامین می‌شود و در زمستان ماهی قزل آلا و در تابستان ماهی گرم آبی پرورش می‌دهیم.

مدیر شیلات زهک با اشاره به پتانسیل‌های شیلاتی در این شهرستان، افزود: زهک به دلیل قرار گرفتن در کنار چاه نیمه‌ها و ورودی آب رودخانه هیرمند به سیستان شرایط نسبتا مناسبی برای فعالیت‌های کشاورزی و آبزی پروری دارد.مهندس عیسی میرانی شاهرودی گفت: با شروع دوره خشکسالی در حوزه سیستان از سال ۷۸ و کم شدن ورودی آب به سیستان، تفکر ایجاد چاهک‌های آب برای انجام فعالیت‌های کشاورزی و دیگر زیر بخش‌های آن شکل گرفت که به تدریج جایگاه خود را پیدا کرد و این چاهک‌ها در احیاء باغ‌ها، پرورش دام‌ها و نگهداری و تثبیت مردم در منطقه نقش بی بدیلی به‌ویژه در مناطق روستایی حوزه سیستان داشته است.

وی افزود: چاه نیمه‌ها عرصه مناسبی را برای فعالیت‌های صید و صیادی به خود اختصاص داده است و با توجه به خشکسالی‌ها و خشک شدن تالاب هامون و کم‌آبی آن عملا عرصه فعالیت‌های صید و صیادی از دریاچه هامون به چاه نیمه‌ها تغییر کرده و در حال حاضر، ۱۴ تعاونی صیادی در این حوزه فعالیت می کنند و کمک زیادی به ایجاد اشتغال شده است.

او با اشاره به این که وجود ۳۰۰۰ حلقه چاهک زیر سطحی آب این فرصت را فراهم آورده که با ایجاد یک استخر پرورش ماهی در کنار هر چاهک ضمن ایجاد اشتغال، زمینه تولید ماهی به عنوان گوشت سفید و غذای سلامتی نیز فراهم شود، گفت: پیش بینی می‌شود با وجود این چاهک‌ها ۳۰۰۰ فرصت شغلی در حوزه آبزی پروری ایجاد شود و در حال حاضر ۶۰۰ استخر خاکی و بتونی پرورش ماهی در منطقه زهک ساخته شده است که با توجه به سود دهی و بازدهی مناسب آنها، روند ایجاد استخرهای پرورش ماهی به سرعت در حال گسترش است.

مهندس میرانی شاهرودی افزود: ۳۰ درصد استخرهای پرورش ماهی در حوزه ۱۷ شهرستان زیر پوشش اداره کل شیلات سیستان در شهرستان زهک قرار دارد و بازدهی نسبتا مناسب، آسان بودن انجام، کار نقش این استخرها در ذخیره آب و آبیاری کشتزارها و باغ‌ها، استفاده از آب غنی شده استخرها در بهره وری بیشتر و بازده تولید بهتر محصولات کشاورزی و از جمله مزایای استخرهای پرورش ماهی به شمار می‌آید.

مدیر شیلات زهک درباره مرکز تکثیر و بازسازی ذخایر ماهیان بومی و گرمابی این منطقه، گفت: این مرکز تولید بچه ماهی با مساحت ۱۰۰ هکتار و توان تولید بچه ماهی سفید سیستان (شیزوتراکس) و ۴ گونه از کپور ماهیان، از مراکز مهم تولید بچه ماهی در شرق، جنوب شرق و مناطق مرکزی ایران محسوب می‌شود.وی یادآور شد: این مرکز بچه ماهی مورد نیاز برای بازسازی ذخایر و جلوگیری از انقراض نسل ماهی بومی سفید سیستان را تولید کرده و با تامین بچه ماهی مورد نیاز استخرهای پرورش ماهی، آببندانها و دیگر منابع آبی فرصت اشتغال بالایی را در استان فراهم آورده است ضمن این که بخشی از نیاز بچه ماهی دیگر استان‌های همجوار را نیز تامین می‌کند.

در آیین معارفه آیت الله علم الهدی و حجت الاسلام و المسلمین رئیسی در مشهد مقدس بیان شد

توجه بیشتر به محرومان و زائر محوری از برنامه های اصلی تولیت جدید آستان قدس رضوی است

مشهد- خبرنگاراطلاعات: رئیس دفتر مقام معظم رهبری در مراسم معرفی تولیت جدید آستان قدس رضوی به ضرورت حمایت همه دستگاه های اجرایی و کارکنان آستان قدس رضوی از تولیت آستان قدس رضوی اشاره کرد و افزود: سر خط وظایف تولیت آستان قدس رضوی توسط رهبر معظم انقلاب بیان شده است و باید در این مسیر گام برداشته شود.

حجت الاسلام والمسلمین محمد محمدی گلپایگانی از مسئولان در سطوح مختلف کشور و سران قوای سه گانه خواست تولیت جدید آستان قدس رضوی را یاری کنند.

رئیس دفتر مقام معظم رهبری گفت: یکی از نکاتی که باید مورد توجه تولیت جدید آستان قدس رضوی قرار گیرد، خدمت‌رسانی به بهترین شکل ممکن به زائران حرم مطهری رضوی است.

وی گفت: امام راحل بعد از انقلاب برای مسئولیت خطیر در این آستان مقدس آیت الله طبسی را انتخاب کردند و خدماتی که بعد از انقلاب اسلامی در آستان قدس رضوی انجام شد به هیچ عنوان با زمان قبل از آن قابل مقایسه‌نیست.

محمدی گلپایگانی افزود: فقدان آیت الله طبسی برای ما جای تاسف دارد اما چاره ای نیست و باید این مسیر طی شود و خدمات گسترده ای که در گذشته ارائه می شد ادامه یابد.

رئیس دفترمقام معظم رهبری گفت: افراد بسیاری برای تولیت آستان قدس رضوی بررسی شدند تا فردی که انتخاب می شود بتواند راه گذشته را بهتر ادامه داد.

رئیس دفتر مقام معظم رهبری به برخی ویژگی های حجت الاسلام و المسلمین رئیسی تولیت جدید آستان قدس رضوی اشاره کرد و افزود: پاکی و طهارت روح، ارادت به ولایت فقیه، مدیریت شایسته و اعتماد امام راحل به ایشان از جمله ویژگی های حجت الاسلام و المسلمین رئیسی است.

گلپایگانی اظهار داشت : هرچند جدا کردن ایشان از قوه قضائیه بسیار سخت و دشوار است اما حضور ایشان در چنین جایگاهی بسیار ضرورت دارد.

وی افزود: فعالیت در آستان قدس رضوی برای دنیا نیست بلکه برای آخرت است و همه باید به عنوان پس اندازی برای آخرت به آن نگاه کنند.

محمدی گلپایگانی با بیان این که حرم مطهر رضوی کانون ذکر خدا است گفت: محبت حضرت امام رضا (ع) و زیارت ایشان فقط مربوط به جمهوری اسلامی ایران نیست بلکه زائرینی از سراسر جهان به این مکان مشرف می شوند و این موضع از بین رفتنی نیست.

وی به جایگاه ولایت فقیه در کشور اشاره کرد و گفت: بسیاری از کشورهای منطقه تنها دلیل ضعف خود را نداشتن ولی فقیه همچون رهبر معظم انقلاب بیان می کنند زیرا ولایت فقیه چشم بیدار جامعه اسلامی است و در لحظات حساس گره گشایی می کند.

وی با اشاره به نقش ولایت فقیه در توفیق برجام و انتخابات اخیر اظهار داشت : رسانه های خارجی و کشورهای دیگر تلاش بسیار برای عدم شرکت مردم در انتخابات انجام دادند اما کلام رهبر معظم انقلاب سبب ثبت ۷۰ میلیون برگه اخذ رأی شد.

محمدی گلپایگانی افزود: حضور ۶۲ درصدی مردم در انتخابات نشان از عمق علاقه مردم به نظام اسلامی دارد.

وی ادامه داد: با توجه به حضور با شکوه مردم در انتخابات، اینک نوبت مسئولان است که در جهت خدمت رسانی به مستضعفان گام بردارند.

رئیس دفتر مقام معظم رهبری افزود: حضرت امام رضا (ع) زائرین خود را بسیار دوست دارد لذا خدام و کارکنان آستان قدس رضوی باید با زائران و مجاوران ایشان با محبت و علاقه رفتار کنند.

وی با اشاره به اینکه باید خدمت رسانی به مستضعفان بیشتر شود، اظهار داشت : آستان قدس رضوی در این زمینه باید بیش از گذشته فعالیت کند.

در این مراسم حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم رئیسی به عنوان تولیت جدید آستان قدس رضوی معرفی شد.

***توجه به محرومان و زائرمحوری**

تولیت آستان قدس رضوی درمراسم معارفه خود گفت: توجه به محرومان، زائر محوری و تبدیل مشهد به مرجعیت علمی از جمله رویکرد های آستان قدس رضوی خواهد بود.

حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم رئیسی در مراسم معارفه خود به عنوان تولیت آستان قدس رضوی با قدردانی از حدود چهار دهه زحمات آیت الله طبسی افزود: خدمت رسانی در آستان قدس رضوی باید ادامه یابد.وی اظهار داشت : منشور هفت گانه رهبر معظم انقلاب در ماموریت اینجانب پیش روی خدمتگزاران این بارگاه مقدس است.

وی گفت: توجه به محرومان باید ارتقا پیدا کند که برای این منظور معاونت امداد مستضعفان در آستان قدس رضوی تشکیل می شود.

تولیت آستان قدس رضوی افزود: زائر محوری دومین رویکردی است که به صورت ویژه دنبال می شود و همه سطوح حکومت باید نگاهشان در این مسیر تسهیل حال زائران باشد.

وی اظهار داشت: فرمانداران، شهرداران، استانداران و تمام مسئولان اجرایی باید با رویکرد خدمت رسانی به زائران به خراسان رضوی نگاه کنند زیرا این ماموریت همگانی است.

رئیسی با بیان اینکه فعالیت های اقتصادی باید با رویکرد زائر محوری دنبال شود گفت: خراسان رضوی و شهر مشهد دارای رویکرد فرهنگی است و به دلیل وجود حرم مطهر رضوی تاکنون علمای بسیار بزرگی در این استان رشد یافته اند و بر همین اساس باید علم در این شهر رشد پیدا کند تا به یک مرجعیت علمی برای جهان اسلام تبدیل شود.وی با اشاره به سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) افزود: باید التزام فکری، اخلاقی و عملی نسبت به آموزه های ائمه اطهار (ع) به ویژه حضرت فاطمه زهرا (س) داشته باشیم و از این گنجینه ارزشمند به درستی استفاده کنیم.

***اخلاص و توان مدیریتی**

آیت الله سید احمد علم الهدی نماینده ولی فقیه در استان خراسان رضوی هم در این مراسم گفت: رمز موفقیت آیت الله طبسی اخلاص و توان مدیریتی بود که توانست مجموعه بزرگی همچون آستان قدس رضوی را به بهترین شکل اداره کند.وی افزود: تألم فقدان مرحوم آیت الله واعظ طبسی فراموش نشدنی است و همواره ادامه دارد.

علم الهدی با بیان اینکه خدمات آیت الله طبسی برای همه مردم مشهود است اظهار داشت : خدمات شایسته ایشان در سطوح مختلف حرم مطهر رضوی نیز نمود پیدا کرده است.

امام‌جمعه‌مشهدافزود:رحلت مرحوم آیت الله واعظ طبسی در ایام فاطمیه رمز و راز خاصی داشت و تشییع باشکوه پیکر ایشان نیز نشانه قدرشناسی مردم از یک خادم با اخلاص بود.وی گفت: رهبر معظم انقلاب نیز با توجه به درایت و حکمت حجت الاسلام و المسلمین رئیسی ایشان را به عنوان تولیت جدید آستان قدس رضوی انتخاب کردند.

قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی نیز در این مراسم به خدماتی همچون احیای موقوفات، استخراج نیات واقفان، دسته بندی درآمد ها در ۲۶ سر فصل اشاره کرد و گفت: افزایش ۱۰ برابری و توسعه اماکن حرم مطهر رضوی، تحکیم ابنیه این مکان مقدس، توجه ویژه به معماری ایرانی اسلامی، افزایش صحن ها از ۳ به ۹ صحن و افزایش رواق ها از ۱۸ به ۳۲ رواق از جمله اقدامات صورت گرفته در ۳۷ سال اخیر بوده است.مهدی عزیزیان افزود: سرعت بخشیدن به طرح توسعه حرم مطهر رضوی از جمله اقداماتی بود که در سال گذشته به صورت جدی دنبال شد و در سال آینده با بهره برداری از شارستان رضوی و افزایش توقفگاههای خودرودنبال می‌شود.



انتصاب نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی



معارفه تولیت جدید آستان قدس رضوی

***حکم انتصاب آیت‌الله علم‌الهدی**

در مراسم معارفه تولیت آستان قدس رضوی، حکم انتصاب آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی به عنوان نماینده ولی‌فقیه در خراسان رضوی توسط رئیس دفتر مقام معظم رهبری تقدیم شد.

مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی، پیش از این نمایندگی ولی‌فقیه در استان‌های خراسان را برعهده داشت.دراین‌مراسم،حجت‌الاسلام والمسلمین‌محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری، حجت‌الاسلام و المسلمین سید ابراهیم رئیسی تولیت آستان قدس رضوی ، فرزندان آیت الله واعظ طبسی، حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای معاون اول قوه قضائیه، مهدی عزیزیان قائم مقام تولیت‌آستان‌قدس‌رضوی،آیت‌الله سید احمد علم‌الهدی نماینده ولی‌فقیه در خراسان رضوی، علیرضا رشیدیان استاندارخراسان رضوی و جمعی از نمایندگان مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی حضور داشتند.

دیدار سفیر نروژ با استاندار کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: روابط اقتصادی ایران و نروژ بعد از برجام رو به افزایش است.

اودسیه نورهیم سفیر نروژ در ایران در دیدار با استاندار کرمان، افزود: باتوجه به روابط دو جانبه دو کشور، وزیر امور خارجه نروژ بعد از ۱۲ سال به ایران آمد و این قدم نخست توسعه روابط اقتصادی دو کشور بود.

وی گفت: فضاهای همکاری اقتصادی مورد توجه نروژ با ایران شامل نفت و گاز، صنایع دریایی، انرژی جایگزین، شیلات، ماهیگیری و کشاورزی می‌شود.

نورهیم افزود: نقش دولت نروژ این است که شرکت‌های نروژی را برای کار و سرمایه‌گذاری در ایران ترغیب کند و ما نیز اطلاعات را در اختیار آنها قرار می‌دهیم.وی با اشاره به سفر قبلی خود به کرمان گفت: آن زمان درباره امید خود و این که مذاکرات به توافق خواهد رسید صحبت کردیم و آرزوهای ما محقق و برجام امضا شد و اوایل این سال میلادی هم تحریم‌های اقتصادی برداشته شد.

او با ابراز خرسندی از نقش مهم نروژ در این توافقنامه، افزود: ما معتقدیم که همه جوانب برجام باید دنبال شود و همانگونه که برنامه‌ریزی شده است پیش رود.

نورهیم همچنین با اشاره به میزبانی جمهوری اسلامی ایران از پناهندگان افغان،گفت: ما چالش‌های ایران در مواجهه با پناهندگان را می‌توانیم ببینیم و واقعا درک می‌کنیم و قدردان خدمات دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال پناهندگان هستیم.

سفیر نروژ در تهران گفت: در ماه‌های گذشته در اروپا شاهد این بودیم که پذیرفتن پناهندگان چقدر کار سختی است و ایران نشان داده که می‌شود پذیرای پناهندگان بود و شرایط خوبی را هم برای آنها ایجاد کرد.وی همکاری با سازمان مردم نهاد NRC را باعث افتخار خود دانست و گفت: کارهای بسیار خوبی برای کمک به پناهندگان از سوی این سازمان مردم نهاد انجام شده است.

او با اشاره به این که اروپا هم با مساله پناهندگی روبرو شده است، افزود: حمایت مالی خود از کار NRC در ایران را ادامه خواهیم داد و همکاری ایران با NRC بسیار خوب است.

استاندار کرمان هم در این دیدار گفت: آمادگی داریم با تشکیل کمیته مشترک، بین استانداری، اتاق بازرگانی کرمان و سفارت نروژ در تهران، زمینه همکاری بین کرمان و سرمایه‌گذاران ایجاد شود.

علیرضا رزم حسینی افزود: مطالعاتی در دو سال اخیر در حوزه‌های معدن، کشاورزی، انرژی‌های نو، گردشگری و میراث فرهنگی، انرژی‌های فسیلی و سلامت انجام شده و در این رابطه پروژه‌های اقتصادی برای ارایه به سرمایه‌گذاران علاقه‌مند تدوین شده است.

وی با اشاره به سفر اخیر معاون وزیر اقتصاد و دارایی به کرمان، افزود: در این سفر ۳۵ میلیارد دلار پروژه‌هایی که مطالعات اولیه آنها انجام شده و طرف ایرانی و بخش خارجی آنها نیز تعیین شده است، مطرح شد.او با اعلام این که در حوزه آب ۱۵ میلیون دلار از منابع داخلی تامین اعتبار شده است، گفت: مجموع پروژه‌ها در بخش آب ۳ میلیارد دلار است که با اجرای این پروژه‌ها مشکل آب جنوب شرق ایران برطرف می‌شود.

رزم حسینی اعلام کرد: در حوزه سنگ آهن نیز با ایتالیا و چین و در حوزه سلامت با کشورهای عربی در حال مذاکره هستیم.

وی گفت: کرمان یکی از استان‌های با مزیت بسیار بالای داروهای گیاهی است و در صنعت داروسازی نیز با کشورهای مختلف از جمله فرانسه در حال مذاکره هستیم.

رزم حسینی در ادامه از مذاکره با کشور آلمان برای ساخت بزرگترین پالایشگاه پلاسمای خون در کرمان خبر داد و افزود: تاکنون سفرایی از کشورهای ژاپن، آلمان، چین و ایتالیا به کرمان سفر کرده‌اند.

وی با اشاره به این که تضمین‌های کافی از سوی دولت و شرکت‌ها به سرمایه‌گذاران داده می‌شود، یادآور شد: در حوزه خودروسازی نیز برنامه‌ریزی‌هایی با برخی از کمپانی‌های بزرگ اقتصادی انجام شده است.

رزم حسینی با اشاره به این که عبور خط گاز صلح از کرمان ظرفیت پتروشیمی را برای این استان ایجاد کرده است، گفت: تاکنون دو پروژه پتروشیمی برای این استان تصویب شده و مذاکره با سرمایه‌گذاران خارجی در دست انجام است.

استاندار کرمان گفت: از آنجا که نروژ در بخش نفت و گاز تجربه خوبی دارد این آمادگی را داریم که با شرکت‌های فنی و شناخته شده نروژی در این زمینه مذاکره کنیم.بازدید از مهمانشهر بردسیر و پروژه‌ها و امکانات مربوط به اتباع خارجی در این منطقه از دیگر برنامه‌های سفر یک روزه سفیر نروژ در ایران به استان کرمان بود.

بایدها و نبایدهای ساختار انتظامی کانون‌های وکلای دادگستری کشور

دکتر مسعود بوجاری وکیل دادگستری کانون وکلای مرکز

اشاره: «**بایدها و نبایدهای ساختار انتظامی کانون‌های وکلای دادگستری کشور**» عنوان مقاله‌ای است که بخش اول آن در شماره قبلی صفحه حقوقی اطلاعات چاپ شد. بخش دوم و پایانی این مقاله را می‌خوانیم.

***

به لحاظ پراکندگی مقررات وکالت بازنگری وتجمیع و یکسان سازی قوانین مربوط به وکالت در کشور تحت عنوان قانون جامع وکالت امری ضروری است و در به روز رسانی و تدوین مقررات وکالت ضمن توجه به قوانین داخلی باید مقررات بین‌المللی وکالت هم مورد ملاحظه و توجه قرار گیرد.

در قانـــون آتی وکالـــت و آئین نامه اجرایی آن در مبحث دادسرای انتظامی باید شرایط انتخاب دادستان و معاونین و دادیاران و درمبحث دادگاه انتظامی باید شرایط اشتغال دادرسان و روسای دادگاه معین گردد و همچنین مقررات مربوط به شروع تعقیب و رســـیدگی به تخلفات وکلا و آئین رسیدگی در دادسرای انتظامی مبنی برچگونگی احضار و ابلاغ به وکیل و صدور قرارهای انتظامی و نحوه اعتراض به قرارهای صادره از دادسرای انتظامی و صدور ادعانامه یا کیفرخواست توسط دادسرای انتظامی و مدت مرور زمان تعقیب انتظامی و مقررات مربوط به آئین رسیدگی در دادگاه انتظامی و نحوه وکالت از وکیل مورد تعقیب در دادسرا یا دادگاه انتظامی و جریان صدور رای و تعیین مجازات‌ها برای تخلفات انتظامی ارتکابی و شـــرایط اعتراض و مهلت تجدید نظرخواهی از آرای صادره از دادگاه انتظامی و یا چگونگی اعاده دادرسی از احکام صادره و در ادامه مقررات مربوط به اجرای احکام انتظامی به صورت مشخص، بازتعریف گردد و ضوابط مربوط به چگونگی صدور تعلیق موقت وکیل در جریان رسیدگی به تخلف انتظامی و یا نحوه اتخاذ دیگر تصمیمات انتظامی در دادسرا یا دادگاه انتظامی مشخص شد.

با توجه به تبیین و دسته بندی مقررات جزایی و حقوقی و مسئولیت‌های مدنی اشخاص پس از ارتکاب تخلفات و تقصیرات شغلی، عناوین وهمچنین طبقه بندی مجازات‌های انتظامی وکلای دادگستری نیاز به اصلاح و بازنگری داشته و به لحاظ ارتکاب برخـــی از تخلفات انتظامی و هتک حیثیت جامعه وکلا برخی از میزان مجازات‌های فعلی انتظامی تعیین شده برای مرتکبین تخلف با آثارسوء تخلفات انتظامی ارتکابی آنان تناسب ندارد.

در جریان تصویب مقررات انتظامی دادسرا و دادگاه انتظامی کانون‌های وکلا ضمن توجه به ساختار و تشکیلات انتظامی و آئین نامه‌ها ونظامات رســـیدگی به تخلفات انتظامی وکلای دادگستری در دیگرکانون‌های وکلای دادگســـتری کشورهای جهان از حیث بین المللی به جهت عضویت در اتحادیه بین‌المللی وکلا باید به مصوبات و نظامات آن اتحادیه بین‌المللی توجه شده و در تدوین مقررات انتظامی وکالت در ایران بهره‌گیری لازم به عمل آید. در بعد داخلی به سبب قرابت شغلی و شباهت مسئولیت‌های انتظامی وکلای دادگستری با وضعیت قضات دستگاه قضایی کشور در تبین چارچوب تشکیلات و تعیین وظایف و اختیارات دادسرا ودادگاه انتظامی کانون‌های وکلای دادگستری توجه به همانندسازی و نزدیک نمودن ساختار انتظامی به اصول و تشکیلات دادسرای انتظامی و دادگاه عالی انتظامی قضات امری مطلوب است.

د) شرایط انتصاب اعضای دادسرا و دادگاه انتظامی:

درتبصـــره ماده ۴ و مواد ۱۳ و ۱۴ لایحه قانونی اســـتقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ و همچنین در مواد ۵۳ و۵۴ و ۵۶ و۵۷ آئین نامه لایحه قانون اســـتقلال کانون وکلای دادگستری مصوب آذرماه ۱۳۳۴ شرایط انتخاب دادستان و معاون اول و دیگر معاونین دادسرای انتظامی و دادرسان و ریاست دادگاه انتظامی اعلام شده است . در مواد قانونی مورد الاشاره به شرایط میزان سن مورد نظر و میزان سابقه وکالت و همچنین به عدم سابقه محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا وعدم سوء شهرت برای تصدی مسئولیت‌های مذکور در کانون وکلای دادگستری مرکز و دیگر کانون‌های وکلا ی دادگستری کشور اشاره شده است و مقرر گردیده که دادرسان دادگاه انتظامی باید دارای شرایط عضویت در هیأت مدیره را دارا باشند.

علاوه بر شرایط مقرره قانونی مذکور به جهت نقش مهم واساسی تشکیلات دادسرا و دادگاه انتظامی در برخورد با تخلفات انتظامی و دارا بودن مسئولیت خطیر حفظ سلامت جامعه وکالت بنظر می‌آید که شـــرایط مذکور حداقل شرایط لازم برای انتصاب در مسئولیت های انتظامی بوده ولی شرایط کافی و وافی برای قبول مسئولیت درسمت‌های دادسرا و دادگاه انتظامی نیست و در کنار شرایط سنی و سابقه وکالتی و عدم محکومیت انتظامی بالاتراز درجه مورد نظر و همچنین عدم سوء شهرت و پاکی و عدالت باید به سوابق علمی و توانایی‌های فردی وکلای منتخب برای اداره امور محوله و انجام وظایف و مسئولیت‌های انتظامی دردادسرا یا دادگاه انتظامی توجه شود و هیأت مدیره‌های کانون‌های وکلای دادگستری به جهت برعهده نهادن مســـئولیت مهم صیانت از سلامت کانون بر دوش اعضای دادسرا و دادگاه انتظامی مربوطه ازطریق اعطای اختیارات در رسیدگی و برخورد با تخلفات انتظامی وکلا به آنان لازم است که به دور از هر گونه علائق شخصی نسبت به وکلای مورد نظر پس از احراز توانائی‌ها و صلاحیت‌های لازم به اتفاق آرا و در حقیقت با رعایت اصل شایسته سالاری نسبت به انتخاب وکلای منتخب برجسته برای تصدی مسئولیت‌ها و مناصب مذکور در دادسرا و دادگاه انتظامی به عنوان ارکان انتظامی کانون مربوطه اقدام کنند.

متصدیان مناصب انتظامی در دادسراها یا دادگاه‌های انتظامی کانون‌های وکلای دادگستری به جهت قبول مسئولیت بیشتر نسبت به سایر وکلای دادگستری عضو کانون متبوع خویش در امر رسیدگی و تعقیب تخلفات انتظامی وکلای همکار و به سبب ایجاد تعهد و عهده دار گردیدن مسئولیت در قبال شکایت شاکیان خصوصی و یا موکلان وکلای مورد شکایت و یا دیگر اشخاص ذیصلاح دراعلام گزارش تخلفات وکلای دادگستری به کانون مربوطه و به لحاظ دارا شدن مسئولیت انتظامی و به عبارتی عهده دار گردیدن منصب شبهه قضائی در ســـمت‌های دادستان و معاونین در دادسرای انتظامی و همچنین قبول مسئولیت در سمت‌های دادرسان و روسای دادگاه در شعب دادگاه انتظامی لازم است که افراد مذکور قبل از شروع بکار و قبول تصدی مناصب انتظامی موصوف در نزد اعضای هیأت مدیره کانون مربوطه حاضر شده و با قرائت متن تهیه شده تحت عنوان سوگند نامه انتظامی کانون وکلای دادگستری نسبت به ادای سوگند مبنی بررعایت موازین و حفظ بی طرفی و اتخاذ تصمیم عادلانه درایام تصدی مسئولیت در دادسرا یا دادگاه انتظامی التزام خویش را اعلام و ذیل مفاد سوگند نامه مذکور را امضای کنند.

هرچند که پس از برگزاری هرانتخابات هیأت مدیره لازم است منتخبان وکلای دادگستری قبل ازشروع بکاردرهیأت مدیره درجلسه هیأت عمومی و با حضوروکلای دادگستری کانون متبوع خویش و با قرائت سوگند نامه مربوطه نسبت به ادای سوگند مبنی بر انجام تمامی وظایف قانونی برعهده نهاده شده ازناحیه وکلا اهتمام خویش را بر رعایت اصول استقلال وکیل و کانون‌های وکلای دادگستری و حراست همه جانبه از نهاد وکالت درمدت عضویت درهیأت مدیره کانون وکلای مربوطه اقدام کنند.

ن) ضرورت بازرسی و نظارت مستمرانتظامی بر امور وکلا:

در کنارفعالیت کمیسیون نظارت و بازرسی در کانون‌های وکلای دادگستری نظارت فعال بررفتار و کردار و امور وکلا و کارآموزان در انجـــام امـــور وکالتی و یا نظارت برانجام امور محوله از ناحیه کانون‌ها به وکلا و کارآموزان وکالت لازم بوده و در مورد رسیدگی به گزارش‌های مربوط به تخلفات اخلاقی و یا رفتاری و یا شغلی اعلام شده علیه وکلا و کارآموزان وکالت و یا برای رسیدگی به شکایات انتظامـــی و انجام تحقیقات از افراد و یا مقامات ذیصلاح گزارش دهنده در خارج از محل کانون و بررســـی صحت و سقم تخلف اعلام شده و همچنین در مواردی که لازم است مستندات گزارش یا شکایات اعلام شده مورد ملاحظه قرار گیرد و یا تحقیقات لازم در آن خصوص بعمل‌آید، و همچنین برای انجام سایر موارد مورد تشخیص توسط مقامات دادسرا یا دادگاه انتظامی در جریان رسیدگی به تخلف انتظامی نیاز به وجود بخش بازرسی در دادسرای انتظامی بوده که متصدی یا متصدیان آن از بین معاونین یا دادیاران دادسرای انتظامی انتخاب شدند تا بتوانند تحقیقات و یا اقدامات لازم مورد ارجاع توسط مقامات دادسرا یا دادگاه انتظامی را انجام دهند و یا اینکه از ناحیه دادسرای انتظامی تحت عنوان ناظریا بازرس انتظامی بطور مستمروضعیت و عملکرد شغلی و رفتاری وکلا ی دادگستری یا کارآموزان وکالت کانون مربوطه را تحت نظر داشته باشند.

برای انجام تحقیقات و تهیه گزارشات انتظامی و یا بازرسی و نظارت انتظامی باید فقط از وجود وکلای دادگستری با سابقه شاغل در دادسرای انتظامی بهره گرفت و از سپردن انجام امور مذکور به کارآموزان وکالت و یا سایر افراد خودداری نمود.

و) ضرورت تشـــکیل واحد صلح و ســـازش در دادسرای انتظامی:

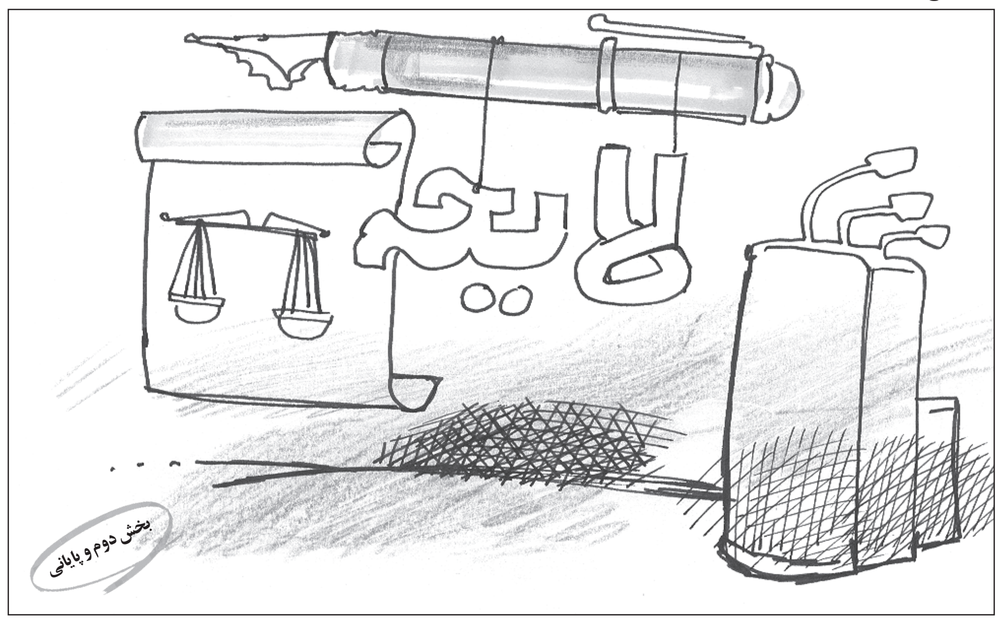
بســـیاری از شکایات انتظامی به طرفیت وکلای دادگستری و یـــا کارآموزان وکالت از حیث تخلف ارتکابی از اهمیت بالایی برخوردارنبوده و بعضا با رسیدگی جزیی قابل رفع و سازش می‌باشد، که بدین لحاظ جهت سرعت بخشیدن در رسیدگی به شکایات انتظامی و حل و فصل موضوع مورد شکایت و یا برقراری سازش و کاســـتن آمار پرونده‌های انتظامی تشکیل واحد صلح و سازش به تصدی احدی از دادیاران انتظامی و تحت نظر یکی از معاونین دادستان در محل دادسرای انتظامی امری ضروری است.

ه) ضرورت بهره گیری از مقررات انتظامی کانون‌های وکلای دادگســـتری سایر کشـــورها و رعایت ضوابط اتحادیه بین المللی کانون‌های وکلای جهان در تدوین مقررات انتظامی:

امروزه به جهت توسعه و گسترش روز افزون دانش حقوق درمیان کشورها و بسط و شکل گیری نظام‌های حقوقی در سطح جهان و همراه با آن گســـترش دامنه وکالت در تمام ابعاد زندگی ملت‌ها و درهمه مراحل فعالیت کشورها و سازمان‌های بین المللی در سطح دنیا همگی سبب گردیده که به صورت فزاینده‌ای همراه با تخصصی شدن موضوع وکالت در سطح کشورهای جهان، با رویکرد بین المللی نسبت به تدوین مقررات نوین وکالتی توسط کانون‌های وکلای دیگر کشورها اقدامات لازم بعمل آید.

در ایـــن میـــان جهت افزایش دانش حقوقی و بهبود کیفیت وتخصصی نظام وکالت در داخل کشـــورلازم بوده با پیشه گرفتن انواع شیوه‌های تعاملات گسترده با سایر کانون‌های وکلای دنیا از دانش و تجربیات کانون‌های وکلای کشورهای پیشرفته جهان در این خصوص بهره گرفته شود تا بدین طریق ضمن افزایش دانش حقوقی و وکالتی و اعتبار بخشیدن به پروانه‌های وکالت صادره از کانون‌های وکلای دادگســـتری ایران نسبت به حضورموثر و بیشتر وکلای دادگستری ایران در صحنه‌های بین‌المللی وتمهید مقدمات برای فعالیت حقوقی و یا موجبات دفاع و وکالت ازشـــخص یا اشـــخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی یا اتباع خارجی برای وکلای دادگستری ایران فراهم شود.

با توجه به شاکله و ماهیت حقوقی کانون‌های وکلای دادگستری در سطح جهان و این امر که حرفه وکالت به عنوان مهم‌ترین شغل مرتبط با حقوق عمومی در کنار نظام قضایی کشورها نقش اساسی را در انجام دادرسی‌های منصفانه و اجرای عدالت در جوامع ایفای می‌نمایـــد، لذا با مطالعه و بهره‌گیری از مقررات وکالتی کانون‌های وکلای دیگر کشورهای دنیا می‌توان از ضوابط انتظامی آن کانون‌های وکلا دراصلاح مقررات مربوطه به وکالت در داخل کشور بهره گرفت و همچنین با لحاظ ضوابط و دستور العمل‌های اتحادیه بین المللی کانون‌های وکلای جهان ضمن التزام به مقررات و مصوبات اتحادیه مذکوربه جهت عضویت کانون وکلای دادگستری مرکز و اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) و ضرورت الحاق عضویت هرچه سریعتردیگر کانون‌های وکلای دادگستری کشور به اتحادیه بین المللی مذکور لازم است از مقررات و ضوابط و دستور العمل‌های اتحادیه بین المللی موصوف در تدوین مقررات انتظامی بهره گرفت.



بخش دوم - نبایدهای انتظامی:

در بررسی روند رسیدگی‌های انتظامی در نزد دادسرا و دادگاه انتظامی کانون‌های وکلای دادگســـتری علیرغم معاذیر و به دور از سیاه نمایی و کاستن از ارزش زحمات متصدیان دادسراهای انتظامی و دادرســـان و روسای ارزشمند دادگاه‌های انتظامی به طور مستند مواردی از اتخاذ تصمیم که به صورت قرار یا رای صادر شده که نزد همکاران وکالتی در سراســـر کشورنمونه‌های بسیاری از آرای صادره از مراجع مذکور وجود داشته که عملکرد و صدور برخی از آن تصمیمات انتظامی محل بحث و بعضا جای تامل و تحلیل حقوقی داشته و بطور نمونه نقد مواردی از تصمیمات اخذ شده در دادسرای انتظامی ارائه می‌شود:

یکی ازموارد شیوع و مورد حربه در بین شکایت‌های انتظامی توسل برخی از موکلان پس از خاتمه و یا در جریان وکالت اقدام به طرح شکایات واهی نمودن در نزد دادسرای انتظامی کانون با قصد عدم پرداخت حق الوکاله به وکیل یا کارآموزان وکالت می‌باشد که در بسیاری ازموارد پس از بررسی همه جانبه موضوع شکایت توسط دادسرا و احراز انجام امور وکالتی برای شاکی، متصدی تحقیقات در دادســـرای انتظامی به جای حمایت از وکیل یا کارآموز مورد شکایت برحسب درخواست شاکی و جهت جلب رضایت وی از وکیل یا کارآموز وکالت درخواست اعمال تخفیف در حق الوکاله یا بخشش الباقی حق‌الوکاله را نموده و وکیل و یا کارآموز وکالت هم ناچارا جهت ختم پرونده و احترام به نظر متصدی تحقیقات از حقوق قانونی خویش اعلام گذشت می‌نماید، در صورتی که پس از رسیدگی به این قبیل شکایات واهی علاوه بر آبروریزی و اذیت و آزار روحی وکیل یا کارآموز وکالت مورد شکایت حقوق قانونی مالی وی که الباقی حق الوکاله بوده مورد دستخوش و تضییع حق قرارمی گیرد، و هر چند در نتیجه امر و جلب رضایت شاکی پرونده انتظامی منجر به صدور قرارمنع تعقیب وکیل یا کارآموزی گردد ولی آن تشکیل پرونده وایجاد سابقه درنزد دادسرای انتظامی کانون برای همیشه در سوابق وکیل باقی خواهد ماند و آثار تبعات منفی آن شکایت را در بررسی آتی سوابق وکیل و یا کارآموز وکالت در کانون وکلا به دنبال خواهد داشت.

در موردی دیگر دادســـرای انتظامی کانون وکلایی در جریان رسیدگی به شکایت انتظامی به استناد ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷ وکیلی را تحت عنوان تخلف در تمرکز امور وکالتی درغیراز محل اشتغال تحت تعقیب انتظامی قرار داده است ولی پس از انجام تحقیقات و ارائه مستندات توسط وکیل مورد شکایت دادیار انتظامی با ملاحظه و اخذ مستندات دفاع از وکیل مذکور و با مرقوم نمودن استدلال، نظر برعدم احراز تخلف مذکور وعقیده برمنع تعقیب وکیل مورد شکایت اعلام داشته ولی مقام مسئول دردادسرای انتظامی بدون توجه به دفاعیات وکیل و عدم پذیرش نظریه دادیار دادسرای انتظامی مربوطه اصرار برارتکاب تخلف تمرکز امور وکالتی درخارج از حوزه اشتغال توسط وکیل موصوف داشته و به استناد قسمت اخیر ماده ۶۴ آئین نامه لایحه قانون استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب آذر ۱۳۳۴ در خصوص تخلف مذکور به دادیار انتظامی مذکور تکلیف بر صدور کیفرخواست صادر نموده و در ادامه دادیار انتظامی هم بر خلاف عقیده خویش و درمقام تبعیت از ایشـــان تحت عنوان: از طرف دادستان انتظامی کانون وکلا، اقدام به صدور کیفرخواست و ذیل آن را امضای نموده است! هرچند که در ادامه جریان رسیدگی دادگاه انتظامی به موجب دفاعیات موجه وکیل مذکور و نظر برعدم دلیل کافی بر احراز تخلف رای بر برائت وکیل موصوف صادر کرده است.

درخصوص قضیه مذکور سئوال اینکه: عدم توجه و دقت به دفاعیات موجه و صادقانه وکیل موصوف که همکار صنفی بوده مبنی بر عدم ارتکاب تخلف تمرکز امور وکالتی در خارج از محل اشتغال به اینکه صرفا اقدام به یک اعلام وکالت در نزد مرجع غیر قضایی در خارج از محل اشتغال کرده و مستندات آن را تقدیم دادسرای انتظامی نموده و انجام یک اعلام وکالت دلالت بر انجام تمرکز امور وکالتی در غیر از محل اشتغال نداشته است و انجام این دفاع که لازمه تمرکز انجام بیش از یک وکالت در غیر از محل اشتغال بوده و همچنین عدم لحاظ نظریه دادیار انتظامی که متصدی رسیدگی به تحقیقات بوده مبنی بر عدم احراز تخلف مذکور و از سویی استفاده مسئول دادسرای انتظامی از مفاد ماده قانونی مارالذکر و اعمال قدرت قانونی و وادارنمودن دادیارمحترم انتظامی به تبعیت از نظر وی و در حقیقت اصرار غیر قابل توجیه در برخورد انتظامی با همکار صنفی و در ادامه وادار کردن دادیارانتظامی به صدور کیفرخواست برخلاف اعتقاد دادیار متصدی تحقیقات به عدم ارتکاب تخلف انتظامی توسط وکیل موضوع کیفرخواست و اقدام اشتباه دادیارانتظامی موصوف به امضای کیفرخواست تحت عنوان: از طرف دادستان انتظامی کانون وکلا، حکایت از چه امری دارد؟

در نمونه‌ای دیگر: طبق ماده ۶۵ آئین نامه لایحه قانون استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب آذر ۱۳۳۴ علاوه برابلاغ قرارمنع تعقیب صاره از ناحیه دادسرای انتظامی کانون وکلایی به شاکی پرونده مراتب صدور قرارمنع تعقیب به نایب رئیس کانونی به جای مقام ریاست کانون ابلاغ شده تا ظرف ده روز پس از ابلاغ در صورت اعتراض مراتب را اعلام تا جهت تجدید نظر پرونده به دادگاه انتظامی ارسال گردد. که موضوع ابلاغ قرارمذکور به امری شبیه تعارف و به شکل صوری توسط آن نایب رئیس محترم تلقی گردیده و پس از بیان دلایل عدم صحیح نبودن صدور قرار موصوف به نایب رئیس مذکور و جویای نظر دلیل عدم اعتراض به قرار موصوف ایشان احترام به نظر دادستان انتظامی را دلیل عدم اعتراض به قرار منع تعقیب اعلام داشته است! در صورتی که رعایت احترام و ادب یک امراخلاقی صحیح بوده، یک موضوع است و انجام وظایف قانونی در جایگاه ریاست یا نائب رئیسی محترم کانون که اقتضا داشته پس از ابلاغ قراربا مداقه به موضوع شکایت شاکی و رسیدگی بعمل آمده توسط دادسرای انتظامی دقت نظر بعمل آورد امری دیگر است.

موارد دیگری در رسیدگی‌های انتظامی در باب عدم رعایت شئونات وکالت توسط وکیل مورد شکایت وجود داشته که علیرغم وجود مستندات دادسرای و دادگاه انتظامی کانون وکلایی به موارد اعلامی توجه نکرده است و به لحاظ رعایت شئونات و حفظ نام کانون محترم و نام وکیل مورد شکایت موضوع آن قابل شرح در این نوشتار نیست ، و قطعاً نمونه‌ها ومواردی دیگر از سوابق نقائص و ایرادات در رسیدگی‌های انتظامی بعمل آمده توسط دادسراها و دادگاه‌های انتظامی کانون‌های وکلای کشور وجود داشته که توسط همکاران وکالتی با دید حقوقی قابلیت نقد و تحلیل حقوقی را دارا ست.

در جایگاه والا و موثردستگاه قضایی و نهاد وکالت در تامین و استقرارعدالت در بستر جامعه و ضرورت برخورداری شاغلان مناصب قضا و وکالت از سلامت انضباطی در جریان انجام وظایف شغلی، سوء استفاده از عناوین و موقعیت‌های افراد مذکور توسط اشخاص غیر موضوع قابل اهمیتی بوده که همواره مورد توجه متولیان دستگاه قضا و هیأت مدیره‌های کانون‌های وکلای دادگستری و نهادهای بازرسی و انتظامی آنان قرار داشته است. لذا با ضرورت توجه و برخورد با سوء استفاده گنندگان از عناوین و موقعیت متصدیان منصب قضا و وکالت، باید با هر گونه اقدام غیرمجاز و انجام رفتارهای غیر حرفه‌ای تحت عنوان نام دادســـرا یا دادگاه انتظامی در قبال دیگر وکلای دادگستری و سایر اشخاص جلوگیری بعمل آورد.

صرفنظر از قواعد و مقررات شرعی و قانونی در باب شأن و منزلت و ارزش و اهمیت جایگاه وکیل در دایره گستره عدالت و در بسترنظام جامعه، برحسب قوانین و مقررات وکالتی و توجه به متن سوگند نامه که وکلای دادگستری قبل از اشتغال به حرفه شریف وکالت و اخذ پروانه پایه یک وکالت دادگستری با اتیان سوگند شرعی و قانونی در محضر خداوند قادر متعال قسم یاد می‌کنند که همیشه همه قوانین و نظامات را محترم بشـــمارند و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته باشند و برخلاف اصول و مقررات و شرافت قضاوت و وکالت هیچ اقدام یا اظهاری را نکنند و در ادامه ضمن بیان التزام خویش به رعایت احترام به اشخاص و احتراز از برخی از اعمال و نظریات سوگند یاد می‌نمایند که در همه امور شخصی و درانجام امور از طرف اشخاص همواره اصول و مشی و طریق راستی و درستی را رویه خود قرار دهند و اینکه مدافع حق باشند، یعنی وکیل با رعایت قوانین و نظامات و احترام به همه اشخاص در جریان انجام امور وکالتی و پیشه گرفتن راه راستی و درستی در انجام همه امور شخصی و وظایف وکالتی و اساسا دفاع از همه حقوق شرعی و قانونی و رسمی شناخته شده برای موکل، تحت عنوان وکیل مدافع حق از حقوق موکل خویش در چارچوب حق دفاع نماید و تا بدان جا که وکیل در موقع ادای سوگند مذکور در محضر باریتعالی تمام شرافت خویش را وثیقه قسم نامه مذکور قرار می‌دهد، و پس از امضای سوگند نامه موصوف توسط وکیل قسم یاد نموده اعضای هیأت مدیره کانون مربوطه حاضر در مراسم اتیان سوگند مراتب اتیان سوگند را گواهی می‌کنند.

قسم نامه مذکور حاوی مطالب بسیار ارزشمندی بوده که کلمه به کلمه مفاد آن بیانگر کلیات نظام وکالت و مســـئولیت‌های یک فرد وکیل و تعیین خط و مشی وکیل در ایام عمر وکالت بوده که یک سلسله تکالیف و تعهدات را در مدت اشتغال به حرفه شریف وکالت برای وکیل ایجاد می‌کند و در صورت تخلف از قســـم، وکیل متخلف به استناد بند سه از ماده ۸۱ آئین نامه لایحه استقلال مورد الاشـــاره مصوب آذرماه ۱۳۳۴ به مجازات انتظامی درجه پنج محکوم خواهد شد.

هر گونه نقض مندرجات قسم نامه در همه امور شخصی و یا انجام هرگونه اقدام و یا کوتاهی و اهمال در انجام وظایف وکالتی وعدم رعایت مفاد سوگند نامه مذکورعلاوه بر ایجاد مسئولیت شرعی در محضرذات حق، حضرت باریتعالی به فراخور تخلف بوده و بزه و تقصیر ارتکابی موجبات انواع تعقیبات انتظامی و جزایی و حقوقی را برای فرد وکیل به عنوان متخلف در نزد مرجع ذیصلاح ایجاد می‌کند.متن سوگند نامه مذکور قابلیت شرح و توضیح و استخراج شاکله بسیاری از تخلفات انتظامی را در حوزه وکالت داشته که با عرضه شکایات انتظامی با شاخص‌ها و معیارهای اعلام شده در قسم نامه موصوف می‌توان بسیاری از مفاهیم و مصادیق رفتارهای خلاف شأن وکالت را تبین و باز تعریف کرد.

به جهت قدمت دهها ساله مقررات و آئین نامه انتظامی در دادسرا و دادگاه‌های انتظامی کانون‌های وکلای دادگستری بشرحی که مبسوط آن در مبحث تعریف یا تعیین مصادیق انتظامی گذشت، برخی مصادیق از ارتکاب تخلفات وجود داشته که علیرغم روشن بودن تخلف به جهت عدم تعیین مصادیق رفتار خلاف شأن وکالت متصدیان دادسرای انتظامی پس از رسیدگی به شکایت آن را فاقد خصوصیات تخلف انتظامی دانسته و قرارمنع تعقیب صادرمی کنند و یا ممکن است در جریان رسیدگی به موضوع اعتراض به قرار منع تعقیب انتظامی یا رســـیدگی به کیفرخواست دادگاه انتظامی موضوع رســـیدگی را فاقد اوصاف تخلف انتظامی دانسته و آن را در صلاحیت رسیدگی مراجع قضایی اعلام دارند و یا بالعکس در جریان رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی در نزد مقام قضایی ممکن است، به صلاحیت دادسرا و دادگاه انتظامی کانون وکلا در رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی ابراز عقیده گردد و شکایت شاکی خصوصی به جهت فقد جنبه جزایی مورد منع تعقیب و بایگانی قرار گردد، در این میان صرفنظر از ضرورت وحدت رویه کاری بین دادسراها و دادگاه‌های انتظامی کانون‌های وکلای دادگستری و به جهت عدم وجود مقررات مصرحه قانونی در خصوص یک موضوع ممکن است سبب اتخاذ تصمیمات متفاوت بین دادسراهای انتظامی و یا صدور آرای متهافت توسط دادگاه‌های انتظامی در بین کانون وکلای دادگستری کشورشده و احتمال همین وضعیت هم دربین مراجع قضایی کشور وجود داشته که این امرسبب بلاتکلیفی و سرگردانی شاکی خصوصی دربین کانون وکلای دادگستری و یا مرجع قضایی شده است.

جهان در سالی که گذشت

■ بخش سوم

اقتدار منطقه‌ای حزب‌الله، سقوط راستگرایان کانادا و نوبلی که به تونس رسید

مقدمه

سرویس خارجی: جهان در سالی که آخرین روزهای آن را سپری می‌کنیم شاهد رویدادهای ریز و درشت و گاه بسیار بحرانی و رقت‌انگیز بود. از خاورمیانه و تداوم بحران در کشورهای عربی گرفته تا اروپا و آسیای دور و حتی آفریقا و آمریکا از این تحولات بی‌نصیب نماندند. به گواه ناظران بین‌المللی، سالی که در آخرین روزهای آن قرار داریم، پرحادثه‌ترین سال طی دست‌کم یک دهه اخیر بوده است زیرا بیشتر کشورهای جهان به نوعی درگیر تروریسم و مسائل مرتبط با آن بودند.

در این میان، خاورمیانه مثل همیشه بیشترین سهم را از بحران‌های جهان داشت و در صدر اخبار رسانه‌ها قرار داشت و اغلب کشورهای آن همچنان دیگر بهار عربی و پیامدهای ناشی از حضور داعش بودند. بحران‌های عراق، سوریه، یمن، لیبی و حتی لبنان و مهم‌تر از همه فلسطین کماکان به قوت خود باقی هستند و سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی نیز چنانکه مسبوق به سابقه است همچنان نظاره‌گر کشتار مردم منطقه.

این سکوت و نظاره‌گری جامعه جهانی البته تبعات منفی برای غربی‌ها نیز در پی داشت در سال سپری شده، شاهد گسترش تروریسم به اروپا نیز بودیم. در فرانسه، آلمان و چند کشور دیگر اروپایی اقداماتی تروریستی صورت گرفت که در بیشتر موارد، داعش آن را عهده‌دار شد و همین امر سبب شد اروپایی‌ها امسال جشن‌های سال نو میلادی را یا برگزار نکنند یا با تشویش و نگرانی برگزار کنند. در کنار این اتفاقات، سال سپری شده شاهد یک رویداد خجسته و نیک برای کل جهان یعنی توافق هسته‌ای ایران (برجام) بود.با این مقدمه کوتاه، به مرور اجمالی تحولات و وقایع سیاسی جهان در سالی که گذشت می‌پردازیم که در چند شماره متوالی، از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت.

****

***لبنان**

سالی که سپری شد سال رکود پرونده‌های سیاسی داخلی لبنان و پیروزی‌های متوالی حزب الله در جبهه جنگ با تروریست‌ها و توطئه‌های رژیم صهیونیستی بود.

در نخستین روزهای ژانویه ۲۰۱۵ مصادف با ۲۸ دیماه سال گذشته، طی حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به کاروان نیروهای مقاومت در منطقه «قنیطره» سوریه، شش تن از نیروهای حزب‌الله از جمله «جهاد مغنیه» فرزند شهید عماد مغنیه، یکی از رزمندگان و فرماندهان مقاومت به نام «محمد عیسی» و سردار «محمدعلی الله دادی» از فرماندهان سپاه پاسداران ایران به شهادت رسیدند. اما به فاصله ۱۰ روز در هشتم بهمن ماه، در روز روشن و در حالی که رژیم صهیونیستی در بالاترین سطح هشدار امنیتی و اطلاعاتی قرار داشت، گردان شهدای قنیطره وابسته به حزب الله، کاروان خودروهای نظامی اسرائیل را در مزارع شبعا هدف قرار داد که به دنبال این عملیات، رسانه‌های خبری منطقه از کشته شدن شماری از نظامیان صهیونیست و زخمی شدن چند نظامی دیگر و انهدام چندین خودروی نظامی صهیونیست‌ها خبر دادند.

رویداد مهم دیگر لبنان که در ۲۰ دسامبر به وقوع پیوست، شهادت «سمیر قنطار» از فرماندهان آزاده حزب الله و قدیمی‌ترین اسیر لبنانی دربند رژیم صهیونیستی، در حمله جنگنده‌های رژیم صهیونیستی به یک ساختمان مسکونی در حومه دمشق بود. قنطار، آزاده معروف لبنانی که بعد از سپری کردن حدود ۳۰ سال اسارت در جریان تبادل اسرای لبنانی با رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۸ آزاد شده بود، در حمله جنگنده‌های اسرائیلی به شهر "جرمانا" در حومه جنوبی دمشق به شهادت رسید.

در سال گذشته همچنین درگیری‌هایی بین حزب الله و گروه‌های تروریستی حاضر در سوریه، در مرزهای لبنان - سوریه به وقوع پیوست. حزب الله در منطقه عرسال ضربات سختی به تروریست‌ها از جمله داعش و جبهه النصره وارد کرد و تروریست‌ها متحمل خسارات و تلفات زیادی شدند. اول دسامبر هم تبادل اسرا بین جبهه النصره و دولت لبنان صورت گرفت که در نتیجه آن جبهه تروریستی النصره تمامی ۱۶ نظامی ربوده شده لبنانی نزد خود را که در آگوست ۲۰۱۴ ربوده بود، آزاد کرد. در مقابل این عده، ۱۳ تن از زندانیان این جبهه تروریستی که عمدتاً از بستگان فرماندهان آن بودند نیز آزاد شدند.

در آبان ماه گذشته نیز دو انفجار مهیب در منطقه شیعه نشین «برج البراجنه» ضاحیه واقع در جنوب بیروت رخ داد که ۴۳ کشته و ۲۳۹ زخمی بر جای گذاشت و گروه داعش مسئولیت این انفجارهای انتحاری را برعهده گرفت. در تحولی دیگر روز ۱۵ آگوست ۲۰۱۵ مقامات امنیتی لبنان «شیخ احمد الاسیر» تروریست تکفیری لبنان و مورد حمایت عربستان را در فرودگاه بین المللی بیروت در حال فرار به مصر به همراه فردی دیگر بازداشت کردند.

اما در آخرین روزهای امسال عربستان و شورای همکاری خلیج فارس در توطئه ای هماهنگ، حزب الله را در فهرست تروریسم خود قرار دادند که این موضوع بلافاصله با واکنش گسترده کشورها و احزاب منطقه روبرو شد. تونس و الجزایر ضمن محکوم کردن این اقدام شورای همکاری، اعلام کردند از موضع کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس علیه حزب الله برائت می جویند. ایران، عراق، سوریه، مصر و گروههای سیاسی اردن، بحرین، فلسطین، موریتانی و غیره اقدام شورای همکاری را محکوم کردند. همزمان با این تحولات، عربستان سعودی که پیشتر وعده کمک ۳ میلیارد دلاری به ارتش لبنان داده بود اوایل اسفند امسال ناگهان اعلام کرد این کمک را لغو کرده است. سعودی‌ها دلیل خود را دشمنی نکردن دولت لبنان با ایران اعلام کردند.

تظاهرات مردمی موسوم به «بوی گندتان در آمد» در واکنش به انباشت زباله در خیابان‌ها و معابر لبنان از دیگر تحولات سال گذشته لبنان بود. شرکت خدماتی «سوکلین» تابستان سال گذشته در پی بسته شدن محل دفن زباله‌ها در منطقه «الناعمه» بیروت و همچنین به علت عدم تمدید قرارداد با دولت لبنان، به روند جمع آوری زباله‌ها در بیروت و حومه و تعداد دیگری از مناطق استان «جبل لبنان» پایان داد. این مساله به انباشت زباله در خیابانها منجر شد و اعتراض گروههای اجتماعی را به دنبال داشت.

در چنین شرایطی پست ریاست جمهوری لبنان پس از حدود دو سال از پایان دوره میشل سلیمان رئیس جمهوری سابق، همچنان خالی مانده است. حزب الله همچنان بر گزینه مورد نظر خود برای ریاست جمهوری لبنان که میشل عون نخست وزیر سابق است تاکید دارد و در مقابل، جریان المستقبل به رهبری سعد حریری که در ابتدا سمیر جعجع فرمانده سابق فالانژهای لبنان را گزینه خود برای ریاست جمهوری اعلام کرده بود اما به دلیل مخالفت احزاب سیاسی با این گزینه عملا ناکام ماند، اکنون سلیمان فرنجیه رهبر حزب المرده را به عنوان گزینه ریاست جمهوری اعلام کرده که به دلیل مخالفت حزب‌الله و تاکید بر نامزدی میشل عون، آینده پست ریاست جمهوری لبنان همچنان درهاله ای از ابهام قرار دارد.

اما دبیرکل حزب الله سال گذشته چندین سخنرانی ایراد کرد که محور بیشتر آنها انتقاد از ایران هراسی و اظهارات ضدایرانی برخی مقامات و احزاب لبنانی و کشورهای عربی منطقه بود. سید حسن نصرالله در یکی از سخنرانی‌های خود با اشاره به هیاهوی برخی رسانه‌های منطقه‌ای علیه کمک‌های ایران به ملت‌های منطقه تأکید کرد که ایران امپراتوری نیست بلکه کشوری اسلامی است که به ملت‌های منطقه کمک می‌کند.



▲ رزمایش نیروهای حزب الله لبنان

***کانادا**

دولت محافظه کار کانادا که به طور کامل خود را تحت قیمومیت ایالات متحده قرار داده بود و سیاست‌های آمریکا را تکرار و دیکته می کرد، در جریان انتخابات پارلمانی ۲۰۱۵ از لیبرال‌ها شکست خورد و پس از ۱۰ سال مجبور شد قدرت را واگذار کند.

«استفان‌هارپر» رئیس دولت محافظه‌کار کانادا در پی اعلام نتایج انتخابات پارلمانی، با شکست مقابل حزب لیبرال به رهبری «جاستین ترودو» سکان نخست‌وزیری را به وی واگذار کرد. این انتخابات برای استفان‌هارپر که از ۱۰ سال قبل سکان نخست‌وزیری این کشور را به دست داشت، بسیار مهم و حیاتی بود چرا که از چندی پیش زمزمه‌های نارضایتی از مواضع کابینه محافظه‌کار در این کشور به گوش می‌رسید؛ مخالفت‌هایی که حتی در خود حزب محافظه کار هم شنیده می‌شد. مخالفت‌ها با «هارپر» تا جایی پیش رفت که چند ماه قبل «جان برد» وزیر سابق خارجه کانادا و از نزدیکان نخست‌وزیر در مخالفت با او استعفا داد و راه خود را از وی جدا کرد. رسانه‌های غربی از جمله «آسوشیتدپرس» درباره انتخابات پارلمانی کانادا اعلام کردند که کانادایی‌ها در این انتخابات به یک تغییر بزرگ رای دادند و با حضور ترودو در دفتر نخست‌وزیری کانادا، لیبرال‌ها بازگشتی افسانه‌ای برای خود رقم زدند.

رهبر حزب لیبرال با انتقاد از عملیات نظامی کانادا در همراهی با آمریکا علیه داعش در عراق و سوریه گفته بود در صورت پیروزی به این حملات پایان می‌دهد چرا که این حملات به نتایجی که مردم آن را دوست داشته باشند، نینجامیده است. ترودو البته چند ماه پس از روی کارآمدن رسما به حضور کانادا در ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا پایان داد. گفتنی است دولت‌هارپر در سپتامبر ۲۰۱۲ به بهانه آن چه تهدید ایران برای اسرائیل خوانده شده، روابط دیپلماتیک خود را با تهران قطع کرد. از طرفی دو نامزد ایرانی تبار انتخابات کانادا از حزب لیبرال به نام‌های «مجید جوهری» و «علی احساسی» و همچنین «مریم منصف» شهروند افغان تبار کانادا هم از حزب لیبرال به پارلمان این کشور راه یافتند.

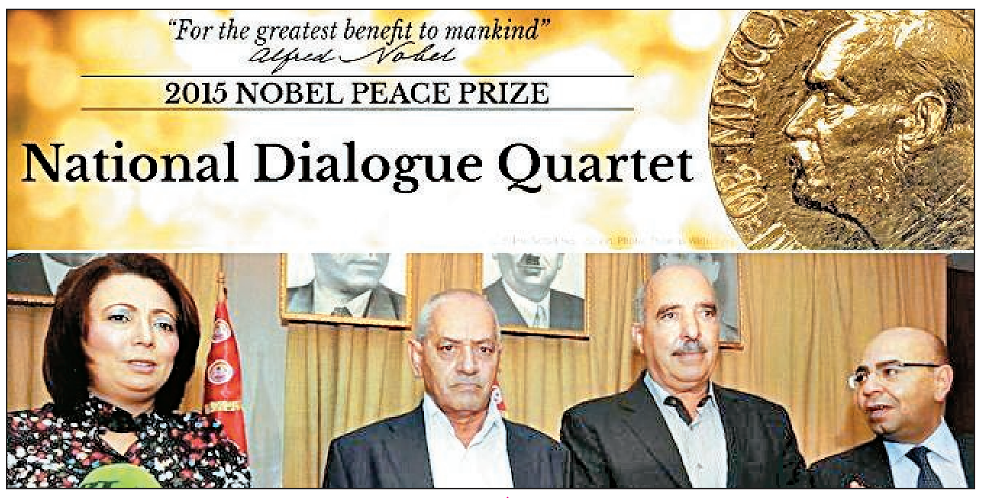
***افغانستان**

افغانستان امسال، سال پرتحولی را پشت سرگذاشت. در این سال افغانستان علاوه بر درگیری با شبه نظامیان طالبان با معضل ورود تروریست‌های داعش هم مواجه شد.

امسال و بنابر برنامه ریزی‌های قبلی مقرر شده بود تا شمار نیروهای نظامی خارجی اعم ازناتو و آمریکایی کاهش یابند اما در نهایت این امر به دلایلی به وقوع نپیوست که از جمله علل اصلی آن می توان به افزایش حملات طالبان، رشد داعش در بخشی از افغانستان و به افزایش نفوذ روسیه اشاره کرد. به دنبال این تحولات بود که نیروهای انگلیسی نیز به صف نبرد با داعش و طالبان پیوستند و به این ترتیب ماموریت نیروهای ناتو در این کشور تمدید شد. در این راستا ژنرال جان کمپبل، فرمانده ارشد امریکا و ناتو از احتمال درخواست اعزام نیروی مضاعف به افغانستان خبر داد و گفت: قصد دارم از دولت اوباما بخواهم تا جایی که امکان دارد تعداد بالای نیروهای آمریکایی در افغانستان را حفظ و حتی شمار نیروهای فعلی را هم بیشتر کند.در این رابطه، وزیر دفاع آمریکا از حضور بلندمدت نیروهای این کشور در افغانستان خبر داد.با این حال و همزمان با حضور ناتو در افغانستان، گروه طالبان علاوه بر آن که توانست شهر قندوز در شمال شرق افغانستان را تصرف کند، شهرستان‌هایی در جبهه‌های غرب و جنوب را نیز به کنترل خود درآورد و حضور خود را از مناطق مرزی به نقاط مرکزی کشور از جمله بخش‌هایی از «پروان» و میدان «وردک» توسعه داد. شواهد نشان می دهد، جنگ و درگیری در اکثر مناطق افغانستان امسال نسبت به سال‌های گذشته شدت یافته است و گروه‌های تروریستی به ویژه طالبان و داعش بر تحرکات خود در افغانستان افزوده اند و برخی از مناطق این کشور را به طور کامل در اختیار دارند.طالبان امسال همچنین توانست بخش‌هایی از افغانستان در شمال شرق «تخار» یکی از مناطق هم‌مرز این کشور با تاجیکستان را به اشغال خود درآورد. در چنین شرایطی، جدیدترین گزارش اداره بازرسی آمریکا نشان داد که دولت افغانستان به ۷۱,۷ درصد از مناطق افغانستان کنترل دارد اما کنترل حدود ۳۰ درصد از خاک این کشور را از دست داده است.در همین حال،افغانستان امسال شاهد تحولات میدانی گسترده ای بود که به تعدادی از موارد برجسته آن اشاره می شود.انفجار انتحاری در مراسم ختم قرآن در خانه یک عضو شورای ولایتی در شهر جلال آباد ولایت ننگرهار از جمله مواردی بود که ۱۳کشته و ۱۵ زخمی برجا گذاشت. همچنین شبه نظامیان طالبان ۱۸ تن از سرنشینان یک بالگرد متعلق به مولداوی را که تحت ماموریت صلحبانان سازمان ملل در افغانستان فعالیت می‌کردند، به اسارت گرفتند.

سقوط یک فروند بالگرد نظامی آمریکا در ولایت هلمند در درگیری با نیروهای طالبان نیز دیگر تحولی بود که به کشته و زخمی شدن شماری از نیروهای آمریکایی منجر شد.ناتو در افغانستان نیز طی اطلاعیه ای ضمن تائید کشته شدن شش تن از نیروهای این سازمان اعلام کرد، سه سرباز دیگر ماموریت قاطع و سه سرباز افغان نیز در این عملیات زخمی شدند.در تحولی دیگر، وزارت دفاع افغانستان از درگیری با شبه‌نظامیان طالبان در فرودگاه شهر قندهار خبر داد و اعلام کرد، نیروهای امنیتی این کشور پس از ۲۴ ساعت درگیری توانستند حمله شبه‌نظامیان طالبان به این فرودگاه را دفع کنند و این درگیری در نهایت ۶۱ کشته برجا گذاشت که اکثر آنها غیر نظامی بودند.طالبان همچنین تلاش کرد تا کنترل استان هلمند را به دست گیرد اما نظامیان آمریکایی برای جلوگیری از سقوط هلمند به دست طالبان، حملات هوایی گسترده‌ای را به مواضع نیروهای این گروه تروریست در این استان انجام دادند. مرگ ملاعمر سرکرده طالبان از دیگر تحولات مهم افغانستان بود.پس از مرگ ملاعمر،ملا منصور جانشین وی شد اما این موضوع موجبات افتراق و انشقاق را در این گروه تروریستی فراهم آورد و شماری از اعضای این گروه به داعش پیوستند.برخی از اعضای مخالف با تشکیل گروهی به نام شورای عالی امارت اسلامی افغانستان، سرکرده جدید خود «ملامحمد رسول» را انتخاب و با وی اعلام همپیمانی کردند. گفتنی است، ملامحمد رسول در میان افرادی بود که از همپیمانی با ملااختر منصور به عنوان سرکرده جدید طالبان خودداری کرده بود. در این میان، سخنگوی معاون اول رئیس جمهوری افغانستان از کشته شدن سرکرده جدید طالبان خبر داد و گفت: بر اساس آخرین گزارش‌ها ملا «اختر محمد منصور»، سرکرده جدید طالبان و جانشین «ملامحمد عمر»، سرکرده پیشین طالبان، براثر شدت جراحات وارده در بیمارستان جان داده است. این در حالی است که، پایگاه اطلاع رسانی طالبان یک پیام صوتی منسوب به ملااختر محمدمنصور منتشر کرد که در این پیام صوتی منسوب به سرکرده گروه طالبان، وی می گوید: من زنده ام و در سلامت به سر می برم . در پیام صوتی یاد شده، ملااختر اخبار منتشر شده درباره مرگ خود را طرح دشمنان خواند. این در حالی است که سخنگوی شاخه انشعابی گروه طالبان به سرکرده محمد عبدالرسول اعلام کرد، اطمینان دارد ملااخترمحمد منصور طالبان زنده نیست و کشته شده است. به گفته این مقام طالبان، هنگامی وی به این اطمینان دست یافت که پس از توافق طرفین بر سر آتش بس و مبادله زندانیان دو طرف، «هیبت الله آخوند» معاون اختر محمد منصور، دیدار میان آنان با اختر منصور را امکان پذیر ندانست.در چنین شرایطی، نشست چهار جانبه صلح افغانستان با حضور نمایندگانی از افغانستان، پاکستان، چین و آمریکا برای ترسیم نقشه راه و فراهم کردن زمینه از سرگیری مذاکرات صلح با طالبان سه بار به میزبانی اسلام آباد و کابل برگزار شد. در حالی که رهبران طالبان در هیچ یک از این نشست‌ها حضور نیافتند. طالبان افغانستان در نشست کابل با انتشار بیانیه ای سه شرط را برای برقراری صلح با دولت افغانستان به کمیته متشکل از نمایندگان چهار کشور آمریکا، چین، افغانستان و پاکستان ارائه داد. طالبان در اولین شرط خود خواهان مذاکره مستقیم با آمریکا به جای مذاکره با دولت افغانستان شد و در دومین شرط این گروه تسلط کامل بر ولایت هلمند و تاسیس دفتر سیاسی خود در این ولایت را خواستار شد تا بتواند فعالیت‌های سیاسی خود را دوباره از سربگیرد. در این هیاهو، گروه تروریستی داعش در افغانستان با انتشار نوار ویدئویی خواستار پیوستن نیروهای طالبان به داعش شد و اعلام کرد، درهای این گروه روی آنها باز است.در چنین شرایطی، شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه‌ای تحریم‌ها علیه طالبان افغانستان را برای ۱۸ ماه دیگر تمدید کرد و نسبت به افزایش حضور گروه‌های وابسته به داعش در افغانستان هشدار داد.

بمباران بیمارستان سازمان پزشکان بدون مرز قندوز، پس از سقوط این شهر به دست طالبان، درنیمه شب توسط جنگنده بمب‌افکن‌های ارتش آمریکا از دیگر تحولات مهم دیگر این کشور بود که دست کم ۳۰ کشته و دهها زخمی برجا گذاشت و ساختمان بیمارستان به صورت کامل تخریب شد و در آتش سوخت. در این راستا بود که سازمان ملل در جدیدترین گزارش خود از افزایش ۴ درصدی تلفات غیرنظامیان افغانستان در سال ۲۰۱۵ خبر داد و اعلام کرد، در این سال ۳۵۴۵ تن کشته و ۷۴۵۷ تن زخمی شده‌اند که این رقم در مقایسه با سال پیش از آن ۴ درصد افزایش نشان می‌دهد.



▲ جایزه صلح نوبل به کمیته چهارجانبه گفتگوهای ملی تونس رسید

***صلح نوبل**

امسال در واپسین روزها تا اعلام نام برنده جایزه صلح نوبل، برخی رسانه‌های غربی لیستی از نام نامزدهای احتمالی دریافت این جایزه را ذکر کرده بودند که از آن میان نام دکتر محمد جواد ظریف، وزیر خارجه کشورمان، همچنین نام جان کری، وزیر خارجه آمریکا در کنار نام پاپ فرانسوآ، و آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان دیده می‌شد. اما بر خلاف پیش بینی‌ها، بنیاد نوبل «کمیته چهارجانبه گفتگوهای ملی تونس» را به عنوان برنده جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۱۵ معرفی کرد. کمیته چهارجانبه که میانجی برگزاری گفتگوهای ملی میان احزاب سیاسی تونس بود، در حالی به عنوان برنده این جایزه معرفی شد که در میان کاندیداهای احتمالی این جایزه نامی از تونس دیده نمی شد. چهار تشکل تونس معروف به کمیته چهارجانبه علاوه بر پیشنهاد مذاکره، نقشه راهی را نیز برای این گفتگوها پیشنهاد کردند تا گام به گام مطالبات مردمی، محقق و راه حل سیاسی متبلور شود. این نقشه راه شامل موارد متعدد بود که از جمله می توان به استعفای کابینه وقت، تشکیل کابینه جدید متشکل از نیروهای تکنوکرات اشاره کرد. این گفتگوها با موفقیت به انجام رسید زیرا تونس از بحران سیاسی خارج شد و دولت جدید برسر کار آمد و احزاب سیاسی توانستند در شرایط مسالمت آمیز قدرت و پست‌های سیاسی - حکومتی را در میان خود باز توزیع کنند. اگر این اتفاق نمی‌افتاد و احزاب سیاسی تونس بر سر حل بحران سیاسی و آینده سیاسی این کشور به توافق نمی‌رسیدند، چه بسا تونس وارد مرحله تاریکی از منازعات سیاسی و حتی درگیری‌های مسلحانه می‌شد.جایزه نوبل ۲۰۱۵ در واقع به جامعه مدنی تونس تعلق گرفت که توانست از سال ۲۰۱۱ تا به ۲۰۱۵ این کشور را به دور از خشونت و درگیری‌های مسلحانه و بروز هرج و مرج و نقش آفرینی گروه‌های تروریستی، کودتای نظامی، جنگ داخلی و دخالت نظامی خارجی، راه خود را بر مبنای گفتگو ادامه دهد.کمیته صلح نوبل ابراز امیدواری کرد، این جایزه راه را برای دموکراسی در تونس هموارتر سازد. کمیته همچنین تصریح کرد این جایزه باید انگیزه‌ای برای تمامی آنهایی شود که به دنبال برقراری صلح و دموکراسی در خاورمیانه، شمال آفریقا و سایر نقاط جهان هستند.گفتنی است، جایزه صلح نوبل سال ۲۰۱۴ به طور مشترک به «ملاله یوسف‌زی» دختر ۱۶ ساله پاکستانی که قربانی حمله تروریستی گروهک طالبان قرار گرفته بود و همچنین به «کایلاش ساتیارتی» فعال هندی حمایت از حقوق کودکان کار، اعطا شد. جایزه صلح نوبل سال ۲۰۱۳ سازمان منع گسترش سلاح‌های شیمیایی بود و همچنین اتحادیه اروپا به دلیل اقدامات موثر در روند تغییر چهره اروپا از قاره‌ای در حال جنگ به قاره‌ای در صلح، برنده جایزه صلح نوبل سال ۲۰۱۲ میلادی شد.جایزه صلح نوبل که ارزش آن ۸ میلیون کرون سوئد (حدود ۸۵۰ هزار یورو) است به صورت سنتی روز دهم دسامبر، در سالروز فوت آلفرد نوبل، بنیانگذار این جایزه در اسلو اهدا می شود.

ادامه دارد

ایران اسلامی شهادت «ام ابیها» را به سوگ نشست

سرویس خبر: ایران اسلامی دیروزدر سالروز شهادت ام الائمه حضرت فاطمه زهرا(س) سیاهپوش و عزادار بود.

شیفتگان و عاشقان اهل بیت عصمت و طهارت(ع) با حضور در مساجد، حسینیه‌ها، بقاع متبرکه و برپایی دسته‌های عزاداری در هر کوی و برزن در غم این مصیبت بر سر و سینه زدند وسخنرانان درباره ویژگی‌های شخصیتی حضرت زهرا(س) سخنرانی کردند.

در حرم مطهر رضوی، حرم حضرت فاطمه معصومه(س) و حرم مطهر شاهچراغ نیز شیفتگان اهل بیت عصمت و طهارت(ع) به عزاداری پرداختند.

مراسم عزاداری در مشهد در رواق دارالحجه حرم مطهر رضوی برگزار شد و دوستداران خاندان عصمت و طهارت(ع) با تشرف به این ساحت مقدس با نوحه خوانان و مرثیه سرایان همراه شده و در عزای حضرت فاطمه زهرا(س) به سوگواری نشستند. در بارگاه ملکوتی کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه(س) هم مراسم عزاداری درحرم مطهر با ذکرذاکران اهل بیت(ع) در غم شهادت بزرگ بانوی دو عالم، همراه بود.

همزمان با سالروز شهادت حضرت زهرای مرضیه(س)، شیراز، شهر شعر، شعور و شریعت و استان فارس، پایتخت فرهنگ و عرفان اسلامی سوگوار دخت گرامی پیامبر مکرم اسلام و جای جای این سرزمین غرق در عزا و ماتم بود. حرم حضرت بی‌بی حکیمه(س) خواهر ثامن الائمه(ع) هم میعادگاه دلدادگان اهل بیت عصمت و طهارت(ع) به خصوص حضرت فاطمه زهرا(س) بود. در سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) مراسم عزاداری شهادت مظلومانه ام ابیها در بیوت حضرات آیات عظام صافی گلپایگانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، سبحانی و علوی گرگانی برگزارشد. در این مراسم که جمعی از علما و قشرهای مختلف مردم حضور داشتند ذاکران اهل‌بیت(ع) در غم شهادت بزرگ بانوی اسلام، ام‌الحسنین علیهم‌السلام مرثیه‌سرایی کردند.

*** پیاده‌روی مراجع تقلید**

حضرات آیات عظام حسین وحید خراسانی و لطف الله صافی گلپایگانی در سالروز شهادت حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا(س)، با پای پیاده دوشادوش مردم عزادار شهر قم تا حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه(س) عزاداری کردند.

آیت‌الله العظمی حسین وحید خراسانی از خیابان شهدای شهر مقدس قم، به خیل عظیم عزاداران فاطمی پیوست و تا حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه(س) به سوگواری و سینه زنی پرداخت.

آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی نیز از خیابان انقلاب اسلامی شهر مقدس قم، به سوگواران حضرت فاطمه زهرا(س) پیوست و به عزاداری و سینه زنی پرداخت.

تشییع پیکرهای ۱۱۱ شهید دفاع مقدس در ۱۷ استان



سرویس خبر: همزمان با سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا(س)، مراسم تشییع و تدفین ۱۱۱ شهید گمنام در ۱۷ استان کشور با حضور خانواده‌های معظم شهدا و عزاداران فاطمی برگزار شد.

پیکر پاک۱۴ شهید در تهران، ۸ شهید دفاع مقدس در آبادان، ۴ شهید در خراسان شمالی، ۵ شهید در قم و پیکر ۴ شهید در زنجان و ۲ شهید در اراک بر دستان مردم ولایتمدار تشییع شدند.

در خوزستان هم پیکرهای مطهر ۱۳ شهید، در استان همدان ۱۱ شهید گمنام و در ساری ۲ شهید تشییع و به خاک سپرده شد.

پیکر مطهر۱۴ شهید گمنام دفاع مقدس نیز همزمان با سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) در هشت منطقه تهران تشییع و تدفین شد.

آیین تشییع و تدفین پیکر این شهدای والامقام و مطهر در سازمان قضایی نیروهای مسلح «یک شهید گمنام»، بوستان جانبازان منطقه ۲۰ «دو شهید گمنام»، بوستان شهریار نسیم شهر ـ شهرستان بهارستان (محدوده رباط کریم) «دو شهید گمنام»، شهرک قمر بنی‌هاشم(ع) نزاجا «دو شهید گمنام»، فدراسیون جانبازان و معلولین کشور «یک شهید گمنام»، شهرک شهید چمران منطقه نوبنیاد(منطقه یک تهران) «دو شهید گمنام»، شهرک آپادانا (منطقه ۵) «دو شهید گمنام» و بوستان الغدیر (منطقه ۱۸) در جنوب غرب تهران «دو شهید گمنام» برگزار شد.

فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در مراسم تشییع و تدفین پیکر پاک دوتن از شهدای گمنام هشت سال دفاع مقدس در محله شهرک قمربنی‌هاشم(ع) نیروی زمینی ارتش درتهران، حفظ وحدت در کشور را مایه خوشحالی شهدا دانست و گفت: تبعیت از رهبری روح شهدا را شاد خواهد کرد.

امیر سرتیپ احمدرضا پوردستان، افزود: آنچه که روح شهدا را خوشحال خواهد کرد حفظ وحدت بین تمام ارکان کشور، شیعیان و اهل تسنن است که باید با تمام توان در راه تحقق آن کوشید.

وی تبعیت از رهبری انقلاب را موجب خوشحالی شهدا دانست و تأکید کرد: همانگونه که شهدا از امام خود تبعیت کردند ما هم باید با تبعیت از رهبر معظم انقلاب ادامه دهنده راه شهدا باشیم.

مراسم تشییع پیکر یک شهید گمنام در فدراسیون جانبازان و معلولان با ورزشکاران رشته‌های مختلف جانبازان و معلولان و مسئولان ورزشی در فدراسیون جانبازان و معلولان برگزار شد. خیل عظیم مردم بجنورد از پیکر چهار شهید گمنام دوران دفاع مقدس استقبال کردند و پیکر مطهر ۲ تن از شهدای گمنام پس از تشییع در بخش حصار گرمخان و ۲ تن دیگر در شهر پیش قلعه شهرستان مانه و سملقان خاکسپاری شدند.

همچنین همزمان با تشییع پیکر شهدای گمنام، پیکر مطهر شهید مشهدقلی رهنورد از اهالی روستای نرگسلوی شهرستان بجنورد و از شهدای تازه تفحص و شناسایی شده دوران دفاع مقدس، بر دوش مردم شهیدپرور بجنورد تشییع و سپس در مزار شهدای این شهر به خاک سپرده شد.

در شب شهادت فاطمه زهرا(س) مردم شهید پرور انزلی در مصلی این شهر در مراسم با شکوهی، با یادگاران هشت سال دفاع مقدس وداع کردند.

پیکر پاک سه شهید پس از تشییع در ستاد ناوگان شمال و محوطه دانشگاه آزاد انزلی به خاک سپرده شدند.

باحضور پرشور و صمیمی مردم ولایتمدار بخش سیلاخور دورود پیکر دو شهید گمنام از مسجد صاحب الزمان(عج) چالانچولان تشییع و دربوستان شهدای گمنام این شهر خاکسپاری شدند.

شهدای گمنام شهر چالانچولان یکی ۲۱ ساله در منطقه فکه و در عملیات والفجر و دیگری ۱۶ ساله در جزیره مجنون و درعملیات خیبر به فیض شهادت نائل آمده بودند. مراسم شبی با شهدای گمنام همزمان با شب شهادت حضرت فاطمه(س) در حسینیه عاشقان ثارالله سپاه ناحیه خرم‌آباد برگزار شد وپیکرشهید ۲۳ ساله که در عملیات خیبر در منطقه مجنون به شهادت رسیده بود در پادگان امام علی(ع) سپاه به خاک سپرده شد. پیکرهای مطهر سه شهید گمنام دفاع مقدس هم با حضور سردار حسین اشتری فرمانده نیروی انتظامی در خرم‌آباد تشییع شد.

مردم شهرستان بابل با پیکر مطهر دو شهید گمنام دوران هشت سال دفاع مقدس وداع کردند.

پیکر این دو شهید گمنام که در زمان شهادت (۱۶ و ۱۷ ساله) بودند، در شهر ساری تشییع و به خاک سپرده شد.

پیکر ۱۲ شهید گمنام در شهرهای آستانه اشرفیه، بندر انزلی، رضوانشهر، ماسال تشییع وبه خاک سپرده شد. این ۱۲ شهید (۱۶ تا ۲۵ ساله) در عملیات کربلای ۵ و ۸، والفجر، محرم، خیبر و بدر و در مناطق شلمچه، فکه، مجنون و شرهانی به درجه رفیع شهادت نایل شدند.

پیکر پاک ۲ شهید گمنام همزمان با سالروز شهادت حضرت فاطمه(س) در اشکنان تشییع شد.

پیکر پاک این شهدای والامقام را گروه تفحص شهدا در مناطق عملیاتی خیبر و شلمچه تفحص کردند.

پیکرهای مطهر چهار شهید والا مقام دوران دفاع مقدس با حضور انبوه مردم شهید پرور استان قزوین تشییع و تدفین شد. دراین آیین که با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالکریم عابدینی نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه قزوین به همراه جمع کثیری از مسئولان و قشرهای مختلف مردم و در فضایی آکنده از معنویت برگزار شد، پیکر مطهر شهدای دوران دفاع مقدس از امامزاده اسماعیل(ع) به سمت گلزار شهدای قزوین تشییع شد.

پیکر پاک ۲ شهید گمنام در محدوده میدان صبحگاه سپاه صاحب‌الامر(عج) تشییع و تدفین شد.

همچنین شهید عین‌الله کلهر در گلزار شهدای قزوین و شهید سعید بنایی در شهرک مدرس شهرستان بویین زهرا تشییع و برای تدفین به شهر شال انتقال یافت.

پیکرهای مطهر پنج تن از شهیدان گمنام دوران دفاع مقدس، در سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) با حضور باشکوه خانواده معظم شهدا، مسئولان و قشرهای مختلف مردم در قم تشییع و به خاک سپرده شد. پیکرهای مطهر این شهیدان گمنام در میان حزن و اندوه مردم ولایتمدار، انقلابی و عاشقان و شیفتگان خاندان عصمت و طهارت(ع) پس از طواف مضجع شریف و نورانی حضرت معصومه(س) و اقامه نماز میت توسط آیت‌الله العظمی حسین نوری همدانی از مراجع تقلید، تشییع شد.

پس از خاکسپاری پیکرهای ۲ شهید در محوطه صدا و سیمای مرکز قم، پیکرهای مطهر ۲ شهید به شهر کهک و یک شهید نیز به محل لشکر عملیاتی ۱۷ علی بن‌ابیطالب(ع) واقع در کیلومتر ۱۵ جاده قدیم قم ـ کاشان برای خاکسپاری انتقال یافتند.

نیروی انتظامی ۱۳هزارشهید تقدیم انقلاب کرده است

خرم آباد: فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی گفت: نیروی انتظامی پس از انقلاب ۱۳هزار شهید تقدیم انقلاب اسلامی کرده است.

سردار حسین اشتری در یادواره سرداران و ۴۹۹ شهید فرماندهی انتظامی لرستان افزود: امروز هر پیشرفتی مدیون شهدا بوده و اگر مسئولان جمهوری اسلامی با صلابت بر سر میز مذاکره می‌نشینند به پشتوانه شهدا و فداکاری‌های آنان است. وی با اشاره به این که رشادت‌های جانانه مردم لرستان در دفاع مقدس زبانزد است افزود: امروز نیز جوانان نیروی انتظامی با ایثار و فداکاری حافظ کشور هستند و اگر این رشادت‌های نظامی و انتظامی در مرزها و سایر نقاط کشور نبود امنیت حاصل نمی‌شد.

فرمانده ناجا ادامه داد: اقتدار و سیستم دفاعی جمهوری اسلامی فوق العاده بوده و فقط گوشه‌ای از این توانمندی‌ها به دنیا نشان داده شده است.

وی گفت: نیروی انتظامی در طول دوران انقلاب اسلامی در مجموع ۱۳هزار شهید تقدیم نظام مقدس جمهوری اسلامی کرده است که از این تعداد ۶۰۰۰ شهید مربوط به هشت سال دفاع مقدس و ۷۰۰۰ نفر دیگر نیزدر بعد ازجنگ و در عملیات‌های مختلف به شهادت رسیده اند.

فرمانده ناجا در دیدار با نماینده ولی فقیه در لرستان و امام جمعه خرم آباد گفت: پاسداری از ارزش‌ها و حقوق مردم از وظایف اصلی نیروی انتظامی است که رهبر معظم انقلاب بارها به این مهم تاکید داشته اند.

اشتری افزود: گرچه مسئولیت برقراری امنیت انتخابات به عهده نیروی انتظامی بود اما هماهنگی‌های مطلوب در سراسر کشور با نیروهای سپاه و بسیج صورت گرفت.

اشتری در سفر به خرم آباد از شهید زنده لرستانی سید نورخدا موسوی عیادت کرد.

فرمانده ناجا درحاشیه یادواره سرداران و ۴۹۹ شهید فرماندهی انتظامی لرستان گفت: جمع آوری معتادان مستلزم همکاری همه دستگاههای مرتبط است و در صورت ایجاد هماهنگی میان بخشی، نیروی انتظامی آمادگی دارد کمتر از ۱۰ روز معتادان را در سراسر کشور جمع آوری کند.

اشتری با اشاره به این که کشف مواد مخدر امسال ۱۶ درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشت، افزود: نیروی انتظامی افزایش برخورد با شبکه‌های توزیع مواد مخدر را در امسال در دستور کار قرار داده است.

اشتری اضافه کرد: در سال آینده با استفاده از تجهیزات نوین و نیروهای متخصص و توانمند بیشتر، کنترل بهتری در مرزها خواهیم داشت.

وی در خصوص تلفات جاده‌ای گفت: این میزان امسال ۳ درصد نسبت به پارسال کاهش داشته که تلاش می‌شود با همکاری مردم و دستگاه‌های مرتبط، به حداقل برسد.

برگزاری یادواره ۱۰۰ شهید بسیجی در کاشان

کاشان: فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اشاره به توانمندی و اقتدار نیروی دریایی سپاه در منطقه گفت: دشمن هم اکنون در خلیج فارس موضع دفاعی و انفعال دارد.

دریادار پاسدار علی فدوی جمعه شب در یادواره یکصد شهید پایگاه بسیج مرحوم آیت‌الله میرسید علی یثربی کاشان اظهارداشت: آمریکا با توجه به محاسباتش مطمئن شده است که اگر اقدامی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام دهد، متضرر خواهد شد.

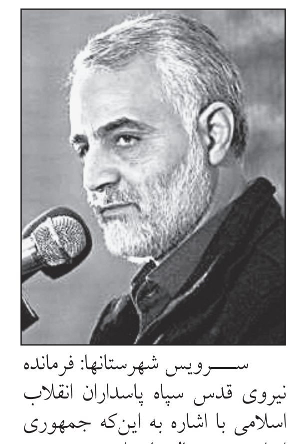
وی با اشاره به رشادت‌های اخیر دریادلان سپاه در به اسارت درآوردن تفنگداران دریایی آمریکا اظهار داشت: این چهارمین باری بود که نیروهای آمریکایی و انگلیسی توسط نیروهای سپاه به اسارت درآمدند.

وی اضافه کرد: آمریکا وقتی به این نتیجه رسید که نمی‌تواند بطور مستقیم اقدامی علیه انقلاب اسلامی ایران انجام دهد، به تدریج با حزب‌الله لبنان مخالفتش را اعلام کرد تا با زدن شاخ و برگ‌های انقلاب اسلامی بتواند ضربه بزند.

دریادار فدوی با بیان این که آمریکا در هیچکدام از اقدامات خود برای جلوگیری از گسترش انقلاب اسلامی موفق نبوده است، گفت: آمریکا پنج سال در سوریه تلاش کرد اما نتوانست هیچ موفقیتی کسب کند و اعلام کرد که چون ایران از سوریه حمایت می‌کند، موفق نیست.

وی با گرامیداشت یاد و خاطره شهدا گفت: شهدا درس جلوه‌های ایثار و شهادت را به ما آموختند تا با فهم و بصیرت‌افزایی به تکلیف‌مان عمل کنیم.

سردار سلیمانی: ایران به دنبال ماجراجویی نیست



سرویس شهرستانها: فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اشاره به این‌که جمهوری اسلامی به دنبال ماجراجویی نیست، گفت: چون اصول آگاهی بخش جمهوری اسلامی تشابهی با اصول دشمنان ندارد، آن را بر نمی تابند و ماجراجویی می نامند.

به گزارش ایرنا، سردار سرلشکر حاج قاسم سلیمانی در یادواره شهدای مسجد الرسول شهر کرمان افزود: برخی نیز در کشور ما نادانسته همین موضوع را تبلیغ می‌کنند زیرا نمی دانند که کار گریز از مرکزی از سوی ایران در دنیا انجام نمی شود.

وی گفت: دموکراسی موجود در کشور و استقلال همه جانبه، کشور ما را از سایر کشورها متفاوت کرده و تفاوت های ایران با سایر کشورها یک تفاوت سلبی، منفی و بد نیست و تفاوتی پاک و نمونه است.

او با اشاره به استقلال ایران اسلامی در حوزه های مختلف از جمله اقتصاد، نیروهای مسلح، تصمیم گیری و تصمیم سازی بیان کرد: همه به ویژه جوانان باید متوجه باشند و در جلسه ها و پچ پچ های سیاسی تابع این موارد نباشند و فکر نکنند که در کشور ما ماجراجویی انجام می گیرد.

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران گفت: تکفیر و تکفیری، آتش در خانه برادران سنی است و کسانی که آن را خلق کردند، فکر می‌کردند با این حادثه جمهوری اسلامی و شیعه زانو خواهد زد.

وی اضافه کرد: امروز حریم انسانیت در جهان اهل سنت توسط گروه های تکفیری بیش از هر جای دیگری، مورد هجوم قرار گرفته است.

سردار سلیمانی افزود: آیا این یک کار ماجراجویانه است که جمهوری اسلامی مالاً و جاناً از مسلمان دفاع کند و این عیب است که جمهوری اسلامی در برابر گروهی بایستد که در یک منطقه ۲۰۰۰ زن جوان را بین خود خرید و فروش می کنند و آنها را در یک مصیبت سنگین دچار کرده اند.

وی گفت: آیا این عیب بزرگی است که جمهوری اسلامی در برابر ضد مسلمانان ایستاده و جلوی تخریب مساجد مسلمانان و تخریب مکان های مسلمان ها می ایستد.

یادگار دوران دفاع مقدس اظهار داشت: از آنجا که جمهوری اسلامی یک مرکزیت و محوریت در عالم اسلام و تشیع پیدا کرده، دشمنی‌ها نیز فزونی یافته و دشمنی های امروز دشمنان با جبهه دیروز کاملا متفاوت و سلاح های به کار گرفته نیز متفاوت شده است.

وی گفت: برخلاف ادعاهای دشمنان، دشمنی های آنها به دلیل ماجراجو بودن ما نیست زیرا ما در هیچ جای دنیا علیه کسی ماجراجویی نکرده ایم.

سرلشکر سلیمانی اضافه کرد: کشوری با نجابت تر، صلح طلب تر و مدارا کننده تر از ایران اسلامی با همسایگان نداریم و این کشور برای هیچ یک از همسایگان خود گزند عملی و حرفی نداشته است.

وی گفت: با وجود آنکه دنیا، دنیایی پر از ظلم است، جمهوری اسلامی در هیچ کجا تعرضی نداشته است.

او گفت: در حافظه تاریخ انقلاب اسلامی وجود ندارد که ما در جایی نسبت به سعودی ها و حکومت آنها به رغم نامشروع بودن آن، به رغم اینکه مردم آن هیچ نقشی در سلطه و حکومت ندارند و به رغم این‌که این حکومت در سلطه یک خانواده است، ماجراجویی کرده باشیم.

فرمانده نیروی قدس افزود: همواره این سعودی بوده که علیه اسلام و ما ماجراجویی کرده است.

وی با اشاره به حوادث یمن گفت: وقتی یک کشور به ظاهر اسلامی با مسلمانان در یمن اینگونه در طول یک سال، در تمام ساعات و بدون هیچ گونه مراعات اسلامی، حقوقی و انسانی بمباران می کند و وحشیانه زن و مرد را به خاک و خون می کشاند، چه معنایی دارد.

او افزود: حزب الله لبنان که به عنوان یک حزب عربی و اسلامی ماجراجویی علیه عربستان نکرده است حتی به تنهایی کاری که همه ارتش های عرب از سال ۴۷ تا پایان دهه ۶۰ میلادی نتوانستند انجام دهند، را در دفاع از عرب انجام و دشمن مسلمانان را شکست داد و او که ماجراجویی نکرده است.

وی خاطرنشان کرد: جمهوری اسلامی به عنوان یک کشور انقلابی، مرام و اصولی دارد که چارچوب گسترده ای را شامل می شود و مرام و اصول جمهوری اسلامی ایران در مردم، قوانین، حکومت و رهبری تبلور یافته و این مجموعه کامل در جهان امروز دیدنی است.

سردار سلیمانی گفت: هر کس که به جمهوری اسلامی ایران نزدیک می شود و بزرگترین رهبران دنیا وقتی آن را از نزدیک می بینند، خاضع می شوند که این اصول برای آنها (دشمنان) غیر قابل تحمل است.

وی اضافه کرد: ما در کدام کشور اسلامی تلاش کرده ایم که برادران سنی را شیعه کنیم و بر عکس همواره جان ما سپر سنی‌ها بوده است.

او در ادامه سخنان خود با اشاره به اینکه شهدای ما عرفای ما بودند که جمع شده ایم چه بگوییم و چه کنیم؟ گفت: پیوند بین مردم به ویژه نسل جوان با فرهنگ ایثار و شهادت یکی از بهترین راه ها برای مقابله با شبیخون همه جانبه دشمنان است.

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران با تاکید بر این‌که شرط شهید شدن، شهید بودن است، گفت: اگر کسی شهید بود، شهید می شود و اگر از کسی بوی شهید استشمام نکردید، ولو آنکه کشته شود؛ شهید نیست.

وی افزود: شهید کسی است که وقتی او را می بینید، سخن او را می شنوید و با او رفاقت و مجالست می کنید بوی شهادت را از او استشمام کنید.

او سه پایه اصلی برای شهید بودن را مورد اشاره قرار داد و گفت: اولین پایه شهید بودن، هجرت از خود است که تا رخ ندهد، هجرت از وطن، مال، مقام و مابقی اتصالات دنیوی اتفاق نمی افتد.

سردار سلیمانی با اشاره به این‌که شهدا به همه نفسانیات و وابستگی های خود آتش زدند، اعلام کرد: پایه دوم و سوم شهید بودن، مجاهدت و پایبندی به عهد است که همه آنها مصادیق قرآنی دارد.

وی با طرح این سئوال که می خواهیم از شهدا چه بیاموزیم، گفت: امروز وضع عالم شیعه با دیروز بسیار متفاوت است و امروز می توان گفت که اگر کسی به دفاع از جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی پایبند نباشد، به اصول دین پایبند نیست.

او خاطرنشان کرد: امروز حفظ تشیع، اساس مذهب و اصول آن، حفظ اسلام و اصول اسلامی با حفظ دیروز متفاوت است زیرا در جهان تغییرات بزرگی رخ داده است.

فرمانده نیروی قدس سپاه گفت: امروز اگر در مساجد ما فقط ترویج معنویت و بدون جهت مشخص انجام شود، نمی توان از اسلام دفاع کرد.

وی افزود: امروز نماز خواندن و عمق یافتن آن در اینکه اراده ما را در دفاع از اسلام در برابر هجوم گسترده دشمنان مستحکم کند، ارزش دارد.

او ویژگی برجسته امام راحل در برابر سایرین را احیای ولایت فقیه به عنوان ضرورت پنهان شده در جهان اسلام بیان کرد و گفت: امام خمینی (ره) ضرورت ایجاد حکومت اسلامی را در ولایت فقیه دانسته است و امروز امکان ندارد کسی بدون دفاع از ولی فقیه بتواند از اسلام دفاع کند.

سرلشکر سلیمانی با تاکید بر اینکه دفاع از اسلام با دفاع از ولایت فقیه امکان پذیر است، گفت: اگر می خواهیم اسلام و جهان اسلام را در حاکمیت حفظ کنیم باید بدانیم که این امر بدون ولایت فقیه امکان پذیر نیست.

وی خاطرنشان کرد: در عراق مشخص شد اگر جمهوری اسلامی و ولایت فقیه نبود، عتبات در هفته اول مورد تهدید قرار می گرفت.

او اظهار داشت: آرامش کشور و مردم در برابر موج های متلاطمی که وجود دارد به دلیل وجود ولایت فقیه است.

فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله در دوران دفاع مقدس گفت: یکی از مهمترین ویژگی های شهدا این بود که برای دفاع از نظام و انقلاب بر اساس فرموده ولایت فقیه جان دادند.

وی در ادامه سخنانش با طرح این سئوال که چرا می گویند ایران عراق را بلعیده است، افزود: ایران خدمت به مردم عراق را در طول دوره گذشته خود تا امروز گذاشته و برای حفظ کرامت مردم آن جان داده است و چون حقیقت پنهان شده دیروز، امروز آشکار شده است، آن را بر نمی تابند.

سردار سلیمانی خاطرنشان کرد: دشمنان اصل اساسی شیعه را به عنوان ولی فقیه بر نمی تابند.

وی دشمنی های دشمنان با پاسداران و بسیج را به دلیل موثر بودن آنها دانست و گفت: چون موثر هستند دشمنی علیه آنها وجود دارد و اگر اثرگذار نبودند، دشمنی هم وجود نداشت و در روحانیت نیز همین گونه است.

او با تاکید بر این‌که در یادواره شهدا باید به مضامین بزرگ شهدای خود توجه داشته باشیم، بر توجه به وصیت نامه شهدا تاکید کرد و افزود: براساس وصیت نامه شهدا می توانیم راه را بشناسیم و حقیقت را درک کنیم.

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران اظهار داشت: با افکاری که در درون وصیت نامه های شهدا تبلور یافته، می توان به راه پی برد.

وی گفت: امروز خیلی مهمتر از دیروز است و آمادگی امروز بسیار مهمتر و سخت تر از آمادگی دوران دفاع مقدس است زیرا در دوران دفاع مقدس آمادگی وجهی بود و امروز آمادگی باید چند وجهی باشد.

سرلشکر سلیمانی افزود: آن روز دشمن در یک جبهه بود و امروز در چند جبهه است و آمادگی در برابر دشمن آمادگی چند وجهی نیاز دارد.

وی همچنین به نقش آیت‌الله جعفری امام جمعه کرمان در دوران دفاع مقدس و انقلاب اشاره و بیان کرد: کرمان و فداکاری ها و علمای ارزنده آن را هرگز از یاد نمی بریم.

این یادواره شهدا همزمان با سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) با حضور خانواده معظم شهدا و ایثارگران، جمعی از مسئولان و قشرهای مختلف مردم کرمان برگزار شد.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:
* موضوع پیام ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
* پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
* خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
* چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است.

با تشکرـ سرویس ارتباطات مردمی

میزان رأی ملت است

رئیس محترم قوه قضائیه گفته است که اصلاح‌طلبان همسو با اجانب باعث عدم راهیابی چهره‌های شاخص به مجلسین شدند. بنده به عنوان یک شهروند توجه ایشان را به بیانات امام خمینی جلب می‌کنم که فرمودند: مردم حتی اگر خلاف صلاح خودشان رأی بدهند، رأی‌شان متبع است... ملت می‌خواهد اینطور بکند به من و شما چیکار دارد؟ (صحیفه نور، جلد ۸ ص۲۴۷) در جای دیگر ایشان می‌فرماید ملت قیم نمی‌خواهد، میزان رأی ملت است. با توجه به این سخنان حکیمانه بنیانگذار جمهوری اسلامی از ریاست محترم قوه قضائیه تقاضا داریم با دقت مستمر و پیگیری جلو اختلاس‌ها و فسادهای اقتصادی به جا مانده از قبل باشند که بهتر و در چارچوب وظایف ایشان است.

شهروندی از تهران

هیولای فقر را از بین ببریم

وقتی می‌بینم که شب‌ها برخی از هموطنانم در سطل‌های زباله دنبال غذا می‌گردند دلم می‌لرزد و افسوس می‌خورم، ما یک کشور با سابقه و تمدن هزاران ساله هستیم و با این همه ثروت که در کشور وجود دارد چرا باید شاهد چنین صحنه‌هایی باشیم؟ به نظرم دولت و مردم باید در فقرزدایی همگام شوند و به هم کمک کنند، خصوصاً افراد متمکن و ثروتمند.

تماس با خط ارتباطی

تصمیم‌های عجیب بیمه‌ای!

ابتدا دفترچه بیمه فرزندان بازنشستگان کشوری به مدت یک سال تمدید می‌شد، بعد آن را به ۶ ماه تقلیل دادند، حالا که از دانشگاه نامه اشتغال به تحصیل برده‌ایم، فقط ۳ ماه دفترچه را تمدید می‌کنند و سه ماه تابستان را قبول ندارند. مگر حق بیمه و بیمه تکمیلی از ما در این ۳ ماه کم نمی‌شود؟ اگر در این ۳ ماه برای فرزندمان بیماری پیش آمد چه باید بکنیم؟ این چه تصمیم‌هایی است که آقایان می‌گیرند و به عواقبش فکر نمی‌کنند؟

شهروندی از تهران

جریمه‌های اشتباه، پول‌های زورکی!

اخیراً جریمه کردن‌های مأموران راهنمایی و رانندگی زیاد شده است، در حالی که بسیاری از جریمه‌ها اشتباه است و در نقاط محل مختلف نبوده‌ایم. ظاهراً جریمه‌هایی که با دوربین ثبت می‌شوند قابل اعتراض هم نیستند. حداقل عکسی که دوربین گرفته است را در اختیار ما قرار دهند تا قانع شویم.

شهروندی از تهران

مراحل اداری سخت، گرفتن دزد!

چند شب پیش ماشین مرا دزد زد و باتری و لاستیکش را برده به ۱۱۰ زنگ زدیم آمدند و صورتجلسه کردند، ولی گفتند برای پیگیری باید به کلانتری بروم و آنجا هم گفتند که باید به دادگاه بروم و نامه بگیرم تا از طریق دوربین دزد ماشین شناسایی شود! کدام مال باخته برای لاستیک می‌تواند این همه مراحل را طی کند؟ در حالی که بازبینی دوربین و پیدا کردن دزدکاری راحت و وظیفه پلیس است.

یک بازنشسته روزنامه اطلاعات

چند پیامک ۱۰ هزار تومان!

حقوق ما بازنشستگان آموزش و پرورش را از طریق بانک صادرات می‌دهند. این بانک برای پولمان که اغلب نزد اوست یک ریال سود نمی‌دهد، ولی برای چهار تا پیامک که می‌فرستد۱۰ هزار تومان کم می‌کند. از بانک مرکزی می‌خواهیم پرداخت حقوق ما را به بانک دیگر محول کند.

یک هموطن

تشکر از نیروی انتظامی

از نیروی انتظامی برای انجام گشت شبانه‌روزی در خیابان‌ها که امنیت و آرامش را برای مردم فراهم می‌کنند و در کاهش جرم و جنایت مؤثر است، تشکر و قدردانی می‌کنم.

تلفن به خط ارتباطی

کاش کارمند بیمه ایران بودم!

کاش ما هم کارمند بیمه ایران بودیم و به مناسبت‌های مختلف مثل عید نوروز، آغاز فصل تابستان و پاییز و دههٔ فجر و... از پاداش و حمایت‌های شرکت بیمه برخوردار می‌شدیم.

کارمند آموزش و پرورش

وضع اقتصادی بد مردم و قطع یارانه‌ها

کارمند بازنشسته آموزش و پرورش با حقوق ماهانه ۱ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان مدت ۶ ماه است که یارانه‌ام را قطع کرده‌اند. مسئولان با اطلاع از وضع اقتصادی مردم چرا یارانه‌ها را قطع می‌کنند؟

یزدی‌نژاد از مشهد

برخورد جدی مسئولان با خودروهای دودزا

می‌خواستم از مسئولان تقاضا کنم با خودروهای دودزا برخورد جدی کنند تا ما که مجبور به امرار معاش در کنار خیابان هستیم، مبتلا به بیماری‌های ریوی نشویم.

تلفن به خط ارتباطی

انتقاد به سازمان بیمهٔ نیروهای مسلح

من پزشک هستم و طرف قرارداد با سازمان بیمهٔ نیروهای مسلح. این سازمان حدود ۱۱ ماه است که هیچ پولی به پزشکان طرف قرارداد نپرداخته است.

پزشک

درخواست از شهردار تهران

روزانه یک ساعت از وقت ما در ترافیک تقاطع باقری ـ رسالت و باقری ـ فرجام می‌گذرد. از شهرداری تهران درخواست می‌کنم پل غیرهمسطح در آنجا بسازند.

شهروند تهرانی

قطار خالی از مسافر برای ایستگاه دروازه دولت

از مسئولان شرکت مترو درخواست می‌کنم برای ایستگاه دروازه دولت در ساعات ۷ تا ۸ صبح قطار خالی از مسافر بفرستند، چون ازدحام در این ایستگاه در آن ساعات بسیار زیاد است.

تلفن به خط ارتباطی

برای مهاجرین غیرقانونی فکری بکنید

خبرهای زیادی راجع به اعمال خلاف و حتی بعضاً جنایت‌هایی که برخی از میهمانان کشور شرقی ما مرتکب می‌شوند؛ به گوش می‌رسد. چرا مسئولان برای این موضوع فکر عاجلی نمی‌کنند؟ کسانی که غیرمجاز و بدون مراحل قانونی وارد کشور می‌شوند، مسلماً بعد از ارتکاب جرم به همان راحتی هم خارج خواهند شد و این ناامنی زیادی ایجاد می‌کند.

شهروندی از تهران

وزیر محترم بهداشت بخواند

برای کشیدن عصب دندانم به دندانپزشک مراجعه کردم که دفترچه بیمه را نپذیرفت و از من بازنشسته ۶۵۰ هزار تومان مطالبه کرد. آقای وزیر بهداشت که فعالیتش قابل تقدیر هم هست بفرماید من چنین پولی را از کجا بیاورم؟ آیا برای بیماری‌های دهان و دندان نباید فکری بکنند؟

امامی از تهران

پاسخ مسئولان

پاسخ روابط عمومی شهرداری منطقه۱۴

احتراماً محل مذکور مربوط به منطقه۱۳ میباشد و باید از طریق معاونت ترافیک و حمل و نقل آن منطقه پیگیری گردد مراتب جهت اطلاع و هرگونه بهره‌برداری به حضورتان ارسال میگردد.

پاسخ شرکت مترو تهران

احتراماً خواهشمند است درخصوص مطلب مندرج در آن روزنامه، مورخ ۲۹ بهمن ۱۳۹۴ صفحه۱۳ با عنوان: همه پله‌های مترو برقی شود، پاسخ زیر در همان صفحه به چاپ برسد:

باسلام، احتراماً به استحضار می‌رساند: در راستای رفاه حال مسافران گرامی، تعداد ۸۸ ایستگاه در مترو تهران و حومه مجهز به پله برقی بوده و در مجموع تعداد ۵۸۷ دستگاه پله برقی در ایستگاه‌های کلیه خطوط در حال بهره‌برداری و خدمات‌رسانی می‌باشد. شایان ذکر است که کمتر از ده درصد از ایستگاه‌های مترو به علت محدودیت سازه‌ای، فنی، املاکی و... قابلیت نصب پله‌برقی ندارد.

بقیه در صفحه۹

اخبار کوتاه ورزشی

قهرمانی ایران در مسابقات دوومیدانی قهرمانی آسیا

رقابت‌های دوومیدانی قهرمانی معلولان آسیا و اقیانوسیه در امارات با صدرنشینی کاروان کشورمان به پایان رسید.

پنجمین و آخرین روز از رقابت‌های دوومیدانی قهرمانی معلولان آسیا و اقیانوسیه که برای کاروان ایران با طلای مختاری آغاز شده بود، با نشان طلای الهی به پایان رسید.

علی الهی در فینال دوی ۱۵۰۰ متر به عنوان قهرمانی دســـت یافت و آخرین و بیست‌وسومین نشان طلای کاروان را به نام خود ثبت کرد.پیش از الهی، مهدی اصغری در پرتاب وزنه به عنوان قهرمانی و نشان طلا دست یافت. بدین ترتیب، پرونده رقابت‌های دوومیدانی قهرمانی معلولان آسیا و اقیانوسیه برای کاروان ایران با کسب ۴۰ مدال (۲۳ طلا، ۱۰ نقره و ۷ برنز) بسته شد.این مسابقات با حضور ۲۵۰ ورزشکار از ۲۴ کشور از ۱۷ تا ۲۲ اسفند به میزبانی امارات برگزار شد و کاروان کشورمان با ۲۹ ورزشکار خود (۲۶ مرد و ۳ زن) موفق شد مقتدرانه بر سکوی اول قرار بگیرد.پس از ایران، چین با ۳۱ و هند با ۳۰ مدال دوم و سوم شدند، ژاپن با ۲۵ مدال چهارم شد و عنوان پنجم هم به امارات با ۲۰ مدال رسید.

ابوالفضل ساوه‌ای به مدال نقره آسیا دست یافت

ورزشکار ایرانی حاضر در مسابقات کوهنوردی با اسکی قهرمانی آسیا مدال نقره رشته انفرادی را کسب کرد.

به گزارش مهر، در ادامه مسابقات «کوهنوردی با اسکی» جام جهانی و کاپ آسیا که در کره جنوبی در حال برگزاری است، «ابوالفضل ساوه‌ای» در رقابتی نزدیک با حریفانی از کشــــورهای روسیه، چین، ژاپن و کره توانست سکوی دوم مســـابقات «کو هنوردی با اسکی» را در رشته انفرادی و در رده بندی کاپ آسیا کسب کند.این رقابت در مسیری ۱۸ کیلومتری برگزار شد که نماینده ژاپن قهرمان شدو ابوالفضل ساه ای دررده دوم قرار گرفت و دیگر نماینده ژاپن مقام ســـوم را از آن خود کرد.ساوه ای روز گذشته به مدال برنز بخش ورتیکال دست یافته بود.

پتروشیمی یک گام تا فینال لیگ برتر بسکتبال

مرحله نیمه‌نهایی لیگ برتر بسکتبال ازامروز آغاز می‌شود.

به گزارش ایسنا، با شکست تیم پرمهره دانشگاه‌آزاد برابر شهرداری اراک، چهار تیم حاضر در مرحله نیمه‌نهایی لیگ برتر مشخص شدند و این مرحله از امروز با نبرد بهترین‌های فصل آغاز می‌شود.

مطمئنا حساس‌ترین دیدار این مرحله بین دو تیم نفت آبادان و شیمیدر تهران اســـت. نفتی‌ها که با دو برد برابر شهرداری گرگان به جمع چهار تیم نخســـت لیگ رسیدند، دو بر یک از حریف تهرانی خود عقب هستند و در نخســـتین دیدار نیمه‌نهایی در خانه به میدان می‌روند و امیدوارند با حمایت هواداران‌شان، کار را به تساوی بکشانند و با خیالی آسوده راهی تهران شوند اما در طرف دیگر نماینده تهران شـــرایط مناسبی دارد و می‌خواهد در آبادان گامی بلند برای فینالیست شدن بردارد.همچنین پتروشیمی اکنون یک گام تا فینال فاصله دارد و شاگردان شاهین‌طبع که با یک برد به نیمه‌نهایی رسیدند استراحت خوبی داشتند اما شاید دور از شرایط مسابقه بودن در اراک برایشان مشکل ساز شود.

برنامه این دو مسابقه به شرح زیر است:

شهرداری اراک – پتروشیمی – ساعت ۱۶ – اراک

نفت آبادان – شیمیدر تهران – ساعت ۱۶ – آبادان

دکتر قراخانلو: همایش تربیت بدنی وزارت ورزش و پژوهشگاه را به هم پیوند داد

رئیس پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی پس از پایان نهمین همایش بین‌المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی گفت: با حضور وزیر ورزش و جوانان و معاونانـــش در این همایش بار دیگر پیوند بین وزارت ورزش و جوانان و پژوهشگاه تربیت بدنی مستحکم شد.

دکتر رضا قراخانلو در گفتگو با ایسناافزود: توقعی که از نهمین همایش بین‌المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی داشتیم، استاندارد و تعریف شده بود و توانستیم طی دو روز، به اهداف پیش‌بینی شده خود دست پیدا کنیم. در این همایش، اطلاعات، دانش و تجربیات خوبی بین اساتید داخلی و خارجی تبادل نظر شد و توانستیم با ارتباط خوبی که با مهمانان خارجی ایجاد کردیم، زمینه حضور دانشجویان و اساتید خود را برای ارتقای سطح علمی آنها در آینده در این کشورها فراهم کنیم.

رئیس پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی درباره دستاوردهای این همایش اضافه کرد: با برپایی این همایش در پی آن بودیم تا نخستین نشریه علمی خود را به زبان انگلیسی در حوزه علوم تربیت بدنی به چاپ برسانیم. این مساله در دست اقدام است و به زودی منتشر خواهد شد. این اتفاق یکی از گام‌های بسیار مهم پژوهشگاه در سال جاری خواهد بود.

جدال پیکان و بانک سرمایه برای قهرمانی لیگ والیبال

دیدار پایانی فینال لیگ برتر والیبال را امروز تیم های پیکان و بانک سرمایه برگزار می کنند تا تکلیف قهرمان این مسابقات را روشن کنند و به فصل حاشیه سازی در لیگ برتر پایان دهند.

به گزارش مهر، تیم های پیکان و بانک ســـرمایه از ساعت ۱۶ امروز دیدار پایانی رقابتهای لیگ برتر را در خانه والیبال برگزار می کنند. این سومین بازی دو تیم در مرحله فینال مسابقات است. پیش تر دو مسابقه دیگر برگزار شد که سهم هر تیم یک برد بود.

بر اساس برنامه قبلی مسابقات قرار بر این بود فینال لیگ برتر به صورت سه از پنج برگزار شود و تیمی که در مجموع پنج مسابقه بتواند سه برد کسب کند اما درگیری های متوالی بازیکنان و کادر فنی این تیم ها در دو بازی قبلی و اتفاق غیرمنتظره ای که برای رضا ابراهیمی در تمرینات پیکان رخ داد و این مربی را در بیمارســـتان بستری کرد سبب شد تا سازمان لیگ با تشکیل جلسه فوق العاده در حضور مســـئولان این تیم ها برنامه قبلی را تغییر دهد تا بازی سوم بین دو تیم تعیین کننده قهرمان این مسابقات باشد.پیکان که بدنبال تکرار قهرمانی خود در این مسابقات است در نخستین بازی فینال بازگشت خوبی داشت و در حالی که دو ست از حریف خود عقب بود اما به ناگاه سه ست متوالی را برد تا گام اول را محکم بردارد.در بازی دوم شرایط متفاوت بود.

بانک ســـرمایه با انگیزه ای که موسوی، محمودی، غلامی، ظریف و دیگر ستاره های این تیم داشتند توانست در سه ست متوالی از سد رقیب قدرتمند خود بگذرد که البته این بـــار پای مربیان هم در کنار بازیکنان با یکدیگر درگیر شدند و آن را به رسانه ها هم کشاندند.



دو بازی پرحاشیه از پیکان و بانک سرمایه سبب شد تا نگاه‌های بسیاری به لیگ برتر تغییر کند. حواشی که در این فصل به وضوح در سالن ها به چشم آمد و امروزبه پایان خواهد رسید. باید دید که آیا در روز پایانی هم این رفتارها ادامه خواهد یافت یا اینکه بالاخره با ستاره های میلیاردی خود نیم نگاهی هم به اخلاق خواهند داشت.

برنامه مسابقات تیم ملی والیبال ایران در انتخابی المپیک اعلام شد

همچنین فدراسیون جهانی والیبال برنامه رقابت های انتخابی المپیک که خردادماه ســـال آینده به میزبانی ژاپن برگزار می شود را اعلام کرد.

براساس اعلام فدراسیون والیبال، رقابت‌های انتخابی المپیک از هشتم تا شانزدهم خرداد ماه سال آینده (۱۳۹۵) با حضور هشت تیم ایران، لهستان، فرانسه، ژاپن، چین، استرالیا، ونزوئلا و کانادا برگزار می شود.

بر اساس برنامه اعلام شده از سوی فدراسیون جهانی والیبال تیم ملی والیبال کشـــورمان در نخستین دیدار این رقابت ها به مصاف استرالیا خواهد رفت.

برنامه تیم ملی کشورمان در این رقابت ها به شرح زیر است:

(هشـــتم خرداد ماه–ایران – استرالیا)–(نهم خرداد ماه–کانادا – ایران)–(یازدهم خرداد ماه–ایران – فرانسه)–(دوازدهم خرداد ماه ژاپن – ایران) – (سیزدهم خرداد ماه–ایران – چین)–(پانزدهم خرداد ماه – لهستان – ایران)–(شانزدهم خرداد ماه–ایران – ونزوئلا).

ســـیچلو: ۷ مســـابقه در ۱۰ روز، کار ســـختی پیش روی داریم

مربی آرژانتینی تیم ملی والیبال ایران با اشـــاره به فشـــردگی برنامه های این تیم در انتخابی المپیک گفت: کار ســـختی در مسابقات انتخابی المپیک برای برگزاری هفت مســـابقه در ده روز پیش روی داریم.مربی تیم ملی والیبال ایران در آغاز هفته سوم تمرین تیم ملی درباره برنامه دیدارهای ایران در این بازی‌ها گفت: فرقی نمی کند که در روز نخست با کدام تیم بازی کنیم، زیرا در مدت ۱۰ روز هفت مسابقه دشوار در این رقابتها داریم.

خوان سیچلو تاکید کرد: مسابقات انتخابی المپیک با حضور هشـــت تیم از جمله ایران برگزار می شود و این رقابت برای همه تیم ها سخت خواهد بود. باید تمام تلاش خود را انجام دهیم تا بتوانیم جواز حضور در مســـابقات المپیک را در توکیو از آن خود کنیم و به تنها هدف محقق نشده والیبال ایران، دست پیدا کنیم.

رقابتهای انتخابی المپیک از هشتم تا شانزدهم خرداد ماه سال آینده (۱۳۹۵) با حضور هشت تیم ایران، لهستان، فرانســـه، ژاپن، چین، اســـترالیا، ونزوئلا و کانادا برگزار می‌شود. تیم ملی والیبال کشورمان در نخستین دیدار این رقابتها به مصاف استرالیا خواهد رفت.

۶ نفر کاندیدای ریاست فدراسیون فوتبال شدند

سرویس ورزشـــی: با پایان یافتن مهلت ثبت نام، کاندیداهای ریاست فدراسیون فوتبال، سرانجام مشـــخص شد که حدس و گمانه‌زنی‌ها همگی درســـت از آب در نیامد و کفاشـــیان که تا روز آخر نفر نخست این رقابت محســـوب می‌شد، بنا به هر عللی از ثبت نام خودداری کرد. او پس از ۸ سال حالا باید در پســـتی دیگر (نایب رئیسی) بخت خود را آزمایش کند. از دیگر گزینه‌هایی که احتمال ثبت نام او می‌رفت علیرضا اسدی دبیر فعلی فدراسیون بود فردی که گفته می‌شـــد از گزینه‌های مورد حمایت یا نزدیک به وزارت ورزش اســـت او هم نیامد تا پیش داوری‌ها غلـــط از کار درآید و حرف و حدیث‌ها پایان یابد.

بیش از یک ماه به روز انتخابات وقت باقی است و هنوز نمی‌توان به طور قاطع گفت چه اتفاقی رخ خواهد داد. اما در یک نگاه ساده و ابتدایی به فهرست نامزدها و۶ کاندیدای فعلی باید گفت؛ که در این فهرست از چهره‌های فوتبالی خبری نیست، در این صورت کدامیک از این افراد توان اداره فدراسیون عریض و طویل فوتبال را خواهند داشت؟ فدراسیونی که از نظر توجه و اقبال عمومی شـــانه به شانه وزارت ورزش زده و همواره مورد توجه افکار و اقبال عمومی است. باید منتظر بود و دید تا روز آخر در این مسیر کدامیک از کاندیداها به سود دیگری کنار می‌رود یا برنامه‌های خود را با وزارت ورزش همسو خواهد کرد تا آرای بیشتری را به سود خود جمع کند و مانند اکثر انتخابات کاندیداها در پشت درهای بسته به چه توافقی می‌رسند. و در نهایت لابی و چانه‌زنی‌ها عرصه رقابت را از ۶ نفر به ۲ یا ۳ نفر محدود خواهد کرد.برای رسیدن به این پاسخ‌ها باید منتظر بود. سئوال اساسی این است که «جامه» ریاست فوتبال را حاشیه‌های فراوانش برازنده کدامیک از این ۶ نفر است؟

و کدامیک از نفرات فعلی توان و شایستگی لازم را دارند چرا که فوتبال و مصائب و مدیریت آن نشان داده است که اداره آن کار فرد نیست و باید با برنامه و کارگروهی آن را به انجام رساند.

فدراسیون فوتبال ۱۱ اردیبهشت رئیس جدید خود را می‌شناسد. در نبود مرد خنده‌رو معلوم نیست سکاندار آتی کشتی فوتبال ایران چه کسی خواهد بود که در زیر به طور مختصر به بررسی ایشان می‌پردازیم.

مصطفی آجرلو

رئیس سازمان تربیت بدنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سابقه طولانی در فوتبال ایران دارد. سردار مصطفی آجرلو سال‌ها به عنوان مدیرعامل باشگاه پاس یکی از تیم‌های تهرانی ریشه‌دار فعالیت کرده و با این تیم به قهرمانی در لیگ برتر هم دست یافته است.

عزیز محمدی

رئیس سابق سازمان لیگ فوتبال و رئیس فعلی اتحادیه باشگاه‌های فوتبال ایران – تداخل این دو سازمان بحث مفصل دیگری است – قبلا یک بار شانس خود را در انتخابات فدراسیون آزمود. دوره قبل عزیز محمدی به سود یکی از کاندیداها کنار رفت.

علیرضا معظمی نیا

خریدار سابق باشگاه پرسپولیس گفته است اگر رئیس فدراسیون فوتبال شود، یک میلیارد تومان به هر یک از هیات‌های استانی کمک مالی می‌کند! آیا این پیشـــنهاد آن قدر وسوسه‌برانگیز است که رای روسای هیات‌ها را به سبد آقای خریدار بریزد؟

شهاب‌الدین عزیزی خادم

عضو هیات رئیسه فدراســـیون فوتبال از همان روزی که وارد عرصه انتخابات شد، ثابت کرد که به شدت در پی کسب نام است. او در کمال گمنامی به عضویت هیات رئیسه بزرگ‌ترین فدراسیون ایران درآمد و حالا برای خود نامی آشنا در فوتبال محسوب می‌شود.

علی‌اکبر ابرقویی‌نژاد

رئیس چندین دوره ای هیات فوتبال اســـتان اصفهان که سال‌هاست این ســـمت را حفظ کرده این بار می‌خواهد با جهشـــی بلند بر کرسی ریاست فدراسیون فوتبال تکیه بزند؛ فدراسیونی که او بارها با مدیرانش وارد بحث‌های جدی شده و همواره جایگاه مدیریتش با بحث و جدل‌های فراوان همراه بوده است.

مهدی تاج

رئیس سازمان لیگ فوتبال ایران یکی از افرادی است که سال‌ها مدیریت در فوتبال ایران را تجربه کرده است و هم‌اینک هم مسئولیت سنگینی دارد. تاج بخت زیادی برای انتخاب شدن دارد چون مسقیما با مدیران باشگاه‌ها و روسای هیات‌های استانی در ارتباط است.

در نبود کفاشیان رقابت شش نامزد ریاست فدراسیون شاید جذابیت نداشته باشد اما حساسیت زیادی دارد. هر یک از نامزدهای ریاست، شیوه خاص خود را در مدیریت دارند که حداقل مدیریت چهار نفرشـــان قبلا به بوته آزمایش گذاشته شده است.مجمع فدراسیون فوتبال باید ۱۱ اردیبهشت یکی از این شش مرد را به عنوان رئیس جدید فدراســـیون فوتبال انتخاب کند؛ رئیسی که طبق گفته‌های کفاشیان ممکن است فشارهای زیادی روی دوشش وارد شود. رئیس جدید باید تحمل و توان مقاومت برابر فشارهای نامتعارف را داشته باشد.

اسامی بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران اعلام شد

اسامی بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران برای حضور در اردوی پیش از بازی با هندوستان و عمان اعلام شد که در بین آنها نام هفت بازیکن پرسپولیس و سه بازیکن استقلال که صدرنشـــین لیگ است دیده می شود.

به گزارش مهـــر، کارلوس کی‌روش سرمربی تیم ملی فوتبال ایران اســـامی ۱۹ بازیکن را برای حضور در اردوی نخست تیم ملی فوتبال اعلام کـــرد. این کمپ از امروز تا ۲۸ اسفند در تهران برگزار خواهد شد.

۱– امید ابراهیمی ۲– محسن کریمی ۳– ســـجاد شـــهباززاده (اســـتقلال)، ۴– علی عاشـــوری (استقلال خوزســـتان)، ۵– سوشا مکانی ۶– احمد نوراللهی ۷– کمال کامیابـــی نیا ۸– مهـــدی طارمی ۹– رامین رضاییان ۱۰– فرشـــاد احمدزاده ۱۱– محمـــد انصاری (پرسپولیس)، ۱۲– مهرداد محمدی (راه آهـــن)، ۱۳– مهـــدی ترابی (ســـایپا)، ۱۴– داریوش شجاعیان (گســـترش فولاد)، ۱۵– عزت‌الله پورغاز ۱۶–محمدحسین کنعانی (ملوان)، ۱۷– سید جلال حسینی ۱۸– وحید امیـــری ۱۹– علیرضا بیرانوند (نفت تهران)

بازیکنان دعوت شده به اردوی تیم ملی باید ساعت ۱۱:۳۰ امروز در هتل آزادی خود را به مربیان تیم ملی معرفی کنند.

لیست نهایی تیم ملی روز ۲۹ اسفند اعلام خواهد شد.

همچنیـــن کادر فنی تیم ملی فهرست ۱۶ نفره‌ای را با عنوان لیست انتظار برای حضور احتمالی در لیست نهایی به این شرح اعلام کرد:

۱– پژمان منتظـــری (الاهلی قطر) ۲– مسعود شجاعی (الغرافه قطر) ۳– اشکان دژاگه (العربی قطر) ۴– مرتضی پورعلی‌گنجی (السد قطر) ۵– علیرضا جهانبخش (آلکمار هلند) ۶– رضا قوچان نژاد (چارلتون انگلیس) ۷– میلاد محمدی (ترک گروزنی روسیه) ۸– کریم انصاری فرد (پانیونیوس یونان) ۹– سردار آزمـــون ۱۰– ســـعید عزت‌اللهی (روستف روسیه) ۱۱– احسان حاج صفـــی (اف اس وی فرانکفورت آلمـــان) ۱۲– محمدرضا اخباری (تراکتورسازی) ۱۳– محمدرشید مظاهری ۱۴– احسان پهلوان (ذوب آهن) ۱۵– وریا غفوری (سپاهان) ۱۶– علیرضا حقیقـــی (ماریتیمو پرتغال).

لازم بـــه ذکر اســـت که تیم ملی فوتبال کشورمان در مسابقات مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه، روز ۵ فروردین بـــه مصاف هند می رود و در روز ۱۰ فروردین مقابل عمان صف آرایی خواهد کرد.

جهان فوتبال

آلکمار در حضور ۸۹ دقیقه‌ای جهانبخش ویلم را شکست داد



آلکمار به همراه مهاجم ایرانی‌اش برابر ویلم به پیروزی دست یافت.

به گزارش ایسنا، آلکمار در هفته بیست‌وهفتم لیگ یک هلند با دو گل ویلم را شکست داد.نیمه نخست بازی بدون گل به پایان رسید. در دقیقه ۷۰ وینسنت جانسن از روی نقطه پنالتی دروازه ویلم را باز کـــرد و چند دقیقه بعد گل دوم خود و تیمش را به ثمر رساند.علیرضا جهانبخش در ترکیب اصلی حضور داشت و در دقیقه ۸۹ تعویض شد.آلکمار با ۴۶ امتیاز در جایگاه سوم قرار دارد.

قهرمانی مقتدرانه پاری سن ژرمن در فرانسه

تیم فوتبال پاری سن ژرمن در فاصله هشت هفته مانده به پایان لیگ باشگاه های فرانسه، عنوان نخست خود را قطعی کرد تا مقتدرانه ترین قهرمانی تاریخ لوشامپیونه را رقم بزند.

به گزارش ایرنا، در هفته ســـی ام لیگ فوتبال باشگاه های فرانسه دیروز پاری سن ژرمن صدرنشین میهمان تیم قعرنشین تروپس بود و با ارائه نمایشی دیدنی به برتری قاطع ۹ بر صفر دست یافت تا پاریسی ها ، برای چهارمین بار متوالی به قهرمانی لیگ برسند.این تیم تاکنون ۶ مرتبه قهرمان لیگ و ۹ دوره هم فاتح جام حذفی فرانسه شده است.

شـــاگردان لورن بلان درحالی با ۷۷ امتیاز، قهرمانی خود را مسجل کرده اند که در پایان هشت هفته مانده به پایان لیگ باشگاه های فرانسه تیم موناکو با ۵۲ امتیاز در جایگاه دوم قرار دارد.

پایان فصل کابوس‌وار چلسی با وداع از جام حذفی

چلسی با شکست دو بر صفر در خانه اورتون از جام حذفی انگلیس حذف شد تا فصل کابوس‌وار برای آبی های لندن خیلی زود به پایان برسد.

در یک دیدار از جام حذفی انگلیس دو تیم اورتون و چلســـی برابر هم به میدان رفتند که این دیدار با برتری ۲ بر صفر اورتون به پایان رسید تا فصل به بدترین شکل ممکن برای چلسی به پایان برسد.چلسی این هفته با شکست برابر پاری سن ژرمن از لیگ قهرمانان نیز کنار رفت.فرهاد مشیری سهامدار ایرانی اورتون هم برای نخستین بار در ورزشگاه حاضر بود و این دیدار را از نزدیک تماشاکرد.

آرسنال هم از جام حذفی کنار رفت

همچنین مدافع عنوان قهرمانی جام حذفی انگلیس هم با شکست دو بر یک خانگی برابر واتفورد از این جام کنار رفت تا نتواند سومین قهرمانی پی در پی در این جام را کسب کند.

برد پر گل بارسلونا مقابل ختافه

تیم فوتبال بارسلونا برابر ختافه در هفته بیست و نهم رقابتهای لالیگا به بردی پرگل دست یافت و به آرسنال برای دیدار برگشت اعلام آمادگی کرد.

تیم های فوتبال بارسلونا و ختافه در چارچوب هفته بیست و نهم رقابتهای لالیگا در ورزشگاه نوکمپ مقابل هم به میدان رفتند که در پایان تیم بارسلونا برابر حریف خود ۶ بر صفر پیروز شد.بارسلونا که بوسکتس و ماسکرانو را بخاطر محرومیت در اختیار نداشت، سوارس را هم روی نیمکت نشاند اما در نهایت حریف خود را با ۶ گل در هم کوبید. این در شرایطی بود که شاگردان انریکه دو بار تیر دروازه حریف را به لرزه در آوردند و یک ضربه پنالتی هم توسط مسی از دست رفت.

سایر نتایج:

اتلتیکو مادرید ۳ – دیپورتیو لاکرونیا صفر

سلتاویگو یک – سوسیداد صفر

لوانته یک – والنسیا صفر

بایرن با شکست وردربرمن برای یووه خط و نشان کشید

تیم فوتبال بایرن مونیخ در هفته بیست و ششم رقابتهای بوندس لیگا برابر وردربرمن به برتری پرگل دست یافت.

تیم فوتبال بایرن مونیخ در چارچوب هفته بیست و ششم رقابتهای بوندس لیگای آلمان به مصاف وردربرمن رفت و با ارایه یک بازی خوب حریف خود را با حساب ۵ بر صفر شکست داد.و با این نتیجه برای بازی مقابل یوونتوس خط ونشان کشید.

نتایج سایر دیدارها:

مونشن گلادباخ ۳ – فرانکفورت صفر

هانوفر صفر – کلن ۲

هوفن هایم یک – وولفسبورگ صفر

اینگول اشتات ۳ – اشتوتگارت ۳

دارمشتات ۲ – آگزبورگ ۲

معاون اول رئیس جمهوری: برنامه سه ساله اصلاح نظام اداری در دولت تصویب شد

بقیه از صفحه ۲

جهانگیری گفت:البته یک موضوع انحرافی که دراین میان به وجودآمده این است که عده ای یکشبه بخش خصوصی شده اند و نمونه آن افرادی هستند که با زدو بند،وام‌های کلان چندهزار میلیاردی دریافت کرده اندو این درحالی است که برخی فعالان بخش خصوصی که سالیان سال ودرنسل‌های مختلف است که فعالیت سالم صنعتی و اقتصادی دارند، قادر نبوده اند تاحد چند صد میلیاردی، تسهیلات دریافت کنند.

وی تصریح کرد: دولت تدبیر و امید بـــه لحاظ نگرش و رویکرد، هیچ محدودیتی برای توسعه فعالیت بخش خصوصی قائل نیست اما موانعی پیش روی آن وجود دارد که باید برطرف شود. معاون اول رئیس جمهوری با تاکید بر این که باید گفتگوها واقعی باشـــد و به دنبال راهکار باشیم، گفت: تاکید بر اصلاح روندها و رفع موانع به تنهایی کافی نیست ،بلکه باید راهکار و پیشنهاد هم ارائه دهیم به گونه ای که همه جوانب و ابعاد و زوایای مختلف در آن لحاظ شده باشد.

جهانگیری با اشاره به این که در شرایط اقتصادی حساسی قرار داریم، افزود: در سال‌های گذشته اقتصاد کشور از مسیر صحیح خارج شد و امروز بنا داریم اقتصاد را به ریل اصلی خود بازگردانیم و سرعت حرکت آن را افزایش دهیم.

وی با اشـــاره به این که بیکاری یک چالش اصلی برای کشور محسوب می‌شود ،گفت: اگر تمامی‌فارغ التحصیلان و افراد جویای کار را فرزندان خود بدانیم، از بیکاری آنها رنج می‌بریم.

معاون اول رئیس جمهوری ادامه داد: در ســـال‌های گذشته قدرت خرید مردم در شهرها ۱۵ درصد و در بخش روستایی ۲۹ درصد کاهش یافته و لازم است گام‌هایی برای بهبود وضع معیشت مردم و افزایش رفاه آنها برداریم.

جهانگیری با یادآوری این که رقبای اصلی ایران در منطقه در ســـال‌های گذشته رشد اقتصادی داشته اند، گفت: براساس سند چشم انداز ۲۰ ساله ،قرار بود ایران در جایگاه نخست منطقه قرار گیرد، اما امروز که ۱۰ سال نخست آن به پایان رسیده است، با وجود منابع سرشار و درآمدهای فراوان ، متاسفانه با اهداف تعیین شده فاصله زیادی داریم.

وی با تشکر از نیروهای مسلح کشور برای برقراری اقتدار امنیتی ، تصریح کرد: در شرایطی که هرگوشه از منطقه درگیری و کشتار و ناامنی وجود دارد، با تلاش نیروهای قدرتمند مسلح، امروز ایران کانون ثبات و آرامش در منطقه است و بر ما واجب است که در این شرایط اقتدار اقتصادی کشور را برقرار کنیم.

توافق هسته ای فرصتی برای توسعه

معاون اول رئیس جمهوری با تاکید براین که برجام در حقیقت آغاز کار است، لغو تحریم‌ها و توافق هسته ای را فرصتی برای توسعه کشور دانست و گفت: نیازمند استفاده از فناوری‌های پیشرفته، منابع مالی و دستیابی به بازارهای بین المللی هســـتیم و برجام فرصتی بزرگ پیش روی ما ست تا بتوانیم به این اهداف دست پیدا کنیم.جهانگیری با اشاره به کاهش بهای نفت و نوسان ایجاد شده در قیمت ارز در بسیاری از کشورهای همسایه، تصریح کرد: در روزهای اخیر بانک مرکزی هیچ دخالتی برای کاهش قیمت ارز نداشته است و دولت هیچ گونه دخالت اداری نکرده است. اعتماد مردم نسبت به آینده و مدیریت کشور باعث شده است که هیچ اقدام ناگهانی ازسوی مردم سر نزند و اگر این اعتماد در میان مردم وجود نداشت، شاهد افزایش لحظه ای قیمت ارز بودیم.

وی به تشریح برخی از برنامه‌های دولت برای سال ۹۵ پرداخت و گفت: توسعه صادرات غیرنفتی و جذب ســـرمایه گذاری خارجی از اولویت‌های اساسی دولت در سال ۹۵ است ،ضمن آنکه مصمم هستیم موانع توسعه صادرات غیرنفتی را برطرف کنیم و لازم است نظام بانکی و صندوق توسعه ملی از این اقدام پشتیبانی کنند .

معاون اول رئیس جمهوری، اصـــلاح نظام بانکی را از برنامه‌های دولت در سال ۹۵ برشمرد و افزود: بانک‌ها باید افزایش سرمایه داشته باشند و قدرت تسهیلات دهی آنها بالا برود.

جهانگیری با تاکید بر لزوم اصلاح نظام اداری کشور، گفت: طرحی سه ساله برای اصلاح نظام اداری در دولت به تصویب رسیده است و تلاش داریم با راه اندازی دولت الکترونیک و دولت همراه، خدمات بهتری را به مردم ارائه دهیم. وی با تاکید براین که یکسان سازی نرخ ارز برای سال ۹۵ در دستور کار دولت قرار دارد، اظهار داشـــت: البته به دنبال یکسان سازی نرخ به صورت دستوری نیستیم، بلکه می‌خواهیم نرخ ارز به صورت واقعی و در بازار تعیین شود.معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به این که بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان طرح نیمه تمام در کشـــور وجود دارد، گفت: دولت اهتمام دارد طرح‌های نیمه تمام را به بخش خصوصی واگذار کند، چرا که این طرح‌ها با بودجه دولتی قابل اجرا نیست و باید سازوکاری طراحی شود که بخش خصوصی این طرح‌ها را اجرا و دولت از بخش خصوصی خدمات را خریداری کند.

جهانگیری، بهبود فضای کســـب و کار را هم از اولویت‌های دولت برای سال ۹۵ معرفی کرد و گفت: براســـاس گزارش‌های دریافتی ۲۰۰۰ مجوز در دستگاه‌های اجرایی شناسایی شده که تاکنون ۴۰۰ مورد از آنها لغو شده است و لازم است رئیس اتاق بازرگانی با وزارت اموراقتصادی و دارایی برای تکمیل ایـــن برنامه مذاکره کند.وی با تاکید براین که باید پارس جنوبی تکمیل کنیم و فعالیت خود را در میادین مشترک نفت و گاز افزایش دهیم، گفت: سال ۹۵ باید وضع ساخت و ساز و مسکن هم در کشور رونق جدی پیدا کند و باید همه این اولویت‌ها ذیل اقتصاد مقاومتی دنبال و پیگیری شود.معاون اول رئیس جمهوری در بخش پایانی سخنان خود، گفت: از بخش خصوصی انتظاراتی وجود دارد که یکی از این انتظارات، تلاش مضاعف برای توسعه صادرات است و لازم است شرکت‌های بزرگی برای این منظور تاسیس شود تا فرصت‌های فراهم شده در توسعه صادرات از دست نرود.

درادامه این نشســـت، وزیر صنعت، معدن و تجارت هم گفت: بخش خصوصی در سال‌های اخیر تضعیف شده و لازم است برای مشارکت هرچه بیشتر آن در سازندگی و افزایش سرمایه گذاری، شرایطی فراهم آید تا این بخش تقویت شود.مهندس نعمت زاده ،ضرورت به کارگیری مدیران توانمند را مورد تاکیـــد قرار داد و افزود: نوآوری و ابتکار باید در نگرش مدیران بخش صنعت وجود داشته باشند تا بتوانند کشتی اقتصاد را به درستی هدایت کنند.

رئیـــس اتاق بازرگانی ایران هم در این جلســـه با تاکید براین که فعالان اقتصادی آمادگی دارند که در کنار دولت اهداف اقتصادی و توســـعه کشور را دنبال کنند، گفت: امروز حضور فعالانه و جدی بخش خصوصی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود و تجربیات گذشته این موضوع را به ما دیکته می‌کند که تنها راه نجات اقتصاد کشور از وضع فعلی حرکت به سمت رونق اقتصاد با محوریت بخش خصوصی است.

در ادامه ،رئیس شـــورای عالی پیشکســـوتان اتاق بازرگانی، رئیس اتاق بازرگانی تهران و چند نفر از اعضای این شورا در سخنانی به بیان دغدغه‌ها و دیدگاه‌های خود پرداختند و بر آمادگی شورای عالی پیشکسوتان اتاق بازرگانی برای همکاری و همفکری هرچه بیشتر با دولت تاکید کردند.

مراسم سالگرد درگذشت والده مکرمه رئیس جمهوری برگزار شد

مراســـم نخســـتین سالگرد درگذشت بانو سکینه پیوندی، والده مکرمه حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری در شهرستان سرخه برگزار شد.

این مراســـم روز یکشنبه و همزمان با ایام فاطمیه و ســـالروز شـــهادت بی بی دو عالم، ام ابیها اسوه زنان عالم حضرت فاطمه زهرا (س)، در مصلی و حسینیه شهداء شهرستان سرخه برگزار شد.

همزمان با حضور دکتر روحانی و حسین فریدون دســـتیار ویژه رئیس جمهوری، شماری از وزرا، معاونین رئیس جمهوری، اعضای دولت، مسئولان استان و روحانیون و مردم قدرشناس استان سمنان به ویژه شهرستان سرخه در این مراسم حضور داشتند.

حجت الاســـلام والمسلمین کازرونی در این مراسم با برشمردن ویژگی ها و ســـجایای بانوی دو عالم حضرت صدیقه کبری (س)، تصریح کرد: تکریم و حفظ احترام به پدر و مادر پیوسته در دین مبین اسلام مورد تاکید است و جایگاه مادران در ســـعادت دنیا و آخرت نقشی بی بدیل دارد.

وی با بیان این که مادران شجاع و اهل ایمـــان، فرزندان اهل ایمان و شـــجاع تربیت می کنند، اظهار داشت:

اخلاق در کشور باید حرف اول را بزند و در همین زمینه، تلاش ها برای احیای اخلاق در جامعه باید تداوم یابد و در جامعه ای که در آن هتاکی، دروغ و ریختن آبروی مومن وجود داشته باشد، جامعه علوی و زهرایی نیست.

مداحان اهل بیت(ع) در ادامه این مراسم به نوحه خوانی و مرثیه سرایی پرداختند.

رئیس جمهوری همچنین با حضور بر مزار شـــهدای سرخه و قرائت فاتحه، از مقام شامخ شهدای انقلاب اســـلامی و دفاع مقدس تجلیل کرد.



بازدید از پایگاه امداد و نجات جمعیت هلال احمر

رئیس جمهوری عصر یکشنبه پس از شـــرکت در مراسم اولین سالگرد درگذشـــت والده مکرمه خود در شهرستان سرخه و در مسیر بازگشت از سمنان به تهران؛به طور سرزده از یکی از پایگاه های امداد و نجات بین شـــهری (جاده ای) جمعیت هلال احمر در مسیر اتوبان ســـمنان به تهران بازدید و ضمن گفتگو با امدادگران این پایگاه ها، از تلاش کارکنان هلال احمر و همه بخش هایی که در جاده های کشور به ویژه در تعطیلات نوروزی به طور شبانه روزی مشغول خدمات رسانی به مردم هستند، تقدیر کرد.

روحانی در جریان این بازدید در گفتگوبا خبرنـــگاران، با تقدیر از اقدامات هـــلال احمر در نقاط مختلف کشور، افزود: هلال احمر در حوادث غیرمترقبه و هنگام رخداد بلایای طبیعی کمکرسان مردم بوده و عملکرد خوبـــی را از خود به نمایش گذاشته و در سال های اخیر هم امکانات و تجهیزات خوبی در اختیار آنان قرار گرفته است.

وی رعایت قوانین و مقررات و توجه به حفظ محیط زیست در سفرهای نوروزی را مورد تاکید قرار داد و گفت: سلامت مردم و حفظ محیط زیست برای ما حائز اهمیت است.رئیس جمهوری خاطرنشان کرد: هلال احمر در ایام نوروز باید با آمادگی دو چندان برای ارائه کمک و خدمت رسانی به مردم و مسافران فعالیت کند.

برنامه وزارت بهداشت برای درمان زوج‌های نابارور کم‌بضاعت

معاون درمان وزارت بهداشـــت ضمن تشـــریح برنامه‌های این وزارتخانه در زمینـــه درمان زوج‌های نابارور، با بیان اینکه سالانه حدود ۸۸ هزار زوج نابارور به میزان زوج‌های نابارور کشور افزوده می‌شود، گفت: در گام اول اجرای برنامه، زوج های نابارور کم بضاعت تحت حمایت مالی قرار می گیرند.

دکتر محمد آقاجانی در گفتگو با ایســـنا، درباره میزان شیوع ناباروری در کشور، گفت: شیوع ناباروری در کشـــور حدود ۱۱ تا ۱۹ درصد برآورد شده است و بیشترین میزان ناباروری نیز در گروه‌های سنی بین ۲۰ تا ۳۹ سال بوده است.

وی با بیان اینکه حدود ۱،۷ میلیون زوج، ســـابقه ناباروری اولیه و ثانویه دارند، افزود: متاســـفانه سالانه حدود ۸۸ هزار زوج نابارور به این تعداد افزوده می‌شود؛ این موضوع نشـــان می‌دهد که نیازمند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان، برای حمایت مالی از زوج‌های نابارور و تجهیز مراکز ناباروری دولتی هستیم.

وی اقدامات لازم برای ساماندهی مراکز ناباروری را ساماندهی و توسعه مراکز آموزشی – درمانی موجود، مدیریت، سیاست‌گذاری و ساماندهی درمان خدمات ناباروری، مدیریت اطلاعات و نظارت عنوان کرد.

آقاجانی با بیان اینکه بر اســـاس این احساس نیاز، برنامه حمایت مالی از زوج‌های نابارور و توســـعه و مدیریت خدمات درمان ناباروری در دستور کار معاونت درمان وزارت بهداشت قرار گرفت، از ابلاغ این برنامه به دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در اواخر دی ماه سال ۹۴ خبـــر داد و گفت: ۳۵ درصد از زوج‌های نابارور به روش‌های کمک باروری نیاز پیدا می‌کنند.

حال تنها ۱۸ درصد از سیکل‌های کمک باروری از سوی بخش دولتی ارائه می‌شود.

معاون درمان وزارت بهداشـــت با بیان اینکه ۸۲ درصد روش‌های کمک باروری توسط بخش خصوصی ارائه می شوند، گفت: بنابراین با توجه به شرایط موجود و اینکه یکی از موانع اصلی مســـاله افزایش جمعیت، مسائل و مشکلات مالی است، این برنامه تلاش دارد تا با حمایت مالی از زوجین نابارور و نیز توسعه خدمات ناباروری، قدم‌های جدی در راســـتای ارتقا و افزایش جمعیت بردارد.

نمایشگاه نوروزی کشورهای عضو اکو در برج میلاد برپا می شود

سرویس سیاسی – اجتماعی: مدیرعامل برج میلاد با تشریح ویژه برنامه‌های نوروزی این برج،ازبرپایی نمایشگاه نوروزی کشورهای عضو اکو خبر داد.

شریفی در جمع خبرنگاران بـــا بیان ایـــن که بـــرج میلاد با هدف غنی‌ســـازی اوقات فراغت خانواده‌ها،امسال سلسله برنامه‌هایی را برگزار کرد که در نوروز، تابستان، ماه رمضان، محرم و صفر اجرایی شد، افزود: اولویت ما ارتقاء ارائه خدمات بازدید بـــه مردم به ویژه مردم پایتخت اســـت و با اقداماتی که انجام خواهد گرفت، در سال ۹۵ شاهد افزایش سرعت ارائه خدمات خواهیم بود.

وی همچنین دربـــاره ویژه برنامه‌های نـــوروزی برج میلاد گفت: امســـال از دوم فروردین تا دوازدهم فروردیـــن به مدت ۱۱ روز از ساعت ۹ تا ۲۲ میزبان مردم خواهیم بود البته در روزهای انتهایی سال و روز اول و سیزدهم فروردین بازدید از برج میلاد امکان‌پذیر است؛ اما ویژه برنامه‌ها از دوم تا دوازدهم برگزار خواهد شد و سعی می کنیم محیطی امن، آرام و با نشاط برای خانواده‌ها ایجاد کنیم.مدیرعامل برج میلاد از برگزاری نمایشگاه نوروز ملل با همکاری موسسه اکو خبر داد و افزود: کشـــورهای عضو اکو عکس نوروز و صنایع دستی خود را در معرض نمایش گردشگران قرار خواهند داد.

وی با اشاره به اجرای مراسم موســـیقی اقوام در محوطه بیرونی برج میلاد در ایام نوروز، از ایجاد کمپین " در دسترس خانواده" در پی گسترش استفاده از فضای مجازی در خانواده‌ها، افزود: مردم می‌توانند در ایام نوروز و حتی در طول سال آینده عضو این کمپین و متعهد شوند که روز جمعه اول هر ماه اینترنت گوشـــی خود را خاموش کنند و عکس "در دسترس خانواده" را در قسمت پروفایل شبکه‌های اجتماعی خود قرار دهنـــد و قطعا مردم با حمایت از این کمپین می‌توانند نقش زیادی در توجه به خانواده‌هایشان ایفا کنند.

شریفی همچنین درباره قیمت بلیط بازدید از برج میلاد گفت: برای افزایش تعرفه برنامه‌ای نداریم و در ایام نوروز هماهنگی‌هایی هم برای اعمال تخفیف‌هـــای یک روزه و نیم روزه پیش‌بینی شده است.

بنیادهای تمدن اسلامی (۱۰)

بقیه از صفحه ۳

اکنون ما مانند اعضای یکی تن واحد شـــده‌ایم، در همه ما یک روح دمیده شده است، این خیر و برکت را از وجود او داریم. اینها ما را زدند، پیامبر ما را آزردند، می‌خواستند ما را بکشند و به ناچار دست از شهر و دیار خود برداشتیم و به اینجا آمدیم، برای اینکه شنیدیم شما پادشاه عادلی هستید و در کشور شما به کسی ستم نمی‌شود. وقتی جعفر بن ابیطالب این سخنان را می‌گفت، نجاشی احساس کرد گویا عیسی سخن می‌گوید، خودش بر دین مسیحیت بود. گفت: از آن کتابی که پیامبر شما آورده هیچ می‌دانی؟ برای من بخوان. گفت: بلی بلدم. او با بلاغت به خرج داد و سوره مریم را خواند: «کهیعص، ذِکْرُ رَحْمَه رَبِّکَ عَبْدَهُ زَکَرِیَّا، إِذْ نَادَی رَبَّهُ نِدَاء خَفِیًّا» رسید تا به جایی که ولادت عیسی بود و اینکه مریم گفت: «یَا لَیْتَنِی مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَکُنتُ نَسْیًا مَّنسِیًّا»

نجاشی گریه کرد، اسقف‌ها که آنجا بودند، همه گریه کردند. گفت: به خدا قسم همین‌جور که از خودم و از رعایای خودم دفاع می‌کنم، از شما دفاع می‌کنم و شما را حمایت می‌کنم. این روح مکتب پیامبر و تعلیمات اسلام است. محبت، مودت، اخوت، برادری، توحید کلمه، خداپرستی، عزت نفس، حفظ ناموس، آقایی، خود را ذلیل نکردن، تن به ضعف و ظلم ندادن، نه زیر بار ظلم رفتن و نه به کسی ظلم کردن و...

ادامه دارد...

درج صحیح عناوین شغلی بیمه شدگان تامین اجتماعی الزامی شد

معـــاون ســـازمان تامین اجتماعی گفـــت: به موجب ماده ۲آیین نامه طـــرز تنظیم صورت مزد و حقوق این ســـازمان، درج صحیح کد شغل و عناوین شغلی در فهرست حقوق و مزایای بیمه شدگان از یکم فروردین سال آینده الزامی است .

به گـــزارش مهـــر، محمد حسن زدا افزود: تمامی واحدهای اجرایی سازمان تامین اجتماعی از سال ۹۵از دریافت فهرست های حق بیمه که بدون شغل یا دارای مغایرت در عنوان یا کد شـــغلی با جدول مشاغل سازمان هستند، خودداری می کنند.

وی افزود: ســـامانه دریافت فهرســـت حقوق و مزایای بیمه شدگان در دو شـــیوه حضوری و اینترنتی اصلاح شده است.زدا تصریح کرد:کارفرمایان ونمایندگان قانونی آنها در هنگام تنظیم صورت مزد و حقـــوق کارکنان با تکمیل تمامی بخش های فهرست به ویژه درج صحیح عنوان شـــغلی طبق جدول مشاغل اقدام کنند.

وی اظهـــار داشـــت: افراد باید برای اطلاع از آخرین وضع نگارش، از طریـــق پایگاه اطلاع رسانی سازمان تامین اجتماعی به نشانی www.tamin. ir صفحه دریافت فهرست و برگ پرداخت حق بیمه(فهرست حق بیمه) گزینه "جدول مشاغل سازمان" مراجعه و جدول مربوطه را دریافت کنند.

زدا ادامه داد: کارفرمایان در صورت مشـــاهده نکردن شغل درخواســـتی در جدول مشاغل ســـازمان تامیـــن اجتماعی باید درخواســـت کد عنوان شـــغلی مدنظر خود را به شعبه محل بیمه پردازی ارائه داده تا سایر مراحل آن مطابق ضوابط مربوطه انجام شود.

معاون فنی ودرآمد سازمان تامین اجتماعی با اشاره به زمان بر بودن فرایند اصلاح و در صورت لزوم تخصیص کد شغلی جدید توصیه کرد که کارفرمایان قبل از روزهای پایانی اسفند نســـبت به ارسال فهرســـت حق بیمه و اطمینان از صحت اطلاعات اقدام کنند.

خبردیگراین که مدیر عامل ســـازمان تامین اجتماعی گفت: افزایش حداقل حقوق و دستمزد مستمری بگیران این سازمان طبق مـــاده ۱۱۱ قانون تامین اجتماعی صورت می گیـــرد و به همین منظورپیشنهاد آن را به هیات دولت ارائه می دهیم.

به گزارش ایرنا، ســـیدتقی نوربخش در حاشیه مراسم تجلیل از ۶۰ شهید سازمان تامین اجتماعی در جمع خبرنگاران، افزود: پس از این که حداقل حقوق و دستمزد مستمری بگیران از سوی شورای عالی کار ارائه شود، تامین اجتماعی هم پیشنهاد خود را به هیات وزیران خواهد داد.

به همیـــن دلیل مذاکراتی با سازمان مدیریت و برنامه ریزی در حال انجام است تا درصد افزایش حقوق مستمری بگیران برای سال ۹۵ تعیین شود.

وی تصریح کـــرد: میانگین افزایش حقوق برای مســـتمری بگیران ۱۴ درصد است ،اما ممکن اســـت اقداماتی درباره حداقل حقوق و دستمزدها صورت گیرد تا مستمری بگیران در سال آینده از حقوق بیشتری بهره مند شوند.

نحوه فعالیت مراکز درمانی خصوصی در نوروز

معاون نظارت و برنامه‌ریزی ســـازمان نظام پزشکی چگونگی فعالیت درمانگاه‌های شبانه روزی و مطب‌های خصوصی در ایام نوروز را تشریح کرد.

دکتر محمـــد جهانگیری در گفت‌وگو با ایسنا، در خصوص نحوه فعالیت مراکـــز درمانی خصوصی در تعطیلات نـــوروز گفت: رییس کل ســـازمان نظام پزشکی به تمام سازمان‌های نظام پزشکی‌های کشور بخشنامه‌هایی برای هماهنگی میان آنها و دانشـــگاه‌های علوم پزشکی در خصوص نحـــوه فعالیت مراکز درمانـــی خصوصی ابـــلاغ کرده اســـت.وی افـــزود: درمانگاه‌های شبانه‌روزی در تمامی کشور فعال خواهند بـــود. همچنین بخش‌های مختلف و اورژانس بیمارســـتان‌ها نیز فعال و پذیرای بیماران هستند و به آنها خدمت ارائه می‌کنند. تمام سازمان‌های نظام پزشکی قرار است در خصوص نحوه فعالیت مطب‌ها هماهنگی‌های لازم را انجام دهند.

به گفته وی، ســـازمان نظام پزشـــکی از مطب‌های تخصصی درخواست کرده است که درصدی از آنها به تناوب در این ایام فعال باشند و نحوه فعالیت خود را به اطلاع مردم و دانشگاه‌های علوم پزشکی برسانند، ولی در برخی از شهرستان‌ها ممکن اســـت این کار به دلیل وجود یک متخصص در یک رشته میسر نباشد.

معاون نظارت و برنامه‌ریزی سازمان نظام پزشکی ضمن بیان اینکه در شهرهایی که مقصد گردشگری هستند بار مراجعات بیشتراست و پزشکان بیشتری درگیر ارائه خدمت هستند، تاکید کرد: خدمات پزشکی هیچ گاه تعطیلی ندارد.

کاهش نظام تعرفه‌ای واردات کالا به ۸ طبقه

طبق مصوبه هیات دولت سال آینده طبقات تعرفه‌ای از حداقل ۵ درصد آغاز می‌شود و حداکثر تعرفه دریافتی۵۵ درصد است و تعرفه ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۶، ۳۲ و ۴۰ درصد هم سایر طبقات تعرفه‌ای در سال ۹۵ خواهد بود.

مدیرکل دفتر مقررات صادرات و واردات سازمان توسعه تجارت از کاهش طبقات تعرفه‌ای در ســـال آینده خبر داد و گفت: طبق مصوبه هیات دولت سال آینده هشت طبقه تعرفه‌ای خواهیم داشت.به گزارش پایگاه خبری سازمان توسعه تجارت، تقی محمدیان اظهار داشـــت: از ابتدای سال ۹۵ تعداد طبقات تعرفه‌ای از ۱۰ طبقه به هشت طبقه کاهش خواهد یافت و میزان تعرفه از ۵ تا ۵۵ درصد محاسبه می‌شود.مدیرکل دفتر مقررات صادرات و واردات، یادآور شد: هر سال نظام تعرفه‌ای مورد بازنگری قرار می‌گیرد و در قالب کتاب مقررات صادرات و واردات منتشـــر می‌شود، سال ۹۳ هم طبقات تعرفه‌ای از ۱۴ به ۱۰ طبقه کاهش یافته بود.همچنین سال ۹۶ طبقات تعرفه‌ای به شش طبقه می‌رسد.

ترحیم

اذا ماتَ الفقیه العالم، ثُلم فی الاسلامِ ثُلمهٌ لا یَسُدها شی



وفات عالم ربانی **آیت‌الله حاج آقا سیداصغر قمی طباطبایی فرزندمرحوم آیت‌الله سیدجواد قمی طباطبایی و نوه مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید احمد طباطبایی** را به اطلاع عموم دوستان و آشنایان می‌رسانیم.
مجلس ختم آن مرحوم روز دوشنبه ۱۳۹۴/۱۲/۲۴ ساعت ۱۹ الی ۲۰:۳۰ در تهران مسجد نور واقع در میدان فاطمی برقرار می‌باشد.

خانواده‌های:
قمی طباطبایی، طباطبایی قمی، برقعی، نجفی‌اسداللهی، قادری، شمسی و سایر بستگان.

بازگشت همه بسوی اوست

بانهایت تأسف واندوه در گذشت همسر و مادری مهربان و نیکوکار شادروان **حاجیه خانم فیروزه صدر** فرزند مرحوم سیدمحمد صدر را به اطلاع بستگان، دوستان و آشنایان میرساند.
مجلس ترحیم آن مرحومه مغفوره روز سه‌شنبه مورخ ۹۴/۱۲/۲۵ از ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب، روبروی مجتمع تجاری میلاد نور برگزار میگردد.
روحشان شاد و یادشان گرامی.

همسر: عباس عزیزالدین
فرزندان: نصراله ـ نادر ـ امیربابک عزیزالدین
عروسها: بساک اردلانی ـ نیلوفر مزارعی ـ بهارک مقدم

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت **خواهر جناب آقای عبدالمناف موسوی شوشتری** وکیل محترم دادگستری را به اطلاع می‌رساند.
مراسم هفتم، روز دوشنبه مورخ ۹۴/۱۲/۲۴ بعد از نماز مغرب و عشا در حسینیه انصارالحسین واقع در اتوبان شهید محلاتی جنب پل ری برگزار می گردد.

کانون وکلای دادگستری مرکز

بازگشت همه به سوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت **مادر مکرمه جناب آقای مهندس کریم نبیی** هم دانشکده‌ای عزیز فارغ‌التحصیل سال ۱۳۴۹ رشته راه و ساختمان را به اطلاع دوستان و سروران محترم می‌رساند.
مجلس ختم آن مرحومه در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۴ از ساعت ۱۴:۳۰ الی ۱۶:۰۰ در مسجد نبی اکرم(ص) واقع در خیابان کارگر شمالی ـ روبروی کوی دانشگاه برگزار می گردد.

کانون مهندسین فارغ‌التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تبریز

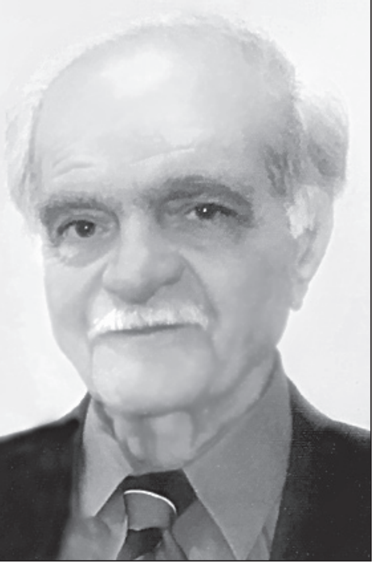
یادبود

«هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق»
گلی گم کرده‌ام می‌جویم او را
به هر گل می‌رسم می‌بویم او را
اگر یابم گلم را در گلستان
به آب دیدگان می‌شویم او را

۲۴ اسفندماه سالروز درگذشت مادر عزیزم **بانو همایون تاج شهردار** می‌باشد. روحش شاد، یاد و خاطره‌اش گرامی باد.

کاوه پورفتحی

فقط اوست که می‌ماند



یکسال از درگذشت خیر بی‌ادعا زنده یاد بزرگ خاندان، **آقای عباس شاه‌میرزا** گذشت.
یادش گرامی و روحش شاد.
به درخواست قلبی آن مرحوم کلیه هزینه سالگرد به مؤسسه خیریه محک اهدا گردید.

خانم سکینه قلی‌پور، خانم حورا طباطبایی، برادر اکبر و خواهر بتول شاه‌میرزایی
فرزندان: دکتر محمد، مهندس مهدی، مهندس امیر، مهندس علی، مهندس احمد و تنها دخترش فرشته شاه‌میرزا

بنام او
ما ز بالاییم و بالا می‌رویم



۱۴ سال از سفر پدر گرامی‌مان **محمدصادق طوسی** به جهان دیگر می گذرد. یاد آن عزیز مهربان را زنده نگاه داشته، خاطرات سبز با او بودن را گرامی می‌داریم. هزینه مراسم سالگرد ایشان صرف امور خیریه می گردد.

از طرف خانواده مرحوم

گلی به دست من آید چو روی تو هیهات
هزار سال دگر گر چنین بهار آید

روز یازدهم فروردین ۹۵ سالروز سفر ابدی مادر عزیزمان **بانواعظم محمودزاده** همسر زنده یاد **دکتر سیدعلی سعیدی** را گرامی می‌داریم.
هجده سال بی‌او با یاد او گذشت.

دکتر مینو سعیدی (مهرداد) ـ نسرین سعیدی (بقایی) ـ دکتر گلپیرا سعیدی (عشقی) ـ شایسته سعیدی (ساحلی) ـ مهندس سیدمحمد سعیدی

در دلم بود که بی دوست نباشم هرگز
چه توان کرد که سعی من و دل باطل بود

بیست و چهارم اسفند ماه، هنگامه آسمانی شدن مردیست که زندگی خاکی برای مرغ خوش الحان روحش، قفسی بیش نبود.
به یاد دومین سالروز درگذشت معلم اخلاق و ایمان
«شادروان مسعود یزدانیان»
مراسمی طی روز دوشنبه ۲۴ اسفندماه از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در منزل برگزار می گردد.
حضور دوستان، آشنایان و بستگان، تسلی خاطر رنجور بازماندگان است.

«وحید یزدانیان»

هرگز فراقت را فراموش نخواهیم کرد

جمعه ۶ فروردین ۱۳۹۵ مصادف با هفدهمین سالروز درگذشت همسر و پدر عزیزمان
«سرتیپ مهندس منوچهر معینی»
می‌باشد. یادش را گرامی می‌داریم.

سیمین معینی ـ دکتر علی معینی ـ دکتر حسین معینی

عروج انسان به ابدیت
تبادل ماده است به اوج معنویت
«مهدی»



بیست و چهارم اسفند «بیستمین» سالگرد عروج ملکوتی شادروان **«مهندس مهدی قدس»** را گرامی می‌داریم.

«خانواده قدس»

تسلیت

همکار گرامی
جناب آقای سعید دهباش

با کمال تأسف مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و بقای عمر بازماندگان را از خداوند متعال مسئلت می‌نماییم.

تأسیسات ایران چاپ و مؤسسه اطلاعات

جناب آقای دکتر ماکان صدر

بااندوه فراوان درگذشت مادر گرامیتان را به شما تسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه از درگاه خداوند متعال رحمت و علو درجات و برای شما و سایر بستگان صبر و بردباری خواهانیم.

دکتر غلامرضا حیدری ـ دکتر هومن شریفی

همکار گرامی
جناب آقای مهدی رزاقی

با کمال تأسف مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و بقای عمر بازماندگان را از خداوند متعال مسئلت می‌نماییم.

واحد طراحی ـ صفحه بندی آگهی ها ـ اسکنر ـ ایمیج ستر ـ پلیت ستر ـ مونتاژ و کپی

هوالباقی

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت **مادر گرامی جناب آقای دکتر ماکان صدر** را به اطلاع کلیه همکاران و دوستان گرامی می‌رساند. از خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و غفران الهی و برای بازماندگان محترم صبر جمیل مسئلت می نماید.

از طرف: ریاست، مدیریت، پزشکان و کارکنان مرکز پزشکی دکتر مسیح دانشوری

انا لله و انا الیه راجعون
نویسنده و اندیشمند گرامی
جناب آقای دکتر صادق زیباکلام

درگذشت خواهر دانشمند و فرهیخته‌تان را به شما و خانواده علم‌پرور زیباکلام تسلیت می گوییم و از خداوند متعال برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر مسئلت می کنیم.

سیدمحمد بهشتی، سیداحمد بهشتی، سیدجلال‌الدین بهشتی، سیدعبدالحسین بهشتی، سیدعلیرضا بهشتی، سیدجمال‌الدین بهشتی، سیدعبدالحمید بهشتی، سیدحامد بهشتی، بزرگمهر حسین‌پور، توفیق سبحانی، مسعود شباهنگ، پوریا عالمی، رضا علیزاده، فرید قدمی، رحمن قهرمان‌پور، سعید مدنی، محسن میردامادی، حسین نعیمی‌پور و کارمندان انتشارات روزنه

جناب آقای دکتر داریوش مرزبانی

درگذشت پدر گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نماییم.

پزشکان و پرستاران و کارکنان بیمارستان دی

جناب آقای مهندس دلیلیان
ریاست محترم امور مسافری راه‌آهن
ناحیه شمال غرب کشور

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر عزیزتان را به حضرتعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد متعال برای آن مرحوم آمرزش الهی و برای شما و بازماندگان صبر و سلامتی آرزومندیم.

از طرف آقایان: مهندس نوری، جروقی، طاهروردی، محبی، حبیبوند، لشکری، آزاد، صفاخواه و پرسنل اطلاعات و خدمات ایستگاه راه‌آهن قزوین

همکار ارجمند جناب آقای محمد حسینی

بانهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده از درگاه ایزدمنان برای آن مرحومه رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبائی مسئلت می‌نمائیم.

امور مالی ـ اداره حسابداریها ـ بودجه و گزارشات ـ حقوق و دستمزد ـ سازمان وصول ـ اداره اموال و انبارهای موسسه اطلاعات و شرکت ایرانچاپ

جناب آقای دکتر داریوش مرزبانی
همکار گرامی

درگذشت پدر عزیزتان **آقای دکتر هوشنگ مرزبانی**، یکی از پیشکسوتان جامعه پزشکی ایران را به شما و خانواده محترم صمیمانه تسلیت می گوییم.

هیئت مدیره بیمارستان دی

خانواده ارجمند مدنی

درگذشت شادروان **مجتبی مدنی** بزرگ خاندان مایه غم و اندوه اینجانب گردید، در پناه خدا استوار و بردبار باشید.

مجتبی نظری وکیل دادگستری

آگهی تغییرات شرکت سپند بوریا سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۳۷۷۴۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۰۸۴۱۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مجتبی تقابن به شماره ملی ۳۲۵۰۳۰۰۹۷۷ ـ سوده تقابن به شماره ملی ۳۲۵۵۴۱۳۲۲۲ ـ طیبه امیدی زاده به شماره ملی ۳۲۵۶۶۱۰۳۵۸ به سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. زاوش اکبری به شماره ملی ۰۰۵۲۴۲۹۶۷۹ به سمت بازرس اصلی و احمد مرادی به شماره ملی ۳۹۳۱۶۳۶۲۹۱ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به ۱۳۹۳/۱۲/۲۹ به تصویب رسید.
با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب بازرس، انتخاب مدیران، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۴۷۸۶۸ـ۷۶۳۱۷۷۳/م الف

* * * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات شرکت نفت و گاز نو گام سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۴۴۷۳۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۷۰۵۷۸۶

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شرکت گروه مالی ملت به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۰۱۹۴۲ به نمایندگی سید حسین تقوی به شماره ملی ۴۵۷۹۲۷۰۸۰۰ به سمت عضو هیأت مدیره ـ شرکت پترو فرآوران اطلس به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۰۷۲۵۷ به نمایندگی مرتضی عزیزی به شماره ملی ۱۲۸۶۷۸۹۰۲۸ به سمت رئیس هیأت مدیره ـ شرکت طرح و اندیشه بهساز ملت به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۰۳۶۶۵ به نمایندگی احمد نصیری به شماره ملی ۰۰۴۹۴۸۷۴۸۵ به سمت مدیرعامل و عضو هیأت مدیره ـ شرکت گسترش خدمات بازرگانی بهساز به شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۱۸۵۹۷ به نمایندگی هدایت‌اله منصوری به شماره ملی ۴۵۷۹۲۲۴۸۵۱ به سمت نائب‌رئیس هیأت‌مدیره ـ شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معین ملت به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۵۹۴۳۵ به نمایندگی محمد شادفر به شماره ملی ۰۰۴۵۸۷۴۵۰۶ به سمت عضو هیأت مدیره تعیین گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات عقود و قراردادهای تعهدآور با امضای متفق مدیرعامل و یک نفر از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت همچنین اوراق و مکاتبات عادی و اداری با امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. با ثبت این مستند تصمیمات تعیین دارندگان حق امضاء، تعیین سمت مدیران انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۱۴۴۰۹۶ ـ ۷۲۷۵۶۸۶/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت آسان سازه فناوری نوین سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۱۶۹۱۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۸۵۷۷۴

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: احمد سوهانگر فرزند جعفر به شماره ملی ۰۹۳۴۹۲۹۵۴۸ به سمت رئیس هیأت مدیره و محمد چراغچی باشی آستانه فرزند علیرضا به شماره ملی ۰۹۳۹۲۷۷۲۰۴ به‌سمت نائب رئیس هیأت مدیره و بهنام محسنی فرزند حمید به شماره ملی ۰۰۶۸۹۶۲۲۰۷ به سمت مدیرعامل و عضو هیأت مدیره تعیین گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار بانکی با امضا مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود و سایر نامه‌های اداری و قراردادهای خرید و فروش با امضاء مدیرعامل و یا هر یک از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. با ثبت این مستند تصمیمات تعیین سمت مدیران، تعیین دارندگان حق امضاء، انتخاب و تعیین سمت هیأت مدیره، تعیین وضعیت حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۱۴۴۰۹۵ ـ ۷۱۷۳۱۵۵/م‌الف

* * * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات شرکت خدمات صبا فولاد آریان سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۵۵۹۹۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۹۶۲۷۹۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۳ به تصویب رسید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات برای درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید. موسسه آزموده کاران به شماره شناسه ۱۰۱۰۰۴۶۸۶۰۰ به عنوان بازرس اصلی و سهراب سلیمانی به شماره ملی ۱۱۵۹۸۳۴۳۳۴ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۱۴۴۰۹۴ ـ ۷۳۱۰۵۴۳/م‌الف

* * * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات شرکت رویا کابل ایرانیان با مسئولیت محدود
به شماره ثبت ۴۷۰۰۲۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۸۰۸۴۲۱

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۰۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت به آدرس تهران خیابان شهید بهشتی خیابان شهید صابونچی کوچه شهید ادایی پلاک ۹ طبقه سوم کدپستی ۱۵۳۳۶۳۵۷۱۴ تغییر یافت. با ثبت این مستند تصمیمات تغییر محل (تغییر نشانی در یک واحد ثبتی) انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران
۱۴۴۰۹۳ ـ ۷۳۰۰۹۵۶/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت پترو آتیه صبا ایرانیان سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۶۷۶۵۶ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۷۰۹۹۸۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۶/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سمت اعضای هیئت مدیره برای بقیه مدت تصدی هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردید: آقای حسین فروغی امجد به شماره ملی ۰۰۳۵۶۳۴۰۰۶ به جای آقای نورالدین شهنازی‌زاده به نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری آتیه صبا با شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۳۷۴۰۸ به سمت رئیس هیئت مدیره. آقای عبدالمجید قندریز به شماره ملی ۱۷۵۴۰۰۰۱۹۳ به جای آقای علیرضا غفارخورزنی به نمایندگی از شرکت خدمات پشتیبان صندوق بازنشستگی کشوری با شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۵۸۷۶۵ به سمت نایب‌رئیس هیئت مدیره. آقای محمد پزشک به شماره ملی ۰۰۵۷۰۷۶۸۸۱ به نمایندگی از شرکت خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی پرشین گلف با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۰۲۷۳۴ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره. کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته و بروات و قراردادها با امضای متفق مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره و ممهور به مهر شرکت معتبر خواهد بود و اسناد و مکاتبات عادی با امضای مدیرعامل و مهر شرکت معتبر است. اختیارات مدیرعامل به شرح ذیل تعیین گردید: نمایندگی شرکت در برابر اشخاص و کلیه ادارات دولتی و مؤسسات خصوصی. نصب و عزل کلیه مأموران و کارکنان شرکت و تعیین شغل و حقوق و دستمزد و انعام و ترفیع و تشویق سایر شرایط استخدام و معافیت و خروج آنها از خدمت و مرخصی و بازنشستگی و مستمری وراث آنها. دریافت مطالبات شرکت و پرداخت دیون آن از اصل و بهره و متفرعات. تعهد، ظهرنویسی، قبولی، پرداخت و واخواست اوراق تجارتی. عقد هر نوع قرارداد و تغییر و تبدیل یا فسخ و اقاله آن در مورد خرید و فروش و معاوضه اموال منقول و غیرمنقول و ماشین‌آلات و مناقصه و مزایده و غیره که جزو موضوع شرکت باشد بالجمله انجام کلیه عملیات و معاملات. مبادرت به تقاضا و اقدام برای ثبت هرگونه علامت تجاری و اختراع. اقامه هرگونه دعوی و دفاع از هرگونه دعوی یا تسلیم به دعوی یا انصراف از آن اعم از حقوقی و کیفری با داشتن تمام اختیارات مراجعه به امر دادرسی از حق پژوهش فرجام و مصالحه، تعیین وکیل سازش، دعای جعل نسبت به سند طرف و استرداد سند، تعیین داور یا بدون اختیار صلح و به‌طور کلی استفاده از کلیه حقوق و اجرای کلیه تکالیف ناشیه از قانون داوری تعیین وکیل برای دادرسی و غیره با یا بدون حق توکیل و وکیل در توکیل ولو کراراً تعیین مصدق و کارشناس، اقرار، خواه در ماهیت دعوی، خواه به امری که کاملاً قاطع دعوی باشد، دعوی خسارت، استرداد دعوی، جلب شخص ثالث و دفاع از دعوای ثالث، اقدام به دعوی متقابل و دفاع از آن، تأمین مدعی‌به، تقاضای توقیف اشخاص و اموال از دادگاه‌ها، اعطای مهلت برای پرداخت مطالبات شرکت، درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب اجرایی و اخذ محکوم‌به چه در دادگاه چه در ادارات و دوائر ثبت اسناد. تعیین میزان استهلاک‌ها. تنظیم خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت هر شش ماه یکبار و دادن آن به بازرس شرکت. تنظیم صورت دارایی و دیون شرکت پس از انقضای سال مالی و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت طبق ماده ۲۳۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت. پیشنهاد اصلاح اساسنامه در مواقعی که مفید تشخیص داده شود. با ثبت این مستند تصمیمات تعیین و تفویض اختیارات نماینده قانونی، تعیین وضعیت حق امضاء، تغییر نماینده شخص حقوقی هیئت مدیره، تعیین سمت مدیران، تعیین دارندگان حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۱۴۸۱۸۱ـ۸۲۶۶۳۷۶/م الف

آگهی تغییرات
شرکت مهندسی مسکن و نواحی صنعتی آینده‌ساز سهامی خاص به شماره ثبت ۴۹۶۴۷
و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۴۸۲۰۳

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس: بلوار نلسون ماندلا(آفریقا) خیابان شهید عاطفی غربی پلاک ۶۰ کدپستی ۱۹۶۷۹۱۶۷۳۳ تغییر یافت. با ثبت این مستند تصمیمات تغییر محل (تغییر نشانی در یک واحد ثبتی) انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۴۸۱۵۵ـ۸۲۶۱۶۷۴/م الف

* * * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات شرکت مهندسین مشاور سکو سهامی خاص
به شماره ثبت ۶۲۲۳۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۷۲۶۴۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضای هیأت مدیره به قرار ذیل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند: آقای اسماعیل صادق نوبری به شماره ملی ۲۶۴۸۹۵۶۸۰۸ آقای حسین زرگران توکلی به شماره ملی ۰۹۳۷۶۳۶۶۴۹ آقای سامی ستایش به شماره ملی ۰۰۵۸۲۷۲۱۷۸ با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب مدیران انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۴۸۱۵۴ـ۸۲۵۳۲۵۸/م الف

* * * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات
شرکت توسعه برق غدیر اوکسین سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۴۰۲۵۱ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۸۴۵۳۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: نامبردگان ذیل برای مدت ۲ سال به عنوان اعضاء هیأت مدیره انتخاب گردیدند: شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۶۰۵۳۸ شرکت سرمایه‌گذاری غدیر به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۰۶۲۳۴ شرکت بین‌المللی توسعه ساحل و فراساحل نگین کیش به شناسه ملی ۱۰۹۸۰۱۷۱۱۳۱ با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب مدیران انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۱۴۸۱۲۷ ـ ۸۲۰۶۶۶۲/م‌الف

آگهی تغییرات
شرکت تدبیرگران فناوری هوشمند آریان سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۵۲۲۷۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۹۶۹۰۱۷

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۰۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ـ آقای محمدرضا نظری دارای کد ملی ۰۰۵۱۳۸۷۵۴۹ به نمایندگی از شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات پاسارگاد آریان به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۸۰۷۱۴۵ به سمت رئیس هیأت مدیره و آقای سید حامد سلیمی دارای کد ملی ۰۰۷۰۸۷۴۳۹۵ به نمایندگی از شرکت پردیس داده پردازان شاخص به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۶۲۶۲۷ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره و آقای محمدنژاد صداقت دارای کد ملی ۰۰۷۵۸۲۸۵۴۵ به نمایندگی از شرکت تعاونی فرهیختگان نوآور اطلاعات پارس به شناسه ملی ۱۴۰۰۳۹۴۹۵۸۶ به سمت عضو هیأت مدیره و آقای شهرام رحیمیان دارای کد ملی ۰۰۵۴۷۴۱۰۲۵ به عنوان مدیرعامل (خارج از اعضاء هیأت مدیره) تعیین گردیدند. ـ کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت با امضای متفق مدیرعامل یا رئیس هیأت مدیره و یکی از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و سایر مکاتبات عادی و اداری با امضای منفرد یکی از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. با ثبت این مستند تصمیمات تعیین دارندگان حق امضاء، انتخاب و تعیین سمت هیأت مدیره انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۸۴۰۲۸۶۵ ـ ۱۴۸۲۰۶/م‌الف

* * * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات
شرکت نقشه‌برداری پیمایش کوهستان سهامی خاص
به شماره ثبت ۸۷۴۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۱۸۶۵۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۳ به تصویب رسید. احمد تکه به شماره ملی ۲۰۳۰۲۲۰۹۷۳ به عنوان بازرس اصلی و کاظم عیسی‌زاده کاکرودی به شماره ۲۲۰۰۴۸۰۱۶۴ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. حسن محمد علیزاده به شماره ملی ۲۶۹۰۲۹۹۵۶۹ و جلیل اسعدی‌پور به شماره ملی ۵۰۶۹۶۲۵۳۷۳ و رحمت‌اله ساری اصلانی به شماره ملی ۳۳۰۹۵۱۱۹۷۹ به عنوان اعضای هیأت مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب گردید. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب مدیران، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب بازرس، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب و تعیین سمت هیأت مدیره انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۸۴۲۱۱۴۰ ـ ۱۴۸۲۱۳/م‌الف

اطلاعات

سال نودم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

تقویم اطلاعات

دوشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۴
۴ جمادی‌الثانی ۱۴۳۷ ـ ۱۴ مارس ۲۰۱۶

ظهر شرعی	۱۲ و ۱۳ دقیقه
غروب آفتاب	۱۸ و ۱۱ دقیقه
اذان مغرب	۱۸ و ۲۹ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۳۱ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۵۱ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۱۵ دقیقه

جبهه ملی فرانسه خواستار پس گرفتن نشان ملی این کشور از ولیعهد عربستان شد

سرویس خارجی: حزب راست‌گرای جبهه ملی فرانسه استرداد بالاترین نشان ملی، که اخیرا رئیس‌جمهوری این کشور به ولیعهد سعودی اعطا کرد را خواستار شد. حزب راست‌گرای جبهه ملی فرانسه، در واکنش به اعطای نشان «لژیون دونور» از سوی «فرانسوا اولاند» رئیس‌جمهوری این کشور به «محمد بن نایف»، ولیعهد سعودی، متذکر شد این نشان که بالاترین نشان افتخار در فرانسه است «با رژیم سعودی سازگاری ندارد» و لذا باید این نشان از این شاهزاده سعودی «پس گرفته شود». پیشتر، ماهنامه فرانسوی «کوزت» فاش کرده بود، فرانسوا اولاند نشان «لژیون دونور» را درپی درخواست های مکرر شاهزاده «محمد بن نایف»، ولیعهد عربستان، به وی اعطا کرد. از سویی، برادر شیخ نمر، خبر داد، عربستان قصد دارد به زودی پسرش و سه جوان دیگر را اعدام کند. درخبری دیگر، وزارت کشور عربستان در بیانیه‌ای از بازداشت عامل عملیات تروریستی در مسجد شیعیان «احساء» خبر داد. در این میان، جان کری وزیر خارجه آمریکا بعد از دیدار با پادشاه سعودی در ریاض، عربستان را «شریک و متحدی قدیمی» توصیف کرد. وی افزود، دیداری سازنده با ملک سلمان داشتم.

*** بحرین**

جمعیت وفاق بحرین به روزنامه «الوســـط» اعلام کرد، «صادق ربیع» عضو پیشین این گروه در اطراف پلی موسوم به «پل ملک فهد» بازداشت شده است. ربیع پس از بازداشت به ساختمان بازجویی جنایی بحرین منتقل شده است. در خبری دیگر، بازرسان سازمان ملل درخصوص نقض حقوق بشر و تبعیض علیه شهروندان بحرینی از سال ۲۰۱۱ تاکنون که آزادی‌های دینی، فرهنگی، سیاسی و آزادی بیان را محدود کرده است از دولت منامه درخواست توضیحات کردند.

ممانعت رژیم صهیونیستی از ورود وزیر خارجه اندونزی به کرانه باختری

سرویس خارجی: وزارت خارجه فلسطین در بیانیه ای اعلام کرد که مسئولان رژیم صهیونیســـتی مانع از سفر «ریتنو مارسودی» وزیر خارجه اندونزی به رام الله شــــدند.وزیر خارجه اندونزی قرار بود با ریاض المالکی وزیر خارجه فلسطین و محمود عباس رئیس تشـــکیلات خودگردان فلسطین دیدار و گفتگو و همچنین کنسولگری اندونزی در فلسطین را افتتاح کند. ممانعت از ورود وزیر خارجه اندونزی به کرانه باختری در پی اظهارات رئیس جمهـــوری اندونزی مبنی بر اینکه رژیم صهیونیستی باید به اشغالگری اراضی فلسطین پایان دهد صورت گرفته است.

خبر دیگر اینکه ارتش رژیم صهیونیستی به بهانه تیراندازی چند روز پیش فلسطینی‌ها به سمت نظامیان صهیونیست شهرکی در رام الله را محاصره امنیتی کرد. رادیو رژیم صهیونیستی اعلام کرد که ارتش این رژیم حصار امنیتی را در اطراف شهرک "بیت عورالتحتا" در غرب رام الله کشیده است. رادیو رژیم صهیونیستی ادعا کرد این اقدام پس از آن صورت گرفت که مجری حمله مسلحانه هفته گذشته که به زخمی شدن دو سرباز اسرائیلی انجامید به این شهرک فرار کرد. تشکیلات خودگردان فلسطین این اقدام اسرائیل را مجازات جمعی و نقض قوانین بین‌المللی خوانده است.در این حال شـــهرک نشینان صهیونیست در حالی که از حمایت نظامیان این رژیم برخوردار بودند، حرمت مسجدالاقصی را هتک کردند. شهرک نشینان صهیونیست همراه با نیروهای پلیس و یگانهای ویژه این رژیم به صحن‌های مسجدالاقصی یورش بردند. اقدامات تحریک آمیز شهرک نشینان صهیونیست و اقدامات نظامیان این رژیم علیه شهروندان فلسطینی در حالی ادامه دارد که انتفاضه فلسطین وارد ششمین ماه خود شده است. از سویی روزنامه صهیونیستی « یدیوت آهارونوت» با انتشار گزارشـــی اعلام کرد طی گذشت پنج ماه از انتفاضه قدس ۳۴ صهیونیست کشته و ۳۴۲ نفر دیگر زخمی شده‌اند. خبر دیگر اینکه به دنبال حملات جنگنده‌های رژیم صهیونیســـتی علیه نوار غزه یک کودک فلسطینی به شهادت رسید و چند تن دیگر مجروح شدند. از طرفی روزنامه هاآرتص نوشت که شرکت یوتل ســـت پس از تماس تلفنی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با رئیس‌جمهوری فرانسه تصمیم به توقف پخش برنامه‌های شبکه الاقصی فلسطین گرفته است. مقامات اسرائیلی می‌گویند نتانیاهو در تماس تلفنی با فرانسوا اولاند رئیس‌جمهوری فرانسه، از وی خواسته است که این شرکت مستقر در پاریس دیگر به شبکه الاقصی خدمات ندهد و این شبکه را از خروجی خود حذف کند.

عزاداری باشکوه در کربلا همزمان با سالروز شهادت حضرت زهرا(س)



ســـرویس خارجی:همزمان با فرارســـیدن ایام شهادت بزرگ بانوی جهان اسلام حضرت فاطمه زهرا(س) مراسم ســـوگواری آن حضرت با حضور عاشقان اهل بیت عصمت و طهـــارت در حرم مطهر حضرت امام حسین(ع) و حضرت عباس(ع) برگزار شد.در این مراسم که به همت نمایندگی بعثه مقام معظم رهبری و با همکاری و هماهنگی عتبه مقدسه حسینی و عباسی(علیه السلام) برگزار شد، زائران ایرانی و سایر کشورها حضور داشتند و شب اول این مراسم با شکوه و عظمت خاصی در صحن بزرگ حرم امام حسین(علیه السلام) با عرض تسلیت به آن حضرت در ســـوگ شهادت مادر بزرگوارشان به پایان رسید. خیل عظیم عاشـــقان خاندان عصمت و طهارت(علیه السلام) از نقاط مختلف دنیا خود را به بین‌الحرمین رسانده بودند تا در سالروز شهادت سرور زنان دو عالـــم، ام ابیها، مادر امامت و همسر ولایت در سرزمین ایثار و فداکاری حضور داشته باشند.

اظهارات العبادی

نخســـت وزیر عراق بمباران شیمیایی غیرنظامیان عراق توسط گروهـــک تروریســـتی داعش را خشونت علیه تمامی بشریت دانست و داعش را به پاسخ شدید علیه این جنایات تهدید کرد.حیدر العبادی، نخست وزیر عراق در بیانیه‌ای اعلام کرد، بمباران "کورکورانه" و استفاده از مواد سمی علیه غیر نظامیان عراقی و به ویژه زنان و کودکان از ســـوی داعش،جنایت بزرگ و خشونتی علیه تمامی بشریت است.وی گفت : ما با این جنایت به شدت مقابله خواهیم کرد. نیروهای ما از تروریست‌های جنایتکار انتقـــام خواهند گرفت و خاک عراق را از آن‌ها پاکســـازی خواهند کرد .کمیســـاریای عالی حقوق بشر با اعلام استفاده داعش از گاز خـــردل و کلر در حمله به حومه طوزخرماتو در جنوب استان کرکوک، از مصدوم شدن ۴۰۹ تن در این منطقه خبر داد.

از طرفی،یک فرمانده نظامی عراقی از آغاز عملیات آزادسازی مناطق غربی رمادی، مرکز اســـتان الانبار خبر داد. ائتلاف تحت رهبری آمریکا نیز اعلام کرد نیروهای عراقی به این توانایی رسیده‌اند که در دو جبهه موصل و الانبار وارد جنگ با داعش شوند. اسماعیل المحلاوی، فرمانده عملیـــات الانبار گفت: نیروهای امنیتی وابسته به سازمان مبارزه با تروریســـم و ارتش عراق عملیات نظامی گسترده‌ای را برای آزادسازی حومه شرقی شهر هیت واقع در غرب رمادی آغاز کرده‌اند که در این عملیات جنگنده‌های ائتلاف بین المللی نیز مشـــارکت دارند. از ســـویی، تروریست‌های داعش مجبور شـــدند از شهر «الرطبه» در غرب عراق عقب‌نشینی کنند. «عماد احمد» فرماندار شهرستان الرطبه با اعلام ایـــن خبر از نیروهای امنیتی خواست که این منطقه را کاملا از داعش باز پـــس گیرند.در همین حال،منابع امنیتی عراق اعلام کردند «محمد الساطوری» مسئول جذب افراد برای انجام عملیات انتحاری گروه تروریستی داعش به هلاکت رســـید.این در حالی است که،پس از آزادسازی یک روستا در شمال غرب عراق، خطوط اصلی امدادی داعش در این منطقه قطع شـــده و دست نیروهای عراقی برای مقابله با این گروهک بازتر شده است.

ســـرویس مبارزه با تروریسم عراق نیز اعلام کرد، منطقه «البوطیبان» در شمال غرب شهر «رمادی» آزاد شده است.از دیگر سو،منابع امنیتی عراقی از ناکام ماندن تلاش داعش برای حمله به پاسگاهی در مرزهای عراق و عربستان خبر دادند.یک منبع امنیتی در اســـتان الانبار اعلام کرد، نیروهـــای گارد مرزی عراق موفق شدند مانع حمله داعش با استفاده از یک خودروی بمبگذاری شـــده به پاسگاه مکر النعام در غرب استان الانبار در مرزهای عراق و عربستان شوند.در جریان تلاش داعش برای حمله به این پاسگاه یک خودروی بمبگذاری شـــده منفجر و هفت داعشی کشته شدند. همچنین شش داعشی بازداشت شده و پنج تن از نیروهای گارد مرزی زخمی شدند. در این حال،به دنبال تلاش داعش برای حمله به میادین نفتی در شمال صلاح الدین، بیش از ۴۰ تروریست کشته شدند.

در چنین شرایطی،کنســـول آمریـــکا در بصره عراق، در اقدامی بی‌سابقه از نیروهای مجروح «الحشد الشعبی» عراق در بیمارستان دیدار و از نقش آنان در مبارزه با تروریسم تمجید کرد. «استیو واکر» کنسول آمریکا در بصره عراق، از نیروهای مجروح «الحشـــد الشعبی» (بسیج مردمی) در بیمارستان «صدر» عیادت کرد.واکر در این عیادت گفت دولت آمریکا پشتیبانی الحشد الشعبی از ارتش عراق در آزادســـازی برخی مناطـــق تحت ســـیطره داعش را می‌ستاید.از طرفی،مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق با هادی عامری، دبیرکل سازمان بدر عراق و فرمانده بسیج مردمی عراق در اربیل دیدار کـــرد و در این دیدار اوضاع میدانی در جبهه‌های نبرد با داعش در استان‌های الانبار، صلاح الدین، دیالی و دیگر مناطق و همچنین آخرین تحولات سیاسی مورد بررسی قرار گرفت.خبر دیگر اینکه،اتحادیه عرب ضمن محکوم کردن حضور نیروهای ترکیه در خاک عراق از دولت آنکارا خواست هرچه ســـریع‌تر و بدون هیچ‌گونه پیش شرطی نیروهای خود را از این کشور خارج کند.

تحولات سیاسی

نخست وزیر عراق در جریان نشســـت با چند گروه سیاسی این کشور، اصلاحات، تغییر در کابینه، مبارزه با فســـاد، بحـــران مالی و آزادســـازی مناطق اشغال شده از چنگ تروریست‌ها را بررسی کرد.در این نشست، سند اصلاحات، تغییر در کابینه، مبارزه با فساد، بحران مالی و آزادسازی مناطق اشغال شده از چنگ تروریســـت‌ها بررسی شده است. در این نشست همچنین بر لزوم یکپارچه‌ســـازی تلاش‌ها به منظور انجـــام اصلاحات و مقابله با چالش‌هایی که عـــراق با آن رو به‌روست تأکید شده است .این در حالی اســـت که، «حیدر العبادی» نقشه راه تغییرات ریشه‌ای فراگیر در کشـــور را کلید زد و یک طرح ۱۰ بندی را برای تشـــکیل دولتی تکنوکـــرات ارائه کـــرد.در این حال،مقتدا صـــدر در تظاهراتی که به دعوت وی در مرکز بغداد علیه فساد برگزار شد از دولت خواست تا برای "نجات کشـــور از چنگال فساد" با جدیت وارد عمل شود.

مواضع ضدمقاومت اتحادیه عرب با محکومیت کشورهای عربی و استقبال رژیم صهیونیستی روبه رو شد

سرویس خارجی: دو روز پس از آنکه وزیران خارجه اتحادیه عرب در نشست خود در قاهره حزب الله لبنان را در فهرست تروریسم قرار دادند برخی کشورهای عربی علیه این اقدام موضع گرفتند و آن را محکوم کردند و حزب الله را یک گروه سیاسی که جامعه لبنان با آغوش باز آن را پذیرفته است دانستند. این در حالی است که عربستان و اسرائیل از این موضع اتحادیه عرب استقبال کردند.

در نخستین واکنش، «خمیس الجیهناوی» وزیر خارجه تونس بعداز تشدید اعتراض ها در کشورش به بیانیه شورای وزیران خارجه اتحادیه عرب در قاهره علیه مقاومت ضد صهیونیستی که با وجود فشارهای گسترده سعودی ها بدون اجماع صادر شد، بار دیگر تاکید کرد که تونس حزب الله لبنان را سازمانی تروریستی نمی داند.الجیهناوی در گفت وگو با رسانه های تونسی خاطرنشان کرد که نظر تونس در خصوص حزب الله همان موضعی است که در قبال بیانیه نشست اخیر وزیران کشورهای عرب در تونس اتخاذ کرد. وی بار دیگر تاکید کرد که تونس، حزب الله را که بخشی از خاک لبنان را از اشغال اسرائیل آزاد و از قضیه فلسطین حمایت می کند، تروریست نمی داند.

حزب حاکم سوریه هم اقدام اتحادیه عرب علیه حزب الله لبنان را تصمیمی تروریستی برشمرد. حزب حاکم بعث سوریه تصمیم اتحادیه عرب علیه حزب الله را محکوم کرد و آن را تصمیمی تروریستی برضد مقاومت دانست و تاکید کرد که این تصمیم از لحاظ قانونی هیچ ارزشی ندارد. حزب بعث سوریه در بیانیه ای تصمیم اتحادیه عرب را بازتاب موضع شـــورای همکاری خلیج فارس و نشانگر اطاعت محض اتحادیه عرب از رژیم های مرتجع شورای همکاری خلیج فارس دانست و اعلام کرد که این تصمیم ابعاد توطئه علیه سوریه و مقاومت را ثابت می کند. از سوی دیگر حزب دموکراتیک عربی اعلام کرد که اتحادیه عرب با تروریست خواندن حزب الله که در همســـویی کامل با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس انجام شده است در باتلاق خیانت ملی سقوط کرده است.

از طرفی ابراهیم الجعفری وزیر خارجه عراق ضمن محکوم کردن اقدام اتحادیه عرب علیه حزب الله، سید حسن نصرالله را قهرمان عربی خواند. این موضع الجعفری البته به مذاق الازهر مصر خوش نیامد و الازهر با انتشار بیانیه‌ای به ســـخنان وزیر خارجه عراق در حمایت از حزب‌الله و بسیج مردمی عراق اعتراض کرد.الازهر در واکنش به سخنان ابراهیم الجعفری مدعی شده که این سخنان سوء استفاده از مواضع میانه رو و نیت خوب الازهر است و با توجه به اینکه این اظهارات بعد از دیدار با شیخ الازهر منتشر شده در حالی که احمد الطیب با این مواضع مخالف است می‌توان گفت وزارت خارجه عراق عرف دیپلماتیک را زیرپا گذاشته است. وزارت خارجه عراق در واکنش به بیانیه الازهر، اعلام کرد که به خاطر اجماع عربی دست از اصول و ارزش‌های عراق بر نمی‌دارد.

جبهه خلق برای آزادی فلسطین هم ضمن حمایت از حزب الله لبنان اعلام کرد که این جنبش نوک پیکان مقاومت علیه اشغالگری است و یک سازمان تروریستی محسوب نمی شود. «جمیل مزهر» عضو دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین اظهار داشت: همه دنیا به حزب الله به عنوان یک گروه مقاومت می نگرند و همچنین رژیم سعودی و همپیمانان آن را منبع اصلی تفکر تکفیری و کانون توطئه ها در منطقه می دانند. وی افزود: تروریســـت خواندن حزب الله بی پایه و اساس و بی ارزش است و صرفا به نفع رژیم صهیونیستی است.

در ایـــن حال وزیر خارجه لبنان با اشـــاره به اینکه تروریست خواندن حزب‌الله توسط اتحادیه عرب با پیمان کشورهای عربی درباره مبارزه با تروریسم تعارض دارد این اقدام اتحادیه عرب را غیر قابل قبول دانست. «جبران باسیل» تاکید کرد: تروریســـت خواندن حزب الله مخالف پیمان کشورهای عربی در خصوص مبارزه با تروریسم است. وی افزود: سازمان ملل، حزب الله را تروریست به شمار نیاورده است و حزب الله نماینده طیف گسترده‌ای از لبنانی‌ها و یکی از ارکان اساسی در نزد ما است و در قانون اساسی ما دارای فراکسیون پارلمانی و وزاری وزینی است. بنابراین طبیعی بود که تروریست خواندن حزب الله را قبول نکنیم. معاون دبیرکل حزب الله لبنان هم تصریح کرد: تروریست خواندن حزب الله از سوی عربستان اعلام دشمنی این کشور علیه ما است. شیخ نعیم قاسم گفت: عربستان تلاش می‌کند در هر همایش یا نشستی که آخرین آن نشست اتحادیه عرب بود حزب الله را تروریســـت بخواند این درحالی است که تنها حزب مقاوم و تأثیرگذار در منطقه حزب الله است که توانست اسرائیل را شکست دهد و خاک لبنان را آزاد کند.

امام اهل سنت مسجد شهر صیدا نیز با انتقاد از اقدام شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب در گنجاندن نام حزب‌الله در فهرست تروریسم، گفت: باید نام حزب‌الله را در فهرست شرافت و بزرگواری قرار داد. «حسام العیلانی» روحانی اهل تسنن صیدا، اقدام اتحادیه عرب در تروریست خواندن حزب الله را محکوم کرد.

استقبال اسرائیل و عربستان

وزیر سابق خارجه و دادگستری رژیم صهیونیستی، از همگامی اتحادیه عرب با شورای همکاری خلیج فارس و تروریست خواندن حزب‌الله ابراز رضایت کرد. «زیپی لیونی» از این تصمیم استقبال و اعلام کرد اتحادیه عرب تصمیمی درست و عادلانه گرفته اســـت. لیونی ادعا کرد: حزب‌الله سازمانی تروریستی است و این حقیقت قابل مخفی شدن نیست ! همگام با اسرائیل، وزیر دفاع عربستان هم در تماس تلفنی از «احمد الطیب» شـــیخ الازهر به دلیل انتقاد وی از سخنان وزیر خارجه عراق و گروه‌های مقاومت در لبنان و عراق قدردانی کرد. «محمد بن سلمان» پسر شاه عربستان و جانشین ولیعهد در تماس تلفنی با احمد الطیب از موضع الازهر در باره تروریسم و افراط‌گرایی تقدیر و تشکر کرد. از سویی همزمان با تشدید فشارهای عربستان بر لبنان، دو عضو لبنانی داعش نیز در پیامی ویدئویی، ضمن تهدید مقامات لبنان و حزب الله و دعوت از اهل تسنن این کشور به انقلاب، مسیحیان را نیز تهدید کردند. داعش در این پیام مدعی شده اســـت که حزب الله ابزار جنایت در لبنان است. در چنین شرایطی مقامات بحرین نیز به شیعیان لبنانی که مقیم این کشور هستند پیام داده‌اند که باید تا ۲۴ ساعت آینده خاک این کشور را ترک کنند. روزنامه «السفیر» لبنان گزارش داد که این اتباع از یک مذهب خاص (شیعیان) هستند و مهلتی که به آنها داده شده حداکثر ۲۴ ساعت است.

در تحولی دیگر از لبنان دولت لبنان بالاخره طرحی را برای حل بحران زباله که از هفت ماه قبل به وجود آمده است، تصویب کرد. وزیر اطلاع رسانی لبنان پس از نشست دولت که به تصویب طرحی برای حل بحران زباله انجامید، گفت که دو مرکز برای بازیابی و امحای بهداشتی زباله در نزدیکی بیروت ایجاد خواهد شد و سومین مرکز دفن زباله بـــه مدت دو ماه برای جای دادن زباله‌هایی که از ماه ژوئیه انباشت شده است، بازگشایی خواهد شد.

هلاکت ۳۶ مزدور عربستان در حمله نیروهای یمنی به «تعز»

سرویس خارجی: ۳۶ تن از مزدوران عربستان در درگیری با نیروهای ارتش و کمیته‌های مردمی در «الذباب» استان تعز به هلاکت رسیدند.

منابع خبری اعلام کردند، فرمانده گردان چهارم طرفداران «منصور هادی» و همچنین شماری از افسران و سربازان در جمع کشته‌ها هستند. کمیته‌های مردمی همچنین موفق شدند، چندین دستگاه تانک ارتش سعودی را در بازار «الطمام» این منطقه منهدم کنند.

از طرفی، یگان موشکی ارتش یمن یک فروند موشک قاهر ۱ به مواضع مزدوران عربستان در پایگاه هوایی العند در استان لحج شلیک کرد.از سویی، نیروهای ارتش و کمیته های مردمی یمن مناطق «جبل رشا» دراستان مارب را به طور کامل به کنترل خود درآوردند و مناطق «قاع الحمده»، «جرب ثعیل» و «نجد منیف» را نیز پاکسازی کردند.

خبر دیگر اینکه، «شرف لقمان»، سخنگوی ارتش یمن اعلام کرد، ارتش توانست مقر «تیپ ۳۵»، «فرودگاه قدیم»، بازار «بئر پاشا»، باشگاه «الصقر» و تپه «الخوعه» در تعز را از دست عناصر مسلح طرفدار منصور هادی رئیس جمهور مستعفی این کشـــور بازپس بگیرد. در این حال، درگیری‌های شدیدی بین نیروهای گارد کاخ ریاست جمهوری مستعفی یمن در عدن با عناصر جنبش «حراک جنوب» در منطقه اطراف کاخ ریاست جمهوری در منطقه «المعاشیق» درگرفت که به کشته و زخمی شدن شماری از نیروهای طرفین انجامید.

درخبری دیگر، «بلکیس وایل»، محقق سازمان بین‌المللی دیدبان حقوق بشر با انتشار یادداشتی فاش کرد، سازمان ملل به صورت مستقیم از ائتلاف عربی به رهبری عربستان برای بمباران یمن حمایت نظامی کرده است.

کوتاه از سراسر جهان

حمله به دفتر رئیس‌جمهوری کوزوو با کوکتل مولوتف



ایسنا: مهاجمان نقاب‌پوش با کوکتل مولوتف به دفتر «عاطفه یحیی آغا» رئیس‌جمهوری کوزوو که در حال کناره‌گیری از قدرت اســـت حمله کردند. به گفته پلیس کوزوو مهاجمان با شکستن شیشه دفتر عاطفه یحیی آغا، وسیله انفجاری خود را به داخل پرتاب کردند. این تازه‌ترین حمله به ساختمان‌های دولتی است. پیشتر هم با کوکتل مولوتف و تخم‌مرغ به دفاتر مقام‌های ارشد حمله شده بود. مخالفان دولت کوزوو از سپتامبر گذشته روند کار پارلمان را مختل کرده اند و حامیان آن در اعتراض به توافق‌های مرزی صربستان با مونته‌نگرو که به گفته آنها نقض حاکمیت ملی کوزوو است، با پلیس درگیر هستند.

وزیر اول اسکاتلند وعده استقلال از انگلیس داد

تســـنیم: وزیر اول اسکاتلند وعده داد که در تابستان کمپین تازه‌ای برای جدایی از انگلیس راه‌اندازی کند. نیکولا استورجن گفت طی ماه‌های آتی تلاش برای راه‌اندازی کمپین جدایی اسکاتلند از انگلیس را دوباره آغاز خواهد کرد. این درحالی اســـت که حزب ملی اسکاتلند قول داده بود به نتایج همه پرسی استقلال در سال ۲۰۱۴ احترام بگذارد. در نتیجه این همه‌پرسی رای‌دهندگان به ادامه حضور اسکاتلند به عنوان بخشی از انگلیس رای دادند. با این حال وزیر اول اسکاتلند از تمایل خود به منظور متقاعد ساختن اسکاتلندی‌ها در تابستان برای حمایت از آنچه "رویای زیبای استقلال" خواند خبر داد.

اعلام همبستگی کوبا و ونزوئلا در برابر تهدیدهای آمریکا

ایرنا: رئیس جمهوری کوبا و وزیر امور خارجه ونزوئلا در دیدار با هم در هاوانا، در برابر تهدید آمریکا اعلام همبستگی کردند. باراک اوباما رییس جمهوری آمریکا فرمانی را سوم مارس سال جاری میلادی تمدید کرد که بر اساس آن ونزوئلا تهدیدی غیر عادی و خارق العاده علیه امنیت ملی و سیاست خارجی ایالات متحده شمرده می شود. رائول کاسترو در این دیدار دستورالعمل اجرایی باراک اوباما را رد کرد و حمایت بی چون و چرای مردم کوبا را از مردم ونزوئلا و دولت نیکلاس مادورو اعلام کرد.

تظاهرات مردم فرانسه علیه ادامه حالت فوق‌العاده

فارس: صدها نفر از مردم فرانســـه در اعتـــراض به تداوم برقراری وضعیت فوق‌العاده در این کشـــور، در پاریس و شهرهای بزرگ فرانسه تظاهرات کردنـــد و آن را ناقض آزادی و موجب افزایش ترس در جامعه ارزیابی کردند. حدود ۱۳۰۰ نفر در تظاهرات پایتخت فرانسه حضور داشتند و با سر دادن شعارهایی مخالفت خود را با تداوم برقراری وضعیت فوق‌العاده در کشور اعلام کردند. وضعیت فوق‌العاده در فرانسه در پی حملات مرگبار نوامبر گذشـــته پاریس بنا به درخواست دولت و با حکم پارلمان فرانسه برقرار شده است.

اعتراضات گسترده در آلمان علیه سیاست درهای باز «مرکل»

ایسنا: هزاران معترض راستگرا در اعتراض به سیاست‌های درهای باز به سوی پناهجویان توسط آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان در برلین به خیابانها آمدند و شعار «مرکل باید برود» و «ما مردم آلمان هستیم» سر دادند. نزدیک به سه هزار تن با در دست داشتن پرچم و بنرهایی علیه سیاست حمایت از پناهجویان دولت آلمان، اعتراض خود را اعلام کردند. این تظاهرات توسط یک گروه راستگرا به نام «ما برای برلین و ما برای آلمان» برگزار شد که هدف اصلی از برگزاری این تظاهرات، فشار آوردن به مرکل و دولت وی برای دست کشیدن از سیاست خود در برابر پناهجویان است.

تظاهرات میلیونی برزیلی‌ها علیه «روسف»



ایسنا: بیش از یک میلیون تن در اعتراضات گسترده ضددولتی دیروز برزیل حضور داشتند و برکناری رییس‌جمهوری این کشـــور را به دلیل فساد و رسوایی اقتصادی وی درخواست کردند. بزرگترین کشـــور آمریکای لاتین که در ماه اوت میزبان مسابقات المپیک خواهد بود، درگیر بحران شدید اقتصادی و سیاسی است؛ بحرانی که نگرانی‌ها درباره احتمال وقوع درگیری‌های گسترده را دراین کشـــور افزایش داده است. دیلما روسف، رییس‌جمهوری برزیـــل در واکنش به برگزاری این اعتراضات اعلام کرد: خواهش می‌کنم که خشونتی در این اعتراضات صورت نگیرد. من معتقدم که تمام مردم این حق را دارند تا برای اعتراض به خیابان‌ها بیایند با این حال هیچ کس حق راه‌اندازی یا دامن زدن به خشونت را ندارد.

گزارش نهایی دفتر سوانح هوایی فرانسه درباره فاجعه «جرمن وینگز»

فارس: دفتر تجسس و تحقیقات ایمنی پرواز هواپیمایی کشوری فرانسه در گزارش نهایی خود خلبان آلمانی شـــرکت هواپیمایی جرمن وینگز را مقصر اصلی سقوط این هواپیما اعلام کرد و نسبت به انجام معاینات پزشکی منظم خلبانان تأکید کرد. در پی سقوط هواپیمای جرمن وینگز در کوه های آلپ فرانسه در سال گذشته، کارشناسان دفتر تجسس و تحقیقات ایمنی پرواز هواپیمایی کشوری فرانسه در گزارش نهایی خود درباره این فاجعه که منجر به کشته شدن ۱۵۰ نفر شد، نسبت به تقویت کنترل پزشکی خلبانان توصیه کردند.

هلاکت ۲۷ داعشی در درگیری با نیروهای امنیتی افغان

ایرنا: منابع خبری از هلاکت ۲۷ تن از اعضای گروه تروریستی داعش در درگیری با نیروهای امنیتی و انفجار مین در ولایت «ننگرهار» خبر دادند. از سوی دیگر، اداره امنیت ملی افغانستان با بازداشت یک گروه هفت نفری، از حمله انتحاری به مقر استانداری تخار جلوگیری کرد. در چنین شرایطی حامد کرزی، رئیس جمهوری سابق افغانستان ضمن هشدار به پاکستان در مورد حملات مرزی، از مقامات اسلام آباد خواست تا از وخیم شدن روابط بین این دو کشور در پی حملات مرزی جلوگیری کنند.

تروریست‌ها با موشک شهرهای شیعه‌نشین سوریه را گلوله‌باران کردند



سرویس خارجی: گروه های تروریستی تکفیری بار دیگر مناطق شیعه نشین ســـوریه را هدف قرار دادند و شهرهای فوعه و کفریا را با بیش از ۴۰ موشک و خمپاره گلوله باران کردند .

تعدادی از این موشـــک ها و خمپاره ها به یکی از مدارس شهر فوعه اصابت کرد کـــه این حمله موجب زخمی شـــدن شماری از دانش‌آموزان این مدرســـه شد. این حملات موشکی و خمپاره ای در حالی صورت می‌گیرد که در سوریه آتش بس موقتی برقرار شده است، اما گروه‌های تروریستی با نقض مداوم این آتش بس به مناطق شیعه نشین ســـوریه حمله می کنند. شهرهای فوعه و کفریا در استان ادلب محل زندگی ۴۰ هزار تن از شیعیان سوریه اســـت و این دو شهر شیعه نشین از بیـــش از ۱۱ ماه پیش تاکنون در محاصره کامل گروه های تکفیری قرار دارند.

در چنین شرایطی مردم دو شهر شیعه نشین «نبل و الزهراء» در استان حلب ســـوریه که به تازگی حصر چند ساله آنان شکســـته شد، در سالروز شهادت دخت نبی اکرم(ص) عزای فاطمی برگـــزار کردند. این عزاداری، اولیـــن عزاداری مردم دو شهر شیعه‌نشین نبل و الزهراء پس از شکسته شدن محاصره تروریست‌ها بعد از چهار سال بود. محاصره نبل و الزهراء سوم فوریه (۱۴ بهمن ۱۳۹۴) به دست ارتش سوریه و حزب‌الله و نیروهای عراقی به همراهی مستشاران ایرانی شکسته شد.

خبر دیگر اینکه نیروهای ارتش سوریه، مقاومت عراق و حزب‌الله لبنان عملیاتی را در شـــمال استان لاذقیه برای آزادسازی شهرک «کبانی» آغاز کرده و توانســـته‌اند پیشروی چشمگیری در این منطقه داشته باشند و در گام نخست موفق شدند کنترل ارتفاعات جنوب شهرک کبانی را از کنترل تروریست‌ها خارج کنند. در حال حاضر ارتش سوریه همزمان با تسلط بر ارتفاعات حومه شهرک کبانی، با آتش سنگین توپخانه، مواضع تروریست‌ها را در این شهرک هدف قرار می‌دهد. شهرک راهبردی کبانی دروازه ورودی به استان ادلب و شهر جسر الشغور به شمار می‌آید.

در چنین شـــرایطی تلویزیون رسمی سوریه از سقوط یک جنگنده این کشور در حومه استان حما خبر داد. یک مقام نظامی سوریه گفت: این جنگنده از نوع میگ – ۲۱ متعلق به نیروی هوایی سوریه بود که از سوی افراد مسلح مخالف در نزدیکی فرودگاه نظامی در استان حما ساقط شد. این منبع افزود: یکی از خلبانان توانست از جنگنده به پایین بپرد اما افراد مسلح حین پایین آمدنش با چتر او را هدف تیراندازی قرار دادند و این امر به کشته شدن او منجر شد در حالی که خلبان دوم توانست نجات پیدا کند.

در خبری دیگر شـــماری از سوری‌های مقیم هلند برای حمایت از دمشق و دولت حاکم بر سوریه و شخص بشار اسد رئیس جمهوری این کشور تجمع کردند. سوری‌های مقیم هلند با در دست گرفتن پرچم کشورشان، در حمایت از اسد شعار دادند. این افراد همچنین با در دست گرفتن پرچم روسیه، از حمایت این کشور از دمشق در مقابل گروه‌های تروریستی تشکر کردند.

ورود هیات معارضان و دولت به ژنو

تلویزیون سوریه از سفر هیات دولت این کشور به ژنو برای شرکت در مذاکرات صلح خبر داد. تلویزیون سوریه اعلام کرد که هیات دولت این کشور به ریاست بشار جعفری، نماینده دائم سوریه در سازمان ملل، برای شرکت در مذاکرات صلح وارد ژنو شد. قرار است مذاکرات صلح سوریه امروز (دوشنبه) میان هیات دولت سوریه و مخالفان ازسرگرفته شود. همزمان هیات مخالفان سوری هم وارد ژنو شـــد. محمد علوش، مذاکره کننده ارشد هیات مخالفان ســـوری در ژنو ادعا کرد: مرحله انتقالی با برکناری بشار اسد یا مرگ وی آغاز خواهد شد و امکان ندارد این روند با این نظام یا شخصیتی از آن در قدرت آغاز شود.

این درحالی است که نماینده دائم روســـیه در سازمان ملل متحد تأکید کرد، معارضان سوری باید از درخواست برای کناره‌گیری فوری بشار اسد دســـت بردارند. استفان دی میســـتورا فرستاده سازمان ملل به ســـوریه هم گفت: درصورت شکســـت مذاکرات ژنو – ۳ هیچ جایگزینی برای حل بحران سوریه وجود ندارد. وی گفت: طرف هایی که در این مذاکرات شرکت خواهند کرد همان هایی هســـتند که دفعه قبل در آن شرکت کرده بودند. وی بر پایبندی ســـازمان ملل بر لزوم برگزاری انتخابات در سوریه ظرف ۱۸ ماه آینده تأکید کرد و گفت: شـــمارش معکوس برای این روند چهاردهم این ماه آغاز خواهد شد بدون اینکه منتظر پیشرفتی در تشکیل دولت انتقالی یا ایجاد ساختار سیاسی مورد پذیرش همگان باشیم وگرنه خطر به تأخیر افتـــادن این روند تا بی‌نهایت وجود خواهد داشت.

در چنین شرایطی «ولید معلم» وزیر خارجه سوریه در کنفرانسی خبری در دمشـــق، از «استفان دی میستورا» انتقاد کرد و گفت که او حق ندارد برای راضی کردن یک طرف، از واقعگرایی دور شود و حق ندارد برای انتخابات سوریه زمان تعیین کند. وی همچنین اظهار داشـــت: ارتش سوریه پیروز خواهد شد زیرا این ارتش همپیمانان مورد اعتمادی مانند ایران، حزب الله و روسیه دارد و به چین نیز امید بسته است.

در این میان، نمایندگان ترکیه در مذاکرات صلح ســـوریه هشدار دادند اگر کردهای ســـوری در این مذاکرات حضور داشته باشند آنکارا ایـــن مذاکرات را برهـــم می‌زند. «الکسی بورووداوکین» نماینده دائم روسیه در دفتر سازمان ملل و دیگر سازمانهای بین‌المللی در ژنو اعلام کرد که نمایندگان ترکیه هشـــدار داده‌اند اگر هیأت کردهای ســـوریه در مذاکرات صلح ســـوریه در ژنو حاضر شود، آنکارا مذاکرات را برهم می‌زنـــد. بورووداوکین گفت: اما ما خواستار حضور کردها در مذاکرات هستیم و اظهارات نمایندگان ترکیه کاملا غیرقابل قبول و ناپسند است. خبر دیگر اینکـــه «ماریا زاخارووا» ســـخنگوی وزارت امور خارجه روسیه، خواستار اســـتقرار ناظران بین المللی در گذرگاه های مرزی ترکیه – سوریه برای جلوگیری از قاچاق تسلیحات به سوریه و نفوذ تروریست ها و افراط گرایان از طریق ترکیه به این کشور شد.

حمله هوایی ترکیه به مواضع پ.ک.ک در شمال عراق ۶۹ کشته داشت

ســـرویس خارجی: عملیات هوایی ارتش ترکیه علیه مواضع گروه تروریستی پ.ک.ک در شمال عراق به کشته شـــدن دست کم ۶۹ تن از اعضای این گروه منجر شد.

ســـتاد فرماندهی ارتش ترکیه اعلام کـــرد، در این عملیات اهداف از پیش شناسایی شده در پایگاه های پ.ک.ک در مناطق «قندیل»، «متینا»، «هفتانین»، «آفشین» و «باسیان» بمباران شد و در پروازهای شناسایی بعدی از آثار عملیات مشخص شد که تلفات سنگینی به انبار مهمات و پایگاه های پ.ک.ک وارد شد و ۶۹ تن از اعضای پ.ک.ک نیز کشته شدند.از سویی، مقامات ترکیه به منظور مهار اوضاع متشنج در شـــهرهای کُردنشین، در برخی از مناطق استان‌های «هاکاری» و «ماردین» تا اطلاع ثانوی ممنوعیت آمد و شد اعلام کردند.

خبر دیگر اینکه، «رجب طیب اردوغـــان»، رئیس‌جمهوری ترکیه، دادگاه قانون اساســـی این کشور را پس از لغو بازداشت دو روزنامه‌نگار، به سلب مشروعیت تهدید کرد. وی گفت: امیدوارم دادگاه قانون اساسی دیگر چنین اقداماتی را انجام ندهد.

کمک ۱۲۲ میلیون دلاری عربستان به پاکستان پس از حضور اسلام آباد در ائتلاف ریاض

سرویس خارجی:پاکستان پس از آنکه پذیرفت تا عضوی از ائتلاف نظامی عربستان شود و در پی آن نیز در رزمایش موسوم به «رعد شمال» در عربستان شرکت کرد، مشمول اولین کمک عربستان بالغ بر ۱۲۲ میلیون دلار شد. براساس گزارش رسانه های پاکستان، بخشی از این بسته مالی ۱۲۲ میلیون دلاری، کمک بلاعوض خواهد بود.

در تحولی دیگر، وزیر کشور هند در پارلمان این کشـــور گفت: تروریســـم مانعی بزرگ بر سر راه انجام مذاکرات جامع بین اسلام آباد و دهلی نو محسوب می شود. در همین حال، دولت هند در بیانیه ای از فروش جنگنده های آمریکایی اف– ۱۶ به دولت پاکســـتان برای مبارزه با تروریسم انتقاد و اعلام کرد، این کشور با فروش این جنگنده‌ها مخالف است.

این در حالی اســـت که، یک مقام مسئول بخش همکاری فنی– نظامی روســـیه اعلام کرد، قرارداد فروش چهار فروند بالگرد نظامی 'ام. آی ۳۵' به پاکستان تا پایان امسال از سوی مسکو به اجرا درمی‌آید.

تظاهرات گسترده مصری‌ها در اعتراض به وضع نابسامان اقتصادی

سرویس خارجی: مردم اســـتان‌های مختلف مصر در اعتراض به گرانی و افزایش قیمت‌ها و با درخواســـت آزادی زندانیان سیاسی و توقف بازداشت معترضان تظاهرات گسترده ای برگزار کردند.تظاهرکنندگان مصری پس از اقامه نماز جمعه در استان قاهره و مناطق مختلف الجیزه نسبت به افزایش قیمت‌ها تظاهرات کردند. همچنین در شـــهر "العدوه" در استان الشرقیه، زادگاه محمد مرسی، رئیس جمهوری برکنار شده مصر نیز تظاهرات مشابهی برگزار شد و معترضان با در دست داشتن تصاویر مرسی، نسبت به کشتار صدها معترض در میدان "رابعه العدویه" قاهره در جریان کودتای نظامی تابستان ۲۰۱۳ اعتراض کردند.در مناطق "الرمل" و "العواید" در استان اسکندریه و منطقه "برکۀ السبع" در استان منوفیه نیز تظاهراتی در این راستا برگزار شد.خبر دیگر اینکه، یک هیات از حماس با هدف گفتگو درباره مسائل اخیر پیش‌آمده میان این جنبش و مصر، راهی قاهره شد.از طرفی، پس از توهین«احمد الزند» وزیر دادگستری مصر به پیامبر، سخنان وی با واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی و الازهر رو به رو و سرانجام الزند مجبور به عذرخواهی شد. وی همچنین در پی این توهین و به درخواست نخست‌وزیر استعفایش را اعلام کرد.

*** لیبی**

مارتین کوبلر، نماینده ســـازمان ملل در لیبی طی یک بیانیه مطبوعاتی، مذاکرات اعضای هیات مذاکره کننده لیبی و نمایندگان جامعه جهانی در تونس را مثبت و سازنده خواند و اظهار داشت، امیدواریم مذاکرات به نتایج نهایی برسد و لیبی جایگاه خود در جامعه جهانی را باز یابد.این در حالی است که یک منبع نظامی در لیبی تاکید کرد، درگیری‌های شدیدی دوباره میان ارتش لیبی و نیروهای داعش و گروه‌های مسلح وابسته به آن در محور غربی شهر بنغازی شکل گرفته است.در همین حال، هماهنگ کننده سازمان ملل در امور بشردوستانه در لیبی خواستار توقف درگیری و نیز خروج ایمن شهروندان لیبیایی از مناطق درگیر شهر بنغازی شد تا نیروهای امدادرسان بتوانند وارد این مناطق شوند. در تحولی دیگر، پس از آنکه «ابو المغیره القحطانی» یکی از سرکردگان داعش براثر بمباران یک پهپاد آمریکایی کشته شد، یکی دیگر از سرکردگان گروه تروریستی داعش در لیبی که خود را امیر داعش در این کشور می‌خواند، تهدید کرد که به ایتالیا حمله خواهیم کرد.

*** مغرب**

میلیون ها تن از مردم کشـــور آفریقایی مغرب در اعتراض به سخنان دبیرکل سازمان ملل که بخشی از کشور مغرب را اراضی اشغالی دانسته بود، به خیابان ها آمدند .

شکست سنگین ترامپ در انتخابات درون حزبی ایالت های «واشنگتن» و «وایومینگ»

ســـرویس خارجـــی: «دونالد ترامپ»، نامزد جنجالی کاندیداتوری جمهوریخواهان برای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا دو شکست سنگین را در دو ایالت واشنگتن و وایومینگ تجربه کرد.

«مارکـــو روبیـــو» ســـناتور جمهوریخواه و از رقبـــای «دونالد ترامپ» موفق شد در انتخابات درون حزبی جمهوریخواهان در «واشنگتن دی سی» پیروز شود. روبیو با کسب ۳۷٫۷ درصـــد از آراء از دیگر رقبای خود پیشی گرفت و موفق شد حمایت ۱۰ نماینده ایالتی را به دســـت آورد. «جان کیسیچ» نیز با کسب ۳۵٫۵ درصد از آراء در جایـــگاه دوم قرار گرفت و توانست حمایت ۹ نماینده ایالتی را به دست آورد. «دونالد ترامپ» که تاکنون در اکثر انتخابات درون حزبی جمهوریخواهان پیشتاز بود، جایگاه سوم را کسب کرد و «تد کروز» نیز در جایگاه چهارم قرار گرفت.

همچنیـــن ترامپ شکســـت ســـنگینی را در رقابت‌هـــای ایالت وایومینگ متحمل شد. در این ایالت «تد کروز» با کسب ۶۶.۳ درصد از آراء موفق به شکست رقیبان شد و روبیو با کسب ۱۹.۵ درصد در جایگاه دوم در این ایالت قـــرار گرفت. ترامپ فقط ۷.۲ درصـــد از آراء این ایالت را به دســـت آورد و سوم شد. با این حال، بن کارسون جراح معروف که نتوانست در رقابت های درون حزبی جمهوریخواهان موفقیت چندانی به دست آورد، با اعلام انصراف از ادامه رقابت هـــا از دونالد ترامپ حمایت کرد و به نفع وی کنار رفت. از سویی، سخنرانی ترامپ در شهر «دایتون» بعد از آنکه وی احســـاس خطر کرد و محافظانش روی صحنه آمدند، برای لحظاتی مختل شد.

ســـخنرانی ترامپ در شیکاگو نیز به دلیل اعتراضات گسترده علیه او، لغو شـــد. خبر دیگر اینکه، باراک اوباما کاندیداهای ریاست‌جمهوری را نصیحت کرد و از آنها خواســـت، برای به دست آوردن آرای بیشتر به دامن زدن اختلافات نژادی و مذهبی و اســـتفاده از ادبیات نامطلوب روی نیاورند. از دیگر سو، رئیس پارلمان اروپا با انتقاد شدید از ترامپ گفت: ریاست جمهوری او به ضرر آمریکا و اروپا خواهد بود. «مارتین شولتز» افزود، «ترامپ» متعلق به قشری است که در همه موضوع ها ســـینه سپر می کنند اما هرگز راه حلی قطعی ندارند. در همین راستا، هیلاری کلینتون با انتشار بیانیـــه ای در مورد هجوم معترضین به همایش انتخاباتی طرفداران ترامپ در شیکاگو گفت: باید به خشم مردم آمریکا توجه کنیم. وی افزود، سخنان تفرقه آمیزی که می شـــنویم موجب نگرانی شدید می شود.



درگیری و تظاهرات در شیکاگو سخنرانی ترامپ را لغو کرد

حضور ترامپ در شـــهر شیکاگو، این شهر را به صحنه تظاهرات خیابانـــی و درگیری بین حامیان و مخالفان وی تبدیل کرد و منجر به لغو ســـخنرانی او شد. قرار بود ترامپ در این شهر سخنرانی انتخاباتی داشته باشد، اما درگیری‌ها موجب شد تا وی نتواند در محل سخنرانی حضور یابد و به ناچار برنامه را «به دلیل نگرانی‌های امنیتی» لغو کرد. در جریان این اعتراضات، اوضاع در محل سخنرانی به قدری متشنج شد که کار به زد و خورد بین طرف‌ها کشید و شماری از معترضان هم تلاش کردند تا خود را به پشت تریبون برسانند.

اجتماعی ۲۵۸

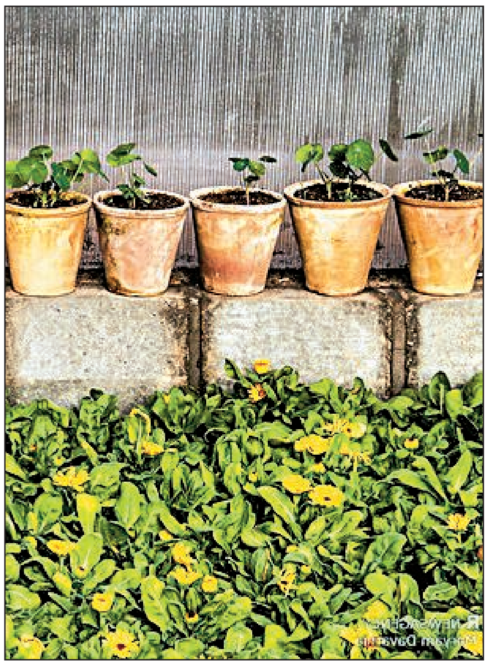
دوشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۴
سال نودم ـ شماره ۲۶۴۰۰

ضمیمه اجتماعی روزنامه اطلاعات

آب و آتش و باد و خاک در کار تدارک «بایرام»

بایرام از جمله اعیاد بزرگ مردم اردبیل است که با رسوم خاصی برگزار می‌شود.رسم قدیمی چهارشنبه با هدف احیای آداب نوروز یکی از رسوم خاص است.به گزارش مهر، در تقویم فولکلور مردم منطقه آذربایجان زمستان به تعبیری با اتمام بهمن به پایان می‌رسد. در این تقویم که بر اساس احوالات طبیعت نوشته شده است، ۱۷ روز مانده از پاییز «کل وز» آغاز می‌شود و با فرارسیدن آن گفته می‌شود «کل وز گلدی، گش گلدی» در واقع فرارسیدن کل وز به معنی فرارسیدن زمستان است.

در صفحات۴و۵ بخوانید



یادداشت

جشنی با شوق کودکانه

وجیهه تیموری

آدم‌ها بزرگ که می‌شوند، یک جورهایی فلسفی می‌شوند. غمگین می‌شوند. نوستالژیک می‌شوند. نه این که مد باشد، روشنفکر طور باشد، ژست باشد، نه! ناخودآگاه این درجه از معرفت نصیب‌شان می‌شود. انگار روزگار عادت دارد کاری کند که هی به پشت سرت نگاه کنی و دنبال گمشده ای بگردی که نمی‌دانی چرا می‌خواهی پیدایش کنی و دستش را بگیری و بیاوری به روزگار خودت، ولی اصرار داری دنبالش بگردی. غم شیرینی دارد به کودکی برگشتن و هی لابلای خاطراتت، به نداشته‌هایت فکر کنی و با افتخار بگویی چه قدر خوش بودیم. از اول سال و نوروز و سال تحویل و هفت سین و عیدی گرفتن و سیزده به در بگیر تا تعطیلی مدارس خرداد و سه ماه تعطیلی‌های کش داری که شهریورهایش گره می‌خوردند به بوی پاییز و ماه مهری که سنجاق شد به کلاس و کتاب و شب یلداهای به رنگ انار و چهارشنبه سوری‌های پر از لباس‌های دود زده و صورت‌های سرخ کنار آتش و دوباره شب عید بعدی. همه شان انگار توی همان کودکی قشنگ تر هستند.

انگار با این که نمی‌دانستیم چرا باید چهارشنبه سوری‌ها را جشن بگیریم و پدرها و مادرهایمان هم نمی‌رفتند توی اینترنت و کتاب و مجله دنبال فلسفه آن بگردند، اما بلد بودیم چگونه شادی کنیم و خاطره‌ای از آن شب بسازیم که سال‌های سال، از یادآوری اش دلمان غنج برود.

همه قدیمی ها نمی‌دانستند چرا باید بوته‌های خشک را بسوزانند. کنار آتش شعر بخوانند و آجیل توی ملاقه قاشق زنی که چادرسیاه سر کرده و پشت در است بریزند. دختر وپسرها هم نمی‌دانستند چرا آن شب حواسشان را جمع می‌کنند تا با شیطنت حرف بزنند تا فالگوش‌های نیت کرده پشت دیوار با شنیدن آن حرف‌ها، صدای خنده‌شان از تعبیر فالشان به هوا بلند شود.

خوش به حال ما که رسم‌ها و سنت‌های پدر و مادرهایمان، برایمان کودکی‌هایی ساخت که مثل مزه آب نبات خیس خورده زیر زبان آدمی همیشه شیرین است، مثل عطر سمنو و سبزه توی اتاق نم زده از خانه تکانی، تازه و پرطراوت است.

کودکی های ما چهارفصل داشت. بهارش با تابستان و پاییز و زمستان فرق داشت. روزها و آسمانش، یکرنگ نبود. فقط نمی‌دانم چه دردی به جانمان افتاد که دست این همه خاطره را گرفتیم و کشیدیم به روزگاری که نه شوق کودکانه برای عید داریم و نه طرز جشن گرفتن و شادی کردن دسته جمعی بلدیم . یکی نیست بگوید چه کاری بود که کوپه‌های آتش وبوته و شعله را جمع کردید و به جایش ترقه چینی و بنزین و اکلیل سرنج آوردید؟ چرا شادی بی خطر را در برابر عقل و قانون قرار دادید تا خطر و سانحه و درد و سوختگی جای آن همه خاطره پر خنده را بگیرد؟ بعد هم که نسل استدلال و عقلانیت امروز جلویتان ایستاد تا بگوید این چه گونه جشنی است که هرپدر و مادری را وا می‌دارد به فرزندش بگوید مبادا امشب بیرون بمانی، همه جا خطرناک است، با جانت شب عیدی بازی نکن، آن قدیم‌ها بود که چهارشنبه سوری، چهارشنبه سوری بود، الان چهارشنبه سوزی است! در بمانید که چرا به راستی دیگر این شب‌های عید شبیه قدیم‌ها نیست.اصلا بیا و دوباره دست خودت و خانواده و فرزندانت را بگیر و ببر به عقب. به همان سال‌ها که نمی‌دانستی چرا باید آتش درست کنی و شبی بسازی روشن و سرخی بطلبی به نشانه سلامتی و زردی به آتش بدهی برای دفع بلا و رنجوری. اما هرچه می‌کردی شادتر بودی در واپسین سه شنبه سال.

بیا و از امروز پرت شو به دو سه دهه پیش و به نسل امروز نشان بده گاهی باید مثل نیاکان به سنت‌ها نگاه کرد. همه چیز را نباید کشید و کشاند تا امروز. کشته می‌شوند. خراب می‌شوند. بعضی جشن‌ها و سنت‌ها را باید مثل یک چینی گلدار، گردگیری اش کرد، مراقبش بود و لب پرش نکرد ولی از پستو درآورد و روی رف گذاشت و پدر به پسر و نسل به نسل و دست به دست سپرد تا هیچ فصلی از عمر کسی، خالی از خاطره‌های خوش نگذرد.

چهارشنبه سوری در آمدی بر بهار



کمپین «نه» به چهارشنبه سوزی، میان مردم مشغول تبلیغات است تا شاید آخرین هفته سال با آخرین خاطره تلخ سال تمام نشود. مردم به صورت خودجوش و کاملا فرهنگی، سعی دارند برای برپایی و حفظ جشن چهارشنبه سوری و سنت دیرینه ایرانی، دست به دامان همان سنت شوند و از تحریف و ابداعاتی که مدرنیته در آیین چهارشنبه سوری ایجاد کرده است، فاصله بگیرند.

استفاده از انواع مواد آتش زا و به آتش کشیدن طبیعت، اموال عمومی و صدمه رسیدن به بسیاری افراد در این شب، موجب شده است نه تنها، این جشن، عمومی و مردمی برگزار نشود حتی برپایی آن علیه قانون و نوعی هنجارشکنی به حساب آید. عقلانیت نسل نو نیز نمی پذیرد که نیکان فرهیخته او «جنگ» با جان انسان ها و طبیعت را «جشن» استقبال از بهار قرار می داده‌اند.

نه به چهارشنبه سوزی، یعنی همین. یعنی به خودمان و نسل نو یادآوری کنیم که چرا، آخرین روزهای سال، جشنی برپا می شده است که بنیانش آتش بوده است و چه گونه فرهنگ ایرانی این آتش را زنده و گرم نگه داشته است؟

جشن آتش‌ها

بنابر نظر دکتر میرجلال‌الدین کزازی، شاهنامه پژوه، جشن و آیین چهارشنبه‌سوری، جشن استقبال از بهار است که ایرانیان در شب واپسین چهارشنبه سال یا سه‌شنبه شب آخر سال،برپا می دارند.

وی در گفتگو با رسانه‌ها بیان داشته است: آیین چهارشنبه‌سوری، در شمار جشن‌های مردمی است نه جشن‌های دیوانی و رسمی و بر پایه نشانه‌ها و نمادهایی که در این جشن دیده می‌شود می‌توان بر آن بود که این جشن پیشینه‌ای کهن دارد.

کزازی آتش را برترین نشانه و نمادی می داند که گویای دیرینگی این جشن است و از آنجا که بسیاری از جشن‌های ایرانی به گونه‌ای با آتش در پیوندند، بهتر است از آن ها با عنوان جشن‌های آتش یاد شود و برترین جشن‌های آتش، جشن سده است که هنوز هم گونه‌ای برگزار می‌شود و حتی جشن بزرگ و فراگیر نوروز نیز پیوندی تنگ با آتش، گرما و روشنایی دارد.

ادامه در صفحه۷

مقاله ویژه

سارا سلطانی

کلاهبرداری‌های مجازی سفر را بشناسیم

رئیس جامعه گردشگری الکترونیکی ایران نسبت به افزایش تعداد سایت‌های نامعتبری که خدمات گردشگری عرضه می‌کنند، هشدار داده است.

به گزارش ایسنا، افزایش تعداد این سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی با انتشار قیمت‌های جذاب و وسوسه‌برانگیز و البته ارزان‌تر از محصولات دفاتر خدمات مسافرتی سبب گرایش بسیاری از مردم به این سایت‌های اینترنتی و حتی تبلیغ در شبکه‌های اجتماعی و دهان به دهان شدن آن‌ها شده است.

حسن تقی‌زاده انصاری ادامه می دهد: پیدا کردن سایت‌های فروش خدمات تور اصلا کاری ندارد. فقط کافی است یکی از واژه‌های کلیدی مربوط به سفر را در اینترنت جست‌وجو کنید تا با انبوهی از این سایت‌ها روبه‌رو شوید، سایت‌هایی که معمولا لوگو یا مجوز خاصی روی صفحه‌های خود ندارند و فقط یک نام زینت بخش صفحه آنها است. البته این روزها برخی آژانس‌ها برای این‌که در این رقابت نابرابر، از قافله عقب نمانند، سایت‌هایی به نام آژانس خود راه‌اندازی کرده اند و خدمات آنلاین ارائه می‌کنند.وی بیان می کند: خرید خدمات مسافرتی مطمئن در اینترنت نیازمند آگاهی است که با گسترش روزافزون اینترنت، متاسفانه سوءاستفاده و فریب‌های الکترونیکی نیز افزایش یافته است. چه بسیار افرادی که اطلاعات و مدارک شخصی یا پول خود را از این طریق از دست داده‌اند.



او درباره نحوه تشخیص مجاز یا غیرمجاز بودن این سایت ها نیز توضیح می دهد: کاربران و استفاده‌کنندگان اینترنت در صورت تمایل به خرید آنلاین یا الکترونیکی خدمات مسافرتی، تور، بلیت قطار، گرفتن روادید، رزرو هتل و بلیت مراکز تفریحی باید نکات اساسی را برای خرید مطمئن و امنیت در دنیای دیجیتال رعایت کنند. نخست باید مطمئن شوند که آن سایت، معتبر است که می‌توان از لوگوی بانک‌ها و نیز سایت‌های مرتبط و نیز وابستگی سایت به موسسات و تاسیسات گردشگری دارای مجوز سازمان میراث فرهنگی و گردشگری یا سازمان هواپیمایی کشوری که در این سایت‌ها درج می‌شود، متوجه این موضوع شد.

ادامه در صفحه۶

حملات سایبری و اقدامات پدافند غیر عامل

امروزه فاصلـــه میان دنیای مجازی و دنیای واقعی به سرعت در حال کاهش است که به نوبه خود می‌تواند، عاملی برای افزایش اهمیت هرگونه نزاع در فضای سایبر باشد. بر این اساس در میدان نبرد سایبر می‌توان دو گونه از اهداف اصلی شامل اهداف فنی و اهداف روانی را شناسایی کرد. در گروه اهداف فنی، اهداف اصلی حملات سایبری، شبکه‌های حیاتی هستند.

اهداف روانی حملات سایبری را نیز می‌توان



در دو گروه عمده دسته‌بندی کرد. اهداف روانی گروه اول عمدتاً ناشـــی از موفقیت حمله علیه اهداف فنی بوده و بـــه نوعی یک جنگ روانی محسوب می‌شوند. در این گروه، عاملان حمله فنی، برتری و موقعیت خود را به رخ کشـــیده و جایگاه خود را بدین گونه تثبیت می‌کنند. گروه دوم جنگ سایبر اشاره به فعالیت‌هایی دارد که اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

*تبلیغات و گسترش ایده‌های خاص یک ملت، گروه یا شخص از طریق رایانه و شبکه‌ها.

*جمع‌آوری هزینه‌ها و مبالغ جنگ، تفاهم و دشـــمنی یک ملت، گروه یا شخص از طریق شبکه‌ها.

*بالا بردن هزینه دفاع از طریق کاهش آستانه مقاومت مردمی و استفاده عملیاتی و جمع‌آوری اطلاعات.

*هماهنگی فعالیت‌ها و اعمال فرماندهی و کنترل از طریق رایانه و شبکه‌های رایانه‌ای.

فضای سایبر یک نوع اجتماع و همسایگی بزرگی اســـت که میلیون‌ها رایانه و کاربر را در سراسر جهان به هم می‌پیوندد. امروزه فعالیت‌های بسیاری از زیرساخت‌های حیاتی هر کشوری به فنّاوری رایانه و فضای مجازی وابسته است.

مالکیت فناوری در حوزه سایبری در اختیار حریفان اســـت و خروج از این وضعیت نیاز به تجهیزات بومی شده (از لحاظ سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) دارد. نیل به این هدف، زمان می برد و بهترین راهکار دفاع در برابر حملات سایبری، دفاع غیرعامل به نظر می‌رسد.

عوامل مؤثر بر تهدیدات سایبری

الف ـ عـــدم آگاهی و دانش کافی کاربران:
آگاهـــی و آموزش کاربـــر در رابطه با حفظ و نگهداری اطلاعات موجود در ایســـتگاه کاری برای کاربران فضای مجازی اهمیت فراوانی دارد و این از اصول اولیه امنیت کاربران محســـوب می‌شـــود. کاربران دو دسته اند: کاربران عمومی و کاربران متخصص؛ عـــدم آگاهی و دانش در کاربران عمومی منجر به از دست دادن اطلاعات شخصی و خانوادگی و گاه پرداخت هزینه‌های سنگین می‌شود.

منظور ازکاربران متخصص افرادی هستند که مســـئولیت نگهداری از شبکه و زیرساخت در ســـازمان‌ها را به عهده دارند. همچنین افراد متخصصی که در زمینه تخصصی خود به ناچار می‌بایست از فناوری اطلاعات استفاده کنند، مثل پژوهشگران ، صنعتگران، دانشجویان و ... جزو کاربران متخصص محسوب می‌شوند.

ب ـ نبود زیرســـاخت و تجهیزات بومی:
امنیت فنـــاوری اطلاعات به عنـــوان یکی از شریان‌های اصلی در حوزه ICT مطرح است که با توجه به رشد فناوری و به ویژه فناوری اطلاعات در کشور نیاز به توسعه آن احساس شده و به نظر می‌رسد که در سال‌های آتی به عنوان اصلی‌ترین حوزه تخصصی ICTمطرح شود.

رشـــد فناوری اطلاعات و ارتباطات بدون توجه به مقوله امنیت اطلاعات امکان‌پذیر نیست و عدم توجه به این مقوله، ضررهای جبران‌ناپذیری بر پیکره فناوری اطلاعات کشور وارد می‌سازد که اخیراً شاهد بروز مشکلاتی در این حوزه هستیم. در این راســـتا، رویه‌های اجرایی مدونی در دنیا مطرح شـــده که نیاز است در کشور بومی‌سازی شود. زیرا هرچه جلوتر می‌رویم، وابستگی مردم به خدمات الکترونیک بیشتر و از طرفی وابستگی زیرساخت‌های ســـرویس‌دهندگان به صاحبان اصلی فنّاوری این صنعت در خارج از کشور نیز بیشتر خواهد شد.

دفاع غیرعامل به عنوان یکی از مؤثرترین و پایدارتریـــن روش‌های دفاع در مقابل تهدیدات همواره مدنظر اکثر کشورهای جهان بوده و حتی کشورهایی مانند آمریکا و شوروی سابق، با وجود برخورداری از تـــوان نظامی، به این موضوع به صورت ویژه نگریسته اند و کشوری مانند سوئیس با وجود بی‌طرفی در دو جنگ جهانی و مواجه نبودن با تهدید، به این موضوع توجه بســـیاری دارد.

ماهیت تهدیدات سایبری

تهدیدهای سایبری از ماهیتی متنوع، گسترده و منحصر به فرد برخوردار هستند. متنوع از آن رو که این تهدیدها تمامی حوزه‌های زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده‌اند و در نتیجه عدم امنیت در فضای سایبری بسیار بالاست. گستردگی نیز از آن رو که نه فقط بازیگران دولتی، بلکه شرکت‌های خصوصی، گروه‌ها و افراد را نیز درگیر خود کرده است و منحصر به فرد بودن نیز بدین دلیل است که ماهیت این تهدیدها متمایز از تهدیدهای سنتی و رایج گذشـــته است که البته این ویژگی بیشتر دولت‌ها و درک آن‌ها از تهدیدها را تحت تأثیر قرار داده است.

حال با وجود شناخت مختصری از تهدیدات و اینکه حملات سایبری مشمول عموم جامعه می‌شود می‌توان به برخی اقدامات پدافند غیرعامل اشاره کرد:

۱ـ اطلاعات شـــخصی را نباید در داخل کامپیوتر، لب‌تاب و حتی گوشی نگهداری کرد و در صورت لزوم، از فلش و یا هاردهای خارج از کیس استفاده کرد و روی آن توسط خود ویندوز کد امنیت گذاشت.

۲ـدر کامپیوترها حتماً از آنتی‌ویروس استفاده شـــود و در صورت امکان از آنتی‌ویروس‌های داخلی استفاده کرد.

۳ـ تمامی اجزا کامپیوتر از یک شرکت و یا یک کشور جمع‌آوری نشود.

۴ـ از مراجعـــه به ســـایت‌های غیرمعتبر خودداری شود.

۵ ـ دادن آموزش‌های لازم در این خصوص توسط رسانه‌های ملی به مردم الزامی است.

۷ـ دیدن آموزش‌های تخصصی افراد دولتی و کارمندان حیطه فناوری اطلاعات توسط سازمان پدافند غیرعامل ضروری است.

۸ـ اجـــری مانورهای داخل با حضور کلیه سازمان‌های دولتی برای شناخت نقاط ضعف، لازم است.

۹ـ حمایت مســـئولان دولتی و نهادهای قانون‌گذار از طرح‌های پدافند عامل بیشتر شود.

۱۰ـواحد پدافند غیرعامل در کلیه سازمان‌ها ایجاد شود.

محمود خوش‌بین منفرد
کارشناس پدافند غیرعامل

از مادری تا مادری اجتماعی

خبرگزاری های رســـمی، اواســـط آبان امسال از قول فاطمه دانشـــور– رئیس کمیته اجتماعی شورای شهر تهران اخباری مبنی بر تأیید و تأکید خرید و فروش نوزادان در اطراف برخی بیمارستان‌های جنوب تهران به دلیل بیماری‌های مختلف و با قیمتی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان منتشر کردند.طبق اظهارات فاطمه دانشور، خانم‌های کارتن خواب و زنان روســـپی به هنگام زایمان در برخی از بیمارستان‌های جنوب و مرکز شهر، پس از به دنیا آمدن نوزاد با دریافت ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان بچه خود را می‌فروشند. نوزادانی که توسط مادران معتاد و کارتن‌خواب متولد می‌شوند توسط باندهای مختلف اعم از متکدیان خریداری می‌شوند که به دلیل بیماری‌های بسیار این کودکان و عدم نگهداری صحیح، این بچه‌ها هم عمر زیادی ندارند. سازمان بهزیستی نیز با وجود تماس مکرر مددکاران بیمارستان‌های مدنظر و با این که متولی اصلی این امر است، اقدام خاصی برای ورود به این موضوع و جلوگیری از فروش نوزادان انجام نداده است.

فرحناز رافع، رئیس سازمان داوطلبان هلال احمر نیز در گفتگویی، نسبت به کرایه روزانه ۱۵ هزار تومانی اطفال برای گدایی و فروش آنان به قیمت دو میلیون تومان ابراز تأسف کرد.

هرچند انتشار اخباری از این دست که متأسفانه کم هم نیستند، نتوانست متولیان و سازمان‌های عدیده دولتی را برای مواجهه و رفع این آسیب‌ها به میدان عمل جدی بکشاند، ولی «وجدان اجتماعی» را برآشفت تا در مقابل آن عرض اندام کند.

یکی از این مقابله ها و چاره اندیشی‌ها با این واقعیت اجتماعی تلخ، نشست پژوهشی «از مادری بیولوژیک تا مادری اجتماعی» بود که با حضور خانم زهرا موحیدن در موسسه رخداد تازه اندیشه برگزار شد.

***نقل تجربه**

توضیحات زهرا موحدین، فعال حوزه آســـیب‌های اجتماعی و مادر اجتماعی ۱۷ فرزند پسر، از این روی که روایتی کاربردی و عملی



از این معضل است، می تواند قابل توجه باشد.

وی که پس از کســـب تجربه همکاری با سازمان بهزیستی به صورت مستقل به تأسیس موسسه نگهداری از کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست اقدام کرده است، می گوید: کار خود را با سرپرستی دو پسر آغازکردم که یکی از آنها ازدواج کرده است ودیگری درحال گذراندن دوران سربازی است .این فعال حوزه آسیب‌های اجتماعی تاکید می کند:افرادی که علاقه مند به حضور در این عرصه‌ها هستند باید شناســـایی و درک درستی از معضلات، خواست‌ها، تمایلات و مشکلات روحی و جسمی این کودکان داشته باشند تا بتوانند نقش مادری اجتماعی را برای آنان ایفا کنند.

به اعتقاد وی این کودکان زاییده معضلات جامعه هستند و اغلب در خانواده شان مشکلات عدیده‌ای مانند مصرف مواد مخدر توسط والدین، خشونت کلامی و جنسی، کار اجباری و... را تحمل می کنند. بنابراین باید تلاش بسیار زیادی کرد تا بتوان این کودکان را به وسیله «باز جامعه پذیری» به سمت و سوی هنجارها و عرف‌های جامعه روانه کرد و نمی‌توان انگیزه‌هایی مانند علاقه‌مندی به داشتن فرزند یا انجام کار خیر را عامل کافی برای این امر و این نوع فعالیت‌ها دانست.

کار در این حوزه در واقع، فعالیت در راســـتای برهم زدن نظام «قدرت» و بازتعریف نحوه مواجهه با این آســـیب اجتماعی است و نیازمند نگاهی دوباره به جایگاه، نقـــش و عمل یک مادر فارغ از بیولوژیک و مشارکت سازمان‌ها و نهادها در بازتولید آن.

فارغ از صحبت های فعالان این حوزه، جا دارد این پرسش مطرح شـــود که مفهوم «قدرت» فوکویی چرا و چگونه به بازتولید دوباره و دوباره یک آسیب اجتماعی، مفاهیم بیولوژیکی و درک ما از واژه مادر می‌پردازد؟

زیرا این تعاریف گفتمان مســـلط در جامعه را می‌سازد و پیش فرض «مادر بیولوژیک به طور غریزی می‌داند چه باید بکند» را وضع طبیعی می‌داند ولی افـــرادی تلاش می کنند تا در برابر این بازتولید مقاومت کنند و بگویند که می‌توان به گونه دیگری هم نگریست.

سید محمود حایری

مطالب اجتماعی و نظرات خود را برای ما ارسال کنید
روی پاکت نامه بنویسید: مربوط به ضمیمه اجتماعی
ایمیل ضمیمه اجتماعی روز نامه اطلاعات (ویژه خوانندگان)
zamimeh @ gmail.com شماره تماس: ۲۹۹۹۴۵۸۱



حال را دریابید

زندگی کردن در زمان حال چندان ساده نیست. ممکن است درگیر گذشته و آینده شوید، ولی هیچ اشکالی ندارد. فقط کافی است آن را تشخیص دهید و خیلی زود خود را از آن بیرون بکشید. همین باعث می‌شود حالتان بهتر و آرام‌تر شود. در این مورد هم مثل بقیه چیزها، ایده‌آل‌گرایی باعث ایجاد اضطراب و خودخوری می‌شود. پس سعی کنید کم‌کم خودتان را به این سبک زندگی کردن عادت دهید و زیاد سخت نگیرید. مهم این است که پشتکار داشته باشید و به تدریج کمتر و کمتر به عادت‌های سابقتان برگردید.

به گزارش سلامت نیوز، احتمالاً نوشته‌های زیادی درمورد زندگی کردن در زمان حال و این که چطور می‌تواند کمکتان کند، خوانده‌اید. امروز می‌خواهیم هفت فایده شگفت‌آور زندگی در زمان حال را برایتان عنوان کنیم. البته خیلی از این فواید به هم مرتبط هستند.

خوب است این را هم بگوییم که زندگی کردن در زمان حال قرص جادویی نیست که همه مشکلاتتان را برطرف کند. این هم مثل ورزش منظم، به طرق مختلف به مرور کمکتان می‌کند.

۱-مهارت‌های اجتماعی‌تان را تقویت می‌کند

وقتی شروع به تجربه زمان حال کنید، این یکی از اولین چیزهایی است که متوجه‌اش می‌شوید. اگر حس می‌کنید در برخورد با آدم‌ها، عصبی یا خجالتی هستید یا نمی‌دانید چه باید بگویید، این راهکار خوبی است.

وقتی در زمان حال زندگی کنید، ذهنتان دیگر مملو از اتفاقاتی که در گذشته افتاده (وقتی فلان چیز را گفت منظورش چه بود؟) یا اتفاقاتی که در آینده خواهد افتاد (اگر فلان چیز را بگویم چه فکر خواهند کرد؟) نخواهد بود. خودآگاهی‌تان را کنار بگذارید.

همین جا هستید و توجهتان دقیقاً روی فردی که مقابلتان است و با او صحبت می‌کنید متمرکز می‌شود. در چنین وضعیت ذهنی، باید وانمود کنید این فرد یکی از نزدیک‌ترین دوستانتان است و با آن چارچوب ذهنی با او حرف بزنید. وقتی با دوست صمیمی‌تان هستید، مطمئناً به چیزی که در آینده اتفاق می‌افتد یا برداشت او از حرفتان فکر نمی‌کنید. فقط از مکالمه‌تان لذت می‌برید و همان لحظه که با او هستید برایتان مهم است.

زندگی کردن در زمان حال مهارت گوش دادنتان را هم تقویت می‌کند. عادت بد فکر کردن به آینده و اینکه در جواب او چه باید بگویید را هم از بین می‌برد. این باعث می‌شود روی حرف طرفتان بیشتر تمرکز داشته باشید و با زبان بدنتان انرژی بسیار مثبت به او منتقل کنید که بفهمد واقعاً حرف‌هایش شنیده می‌شوند.

زندگی در زمان حال تمرکزتان را هم تقویت می‌کند تا بتوانید بهتر از پس وقفه‌ها و چیزهایی در محیط پیرامونتان که باعث پرت شدن حواس می‌شود، برآیید.

۲-خلاقیتتان را بالا می‌برد

اگر نویسنده یا هنرمند هستید یا کارهای خلاقانه دیگری انجام می‌دهید، متوجه خواهید شد که وقتی زیاد فکر نمی‌کنید، ذهنتان بازتر می‌شود و الهامات بیشتری به سراغتان می‌آید. وارد وضعیتی می‌شوید که ایده‌هایی نو، بدون اینکه بدانید چطور، به ذهنتان می‌رسد.

این مورد تقریباً شبیه به مورد اول است. از این جهت که وقتی مثلاً نویسنده هستید و چیز می‌نویسید، این شبیه به یک مکالمه است. وقتی در مکالمه یا نوشته حضور داشته باشید، همه چیز خیلی بهتر از زمانی که خیلی جلوتر از خودتان یا پشت سرتان را می‌بینید پیش خواهد رفت. با فکرکردن به گذشته و آینده فقط موانع ذهنی برای خودتان ایجاد می‌کنید که خلاقیتتان را نابود می‌کند.

۳-کمک می‌کند بیشتر قدردان زندگی‌تان باشید

یکی از بزرگترین مزیت‌های زندگی کردن در زمان حال این است که میزان تمایل به تحلیل کردن‌ها و برچسب زدن‌ها به آدم‌ها و مسائل در شما کم می‌شود. دیگر به اندازه گذشته قضاوت نخواهید کرد.

شاید به نظرتان عجیب برسد ولی وقتی در زمان حال زندگی می‌کنید، زندگی عادی برایتان جذاب‌تر و جالب‌تر می‌شود. رنگ‌ها روشن‌تر به نظرتان خواهند رسید. سرزندگی بیشتری در گیاهان، طبیعت و آدم‌ها می‌بینید. شگفتی همه تکنولوژی‌های ساخته دست بشر را بهتر درک می‌کنید و چیزهایی که همیشه به نظرتان عادی و روزمره می‌آید، جالب می‌شود. مثل این می‌ماند که با روشنی و کنجکاوی بیشتری به دنیا نگاه کنید. انگار دوباره بچه شده‌اید و دوست دارید همه چیز را کشف کنید.

۴-استرس‌تان را خالی می‌کند

وقتی در زمان حال زندگی می‌کنید، آرامش و تمرکز خاصی درونتان به وجود می‌آید. اگر در طول یک روز عادی استرس داشته‌اید، یکی از بهترین راه‌ها برای ایجاد این آرامش درونی یک یا دو دقیقه تمرین تنفس عمیق است.

این تمرین نه‌تنها جسمتان را آرام می‌کند، بلکه تمرکز بر دم و بازدم‌ها ذهنتان را هم از گذشته و آینده دور و روی زمان حال متمرکزتان می‌کند.

۵-نگرانی‌هایتان را کمتر کنید و فکر کردن افراطی را از شما دور می‌کند

اگر از آن دسته آدم‌هایی هستید که قبل از اینکه کاری انجام دهند، بیش از اندازه به همه چیز فکر می‌کنند، زندگی کردن در زمان حال بهترین راه چاره برای این عادتتان خواهد بود. البته منظورمان این نیست که دیگر آن عادت فکر کردن را نخواهید داشت، همین که لحظه‌ای به زمان حال بیایید برایتان خوب است. می‌تواند جلو نگرانی‌های غیرضروری درمورد اینکه در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد را بگیرد و باعث شود وارد عمل شوید و در واقعیت ببینید که چه اتفاقی خواهد افتاد.

۶-روشنفکرتر تان می‌کند

شاید این بهترین فایده آن باشد. زندگی کردن در زمان حال برچسب‌هایی که روی آدم‌ها و چیزهای مختلف می‌زدید را برمی‌دارد و دیدتان را برای دیدن و تجربه کردن چیزها، بدون تفکرات قبلی‌تان، باز می‌کند. این بزرگترین نقشی است که زندگی کردن در زمان حال در بالا بردن خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی‌تان دارد. دیگر می‌توانید بدون موانع فکری که قبلاً داشتید به همه چیز نگاه کنید.

به خودتان هم آسان‌تر خواهید گرفت و در عین حال می‌بینید که نتایج بهتری هم از تلاش‌هایتان می‌گیرید.

۷-شوخ‌طبعی‌تان را بیشتر می‌کند

وقتی وارد زمان حال می‌شوید، متوجه خواهید شد که شوخ‌طبعی و بازیگوشی‌تان هم بیشتر می‌شود. وقتی از این دیدگاه به مسائل نگاه می‌کنید، دیگر به اندازه قبل سخت و چالش‌برانگیز به نظر نخواهند رسید. آن طرز فکر وسواسی از شما دور خواهد شد.

انجام هیچ کاری بیش از اندازه راحت نخواهد شد ولی انجام خیلی از کارها راحت‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌شود.

بچه‌ها معمولاً بیشتر از بزرگسال‌ها در زمان حال زندگی می‌کنند و بازیگوش‌ترند. با زندگی کردن در زمان حال می‌توانید بازیگوشی کودکی را به خودتان برگردانید.

۳ راه برای زندگی کردن در زمان حال

آمدن به زمان حال و زندگی کردن در آن چند روش دارد که می‌توانید چند مورد از آن را امتحان کنید تا ببینید کدام برای شما موثرتر است. اینها سه مورد از روش‌های محبوب ما هستند:

روی تنفستان تمرکز کنید: این را بالا هم ذکر کردیم. مقالات مختلفی درمورد تکنیک تنفس عمیق هست که می‌توانید به آن مراجعه کنید.

روی چیزهای درستی که مقابلتان است تمرکز کنید. از حواستان استفاده کنید. نگاهی به دوروبرتان بیندازید. ببینید چه چیزهایی اطرافتان وجود دارد که درست و بی‌مشکل هستند.

به صداهای اطرافتان گوش کنید. پارچه لباس‌هایتان را لمس کنید و روی حسی که به شما می‌دهد تمرکز کنید. حتی می‌توانید روی نور آفتاب تابستانی یا باران پاییزی و حسی که روی پوستتان ایجاد می‌کند تمرکز کنید.

انرژی دیگران را دریافت کنید: اگر کسی را می‌شناسید که بیشتر از دیگران در زمان حال زندگی می‌کند، انرژی او را بگیرید. اگر چنین کسی را نمی‌شناسید، توصیه می‌کنیم به سی‌دی‌های افرادیکه در این رابطه حرف می‌زنند، گوش کنید. البته خواندن این دست کتاب‌ها هم خوب است ولی گوش دادن حس بیشتر و بهتری ایجاد می‌کند.

منبع مقاله : positivityblog.com

افزایش خطر کاهش حافظه در افراد پرخاشگر

مطالعه محققان نشان می دهد رفتار خصمانه و مهارت های ضعیف مقابله با استرس می تواند بر عملکرد شناختی فرد تاثیر داشته باشد.

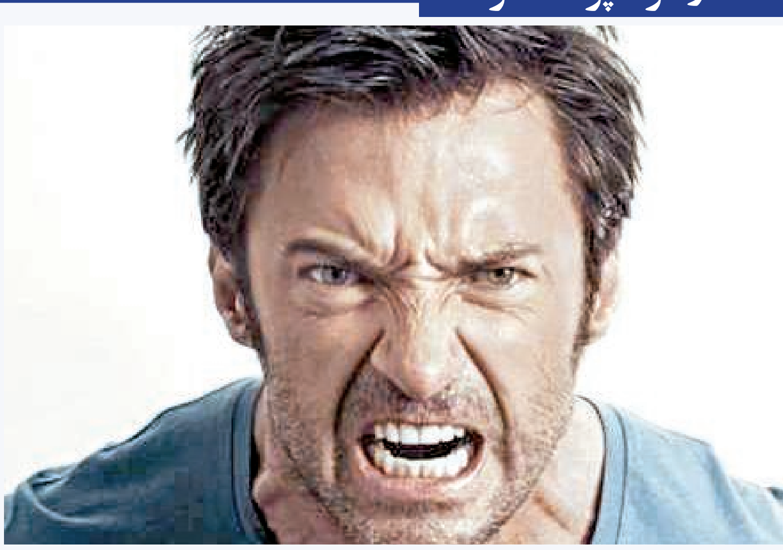
به گزارش مهر، اگر می خواهید عقل سالم داشته باشید و در دوره پیری دچار فراموشی نشوید، آرام باشید و آرامش خود را حفظ کنید.

طبق مطالعه جدید آکادمی نورولوژی آمریکا، افراد بزرگسال جوانی که رفتار خصمانه یا برخورد ضعیفی در مقابله با استرس داشته باشند بیشتر در معرض تجربه مشکلات مربوط به حافظه و تفکر در دهه های بعدی زندگی‌شان هستند.

در این مطالعه مشخص شد افراد دارای بالاترین سطح نگرش خصمانه و مهارت ضعیف مقابله با استرس در مقایسه با افراد دارای پایین‌ترین سطح این ویژگی‌ها در تست‌های مهارت تفکر و حافظه که ۲۵ سال بعد از آنها به عمل آمد بسیار بدتر عمل کردند.

در این مطالعه که شامل ۳۱۲۶ شرکت کننده با میانگین سنی ۲۵ سال بود، شرکت کنندگان بر اساس میزان نگرش خصمانه و مهارت رویارویی با استرس به چهار گروه تقسیم شدند.

از این افراد سوالاتی مبنی بر ارزیابی شخصیت و نگرش شان، توانایی مقابله با استرس، توانایی های فکری و حافظه پرسیده شد. توانایی های شناختی آنها بار دیگر زمانی که میانگین سنی افراد ۵۰ سال بود اندازه گیری شد. نتایج نشان داد وقتی از افراد خواسته شد تا فهرستی از ۱۵ کلمه را به خاطر آورند، افراد دارای بیشترین نگرش خصمانه در دوره جوانی ۰.۱۶ کلمه کمتری نسبت به افراد دارای کمترین نگرش خصمانه به یاد آوردند.



آب و آتش و باد و خاک در کار تدارک «بایرام»

بایرام از جمله اعیاد بزرگ مردم اردبیل است که با رسوم خاصی برگزار می‌شود.رسم قدیمی چهارشنبه با هدف احیای آداب نوروز یکی از رسوم خاص است.

به گزارش مهر، در تقویم فولکلور مردم منطقه آذربایجان زمستان به تعبیری با اتمام بهمن به پایان می‌رسد. در این تقویم که بر اساس احوالات طبیعت نوشته شده است، ۱۷ روز مانده از پاییز «کل وز» آغاز می‌شود و با فرارسیدن آن گفته می‌شود «کل وز گلدی، گش گلدی» در واقع فرارسیدن کل وز به معنی فرارسیدن زمستان است.

در ادامه از آغاز دی‌ماه چله بزرگ زمستان به مدت ۴۰ روز نام‌گذاری شده است و پس از آن نیز چله کوچک به مدت ۲۰ روز باد و سرمای زمستان را به خانه‌ها می‌برد.

در تقویم فولکلور بعد از چله کوچک زمین دچار تحولات اساسی و نفس گرم به جان آن دمیده می‌شود، خاک بارور می‌شود و آب‌ها تازه می‌شوند، شکوفه‌ها و پرندگانی که نوید بهار می‌دهند در آسمان و طبیعت مشاهده می‌شوند و همه این ها نوید بهار است. نوید تازه شدن طبیعت که بزرگترها معتقدند با وجود تمامی گرفتاری‌های زندگی آدمی باید خود را به این تازگی بسپارد تا روانش در سال جدید از تنش‌ها رها شود و به مانند طبیعت زندگی تازه در وجودش جریان یابد.

بعد از بهمن‌ماه در اسفند تغییرات جوی به واقع موجب می‌شود تا همه آنچه در طبیعت است جان دوباره بگیرد و شاخه‌های خشکیده از زیر بار برف‌های یخ‌زده بیرون بیایند.

اردبیلی‌ها به پاس تمامی این تحولات چهار چهارشنبه آخر سال را با رسوم خاصی به پیشواز عید می‌روند. رسومی که از گذشتگان به نسل‌های امروزی انتقال یافته و یکی از مواریث گران‌بهای مردمان ساکن در این منطقه است.





جشن «سولار نوروزی» در کنار آب‌های روان

یکی از پژوهشگران پیشینه فرهنگی اردبیل با بیان اینکه در باور مردم گذشته اولین چیزی که بعد از زمستان تازه می‌شود آب است، می‌گوید: بر همین اساس درگذشته مردم در اولین چهارشنبه اسفندماه به کنار آب‌های روان می‌رفتند و جشن سولار نوروزی برگزار می‌کردند.

اصغر تقایی با استناد به تحقیقات میدانی و مراجعات خود به روستاها و شهرهای مختلف اردبیل تصریح می‌کند: در حال حاضر در برخی روستاها چند چهارشنبه آخر سال جشن گرفته می‌شود و از جمله در روستای شیخ احمد سه چهارشنبه را جشن می‌گیرند.

وی می‌افزاید: اهالی معتقدند در نشانه‌های بهار اولین عنصری که تازه می‌شود آب است و به همین دلیل قبل از طلوع آفتاب به سراغ آب‌های روان می‌روند و از روی آب می‌پرند و به هم آب می‌پاشند و نغمه می‌خوانند.

به گفته این محقق، از جمله نغمه‌های بومی «سئل چاپار، سو چاپار، بیر گوناه ائیلدیم، گل آپار، گل آپار» است که به این معنی است که سیلاب و آب جاری می‌شود و من گناهانم را به آن می‌سپارم تا بیاید و ببرد.

تقایی تأکید دارد که در واقع این رسم به‌نوعی تطهیر به واسطه آب است و متأسفانه این رسم به کل در اردبیل تغییر یافته است و در قالب مراسم «نواوستی» در صبح چهارشنبه آخر سال برگزار می‌شود.یکی از بزرگتران اردبیلی نیز می‌گوید: در سولار نوروزی زنان و دختران کوزه‌های کهنه سال قبل را می‌شکنند و در کوزه‌های تازه‌ای که خریده‌اند از آب‌های جاری پر می‌کنند و در چهارگوشه اتاق می‌ریزند.

ندیمه اسدی می‌افزاید: در واقع درگذشته مردم معتقد بودند این کار باعث می‌شود حشرات موذی به خانه راه پیدا نکنند چرا که خانه با آب پاک و تازه تطهیر شده است.

وی می‌افزاید: حتی اگر فردی می‌ترسید، از این آب سه بار بر شانه راست و سه بار بر شانه چپ وی می‌پاشیدند تا ترس از وی دور شود.

شهردار اردبیل با بیان اینکه رسم نواوستی طی سال‌های اخیر با هدف احیای آداب نوروز در کنار پل هفت چشمه اردبیل اجرا می‌شود، تصریح می‌کند: استقبال گسترده از این رسم نشان می‌دهد، شهروندان به آداب قدیمی که با فرهنگ و سنن آن ها و باورهای عمیق پیوند خورده است علاقه‌مندند.

حمید لطف اللهیان می‌افزاید: شهرداری به لحاظ رویکرد فرهنگی خود برای احیای آداب و رسوم ارزشمند گذشته اقدام می‌کند و در نوروز امسال نیز تمامی امکانات خود را برای این هدف به کار خواهیم بست.

حفظ «اوجاق» خانه پدری

در دومین چهارشنبه اسفندماه، برخلاف رسم امروزی، مردم بر روی تپه بزرگی آتش روشن می‌کردند و از روی آن می‌پریدند و چهارشنبه آتش را جشن می‌گرفتند.

پژوهشگر اردبیلی در خصوص این رسم می‌گوید: از گذشته آتش به دلیل تأثیری که در حیات آدمی داشته مقدس بوده است و به مناطقی که آتش برپا می‌شد به اصطلاح «اوجاق» می‌گفتند.

وی می‌افزاید: در واقع اصطلاح «گویمیاخ دده اوجاقی سونه» یا نگذاریم اجاق خانه پدری خاموش شود با همین مضمون ارزش و جایگاه آتش است.

امروز رسم چهارشنبه آتش از جمله رسوم نادری است که به عقیده مردم‌شناسان به دلیل ارتباط تنگاتنگ روحی انسان با طبیعت همچنان در طول هزاره‌ها باقی مانده است و در چهارشنبه آخر سال مراسم پریدن از آتش و سپردن سختی‌ها و گرفتاری‌های سال به آتش سوزان اجرا می‌شود.

«وعده یلی» در خاک مرده دمید

سومین چهارشنبه اسفندماه اختصاص دارد به عنصر باد و به گفته تقایی، در گذشته مردم این منطقه باور داشتند که باد پیرمردی با ریش سفید بلند است که به درراه‌ماندگان و گمشدگان در راه کمک‌می‌کند.

وی می‌افزاید: باور به جایگاه باد در باروری طبیعت و هدایت بذرها و گیاهان موجب می‌شد در سومین چهارشنبه مردم بر روی اراضی کشاورزی خود بروند و ترانه‌های خاصی بخوانند و باد را به کمک بخواهند.

مردم‌شناس اردبیلی معتقد است در واقع اصطلاح «وعده یلی» که در بین اردبیلی‌ها متداول است و به بادی گفته می‌شود که پیام‌رسان نوروز است بر اساس همین باور شکل گرفته است.

یکی از شهروندان اردبیلی در این خصوص می‌گوید: به واقع در اسفندماه می‌توان تغییرات آب‌وهوا را مشاهده کرد که موجب می‌شود زمین گرم‌تر شود.

ناصر نظری اضافه می‌کند: این اتفاق در نزد اردبیلی‌ها اهمیت ویژه دارد و به دلیل اینکه اردبیل از گذشته یک منطقه سردسیر بوده و زمستان‌های سرد و سختی داشته است، رسیدن اسفندماه و وعده بهار اتفاق مهم و نیکی محسوب می‌شود.

به دلیل تغییر سبک زندگی و موازنه‌های جمعیتی زندگی شهری و روستایی امروز رسومات چهارشنبه باد به‌ندرت مشاهده می‌شود و بااین‌وجود به عقیده پژوهشگر اردبیلی اهمیت و فلسفه این رسم هنوز در ذهن بسیاری از بزرگتران جایگاه ویژه دارد.

چهارشنبه خاک یا چهارشنبه سوری

در آخرین چهارشنبه‌ای که با تغییر سبک زندگی و گرایش به زندگی ماشینی آن را چهارشنبه آتش می‌دانیم، در واقع به عقیده تقایی جشن چهارشنبه خاک برگزار می‌شود.

در این جشن که گفته می‌شود خاک در آستانه بایرام بیدار شده است، کشاورزان روی زمین‌های زراعی خود رفته و آن را بیل می‌زنند و علف‌های هرز را پاک‌سازی می‌کنند.

وی می‌افزاید: در چهارشنبه خاک مردم اعتقاد داشتند که باید به وسع خود به نیازمندان کمک کنند و به مانند خاک حیات‌بخش باشند تا روح خاک نیز از آن ها راضی باشد.

مردم‌شناس اردبیلی تأکید دارد که این باور به‌نوعی ارادت به زمین مادر به‌عنوان منشأ حیات تمامی موجودات است و به اسطوره زمین مادر برمی‌گردد.

تقایی می‌افزاید: چهار جشن با نام‌های عناصر اربعه بر اساس فلسفه تحولات طبیعت نام‌گذاری شده است و زندگی ماشینی موجب شده امروز آن ها را تغییر دهیم.

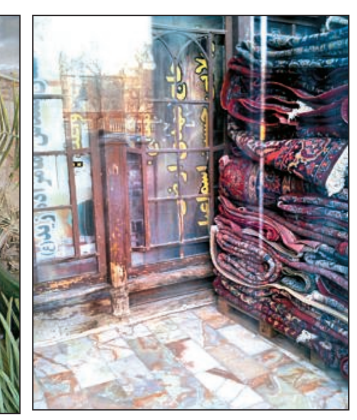
وی معتقد است: چنین مواریث فرهنگی نیازمند احیا است و بااین‌وجود با غفلتی که داشتیم حتی بسیاری از نسل‌های امروزی کمترین اطلاعی از آن ندارند.درعین‌حال در خصوص رسوم چهارشنبه‌های آخر سال کتب مختلف به‌المان‌های دیگری نیز اشاره دارند موضوعی که تحقیق و تفحص به‌ویژه از میان تاریخ شفاهی در این استان را ضروری می‌سازد.

ونوس بهنود

مقبره «لطفعلی خان زند» یا انبار فرش!؟

یک سال پیش ساماندهی قبر شمشیرزن دلاور مشرق‌زمین را آغاز کردند تا شاید پس از سال‌ها بی‌توجهی، «لطفعلی خان زند» قدری روی خوش ببیند، اما با وجود گذشت این زمان، حالا قبر او به انبار فرشی در قلب بازار تهران تبدیل شده است.

به گزارش ایسنا، «لطفعلی خان زند»، فرزند دلاور محمد جعفرخان، نواده برادری وکیل‌الرعایا سر سلسله زندیه است که در حدود سال ۱۱۸۷ هجری به دنیا آمد و تا روزگار پادشاهی محمدجعفرخان، در سواحل خلیج فارس زندگی می‌کرد تا این‌که در بهار ۱۲۰۰ هجری با آمدن به پایتخت، این شهر را از مدعیان سلطنت خالی کرد و در همان تاریخ به پادشاهی رسید.



او تا سال ۱۲۰۹ هجری پادشاهی کرد و پس از آن با آغا محمدخان قاجار به نبرد پرداخت و سرانجام از او شکست خورد و با مرگ او پرونده دودمان زند نیز بسته شد.

هرچند درباره وضعیت مقبره او تا همین چند دهه گذشته اطلاعاتی در دست نبود، اما دست‌کم از زمانی که این مقبره کشف شد و عکس‌ها به عنوان اسناد تاریخی مورد توجه قرار گرفتند، تا امروز وضعیت این مقبره آن‌طور که باید به سامان نبوده است.

یک‌روز انبار سنگ‌های قدیمی امامزاده و یک روز در بی‌توجهی کامل و حالا هم انبار فرش! هرچند از سال گذشته کار مرمت و ساماندهی قبر آغاز شده بود، اما امروز در کنار مقبره «لطفعلی خان زند» فرش‌های امامزاده را انبار کرده‌اند.

البته نباید بالا بردن مقبره لطفعلی‌خان را از سطح اصلی فراموش کرد. مقبره‌ای که تا چند سال گذشته در سطح زمین قرار داشت، اما حالا با توجه به عکس‌ها به نظر می‌رسد، قبر او از سطح بالاتر قرار گرفته و رویش را سنگ مرمر جدید نصب کرده‌اند. آن هم سنگ قبر چنین شخصیت تاریخی که اگر این شهرت او را هم از یاد ببریم، اما قرار گرفتن آن در دو مجموعه بزرگ‌تر یعنی بازار تاریخی تهران و امامزاده زید که هر دو در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده‌اند را نباید فراموش کرد.

لطفعلی‌خان زند در دوران حکومتش در شیراز منشا خدماتی زیادی شد. در مورد زندگینامه لطفعلی خان زند در منابع مختلف چنین آمده است که پس از کشته شدن جعفرخان، بر سر جانشینی او بین امرای زند اختلاف به وجود آمد. بالاخره حاجی ابراهیم، کلانتر فارس، سپاهی فراهم آورد و لطفعلی خان، فرزند جعفرخان را که در آن تاریخ در غرب فارس زندگی می‌کرد، به شیراز خواست و در ۱۵ شعبان سال ۱۲۰۳ هجری قمری وی را که ۲۲ سال داشت بر تخت‌نشاند.



اولین کار بزرگی که او در پیش گرفت، این بود که سه جاده شوسه بین شیراز و بوشهر، شیراز و بندرعباس و شیراز و بندرلنگه احداث کند. احداث این سه جاده در آن زمان یکی از کارهای بزرگ عمرانی بود که سلاطین پیشین نکرده بودند و دومین کار بزرگی که درصدد بود انجام دهد، ساختن سدی روی رودخانه موند بود تا آب آن رودخانه را بر اراضی دو طرف رودخانه سوار کند. رودخانه موند رودی است که از کوه های فارس سرچشمه می گرفت و در گذشته بدون استفاده به خلیج فارس می ریخت.

اگر آن سد ساخته می‌شد، قسمت وسیعی از فارس که استفاده نشده بود، یکی از حاصل‌خیزترین مناطق محسوب می‌شد و اگر سه جاده را که می‌خواست احداث کند به پایان می‌رسید، در توسعه آبادی و بازرگانی فارس مؤثر می‌شد، اما جنگ‌های لطفعلی خان با آقامحمدخان قاجار مانع از آن شد که او بتواند این کارها را انجام دهد.

این روزها فقط تابلوی بالای سر در مقبره کوچک اوست که زائران امامزاده زید را چند لحظه‌ای مبهوت قبر او می‌کند و این یعنی هیچ گردشگری اجازه ورود به آرامگاه لطفعلی خان زند را ندارد.

پیش از این صحبت‌هایی برای انتقال مقبره «لطفعلی خان زند» به شیراز، جایی که خاندان زند از آن‌جا برخاستند، مطرح شده بود، اما هنوز اتفاق خوشایندی برای مقبره سرباز شجاع ایرانی نیفتاده است.

سیاه‌چادربافی در خراسان شمالی هنری رو به فراموشی

هنر سیاه‌چادربافی در خراسان شمالی رو به فراموشی است و در حال حاضر کمتر زن عشایری سیاه‌چادر می‌بافد.

خراسان شمالی یکی از استان‌های مرزی کشور است و یکی از اقشار ساکن در این استان عشایر هستند. این استان دارای ۵ هزار خانوار عشایری است که از این تعداد ۳۷۰۰ خانوار کوچ‌رو هستند. عشایر در ییلاق و قشلاق مکان‌های معینی برای اقامت دارند و معمولاً در زیر این سیاه‌چادرها زندگی و استراحت می‌کنند. سیاه‌چادربافی یکی از هنرهای زنان عشایر استان است که از موی بز سیاه بافته می‌شود.

هر سیاه‌چادر از چند «لت» تشکیل می‌شود و هر «لت» نواری بافته‌شده از موی بز سیاه است. در حقیقت لت تکه‌ای از سیاه‌چادر است. زنان لت‌ها را که به شکل یک نوار بافته شده‌اند، به وسیله دستگاهی سنتی در محل زندگی خود می‌بافند. عرض هر لت بین ۴۰ تا ۶۰ سانتی متر و طول آن گاه ۶، ۱۰ یا ۱۵ متر است. زنان پس از بافتن لت‌ها آن‌ها را از دو طرف به هم می‌دوزند تا کم کم به شکل سیاه‌چادر درآید. نقش مردان عشایر در این هنر، بریدن موی بز و همچنین دوختن لت‌ها به یکدیگر است.

زنان، وظیفه شستن، پاک‌کردن، حلاجی‌کردن موها، و تاباندن نخ‌ها به‌طوری که به حالت الیاف درآیند، را دارند. تمامی مراحل بافتن سیاه‌چادر برعهده زنان است و مردان هیچ گونه دخالتی در آن ندارند. دختران کوچک نیز مادران خود را در کار بافتن یاری می‌دهند و این فرصتی برای یادگیری و آموختن فنون دوختن سیاه‌چادر توسط مادران است. زنان برای بافتن یک سیاه‌چادر گاه به صورت دسته جمعی کار می‌کنند تا کار بافتن سریع‌تر به پایان برسد، این در حالی‌ست که این هنر در این استان رو به فراموشی است و در حال حاضر کمتر زن عشایری اقدام به بافت سیاه‌چادر می‌کند.



علی عابدی، معاون صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی خراسان شمالی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به اینکه سیاه‌چادربافی یکی از هنرهای دستی استان است که توسط زنان عشایر بافته می‌شود، می‌افزاید: این هنر در استان در حال منسوخ شدن است.

وی با بیان اینکه دلایل مختلفی بر این امر تأثیرگذار بوده اند، می‌افزاید: اقدامات اشتباه ادارهٔ کل عشایری موجب شده است تا این هنر به دست فراموشی سپرده شود. این ادارهٔ کل چادرهای برزنتی را به جای سیاه‌چادر در بین عشایر این استان توزیع می‌کند و این دلیلی بر به‌حاشیه‌راندن این صنعت دستی شده است.

وی با اشاره به اینکه سیاه‌چادر نماد فرهنگ عشایر استان است، اظهار می‌کند: متأسفانه ادارهٔ کل امور عشایری این استان اشاعه دهندهٔ فرهنگ استفاده از چادرهای برزنتی در بین عشایر استان هستند که این امر ضربه بزرگی به تولید و استفاده از سیاه‌چادر زده است. حمل و نقل آسان سیاه‌چادرها و جایگزین شدن جمعیت میش به جای بز از دیگر عواملی است که جمعیت عشایر استان نیز تمایل به استفاده از آن دارند. اگر وضعیت به همین شکل ادامه یابد، طی چند سال آینده باید تشنهٔ دیدن یک سیاه‌چادر در استان باشیم.



عابدی می‌گوید: سیاه‌چادرهای عشایری خراسان شمالی براساس سطح خانواده و تعداد دام‌های آنها بافته می‌شود که معمولاً سیاه‌چادر خان عشایر بزرگتر و همچنین تزئیناتی نیز به آن آویزان است.

وی با اشاره به اینکه سیاه‌چادرها به چند دلیل از موی بز بافته می‌شوند، توضیح می‌دهد: موی بز خاصیت مطلوبی برای حفظ آب در مواقع بارندگی دارد و معمولاً آب باران از جدارهٔ سیاه‌چادرهای بافته شده از موی بز عبور نمی‌کند. وزن سبک موی بز نیز موجب می‌شود تا سیاه‌چادرها نسبت به چادرهای برزنتی آسان‌تر جمع‌آوری و حمل شوند. سیاه‌چادر در فصل تابستان از ورود گرما و در زمستان از ورود سرما به داخل چادر جلوگیری می‌کند.

مدیر کل امور عشایری خراسان شمالی نیز در ادامه می‌گوید: این ادارهٔ کل از محل اعتبارات سفر رهبری توانست سیاه‌چادرها را برای جمعیت عشایری استان خریداری کند.

جلیل رمضانی با اشاره به اینکه هزینهٔ خرید یک تخته سیاه‌چادر بافته شده با موی بز حدود ۱۶میلیون تومان و یک تخته سیاه‌چادر برزنتی حدود یک میلیون تومان است، می‌افزاید: محدودیت در اعتبارات موجب شده است تا این ادارهٔ کل سیاه‌چادرهای برزنتی را خریداری کند و در اختیار خانواده‌های نیازمند قرار دهد.

وی با بیان اینکه از محل اعتبارات سفر رهبری چهار میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان به این اداره کل اختصاص یافته است، ادامه می‌دهد: این اداره کل توانست ۵۰ هزار تخته سیاه‌چادر را خریداری کند و در اختیار خانواده‌های عشایر قرار دهد. سیاه‌چادرهای برزنتی در زمان اضطرار توسط این خانواده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

آب و آتش و باد و خاک در کار تدارک «بایرام»





بایرام از جمله اعیاد بزرگ مردم اردبیل اســـت که با رسوم خاصی برگزار می‌شود.رسم قدیمی چهارشنبه با هدف احیای آداب نوروز یکی از رسوم خاص است.

به گـــزارش مهر، در تقویم فولکلور مردم منطقه آذربایجان زمستان به تعبیری با اتمام بهمن به پایان می‌رسد. در این تقویم که بر اساس احوالات طبیعت نوشته شده است، ۱۷ روز مانده از پاییز «کل وز» آغاز می‌شود و با فرارسیدن آن گفته می‌شود «کل وز گلدی، گش گلدی» در واقع فرارسیدن کل وز به معنی فرارسیدن زمستان است.

در ادامه از آغاز دی‌ماه چله بزرگ زمستان به مدت ۴۰ روز نام‌گذاری شده است و پس از آن نیز چله کوچک به مدت ۲۰ روز باد و سرمای زمستان را به خانه‌ها می‌برد.

در تقویم فولکلور بعد از چله کوچک زمین دچار تحولات اساسی و نفس گرم به جان آن دمیده می‌شود، خاک بارور می‌شود و آب‌ها تازه می‌شوند، شکوفه‌ها و پرندگانی که نوید بهار می‌دهند در آســـمان و طبیعت مشاهده می‌شوند و همه این ها نوید بهار است. نوید تازه شدن طبیعت که بزرگترها معتقدند با وجود تمامی گرفتاری‌های زندگی آدمی باید خود را به این تازگی بســـپارد تا روانش در سال جدید از تنش‌ها رها شود و به مانند طبیعت زندگی تازه در وجودش جریان یابد.

بعد از بهمن‌ماه در اســـفند تغییرات جوی به واقع موجب می‌شـــود تا همه آنچه در طبیعت اســـت جان دوباره بگیرد و شاخه‌های خشکیده از زیر بار برف‌های یخ‌زده بیرون بیایند.

اردبیلی‌ها به پاس تمامی این تحولات چهار چهارشنبه آخر سال را با رســـوم خاصی به پیشواز عید می‌روند. رسومی که از گذشتگان به نســـل‌های امروزی انتقال یافته و یکی از مواریث گران‌بهای مردمان ساکن در این منطقه است.

جشن «سولار نوروزی» در کنار آب‌های روان

یکی از پژوهشگران پیشینه فرهنگی اردبیل با بیان اینکه در باور مردم گذشته اولین چیزی که بعد از زمستان تازه می‌شود آب است، می‌گوید: بر همین اساس درگذشته مردم در اولین چهارشنبه اسفندماه به کنار آب‌های روان می‌رفتند و جشن سولار نوروزی برگزار می‌کردند.

اصغر تقایی با استناد به تحقیقات میدانی و مراجعات خود به روستاها و شهرهای مختلف اردبیل تصریح می‌کند: در حال حاضر در برخی روستاها چند چهارشنبه آخر سال جشن گرفته می‌شود و از جمله در روستای شیخ احمد سه چهارشنبه را جشن می‌گیرند.

وی می‌افزاید: اهالی معتقدند در نشانه‌های بهار اولین عنصری که تازه می‌شود آب است و به همین دلیل قبل از طلوع آفتاب به سراغ آب‌های روان می‌روند و از روی آب می‌پرند و به هم آب می‌پاشند و نغمه می‌خوانند.

به گفته این محقق، از جمله نغمه‌های بومی «سئل چاپار، سو چاپار، بیر گوناه ائیلدیم، گل آپار، گل آپار» است که به این معنی است که سیلاب و آب جاری می‌شـــود و من گناهانم را به آن می‌سپارم تا بیاید و ببرد.

تقایی تأکید دارد که در واقع این رسم به‌نوعی تطهیر به واسطه آب است و متأسفانه این رسم به کل در اردبیل تغییر یافته است و در قالب مراسم «نواوستی» در صبح چهارشنبه آخر سال برگزار می‌شود.یکی از بزرگتران اردبیلی نیز می‌گوید: در سولار نوروزی زنان و دختران کوزه‌های کهنه سال قبل را می‌شکنند و در کوزه‌های تازه‌ای که خریده‌اند از آب‌های جاری پر می‌کنند و در چهارگوشه اتاق می‌ریزند.

ندیمه اسدی می‌افزاید: در واقع درگذشته مردم معتقد بودند این کار باعث می‌شود حشرات موذی به خانه راه پیدا نکنند چرا که خانه با آب پاک و تازه تطهیر شده است.

وی می‌افزاید: حتی اگر فردی می‌ترسید، از این آب سه بار بر شانه راست و سه بار بر شانه چپ وی می‌پاشیدند تا ترس از وی دور شود.

شهردار اردبیل با بیان اینکه رسم نواوستی طی سال‌های اخیر با هدف احیای آداب نوروز در کنار پل هفت چشمه اردبیل اجرا می‌شود، تصریح می‌کند: استقبال گسترده از این رسم نشان می‌دهد، شهروندان به آداب قدیمی که با فرهنگ و سنن آن ها و باورهای عمیق پیوند خورده است علاقه‌مندند.

حمید لطف اللهیان می‌افزاید: شهرداری به لحاظ رویکرد فرهنگی خود برای احیای آداب و رسوم ارزشمند گذشته اقدام می‌کند و در نوروز امسال نیز تمامی امکانات خود را برای این هدف به کار خواهیم بست.

حفظ «اوجاق» خانه پدری

در دومین چهارشنبه اسفندماه، برخلاف رسم امروزی، مردم بر روی تپه بزرگی آتش روشن می‌کردند و از روی آن می‌پریدند و چهارشنبه آتش را جشن می‌گرفتند.

پژوهشگر اردبیلی در خصوص این رسم می‌گوید: از گذشته آتش به دلیل تأثیری که در حیات آدمی داشته مقدس بوده است و به مناطقی که آتش برپا می‌شد به اصطلاح «اوجاق» می‌گفتند.

وی می‌افزاید: در واقع اصطلاح «گویمیاخ دده اوجاقی سونه» یا نگذاریم اجاق خانه پدری خاموش شود با همین مضمون ارزش و جایگاه آتش است.

امروز رسم چهارشنبه آتش از جمله رسوم نادری است که به عقیده مردم‌شناسان به دلیل ارتباط تنگاتنگ روحی انسان با طبیعت همچنان در طول هزاره‌ها باقی مانده است و در چهارشنبه آخر سال مراسم پریدن از آتش و سپردن سختی‌ها و گرفتاری‌های سال به آتش سوزان اجرا می‌شود.

«وعده یلی» در خاک مرده دمید

سومین چهارشنبه اسفندماه اختصاص دارد به عنصر باد و به گفته تقایی، در گذشته مردم این منطقه باور داشتند که باد پیرمردی با ریش ســـفید بلند است که به درراه‌ماندگان و گمشدگان در راه کمک می‌کند.

وی می‌افزاید: باور به جایگاه باد در باروری طبیعت و هدایت بذرها و گیاهان موجب می‌شد در سومین چهارشنبه مردم بر روی اراضی کشاورزی خود بروند و ترانه‌های خاصی بخوانند و باد را به کمک بخواهند.

مردم‌شـــناس اردبیلی معتقد است در واقع اصطلاح «وعده یلی» که در بین اردبیلی‌ها متداول است و به بادی گفته می‌شود که پیام‌رسان نوروز است بر اساس همین باور شکل گرفته است.

یکی از شهروندان اردبیلی در این خصوص می‌گوید: به واقع در اسفندماه می‌توان تغییرات آب‌وهوا را مشاهده کرد که موجب می‌شود زمین گرم‌تر شود.

ناصر نظری اضافه می‌کند: این اتفاق در نزد اردبیلی‌ها اهمیت ویژه دارد و به دلیل اینکه اردبیل از گذشته یک منطقه سردسیر بوده و زمستان‌های سرد و سختی داشته است، رسیدن اسفندماه و وعده بهار اتفاق مهم و نیکی محسوب می‌شود.

به دلیل تغییر سبک زندگی و موازنه‌های جمعیتی زندگی شهری و روستایی امروز رسومات چهارشنبه باد به‌ندرت مشاهده می‌شود و بااین‌وجود به عقیده پژوهشگر اردبیلی اهمیت و فلسفه این رسم هنوز در ذهن بسیاری از بزرگتران جایگاه ویژه دارد.

چهارشنبه خاک یا چهارشنبه سوری

در آخرین چهارشنبه‌ای که با تغییر سبک زندگی و گرایش به زندگی ماشینی آن را چهارشنبه آتش می‌دانیم، در واقع به عقیده تقایی جشن چهارشنبه خاک برگزار می‌شود.

در این جشن که گفته می‌شود خاک در آستانه بایرام بیدار شده است، کشاورزان روی زمین‌های زراعی خود رفته و آن را بیل می‌زنند و علف‌های هرز را پاک‌سازی می‌کنند.

وی می‌افزاید: در چهارشنبه خاک مردم اعتقاد داشتند که باید به وسع خود به نیازمندان کمک کنند و به مانند خاک حیات‌بخش باشند تا روح خاک نیز از آن ها راضی باشد.

مردم‌شناس اردبیلی تأکید دارد که این باور به‌نوعی ارادت به زمین مادر به‌عنوان منشأ حیات تمامی موجودات است و به اسطوره زمین مادر برمی‌گردد.

تقایی می‌افزاید: چهار جشن با نام‌های عناصر اربعه بر اساس فلسفه تحولات طبیعت نام‌گذاری شده است و زندگی ماشینی موجب شده امروز آن ها را تغییر دهیم.

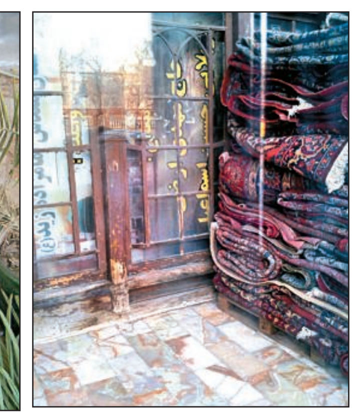
وی معتقد است: چنین مواریث فرهنگی نیازمند احیا است و بااین‌وجود با غفلتی که داشتیم حتی بسیاری از نسل‌های امروزی کمترین اطلاعی از آن ندارند.درعین‌حال در خصوص رســـوم چهارشنبه‌های آخر سال کتب مختلف به المان‌های دیگری نیز اشاره دارند موضوعی که تحقیق و تفحص به‌ویژه از میان تاریخ شفاهی در این استان را ضروری می‌سازد.

ونوس بهنود

مقبره «لطفعلی خان زند» یا انبار فرش!؟

یک سال پیش ساماندهی قبر شمشیرزن دلاور مشرق‌زمین را آغاز کردند تا شاید پس از سال‌ها بی‌توجهی، «لطفعلی خان زند» قدری روی خوش ببیند، اما با وجود گذشت این زمان، حالا قبر او به انبار فرشی در قلب بازار تهران تبدیل شده است.

به گزارش ایسنا، «لطفعلی خان زند»، فرزند دلاور محمد جعفرخان، نواده برادری وکیل‌الرعایا سر سلسله زندیه است که در حدود سال ۱۱۸۷ هجری به دنیا آمد و تا روزگار پادشاهی محمدجعفرخان، در سواحل خلیج فارس زندگی می‌کرد تا این‌که در بهار ۱۲۰۰ هجری با آمدن به پایتخت، این شهر را از مدعیان سلطنت خالی کرد و در همان تاریخ به پادشاهی رسید.



او تا سال ۱۲۰۹ هجری پادشاهی کرد و پس از آن با آغا محمدخان قاجار به نبرد پرداخت و سرانجام از او شکست خورد و بـــا مرگ او پرونده دودمان زند نیز بسته شد.

هرچند درباره وضعیت مقبره او تا همین چند دهه گذشته اطلاعاتی در دست نبود، اما دست‌کم از زمانی که این مقبره کشف شد و عکس‌ها به عنوان اسناد تاریخی مورد توجه قرار گرفتند، تا امروز وضعیت این مقبره آن‌طور که باید به سامان نبوده است.

یک‌روز انبار سنگ‌های قدیمی امامزاده و یک روز در بی‌توجهی کامل و حالا هم انبار فرش! هرچند از سال گذشته کار مرمت و ساماندهی قبر آغاز شده بود، اما امروز در کنار مقبره «لطفعلی خان زند» فرش‌های امامزاده را انبار کرده‌اند.

البته نباید بالا بردن مقبره لطفعلی خان را از سطح اصلی فراموش کرد. مقبره‌ای که تا چند سال گذشته در سطح زمین قرار داشت، اما حالا با توجه به عکس‌ها به نظر می‌رسد، قبر او از سطح بالاتر قرار گرفته و رویش را سنگ مرمر جدید نصب کرده‌اند. آن هم سنگ قبر چنین شخصیت تاریخی که اگر این شهرت او را هم از یاد ببریم، اما قرار گرفتن آن در دو مجموعه بزرگ‌تر یعنی بازار تاریخی تهران و امامزاده زید که هر دو در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده‌اند را نباید فراموش کرد.

لطفعلی‌خان زند در دوران حکومتش در شیراز منشا خدماتی زیادی شد. در مورد زندگینامه لطفعلی خان زند در منابع مختلف چنین آمده اســـت که پس از کشته شدن جعفرخان، بر سر جانشـــینی او بین امرای زند اختلاف به وجود آمد. بالاخره حاجی ابراهیم، کلانتر فارس، سپاهی فراهم آورد و لطفعلی خان، فرزند جعفرخان را که در آن تاریخ در غرب فارس زندگی می‌کرد، به شیراز خواست و در ۱۵ شعبان سال ۱۲۰۳ هجری قمری وی را که ۲۲ سال داشت بر تخت نشاند.



اولین کار بزرگی کـــه او در پیش گرفت، این بود که سه جاده شوسه بین شیراز و بوشهر، شیراز و بندرعباس و شیراز و بندرلنگه احداث کند. احداث این سه جـــاده در آن زمان یکی از کارهای بزرگ عمرانی بود که سلاطین پیشین نکرده بودند و دومین کار بزرگی که درصدد بود انجام دهد، ساختن سدی روی رودخانه موند بود تا آب آن رودخانه را بر اراضی دو طرف رودخانه سوار کند. رودخانه موند رودی است که از کوه های فارس سرچشمه می گرفت و در گذشته بدون استفاده به خلیج فارس می ریخت.

اگر آن سد ساخته می‌شد، قسمت وسیعی از فارس که استفاده نشده بود، یکی از حاصل‌خیزترین مناطق محسوب می‌شد و اگر سه جاده را که می‌خواست احداث کند به پایان می‌رسید، در توسعه آبادی و بازرگانی فارس مؤثر می‌شد، اما جنگ‌های لطفعلی خان با آقامحمدخان قاجار مانع از آن شد که او بتواند این کارها را انجام دهد.

این روزها فقط تابلوی بالای سر در مقبره کوچک اوست که زائران امامزاده زید را چند لحظه‌ای مبهوت قبر او می‌کند و این یعنی هیچ گردشگری اجازه ورود به آرامگاه لطفعلی خان زند را ندارد.

پیش از این صحبت‌هایی برای انتقال مقبره «لطفعلی خان زند» به شیراز، جایی که خاندان زند از آن‌جا برخاستند، مطرح شده بود، اما هنوز اتفاق خوشایندی برای مقبره سرباز شجاع ایرانی نیفتاده است.

سیاه‌چادربافی در خراسان شمالی هنری رو به فراموشی



هنر ســـیاه‌چادربافی در خراسان شمالی رو به فراموشی است و در حال حاضر کمتر زن عشایری سیاه‌چادر می‌بافد.

خراسان شمالی یکی از استان‌های مرزی کشور اســـت و یکی از اقشار ساکن در این استان عشایر هستند. این استان دارای ۵ هزار خانوار عشایری است که از این تعداد ۳۷۰۰ خانوار کوچ‌رو هستند. عشایر در ییلاق و قشلاق مکان‌های معینی برای اقامت دارند و معمولاً در زیر این سیاه‌چادرها زندگی و استراحت می‌کنند. سیاه‌چادربافی یکی از هنرهای زنان عشایر استان است که از موی بز سیاه بافته می‌شود.

هر سیاه‌چادر از چند «لت» تشکیل می‌شود و هر «لت» نواری بافته‌شده از موی بز سیاه است. در حقیقت لت تکه‌ای از سیاه‌چادر است. زنان لت‌ها را که به شکل یک نوار بافته شده‌اند، به وسیله دستگاهی سنتی در محل زندگی خود می‌بافند. عرض هر لت بین ۴۰ تا ۶۰ سانتی متر و طول آن گاه ۶، ۱۰ یا ۱۵ متر است. زنان پس از بافتن لت‌ها آن‌ها را از دو طرف به هم می‌دوزند تا کم کم به شکل سیاه‌چادر درآید. نقش مردان عشایر در این هنر، بریدن موی بز و همچنین دوختن لت‌ها به یکدیگر است.

زنان، وظیفه شستن، پاک‌کردن، حلاجی‌کردن موها، و تابانـــدن نخ‌ها به‌طوری که به حالت الیاف درآیند، را دارند. تمامی مراحل بافتن سیاه‌چادر برعهده زنان است و مردان هیچ گونه دخالتی در آن ندارند. دختران کوچک نیز مادران خود را در کار بافتن یاری می‌دهند و این فرصتی برای یادگیری و آموختن فنون دوختن سیاه‌چادر توسط مادران است. زنان برای بافتن یک سیاه‌چادر گاه به صورت دسته جمعی کار می‌کنند تا کار بافتن سریع‌تر به پایان برسد، این در حالی‌ست که این هنر در این استان رو به فراموشی است و در حال حاضر کمتر زن عشایری اقدام به بافت سیاه‌چادر می‌کند.



علی عابدی، معاون صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی خراسان شمالی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به اینکه سیاه‌چادربافی یکی از هنرهای دستی استان است که توسط زنان عشایر بافته می‌شود، می‌افزاید: این هنر در استان در حال منسوخ شدن است.

وی با بیان اینکه دلایـــل مختلفی بر این امر تأثیرگذار بوده اند، می‌افزاید: اقدامات اشـــتباه ادارهٔ کل عشایری موجب شده است تا این هنر به دست فراموشی سپرده شود. این ادارهٔ کل چادرهای برزنتی را به جای سیاه‌چادر در بین عشایر این استان توزیع می‌کند و این دلیلی بر به‌حاشـــیه‌راندن این صنعت دستی شده است.

وی با اشـــاره به اینکه سیاه‌چادر نماد فرهنگ عشایر استان است، اظهار می‌کند: متأسفانه ادارهٔ کل امور عشایری این استان اشاعه دهندهٔ فرهنگ استفاده از چادرهای برزنتی در بین عشایر استان هستند که این امر ضربه بزرگی به تولید و استفاده از سیاه‌چادر زده است. حمل و نقل آسان سیاه‌چادرها و جایگزین شدن جمعیت میش به جای بز از دیگر عواملی است که جمعیت عشایر استان نیز تمایل به استفاده از آن دارند. اگر وضعیت به همین شکل ادامه یابد، طی چند سال آینده باید تشنهٔ دیدن یک سیاه‌چادر در استان باشیم.

عابدی می‌گوید: سیاه‌چادرهای عشایری خراسان شمالی براساس سطح خانواده و تعداد دام‌های آنها بافته می‌شود که معمولاً سیاه‌چادر خان عشایر بزرگتر و همچنین تزئیناتی نیز به آن آویزان است.

وی با اشاره به اینکه سیاه‌چادرها به چند دلیل از موی بز بافته می‌شوند، توضیح می‌دهد: موی بز خاصیت مطلوبی برای حفظ آب در مواقع بارندگی دارد و معمولاً آب باران از جدارهٔ سیاه‌چادرهای بافته شده از موی بز عبور نمی‌کند. وزن سبک موی بز نیز موجب می‌شود تا سیاه‌چادرها نسبت به چادرهای برزنتی آسان‌تر جمع‌آوری و حمل شوند. سیاه‌چادر در فصل تابستان از ورود گرما و در زمستان از ورود سرما به داخل چادر جلوگیری می‌کند.

مدیر کل امور عشـــایری خراسان شمالی نیز در ادامه می‌گوید: ایـــن ادارهٔ کل از محل اعتبارات سفر رهبری توانست سیاه‌چادرها را برای جمعیت عشایری استان خریداری کند.

جلیل رمضانی با اشاره به اینکه هزینهٔ خرید یک تخته سیاه‌چادر بافته شده با موی بز حدود ۱۶میلیون تومان و یک تخته ســـیاه‌چادر برزنتی حدود یک میلیون تومان است، می‌افزاید: محدودیت در اعتبارات موجب شده اســـت تا این ادارهٔ کل سیاه‌چادرهای برزنتی را خریـــداری کند و در اختیار خانواده‌های نیازمند قرار دهد.

وی با بیان اینکه از محل اعتبارات سفر رهبری چهار میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان به این اداره کل اختصاص یافته اســـت، ادامه می‌دهد: این اداره کل توانست ۵۰ هزار تخته سیاه‌چادر را خریداری کند و در اختیار خانواده‌های عشایر قرار دهد. سیاه‌چادرهای برزنتی در زمان اضطرار توسط این خانواده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

بازاریابی شبکه‌های اجتماعی



این روزها استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای شـــرکت‌ها و برندها به امری متداول بدل شده است، اما کمتر کسی هست که در این زمینه اطلاعات کافی و علمی برای استفاده هرچه بهتر و کسب بازدهی عالی از طریق بازاریابی آنلاین داشته باشد. برای موفقیت در بازاریابی شبکه‌های اجتماعی مثل هر زمینـــه کاری دیگری باید با اصول و قانون‌های موفقیت آن آشـــنا باشید تا بتوانید به بهترین شکل استراتژی بازاریابی آنلاین خود را در آن به اجـــرا بگذارید. در ادامه با ۱۰ قانون طلایی برای موفقیت در بازاریابی شبکه‌های اجتماعی با ما همراه باشید.

۱- قانون گـــوش دادن: برای موفقیت در بازاریابی شبکه‌های اجتماعی (Social Media Marketing) بیشتر از این‌که بنویسید یا عکس و ویدئو به اشتراک بگذارید باید به حرف ها و نکته‌هایی که لابه‌لای گفتگوها و مطالب کاربران رد و بدل می‌شود گوش کنید.

۲- قانون تمرکز: «همـــه کاره هیچ کاره است.» تمرکز بیشتر برای تولید محتوا و مطالب در زمینه خاص برای مخاطبانی خاص بسیار بهتر از تلاش برای راضی کردن همه سلیقه‌ها اثرگذار خواهد بود.

۳-قانون کیفیت: کیفیت بهتر از کمیت است. ۱۰۰۰ دنبال‌کننده‌ای که مطالب شما را می‌خوانند، لایک می‌کنند و به اشـــتراک می‌گذارند و با شما وارد گفتگو می‌شوند، بهتر از ۱۰,۰۰۰ دنبال‌کننده‌ای هستند که بعد از اولین ارتباط ناپدید می‌شوند.

۴- قانون تحمل: بازاریابی شـــبکه‌های اجتماعی و بازاریابی محتوایی فردا صبح به نتیجه نمی‌رسند. پس لطفا صبور باشید. احتمال این‌که بتوانید نور خورشید را با دستانتان بگیرید خیلی بیشتر از جواب گرفتن کوتاه‌مدت از بازاریابی شبکه‌های اجتماعی است.

۵- قانون ترکیب: بـــرای اینکه بازدهی بیشتری در شبکه‌های اجتماعی داشته باشید، باید محتوای باکیفیت و باارزشی داشته باشید و برای ایجاد ارتباط با کاربران نیز تلاش کنید تا محتوای شما را به خوبی به اشـــتراک بگذارند و از این طریق بازدهی بیشتری کسب کنید.

۶- قانون تأثیرگـــذاری: برای یافتن افراد تأثیرگذار در مشتریان هدف خود تلاش کنید. کسانی که دنبال کننده‌هایی باکیفیت و واقعی داشته باشند به خوبی می‌توانند با به اشتراک گذاشتن مطالب شما، یا به طور غیرمستقیم با معرفی شما، روی مشتریان هدف‌تان تأثیر بی‌نظیری بگذارند و شما را در رسیدن به اهداف‌تان کمک کنند.

۷- قانون ارزشمندی: اگر تمام زمان و انرژی را صرف معرفی ۲۴ ساعته شرکت، محصولات و خدماتی که دارید کنید مطمئن باشید که هیچ کس علاقه‌ای به دنبال کردن شما نخواهد داشت. پس همین امروز به این فکر کنید که شما چه ارزشی برای مخاطبان‌تان ایجاد می‌کنید.

۸- قانون سپاسگزاری: فراموش نکنید که ایجاد ارتباط با مشـــتریان و مخاطبان یکی از اصلی‌ترین اهداف حضور در شبکه‌های اجتماعی است، پس همیشه از افرادی که به نحوی با شما ارتباط برقرار می‌کنند قدردانی و سپاســـگزاری کنید.

۹- قانون در دسترس بودن: خارج شدن از حساب کاربری و ادامه دادن بقیه فعالیت‌ها، یکی از بزرگترین اشتباهاتی است که هرکسی ممکن است در شبکه‌های اجتماعی انجام دهد. بعد از ارسال هر مطلبی مدتی برای پاسخگویی به کسانی که در آن لحظه آنلاین هستند دردسترس بمانید.

۱۰- قانون مقابله به مثل: انتظار نابه‌جایی است اگر فقط دوست داشته باشید که دیگران مطالب شـــما را به اشتراک بگذارند. به سادگی بخشی از زمان خود را در شبکه‌های اجتماعی صرف لایک کردن و به اشتراک گذاشتن محتوای دیگران کنید تا دیگران نیز مطالب شـــما را به اشتراک بگذارند.

کلاهبرداری‌های مجازی سفر را بشناسیم

ادامه از صفحه اول

به گفته انصاری، برای رزرو و خرید بلیت هواپیما، هتل، روادید، تور، بیمه و سایر خدمات سفر، حتما از وب‌سایت شرکت‌های مسافرتی و گردشگری مجاز استفاده شود. همچنین باید تعهدات درج شده مربوط به هر یک از خدمات سفر به دقت مطالعه شود و نســـخه‌ای از قرارداد و شرایط آن شامل زمان ورود و خروج، امکانات، تشکیلات و سایر جزئیات ســـفر را حتما بررسی و دریافت کنند.

رئیس جامعه گردشگری الکترونیکی ایران تاکید می‌کند: هرگز از ســـایت‌های ناشناس و بی‌ارتباط با شرکت‌های مسافرتی و هتل‌ها که با عناوین و نرخ‌های جذاب، قصد سوء استفاده از مسافران و گردشگران را دارند ، خرید نکنید و همچنین هنگام خرید و پرداخت آنلاین هزینه در ســـایت‌ها، اگر به سایت اصلی بانک متصل نشدید، هرگز اطلاعات بانکی خود را وارد نکنید.

او در عین حال پیشـــنهاد می‌دهد: حتی‌المقدور از خرید آنلاین با دسترسی به سرویس‌های بانکداری اینترنتی در محیط‌های عمومی مانند کافی‌نت‌ها یا رایانه‌های ناشناس، خودداری و در صورت لزوم به اســـتفاده و خرید اینترنتی، حتمـــا از ذخیره کردن رمز اینترنتی خود صرف‌نظـــر کنید. به علاوه اطلاعات شخصی، به ویژه اطلاعات بانکی خود، از جمله رمز دوم کارت‌های اعتباری و تاریخ انقضا، را در هیچ وب‌سایتی ذخیره نکنید.رئیس جامعه گردشگری الکترونیکی ایران می‌گوید: بی‌تردید همان گونه که لازم است در دنیای واقعی، دقت‌های لازم در زمان خرید انجام شود، در دنیای مجازی نیز نباید از کنترل‌های لازم در انتخاب محصول و خرید ایمن اجتناب شود.

وی به مدیران و فعالان گردشگری که تمایل دارند در شلوغ‌ترین زمان سفر ایرانی‌ها، در فضای مجازی، محصولات خود را تبلیغ کنند، توصیه می‌کند: به ایمیل‌های ناشناس یا آگهی‌هایی که در سایت‌های نامعلوم مشاهده می‌کنید، اعتماد نکنید، چرا که آن‌ها بیشتر وسیله‌ای برای کلاهبرداری هستند، بنابراین پیش از ارائـــه هرگونه اطلاعات از صحت آن مطمئن شوید.انصاری با تاکید بر این‌که حتما از هویت افرادی که به صورت تلفنی یا الکترونیکی خواستار تغییر تاریخ بلیت با برنامه سفر خود هستند، مطمئن شوید، می‌گوید: نام کاربری و رمز عبور ســـامانه الکترونیکی شرکت خود را در اختیار فرد معین و مطمئن قرار دهید و در صورت قطع همکاری، دسترسی به سامانه فرد قبلی را خاتمه‌دهید.

رئیس جامعه گردشکری الکترونیکی ایـــران با بیان این پیشـــنهاد که طراحی و ساخت سامانه الکترونیکی شرکت خود را به موسسات معتبر بسپارید، یادآور می‌شود: نسبت به حفظ سایت و سامانه الکترونیکی خود مقابل حملات در فضای مجاز اقدام کنید

وی اضافه می‌کند: از رایانه‌های متصل به سامانه فروش بلیت، هتل و سایر خدمات بازدید دوره‌ای داشته باشید و از آلوده نبودن آنها به ویروس و نرم‌افزار سرقت اطلاعات، اطمینان یابید.انصاری با اشاره به این‌که به حفظ شـــئونات حرفه‌ای و مسائل اخلاقی در فضای مجـــازی بالاخص در تبلیغات اهتمام داشته باشید، خاطرنشان می‌کند: از ارائه و فروش خدمات گردشگری خود در سایت‌های غیرمرتبط و سامانه‌های فاقد ارتباط رسمی با موسسات و تاسیسات گردشگری بپرهیزید.او در ادامه این توصیه‌ها به مدیران و فعالان گردشگری، می‌گوید: برای رزرو و خرید خدمات گردشگری صرفا از سایت و سامانه‌های الکترونیکی معتبر استفاده کنید و هرگز به سامانه‌های ناشناس و فاقد رابط رسمی با موسسات و تاسیسات گردشکری معتبر اعتماد نکنید، چراکه در صورت بروز مشکل، نشـــانی، تلفن و فضای حقیقی آن مجموعه مشخص و قابل رسیدگی است و این مجموعه‌ها تحت نظارت سازمان‌های متولی هســـتند. انصاری همچنین تاکید می‌کند: از رقابت ناسالم، تخریب شرکت‌ها و موسسات، انتشار اخبار غیرواقع و اقدامات فریبنده یا نقض حقوق اشخاص در فضای مجازی و سایر ســـامانه‌ها یا در پیامک‌ها، خودداری کنید.



برای هر کاری قانون نگذارید

کسب و کار شخصی و درآمد مستقل داشتن آرزوی خیلی هاست. بسیاری از مردم در سراسر جهان رویای داشتن شرکتی بزرگ با کارمندان بسیار و ریاست بر آن را در سر می پرورانند اما خبر ندارند که با یک شرکت کوچک و تعداد محدودی کارمند هم می توان موفق شد.

سایت بانکی در مجموعه یادداشت هایی به تبیین اصولی تازه درباره کسب و کار می پردازد که در یکی از این گزارش ها آمده است: داستان این مجموعه گزارش درباره شرکتی نه چندان بزرگ اما بسیار موفق است که با تکیه بر اصولی که از نظر منطقی چندان درست به نظر نمی رسند به درآمدهای میلیونی رسیده است.

***نیاز به ساعت های بیشتر ندارید**

کارمند رویایی برای بسیاری از شرکت ها شخصی حدود ۲۰ ساله است که کمترین دغدغه غیر شغلی را داشته باشد، بتواند ۱۴ ساعت در روز کار کند و برای خواب هم پشت میزش بخوابد. اما پر کردن اتاقی با کارمندان دود چراغ خور آنقدرها هم که نشان می دهد رویایی نیست. این کار افسانه ای مثل «این تنها راه برای رقابت با بزرگان است.» را ملکه ذهن می کند.

شما نیاز به ساعت های بیشتر ندارید، آنچه نیاز دارید ساعت های بهتر است. وقتی افراد کاری برای انجام دادن در خانه دارند، به کارشان می چسبند. آنها کارهای مربوط به شغلشـــان را در اداره انجام می دهند چون بعد از کار باید جای دیگری باشند. آنها تاثیر گذاری بیشتری در محیط کار از خود نشان می دهند چون باید این گونه باشند. آنها باید مراقب کودکانشان باشند یا به کلاس های گوناگون بروند. پس همه وقتشان را در محل کار به کار کردن می گذرانند.

می گویند: «اگر خواستید کسی کاری برایتان انجام دهد، این کار را از کسی بخواهید که سرش خیلی شلوغ است.» شما هم از کسانی بخواهید که وقت سر خاراندن ندارند. کسانی که دغدغه های غیرشغلی هم دارند. کسانی که دقت بیشتری درباره انجام کارها به خرج می دهند. نباید انتظار داشته باشید که کار و شغل همه زندگی یک نفر باشد یا دست کم توقع نگه داشتن فرد برای ساعت های طولانی در محیط کار را نداشته باشید.

بریدگی را تبدیل به زخم نکنید!

بـــه محض اینکه روندی رو به کج راهه یا بیراهه بگذارد، تمایل طبیعی این است که برایش سیاستی اندیشیده شود. به عنوان نمونه اگر کسی لباس نامناسب محل کار نمی پوشد، نیازی نیست قانونی برای لباس پوشیدن وضع کنید، آن هم سختگیرانه. تنها کاری که باید بکنید این است که به آن شخص بگویید دیگر چنین لباسی نپوشد.

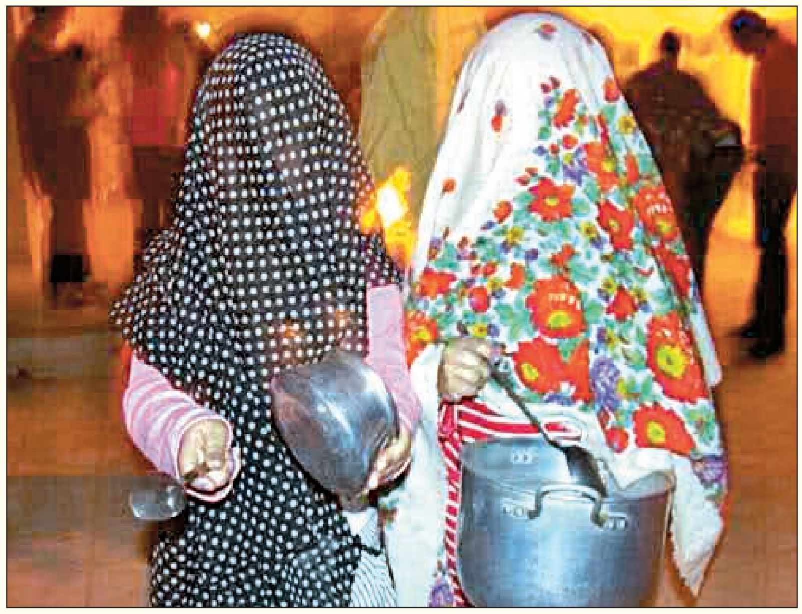
سیاست ها پانسمانی برای زخم های سازمانی هستند. آنها واکنش هایی افراطی و به صورت قانون درآمده نســـبت به موقعیت هایی هستند که دیگر نباید اتفاق بیفتند. آنها تنبیهی جمعی و عمومی برای اشتباه های شخصی هستند. بوروکراسی و کاغذبازی این گونه ایجاد می شود. هیچ کس نه دلش بوروکراسی می خواهد و نه دوست دارد آغاز کننده اش باشد. کاغذبازی ها اندک اندک دزدکی به شرکت ها نفوذ می کنند. آنها به ازای هر سیاست یک زخم در شرکت ایجاد می کنند. پس هر بریدگی ساده ای را تبدیل به زخم نکنید. سیاست ها و خط و مشی ها تنها برای موقعیت هایی هستند که بارها و بارها تکرار می شوند.

چهارشنبه سوری در آمدی بر بهار

ادامه از صفحه اول

استاد حماسه و ادبیات فارسی می‌گوید: از دید باورشناختی این جشن در پیوند با ستایش خورشید، گرما و روشنایی است که نشان برجسته‌ای از آن را در جشن و آیین نوروز هم می‌یابیم.

«آتش» پدیده بنیادین در این جشن‌ها است و اگر در چهارشنبه سوری آتش افروخته نشود، این جشن به راستی جشن نخواهد بود.



جشن فراخی و تندرستی

در جشن واپسین چهارشنبه سال، ایرانیان کومه‌هایی از آتش می‌افروزند و بر آن می‌جهند و در همان هنگام می‌گویند: سرخی تو از من، زردی من از تو.

یعنی از آتش سرخی می‌طلبند و از خود، زردی می‌رانند.

کزازی معتقد است: سرخی نماد تندرستی، بهروزی و شادکامی‌است و زردی نماد بیماری و رنجوری.

ایرانیان با این آرزو می‌خواهند که سال نو که به زودی فرا می‌رسد برای آنان سالی سرخ باشد، سالی همراه با تندرستی، بی‌گزندی، فراخی روزی و ارج و آبرو نه سالی زرد که با رنج و بیماری و بی‌نوایی همراه باشد.

همچنان که در آن داستان پارسی باز می‌یابیم که گفته می‌شود فلانی با سیلی چهره خود را سرخ نگه می‌دارد، یعنی فرد با چاره و ترفند چنان می‌نماید که بی نیاز است و بهروز و بخت یار.

به گفته وی هنوز هم در برخی دهستان‌های کرد نشین، به هنگام نوروز آتشی بر بام خانه‌ها بر می‌افروزند که آن را «آگر نوروزی» می‌نامند.

آگر ریخت کردی آذر در پارسی یا آتور در زبان پهلوی است.

عادت قدیم

دکتر منصوره تدینی، عضو هیأت علمی‌دانشگاه آزاد، درباره آتش افروزی در شب چهارشنبه و انتخاب این روز از هفته می‌گوید: چهارشنبه سوری، آیینی کهن است که با آتش افروزی و آتش پیوند دارد و به استناد تعدادی از متون کهن از جمله کتاب «تاریخ بخارا» نوشته ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی (۲۸۶ تا ۳۵۸ هجری قمری)، «عادت قدیم» است.

چند روز پیش از نوروز، مردان و زنانی هنرمند به نام آتش افروزان به شهرها و روستاها می‌رفتند و با دست افشانی و سرود و آوازهای شورانگیز به سرگرم کردن و خشنود ساختن مردمان می‌پرداختند.

وی ادامه می‌دهد: از هفت روز پیش از نوروز تا دو هفته پس از نوروز با تاریک شدن هوا، آتش افروزان در تمامی‌نقاط شهر و ده آتش می‌افروختند و آن را تا برآمدن خورشید روشن نگاه می‌داشتند. مردمان نیز گرد آتش – نماد و نشانه نیروی مهر میترا و نور و دوستی– می‌آمدند و شادی می‌کردند.

آیین چهارشنبه سوری، بر اساس این زیرساخت نیک، همچنان جزو رسوم مردمان مختلف در تاجیکستان، ازبکستان، بدخشان وهرات، بلخ و دیگر شهرهای افغانستان، غرب چین و سراسر ایران است.

استاد زبان و ادبیات فارسی در پاسخ به این پرسش که این جشن کهن، از چه زمانی نام «چهار شنبه سوری» گرفته است، می‌گوید: در ایران باستان بخش بندی هفته به شنبه و چهارشنبه و ... نبوده است و در گاهشماری ایرانیان هر یک از ۳۰ روز ماه، نامی‌ویژه داشته است.

تقسیم روزهای ماه به هفته، ریشه در آیین‌های سامی‌دارد که باور داشتند خداوند جهان را در ۶ روز آفرید و روز هفتم به استراحت پرداخت و آفرینش پایان یافت. یهودیان از این روی، روز هفتم را شنبد یا شنبه نامیدند به معنی فراغت و استراحت. این نامگذاری و تقسیم ایام، از یهود به عرب و از اعراب به ایرانیان رسید.

*** در جشن واپسین چهارشنبه سال، ایرانیان کومه‌هایی از آتش می‌افروزند و بر آن می‌جهند و در همان هنگام می‌گویند: سرخی تو از من، زردی من از تو. یعنی از آتش سرخی می طلبند و از خود، زردی می رانند. کزازی معتقد است: سرخی نماد تندرستی، بهروزی و شادکامی است و زردی نماد بیماری و رنجوری**

دکتر تدینی با اشاره به باور اعراب درباره هر یک از روزهای هفته، به شوم بودن چهارشنبه و بدشگونی کسب و کار در این روز نزد آنان اشاره می‌کند و می‌گوید: ایرانیان، جشن سوری آخر سال را پس از رواج این گاهشماری در ایران به روز چهارشنبه آخر سال انداختند تا بد شگونی و شومی چهارشنبه از بین برود.

وی یادآور می‌شود از آنجا که ممکن است برخی در نقد این جشن، آتش پرستی در این مراسم را به نیایش آتش تعبیر کنند و افکار عمومی‌را به اشتباه بیندازند، لازم است اطلاع رسانی شود که در زبان‌های پیش از دری، پرستیدن به معنای گرد چیزی گشتن و مراقبت کردن است. این معنا را در واژه پرستار و پرگار همچنان داریم. با این توصیف، آتش پرست، یعنی نگهبان و مراقب آتش یا آتش پرستیدن در این آیین یعنی دور آتش چرخیدن و آن را روشن نگاه داشتن.

اما در زبان فارسی دری، پرستیدن معنای نیایش کردن هم یافت و اگر کسی به ریشه کهن این آیین یا این عبارت توجه نداشته باشد، می‌تواند به غلط، چهارشنبه سوری را جشن آتش‌پرستان تعبیر و اذهان عمومی‌را منحرف کند!

حاجی فیروز

«حاجی فیروز» معرب «خواجه پیروز» است که با آتش و چهارشنبه سوری و نوروز در ارتباط است.

خواجه پیروز، نشان پیروزی و بزرگی و سروری است.

چهره سیاه شده‌اش نماد زمستان و لباس سرخ نماد سرخی آتش و آمدن گرما است.

پیروزی و شادی اش برای پیروزی بهار و نو شدن روزگار است.

تدینی با بیان این نمادها به نظری از مهرداد



بهار، اسطوره شناس دراین باره اشاره می‌کند و می‌گوید: مهرداد بهار حاجی فیروز را بازمانده آیین ایزد شهید شونده می‌داند و این که مراسم سوگ سیاوش نیز نموداری از همین آیین است. چهره سیاه او نماد بازگشت از جهان مردگان و لباس سرخ او نماد خون سرخ سیاوش و حیات مجدد ایزد شهید شونده، و شادی او شادی زایش دوباره آنهاست که با خود رویش و برکت می‌آورند.

مهرداد بهار نیز سیاوش را با ایزد نباتی بومی‌در پیوند می‌داند ؛ وی با ریشه یابی آیین سیاوش، معنای این نام را «مرد سیاه» یا «سیه چرده» می‌داند که اشاره به رنگ سیاهی است که در این مراسم بر چهره می‌مالیدند یا به صورتکی سیاه که به کار می‌بردند. این مطلب قدمت شگفت آور مراسم خواجه پیروز را نشان می‌دهد که به آیین «تموز» و «ایشتر» بابلی و از آن کهنه‌تر به آیین‌های سومری می‌رساند.

برخی مراسم چهارشنبه سوری

در آیین چهارشنبه سوری، بنا به شهر یا منطقه‌ای که این جشن در آن برپا می‌شود، مراسم مختلفی نیز وجود دارد. از جمله این که برخی در این شب، رشته پلو یا آش رشته می‌پزند تا رشته کارها و نظم امور، در سال نو در دستشان باشد.

***در زبان‌های پیش از دری، پرستیدن به معنای گرد چیزی گشتن و مراقبت کردن است. این معنا را در واژه پرستار و پرگار همچنان داریم. با این توصیف، آتش پرست، یعنی نگهبان و مراقب آتش یا آتش پرستیدن در این آیین یعنی دور آتش چرخیدن و آن را روشن نگاه داشتن**

قاشق زنی یا ملاقه زنی هم رایج است. بدین ترتیب که مردم و بعضا کودکان، با روی پوشیده، کاسه و قاشق را پشت در خانه به هم کوبیده و پنهان می‌شوند و تا صاحبخانه تخم مرغ یا تنقلات داخل کاسه شان نگذارد، از پشت در نمی‌روند.

آجیل چهارشنبه سوری نیز از اسباب این جشن است که از هفت نوع میوه خشک و نخود و تخمه و کشمش و گردو تهیه و به نام هفت امشاسپند و برای شگون و تندرستی در شب چهارشنبه سوری خورده می‌شود.

فالگوش ایستادن نیز جزو سنت‌های شاد این شب است. یعنی هرکس نیتی در دل می‌کند و گوش می‌ایستد تا بشنود اولین کسی که از کنارش می‌گذرد چه می‌گوید و جواب نیت خود را این گونه تعبیر کند.

در بعضی مناطق، در کوزه کهنه مقداری آب یا سکه ریخته از بالای بام به زمین می‌اندازند بر این باور که آب آن کوزه کهنه به معنی روشنایی است و سکه برای نزول برکت در خانه آنها پاشیده شود.

باری این همه برای این است که مردمان به نیکی و درستی باورمند بمانند و شادی‌ها و خوشی‌ها و نعمت‌ها را در آستانه سال نو، طلب کنند

باشد که چنین شود.

وجیهه تیموری

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز یکشنبه ۲۴ اسفندماه ۱۳۵۴ (برابر با ۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۹۶، ۱۴ مارس ۱۹۷۶) نقل شده است.

در دانشگاههای ایران فقط رشته‌های پزشکی و مهندسی مورد توجه است

آقای پروفسور ونیکس استاد دانشگاه بیل آمریکا که اخیرا به ایران سفر کرده، طی یک سخنرانی که در محل آمفی تئاتر دانشکده کشاورزی تبریز ایراد کرد، در پی مطلب فوق افزود، همانطور که یک پزشک در موردسرطان مطالعه میکند، جامعه‌شناس آمریکایی نیز درباره‌تاریخ مطالعه میکند.

پروفسور بیل ادامه داد: من ضمن بازدیدهائیکه از دانشگاه‌های ایران کرده‌ام متوجه این نکته شده‌ام که در کشور شما بیشتر علم پزشکی و مهندسی مورد توجه است در صورتیکه در آمریکا به سیاست، اقتصاد خصوصا «تاریخ» اهمیت بیشتری داده‌میشود.

بنظر ما یک دیپلمات خوب یا یک اقتصاددان مجرب، خدمات موثر و ذیقیمتی به کشور خود میتوانند بکنند. استاد آمریکایی افزود من استنباط کرده‌ام که در ایران یک پزشک، کاری به «ادبیات» ندارد و یک مهندس با جامعه‌شناسی مانوس نیست، اما در کشور ما یک پزشک مطالعاتش در زمینه ادبیات، حتی شاید بیشتر از معلومات پزشکی اش باشد. یعنی در آمریکا بین علوم مختلف، دیواری نیست.

قرارداد مترو امضاء شد

غلامرضا نیک پی بنمایندگی از جانب دولت ایران امروز قرارداد ۸۶ میلیارد ریالی متروی تهران را امضاء کرد، طرف دیگر قرارداد مهندس مشاور فرانسوی سوفرتو است که بدین منظور هیئتی را از پاریس به تهران اعزام داشته است. قرارداد در ساعت نه بامداد در دفتر کار شهردار پایتخت امضاء شد.

رانندگان استخدامی باید آزمایش روانی شوند

اصفهان، خبرنگار اطلاعات: رانندگان وسایط نقلیه در اصفهان، باید از لحاظ ناراحتی های اعصاب مورد آزمایش قرار گیرند.

دکتر مصروب بالایان رئیس دانشکده امور تربیتی دانشگاه اصفهان با اعلام این مطلب گفت: باداره راهنمایی و رانندگی اصفهان نیز پیشنهاد شده که از رانندگان نیز در موقع امتحان رانندگی «امتحان اعصاب» بشود. تحقیقات شش ماهه گروه روانشناسی نشان میدهد که ۹۰ درصد حوادث رانندگی ناشی از عوامل انسانی است و اکثر رانندگان به علت خرابی اعصاب باعث بروز حوادث ناگوار میشوند.

فیدل کاسترو از حزب منحله توده حمایت کرد

اطلاعیه زیر در ۱۹ اسفندماه جاری از طرف دبیر خانه کمیته مرکزی حزب منحله توده ایران بوسیله رادیو پیک ایران پخش شد:

«در جریان بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، ملاقات برادرانه‌ای میان هیأت نمایندگی حزب توده ایران به رهبری رفیق ایرج اسکندری و هیأت نمایندگی حزب کمونیست کوبا انجام یافت.

رفیق فیدل کاسترو با گرمی تمام از هیأت نمایندگی حزب توده ایران استقبال نمود و مذاکرات در محیط دوستانه و برادرانه انجام یافت.

سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام کرد که دستور داده شده است راجع به صحت و سقم این خبر رسما از دولت کوبا تحقیق شود.

تقویم و مبداء تاریخ ایران

امروز نمایندگان مجلسین سنا و شورای ملی که در نخستین پارلمان رستاخیز ملت ایران عضویت دارند، در یک نشست مشترک به بررسی اوضاع کشور پرداختند.

نمایندگان مجلسین سنا و شورای ملی در پایان جلسه مشترک امروز قطعنامه‌ای را تصویب کردند که بموجب آن «آغاز سلطنت کوروش کبیر بنیان گذار ایران به عنوان سر آغاز تقویم و مبدا تاریخ ملی ایران خواهد بود».

۱۱۸۰ محاسبه تاریخ تولد بر اساس تاریخ شاهنشاهی

این رقم را بدقت بخاطر بسپارید چون از این پس، نقش ارزنده‌ای از نظر تاریخ سال تولد و همچنین هر نوع تبدیل تاریخ بین سال شمار موجود و آینده دارد.

آگاهی پیدا کرده‌اید که بر اساس تصمیم مجلسین، تاریخ شاهنشاهی بجای تاریخ شمسی مبداء تاریخ رسمی ایران شده و از سال نو سال رسمی ایران ۲۵۳۵ است حال اگر شما بر اساس تاریخ شمسی بخواهید تاریخ تولد خودتان به سال شاهنشاهی پیدا کنید کافی است بسال تولد خود رقم ۱۱۸۰ را بیفزائید.

قاب امروز



حاجی فیروز – تهران – عکس از: علی آذر نیا

داستانک

ماهی قرمز هفت‌سین

سال قبل چند ماهی قرمز کوچولو برای هفت‌سین خریدم. پس از چند روز یکی از ماهی ها به طرز عجیبی خیلی بزرگتر از بقیه شد. ناچار آن ماهی را از تنگ بلور به داخل آکواریوم بزرگی انداختم. اما با ادامه رشد جهشی ماهی، جایش در آکواریوم هم تنگ شده بود تا اینکه یک روز به هر زحمتی بود ماهی را به شمال بردم و در دریا رها کردم.

روز بعد کنار ساحل به تماشای کشیدن تور صیادان ایستاده بودم. ماهی قرمزم را داخل تور آنها دیدم. صیادان از صید چنین ماهی نادری خوشحال و شگفتزده شده بودند و آن را خوش‌یمن دانستند. خبر گرفتن ماهی قرمز به سرعت در منطقه پیچید و همه برای دیدن ماهی آمدند. از آن پس در آنجا افسانه‌های زیادی برای ماهی قرمز ساختند؛ شاید همه افسانه‌ها به همین نحو ساخته شده‌اند....

مصطفی چترچی، مجموعه هدیه برف

امروز در تاریخ

کارنامک اردشیر پاپکان، بازتاب تمدن پیشرفته ایرانیان

کار جمع آوری کارهای روزمره اردشیر ـ بنیادگذار دودمان ساسانیان در یک کتاب [مجموعه] تحت عنوان «کارنامک اردشیر پاپکان» مارس سال ۳۰۰ میلادی (اسفندماه) پایان یافت و چند روز بعد نسخه اصلی آن به مناسبت نوروز در تالار پذیرایی کاخ سلطنتی در تیسفون قرار گرفت.

کارنامه اردشیر قرن ها نصب العین سران ایران بود. به گفته ویل دورانت، این کارنامه درعین حال پیشرفته بودن تمدن ایرانیان را منعکس می کند که دفتر رئیس کشور [دفتر اردشیر پاپکان] کارهای روزانه دولت را یادداشت و توسط چند محرّر تکثیر می کرد و همانند یک «روزنامه محدود» برای دولتمردان و بزرگان ارسال می شد تا در جریان کارها و برنامه‌ها قرار داشته باشند و اندرزها را بکار بندند.

...و بالاخره قانون ملی شدن نفت تصویب شد

۲۴ اسفند ۱۳۲۹ پس از سال‌ها مبارزه، تغییر کابینه‌ها و بالاخره ترور رزم‌آرا نخست وزیر وقت، طرح دکتر مصدق و یارانش مبنی بر ملی شدن نفت کشور به اتفاق آراء به تصویب مجلس شورا رسید و انتشار خبر آن ایرانیان را به گونه‌ای شادمان کرد که به خیابان‌ها ریختند و تا نیمه‌شب شادی کردند. پس از تصویب طرح، مردم نمایندگان مجلس را بر روی دوش از بهارستان به خانه‌هایشان رسانیدند.

روزهای بعد نیز شادی مردم قطع نشد و تا پایان ایام نوروز ادامه یافت.

چهار روز بعد (۲۹ اسفند) سنا نیز به رغم اعتراض شدید دولت انگلستان طرح را تصویب و همان روز به امضای شاه رسید. بعدا به پیشنهاد دکتر مصدق «۲۹ اسفند» روز ملی و تعطیل عمومی اعلام شد. از آغاز قرن ۲۰ نفت ایران در انحصار انگلستان بود.

دیگر رویدادهای ۱۵ مارس

۱۴۹۳: کریستف کلمب در پایان نخستین سفر خود به قاره غربی به اسپانیا بازگشت و لقب دریاسالار اقیانوس ها گرفت.

۱۸۱۲: نخستین مهاجران روس در آمریکا که در کالیفرنیا مستقر شده بودند نام رودخانه مجاور قرارگاه خود را «رودخانه روسی» گذاردند و این رودخانه هنوز به همین نام خوانده می‌شود.

۱۸۷۸: رضاخان پهلوی که بعدا شاه ایران شد در آلاشت سوادکوه (مازندران) به دنیا آمد.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول شرح در متن ۴۰۹۹

غلامحسین باغبان

وکیل و نایب		پیرایه انگشتر / عالم و فاضل		همسر مرد / شادان خرامنده	حرف نوروزی / وسیله بافتن قالی		بسیار لاغر و باریک	اثری از جک لندن
								س
			کوچکترین ذره / بخشش اسلامی					
						هادی / حرفه	س	فرومایگان / چکش سنگین
ی	مهمانی				کندن گور / خطای فوتبالی			
				دارای یک سن / نادانی				
			۱۸۰:۲					شاهد / بخشی از دست
			ن			خمیازه / از جان گذشته		
					روشن‌تر			کافی / حرارت دادن
				درخت آزاده				الله / ارفاق
								پ
								صاحب منصب / قدرت و توان

حل ۴۰۹۸

پاک کردن	خانه مروارید / ...	ص	ژ	عامل ویرانی / شریف تر	طاقت / مرکز گیلان	ت	طبیعت گرایی	فنی در کشتی
ز	أ	د	ن	أ	ر	ا	ن	چ
د	ر	ف	مقابل زوج / نظرات	ش	ش	ب	ا	اندام تنفسی ماهی / نیم ته
ا	ز	بدنیا آوردن / زیبا و خوبرو	أ	ر	ت	مخفف تو را / ...	ت	ک
ی	ش	و	ر	ف	قابل فروش / ...	ل	و	آزاد و رها / جوان
ی	م	س	ا	معروف / بعید	أ	ن	ر	پ
د	ن	ا	رشته کوه آمریکای جنوبی	د	و	ت	ا	... / بز کوهی
ن	د	م	ا	و	ت	داخل شدن / برادر ها	ل	ک
				ر	پیشگوی مصر باستان	پ	ی	غ
				پرستار کودک	ک	ر	س	عالم ناپیدا / اضافه بار
				ل	ا	و	م	ا
				ل	ه	ا	مقیم	دارایی ها / به تنهایی
				ه	ن	ت	ک	ی

سودوکو ۱۵۸۶

۴				۵	۹		۶	
۷				۳		۸		
		۹			۲			
	۴				۸	۵		
	۸		۱		۶		۲	
		۶	۳				۴	
			۵			۲		
		۸		۱				۵
	۹		۶	۸				۴

۵	۴	۱	۹	۸	۳	۷	۶	۲
۷	۶	۲	۵	۴	۱	۹	۸	۳
۹	۸	۳	۷	۶	۲	۵	۴	۱
۱	۵	۴	۳	۲	۹	۸	۷	۶
۸	۹	۷	۱	۵	۶	۳	۲	۴
۳	۲	۶	۴	۷	۸	۱	۵	۹
۶	۱	۵	۸	۳	۴	۲	۹	۷
۴	۷	۹	۲	۱	۵	۶	۳	۸
۲	۳	۸	۶	۹	۷	۴	۱	۵

حل ۱۵۸۵

نوروزنامه

ویژه نامه نوروزی روزنامه اطلاعات دوشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۴

با آثار و گفتاری از:

دکتر اسحاق جهانگیری
استاد دکتر شفیعی کدکنی
دکتر محمدعلی اسلامی‌ندوشن
آیت‌الله دکتر مصطفی محقق‌داماد
زنده‌یاد استاد باستانی‌پاریزی
دکتر جلال‌الدین کزّازی
دکتر شیرین بیانی
دکتر محمدامین قانعی‌راد
دکتر محمد توکل
دکتر قاسم صافی
دکتر رضا داوری‌اردکانی
دکتر حکمت‌الله ملاصالحی




شرکت تعاونی تولیدی
پیشگامان عصر ارتباطات
بزرگترین تعاونی تولیدی فعال در زمینه الکترونیک و روشنایی
www.paeco.ir
لامپها و پروژکتورهای
فوق کم مصرف
پیشگامان
سامانه حضور و غیاب
و تردد خودرو پیشگامان
ردیابی حرفه ای خودرو
و مدیریت ناوگان
سنسور وزن و سوخت
تولید ملی افتخار ملی
نوروزتان پیروز
دفتر تهران : چهار راه پارک وی ، روبروی هتل استقلال
خیابان اردیبهشت،پلاک ۱۴ ،واحد۴،کدپستی:۱۹۸۶۶۱۳۱۱۴
تلفن:۲۲۶۶۵۳۶۷ (۰۲۱) دورنگار:۲۲۶۶۵۱۳۷ (۰۲۱)
کارخانه: یزد – شهرک صنعتی، میدان گلها، بلوار کاج
خیابان یازدهم ، فرعی دوم کد پستی: ۸۹۴۷۱۸۳۴۳۸
تلفن: ۳۷۲۷۲۷۲۶ (۰۳۵) تلفکس: ۳۷۲۷۲۷۲۷ (۰۳۵)



شرکت نفت پارس
نفت پارس، تولید کننده انواع روانکارهای
موتوری، صنعتی، دنده خودرو، گریس و ضدیخ
پارس
سوپر پیشرو
API SM/CF
SAE 5W30
مطابق با استانداردهای تدوین شده جهت
کنترل میزان گوگرد، خاکستر سولفاته و فسفر (SAPS)
مورد استفاده در خودروهای: بی ام و، مرسدس بنز،
کیا، هیوندای، تویوتا، لکسوس، و خودروهای تولیدی
با تکنولوژی ساخت ۲۰۰۸ به بعد
کاهش مصرف سوخت
کاهش آلاینده های خروجی از اگزوز
کنترل سایش در لحظه استارت
Pars Super Pishro
SAE 5W30
4 Lit.
پارس
سوپرپایا
API SL / CF
SAE 10W40
SAE 10W40
۴ لیتر
قابلیت پاک کنندگی بالا جهت دوده های حاصل از احتراق
افزایش راندمان و نیروهای پیشرانه موتور
کاهش تعداد دفعات تعویض روغن
مورداستفاده در خودروهای: پژو۲۰۶(تیپ ۵ و ۶)، پژو۲۰۷، مگان،
مزدا ۳، تندرL90، سوزوکی و خودروهای تولیدی با تکنولوژی
ساخت تا سال ۲۰۰٤
ISO/TS 16949
IMQ
SGS
SGS
SGS
www.parsoilco.com

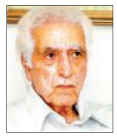


جشنواره پروانه
فروش ویژه بهاره
بیش از ۲۲۰۰ قلم کالا، بالای ۲۰ % تخفیف
۲۲ بهمن ۹۴ تا ۱۲ فروردین ۹۵
رفاه
فروشگاه‌های زنجیره‌ای
٪۲۸ تخفیف
فیله ماهی تیلاپیا۶۰۰گ منجمد - مه پروتئین
۱۲۲۴۰ تومان ۱۷۰۰۰ تومان
٪۴۰ تخفیف
دستمال کاغذی توالت ۶قلومعمولی - های‌کلین
۵۳۱۰ تومان ۸۸۵۰ تومان
٪۳۶ تخفیف
لپه ۹۰۰گ سلفون گلزار
۷۳۶۰ تومان ۱۱۵۰۰ تومان
٪۳۱ تخفیف
لوبیاچیتی ۹۰۰گ درجه ۱ - همگل
۸۲۸۰ تومان ۱۲۰۰۰ تومان
٪۳۰ تخفیف
ماکارونی رشته ای - زر ماکارون
۱۸۹۰ تومان ۲۷۰۰ تومان
٪۳۰ تخفیف
ورمیشل آشیانه ۵۰۰گ ترسپافن سمیرا
۳۵۰۰ تومان ۵۰۰۰ تومان
٪۵۵ تخفیف
کاپوچینوکلاسیک ۱۲۵گ ج ۱۰ع - لافستا
۶۲۱۰ تومان ۱۳۸۰۰ تومان
٪۵۰ تخفیف
کیسه زباله مشکی رول ۲۰ع ۸۰ در ۶۵ - سپید
۲۲۲۵ تومان ۴۴۵۰ تومان
٪۲۰ تخفیف
روغن مایع سرخ کردنی و مخلوط - آفتاب
٪۳۰ تخفیف
نوشابه‌های ۱/۵ل پرتقال زمزم و گازدار کوکاکولا
٪۱۸ تخفیف
مایع ظرفشویی ۴ل صورتی - گلی
۹۸۶۸ تومان ۱۲۰۳۵ تومان
٪۳۵ تخفیف
مایع ظرفشویی گلیسیرینه ۴ل - صحت
۱۰۵۲۴ تومان ۱۶۱۹۲ تومان
٪۵۰ تخفیف
شامپو ۱۰۰۰گ ویتامینه - بس
۶۷۴۰ تومان ۱۳۴۸۰ تومان
٪۴۰ تخفیف
شامپو ۲۰۰گ مورنگ شده - فولیکا
۵۵۲۲ تومان ۹۲۰۳ تومان
٪۲۲ تخفیف
چای کنیا ۴۵۰گ CTC - محسن
۱۰۹۵۰ تومان ۱۴۰۳۹ تومان
٪۳۸ تخفیف
رب گوجه فرنگی ۸۰۰گ درجه ۱ - شیلتون
۲۹۷۶ تومان ۴۸۰۰ تومان
٪۴۵ تخفیف
دستمال توالت گلدار ۴لایه ۶قلو - پک دستمال کاغذی ۸۰۰ برگ - گل پر
٪۳۵ تخفیف
شامپو سدر و سیر - صحت
٪۲۰ تخفیف
شکلات آیلین مغزفندق ۲۴ع کادوئی - آیدین
۸۰۰۰ تومان ۱۰۰۰۰ تومان
با ۲۲۰ فروشگاه در سراسر کشور
همه چی زیر یک سقف
www.Refah.ir
رفاه همینجاست

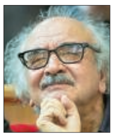
صاحب امتیاز: موسسه اطلاعات شرکت ایرانچاپ
مدیر مسئول: سید محمود دعایی
سردبیر: علیرضا خانی
دبیر ویژه‌نامه: کریم فیضی
صفحه‌آرایی و گرافیک: علیرضا سربازوطن رشید
عکس: علی آذرنیاکماری، سعید نیک‌نژاد، داود قهردار
سرپرست واحد گرافیک تحریریه: علیرضا کیماسی
سرپرست واحد حروفچینی: رحیم رمضانی
سرپرست واحد تصحیح: داود احمدی
طرح جلد: شهرام شهدی
چاپ: شرکت ایرانچاپ (موسسه اطلاعات)
با تشکر از واحدهای: تصحیح، لیتوگرافی، چاپ، صحافی و توزیع مؤسسه اطلاعات











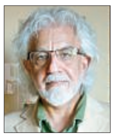




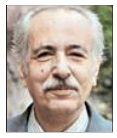














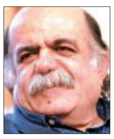








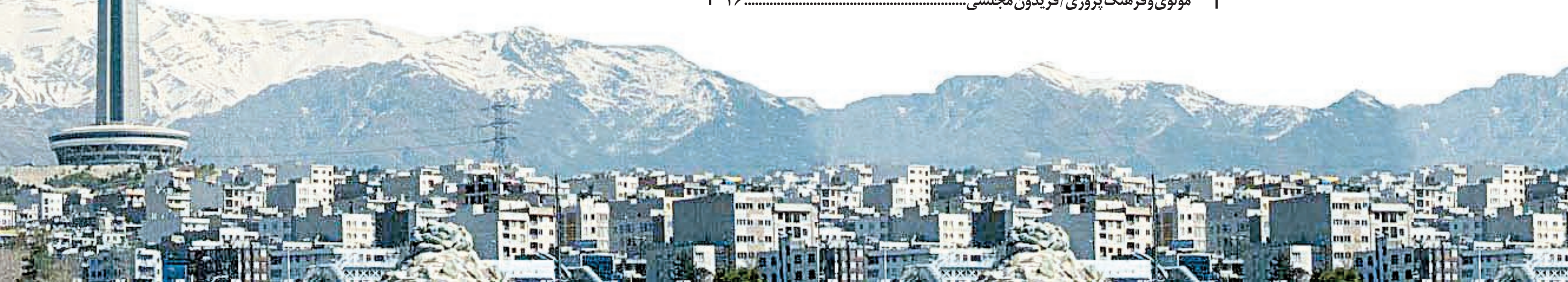







گفتگوی اختصاصی اطلاعات با دکتر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور

فهرست مطالب



سرمقاله

بهار و همیشه بهار

نوروزنامه یا به عبارت دیگر «ضمیمهٔ نوروز ۹۵»، با روزنامه اطلاعات همراه شده است تا در ادامهٔ ضمیمه‌های سه‌گانهٔ مناسبتِ ۹۰سالگی این روزنامه ـ که به ترتیب در ۲۰ تیر و ۲۳ شهریور و ۵ بهمن سال ۹۴ تقدیم شده است ـ یادی باشد و یادآوری‌یی از «نشستن بر کناره» بلکه «حرکت در میانه»ی جوی جاری زمان و تماشای «گذر عمر» و تجربه کردن این واقعیت که همه چیز رفتنی است مگر پندار و گفتار و کردار خیر. و حافظ شیراز که گویی سراسر دیوانش «دیوان بهار» است، با زبان زیبای غزل‌هایش به همهٔ این تجربه‌های ظریف و شریف اشاره کرده است:

بر ایوان زبرجد نوشته‌اند به زر
که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند

برخی از تحریف‌گران آنرا «نکویی اهل قلم» هم خوانده‌اند! با این حال اگر مطبوعهٔ اطلاعات از پس پردهٔ ۹۰سال گذر عمر در این جهان گذران هنوز زنده‌یاد است، مدیون و مرهون نکویی‌های «اهل کرم» و «اهل قلم»ی است که در لباس کارگر و کارمند در طول عمر ۹۰ساله و یا به عبارت دیگر در تونل زمان ۹۰ ساله حقیقتاً به جان کوشیدند، و تلاش کردند تا این مجتمع فرهنگی و مطبوعاتی و انتشاراتی و این مؤسسه بزرگ چاپ و نشر را یاری دهند. و همطراز با این واقعیت بلکه مهمتر از آن باید «نکویی‌های اهل کرم و اهل قلم»ی را به یاد آورد که در سراسر ایران عزیز بدون آنکه پیوند اداری با این مجتمع و مؤسسه داشته باشند، همواره در لباس خواننده و نویسنده به یاری‌اش برخاسته‌اند و سرمایهٔ رونق بازار فکری و فرهنگی‌اش بوده‌اند و هستند

زبان حال گردانندگان این چرخ و فلک فرهنگی و مطبوعاتی و انتشاراتی نیز همیشه به قول حافظ «بر سر آنم که گر ز دست برآید» بوده است. و هست و خواهد بود. این مؤسسه و مجتمع بر سر آن بوده و هست تا نه رنگ و روی زمستانی و پاییزی بلکه رنگ و بوی بهاری و اردیبهشتی داشته باشد. اگر توانسته است ـ حتی اگر اندک ـ باز هم خدای را سپاس گفته است. و اگر نتوانسته است، چنان نبوده و نیست که بگوییم نخواسته است.

حال و احوال بهاری، اگر احسن الحال هم نباشد، همچنان مغتنم است. خانه و خیابان و کوچه و بازار و مدرسه و مسجد و اداره و دولت، همه وقت و همه جا، نیازمند حال و احوال بهاری است. بهار در فرهنگ دینی و تمدّنی و تاریخی و عرفانی و هنری سرزمین ما همواره با مفاهیم متعالی تحوّل، تنوّع، تکثّر، جمال، عشق، معرفت، حکمت و نظائر این مفاهیم آمیخته و سرشته بوده است. عارفان نکته‌سنج و ذرّه‌بین ما آنرا چنان اوج داده‌اند و چنان ارج نهاده‌اند که «برهان»ش خوانده‌اند. چنانکه مولانا می گوید:

این بهار نو ز بعد برگریز
هست برهان وجود رستخیز

سعدی پرواز مرغ خیال را ارتفاع داده و باد بهار را «پیوند روح» می‌خواند:

پیوند روح می‌کند این باد مشکبیز
هنگام نوبت سحر است ای ندیم خیز
شاهد بخوان و شمع بیفروز و می بنه
عنبر بسای و عود بسوزان و گل بریز

البته حافظ شاید با تأمّل در همین کلام و با نیم‌نگاهی به اوضاع و احوال جهانی که در آن می‌زیسته، بی‌پروایی سعدی را مهار کرده و می‌گوید:

اگرچه باده فرح‌بخش و باد گلبیز است
به بانگ چنگ مخور می که محتسب تیز است
در آستین مرقّع پیاله پنهان کن
که همچو چشم صراحی زمانه خونریز است

یاد باد آنکه پرسید و پاسخ داد:

گفتی که شاهکار شما در زمانه چیست؟
والله که زنده ماندن ما شاهکار ماست

خیّام شاید بتوان گفت از آمد و رفت بهار بیشترین یا بهترین (نقدترین) درس عبرت را برای زندگی و زندگی کردن در سرزمینی که پاییز و زمستانش همیشه در راه است، آموخته است:

ساقی! گل و سبزه بس طربناک شده‌ست
دریاب که هفتهٔ دگر خاک شده‌ست
می نوش و گلی بچین که تا درنگری
گل خاک شده‌ست و سبزه خاشاک شده‌ست

البته اهل عرفان در این سرزمین رنج‌دیده ولی شادی‌آیین، با نگاهی گسترده‌تر و ژرف‌تر، همه احوال عالم را در چهار فصل و چندین فصل و بی‌شمار فصلش «فصل وصل همیشه بهار» می‌یافته‌اند و می‌دیده‌اند. حافظ هر دو عالم را در هر حال، پیدا و پنهان، «یک فروغ روی او» می‌دیده است. و سعدی «به جهان خرّم از آن» بوده که «جهان خرّم از اوست». مولانا نمونه اعلای عرفان شاد و سرمست و پرنشاط و همیشه بهار است. اینان، از منظر تماشای اطوار دوست، همه فصول عالم را کرشمه‌های یک معشوق و جلوه‌های جمال و جلال یک حقیقت وجودی می‌دانسته‌اند. پاییز هم جلوه بهار است، زمستان هم، تابستان هم و خود بهار هم.



اینان مانند مولوی معتقد بودند که «هر لحظه به رنگی بت عیّار درآمد، دل برد و نهان شد». بهار و پاییز و زمستان و تابستان، هرکدام فقط رنگی است از رنگ‌های همان بت عیّار و نه چیزی دیگر. اینان قلب آدمی را پایگاه و جلوه‌گاه و عرش اعلای همان حقیقت می‌خوانده‌اند. سروده منسوب به محی‌الدین عربی در واقع همین حال و همین احسن‌الحال را ترسیم کرده است. قلب همیشه بهار، قلب همیشه بهار از عشق، قلب همیشه بهار از اتحّاد عشق و عاشق و معشوق.

[لقد صار قلبی قابلا کل صورهٔ
فمرعی لغزلان و دیر لرهبان]
[و بیت لاوثان و کعبه طائف
و الواح توراهٔ و مصحف قرآن]
[ادین بدین الحبّ انی توجّهت
رکائبه فالحبّ دینی و ایمانی]

یا: دینی و ایمانی. عشق، دین و ایمان من است. قلب من قابلیت پذیرش هر صورتی از صورت‌های هستی را دارا است. مرتعی برای غزالان و معبدی برای راهبان و خانه‌ای برای بتان و کعبه‌ای برای طواف‌کنندگان و لوحی برای تورات و لوحی برای کتاب آسمانی مسلمانان است. قلب من به دین عشق و دوست داشتن ایمان آورده است و این مرکب مرا به هر جا و هر سوی که مذهب عشق و دیانت دوست داشتن است می‌کشاند و این است دین و ایمان من.

این حال در دنیای درون و برون اهل عرفان با ایستادگی در برابر متجاوزان و مهاجمان و ستمگران و آدم‌کوبان و عشق‌کشان منافاتی ندارد و از شدّت بداهت و وضوح است که هر بار در هر جمله و با هر کلمه تکرار نمی‌شود. این حال، همان مستی و سرمستی و سرخوشی‌یی است که از جان همیشه بهار و از دل به بهار پیوسته (محو شده در جذبه و جاذبهٔ بهار وجود) برمی‌خیزد.

شکفتگی دائم است، زایندگی مداوم است، نشاط و نیروی همیشگی است، الحمدلله علی کلِ حال است، احسن‌الحال است، «من از درمان و درد و وصل و هجران، پسندم آنچه را جانان پسندد» است، نشاط درون‌خیز در متن غم و شادی و در میدان صلح و جنگ است. البته دشوار است و کمتر دست‌یافتنی، امّا واقعاً بوده است. و امروز هنوز، اگرچه کمتر، باز هم هست. «ساقیا باده بده شادی آن کاین غم از اوست» و یا به عبارت دیگر «سرخوش ز سبوی غم پنهانی خویشم».

هیأت تحریریه «نوروزنامه»

نگاه

بهار و یک قانون

کریم فیضی

میان مرگ و زندگی توازنی عمیق و ربطی معنی‌دار وجود دارد که آن را مبدل به قانونی جدی و استوار می‌کند: قانونی آسمانی/ زمینی، عام/ خاص و مقدم برهر قانونی. قانون‌های دیگر تابع «قانون مرگ و زندگی» اند و به میزان این تابعیت و تبعیت می‌توانند درست و واقعی به شمار بیایند. اگر سنجه و ملاکی برای ارزیابی خوب و بد و درست و نادرست قوانین بتوان تصور کرد، همین خواهد بود که یک قانون تا چه حد با مرگ و زندگی در تناسب است و تا چه اندازه از آن بهره‌مند است و به آن شبیه و وفادار.

«قانون مرگ و زندگی» را شخصی خاص ننوشته. این قانون برآمده از طبیعت است و نوشته شده به دست حقیقت در لوح واقعیت، درست مثل برآمدن خورشید از متن تاریکی و درست مثل طلوع بهار از جان خزان و زمستان.

اگر بخواهیم به اجمال رئوس و مفردات قانون مرگ و زندگی را به قلم بیاوریم، چنین خواهد بود:

۱ـ قانونی حاکم بر تمام قانون‌ها، از روز اول تاریخ قانون‌گذاری و قانون‌نویسی تا آخرین روزی که بتوان به چیزی به نام «قانون» استناد کرد.

۲ـ با عدم حاکمیت این قانون، همه قوانین، حتی قوانین به ظاهر زیبا و دلپذیر و دلپسند، می‌توانند ملغی اثر شوند، چون هرچه بخواهند و نخواهند نمی‌توانند نقشی فراتر از موجودیت و منافع اقلیتی محدود را تامین کنند.

۳ـ بدون حضور و اعمال «قانون مرگ و زندگی»، نه زندگی معنای خودش را پیدا می‌کند، نه مرگ جایگاه خودش را می‌یابد. در نتیجه چیزی بر جای نخواهد ماند جز زندگی‌هایی شکلی و ظاهری و مرگ‌هایی تلخ و جانگداز و صد البته کراهت‌بار. روشن است که در چنین فضایی، نه زندگی، زندگی خواهد بود، نه مرگ ، مرگ.

۴ـ نخستین عارضهٔ نبود قانون مرگ و زندگی یا به رسمیت شناخته نشدن آن، به هم خوردن توازن است ، چون اصل یا فرض بر این است که توازن محصول این قانون است و در نبود توازن میان مرگ و زندگی ، هیچ توازنی اساسا قابل تصور نیست.

حال ببینیم که شرایط ما، فارغ از بقیه قوانین، با این تک و یک قانون چگونه است؟ چه نسبتی با قانون مرگ و زندگی داریم و این قانون را چقدر به رسمیت می‌شناسیم؟ این قلمزن با کسانی همداستان و هم نظرم که معتقدند چنین قانونی، نه به اسم و نه به رسم در بین ما شناخته شده نیست و در واقع ما چنین قانونی را نه شنیده‌ایم، نه وضع کرده‌ایم، نه مورد بحث قرار داده ایم و نه تصور کرده‌ایم. بنابراین، نبود توازن به طور مطلق در بین ما ایرانیان ، در میان دلایل گسترده خودش می‌تواند از این دلیل هم مستفید باشد و نیز طبیعی است که در غیبت نبود قانون مرگ و زندگی، نه مرگ ما مرگ باشد، نه زندگی ما زندگی. باز طبیعی است که درجایی بیرون از زندگی در جستجوی زندگی باشیم درست مثل مسافری که در اعماق یک دره منتظر قطار است و در اعماق یک جنگل، چشم انتظار کشتی باری است! نیز به همین دلیل مرگ، هیچ نقشی در زندگی ما ایفا نمی‌کند.

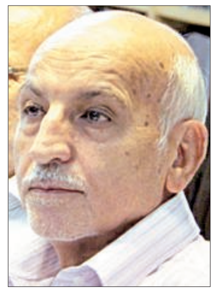
ریشه موضوع بر می‌گردد به اینکه در سیاست و در اقتصاد ما هیچ عنایتی به قانون مرگ و زندگی نشده. این توجه ـ که نفس فرهنگ است و روح فرهنگ ـ هیچ وقت درما شکل نگرفته و ما به همه چیز نظر داشته‌ایم الا به مرگ و زندگی با هم و در کنار هم و به عنوان یک قانون! ما به مرگ و زندگی، نگاه یکپارچه و توامان نداشته‌ایم. این دو را با هم و در کنار هم ندیده‌ایم بلکه نگاهمان به این دو، کاملا جدا و مجزا بوده: زندگی برای زندگی، بدون در نظر گرفتن مرگ. هرگاه هم به مرگ فکر کرده‌ایم، بدون در نظر گرفتن زندگی بوده است، دقیقاً از باب ناچاری و اضطرار و زمانی که مرگ به صورت عیان و عریان خودش را نشان داده که البته خود این فکر کردن به مرگ هم کاملا گذرا و کوتاه مدت بوده است.

مجموع این حالت، باعث شده که ما نه زندگی را بشناسیم و نه مرگ را بدانیم و چیزی به نام «قانون مرگ و زندگی» نداشته باشیم. بخش عمده ای از فرهنگ ما در غیبت قانون مرگ و زندگی شکل گرفته است و جز در معدودی از کسانی که آنها را «حکما» و «بزرگان» خودمان می‌دانیم، این قانون هرگز برای ما عمومیت و رسمیت پیدا نکرده است. خوب می‌دانم که این یادداشت کمی بی‌مقدمه و بی‌محاباست اما گمان می‌کنم ما نیاز داریم اندکی بی‌محابا فکر کنیم. شاید پرنده سرگردان زندگی درقفس طرز زندگی‌های عجیب، به خود بیاید و رها شویم از چنبره مکتب‌هایی که جز «تورم و تطور» هیچ بهره‌ای از حقیقت نبرده‌اند و شکل نداده‌اند مگر قانون بی‌قانونی را.

با امید تاملات نیک و توفیقات روز افزون در سال جدید، سپاس های صادقانه « نوروزنامه اطلاعات » ارزانی سرورانی است که در بسامان شدن این مجموعه قبول زحمت کرده اند. و ختم سخن این کلام : مبارک بادت این سال و همه سال!

پنجاه سال با روزنامه اطلاعات

چراغ روشنایی



■ دکتر قاسم صافی

آشنایی من با روزنامه اطلاعات به دورهٔ اول متوسطهٔ قدیم (سال ۱۳۴۲) برمی‌گردد که مرحوم پدرم مصطفی صافی (متوفی ۱۳۶۵ش) خوانندهٔ مستمر آن بود. او با تخلّص مصفّا، شعر نیکو می‌گفت و در هنر خوشنویسی و نقاشی و مبادی ادب ممتاز بود. حافظه‌ای قوی داشت آن‌طور که بسیاری از ابیات شاهنامهٔ فردوسی، مثنوی مولوی، دیوان عبدالرحمن جامی و نظامی گنجوی و بخش‌هایی از ناســـخ‌التواریخ را از حفظ داشت و اغلب شب‌ها تا نیمه شب برای کودکان و نوجوانان فامیل، حکایات، داستان‌ها و وقایع تاریخی را با بیان شیرین و حکمت‌آمیز کم‌نظیر متأثر از مفاد آن کتابها نقل می‌کرد و دوستان و رفقای خویش را نیز حظّی وافر می‌بخشید. همچنین عمدهٔ مطالب روزنامه را می‌خواند و به اقتضا، نکات برجستهٔ آن را با تحلیلی اشاره‌ای، به مشتاقان گفتارش که لحظاتی را با او می‌گذراندند منتقل می‌کرد.

در سال ۱۳۴۵ که برای تکمیل تحصیلات، به دانشگاه تهران ورود یافتم همچنان خوانندهٔ آن روزنامه شـــدم و تا امروز که ۴۹ سال از زندگیم در تهران می‌گذرد خوانندهٔ پیوستهٔ این روزنامه‌ام و بخصوص در دههٔ اخیر، آن را چون چراغ روشنایی می‌نگرم و چه بسیار نیکوست که مجموعهٔ جامعهٔ ایران، بنا به دلایلی که به گوشه‌هایی از آن اشاره می‌کنم، خوانندهٔ آن روزنامه باشند و در ارتقا و اعتلای آن و در افزایش دانش و دانایی خویش بکوشند.

از ویژگی‌های روزنامهٔ وزین اطلاعات، معتدل بودن مطالب و سرمقاله‌های پرقدرت آن است به نحوی که تحریکِ بی‌ثمرِ احساساتِ خواننده نمی‌کند و موجب درگیری‌های ذهنی و استرس‌های تأثیرگذار منفی نمی‌شود. مطالب را حتی‌المقدور، ملایم، منطقی، ضروری و بدون جنجال و هیاهو، مطرح می‌کند و بیشتر بر جنبهٔ اطلاع‌رسانی مطالب تأکید می‌ورزد و گاه تحلیل‌های سودمند و موزون از وقایع روز با لطافت هنری و آموزه‌های اخلاقی و ترتیبات علمی به سبک و سیاقی که بیان شد عرضه می‌کند.

درج مطالب و پژوهش‌های سودمند و متنوع در عرصه‌های مختلف خبری، ادبی، فرهنگی، هنری، اجتماعی، تاریخ، و در پاسداری از زبان و فرهنگ سرزمینمان ایران، شناسایی و شناساندن خدمتگزاران واقعی و تجلیل از مفاخر علم و ادب از گذشته تا حال در هر زمینه ـ که جای آن در بسیاری از نشریات و روزنامه‌های دیگر خالی است و با تأسف اگر هم شناخته شده بودند شاید در مراجع رسمی یادی از آنها نمی‌شد ـ از مزایای دیگر این روزنامه است که با نشاط و پربار منتشر می‌شود و مسلماً در نشر بعضی از مطالب ادبی و رویدادهای فرهنگی، از خود یادگار و نامی گذارده است و در کتابخانه‌های معتبر و در خانوادهٔ بیشتر اهل ادب و شاعران و نویسندگان، جایگاه مطلوبی دارد.

روزنامه اطلاعات از نظر سیاست و اشاعهٔ فرهنگ ملی و صفحات ویژه ادبی و فرهنگی و اعلام وَفیات، دارای یک مقام و مرجعیت خاصّی است و مناسبت و رسالت دارد که فرهنگ ایرانی و مفاخر اندیشمند آن را بهتر بشناساند

آگاهم که در این روزنامه، گروهی مخلص و دانشـــمند در ادارهٔ سردبیری و تحریریه و مسئولین بخش‌ها، با معاضدت و همدلی مدیر مسئولی دانا و خاکسار، دامن همت فراهم چیده، با شوق و ذوق، اخلاص و پشتکار و بینشی هوشیارانه، به آفرینش و نشر آن دست می‌یازند تا حتی‌المقدور، زمینهٔ رضایت اصحاب فهم و درد و هنر را که بر آنها نظاره‌گرند، تأمین کنند و روزنامه در ارشاد و اناده، پایدار و پیروز باشد؛ و هم مرجعی برای ارائه افکار نو و آفرینش آزاد فرهنگی و برخورد آراء و عقاید و اندیشه‌های سازنده و تازه به شمار آید. بزرگمنشی و استعداد و دانشمندی و خوش قلمی برخی از نویسندگان، به راستی عامل مؤثر در تنویر افکار عمومی و راهگشایی در افق دید خوانندگان دارد و به نیاز خواستاران مطالب سودمند، پاسخِ مناسبی می‌دهد.

به نظر می‌رسد روزنامه اطلاعات از نظر سیاست و اشاعهٔ فرهنگ ملی و صفحات ویژه ادبی و فرهنگی و اعلام وَفیات، دارای یک مقام و مرجعیت خاصّی است و مناسبت و رسالت دارد که فرهنگ ایرانی و مفاخر اندیشـــمند آن را بهتر بشناساند و با وجود محدودیت‌های بازدارندهٔ مالی و هزینه‌های سرسام انتشاراتی و مسائل امنیتی که دارد با قدرت و توانِ معدودی



دســـت‌اندرکاران و صاحبان قلم، مقالات قابلی ارائه می‌دهد و با قائل شـــدن قیمت نازلی (۲۰۰ تومان برای یک شماره) تا حد امکان سعی می‌کند که روزنامه، آسان‌تر و ارزان‌تر به دست خواننده برسد و به هدف خود که در حقیقت، اشاعهٔ فرهنگ است مؤید باشد و باید همچنین باشد؛ و جا دارد که روزنامهٔ اطلاعات، بیشتر معرفی و شناخته شود و محدودهٔ مطالعهٔ آن در نواحی مختلف گسترده گردد و در محیط کتابخانه‌های دانشگاهی و مراکز علمی و فرهنگی و مؤسسات دولتی و خصوصی، فراگیر شود و طیف وسیعی از ملت ایران در جای‌جای وطن و خارج ایران با ویژگی‌ها و ارزش آن که برای بسیاری هنوز ناشناخته مانده، آشنا شوند.

انتظارات

باری، اصلاح وضع مخدوش فعلی امور اقتصادی و فرهنگی و پژوهشی کشور که در آن همه چیز را می‌شود خرید و فروش کرد و معنویت و تعلق خاصی نمانده که در قالب بیع و شری نگنجد و ابزار و شیوه‌های غیراخلاقی و مغایر قوانین عمومی و مدنی، فضای کسب و اشتغال و محیط زیست را آکنده کرده است، بی‌تردید درگرو فهم و عزم جدی سیاست‌گذاران علمی کشور و همکاری ارباب جراید و یاران و محرّرینِ دلسوختهٔ آن و معاضدت و همکاری فرهیختگان و صاحبنظران دانشگاهی است که اقدام جَدّی و ریشه‌ای دراین زمینه به غیر از آمارهای صرفاً کمّی که معمول دولتمردان است ارائه دهند.

روزنامه اطلاعات،با تحلیل‌هایی منصفانه که برخی از اعضای تحریریه و سردبیری ارائه می‌دهند به لحاظ توجه به شرافت روزنامه‌نگاری که در تقوای بیان نمود می‌یابد موفق بوده گوشه هایی از این بحران را بیان کند و می‌طلبد که با توجه به اهمیت موضوع، بیش از گذشته و بدون ملاحظات مقامات و سرامدان قدرت و ثروت، راهبردهای علمی و علمی در نقد و اصلاح همه ارکان رســـمی و غیررسمی جامعه ارائه دهند و نقد نابِ آن بخش از زمینه‌های زندگی جامعهٔ ایران را که به صورت بیماری اپیدمی، خودنمایی می‌کندَ برای دست‌یابی به یکِ زندگی شرافتمندانه مقتضای محیط انسان‌های سالم، سرعنوان هدف‌ها و دستور کار قرار دهند.

برای این منظور، بزرگانی را که تیغ کلام در نیام سکوت نهاده‌اند و هرآن کس را که بضاعتی در خود سراغ دارد دلگرمی بخشیده، افکار و آرای منسجم و عالمانهٔ آنان را چون دم عیسی مسیح، رمق بخش جان‌های خفته و شادی‌بخش طالبان راه سعادت و سلامت گردانند که جای احساس مسئولیت بیشتر از این وانفسای بحران ارزش‌ها و بیداد، انتظار می رود. شیوهٔ تسلیم و واماندگی و مظلومیت، پست‌ترین نحوهٔ سرسپردگی و سقوط بشر است و بر رسانه‌هاست که با هشیاری بخشیدن به توده، آنان را در مسیر صحیح راهنمایی کنند و واهمه و نگرانی از «برچسب بزرگنمایی خلاف‌ها و بیماری‌ها» و یا «ورود در اصطلاح به خط قرمزها» و «بهانه‌های اسلام و دین در خطر است» نداشته باشند که خطر در انحرافات و کجروی‌ها و محدود کردن آزادی است. بلاشک حفظ امنیت ملت و کشور و صیانت از سلامت جامعه و سرمایهٔ ملی و بیت‌المال، مراقبت از محیط زیســـت و طبیعت، و پیشگیری از وقوع جرم و فساد و سوء مدیریت‌ها و زمینه‌سازی رشد و ترقی و تعالی کشور، در رواج بررسی و نقد ناب امور و جوانب و مسائل آن است و به همین سبب، روزنامه‌نگاران، قابل تقدیسند و حرمتشان برای مردم و به ویژه زمامداران و مدیران دلسوز آزاده و عدالتخواه واجب.

مصاحبه

دکتر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری:

سرمایه‌ها در راه ایران



اشـــاره: آنچه به عنوان مطلع نوروزنامه اطلاعات می خوانید حاصل گفتگوی صمیمانه ای اســـت که با دکتر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری در آستانه فصل بهار انجام داده ایم. او ، در گرماگرم مشغله و مسئولیت بسیار، خیلی زود دعوت ما را پاســـخ گفت و بر سر میز ساده ای در نهاد ریاست جمهوری میهمانش شدیم. حیف که فرصت کم بود و سخن های این مرد آهنین دولت، ناتمام ماند...

اسحاق جهانگیری زاده ۲۰ دی ۱۳۳۶ در سیرجان است. وی پس از پایان تحصیلات متوسطه، در دانشگاه کرمان به تحصیل پرداخت و موفق به اخذ مدرک کارشناسی فیزیک و کارشناسی ارشد مهندسی صنایع از دانشگاه صنعتی شریف شد.وی همچنین دارای دکترای مدیریت صنعتی از دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد علوم و تحقیقات است.جهانگیری پس انقلاب، در سال ۱۳۵۸ در جهاد سازندگی ریگان بم کار خود را شروع کرد و بعد از مدتی به‌عنوان مسئول جهاد سازندگی جیرفت مشغول به کار شد. وی پس از آن به عضویت شورای مرکزی استان کرمان منصوب شد و تا اواسط ۱۳۶۳ در جهاد کشاورزی مشغول بود.او در سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۰ در دور دوم و سوم مجلس شورای اسلامی، نماینده مردم جیرفت بود. در سال ۱۳۷۱ در دولت هاشمی رفسنجانی به سمت استاندار استان اصفهان منصوب شد .. اسحاق جهانگیری در دولت سیدمحمد خاتمی در سال ۱۳۷۶ ابتدا به‌عنوان وزیر معادن و فلزات انتخاب شده و بعد از ادغام وزارت صنایع و وزارت معادن و فلزات، به‌عنوان وزیر صنایع و معادن انتخاب شد. وی عضو هیئت علمی بنیاد باران است. اسحاق جهانگیری در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۳۹۲ به‌عنوان معاون اول رئیس‌جمهور منصوب شد.ماهنامه صنعت و توسعه در حال حاضر به صاحب‌امتیازی و مدیرمسئولی او منتشر می‌شود.

*** خبر خوبی در آســـتانه فصل بهار برای مردم دارید که تاکنون اعلام نشده است؟**

قبل از هر چیزدرباره روزنامه اطلاعات و آقای دعایی بگویم. ارادتم به آقای دعایی ســـابقه طولانی دارد. آقای دعایی را همه کرمانی‌ها و یزدی‌ها و همه ایرانیها دوســـت دارند. ما کرمانی‌ها ایشان را کرمانی و یزدی‌ها ایشان را یزدی می‌دانند، به هرحال من جزو ارادتمندان ایشان هستم و روزنامه و مؤسسه اطلاعات هم جزو مجموعه‌های موفقی بوده که در طول دوران مسئولیت ایشان علیرغم همه فراز و نشیب‌های سیاسی مواضع مستقلانه، دقیق و عاقلانه گرفته و این مواضع در همه مواقع ادامه یافته است و شاید یکی از دلایل انتخاب مـــن هم همین موضع بود که با روزنامه اطلاعات مصاحبه کنم.

اینکه بخواهیم در آستانه بهار خبر خوب به مردم بدهیم، چون خود مردم کار بسیار بزرگ و مهمی در اوایل اسفند امسال انجام دادند و کل جامعه و دولت تحت تأثیر این کار مهم قرار گرفته است، درک همین پیام رأی مردم و معنای دقیق آن می‌تواند آغاز کارهای بزرگی در حل مشکلات مردم و کمک به رونق اقتصادی و تحکیم عقلانیت و اعتدالی که لازم است بر امور کشور حاکم شود و تقویت بنیان‌های مردم‌سالاری باشد. این اتفاق در آستانه بهار هر ایرانی علاقه‌مند نسبت به نظام و ایران را خوشحال کرده است و در آینده هم اثراتش در تمامی بخش‌ها دیده خواهد شد، اما آنچه که مهم است این که آثار دستاوردهای این انتخابات و دستاوردهای برجام و کارهای دولت در دو سال گذشته در سال ۹۵ آشکار خواهد شد و پیش‌بینی‌ام این است که در سال ۹۵ از نظر اقتصادی سال بسیار خوبی خواهیم داشت و رشد اقتصادی بالایی باید داشته باشیم.

در زمینه‌های اقتصادی دستاوردهای قابل توجهی در سال ۹۵ خواهیم داشت، که هم معیشت مردم را تحت تأثیر قرار دهد و هم رونق اقتصادی را در کشور به دنبال داشته باشد و احساس کنند وارد یک فضای پررونق اقتصادی شده‌اند. در واقع آغازش از اینجاست که از بهمن ماه امسال فروش نفت ما افزایش یافته است و حدود ۴۰۰ هزار بشکه نفت اضافه‌تر از ۱۰ ماه اول امسال فروختیم.

اســـفند هم بر این میزان افزوده خواهد شد. در فروردین و اردیبهشت هم فروش نفت اضافه خواهد شد و پیش‌بینی‌ام این است که در اردیبهشت یا خرداد به سقف صدور ۲میلیون بشکه در روز خواهیم رسید. به این علت که از قبل پیش‌بینی کرده بودیم که به چنین روزهایی می‌رسیم لذا شهریورماه ۸۰۰ میلیون دلار از منابع صندوق توسعه را با مجوز مقام معظم رهبری در اختیار وزارت نفت قرار دادیم تا موانع تولید را برطرف کند و بتواند به سرعت بعد از لغو تحریم‌ها، افزایش تولید وصادرات داشته باشد. از طرفی هیأتهایی که دارند، می‌آیند مذاکره می‌کنند، تفاهمنامه امضا می‌کنند، قراردادامضا می‌کنند، نمود واقعی‌اش باید در سال ۹۵ آشکار شود. پیش‌بینی می‌کنم در سال ۹۵، میلیاردها دلار منابع خارجی به سمت کشورمان در بخش‌های مختلف اقتصادی و صنایع مهم، نفت و گاز، پتروشیمی و صنایع معدنی خواهد آمد. به طور طبیعی بعد از یک دوره طولانی نبود سرمایه‌گذاری منابع جدیدی شکل خواهد گرفت و کمک خواهد کرد تا سیستم بانکی ایران بتواند فعل و انفعالات جدی‌تری را با خارج برقرار کند.

همچنین هزینه‌های اضافی که بر تولیدات کشور تحمیل می‌شد، به عنوان مثال نحوه نقل و انتقال پول که بعضاً هزینه‌هایش خیلی بالابود، کاهش خواهد یافت.دوستان قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) در مراسم افتتاح فاز ۱۵ می گفتند که برخی از مواقع پول‌هایی را که برای خرید برخی تجهیزات جابه‌جا می‌کردند تا ۲۵ درصد هزینه اضافه تحمیل می‌کرد و قاعدتاً همه این هزینه های اضافی از بین خواهد رفت و در حد هزینه‌های مرسوم بین‌المللی خواهد شد.کشتیرانی کشور فعال خواهد شد، لذا فکر می کنم سال ۹۵ سال بسیار خوبی خواهد بود. شاید این خبر خوبی برای مردم باشد.

*** برآورد نرخ رشد اقتصادی ما چقدر است؟**

مجامع بین‌المللی به ویژه صندوق بین‌المللی و بانک جهانی این رشد را بین ۵ تا ۶/۷درصد پیش‌بینی کرده‌اند، ولی من فکر می‌کنم این میزان در سال آینده در محدوده ۷درصد باشد.

همان‌گونه که گفتید هزینه تولید به ویژه به خاطر تحریم‌ها، دلالی و هزینه‌هـــای دیگر مانند پایین بودن بهره وری و ضعف تکنولوژی و فرسودگی ماشین‌آلات بالاست و یکسری هزینه‌ها هم به دلایل اجتماعی است. به عنوان مثال حدود ۱۵ سال پیش به معدن البرز شرقی در شاهرود رفتیم که بخشی از ذغال‌سنگ ذوب‌آهن را تأمین می کند، آنجا گفتند قیمت تمام شده خیلی بیشتر از واردات است. به تازگی شماری از مدیران ذوب‌آهن اصفهان نزد ما بودند و می گفتند اکنـــون ذغال وارداتی را از معادن روباز استرالیا وارد می کنند و در شرکت کیلویی ۵۰۰ تومان تمام می‌شود و محصول البرز شرقی را که قدرت حرارتی‌اش هم خیلی پایین‌تر است کیلوی ۷۵۰ تومان می‌خرند. می گفتند دچار بحران هستند و یکی از دلایل بحران این است که ۵۰۰۰ میلیارد تومان کسری بودجه داریم و نتوانسته‌ایم حقوق پرسنل را بپردازیم. این یک نمونه است و شما بهتر آمارها را می‌دانید بخشی از صنایع ما در بحران هســـتند حتی حقوق پرسنل را نمی‌توانند بدهند و این ناشی از رکود است؛ رکودی که دولت پارسال اعلام کرد که برنامه خروج غیرتورمی از رکود دارد. کنترل تورم محقق شد اما رکود همچنان ســـر جای خود است. چه چشم‌اندازی دارید و با چه ابزارهایی می‌خواهید رونق را به بـــازار برگردانید؟ اکنون بخش مهمی از صنایع مرتبط با مسکن است و شما می‌دانید حدود ۱۵۰ صنعت با مسکن‌سازی مرتبط هستند، اما به دلیل اینکه مسکن در رکود است، آنها هم در رکود قرار گرفته‌اند. مشخصاً دولت چه ابزاری دارد که بتواند رونق را به بازار برگرداند؟

دولت در مقطعی شـــروع به کار کرد که با مسائل زیادی روبرو بود، یکی از مهمترین آن تورم بســـیار بالا یعنی ۴۰ تا ۴۲ درصد بود.

رکود در بدترین حالت خود بود و بعد از انقلاب این رکود شـــدید و تورم بالا را برای نخستین بار با هم داشتیم. سال‌هایی بود که تورم بالا داشتیم اما رشد هم بود. سال‌هایی بود که رشد پایینی داشتیم اما تورم بالا نبود. اما این که رکود شدید و تورم بالا همزمان اتفاق افتد، در ۵۰ ســـال اخیر منحصر به فرد بود. ما در حالی تورم ۴۰درصدی را تجربه می کردیم که رشد اقتصادی منفی ۶/۸درصد هم حاکم بود. این دوره یک ویژگی داشت و آن این که درآمدهای کشور بالا بود. در دوره‌ای نفت با قیمت بالای ۱۰۰ دلار می‌فروختیم و تلاطم جدی در فضای شاخص‌های کلان اقتصادی که نماد و نمودش در نرخ ارز بود و به سرعت در یک دوره زمانی کوتاهی روزانه و حتی شاید ساعتی قابل تغییر بود و تغییر می‌کرد.

انبارهای داخل کشور از نظر وجود کالاهای اساسی تقریباً خالی و کارخانه‌ها هم به خاطر رکود تجارت خارجی در وضع نامناسبی قرار داشتند. در مقطعی در سال ۹۲ در یکی از استانهای کشور با سه روز موجودی گندم روبرو بودیم و واقعاً آن روزها از جمله سخت‌ترین و تلخ‌ترین روزها بود و حتی این درد را نمی‌شد جایی گفت، فقط باید فکر می کردیم که چگونه از جاهای مختلف کشتی پیدا کنیم و بتوانیم گندم بیاوریم و توزیع کنیم تا برای مردم مشکلی پیش نیاید.

مجموعه سیاســـت‌های دولت از پاییز۹۲ به اجرا درآمد و مهمترین ویژگی دولت این بود که مدیران مجرب و به مسائل کشور مسلط بودند و می‌دانستند که چه تصمیمی باید اتخاذ کنند. نتیجه آن تصمیم‌ها این شد که نرخ تورم کاهشی شد، در حدی که هیچ کدام از اقتصاددان‌های بیرون دولت باور نمی کردند که دولت بتواند در مدت ۲/۵ سال تورم نقطه‌ای را ـ طبق گزارش مرکز آمار ـ به ۸/۹ درصد و براســـاس گزارش بانک مرکزی به ۹/۶ درصد برساند. تورم سالانه هم حدود ۱۱درصد است. البته از اول امسال تورم حدود ۱۲ درصد را پیش‌بینی می کردیم، با این که اقتصاددان‌ها می گفتند با توجه به بهای نفت امسال تورم بالایی خواهیم داشت. الحمدلله معلوم شد که سیاست‌های دقیقی اتخاذ شده است.

با وجود شـــرایط رکود سخت ولی سال ۹۳ به رشد مثبت اقتصادی تبدیل شد به طوری که در کل سال ۹۳ رشد اقتصادی ۳درصد داشتیم. این شرایط و ثبات اقتصادی و آرامش در اقتصاد

کشور به ســـرعت حاکم شد. قیمت دلار در بهمن و اسفند ۹۱ حدود ۴هزار تومان بود. اکنون پس ازگذشت ۲/۵ سال حدود ۲ تا ۳ درصد مانور نرخ ارز داشتیم.

اکنون شاخص‌های اصلی اقتصادی از آرامش برخوردارند. البته یکی از دلایل فرابخشی‌اش این است که امید و اطمینان در مردم به وجود آمده است و این بزرگترین سرمایه دولت به شمار می‌رود که مردم امید و باور دارند که مسائل کشور روز به روز قابل حل است و دولت توانایی حل مشکلات را دارد بنابراین دست به حرکت‌های شتابزده نمی‌زند. در دولت هم پذیرفته شده که باید تصمیم‌ها از پشتوانه علمی و کارشناسی دقیق برخوردار باشد. ولی چرا درسال ۹۴ موفق نشدیم شرایط رونق سال ۹۳ را ادامه دهیم؟ یک علت مهم این است که امسال اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ داده و آن کاهش شدید بهای نفت در کنار تحریم‌ها با هم بوده است.

تا دو ماه قبل در تحریم بودیم و قیمت نفت هم از ۱۰۰ دلار به حدود ۲۵ دلار در مقطع فعلی رسیده است. این در شرایطی اســـت که باید ۲۰ درصد از درآمد نفت ۲۵ دلاری را به صندوق توســـعه ملی واریز کنیم. همچنین با همین نفت ۲۵ دلاری باید بخشی از بدهی‌های دولت گذشته را پرداخت کنیم.

یک مورد را که شاید برای مردم جالب باشد، اشاره می‌کنم. در عید سال ۹۲ دولت دهم حدود ۲ میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی برداشت کرد و به عنوان عیدانه یک سبد کالایی به مردم داد.

امتیاز این کار برای دولتی بـــود که این کار در آن را انجام داده بـــود اما یک دلار آن را پرداخت نکرده بود و دولت یازدهم باید ماه به ماه اقساط ۲ میلیارد دلار عیدانه دولت دهم را آن هم در شرایط کســـری بودجه پرداخت کند. همه کشورهایی که با عوارض کاهش قیمت نفت مواجه شـــده‌اند به صندوق‌های ذخایر ارزی دوره گذشته خود رجوع و میلیاردها دلار برداشت کردند تا بتوانند شـــرایط اقتصادی خود را حفظ کنند. عربستان بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه‌اش را برداشت کرد. روسیه افت شدیدی در ارزش پول ملی‌اش را تجربه کرد. جمهوری آذربایجان افت شدید درآمدی داشته و کشورهایی مثل ونزوئلا ارزش پول ملی‌اش به یک هفتم کاهش پیدا کرد. تقریباً اکثر کشورهای نفت‌خیز امسال با مشکلات جدی روبرو شده‌اند. لیکن علیرغم اینکه در تحریم بودیم و همه این محدودیت‌ها را داشتیم، پیش‌بینی‌ام این است که رشد اقتصادی کشور در پایان سال ۹۴ منفی نخواهد شد.

به بیان دیگر تورم را کاهش دادیم و رشد اقتصادی هم منفی نخواهد بود. البته آمارها را بانک مرکزی و مرکز آمار ایران باید اعلام کنند تا مشخص شود، اما آیا معنایش این است که مردم آن را در زندگی خود حس می کنند؟ یا کارخانه‌ها وضع خوب اقتصادی را درک می‌کنند؟ پاسخ در هر دو بخش منفی است. کارخانه‌ها با مشکلات جدی روبرو هستند و بخشی از این مشکلات مربوط ساختار کارخانه‌های کشور است. همان‌گونه که در سوالتان آمده اســـت، اساساً تولید ذغال سنگ در ایران از زمان راه افتادن آن به دلایل متعددی از جمله عرض بسیار کم رگه‌های ذغال سنگ و ایجاد تونل‌های بسیار، تولید آن کار بسیار سختی است. تولید ذغال سنگ در ایران نسبت به تولید ذغال سنگ در استرالیا و جاهایی که نام بردید که معادن رو باز دارند و با بولدوزر برداشت می‌کنند، بسیار هزینه بر است. اینجا کارگران در شرایط سخت کار می‌کنند و بعضی با این شـــرایط سخت معدن از نظر سلامتی با مشکل مواجه‌می‌شوند.

کارخانه‌های ایران هم به دلیل ساختار مدیریتی و سازمانی و نیروی انسانی مشکلات جدی دارند و نمودش هم در بهره‌وری است که اشاره کردید. البته این گونه نیست که در بخش دولتی بهـــره‌وری پایین و در بخش خصوصی بالا باشـــد. خیر اکثر کارخانه‌های خصوصی هم از نظر بهره‌وری نیروی انســـانی و سرمایه و حتی عوامل تولید وضع مناسبی ندارند. به همین دلیل علیرغم اینکه در برنامه‌های گذشته گفته شده که باید ۳۰ درصد از رشد اقتصادی کشور از محل بهره‌وری باشد اما تقریباً هیچ کدام اتفاق نیفتاده است. در ۱۰ سال اخیر رشد از محل بهره‌وری تقریباً صفر و شاید هم منفی بوده است.

لذا فکر می‌کنم برای اینکه کارخانه‌ها و کارگاه‌ها روی خط تولید بیفتند باید اصلاح ساختاری انجام دهند. یکی از طرح‌هایی که در اقتصاد مقاومتی به آن پرداخته‌ایم، نوسازی صنایع است. نوسازی با همین ذهنیت که تکنولوژی جدید بیاید تا ساختارهای کارخانه‌ها، نیروی انسانی ، ساختار مالی در بنگاه‌ها اصلاح شود. سیاست‌های کلان را هم دولت اتخاذ کند و فضای اقتصاد کلان مثبت شود و من فکر می‌کنم که از سال ۹۵ که وارد دوره رونق خواهیم شد، رشد اقتصادی مستمر باشد و منجر به ایجاد شغل، درآمد و رفاه برای مردم شود. در طول سال ۹۱و۹۲ به نسبت سال ۹۰ درآمد جمعیت شهری ۱۵ درصد و درآمد روستایی ۲۹درصد کاهش داشته است و در این صورت شما هرچه هم تلاش کنید، طبیعی است درآمد مردم هنوز به درآمد سال ۹۰ نرسد. یعنی با این اتفاقات که افتاده است، مردم نمی‌توانند زندگی خود را مطابق با سال ۹۰ اداره کنند. لذا باید کار وسیعی صورت گیرد تا بتوانیم آن تخریب‌هایی که در اقتصاد رخ داده است، اصلاح کنیم و وارد دوره‌ای شویم که مردم احساس کنند، اقتصاد کشور در زندگیشان خود را نشان می‌دهد.

*** اشاره به کاهش بهای نفت کردید که موجب کاهش مجدد نرخ رشـــد اقتصادی در ســـال ۹۴ شد، اکنون منابع به اصطلاح علمی پیش‌بینی کردند که چشم‌انداز نفت کماکان به همین شکل خواهد بود. یعنی چشم‌انداز روشنی از افزایش بهای نفت نیســـت و شما هم گفتید که وضع اقتصاد خیلی از بهای نفت تأثیرپذیر است در این شرایط دشوار هیچ تصمیم و برنامه ویژه‌ای برای مدیریت این وضع در دولت هست؟**

اولاً تفاوت‌کشور ما با کشورهای دیگر این است که به دلیل تحریم‌ها نمی‌توانستیم تا بهمن بیش از یک میلیون بشکه نفت صادر کنیم، یکی از نتایج برجام این خواهد بود که در سال ۹۵ حتماً ۲ میلیون بشکه نفت خام صادر می‌کنیم و بخشی از کاهش درآمد به

ننگ فساد سازمان یافته را باید از دامان نظام پاک کرد

باید هزینه های فساد را آنقدر بالا برد تا هیچ کس جرات تخلف پیدا نکند



این شکل جبران خواهد شد.

از طرف دیگر اخیراً تحرکی در برخی از کشورهای نفتی به وجود آمده اســـت و وزیران نفت قطر و عراق به تهران آمدند و در قطر هم جلسه‌ای داشتند که وزیر نفت سعودی هم آنجا بود و گفتگوهایی در میان کشورهای تولید کننده نفت آغاز شده است تا جلو روند کاهش قیمت نفت گرفته شود به این دلیل که این روند برای بسیاری از کشورها غیر قابل تحمل است.ایران در بین این کشورها کمترین میزان وابستگی به درآمدهای نفتی را دارد، بیش از ۹۵ درصد بودجه عراق به درآمد نفت وابسته است. الجزایر هم چنین وضعی دارد در حالی که فقط ۳۰ درصد بودجه کشورما به نفت وابسته است و فکر نمی کنم از نظر بودجه چندان دچار مشکل شویم به ویژه اینکه امســـال یک میلیون بشکه نفت، صادرات اضافه خواهیم داشت و سال ۹۵ اولین سالی است که منابع جدید خارجی اقتصادی به سمت ایران خواهد آمد و بیش از درآمد نفت بر اقتصاد ایران تأثیرگذار خواهد بود. بخش خصوصی هم با لغو تحریم‌ها وارد دوره جدیدی می‌شود و منابعش را درگیر اقتصاد کشور می‌کند یعنی به سمت سرمایه‌گذاری و تولید جهت‌گیری خواهد داشت. همه اینها ، برنامه‌ای را که باید برای سال آینده اجرا شود، تکمیل می کند.

*** بی‌تردید شما هم با بسیاری از افراد مواجه شده‌اید که فرزندان بیکار تحصیلکرده دارند و خواهان آنند که در جایی به کار گمارده شوند. تا این مشکل مهم در کشور باشد و از آن سو واحدهای صنعتی نیمه فعال یا تعطیل وجود داشته باشند احساس آرامـــش و امنیت خیال در جامعه بـــه وجود نمی‌آید. به طور ملموس دولت چه وقت می‌تواند به این مشکل رسیدگی کند؟**

اینکه اکنون تعداد زیادی از جوانان بیکار هستند، یک واقعیت است. اینکه دولت از این شرایط به شدت در رنج است و می‌داند مردم چه سختی‌هایی به خاطر بیکاری فرزندانشان تحمل می‌کنند، این هم یک واقعیت دیگر است. اینکه بیکاری چه راهی برای مقابله دارد، به نظر من یک موضوع تجربه شده‌ای است. این اتفاق جز با سرمایه‌گذاری و افزایش تولید رخ نمی‌دهد. حتماً برای اینکه با بیکاری مقابله کنیم باید شرایطی در کشور به وجود آوریم تا سرمایه‌گذاری انجام گیرد و تولید افزایش یابد. از پاییز ۹۲ تا ۹۴ طبق آمار مرکز آمار ایران یک میلیون و ۱۷۹ هزار شغل خالص ایجاد شده اســـت اما به دلیل عمق بیکاری در کشور، احساس نمی‌شود. این در مقابل تقاضایی که وجود دارد عدد قابل توجهی نیست لذا باید به نقطه‌ای برسیم که سالانه بیش از یک میلیون شغل ایجاد شـــود. البته لازمه‌اش این است که فضای کسب و کار در کشور بهبود یابد و درست شود. این دولت از زمانی که مسئولیت مدیریت کشور را بر عهده گرفت، بهبود شرایط کسب و کار را در دستور کار اصلی خود قرار داد و دفتری در وزارت اقتصاد و دارایی ایجاد کرده‌ایم، آن هم برای این که موانع را شناسایی و برطرف کند و همه دستگاه‌ها هم مکلف شده‌اند در این زمینه همکاری کنند.

یکی از کارهای این دفتر این است که مشخص کرد ۲۰۰۰ مجوز در دستگاه‌های مختلف برای اینکه کسی بخواهد فعالیت اقتصادی انجام دهد، بایستی صادر شود. ما به دستگاه‌ها گفتیم باید تا جایی که مشکل ایجاد نمی‌کند، این مجوزها را لغو کنند و حتی اگر لغو نکردند، شخص وزیر اقتصاد اختیار دارد مجوزهایی که دستگاه‌ها دارند و لغو نمی‌کنند، لغو کند. به همین دلیل رتبه ایران در دو ســـال گذشته در فضای کسب و کار از ۱۵۲ به ۱۱۸ ارتقا پیدا کرده است و امیدواریم با کارهایی که در دست انجام داریم، این رتبه بهتر هم شود. معطلی در گمرک برای کسی که بخواهد واردات و صادرات انجام دهد در حد چند روز شده است. دیگر ماه‌ها معطلی برای انجام کار گمرکی معنی ندارد. کار دیگر اینکه باید تشـــویق کنیم که بخش خصوصی درگیر کار شود چرا که تولید و سرمایه‌گذاری جز با بخش خصوصی میسر نیست. در این زمینه هم سعی کرده‌ایم این علامت واقعی را به بخش خصوصی بدهیم و بخش خصوصـــی از دولت تدبیر و امید علامت‌های صحیح دریافت کرده است و فکر نمی‌کند که این دولت ساختگی یا از روی نیاز می‌گوید که طرفدار بخش خصوصی است. تقریباً در کارنامه تمامی مسئولان این دولت که مدافع بخش خصوصی هستند در تمامی مقاطعی که مسئولیت داشتند، این سابقه وجود ندارد. لذا بخش خصوصی باید میداندار شود و شرایط را برای خود به وجود آورد. خصوصی‌سازی دولت را باید واقعی کنیم. خصوصی‌سازی دولت در گذشته به سوی بنگاه‌های غیرخصوصی یا همان خصولتی که مطرح بود، رفتند.

ما هم سعی کردیم در این دوره، خصوصی‌سازی به معنای واقعی آن مورد توجه قرار گیرد. سیستم بانکی کشور هم دچار بحران‌های جدی است و باید آن را از این شرایط بیرون آوریم. اکنون منابع سیستم بانکی در جاهای مختلفی گیر افتاده و بخشی تبدیل به بدهی‌های دولتی و بخشی به عنوان معوقه بانکی جای دیگری رفته است. بانک تقریباً بر کمتر از ۵۰درصد سپرده‌های مردم می‌تواند مدیریت کند و همین میزان هم به سمت املاک و دارایی‌های غیرفعال بانک‌ها رفته است، لذا باید نظام بانکی را حتماً اصلاح کنیم. اگر مجموعه این شرایط به دنبال اجرای برجام که بندها و زنجیرها را از پای اقتصاد ایران باز کرده است اتفاق افتد حتماً در یک دوره قادر خواهیم بود بر مشکل بیکاری فائق شویم و این معضل از بین برود و اگر از بین نرفت هم به گونه‌ای نباشد که اگر خانواده‌ای ۳ جوان دارد، هر سه آنها بیکار باشند. می توانم به مردم بگویم که وضع اشـــتغال در سال آینده بهتر از سال‌های گذشته خواهد شد.

البته مســـأله‌ای به نام کارآفرینی هم هست که فکر می‌کنم نیروهای جوان تحصیلکرده بیش از اینکه دنبال کار دولتی باشند باید تبدیل به یک کارآفرین شوند و بتوانند با آن کار هم برای خود شـــغل ایجاد کنند و هم یک عده دیگر را مشغول کنند. یکی از کارهایی که جزو سیاست‌های ماست این است که با توجه به بازار محدود ایران و نبود تقاضای زیاد نسبت به کالای تولیدی داخل،

شرایطی برای تولیدکنندگان فراهم آوریم و به صادرات غیرنفتی به عنوان یک موضوع اساسی فکر کنیم. در شرایط تحریم روی این مسأله وقت زیادی گذاشتیم، اما صادرکننده‌ای که کالای خود را ارسال می‌کرد، نمی‌دانست چه بر سر پولش می‌آید و وقتی آن را وصول کرد چگونه وارد کشور کند، از این رو بسیاری از تولیدکنندگان ما در آن سالها آسیب‌های فراوان دیدند. در این زمینه برنامه‌هایی داریم و در بودجه سال ۹۵ هم اعتباری برای تشویق اقلام صادرات در نظر گرفته‌ایم. مطابق این برنامه از اقلام کالاهایی که صادراتش ارزش افزوده دارد، حمایت می‌کنیم به این دلیل که با رفع تحریم شرایط بازار بین‌المللی برای ما فراهم شده است و فکر می‌کنم با این مجموعه سیاستها برای تولید و سرمایه‌گذاری شرایط کشور بهتر بهتری در کشور ایجاد شود.

*** یکی از بزرگترین مشکلات در سال‌های اخیر اجرای نادرست اصل۴۴ قانون اساسی و واگذاریهای مشکوک و سوال برانگیز بوده است. دولت برای اجرای درست اصل۴۴ و واگذاری حقیقی، نیازمند مبارزه جدی با کانون‌هایی است که در این سال‌ها قدرت عمل را در دست داشته‌اند و شاید همان‌ها مزاحم برخی سرمایه‌گذاری‌های خارجی در آینده در کشور شوند. برای فائق آمدن برچنین مشکلی چه برنامه‌ای وجود دارد؟**

این عوامل در حدی نیستند که اجازه کار ندهند. اگر این دولت با اقتدار برنامه‌هایش را پیش ببرد اینها قدرتی نیستند که مانعی ایجاد کنند. باید بخش خصوصی را قدرت داد و حمایت کرد. باید برای برخی از نهادهای عمومی کار تعریف کرد. به هر حال نهادهای عمومی به عنوان یک توان در اختیار کشور هستند و اگر برای هر کدام زمینه کار خوب تعریف کنیم،می‌توانیم از توانمندی آنها برای توسعه کشور استفاده کنیم. وقتی زمینه کار خوب برای آنها تعریف نمی‌کنیم مزاحم بخش خصوصی می‌شوند و به بخش هایی ورود پیدا می‌کنند که نباید ورود کنند و جایی که نیاز است ورود پیدا نمی کنند و کار کشور زمین می ماند. اکنون در ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی که من جلساتش را برگزار می‌کنم، تقریباً روی این مسائل به صورت ریز بحث می‌کنیم که از همه ظرفیت‌های کشور چه نهادهای عمومی، چه نهادهای «خصولتی»و چه نهادهای خصوصی بتوانیم تعریف روشن داشته باشیم چرا که یکی از محورهایی که مقام معظم رهبری تأکید کردند «مردمی کردن اقتصاد» است و باید به صورت مشخص تعریف کنیم که منظور از مردمی کردن اقتصاد چیست و کسی نباید هیچ اقدامی در مقابل مردمی کردن اقتصاد انجام دهد، این دیگر یک سیاست قطعی اقتصاد مقاومتی است و در جلسه‌ای که خدمت آقا داشتیم وقتی که گفتم دولت به تنهایی نمی‌تواند تمامی موانع را برطرف کنند، ایشان در پاسخ من فرمودند: شما در اقتصاد مقاومتی جلو بیایید و من می‌دانم که مخالفت‌ها با شما زیاد خواهد شد و از شما حمایت می‌کنم تا دولت بتواند کارهایش را پیش ببرد.

ولی این که در زمینه اجرای سیاست‌های اصل۴۴ خیلی بد عمل شد، این هم واقعیتی است که پیش روی ما قرار دارد. انتظارمان در سیاستهای اصل۴۴ این بود که تحول بزرگی در اقتصاد کشور به وجود آید. از دوره آقای خاتمی که ما هم در دولت بودیم پی‌گیری می کردیم که این سیاست‌ها اعلام شود تا اینکه نهایتاً این سیاست‌ها در دوره بعد اعلام شد.

یک بند از سیاست‌های اصل۴۴ این بود که ورود ابتدایی بخش خصوصی در هر سطحی از تولید و سرمایه‌گذاری بلامانع است؛ یعنی قبل از آن می‌رفتیم و از خارجی‌ها دعوت می‌کردیم که در ایران سرمایه‌گذاری کنند یا به بخش خصوصی می‌گفتیم که کار بزرگتری انجام دهد؛ استدلال می کردند که قانون اساسی گفته است «صنایع و معادن بزرگ کشور باید در اختیار دولت باشند» و وقتی من بزرگتر شوم می‌گویند این هم دولتی است و باید مصادره‌اش کنیم! پس از این بیشتر جلو نمی‌آیم. خارجی‌ها به خودم می‌گفتند شما مکرر می‌گویید اکتشاف کن و اگر من معدن پیدا کردم و بزرگ بود شما طبق قانون اساسی آن را دولتی می‌دانید و از من می‌گیرید. به هرحال ابهامات جدی بود و این ابهامات را برطرف کردند، ولی یک خط نوشته نشد که بخش خصوصی که قرار شد بیاید و کارخانه داشته باشد، بنادر بزرگ، کشتی‌سازی و... داشته باشد ،زیرساختهایش باید فراهم شود. از طرفی مهمترین کاری که انجام گرفت این بود که حدود ۱۵۰ میلیارد دلار (به قیمت آن روز) کارخانه‌های بزرگی که قبل از انقلاب توسط دولت سرمایه‌گذاری شده بود، در آن دوره واگذار شد به گونه‌ای بود که

خروج واحدهای اقتصادی پیشران از حوزه مدیریت دولتی، یکی از عوامل کندی توسعه است
می‌خواهیم قانونگرایی واقعی بر کشور حاکم باشد



متأسفانه کوچکترین هدف اصل۴۴ در آن محقق نشد.

هدف اصل۴۴ از واگذاری‌ها این بود که بهره‌وری در این کارخانه‌ها بالا برود. یعنی مدیریتش به بخش خصوصی داده شود و این بخش مالک شود، مدیریت را به دست بگیرد و از آن بهره‌برداری مطلوب انجام دهد و دلیل اینکه واگذاری صحیح انجام نشد، این بود که بخشی از آنها را به عنوان رد دیون به دستگاه‌های دیگر دادند یا مثلا می‌خواستند به وزارتخانه‌ای کمک کنند، مثلاًمی گفتند این نیروگاه را به وزارت دفاع بدهیم. نیروگاه از دستگاه تخصصی و فنی خودش یعنی وزارت نیرو منفک و به وزارت دفاع داده می شود. یا به بنیاد شهید بدهی داشتند، نیروگاهی را به بنیاد دادند. لذا واگذاری‌ها اشکال اساسی دارد و به بخش خصوصی واگذار نشده است یا گفته شده که ۴۰ درصد کارخانه‌های بزرگ به سهام عدالت واگذار شده است. اولاً کسانی که سهام عدالت گرفتند احساس نمی کنند که آن را دریافت کرده اند و مالک جایی هستند. در مدیریت جایی نقش دارند، ولی نتیجه‌اش این شده است که بهترین کارخانه‌های کشور نه اجازه افزایش سرمایه‌دارند و نه دولت اجازه توسعه آنها را دارد!

یکی از دلایلی که توسعه در کشور کند شده این است که کارخانه‌هایی که همگی پیشران اقتصاد بودند مثل لوکوموتیو هستند وقتی که حرکت می‌کنند به دنبال خود دهها مجموعه دیگر را به حرکت درمی آورند، طبق اصل ۴۴ از حوزه مدیریت دولتی خارج شدند ولی بلاتکلیف ماندند. اوایل به عنوان مثال شرکت هواپیمایی ایران بی‌صاحب مانده بود. از طرفی وزارت راه می گفت این شرکت متعلق به من نیست و آن را از من گرفته‌اند و از طرف دیگر سازمانی می گفت این شرکت به درد نمی‌خورد و حاضر نیستم آن را قبول کنم. هواپیمایی ملی کشور را که نمی‌توان به حال خود رها کرد، لذا در برخی موارد تصمیم گرفتیم و گفتیم این‌گونه شرکت‌ها به دولت برگردد. حال برخی فکر می‌کنند ما مغایر با خصوصی‌سازی تصمیم گرفتیم.

نه! ما آن را نجات داده‌ایم و گفتیم این مجموعه به دست صاحبش برگردد تا ببیند چه می‌خواهد بکند. اصلاحش کند و بعد از اصلاح واگذار کند، لذا به نظر می‌آید که خصوصی‌سازی از مسیر خود منحرف شده است و باید حتماً در مسیر و ریل صحیح خودش برگردانده شود و حتماً هم همه بنگاه‌ها در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ باید به بخش خصوصی واقعی واگذار شوند.

از نهادهای عمومی هم خواسته‌ایم اگر بنگاهی در اختیارشان بود و نمی‌توانیم براساس قانون آن را پس بگیریم اگر شرایط بورس و شرایط اقتصادی خوب فراهم شد آنها را هم واگذار کنند.

*** ایجاد امنیت برای فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خواست بحق شهروندان از دولت است. ولی می‌دانید که در این زمینه‌ها برخی عوامل خود یا کانون‌های قدرت غیررسمی عملاً جلو کار را می‌گیرند. برای جلوگیری از این تناقض چه تمهیداتی اندیشیده‌اید؟**

آنچه که مهم است باید بپذیریم که همه تابع قانون باشیم. فکر می‌کنم یکی از زیان‌هایی که کشور در مقطعی دید این بود که قانون در آن کم ارزش شد، قانونگرایی در آن آسیب دید. مطمئناً بی‌قانونی باعث می شود که به سمت استبداد برود، ما که انقلاب کردیم و دلسوز انقلاب هستیم باید مانع این شویم که افراد خودسر بتوانند قانون کشور را زیر پا بگذارند.

فرقی هم نمی‌کند یک عده تصمیم بگیرند یک سخنرانی را به هم بزنند یا یک عده تصمیم بگیرند یک کار خلاف قانون دیگر انجام دهند. قبح قانون وقتی شکسته شد، یک نفر هم پیدا می‌شود که ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار پول مملکت را می‌برد. قانون اگر ارزش خود را می‌داشت وقتی مسئول امضا می‌کرد، اولین سؤالش این بود که آیا من اختیار قانونی دارم که چنین امضایی انجام دهم حتماً این اتفاقات نمی‌افتاد. حال آقایی که فکر می‌کند دلسوز است و می‌رود یک سخنرانی را به‌هم می‌زند باید بداند که با این کار دارد نطفه بی‌قانونی عمل کردن در کشور را می‌بندد. فرد دیگری کار دیگری خلاف قانون انجام می‌دهد. باید بپذیریم که قانون اصل باشد. ما در این دولت واقعاً می‌خواهیم قانونگرایی و قانونمندی به معنای واقعی آن حاکم باشد. به دلیل برخی اتفاقات یکی از استانداران را برکنار کرده‌ایم و هرجا نیاز باشد مسئول دیگری برکنار کنیم، این کار را می کنیم، مصمم هستیم امنیت همه مجامع و جلساتی که قانونمند هستند و در چارچوب قانون مجوز می گیرند، برقرار کنیم. این عزم جدی دولت است. رئیس جمهوری روی این موضوع جدی است و دستگاه‌ها مکلفند این مسیر را طی کنند. البته ممکن است زمان ببرد تا این موضوع را به صورت کامل جا بیندازیم، اما جدی هستیم، این کار را دنبال می کنیم. حتی من در جلسه استانداران گفتم که یکی از شاخص‌های ارزیابی از استانداران این است که چقدر توانستند شرایطی به وجود آورند که شهروند در حوزه مسئولیت او احساس امنیت کند و بتواند جلسه و برنامه داشته باشد و تجمع قانونی که قانون به او اجازه داده است را برگزار کند.

*** حادثه حمله به سفارت عربستان نشانه بدی بود...**

یکی از کارهای خلاف قانون بحث سفارت‌ها است. با چنین کاری چقدر به منافع ملت آسیب زده شد؟ مگر این منافع به این راحتی قابل جبران است؟ مگر به راحتی می توانیم جلو هزینه‌هایی که به ملتی تحمیل شده است بگیریم؟ آنجا در موضوع سفارت می‌دانم که مقام معظم رهبری جدی هستند و کار تا آخر باید دنبال شود. ایشان مکرر روی این موضوع دستور دادند که حتماً تا آخر دنبال شود.

رئیس جمهوری مصمم است و اعضای شورای عالی امنیت ملی به اتفاق که رؤسای سه‌قوه در آن عضویت دارند از ابتدا معتقد بودند که نباید اجازه داد کسی جلو سفارت جمع شود. اگر کسی بخواهد علیه کشوری تجمع کند در جای دیگر این کار را بکند و حرفش را بزند و مانع حرف کسانی که می‌خواهند آن را به گوش کشور مورد نظر برسانند نشویم، اما جلو سفارت، مرکزی است که دولتی به اعتماد دولت جمهوری اسلامی ایران دفتری در آن ایجاد می‌کند. اینکه گفته شود به یک سفارت حمله شده است هنر نیست. جز بی‌اعتبار کردن نظام و دولت چه چیز دیگری را با این حرکت‌ها می‌توان به ثبت رساند؟ این موضوع را تا آخر دنبال می‌کنیم و حتماً هم با متخلفان برخورد خواهد شد و دستگاه قضایی هم جدی است تا با متخلفان برخورد شود. امیدوار هم هستم نتیجه‌اش به اطلاع مردم رسانده شود.

*** شما در این دولت بیشترین بیرق مبارزه با فساد را به دست داشتید و بیشترین صحبت را درباره مبارزه با فساد کردید. اصطلاحی داشتید با عنوان فساد نهادینه شده و سازمان‌یافته. فساد سازمان‌یافته تعریفی دارد؛ دارای تشکل منسجم و فرمانده است. آیا این فساد سازمان یافته کماکان ادامه دارد؟ سال گذشته رئیس جمهوری حکمی داد که شما در مورد فساد**

گزارش بدهید. می‌خواهم بدانم آخرین دستاوردتان در مبارزه با فساد سازمان‌یافته چه بوده است؟

متأســـفانه در سال‌های گذشته مبارزه با فساد به یک حربه سیاسی تبدیل شد و از مسیر خود منحرف گردید. این موضوع ساز و کاری شد که مثلاً بنده برای اینکه فرد مخالفم را از صحنه خارج کنم به گونه‌ای حرف بزنم که جامعه به این سمت هدایت شود که طرف من فردی است که با روش‌های فسادانگیز توانسته به مال و ثروت دسترســـی پیدا کند. یا اینکه چون می‌دانیم مردم روی موضوع فساد حساسیت دارند طی گفته‌های مبهم پرچمی بلند کنیم که احساس کنند که این مجموعه‌ای است که می‌خواهد مبارزه با فساد کند و حتماً مجموعه مقابل آنها آلوده هستند. ما وقتی در این دولت مشغول شدیم، مسائل نگران‌کننده دیدیم. اولاً با همه ضعف‌هایی که در مدیریت جمهوری اسلامی ایران وجود داشت، هیچ‌گاه مدیریت کلان ایران متهم نشده بود که آلوده است و کارهای شبهه‌ناک از نظر مالی انجام داده است. اما متأسفانه در دولت قبل معاون اول زندانی است، معاون اجرایی وی مدت‌ها بازداشت بوده است و معاونان مختلف متهم هستند. اعداد و ارقامی اعلام شده است که نجومی است. فساد مالی مه‌آفرید عدد بزرگی بود و بعد از آن میزان فساد مالی بابک زنجانی عدد چندهزار میلیارد تومان است،کشف شد. اتفاقاتی که در برخی سیستم‌های بانکی افتاده تلخ است. من به این نتیجه رسیدم که باید ابتدا انسجامی در قوای سه‌گانه به وجود آید و نشان دهد که عزم کشور در مبارزه با مفاسد جدی است و دنبال دعوای سیاسی و متهم کردن دیگران نیست و نمی‌خواهیم پرونده‌سازی برای افراد بکنیم. بنابراین ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی که در اجرای فرمان مقام معظم رهبری شکل گرفته بود، فعال شد و مسئولیتش با بنده است. مسئولان سه‌قوه در این ستاد شرکت می‌کنند و کار اصلی آن هماهنگی سه قوه در مبارزه با فساد است. سعی کردیم هماهنگی‌هایی که با قوه قضائیه و مقننه داشته باشیم و به‌صورت مرتب جلساتی گذاشته‌ایم و همه اعضا هم شرکت می‌کنند. کار دوم که انجام شد پیشگیری از بروز فساد در دولت بود که کاری بسیار مهم است.

*** در دولت قبل اتفاقاتی افتاده و پرسش این است که آیا ممکن است آن اتفاقات باز هم تکرار شود؟**

نمی توان به‌طور قاطع گفت؛ نه. لذا مهمترین کاری کردیم این بود که در هر وزارتخانه مجموعه‌ای که باید تمامی گلوگاه‌های داخل وزارتخانه را کنترل و نقاطی را که ممکن است فساد در آن رخ دهد شناسایی کند تا موانع برطرف شود و مسئولیت هم متوجه بالاترین مقام آن دستگاه باشد. همچنین سامانه‌ای در دبیرخانه ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی ایجاد کردیم که شورای عالی امنیت ملی، وزارت اطلاعات و سایر دستگاه‌ها عضو آن هستند. همزمان با آن در نظام اداری، دولت الکترونیک را دستور کار اصلی قرار دادیم تا با استقرار آن، کارها شفاف انجام شود و کار مبهمی نباشد که بتواند تبدیل به اتفاقات دیگر شود. پیشگیری را این‌گونه پیگیری کردیم و مصادیقی هم به دستگاه قضایی منتقل شده و در حال پیگیری است و حتماً برای مردم اطلاع‌رسانی می‌کنیم. در پاسخ به کسانی که گاهی می‌گویند ما به دنبال افشاگری هستیم، لازم است متذکر شوم که اساساً شیوه این دولت افشاگری نیست و این روش را قبول نداریم. هیچگاه مسأله‌ای را در مورد فساد نگفته‌ام مگر اینکه پرونده‌اش در دستگاه قضایی شکل نگرفته باشد یا حتی در مواردی افرادی در آن محکوم نشـــده باشند. به هرحال موارد زیاد است و شاید برخی افراد ناراحت شوند. اصولاً مبارزه با فساد کار پرهزینه‌ای است. کسی که می‌خواهد مبارزه کند باید ابتدا از خودش مطمئن باشد، این یک بحث جدی است و وقتی کسی با خودش خلوت می‌کند باید بررسی کند که دامنش آن‌قدر پاک است که می‌خواهد بیاید و دیگران را توصیه به پاک بودن بکند؟ این یک موضوع جدی است و باید به‌صورت جدی دنبال کرد ولی باید بپذیریم که به دلیل سازمان‌یافته شدن مفاسد و نفوذ آن بعضاً به سطوح بالای کشور و گستردگی دامنه فساد آنهایی که در این مسیر هستندو تلاش می‌کنند تا با روشهای مختلف افراد را از این مسیر بازدارند ولی من مصمم شده‌ام که باید در این مسیر جلو رفت و این ننگ را از دامن جمهوری اسلامی پاک کرد. مردم ایران باید مطمئن شوند که جریان سالمی در اقتصاد کشور ایجاد شده است. البته راه دشوار است. اقدام کوتاه‌مدت نیست؛ سخت است نظام اقتصادی ایران بسیار دولتی است و به همین دلیل بسیاری از مسائل در آن به وجود می‌آید. اگر یک وقت قبح قضیه شکسته شـــود کاری به ظاهر ممکن است خلاف قانون هم نباشد، ولی حتماً این کار فساد است. مثل اینکه هیأت مدیره مجموعه‌ای اختیار داشـــته باشند به خودشان وام بدهند و از نظر قانونی هم مشکل نداشته باشند. آنها دور میز بنشینند و رأی‌گیری کنند و به هر کدام به میزان دلخواه وام بدهند، هر کس از بیرون این ماجرا را بشنود، بگویند مانند هر شهروند دیگری وام داده‌اند اما این چه نحو وام دادن است؟ بروید به سطوح بالاتر که پرونده‌هایی وجود دارد که هنوز آنها را باز نکرده‌ام.

*** به هر حال مقابله با فساد شفافیت هم می خواهد.**

درست است، شفافیت و اطلاع‌رسانی و آگاهی دادن و مردم را در جریان قرار دادن یک واقعیت است. حتماً باید مبارزه با فساد را حساسیت عمومی کنیم. باید کاری کنیم که قبح و هزینه اقدام به فساد اینقدر بالا برود که بازدارندگی ایجاد کند به گونه ای که کسی به خودش اجازه اقدام به فساد ندهد. بنابراین باید موضوع شفافیت در عملکردها را جدی بگیریم. اتفاقاً وقتی می گویم چرا این‌گونه شده است، یکی از دلایلش، نبود شفافیت کارهای دولت بود. حتماً یکی از دلایلش پایبند نبودن به قانون و سیاسی کردن

شیوه دولت اعتدال افشاگری نیست امنیتی کردن فضا کمکی به حل معضلات اجتماعی نمی کند



مبارزه با فساد بوده است. اگر بخواهیم این دلایل را برطرف کنیم باید کار دنبال کنیم. مثلاً وقتی پرسیدند که چرا لیست بدهکاران بانکی را نمی‌دهید، نام ۵۷۷ بدهکار بزرگ را دادیم و آنان را به قوه قضائیه معرفی کردیم. راجع به زمین خواری با آیت‌الله لاریجانی هماهنگی کردیم و گفتیم پرونده‌هایی راجع به زمین خواری وجود دارد که سال‌ها از ارائه آن به قوه قضائیه می گذرد و همه را جمع کردیم و من نامه‌ای برای آقای لاریجانی نوشتم و گفتم که این پرونده‌های زمین‌خواری است. در این نامه نوشتیم که مثلاً از سال‌ها پیش فردی این مقدار زمین راتصاحب کرده است و پرونده‌اش سال‌هاست در قوه قضائیه است و ایشان هم دستور داد که مراحلش را پیگیری کنند. یعنی هر موردی را مطرح کردیم، جدی ایستاده‌ایم که رسیدگی شود.

در روزهای آخر دولت قبل، رئیس جمهوری بودجه دولت ۱۶ میلیارد تومان به حساب دانشگاهی می ریزد که فقط یک برگ کاغذ است و نه دانشگاهی و نه ساختمانی و نه دانشجویی وجود ندارد. پرسش این است این همه دانشگاه خصوصی وجود دارد که دولت می‌تواند به آنها کمک کند و به این دانشگاه هم می‌توانسته کمک کند ؟ دانشگاه خصوصی که سال‌ها تشکیل شده و ۱۰ هزار دانشجو دارد چطور نتوانسته است از کمک دولت بهره‌مند شود، اما این دانشگاه فقط به دلیل اینکه منتسب به مقامات کشور بود، باید این مقدار بودجه دریافت کند؟ وقتی روند مجوز دانشگاه یادشده را می‌بینید برایتان جالب است که بدانید درخواست تأسیس اول مرداد در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب و اعلام می‌شود که با کلیات آن موافقت شده است. اساسنامه آن را هم وزیر علوم تائید می‌کند و هیأت مؤسس و امنا شکل می‌گیرد. پس‌فردا یک نفر از اعضای هیأت مؤسس به یکی از مقامات نامه نوشته که این دانشگاه تأسیس شده است و دستور دهید که این مقدار کمک شود. نامه به معاون رئیس جمهور می‌رسد. معاون رئیس جمهوری تحویل رئیس جمهوری می‌دهد. رئیس جمهور می‌نویســـد: «موافقت می‌شود.» سازمان مدیریت برنامه‌ریزی هم بودجه را تخصیص می‌دهد و پرداخت می‌شود. وقتی اینها در سیستم مدیریت رخ می‌دهد مدیر باید بداند که فرد زیر دســـتش با دیدن این مسائل چگونه عمل خواهد کرد. وقتی که استاندار اصفهان بودم به مناسبت سال نو، چند بسته گز به مدیران دادم. وقتی وزیر شدم باید می‌رفتم دیوان محاسبات و توضیح می‌دادم که پول گز را از کجا آورده‌ام. هرگز به خاطر این پرونده ناراحت نشدم که می‌روم پاسخ می‌دهم چرا که فکر می‌کردم به چه مناسبت من ۵ کیلو گز را با بودجه دولت به مقامی داده‌ام، پس باید پاسخ دهم و این حساسیت باعث شده بگویم که اگر آقای خاتمی به جای ۱۶میلیارد تومان ۱۶میلیون تومان به حساب بنیاد باران ریخته بود الآن با او چه کار می کردند؟ این که خبردار شویم، پول برگشت داده شد آیا کار تمام است؟ واریز ۱۶میلیارد تومان به حساب دانشگاه سوء استفاده از موقعیت نیست؟ بنده اعتباری در اختیارم هست و به من گفته شده است که از این اعتبار می توانید به نهادهای عمومی و خیریه‌ها کمک کنید و من بروم یک خیریه بزنم و بگویم به آن کمک کرده‌ام؟ !آیا این واقعاً شرعی و قانونی است؟

شکل دومی از فساد که کمتر از آن صحبت کردید چیزی است که به آن ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گویند .خبری منتشر شد که آقای علی مطهری گفتند و در رسانه‌ها هم آمد که گزارشی از وضع ناهنجاری‌های اجتماعی نزد مقام معظم رهبری ارائه شده و ایشان از شدت ناراحتی گریستند. شما بهتر می‌دانید که وضع اصلاً مساعد نیست و دست کم چهار میلیون معتاد داریم. وضع آسیب‌های اجتماعی خیلی بد است و اینها تابع عوامل مختلفی در حوزه های اقتصادی و فرهنگی اســـت. دولت در گیر و دار مسائل اقتصادی و تحریم‌ها به نظر می‌رسد که کمتر توجه به این حوزه داشـــته است که در سطوح پایین‌تر دامنگیر مردم می‌شود و دهک‌های پایین را بیشتر درگیر می‌کند آیا واقعاً دولت کاری برای مقابله با این نوع فساد و ناهنجاری‌های اجتماعی در دستور کار دارد؟

من در آن جلســـه ای که در خدمت رهبـــری راجع به آســـیب‌های اجتماعی بحث شد، بودم. آسیب‌های اجتماعی به شـــرایط نگران‌کننده‌ای رسیده است. از حاشیه‌نشینی تا اعتیاد و مسائل دیگر موجود در جامعه. با آسیب‌های اجتماعی باید برخورد دقیق اجتماعی کـــرد. نمی‌توان آنها را امنیتی کرد و بدون اتکای به مسائل جامعه با برخوردهای محدود و مقطعی محدود حل و فصل کرد. باید ریشه‌یابی شود و دلایلش را شناسایی کنیم. باید با ریشه‌ها برخورد شود. چه می‌شود که مردم ترجیح می‌دهند از مناطق خود به حاشیه شهرها بیایند و بدون جا و مکان بمانند و سپس بقیه مسائل به دنبال آن به وجود آید. در گذشته در محله‌های یک شهر، امام جماعت محل و ریش‌سفیدان موقعیتی داشتند و اگر اتفاقی رخ می‌داد، خودشان حل و فصل می‌کردند. ما با مسائل فرهنگی و اجتماعی نمی‌توانیم صرفاً برخوردهای سیاسی یا مقطعی انجام دهیم یا فضا را امنیتی کنیم. باید سرمایه‌های اجتماعی را به حرکت درآورد. باید کاری کنیم که مردم نسبت به این مسائل احساس مسئولیت کنند و یک عزم ملی در آنان به‌وجود آید باید دغدغه مردم را بالا برد. دولت برای حل این مسأله جدی است. تصمیم گرفته شد که مسائل اجتماعی وارد حوزه شورای عالی انقلاب فرهنگی شود و تصمیم گرفته شد که برخی از افراد مانند وزیر کشور به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی افزوده شوند. همچنین تصمیم گرفته شد مرکز یا سازمان مسائل اجتماعی در وزارت کشور تأسیس شود. شورای اجتماعی که اکنون به ریاست وزیر کشور تشکیل می‌شود منبعد به ریاست رئیس جمهوری تشکیل خواهد شود. حساسیت دولت هم راجع به این مسائل بالا است. لازم است راجع به آنها با برنامه‌ریزی کار کنیم. ما هم جمع دوستانی خارج از دولت داریم که به مدت دو سالی است که در نهاد ریاست جمهوری در جلسات حضور پیدا می کنند و بحث تبادل نظر می‌کنند و نتیجه بحث‌ها را به ما می‌دهند و می‌گویند که چه روش‌هایی را در پیش بگیریم تا این معضلات را حل کنیم. به هرحال مسأله خیلی پیچیده است و باید جویای نظر صاحبنظران مختلف در حوزه های گوناگون شد. همه باید کمک کنند تا با آسیب‌های اجتماعی به گونه‌ای مقابله کنیم که به سمت بحران اجتماعی پیش نرود، چون مراحل مختلف دارد که اگر پیشگیری نکنیم تبدیل به بحران اجتماعی می‌شود و مقابله با آنها دشوارتر خواهد بود.

*** ایام عید چه می‌کنید؟**

تا وقتی که پدرم در قید حیات بودند روزهای عید نزد ایشان می‌رفتیم و امسال اگر خدا توفیق بدهد نزد مادر می‌روم آن هم به مدت یک روز و سپس به تهران بازمی‌گردم تا به کارها برسم.

پیام

یادداشت نوروزی استاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن

یک حرف بیش نیست

چو غنچه گرچه فروبستگی است کار جهان
تو همچو باد بهار گره‌گشـــا می‌باش
حافظ

سالی گذشت و سالی دیگر در پیش است. ارزش سال رفته بدین گونه سنجیده می‌شود که چه اندازه آسایش برای مردم خود فراهم آورده و چه اندازه بر ارزش انسانی آنان افزوده است.

این پنجاه ساله همراه بوده است با حوادث پرمعنایی از جمله فروپاشی شوروی و تغییر سیمای چین، بهار عربی، و شورش‌ها و آشوب‌های محلی در کشورهای مختلف.

از همه مشئوم‌تر سر برآوردن گروه‌های طغیانگر است، چون داعش و طالبان که بر مرکب تحجر می‌تازند و جز کشتار و ویرانگری چیزی از آنها را سیراب نمی‌کند. آنچه تاکنون نشان داده‌اند شعارشان این است: بکش یا کشته شو! روح آشوب چنان در قشری از مردم دمیده شده است که روزی نیست که در گوشه‌ای خبری از کشتار یا دربدری شنیده نشود. یادآور این شعر معروف:

این چه شوری است که در دور قمر می‌بینم
که آفاق پـــر از فتنه و شـــر می‌بینم
دختران را سر جنگ است و جدل با مادر
پســـران، این همه بدخواه پدر می‌بینم
اسب تازی شـــده مجروح به زیر پالان
طوق زرین همه بر گردن خر می‌بینم!

طبیعی بود که داعش از یک کشـــور نفت‌خیز، در یک سرزمین بایر سر برآورد، یعنی ناحیهٔ خلیج فارس که مبلغ هنگفتی از پول نفت را عاید خود می‌کند، بی آنکه استحقاق و توانایی خرج آن را داشته باشد، در حالی که بخشی از مردم جهان شب گرسنه می‌خوابند. این خود به خود می‌تواند واکنش ایجاد کند.

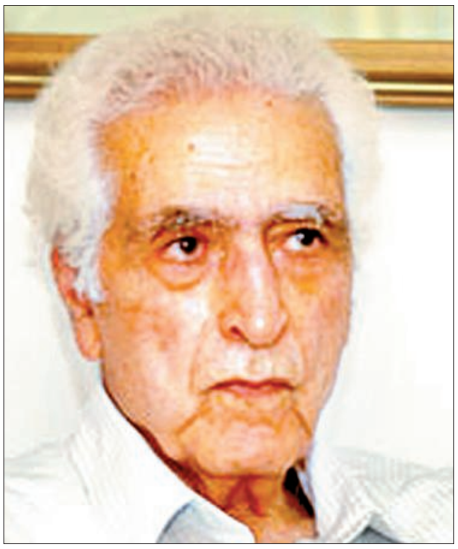
بیست شهریور ۱۳۸۰ که واقعه برج‌های دوقلوی آمریکا پیش آمد، در مقدمهٔ «هشدار روزگار» نوشتم: «آیا قرن بیست و یکم قرنی است که در آن بشر نتواند آب خوش از گلویش پایین رود و یا آنکه جهان در معرض یک زلزلهٔ معنوی قـــرار دارد که مرفه‌ترین نقطه‌هایش، زلزله‌خیزترین نقطه‌هایش باشند»! و این کم کم دارد خود را به نمود می‌آورد.

آیا این فاجعه‌بار نیست که شهری مثل پاریس، مرکز فرهنگ جهانی، مورد حملـــهٔ ویرانگرانه‌ای قرار گیرد یا دویست نفر بی‌گناه در آن جان بسپارند؟ و سوریه، طی پنج سال، دویست هزار کشته و پنج میلیون آواره بدهد بی‌آنکه مردمش گناهی کرده باشند و بی‌آنکه دنیای متمدن بپرسد چرا؟

آنچه در دنیای کنونی می‌گـــذرد، خبر از آینده‌ای می‌دهد که پر از آشـــوب خواهد بود. قرن بیستم بیش از همه به تمدن صنعتی و دل بست و به فضائل انسانی کم اعتنا ماند. اکنون قرن بیست و یکم باید تاوان آن را تحمل کند.

بشر ناگزیر است به همین سرنوشتی که متناسب با ذات اوســـت، سر فرود آورد و همهٔ کوشش خود را در برقراری «تعادل» به‌کار اندازد. وقتی صد خانوار در جهانی ده درصد ثروت دنیا را عاید خود کرده‌اند، ظهور داعش و طالبان دور از انتظار نخواهد بود.

زندگی همین اســـت که هست. مردم ناگزیرند که همدیگر را تحمل کنند. روش بهتری تاکنون به‌دست نیامده است. حافظ بهترینش را در این غزل خلاصه کرده است:



مرا مهر سیه چشمان ز سر بیرون نخواهد شد
قضای آسمان است این و دیگرگون نخواهد شد
رقیب آزارها فرمود و جای آشتی نگذاشت
مگر آه سحرخیزان سوی گردون نخواهد شد
مرا روز ازل کاری بـــه جز رندی نفرمودند
هر آن قسمت که آن جا رفت از آن افزون نخواهد شد
خدا را محتسب ما را به فریاد دف و نی بخش
که ساز شرع از این افسانه بی‌قانون نخواهد شد
مجال من همین باشد که پنهان عشق او ورزم
کنار و بوس و آغوشش چه گویم چون نخواهد شد
شـــراب لعل و جای امن و یار مهربان ساقی
دلا کی به شود کارت اگر اکنون نخواهد شد
مشوی ای دیده نقش غم ز لوح سینه حافظ
که زخم تیغ دلدار است و رنگ خون نخواهد شد

محمدعلی اسلامی ندوشن



پیام

در اهمیت نوروز

■ حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدجواد حجتی کرمانی





آنچه از کتب روائی مانند بحارالانوار و نیز کتاب مشهور مفاتیح‌الجنان برمی‌آید در روایات اسلامی شواهدی بر پذیرش نوروز از سوی ائمهٔ بزرگوار شیعه(ع) مشاهده می‌شود، جز اینکه سنت علما و بزرگان شیعه از دیرباز، این بوده است که در ایام نوروز «جلوس» داشـــته‌اند و مردم برای تبریک عید نوروز به منازل علما و روحانیون می‌رفته‌اند و مراودات و دید و بازدیدهای عید نوروز، هیچگاه مورد ایراد علمای بزرگوار شیعه نبوده است بلکه خود به این سنت پای‌بند بوده‌اند. البته در این مورد استثناهایی هم وجود دارد و من خود در اوائل طلبگی به کتابی در حجم کم، برخورد کردم که مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد خالصی‌زاده که از علمای مبارز و مجاهد بودند به رشته تحریر درآورده بودند. نام کتاب این بود: «نیروز شعیرهٔ مجوسیّه» یعنی نوروز یک آئین مجوسی است.

آنچه از تشریح دو عید بزرگ اسلامی «فطر» و «قربان» که در پایان دو فریضهٔ عظیم حج و صیام (روزه) برمی‌آید که حتی روزه گرفتن در این دو عید بزرگ تحریم شده است، اینست که در اسلام، اصل، بر تحسین جشن و شادمانی است. در وحی الهی نیز تلاوت می‌کنیم:

«قل بفضل الله و برحمهٔ فبذلک فلیفرحوا» یعنی: بگو به فضل و رحمت خدا باید شادمانی کنند.

و در روایت آمده است که: «المؤمن حزنه فی قلبه و بُشره فی وجهه» یعنی «اندوه مؤمن در قلب اوست و خوشرویی و شادمانی او در چهره‌اش». و این درست برخلاف رویه ناپسند و مذمومی است که به خصوص در جمهوری اسلامی رواج دارد که افراد مدعی تدین و تعهد به اصطلاح «انقلابی!» با روی ترش و اخلاق تلخ و تند با مردم برخورد می‌کنند تو گویی از علامات انقلابی بودن تندخویی و ترشرویی است!

من عید نوروز و مراسم شادمانه فراگیر آن. آگاهانه یا ناآگاهانه، هم در تقویت صلح و هم در تقریب مذاهب اسلامی در کشورهای نامبرده و نیز در سراسر اقطار جهان که ایرانیان و شهروندان کشورهای نامبرده، نوروز را جشن می‌گیرند، نقش بسیار مؤثر و کارسازی دارد و من از خدای مهربان می‌خواهم که هر ساله، فرا رســیدن عید نوروز را سرفصلی نو، برای تجدید حیات ملی و اسلامی قرار دهد و در این عید فرخنده، دلهای همهٔ ما همراه با شکوفایی طبیعت و آغاز زندگی نو در کرهٔ زمین به مهر یکدیگر شکوفا شود و غبار کدورتها و دلسردیها و احیاناً خصومتها و دشمنی‌ها از صفحهٔ دلهای ما زدوده شود. آمین

***

به خاطره‌ای اشــــاره می‌کنم که از زمان پدرم مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج‌میرزا عبدالحسین حجتی کرمانی(ره) به یاد دارم و آن اینست که پدرم مقید بود در اوائل فصل بهار در ماه اردیبهشت مطابق با ماه نیسانِ رومی (آوریل مسیحی) برای گرفتن «آب نیسان» از شهر بیرون می‌رفت و در هر جا که «برکه»‌ای از آب باران ماه نیســـان (اردیبهشت) پر شـــده بود، توقف می‌کرد و همراهیان را به نشستن فرا می‌خواند و به نظرم بنا بود هرکدام ۷۰ بار ســـورهٔ الحمد را بخوانیم و به آبهای «برکه» بدمیم: آنگاه این آب زلال و پاک که درخشندگی آن هیچگاه فراموشم نمی‌شود در بطری‌های مخصوص «آب نیسان» ریخته می شد و هرکسی این آب متبرک را به خانه می‌برد و یکی از مراسم ما و همراهان پدرم که از او درس می‌گرفتند، این بود که در بیماریهای گوناگون از این آب متبرک، به قصد شـــفا جرعه‌ای می نوشیدند.۲ و امروزه که ثابت شده مقولات روحی تا چه حدی در سلامتی یا بیماری جسمانی مؤثر است. می‌توان پنداشت که شفای معجزه‌آسای پاره‌ای بیماری‌ها با «آب نیسان» و شفابخش‌های معنوی دیگری چون تربت سیدالشهدا(ع)، دور از موازین و یا فقه‌های علمی روز نیست.

اهمیت محیط زیست در الهیات اسلامی

ابتدا خوانندگان ارجمند را برای مطالعه متقن و مستدل و مســـتند این مقوله به مقالات پر ارج استاد ارجمند دکتر ســـیدمصطفی محقق‌داماد دامت برکاته در روزنامه گرامی اطلاعات حوالت می‌دهم. اما در این گفتار کوتاه اشـــاره‌وار با ذهنیتی که از آموزه‌های دینی پدرم که یک معلم روحانی پاک‌نهاد بود دارم به عرض می‌رسانم که آنچه امروزه به نام «محیط‌زیست» از آن یاد می‌شود، به زبان ساده، همان آب و هوا و گیاه و درخت و جنگل و جویبار و کوه و بیابان و دشت و دره و جز اینهاست که محیط‌زیست ما را تشکیل می‌دهد و در همهٔ این موارد، آثار دینی مشـــحون است از تقدیس و نکوداشت این همه که برکات الهی و مظهر فضل و رحمت و مهربانی آفریدگار جهان‌اند.

و به صورت جزئی به یاد دارم که آلوده‌ســـازی آب در آموزشهای ما بسیار نکوهیده بود و نیز آلوده کردن فضای خانه و کوچه و بازار و مســـجد و گرمابه و جز اینها، نشانه‌ای از بی‌حرمتی و ولنگاری به شمار می‌رفت... آن روزها خبری از گازهای گلخانه‌ای و آلودگی‌های دست‌آورد تمدن جدید نبود که به قول دانشمند دور از وطن دکتر سیدحسین نصر، گویی مدرنیته در ذات خود دشمن طبیعت است!

باری! می‌توان به ضرس قاطع گفت آنچه بر سر تهران و سایر شهرهای ایران و جهان از آلودگی‌های کشنده و دست‌کم خفه‌کننده و بیماری‌زا آمده است، جز انحراف از آیین الهی و مقابله با دستورات دینی نیست و این گناهی بزرگ است که ما همه از آن غافلیم و احیاناً پاره‌ای از دلسوزان و دلواپسان گناه، به دنبال چهار تا نخ موی افشان خانم‌ها در خیابانها می‌گردند!! ما «منکر عظیم» آلوده‌سازی محیط زیست را فرو نهاده‌ایم و پیوسته بر آن می‌افزاییم و خود را درگیر مسائلی کرده‌ایم که از نظر من تعالیم الهی و حیانی در درجه‌های بسیاربسیار نازل‌تری هستند...

خدایمان عقل و بیداری و بصیرت راستین و نه ادعائی! ـبدهد! آمین

مفهوم نوروز به عنوان «نماد هویت تاریخی و میهنی»

در اینجا ناگزیرم درد دلم را باز کنم و از پاره‌ای از «دینداران امروز» به خدا و رسول(ص) شکایت برم که دین را با خشونت و تندخوئی و تندگوئی و تهمت و افترا و توهین و هتک‌حرمت انسانها، درآمیخته‌اند. نه‌تنها «داعشیان» که روی تاریخ را سیاه کرده و دین و اخلاق و انســـانیّت را تباه کرده‌اند، بعضی از خودمان نیز در ایران اسلامی که «نوروز»‌ش به تنهایی توان آن را دارد که بشریت را به صلح و صفا فرا خواند، بدترین شکل دینداری ادعائی را ارائه می‌دهیم که نه‌تنها جهانیان بلکه جوانان نسل سومی خودمان را نیز گروه گروه از دین و آئین و نماز و روزه و صفا و صدق و امانت و آنچه نمودارهای دینداری واقعی است، بیزار می‌کنیم و اکنون با کمال تأثر و تأسف شاهدیم که نسل امروز یا دچار بیماری سهمگین «بی‌هویّتی» شده است و مقصر اصلی این «بی‌هویّتی»، ترویج نزاع و اختلاف و دوگانگی در تعریف دین و عمل به دین و راه و رسم واقعی «دینداری» است که از «بالا» به «پائین» می‌ریزد و جوان جویای حقیقت، پیش خود می‌گوید و نیز بـــر زبان می‌آورد که اگر دینداری اینست که در پاره‌ای رسانه‌های ما و مجامع و مجالس و معابر و منابر ترویج و تبلیغ می‌کنند و برای هیچ دگراندیشی حرمتی قائل نیستند و هتک همگان، به جز خودشان را «دینداری» می‌دانند، ما چنین «دینداری» را نخواستیم!

والسلام

ساعت ۲ بعدازظهر روز شنبه ۱۹ دیماه/۹۴ به پایان رسید

بعدالتحریر:

دو خاطره از نوروز

۱ـ دعای تحویل سال مرحوم علامه حسینعلی راشد

۲ـ سفرهٔ هفت‌ســـین (نماد تشریفاتی عید نوروز) در زندان

در اینجا به مناســـبت دو خاطره یکی در مورد سنت تشریفاتی دیرینهٔ عید نوروز که در پرسشهای ۱۰گانه نیامده بود، یعنی سنت سفرهٔ هفت‌سین و دیگری هم در مورد دعای هر ساله مرحوم راشد از رادیو، نقل می‌کنم: پیش از نقل این دو خاطره، لازم است یاد خیر کنم از علامهٔ سخنور مخلص مرحوم مبرور شیخ حسینعلی راشد رحمهٔ‌الله علیه که به جز سخنرانیهای هر شب جمعه، هر ساله در آستانهٔ فرا رسیدن دقایق پایانی سال و آغاز سال جدید، دعای «یا مقلب‌القلوب والابصار. یا مدبرالللیل والنهار. یا محول‌الحول والاحوال. حوّل حالنا الی احســـن الحال» را با لحن خاص و مؤثری قرائت می‌کرد و چند جمله دعای عام برای ســـلامتی و شادکامی ایرانیان ایراد می‌کرد و آنگاه رادیو آهنگ مخصوص اعلام آغاز سال جدید را می‌نواخت و این سنّت حسنه‌ای بود که فضای عمومی ایران را در هاله‌ای از نور و معنویت فرو می‌برد. به روان پاک آن آموزگار مخلص دین و ایمان درود می‌فرستم و یاد او را گرامی می‌دارم.

و اما خاطرهٔ دوم مربوط به ســـفرهٔ هفت‌سین است که معمولاً در منازل و محافل روحانیون ـ منجمله منزل ما ـ خبری از سفرهٔ «هفت‌سین» نبود و من برای اولین بار در زندان، پای سفرهٔ هفت‌سین نشستم و آن نیمه‌شبی بود که ساعت تحویل سال بود و زندانیان به نظرم بیدار مانده بودند و مرا از خواب بیدار کردند و بر ســـر سفره بردند. مرحوم آیت‌الله طالقانی رضوان‌الله علیه دعای «یا مقلب‌القلوب والابصار» را خواندند و بعد مرحومان مهندس بازرگان و دکتر سحابی و سایر اعضای نهضت آزادی با روشن کردن شمع، به صرف چای و شیرینی و تنقلات پرداختند و از هر دری سخنی رفت. یاد این بزرگان و یاد آن شب تاریخی، همیشه با من است. از خدا می‌خواهیم که سال به سال، روز و روزگار ما را بهتر و بهتر کند و از سوء اعمال ما که موجب عقوبت الهی و محرومیت و عقب‌افتادگی در دین و دنیاســـت درگذرد و ما را به راه صلاح و اصلاح رهنمون گردد. آمین

ساعت ۱۲/۵ ظهر چهارشنبه ۲۳ دیماه ۱۳۹۴

محمدجواد حجتی کرمانی

پی‌نوشت:

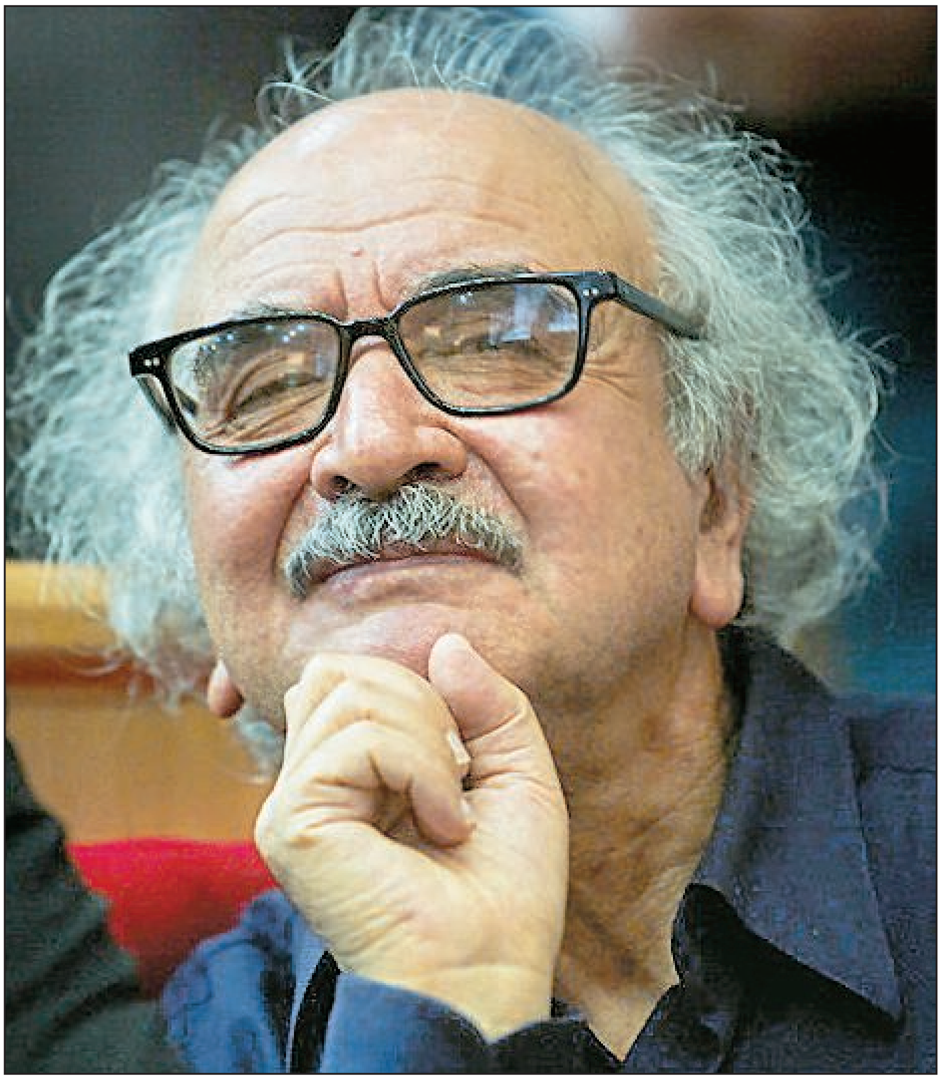
۱. به همت برادر عزیزم دکتر سید اصغر قریشی (همسر خواهرم) (سفیر سابق ایران در اندونزی و یمن) فهرستی از منابع در پایان این مقال آمده است.

۲. در این مورد به مفاتیح‌الجنان تألیف مرحوم حاج شیخ عباس قمی مراجعه فرمائید.

استاد

مقاله‌ای از استاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

در ترجمه‌ناپذیری شعر



در فرهنگ خودمان، نخسـتین کسی که مدّعی است ترجمهٔ شعر محال است، جاحظ (متوفای ۲۵۵) است. وی در کتاب الحیوان می‌گوید: «و الشعر لا یسطاع ان یترجم و لا یجوز علیه النقل. و متی حوّل تقطّع نظمه و بطل وزنه و ذهب حسنه و سقط موضع التّعجّب منه و صار کالکلام المنثور. و الکلام المنثور المبتدأ علی ذلک احسن و اوقع من المنثور الّذی حوّل من موزون الشعر.»

یعنی «شعر تاب آن را ندارد که به زبانی دیگر ترجمه شود و انتقال شعر از زبانی به زبانی دیگر روا نیست. و اگر چنین کنند، «نظم» شعر بریده می‌شود و وزن آن باطل خواهد شد و زیبایی آن از میان خواهد رفت و نقطه شگفتی برانگیز آن ساقط خواهد شد و تبدیل به سخن نثر خواهد شد؛ نثری که خود به خود نثر باشد، زیباتر از نثری است که از تبدیل شعر موزون حاصل شده باشد.»

نمی‌دانم در دنیای قدیم، قبل از او، چه کسـانی چنین نظریه‌ای را دنبال کرده‌اند. قدر مسلّم این است که در دوره اسلامی هیچ کس به صراحت او، و با توضیحات او، به امتناع ترجمه شعر از زبانی به زبانی دیگر نیندیشیده است. ۱

امروز هم که نظریه‌های ترجمه در فرهنگهای مختلف بشری، شاخ و برگهای گوناگون به خود دیده است، باز هم در جوهر حرفها، چیزی آن سوی سخن جاحظ نمی‌توان یافت. آخرین حرفی که در پایان قرن بیستم، در این باره زده شده است، سخن شیموس هینی (Seamun Heaney)، برنده جایزه نوبل ادبیات چند سال قبل است که در مصاحبه‌ای در اکتبر سال ۱۹۹۵ گفت:

Poets belong to the language not to the world

(یعنی شاعران به زبان تعلق دارند نه به جهان).

در فاصله جاحظ تا شیموس هینی، بسیاری از اهل ادب منکر این بوده‌اند که شعر را بتوان ترجمه کرد و حتی بعضی شعر را به «چیزی که قابل ترجمه نیست» تعریف کرده‌اند و عبارت رابرت فراست: (Robert Frost ۱۸۷۴–۱۹۶۳)

Poetry is what is lost in translation. Itis also what is lost in interpretation.

(شعر همان چیزی است که در ترجمه از بین می‌رود و نیز همان است که در تفسیر از میان برمی‌خیزد).

من آراء جاحظ را در باب ترجمه، جای دیگری با تفصیل بیشتر بررسی کرده‌ام. در اینجا می خواهم از یک نکته ساده یا از یک تمثیل در جهت تکمیل یا اصلاح نظریه او سخن بگویم.

عمل ترجمه از زبانی به زبانی دیگر، دقیقا خراب کردن یک بناست و انتقال مصالح آن به جای دیگر، برای ایجاد بنایی تازه. مترجم به اعتبار دانستن زبان، کارش برداشتن مصالح است و انتقال آن مصالح به محل جدید. در این چشم‌انداز آگاهی او از قواعد زبان و اطلاع او از واژگان آن، به منزله زور بازوی او و جرثقیلی است که در اختیار دارد

اگر بپذیریم که شعر هنر زبان است و نوعی معماری کلام، وقتی به ترجمه یک شعر می‌پردازیم، مثل این است که یک اثر معماری را از جایی که دارد، برمی‌داریم و به جایی دیگر انتقال می دهیم. اگر این بنا با جرثّقیل و با تمام اجزای آن، یکجا، نقل مکان کند، مثل این است که برای مخاطب فرانسوی شعر خیام را در زبان اصلی قرائت کنیم؛ چیزی به عنوان ترجمه اتفاق نیفتاده است. یک اثر معماری، یکجا از محلی به محلی انتقال یافته. حالا نگویید چه بهتر، فرانسوی‌ها هم به تماشای آن می‌پردازند. معماری زبان (که شـعر است) قابل دیدن نیست. دیدن این معماری بینایی و چشم دیگری می‌طلبد که در اجزای زبان، موسیقی زبان و در«معانی نحوی»، «بلاغت ساختارهای نحوی» و کنایات آن نهفته است؛ بنابراین قابل رؤیت برای فرانسوی‌ها نخواهد بود؛ پس باید آن را تبدیل به واژه‌های فرانسوی کنیم. درست مثل اینکه آن بنا را به صورت آجرها و درها و پنجره‌ها و کاشیها، جزء به جزء، برداریم و به جای دیگر ببریم.

اگر این خانه‌ای که خرابـش می‌کنیم تا اجزای آن را به جای دیگر بریم و در آنجا آن را بازسـازی کنیم، خانه‌ای معمولی باشد، هربنّا و سرعمله‌ای می‌ تواند (با مختصر کاهش و افزایشی در زیبایی آن) آن را دوباره در محل جدید بازسازی کند. ای بسا که در محل جدید، این اجزا ساخت و صورتی، حتی دلپذیرتر از مرحله قبل بیابند؛ اما اگر شـاهکاری از شاهکارهای معماری باشد، مثلا مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان، انتقال اجزای آن به جای دیگر، کار آسـانی خواهد بود (با مقداری نیروی انسانی و استفاده از جرثّقیل) و دوباره‌سازی آن کار هربنّا و عمله‌ای نخواهد بود. مهندس و معماری می‌طلبد در حد مهندس و معمار اصلی.

مترجم یک شعر، در حقیقت، همان مهندس و معمار دوم است. اگر اثر مورد ترجمه او یک اثر معمولی و مبتذل باشد، ای بسا که در محل جدید (زبان دوم) سر و شکلی حتی زیباتر از سر و شکل اصلی پیدا کند؛ ولی اگر اثری هنری باشد، هر مترجم پیش پاافتاده‌ای (یا در تمثیل مورد نظر ما هر بنّا و سرعمله ای) از عهده این کار برنمی‌آید.

بسیاری از«شعر»های چاپ شده در مطبوعات تهران را اگر ساده‌ترین مترجم‌ها و بی‌هنرترین آنها به زبان دیگری انتقال دهند، احتمالا چیزی در حد اصل (یعنی هیچ) و گاه زیباتر از اصل خواهد بود؛ اما شعر سعدی و حافظ (از قدما)، یا شعر اخوان ثالث (از معاصران)، اگر مترجمی خلاق و هنرمند نیابد، اثری نازل و مبتذل جلوه خواهد کرد. درست مثل اینکه مسجد شیخ لطف‌الله را به مقداری خشت و آجر و کاشی بدل کنیم و آنها را در اختیار یک سرعمله یا بنّای معمولی قرار دهیم و او هم آنها را روی هم قرار دهد، پیداست که چه چیز مضحکی از آب درخواهد آمد! برعکس آن خانه «بساز بفروش بنّاساز» معمولی که اگر اجزای آن را به جای دیگر انتقال دهیم، کمتر از اصل نخواهد بود اگر زیباتر از اصل نشود!

عمل ترجمه از زبانی به زبانی دیگر، دقیقا خراب کردن یک بناست و انتقال مصالح آن به جای دیگر، برای ایجاد بنایی تازه. مترجم به اعتبار دانستن زبان، کارش برداشتن مصالح است و انتقال آن مصالح به محل جدید. در این چشم‌انداز آگاهی او از قواعد زبان و اطلاع او از واژگان آن، به منزله زور بازوی او و جرثّقیلی است که در اختیار دارد. هر قدر دانایی او در زبانی که از آن ترجمه می کند، بیشتر باشد، قدرت بازوی او و جرثقیل او قوی‌تر است؛ اما در مرحله بازسازی و ایجاد بنای جدید، زور بازو و جرثقیل کافی نیست، زور بازو و جرثقیل تا مرحله انتقال آجرها و سنگها و کاشیها لازم است و ضروری. اما از اینجا به بعد قدرت احضار کلمات و خلاقیت و نگاه هنری مورد نیاز است و از باب تمثیل مورد نظر ما، مهندس و معمار خلاق تا بتواند آن اجزای انتقال یافته را به تناسب و با نگاهی هنری ترکیب کند.

اینجاست که باید پذیرفت اگر کاشی یا آجری در حین خراب کردن شکست یا از بین رفت (در تمثیل ما: استعارهای یا کنایه‌ای ویژه زبان اصل که قابل انتقال به زبان دوم نباشد، مثل کلمه «رند» یا «پیر مغان» برای فرنگی‌ها در شعر حافظ)، معمار جدید باید با خلاقیت خویش جبران شکسته شدن و از بین رفتن آن کاشی و آن آجر را بکند؛ یعنی استعاره‌ای و کنایه‌ای از

زبان دوم را جانشین آن استعاره و کنایه غیر قابل انتقال کند.

باز از باب تمثیل می‌توان گفت پنجره‌های بنای قبلی را (که بیشتر همان تصاویر و ایماژها هستند) به راحتی می‌توان در بنای جدید به کار برد. راحت‌ترین عنصر قابل انتقال در این معماری همین پنجره‌هاست. البته به این سادگی‌ها هم نیست. تا جای پنجره در کجا قرار گیرد؟ و چشم‌اندازی که پنجره‌ها بدان گشوده می‌شود، چه چشم‌اندازی باشد؟ آسمان آبی یا کوهساری در سمت مشرق یا باغی پر از سروها؟ می‌بینید که پنجره را به راحتی می‌توان برداشت و به راحتی می‌توان کار گذاشت، اما فضایی که این پنجره‌ها بدان گشوده می‌شود، ممکن است فضایی ابری و بسته و محدود باشد. اینجا دیگر خلاقیت معمار و یا هنر مترجم کار زیادی از پیش نمی‌برد.

انتقال از زبان فرانسه به آلمانی آسانتر است تا از فرانسه به عربی یا از فارسی به انگلیسی. زبانهای اروپایی زمینه فرهنگی مشترک دارند، فضاهای مشابه دارند پنجره‌ها را می‌توان رو به افقهای مشابه نصب کرد؛ اما تصاویر حافظ را به زبان انگلیسی یا فرانسوی نقل کردن، بردن پنجره مسجد شیخ لطف‌الله است از میان آن فضای آســـمانی و آبی اصفهان به فضای ابری و مه‌آلود لندن. این خود مسأله نصب پنجره‌ها بود که ساده‌ترین عنصر قابل انتقال این معماری است. وقتی به انتقال کاشی‌ها برسیم که هر کدام عبارتی و حکمتی و تذکری است در عرصه الهیات اسلامی، با آن ریشه‌های پیچیده و تو در توی مزدایی و مانوی، دیگر کار معمار یا مترجم زارتر خواهد بود. فرنگی چگونه می‌تواند آن مرزها را بخواند؟ گیرم توانست بخواند، از معنای آنچه می‌فهمد؟ گیرم ظاهرش را فهمید، آن زمینه ژرف و بی‌نهایت را چگونه می‌تواند ادراک کند؟ به جای کاشی در این تمثیل، تمام اشارات و تلمیحات و رموز شعر فارسی را می‌توان در نظر گرفت.

اما ترجمه «شعر»های منتشره در مطبوعات از شاعران ایرانی معاصر، از آنجا که تقلید بچگانه و ترجمه‌های ناقص شعر فرنگی است، بر دست هر مترجم ناتوانی که انجام شود، چیزی از اصل فارسی کمتر نخواهد داشت و به احتمال قوی چون نوعی بازگشت به فرهنگ اصلی اروپایی است، ای بسا تداعی‌های دلپذیری هم برای مخاطب فرنگی داشته باشد؛ یعنی عملا بهتر از اصل فارسی باشد. گیرم که چنین توفیقی هم نصیب آن شد، هر روز هزاران نمونه بهتر از آن را فرنگی در مطبوعات روزمره خود پیش چشم دارد. به همین دلیل این گونه شعرها، در ترجمه دلی از فرنگی جماعت نمی‌برد؛ یعنی محال است کوچکترین توجهی از آنها جلب کند. به دلیل نبودن مترجمان خلاّق و معماران هنرمند، اروپایی‌ها و امریکایی‌ها برای ترجمه شعر فارسی معاصر (مثلا ترجمه شعرهای شاملو، نیما و اخوان و...) تره هم خرد نکرده‌اند. غالب این ترجمه‌ها (که بسیار محدود است) در تیراژهای هزار نسخه و پانصد نسخه برای ایرانیانی که در خارج زندگی می‌کنند، یا دانشجویان رشته‌های شرق‌شناسی، ممکن است کارآیی داشته باشد، ولی عامه علاقه‌مندان به شعر، که در زبانهای فرنگی شمارشان سر به میلیونها می‌زند، تاکنون سر سوزنی به این ترجمه‌ها توجه نشان نداده‌اند. به کتاب‌شناسی نقد شعرهای ترجمه شده به زبانهای فرنگی بنگرید تا ببینید که هیچ خبری نیست. چند جلســـه درس من در دانشگاه هاروارد، صرف انتقال مفهوم:

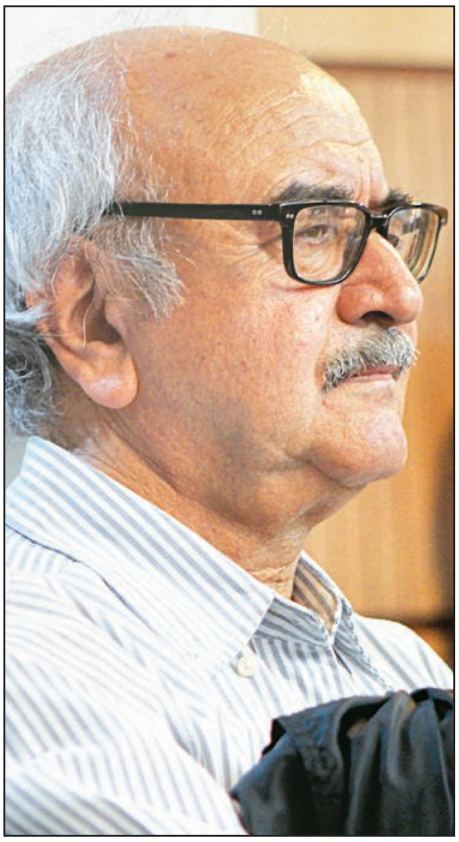
به می سجّاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید
که سالک بی‌خبر نبود ز راه و رسم منـــــزلها

شد و یقین دارم «یک از هزاران» آن هم به ذهن مخاطبان هاروارد، منتقل نشد. کسی که از تمایز فرهنگ ایرانی نسبت به فرهنگ فرنگی خبر ندارد، ساده‌دلانه چنین می‌اندیشد که مگر «می» همان شراب نیست که به انگلیسی می‌شود wine و سجاده همان prayer-rug نمی‌شود؟ و همین گونه تا آخر بیت؛ یعنی مفاهیم سجاده رنگین کردن، پیر مغان، سالک، راه و رسم منزلها.

برای اینکه دشواری کار بر شما روشن شود، من از تمامی بیت صرف نظر می‌کنم، فقط «به می سجاده رنگین کردن» را مورد بررســـی اجمالی قرار می‌دهم: مخاطب فرنگی این تعبیر، نخست باید بداند که دو مفهوم دینی «نجس» و «طاهر» در فرهنگ ایرانی و اسلامی بسیار اهمیت دارد. فرنگی هیچ تصوری از «نجس» و «طاهر» ندارد. هرچه برای او «کثیف و دارای میکروب» نباشد، clean است، یعنی «پاک»؛ ولی برای ما، «پاک» غیر از آن مفاهیم، یک مفهوم اصلی دارد که «طهارت شرعی» است و تصور «طهارت شرعی» برای فرنگی امری است دشوار. باید ساعتها در این باب با او صحبت کنیم. او سگش را در «وان حمام» خانه‌اش می‌شوید و با همان حوله خودش آن را خشــــک می‌کند و... ولی اگر از بدن سگی، از دور قطره آبی به بدن ما ترشح کند، چه کارهایی که باید بکنیم تا تطهیر شـــــویم. فرنگی اصلا چنین تصوری از طهارت و نجاست ندارد.

حالا تازه اول گرفتاری است. گیرم او معنی «نجس» و «پاک» را درست به همان مفهوم شرعی و در حد یک مسلمان شناخت. اینکه می (شراب) نجس است و اگر بر جامه یا بر محل سجده ریخت، باید آن را شست، مرحله بعد از آن است. شراب برای فرنگی، بنا بر تاریخ طولانی مسیحیت، خون مسیح است و مقدس. چطور می‌شود خون مسیح را - که چندان گرامی است- «نجس» فرض کرد؟ درباره مفهوم «سجاده» هیچ صحبتی نمی‌کنیم؛ چون فهم آن برای غیر مسلمانان مترتب بر مقدماتی است. حالا بیان پارادوکسی شاعر که از مخاطب مسلمان خود می‌خواهد که با «می» سجاده خود را رنگین کند و در حقیقت تمام عرف و عادات مســــلمانی را- در جهت رســــیدن به مرحله‌ای از مسلمانی واقعی و عرفانی- زیر پا بگذارد، بماند به جای خود!

شعر تاب آن را ندارد که به زبانی دیگر ترجمه شود و انتقال شعر از زبانی به زبانی دیگر روا نیست. و اگر چنین کنند، «نظم» شعر بریده می‌شود و وزن آن باطل خواهد شد و زیبایی آن از میان خواهد رفت و نقطه شگفتی برانگیز آن ساقط خواهد شد و تبدیل به سخن نثر خواهد شد



همین تعبیر «به می ســـــجاده رنگین کردن» چقدر ظریف اســـــت. آن همه ایماژهای شعر فارسی درباره رنگ شـــــراب و رنگی که قالیچه ایرانـــــی دارد و تمام تداعی‌های آنها؛ آیا اینها از کلمات wine (شـــراب) و prayer-rug (سجاده) و today (رنگ کردن) قابل فهم است کـــه بگوییـــم Tint the prayer-rug with wine یا Color یا Dye و فکر کنیم که آن عبارت انگلیسی، ترجمه «به می سجاده رنگین کن» است؟ مضحک‌تر از این چیزی در دنیا نخواهد بود!

در اینجاســـــت که هر معماری اگر هوشیار و هنرمند باشد، از انتقال همه اجزای «بنای» غزل حافظ به محیط بیگانه منصرف می‌شود و اگر ضرورتی ایجاد کرد و ناچار شد که به هر دلیلی این کار را انجام دهد، اجزای ساده و قابل انتقالی از آن را، به سلیقه خود انتخاب می‌کند و در زبان خود، با آن اجزای دستچین شده، به معماری می‌پردازد. غالب مترجمان موفق همین کار را کرده‌اند. از فیتز جرالد (۱۸۰۹-۱۸۸۳) گرفته تا همین آقای کلمـــــن بارکز (Coleman Barks) مترجم شعرهای مولانا به زبان انگلیسی. کسی که انگلیسی بسیار خوب بداند و فارسی را به کمال، در حدی که رباعیات خیام و دیوان شمس تبریزی را حفظ داشته باشد، هنگام خواندن ترجمه‌های فیتز جرالد و بارکز بعد از صرف وقت بسیار، گاه به دشواری می‌تواند حدس بزند که مثلا این سطر، ترجمه فلان مصراع یا بیت مولوی است و آن سطر، یا بند، ترجمه فلان مصراع خیام است و بقیه، خلاقیت‌های آزاد مترجم.

جای دیگر در زمینه فرهنگی کلمات در زبانهای مختلف بحث کرده‌ام و از تکـــــرار آن پرهیز دارم. همین قدر یادآور می‌شــــوم که حتی «آب» و «آتش» و «خاک» و «باد» (عناصر اربعه) که اموری حسی و مادی‌اند، در زبانهای مختلف، بارهای فرهنگی بسیار متفاوتی دارند تا چه رسد به کلمات عاطفی و فرهنگی.

گیرم کســـــی تمام مقدمات برایش فراهم شد و ما با توضیحات کافی او را در جریـــــان معانی کلمات «می» و «سجاده» و «رنگین کردن» قرار دادیم، فهم این تعبیر و التذاذ هنری از آن، در گرو فهم هزاران مساله دیگر است. اگر «پیر مغان» را و «ســـــالک» را و «منزل» و «راه و رسم» را بر طبق آموزشـــــهای فرهنگ عرفانی نیاموخته باشد و نداند که در سلوک، مقام پیر تا حدی است که اگر تو را به چیزی برخلاف شرع هم فرمان داد، باید از او اطاعت کنی و در برابر سخن او چون و چرا نورزی و پیر را عین «راه و رسم» و عین «منزل» بدانی، اینها همه و همه عمرها و عمرها مقدمات و زمینه‌های فرهنگی لازم دارد.

حالا از تمام این دشـــــواری‌ها می‌گذریم. فرض بر این می‌گیریم که توانستیم تمام این اطلاعات را در اختیار مخاطب فرنگی قرار دهیم. نفس دانستن، مراحلی دارد. اینکه با فشار به مغز، شما مطلبی را تداعی کنید که مثلا هرکول چنین و چنان بوده یا سیاوش چنین و چنان، بسیار فرق دارد با اینکه ویژگی‌های ســـــیاوش یا هرکول در ضمیر ناخودآگاه شما حضور داشته باشد. التذاذ هنری اصل و راستین التذاذی است حاصل ضمیر آگاه و ناخودآگاه؛ یعنی به هنگام لذت بردن از یک قطعه موسیقی یا شعر یا پرده نقاشی تنها ضمیر آگاه ما نیست که فعالیت می‌کند، بلکه بار اصلی این تجربه بر دوش ضمیر ناخودآگاه ماست. برای یک ایرانی، سیاوش و رستم و حلاج در ضمیر نابه‌خود او حضور دارد؛ ولی اگر در پاورقی ترجمه فلان قطعه شعر فرنگی، اطلاعی درباره هرکول به او بدهند، آن اطلاع در التذاذ هنری و، آن قدرت و توانایی را ندارد که آگاهی وی نسبت به سیاوش و رستم به هنگام التذاذ از شعر فارسی. عکس همین قضیه در مورد مخاطب فرنگی صادق است؛ یعنی گیرم در حاشیه یک شعر ما توانستیم چند کلمه درباره سیاوش یا حلاج به مخاطب فرنگی اطلاع دهیم و او هم با فشار به حافظه‌اش آن را به یاد آورد، ضمیر ناخودآگاه او در این تجربه هیچ نقشی نخواهد داشت و از بخش عظیمی از این التذاذ هنری محروم خواهد بود. این همه دشواری‌ها برای التذاذ از ترجمه «یک بیت» حافظ بود، حالا حساب تمام دیوان او را خودتان بفرمایید که چه مبانی و مقدماتی را لازم دارد!

یادداشت:

۱-تنها کسی که نظری شـــــبیه نظر او ارائه کرده است، زمخشری (متوفای ۵۳۸) صاحب تفسیر کشّاف است که در کشف زیبایی‌های هنری قرآن کریم، سرآمد تمام مفسران جهان اسلامی است. زمخشـــــری، ابو حنیفه- فقیه بزرگ اسلامی (متوفای ۱۵۰) -را که عقیده داشته است در نماز می‌توان ترجمه فارسی قرآن را خواند، مورد انتقاد قرار داده است و گفته است وقتی قرآن به زبان دیگری ترجمه شود «اسلوب» (ساخت و صورت هنری) آن از بین می‌رود و دیگر «قرآن» نخواهد بود.

---

*به نقل از فصلنامه هستی، دوره دوم، سال سوم، شماره ۱۱، پائیز ۱۳۸۱، ص ۱۰-۱۸.

عید



گفت و گو با دکتر محمد امین قانعی راد رئیس انجمن جامعه شناسی ایران

باید ساختارها و نهادهای اعتدال گرا بیافرینیم

■ منوچهر دین پرست

اشاره: مفهوم «اعتدال» چندی است وارد ادبیات سیاسی و اجتماعی کشور شده است. واژه‌ای که ظرف دو سال گذشته مورد توجه، واکاوی، نقد و برداشت‌های مختلفی از سوی گروه‌های متفاوت واقع شده است. واژه‌ای که گاه مورد هجمه قرار گرفته و گاه با اهداف و معیارهای برخی جناح‌های تندرو پیش رفته و گاه هم به چالش کشیده شده است اما دولت دکتر روحانی تا اینجا تلاش کرده این مفهوم را درعرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی عملیاتی کند. از این رو برخی از چهره‌های فرهنگی نیز سعی کرده‌اند اعتدال را از منظر فرهنگی نیز تبیین کنند. اما واژه اعتدال که به تعبیر دکتر قانعی راد نیازمند یک کنش واقعی و خروج از کتابها و متنها دارد نیز باید مورد واکاوی، نقد اصولی و برداشتن موانع شود. دکتر محمد امین قانعی راد، رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران و استاد دانشگاه در این گفتگو به صورت نظری مفهوم اعتدال اجتماعی را مورد واکاوی قرار داد و بر این نکته نیز تاکید کرده که ما بیش از اینکه از افراد بخواهیم معتدل باشند باید به دنبال نهادها و ساختارهای اعتدال گرا باشیم. با نگاه جامعه شناسی ما باید بیشتر به دنبال گسترش ساختارها و نهادهای اجتماعی و سیاسی اعتدال گرا باشیم.

واژه اعتدال را که طی چند وقت اخیر بسیار شنیده‌ایم، شعاری برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ بود که این واژه وارد فضای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور شد و افراد گوناگونی نسبت به این واژه نظرات خود را ارائه کردند. ما به خوبی می‌دانیم که واژه اعتدال معنا و مفهوم با سابقه ای دارد و در عرصه‌های ادبی، فلسفی، الهیاتی، کلامی و حتی اخلاقی از این واژه بسیار استفاده شده است. من به عنوان اولین سئوال از شما به عنوان یک جامعه شناس می‌خواهم بپرسم که اعتدال در جامعه ما چگونه توصیف می‌شود و اساسا وقتی که صحبت از اعتدال می کنیم نسبت به اجتماع و جامعه چگونه باید تبیین شود؟

شما به انتخابات ۹۲ اشاره کردید و باید بگویم که اعتدال در ادبیات کشورمان هم پیشینه قوی و هم طولانی دارد. در متون دینی و ادبی و فلسفی و الهیاتی به بحث اعتدال اشاره شده و دو واقع این متون به نوعی آمیخته با مفهوم اعتدال است. در فرهنگ عمومی هم اعتدال یک ویژگی شخصی مثبت تلقی می‌شود و همیشه هم وجود داشته است. منتهی آن چیزی که در متن وجود دارد و در یک دوره ای تبدیل به گفتمان می‌شود در یک دوره دیگری می تواند متفاوت هم باشد. یعنی یک چیزی ممکن است ویژگی متنی و کتابی داشته باشد و همه مردم هم آن را قبول داشته باشند اما در عمل آن اعتدال «حاکم» نباشد و به عنوان گفتمانی مورد توجه قرار نگیرد. به عبارت دیگر آنچه که در سطح نظری و تئوریک وجود دارد ممکن است با آنچه در سطح گفتمانی وجود دارد متفاوت باشد. مثلا موضوعی اعتبار حقوقی و حتی اخلاقی داشته باشد اما اعتبار جامعه شناختی نداشته باشد. ممکن است شما در هر جایی از دنیا به هر کسی بگویید دروغ خوب است همه پاسخ دهند نه، دروغ بد است. این اعتبار اخلاقی دارد و راست گویی از نظر اخلاقی معتبر است. یا مثلا عبور از چراغ قرمز و رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی یک اعتبار حقوقی دارد ولی ممکن است اعتبار جامعه شناختی نداشته باشد و ممکن است در صحنه عمل و جامعه اعتبار چندانی هم نداشته باشد و کمتر رعایت شود.

از سوی دیگر ممکن است عده زیادی دروغ بگویند اما همه بگویند دروغ بد است. در مورد گفتمان اعتدال هم همینطور است اعتدال به شکل تاریخی و فلسفی و دینی همیشه در جامعه وجود داشته ولی در عمل اعتبار جامعه شناختی نداشته است و در همین حال جامعه اغلب دستخوش تندروی هم بوده است. مثلا

> **جامعه مدنی جامعه ای است که در آن جنگ و خشونت وجود ندارد و از طریق قانون و گفتگو و تعامل مسائل حل می‌شود**
>
> ❋
>
> **در طول تاریخ و با حضور سلسله‌های مختلف ونیزقرار گرفتن جبری در مسیر چهار راه حوادث تاریخ، اعتدال را در عرصه سیاست از ما گرفته بوده**

از دهه هفتاد و بعد از جنگ موضوع اعتدال همواره مطرح بوده و عده ای هم حامی آن بودند و حتی احزاب سیاسی هم که خودشان را معتدل می‌دانستند وجود داشتند و اوایل انقلاب هم افرادی مانند مرحوم مهندس بازرگان از مشی اعتدال پیروی می‌کردند اما در سال ۱۳۹۲ اعتدال تبدیل به گفتمان می‌شود.

یعنی شما معتقدید که یک اتفاقی در پروسه تاریخ معاصر ما شکل گرفته که ما طی دو سال اخیر صحبت از اعتدال می کنیم؟

دقیقا این طور است. برای اینکه شما به اعتدال برسید و اعتدال را تبدیل به گفتمان اجتماعی کنید باید پدیده تندروی و افراط گرایی را تجربه کنید تا ببینید اعتدال مناسب هست یا خیر.

با این توصیف اعتدال جنبه حاکمیتی پیدا نمی کند؟ یعنی یک حالت دستوری اتفاق نمی افتد؟

اتفاقا می‌خواهم بگویم دستوری نیست. شما اگر در ایام جنگ و دهه هفتاد صحبت از اعتدال می کردید کسی گوش نمی کرد. حال و هوای ما در فرایند جنگ حال و هوای تندروی بود و این یک مقداری اقتضای زمانه و البته به معنای جبرگرایانه هم نیست. در روزها و سالهای انقلاب و جنگ و بعد از آن، چیزی که مردم مطالبه می‌کردند «قاطعیت» بود. همه می گفتند ریس جمهورقاطع، نخست وزیر قاطع. شخصیت ایده آل سیاسی ما، شخصیت قاطع بود. یکی از ویژگی‌های قاطعیت هم، سیاه و سفید دیدن است. به طور مثال اوایل انقلاب که من جوانی حدود بیست ساله بودم شخصیتهایی را دوست داشتیم که قاطعیت داشتند. قاطعیت یعنی اینکه سریع تصمیم می گرفتند و برخورد می‌کردند و برخوردشان هم خشونت آمیز بود و مدارا هم نداشتند. مصالحه و سازش در کار نبود. سازش و سازگاری دشنام تلقی می‌شد و می گفتیم فلانی سازشکار است. در مقابل آدم سازشکار هم فرد قاطع را می‌آوردیم. این نحوه نگرش در آن زمان خشونت را دوباره بازتولید می‌کرد.

تجربه ایرانیان را شما در حوزه اعتدال چگونه توصیف می‌کنید؟ آیا یک تجربه ضعیف و نحیف بوده و یا یک تجربه فربه و قوی؟

من معتقدم که اعتدال در کتابهای مختلف ما وجود داشته و بسیار هم در منابر درس اخلاق گفته می‌شده و توصیه‌های اخلاقی بزرگان دین و اندیشه ما در واقع همان تشویق به اعتدال است. اما در عمل آنچه رخ می‌دهد و می‌داد بیشتر نوسانی بین بی تفاوتی و افراط بود. سالها پذیرش و انفعال و کنار آمدن با یک مسائل و تحمل کردن و در خود فرو بردن و خودخوری بدون هر نوع برخورد فعال با مشکلات، و در سوی دیگر انفجار ناگهانی و ابراز خشم افراطی ومهارناپذیر. این‌ها حاصل شرایط تاریخی و استبدادی ما بوده است...

شما معتقدید که تجربه ضعیفی در اعتدال و رفتار و رویه معتدل‌داشتیم؟

بله. اعتدال برای ما زمینه مناسبی نداشته و اگر هم داشته زمینه متنی و کتابی بوده است. زمینه کتابی با آن چیزی که در جامعه رخ می‌دهد متفاوت است. ما در زمان انقلاب باید سیکل تاریخی را می‌شکســـتیم و از طریق یک نوع برخورد فعال وارد جریان می‌شدیم. شما، چه وقتی که بی تفاوت هستید و کینه شرایط را به دل می‌گیرید و اعتراضتان را پنهان می‌کنید و چه زمانی که دست به افراط می‌زنید، در هر دو شرایط در کنش انفعالی هستید. شما باید این دو را با یک شرایط فعال جایگزین کنید. شرایط فعال یعنی یک کنش فعالـــی در رابطه با جامعه خودتان انجام دهید. مقوله‌ای مثل قاطعیت و مرگ بر فلان و درود بر فلان و ســـیاه و سفید کردن و خط کشـــی و قطب بندی و خیر و شر کردن موضوعات در عرصه اخلاق رخ می‌دهد واز نظر من انفعالی است و برخورد فعال نیست. به عبارتی واکنشی است تا کنشی. حالت کنشی نمی تواند افراطی باشد حالت کنشی فقط می تواند اعتدال گرایانه باشد. وقتی که شما می‌خواهید کنشی را انجام دهید و نمی خواهید صرفا تحت تاثیر رفتار دیگران رفتار کنید و نمی خواهید احساساتی با مسائل برخورد کنید کنش شما را به طرف سبک و سنگین کردن و به طرف وزن دادن رخ دادهها و پدیده‌ها و به طرف انصاف در قضاوت و ارزیابی می‌کشاند و این اعتدال است.

نقد شما به عنوان جامعه شناس به این نکته چیست که چرا بحث اعتدال از دریچه سیاست به خانه ذهن ما وارد شده است؟

البته در حوزه دانشـــگاهی و حوزی از قبل وارد شده بود. حتی در پیش از انقلاب متنهای روحانیت اغلب درس اخلاق و اعتدال بود و اندرزنامه‌هایی که شکل گرفته بود نگاه اعتدالی در آن جریان داشت. شما حتی در شاهنامه فردوسی که اغلب آن را متنی سیاسی می‌دانند باید بگوییم که یک متن عقلانی است و خرد در آن بسیار ارزش دارد. اثر فردوسی جنگ و خونریزی نیست یک کتاب خردنامه است. گفته می‌شود اگر قرار بود اسم دیگری روی شاهنامه بگذاریم، باید«خردنامه » می‌گفتیم. از یک شاهی هم حمایت می‌کند که نماد خردورزی است. بنابراین این نگاه در ادبیات ما وجود داشته اما در عمل سیاسی کنار گذاشته شده بود. در طول تاریخ و با حضور سلسله‌های مختلف ونیزقرار گرفتن جبری در مسیر چهار راه حوادث تاریخ ، اعتدال را در عرصه سیاست از ما گرفته بود و آن برهه هم که علیه یک تاریخ خواستیم اعتراض کنیم، نمی توانستیم صحبت از اعتدال کنیم. همیشه انقلاب‌ها از طریق رفتارهای قطبی پیش می‌روند و همیشه انقلاب با افراط پیوند دارد و شرایط رفتار معتدلانه از جامعه سلب می‌شود و جامعه به طور ناخودآگاه به سمت رفتارهای تند کشیده می‌شود. به طور مثال در دوره مصدق، اگر نخست وزیر و آیت الله کاشانی با یکدیگر ائتلاف می‌کردند و می‌توانستند تحول اجتماعی شکل دهند و اگر شاه نیز می‌توانست شرایط ملی و جنبش ملی را تحمل کند و اجازه می‌داد شرایط در یک فرایند اعتدالی مسائل را حل و فصل کند، بعدا رفتارهای افراطی وتندروی رخ نمی داد. رفتارهای انقلابی و تندروی چیزی نبود که در تقدیر ما نوشته باشند. چیزی بود که به صورت طبیعی بر مبنای شرایط موجود رخ داده بود.

آیا شما جامعه ما را جامعه معتدلی می‌دانید و اگر می‌دانید مصادیقش را در چه چیزی می‌بینید و اگر غیر از این اســـت مصادیق آن در چیست؟

به صورت تاریخی جامعه ما معتدل نبوده و رســـیدن به اعتدال از فرایند مشـــارکت اجتماعی و سیاسی می‌گذرد. برای شرکت در این فرایند چون موانعی وجود داشته شرکت کنندگان در این فرایند به عنوان کنشگران اجتماعی و سیاسی به سمت افراط می‌رفتند نه اعتدال. اگر احزاب و جریانات سیاسی امکان انتخاب نمایندگان خودشان را نداشته باشند و جوانان نمایندگان خودشان را پیدا نکنند و دانشگاه نتواند صدای خودش را بازتاب دهد، همه این افراد و گروه‌ها به سمت رادیکالیزم و افراط گرایی کشیده می‌شود. به میزانی که افراد بتوانند مشارکت داشته باشند یک احساس همدلی در بین گروه‌های متفاوت اجتماعی پیدا می‌شود و چیزی شکل پیدا می‌کند که ما به آن می‌گوییم اخلاق اعتدالی. بنابراین اخلاق اعتدالی حاصل یک فرایند کار کردن گروه‌های متفاوت با همدیگر است. این فرایندی که افراد متفاوت با هم کار می‌کنند و تعاملی با یکدیگر دارند. یک نوع یادگیری در آنها شکل می‌گیرد و آن همان تحمل یکدیگر و گفتگوست.لذا اینجاست که ما نمی توانیم به طوری ذاتی بگوییم که آیا ایرانی‌ها معتدل هستند یا اعتدالی نیستند. ولی می‌توانیم بگوییم که در چه زمینه ای اعتدال را گسترش دهیم. به صورت تاریخی باید بگوییم که اعتدال یک امر جوهری نیست و همین طور رادیکالیزم هم یک امر جوهری و ذاتی نیست. ایرانی‌ها نه به ذاته خشن هستند و نه جزو افراد معتدل محســـوب می‌شوند. بلکه در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی مختلف است که رفتار اینها ویژگی‌ها یی را می‌بخشد که ما به آنها می‌گوییم این رفتار افراط گرایانه و این رفتار اعتدال گرایانه است. ولی ادبیات ما و متن‌های اعم از دینی و اخلاقی و فلسفی بر اعتدال تاکید داشته و نخبگان فرهنگی ما به شکل سنتی بر اعتدال تاکید داشتند اما این رفتار در متن و کتاب بوده و در رفتار اجتماعی چیز دیگری رخ می‌داد. به ویژه عمل سیاسی که دست نخبگان بوده کاملا افراط گرایانه بوده است. بنابراین یک شکافی تاریخی بین نخبگان فرهنگی اعتدال گرا و از سوی دیگر نخبگان سیاسی عمل گرا که در عمل شمشیرها را از رو بستند و با یکدیگر در حال مبارزه هستند مشاهده می‌کنیم. مانند پادشاهان و حاکمان که علیه یکدیگر بودند و علیه مردم هم مبارزه می‌کردند. یک نوع دوگانگی می‌بینید که برقرار شده است. یکی دچار یک نوع کینه جویی خاموش فرهنگی است و دیگری در حال مبارزه افراطی. این شکاف بین نخبگان فرهنگی و توده مردم رخ داده است. توده مردم کینه ای را به دل گرفته بودند و از سوی دیگر نخبگان فرهنگی دعوت به اعتدال می‌کردند و نخبگان سیاسی رفتارهای افراطی سیاسی و نظامی انجام می‌دادند. در واقع،

با نگاه جامعه شناسی ما باید بیشتر به دنبال گسترش ساختارها و نهادهای اجتماعی و سیاسی اعتدال گرا باشیم

*

اعتدال به شکل تاریخی و فلسفی و دینی همیشه در جامعه وجود داشته ولی در عمل اعتبار جامعه شناختی نداشته است و در همین حال جامعه اغلب دستخوش تندروی هم بوده است



این وضعیت پیچیده ای است و به سادگی نمی توان درباره آن اظهار نظر کلی کرد. ولی می توانیم بگوییم که برای گسترش اعتدال تنها راه آن مشارکت سیاسی است.

نقد شما به عنوان یک جامعه شناس به این گفته ای که برخی افراد طرح می‌کنند چیست. برخی می‌گویند اعتدال، سفسطه ای بیش نیست. شما نمی توانید میان حق و باطل و یا درست و نادرست معدل را بگیرید؟ نظر شما چیست؟

در این طرز تفکر گویی اعتدال قرار است بین حق و باطل میانه ای بگیرد. یعنی اینکه عده ای حق هستند و در این سو و عده‌ای باطل هستند و در سوی دیگر قرار دارند. لذا اینها گمان می‌کنند اعتدال در میان این دو قرار می‌گیرد. این چیزی شبیه نیمه حق و نیمه باطل می‌شود. افرادی که اعتدال را این گونه تعریف می‌کنند تفکرشان بر اساس مونیسم اخلاقی است و حتی می توان مونیسم هستی شناختی هم باشد. منظورم این است که در عرصه اخلاق یک حقی داریم که حق مطلق و یک باطلی داریم که باطل مطلق است. در عرصه سیاسی هم گمان می‌شود یک سیاستی داریم که صد درصد درست و یک سیاستی داریم که صد درصد غلط است. اینها یک استاندارد بیشتر نمی بینند. از نظر اینها نظام رفتاری و اخلاقی مبتنی بر یک معیار می‌توان ارزیابی کرد و بر حسب آن معیار یک چیزی یا درست است و یا نادرست. اگر شـــما این تصور را کنار بگذارید و بگویید نمی خواهیم میان حق و باطل میانه ای بگیریم و بگوییم در بین گروه‌های مختلف اجتماعی که از تنوع و تکثر برخوردارند، این تنوعات اجتماعی، دینی، جنسیتی، قومی و طبقاتی است ما در میان اینها می‌خواهیم میانجیگری کنیم. شما نمی توانید بگویید یکی از این تنوع‌ها حق و دیگری باطل اســـت. در این دیدگاه زن و مرد جفتشان تنوع جنسیتی دارند. اگر شما بخواهید با یگانه گرایی دینی ارزیابی کنید می‌گویید اسلام حق است و جز آن باطل است و شما هیچ حقوقی برای مسیحی و یهودی و زرتشتی نباید قائل شوید. اگر شما به مونیسم قومی معتقد باشید و بگویید فارس قومیت یگانه است و مابقی اقوام حقوقی ندارند، این رفتارها به ظلم منتهی می‌شود. این اعتدال مبتنی بر نگاه مونیستی همراه با یک نگرش تمامیت گرایانه و توتالیتاریستی است و فقط یک معیار را برجسته می‌کند. اعتدالی که ما باید از آن دفاع کنیم این است که زمین بازی را متکثر می‌بیند که بازیگران مختلف در آن حق بازی دارند. این اعتدال از درون یک گروه خاص بیرون نمی آید که بخواهد از حق و باطل دیگران دفاع کند. بلکه بر فراز اینها قرار دارد و تلاش می‌کند زمینه مشترکی برای همزیستی و تعامل برقرار کند.

با تعریفی که شما از اعتدال ارائه کردید آیا جامعه اعتدالی در امتداد جامعه مدنی قرار دارد؟

با تعریفی که از جامعه اعتدالی داشتیم جامعه مدنی در امتداد آن است. در جامعه مدنی بحث بر سر این است که نیروهای متکثر با یکدیگر همزیستی کنند و حفظ تکثر یکی از ویژگی‌های جامعه مدنی است. جامعه مدنی به دنبال این نیست که حقوق متکثر را نفی کند و به طرف یک چیز واحدی برسد. جامعه مدنی به افراد و گروه‌ها و جریانات متکثر یاد می‌دهد که در عین حفظ تکثر خودشان در فضای حقیقی مشترک زندگی کنند و اعتدال هم چنین چیزی است. جامعه مدنی به صورت تاریخی دربرابر جامعه نظامی شکل گرفته است. اگر همین مورد را تبارشناسی کنیم باز به همین نتیجه می‌رسیم.مثلا در ادبیاتمان می‌گوییم لشکری و کشوری. بنابراین جامعه مدنی جامعه ای است که در آن جنگ و خشونت وجود ندارد و از طریق قانون و گفتگو و تعامل مسائل حل می‌شود. ضمنا جامعه مدنی به دنبال رسیدن الگوی واحد هم نیست و اگر گفتگو می‌کند در پی تامین قواعد بازی است و نه تقلیل ژانرهای متنوع بازی به یک بازی دیگر. تیمهای مختلف فوتبال با سبکهای مختلفی با هم بازی می‌کنند و راهبرد بازی و نحوه چینش نیروهایشان هم متفاوت است. ولی در عین حال وقتی که بازی می‌کنند تحت یک قانون هستند و همه نباید خطا و آفساید و.. انجام دهند. این به معنای این نیست که داور بگوید همه مثل هم بازی کنند و من هم نظاره گر هستم که همگی از یک بازی تحت نظر من دور نشوند. داور معتقد است که یک بازی قوی و زیبا آن است که همه بر اساس «شیوه »خودشان بازی کنند درعین حال که «قواعد بازی »را هم در نظربگیرند. در جامعه مدنی وقتی قواعد بازی مشترکی باشد می توانند فرمهای متعددی هم داشته باشند. بنابراین در جامعه مدنی حفظ تنوع در اولویت است. جامعه نظامی می‌خواهد «یک شکلی »ایجاد کند. لذا جامعه مدنی نمی تواند اعتدالی نباشد.اینها مفاهیم متفاوتی است که از زوایای مختلف مطرح شده اما انتهای همه این مفاهیم را که نگاه می‌کنیم می‌بینیم که حامل یک پیام واحد هستند. اعتدال تا کنون بیشتر حاوی مطالب اخلاقی بوده اما امروز اعتدال حامل پیام سیاسی و اجتماعی برای نهادهای اجتماعی و سیاسی است. اعتدال از افراد عبور کرده به دنبال نهادهاست. بیشتر از آنکه بخواهیم افراد معتدل باشند باید نهادها را اعتدالگرا کنیم. ما باید به فکر طراحی و استقرار ساختارهایی باشیم که به گسترش اعتدال اجتماعی کمک کنند. برای مثال ساخت یک نهاد قضا و یک قوه قضائیه بتواند بین نیروهای مختلف که با یکدیگر دعوا دارند قضاوت کند. مانند داوری بازی که بازی را تعطیل نمی کند بلکه قضاوت می‌کند. بنابراین ما بیش از اینکه از افراد بخواهیم معتدل باشند باید به دنبال نهادها و ساختارهای اعتدال گرا باشیم. با نگاه جامعه شناسی ما باید بیشتر به دنبال گسترش ساختارها و نهادهای اجتماعی و سیاسی اعتدال گرا باشیم.

ملل

دیگران را به دیده حقارت نبینیم و آنها را به اطاعت خویش وامداریم

ما و دیگران

■ آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد



در زمان معاصر که در قسمتهائی از جهان درگیری های دینی فزونی یافته ورروزانه انسانهای زیادی به خاک وخون کشیده شده وگروههای کثیری بی خانمان وزنان وکودکانی از سرپناه خویش آواره بیابانها میشوند ،این اتهام متوجه ادیان است که درگیری ونزاع مقتضای ذات تعلیمات دینی است زیرا به موجب تعلیمات دینی انسانها به مومن وکافر وجوامع به خودی ونا خودی تقسیم میشوند وهمین امر آغاز جدائی ، کشمکش، عداوت ونزاع است. وظیفه اصلی عالمان دینی در عصر حاضر تلاش وسعی برای رفع این اتهام است. تحقق این مقصود وپاک کردن دامن ادیان ازاین نسبت زشت وکریه کارآسانی نیست .به نظر اینجانب دو مرحله دارد .نخست باید از بعد نظری منابع دینی را باز خوانی واز آن تفسیری نو ارائه نمود. مومن وکافریعنی چه ؟آیا این کلمات در تمام زمانها وهمه شرائط معنا ومفهوم واحدداشته و دارد یا آنکه متفاوت است وبرای دستیابی به آنها بایستی به شرائط کاربردی وزمان ومکان آن توجه نمود ؟ وپس ازآن بایستی این حقیقت را برای پیروان ادیان تبیین نمود که درجهان معاصر برای دستیابی به تعالی ،رشد وتکامل اخلاقی که مقصود نهائی تعالیم ادیان وانبیائ الهی است جز همزیستی انسانی وپذیرفتن دیگران ورعایت حقوق وآزادیهای آنان ، از جمله آزادی فکر ،عقیده وبیان راهی دیگر پیش روی ما وجودندارد وآنســوی این راه وانحـــراف ازآن ، عداوت ، جنگ ، خونریزی هلاکت وسرانجام انزوای ادیان خواهد بود.

در قرآن مجید یک آیه وجود دارد که وحدت خانواده بشری را اعلام نموده و به نظرمن خط مشی زندگی دینی را تعیین کرده است به شرح زیر:

یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثى‏ وَ جَعَلْناكُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَليمٌ خَبيرٌ (/ الحجرات۱۳)

ای مردم! ما شــــما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را گروهها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را باز شناسید، بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست، به‌راستی خداوند دانایی آگاه است.

همانطور که ملاحظه میکنید دراین آیه سه نکته مهم وجوددارد:

۱–مخاطب این آیه عموم انسانها هستند ونه فقط جامعه مومنین ویامسلمین.

۲–این آیه همه انسانها را اعضو یک خانواده واحد بشری دانسته وپدر ومادر همه آنان را یک مرد وزن برشمرده است .

۳–تعارف یعنی شناسائی حقوق اعضای خانواده واحد بشری هدف خلقت انسانهاست.

۴–آیه شریفه باارزش ترین فرد انسانی نزد خداوند را باتقوا ترین آنها دانسته ونا گفته پیداست تقوا در این آیه شریفه تقوای درون دینی نیست .مراد از تقوا دراین آیه رعایت همان اصل مطرح شده در صدر آیه یعنی احترام به اعضای خانواده بشری وتعارف وشناســـائی حقوق دیگران وناديده گرفتن خودبرتربینی قومی ، نژادی وحتی فکری است .

تمایز ایمان وکفر نزد خداوند محاسبه میشود و در حقوق شـــهروندی واین جهانی تاثیری ندارد. هیچ گروهی نباید خودرا فرزندخدا ویا با ختم نبوت خودرا نماینده خاص خدا بداندودیگران را به دیده حقارت بنگرد واورا به اطاعت خویش وادارد.در قرآن مجید به صراحت عناوینی از قبیل فرزندان خدا ، دوستان خدا واولیاء خدا برای خویش دانستن وازین رهگذر خودرا برتر از دیگران دیدن را نفی نموده ومخالف توحید دانسته است.

وَ قالَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصارى‏ نَحْنُ أَبْناءُ اللَّهِ وَ أَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشاءُ وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما وَ إِلَيْهِ الْمَصيرُ(مائده۱۸/)

یعنی : یهود ونصاری خودرا فرزندان ودوســـتان خدا وازاین رهگذر خودرا معاف از هرگونه بازخواست دانستند ، این اشتباهی بزرگ است.آنان بشروهمانند سایرین هستند.عفو وعذاب بدست خداوند است وآسمان وزمین دراختیار اوست وهیچکس دراین امر امتیازی ندارد.

قُلْ يا أَيُّهَا الَّذينَ هادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِياءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ (۶الجمعه/)

بگو: ای یهودیان! اگر می‌پندارید که از میان مردم، تنها شما دوستان خداوندید اگر راست می‌گویید پس باید متمایل به مردن باشید. {در حالی که همیشه از مرگ نگرانید}

> **خودبرتربینی قدسی توالی فاسده وآثار شومی دارد یکی از آن آثار که زندگی را بر خود ودیگران سخت وتلخ می‌سازد این است که چنین شخصی همواره احساس وظیفه الهی می کند که دیگران را ارشاد وافکار فرآورده خویش راکه حق مطلق می داند بردیگران تحمیل نماید**

مقتضای توحید سلب هرگونه پرستش است وپرستش وابستگی های خود وخودی از زشت ترین چهره های شرک محسوب است .

أَ رَأَيْـــتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ أَ فَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكيلاً (الفرقان /۴۳)

خودبرتربینی قدسی توالی فاسده وآثار شومی دارد یکی از آن آثار که زندگی را بر خود ودیگران سخت وتلخ میسازد این است که چنین شخصی همواره احساس وظیفه الهی می‌کند که دیگران را ارشاد وافکار فرآورده خویش راکه حق مطلق می دانـــد بردیگران تحمیل نماید ودر صورت مقاومت با آنان بستیزد وازاین رهگذر به خیال آنکه آنانرا به بهشت برین واصل کند زندگی آنان را را به جهنمی سوزان تبدیل سازد.

سعدی شاعر نامدار ایرانی این گونه برتربینی را «شرک تقوا نام»عنوان داده یعنی این خصلت شرکی است که پوشش تقوا دارد.

برخیز تا یکسو نهیم این دلق ازرق فام را
برباد قلاشی دهیم این شرک تقوا نام را

احادیث منقول از اهل بیت(ع)

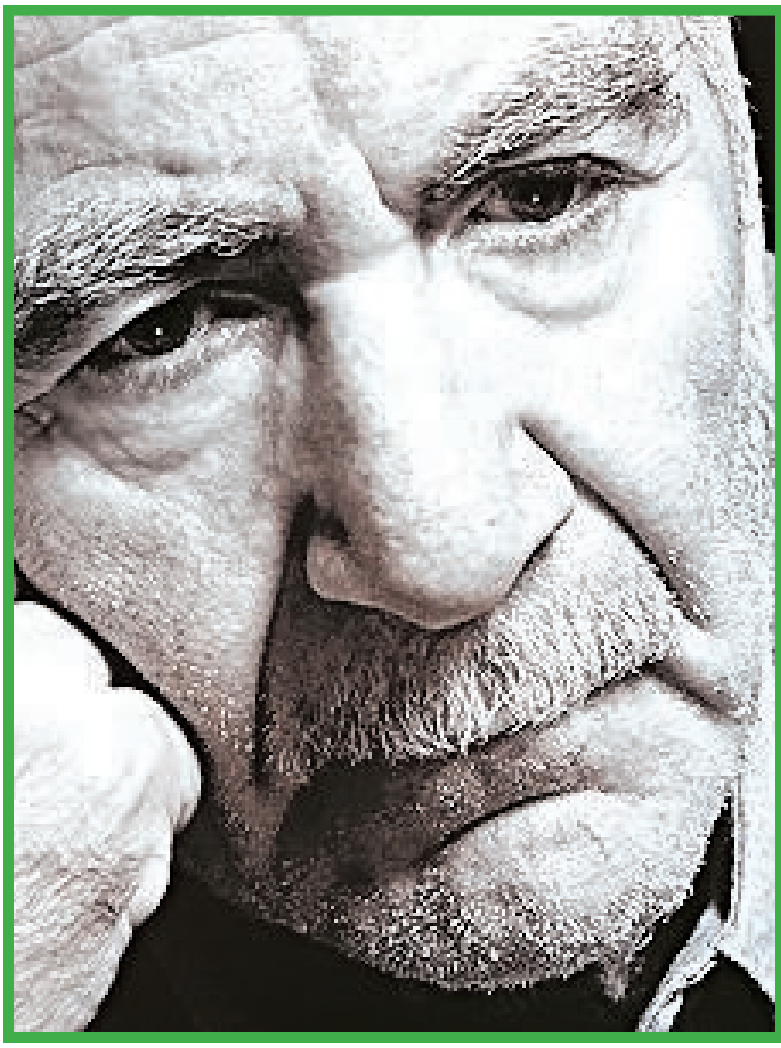
در میان احادیث واصله از پیشوایان شیعه روایات متعددی وجوددارد که حاوی همین مفهوم است .من برای نمونه به یک حدیث اشاره میکنم:

درایـــن حدیث امام (ع) ده نشـــانه برای خردمندی میشمرندبه شرح زیر:

«عقل کسی کامل نیست مگر اینکه در او ده خصلت باشد: از او امید خیر برود، مردم از شر او در امان باشند، کار خوب دیگران را بزرگ بشمارد - گرچه کوچک باشد، کار خوب خود را کم بشمارد- گرچه زیاد باشد، از مراجعه دیگران برای احتیاجاتشان خسته نشود، در طول زندگی از طلب علم خسته و دلسرد نشود، فقر در راه خدا را از ثروت بیشتر دوست بدارد، ذلّت در راه خدا از عزّت در کنار دشمن خدا برایش محبوبتر باشد، و میل او به گمنامی از مشهور شدن بیشتر باشد.

سپس فرمود: اما خصلت دهم که خیلی مهم است این است: همه را از خود بهتر و پرهیزگارتر ببیند. وقتی شخص بد و پستی را ببیند، بگوید او بهتر از من است، زیرا چه بسا خیر او در درونش پنهان است، بر خلاف خیر من که ظاهر است. و اگر فردی را ببیند که از خودش بهتر و پرهیزگارتر است، برای او تواضع کند تا به درجه او برسد. و چون این خصلت را دارا شد، بزرگواری اش بالاتر می رود، خیر و خوبی اش بهتر و پاکتر می‌گردد، پاداش نیکو دریافت می‌کند و سرور اهل زمان خود می‌شود. (تحف العقول، ص ۴۴۳)





استاد

گزین گفتارهای استاد دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی
«دُرّ سخن» فیلسوف

■ امیر اسماعیلی



آنچـــه می خوانید بخش هایی اســـت از گفتارهای قصار گونه اســـتاد دانشمند و فیلسوف شاخص معاصر آقای دکتر دینانی که به منا سبت های مختلف بیان کرده اند. آنچه در این گفتارها جالب است ، عقلانیت ، اعتدال ، تازگی و ناب بودن آنهاست که مبدل شان می کند به جمله هایی سبز و بهاری و جانبخش.

دکتـــر دینانی فیلســـوف شـــاخص روزگار ما در این گفتار دســـت گل هایی دمـــاغ پرور از گلســـتان عشـــق و معنا و معرفـــت را یکجا به ارمغان آورده اســـت.

تاریخ، آگاهی به تاریخ است.
فلسفه تاریخ، جز بررسی تاریخ بر اساس فکر، چیز دیگری نیست.
انسان، تنها موجودی است که تاریخ را تجربه می‌کند، چون به زمان آگاه است.
تاریخ، ثبت وقایع نیست بلکه ظهور بیرونی ربط درونی است.
زبان مدرنیته این است که فردا همیشه بهتر از امروز است.

جهانی که موجودات مختار دارد و گاهی شـــرور در آن پیدا می‌شود، بهتر از جهانی است که موجودات مختار ندارد.
اختیار، شر را ممکن می‌سازد ولی ارزش اختیار والاست.
مشکلاتی در زندگی انسان هست که علم از عهده حل آن برنمی‌آید؛ مانند اخلاق و راه درست.
آگاهی، همیشه معاصر است.

هیچ چیـــز در صورت حقیقی ظاهر نمی‌شود، مگر آگاهی.
هر چیـــزی در وجه خود شـــناخته می‌شود.
توجه کردن یعنی به وجه چیزی توجه کردن.
ذات هیـــچ موجـــودی را نمی‌توان شناخت.
هدف از زندگی، بیرون از زندگی است و آن، جاودانگی است.
همیشه غایت شیء،بیرون از شیء است.
شیء با مشیت خدا شیء می‌شود.
معلول، وجهی از علت را نشان می‌دهد اما یافتن علت، یافتن همه معلول است.
علم بدون معلوم نداریم.
عشق بدون معشوق نداریم.
مقید بدون مطلق نداریم.

مقید، قید زدن مطلق است.
محدود،حد زدن نامحدود است.
انسان باید مراقب باشد که مقید را به جای مطلق نگذارد.
هیچ چیزی به خـــودی خود محدود نیست و همه موجودات در غیر خودشان محدودنمی‌شوند.
پایان جسم، سطح؛ پایان سطح، خط و پایان خط؛ نقطه است.
نقطه،خودبی‌شکل است.
شکل‌ها از بی‌شکلی،رنگ‌ها از بی‌رنگی و سخن از بی‌سخنی می‌آید.
بیان، قدرت غیرمتناهی دارد که از متناهی در می‌آید.
زبان، چون «درباره» عالم است پس از عالم‌نیست.
چیزی «درباره» چیزی است که خارج از آن باشد.
طلب معلوم ومجهـــول مطلق، محال است.
اندیشه بدون زبان و زبان بدون اندیشه وجود ندارد.
اندیشه، خانه زبان است.
منطق، زبان فطرت است.
زبان، بالذات متافیزیک است.
انبیا، معجزات را برای اهل ظاهر آوردندو عاقلان، با سخن انبیا جذب می‌شدند.

سخن حکیمانه، جاودان است.
بزرگ‌ترین معجزه، معجزه زبان است.
نخستین سخن، جز از سخن نخستین نمی‌آید.
سخن نخستین، نخستین ظهور آگاهی است.
آن جا که فجر اندیشـــه با سخن آغاز می‌شود، گوهر آدمی نیز به روشنی از حقیقت سخن نمایان می‌گردد.

سخن هرکس، آیینه روح اوست.
سؤال از چگونگی، زبان علم و سؤال از چیستی، زبان متافیزیک است.
علم، در دامن فرا علم رشد می‌کند.
چراغ عقل، پرسش است.
پرسش، تقوای عقل است.
پرسش، خصلت خلاقیت نفس است.
سؤال، مهم‌تر از جواب است.
بهترین پرســـش‌های انسان، در زمان کودکی مطرح می‌شـــود و آن، پرسش از چیستی است.
در زبان، معنا به سمت لفظ می‌رود و لفظ مورد نظر خود را پیدا می‌کند.
الفاظ، وصل به عالم معنا هستند و با توجه به گوینده و شنونده، به عالم معنا می‌رود.
زبان، منشأ غیبی دارد.
پایین‌ترین مرتبه زبان، الفاظ است.
ساختار زبان در همه انسان‌ها یک چیز است و تفاوت، در واژه‌هاست.
وطن همه متفکران بزرگ یکی است و زبان یکدیگر را می‌فهمند.
گوش کردن، در زبان اتفاق می‌افتد.

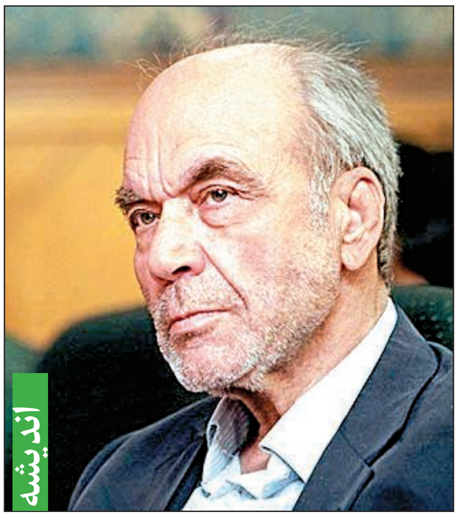
واقعیت، در پرتو ارتباط گوینده و شنونده ظاهر می‌شود.
سکوت، آن‌جاست که حرفی برای گفتن باشد.
ســـکوت واقعی آن‌جاست که سخن دیگر قدرت نداشته باشد.
اگر اندیشه تازه‌ای نباشد، زمان تازه‌ای نیست .
زمان برای کسانی که آگاه هستند، همیشه حال و تازه است.
زمان، تجلی درک روایتگری انســـان است.زمان، صورت ازلیت است.
زمان حال،حال آدمی است.
انسان، در هر حالی یک عالم دارد.

اگر حال انفســـی را به چنگ بیاوریم هم گذشته را داریم و هم آینده را.
حاضر، پر از گذشته و در بردارنده آینده است.
هر اندیشه‌ای، وصل به گذشته است.
گذشته، همواره در اکنون وجود دارد.
وقتی گذشته را به نفع آینده استفاده کنیم از اسارت گذشته رها می‌شویم.

تذکر، همیشـــه فکر به گذشته نیست بلکه فکر به آینده نیز هست.
فقط با تفکر است که گذشته به آینده می‌پیوندد.
اگر کسی بتواند با هر فیلسوف گذشته‌ای هم‌زبان شود، او را به عصر حاضر می‌آورد.
ماضی این دنیا، تاریخ است؛ ولی ماضی آخرت، کل دنیاست.
واقعی امروز، مثالی دیروز است .

زمان، نخســـتین خشت تفکر فلسفی است.
هر چیز که در زمان، هست، زمان بر آن احاطه دارد.
چیزی که با زمان است، آن چیز بر زمان احاطه دارد و آن، دهر است.
چیزی که با دهر است، سرمد است.
مادامی که در زمانی، سخن از بقا مکن!
تنها چیزی که زمان به انسان می‌دهد، خود زمان است و انسان را زمانی می‌کند .
هر موجودی که در زمان و مکان هست، فانی است.
هر موجودی که تغییـــر می‌کند و با خودش برابرنیست، فانی است.
انسانی که در زمان است،با خدا نیست.
دروازه ورود به زمان،لحظه است.

زمان بدون مکان و مکان بدون زمان نداریم.



چرا «اعتدال» فضیلت است

■ دکتر رضا داوری

یونانیان که بنای نظم جهان را بر عدل و اعتدال می دیدند، معتقد بودند که سیاست باید با این نظم هماهنگ و متناسب باشد. براین مبنا بود که ارسطو اعتدال را در اخلاق و سیاست مورد بحث قرار داد و آن را به صورت تازه ای تعریف کرد و میزان عمل قرار داد. ولی نباید استنباط شود که یونانیان آراء و نظرهای سیاسی خود را برمبنای مطالعات نجومی و کیهانی بنا کرده اند. آنها نظر درست و عمل عادلانه را موقوف به زندگی در مدینه می‌دانستند و معتقد بودند که میان عمل و نظر و نظم جهانی تناظری وجود دارد.

پیامبر عظیم الشأن اسلام هم وقتی قیام زمین و آسمانها را به «عدل» دانست، می‌خواست براهمیت عدل تأکید فرماید نه اینکه عدل را مستنبط از نظام فلکی بداند. افلاطون و ارسطو صورت عدل آسمانی را در مدینه انسانی طلب کردند و با این نظر بود که طراحی راه قانونگذاری بشری و سیاست عقلی آغاز شد. هرچند که این راه تا دوره جدید پر رهرو نبود، فیلسوفان یونانی صورتی از قواعد عمل در سیاست و اخلاق را تدوین کردند.

آنان عمل شایسته را «فضیلت» خواندند و در بیان و تعریف فضیلت آن را اعتدال به معنی بودن میان دو حد افراط و تفریط دانستند. سؤال این است که آیا عقل عملی و فرونزیس (فضیلت عقلی) کسب کردنی است و اگر باشد آن را از کجا باید به دست آورد؟ به این پرسش در مجال دیگر باید اندیشید. اکنون به نظر می‌رسد که اگر این فضیلت موجود باشد اعتدال هم هست. پس همه مشکل در نقصان و پوشیدگی فضیلت عقلی است.

نباید گمان کرد که بی‌اعتدالی را اشـــخاص افراطی و تفریطی به جهان می‌آورند و افــــراط و تفریط را با اقدامها و تصمیم‌های سیاسی و با وعظ و نصیحت می‌توان علاج کرد. مسلماً اشخاص استعدادهای متفاوت برای قرار گرفتن در وضع اعتدال یا در دو جانب افراط و تفریط دارند اما افراط و تفریط مردمان بیشتر به تاریخ و جهان انسان بستگی دارد. مثلاً در جهان توسعه نیافته که بنیان تاریخی استوار ندارد و با تعادل و تناسب بنا نشـــده است افراط و تفریط یک امر شایع و عادی است و نمی‌توان و نباید توقع داشت که به زودی و آسانی گردش چرخ آن برمدار اعتدال قرار گیرد.

ما معمولاً افراط و تفریط را به اشخاص و گروهها نسبت می‌دهیم و البته اشخاص و گروههای اهل افراط و تفریط هم وجود دارند اما مسئولیت تمام آفات و زیان‌هایی که از افراط و تفریط حاصل می‌شود، برعهده آنان نیست. آنان اگر در جایی بودند که زمینه برای افراط و تفریطشان وجود نداشت راه دیگری پیش می‌گرفتند.

این سخن را برتوجیه نادانی اهل افراط و تفریط نباید حمل کرد. این نادانی، نادانی وجودی و تاریخی است و به این جهت به صرف آموزش نمی‌توان آن را تدارک کرد. وقتی کســـی سفید را سیاه و زیبا را زشت و نفرت را مهر و ظلم را عدل و کدورت را صفا و بی‌خردی را خردمندی و دروغ را راست و ... می‌انگارد، فهم و درک و جهانش باید دگرگون شــــود تا از کج‌بینی به درآید وگرنه صرف بحث و نزاع با او ثمری ندارد و شاید به جایی نرسد. گفتگو با کسی که گوش سخن نیوش ندارد بیهوده است. به این جهت ملامت آنان و گذاشتن تمام بار تقصیر برگردنشان اصل مشکل افراط و تفریط را حل نمی‌کند، بلکه مسئله را منتفی می‌سازد. وقتی جهل را با افراط و تفریط ملازم می‌دانیم، متذکر باشیم که این جهل در برابر خرد قرار دارد و به معنی بی خردی است. چنانکه اشاره شد در وضع توسعه نیافتگی، اعتدال و خرد علمی اگر حکم کیمیا نداشـــته باشد، ظاهر و حاکم نیست. مع هذا بشر همیشه هرجا باشد می‌تواند تا حدی از این فضیلت برخوردار باشد و در جهان توسعه نیافته نیز شاید عدّه معدودی از آنها وجود داشته باشند. در شرایط کنونی امر امیدوارکننده این است که در علم و فرهنگ به اعتدال مایل شده‌ایم و در آراء همگانی هم از اندیشه و فکرت اعتدال استقبال شده است. این استقبال نشانه آن است که ما کم و بیش با وضع فکر و امکان‌های عمل در جهان کنونی آشنا شده ایم و در زندگی عمومی و در جامعه خود بی تعادلی و دوری از اعتدال در رفتار و کردار و در اخلاق و سیاست را آزموده‌ایم و چون بی‌اعتدالی بیشتر در سیاست ظاهر شده است عکس‌العمل آن هم سیاسی بوده است.

در وضع سیاسی کنونی مراد از اعتدال، بیشتر واقع‌بینی و شناخت جایگاه امور و اشیاء و پرهیز از اشتباه میان امور و مراتب آنها و اکتفا نکردن به حرف و لفظ و قدم گذاشتن در راه اصلاح امور است و به این جهت بیشتر یک شعار سیاسی است. مع هذا از تاریخی بودن این شعار نباید غافل شد و پیداست که حل مشکل تاریخی دشوار است. برای تحقق اعتدال ابتدا باید بپذیریم که در راهی دشوار قرار داریم و چیزی را می‌طلبیم که به آسانی نمی‌توان آن را به دســـت آورد. افراط و تفریط صفت بعضی اشخاص نیست که اگر دستشان از کارها کوتاه شود، از اثر بیفتد و مگر کوتاه کردن دست افراطی‌ها و تفریطی‌ها در جهان افراط و تفریط کار آسانی است؟

در ماه‌های اخیر که مردم با شادی و امید از اعتدال استقبال کرده‌اند، باید در عین توجه به اینکه جان‌ها کم و بیش پرورده فضای افراط و تفریط است و آثار افراط و تفریط را در همه‌جا میتوان یافت، به شرایط اعتدال اندیشید و راهی برای خروج از افراط و تفریط جست. چگونه از این وضع می‌توان خارج شد؟ افراط و تفریط صرفاً با انکار و تقبیح و تبری جستن لفظی از آنها و ایراد سخنان انتزاعی از میان نمی‌رود زیرا با جان و دل مردمان درآمیخته و در متن زندگی و روابط و مناسبات و فهم و درک آنان نفوذ کرده است. این خروج موقوف به تحولی در وجود ما و نزدیک شدنمان به فضیلت عقلی است. اعتدال نه یک امر موجود بلکه یک وضع خواستنی است و باید به وجود آید و هرگز امکان به وجودآمدنش را نمی توان نفی کرد.

مع هذا در جهانی که با عقل تقلیدی می اندیشد و احیاناً از عقل به لفظ آن راضی است، پدیدآمدنش آسان نیست. در شرایطی که فساد به سرعت گسترش می‌یابد و در کار معاش و درمان و بهداشت و آموزش و اقتصاد هزار خلل و مشکل وجود دارد و چنانکه باید به علاج این دردها و گذشت از این مصیبت‌ها و ابتلاها نمی‌اندیشند راه اعتدال بسته می‌ماند. برای رسیدن به اعتدال ابتدا باید بتوانیم به این مسائل بیندیشیم و از قول و فعل بیهوده درگذریم و به عین مسائل برسیم. درک درست مسائل شرط اعتدال است. با خودآگاهی به وضع فقدان تعادل و اعتدال است که راه گذشت از افراط و تفریط و رسیدن به اعتدال گشوده می‌شود . اعتدال شناخت وقت و انس با زمان است و همه افراط و تفریط‌ها هر جا که باشد، از بیگانگی با زمان و معلق ماندن در اوهام برمی‌خیزد.

باتوجه به آنچه گفته شد اعتدال شرط برنامه ریزی و عین آینده بینی است. سخن اوایل این نوشته را به یاد آوریم که راه رسیدن به تعادل و اعتدال در جهان توسعه نیافته، راهی بسیار ناهموار و دشـــوار است اما این راه بر هیچ قوم و مردمی بسته نیست. وقتی امید به اعتدال و آینده در دل‌ها پدید می‌آید و زبان افراط و تفریط کم و بیش بازشناخته می‌شود و مردمان نسبت به پریشانی و آشوبی که در معانی عدل و ظلم و آزادی و استبداد و قدرت و حقیقت و علم پدید آمده است به خودآگاهی نسبی می‌رسند، اقامت در مهلکه و مخافتگاه افراط و تفریط برایشان دشوار می‌شود و باید راهی برای رسیدن به جایگاه امن بیابند.

در جهان مبتنی بـــه افراط و تفریط، هیچ یک از ما نباید خود را به کلی بیرون از محیط افراط و تفریط و بر کنار از آن بدانیم بلکه باید به افراط و تفریط در زمانه عسرت بیندیشیم و صورت‌های آن را بازشناسیم. برای آشنایی بیشتر با وضع اعتدال و افراط و تفریط بد نیست که در نظر آوریم که در جهان رو به توسعه گروههایی از مشتغلان به کار سیاست با نظم سیاسی موجود به هیچ وجه ســــر موافقت و سازگاری ندارند و با آن شمنند

گروه دیگر به یک نظم آرمانی که آن را تحقق بخش همه آرمان‌ها می‌دانند قائلنـــد. آرمان یک نظام دینی و معنوی، امر مهم و بزرگی است که اگر گمان کنند با اتخاذ تدابیر معمولی و اقدام‌های رسمی و با برگزاری صرف مراسم آئینی متحقق می شود آن را بسیار ناچیز انگاشته‌اند زیرا نظم آرمانی (آرمان که می گویند مراد معنی لفظی و لغوی آن یعنی آرزو نیست بلکه منظور یک نظم اخلاقی و عادلانه در زندگی است)

نه در گذشته وجود داشـــته است و نه هم‌اکنون وجود دارد بلکه باید در آینده ساخته و پرداخته شود و این ساختن و پرداختن موقوف به دانستن طرحی برای آینده و راهی برای تحقق بخشیدن به آن است.من که از چهل سال پیش همواره به این نظم آرمانی (ایده‌آل) می‌اندیشیده‌ام، همواره در نظر داشته ام و در نظر می‌آورده‌ام که پدید آمدن نظم تازه مستلزم تحول در وجود مردمان و مسبوق به ظهور تفکر آینده بین و توانایی عبور و گذشت از تمامیت تاریخ عظیم تجدد است. به جای مردم و به عنوان مظهر خرد و خردمندی نمی توانیم اظهارنظر کنیم بلکه باید با مردم همزبان شویم. حکومت هم باید از در همزبانی و همداستانی با مردم وارد شود تا بتواند به نمایندگی از مردم سخن بگوید و عمل کند. کشور به گروه خاصی از مردم تعلق ندارد و همه باید بدانند و همواره به یاد داشته باشند که:

خلق سراسر همـــــــــه نهال خدایند
هیچ نه بشکن از این نهال و نه برکن

خلاصه کنم اعتدال یک امر روانشناسی یا صفت اخلاقی شخصی نیست و مخصوصاً آنچه امروز و اکنون در باب اعتدال گفته می‌شود، ناظر به اعتدال در سیاست و جامعه است. اعتدال در سیاست و جامعه این است که بدانیم در شرایط کنونی بهترین و مناسب‌ترین کارهایی که برای تأمیـــن مصالح و منافع کشور و مردم می توانیم و باید انجام دهیم کدام‌هاست و در چه کارهایی که انجام شده است و می‌شود، به مردمان زیان و آسیب رسیده است. سیاست اعتدالی باید از گسترش فساد و لاابالی گری در گفتار و عمل و نومیدی و شیوع روحیه رفع تکلیف به جای انجام وظیفه جلوگیری کند. اعتدال با امید نسبت دارد و البته امیدوار بودن توانایی می‌خواهد. هر چه آرزومندی و آرزو کردن آسان اســـت و جدا شدن از زمین واقع‌بینی و پرواز در ابرهای اوهام آسودگی خیال می‌آورد، امیدواری که با درد و خردمندی ملازمت دارد و متوقف بر آشنایی با زمان و برخورداری از درک شرایط و امکان‌های تاریخی است صبر و شکیبایی و طاقت می‌خواهد.

و نکته آخر اینکه: اعتدال و کمال طلبی (یا به اصطلاح نه چندان مناســـب "آرمان خواهی) در تقابل با یکدیگر قرار ندارند مگر آنکه کمال طلبی با ســـیر در ابرهای اوهام اشتباه شود. درست اســـت که مبتلایان به اوهام از اعتدال دورند اما مردمی هم که طالب کمال نباشند و مقصد و مقصودی نداشته باشند، راه نمی‌جویند و اهل فکر و عمل نیستند پس چگونه از اعتدال برخوردار باشند زیرا اعتدال مستلزم شناخت مقصد و راه و شرایط سیر در آن و گزینش وسایل مناسب برای رسیدن به غایات مطلوب است. اگر شرایطی که گفته شد فراهم شود، دروغ و فســـاد تا حدی از رواج می افتد و زبان‌ها و دست‌ها بالنسبه پاک و پاکیزه می‌شـــود. اعتدال اندیشدن به کارها و سخن‌ها و گفتن ســـخن راست و به موقع و مناسب و عمل کردن به موقـــع و به جا و یک زبان و همزبان بودن با خود و دیگران است. اگر می‌فرمایید اعتدال را با کمال مطلوب اشتباه کرده‌ام می‌گویم مگر اعتدال و عدل همان کمال مطلوب نیست؟ اعتدال فضیلت است و فضیلت مایه کمال آدمی و عین نظم عادلانه زندگی است.

سعادت

کندوکاوی پیرامون مفهوم خوشبختی

خوشبختی از جنس بهار است

■ دکتر محمد توکل ـ استاد دانشگاه تهران



خوشبختی را می‌شود حس کرد .تعریف خوشبختی، بیان خوشبختی، برشمردن شاخص‌های خوشبختی همیشه ناتمام مانده و می‌ماند. مفاهیمی از قبیل رفاه (ذهنی و معیشتی)، آرامش، خوشحالی، خوشی و سرخوشی، عشق و دوست داشتن، رضایت در زندگی، شوق زیستن، سرزندگی، امید، اعتماد، لذت، محبت، موفقیت، احساس پیروزی، یا برخوردار بودن از این ویژگی‌ها و ارزش‌ها مترادف با خوشبختی تلقی می‌شود و همین طور در ضدیت با کینه، نفرت، خصومت، بدبینی، حس انتقام، وحشت، اضطراب، بی‌حوصلگی، یاس، سرخوردگی، شک و تزلزل، بی‌اعتمادی، ترس، افسردگی، خشم، غم، نگرانی، حیرانی، حسادت، بی‌تفاوتی، ناخشنودی، خمودگی و انفعال، و شکست و مبرا بودن از این حالات و ویژگی‌ها تعبیر می‌گردد ـ در نتیجه خوشبختی یک مفهوم جاری است.

با این اوصاف، این حکم که خوشبختی بیان یک احساس درونی انسان است به عنوان یک واقعیت مهر تایید می‌گیرد ـ اما این جزئی از حقیقت است و نه تمام آن. بله، خوشبختی یک احساس درونی است تا وجود و تحقق شاخص‌های بیرونی ولی این بدین معنا نیست که به پارامترها و واقعیت‌های خارجی بستگی ندارد. دست یافتن به احساس درونی خوشبختی موکول و منوط به شرایطی انسانی ـ اجتماعی ـ تاریخی است که در چنبره آن فرد چنین احساسی را پیدا می‌کند یا نمی‌کند. بیان دیگر این حرف این است که با اینکه به نظر می رسد احساس خوشبختی تنها بروز یک احساس درونی باشد ولی در حقیقت تجسم وضعیتی انسانی است در طول فرایندی که در برگیرنده هم شرایط جسمانی، بیولوژیک و ژنتیکی است، هم شرائط و مقتضیات حیات فردی، و هم شرایط محیط اجتماعی ـ فرهنگی ـ و حتی تا حدی شرایط محیط طبیعی و جغرافیایی.

اگر چنین است خوشبختی هم علت‌شناسی دارد، به معنای شناخت عوامل مؤثر بر احساس خوشبختی و هم آسیب‌شناسی یعنی شناخت دلایل و عوامل نبود آن.

رویکردها و تحلیل‌های مختلف در مورد مقوله خوشبختی وجود دارد که اهم آنها عبارتند از:

ـ رویکرد فلسفی
ـ رویکرد عرفانی
ـ رویکرد اخلاقی
ـ رویکرد دینی
ـ رویکرد روانشناختی
ـ رویکرد زیست‌شناختی (وحتی شیمیایی)
ـ رویکرد جامعه‌شناختی

ولی در هر صورت و با هر رویکرد و تحلیلی احساس خوشبختی آنقدر مهم تلقی شده است که حتی بعضی «در جستجوی خوشبختی» را رسماً حق عام و جهانشمول انسانی و انسان‌ها دانسته‌اند.

در غالب تحلیل‌های خوشبختی و احساس انسانی آن بعد اجتماعی بعد برجسته‌ای است؛ هم در بودن احساس و هم در نبود آن. در نتیجه در جامعه‌شناسی خوشبختی هم شامل علت‌شناسی یا سبب‌شناسی احساس خوشبختی است و هم آسیب‌شناسی نبود احساس خوشبختی. و این چیز عجیبی نیست، چون حتی جامعه‌شناسی وجوه و مصادیقی از خوشبختی و خوشحالی هم وجود دارد. برای

جامعه‌شناسی خوشبختی هم شامل علت‌شناسی یا سبب‌شناسی احساس خوشبختی است، و هم آسیب‌شناسی نبود احساس خوشبختی. و این چیز عجیبی نیست، چون حتی جامعه‌شناسی وجوه و مصادیقی از خوشبختی و خوشحالی هم وجود دارد

مثال جامعه‌شناسی خنده که در جایی دیگر اخیراً در مورد آن صحبت کرده‌ام. همینطور است جامعه‌شناسی کینه که از مطالعات جامعه‌شناختی معرفتی ماندگار در مورد آن، کار ماکس شلر فیلسوف پدیدارشناس بزرگ است که با همین عنوان به چاپ رسیده و به چند زبان (و اخیراً به فارسی) ترجمه شده است.

مطالعات و گزارش‌های متعددی در سال‌های اخیر در مورد سنجش میزان احساس خوشبختی در کشورهای جهان و در مقایسه با یکدیگر انجام شده است. سؤالات عمدتاً حول ارزیابی افراد از احساس خوشحالی از زندگی و معیشت خود و نیز از احساس خوشبخت بودن خود هست. همینطور این سنجش‌ها بررسی ارتباط بین احساس خوشبختی با مؤلفه های حیاتی مثل دوستی، پول، قدرت، احترام و تکریم، و معنویت را مد نظر قرار داده‌اند. نکته جالب توجه این است که در غالب این مطالعات، دوستی و ارتباطات انسانی یکی از پارامترهای مؤثر در احساس خوشبختی بوده است ولی پول داشتن و پول خرج کردن به این میزان مؤثر تلقی نشده (این در تایید ضرب‌المثل قدیمی در خیلی از فرهنگهاست که خوشبختی را نمی‌شود خرید) در حالی که بیش از پول خرج کردن، پول خرج کردن برای دیگران به خیلی از انسان‌ها احساس خوشبختی داده است.

جامعه‌شناسان خوشبختی و شادی، نقش مثبت و تأثیرگذار مذاهب بزرگ در این قضیه را ناشی از تمهیدات و سفارشات آنها در ارتباطات اجتماعی و جمع‌اندیشی می‌بینند. مذاهب نه تنها در عبادات و ادعیه جمع‌گرا هستند بلکه در مناسک و مناسبت‌ها و آداب و شعائر نیز دعوت به جمع می‌کنند و مفسرین جامعه‌شناسی این‌گونه شبکه‌های جمعی و تشکل‌های اجتماعی را چارچوب و بستری برای همکاری، هم فکری و آگاهی‌رسانی و تبادل مشکلات فردی، جمعی و نهایتاً رأفت، معاضدت و حمایت‌های اجتماعی در مسیر رفع مشکلات و موانع عینی و ذهنی در احساس خوشبختی تلقی می‌کنند.

همین‌ها معتقدند که در قرائت‌هایی از مذهب که از خدا چهره‌ای قهار و جبار و از انسان متدین چهره‌ای عبوس ارائه می‌دهد، پیروان بیشتر به سوی غم و اندوه، سوق داده می‌شوند و بیشتر فردگرایی غالب است و اصالت غم یک فضیلت به حساب می‌آید، و بالعکس قرائت‌هایی از دین که خدا را رئوف و رحیم و بخشنده می‌نمایاند، همکاری و جمع گرایی بیشتر امکان بروز و تحقق می یابد و مؤمنین بیشتر بشاش و با نشاط و امیدوار و خوشحال و خوشبخت می‌نمایند.

یک مطالعه علمی ـ تطبیقی که اخیراً در دانشگاهی در استرالیا انجام شده، ایران را جزو افسرده‌ترین مردم جهان گزارش کرده است. بی‌شک چنین نتیجه‌گیری پژوهشی اگر درست باشد به خاطر پارامترهای ژنتیکی نیست و مانند سایر موارد و مصادیق افسردگی عوامل مهم اجتماعی ـ فرهنگی دارد و حتی برخلاف برداشت بسیاری تنها منشاء اقتصادی و فقر مالی و کمبود امکانات و کالاها ندارد. این افسردگی و نبود احساس خوشحالی و خوشبختی در کشوری وجود دارد که طبق آمار یک سال (۱۳۹۱) ما صادرات عظیم نفتی و درآمدهای بی‌حساب ارزی و واردات کم‌نظیر کالاهای متنوع در حجم وسیع را داشتیم، که بعضی از اقلام آن باورنکردنی است: ۲۶ تن کلاه‌گیس، ۷۴۰ تن آدامس، ۶ تن کراوات، ۱۲۵ هزار کیلو ریمل برای آرایش چشم، ۲۷ تن حلزون، ۶ تن چشم مصنوعی، ۵۰۰ کیلو مارمولک ۲۰۰۰تن سگ‌ماهی ، ۱۸۲ تن ماهی آکواریوم و ۹۷۳ تن بطری پلاستیکی! به امثال این لیست بلند بالا اضافه کنید انواع و اقسام کالاهای لوکس و ختم کنید به تعداد باورنکردنی اتومبیل‌های گران‌قیمت پورشه، مازراتی، ب‌ام‌و و بنز. اما چرا با وجود اینها عدم احساس خوشبختی و افسردگی رو به افزایش بود و شادی رو به تحلیل؟!

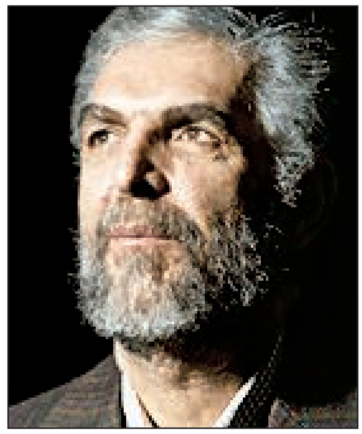
با یک گزارش تحقیقاتی، این مطلب را به پایان ببریم که کسانی که خوشحالند و احساس خوشبختی می‌کنند بهتر کار می‌کنند و در محیط کار کارآیی بیشتری دارند، سالم‌ترند و سن بیشتری می‌کنند، جامعه شادتر و امن‌تری می‌سازند و حتی مراسم مذهبی را بهتر و جذاب‌تر به جا می‌آورند. سعی کنیم شرایط مناسب این احساس، احساس خوشبختی و خوشحالی را بشناسیم و آن را محقق کنیم. انشاءالله

فرهنگ

درباره «کیفیت کیفیت‌ها» چه می‌دانیم؟

فرهنگ و کیفیت زندگی

■ دکتر حکمت‌الله ملاصالحی



در میان شمار موضوعات متعدد و مهم و حساس و کثیرالاضلاع و کثیرالافعال و پیچیده و پرچین و شکن مورد بحث و مناقشه متفکران و عالمان و متخصصان رشته‌های انسانی و اجتماعی و روان و رفتار و همچنین عالمان و پژوهشگران برخی رشته‌های طبیعی روزگار ما، موضوع فرهنگ و کیفیت زندگی و معنا و مقصد و غایت حضور انسان در جهان چونان هستنده‌ای فرهنگی و فرهنگ‌پذیر و تاریخمند از همه بحث انگیز و سؤال و مناقشه افکن و سرگیجه آورتر بوده است.



به لحاظ نظری و علمی نیز فرهنگ در اندیشه تاریخی و نظام دانایی دوره جدید جایگاه ویژه‌ای را اشغال کرده است. اصحاب فکر و فلسفه و فیلسوفان تاریخ و عالمان انسان و اجتماع هم با رویکردهـــای متفاوت هم با مقوله بندی‌ها و تعابیر متمایز درباره فرهنگ سخن گفته‌اند. رویکرد ارگانیک و زیستواراسوالد اشپنگلر به فرهنگ‌ها در طرح فلسفه تاریخش مقوله‌بندی عقلانی و احساسی یا آپولونی و دیونیزوسی نیچه در اندیشه‌های فلسفی‌اش تقسیم‌بندی فرهنگ به ابتدایی و عقب مانده و مدرن و پیشرفته لوسین لوی ـ برول و سرد و گرم لوی استروس و ساده و پیچیده انسان‌شناسان و باستان‌شناسان روزگار ما و مانند آن همه مویّد اهمیت ویژه فرهنگ به لحاظ نظری و علمی و موضوع و ابزار شناخت به انگیزه‌های مختلف در خدمت اهداف و اغراض متفاوت است.

ماده‌های فرهنگی ملموس و محســـوس همه جا در دسترس ما قرار دارند. هرجا که هستیم به انحاء مختلف و با اشـــکال و ابعاد و اندازه‌ها و صورت و سیمای متفاوت در درون زندگی ما برصحنه نقش دارند و بی‌واسطه دیده و زیسته می‌شوند و در خدمت مقاصد و در پاسخ گفتن به نیازمندی‌ها و خواست‌ها و نیات و غایات ما نیز عمل می‌کنند. با این همه فرهنگ خود چونان این یا آن شیی یا کمیت مادّی مشخّص و ملموس یا ابژه بیرون از ما و نهاده و ایستاده پیشاروی ما نیست. از جنس اشیاء و کمیت‌های مادی هم نیست که به سهولت تسلیم ذهن و اندیشه و خرد و دانش و دانایی و فهم و وهم ما بشود. مادّه‌های فرهنگی نیز کمیّت‌های مادی از نوع ماده‌های

مادّه‌های فرهنگی یا کالبد مادی فرهنگ جلوه سارهای ملموس از نحوه بودن و سطح و عمق کیفیت زندگی آدمی در جهان هستند، نه چونان یک کلیت و ساختار ارگانیک یا انداموار زنده و پویا و کیفیت زندگی آدمی تقسیم‌پذیر به کمیت‌های مادی و تحویل‌پذیر به اندازه‌های کمّی

خام طبیعی نیستند. آن‌ها جلوه‌های ملموس از کیفیت ناملموس فرهنگ و زندگی و نحوه بودن ما در جهان هستند.

فرهنگ و کیفیت زندگی آدمی از نوع نشانه‌های ارقامی و عددی و صورتبندی‌های انتزاعی ریاضی یا اشکال هندسی با حدود و خطوط ســـاده و صاف و شفاف و مشخص نیز نیستند که به آسانی و با دقت ریاضی و نظم هندسی بتوان با خط کش و شاقول حدود و خطوطشان را ترسیم و مشخص و تعریف کرد. فرهنگ علی رغم کالبد و پیکرمادی ملموس و محسوسش از جنس کمیت‌های مادّی اندازه پذیر نیز نیست که در ترازوی اعداد و ارقام و اندازه‌های کمی بشود درباره‌اش داوری کرد.

مادّه‌های فرهنگی یا کالبد مادی فرهنگ جلوه سارهای ملموس از نحوه بودن و سطح و عمق کیفیت زندگی آدمی در جهان هستند با این همه فرهنگ خود چونان یک کلیت و ساختار ارگانیک یا انداموار زنده و پویا و کیفیت زندگی آدمی تقسیم‌پذیر به کمیت‌های مادی و تحویل پذیر به اندازه‌های کمّی نیز نیستند و در ترازوی اعداد و ارقام و کمیت‌های مادی هم درنمی گنجند.

فرهنگ و کیفیت زندگی انسان سرشتی انداموار یا ارگانیک و زنده و پویا و پیوسته داشته و اجزاء آن چونان اعضاء زنده و فعال بهم پیوسته، پیوستگی و پیوند پیکروار با یکدیگر دارند. تحویل پذیر یا فروکاستنی به سیستم‌ها یا سامانه‌های مکانیکی و ماشینی متشکل از مجموعه یا مجموعه‌هایی از پیچ‌ها و مهره‌ها و دنده‌ها و دندانه‌ها و فنرهای مشخص مفصل‌بندی و جفت و بست داده و کنار هم چیده شده نیز نیستند.

زندگی آدمی به معنای اخّص آن و فرهنگ به مفهوم اعم و کلی و حداکثری آن به مجموعه‌ای از رسم‌ها و عادت‌ها و آداب یکنواخت و یکدست گروه‌های انسانی فروکاستنی و تعریف‌پذیر نیست. فرهنگ متشکّل از این‌ها همه است لیکن تنها این‌ها همه نیست. فرهنگ همیشه چیزی بیش از این‌ها همه است. چنان که کیفیت زندگی آدمی و نحوه بودن او در جهان هماره بیش‌تر و فراتر و فراسوی همه این وصف‌ها و تعریف‌ها و تصویرهـــا و جلوه‌های بیرونی در جهان، روی پوسته نازک و سرد و شکننده عبار کیهانی که زمینش نام نهاده‌ایم افق گشوده و سر برکشیده است.

هر فرهنگی چونان یک کلّیت پیکروار و زنده و پویا و فعال در تاریخ افق گشوده و کیفیت زندگی و نحوه بودن و حضور انسان در جهان در اقلیم و عالم آن رقم و قلم زده شده است. فرهنگ بمانند مجموعه‌ای از اجناس و فرآورده‌های فرهنگی رنگارنگ و متفاوت در انبـــان ذهن آدمیان و انبار جامعه‌ها نیست. فرهنگ اصلاً مجموعه نیست. از وحدت درونی و پیکروار برخوردار است.

هر فرهنگی در هر مقطـــع زمانی و مرحله تاریخی و جغرافیایی که برصحنه آمده و در پرده نمایش با بازیگرانش حضور داشته نوعی حسّ مشترک و فضای مشترک وجودی خـــود را توام با همبودی (co-existence) همزیســـتی (symbiosis) میان عاملان و فاعلان انسانی مشارکت‌کننده و بازیگران برصحنه و در پرده نمایش را بیان کرده و تصویر و تفسیر خاص خود را نیز از جهان از هستی از معنا و معرفت و حقیقت چیزها ترســـیم و تعریف کرده است. با این همه فرهنگ این‌ها همه اســـت و تنها این‌ها همه نیست. کیفیت زندگی و نحوه بودن انسان در جهان چونان وجودی فرهنگی و فرهنگ‌پذیر و فرهنگ‌ساز در اقلیم و عالم فرهنگ قلم و رقم خورده است. فرهنگ جلوه‌ای از وجودیّت انسانی آدمی و نه موجودیت حیوانی او در جهان است.

آشامیدن و آرمیدن، ترسیدن و رمیدن، جفت گرفتن و توالد و تناسل و نوزاد آوردن و نوزاد پروردن، میراث و فصل مشترک طبیعی ما با جانوران دیگر است. تا آنجا که با موجویت ما مرتبط می‌شود ما با دیگر انواع طبیعی بر خوان ضیافت یک میراث مشترک طبیعی گرد آمده‌ایم و همسفره‌ایم. لیکن نحوه آشـــامیدن و آرمیدن، آداب و ادب زندگی، شیوه زوج اختیار کردن و فرزندداری و فرزندپروری نه صرفاً غریزی و طبیعی یا ژنتیک و وراثتی که عمیقاً که عامدانه و آگاهانه و اکتسابی سرآغاز تمایز میراث مشترک بشری ما و فرهنگی ما با میراث طبیعی و حیات وحش و دیگر انواع طبیعیست. این سرآغاز صرفاً تاریخی نیســـت. بیداری عمیقاً روحانی و معنوی و متعالی ست.

فرهنگ نقطه عزیمت، حرکت و افتتاح حضور انسانی ما در جهان چونان هستنده‌ای فرهنگی و نحوه بودنی عمیقاً کیفی و معنویست که اصطلاحاً در وصفش از چنین اصطلاحی استفاده می‌شود. نحوه بودنی معنادار و معنامند (Meaningful) و نیتمند (Intentional) و غایتمند(Teleological) و تعالی جویانه (Transcendental) با وجوه هســـتی شناختی و لایه‌های معرفت شناختی فوق‌العاده غنی و عمیق و درهم تنیده با کیهانی از ارزش‌ها و باورها و سنت‌های اعتقادی و نظام‌های فکری و سبک‌ها و نحوه‌های رفتاری و امور کیفی و تجربه‌های اصیل و عمیق وجودی بمانند مرگ آگاهی و گناه آگاهی و شرم آگاهی و ترس آگاهی ورازورزی و حیرتزدگی و یا در تقابل با این‌ها همه بمانند دلشورگی و اضطراب و از خویش بیگانگی و جنون گرفتگی و مسخ شدگی و استدراج و تهی بودگی و ره گم کردگی و انحطاط معنوی و مانند آن.

فرهنگ‌ها در هر کجـــا و در هر مقطع زمانی و مرحله تاریخی ظهور کرده و افق گشوده‌اند بر زمینه و شانه کیهانی از ارزش‌ها و باورها و زیسته‌ها و دانسته‌ها و تجربه‌های عمیق و اصیل وجودی و پاسخ به ضرورت‌ها و نیازمندی‌های گوهرین و مشترک عالم بشری ما بنیاد پذیرفته‌اند. فرهنگ کیفیت زندگی و مصداق نحوه بودن انسان در جهان مبتنی بر کیفیت به معنای گوهرین و عمیق آن است.

جهان پیرامون ما پر از کمیّت‌های مادّی و مادّه‌های خام رها شده در طبیعت است. کمیت‌های مادّی که منابع حیاتی ما را تامین می‌کنند. این مادّه‌های خام طبیعی و کمّیت‌های مادّی و منابع خام و حیاتی و ضروری رها شده در جغرافیای طبیعی وقتی روی آن‌ها کار فرهنگی می‌شود بصورت مادّه‌های فرهنگی در استخدام انسان در می‌آیند و مورد استفاده گروه‌های انسانی قرار می‌گیرند؛ دیگر ماده‌های خام طبیعی رها شده در جغرافیای طبیعت محسوب نمی‌شوند.

ماده‌های فرهنگی شـــده‌اند و احراز هویت فرهنگی کرده‌اند. به همین دلیل نیز مهر صفت فرهنگ را بر پیشانیشان زده و ماده‌های فرهنگی (Cultural material) اطلاقشان می‌کنیم و می‌شناسیم و می‌پذیریم و تعریفشان می‌کنیم. یعنی کمیّت‌های مادّی و مادّه‌های خام طبیعی که کیفیّت و هویّت و صفتی فرهنگی پذیرفته‌اند. در درون جغرافیای فرهنگ بشری ما در جایگاه فرهنگ‌های مادّی (Material cultures) هر کدام نقش ویژه خود را برشانه گرفته و بازی می‌کنند.

بر همین سیاق و به همین نحوه یک پدیده یا عارضه طبیعی در جغرافیای طبیعت یک رشته یا قله کوه بمانند البرز کوه و قله دماوند یا بیستون یا طور(کوه) سینا در فلسطین یا المپ در یونان یا یک چشمه و برکه و دریاچه و درخت و غار و مغاره و صخره و سنگ و اجرام آسمانی و مهر و ماه و اختر و آذرخش و قس‌علی‌هذا وقتی اسطوره‌ای و مقدس و آیینی می‌شوند جامه تشخّص‌های الوهی برتن می‌پوشند و محمل خاطره و واقعه و معنا و معنویتی فراتر و ماوراء طبیعت خود می‌شوند و فراخوانده می‌شوند تا تجربه و حضور معنوی و فرهنگی و وجودی و کیفیّت زندگی و نحوه بودن و تصویر و تفسیر آدمیان را از انسان بودن خویش از جهان از هستی یا از هر واقعیتی بیان کنند.

آن‌ها دیگر کمیّت‌های مادّی و مادّه‌های خام طبیعی و پدیده‌ها و عارضه‌های رها شده و بی‌طرف در جغرافیای طبیعت نیستند. مادهها و پدیده‌ها و عارضه‌ها و واقعیت‌های فرهنگی تلقی و تعریف می‌شـــوند و بسط نحوه بودن و حضور فرهنگی و معنوی و کیفی و کیفیّت زندگی ما را در جغرافیای طبیعی فرهنگی و وجودی شده بیان کرده و باز می‌نمایند.

این که می‌بینیم در سنت‌ها و باورهای دینی رویدادها و پدیدارهای طبیعی در تناظر با وجود آدمی تعریف و فهمیده و زیسته می‌شوند به تصادف نیست.

آن نسبت زنده و عمیقاً معنوی و متعالی و وجودی مبتنی بـــر حضور و اصل تناظر و کیفی و روحانی و راز آمیز و راز ورزانه در دوره جدید جای خود را به نسبتی عمیقاً ذهنی و انتزاعی، کمی و بغایت قهرآمیز و خشونت‌بار و صرفاً سوداگرانه داده است که با سرشت کیفی فرهنگ و کیفیّت زندگی آدمی ناموافق و ناسازگار است و دوخته‌هایش نیز برقامت زندگی آدمی ناموزون. طبیعت و مادّه‌های خام طبیعی نیز در سنّت‌های اصیل دینی نیز همه جلوه و تمثیلی از مراتب متعالی‌تر وجود



بود هم مرتبط و متّصل با کل هستی دیده و زیسته و فهمیده می‌شد. چیزی که در نظام دانایی دوره جدید انکار می‌شود.

فرهنگ‌ها بغایت رنگارنگ‌اند و پرنقش و نگار و نگارین. با این همه، اثبات رنگارنگی و تنوع‌شان موجب سلب وحدت بنیادین، درونی و پیکروار یا ارگانیک آن‌ها نمی‌شود. چنان که یکتایی و یگانی حضور انسان در جهان که نه کسی می‌تواند جای او متولد شود و نه در مقام و موقعیت و بمانند او زندگی را تجربه کند و نه جای او بمیرد خللی را در پیوستگی و بنیان‌ها و سختار مشترک وجودی او با عالم انسانی بدنبال نمی‌آورد. انسان‌ها نیز بمانند شبه قاره‌ها هرکدام با جغرافیای وجودی خاص خود هم به اقانوس هستی پیوسته‌اند هم به قاره‌های عظیم جامعه و جهان بشری به مفهوم اخص و مراتب متعالی‌تر وجود به معنای اعم و جامع‌تر آن.

پنجره‌های گشـــوده هم به این سوی جامعه و جهان بشـــری خویش هم به آن سوی اقیانوس هستی یعنی مبداء و منتها «آرخه» و خرد سرمدی «لوگوس» هستند. فرهنگ‌ها

> **لایه نخست که در راس هرم ساختار فرهنگ قرار می‌گیرد و هسته هر فرهنگی است لایه مینوی و معنوی آن است که هستی شناختی و نظام‌های دانایی و سنت‌های اعتقادی و ارزشی و قس علی هذا را شامل می‌شود**

نیز چنین‌اند. پنجره‌های گشوده بروی هم‌اند. البته گشودگی ساختاری و بنیادین و اصیل و گوهرین و پایدار نه صوری و سطحی و اتفاقی.

ساختار وجودی مشترک ما هم تامین هم تضمین‌کننده چنین گشودگیست. نوزاد آدمی هر زبان و گویشی را متعلق به هر فرهنگی و گروه اجتماعی در هرکجای جامعه و جهان بشری ما که پدید آمده باشد می‌تواند به سهولت بیاموزد و با آن تکلم کند و با دیگران ارتباط برقرار کند. ارتباط نه صرفاً لفظی و لغوی و در سپهر حرف و صوت که عمیقاً کلامی و معنوی و معنادار و در یک کلام نسبتی وجودی.

اگر می‌خواستیم به لحاظ نظری دست به یک لایه نگاری ساختاری فرهنگ‌ها بزنیم؛ تاکید می‌کنم لایه نگاری نظری و ساختاری؛ هر فرهنگی از این منظر متشکل از سه لایه سخت به هم مرتبط و پیوسته است.

البته مراد ما از لایه و لایه‌نگاری در اینجا به معنای تقلیل یافته و متعارف و معمولی آن نیســـت. هـــر لایه‌ای در این لایه نگاری به لحاظ معنوی مراتب متعالی‌تر از لایه‌های دیگر را بطور طولی و نه عرضی و صرفاً تاریخی شامل می‌شود:

لایه نخست که در راس هرم ساختار فرهنگ قرار می‌گیرد و هسته هر فرهنگیســـت لایه مینوی و معنوی آن است که هستی شـــناختی و نظام‌های دانایی و سنت‌های اعتقادی و ارزشی و قس علی هذا را شامل می‌شود.

از ریـــزش این لایه برینی لایه رفتاری و نحوه عمل و کنش‌های خلاق هر فرهنگی بیان شـــده و چهره خود را در تاریخ، جامعه و جهان بشری ما آشکار کرده است. مراد ما از رفتار در اینجا به مفهوم متداول با ابعاد صرفاً جامعه شناختی و روان شناختی و انسان شناختی آن نیست بلکه رفتار عمیقاً به معنای متعالی، روحانی و معنوی مبتنی بر حضور باطنی و

ارتباط انفسی با مراتب متعالی‌تر وجود است. لایه سوم که در قاعده ساختار هرم هر فرهنگی قرارگرفته است کالبد و پیکر مادی آن را پدید آورده اســـت مولود دو لایه نخست برینی مینوی و معنوی و رفتاری فرهنگ است.

مناسبات و اندرکنش‌های میان هر سه لایه چند سویه و متقابل است و پرچین و شکن. با این همه فرهنگ‌ها این‌ها همه هستند و تنها این‌ها همه نیستند. همانگونه که درختان یک جنگل برغم وحدت ارگانیک و طبیعی که هرکدامشان از ریز و میکروسکوپی‌ترین اندام‌های غذایی سر فرو برده در رحم زمین گرفته تا آخرین برگ‌ها و جوانه‌ها و شکوفه‌ها شادابی و سبزی و سر زندگی و ادامه و استمرار حیات طبیعیشان به منابع و عوامل و عناصر بسیار دیگر بمانند منابع غذایی و حیاتی اعم از آب و خاک و هوا و گرما و سرما و نور و حرارت و رطوبت که نه از جنس درختان جنگل‌اند و نه از خود جنگل بستگی اجتناب‌ناپذیر و ضروری و حتمی و حیاتی دارند؛ فرهنگ‌ها نیز چنین‌اند. در خلاء بنیاد نپذیرفته‌اند. در خلاء نیز به حرکت در نیامده و در جهان افق نگشوده‌اند.

برزمینه و شانه عالمی از امکانات و منابع طبیعی ضروری از یک سو و استعدادها و امکانات و موهبت‌ها و ظرفیت‌های وجودی از دیگر سوی که سر در سرچشمه «آرخه» و خرد «لوگوس» هستی و ماورای «چیزها» دارند بنیاد پذیرفته و به حرکت درآمده و در جهان افق گشوده‌اند.

دیالکتیک گسست و پیوست و اعتلا و افول، قبض و بسط، رشد و رکود، غیبت و حضور، صیانت و خیانت، تعامل و تقابل، در آمدن و بدر شـــدن، سروری کیفیت و سروری کمّیت، گویی تقدیر اجتناب ناپذیر رود جاری زندگی و نحوه بودن انسان در جهان است. تعابیر نغز و دلنشین و روشنگر عارف و شاعر روشن ضمیر خراسانی ما را در مثنوی بشنوید:

عهد ما بشکســـت صد بار و هزار
عهد تو چـــون کوه ثابـــت برقرار
عهـــد مـــا کاه و بهر بـــادی زبون
عهد تو کوه وزصد کـــه هم فزون
حق آن قـــوّت که بـــر تلوین ما
رحمتـــی کـــن‌ای امیـــر لون‌ها
خویش را دیدیم ورســـوایی خویش
امتحـــان مـــا مکن‌ای شـــاه بیش
تا فضیحت‌هـــای دیگـــر را نهان
کـــرده باشـــی‌ای کریم مســـتعان
بی حدی تو در جمـــال و درکمال
درکژی ما بی حدیـــم و در ضلال
بی حدی خویش بگمـــارای کریم
بر کـــژیّ بی حد مشـــتی لئیم
همین که از تقطیع مـــا یک تارماند
مصر بودیـــم و یکی دیـــوار ماند

(مثنوی معنوی، دفتر دوم، ص۳۱۸، ابیات۲۴۹۵_۲۵۰۲).

جامعه و جهان ما اینک مصداق بارز یک چنین عهدشکنی و گسست سنگینی است.

با این همه ســـنّت‌های اصیل و گوهرین مقهور زمان و تاریخ نمی‌شوند و گذشت زمان آن‌ها را فرسوده نمی‌کند و از میان نمی‌برد. همانگونه که امر زیبا همیشه زیباست و فراسوی زمان ایستاده است و تاریخ به مفهوم متعارف ندارد. هرکلام اصیل و گوهرین دینی برای هر عصری می‌تواند مخاطب داشته و مخاطبانش را به حضور فرا بخواند. حضوری عمیقاً متعالی و روحانی و مقدس. گسست‌ها در تاریخ مطلق اتفاق نمی‌افتند. اگر چنین می‌شـــد تاریخ تعطیل و متوقف و از حرکت باز می‌ایستاد. تعبیر زیبا و دلنشین حضرت حافظ را ملاحظه کنید:

گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان
نگاهدار سررشـــته تـــا نگهدارد

در تاریخ پیامبران و اولیـــاء الله و مومنان واقعی و اهل حضور و اشراق و عرفان صیانت از رشته اتّصال روحانی و حلقه پیوند باطنی با چنین مواریث معنوی و سنّت‌های متعالی در صف مقدم ایستاده‌اند. ...حضرت حافظ ما را ببینید:

درکارخانه عشـــق ازکفرناگزیراست
آتش که را بســـوزد گربولهب نباشد

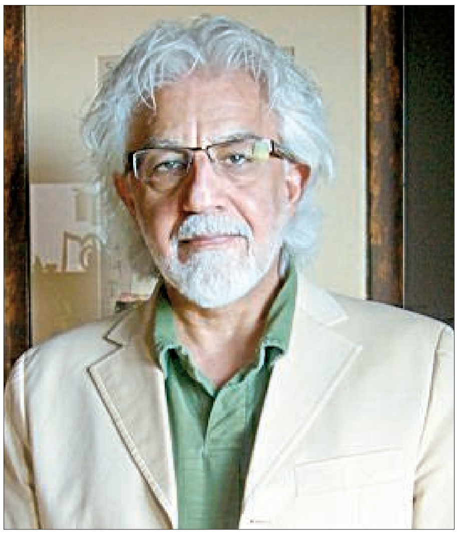
سرشت و قوّت معنوی فرهنگ‌ها چیزی نیست که بتوان آسان و نادیده از کنارش گذشت. کیفیت زندگی ما در گرو قوّت و اقتدار و انسجام معنوی ما است.

هستی

از خنده به دلهره

بهار و کارگاهِ هستی

■ دکتر علی فردوسی



این پرسش، پرسش «معنای زندگی»، بی گزاف از هنگامی که از من پرسیده شد اوقات مرا پُر کرده است. تاریخچه‌ی این سماجت را می‌شود چنین خلاصه کرد: از خنده به دلهره – آنچه در آغاز مضحک به نظر می‌رسید اکنون هولناک شده است. در اولین نگاه، چنین می‌نمود که پرسمانِ «معنای زندگی» پرسمانی است آنقدر وسیع – اگر نگوییم افقِ غایی همه پرسش‌ها – که پرداختن به آن چیزی نمی‌تواند باشد جز نوعی پَرسه در عبث؛ پرسشی که هر خواننده پابه‌سال گذاشته‌ای را یاد موضوع‌های لوس انشای دوران تحصیل می‌اندازد، موضوعاتی از قبیل: «علم بهتر است یا ثروت؟»

امّا همین که آدم، با توجّه به شناختی که از پرسنده و موقعیّتِ پرسش دارد، قبول کند که این پرسشی نیست از قبیل این‌گونه موضوع‌های انشاء، و یا پرسشی از موضع نوعی «تجاهلِ عارف»، آن‌وقت خود را موظّف می‌یابد که چَشم در چشم افَعی این پرسشِ هیولایی بیاندازد. یا به تعبیری دیگر، وقتی قبول کند که پرسَنده از جایگاه یک پاسخ نیست که دست به پرسشگری می‌زند، بلکه وقتی دستش را به آن سوی این پرسش برای لمس پاسخی دراز کرده است یا دستش خالی مانده است، و یا با چیزی بی‌شکل و شاید چندش‌آور برخورد کرده است، و حالا صمیمانه می‌خواهد بداند چرا، آن‌وقت نادیده گرفتن پرسشِ او اگر بی‌ادبی نباشد بی‌رحمی است.

امّا همین که مخاطب پذیرفت که این پرسش خود را در او بپرسد، آرامِ آرام سایه‌ی ترسی بر او می‌خزد: چرا باید این پرسش اصلاً پرسیده شود؟ و از آن مهم‌تر چرا در این زمان؟ چه شده است که این پرسش با چیدمانی چنین صریح خودش را بر ستون‌های یک روزنامه، که دغدغه‌اش، بنابه تعریف و تجربه، «امرِ حیّ و حاضر» است، تحمیل کرده است؟ چه شده است که چیستی زندگی خودش تبدیل به «امرِ حیّ و حاضر» شده است؟ شده است از جنس «اخباریّات»؟ چَرا باید «معنای زندگی» خاصیّتِ شفاف خود را از دست بدهد و در هیبتی چنین تاریک – نه یک نوعِ دانایی و توانایی ناخودآگاه – بلکه چونان یک غیبت، یا شاید درست‌تر عارضَه‌ی نوعی «ازکارافتادگی»، سرِ راه زندگی، سرِ راه خودش، مثلِ گسلی دهان باز کند؟

این پرسشگریِ مضاعف، پرسشِ ما از پرسشِ «معنای زندگی»، نه کاری است سرسری، و نه بیهوده.

> **وقتی جهان جهانی نکند، که یعنی، وقتی تاریخ آغوشش را ببندد، ضمیر دستخوشِ بیگانگی با جهان و تاریخ می‌شود. چنین ضمیری از خودبیگانه است (و به قول هگل «ناشاد»)، زیرا که راه «خود» به «خود» از درونِ جهان و تاریخ می‌گذرد**

با این پرسش می‌آغازیم: وقتی می‌گوییم «معنای» زندگی منظورمان از «معنا» چیست؟ «معنا» در نسبت به زندگی چه معنایی دارد؟ «معنا»، خودش امری است ذیل «معنا». معنا یک معنا ندارد، امّا تمامی معناها ذیلِ یک تعریف قَرار می گیرند: معنا یعنی «آنچه در فهم‌پذیری می‌َماند». پس پرسشگری از معنا، پرسشگری از فهم‌پذیری است: وقتی چیزی از فهم‌پذیری می‌افتد، آن‌وقت پرسشِ معنا پیش می‌آید اگر از «معنا افتادنِ» آن چیز کارکردِ امری را که «گذرانِ» انسان را ممکن می‌کند مختل کند.

بگذارید توضیح بدهم. می‌دانید که تفاوتِ رهیافتِ «منشاءشناختی» فُوکو با زیررشته‌ی «تاریخ عقایدِ» درست در این است که فُوکو به دنبالِ سابقه‌ی تقویمی مطلوبِ خود نیست بلکه به دنبال راه‌یابَی به لحظه‌ای است که دَر آن پدیده‌ای «پرسمانی» می‌شود، یعنی پدیده‌ای که تا آن زمان چنان نامریی و شفّاف بود که به خودی خود موضوعِ یک گفتمانِ به اصطلاح تأمّلی و بیرونی نبود تبدیل به یک موضوع و مَسئله می‌شود، یا به زبانی «موضوعیّت» پیدا می‌کند. فُوکو بدهکاری خود در این مورد به هایدگر را پنهان نمی‌کند. هایدگر در «هستی و زمان» نشان می‌دهد که نسبت ما با هستندگان دِر حالتِ معمولی نسبتی است شفّاف، و نه «موضوعی». مثلاً تا وقتی که یک چکش سرجایش هست، و با کارش نسبتِ درستی دارد، یعنی وزن و اندازه و کلفتی دسته‌اش مناسبِ اندازه و زورِ دست و کارِ ما است، چکش به مثابه چکش مَوضوعِ تأمّلِ مَا نیست. ما چَکش را – بی‌آنکه به لحاظ چکشی‌اش موضوعِ پرسش کنیم – برمی‌داریم و بر میخ می‌کوبیم. امّا همین که چکش سرجایش نباشد، یا برای کار به شدّت نامناسب باشد، آن وقت چکش به مثابه چکش برای ما موضوعیّت پیدا می‌کند.

پرسمانی‌شدنِ امری، تبدیل شدن امری به «مسئله»، بنابراین، حکایت از اختلالی در نسبت ما با آَن امر می‌کند. نشان می‌دهد که نسبتِ ما با آن امرَ به سببی به هم‌خورده است، به گونه‌ای که آن امر از حالتِ شفّافیّت درآمده است و سر راه «گذران» ما در جهان، همانَند مانعی در نسبت ما با «کارِ جهاَن»، موضوعیّت یافته است. با این تعریف، آن وقت شایدَ لازم به توضیح نباشد که چرا تأملِ من بر پرسمانِ «معنای زندگی» موجبِ دلهره من می‌شود، و چرا شَاید باید موجبِ دلهره‌ی همه ما بشودَ.

بنابراینِ، هر وقت که زندگی کارِ خَودش را می کند، یعنی زندگی واقعاً زندگی است، هیچ محلّی برای این پرسش وجود ندارد. در آن شرایط، زندگی آنچنان با خودش منطبق است که جایی برای مکمّلی به عنوان «معنای زندگی» نمی گذارد. با کمی تسامح می‌شود گفت که آن وقت زندگی، بی آنکه به زیستِ صرفِ حیوانی کاسته شده باشد، حالتی «طبیعی» دارد. انساَن آنجاَ به مثابه انسان طوری زندگی می کند که نگرانِ این پرسش نیست. پرسمانِ «معنای زندگی» فقط وقتی مطرح می‌شود که زندگی به عنوانَ گسلی در مقابلِ خودش، به عنوان نسبتی نادرست با جهان، از نامریّیت در آمده باشد؛ دچار بحران شده باشد، پژمرده شده باشد یا آماسیده، و یا هر دو. یعنی این نیست که انسان علاوه بر زندگی یک کار دیگر هم می‌کند که اسمش «معنای زندگی» است. «معنا»، برعکس، نام گسلی است در درون زندگی. «معنای زندگی» همیشه و َاز پیش خودش را فقط به عنوان یک پرسش و به شکلِ «نابوده» بر ما تحمیل می‌کند. وقتی در اثر گسلی در جریان زنَدگی، زندگی موضوعیّت می‌یابد، این پرسش برای انسان پیش می‌آید که چگونه باید زیست، و یا خدای‌ناکرده اصلاً چرا باید زیست.

برگردیم به چکشِ های دگر. چکش همراه ارّه و متّه، و میخ، و چوب، و سودَمندی‌هاشان، در نسبت با همدیگر، و با درودگر، جهان «مقصودمندی» را می‌سازند که نام آن کارگاه است. پرسش این است که کجا است آنجا که کارگاه



از کارگاهی می‌افتد به گونه‌ای که پرسشِ معنای کارگاه، به عنوان افق همه پرسش‌ها، ناگزیر می‌شود. اگر چکشی از کار افتاده باشد کارگاه از «کارگاهی»اش نمی‌افتد. امّا اگر شمارِ ابزاری که از کار افتاده‌اند یا در دسترس نیستند از حدّی بگذرد، آن وقت این پرسش پیش می‌آید که تکلیف درودگر چیست. یک جایی دیگر کارگاه «کارگاهی» نمی‌کند؛ مثلاً هیچ چیز دیگر سر جایش نیســـت، چون شاگردی که تازه استخدام کرده بودیم ارّه را گذاشـــته است جای چکش، و چکش را جای سوهان. آن وقت این کارگاه است – به مثابه افق همه پرسش‌گری‌ها – که به پرسمان تبدیل می‌شود. درودگر راه خودش را در آن گم می‌کند.

آن که از «معنای زندگی» می‌پرســـد، بنابراین، آن را از درون گسلی می‌پرسد که شکل وجودی آن گم‌شدگی است در جهانی که «گذران» او را مختل کرده اســـت. حال اگر به اوضاع بلافاصله‌ای که این پرسش در آن مطرح می‌شود بنگرید می‌بینید که جنس این گم‌شدگی همانی است که «پیتزای قورمه سبزی» نام ذائقه‌شناختی آن است. این نام، در یک ترانه معروف، نام تمثیلی پدیده‌ای است که «[نا]ساختار» منطقیِ آن «هشلهف» است، پدیده‌ای که نه به عنوانِ «مدرن» («پیتزا»)، و نه به عنوانِ «سنّت» (قورمه سبزی)، «اصالت» دارد. پیتزای قورمه سبزی نام خوراکی است که ما را در مقابل خود به پرسش وامی‌دارد: «این دیگه چیه؟»

بنابراین، این گم‌شدگی را باید در ارتباط با آن شرایطی دید که به عنوان فلسفی‌تر آن گم‌شدن در تباهیِ یک وضعیّت تصمیم‌ناپذیر است نسبت به نوعی گذار که نام‌های مرتبط به آن «مدرنیّت» و «ســـنّت» اند. وقتی در امتدادِ نوعی گذار گم‌شدیم، و این گم‌شدگی فراگیر شد، آن وقت نمی‌دانیم در گذر زمان، که همیشه و از پیش گذری است جهت‌مند، کجا هستیم. وقتی سمتِ زمان را گم می‌کنیم دیگر نمی‌توانیم آن کسی باشیم که نیچه او را «انسان تاریخی» می‌نامد؛ ما دیگر «به تاریخی داده نشده‌ایم» که ما را «در معنای خود غرق کند.» بی‌معنایی زندگی، بنابراین، نسبتِ طولی دارد با بی‌معنایی تاریخی. تاریخ بی سر و ته، یعنی زندگی بی سر و ته، یعنی پیتزای قورمه سبزی. آن کسی که راه خودش را در تاریخ گم می‌کند، آن کسی که نمی‌داند سمت و سوی تاریخ چیست، آن کسی که نهایتاً تاریخ دیگر او را در آغوش و پناه خود ندارد، همان کسی است که می‌پرسد: «زندگی یعنی چه؟»

دیگر باید نام دیگرِ این گم‌شدگی خودش را به خواننده عرضه کرده باشد: «از خود بیگانگی». وقتی جهان جهانی نکند، که یعنی، وقتی تاریخ آغوشش را ببندد، ضمیر دستخوش بیگانگی با جهان و تاریخ می‌شود. چنین ضمیری از خودبیگانه است (و به قول هگل «ناشاد»)، زیرا که راه «خود» به «خود» از درونِ جهـــان و تاریخ می‌گذرد. آن که از «معنای زندگی» می‌پرسد، در واقع دنبال یافتن راهی است به خودش وقتی با ورطه‌ی بی‌معنایی روبرو شده باشد، چون معنا چیزی نیست جز خودِ اینِ نسبت وقتی درست باشد. به این معنا، «معنای زندگی» از مؤلفه‌های وجودی «گذران» درستِ انسان است در جهان. وقتی به خاطر بی‌سروسامانیِ جهان شخص نمی‌تواند به تجربه خودش سروســـامانی معنادار بدهد، وقتی تجربه شخص «معماری‌پذیر» نیست، آن‌وقت نمی‌تواند خود را به مثابه خود تجربه کند. آنچه به شکل «بی‌معنا»یی زندگی تجربه می‌شود اضمحلال آن است در تباهی تصمیم‌ناپذیری.

این از خودبیگانگی از آنجا که در شـــرایطی صورت می‌پذیرد که در آن جهان از جهانیّت افتاده است فلجی است هستی‌شناختی در «تصمیم‌پذیری»، و نه در تصمیم‌گیری. این نیست که «خود» میان این یا آن «گذران» در نوعی وضعیّت «پیشاتصمیمی» قرار گرفته است. تصمیم‌ناپذیری نام شرایطی است که در آن هیچ گذرانی خود را به تصمیم‌گیری عرضه نمی‌کند. جهان تا وقتی که گزینه دارد هنوز جهانی می‌کند. برای این است که هیچ جهانی نیست، حتّی جهان عمیقاً مذهبی قرون وسطا، که در آن انسان با گزینش روبرو نباشد: این گونه گذران کنم یا آن گونه؟ امّا ما اینک در کارگاهی هستیم که نه تنها شاگردِ مطلقاً ناکاردانی همه چیز را در آن جابه‌جا کرده است، بلکه تمامی کارگاه چنان در تاریکی فرورفته است که گذران ما در آن ناممکن شده است. شرایط تصمیم‌ناپذیری شرایطی است که در آن نسبت ما با جهان از جنسِ عجز در گذران در تاریکی است.



بنابرایـــن نباید آن را با آن نـــوع بیگانگی از خود که شاخصه‌ی عصر مدرن است یکی دانست. این «گم‌شدگی» از جنس نگرانی «کیرکه‌گارد»ی نیست. این نیست که این پرسش را کسی می‌پرسد که مثل کلیشه‌ی یک آمریکاییِ موّفق، برای گریز از «بی‌معنایی» جهانِ ســـرمایه‌داری، چنان به «کشش» روزمرّگی تسلیم شده، چنان در آن غرق شده، که راه خود را به خود گم کرده است. این گم‌شدگیِ کسی نیست که در نیســـانِ زرق و برقِ «بازار بزرگ» و معرکه‌ی بازی بلعنده‌ی موفقیّت و مصرف در یک جامعه «نرمال پیشرفته» چنان درگیر شده اســـت، یا خودش را درگیر کرده است، که یادش رفته است که سراغ خودش را بگیرد. اشتباه بزرگی خواهد بود اگر چنین بیاندیشیم که این گم‌شدگی از جنس «خودباختگی»، یا به تعبیر هایدگر «شیفتگی»، مدرن است. نه، این گم‌شدگی از جنس جذبِ بی‌باقیمانده در هنجارهای جهان مدرن نیست، بلکه از جنسِ آن نوع بی‌سروسامانی است که آمیل دورکهایم

هر وقت که زندگی کار خودش را می‌کند، یعنی زندگی واقعاً زندگی است، هیچ محلی برای این پرسش وجود ندارد. در آن شرایط، زندگی آنچنان با خودش منطبق است که جایی برای مکمّلی به عنوان «معنای زندگی» نمی‌گذارد

آن را «آنومی» می‌نامد: سردرگمی در جامعه‌ای که «جامعیّت» نمی‌کند، گم‌شدگی در جهانی که در آن، جهان به شکلِ نوعی بی‌هنجاری، نوعی تکثّر بی‌محور، به شکل یک «کُپه»، یک «بساطِ خنزرپنزری» (به تعبیر هدایت) قادر به جذب نیست؛ جهانیِ فاقد نیروی جاذبه، و لاجرم عاجز از معماری‌بخشی (معنایی) به زندگی. این گم‌شدگی، «دربه‌دری» کسی است که پشتِ تابلوی هیچ یک از «بنگاه‌های پخش معنا» سرپناهی نمی‌بیند، و یا حتّی وعده‌ی آن را. این حیرانی کسی است که معنای نهایی پرسش‌اش از زندگی این است: به کجای این شب تیره بیاآویزیم/ قبای ژنده خود را؟

پرسشگری از «معنای زندگی» در زمانه ما شکلی است از «پناه‌جویی» در جهانی که دارد به شکل مضاعفی از خانمانی می‌افتد: شبِ محلّی ما خود در درون جهانی می‌سپرد که خود در حال فرورفتن به محاق است.

در یکی از غزل‌های معروفِ حافظ با استعاره‌ی «خواندن» در ارتباط با گذرانِ انسان در هستی برمی‌خوریم. جالب این که حافظ نیز در اینجا از استعاره «کارگاه» استفاده می‌کند، و نام کارگاه کارگاه‌ها، نام جهان را، می‌گذارد «کارگاه هستی». «زندگی» – یا گذرانِ آن نوع باشـــندگی را که باشندگی‌اش پروای او است – را نیز «کارِ جهان» می‌نامد. روشن است که جهانِ این غزل جهانی نیست در تباهی یک تصمیم‌ناپذیری.

«نقش مقصود»، به مثابه حُکم، غایت و امضایی که پای این پویاییِ گذاشته شـــده است، با حروفِ جلی بر این کارگاه نوشته شده است. جهان «ناخوانا» نیست. به نور معنا روشن است. این انسان است به مثابه خواننده که می‌تواند به سببی، «درد خودپرســـتی»، از خواندن این نقش دربماند. آن که نقش مقصود را نمی‌خواند، برای حافظ، از «اصالت» می‌افتد، می‌شود گونه‌ای از «مدّعی». در اینجا «مدّعی» کسی است که در هیأت «ناخوانده نقش مقصود» در «کارگاه هستی» حرکت می‌کند، و به همین سبب نسبت درستی با «کار جهان» ندارد. او این جهان را می‌سپرد بی آنکه آن را به درستیِ «گذرانده» باشد.

با مدّعی بگویید احوال عشـــق و مســـتی
(تـــا بی‌خبر نمیرد در دردِ خود پرســـتی):
«عاشق شو! – ار نه روزی کار جهان سرآید
«ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هســـتی.»

خیّام هم به شـــکلی، امّا، فلسفی‌تر به نسبتی با جهان برمی‌خورد که از جنس ناخوانایی است. برای او جهان وقتی ناخوانا می‌شود که نگارش آن خود را به عنوان «حرفِ معمّا» بر انسان «وابنمایاند». در این رباعی نیز پرسشگری نهایتاً از «معنای زندگی» است هنگامی که جهت‌مندی و توجیه مذهبی زندگی (ازکجابه‌کجاییِ آن) دیگر به پرسشگر سرپناهی برای گذران نمی‌دهد.

اســـرارِ ازل را نـــه تـــو دانـــیّ و نه من
وین حـــرفِ معمّا نه تو خوانـــیّ و نه من
هســـت از پسِ پرده گفت‌وگوی من و تو
چون پـــرده برافتد، نه تو مانـــیّ و، نه من!

نتیجه بگیریم: «وقتی جهان از جهانیّت می‌افتد، انسان می‌پرسد زندگی یعنی چه؟» «معنای زندگی» یعنی پرسش‌گری از «معنای گذران در جهان» هنگامی که جهان در ســـطحی هستی‌شناختی از جهانیّت افتاده است. وقتی می‌پرسیم «معنای زندگی» چیست، ما دیگر در «کارگاه هستی» جای و مکان چیزها و کاربردِ مناسب آن‌ها، و نیز جای و جهت، خود را نمی‌دانیم. دیگر آنجا نیستیم که حافظ بود، چون «شش جهت» جهان برای ما گم شده است. ما شده‌ایم باشندگانی بی جهت، که گذران ما در هستی به مثابه آنچه پروای «ازکجابه‌کجا؟»یی دارد، در آن از قطب‌نمایی‌پذیری افتاده است: نه می‌دانیم پس و پیش جهان کجا اســـت، نه پشت و روی آن، نه مشرق و مغرب آن، نه فراز و فرود آن. انسانی که شش جهت را نداند، سمت‌های خود را هم نمی‌داند.

اگر بپذیریم که این پرسش خودش را بی‌خود و بی‌جهت به ما تحمیل نکرده است، بلکه از درون نسبت ما با جهان، و به مثابه تاریکیِ افقِ غایی پرسش‌گریِ روزگارِ ما بر ما سایه افکنده است، آن وقت باید قبول کنیم که بحرانِ عمومی ما از اقتصاد، جامعه، سیاست، اخلاق، و هنر رد شده است. اینک زیستِ‌جهانِ ایرانی از جهان‌گری افتاده است.

ما اینک به گفته‌ی هایدگر: «دیریم برای ایزدان و زودیم برای بودن»

علم

چه شد که اسیر «کلی‌گویی» شدیم؟

نسبت ما و علم

■ دکتر رسول جعفریان

ما در حوزه علم، بیشتر با روزمرگی کار می‌کنیم و آماده خور هســـتیم و بیش از آن که به علم فکر کنیم مشغول صنعتیم. غالبا و مورد به مورد بدون برنامه کلی کار دانش اندوزی را پیش می‌بریم، ناهماهنگ عمل می‌کنیم، از علم مدیریـــت کلی دانش در جامعه بی‌بهره‌ایم و تقریبا تمام آثار سوء آن را در جامعه مشاهده می‌کنیم.



تاریخ علم بخشی از تاریخ جهانی است، نه تاریخ محلی. ممکن است کسی تاریخ تهران بنویسد، اما این کار پژوهشی محلی است، و اگر کسی در آن گوشه دنیا آن را نخواند، هیچ آسیبی نخواهد دید، کما این که اگر بخواند هم نفعی به حال او نخواهد داشت. اما تاریخ علم، مربوط به همه بشر است، متعلق به همه آنهاست. یافتن نقاط ضعف و قوت آن به همه سود می‌رساند. بنابرین، این بخش از تاریخ نهایت اهمیت را دارد.

اما تاریخ علم دقیقا چیست؟ تاریخ رشته‌های علمی به طور خاص است؟ تاریخ پیشرفت‌های صنعتی و اختراعات و ابتکارات بشر است؟ تاریخ روش‌های فهم علمی از عالم است؟دقیقا تاریخ علم به چه معناست.

به نظر می‌رســـد، هر آنچه که به پیشرفت علمی بشر مربوط می‌شود، بخشـــی از تاریخ علم است. همه آنچه در طول تاریخ، بر توانایی علمی بشر تاثیر گذاشته، از انگیزه‌ها، انگیخته‌ها، آثار و نتایج و همه محصولات آن از کتاب و سند و آنچه بتوان نام آن را دانایی گذاشت، همه و همه تاریخ علم و از زیر شاخه‌های آن است.

وقتـــی به تاریخ علم در میان بشـــر می‌نگریم، فراز و نشیب‌های فراوانی می‌بینیم، اما درک می‌کنیم که علم به عنوان مهم‌ترین ابزار در زندگی بشر ایفای نقش کرده است. مقصود از علم لزوما به معنای دانایی تجربی و طبیعی نیست، بلکه درک بشری و نوع بلکه انواع آن است که محصول تلاش و پویایی میلیاردها بشـــر در طول تاریخ بوده و گاه به صورت تجربه محدود، گاه در قیافه یک کتاب، گاه در شکل یک کارخانه و کارگاه و یا یک سی دی یا هارد خود را نشان داده است.

وقتـــی در خیابان راه می‌رویم و یک بنای با عظمت را می‌بینیم، اهمیت علم و دانایی که این بنا را ساخته می‌فهمیم. این بنا، به پشتوانه هزاران سال تجربه بشری شکل گرفته و محصول صدها نوع تخصص و دانایی است که اکنون برابر چشمان ما قرار دارد و قابل احترام است.

حال وقتی تمدن‌های مختلف معاصر را می‌بینیم، چه تصـــوری از نقش علم در آنهـــا داریم؟ بناهای مختلف و متفاوت، مراکز علمی متعدد و گوناگون، نظامات آموزشی و کتابخانه‌های بلاد در شـــرق و غرب و همه آنچه که در زیر عنوانی به نام علم و تجربه علمی قرار می‌گیرد، چه تصویری از ما و جایگاه علم در میان ما بدست می‌دهد؟

اولا ما در کجای کار علم هستیم؟ثانیا چه نقشی در این مجموعه داشته و داریم؟آیا ما نقشی در خلاقیت نوین علمی داریم یا فقط مصرف کننده علم تولید شده توسط دیگران هستیم؟ آیا دانایی به صورت صوری در میان ماست، یا ما عمیقا در آن غرق هستیم؟ نظامات آموزشی ما چگونه علم را به نسل جدید منتقل می‌کنند؟علمی که در مراکز دانشگاهی ما هست، چه ارتباطی با محصولات دنیای جدیدمان دارد؟و صدها سوال دیگر که نشان می‌دهد جایگاه علم در میان ما امری مهم است اما به همان اندازه، ما در برنامه ریزیها و حتی اطلاع از سازمان آن در میان خودمان کم اطلاع هستیم و بدان وقعی نمی‌گذاریم.

نفس این که ما در علم پیشرفت نداریم، اما در صنعت به پیروی و تقلید از غرب اندکی پیشرفت داشتیم خود یک بحث مهم است. حتی در صنعت هم برای مثال خودروسازی، هنوز هم بعد از شـــصت سال، باز بحث از آوردن پژو یا فیات در ایران است و این که صنعت داخلی مبتنی بر علم تولید شده در اینجا یا حتی آورده شده نیست، و بنابرین آن هم در حد یک صنعت، نتوانسته حتی با پیروی از غرب و تقلید محض، قدم جدی بردارد.

آیا این مشکل در صنعت، به خاطر عدم پیشرفت در علم و علوم مربوطه است؟به خاطر نبودن دانش در دانشگاه‌های ماست؟به خاطر نداشتن یک فیزیک یا ریاضی یا یک شیمی قوی است؟ ما که تقریبا در امر خودروسازی همه ابزارهای اولیه را داریم اما چرا در اینجا درجا زده‌ایم؟

تازه حتی درجا نزده بودیم، و توانایی در ساختن چند توربین داشتیم، هنر نکرده‌ایم. علم، صنعت نیست، علم اساس صنعت است، چیزی که باید ما را در کشف نیروهای جدید

> **چرا ما اسیر کلی گویی شدیم و امر تجربه را در تمدن اسلامی کنار گذاشتیم؟چه شد که ما از روش ابن سینا پیروی کردیم اما ابوریحان را که نگاه پیمایشی و تجربی داشت حذف کردیم؟**

در طبیعت راهنمایی کنـــد. ما حتی آنچه را دیگران در این زمینه شناخته‌اند درست نمی‌شناسیم. بنابراین دست کم سوال می‌کنیم. آیا پیشرفت در صنعت علم است؟

بخش دیگری از مسأله به بحث علم در جامعه و جایگاه آن در میان مردم باز می‌گردد. زمانی که در دنیا عدم آشنایی با رایانه بیسوادی محسوب می‌شود هنوز ما میلیونها فرد داریم که از سواد خواندن و نوشتن هم بی بهره است. میلیونها نفر دیگر تحصیلاتشان از ابتدایی یا متوسطه بالاتر نمی‌رود. تازه علم و دانایی در مراکز علمی ما چه وضعی دارد؟ چه سامانی؟چه پیشرفتی؟چه قدر استادان ما خلاقیت در تولید علم دارند؟ وقتی اعلام می‌شـــود که بخش عمده تلفات راهنمایی و رانندگی مربوط به بیسوادان یا کم سوادان است (۲۴ درصد کل تلفات برای افراد زیر دیپلم که حتی قادر به خواندن یک تابلو نیستند یا آن که اساسا زندگیشان براساس علم و دانایی نیســـت) این یعنی این که علم در میان مردم ما از کمترین اهمیت برخوردار نیست. این قدر هست که جامعه ما صرفا برای رفع نیاز خود بخشی از معلومات دنیا را فرا می‌گیرد و آنها را یا نیمی از آنها را به زحمت بکار می‌بندند.

شاید آنچه اشارت رفت، مقدمه‌ای برای این نکته باشد که بدانیم ما مدیریت علم را جدی نگرفته‌ایم. ما اهمیتی برای برنامه ریزی در حوزه علم را قائل نیستیم. ما یک طرح جامع برای مدیریت علم در جامعه نداریم و به تناسب آن و حتی اگر هست، برنامه ریزی جدی برای کلیت جایگاه علم در جامعه نداریم. بیشتر و اخلاقا ابراز می‌کنیم که علاقه مند به علم هستیم. عمدتا تصور می‌کنیم پیشرفت داشته‌ایم، اما مفهوم روشنی از پیشرفت حتی در حوزه صنعت نداریم چه رسد به خود علم. اساسا خود این آگاهی یک تخصص است. شگفت آن که آن مقدار هم که پیشرفت در علوم داریم، یعنی همین تحصیلات دانشگاهی که اساسش هم از ما نیست، راه تحقق آنها را در یک نظام تمدنی نمی‌دانیم و ابزارش را هم غالبا در اختیار نداریم.

مهم آن است که آن مدیریت وجود ندارد، مدیریتی که حتی می‌توانسته ارتباط علم و صنعت را نزدیک‌تر کند. اگر راهش در هسته‌ای مشکل دارد در بخش‌های دیگر فعالش کند

همه اینها در کلیت علم و رشـــته‌های ریاضی و فنی و پزشکی آن اســـت، اما مدیریت در حوزه علوم انسانی از دشواری بیشتری برخوردار است. در علوم ریاضی و فنی، ما پیروی از جهان علم داریم و تقریبا از تجربه‌های عمومی بشر استفاده می‌کنیم، اما در علوم انسانی، بحث نعل و میخ است. بحث این اســـت که جهت گیری روشنی نداریم. در اینجا بیشتر شبه علم مطرح است تا علم. بیش از همه متهم کردن و اخلاقی کردن علم و انکار واقع نمایی آن است. ما در صد سال گذشته، یکسره علوم انسانی جدید را تکذیب کرده‌ایم، اما در جایگزین کردن یک دانش مطلوب در این زمینه ناموفق بوده‌ایم. تازه هر بار بخشـــی از افکار جدید را پذیرفته‌ایم و قدمی برداشته‌ایم اما اغلب کوشیده‌ایم با تولید شبه علم توهم پیشرفت ایجاد کنیم. کسانی که مدعی‌اند هر روز در سیما تولید علوم انسانی می‌کنند، از واقعیت مفهوم علم غافلند و اغلب بافته‌های خود را به جای یافته‌ای علمی تلقی می‌کنند. در این قسمت، اصلا علاقه‌ای به این که علم را واقع نما بدانیم نداریم بلکه علاقه مندیم آنچه را می‌خواهیم محقق کنیم و به عنوان علم تحویل بدهیم. علم دانایی و کشف واقع است نه تحمیل خواسته‌ها و تمایلات ما.

در این زمینه، شاید لازم باشد تا ما به عنوان مقدمه، تلاشی برای شناخت وضعت گذشته علم در جامعه خودمان داشته باشیم. آگاهی از آنچه در باره علم بر ما رفته، راه‌های خطایی که رفته‌ایم و گاهی صد سال و حتی هزار سال مطلب غلطی را یکسره آموزش داده‌ایم و به زحمت تغییر داده و خطاهای خود را پذیرفته ایم، این معضلی است که فقط یک آگاهی درست تاریخی در باره علم می‌تواند ما را هوشیار کند.

در این زمینه، پاسخ دادن فقط به یک سری سوال بسیار مهم است.چرا ما اسیر کلی گویی شدیم و امر تجربه را در تمدن اسلامی کنار گذاشتیم؟چه شد که ما از روش ابن سینا پیروی کردیم اما ابوریحان را که نگاه پیمایشی و تجربی داشت حذف کردیم؟

چه شـــد که قرنها مدارس را تعطیل کرده و خانقاه را تقویت کردیم و.. و بدین ترتیب سرنوشت علم را در شرق اســـلامی به بیراهه کشـــاندیم... و چه شد که دهها سال با پیشرفت‌های جدید مخالفت کرده و مدارس نوین را تحریم می‌کردیم و علم را منحصر در اموری می‌دانستیم که غالبا و گرچه زندگی معنوی ما را متأثر می‌کرد، اما زندگی مادی ما را جدی نمی‌گرفت... و پرسشهای دیگر.

نهاریه

شعری از سهراب سپهری

من مسلمانم...

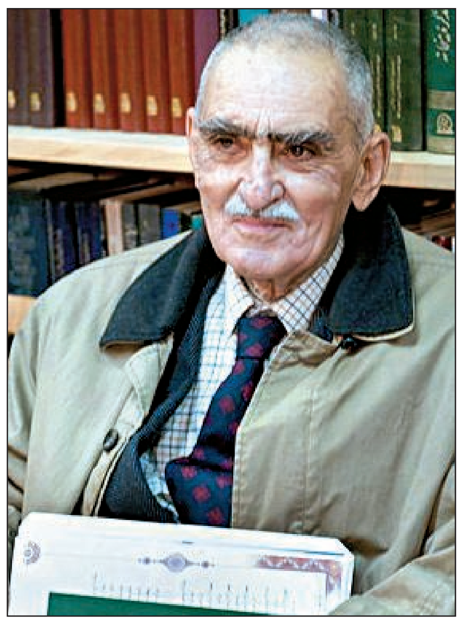
من مسلمانم:
قبله‌ام یک گل سرخ
جانمازم چشمه، مهرم نور
دشت سجاده من
من وضو با تپش پنجره‌ها می‌گیرم
در نمازم جریان دارد ماه، جریان
دارد طیف
سنگ از پشت نمازم پیداست
همه ذرات نمازم متبلور شده است...



تبریک

تبریکی از زنده یاد ایرج افشار

شادباش



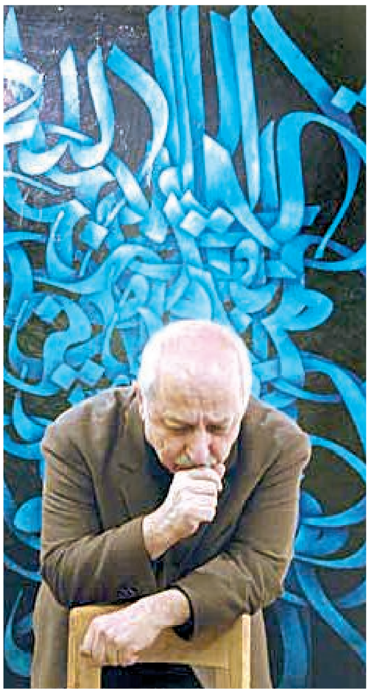
فرارسیدن سال نو را شادباش می‌گوییم و برای همگان شادکامی و شادمانی خواستاریم.
به گفته مولانا در هفتصدسال پیش:
آمد بهار خرّم، آمد نگار ما
چون صدهزار تنک شکر در کنار ما

مجله آینده سال نوزدهم بشماره‌های ۱۰ ـ ۱۲
دی ـ اسفند ۱۳۷۲ /۸۸۳

خاطره

خاطره گویی استاد محمد احصایی

قطار «هنر» در ایستگاه «بهار»





قطار زندگی من با قطار «هنر»، در ایستگاه «بهار» تلاقی کرد و از چهل وچندسال پیش تا امروز سرنوشت ما به هم گره خورد. بهار ۱۳۵۴، در روزه‌داری‌های ادواری‌ام، در حالتی از مواجهه شدید عاطفی با کلام«الله»، که یکسره ذهن و دل مرا به تصرف درآورده بود، حدود ۲۰۰قطعه کار انجام دادم که تکنیک اجرای آنها، حضور دایم و آمادگی شدید روحی را می‌طلبید؛ ضرباهنگی که هدایت قلم را «قلب» برعهده داشت. آثار معروف به «ذکر تصویری الله» حاصل این تلاقی مهم است. این دسته از آثار یادگار نوروز هستند و شاید همین تلاقی و تداعی، نوروز را برایم دوست داشتنی تر کرده.

نوروز، اما برایم حاصل احساس عام‌تری هم است. نوروز دست مردم را می گیرد و از زیر سقف‌ها و درهای بسته فضاهای خفه لای دیوارهای بلند و نزدیک شهرها و خانه‌ها به دامن آزاد و بی‌کرانه طبیعت می کشاند: گرم از بهار، روشن از آفتاب، لرزان از هیجان آفرینش و آفریدن، زیبا از هنرمندی باد و باران، آراسته با شکوفه، جوانه، سبزه و معطر از بوی باران، بوی پونه، بوی خاک، شاخه‌های شسته، باران خورده پاک و ... نوروز تجدیدخاطره بزرگی است: خاطره خویشاوندی انسان با طبیعت. تولد و ایام کودکی‌ام را در قزوین، خانه جد پدری‌ام گذراندم. در قسمت جنوبی حیاط، آشپزخانه بزرگی قرار داشت. در آن از جمله دو تنور بود؛ یکی برای نان پختن هر فصل و دیگری، برای شیرینی اعیاد فراهم کردن. جاهایی برای نگهداری دیگ‌ها و دیگر وسایل طباخی و هیزم و چیزهای دیگر. دیوار ستبر و بلند آن به داخل حیاط مایل شده بود و چند تیرک حایل بر سینه ستون‌ها. شاید توهم بود ولی می‌دیدم سال به سال بیشتر خم می‌شود و همیشه نگران فروریختن آن بودم.

ولی مگر از خیال آن «خانه پدری» فارغ بودم؟ دوره اول دبیرستان را که به قزوین بازگشتم و عقلم کمی رسیده بود، توصیه کردم بالای دیوار را بردارند که سبک شود تا کم‌کم بتراشند و دیوار نو بسازند. به خرج‌شان نرفت. ناودان کور و گرفته بام آشپزخانه و صاحب آن مقابل باران‌های رحمت ایستاد. باران رحمت ویرانگر شد. پی دیوار را سست کرد و دیوار آوار شد. گویی پدربزرگم مسکنی یک بار مصرف برای فرزندش گذاشته بود. پدر خانه را فروخت و به تهران کوچ کردیم. در همان زمان دانشجویی که گرافیک می‌خواندم، خوشنویسی را تدریس می‌کردم، چون در

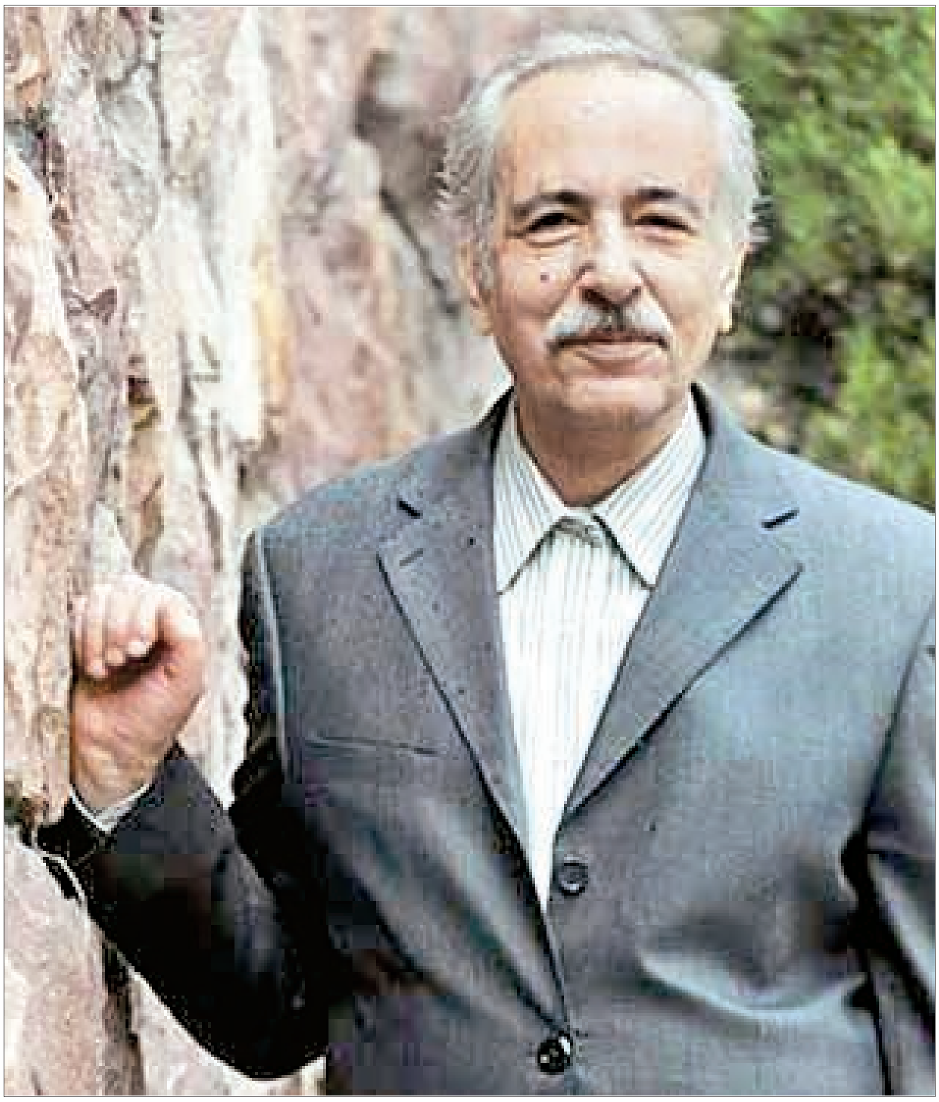
گرم از بهار، روشن از آفتاب، لرزان از هیجان آفرینش و آفریدن، زیبا از هنرمندی باد و باران، آراسته با شکوفه، جوانه، سبزه و معطر از بوی باران، بوی پونه، بوی خاک، شاخه‌های شسته، باران خورده پاک و ... نوروز تجدیدخاطره بزرگی است: خاطره خویشاوندی انسان با طبیعت

آن سال‌ها به عنوان یک خوشنویس شناخته شده فعالیت داشتم. سال‌ها هم خوشنویسی کردم، اما دلم می‌خواست به عرصه‌های جدیدی فکـــر کنم و به همین خاطر تصمیم گرفتم که از هنر خوشنویسی به شـــکل دیگری بهره ببرم. هرچند که شکستن ساختار خطوط و نوشته‌ها در ابتدا برایم کاری بسیار دشوار بود و انتقادهای بسیاری را نیز به وجود آورد، اما کشف یک افق جدید بیش از هرچیز برای من اهمیت داشت. از همان سال‌ها ضمن خطاطی نستعلیق با دیدن قرآن‌های برادران بایسنقری در موزه آستان قدس رضوی و نیز قرآن‌های بزرگ موزه ایران باستان، به کتابت قرآن مجید، به خط ثلث و محقق علاقه مند شدم، اما رفته رفته به خط «محقق» گرایش بیشتری یافتم.

نامه

از نامه‌های نوروزی استاد بهاءالدین خرمشاهی به دکتر منوچهر مرتضوی

از همدلی تا همزبانی



اشاره

دوستی غیرحضوری اما بس صمیمانه و مهرآمیز بنده با استاد بزرگ تاریخ و ادب حضرت آقای دکتر سیدمنوچهر مرتضوی ـ رضوان‌الله تعالی علیه ـ نزدیک به ۲۵ سال از طریق نامه‌نگاری برقرار و بردوام بود و هست و تا زنده‌ام یاد مکارم اخلاق و ذرّه‌پروری خورشیدوش ایشان دلم را گرم و به زندگی امیدوار می‌سازد. بنده شاید بیش از هزار نامه در طی نیم قرن برای بزرگان، علم و ادب و فرهنگ و هنر ایران نوشته‌ام.

دریغا که نسخه‌ای از اغلب آنها ندارم. به گمانم حدود ۵۰ نامه از این بزرگواران از تطاول ایام محفوظ مانده و به صورت دسته ـ بسته‌ای در جای مطمئنی در خانهٔ ـ که آکنده از کتاب و پوشه/پرونده و به اصطلاحات «کاغذجات» است ـ قرار داده‌ام اما آن جای مطمئن خودش معلوم نیست کجاست!

فقط دلم به این خوش است که در خانهٔ ماست و روزی پیدا می‌شود. چه در حیات رو به پایان من، چه در زمان مرحوم بهاءالدین خرمشاهی که با هفت هزار سالگان سربه‌سر شده. یا از خاک برآمده است و بر باد شده. با نهایت اعتقاد به جاودانگی روح و حیات اخروی که خداوند در قرآن کریم آن را حیاتی اصیل و اصل شمرده: انَّ الدار الآخرة لهی الحیوان.

استاد علامه حضرت دکتر منوچهر مرتضوی استاد و رئیس پیشین دانشگاه تبریز از مردان کمیاب روزگار بودند با فضل و فرزانگی و فروتنی کم‌نظیر. از حدود سال‌های (۶۶ـ۱۳۶۵) نامه‌نگاری ما شروع شد.

حضرت ایشان دو سه نامهٔ اول مرا پاسخ‌هایی دادند که هر یک سندی علمی و ادبی و فرهنگی از روزگاران ماست سپس دستان هنرمندشان لرزش پیدا کردند و در پاسخ هر نامه (نوروز ـ نامه) یک تلفن نیم ساعته می‌زدند.

نوروزنامهٔ (۱۱)

برادر و سرور عالیقدر فرزانه مهربان
حضرت آقای دکتر منوچهر مرتضوی

با سلام و تجدید عهد ارادت حلول سال نو، سال ۱۳۷۷ شمسی را به حضور مبارکتان تبریک عرض می‌کنم. اکنون که نوشتن این‌نامه را برای آن سرور عالیقدر آغاز کرده‌ام نیم‌ساعتی از تحویل سال می‌گذرد، یعنی دقایق اولیهٔ نوروز، اول فروردین ۷۷ است. دو سه روزی هست که لحظه‌شمار فرا رسیدن سال نو هستم تا به رسم این سال‌ها، ارادتی بنمایم و سعادتی ببرم.

سالها و بی‌اعتنا به رنج و شادی‌های ما می‌گذرد و ما را کشان‌کشان به‌سوی هرچه پیرتر شدن می‌برد.

امیدوارم سال جدید برای شما و خاندان گرامی شما پر یُمن و برکت باشد. هرچه رنج و بلاست از جسم و جان شما دور باشد. یاد مکارم اخلاق و مهربانی‌های شما و فرزند برومند خوشخوی دانشمندتان جناب ایرج مرتضوی، زیب و زیور خاطره است. هر روز که می‌گذرد احترام قلبی من به آن جناب افزون‌تر می‌گردد.

خانه‌نشینی یکی از وجوه شباهت‌های زندگی من و شماست. به حداقل بیرون می‌روم. در هفته فقط بعد از ظهر، یکی به دفتر دایرةالمعارف تشیع که جلد ششم آن در آستانهٔ انتشار است، و دیگری به دفتر نشر خودمان که فرزان نام دارد. بقیه ایام در منزل هستم و شور و شوق سابق را برای کار ندارم.

سال ۷۶ سال انواع بیماری‌ها و بی‌دل‌دماغی‌ها برای من بود. هم از کلیت مزمن که گاه حاد می‌شود، در رنجم و هم از پروستات که آنهم در عین مزمن بودن گاه حاد می‌شود، و در این میانه گهگاه هم دچار افسردگی می‌شوم اما یک لحظه ناشکری نمی‌کنم. تمام این رنجها و ده‌چندان آنها قابل تحمل است.

به کار کتاب و تألیف و تحقیق هم که معتاد شده‌ام. شاید روحاً خسته شده باشم. زیرا سی سال یک ریز و علی‌الدوام قلم زده‌ام. در سال گذشته یک زندگینامه خود نوشت فرهنگی نوشتم که قدری حجمش گزاف و بالغ بر ۷۰۰ صفحه در قطع رقعی شد و در مراحل پایانی چاپ است. نامش «فرار از فلسفه» است و فصل چهارم که آخرین فصل کتاب است انتقادی مؤدبانه و غیرجدلی ولی کاملاً جدی و جسورانه بر فلسفه است. از بس که هزار ماشاءالله ـ به قول قدما بنام ایزد ـ همه فیلسوف و عاشق نازک اندیشی‌های فلسفه و فلسفی هستند نمی‌شود گفت که بالای چشم فیلسوفان ابروست. و نازکی طبع حضرات به قول حافظ تا به حدیست که آهسته دعا نتوان کرد.

یک مجموعه از یکصد مقاله نیز با عنوان «در خاطره شط» فراهم کرده‌ام که ۸۰۰ ـ ۹۰۰ صفحه در قطع وزیری است و در انتشارات جاویدان در لبهٔ انتشار است.

ترجمهٔ قرآن کریم به قلم این ناچیز در سه قطع و چند نوبت تجدید طبع یافته است (قطع رحلی، قطع وزیری، و قطع جیبی پالتویی ـ که دو قطع اخیر پانویسها و پیوسته را ندارد).

دو سه کار سنگین در دست دارم که انشاءالله اگر خداوند توفیق اتمام آنها را ارزانی فرمود، دیگر دست به کار تازه نخواهم زد.

و برای من عمده رغبت روحی است که ریگ آمو و درشتی‌های او را زیر پایم پرنیان می‌کند و گرنه دیگر برایم نام و نان طلبیدن انگیزه نیست. و خداوند می‌داند که من از شهرت تنفر دارم. لذا مرا در بهشت همیشه بهار نه فقر نه ثروت جای داده است. له‌الحمدالله.

کاری که در دست دارم عبارتند از ۱. یک تصحیح جدید از دیوان حافظ که فی‌نفسه مهم نیست یعنی قزوینی است و ۶ طبع در حاشیه. آنچه شاید تکرار مکررات نباشد آن است که جناب هاشم جاوید و بنده قرائت گزینی می‌کنیم و در توجیه قرائات که پیرانه سر بکن هنری ننگ و نام را یا مکن هنری، بحث می‌کنیم. و از این نظر با دیوان‌ها و تصحیحات دیگر فرق دارد. یعنی دیوانی است با دگرسانی‌ها (نسخه بدل‌ها) و شرح دگرخوانی‌ها (اختلاف قرائات)، و در مراحل نهایی طبع است و انشاءالله به محض انتشار نسخه‌ای به حضور مهر ظهورتان خواهیم فرستاد.

در هشـــت ده روز اخیر تصحیح جدید و مهمی از دیوان حافظ بر مبنای ۸ نسخه از ۸۱۳ تا ۸۲۷ کوشش جناب دکتر رشید عیوضی انتشار یافت که بسیار قابل توجه و از کوشش‌های مهم در تصحیح دیوان حافظ است که دیگر علی‌الاصول باید به پایانش نزدیک شده باشیم. دیدم که در مقدمه از ارشادات حضرتعالی به نیکی یاد کرده است و از لحن متین و شایسته‌اش خوشم آمد. کار معقول و مقبولی اســـت. نمی‌دانم آیا فراغتی خواهم یافت که نقد و نظری در باره اش بنویسم یا نه. این نفوذی که حافظ در اعماق روح و جان ما دارد خیلی پدیده شگرفی است. گمان نکنم حتی شکسپیر این همه در دل و جان مردم انگلیسی زبان یا حتی خود انگلیس‌ها رسوخ و نفوذ داشته باشد.

اما یک کار ضربتی و جدی ان‌شاءالله مفیدی که در سال گذشته خداوند سبحان توفیق انجامش را به بنده داد، تدوین دانشنامه «قرآن و قرآن پژوهی» بود با حدود ۳۶۰۰ مقاله که بحمدالله درعرض یک سال بیش از ۹۵ درصد از آنها فراهم شده است و به دست بنده که کوششگر این دانشنامه هستم رسید و حال در ایام عید مشغول ویرایش و به ویژه الفبایی و منظم کردن مقالات هستم که هفته‌ای حدود ۳۰۰ صفحه حروفچینی می‌شود ان‌شاءالله قرار گذاشته‌ایم که حروفچینی را تا آخر شهریور ماه ۷۷ تمام کنیم و ظرف ۴ ماه هم سایر کارهای چاپی‌اش را انجام دهیم به طوری که انشـــاءالله در دو جلد یا ۳ جلد قطور حدودا ۱۰۰۰ صفحه‌ای یا مقداری بیشتر در قطع وزیری ســـتونی بلند بالا با حروف ریز و دایرةالمعارفی که گمان کنم حروف شماره ۱۰ یا ۱۱ باشد. یعنی از دایرةالمعارف امروز ایران که با حروف ۱۲ هستند هم یک هوا ریزتر است.

هر ۵ صفحه دستنویس خطی ما می‌شود یک صفحه حروفچینی شده. حدوداً ۲۰ نفر با بنده همکاری کرده‌اند و از بیش از ۱۰۰ نفر از قرآن پژوهان و مترجمان قرآن و مفسران امروز ایران درخواست زندگینامه خود نوشت برای درج در همین دانشنامه کرده‌ام. جور و جفاها بسیار دیده‌ام. بقیه‌السیف حال نداشته خود را صرف این کار می‌کنم ولی به راستی با عشق و علاقه غریبی به این کار دست زده‌ام. دوستان از این که یک ساله با این امکانات ناچیز این مقالات را جمع کرده‌ایم (و اغلب مقالات افتادگی را خودم می‌نویسم) حیرانند. اما به مدلول: اذا اراد الله شیئاً یهیئو اسبابه. بحمدالله کار به سامان آمده است.

یک مجموعه از احادیث نبوی با ترجمه فارسی هم در سال ۷۶ منتشر کردیم به نام «پیام پیامبر» که ۵ـ۶ هزار حدیث نبوی است از منابع شیعه و سنی یعنی صحاح سته و کتب اربعه با همکاری جناب مســـعود انصاری که از اهل سنت (شافعی)است.

ترجمه قرآن همین آقای انصاری را در نشر خودمان در فرزان در آخرین مراحل چاپی داریم. ترجمه‌ای بسیار دقیق که از شدت دقت و مطابقه تام و تمام با متن مقدس قرآن یک قدری (ناچیز) خشک به نظر می‌رسد اما لازم بود ترجمه‌ای به این دقت منتشر شود بنده خیلی هوای این کار را دارم. آن را ویرایش کرده‌ام و گفتار ویراستار بر آن نوشته‌ام.

اما یک کار سخت و سنگین دیگر هم حدوداً ۳ـ۴ سال است در دست دارم و آن فرهنگ دانشنامه‌ای (= دانشنامگی به قول آقای احمد بیرشک) انگلیسی ـ فارسی فرزان است که به‌مدت ۳ ســـال روزی ۷ـ۸ ساعت روی آن کار کردم به‌طوری که شماره صفحات دستنویسم از پنج هزار گذشت و از شدت پر کاری در تابستان گذشته بیمار و بستری شدم و ناچار شدم از همکاری همکارانی که فقط در تصحیح و ویرایش کار دخالت داشتند بیشتر استفاده کنم و حالا آنها در تألیف فرهنگ صمیمانه و فداکارانه با من همکاری دارند (این دوستان دونفرند، دو نفر هم فقط تصحیح مطبعی را به عهده دارند). به قول حافظ:

یا رب این آتش که در جان من است
سرد کن زانسان کـــه کردی بر خلیل

این جنون پرکاری ناشی از حساسیت و اضطراب پیدا و پنهان من است. اما تن، این بارگران را نمی‌کشد و انسان دچار حمله افسردگی می‌شود که:

جهان‌وکارجهان جمله هیچ در هیچ است
هزار بار من این نکته کــــرده ام تحقیق

مقاله‌ای دارم: به نام فرار از مدرسه و فرار از فلسفه. و در این باب است که درد غزالی در اینکه با فلسفه در افتاده بود، چه بود. دو سه ماه پیش هم جشن‌نامه یا یادنامه دیگری کسب منتشر شد، به همت آقای محمدخانی هر که مجموعه خوب و آبرومند است

نمی‌دانم آدم کارهایی را هم که خیال می‌کند با قصد و اراده و برنامه‌ریزی و آگاهانه انجام می‌دهد بعدها می‌بیند که گویی ناآگاهانه و غریزی بوده است.

یکی از وقایع سال ۷۶ در زندگی کوچک ما این بود که فرزند ارشدم هاتف ازدواج کرد. دختر آقای دکتر علی رامین که اهل قلم و صاحب آثار ترجمه‌ای ارزشـــمندی هستند، عروس ماست. هاتف در آخرین ســـالهای رشته برق و



الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف تحصیل می‌کند و متولد سال ۱۳۵۴ و حدوداً بیست و سه ساله است. پدر عروس و بنده مشترکاً یک آپارتمان ۷۵ متر در همین شهرک غرب برای زوج جوان خریدم و مدد معاشی ماهانه هم بهشان می‌دهیم تا کار و بارشان رونق گیرد.

به فرهنگستان زبان و ادب هم به تشویق همین فرزند ارشـــد می‌روم. هر دو هفته جلسه شورای عمومی است. اخیراً چند نفر هم به عضویت انتخاب شدند از جمله آنها

اکنون که نوشتن این‌نامه را برای آن سرور عالیقدر آغاز کرده‌ام نیم‌ساعتی از از تحویل سال می‌گذرد، یعنی دقایق اولیهٔ نوروز، اول فروردین ۷۷ است. دو سه روزی هست که لحظه‌شمار فرا رسیدن سال نو هستم تا به رسم این سال‌ها، ارادتی بنمایم و سعادتی ببرم

که یادم است عبارتند از: آقای دکتر فتح‌الله مجتبایی (به اتفاق آراء)، آقای دکتر جواد حدیدی که از برجسته‌ترین فرانسوی دانان امروز ایران و مدیر مجله فرانسوی لقمان هستند، خانم دکتر قریب (زبانشناس)، آقای اسماعیل سعادت، آقای دکتر حسین معصومی همدانی که به تازگی از بورس تحصیلی پنج ساله‌ای از فرانسه به ایران بازگشته‌اند و فرزند آخوند ملاعلی معصومی همدانی و واقعاً مردی هوشـــمند و دانشمند و دوست ۲۵ ساله من هستند.

آقای دکتر جعفر شعار هم که در بعضی جلسات به‌عنوان محقق مدعو شرکت داشتند خیلی تمایل داشتند که انتخاب شوند ولی نشد. ایشان به مسائل زبانی خیلی اهمیت می‌دهند و فضل و فرهنگشان خوب است. در روز جلسه رای‌گیری و پیشنهاد بنده غایب بودم لذا نمی‌دانم آیا اصولاً مطرح شده‌اند یا خیر.

نام مبارک حضرتعالی در ســـالهای پیش خیلی در فرهنگستان به‌ویژه در ایام انتخاب عضو یا اعضای جدید مکرر مطرح می‌شـــد و همگان با احترام و اعتقاد بسیار از آن جناب یاد می‌کردند که بعضی از دوستان از جمله دکتر سرکاراتی می‌گفتند که: استاد مرتضوی نمی‌پذیرند. من هم همین احساس را داشـــتم و البته همکاری با فرهنگستان حوصله و انرژی مخصوصی هم لازم دارد. کارها هم خیلی کند پیش می‌رود. اخیراً بنده دو مقاله برای نشریه «گلستان» منتشره در آمریکا که نشریه شورای گسترش زبان فارسی در نیویورک است، درباره انتشارات جدید فرهنگستان نوشته‌ام که نخستین مصوبات فرهنگستان نام دارد و بحث و بررسی درباره ۲۲۰ واژه جدیدالضرب است. و دیگر بحث درباره اصول و ضوابـــط واژه گزینی. دلم می‌خواهد دهها صفحه برایتان بنویسم از بس که احساس همدلی با شما دارم.

دیگر از اخبار فرهنگی ترتیب مجلس بزرگداشت دکتر زرین‌کـــوب بود که در همان روز هم یادگارنامه جدیدی برای ایشان به همت آقای علی دهباشی منتشر شد. دکتر مجتبایی و دکتر محقق و چند تن دیگر صحبت کردند. این بنده در یادگارنامه مقاله‌ای دارم: به نام «فرار از مدرسه» و«فرارازفلسفه».ودراین‌باب‌است‌که‌دردغزالی‌دراینکه‌بافلسفه در افتاده بود، چه بود. دو سه ماه پیش هم جشن‌نامه یا یادنامه دیگری در باب استاد زرین کوب منتشر شد، به همت آقای اصغرمحمدخانی. هر دو مجموعه خوب و آبرومند است.

کار دیگری که در دست انتشار دارم تصحیح جدیدی از «مرآت المثنوی» از قاضی حسین است که با کمک چند تن از دوستان حروفچینی جدید تهیه کرده‌ایم و کشف‌الابیات سراسری گذاشته‌ایم و استاد زرین‌کوب هم به درخواست بنده یادداشتی بر آن نوشته‌اند که ان‌شاءالله تا سه چهار ماه دیگر منتشر خواهد شد. هوای نزدیک به صبح، در حوالی نزدیک شدن به صبح یک قدری بیشتر تاریک می شود. حکایت بنده است که قبل از رها کردن همه این قبیل کارها در چند سال اخیرخیلی پر کاری کردم ولی دیگر هر شور و رغبتی بود یا هر دین و مسئولیت، آن را تمام شده می‌دانم و خیال دارم بنشینم و صبر پیش گیرم ودنباله هیچ‌کاری را نگیرم . دیگر تاب و توان قبول مسئولیت ندارم. و خواهم اگر ان‌شاءالله عمر و امید و آینده‌ای باشد، به جبران مافات و خواندن نخوانده‌ها بپردازم و تسلیم افسردگی پیرانه سر شوم.

دوستدارو دعاگوی شما
بهاءالدین خرمشاهی
۷۷/۱/۱

عید

یکی از دو عید بزرگ ایران باستان

جشن مهران

■ دکتر شیرین بیانی



شاید می‌بایست من آخرین کسی باشم که راجع به جشن مهرگان گفت‌وگو دارد؛ زیرا بررســـی اعیاد باستان ایران که تعدادشان هم زیاد بوده، کار متخصصانی است که عمری را در راه پژوهش درباره این مسائل گذرانیده‌اند؛ در ضمن باید اضافه نمایم که بنابر تخصص من، بحث حاضر تنها جنبه تاریخی دارد، نه جامعه‌شناسی و مردم شناسی ، که اعیاد بیشتر با این دو رشته در ارتباط‌اند.

«مهرگان» یا «مهران» ، نام عیدی است که در شانزدهمین روز از هفتمین ماه ســـال، یعنی مهرماه در ایران باستان از هزاره‌های دور و از زمانی که آریائی‌ها به این سرزمین وارد شدند، برگزار می‌شده و قبل از آن در ایران ویج ـ ماوراءالنهر، بخصوص سُغد و خوارزم ـ متداول بوده است؛ زیرا همراه با آیین میترائی که در آن منطقه گسترده بوده، حتی قبل از ظهور پیامبر زرتشت مرسوم گشته. این عید و جشن را «میتراکانا» (میثره‌کانه ـ mithriakana) می‌خوانده‌اند، و در متون عربی «مهرجان» آمده است؛ که به معنی «جشن‌های رسمی به افتخار میترا» بوده است. خلاصه آنکه میترا یا مهر، ایزد نور و خورشـــید و در مرتبه‌ای پائین‌تر از اهورامزدا؛ و در ضمن ایزد پیمان، داوری، عدالت، دوستی، جنگاوری و حتی نگهبان روســـتاها و خرمن بوده و آیین میترائی لااقل از چهار هزار سال قبل از میلاد مورد پرستش آریائی‌ها قرار داشته و به مرور ایام و به تناسب پیشرفت فرهنگ و تمدن تکامل یافته است. پس از ظهور پیامبر زردشت و گسترش دین زردشتی، میترا جایگاه خود را حفظ کرد، و نه تنها در بزرگداشت وی کوشش فراوان مبذول داشته، و بر مراسم آیینی میترائی که عید مهرگان نیز جزئی از آن بود، افزوده شد؛ بلکه همراه با توسعهٔ قلمرو امپراطوری‌های ایرانی، به خارج از مرزها نیز نفوذ یافت.

بلعمی این جشـــن را «نوروز مهرگان» نامیده، در برابر «نوروز بهار» و می‌نویسد: «مهران روز از ماه مهر و مهرگان ایدون بود، چون مهران روز». از سلمان پارسی نقل شده که: «ما در عهد زردشتی بودن، می‌گفتیم که خداوند برای زینت بندگان یاقوت را در نوروز بیافرید و زبرجد را در مهرگان، و این دو روز را بر دیگر روزهای سال برتری داد؛ چنانکه یاقوت و زبرجد را بر دیگر گوهرها»؛ و دیدیم که فردوسی در روز تاجگذاری فریدون سرود که: «گرفتند هر یک ز یاقوت جام»؛ و در جای دیگر گفته است: ز «یاقوت سرخ» است، «چرخ کبود». بدین ترتیب در دوران اساطیری و همچنین تاریخی ایران باستان، یاقوت را نماد خورشید و ایزد آن میترا؛ و زبرجد را نماد حاصلخیزی و سرسبزی؛ و به احتمال قریب به یقین ایزد بانوی آن، آناهیتا می‌گرفته‌اند؛ و چنانکه عید مهرگان از آنِ میترا بوده، شاید نوروز را که شروع سرسبزی و رویش بوده، از آن این ایزد بانو می‌دانسته‌اند. در «بندهشن» آمده است که مشی و مشیانه که نسل انسانها از این دو در وجود آمده‌اند، و آنها خود از تخمهٔ کیومرث بوده‌اند که اولین انسان و اولین فرمانروا بر روی زمین بوده است، در چنین روزی در وجود آمده‌اند و در ضمن از بدن مشی و مشیانه غله و به خصوص گندم روئیده شد.

> **شاید می‌بایست من آخرین کسی باشم که راجع به جشن مهرگان گفت‌وگو دارد؛ زیرا بررسی اعیاد باستان ایران که تعدادشان هم زیاد بوده ، کار متخصصانی است که عمری را در راه پژوهش درباره این مسائل گذرانیده‌اند**
> **بنابر تخصص من، بحث حاضر تنها جنبه تاریخی دارد، نه جامعه‌شناسی**

جشن مهرگان شش روز به درازا می‌کشید؛ در حالیکه در سراسر ماه، شادمانی و سرور برقرار بود؛ و عوام و خواص در این جشـــن به شادی و پایکوبی و رد و بدل کردن هدایا می‌پرداختند، و بدین منظور در شهرها بازار برپا می‌شد. ابتدای آن روز شانزدهم مهرماه بود که آن را «مهران عامه» می‌گفتند و تا روز بیست و یکم مهر ادامه می‌یافت، که آن را «مهرگان خاصه» می‌خواندند. از جمله مراسم این جشن که می‌بایست از آن دوران ساسانی بوده باشـــد، آن بود که موبدان موبد، خوانچه‌ای که در آن ترنج، شـــکر، گل نیلوفر، سیب، انار و خوشه‌ای انگور سفید و هفت عدد شاخهٔ مورْد گذاشته شده بود، در حالیکه دعای مخصوص عید را زمزمه می‌کرد، یا به تعبیر آن روز «واج‌گویان» آن را نزد پادشـــاه می‌آورد. چنان می‌نماید که درخت مورد از دیرباز مورد تقدیس آریائی‌ها بوده، و بعدها توسط آئین میترائی به اروپا رفته و در دین مسیح وارد گشته است. «مورد» درختچه‌ایست زیبا و زینتی که برگهائی معطر با رنگ ســـبزی بسیار درخشان و براق دارد، که رنگ سبز شفاف را به آن مثل می‌زدند، از میوهٔ مورد نیز استفاده‌های گوناگون می‌شود. می‌بینیم که اجناس داخل خوانچه هفت نوع و تعداد شاخه‌های مورد نیز هفت عدد بوده، که هفت در میان اعداد، عدد مقدسی به شمار می‌رفته است. رسم زمزمه کردن ورد و دعا یا «واج» در چنین روزی، که به مرور ایام و به تدریج به مطالب و مراسم آن افزوده شده است، را نیز به فریدون نسبت داده‌اند.

ابوریحان بیرونی دربارهٔ مهرگان می‌نویسد: «گویند مهر که نام خورشید است، در چنین روزی پدیدار شد؛ و بدین سبب این روز را بدو نسبت داده‌اند؛ و «در روز مهرگان، سپیده بر قله کوه شاهین دیده می‌شود» که به درستی مشخص نیست که کوه شاهین کدام کوه بوده است. شاید یکی از قلل مرتفع البرز بوده باشد؛ و می‌افزاید: «خداوند از نور و ظلمت، بین نوروز و مهرگان پیمان گرفت»؛ همچنین خداوند ماه را که کره‌ای سیاه و بی‌فروغ بود، جلا و روشنی بخشید و بدین سبب ماه در مهرگان از آفتاب برتر است؛ به همین مناسبت که مهرگان نماد خورشید بوده است، شاهنشاهان در این جشن تاجی به شکل خورشید که دایره‌ای چرخ‌گونه بر آن نصب شده بود، بر سر می‌گذاشتند.

در دوران‌های اوّلیهٔ تمدّنی، مردم دو فصل را مورد نظر قرار داده بودند، یکی بهار و دیگری پائیز؛ که این دو فصل در ساز و کارهای زندگی انسان‌ها مؤثّرترین فصل‌ها بوده است؛ و به تدریج برای اوّلی عید «نوروز» و برای دومی عید «مهرگان» ترتیب یافت و شکل گرفت. این عید به علّت خصوصیات فصل پاییز، به خصوص برداشـــت محصول، پس از نوروز مهمترین جشن ایرانیان در دوران باستان به شمار می‌رفته، که البتّه پس از این دو، اهمیّت جشن «سده» را نیز نباید از یاد برد. به قول ابوریحان‌بیرونی: «بعضی مهرگان را بر نوروز ترجیح داده‌اند»؛ زیرا در طبیعت همه چیز پایان می‌پذیرد تا بار دیگر زندگی نو شود.

مردم بر این باور بودند که در روز شانزدهم مهرماه، یعنی اوّلین روز جشن یا «جشن عامّه» فرشتگان به مدد کاوهٔ آهنگر آمدند تا او بر ضحّاک مسلطّ گردد و در دماوند، در البرز کوه در بندکشیده و ظلم و جور از میان برداشته شود و به جای او فریدون نیکوکار، دادگستر و بخشنده، در همین روز بر تخت شاهی نشیند؛ و در برابر هزار سال بدکاری و پلشتی ضحاک، او پانصد سال به «دادودهش» فرمان راند. شاهنشاهان هخامنشی، که پـــس از اهورا مزدا، میترا را تقدیس می‌نمودند در چنین روزی لباس فاخر ارغوانی(به رنگ یاقوت نماد میترا) برتن می‌کردند و به پایکوبی و شادمانی می‌پرداختند. آنان نمی‌بایست در میگساری افراط می‌کردند، مگر در چنین روزی، در یکی از منابع یونانی گزارش شده که ساتراپ ارمنستان در جشن مهرگان، هر ساله، بیست هزار کرّه اسب اصیل، به رسم هدیه به دربار هخامنشی هدیه می‌فرستاد.

این مراســـم لااقل از زمان اردشیر دوم، در نیمهٔ عصر هخامنشی رایج بوده است. پیشکش اسب به این دلیل بوده که بنا بر رسم متداول و بسیار کهن، می‌بایست این حیوان، که در نزد آریائی‌ها اهمیّت خاص داشته، برای ایزد میترا و در نتیجه خورشید قربانی شود و گذشته از آن گردونهٔ وی را براند.

در عید مهرگان شاهنشاه هخامنشی نقش عمده بر عهده داشته است؛ و به گفتهٔ بریان: «این تنها جشنی است که ما در آن از نقش خاص پادشاه آگاهی داریم». پایکوبی که ذکر آن رفت نوعی رقص مقدّس مخصوص پارسیان بوده که حرکات جنگی در آن نمودار می‌گشت و مخصوص شخص شاه بود، یا بهتر گفته شود رقص در دربار یکی از مراسم آیین میترا بوده و به «رقص پارسی» شهرت داشته. جزء موارد میگساری در این جشن درباری، نوشیدن هوم، نوشابهٔ سکرآور مذهبی نیز بوده است.

اشکانیان نیز میترا را تقدیس می‌کردند و برای این ایزد اسب قربانی می‌نمودند و آتش را مقدّس می‌شمردند. هرچند که دربارهٔ مهرگان از این دوره مطلب مهمّی باقی نیست، معهذا می‌توان دریافت که به همین دلیل پرســـتش میترا، که لااقل در ارمنستان مدارک کتبی از آن به دست آمده است؛ جشن مهرگان را گرامی می‌داشته‌اند و مراسم عید را برپا می‌کرده‌اند.

یکی از مهمترین منابع مـــا در این زمینه، منظومهٔ «ویس و رامین» است که توسط فخرالدّین اسعد گرگانی در نیمهٔ اوّل قرن پنجم هجری از پهلوی به فارسی ترجمه شده و مربوط به دوران اشکانی می‌باشد. در این منظومهٔ عاشقانه، از جشن و عید مهرگان سخن به میان آمده و چگونگی آن توصیف شده است.

اردشیر بابکان مؤسس سلسلهٔ ساسانی در چنین روزی برتخت فرمانروائی نشست و تاجی بر سر نهاد که به رسم هخامنشیان گردونهٔ خورشید بر آن نقش بسته بود؛ و از آن پس رسم چنین شد که تاجگذاری شاهنشاهان ساسانی در روز جشن مهرگان ـ مهرگان خاصّه ـ انجام گیرد. ابوریحان بیرونی می‌نویسد که در جشن «مهرگان خاصّه» در کاخ پادشاه، مرد تنومند و دلیری را می‌گماشتند تا در بامداد بایستد و با صدای بلند و رسا ندا در دهدکه: «ای فرشتگان، بسوی دنیا بشتابید و جهان را از گزند اهریمنان برهانید.» که ما را به یاد مدد فرشتگان برای طرد ضحاک بدکار در دوران اساطیری می‌اندازد. همو می‌افزاید: در این روز بود که خداوند در کالبدها جان دمید. روز اول «هرمز روز» و روز بیست و یکم یعنی «مهرگان خاصه»، «رام روز» نامیده می‌شد و در آن روز جشن خاتمه می‌یافت.

ابوریحان بیرونی می‌افزاید: «زردشت ایرانیان را امر کرد که باید «مهرجان و رام روز» را به یک اندازه بزرگ بدارند و با هم این دو را عید بدارند»؛ که منظور از ابتدا تا انتهای مهرماه و یا «مهرگان عامه» و «مهرگان خاصه» است. چنین می‌نماید که در دوران ساسانی بر شکوه و شادمانی و ترتیبات مراسم جشن‌ها بســـیار افزوده شده است. هرمز، فرزند شاپور، در نیمهٔ عهد فرمانروایی ساسانی، فرمان داده بود که همهٔ روزهای مهرماه را جشن بگیرند، به این ترتیب از آن پس ایرانیان به مدت سی روز عید را جشن می‌گرفتند؛ و مانند نوروز، هر پنج روز از آن ماه، جشن به یک طبقه از طبقات گوناگون مردم اختصاص داشت؛ و از جهت اهمیت با نوروز مساوی بود.

در این ایام، گذشـــته از همه نوع طعام و نوشیدنی، از میان میوه‌ها: ترنج، سیب، به، انار، عناب و انگور سفید خورده می‌شد؛ و مردم معتقد بودند که اگر از این نوع میوه‌ها خورده شـــود و در ضمن گلاب بیاشامند و آن را بر خود و دیگران بپاشند، در آن ســـال از آفات و بلایا مصون خواهند ماند. همچنین برای شگون و افزونی نعمت برای فرزندان خود، کودکان نورسیده را در این روزها نامگذاری می‌کردند.

انار یکی از مهمترین میوه‌های این جشن بود؛ زیرا گذشته از خواص و زیبائی آن، احتمالاً، دانه‌های «یاقوت» گونهٔ انار، آن را نمادین و مقدس جلوه‌گر می‌ساخت. از پلوتارک روایت شده که یکی از رعایا، انار بزرگ و زیبائی برای اردشیر هدیه آورد. شاهنشاه برای ابراز لطف، با شعف گفت: «به خورشید سوگند» که هدیهٔ ارزنده‌ای است، و خواست که او را به مقامی برساند. گفتیم که یاقوت نماد خورشید و عید نوروز بوده است. انگور نیز از اهمیت فـــراوان برخوردار بود؛ زیرا درخت مو (تاک) مظهر باروری به شمار می‌رفت.

جشن مهرگان در سراسر قلمرو امپراطوری‌های ایران باستان تا ارمنستان و آسیای صغیر (ترکیهٔ امروزی) معمول بوده؛ که بهتر اســـت گفته شود از رود سیحون تا کناره‌های دریای مدیترانه، گستره‌ای چنین وسیع را فرا گرفته، و از آسیای صغیر که چون پلی آسیا و اروپا را به هم مرتبط می‌ساخت، همراه با آیین مهرپرستی به اروپا وارد شده بود. در امپراطوری روم، عید مهرگان «روز ولادت خورشید شکست‌ناپذیر» اعلام شده بود؛ و سپس به نوعی در دین مسیح نیز وارد شد.

به قول بریان «کیش میترا در عصر تمدن رومی گسترشی صاعقه‌گونه یافت». پس از ورود اعراب و دین اسلام به ایران و سقوط شاهنشاهی ساسانی، زمانه به گونه‌ای دیگر گردید، فصلی کهنه بسته و فصلی نو گشوده شد و جشن مهرگان نیز مانند سایر عیدها و آداب و رسوم و سنت‌ها دگرگونی یافت؛ ولی مردم ســـعی کردند که در کنار دین جدید خود، آن را همچنان محفوظ دارند. گزارش شده است که در اولین قرن هجری، مردم بلخ در چنین روزی به فرمانده یکی از پادگانهای اعراب مســـتقر در شهر، هدایائی تقدیم داشتند تا دوستی و مسالمت خود را نسبت به وی و قوای تحت فرماندهی‌اش ابراز دارند؛ در حالیکه این روش جزء آداب جشن نبوده است. می‌دانیم که بلخ یکی از مهمترین پایگاههای فرهنگ ایرانی و دین زردشتی بود و آتشگاه نوبهار در این شهر قرار داشت؛



میترا یا مهر، ایزد نور و خورشید و در مرتبه‌ای پائین‌تر از اهورامزدا؛ و در ضمن ایزد پیمان، داوری، عدالت، دوستی، جنگاوری و حتی نگهبان روستاها و خرمن بوده و آیین میترائی لااقل از چهار هزار سال قبل از میلاد مورد پرستش آریائی‌ها قرار داشته و به مرور ایام و به تناسب پیشرفت فرهنگ و تمدن تکامل یافته است



و نگهبانانش برمک نامیده می‌شدند که از خاندان معروف برمکیان بودند. در سال ۱۲۱ هجری یکی از دهقانهای مهم و معروف که می‌بایست یا می‌خواست به دین اسلام بگرود، در بلخ و در روز عید مهرگان در حضور جمع برخاست و خطاب به مردم حاضر، با صدای بلند تغییر دین خود را اعلام داشت.

چنیـــن می‌نماید که در دوران اســـلامی تاریخ ایران، سامانیان که در قرن سوم هجری حکومت راندند، جزء اولین فرمانروایانی بوده‌اند که برای احیای سنت‌های گذشته، این جشن را پاس داشته و آن را زنده کرده‌اند؛ زیرا در چهار مقالهٔ عروضی می‌خوانیم که: «چون امیرنصر بن احمد، مهرگان و ثمرات او بدید، عظیمش خوش آمد»؛ و باز چنین می‌نماید که قبل از او این رسم همچنان برقرار بوده که فرمانروای سامانی آن را دیده و پســـندیده بوده است. از آن پس هنگامی که در دوران تاریخ پس از اسلام این سرزمین غور می‌کنیم درمی‌یابیم که «مهرگان» در زمانی دراز و متمادی، باشـــکوه و همراه با شادمانی و سرور انجام می‌گرفته است؛ در حالیکه دوره‌های گوناگون با فراز و نشیب‌های سیاسی ـ فرهنگی همراه بوده؛ و گاه بیشتر و گاه کمتر یاد سنت‌های گذشته گرامی داشته می‌شده؛ ولی هنگامی که در این روند دقت می‌کنیم درمی‌یابیم که هرگاه ایران دچار تهاجم و تعرض بیگانگان می‌گشته، این سنت‌ها نمایان‌تر و زنده‌تر جلوه می‌نموده و مورد توجه مردم قرار می‌گرفته، خواه مردم عادی یا به قول منابع «عامه» و خواه توسط دیوانسالاران و روشنفکران دلسوز ایرانی، تا هر چه بیشـــتر مهاجمین را با فرهنگ و آداب و سنن ایرانی آشنا و مأنوس نمایند و از فرهنگی که با خویش از سرزمین‌های بیگانه به همراه آورده بودند، دورشان سازند.

شگفت آنکه در موسیقی کلاســـیک (سنتی) ایرانی، «مهرگان» یا «مهرگانی» نام مقامی بوده است در میان دوازده مقام؛ و فارابی و صفی‌الدین ارموی که در کار موسیقی نیز استاد بوده‌اند، آن را مقام یازدهم ذکر کرده‌اند؛ که به احتمال قریب به یقین در دوران پیش از اســـلامی به خصوص در «جشن مهرگان» از آن بهره می‌گرفته‌اند. می‌دانیم که در این دوران، موسیقی مقامی بس شامخ در میان انواع هنرها داشته؛ و در هر زمان و عصری به تکامل و تنوع آن افزوده شـــده است. در ســـفرنامه فیثاغورث حکیم گزارش شده که در جشن تاجگذاری داریوش بزرگ زنان رامشگر به شماره هر روز ســـال، به تعداد ۳۶۵ خواننده، در این جشن آواز خوانده‌اند. چنین می‌نماید که برای هر روز سال و به مناسبت آن روز، آهنگی موجود بوده است؛ چنانکه در زمان ساسانیان باربد موسیقیدان بزرگ و معروف این عهد نیز برای هر روز از سال آهنگی ساخته بود که یکی از آنها «مهرگان» یا «مهرگانی» بوده است. در منظومه خسرو و شیرین نظامی گنجوی نام سی آهنگ از این نوع ذکر شده است. دکتر عفیفی در کتاب ارزشمند خود به نام «فرهنگنامه شعری» می‌نویسد: «مهرگانی نام نوائی از مصنفات باربد بوده است.»

گفتیم که در دوران غزنوی و ســـپس ســـلجوقی و خوارزمشاهی، به رسم گذشته در دربار جشن‌های باشکوه برگزار می‌گردید، برای سلاطین هدایا آورده می‌شد؛ و آنان نیز در برابر، بخشش‌ها و هدایا نثار مردم می‌کردند. به گفته بیهقی: «امیررضی‌الله عنه [سلطان مسعود] به جشن مهرگان نشست روز سه‌شنبه ۲۷ ذوالحجه و بسیار هدیه و نثار آوردند.»

گذشـــته از شاعرانی که برشمرده شد که دربارهٔ جشن مهرگان و اعیاد آن اشعاری سروده‌اند، اغلب شعرای قرون میانی ایران عهد اسلامی دراین‌باره قصائد و غزلیّاتی دارند، چون: رودکی، فرّخی، عنصری، معزّی، ناصرخسرو قبادیانی، قطران تبریزی، سوزنی، مجید بیلقانی، رشیدوطواط، خاقانی و غیره. مهمترین منابع ما در دوران اسلامی دربارهٔ جشن مهرگان یکی دیوان منوچهری است و دیگری اثر پرارزش ابوریحان بیرونی که از آنها جای جای سخن به میان آمد.

هنگامی که در منابع و به خصوص در تاریخ ادبیّات و دیوان اشعار سیر می‌کنیم درمی‌یابیم که برخلاف عهد غزنوی، سلجوقی و حتی خوارزمشاهی، «جشن مهرگان» در دوران تهاجم مغول مورد توجّه حکومت ایلخانی قرار نگرفت و سیر نزولی پیمود. زیرا آنان در کار برقراری احکام و سنن «یاسا» و آداب آیین شَمَنی و حتّی بودائی بودند؛ و از این روی در دیوان شاعران و منابع این عهد، به سبک معمول گذشته از «جشن مهرگان» نه در دوران ایلخانی و نه در دوران تیموری مغول‌نژاد چندان اثری و خبری نمی‌یابیم. مولانا جلال‌الدّین، سعدی و حافظ، سه شاعر اندیشمند والائی که می‌توان دیوان‌هایشان را جزء منابع تاریخ ایران دانست، هیچ یک از این عید برای ما شعر یا حکایتی برجا نگذاشته‌اند؛ یا لااقل نگارنده از آن بی‌خبر است؛ در حالیکه عید نوروز همچنان برقرار ماند.



شادی

منتخب آثار بهارانه موسیقی بعد از انقلاب

بشنو که تلاوت کند آیات بهاری...

■ محمدرضا ممتازواحد



در سال های گذشته و به ویژه در عصر برنامه گلها، رسم بر این بود که آوازخوانان در استقبال از سال نو و بهار، آوازهایی را با حال و هوای بهارانه ضبط می کردند و این آوازها در ایام نوروز پخش می شد

از آغاز پدیده ضبط صدا در ایران در سـال ۱۹۰۶ م. (مقارن با سال ۱۲۸۴ ه.ش) و آثار به جای مانده از آن عصر تـا به حال حاضر که فرهنگ صوتی مضبوط ما را در بر می گیرد، بررسی بهاریه ها و تصنیف ها و ترانه های بهاری خود مبحثی پژوهشی است. این مهم با توجه به آغاز به کار رسمی رادیو در سال ۱۳۱۹ ه.ش اهمیتی دو چندان می یابد و مطالعه و پژوهش در زمینه این آثار، ما را به نکات جالب و مفیدی رهنمون می سازد.

از جمله تلاشگران این حوزه بالاخص در آثار بهاری مقاطع زمانی ۱۲۸۴- ۱۳۱۹ ه.ش و ۱۳۱۹- ۱۳۵۷ ه.ش، میرعلیرضا میرعلینقی (مورخ و پژوهشگر موسیقی) است که تا به حال پژوهش های بسیاری را در این خصوص مبذول داشته اسـت. راقم این سطور ابتدا مصدد بود که بهاریه های را در این مقاطع زمانی ارائه نماید ولی با توجه به پژوهش های سترگ محققانی چون میرعلی نقی، بر آن شدم که در خصوص چند اثر بهاری منتخب در بازه زمانی بعد از انقلاب (به خصوص دهه های شـصت و هفتاد) تحقیق مختصری کرده و ماحصل آن را تقدیم خوانندگان محترم‌نمایم.

یکی از آثار به یادماندنی سه دهه اخیر اثر «تاب بنفشه» می باشد. هر چند که سروده این اثر اشاره مستقیمی به بهار و نوروز ندارد ولی انتخاب شعر، بر روی یکی از غزلیات بهارانه حافظ صورت گرفته و شنیدن آن ناخوداگاه بهار را در ذهن تداعی می کند. این اثر از ساخته های احمدرضا مؤید محسنی است که با صدای مهدی بهزادپور (بهزاد) اجرا شده است.

ملودی پردازی زیبا و ریتم گزینی مناسـب برای این اثر ضمن بهره گیری صحیح از موسـیقی شعر و مایه گزینی هوشمندانه ای که در بیات ترک صورت گرفته و البته اجرای پر حس و حال خواننده، سهم بسزایی را در تأثیرگذاری و ماندگاری این اثر خاطره انگیز داشته است. احمدرضا مؤید محسـنی نوازنده سنتور و آهنگساز از دیار کریمان - کرمان بزرگ- می باشد که با ساخت آثار برجسته‌ای در دهه شصت که اغلب با صدای هم استانی‌اش، مهدی بهزادپور اجرا گردید، خاطرات بسیاری را برای چند نسل رقم زد. بهزادپور نیز از دیار بم که سینه سوختگان بسیاری را در عرصه موسیقی پرورانده، دارای صدایی زیبا با مؤلفه های مختص به خویش می باشد که به تازگی و در صحت سلامتی و عافیت به آغوش میهن بازگشته و امید است که فعالیت های هنری خود را به زودی آغاز نماید.

اثر «تاب بنفشـه» را به آهنگسازی احمدرضا مؤید محسنی و با صدای مهدی بهزادپور بر اساس سروده ای از حافظ، با هم زمزمه می کنیم:

تاب بنفشه می دهد طره مشک سای تو
پرده غنچه می درد خنده دل گشای تو
ای گل خوش نسیم من بلبل خویش را مسوز
کز سر صدق می کند شب همه شب دعای تو
من که ملول گشتمی از نفس فرشتگان
قال و مقال عالمی می کشم از برای تو

از دیگر آثار به یادماندنی در این زمینه، اثری اسـت که به حدود سال های ۶۸- ۱۳۶۷ باز می گردد. این اثر از ساخته های دکتر حسن ریاحی خالق سرود ملی ایران (سر زد از افق مهر خاوران) می باشد. قالب ارکسترال اثر بر روی سروده ای شورانگیز از مولانا (بهار آمد بهار آمد بهار مشکبار آمد) و بهره گیری صحیح از موسیقی شعر -که خود مقوله بسیار مهم و اصولی در فن آهنگسازی است، به گونه ای که شاید سهم بسیاری از ماندگاری این اثر در همین نکته نهفته باشد-به همراهی سازبندی و سازآرایی آهنگساز برای ارکستر بزرگ و البته اجرای فوق العاده مهرداد کاظمی، هر چه بیشتر و بیشتر به مانایی آن افزوده است. مهرداد کاظمی، خواننده ای دانش آموخته و تحصیل کرده با جنس و رنگ صدایی متفاوت و کم نظیر در موسیقی چند دهه اخیر است. آثار به یاد ماندنی این هنرمند هنوز هم در اذهان باقی است؛ به خصوص اثر زیبای «آب زنید راه را هین که نگار می رسد ...» که حاصل کار دو صدایی او با شادروان محمود علیقلی (سیامک) بود.

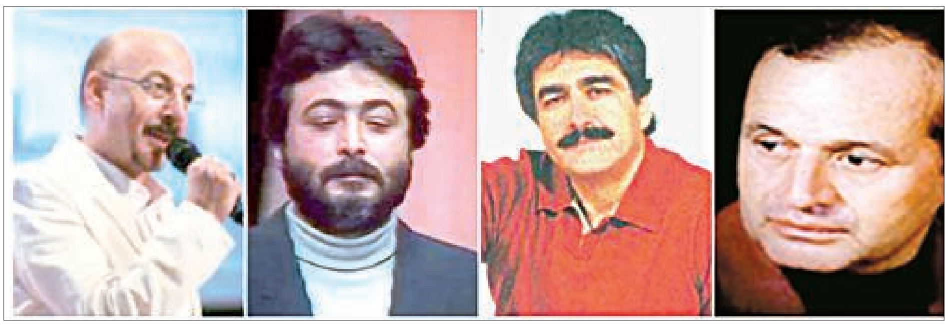
اثر «بهار آمد» به آهنگسازی دکتر حسن ریاحی و با صدای مهرداد کاظمی و بر اساس سروده ای از مولانا:

بهار آمد بهار آمد بهار مشـکبار آمد
نگار آمد نگار آمـد نگار بردبار آمد
حبیب آمد حبیب آمد به دلداری مشتاقان
طبیب آمد طبیب آمد طبیب هوشیار آمد...

نوروز ۱۳۷۲ بود که سریال «مهمان»، مهمانِ نوروزی خانه های مردم ایران گشت. به غیر از مردم پسند بودن قصه و هنرآفرینی خاطره انگیز هنرمندان این مجموعه تلویزیونی، موسـیقی تیتراژ پایانی سریال نیز بسیار مورد توجه قرار گرفت که هنوز هم پس از سـال ها خاطره انگیز جلوه می نماید. اثر «عید آمد و عید آمد، وان بخت سعید آمد» به آهنگسازی شادروان حسین فرهادپور بر روی سروده ای از مولانا که با صدای حسن فداییان اجرا شد.

تمرکز بر موسیقی شـعر و مایه گزینی مناسب در دستگاه همایون-بیات اصفهان و سازبندی و سازآرایی مؤثر ارکستر در جهت القای سرور و شادکامی ایام عید به انضمام اجرای خوب خواننده، بسـیار قابل تأمل است. زنده یاد حسین فرهادپور، نوازنده ویلن، قیچک و قیچک آلتو بود و به نوازندگی تنبک نیز اشراف داشت. او فرزند ارشد هنرمند پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون ایران مرحومه پروین سلیمانی بود که اتفاقاً در همان سریال نیز، مادر هنرمندش با نقش بانوی چنگال به دسـت هنرآفرینی کرد. حسین فرهادپور در ۷ تیر ۱۳۸۲ در سن ۶۵ سالگی زودتر از مادر هنرمندش به دیار باقی شتافت. پروین سلیمانی در مراسم تشییع پیکر فرزندش خطاب به مردم گفت: «۶۲ سال برای شما مردم زحمت کشیده ام، مرا تنها نگذارید. من از همه شما ممنونم. پسر من در شرایطی مُرد که پس از سال ها کار هنری و مثل خود من ... در دو اتاق مستأجری می کرد ...»

و اینجاسـت که تمایز بین هنرمندانی چون حسین فرهادپور با هنرمندنمایانی که هنوز نیامده – و یا تازه آمده- اسیر اغواگری های رسانه ای و شهرت طلبی و سیم و زر دنیا می شوند، به خوبی آشکار می گردد. از اجرای خوب حسن فداییان و صدای خوب ایشان نیز نمی توان سخن نگفت. فداییان زاده بابل است و بیشتر به موسیقی فولکلور مازندران پرداخته و در این خصوص نیز آثار ارزشمندی را از ایشان شاهد بوده و هستیم.



اثر «عید آمد و عید آمد» را به آهنگسـازی شادروان حسـین فرهادپور و با صدای حسن فداییان بر اساس سروده ای از مولانا، با هم زمزمه می کنیم:

عید آمد و عید آمد وان بخت سعید آمد
برگیر و دهل می زن کان ماه پدید آمد
برخیز و به میدان رو در حلقه رندان رو
رو جانب مهمان رو کز راه بعید آمد
بربند لب و تن زن چو غنچه و چون سوسن
رو صبر کن از گفتن چون صبر کلید آمد

آلبوم «بوی نوروز» از آثار اولیه گروه دستان محسوب می شود. از آثار قابل توجه در این آلبوم، اثر «بوی نوروز» می باشد که نام آلبوم نیز برگرفته از همین اثر است. سروده آموزنده شیخ اجل سعدی شیرازی، همراه با ملودی پردازی زیبای حمید متبسم در دستگاه سه گاه که با صدای زنده یاد ایرج بسطامی اجرا گردید. فرم ملودیک و ساختارجمله بندی اثر (قرینگی و به ویژه غیر قرینگی عبارات و جملات موسیقایی)، روند روایی موسیقی جهت القای هر چه بهتر مضامین شعری و توجه به مبانی آهنگسازی و بافت پلی فونیک (کنترپوانیک) در این اثر قابل تأمل است. اجرای شادروان بسطامی نیز مانند سایر اجراهایش پرطراوت، با صلابت و زیباست.

اثر «بوی نوروز» به آهنگسازی حمید متبسم و با صدای زنده یاد ایرج بسطامی بر اساس سروده ای از سعدی شیرازی:

برآمد باد صبح و بوی نوروز
به کام دوستان و بخت پیروز...

اوایل یا اواسط دهه هفتاد اثر زیبایی در وصف بهار از رسانه ها به گوش مردم رسید. اثر «خوش آمدید» به آهنگسازی محمدجلیل عندلیبی که به سروده ای زیبایی از فریدون مشیری مزین شد. این اثر با دو اجرا مورد توجه قرار گرفت. اجرای هنرمند پیشکسوت شاپور رحیمی که در نوع خود اجرای استادانه ای بود و همچنین علی رضا افتخاری نیز در کنسرت راست پنجگاه گروه مولانا (به سرپرستی محمد جلیل عندلیبی) این اثر را اجرا کرد. در خصوص بررسی ساختار ملودیک- ریتمیک این اثر باید گفت که آهنگساز با بهره گیری از جانِ کلمات مشیری و مایه گزینی هوشمندانه در دستگاه راستِ پنجگاه و البته با ملودی پردازی زیبا و ریتم گزینی مناسب همراه با اجرای خوب خوانندگان، این اثر را در زمره آثار ماندگار موسیقی ایرانی درآورده است.

محمدجلیل عندلیبی از جمله هنرمندان و آهنگسازان پیشکسوت موسیقی ایرانی است. باید به این نکته آگاه بود که عدم توجه به هنرمندان و غفلت از آنان، سرانجام کار را به «کاش» و «افسوس» و کلماتی از این قبیل منتهی نَسازد، همانطور که در خصوص زنده یاد پرویز مشکاتیان منتهی ساخت.

در سال های پایانی حیات پرویز مشکاتیان و در عصر خلوت گزیدگی او، کمتر کسی سراغی از او می گرفت و کمتر کسی از حال و روز او می نوشت ولی پس از آن اتفاق، «کاش» ها و «افسوس» ها شروع شد. هیچ از خود پرسیده ایم حال و روز هنرمندانی چون محمدجلیل عندلیبی، محمدعلی کیانی نژاد، شاپور رحیمی و بانو پریسا چگونه است؟ امید است که در سال جدید غفلت را کنار نهاده و کمی هوشیارتر باشیم!

اثر «خوش آمدید» را به آهنگسازی محمدجلیل عندلیبی بر اساس سروده ای از فریدون مشیری، با هم زمزمه می کنیم:

خوش آمدید ای بنفشه ها ای صنوبران
خوش آمدی ای بهار نو ای جهان جان
خوش باش با عشق با گل در بهاران
در بستر چمن ای بهاران خوش آمدی
سوی یاران خوش آمدی
بوی باران خوش آمدی
ای یار ای دوست پروانه جان پر زند در هوای تو
مست مست از صفای تو
بازآ بازآ که به جان گل فشانم به پای تو جان دهم من برای تو
در بستر چمن ای بهاران خوش آمدی سوی یاران
خوش آمدی بوی باران خوش آمدی ...

اوایل دهه هفتاد بارقه ها و نشانه هایی از موسیقی پاپ در رسانه ها دیده و شنیده شد. البته موسیقی پاپیولاری مبتنی بر اصالت و هویت ایرانی که پس از حدود بیش از دو دهه هنوز هم زیبا و شنیدنی است. آهنگسازان، خوانندگان و شاعران پرتوان و کارآزموده ای که با ارائه آثاری مردم پسند، سعی بر ارتقای سطح سلیقه مخاطبان داشتند نه به مانند الآن که آثار را همپای سطح سلیقه مخاطبان تنزل می بخشند.

از اولین آثار این موج نو موسیقی در اوایل دهه هفتاد، اثری است به آهنگسازی فرید شب خیز که با صدای عباس بهادری بر اساس سروده ای از محمود شاهرخی ساخته و اجرا گردید که اتفاقاً بهاریه ای زیبا بود:

گل می روید به باغ گل می روید
با شبنم صبحگاه رخ می شوید
گل جلوه ای از جمال جانانه ما
بلبل به ترانه وصف او می گوید ...

از دیگر آثار بهاری آن دوران که باز با صدای عباس بهادری همراه بود، اثری است به آهنگسازی محمود منتظم صدیق بر اساس سروده ای از ساعد باقری که حدود سال های ۱۳۷۲ ساخته و پخش گردید:



زیباست در باران تازه شدن ها
رقص گلها در آغوش چمن ها
می رسد پیغام آسمانی
زندگانی زیباست زندگانی ...

بیژن خاوری نیز از خوانندگان آن عصر بود که آثار زیبایی را از وی شاهد بودیم. اثر خاطره انگیز بهاری وی به آهنگسازی فرید شب خیز و با سروده ای از ایرج قنبری:

بهار آمد و شمشادها جوان شده اند
پرندگان مهاجر ترانه خوان شده اند
دوباره پنجره ها بال عشق وا کردند
دوباره آینه ها با تو مهربان شده اند
شکوفه های معطر دوباره می خندند
که میزبان قدم های ارغوان شده اند ...

اواخر دهه هفتاد با آثار متفاوت تری در حوزه موسیقی پاپ مواجه شدیم. از جمله یک اثر موسیقی سه صدایی که در زمان خود بسیار سر و صدا کرد. آهنگ فرید شب خیز و سروده حسن عسگری با صدای پرویز طاهری، بیژن خاوری و حسن همایونفال که مضمونی بهارانه داشت:

مهربان شد آفتاب نوبهار
برق شادی زد سحاب نوبهار
داستان صحبت گل با نسیم
تازه گشته در کتاب نوبهار
دوستان درجشن خوب شاخه های سبز و شاد
همچو گلهای بهاری رویتان پر خنده باد...

همچنین خواننده فقید شادروان کیا باقری که اثر «آیات بهاری» او با سروده ای از ساعد باقری و آهنگ فرید شب خیز بسیار خاطره انگیز است که به احترام این خواننده فقید، عنوان این نوشتار را هم مصرعی از این اثر قرار

از جمله تلاشگران این حوزه بالاخص در آثار بهاری مقاطع زمانی ۱۲۸۴- ۱۳۱۹ ه.ش و ۱۳۱۹- ۱۳۵۷ ه.ش، میرعلیرضا میرعلینقی (مورخ و پژوهشگر موسیقی) است که تا به حال پژوهش های بسیاری را در این خصوص مبذول داشته است

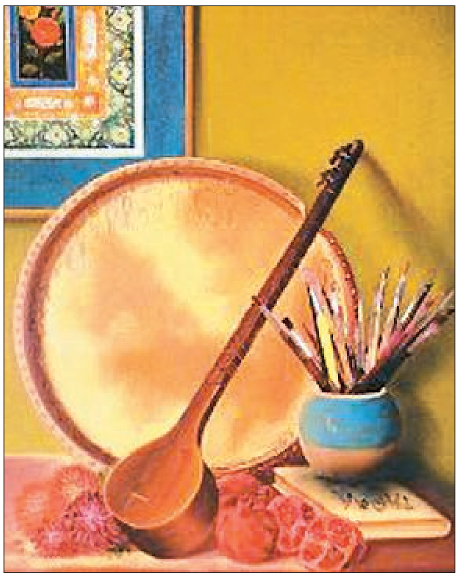
دادیم؛ همانطور که تا به حال این سطور را از نظر گذراندید، نام فرید شب خیز بسیار ذکر شده است. متأسفانه در تاریخچه شکل گیری مجدد موسیقی پاپ در مقطع دهه هفتاد شمسی، از فرید شب خیز کمتر یاد می شود، در صورتی که به زعم نگارنده و به گواه همین منتخب آثار بهاری او، ایشان را از آهنگسازان جریان ساز این عرصه باید برشمرد:

خوش می رسی از راه ای باد بهاری
در بال و پر خود پیغام که داری
امروز به دلها جز دوست نگنجد
جانها همه از شوق در پوست نگنجد
بشنو که تلاوت کند آیات بهاری
ابر و چمن و باغ و گل و چشمه جاری ...

عباس بهادری نیز این بار با آهنگی از حسین بهادری و شعری از مشفق کاشانی، اثر جدید و ماندگاری را ارائه داد؛ اغلب آثار شاخص عباس بهادری مضمونی بهاری داشته و نام و آثار این هنرمند با بهار عجین شده است:

بهار آمد با عطر گل راز
زند بلبل با نغمه آواز
نوا آمد از باغ و دشت و دمن
بیا که روشن شده لاله به صحرا
به باغ سبزه چه نقشی زده باران
که اکنون دل عاشق شده شیدا ...

و در آخر بایستی اذعان داشت که جای کتاب جامعی در خصوص «بهاریه های موسیقی» از منظر پژوهشی بسیار احساس می شود. البته در خصوص آیین های نوروزخوانی و ترانه های بهاریِ گنجینه موسیقی نواحی ایران، پژوهش های گسترده ای در کتاب «خنیاگران نوروزی» صورت گرفته است. اما در خصوص آثار مضبوط صد و ده سال اخیر که فرهنگ صوتی ما را در برمی گیرد، تدوین و نگارش یک اثر سترگ پژوهشی در خصوص آثار بهاری، بسیار ضرورت دارد. این پژوهش در سه مقطع زمانی بسیار حایز اهمیت است. مقطع ۳۵ ساله از آغاز ضبط صدا در ایران تا قبل از آغاز به کار رسمی رادیو (۱۲۸۴- ۱۳۱۹ ه.ش)، مقطع ۳۸ ساله آغاز به کار رسمی رادیو تا انقلاب (۱۳۱۹- ۱۳۵۷ ه.ش) و مقطع ۳۸ ساله بدو انقلاب تا عصر حاضر. البته به غیر از آثار تولیدی در رسانه رادیو، آثار تولیدی موسیقی در سایر رسانه ها و نهادها از جمله وزارت فرهنگ و هنر سابق، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، رسانه تلویزیون، حوزه هنری و مراکزی از این قبیل را نیز بایستی مدنظر قرار داد. هدف از تأکید بر رسانه رادیو به دلیل پرکاری تولید آثار موسیقی به خصوص در مقطع قبل از انقلاب می باشد.



حداقل ثمره تحقیقی این پیشنهادِ پژوهشی، به غیر از بررسی و تحلیل بهاریه های موسیقایی در مقاطع مختلف تاریخی، سنجش تغییرات کیفی و آسیب شناسی در خصوص دلایل مانایی و میرایی آثار عصر حاضر در مقایسه با آثار صد و ده سال گذشته را در بر خواهد داشت. البته گردآوری، تدوین و نگارش مجموعه ای به این وسعت قطعاً در بضاعت پژوهش انفرادی نخواهد بود، بلکه همت و اهتمام قاطبه پژوهشگران موسیقی را می طلبد که در این خصوص اقدام نمایند. افسوس که کار گروهی و بالاخص پژوهش گروهی در کشور ما آنچنان که باید و شاید شکل نگرفته است. البته به غیر از تصانیف و ترانه های بهاری، «آوازهای بهاری» را نیز نباید فراموش کرد. در سال های گذشته و به ویژه در عصر برنامه گلها، رسم بر این بود که آوازخوانان در استقبال از سال نو و بهار، آوازهایی را با حال و هوای بهارانه ضبط می کردند و این آوازها در ایام نوروز پخش می شد. راستی در یکی دو دهه گذشته، چند آواز بهاری در موسم نوروز از صدا و سیما شنیده ایم؟! ... سال نو مبارک.

ناگفته

خاطره‌ای از زنده یاد استاد دکتر باستانی پاریزی

معلم رانندگی من

اتومبیل با شش سرنشین از سرازیری روزنامه چم خاله پائین رفت. با مهـــارت راننده به ملایمت چرخ‌های جلوی آن روی تخته‌ای که بین کنارهٔ رودخانه و قایق گذاشته بودند قرار گرفت، آهسته پیش رفت تا روی قایق‌ها قرار گرفت. سرنشینان همه با کمی وحشت به این راه عجیب و پل هوایی یا آبی می‌نگریستند. با ریسمان از کنار دیگر رودخانه قایق را آهسته آهسته هدایت کردند تا قایق نزدیک ساحل دیگر قرار گرفت. باز تخته‌ای گذاشته و راننده با مهارت و دقت تمام اتومبیل را روی تخته کشـــاند. کوچکترین اشتباهی کافی بود که اتومبیل و سرنشینانش به قعر رودخانه ـ که دریاچه‌ایست نه رودخانه ـ فرو رود.

ز روز فروماندگی یاد کن

با همان مهارت چرخ‌های جلو از روی تخته گذشـــت و برروی خاک‌های ساحلی قرار گرفت.

یک گاز تند، چرخ‌های عقب را نیز به جلو کشاند و اتومبیل با قدرت زیاد مثل نهنگ به طرف سربالایی رودخانه رفت و آن بالا قرار گرفت و چون گرد و خاک فرو نشست، در اتومبیل باز شـــد و راننده از آن پائین آمد. دو تا چوب دستی زیر بغل خود گذاشت و آن وقت همه حاضرین، یعنی آنها که با همین وضع با هزار ترس و وحشت از رودخانه پرپهنا گذشته بودند متوجه شدند که راننده یک پا بیشتر ندارد، از تعجب به وحشت افتاده بودند و همه ناگهانی فریاد زدند.

ـ عجب، راننده فقط یک پا دارد؟

در واقع من بعد از سه چهار سال رانندگی، برای عبور از این پل صراط چم‌خاله، به وحشت افتادم، و غلامرضاخان که متوجه وحشت من شده بود، خودش پشت رل نشست و اتومبیل را عبور داد. در این لحظه من متوجه شدم که چه کار خوبی کردم که در این سفر شمال، این راننده زبردست یعنی معلم خود را همراه خود بردیم.

کار من نباید سرمشق شما باشد

سه سال پیش بود که گواهینامه رانندگی خود را دریافت نمودم و پشت ماشین نشستم. همان روز اول متوجه شدم که هنوز این ورق پاره برای حفظ جان من کافی نیست. در نخستین ســـه راهی که خواستم بپیچم، یک جیپ ارتشی با سرعت بی سابقه خود را به من رساند. ترمزهای شدید، سپرهای ماشین را کنار هم نگاه داشت. مرگ را برای یک لحظه برابر خود دیدم و زندگی مجدد را هم.

اما شـــوک این حادثه در اعصاب من اثر خود را گذاشت، ماشین را به گاراژ سپردم و بیش از دو ماه از نزدیک شدن به آن وحشت داشتم. روزی به یکی از دوستان[۱] سپردم که اگر راننده‌ای سراغ داشته باشد که با هزینه کم برای تکمیل رانندگی به من کمک کند متشکر می‌شوم که او را به من معرفی نماید. روز بعد زنگ در خانه بلند شد. پشت در رفتم، رفیق خود را با یک مرد یک‌پا که دو عصای چوبی زیر بغلش داشت برابر خود یافتم. رفیقم بدون اینکه فرصت صحبت به من بدهد، گفت: آقا ـ غلامرضاخان راننده است، از او خواسته‌ام که به شما در رانندگی کمک کند!

تردید عجیبی در من راه یافت، هرگز گمان نداشتم که این راننده یک‌پا بتواند معلمی برای من باشد. خصوصاً بعد از وحشتی که از اولین رانندگی خود داشـــتم، پیش خود گفتم ما کسی را خواستیم که در رانندگی کمکمان کند و حال آنکه این معلم یک‌پا قاعدتاً خودش از من کمک می‌خواهد.

مثل اینکه آقا غلامرضا متوجه تردید و حیرت من شد و بدون اینکه مجال صحبت به من بدهد گفت:

ـ آقا، سویچ اتومبیلتان را بدهید ببینم عیب و اشکالی ندارد، و بلافاصله پشت فرمان قرار گرفت و تا من خواستم بگویم مواظب باش، دیدم اتومبیل در خیابان به راه افتاد، چندین ویراژ پی‌درپی و جلو عقب کردن و ترمز و تغییر دنده و دورزدن روی اصول، مرا متوجه کرد که راننده زبردستی است![۲] البته او گفت: هیچکدام از این حرکاتی که من در خیابان کردم، شما نباید مرتکب شوید که هم جریمه دارد و هم خطر.

کنار او نشستم و به تعلیمات او گوش کردم، به زودی متوجه شـــدم که از بهترین معلمین رانندگی است و امروز که با خیال راحت اتومبیل‌رانی می‌کنم می‌فهمم که تعلیمات او تا چه حد سودبخش بوده است.

داستان زندگی این راننده که بیست سی سال پشت فرمان بود از داستان‌های عبرت‌آموز زندگی بشری است. داستان مبارزه مرگ و زندگی، داستان مقاومت بی‌نظیر در برابر شکست‌های بی‌امان روزگار، داستان کسی که می‌کوشد بار خود و خانواده‌اش را به سرمنزل مقصود برساند، هشت نه بچه را تربیت کند، به تحصیل بفرستد و به کار بگمارد، و خود به آبرومندی به زندگی ادامه دهد.[۳]

اما در برابر این قهر طبیعت، باید گفت که جوامع بشری نیز وظایفی دارند. نباید بنابراین باشد که هر کس در جامعه خورد شد و آسیب دید، جامعه دست از حمایت او بردارد. همچنان که ما وظیفه داریم که دین خود را به هر حال نسبت به جامعه ادا کنیم و شب و روز بکوشیم و کار کنیم تا گوشه‌ای از گلیم جامعه را بگیریم و از آب برون بکشیم، همانطور هم جامعه وظیفه دارد که وقتی ما بیمار و افتاده و علیل و معیوب شدیم به کمکمان بشتابد.

در جوامع قدیم که فاصله‌ای با دوران زندگی جنگلی نداشـــته است و اصول قانون جنگل در رشته‌های خون بشری دیده می‌شد، کسی توقع نداشت که جامعه به فکر شکســـتگان باشد. در جامعه‌های قدیـــم بیماران را می‌کشـــتند که از رنج آزاد شوند.



در جزیرهٔ کئوس کسانی را که به ۶۴ سالگی می‌رسیدند شوکران می‌نوشـــاندند که از رنج حیات رهایی یابند و نان‌خور زیادی نباشند. باید علاوه بر اصول دیگر، مثل اصل ملیت و ایران‌دوستی و مذهب و توجه برشرایع اسلام و سایر مسائلی که به هر حال در قانون‌گذاری مورد توجه است، باید به هر حال اصل انسان دوستی و هومانیسم و حقوق بشر را هم در نظر داشته باشند.[۴]

امروز ننگ اســـت که ما یک کارگر هنرور داشته باشیم و معیوب شده باشد و هیچ قانونی نباشد که از او حمایت کند. بالاتر از همه اینکه او حاضر به کارکردن باشد ولی دستگاه‌ها که ورقه صحت مزاج می‌طلبند، او را از میان داوطلبان خارج کنند.

در طول تاریخ دنیا یکی دوبار می‌توان دید که توجهی به معلولین شده باشد. از آن جمله، در تواریخ اسلامی یک‌بار برخورد می‌کنیم که ولیدبن یزید، خلیفهٔ اموی به قول نویسنده حبیب‌السیر «در ایام حکومت خود اسامی کوران و مردم معیوب را قلمی کرده، جهت ایشان وظایف مقرر فرمود».

امروز که ســـازمان‌های مملکتی هرکدام به صورتی از بیمه‌های اجتماعی بهره‌ور می‌شوند و کارکنانشان از بازنشستگی برخوردارند، باید به فکر کسانی هم باشند که نقصی یافته‌اند.

درون فروماندگان شاد کن
ز روز فروماندگی یاد کن

چراغ خرتوخر

غلامرضا حرف‌های دیگری هم در حین رانندگی می‌زد. او می‌گفت: در زندگی، خیلی از چپ‌ها از راست هم راست‌ترند، باید حواستان جمع باشد. بعضی‌ها علامت دست چپ می‌زنند، ولی یک مرتبه جلوی شما به راست می‌پیچند. گول علامت‌های آنها را نخورید. او می‌گفت: زبان رانندگی همین علامت‌های چراغ است، ولی بســـیاری از علامت‌ها در مملکت ما دروغ می‌گویند. می‌گفت: تجاوز به خط همسایه میلیمتر به میلیمتر صورت می‌گیرد، یک وقت متوجه می‌شوید که ماشین دست چپی تمام مسیر را گرفته. بسیاری از همسایه‌ها، خانهٔ همسایه را هم همینطور میلیمتر به میلیمتر غصب می‌کنند. او می‌گفت مدت عادی یک چراغ ۴۵ ثانیه است بیشتر یا کمتر از آن دلیل تنبلی مأموران راهنمایی رانندگی است. او به شوخی از قول یک آذربایجانی نقل می‌کرد که: ـ چراغ قرمز، یعنی نرو، چراغ سبز یعنی برو (گت). و چراغ نارنجی معنی‌اش خرتوخر است.

من آن روزها اصلاً متوجه این خدمت‌رسانی و مراعات حقوق بشری مؤسسه فرهنگی علم و صنعت نارمک نبودم[۵] و اینک که این یادداشت تجدید چاپ می‌شود، اصلاً نمی‌توانم بگویم چه کسی عامل این امر خیر شده است. آیا حبیب نفیسی؟ آیا مدیر مؤسسه علم و صنعت؟ آیا بعض مهندسین روزنامه‌خوان؟ هرکه هست او خیر آن را برده، و خانواده‌ای را از پریشانی نجات داده است.

در آخر کار یادی هم از کرمان بکنیم.

یک راننده داشتیم در سیرجان به نام حسین اسدی، ماشینی داشت که کرایه می‌داد.

از آن ماشین ســـواری‌های فورد قدیم.

به خاطر دارم دو سه بار مرحوم نصیبی رئیس فرهنگ سیرجان و سعیدنیا ناظم فرهنگ ماشین او را کرایه کرده به پاریز آمدند. معروف بود که یک وقت ماشین خود را کرایه داده بود که به بندرعباس برود. شب در بین راه او و هفت شتر را از زیر کرده بود و از روی آنها گذشته بود. بعد به همراهان گفته بود: بر پدر مأمورین راه لعنت. دو من خاک توی این دست‌اندازها نمی‌ریزند که ماشین به راحتی بگذرد.

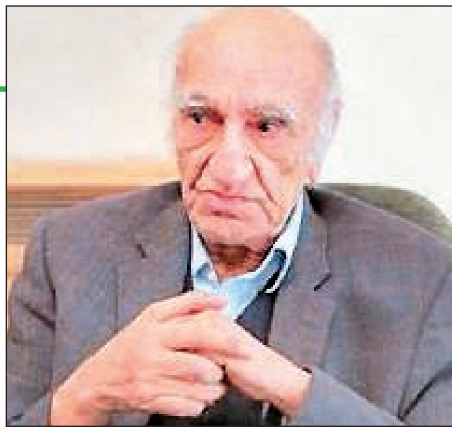
پی‌نویس‌ها:

۱ـ آقای جلال طبیب، از دوستان کرمانی که همسایه ما بود در خیابان گرگان. او مردی با ذوق و شـــاعری خوش طبع اســـت و ایام بازنشستگی را در تهران ـ برای رفع بیکاری ـ به رانندگی تاکسی سپری می‌کرد و بالنتیجه با بسیاری از رانندگان دمخور بود. او سالهاست که به کرمان انتقال یافته و سر همانجا نهاده که باده خورده بوده است.

۲ـ بعدها متوجه اهمیت و زیبایی شعر بانوی شعر ایران سیمین بهبهانی در قطعه‌ای شدم. آنجا که عنوان آن «مردی که یک پا ندارد» است.

۳ـ این آدم ـ غلامرضا منشی‌زاده ـ آن‌طور که در سپید و سیاه اسماعیل جمشیدی در کنار مقاله من نوشته است، اول در راه آهن زیر نظر مهندسین آلمانی کار می‌کرد، که جنگ شروع شد و مهندسین آلمانی زندانی شدند و از ایران رفتند. غلامرضا بیکار ماند و در شاهرود شاگرد شوفر شد و در دستگاه «امیر عرب» تصدیق رانندگی گرفت و روی نفت‌کش‌ها کار می‌کرد که شرکت نفت خود تانکر آورد. و او بیکار شد. به تهران آمد و روی اتوبوس‌های آقای عشقی کار می‌کرد که شرکت واحد پیدا شد و اتوبوس‌های عمومی از کار افتاد.

کیفیت ازدست دادن پایش را، غلامرضا به مخلص پاریزی ـ استاد فولتایم دانشگاه و شاگرد او در رانندگی ـ این طور گفت: «ثروتمندان ایران، آن روزها از آلمان اتومبیل می‌خریدند و اتومبیل‌ها با راه‌آهن به جلفا می‌رسید و من از تهران می‌رفتم و اتومبیل آنها را می‌گرفتم و به تهران یا شهرهای دیگر می‌رساندم و پولی می‌گرفتم. وقتی در اتومبیل کرایه‌ای که به تبریز می‌رفتم، در گردنه حیران که مه‌آلود بود، اتومبیل برگشت و راننده و بعضی مسافرین کشته شدند، و من روی درختی پرتاب شدم. مرا به بیمارستان اردبیل بردند و به واسطه عفونت، یک پای مرا از زانو بریدند. اما من از پا ننشستم، با یک پا تمرین رانندگی کردم و چون مکانیک خوبی بودم، روزها در کافه چهارراه عظیم‌پور می‌نشستم، راننده‌های تاکسی که برای ناهار خوردن می‌آمدند، من اتومبیل آنها را می‌گرفتم و یک یا دو ساعت مسافرکشی می‌کردم و سهمی به صاحب تاکسی می‌دادم و یکی دو تومان نصیب من می‌شد و بدین طریق زندگی را ادامه دادم. در واقع آقای طیب هم در همین کافه معلم را برای من پیدا کرد. او یک پا داشت، و نصف آن را میگذاشت روی کلاچ و با نصف دیگر گاز می‌داد، یا ترمز می‌کرد. همین و دیگر هیچ. آن روزها هنوز اتومبیل‌های خودکار به ایران نرسیده بود. غلامرضاخان ۱۲ نفر نان‌خور در خانه داشت.



۴ـ وقتی این مقاله من در سپید و سیاه چاپ شد، رئیس دانشکده علم و صنعت ـ که متأسفانه نام او به خاطرم نیست ـ به من تلفن زد و گفت آیا آنچه نوشته‌اید واقعی است، یا یک داستان فانتزی است؟ من به واقعیت آن تأکید کردم، آدرس خواست، و فردا از طرف او کسی رفت به کافه چهارراه عظیم‌پور، و منشی‌زاده را به دانشکده علم و صنعت در نارمک برد. برای اطمینان اول از او خواستند داخل محوطه دانشکده کمی رانندگی کند. به او یک جیپ دادند، و او پشت آن نشست. در حالی که مهندسی در کنارش بود، خودش می‌گفت: با جیپ بیرون آمدم و در میان وحشت مهندس که کنارم بود، در بیابان‌ها و تپه‌های نارمک تا آنجا که جیپ قدرت حرکت داشت پائین و بالا رفتم، و وقتی برگشتم و از پشت جیپ پائین آمدم، مهندس همراهم پائین پرید و فریاد زد آقا معجزه است، معجزه...

بدین طریق منشی‌زاده را در کارگاه دانشکده به کار گماشتند و تعمیرات ماشین‌ها به او سپرده شد و تعلیمات رانندگی بعضی جوانان هم با او بود، و بود و بود، تا چند سال پیش درگذشت.

من دلم می‌خواست ـ این مقاله‌ام را که تأثیر اجتماعی داشت پیدا کنم و تجدید چاپ کنم، ولی در آرشیوها مقاله پیدا نمی‌شد تا یکی از دانشجویانم ـ خانم روشن ـ آن را به دست آورد و فتوکپی به من داد، و اینک عیناً در این جا چاپ می‌شود. مقاله در سپید و سیاه سال پانزدهم شماره ۲۷ (۷۶۹)، مورخ جمعه ۱۳ بهمن ۱۳۴۶ش/اول فوریه ۱۹۶۸م. به چاپ رسیده است.

۵ـ بنای مؤسسه علم و صنعت برمی‌گردد به سال‌های قبل از انقلاب و خصوصاً سال ۱۳۴۶ش/۱۹۶۷م. که مرحوم مهندس حبیب‌الله نفیسی پسر مودب‌الدوله نفیسی معلم شاه در سویس و نوه ناظم‌الاطباء کرمانی مأمور این کار شد و این مربوط به روزگاری است که توجه به تعلیمات فنی و توسعه کارخانه‌ها و کارگران تحصیل کرده مورد نظر واقع شد. البته آمریکایی‌ها نیز کمک‌های لازم را کردند. میلیون‌ها متر زمین‌های تپه‌های بالای نارمک از قرار متری ۴۶ ریال قرار شد خریداری شود، و مبالغی نیز برای جدول بندی و خیابان‌کشی و سایر هزینه‌ها صرف شد. روزی که چاه عمیق برای شرب آن را می‌زدند، و مهندسان عالی رتبه و دیگران حضور داشتند، زنی پیدا شد که ادعای مالکیت وقفی زمین را کرد و طفل خردسالی را سخت به زمین زد که فریاد طفل در گرد و خاک و خل پیچید و منظره‌ای وحشتناک به وجود آورد. به هر حال آن زن را به صورتی دک کرده و کلنگ مؤسسه به زمین زده شد. (روایت دکتر نوشیروانی، وکیل دادگستری که آن روزها وکالت همین مؤسسه را در برابر اوقاف به عهده داشته است) و به هرحال مؤسسه راه افتاد. با مهندس نفیسی که اصلاً کرمانی بود و چند کرمانی دیگر نیز همکاری داشتند که به خاطر می‌آورم مرحوم یدالله نصیریان و آقای نظام‌الدین ستوده از آن جمله بودند.

ایران باستان

سند همکاری تجاری ازبکی و شوش در هزاره چهارم پیش از میلاد

خشت گِلین نه هزار ساله



■ حسین عسکری

اُزبکی یکی از روستاهای کوچک غرب استان البرز است اما شهرتی جهانی دارد.



خشت گِلین نه هزارساله آن در موزه سازمان ملل متّحد، روایتگر دیرپایی مدنیّت در ایران است و شهر مادی یک کیلومتر در یک کیلومتر آن که مشابه‌اش تاکنون در هیچ یک از محوطه‌های باستانی منسوب به مادها دیده نشده است. در مجموع آثاری از هزاره هفتم پیش از میلاد مسیح تا دوره اسلامی (ایلخانیان) در این محوطه وجود دارد. به همین جهت، دکتر یوسف مجیدزاده چهره ماندگار باستان‌شناسی ایران از تعبیر «دانشگاه باستان‌شناسی» برای ازبکی استفاده می‌کند؛ چون سیر باستانی نه هزار ساله‌ای در ده تپّه آن قابل مشاهده‌است.

استاد مجیدزاده سرپرست گروه کاوش در محوطه باستانی ازبکی، در یکی از روزهای سرد پاییزی سال ۱۳۷۸ خورشیدی، یک لوح گِلی باستانی را در «مارال‌تپه» محوطه ازبکی کشف کرد که با مطالعه آن نتایج شگفت‌انگیزی به دست آمد. مارالتپه از اواسط هزاره چهارم پیش از میلاد این سند افتخارآمیز را در دل پر راز خویش حفظ کرده و آن را پس از گذشت این هزاره‌های طولانی به مردم فرهنگ‌دوست ایران هدیه کرده است. این لوح گلین بیشتر شبیه گلنبشته‌های دوران آغاز عیلامی است که ارقام و نشانه‌های آن تاکنون مشاهده نشده است.

در یکی از روزهای سرد پاییزی سال ۱۳۷۸ خورشیدی، یک لوح گِلی باستانی در «مارال‌تپه» محوطه ازبکی کشف شد که با مطالعه آن نتایج شگفت‌انگیزی به دست آمد

به نظر می‌رسد لوح به دست آمده بخشی از یک لوح محاسباتی باشد. در آن، ارقام بیشتر به صورت سوراخ‌های کوچک گِرد در اثر ناخن و یا وسیله‌ای مانند آن ایجاد شده و قبل از باز کردن حساب مجدّد به کمک خطی افقی حساب پیشین را به اصطلاح بسته‌اند. ورز گِل چنان به خوبی انجام گرفته که جنس آن به طور کامل فشرده و سخت شده است و حتّی یک حباب هر چند کوچک هوا هم در سطح لوح به چشم نمی‌خورد. شکل لوح احتمالاً راست‌گوشه است. طول این قطعه در حالت کنونی ۶/۷ و عرض آن ۵/۷ سانتیمتر است اما به نظر می‌رسد که در اصل ابعادی به مراتب بیشتر از این داشته است. ضخامت لوح در حدود یک سانتیمتر است و نگاهی به پشت آن نشان می‌دهد که یک بار بر آن چیزهایی نوشته شده اما پیش از خشک شدن لوح، سطح آن را صاف کرده یا به عبارت دیگر پاک کرده‌اند.

این لوح به همراه پیکره و سفال لب واریخته‌ای که از سکویی واقع در غرب برش حفاری مارالتپه به دست آمده، دست کم بر وجود نوعی ارتباط تجاری میان شوش باستان واقع در استان خوزستان و محوطه باستانی ازبکی در استان البرز دلالت می‌کند. با احتساب فاصله مکانی این مناطق می‌توان به شگفتی و اهمیت موضوع پی برد. در سال ۱۳۸۰ش مقاله‌ای از «فرانسوا والا» زبانشناس فرانسوی در یکی از مجله‌های تخصصی زبانشناسی فرانسه در معرفی این لوح به چاپ رسیده است.

منابع: یوسف مجیدزاده، نخستین و دومین فصل حفریات باستانشناختی در محوطه ازبکی، ص ۵۷؛ همان، گزارش سومین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه ازبکی، ص ۵؛ پژوهشنامه اداره‌کل میراث فرهنگی استان تهران، دفتر سوم، ص ۲۷۹؛ روزنامه آزاد، ش ۲۱۵، ص ۱.



قصه

داستانی از داستان‌ها

آن روزهای خوب

■ فریده گلبو ـ داستان‌نویس

باز هم عید. باز هم نوروز. باز هم جستجو در پستوی ذهن برای پیدا کردن خاطره‌ای که برای دیگران نقل کنی. شاید قصه‌نویسی جرمی است که همه ساله از این طریق باید تاوانش را بپردازی. نه. نه قصه‌نویسی جرم است و نه تعریف خاطره تاوان، زیرا نوروز در ذات خود یک تکرار مکرر است و بساط عید هم به تبع آن تکرار می‌شود. عیدی و بساطی که بی‌شک با ژرفای روح مردم این سرزمین پیوندی ناگسستنی دارد و گرنه تکرار نمی‌شد. نقل خاطره‌ها هم خود بساطی تکراری برای نوروزی تکراری است.امسال چه بنویسم؟در خاطرات کودکی‌ام کاوش کنم؟ سال‌های نوجوانی و جوانی‌ام را از خاطر عبور دهم؟ به دنبال واقعه طنزآمیز و یا عبرت‌آموزی بگردم؟!

راستش در این لحظات، خاطره‌ای از میان انبوه خاطره‌ها خودش مرا انتخاب کرده و ذهنم را در چنگال گرفته است. نق می‌زند، مرا بنویس. به هر حال خاطره‌ای هستم که هنوز تعریفم نکرده‌ای. شاید برای یک بار هم که شده در خور نقل باشم. شرح خاطره که بد و خوبش تقصیر تو نیست. تو که نمی‌توانی آن را با تخیلت بیامیزی و به آن زینت ببخشی. از تو خواسته شده به مناسبت عید خاطره‌ای را بازگو کنی. تو هم وظیفه‌ات را انجام بده! هر چه بادا باد. تسلیم می‌شوم و از پس این همه سال، این سال‌های دراز پرحادثه، این همه نوروز و کهنه روز و روزهای خاص، این خاطره را می‌نویسم.

*

زمانی که چهارده سال بیشتر نداشتم. هنوز نوجوان بودم و در کلاس نهم دبیرستان. در مدرسه طبری درس می‌خواندم. دبیری داشتیم که محبوب همه دانش‌آموزان بود.

آن سال، من و عده‌ای از شاگردان کلاسمان از او اجازه و وقت گرفتیم تا در روز دوم عید، برای عرض تبریک سال نو به دیدنش برویم. خانه‌های همه ما تقریباً در یک محله و در شعاع‌های دورتر و نزدیک‌تر، اطراف مدرسه طبری بود و به خانه خانم معلم نزدیک .

قرار من این بود که دوستم فرشته از خانه‌شان واقع در خیابان حشمت‌الدوله به خیابان پاستور بیاید و در تقاطع کوچه کورش و خیابان خورشید ـ که منشعب از خیابان پاستور بود ـ به انتظار من بایستد. تا با هم به آن کوچه بن‌بستی برویم که خانه خانم معلم در انتهای آن قرار داشت.

روز دوم عید ساعت ده صبح، من لباس‌های نوی خود را پوشیدم. پول‌هایی را که روز قبل عیدی گرفته بودم، به منظور خریدن گل از گل‌فروشی «زعیم»، در کیف گذاشتم و از خانه خارج شدم. پیشاپیش از مادرم اجازه گرفته بودم.

این نخستین بار بود که خودم به تنهایی و جدا از خانواده به عید دیدنی می‌رفتیم. آن هم به خانه‌ای که کنجکاو دیدن فضا، در و پنجره و دیوارها و اثاثش بودم. صاحبخانه برایم جاذبه داشت. شخصیتی که در ذهن تک‌تک‌مان انسان مهم و قابل احترامی بود.

در هر قدمی که می‌پیودم، احساس استقلال و در نتیجه اعتماد به نفس بی‌سابقه‌ای زیر پوستم موج می‌زد. با فراغت تام و دور از هر نگرانی و دلواپسی، بی آن که هنوز سختی‌های زندگی و یا مخافت مرگ، دغدغه نان و یا مشکل آب! معنای عینی جنگ و یا خطر برهم خوردن صلح، و ... و ... و را به درستی بشناسم، تماشای نوروز می‌کردم که عبور رهگذران، با لباس‌های نو آن را برابر چشمانم می‌نهاد. گویی روح عید و نفس بهار در فضای باران خورده کوچه دمیده شده بود. اما وقتی به سر کوچه کورش رسیدم، با منظره عجیبی روبه‌رو شدم. دیدم فرشته با صورت و لباس گل‌آلود روی سکوی خانه‌ای نشسته و دسته گل شکسته شده و نامرتبی هم کنارش است. در وهله امر انگار شبح فرشته و یا مجسمه او روی آن سکو نشسته بود.

نگاهش از پس نَمی اشک، معصومیت و خشم و درماندگی در خود داشت.

«معصومیت» تعبیر امروز من است. آن روز فقط خشم و درماندگی او را می‌دیدم. با تعجب پرسیدم:

ـ چه شده؟!

ـ زمین خوردم.

ـ چرا؟

وقتی شروع به حرف زدن کرد، به نظر می‌آمد که راه نفسش بسته شده است. با گریه‌ای توفانی و بی‌امان،

اگر حشمت سلیمانی را به دربار جمشید جم می‌بردند، از تلفیقشان یک چنان ضیافت پرشکوهی که در خاطره و ضمیر من و شاید در ذهن همه دوستانم نقش بست به وجود نمی‌آمد



بریده‌بریده برایم حکایت کرد.

نفهمیدم ریگی زیر پایم رفت یا نوک کفشم به سنگی گرفت. درست نمی‌دانم. بدبختانه در جایی زمین خورده بود که از باران شب قبل، آب گل‌آلودی در آن نقطه جمع شده بود.صورتش گِلی، لباسش کثیف، دسته گلش شکسته و خراب و از همه بدتر کف هر دو دستش خراش برداشته بود.

دست آخر اضافه کرد:

ـ این جا نشستم تا هم کمی حالم جا بیاید، هم به تو خبر بدهم که چرا نمی‌توانم به آنجا بیایم.

به او پیشنهاد دادم به خانه ما برویم. دست و صورتش را بشوید و لباس عوض کند.

قبول نکرد. می‌گفت:

ـ لباسم را مادرم با دستان خود برایم دوخته و کثیف شدنش او را سخت ناراحت خواهد کرد. چه رسد به این که آن را با لباس دیگری عوض کنم.

به او گفتم:

ـ تا مدرسه یک کوچه فاصله است. برویم آن جا، اگر کبری خانم، «منظورم فراش تمام‌وقت مدرسه بود.» در خانه باشد، با مهربانی کمکمان می‌کند. تا حد امکان صورت و لباست را تمیز می‌کنیم.

باز با خشم از در مخالفت درآمد. دست آخر به او گفتم:

ـ اگر تو نیایی، من هم نمی‌روم.

و برایش دلیل تراشیدم که:

ـ اتفاقاً اگر با همین حال به آنجا برویم، خانم معلم می‌فهمد که تو از شدت شوق زمین خورده‌ای و تازه بعد از زمین خوردن هم از رفتن منصرف نشده‌ای و حساب کن این رفتن کجا و رفتن ما بقیه کجا.

این استدلال کمی نرمش کرد. اما دقایقی طول کشید تا زیر بارانِ دلایلِ من آن را پذیرفت.

از جای بَرخاست. دسته گل به هم ریخته و کیفش را به دست من داد. به شانه‌ام تکیه کرد و با پاهایی که می‌گفت کمی درد می‌کند، لنگ‌لنگان همراهم آمد.

رفتن تا گل‌فروشی «زعیم» ناممکن بود. از ترسم پیشنهادش را هم مطرح نکردم. دو برابر حد معمول زمان برد تا ما با گام‌های محتاط خود به مقصد یعنی به خانه خانم معلم‌برسیم.

بچه‌ها هم زودتر از ما آمده بودند. در بدو امر خواستند اعتراض کنند که چرا ما دیر رسیده‌ایم. اما وقتی چهره گل‌آلود و لباس کثیف فرشته را دیدند و شرح حالش را شنیدند، ورق برگشت و همه از در مهربانی و دلسوزی درآمدند.

خانم معلم با صَدای بلند شکر خدای گفت که بر اثر زمین خوردن، استخوانی در بدن فرشته نشکسته است. از من سپاسگزاری کرد که او را برای آمدنش به خانه او کمک کرده‌ام. سپس فرشته را به اتاق دیگر برد. و آن طور که فرشته بعد از آن مجلس برایم حکایت کرد، لباس دیگری به او داد تا بپوشد. صورت و دست‌هایش را بشوید و با دستمال نو و تمیزی خشک کند.

خانم معلم روی خراشیدگی‌های مرکورکرم زد. لکه‌های روی لباس را جابه‌جا با آب ولرم و ماده‌ای که فرشته نمی‌دانست چیست تمیز و با اتوی داغ خشک کرد. ضمن این کارها به فرشته آب قند و بعد شیرینی داده بود تا بخورد و حالش جا بیاید.

همه این کارها بیش از نیم ساعت طول نکشید و هر دو به اتاق پذیرایی بازگشتند. در غیاب آن‌ها گفتگوی ما بیشتر درباره فرشته بود و مهربانی خانم معلم. لباس فرشته تا حدی تمیز و مرتب شده بود که فرشته تصمیم گرفت به مادرش نگوید چه بر سر لباس آمده و با لطف و هنر خانم معلم به خیر گذشته است.

همه بچه‌ها چنان تپنده و پرشور و شادمان بودند که خانم معلم پیشنهاد داد چون تدارکی برای ناهار ندارد به «موسیو» که همه ما او را و ساندویچ‌های خوشمزه‌اش را می‌شناختیم و مغازه‌اش بیست متر با کوچه خانم معلم فاصله داشت، سفارش ساندویچ بدهد و به هر حال ساعتی بیشتر بمانیم.

می‌گفت: موسیو حتی دیروز هم که روز اول عید بود، تعطیل نکرده بود..

اگر حشمت سلیمانی را به دربار جمشید جم می‌بردند، از تلفیقشان یک چنان ضیافت پرشکوهی که در خاطره و ضمیر من و شاید در ذهن همه دوستانم نقش بست به وجود نمی‌آمد.روزی بود که از جنس همان روزهای خوب که «فروغ» با حسرت از رفتنشان یاد می‌کند.

با تقدیم بهترین سلام‌ها

امیدها

آیا امید «رشد» می‌آورد؟

در ستایش امید



■ دکتر کاظم حسینیان

ناامیدی خطاســـت، حتی اگر بزرگترین دلیل جهان را برایش بیاورید. امید تنها چیزی است که نیاز به دلیل ندارد و ناامیدی خطا و اشتباه است، حتی اگر قوی‌ترین دلیل را داشته باشد. امید، می‌آفریند و ناامیدی می‌کشد.

آنانکه می‌آفرینند با امید می‌آفرینند، مگر کسانی که ناامیدی می‌آفرینند.

امید صرفاً یک واژه نیست، همچنانکه ناامیدی صرفاً یک واژه نیست. امید نشانه حیات است و ناامیدی علامت مرگ.

امید تنها چیزی است که برای داشتنش نیاز به دلیل نیست و ناامیدی هم تنها چیزی است که حتی اگر دلیل هم داشته باشد، خطاست. رسیدن به ناامیدی، رسیدن به بی‌امیدی نیست بلکه ایستادن در بلندترین موقف سقوط است.

کسی که امید را نفی می‌کند، حیات را نفی می‌کند و نفی حیات، نفی همه چیز است. بدون امید چیزی باقی نمی‌ماند تا بتوان درباره‌اش حرف زد. رسیدن به ناامیدی، مرگ پیش از مرگ است.

اینکه بگوییم ناامیدی از مرگ بدتر است، حرف درستی نیست، چون مرگ بد محسوب نمی‌شود، اما ناامیدی حتماً بد است. اگر دنبال یک مصداق برای «بد» هستیم، می‌توانیم آن را در ناامیدی پیدا کنیم. ناامیدی تنها چیزی است که هیچ جنبه خوب و مثبت ندارد.

امید واهی هزاران برابر بهتر از ناامیدی مستدل است، زیرا در امید زندگی و امکان‌های متعدد نهفته است در حالی که ناامیدی چیزی بیش از ناامیدی نیست. نتیجه ناامیدی پایان و نتیجه امید آغاز است و هر کسی می‌تواند تفاوت آغاز و پایان را درک کند.

آنجا که ناامید هستید باید امید داشته باشید وگرنه امید بی‌معنی خواهد بود. زیبایی امید در این است که هیچ دلیلی برایش نداشته باشید وگرنه، امید شما تا زمانی دوام خواهد داشت که دلیل دوام داشته باشد.

امید قائم به خودش است بر خلاف ناامیدی که قائم به دلیل یا مشاهده یا قراین واقعی و حتی غیر واقعی است.

حوزه امید حوزه دلیل نیست. آنجا که برای تحقق چیزی دلیل داشته باشید، به‌جای کلمه امید باید از کلمه «یقین» و «اطمینان» استفاده کنید.

از امید نور و از نور امید استخراج می‌شود در حالی که ناامیدی تاریکی است. با حذف امید، همه چیز قابل حذف و لغو است. اگر امید نباشد، تابش خورشید بی‌جهت و بی‌معنی است و بارش باران پوچ. همه چیز با امید معنی می‌شود و امید معنی نمی‌شود جز با خودش.

برای داشتن امید دنبال دلیل نگردید، چون اصالت امید بسیار بیشتر و جدی‌تر از اصالت دلیل است.

اگر بین امید و ناامیـــدی مردّد ماندید، بدانید که دچار بزرگترین شک و تردید عالم شده‌اید.

کســـی که تردیدش بین امید و ناامیدی طولانی باشد، امیدی به امیدش نیست، هر چند از خود چنین انسانی نباید ناامید شد. به همه چیز باید امید داشت، جز ناامیدی.

ناامیدی بزرگ‌ترین اشتباه ممکن است. به‌همین جهت حتی از ناامیدها هم نباید ناامید شد.

معنای دقیق زندگی و هســـتی در حقیقت امید متبلور می‌شـــود. معنا از معانی امید است و بی‌معنایی، عین معنای ناامیدی. معنا انفجار امید در عالم است و عالم انفجار امید در هستی. اگر امید نباشد، گذشته بی‌معنی است و آینده از آنهم بی‌معنی‌تر. اگر امید نباشد تمام راهها بسته می‌شود، جز یک راه و آن پوچی و بی‌معنایی است.

ارزش هر کسی در نگاهی است که به امید دارد.

با میزان امید و ناامیدی هر کس می‌توان فهمید که چه جایگاهی در هستی دارد.

با میزان امید هر کسی می‌توان فهمید که جهان را درست شناخته است یا غلط؟

جهان هر کس به اندازه امیدش است. به همان اندازه که امید دارید، جهان دارید. عالم شما به اندازه امیدتان است، اما امیدتان می‌تواند بیشتر از عالمتان باشد. انسانها به میزان امیدی که دارند زندگی می‌کنند و از زندگی بهره می‌برند.

بهره ما از زندگی به اندازه امیدی است که به زندگی و از زندگی داریم.

امید زیباســـت، حتی اگر محقق نشود. ناامیدی زشت است، حتی اگر واقعی باشد. امیدها محقق می‌شوند. اگر امیدها محقق نمی‌شدند جهان نه به وجود می‌آمد، نه تداوم می‌یافت و نه تعالی و تکامل می‌یافت. تمام آنچه در جهان می‌بینید، حاصل و محصول امید است. اگر امید نبود، هیچ اتفاقی نه روی می‌داد، نه می‌توانست روی بدهد. امید جان نیست ولی حتماً جانبخش است.

با امید می‌توان از هر سقوط و فاجعه‌ای عبور کرد. ناامیدی عین فاجعه است. با وجود ناامیدی هیچ نیازی به هیچ بحران و فاجعه‌ای نیست، چون فجایعی که از ناامیدی پدید می‌آید، از خود ناامیدی کوچکتر است.



هیچ فاجعه‌ای به لحاظ فاجعه بودن نمی‌تواند بزرگتر از ناامیدی باشد، چون تا زمانی که ناامیدی وجود دارد، امکان از بین بردن هیچ فاجعه‌ای وجود ندارد.

امید آن چیزی است که حقیقت جهان و تاریخ را شکل می‌دهد. اگـــر امید نبود، نه جنگی روی می‌داد و نه صلحی شکل می‌گرفت.

اگر جنگی صورت گرفته و اگر صلحی روی داده و اگر حرکتی در خلقت پدید آمده، بر اساس امیدی بوده است.

اگر رشد زیباست، به دلیل وجود امید است. اگر امید نباشد نه رشد روی می‌دهد و نه معنایی می‌توان برایش در نظر گرفت. تمام مواریث بر جای مانده از بشر ـ از میراث‌های مادی تا معنوی ـ بر اساس امید شکل گرفته است و بر اساس امیدی ارزشمند است.

اگر امید را از میان بردارید، همه چیز از هم می‌گسلد. امید مایه قوام عالم و افاضه کننده معنی است. با وجود امید گذشته قابل اعتناست و آینده در خور اندیشه.

مشکلی وجود ندارد که با امید برطرف نشود، همچنان که مشکلی وجود ندارد که ناامیدی در شکل گرفتنش نقش ایفا نکرده باشد.

مشکلات با ناامیدی ایجاد می‌شـــوند و با امید حل می‌شوند. میان امید و ناامیدی نبردی در جریان است که هرگز پایان نمی‌یابد. ناامیدان قربانیان این جنگ و امیدواران فاتحان این جنگند. بدون داشتن امید نه می‌توان غالب شد و نه غالب معنی دارد. غلبه، غلبه بر ناامیدی است و کسی غالب نمی‌شود مگر بر ناامیدی.

حقیقت این است که پیروزی واقعی، پیروزی بر ناامیدی است و پیروزها در اصل برناامیدی پیروز می‌شوند، سپس به چیزهای دیگر.

امید عین پیروزی اســـت، حتی اگر در ظاهر پیروزی خوانده نشود. هیچ ناامیدی پیروز نمی‌شود و هیچ پیروزی ناامید نمی‌شود. آنانکه ناامیدند، در اصل امیدی به پیروزی ندارند. تا زمانی که امید هست، امیدواری هست و تا زمانی که امیدواری هست، می‌توان نسبت به تغییر شرایط خوشبین بود.

سرّ همه پیشرفت‌ها در امید قابل جستجوست، همچنانکه سرّ همه شکست‌ها و سقوطها و افول‌ها در ناامیدی نهفته است. بخش وسیعی از امکان‌های هستی و زندگی وابسته به امید است. به همین جهت کسی که امید را از دست می‌دهد، در واقع هستی را از دست می‌دهد، هر چند تا پیش از مرگش زنده خوانده می‌شود.

حیات از سنخ امید است و امید از سنخ حیات در حالی که ناامیدی با حیات بیگانه است.

اشکال ناامیدی در وجود یک تناقض پنهان است، تناقض بودن و نبودن و مرگ و زندگی. انسان ناامید، انسانی است زنده که مرگ را انتخاب کرده است، پیش از این که مرگ برسد.

ناامیدی کوتاهترین راه ممکن برای شکست است. هیچ راهی به اندازه ناامیدی به کشور شکست نزدیک نیست.

معنی با امید معنی می‌شود. اگر امید نباشد، معنی معنای خودش را از دست می‌دهد و بی‌اهمیت می‌شود.

انسان‌ها می‌سازند با امید و به خاطر امید، از آن رو که خودشان با امید به وجود آمده‌اند. اگر امید نبود، چرا جهان باید خلق می‌شد و چرا انسان باید آفریده می‌شد؟

بدون امید، چرا ما باید حرف بزنیم و از چه چیزی باید حرف بزنیم؟ آنکه می‌سازد به امیدی می‌سازد و حتی آن که خراب می‌کند، به امیدی خراب می‌کند.

هر چیزی مجاز است و ممکن جز ناامیدی که ممکن هست ولی مجاز نیست. امید مادر عشق است و ناامیدی قاتل هر چیزی از جمله عشق.

میان عقل و عشق هیچ تنازع و تعارضی وجود ندارد، مگر زمانی که عقل به ناامیدی برسد. آنجا که عقل ناامید شود، راهش از عشق جدا می‌شود. عشق حاصل امید است و امید حاصل عقل، اما آنجا که حاصل عقل امید نباشد، عشق یا پدید نمی‌آید یا نابود می‌گردد. و سرانجام بعد از همه این‌ها بر ماست که اعتراف بیاوریم: میان امید و اعتدال بیشترین رابطه و قویترین ارتباط وجـــود دارد. تا بدان حدکه بایدگفت: امید از اعتدال می‌آیدو اعتدال از امید. آنجا که امید نیست یأس و ناامیدی حاکم است و آنجا که نا امیدی حکمفرما باشد، اعتدال جایی برای حضور و مجالی برای بروز نخواهد داشت.

عرفان

چون به عشق آیم خجل باشم از آن

عشق در عرفان اسلامی

■ دکتر سید یحیی یثربی



عشق چیست؟

موضوع بحث، عشق اســـت، که دریایی است بی‌کران، موضوعی که هر چه درباره آن گفته آید، کم و ناچیز خواهد بود. چنان‌که مولوی علیه‌الرحمه می‌گوید:

هر چه گویم عشق را شرح و بیــان
چون به عشق‌آیم خجل باشم از آن

به هر حال در این بحث، طبعاً نخستین سوال باید این باشد که: عشق چیست؟ اکثراً عشق را محبت و دلبستگی مفرط و شدید معنی کرده‌اند. گویا عشق از «عشقه» آمده است که گیاهی است، چون بر درختی پیچد، آن را بخشکاند و خود سرسبز بماند. از دیدگاه ماتریالیست‌ها، روانشناسان و پزشکان، عشق نوعی بیماری روانی است که از تمرکز و مداومت بر یک تمایل و علاقه طبیعی، در اثر گرایشهای غریزی، پدید می‌آید، چنان‌که افراط و خروج از حد اعتدال در مورد هر یک از تمایلات غریزی، نوعی بیماری است. اما از دیدگاه عرفا، عشق یک حقیقت و یک اصل اساسی و عینی است ولیکن این حقیقت عینی به سادگی قابل تعریف نیست. این دشواری تعریف و تحدید به این دلیل است که:

اولاً، عشق چنان‌که گفتیم یک حقیقت عینی است در نهایت وسعت و عظمت، و لذا این حقیقت عظیم در ذهن محدود ما نمی گنجد و این تنها عشق نیست، بلکه حقایق بزرگ دیگر نیز-از قبیل هستی، وحدت و غیره-در ذهن ما نمی گنجد. شعار اسلامی ما، الله اکبر، بدین گونه تفسیر شده است که خداوند بالاتر از آن است که در وصف گنجد. چه وصف ما محصول ذهن ماست و ذهن ما فقط چیزهایی را درمی‌یابد و می تواند توصیف کند که قابل انتقال به ذهن ما باشند و متأسفانه، همه چیز قابل انتقال به ذهن ما نیست. ما در دو مورد کاملاً متضاد مجبوریم در ذهن خود چیزی بسازیم چون از واقعیت، چیزی به ذهن ما نمی‌آید و آن دو مورد عبارتند از: ۱ ـ عدم ۲ ـ وجود

در مورد اول، چیزی در واقعیت وجود ندارد تا به ذهن ما انتقال یابد. در مورد دوم آنچه هست عین واقعیت است و در متن خارج و واقعیت بودن برایش ذاتی است و لذا این خاصیت ذاتی هرگز عوض نمی‌شود و عینیت با ذهنیت نمی‌سازد. از اینجاست که در نظام فکری اسلامی، وقتی که اصالت ماهیت جای خود را به اصالت وجود می‌دهد و در واقع یک اصل عرفانی به صورت یک اصل فلسفی پذیرفته می‌شود، ضرورت سیر و سلوک مطرح می‌گردد. چنان‌که ملاصدرا سیرو ســـلوک را، در کنار عقل و استدلال، ضروری و لازم دانسته است.

در نظام اصالت ماهیت، ذهن می‌تواند با ماهیتها ارتباط برقرار کند. اما در نظام اصالت وجود، وجود یک امر واقعی و عینی بوده و هرگز قابل انتقال به ذهن نیست. در نتیجه فقط با مفاهیم انتزاعی سر و کار خواهد داشت. طبعاً برای رسیدن به واقعیت، راه و روش دیگری باید در پیش گرفت که همان سیرو سلوک است. یعنی به جای تلاش برای انتقال واقعیت به ذهن باید بکوشیم که خود را به واقعیت برسانیم و به مرتبه اتصال و وحدت و فنا نایل آییم وگرنه از تلاش ذهنی نتیجه‌ای نخواهیم گرفت.

به عقل نازی حکیم تا کـــی؟
به فکرت این ره نمی‌شود طی
به کنه ذاتش خرد بـــرد پی
اگر رسد خس به قعر دریا

بلی در مواردی رابطه ذهن با واقعیت، به دلیل محدودیت ذهن و نامحدود و نامتناهی بودن واقعیت، رابطه خس و دریاســـت. این نکته در بیان اعجازآمیزی از امام باقر(ع) درباره خدا چنین مطرح شده است»: کل ما میز تموه باوهامکم، فی ادق معانیه، مخلوق مصنوع مثلکم مردودالیکم.»

ثانیاً، همیشه میان «تجربه» و «تعبیر» فاصله هست. شما حوادث لذتبخش یـــا دردآوری را که تجربه کرده‌اید، هرگز نتوانسته‌اید چنان‌که باید و شاید به دیگران منتقل کنید. یعنی در واقع نتوانسته‌اید از آن تجربه تعبیر رسا و کاملی داشته باشید. حافظ می گوید:

من به گوش خود از دهانش دوش
سخنانی شنـــیده‌ام کـــه مپرس!

آن شـــنیدن برای حافظ یک تجربه است که به تعبیر در نمی گنجد. عین‌القضات میان علم معمولی و معرفت شهودی این فرق را مطرح می کند که حقایق قلمرو عقل و علم با زبان قابل بیان هستند و به اصطلاح تعبیرپذیرند، اما حقایق قلمرو تجربه به بیان درنمی آیند. و از اینجاست که مولوی می گوید:

گرچه تفسیر زبان روشنـــگر است
لیک عشق بی‌زبان روشن‌تر است

و اگر بکوشیم تجربه‌های بزرگ را به مرحله تعبیر بیاوریم، تنها از راه تشبیه و تمثیل و اشاره و ایما ممکن است و لذا حقایق قرآنی را در قالب الفاظ، مثلی می‌دانند از آن حقایق والا که با قبول تنزلات مختلف و متعدد، به مرحله‌ای رسیده که در قالب الفاظ چنان ادا شده که در گوش انسان معمولی جا داشته باشد. اما این مراتب به هم پیوسته‌اند و انسانها با طی مراتب تکاملی در مسیر معرفت می‌توانند از این ظاهر به آن باطن و بلکه باطن‌ها دست یابند و همین نکته اساس تفسیر و تأویل آیات قرآن کریم است. اما پیش از سیر در مدارج کمال نباید انتظار درک حقایق والا را داشته باشیم. با توجه به نکات مذکور، تعریف عشق مشکل و دشوار است ولیکن خوشبختانه حقیقت‌های بزرگ که در تعریف و تحدید نمی گنجند غیرقابل شناخت نیستند. بلکه این حقایق والا، از هر چیز دیگر روشن‌تر و آشکارترند و هر کسی که بخواهد، مستقیماً می تواند با آن حقایق ارتباط برقرار کند اما بی‌واسطه، نه با واسطه که:

آفتـــاب آمـد دلیـــل آفتـــاب
گر دلیلت باید از وی رخ متاب

و عشق هم آن حقیقت والایی است که از سودایش هیچ سری خالی نیست و چنان‌که خواهد آمد، یک حقیقت جاری و ساری در نظام هستی اســـت و نیازی نیست که عشق را با غیر عشق بشناسیم که حقیقت عشق، همچون حقیقت هستی، به ما از رگ گردن نزدیکتر اســـت. به همین دلیل انتظار نداریم که با مفاهیم ذهنی درباره حقیقت عشق، مشکلی را آسان کنیم یا مجهولی را معلوم ســـازیم که این در حقیقت با نور شمع به جستجوی خورشید رفتن است.

نقش عشق در عرفان اسلامی

عشق در عرفان اسلامی، از جهات مختلف، به عنوان یک اصل، مورد توجه قرار می گیرد که اهم آنها عبارتند از:

الف ـ نقش عشق در آفرینش:

از دیرباز میان متفکران این ســـوال مطرح است که انگیزه آفرینش چیست؟ جمعی در آفرینش جهان برای خدا انگیزه و اهدافی عنوان کرده‌اند و جمعی داشتن غرض و انگیزه را نشان نقص و نیاز دانسته و خداوند را برتر از آن می‌دانند که در آفرینش غرض و هدفی را دنبال کند.

عرفا، در مقابل این پرسش، عشـــق را مطرح می‌کنند و همچون حافظ برآنند که:

طفیل هستی عشقند آدمی و پری...

از نظر عرفا، جهان برای آن به وجود آمده که مظهر و جلوه‌گاه حق بوده باشد. در یک حدیث قدسی آمده که حضرت داوود(ع) سبب آفرینش را از خداوند پرسید. حضرت حق در پاسخ فرمود: «کنتُ کنزاً مخفیاً لاُعرفُ فاحببتُ انْ اُعرف فخلقتُ الخلقَ لکی اعرف.» پس جهان بر این اســـاس بوجود آمده که حضرت حق خواسته جمال خویش را به جلوه درآورد. این نکته را جامی با بیان لطیفی چنین می‌سراید:

در آن خلوت که هستی بی‌نشان بود
به کنج نیســـتی عالم نهـــان بود
وجـــودی بود از نقـــش دویی دور
ز گفتگـــوی مایـــی و تویی دور
»جمالـــی« مطلق از قیـــد مظاهر
به نور خویشـــتن، بر خویش ظاهر
دلی کان عاشـــق خوبان دلجوست
اگر داند وگرنی عاشـــق اوســـت

جمال حضرت حق در آینه حضرات پنجگانه ـ که عبارتند از: عالم اعیان ثابته، جبروت، ملکوت، ملک و انسان کامل ـ جلوه کرده و در هر موجودی، به نســـبت مرتبه وجودی آن، برخی از اسماء و صفات الهی جلوه‌گر و نمایان شده است. مظهر کامل آن معشوق، وجود انسان کامل است که خلیفه اوست در جهان آفرینش، و آینه تمام‌نمای اســـماء و صفاتش، و شاید حدیث «خلق الله آدم علی صورته» اشاره به این نکته باشد.

ب ـ عشق در بازگشت:

عرفا عشق را در بازگشت هم مطرح می‌کنند، به این معنا که این عشق از ذات حق به سراسر هستی سرایت می‌کند. البته عشـــق حق در مرحله اول به ذات خویش است و چون معلول لازم ذات علت است، پس به تبع ذات، مورد عشق و علاقه حق قرار می گیرد. پس خدا آفریدگان را دوست می‌دارد و از این طرف نیز هر موجودی عاشق کمال خویش است. بنابراین، در سلسله نظام هستی چنان‌که در قوس نزول عشق از بالا به پایین در جریان است، از آن جهت که هر مرتبه پایین اثر مرتبه بالاست، در قوس صعود هم هر مرتبه‌ای از وجود، عاشق و طالب مرتبه بالاتر از خویش است چون کمال اوست، و چون بالاترین مرتبه هستی، ذات حضرت حق است پس معشوق حقیقی سلسله هستی، ذات مقدس اوســـت. همین عشق به کمال و عشق به اصل خویش، انگیزه و محرک نیرومند همه ذرات جهان از جمله انسان به سوی حضرت حق است.

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش
باز جویـــد روزگار وصل خویش

و این عشق، چنان‌که گذشت، یک عشق دو سره است که: «یحبهم و یحبونه.»

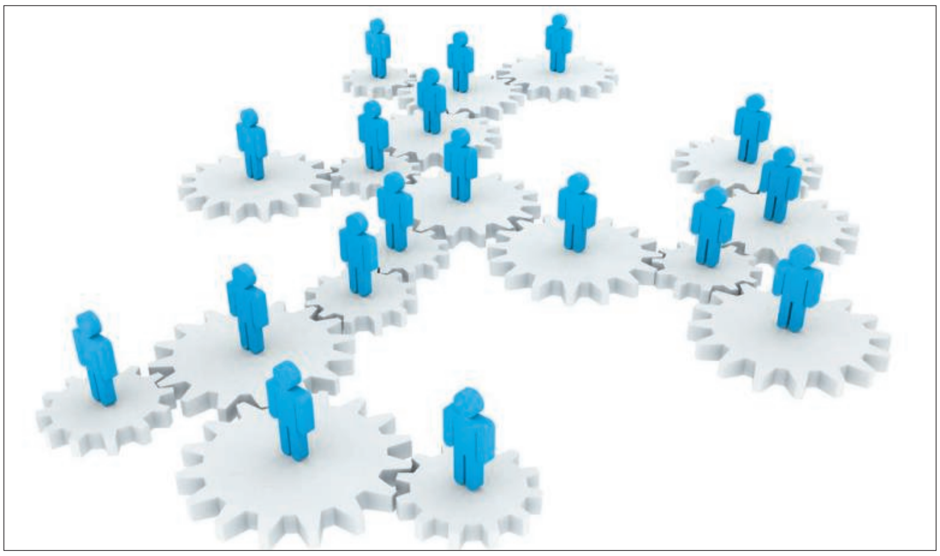
استناد

اعتدال در متون دینی و اخلاقی

از اعتدال تا اقتصاد



■ امیر قبادی



اعتدال و میانه روی، در لغت به معنای پیمودن و گزینش راه میانه و وسط و عدم تمایل به دو جانب است: افراط و تفریط. این واژه در منابع اسلامی، با الفاظی مانند «قصد»[1] «اقتصاد»[2] «وسط»[3] استعمال شده است .

با پژوهشی ژرف و عمیق می توان دریافت، همان گونه که اصل توحید در تار و پود احکام و مقررات اسلام و آیات و روایات و سیره ائمه (علیهم‌السلام) پیچیده شده، اصل اعتدال نیز در تشریع احکام لحاظ گردیده است . قرآن کریم، امت اسلام را «امت وسط» می‌نامد: «و کذلک جعلناکم امۀ وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرســـول علیکم شهیدا»[4] و این چنین شما را امتی میانه (معتدل) ساختیم تا بر مردمان گواه باشید و پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) هم بر شما گواه باشد.

اصل اعتدال، که در قرآن کریم عنایت فراوانی به آن شده، در زندگی و سیره و سلوک پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه وآله) و ائمه هدی (علیهم‌السلام) به روشنی دیده می‌شود. بر اساس موازین می‌توان سیره رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله) را در همه وجوه، سیره ای معتدل خواند. در گفتاری از حضرت علی (علیه السلام) در مورد آن حضرت وارد است: «سیرته‌القصد»[5] رسول خدا، سیره و رفتارش معتدل بود و اعتدال ورزی .

رســـول خدا (صلی‌الله علیه وآله) در رفتارهای فردی، در خانواده و اجتماع، در اداره امور و سیاســـت و در رویارویی با دشمنان و حتی در میدان نبرد، اعتدال را پاس می‌داشت و از افراط و تفریط پرهیز داشت و تاکید فراوان داشت که امتش «میانه‌رو» باشند و به میانه روی شهرت پیدا کنند. این گفتار نبوی برای اثبات این موضوع کفایت می کند: «یا ایهاالناس علیکم بالقصد، علیکم بالقصد، علیکم بالقصد»[6] ای مردمان! بر شما باد به میانه‌روی، بر شما باد به میانه روی، بر شما باد به میانه‌روی.

به حسب آنچه در مباحث فکری و فلسفی اثبات شده، شان عقل اعتدال است و عدم اعتدال حاصل جهل است. پس انسان عاقل انسانی متعادل است و انسان جاهل غیر متعادل. حضرت علی(علیه‌السلام) درباره انسان جاهل همین شان را بیان فرموده است: «اتری‌لجاهل الا مفرطا او مفرطا»؛ اهل را نمی‌بینی، مگر این که یا افراط می کند و یا تفریط.[7]

قلمرو اعتدال و میانه‌روی در اسلام

ابعاد گوناگون «میانه‌روی» در اسلام که به صورت اشاره بیان می شود، عبارت است از:

۱ . اعتدال در امور فردی

اســـلام اعتدال را در زمینه امور فردی و شخصی، اعم از عبادت، گفتار، رفتار و ... منظور داشته و بر آن تاکید می‌ورزد که می‌توان به امور زیر اشاره کرد:

الف) اعتدال در عبادت: با این که عبادت از شـــریف‌ترین مقولات محسوب می شود، اسلام اعتدال و میانه روی در آن را امری مهم منظور داشته است . رسول اکرم (صلی‌الله علیه وآله) می‌فرماید: «ان هذاالدین متین فاوغلوا فیه برفیق و لاتکرهوا عبادۀالله الی عبادالله فتکونوا کالراکب المنبت الذی لا سفرا قطع و لاظهرا ابقی»؛[8] این دین محکم و متین است؛ پس با ملایمت در آن درآیید و عبادت خدا را به بندگان خدا با کراهت تحمیل نکنید تا مانند ســـوار درمانده‌ای باشید که نه مسافت پیموده و نه مرکبی به جا

اعتدال و میانه روی، در لغت به معنای پیمودن و گزینش راه میانه و وسط و عدم تمایل به دو جانب است: افراط و تفریط. این واژه در منابع اسلامی، با الفاظی مانند «قصد» «اقتصاد» «وسط»استعمال شده است .

گذاشته است (به سبب زیادی سرعت، مرکبش در میان راه از رفتن بازمانده و خودش هم به مقصد نرسیده است.)

آنان که اندازه نمی‌شناسند و در هر امری زیاده‌روی یا کوتاهی می کنند، به مقصد نمی رسند . دینداری نیز اعتدال می طلبد و برای سیردادن آدمیان به مقاصدی که دین مشخص کرده است، باید ملاحظه استعداد و مرتبه وجودی آنان را نمود و تدرج را در تربیت رعایت کرد.

ب) اعتدال در راه رفتن: با این که به حسب ظاهر، راه رفتن، مساله ای جزئی و پیش افتاده است، اما قرآن اعتدال را در همین مورد، مورد توجه قرار داده اســـت و چنین توصیه می‌فرماید: «و اقصد فی مشیک»[9] در راه رفتن میانه‌رو باش.

قرآن در جای دیگر اولین نشانه عبادالرحمن (بندگان خاص الهی) را تواضع در راه رفتن می داند و می فرماید: «و عبادالرحمن الذین یمشون علی‌الارض هونا»،[10] بندگان شایسته خدا کسانی هستند که روی زمین با تواضع راه می‌روند.

ج) اعتدال در سخن گفتن: سخن و بیان از نعمت‌های بزرگ الهی و مهم ترین عامل شکل گیری روابط انسانی است که خداوند آن را مایه امتیاز انسان از موجودات دیگر قرار داده است، چرا که می‌فرماید: «الرحمن علم‌القرآن خلق‌الانسان علمه‌البیان»؛[11] خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود. انســـان را آفریـــد و به او بیان را آموخت.

با این حال، اگر حرف زدن از حد اعتدال خارج شود و به پرگویی مبدل گردد، به جای نعمت، نقمت خواهد شد. از این رو، دانشـــمندان علم اخلاق در غیر موارد ضروری، سکوت را اولی از کلام می دانند . حضرت علی (علیه‌السلام) می فرماید: «الکلام کالدواء قلیله ینفع و کثیره قاتل»؛[12] سخن گفتن مانند داروست؛ کم آن نفع می‌رســـاند و زیاده‌روی در آن کشنده و مهلک است . باز آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «من کثر کلامه کثر خطاؤه»؛[13] کسی که بسیار سخن می‌گوید، خطا و اشتباهش بسیار خواهد بود.

کم گوی و گزیده گوی چون در
کز اندک تو جهان شود پر [14]

د) تعادل در خوراک: مسأله خوردن و آشامیدن نیز از مسائلی است که بســـیاری از مردم درباره آن دو، گرفتار افراط و تفریط می شوند، و البته بیشتر در جانب افراط.

تردیدی نیست که انسان، برای زنده ماندن، احتیاج به غذا دارد و باید به سلول‌های بدن، غذا برسد تا بتوانند به حیات خود ادامه دهند. ولی مطلب مهم این است که مقدار غذای مورد احتیاج یک انسان چقدر است و آیا زیاده‌روی در غذا به سود او است یا به زیان او؟

امام رضا(علیه‌لسلام) می‌فرمایند: بدان که بدن انسان همانند زمین پاکیزه‌ای است که برای آباد کردن آن، اگر اعتدال در آن رعایت شود و آب به مقدار لازم به آن داده شود، نه آن اندازه که زمین زیر آب غرق شود و نه آن اندازه کم که تشنه بماند، چنان زمین، آباد می‌شود و محصول فراوانی می دهد . ولی اگر از رسیدگی صحیح غفلت شود، آن زمین فاسد و تباه می‌گردد. بدن انسان نیز چنین است. با توجه و مراقبت در خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، بدن سلامت و صحت می‌یابد و نعمت و عافیت را به دست می‌آورد.[15]

۲. اعتدال در امور اجتماعی

در برخوردها و مناسبات اجتماعی نیز باید اعتدال و میانه‌روی را رعایت کرد که از آن میان می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) دوستی و دشمنی:

با این که اسلام از پیوندهای دوستی که میان افراد مسلمان برقرار می‌شـــود جانبداری می کند و این دوستی را سرمایه‌های ارزنده و گرانبها می‌شـــمارد، ولی با افراط در رفاقت و دوستی مخالف است و خواهان اعتدال در روابط دوستانه است. حضرت علی(علیه السلام) فرموده است: «أحبِبْ حَبیبَکَ هونا مّا، عَسی أن یَکون بَغیضَکَ یوما مّا، و أبغِض بَغیضَکَ هونا مّا، عَسی أن یَکون حَبیبَکَ یَوما مّا»[16] با دوست خود در حد اعتدال دوستی کن؛ زیرا ممکن است آن دوست، روزی دشمن تو گردد. و در دشمنی خود نیز معتدل باش؛ زیرا ممکن است همان دشمن، روزی دوست تو گردد.

حضرت علی(علیه السلام) در نامه خود به فرزندش، چنین می‌فرماید: «إن أرَدتَ قَطیعۀَ أخیکَ فَاستَبق لَهُ من نَفسک بَقیّۀً یَرجِعُ إلیها إن بَدا لَه ذلک یَوما مّا»؛[17] اگر خواستی رابطه‌ات را با برادرت قطع کنی، راهی برایش بگذار که اگر روزی خواست برگردد، راه بازگشت داشته باشد.

سعدی با بهره‌گیری از این روایات گفته است: «هر آن سرّی که داری، با دوست در میان منه، چه دانی که وقتی دشمن گردد، و هر گزندی که توانی به دشمن مرسان که وقتی دوست شود.»[18]

ب) اعتماد:

هر چند اعتماد به افراد یکی از ریشـــه دارترین پایه‌های حیات اجتماعی اســـت که منطقا مورد تأیید اسلام است، اما اعتماد بیش از حد به دیگران، به خصوص در مســـائل خطیر و سرنوشت ساز، با موازین عقلی و شرعی ناسازگار خواهد بود. اسلام در این موارد، رعایت جانب احتیاط و اعتدال را توصیه نموده است. امام صادق(علیه‌السلام) می‌فرماید: «لاتثقنّ بأخیک کلّ‌الثقۀ فان صرعۀالاسترسال لاتستقال»؛[19] به برادرت زیاد اطمینان و اعتماد مکن که در این صورت، قابل جبران نیست.

پی نوشت ها:

۱. «المومن سیرته القصد، و سنته‌الرشد»، میزان‌الحکمه، ج ۱۰، ص ۴۸۹ .// ۲. «من اقتصد اغنـــاه‌الله »، همان.// ۳. «و نحن امۀ الوســـط» ، ســـیره نبوی، ج ۱، ص ۱۷۴.// ۴. بقره/۱۴۳.// ۵. نهج‌البلاغه، کلمات قصار، ۶۷.// ۶. کنزالعمال، ج ۳، ص ۲۸.// ۷. سیره نبوی، ج ۱، ص ۱۷۲ و ۱۷۱؛ نهج‌البلاغه، حکمت ۷۰.// ۸. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۱۲، ح ۳.// ۹. لقمان/۱۹.// ۱۰. فرقان/۶۳.// ۱۱. . الرحمن/۴ – ۱.// ۱۲. غررالحکم، ج ۲، ص ۱۵۹.// ۱۳. نهج البلاغه، حکمت ۳۴۹ .// ۱۴. نظامی گنجوی، لیلی و مجنون، در نصیحت فرزند.// ۱۵. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۳۱۰؛ ر . ک: رساله ذهبیه حضرت رضا(ع).// ۱۶. مصطفی زمانی، شرح نهج‌البلاغه، ج ۴، کلمات ۲۷۴، ص ۲۸۳.//۱۷. نهج‌البلاغه، نامه ۳۱.//۱۸. گلستان سعدی، باب هشتم.// ۱۹. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۷۴.

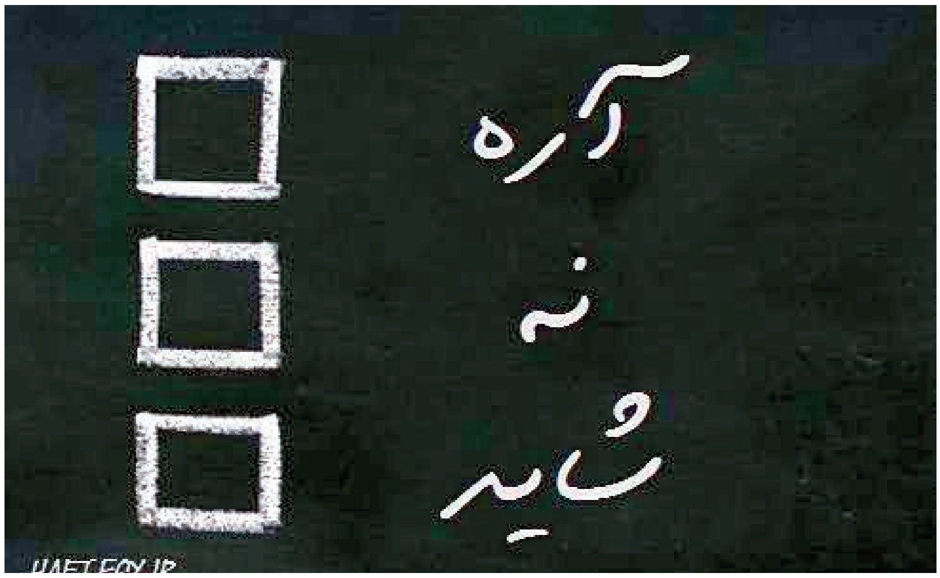
اراده

چگونه تصمیم بگیریم

مدیریتِ تصمیم

■ امیررضا پوررضایی





گرچه تعجب برانگیز است ولی شاید شما هم موافق باشـــید که ما تصمیمهای بزرگ را با اطلاعات کم و تحلیل ناکافی و تصمیمهای کوچک را به نسبت آنها با اطلاعات زیاد و تحلیل این اطلاعـــات، می‌گیریم. حتی در مواردی برای تصمیم گیری در یک امر مهم به جمع آوری اطلاعات غیر مهم و غیر مفید و تحلیل آنها می‌پردازیم.

از آن عجیب‌تر اینکه، انسان که موجودی منطقی به نظر می‌رسد، آنچه را که بدون دلیل و منطق پذیرفته باشد، با هیچ دلیل و منطقی نمی‌توان از ذهنش خارج کرد. به این موضوع دوم در اینجا نمی‌پردازیم و صرفاً به همین اشاره اکتفا می‌کنیم تا شناخت بیشتری از ساختار ذهن خودمان داشته باشیم.

این موضـــوع از آنجا اهمیت زیادی پیـــدا می‌کند که انســـان عصر نوین گرایی [مدرنیته] خیلی بیش از گذشته با تصمیم گیری مواجه است. به تصممیمهای مهم و تعیین کننده‌ای فکر کنیم که در جامعهٔ ماقبل نوین [ماقبل مدرن] وجود نداشت.

می خواهی چه کاره شـــوی؟ می‌خواهی چه رشته‌ای را بخوانی؟ کجا می‌خواهی زندگی؟ می‌خواهی همســـری خارجی یا خارج نشین داشته باشی؟ و....

گرچه اینها برای ما سوالهای آشنایی هستند ولی می‌دانیم اینها سوالهایی است که در جامعهٔ نوین[مدرن] مطرح است و احتیاج به تصمیم دارد.

در کنار پیدا شـــدن امکان انتخابهای پر شـــمار برای انسان نوین گرا [مدرن]،یَک اجبار پیدا شده است. اجبار به تصمیم گیری. آن هم نه یک تصمیم و دو تصمیم، بلکه هزاران تصمیم. هزاران تصمیم تعیین کننده. هزاران تصمیمی که در زمان خاصی باید گرفتهَ شوند و تصمیم نگرفتن نیز تصمیم به حساب می‌آید. دربارهٔ هر تصمیمی باید تصمیم‌های جدید گرفت و پیامد هر تصمیم هزاران تصمیم جدید لازم می‌شود.

امروز که جامعهٔ ما با بسیاری از سنجه‌ها، جامعه‌ای نوین گرا ست، برای بهره مندی هر چه بیشتر از این امکان، لازم است ابزارهایی در دست داشته باشیم.

اگر در جامعهٔ ایران امروز کـــه جامعه‌ای نوین گرا به حســـاب می‌آید زندگی می‌کنیم، با پدیدهٔ توانفرسایی به نام تصمیم گیری‌های پر شمار و تا حدی مبهم رو در رو هستیم. پس خوب است پیش از سایر تصمیم‌ها، تصمیم بگیریم که چگونه تصمیم بگیریم.

حال این سوال مطرح است که انسان برای گرفتن تصمیمِ درست چه نیازهایی دارد؟

اول اطلاعات هر چه بیشتر و دقیق تر، و دوم، قدرت پردازش هر چه بهتر این اطلاعات.

اصلی‌ترین اشکالی که به چشـــم می‌خورد این است که تصمیمهای بزرگ کم دقت و با اطلاعات نا کافی گرفته می‌شود. به بیان دیگر در بسیاری از موارد، بزرگای تصمیم با پشتوانه‌های اطلاعاتی و محاسباتی آن نه تنها همخوانی ندارد بلکه در خیلی از موارد نسبت معکوس دارد.

از ســـوی دیگر در بسیاری از موارد آنچه به عنوان یک تحلیل و بررســـی در خصوص یک موضوع خاص یا چند موضوع مرتبط می‌شنویم، ترکیبی از تحلیل وتخیل است. در واقع نوعی داستان پردازی است. داستانهایی که در آن عناصر روشنی از مشخصات شخصیتیِ فرد یا افراد مرتبط را می‌بینیم ولی از اطلاعات دقیق و تحلیلِ درست اطلاعات اثر چندانی نیست

اگر در جامعهٔ ایران امروز که جامعه‌ای نوین گرا به حساب می‌آید زندگی می‌کنیم، با پدیدهٔ توانفرسایی به نام تصمیم گیری‌های پر شمار و تا حدی مبهم رو در رو هستیم. پس خوب است پیش از سایر تصمیم‌ها، تصمیم بگیریم که چگونه تصمیم بگیریم.

اگر بخواهیم به این موضوع تا حد امکان ریشه شناسانه نگاه کنیم به چند مورد بر می خوریم.نخست اینکه در بسیاری از موارد، تصمیمات بزرگ و تعیین کننده نیاز به اطلاعات بسیار زیادی دارند که یا در اختیار داشتن آنها تقریباً ناممکن است و یا چندان زمان بر و پرهزینه است که به دنبال آن نمی‌رویم. دیگر آنکه با فرض در اختیار داشتن همهٔ این اطلاعات، تحلیل آنها و در نظر گرفتن محاسبهٔ احتمالات مرتبط با آنها از قدرت تحلیلی ما بیشتر است.

از سوی دیگر ما را می‌توان جامعه‌ای اقبالگرا خواند و علت آن را در کشـــاورزی دیمی جستجو کرد. شیوه‌ای که وابستگی تام به بارش باران دارد و شیوهٔ هزاران سالهٔ کشاورزی در فلات ایران بوده است. پس این اقبالگرایی نیز تا حدی باعث خواهد بود تا بیش از آنکه به اطلاعات و تحلیل آن تکیه کنیم، که البته کار پر زحمتی نیز هست، به شانس تکیه کنیم.

در بر خورد با بسیاری از تصمیمات، با یک فکر برخورد می‌کنیم که به ذهن متبادر شده و سپس برای آن داستانی شکل گرفته که این داستان، تحلیل و بررسی خوانده می‌شود.

اگر بپذیریم که چنین مشکلی در تصمیمات ما وجود دارد، به چند شـــیوه می‌توان در خصوص تخفیف آن اقدام کرد. انتخاب و بکارگیریِ مشاوران در حوزه‌های تخصصی مختلف و هنر گفتگو با مَشاوران از مفیدترین این شیوه‌هاست. گرچه انتخاب مشاوران و بهره بردن از مشاورهٔ آنها به نظر آسان می‌رسد ولی خود یک هنر است و احتیاج به فرهنگ دارد.

عامل بعدی داشتن توان تحلیلی بالاست. هوش، تمرکز، صرف وقت،نیرو و دقت، به شرط داشتن اطلاعات،می تواند منجر به تصمیم درست شود.

اما عامل بســـیار مهمی که ما را در ساختن و گرفتن تصمیمات صحیح یاری می‌کند وسعی خواهیم کرد در این یادداشت بیشـــتر به آن بپردازیم، داشتن درک روشن از آن مفهومی است که به آن «علم» می گوییم.

هر آنچه که ما می‌شنویم یا می‌خوانیم و یا از گذشته‌ها به ترتیبی که خودمان نیز نمی‌دانیم در ذهن ماست، اطلاعات نیست. فقرهٔ اطلاعاتی ماهیت علمی دارد، پس در خصوص اینکه چه چیـــزی ارزش آن را دارد که به عنوان یک فقرهٔ اطلاعاتی به آن تکیه کنیم و در محاسباتمان دخالت دهیم و چه چیزی فاقد این ارزش است از ممیز «علم» و «غیرعلم» استفاده می‌کنیم. اینکه چه چیزی علم است و چه چیزی نیست را «فلسفهٔ علم» روشن می کند.

در ۱۶۰۵ میلادی فیلسوف انگلیسی، فرانسیس بیکن (۱۶۲۱–۱۵۶۱) گفت: «علم قدرت است». او که اولین کسی بود که آغاز عصر خرد را اعلام کرد، چهار گونه کج روی برای ذهن انسان بر می‌شمارد.

– محدودیت ذاتی حواس انسان و مخدوش شدن فهم توسط آرزوها وامیال فردی و تعصبات.

–نوع آموزشها و نظریه‌ها و تجربه‌هایی که فرد دریافته است.

– درک و به کارگیری نادرست واژه‌ها و زبان.

– عدم جداسازی مفاهیم فلسفی از مفاهیم ماوراء الطبیعه که درک حقیقت آن از حیطه خرد انسان بیرون است.

رنه دکارت (۱۶۵۰–۱۵۹۶) فرانسوی شخصیت بسیار تأثیر گذار دیگری است در شناخت روش علمی. این فیلسوف می گوید ما دنیای بیرون را فقط از طریق آنچه در اندیشه ما شکل می گیرد می شناسیم. و آن جملهٔ معروف او که «می اندیشم پس هستم» کانون این تفکر اســـت. دکارت برای صحیح اندیشیدن چهار قاعده را بر گزید:

ـ هیچ نکته‌ای را نباید بدون بررسی کافی و احراز صحت صحیح تلقی کرد.

ـ مسایل را باید به اجزا کوچک تجزیه کرد تا قابل حل باشد.

ـ مسایل را باید از ساده به مشکل حل کرد.

ـ اســـتدلال و روش حل مسئله را باید به دفعات مورد تشکیک و بازنگری قرار داد.

با امانوئل کانت (۱۸۰۴–۱۷۲۴)فیلسوف آلمانی، تبیین فلسفه خردگرایی به کمال رسید. او معتقد بود که دانش از دو مأخذ در ذهن انسان ایجاد می‌شود. یکی اطلاعات حسی مانند مشاهده و دیگری آنچه که ذهن خود به آن اضافه می کند.

روش علمی در مسیری که تا امروز پیموده است مراحل دیگری طی کرد و وارد دوره‌ای شد که از آن با «اثبات گراییِ منطقی» یاد می‌شود و پس از آن به دورهٔ «ابطال‌پذیری» رسید.

کارل پوپر (۱۹۹۴–۱۹۰۲)فیلسوف اتریشی که به انگلستان مهاجرت کرد، مرز بین علم و غیر علم را «ابطال پذیری» معرفی کـــرد. او معتقد بود هر گزاره‌ای که به هیچ وجه قابل محک خوردن برای ابطال نیست، نمی توان علمی تلقی کرد.

در آســـتانهٔ ســـال نو که زمان مناســـبی است که به خانه تکانی‌های ذهنی بپردازیم، خوب است اگر فرصتی دست داد به این موارد فکر کنیم و آنچه را «علم» نیست و به صورت منطقی اطلاعات نیز به حساب نمی‌آید، آگاهانه از ذهن خود دور کنیم و اجازه ندهیم که در تصمیمهای ما در زندگی این دنیا، دخالت داشته باشند.

همانگونه که علم با پیشرفت خود داروی آبله و سل، و آنتی بیوتیک را به مردم جهان هدیه کرده، واکسنی نیز برای واکسینه شدن ذهن در برابر مهملات و موهومات ساخته که بر اساس دستاوردهای امروز «ضابطهٔ ابطال پذیری» است.

خاطره دیدار با علامه طباطبایی



■ استاد منوچهر صدوقی‌سها



من ســـه بار به محضر حکیم الحکما و خاتم الحکما و المتالهین علامه سید محمد حسین طباطبایی رسیده‌ام؛ دو بار در بیداری و یک بار در خواب

.اولین باری که به محضر ایشان در قم رفتم، وقتی به در منزل ایشـــان رسیدم به محض اینکه دق الباب کردم، خودشان به در خانه آمدند. به ایشان عرض کردم که مشغول تدوین تاریخ حکمای متاخر هستم و به محضر شما آمده‌ام تا شرح حالی بفرمائید تا در این اثر درج کنم. ایشان فرمودند: «برو از آقای نصربگیر» (منظورشان آقای دکتر سید حسین نصر بود که بسیار به علامه نزدیک بود). ایشان این عبارت را گفتند و به داخل خانه تشریف بردند.

دومین بار هم که به نزد ایشان رفتم، به محض اینکه در زدم، خود ایشان در را باز کردند. پس از سلام و احوالپرسی به ایشان گفتم که تنها برای زیارت شما آمده‌ام. خدا را گواه می‌گیرم که با شـــنیدن این سخن (تعبیر «زیارت») ایشان چنان ناراحت شدند که هندسه صورت ایشان شکست و با ناراحتی و چهره شکسته رفتند.

سومین بار هم زمانی بود که در عالم خواب مرحوم جلال‌الدین آشـــتیانی را دیدم که البته در آن زمان در قید حیات بودند. ایشان نشسته بودند؛ به ایشان گفتم عالم و آدم می‌دانند که من به شما چقدر ارادت دارم، اما آقای طباطبایی و ما ادراک آقای طباطبایی! این خواب به گونه‌ای بود که می‌توانم بگویم حتماً رویای صادقه بوده است.

دیروز



حکایت حال ما در شتاب عصر اطلاعات

آن پنجره‌ها و این پنجره‌ها

■ احمدرضا آذر



در دوران کودکی من، برای دو امر می‌شد سریعاً شکایت کرد و قانونگذار هم بدون فوت وقت و اطاله داد رسی به آن رسیدگی می‌کرد: یکی آنکه کسی آفتاب خانه ما را سایه کند و خانه‌مان کم نور شود و دیگری آنکه به سوی خانه ما پنجره‌ای باز کند و ما، امنیت ما و خلوت ما را بگیرد.

امـــروزه هم در واقعیت، و هم در مجاز، دیگر برای باز کردن پنجره در حیات خلوت و سایه انداختن، شاکی مشاهده نمی‌کنیم.

دیگر آفتاب خانه‌مان را هر چقدر بگیرند شاکی که نیستیم شاید ممنون دار آنها هم باشیم. چون قدر سایه دست‌مان آمده و دیگر نور قدری ندارد.از طرفی موقعیت شهر مدرن و در حال توسعه ایجاب می‌کند که هر روز که ساختمان‌ها بلندتر می‌شود پنجره‌های به سوی خانه ما، نیز بیشتر و بیشتر شود.

همین نکته غریب را به دیجیتال بسط دهید. غیر از آنکه ساختمان‌های مدرنیته هر روز نور خانه‌های ما را سایه می‌کنند.

دیگر آفتاب خانه مان را هر چقدر بگیرند شاکی که نیستیم شاید ممنون دار آنها هم باشیم. چون قدر سایه دست‌مان آمده و دیگر نور قدری ندارد.از طرفی موقعیت شهر مدرن و در حال توسعه ایجاب می‌کند که هر روز که ساختمان‌ها بلندتر می‌شود پنجره‌های به سوی خانه ما، نیز بیشتر و بیشتر شود

هربار پنجره‌ای تازه به روی ما می‌گشـــایند. هر روز از یک پنجره تازه، شاهد نمایش خیمه شب بازی تازه‌ای هستیم که ما پینوکیووار به تماشایی نشینیمش.

این پنجره‌ها ویژگی عجیبی که دارند آن است که دوباره در درون آن پنجره باز می‌شود. قبلاً این ویژگی را در مورد علم شنیده بودم که بی‌انتها ست و هربار که در ظرف علم، علمی ریخته شود ظرفی بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌شود. البته گاهی که کمی آفتاب می‌تابد در آن پنجره‌های تو در تو علم هم می‌بینم و همین مرا قانع می‌کند که علم است. اما از وقتی فهمیده‌ام جهل هم می‌تواند بیکران باشد و اهل دوزخ فیهاخالدون درآن هستند کمی ترس برم داشته که...

اینجا منکر این نیستم که صرافی و بانک در دیوار خانه‌ام پنجره زده، حکومت پنجره‌زده، دشمن حکومت پنجره‌زده، دوست و غریبه و...پنجره زده‌اند و آمار مرا دارند. این خوب اســـت که هربار با یکی از این پنجره‌ها دلخوشم و آنها را با لایک تایید می‌کنم. چندی پیش یکی از این پنجره‌ها را از بس خسته‌ام کرد بستم ولی هر روز از دیگر پنجره‌ها برایم نامه می‌دهد که در را باز کن.

اینها مهم نیســـت، من چندی است غافلم که در خانه پیرزنی به نام مادر بزرگ و پیرمردی به نام پدر بزرگ هستند. پیرزن دنیا دنیا، داستان داشت، هر وقت داستان می‌گفت با ذهنم هر رنگی که می‌خواستم و هر صدایی که می‌خواستم به شخصیت‌ها می‌دادم. من قبلاً از قوه‌ای به نام «خیال» بهره می‌جســـتم والان من اسم اش را بلدم و فرزندم حتی نامش را نمی‌داند.

پیرزن خانه من که از او غافلم چشمانش سو ندارد و گوشهایش خوب نمی‌شنود.

پیرمرد خانه هم اگر نمی‌بود من هم نمی‌بودم اما از اینکه خانه تاریک و بی نور شده تازگی نمی‌نالد. او را در مقابل یک پنجره نشانده‌ام و گاهی یادم می‌رود او هست. همانطور که وجود خودم را از یاد برده ام.

این پنجره‌های لعنتی دیگر اوقاتی نگذارده‌اند که به پنجره دلم نظری کنم.

الان هم که من با این تامل از پنجره‌های خانه شـــما به حریم شما وارد شدم به خدا نامش صله ارحام نیست و نامش درس و گفتگو نیست مگر آنکه از خانه دلتان وارد شده باشم. پنجره‌های دل و خانه دل را کسی نمی‌تواند نورش را کور و در آن پنجره بزند.

تقویت گفتگو و طرح ســـوال خصوصـــاً در دل این پنجره‌های خیمه شب بازی برای آنکه خود مان و خانه‌های پر نورمان را بیابیم، شاید چاره‌سازی کند.

باید صدای ضعیف جیرجیرک پینوکیو را بشنویم که دارد ما را صدا می‌زند. راهی جز توسعه شناخت خویش و دعوت به خلوت نمی‌شناسم.

خدا کند سخنانم در خلوت دل شما بنشیند و پنجره دل را باز کرده تا پنجره‌های دیگر همه رخت شان را ببندند و گاه به گاه به روی من باز شوند.

اساطیر

نوروز با هوای معتدل بهاری تداعی می‌شود

نگاهی کهن به هفت‌سین

■ دکتر منیژه مشیری



کلید واژه‌ها: جشن نوروز، نماد، اَمشاسپندان، هفت سِپَند، هفت «سین»

اشاره: در این نوشتار ابتدا مراسم نوروز به اختصار بررسی و سپس با نگاهی کهن‌تر به ریشه‌یابی یکی از مهم‌ترین ارکان آن، یعنی سفره هفت‌سین، و ارتباط آن با «امشاسپندان» یا «هفت مقدس جاوید» پرداخته می‌شود.نام نوروز همواره با هوای معتدل بهاری، گل‌های سنبل و نرگس و لاله و بنفشه و شب‌بو، درختان پر از شکوفه‌های سفید و صورتی و رودهای پرآب؛ آمدن حاجی فیروز؛ خانه‌تکانی؛ مراسم چهارشنبه‌سوری و آجیل آن و پریدن از روی آتش بُته و فالگوش ایستادن و قاشق‌زنی؛ سبز کردن سبزه و سفره هفت‌سین؛ سبزی‌پلوی شب عید با ماهی، رشته پلو؛ چند روز تعطیلی و دید و بازدید و لباس نو و عیدی دادن و عیدی گرفتن؛ برای بعضی استراحت و گشت و گذار و سفر و سرانجام سیزده‌بدر و گذراندن یک روز در میان طبیعت، تداعی می‌شود.

سفره‌ی مخصوص عید نوروز هفت سین نام دارد و بیشتر خانواده‌های ایرانی اعتقاد به گستردن آن دارند. در ایام قدیم معمولاً سفره‌ی هفت‌سین را بر روی زمین و امروزه بعضی آنرا بر روی میز می‌اندازند. جنس این سفره بستگی به سلیقه و همچنین طبقه‌ی اجتماعی و منطقه‌ی جغرافیایی آن خانواده دارد. این سفره در ایام قدیم‌تر به طور معمول از جنس مخمل و امثال آن بود؛ ولی امروزه بعضی آن را از حالت سنتی در آورده و مطابق با مد روز آن را با پارچه‌ی تور و نظیر آن تزیین می‌کنند. قرآن کریم، آینه، شمع به تعداد افراد خانواده، نقل و شیرینی، سکه، ماهی قرمز درون ظرف آب و تخم‌مرغ رنگ کرده از لوازم اصلی سفره هفت‌سین هستند. علاوه بر آن، رسم بر اینست که هفت‌چیز را که با حرف «سین» شروع می‌شوند بر سر سفره می‌گذارند. این‌ها به طور متداول عبارتند از: سنجد، سیر، سماق، سرکه، سیب سبزه، سمنو و سکه.

به راستی فلسفه‌ی وجودی هفت‌سین بر سر سفره‌ی نوروزی چیست؟ پاسخ به این سئوال نیازمند مراجعه به متون اوستایی و پهلوی و گزارش‌های کهن تاریخی است تا بدینوسیله به توان به فلسفه‌ی باورهای مردمان دنیای باستان پی برد.

باورهای مردم جهان باستان

مردم باستان اعتقاد به خدایان گوناگون داشتند و بنا بر باورهایی که نسبت به مجموعه‌ی خدایان خود داشتند مراسم و آیین‌هایی برپا می‌کردند که از جمله‌ی آنها جشن‌هایشان بود. در سرزمین کهن ایران نیز وضع به همین گونه بود تا اینکه با آمدن آیین زردشت مردم با یکتاپرستی آشنا و بسیاری از این آیین‌ها طرد شدند.

امشاسپندان: در بخشی از اوستای متقدم[۲] که آنرا سخنان خود زردشت می‌دانند و «گات‌ها» نام دارد، زردشت مردم را به یکتاپرستی دعوت می‌کند. او مجموعه‌ی خدایانی را که مورد پرستش مردم بودند باطل اعلام می‌کند. وی برای خدای یگانه، نام اهورا مزدا، به معنی «سرور خردمند» را بر می‌گزیند. زردشت از میان ایزدان بسیاری که مردم به آنها اعتقاد داشتند شش فرشته را انتخاب و آنها را دستیار اهورا مزدا در امور دنیایی و مینوی معرفی می‌کند (پور داود،ج۱،ص۸۵) این شش فرشته عبارتند از بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسفند، خرداد و اَمرداد (پورداود،صص۸۴ـ۸۱؛ فرنبغ دادگی، ص۴۸). به مجموعه‌ی شش دستیار و خود اهورا مزدا که در سر آنها قرار دارد «هفت اَمشاسپَند» به معنی «هفت مقدس جاوید» گفته می‌شود.

واژه‌ی اَمشاسپند در پهلوی به صورت اَمهراَسپَند amahraspand (فره وشی، ص۱۴) و در اوستا به صورت «اَمِشَ سپنتَ» ـ a-mesa-spenta (بار تلمه،ص۱۴۵) آمده است. این واژه از دو جزء تشکیل شده است. جزء اول یعنی «اَمِشَ»صفت و به معنی «بی‌مرگ، نامیرا، جاوید» و جزء دوم آن یعنی «سپنتَ» به معنی «مقدس» است[۳]. در فارسی نو این واژه به «سِپَند» و «اِسفَند» تبدیل شده است. هر یک از اَمشاسپندان دارای دو نقش می‌باشند؛ یعنی یک نقش در عالم مینوی و یک نقش در عالم مادی دارند. اینکه به بررسی این شش امشاسپند و نقش مادی و مینوی آن پرداخته می‌شود.

بهمن: اولین دستیار اهورامزدا بهمن است. این واژه در اوستا به صورت «وُهومَنَ» ـ vohumana (بارتولومه،ص۱۱۳۳) و در زبان پهلوی به صورت «وُهومَن» vohuman (فره وشی۴۴۷) و در فارسی نو به شکل‌های «بهمن» و «هومن» آمده است. واژه بهمن از دو واژه‌ی «وُهو» به معنی نیکو و «مَنَ» به معنی

سفره‌ی مخصوص عید نوروز هفت سین نام دارد و بیشتر خانواده‌های ایرانی اعتقاد به گستردن آن دارند. در ایام قدیم معمولاً سفره‌ی هفت‌سین را بر روی زمین و امروزه بعضی آنرا بر روی میز می‌اندازند. جنس این سفره بستگی به سلیقه و همچنین طبقه‌ی اجتماعی و منطقه‌ی جغرافیایی آن خانواده دارد

اندیشه تشکیل شده که روی هم به معنی «اندیشه نیک» است بنا بر متن پهلوی «زادِ سپَرَم» (راشد محصل،ص۶۳) بهمن نیکی اندیشه است. بهمن در عالم مینوی مظهر اندیشه و خرد و دانایی خداوند است و انسان را از عقل و تدبیر بهره بخشد و او را به آفریدگار نزدیک کند. در جهان مادی همه‌ی جانوران سودمند به حمایت بهمن سپرده شده‌اند (پورداود، ج۱،ص۸۹). این جانوران بنا بر زادِ سپَرَم (راشد محصل، ص۱۳) به سه کَرده یا بخش تقسیم می‌شوند که عبارتند از:۱ـ چهار پای بر زمین رونده۲ـ ماهی در آب شنا کننده۳ـ مرغ در هوا پرواز کننده

اردیبهشت: بر طبق کتاب پهلوی بُندَهِش (فرنبغ دادگی،ص۴۹) بعد از بهمن سِدیگر از مینویان اردیبهشت است. واژه‌ی اردیبهشت در پهلوی به صورت اَرتَ وَهیشت artavahist (فره وشی، ص۴۳) و در اوستا به صورت «اَشَ وَ هیشتَ» ـ asa-vahista (بارتولومه،ص۲۲۹) آمده است. این واژه از دو بخش «اَشَ» و «وَهیشتَ» تشکیل شده است. اَشَ در اوستا دارای چندین معنی از جمله راستی، درستی، پاکی، تقدس؛ قانون ایزدی و همچنین نام فرشته‌ای است. جزء دوم آن «وَهیشتَ» صفت عالی و به معنی بهترین می‌باشد. بهشت فارسی نیز از همین واژه است.

اردیبهشت در عالم مینوی نماینده‌ی راستی و پاکی خداوند است و در جهان مادی نگهبانی کلیه‌ی آتش‌های روی زمین به او سپرده شده است (پور داود، ج۱، ص۹۲). درباره‌ی اردیبهشت در کتاب پهلوی بندهش (فرنبغ دادگی، ص۱۱۲) آمده که اردیبهشت را به گیتی آتش خویش است. آن که آتش را رامش بخشد یا بیازارد آن‌گاه اردیبهشت از او آسوده یا آزرده بود.

شهریور: امشاسپِند بعد از اردیبهشت، شهریور است. این واژه در اوستا به صورت «خِشَتَر وییریَه‌ـ xsaora-vairya (بارتلمه، ص۲۷۶) و در پهلوی به صورت «شَترَوَر» satravar(فره وشی، ص۴۱۷) آمده است. این واژه از دو بخش «خِشَتَر» به معنی «سلطنت و مملکت» و «وَئیریَ» که صفت و به معنی «آرزو شده و مطلوب» می‌باشد، تشکیل شده است. شهریور را می‌توان به کشور مطلوب یا همان آرمانشهر و نیز به سلطنت مطلوب ترجمه نمود. در اوستا مقصود از شهریور همان کشور جاودانی اهورا مزدا و سرزمین فنا ناپذیر و بهشت برین است، یعنی جاییکه مُقام اهورا و فرشتگان است. انسان باید چنان زندگی کند که پس از مرگ شایسته‌ی این مملکت گردد. در عالم مینوی شهریور نماینده‌ی سلطنت ایزدی و فرو اقتدار خداوند و در جهان مادی نگهبان فلزات است. شهریور آزرده می‌شود از کسیکه سیم و زر را بد به کار اندازد (پور داود ۱۳۴۷،ج۱،ص۹۳).

در بُندهش (فرنبغ دادگی، ص۱۱۳) چنین آمده که شهریور را در گیتی فلز خویش است. او که فلز را رامش بخشد یا بیازارد، آن گاه، شهریور (از او) آسوده یا آزرده بود.

اسفند : امشاسپند بعدی اسفند است. این واژه در اوستا به صورت «سِپنتَ آرمَییتی» ـ spenta-armaiti (بار تولومه،ص۱۶۲۱) و در پهلوی به شکل «سِپندَ رمِت» sependarmat (فره وشی، ص۴۰۴) و در فارسی نو به صورتهای سپندارمذ، سپندارمد، اسپندارمد و اسفند و سِپَند آمده است. این واژه از دو بخش تشکیل شده که اولی «سپنتَ» به معنی مقدس و بخش دوم «آرمَئیتی» در اوستا به معنی بردباَری و فروتنی و شایستگی است. به این معنی که سپندارمد در عالم معنوی مظهر محبت و بردباری اهورا مزدا و در جهان جسمانی فرشته ایست موکل زمین (پور داود،۱۳۴۷،ج۱،ص۹۴). او موکل بر زمین و زنان پرهیزگار است. او باید هماره زمین را خرم، آباد، پاک و بارور نگهدارد. هر که به کشت و کار بپردازد و زمین را آباد کند او را خشنود می‌کند (فره وشی، ص۴۰۴). بنا بر کتاب گزیده‌های زادسپرم (راشد محصل، ص۶۸) سپندارمذِ درست اندیش، مادر همه زایشمندان روی زمین است که سرشت مادری او از آغاز تا واپسین روزهاست. بنا بر متن پهلوی بندهش (فرنبغ دادگی صص ۱۱۴، ۴۹) او از آفرینش مادی زمین را به خویش پذیرفت. او را در گیتی زمین خویش است.

خرداد: ششمین امشاسپندخرداد است. واژه‌ی خرداد در اوستا به صورت ـ haurvatāt (بارتولومه، ص ۱۷۹۱) و در پهلوی بصورت xurdat (فره‌وشی، ص ۴۸۸) آمده است. خرداد یعنی «کمال و بی‌نقصی» و این فرشته مظهر کمال اهورامزداست. در عالم مادی پرستاری آب با خرداد می‌باشد. بنا بر کتاب پهلوی بندهش (فرنبغ دادگی ص ۵۱۱) خرداد سرور سال‌ها و ماه‌ها و روزها است (یعنی) این که او سرور همه است او را به گیتی آب خویش است. هستی، زایش و پرورش همه‌ی موجودات مادی جهان از آب است و زمین را نیز آبادانی از او است. او که آب را رامش بخشد یا بیازارد، آن گاه خرداد از او آسوده یا آزرده بود.

اَمرداد یا مرداد: آخرین امشاسپند مرداد است. این واژه در اوستا به صورت اَمرتتات ـ amrtatāt (بار تولومه، ص ۱۴۳) در پهلوی به صورت اَمُردَت amurdat (فره‌وشی، ص۱۷) آمده است. این واژه در فارسی امروز به صورت «اَمرداد» و «مرداد» تبدیل شده است. حرف «اَ» حرف نفی است و این واژه با حرف «اَ» به معنی «بی مرگی» است. این فرشته مظهر جاودانگی اهورامزدا است. در عالم مادی نگهبانی گیاه با اَمُرداد می‌باشد. بنا بر کتاب پهلوی بندهش (فرنبغ دادگی ۱۱۵) امرداد بی‌مرگ سَرور گیاهان بی‌شمار است، زیرا او را به گیتی گیاه خویش است. گیاهان را رویانَد و رمه‌ی گوسفندان را افزاید، زیرا، همه‌ی آفریدگان از او خورند و زیست کنند. به فَرَشکَرد (روز رستاخیز) نیز اَنوش (داروی بی‌مرگی) را از امرداد آرایند. (کسی) که گیاه را رامش بخشد یا بیازارد آن گاه، امرداد (از) او آسوده یا آزرده بود.در متون اوستایی و پهلوی نام خرداد و امرداد در کنار هم می‌آید.[۴] دو وظیفه‌ی نگهبانی آب برای خرداد و نگهبانی گیاه برای امرداد از زمان قدیم

معمول بوده چون در خود گات‌ها به آن اشاره شده است (پور داود، ج ۱، ص ۹۵).

سفره‌ی هفت‌سین و تحولات طول تاریخ

همانطور که پیشتر ذکر شد بررسی متون کهن تاریخی و اساطیر ایرانی نشان می‌دهد که نوروز، و رسم‌های مربوط به آن، از جمله چیدن هفت سین، ریشه در زمانهای بسیار دور دارد. چیدن سفره‌ی هفت سین در آن زمانها فقط بخاطر تزئین و زیبایی نبوده بلکه فلسفه‌ی چیدن آن جنبه‌ی تقدس و آئینی داشته است.

سفره‌ی هفت‌ســـین در اصل چه بوده است؟مردم دوران باستان با چیدن سفره‌ی هفت سین یک نوع مراسم آیینی برای هفت امشاسپند اجرا می‌کرده‌اند و آنچه بر روی سفره‌ی هفت‌سین قرار می‌داده‌اند در حقیقت هر یک نماد یکی از این هفت سپند بوده است. شاید در طی تاخت و تازهای بیگانگان که سعی در نابودی فرهنگ این سرزمین داشتند، مردم برای حفظ این آیین باستانی خود ترجیح داده‌اند به جای استفاده از واژه‌های «هفت سپند»، با حرف آغازین واژه‌ی «سپند» که حرف الفبایی «سین» است، نام رمزگونه و اختصاری «هفت سین»، را جانشین کنند؛ و در نتیجه آنچه در حال حاضر بر روی سفره‌ی هفت‌سین چیده می‌شود چیزهایی است که پس از هر تهاجم، بنا بر اقتضای شرایط فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و جغرافیایی در طول تاریخ، به این سفره اضافه یا از آن حذف شده است.

نماد امشاسپندان بر روی سفره هفت‌سین

همانطور که در پیش گفته شد خدای یکتا، اهورامزدا، دارای شـــش دستیار بوده و خود قادر مطلق و در سر آنها جای داشته است. به این مجموعه هفت امشاسپند یا «هفت مقدس جاوید» می‌گفتند. در زیر به مشـــخص کردن نماد هر امشاسپند بر سر سفره‌ی هفت‌سین پرداخته می‌شود.

در کتاب آســـمانی ما، قرآن کریم آمده اســـت که: الله نورالسموات والارض. یعنی خداوند نور زمین و آسمانهاست (سوره‌ی نور آیه‌ی ۳۵).

بنا بر اعتقادات مردم این ســـرزمین در دوران باستان نیز خدای یکتا، اهورامزدا، از جنس نور و قلمرو او روشنایی است. او فناناپذیر و جاودانی و از کسی تولد نیافته است (پورداود، ج ۱، ص۳۹). مورخین باستان گزارش کرده‌اند که ایرانیان برای خدای یکتای خود تندیس درست نمی‌کنند. از جهت مینوی بودن خدای یکتا اســـت که برای او بر سر سفره‌ی هفت سین نماد مادی و فیزیکی گذاشته نمی‌شده است.[۵] اهورا مزدا به طور مطلق نور و روشنایی است. در زمان‌های قدیم مردم بر سر سفره‌های هفت سین خود در اولین شـــب سال نو چراغ‌هایی را که بر حسب اقتضای آن زمانها پیه سوز و بعد نفت‌سوز شده است تا صبح روشن می‌گذاشـــتند و هنوز هم با آمدن برق و کنار رفتن آن چراغ‌ها، در بعضی از نقاط ایران از جمله مناطقی از استان مرکزی هنوز این رسم پابرجا است.[۶]

نماد بهمن: همانطور که در پیش ذکر آن رفت بهمن موکل بر جانوران سودمند یعنی: چهارپای بر زمین رونده، ماهی در آب شناکننده و مرغ در هوا پروازکننده است (فرنبغ دادگی، ص ۱۷۹). بنابر این ماهی نماد تمام آبزیان و تخم‌مرغ نماد همه پرندگان است. علاوه بر آن در پاره‌ای از نقاط ایران بر سر سفره‌ی هفت سین شیر گاو یا گوسفند را نیز می‌گذارند، که این نماد چهارپای بر زمین رونده است. در حال حاضر در بعضی از مناطق ایران این نماد ایزد بهمن از سفره‌ی هفت سین حذف شده است.

نماد اردیبهشت: همانطور که در پیش گفته شد اردیبهشت را به گیتی آتش خویش است. آتش چراغ یا شعله‌ی شمع بر سر سفره‌ی هفت سین نماد این ایزد است.

نماد شهریور: ســـکه بر سر سفره‌ی هفت‌سین نماد ایزد شهریور است چون او در جهان مادی موکل بر فلز است.

نماد اســـفند: تغییراتی که وسایل جدید در زندگی مردم پیش آورده باعث شده که در حال حاضر نماد ایزد بانو اسفند از سفره‌های هفت ســـین در پاره‌ای از نقاط ایران حذف شود. در چندین‌دهه پیش مردم برای گذاشـــتن شمع بر سر سفره‌ی هفت‌سین، نه از شمعدان، بلکه از سینی یا دیس استفاده می‌کردند؛ به این ترتیب که از محل تمیزی خاک بکر می‌آوردند و آنرا با آب تمیز مخلوط کرده و از آن گل نسبتا سفتی درست می‌کردند و می‌گذاشتند تاگل خودش را بگیرد. بعد شمع‌های هفت‌سین را به اصطلاح در آن ظرف می‌کاشـــتند و صبر می‌کردند تا گل کاملاً خشک شود. این خاک نماد ایزد بانو اسفند بود. هنوز در بعضی از نقاط ایران به خصوص در جوامع کوچکتر این رسم حفظ شده است.[۷]

نماد خرداد و امرداد: نماد خرداد بر سر سفره‌ی هفت سین آب است، چون او در جهان مادی موکل بر همه‌ی آب‌های جهان می‌باشد. سبزه‌ی هفت سین و هر نوع گل و گیاهی که بر سر سفره‌ی هفت‌سین گذاشته می‌شود نماد ایزد امرداد است زیرا او در جهان مادی موکل بر همه‌ی رستنی‌ها و گیاهان است.

با مراجعه به متون کهن به زبان‌های اوستایی و پهلوی و آنچه در پیش شرحش آمد می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که گذاشتن سیر و سرکه و سنجد و سماق و سمنو و امثال آنها بر سر سفره‌ی هفت‌سین امروزی رسمی نو است؛ و این در حقیقت تغییری است که در طول زمان، بنا بر شرایطی که در پیش گفته شد، برای محتویات سفره‌ی هفت‌سین اتفاق افتاده است. سبب این تحول تدریجی نیز بی‌اطلاعی و گسست عامه‌ی مردم از تاریخ و فرهنگ باستانی راستین و اصیل خود بر اثر فراز و نشیب‌های تاریخی و



تاخت و تازها و جبر زمانه بوده است.

به هر حال سعی و کوششی که مردم این سرزمین، با علاقه‌ی فراوان، برای زنده نگهداشتن ارزش‌های فرهنگی گذشته‌ی خود، علیرغم تمام موانع و مشـــکلات، کرده‌اند، بسیار قابل تقدیر و زیباست؛ حتی اگر دقیق و مستند نبوده و دستخوش تحولاتی شده و یا به آن افزوده یا از آن کم شده باشد.

تا اینجا نماد مادی شش سپند مورد بررسی قرار گرفت؛ اما پیام معنوی، انسانی و اخلاقی نهفته در فلسفه‌ی هفت‌سین، پیامی جهانی و جاودانه، برای همه‌ی نسل‌های بشر در همه‌ی دوران‌ها و در همه مکان‌هاست. نیاکان ما به درجه‌ای از اعتلای معنوی، انسانی و اخلاقی رسیده بودند که این فلسفه را در آغاز هر سال نو به اندیشـــه‌ی خود باز آوری و آنرا از نو مرور کنند که فقط در پرتو نور و روشنایی یعنی خرد ناب ازلی و ابدی پروردگار یکتا و با حاکم کردن اندیشه نیک (بهمن) و راستی (اردیبهشت)، می‌توان در زندگی این جهانی، به آرمانشـــهر (شهریور) دست یافت و همچنین لایق ورود به بهشت خداوندی در آن جهان شد و با محبت و بردباری (اسفند)، به کمال (خرداد) و جاودانگی (امرداد) رسید.

در کنار این فلسفه‌ی عمیق، هفت سین پیام دیگری نیز برای بشر دارد و آن اینستکه از کل کره‌ی زمین و هرچه بر روی آن از قبیل آب و گیاه و جاندار و فلز و سوختها به خوبی پاسداری و از آنها به درستی بهره‌برداری کند.

به هر حال آمدن بهار و نوروز و جشن و سرور مربوط به آن رویدادی فرخنده است و به ما یادآوری می‌کند، که همانند طبیعت که شبانه‌روزش مساوی می‌شود و خورشید که در اعتدال بهاری است، ما نیز در اعتدال زندگی کنیم. حال که زمستان و روزهای سرد و طاقت فرسایش سپری شده است؛ ما نیز که بخشی از این طبیعت خدادادی هستیم، زمستان افکارمان را به فراموشی بسپاریم. روح و اندیشه و نگرشمان را نسبت به همه کس و همه چیز نو کنیم. در درونمان همپای طبیعت شکوفه‌های دوستی، آرامش و امید را جوانه زنیم و این آغاز را در درون روح و جسممان جشن بگیریم و همراه دعای تحویل سال، بر سر سفره‌ی هفت‌سین، برای صلح پایدار و آرامش در سراسر جهان و دوستی و همدلی و همزیستی مسالمت‌آمیز همه‌ی مردم جهان دعا کنیم.

یادداشت‌ها

(۱) این رســـم در دامنه‌ی کوه‌های زاگرس از جمله روستای «اشکُفت» رایج است. (۲) کتاب اوستای موجود را از نظر زبان به دو بَخش متقدم و متأخر تقسیم کرده‌اند. متن کهن‌تر را اوستای متقدم می‌نامند که گات‌ها یا ســـروده‌های زردشت جزو این بخش است. اوستای متأخر بخش عمده‌اش شامل یشت‌ها می‌باشد. یشت به معنی ستایش و نیایش است. در این بخش از کتاب اوستا به هریک از ایزدان و فرشتگان یشتی اختصاص داده شده است.(۳) واژه «سِینت» در saint در انگلیسی به معنی مقدس و واژه‌هایی با تلفظ مشابه در سایر زبان‌های اروپایی به همین معنی و همریشه با این واژه‌های اوستایی می‌باشند. (۴) برای اطلاعات بیشتر نک: مشیری، منیژه «خرداد و مرداد در گذر زمان»، نامه‌ی ایران، جلد ششـــم، به کوشش حمید یزدان‌پرست، انتشارات اطلاعات ۱۳۹۱، ص۲۷۳تا۲۸۹. (۵) قبله‌ی زردشتیان برای انجام دادن مراسم دینی هنوز هم در روز، نور خورشید و در شب، روشنایی چراغ است. (۶) نویسنده نه تنها در این‌مورد با ساکنان این مناطق گفتگو داشته بلکه خود شاهد این رسم نیز بوده است. (۷) حتی امروزه در استان مرکزی برای بعضی از سفره‌های نذری فقط باید شمع‌ها را به این طریق بر سر سفره بگذارند. در بعضی از نواحی استان مازندران شمع سفره‌ی هفت سین را در ظرف پر از ماسه یا برنج می گذارند.

سرچشمه‌ها:

قرآن کریم: تفسیر و ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، سازمان چاپ و انتشـــارات ایران.// ابوریحان بیرونی، محمدبن احمد: آثار الباقیه، مترجم دانا سرشـــت، امیرکبیر تهران ۱۳۸۶.// التفهیم، به تصحیح جلال‌الدین همایی، انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۵۱.// پورداود، ابراهیم: یشت‌ها، طهوری، تهران، ۱۳۴۷.// خیان نیشابوری، عمربن ابراهیم: نو روزنامه، نشر چشمه، تهران ۱۳۸۵.//راشد محصل، محمدتقی، مترجم: گزیده‌های زادی سپَرم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶.//فردوسی، ابوالقاسم: شاهنامه، به همت ژول مول، تهران ۱۳۴۵

فرنبغ دادگی، گزارنده مهرداد بهار: بُندَهِش، انتشـــارات توس، ۱۳۸۵.//فره‌وشی، بهرام: فرهنگ پهلوی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۲.// کریستن سن، آرتور: ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران ۱۳۴۵.

سرچشمه‌های لاتین:

Aryanpur, Abbas: The New Unabridged
,English – Persian Dictionary, Amir Kabir, Tehran
,Bartholomae, Chr: Altiransches Wörterbuch //۱۹۸۴
Hornby, // .۱۹۶۱,unveränderte Auflage, Berlin.۲
A.S.: oxford Advanced Learner,s Encyclopedic
.۱۹۹۳ ,Dictionary, Oxford University press, Oxford
Mackenzie, D.N., A Concise Pahlavi Dictionary, //
Merriam-Webster://.۱۹۷۱ ,Oxford University press
Webster,s New Collegiate Dictionary, Merriam
Company G. & C.Springfield, Massachusetts
۱۹۷۶.,U.S.A

تمدن

سرگذشت سه «مغ» مقدس شرق که به استقبال مسیح رفتند

سه پادشاه مقدس



■ شهرام تقی‌زاده انصاری

طبق سنت مسیحی در تاریخ کریسمس (عید میلاد مسیح) در انجیل متی که از پیش‌بینی کنندگان ستاره‌ای صحبت می‌کند که با طلوع آن از بیت‌الحم به سوی (حضرت) مسیح(ع) هدایت شده اســـت، منظور «سه پادشاه مقدس» می‌باشند که در متن یونانی به آنها ماگیر (مغ) (Magier) می‌گویند. در انجیل از آنها با عنوان «پادشاهان» یا حکماء یاد نشده و تعداد آنها نیز مجهول است. این داده‌ها مربوط به افسانه‌ها و یا اساطیر وسیعی است که در قرن سوم میلادی کشف شده است. اسامی: کاسپار، ملکیور و بالتازار در کلیسای غرب تازه در قرن ششم میلادی منتشر شده است. در کلیسای کاتولیک، این سه پادشاه را «سه مقدس»نامیده‌اند.

تفسیر و روابط انجیلی

در بخش دوم انجیل متـــی در مورد تولد (حضرت) مسیح(ع) در بیت‌الحم گزارشی آمده است که بنا بر آن از نوزاد تازه به دنیا رسیده توسط سه مغ ستایش شده است: وقتی که عیسی مسیح(ع) در زمان پادشاه هرودس در بیت الحم در یودا متولد شده بود، پیش‌بینی کنندگان ستاره (یا تعبیر کنندگان ستاره) از شرق به بیت‌المقدس آمدند و پرسیدند: «پادشاه جدید متولد شده یهودیان کجاست؟ ما طلوع ستاره او را مشاهده کردیم و باین دلیل آمده‌ایم تا او را ستایش کنیم»

کلمه «Magoi» در زبان یونانی بطور کلی برای «مغ» بکار می‌رود، البته برای طبقه روحانیون زرتشتی که از نسل روحانیون ماد هستند که نزد هرودت، و فیلون اسکندریه ذکر شده است. باین دلیل امکان دارد که منظور تعبیرکنندگان ایرانی یا کلدانی باشند. بعضی اوقات نیز این عقیده مطرح می‌شود که این مغ‌ها تحت تاثیر انجمن یهودی‌های بابل بوده‌اند، همان طور که در آن زمان طبق نظر تورات، پیامبر (دانیال به عنوان پیامبر) بنی اسرائیل، دانشمند با نفوذی در بابل بوده است.

آنها بنا بر تفسیر عمومی، جهان کفر را معرفی می‌کردند و در جستجوی مولود جدید بودند « پادشاه یهودیان» ، مفهومی که در انجیل متی فقط توسط کفار بکار می‌رفت (رجوع کنید به آیات ذیل: ۲۹/۳۷ ، MT ۱۱،۲۷) . یهودیان در انجیل متی به جای آن فقط از مفهوم «پادشاه اسرائیل» استفاده می‌کنند (۴۲، MT ۲۷).

این حکما طلوع ســـتاره‌ای را مشاهده کردند که تولد پادشاهی را نوید می‌داد. در اینجا از ستاره‌ای شخصی به معنای پدیده‌ای آسمانی مشاهده شـــده توسط آنها یاد شده است. تداعـــی معانی گوناگون آن را هم می‌توان در افق فهم محیط کفرآمیز باستان مشاهده کرد و هم در محیط یهودیان (رجوع کنید به لغت Bileam در مورد ستاره طلوع کرده در اسرائیل شماره ۱۷، ۲۴ یا احتمالا ستون‌های آتش چرخان در ۲۱، ۱۳ EX). اینکه آیا یک پدیـــده نجومی تاریخی در آن زمان در این داستان نقش داشته است، از نظر علم نجوم قابل تحقیق و بحث است و مربوط به محتوای سمبولیک اولیه آن نمی‌باشد.

در آیات ۳ تا ۸ آمده اســـت که این سه حکیم ابتدا به بیت‌المقدس می‌روند یعنی پایتختی که در نزدیکی آن یکی از پادشاهان یهود به دنیا آمده است. در اینجا واکنش ارسیتوکراسی (اشراف ســـالاری) مذهبی و سیاسی نسبت به تولد عیسی مسیح شرح داده می‌شود: «آنها ترسیدند (۷.۳). در آیه ۸ پادشاه هرودس حتی به آنها ماموریت می دهد که برگردند و محل



توقف کودک را به او اطلاع دهند ـ آمادگی داستان قتل کودکان در بیت الحم (۸۸ـ۱۶، 2MT). به این ترتیب متی در مقدمه انجیل اشـــاره به انگیزه اصلی عدم پذیرش عیسی مسیح(ع) بوسیله ملت خودش می‌کند.

در آیات ۹ به بعد آمده است که این حکماء دوباره ستاره‌ای را دنبال می‌کنند که تازه حالا به عنوان راهنمای راه ســـتاره سرگردان توصیف شده‌اند.

او از آنها جدا شده و به بیت‌الحم می‌رود و در آنجا اقامت می‌گزیند. حتی برخلاف انجیل لوقا (2LK ،۷) عقیده دارد که او خانه‌ای معمولی دارد (۱۰، V). آیات ۱۰ و ۱۱ با ترسیدن انسان‌ها در بیت‌المقدس در تضاد است: «مغ‌ها بسیار خوشبختند ـ آنها بسیار خوشحالند و برای آنها هدایایی می‌آورند مانند: طلا، کُندُر و مرّ (آیه ۱۱). این آیه طبق اکثر عقاید تفسیری از قسمت‌های بیشتری از تورات اخذ شده است: زیارت ملت‌ها به صهیون در مزامیر داود آیات ۷۲ ، ۱۰ ، ۱۵ : «پادشـــاهان تارشیش و جزایر هدایایی می‌آورند، پادشاهان صَبا و صبا با هدیه می‌آیند. همه پادشاهان باید او را ستایش کنند، همه ملت‌ها باید به او خدمت کنند... او باید زندگی کند و صَبا هم باید به او طلا بدهد». در کتاب سرود عالی ۶، ۶۰ آمده است: «همه از صَبا می‌آیند و کُندُر و طلا می‌آورند و اعمال مشهوری از عیسی مسیح را اطلاع می‌دهند».

فریدریش فون اشـــپه حدود سال ۱۶۲۳ شعری سروده است: «مرّ برای انسانیتش». مرّ علامت نجات‌دهنده او نیست، بلکه علامتی برای انسان یا فرزند کوچک انسانی است. باین ترتیب آیه ۱۲ می‌گوید که این حکما شریک جُرم هرودِس نمی‌شوند و عیسی مسیح(ع) را لو نمی‌دهند. آنها در پایان از انجیل متی خارج می‌شوند و دیگر علاقه‌ای به این مسئله وجود ندارد.

روایات مربوط به تعداد، اسامی، سن و خاستگاه این سه حکیم ـ طبق گفته‌های (۱۰، Ps ۷۲) و (Jes ۶۰) ، جایی که پادشاهان هدایا آورند، حکما در روایات مسیحی به عنوان پادشاهان تفسیر شدند. ترتولیان یکی از معلمین کلیسا اوایل قرن ســـوم میلادی با رجوع به این آیات، عقیده دارد که آنها مانند پادشاهان ظاهر شدند. آنها بعداً نزد سزاریوس فون آرلز یا ایزیدور فون اشبیلیه به عنوان پادشاه معرفی شدند. اما افسانه آرعا آنها را به عنوان فیلسوف و مغ معرفی می‌کند.

تعداد حکما در نخستین قرون میلادی کم و زیاد شمرده شده است. اُریگنس تعداد حکما را سه نفر معرفی می‌کند. روی تابلوهای نقاشی دیواری دو میتیلا ـ کاتاکومبن تعداد حکما چهار نفر ذکر شده‌اند. در یکی از آنها به دلایل تقارن تعداد آنها دو نفر می‌باشد به که ضمناً دو دستار نیز بر سر دارند. در ادبیات قرون نوزدهم و بیستم، افسانه‌هایی دیده شده‌اند مبنی بر آنکه پادشاه چهارم (حکیم چهارم) بسیار دیر به بیت الحم وارد طویله شد، اما سر موقع به صلیب گولگوتا رسید. نویسنده و متکلم آمریکایی هنری وان دیکه در ســـال ۱۸۹۵ و ادسارد شاپر در سال ۱۹۶۱ که زبان آلمانی می‌دانست هم این مسئله را تأئید کردند. روی کاشی سرامیکی از قرن ششم در کلیسای تولد در بیت‌الحم عکس‌های این حکما با دستاری ایرانی یا سوری بر سرشان مشاهده می‌شود.

این کلیسا بر عکس کلیســـاهای دیگر در سال ۱۶۱۴ تخریب نشد، شاید به خاطر آنکه روی کاشی‌های سرامیک آن، عکس‌های هموطنانشان دیده می‌شد، در کلیسای سنت آپولینار نوو در راونا هم کاشی سرامیکی کشف شد که روی آن عکس‌های سه ایرانی با دستاری روی سرشان دیده می‌شود که ایرانی‌ها معمولاً آنها را بر سر می گذاشتند. سرانجام سه عدد بیشتر مورد تأئید اســـت چون با سه هدیه (طلا، کندر ومر) همخوانی دارد. مارکوپولو گزارشی می‌دهد که در سفرش از میان ایران، از قبور سه پادشاه مقدس در شهر ساوادیدن کرده است. در سنت زبان لاتینی از اوایل قرن ششم میلادی به بعد اسامی کاسپار، ملکیور و بالتازار دیده شده‌اند. برعکس میان مسیحیان سوری، اسامی لاروانداد، هور میداس و گوشنازاف برای آنها ذکر شده است. و نزد ارمنی‌ها، اسامی کاگبا با دادیلمابرای آنها معروف است. و نزد حبشی‌ها اسامی: تانیسورام، میکا، سیسیسبا او آونیسون، لیبتارو کاساد مشهور هستند.

این پادشاهان یا حکما در هنر به عنوان جوانک، مرد بالغ و مرد پیر نشان داده شده‌اند. بدای مقدسی (یا جانشین او) حدود سال ۷۳۰ میلادی براساس یک نوشته قدیمی یونانی می‌نویسد: اولی باید ملکیور بوده باشد، پیر مردی با ریش سفید، دومی کاسپار جوانک بدون ریش می‌باشد و سومی بالتازار است که دارای ریش مشکی کاملی می‌باشد. امروزه ادعا می‌شود که شاید رنگ مشکی مربوط به رنگ پوست انسان است و نه رنگ ریش ولی لغت «فوسکوس» یونانی بسیار واضح این مسئله را روشن کرده است. بدای مقدس در ادامه می‌نویسد که لباس‌های هر سه یکنواخت است و احتمالاً سوری هستند. احتمالاً عدد سه در اینجا هم در سه سنین مختلف صدق می‌کند.

در بازی‌های سحرآمیز جشن‌های سه پادشاه یا حکیم در قرون وسطی، افسانه سه پادشاه شکل و شمایل دیگری را نشان می‌دهد، به خصوص با نظر به خاستگاه آنها: در یک بازی سحرآمیز آلمانی در قرن چهاردهم، ملکیور پادشاه اعراب، بالتازار پادشاه صبا و کاسپار پادشاه کلدانیان معرفی می‌شوند. برعکس، در بازی‌های سحرآمیز فرانسوی از قرن یازدهم به بعد نشان داده می‌شوند که آنها هر کدام از قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا می‌باشند. از قرن دوازدهم به بعد در نمایش‌های هنری یکی از آنها با رنگ سیاه پوست نشان داده شده‌اند، اکثراً پادشاه جوانتر یعنی کاســـپار به عنوان «مور» یعنی مسلمان آفریقای معرفی می‌شـــود. در بعضی از منابع دیگر ملکیور و بالتازار به عنوان نماینده‌های آفریقا معرفی شده‌اند. مارتین لوتر مسئله سه عددی پادشاهان یا کلمه را رد می‌کند و می‌خواهد بداند که چرا در مذهب پروتستان، عنوان «حکیم شرق» غالب بوده است.

گفتگو

گفتگو، مدارا و

جهان‌عاری از خشونت

■ محمد صادقی



راهکار اساسی‌تر برای تقویت و استقرار مفاهیمی مانند «گفت‌وگو» و «خشـــونت‌پرهیزی» و فرهنگ‌سازی برای نهادینه‌شدن این مفاهیم، جدی‌گرفتن کارهای آموزشی در این زمینه است. از این رو جا دارد، به این پرسش نیز بیندیشیم که نظام تعلیم و تربیت ما (با توجه به اینکه پیشنهادهایی را همچون گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و جهان عاری از خشونت و افراطی‌گری را مطرح کرده‌ایم و مدعی چنین راهکارهایی برای حل مسائل جهانی هستیم) چه برنامه‌هایی را برای ترویج و تقویت این پیشـــنهادها و ایده‌ها در نظر گرفته است؟ در برنامه‌ریزی‌ها و تدوین کتاب‌های درسی چه تدابیری اندیشیده شده تا کودکان، نوجوانان و جوانان با مفهوم "گفت‌وگو" و "خشونت‌پرهیزی" و تاریخ اندیشه عدم‌خشونت و چهره‌های آن، بهتر و بیشتر آشنا شوند؟ اگر به زیستن در جهان گفت‌وگو و جهانی به دور از خشونت می‌اندیشیم، به نظر می‌آید این آرزو زمانی به حقیقت می‌پیوندد که از کارهای آموزشی غفلت نکنیم و تعلیم و تربیت را جدی بگیریم.

در اینجا، وظیفه و مسئولیت شهروندان و بویژه روشنفکران نیز سنگین‌تر به نظر می‌آید زیرا هر چه آنها در زمینه انتقال دانش بشـــری و انتقال مفاهیم و دستاوردهای علوم انسانی به متن جامعه کوشاتر عمل کنند و با شناسایی ضعف‌ها و نقص‌های فکری، رفتاری و اخلاقی شهروندان، محصولات و تولیداتی را در اختیارشان بگذارند که از حجم ضعف‌ها و نقص‌هایی که آنها را گرفتار ساخته، رهایی یابند، امکان زیستی اخلاقی‌تر و عاقلانه‌تر نیز برای شهروندان فراهم خواهد شد.

اگر مقصود از جهانی گفت‌وگومحـــور و به دور از خشونت، جهانی اســـت که در آن افراد به سمت یکدیگر بیشـــتر قدم بردارند، درد و رنج یکدیگر را بیشتر فهم کنند، بخشنده‌تر و مهربان‌تر باشند و دست همدیگر را رها نکنند، این شاید ممکن نباشد مگر اینکه به جای دست‌گذاشتن بر روی اختلاف‌هایی که دیـــروز و امروز جهان را با جنگ و دیگرستیزی مواجه ساخته، به سمت یک اخلاق جهانی و فراخوانی برای تدوین یک چارچوب نظری و عملی فراگیر گام بردارند همچون متن «اعلامیه به سوی یک اخلاق جهانی» که در کتاب «مهر ماندگار» ترجمه شده و انتشار یافته و مجال بیشتری برای اندیشیدن در این باره می‌گشاید.

موانع گفت‌وگو

بنا به گفته یکی از نویسندگان ایرانی، احساس وابستگی و تعلق‌خاطر به حقیقت نزد شرکت‌کنندگان در گفت‌وگو باید بیشتر از احساس وابستگی و تعلق‌خاطرشان به تمدن، فرهنگ، سنت، ایدئولوژی، دین، نژاد، ملت و قوم خود باشد، و باید در راه رسیدن به حقیقت گام برداشته و در مواجهه با حقیقتی که فهم یا کشف می‌کنند با انصاف و بی‌تعصب آن را بپذیرند.

وی، برای اینکه چنین لغزشی رخ ندهد، به شش حالت ذهنی و روانی که موانعی بر سر راه گفت‌وگو به شمار می‌آیند، اشاره کرده که جای اندیشیدن دارد.

خودشیفتگی (به این معنا که صفات یا دستاوردهای خود یا گروه خود را بیش از آنچه باید و شـــاید ارزیابی کنیم، به عبارتی درباره خود یا گروه خود مبالغه و اغراق کنیم و باورهای خود را مساوی با حقیقت بپنداریم)، پیشداوری (به این معنا که به گونه‌ای غیرعقلانی و بدون اینکه دلیل قوی و محکم یا شناخت کافی داشته باشیم، با فرد یا گروه دیگری مخالفت ورزیم و رایی منهای شناخت کافی و دلیلی معتبر صادر کنیم)، تعصب (به این معنا که نسبت به موضوعی شور و شوق بیش از اندازه و تصورات نسنجیده داشته باشیم)، جزم و جمود (به این معنا که در امور اعتقادی و در باورهایمان، قطعیت داشته و در حالی نظر و عقیده خود را بیان کنیم که گویی واقعیت اثبات‌شده‌ای است، هرچند این طور نیست)، عدم تسامح و مدارا (به این معنا که عقاید و اعمالی را که با عقاید و اعمال ما تفاوت دارد را مجاز نشماریم و پذیرای اختلاف فکری و عملی نباشیم) خرافه‌پرستی (به این معنا که به عقاید، تصورات، افعال یا آداب و رسومی التزام بورزیم که ناشی از جهل، ترس غیرمعقول از امور اسرارآمیز، حساسیت بیمارگونه و... باشد) در یکی از مقاله‌های کتاب «راهی به رهایی» موضوع گفت‌وگو و موانع گفت‌وگو به دقت واکاوی و بررسی شده است.

مدارا و شنیدن سخن «دیگری»

در موضوع گفت‌وگو، «شـــنیدن» اهمیت زیادی دارد! برخی از مکالمه‌های ما، حتی آنجا که نه به قصدِ «گپ‌زدن» و نه به قصد «جروبحث»، می‌خواهیم برای حل مسأله‌ای یا رفع مشـــکَلی چه به لحاظ نظری و چه در اجرای کاری با دیگری یا دیگران گفت‌وگو کنیم، در بسیاری از موارد ممکن اســـت به «جروبحث» و یا اگر بخواهیم هوای یکدیگر را داشته باشیم و به تعبیری رفاقت‌هایمان دچار اختلال نشود، به «گپ‌زدن» بینجامد! و این مســـأله کوچکی نیست. وارد جروبحث می‌شویم، یعنی یا همچون کسی که در میدان جنگ قرار گرفته و اگر شلیک نکند، به او شلیک می‌شود بی‌درنگ طرف مقابـــل را کوبیده و به او امان نمی‌دهیم، و چون فقط در پی اثبات رای و نظر خودمان هســـتیم (نه شنیدن سخن



دیگری یا دیگران) به هر روش می‌کوشیم که دیدگاه خودمان را درست جلوه داده و بهترین راه هم در این مواجهه نفس‌گیر، حمله است و حمله و حمله! یا اگر رمقی برای حمله نداشته باشـــیم، یا به این فکر کنیم که اگر مکالمه ما به جروبحث کشیده شود، ممکن است رفاقت‌هایمان لطمه ببینند، یا اینکه اگر چندان در هنگام گفت‌وگو جدیت نشان نداده و نسبت به حل عاقلانه مسأله و مشکل پیش آمده، مصمم نباشیم (که این هم یکی از عادت‌های ماست) فضای گفت‌وگو را به فضای «گپ‌زدن» کشانده و از یک مکالمه هدفمند و استدلال‌محور که بر اساس فهم و نقد سخن دیگری یا دیگران شکل می‌گیرد، دور می‌شویم. به این ترتیب مسائل و مشکلات، حل نشده و رفع نشده باقی می‌مانند و از این رو احساس نارضایتی در ما تشدید می‌شود. اما باید در نظر داشته باشیم که در «گفت‌وگو» فهم سخن «دیگری» بسیار اهمیت دارد. بنابراین، درست و دقیق گوش‌دادن به سخن دیگری گام نخست است، نه اینکه هنگام شنیدن سخن دیگری یا دیگران بیشتر به این بیندیشیم که چگونه پاسخی کوبنده می‌توان برای آن جفت‌وجور کرد! شرکت‌کنندگان در گفت‌وگو پس از فهم سخن یکدیگر، به نقد سخن یکدیگر می‌پردازند، به این ترتیب سخنی که نقد می‌شود یا باید روشن‌تر بیان شود یا اینکه با دلیل قوی‌تر و محکم‌تری ابراز شود. به تعبیر ســـعدی:«دلایل قوی باید و معنوی/ نه رگ‌های گردن به حجت قوی». استدلالی‌تر سخن‌گفتن و تقویت دلیل برای سخن و ادعای هر یک از شرکت‌کنندگان در گفت‌وگو، به فهم و نقد دقیق‌تر و عمیق‌تر از آن سخن یا ادعا می‌انجامد و به این ترتیب نیازی هم به ایستادن در میدان جنگ یا دررفتن از جنگ با «دیگری» نیست.

انسان معنوی (که فقط در یک جا از آزادی خود دست می‌شـــوید و آن در برابر حق اســـت) آراء و عقاید خود را نمی‌پرستد، زیرا عقیده‌پرستی را با حق‌پرستی ناسازگار می‌بیند و آن را یکی از مصادیق بت‌پرستی، بلکه مهمترین مصداق بت‌پرستی تلقی می‌کند.

یکی از اســـتادان فلسفه می‌نویسد:«از نظر یک انسان معنوی، نفی عقیده‌پرستی لازمه‌اش این است که همه عقاید خود را، به تَعبیر گوردون آلپورت، روانشـــناس انسان‌گرای آمریکایی، عقیده‌ای اکتشافی قلمداد کند، یعنی عقیده‌ای که موقتاً بدان التزام می‌ورزیم تا این که بتواند تأیید شود یا به ما کمک کند تا به عقیده‌ای معتبرتر دســـت یابیم.» به نظر وی، اینکه انسان معنوی عقاید خود را نمی‌پرستد به این معناست که بدین جهت و تا زمانی به هر یک از عقاید خود التزام دارد که آن عقیده، او را به پاسخ‌های بهتر و کامل‌تر به پرسش‌های هستی‌شناسانه یا خداشناسانه یا جهان‌شناسانه یا انسان‌شناسانه یا ارزش‌شناسانه یا وظیفه‌شناسانه رهنمون شود. انسان معنوی به عقیده‌ای اعتقاد می‌ورزد اما نه بدین جهت که عاشق آن عقیده است، بلکه بدین جهت که آن عقیده به او در فهمِ بهتر و عمیق‌تر عالَم و آدم کمک کند و، از همین رو، وقتی کهَ فهم بهتر و عمیق‌تری حاصل آمد عقیده خود را اصلاح می‌کند وَ این فرایند را به نحوی مستمر و مدام پی می‌گیرد. این موقت و قابل نقد انگاشتنِ عقاید به نظر او از نشانه‌های نپرستیدنِ عقاید است.

ســـپس ابراز می‌دارد:«اگر توجه کنیم به این که؛ اولاً: عقیده‌پرســـتی موجب جزم و جمود، تعصب و عدم مدارا می‌شود، و ثانیا: جزم و جمود، تعصب و عدم مدارا مهمترین عوامل تحدیدکننده و تهدیدکننده آزادی‌های اجتماعی‌اند، درمی‌یابیم که انسان معنوی، به سبب دوری از جزم و جمود، تعصب و بی‌مدارایی، پاسدار آزادی‌های اجتماعی است.» به نظر او، انسان معنوی به این دلَیل که شیفته و پرستشگر عقاید و آرای خود نیســـت، آنها را عتیقه و جواهراتی نمی‌داند که باید در گاوصندوقی نگهداری شوند و همه را از نزدیک‌شدن و دست‌زدن به آنها منع کرد تا به همان صورتی که هستند بمانند، بلکه آنها را با دلی استوار و جانی دلیر به مواجهه با هر چه مخالف آنها می‌تواند بود می‌برد یعنی از روبروشدن عقایدش با واقعیت‌ها و عقاید دیگران ترس و لرزی ندارد. نه این نگرانی را دارد که واقعیت‌ها و عقاید دیگران با عقاید و آرای او ناسازگار درآیند نه این نگرانی را دارد که نقاط ضعف عقایدش آشکار شود یا اینکه حتی در مواجهه آراء و عقایدش با واقعیت‌ها و عقاید دیگران، آراء و عقایدش نفی شود، و نه این نگرانی را دارد که او را با شک و تردید مواجه سازند تا جایی که به تجدیدنظر در عقایدش و اصلاح آنها بپردازد.

انسان معنوی چنین نگرانی‌هایی ندارد و از این مواجهه‌ها نیز استقبال می‌کند و آمادگی شنیدن سخن دیگران را دارد. زیرا عقاید و آرای خود را بی‌چون‌وچرا ندانســـته و خود و آرای خود را مساوی با حقیقت نمی‌داند.

در مواجهه با هر عقیده و هر واقعیتی، و در مواجهه با هر نقدی، ابتدا خوب می‌شنود و اگر دلیلی را قوی‌تر از دلیل خود دید، و اگر با استدلالی قوی‌تر از استدلال خود روبرو شد، بر ادعای پیشین خود اصرار نمی‌ورزد و دست از مدعای خود می‌شوید... آنچه به آن اشاره شد در مقاله‌ای با نام «معنویت و آزادی» که در کتاب «حدیث آرزومندی» آمده، به دقت واکاوی شده است.

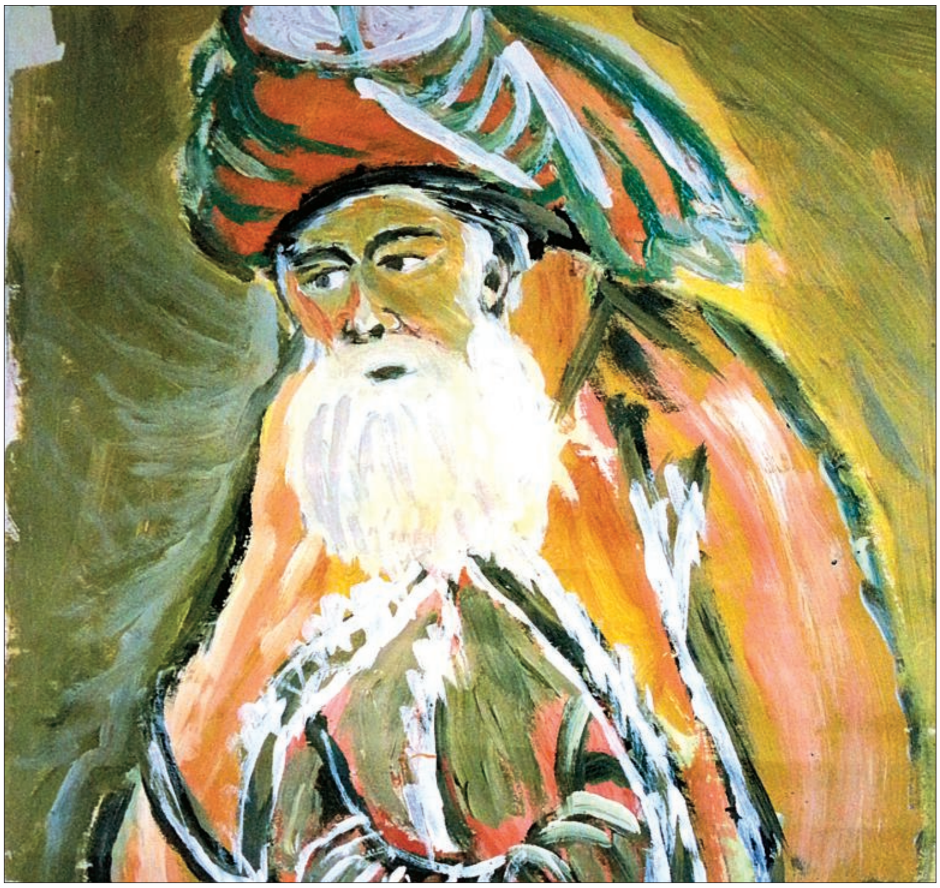
شرق

نقش دوگانه یک بزرگ

مولوی و فرهنگ‌پروری

■ فریدون مجلسی





برای مولانا و آثار بی مثالش در فرهنگ و ادب فارسی باید نقشی دو گانه قائل بود: نقش و اهمیت ادبی او که در شعر فارسی اش متجلی می شود، و تفکر عرفانی و عشق آلودش که اختلافات متعصبانه عقیدتی را در می نوردد و عشـــق و همدلی را ابزار نیل به حقیقت یا بازگشت به اصلی می داند که از آن جدا مانده است! بحث در این دو مقوله نیاز به شناخت و درک ادبی و عرفانی ژرفی دارد که اینها زمینه کار من نیست! اما در حد خود، می توانم در وجود او بهانه ای برای تحلیلی زمانـــی و مکانی، یعنی تاریخی و جغرافیایی در باره زبان و فرهنگی بیابم که ابزار بیان اشعار و افکارش بوده است. به این دلیل به زمان زندگی مولانا از تولد تا مرگ نگاهی می اندازیم.

تاریخ ولادت اغلب بزرگان علم و ادب ایران دقیقاً روشن نیست، زیرا ثبت این گونه وقایع نزد مردمان عادی رایج نبوده، گرچه تاریخ وفات بسیاری از آنانی که در طول زندگی خود نقش و شهرتی یافته بودند مشخص تر است. اما تاریخ ولادت مولانا، ۸ مهر ۱۲۰۷ میلادی، مشخص است؛ زیرا از خاندانی فرهنگی و پر آوازه بود، و حتی گفته اند که پدرش بهاءالدین ولد از سوی مادر به دودمان خوارزمشاهی منسوب بوده است. مکان ولادتش وَخش در شمال آمودریا بخشی از ولایت بلخ بوده اســـت. امروز وَخش در خاک تاجیکستان و بلخ در جنوب آمودریا در خاک افغانستان است. باز گفته می شود که در ۱۲ یا ۱۳ سالگی، که حمله مغول امنیت مردمان منطقه را به مخاطره انداخته بود، به همراه پدر که ظاهراً از سلطان محمد خوارزمشاه نیز آزرده خاطر بوده است [که ظاهراً امام فخر رازی را بر او مقدم می داشته] به قصد حج و هجرت دیار پدری را ترک می کند. مدتی در شام می مانند و سپس به دعوت کیقباد یکم، پسر کیکاووس یکم، پادشاه سلجوقی روم در پایتخت او قونیه سکونت می کنند. در باره اینکه آیا حمله مغول به راستی در گریز آنان از بلخ تأثیر داشته است، باید توجه داشت که ۱۲ یا ۱۳ سالگی مولانا یعنی ۱۲۱۹ یا ۱۲۲۰ میلادی بوده، و می دانیم که حمله چنگیز تا در هم شکستن سلطان محمد خوارزمشاه و ویران سازی مراکز بزرگ فرهنگ و ادب فارسی در خراسان، از ۱۲۱۹ تا میلادی ۱۲۲۱ به درازا کشید. و آنگاه سپاهیان چنگیز، جلال الدین خوارزمشاه را نیز شکست دادند و رو به سوی غرب نهادند و تا روسیه و مرزهای اروپا پیش رفتند. از سوی دیگر سلطان ولد پسر مولانا در مثنوی ولدنامه خود در باره سفر پدرش به این گریز اشاره دارد و می گوید:

کـــرد از بلخ عزم ســـوی حجاز
زانکه شـــد کارگـــر در او آن راز
بـــود در رفتن و رســـید و خبر
کـــه از آن راز شـــد پدید اثر
کرد تاتـــار قصـــــد آن اقلام
منهزم گشـــت لشکر اســـــلام
بلـــخ را بســـتد و بـــه زاری زار
کشـــت از آن قوم بیحد و بســـیار
شـــهرهای بزرگ کـــرد خراب
هســـت حق را هزار گونه عقاب

اما چنگیز پس از خراسان سراسر ایران را تسخیر کرد. از جمله، باقیمانده امپراتوری سلجوقی در خاک سنتی روم (آناتولی) مســـتقر در قونیه را نیز بی نصیب نگذاشت. اما چنگیز در سال ۱۲۲۷ میلادی مرده بود و حکومت ایلخانی جانشینانش (آباقاخان) که در سال ۱۲۴۴ کیسخرو دوم را که از سال ۱۲۳۷ جانشین پدرش کیقباد یکم شده بود شکست دادنـــد و او را تابع و خراجگزار خود کردند. ناظر و وکیلی نیز بر کار او گماردند و به همین اندازه بسنده کردند. بدین ترتیب زندگی مولانا از لهیب سوزان حمله مغولان، خصوصاً از امواج آغازین ایران سوز آن مصون ماند. بهاءالدین ولد در سال میلادی ۱۲۳۱ در زمان کیقباد اول مرده بود و پیروانش مولانای جوان ۲۴ ســـاله را مراد خود قرار داده بودند. و در همین شهر بود که ماجرای دیدار مولانا با شمس تبریزی و آن دگرگونی بزرگ در احوال و افکارش پدید آمد. تحولی که تراوشات آن برغنای گنجینه ادب فارسی و عرفان جهانی افزود. مولانا پس از مرگ کیخسرو دوم با پسرانش کیقباد دوم و کیکاووس دوم (۱۲۴۶–۱۲۶۰) و ســـپس با قلیچ ارسلان چهارم (۱۲۴۸–۱۲۶۵) و سر انجام با کیقباد دوم و کیخسرو ســـوم (۱۲۶۵–۱۲۸۲) معاصر بود، و هم در زمان او در ۲۶ آذرماه (سال ۱۲۷۳) میلادی در ۶۶ سالگی در قونیه درگذشت. و آن بزرگداشت بی نظیر را با شرکت پیروان همه ادیان و فرقه های قونیه بر پا داشتند، و بنا به سنتی که به خواست خودش برقرار شد، آن شب را که مولانا شب وصال و بازگشت به آغوش یار می دانست «شب عروسی» نامیدند و هر سال آن را باهمین نام با جشن و سماع بزرگ می دارند! سنتی که تا کنون ادامه دارد و خود چند سال پیش در قونیه شاهد برگزاری مجلل آن بوده ام.

تأکید من بر ذکر اسامی سلاطین معاصر مولانا تکرار تاریخ های ملالت بار نیست. پس بگذارید اضافه کنم که سلسله این شاهان پس از کیخسرو سوم با مسعود دوم و سوم و فرامرز و کیقباد سوم ادامه یافت تا که بساط آنان در ۱۳۰۷ میلادی به وسیله عثمان بیک برچیده و مرکز دولت از قونیه به بورسا، پایتخت دولت عثمانی منتقل شد. منظورم از تکرار و تأکید بر اسامی مکرر کیسخروها و کیقبادها و کیکاووس و فرامرز، به دست دادن نشانه ای از فرهنگ غالب در قونیه و تعلق فرهنگی این شاهان ترک است. حکومتی که از قُلتمش آغاز شد و با فرامرز و کیقباد پایان یافت! می خواستم بگویم چرا مولانا در قونیه احساس غریبی نمی کرد. و چگونه زبان فارسی آناتولی یا روم را جولانگاه خود ساخته بود، آن هم به دست و به وسیله ترکان سلجوقی! و نیز می خواستم یاد آور شوم که اهمیت ترکان در توسعه و گسترش زبان فارسی دست کم گرفته نشود.

در واقع فارسی مدرن دری یا خراسانی تداوم همان زبانی است که در خراسان بزرگ در زمان سامانی بالیدن گرفت! غزنویان، که آنها را بد بدانیم یا ندانیم، نقشی به سزا در توسعه شعر و ادب فارسی داشتند، زیرا تا سه نسل از زمان انوشتکین وسبکتکین پروردگان دربار سامانی بودند و از آن سامانه سر برآورده بودند، پس زبان فارسی را که زبانشان شده بود پاس می داشتند.

خوارزمشـــاهیان و ســـلجوقیان نیز به همین ترتیب پروردگان دربار فارسی زبان غزنوی بودند، و همراه با توسعه امپراتوری‌های خود زبان فارســـی را نیز به عنوان زبان ادبی و اداری وسیاسی خود گسترش و توسعه می دادند. وقتی اصفهان پایتخت سلجوقی شد، زبان فردوسی توسی به همراه بزرگانی چون خیام نیشابوری و خواجه نظام الملک توسی، مرکزیت تازه ای یافت، و سپس در زمان الب ارسلان به امانت به عموزاده اش قلتمش سپرده شد تا در قونیه ببالد و از قلتمش، کیقباد بسازد! تا فارسی نه فقط زبان خواص و زبان فرهنگ و ادب و دولت که زبان کوچه و بازار شود. اوج آن زمانی بود که مولانا را پذیرا شـــد، و رواج این زبان بود که او را در آن دیار فارسی ماندگار کرد، و بر عظمت باز هم بیشتر این زبان کوشـــید. در واقع در آن زمان فارسی دری در سه مرکز، در شرق یعنی خراسان (بلخ و مرو و سمرقند و بخارا و هرات و نیشابور) و مرکز یعنی اصفهان (و البته کرمان و شیراز و...) و غرب یعنی قونیه با سرفرازی سر برآورد و بالید! وقتی مولانا از شرق اقصای فارسی به غرب اقصای آن رفت، تفاوتی در بیان نیافت، و به همان زبانی سخن گفت که در کودکی در بلخ آموخته بود! زبانی که ما با آن سخن می گوییم و کیکاوس و کیقباد سلجوقی با آن سخن می گفتند نشانه ایرانی شیر و خورشید را بر سکه کیخسرو دوم ضرب قونیه نیز می توان دید! ولابد همین شیر سکه نقش پرچم های زمان مولانا بوده است که می گوید: ما همه شیریم شیران علم/ حمله مان از باد باشد دم به دم

کمی هم فلسفه‌ورزی بد نیست

آگاهی یا آزادی؟

■ سید حمید سعادت



سؤالی که می‌توان صورت فلسفی به آن داد، این است که آگاهی مقدم است یا آزادی؟

طبیعی اســـت که عده‌ای قائل به تقدم آزادی هستند و عده‌ای هم آگاهی را مقدم می‌دانند. هر یک از طرفداران این دو قول، استدلال‌هایی را مطرح می‌کنند که در جای خودش شنیدنی است. کسانی که تقدم را به آگاهی می‌دهند، معتقدند که آزادی زیر مجموعه آگاهی است و اگر آگاهی نباشد، آزادی اهمیتی نخواهد داشت. این استدلال بسیار عامه‌پسند است اما اگر نیک بنگریم خواهیم دید که چند مخالطه ظریف از نوع مصادره به مطلوب درآن نهفته است.

در زیر به دلایلی اشاره می‌کنیم که با استناد به آنها می‌توان قول طرفداران تقدم آگاهی را به چالش کشید.

اصولاً آگاهی امری انتزاعی است، نه حقیقی و نه عینی. بر خلاف آزادی که حتی اگر انتزاعی هم باشد، عینی و حقیقی بودنش قابل درک است، چون امری است نفس‌الامری که نبودش را می‌توان درک کرد.

می‌توان آگاه نبود و ادعای آگاهی کرد و خود را آگاه و آگاه‌ترین دانست، اما نمی‌توان آزاد نبود و ادعای آزادی کرد. آزادی یا هست یا نیست. اما این دو برابر نیست. بود و نبود آزادی دارای آثار و تفاوت‌هایی جدی و عینی است. از این رو، می‌توانیم بگوییم: نفی آگاهی ممکن است، اما نفی آزادی ممکن نیست. بدین‌ترتیب، یک ناآگاه می‌تواند خودش را صاحب آگاهی بداند. دراین صورت ما هیچ راهی برای نفی و اثبات آگاهی شخص مزبور نخواهیم داشت. در این فرض، آگاهی توهمی بیش نیست در حالی که آزادی مطلقاً امری توهمی نیست. بر این اساس این ادعای کسانی که می‌گویند: تا زمانی که آزادی نباشد بقیه مسائل در حکم محرومند، با ملاحظاتی چند، گزاره‌ای درست خواهد بود، چرا که یک ناآزاد نمی‌تواند خودش را آزاد بداند، چون سخن فرد ناآزاد، قابل حمل بر سخن فردی مجبور است و سخن کسی که مجبور است، فاقد اعتبار لازم است.

از ســـوی دیگر، آگاهی اصولاًدر صورت آزادانه بودن آگاهی اســـت. به‌همین جهت، آگاهیی که آزادانه و با لحاظ تمام شرایط آزادی حاصل نشده باشد، می‌تواند مبتذل بر «ضد آزادی» بشود و آزادی را از بین ببرد. این اتفاق صدها و هزارها بار در تاریخ روی داده است.

پس آگاهی محتاج آزادی است، هم در تکوین هم در بقا. این نکته هم در خور ذکر است که اصولاً ما برای رسیدن به آگاهی به آزادی نیاز داریم. تا آزادی لازم را نداشته باشیم، به‌هیچ چیزی نمی‌رسیم، از جمله آگاهی. پس بدون آزادی لازم و کافی، جای هر چیزی با کوچکترین دلیل می‌تواند عوض شود، از جمله جای جهل و آگاهی. نکته مهمتر این است که: بدون آزادی، آگاهی آگاهی نیست. مبنای این استدلال این است که بدون آزادی انسان انسان نیست، چه برسد به آگاهی که در حد نهایی خودش وصفی از اوصاف انسان است.

آزادی واژه‌ای در کنار واژه‌ها نیست که با کلمات دیگر تحلیل یا ارزیابی شود. یک واقعیت نفس‌الامری است.

ما باید آزادی را با غیر آزادی بسنجیم، غیر آزادی را با آزادی بسنجیم. قبل از آزادی انسان نداریم. انسان بعد از آزادی و با آزادی انسان است و بعد از انسان بدون انسان شدن تازه مسائل دیگر مطرح می‌شود.

آزادی را به همه چیز عرضه کنیم نه همه چیز را به آزادی از این جهت آزادی بر انسان تقدم دارد و انسان به همه چیز.

نگرانی از تبعات آزادی، دلیل عدم داشـــتن آن و عدم شناخت آن است. تنها کسانی که از آزادی احساس نگرانی می‌کنند که فاقدش بوده‌اند و هستند.

آزادی درست مثل اکسیژن است: نه تمام می‌شود، نه جا را برای کســـی تنگ می‌کند، نه به کسی آسیب می‌زند و نه موجب مفسده می‌شود.

اصولاً آگاهی امری انتزاعی است، نه حقیقی و نه عینی. بر خلاف آزادی که حتی اگر انتزاعی هم باشد، عینی و حقیقی بودنش قابل درک است، چون امری است نفس‌الامری که نبودش را می‌توان درک کرد. می‌توان آگاه نبود و ادعای آگاهی کرد و خود را آگاه و آگاه‌ترین دانست

اصولاً قبل از آزادی چیزی وجـــود ندارد. حتی خدا با آزادی شروع می‌شـــود. خدای ناآزاد نمی‌تواند خدا باشد و خدایی که خلقش ناآزاد و نفســـش ناآزاد باشد در انواع تناقض‌ها غرق می‌شود و تمام می‌شود.

همه چیز با آزادی شـــروع می‌شود، حتی عقل، حتی کلمات، حتی اصطلاحات و حتی ادیان!

اما تعریف آزادی. باید بگوییـــم که: ... تعریف امری بی‌ضرورت و در بسیاری موارد بی‌معنی است.

ارثی است که، از یونان برده‌ایم و در اثر آن کلمه‌ای را با کلمه‌ای ایضاح کرده‌ایم. به همین جهت، بسیاری از تعاریف بی‌پایه‌اند. کلمه‌ای کلمه‌ای را معلوم می‌کند! در برخی موارد چنین چیزی ممکن است و می‌توان پذیرفت، اما آزادی را چه چیزی تعریف کند؟

آزادی کلمه نیســـت و با کلمه ایضاخ نمی‌پذیرد. فعل اســـت. عمل است. اجرا کردنی و داشتنی است نه گفتنی و نوشتنی و شنیدنی.

آزادی را باید داشت و چشید. با گفتن و شنیدنش، نه محقق می‌شود نه حذف می‌شود.

سخن آخر:

آزادی حکم است نه حق. کسانی که انسان را از آزادی محروم می‌کنند آن را حق می‌دانند که قابل اثبات و اســـقاط است در حالی حکم، قابل اثبات و اسقاط نیست. حکم است، داشتن است. ایجابی است. سلبش دلیل می‌خواهد و چنین دلیلی وجود ندارد.

از طرف دیگر: حیات لازمه‌اش آزادی اســـت. داشتن حیات بدون داشتن آزادی بدترین نوع حیات است و تحمیلی بیش نخواهد بود.

انسان با آزادی‌اش انسان است. والله هیچ فرقی با حیوانات نخواهد داشت.

از طرف دیگر، این نکته هم در خور ذکر است که منشأ اضطراب و محرومیت‌ها، عدم آزادی اســـت: عدم آزادی زمینه‌ساز آسیب‌هایی اســـت کوچک و بزرگ. عدم آزادی اسارت اســـت و اسارت موجب ناآرامی می‌شود، حتی اگر اسارتی واقعی نباشد، همین که شائبه عدم آزادی در میان است، باید نگران بود.



روزگار وصل

به‌رنگ گذشته

باغ ما در طرف دانایی بود

■ استاد ایرج افشار

خانه‌ای که من در آنجا زاده شدم و روزگار کودکیم در آن گذشت، باغی بود پوشیده از درختان میوه (سیادرخت) و کاج‌های بلند کهن‌سال. این باغ در ضلع شمال‌غربی چهارراهی بود که یک سوی آن راهی بود که به سر در سنگی می‌رسید و از سوی دیگر به چهارراه آقا شیخ هادی، یعنی در تقاطع خیابان پهلوی خیابان قنات (معروف به فرمانفرما) بود. روبروی باغ ما بخشی از تملکات وسیع عبدالحسین میرزا فرمانفرما بود که عاقبت کاخ مرمر شد.

باغ ما پیش از این که به پدرم برســـد، از آن عموی او محمدتقی افشار بود و پیش از آن ملک میرزا عیسی وزیر. و از وزیر به عموی پدرم منتقل شده بود، ظاهراً بدین مناسبت که آقا محمد تقی در یزد متصدی امور تیول وزیر مذکور بود. از تصادف روزگار مقداری از نامه‌های عمومی پدرم به میرزا عیسی و سیدمحمد انتظام‌السطنه به دستم رسید. از آن موقعی که آقا محمدتقی در یزد آن‌ها را اداره می‌کرده است، شاید این ملک ضمن محاسباتی که میانشان بوده است به ملکیت عمو قباله شده است. به هر تقدیر بعدها آقامحمد تقی آنجا را به برادر خود، حاجی محمدصادق، می‌دهد یا می‌فروشد و از او به پدر من می‌رسد.

بالای باغ ساختمانی دو طبقه بود با پله‌های دوطرفه که به خروجی مهمانخانه منتهی می‌شد و روبروی آن حوضی مدور بود. این ساختمان را حاج رحیم اتحادیه که طرف تجارتی جدم بود، به خواهش جدم در باغ ساخته بوده است.

کلید باغ پیش از این که پدر من در آن مستقر شود در اختیار حاج‌زین‌العابدین یزدی بود. او نگاهبانی آنجا را بر عهده داشت. خانه خودش نزدیک به باغ در حوالی مقبره حاجی شـــیخ هادی عابران می‌شد. یادم نمی‌رود هر وقت منوچهر صانعی را می‌دیدم از آن انجیرها یاد می‌کرد، به یادم می‌آورد که در ایام طفولیت خود را از دیوار باغ ما بالا می‌کشـــید و انجیر می‌کند. او فرزند معمارباشی بود و خانه آنها در خیابانی بود که منتهی به خیابان شیخ آذر می‌شد. مدتی هم مدرسه بودیم. منوچهر صانعی بعدها به تجارت پرداخت و با حسن خدیوی (پیشکار امور علی‌اکبر داور) کار می‌کرد. بعدتر دست از تجارت کشید و به آجودانی شاه منصوب شد و بالاخره به‌طور عجیبی و فجیعی او را در تهران کشتند. او و همسرش را خدایش بیامرزاد.

پدرم از وقتی که در تهران اســـتقرار یافت و مالک و صاحب‌اختیار باغ شده بود برای آنکه با حقوق رسمی دولتی زندگیش نمی گذشت به فکر امرار معاش از راه ایجاد مستغلات افتاد و جز خانه‌ای که در کوچه ایرج (خیابان قوام‌السلطنه) و کوچه سیمرغ (نزدیک سه راه شاه) خرید در قسمت‌هایی از

خانه‌ای که من در آنجا زاده شدم و روزگار کودکیم در آن گذشت، باغی بود پوشیده از درختان میوه (سیادرخت) و کاج‌های بلند کهن‌سال. این باغ در ضلع شمال‌غربی چهارراهی بود که یک سوی آن راهی بود که به سر در سنگی می‌رسید و از سوی دیگر به چهارراه آقا شیخ هادی

باغ مسکونی ساختمان‌هایی کرد و برای آنکه خانه‌های احداثی به خیابان راه داشته باشند کوچه مانند درخت‌داری احداث کرد و مدخل آن را با در و نرده آهنی زیبایی محدود ساخت و کوچه را به نام دربند دکتر افشار موسوم کرد. این خانه‌ها چون جدیدساز و در محله خوب بود، غالباً مستاجران خارجی داشت. یادم است موقعی که سفیر ژاپون در یکی از آنها منزل کرده بود، ژاپونی در آن دوران تک و توک در ایران بود و چون چشمانشان و هیکلشان فرق داشت با خودمان، هوسی به دیدن آنها داشتم. دو فرزند کوچک هم داشت ولی اجازه به آنها داده نمی‌شـــد که با ما بازی کنند. وقتی به کوچه آورده می‌شدند غالباً اسباب‌بازی زیبا و رنگارنگ ساخت ژاپون در دســـت داشتند و ما به حسرت به آنها نگاه می‌کردیم. مستأجر دیگری که یادم هست مرد متشخص آلمانی بود به‌نام دالمن. گاهی شوکولا به ما تعارف می‌کرد. از قضای روزگار این شخص پس از اختتام جنگ جهانی دوم از آلمان نامه‌ای به پدر من نوشت و وضع سخت زندگی و بی‌غذایی خود را شرح داده و طلب مواد خوردنی کرده بود. پدرم در آن وقت سفر بود. من نامه را بردم و به مرحوم علی‌پاشا صالح که کمی با زبان آلمانی آشنا بود نشان دادم. از مستأجرهای دیگر که به یاد دارم یدالله خان عضدی پسر امیر اعظم و داماد وثوق‌الدوله بود و یکی هم جهانشاه خان صالح بود و پسرش اصغر تقریبا همسن من و همبازی دوران کودکی من بود. بســـیار فرز و شیطان بود. حاجی چند تا گاو داشت که در باغچه‌ای واقع در اواخر امیریه نگاه‌داری می کرد و از فروش شیر و ماست و کره آنها زندگی خوبی داشت. خانه‌اش در چهارراه آقاشیخ نادر بود و سرشناس محله بود و با اغلب رجال محله آمد و شد داشت و مخصوصاً با خاندان نجم‌آبادی محشور بود.

روزگاری کـــه من از آن صحبت می‌کنم از دم باغ ما تا حوالی خیابان شاه چندین باغ و خانه بزرگ بود. چسبیده به باغ ما و در شمال آن باغ عزت‌الله خان بیات (داماد دکتر مصدق) بود. پسرش مجید همسن و سال من بود و در خیابان همبازی بودیم. روبروی ما به سمت مشرق کوچه فازن فلوت بود و پدرزن نخستین علی‌اکبر داور در آنجا سکنی داشت. در اول خیابان حشمت الدوله بعضی از خانه‌ها از مستغلات دکتر محمد مصدق بود و در شمال همین مستغلات باغ بزرگ و ساختمان مجلل دکتر محمد مصدق قرار داشت. همان باغی که پس از شهریور ۱۳۲۰ به اجازه فرهنگی وکس یعنی محل تبلیغات شوروی درآمد و روزهای پرشوری را جوانهای آن روزگار در آنجا گذرانیدند. خانه علی‌پاشا صالح چسبیده بدان بود. در سمت مشرق خیابان، کمی بالاتر از کوچه بیمارستان وزیری، خانه بزرگ دکتر یوسف بزرگمهر (علیم السلطنه) بود، یعنی پدر منوچهر بزرگمهر و هشت نه فرزند دیگر. از میان آنها جمشید کمی از من بزرگتر بود و مقداری از سالهای تحصیلی را با هم گذراندیم و با خواهرش میهن بانو (که بعدها همسر دکتر عیسی سپهبدی شد) در کتابخانه دانشکده حقوق همکار شدم. خواهر دیگرشان همسر استادم دکتر محسن صبا بود.

باغ ما یکسره از درختان میوه پوشیده بود. در آن روزگاران مرسوم نبود که درخت تزئینی (جز چند تا شمشاد و گل سرخ و گل چایـــی) بکارند و زمین ثمرآور را به گیاه بی‌ثمر هدر بدهند. سیب و گلابی و انگور وزردآلو و هلو و آلبالو و خرمالو هر یک به فصل خود می‌رسید و چون زیاد بود سینی می‌کردند و پدرم برای دوستان می‌فرستاد. مزه انجیر ممتاز آنجا هنوز زیر دندانم است. درختهای انجیر را در باغهای قدیم کنار دیوارهای سمت مغرب می‌کاشتند که آفتابگیر و از سوز زمستان در پناه باشد. انجیرهای باغ ما سر از دیوار چینه‌ای برون کرده بودند و مقداری از آنها را دست‌چین می‌کردند.



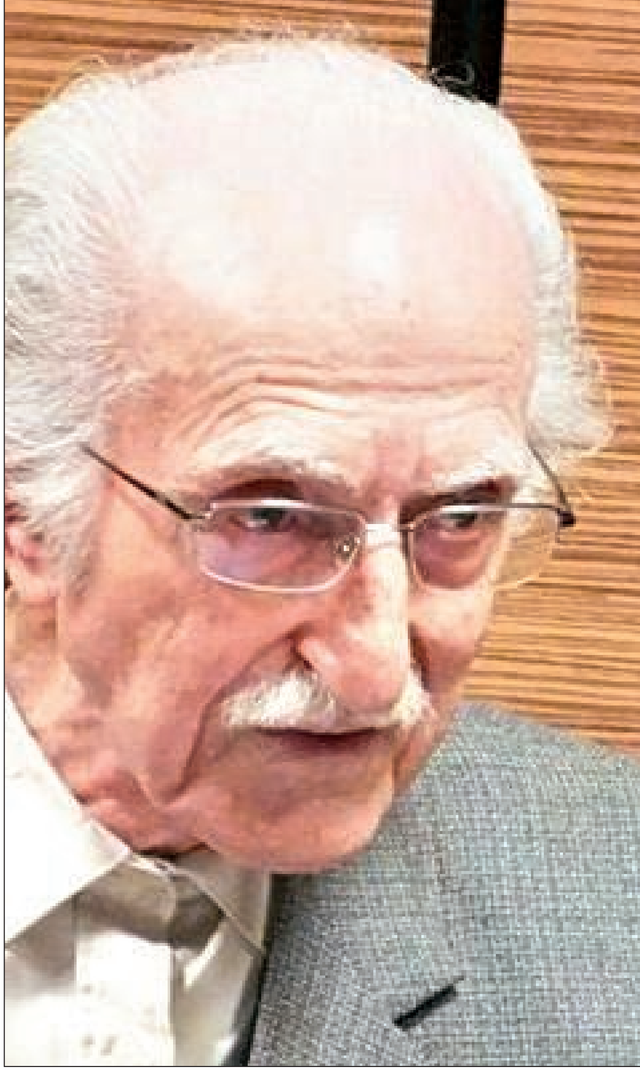
درس

مصاحبه با زنده یاد ابوالحسن نجفی

غلط زندگی نکنیم

■ خدیجه بزرگی

اشاره: استاد سید ابوالحسن نجفی مرد نجیب ادب و داستان و نوشتن و خواندن و ترجمه در ماه های آخر ۱۳۹۴ دار فانی را وداع گفت و به خیل نیکنامان پیوست. به همین مناسبت گفتاری ازگفتار های استاد را تقدیم تان می کنیم با این امید که اشارتی باشد از نویسنده« غلط ننویسیم» برای « غلط زندگی نکنیم»



از کودکی تا ادبیات

در اصفهان که بودم، محیط اطرافم به شـــدت مرا رنج می‌داد. محیط آن روزگار فاقد تمام آن چیزهایی بود که من به آنها علاقه داشتم. تنها چیزی که مرا از آن یکنواختیِ و ملال عذاب آور نجات می‌داد، خواندن کتاب، مخصوصاً رمان، و گاهی تماشای فیلم بود. در دورهٔ ابتدایی تمام پول توجیبی‌ام را صرف کرایه کردن کتاب می‌کردم. شیخ عبدالرزاق نامی در اصفهان بود که مغازه کوچکی داشت و کتاب کرایه می‌داد و من تمام کتاب‌های مغازهٔ او را خوانده بودم.

در دورهٔ دبیرســـتان که سطح توقعم بالاتر رفته بود، هر کتاب خوبی را که به چنگ می‌آوردم، برای فرار از آن محیط یکنواخت و ملال‌آور و سنگین شهرستانی، در واقع می‌بلعیدم. علاقهٔ من به کتاب و رمان از آنجا شروع شد و تنها راه گریز من از آن فضا بود. با دو تن از دوستانم، در همان عوالم کودکی و نوجوانی، یک انجمن کوچک ادبی تشـــکیل داده بودیم و همیشه دربارهٔ رمان‌هایی که تازه خوانده بودیم بحث و گفتگو می‌کردیم. بارها می‌شد که اسم کتابی را می‌شنیدم و در حسرت خواندن آن به سر می‌بردم. بعضی از آنها ترجمه شده بود اما در اصفهان امکان دسترسی به آنها نبود، بعضی دیگر هم اصلاً ترجمه نشده بود و من آرزوی ترجمه شدن آنها را داشتم تا بتوانم بخوانمشان. عشق به فراگیری زبان خارجی از همین جا در وجودم شکل گرفت.

این چنین حالاتی خواه ناخواه برای انسان ارزش‌هایی را به وجود می‌آورد. وقتی شما ولع دسترسی به چیزی را داشته باشید اما امکان دسترسی به آن وجود نداشته باشد، یا به زحمت بسیار بتوان آن را مهیا کرد، یا اگر آن چیز به دست آید و فرصت کمی برای استفاده از آن موجود باشد، اینها همه خود به خود باعث می‌شود که آن چیز برای شما ارزش فوق‌العاده‌ای پیدا کند. خواندن کتاب و تماشای فیلم برای ما در آن دوره راهی بود برای فرار از محیط.

بنابراین وقتی دورهٔ دبیرستان را تمام کردم، طبیعی بود به سمت چیزی بروم که بیش از هرچیز دیگری دوست داشتم و در حسرت آن به ســـر می‌بردم. یعنی کتاب و مخصوصاً رمان. به همین علت هم وقتی به تهران آمدم، در رشـــتهٔ زبان و ادبیات فرانسهٔ دانشکدهٔ ادبیات نام نوشتم و ادامهٔ تحصیل دادم. می‌خواستم از این طریق دسترسی‌ام به کتاب‌های خارجی میسر شود.

اما در مورد علل گرایش و علاقه‌ام به ادبیات فارســـی، باید بگویم که وضع فرق می‌کند. معلم‌های ادبیات ما در دورهٔ ابتدایی اصلاً معلمان خوبی نبودند، به حدی که ما را از ادبیات منزجر می‌کردند. یکی از زجرآورترین کلاس‌های درسمان در آن دوره، کلاس انشا بود. اما در دورهٔ دبیرستان شانس آوردیم و معلم ادبیات بسیار خوبی نصیبمان شد . اسمش جعفر آل ابراهیم بود. انسانی خلیق و با حوصله بود که با دقت و علاقهٔ بسیار ما را با ادبیات قدیم فارسی آشنا می‌کرد. از طرف دیگر، قبل از ورود به دبیرستان، به اصرار پدرم که عاشق سعدی بود، بسیاری از بخش‌های گلستان و بوستان را حفظ کرده بودم و می‌توانستم آنها را از ابتدا تا انتها از بر بخوانم. منظور این است که قبل از ورود به دانشگاه، با ادبیات قدیم فارسی آشنایی داشتم، اما واقعیتش را بخواهید، هیچ علاقه‌ای به آن نداشتم و بیشتر سعی می‌کردم رمان بخوانم یا زبان فرانسه یاد بگیرم. اما یادم هست که در سال آخر رشته ادبی در دبیرستان، پس از اینکه برخی از متون ادبیات قدیم را خواندم، ناگهان احساس کردم زبان فارسی امکانات و توانمندی‌هایی دارد که ما فقط از بخش ناچیزی از آن استفاده می‌کنیم. البته این احساس بسیار خام و ابتدایی بود و شاید بتوان آن را به نوعی جستجویِ سبک نسبت داد، بی‌آنکه بدانم سبک چیست و بی‌آنکه واقعاً بخواهم دنبالهٔ این احساس را بگیرم. این را هم بگویم که این احساس را به حساب لذت بردن از ادبیات قدیم نمی‌گذارم. در هر حال، علم به این جهل در کلاس ششم ادبی برای من مسئله‌ای شده بود، اما این احساس به هیچ وجه مرا به سمت مطالعهٔ بیشتر متون قدیم سوق نداد. بعدها آشنایی با خانلری و مجلهٔ سخن باعث شد که من دوستدار زبان فارسی بشوم، اما این علاقه مرا وادار یا ترغیب به ارزش‌گذاری ادبیات قدیم خودمان نکرد. در واقع، آنچه ملاک‌هایی برای ارزش‌گذاری ادبیات قدیم فارسی در اختیار من گذاشت، مطالعه زبان و ادبیات خارجی بود. آشنایی با ادبیات خارجی مـــرا برانگیخت تا به مطالعهٔ ادبیات قدیم خودمان روی بیاورم. پس از شـــرکت در کلاس‌های کسانی مانند خانم سیاح، و مخصوصاً پس از آشنا شدن با نظرات و دیدگاه‌های خانلری در مجلهٔ سخنٍ، من به طرف ادبیات قدیم خودمان بازگشتم. این آثار را تدریجاً می‌خواندم و با ملاک‌هایی که آموخته بودم ارزش‌گذاری می‌کردم. تازه در این دوره بودکه متوجه شدم چه آثار گرانبهایی درادبیات ما وجود دارد.

خانم رهاوی و کلاسش

> **تنها چیزی که مرا از آن یکنواختی و ملال عذاب آورٍ نجات می‌داد، خواندن کتاب، مخصوصاً رمان، و گاهی تماشای فیلم بود. در دورهٔ ابتدایی تمام پول توجیبی‌ام را صرف کرایه کردن کتاب می‌کردم**

از میان معلمان و استادانی که داشته‌ام، همیشه خارجی‌ها بهترین بوده‌اند. من معمولاً از معلم‌های ایرانی چیز زیادی یاد نمی‌گرفتم! در دانشگاه دو تا استاد خارجی داشتیم، یکی خانم امینهٔ پاکروان و خانم فرانسوی دیگری که از روی نام شوهر ایرانی‌اش خانم رهاوی نامیده می‌شد (بعدها، پس از ازدواج دومش به خانمٍ آندریو معروف بود). اینها از اول جلسه تا آخر جلســـه دائماً درس می‌دادند و ما را وادار به تمرین می‌کردند و از خودشـــان مایه می‌گذاشتند تا ما چیزی یاد بگیریم. من چیزهای بسیاری درباره نقد ادبی وزن شعر و ادبیات تطبیقی از کلاس‌های اینها یاد گرفتم. خانم رهاوی سر ساعت در کلاس حاضر می‌شد و تا آخر وقت، به مدت دو ساعت تمام، درس می‌داد، به حدی که در آخرهای درس صدایش می‌گرفت و برای اینکه سینه‌اش صاف بشود و بتواند حرف بزند، همیشه آب‌نبات با خودش ســـر کلاس می‌آورد. همان موقع من در کلاس‌های انستیتوی ایران و فرانسه هم از کلاس‌های استادان خارجی استفاده می‌کردم و می‌دیدم که استادان از اول تا آخر ساعت یک نفس درس می‌دهند و ما راٍ به تمرین وا می‌دارند. اما در عوض، معلم‌های ایرانی! معمولاً برایشان مهم نبود که ما چیزی یاد می‌گیریم یا نه. فقط با بی‌حوصلگی مطالبی را می‌گفتند و بدون هیچ جدیتی دٍر تمرین و پرسش، کارشان را تمام می‌کردند و می‌رفتند. مثلاً همین دکتر بروخیم که گفتم رساله‌ام را با او گذراندم، کلاس را بی‌هیچ بحث و گفتگو تمام می‌کرد و دست آخر هم یک نمرهٔ قبولی به همه می‌داد. البته این را بگویم که من از محضر دو استاد بیشترین بهره‌ها را برده‌ام، یکی خانلری و دیگری مارتینه. اما آنچه از خانلری یاد گرفتم مربوٍط به کلاس‌های درسش نمی‌شد. او در کلاس‌های دانشگاه اولاً خیلی دیر سر کلاس می‌آمد، بعد هم با بی‌میلی مطالبی را عنوان می‌کرد و با بی‌حوصلگی کلاس را تمام می‌کرد. اما در عوض در جلسات مجلهٔ سخن، مخصوصاً اگر به مناسبتی سر ذوق می‌آمد، فوق‌العاده بود! مدتی هم که من سردبیر مجلهٔ سخن بودم، بارها پیش می‌آمد که با خانلری به تنهایی گفتگو می‌کردیم و سؤالاتی مطرح می‌کردم و می‌دیدم که چه دانش عمیقی دارد. در این جلســـات و گفتگوها بسیار از خانلری آموختم. اما در کلاس‌هایش می‌شود گفت که چیز درخوری عرضه نمی‌شد. می‌توانم بگویم که تقریباً تمام استادهای ایرانی ما سمبل‌کاری می‌کردند...وقتی به فرانسه رفتم و با سیستم آموزشی و استادان آنجا آشنا شدم، دیدم در آنجا استادان از اول تا آخر جلسه مدام به کار توضیح و تمرین و پرسش و بحث مشغول هستند. شاید من هم ناخودآگاه این شیوه را از آنها فرا گرفته‌ام. مثلاً در همین کلاس‌های ویرایش، در مرکز نشر دانشگاهی، بارها دانشجویان آمده‌اند و از شیوه تدریس من تشکر کرده‌اند و متعجب بوده‌اند که چطور من در هر جلسه طبق برنامه معینی مطالب درسی را عرضه می‌کنم.

جستجو و جستجو

از اولین نوشته من که در سال ۱۳۲۸ در روزنامه چاپ شد خوب می‌دانستم که چه می‌خواهم بکنم. اما واقعیتش این است که به رغم تمام این تجارب، مدتی طول کشید تا رشته مورد نظر خودم، یعنی زبان‌شناسی را پیدا کردم. وقتی که به فرانسه رفتم مدت مدیدی در بلاتکلیفی به سر می‌بردم. تا قبل از رفتن به فرانسه، چیزی از زبان شناسی نمی‌دانستم و حتی اسم آن را هم نشـــنیده بودم. این شد که ابتدا با کلاس‌های ادبیات فرانسه شروع کردم. شیوه استادان سوربن این طور بود که در ابتدای سال، فهرستی از ده تا بیست کتاب را در اختیار دانشـــجویان قرار می‌دادند، و بعد خودشان در طی سال فقط درباره قسمتی از این مطالب صحبت می‌کردٍند. اما در پایان سال از تمام آن ماخذ امتحان می‌گرفتند. مثلاً در یکی از این کلاس‌ها، استاد در جلسه اول فهرستی از آثار مربوط به ادبیات قرن ۱۹ فرانسه را در اختیار دانشجویان گذاشت و بعد خودش به توصیف جزئیات بخش کوتاهی از زندگی بالزاک در سال ۱۸۳۱ پرداخت. این اصلاً آن چیزی نبود که من در جستجویش به فرانسه آمده بودم.

پرچم ایران بر فراز بزرگترین نمایش

نخستین حضور پاویلیون ایـ

نمایشگاه بایوفاخ BIOFACH (در زبان آلمانی Bio به معنای ارگانیک و Fach به معنای تجارت اســـت) بزرگترین، معتبرترین، متنوع ترین، و معروف ترین نمایشگاه عرصه تجارت بین المللی ارگانیک جهان است.

برای نخستین بار، پاویلیون ایران متشکل از برخی تولید کنندگان برتر ارگانیک کشور در نمایشگاه بایو فاخ نورنبرگ آلمان برگزار شد.

نمایشگاه امسال ۱۳-۱۰ فوریه ۲۰۱۶ با شرکت ۲۵۴۴ کمپانی (۳۱٪) آلمانی و (۶۹٪) سایر کشور ها از سراسر دنیا برگزار شد. مساحت نمایشگاه ۸۱۰۲۶ متر مربع بود و نزدیک به ۵۰ هزار بازدید کننده به این نمایشـــگاه ۴ روزه از سراســـر جهان مراجعه نمودند. محصولاتی که در بایو فاخ ارایه شـــدند همگی ارگانیک و شـــامل انواع مواد غذایی تازه، مواد غذایی یخ زده، مواد اولیه محصولات غذایی، تمامی محصولات ســـوپرمارکتی، انواع شـــیرینی و دسر و شکلات، انواع نوشیدنی هـــا، انواع محصولات لبنی، محصـــولات وگان(گیاهخواری) ، انواع فرآورده های گوشتی و دام و طیور، تکنولوژی و ماشین آلات ساخت و بسته بندی و همچنین شرکت‌های تبلیغاتی وابسته به این صنعت بودند.

در بخشـــی از نمایشـــگاه هر ساله آشپزهای حرفه ای و معروف دنیا گرد هم می آیند تا با مود اولیه کاملا ارگانیک حاضر در نمایشگاه خوشمزه ترین غذاهای خود را برای مدعوین آماده کنند. در نمایشگاه بایوفاخ کنگره های مختلفی نیز برگزار می شود که بر پایه علوم، صنایع غذایی و فناوری ارگانیک، سیاست گذاری ارگانیک، و همچنین فوروم صنعت ســـبز و پایدار نیزهست. در نمایشگاه بایوفاخ، هر ساله بخش مخصوصی به محصولاتی که بر اساس نوآوری و ابداع فرمولاسیون ساخته میشوند اختصاص داده می شود و به کمپانی هایی که در زمینه تحقیق و توسعه درخشیده اند نیز جایزه تعلق می گیرد که امسال نیز این جایزه ها به دو شرکت جوان تعلق گرفت.

تعریف کلی از محصولات ارگانیک:

یک محصول ار گانیک می تواند گیاهی و یا طبیعی باشـــد ولی گیاه باید در خاکی رشد کرده باشد که از سال ها قبل سموم و کودهای شیمیایی و سایر مواد مضر ســـنتتیک در آن راه نیافته باشـــند. بذر گیاه نیز باید از محصولات ارگانیک گرفته شـــده باشد و در کاشـــت، داشت، برداشت، فراوری، حمل و نقل، تولید و بسته‌بندی آن از هیچ ماده یا افزودنی و یا فرآیند مضر برای انسان و محیط زیست اســـتفاده نشـــده باشد. مواد اولیه ای که فرآورده های دامی هستند هم از مزارع ارگانیک گرفته شـــده اند که در آن دام دسترســـی به فضاهای آزاد ارگانیک برای ابراز رفتارهای طبیعی خود داشـــته است. محصولات ارگانیک می تواند خوراکی، آرایشی، بهداشتی، شوینده و پاک کننده، پوشاکی، تزئینی و ... باشند.

البته باید بســـیار آگاه بود که تایید درســـتی و صداقت یک محصول گیاهی، طبیعی و یا ارگانیک تنها و تنها با داشـــتن یک مهر اســـتاندارد و معتبر جهانی قابل پذیرش و اعتماد است.

حضور ایران در معتبرترین نمایشگاه ارگانیک جهان

امســـال ایران با برخی تولید کنندگان و شـــرکتهای برتر ایرانی که محصولات ارگانیک دارند به بایوفاخ رفت. پاویلیون ایران در این نمایشگاه در اوج قدرت و شکوه و غرور درخشید. پاویلیون ایران علیرغم دست و پنجه نرم کردن برگزارکنندگان با موانع و کارشکنی‌ها و سختی ها و سنگ اندازی های بی شمارکه حتی توسط کسانی که می باید بانی پاویلیون میبودند ایجاد شده بودند، با قدرت و درخشش بسیار برگزار شد.

کاروانی که بود لطف خدا همره او
به سلامت بنشیند به جلالت برود

لازم به ذکر است که اطاق بازرگانی ایران و اطاق بازرگانی تهران نیز در این راه مهم از بذل همکاری و مساعدت دریغ ننمودند.

در این نمایشـــگاه، پاویلیون ایران با حضور، حمایت و پشـــتیبانی بی دریغ شـــرکت های ایرانی، تولید کنندگان و کشـــاورزان ارگانیک کار این مرز و بوم و برخی وطن دوســـتان و تاجران مقیم آلمان افتخار آفرینی کرد، که از آن جمله می توان شـــرکت نوین زعفران با محصـــول زعفران ارگانیک و همچنین باغ انار بابایی با محصول انار ارگانیک را ذکر نمود. همچنین در این نمایشـــگاه برخی از پیشـــگامان صنعت ارگانیک کشـــور چون شرکت سارونه با محصولات شادلی نیز حضور داشتند که از آن جمله میتوان به آب انار و انگور ارگانیک، کنسانتره آنها و همچنین روغن پرس سرد ارگانیک هسته انار اشاره کرد. لازم به ذکر است که روغن پرس ســـرد هســـته انار در محصولات آرایشی بهداشتی نیز کاربرد بسیار خوبی دارد. از دیگر محصولات ارایه شـــده در پاویلیون ایران در آلمان می توان به عســـل رایحه خوانســـار و پسته بارانی و پسته وحشی صدف راه ابریشم اشاره نمود، که با گلبرگ های گل رز درین گلاب به زیبایی تزئین شـــده بودند و نظر هر بازدید کننده‌ای را به خود جلب می نمودند. یکی دیگر از نکات جالب توجه پاویلیون، ارایه ظروف بســـته بندی های شیشـــه ای بسیار مدرن و زیبای شرکت سورنا بود که با سلیقه و زیبایی خاصی ارایه شده بود.







...گاه محصولات ارگانیک جهان

...ران در Biofach



پرچم ایران برافراشته تا عرش پیشتر از پرچم سایر کشورها

نخستین پاویلیون ایران در بزرگترین نمایشگاه بین المللی جهان، امسال با ایده‌پردازی، مدیریت و اجرای خانم دکتر بهمنی انجام پذیرفت که پیشگام و نوآور تولیدات محصولات آرایشی بهداشتی ارگانیک در ایران، تولید شده برای نخستین بار در شرکت بهداشتی دکتر عبیدی میباشند. به گفته ایشان برای نخستین بار سخن از کشاورزی ارگانیک در ایران از دانشگاه فردوسی مشهد توسط استاد ارجمند جناب آقای دکتر کوچکی در سالهای دهه ۱۹۹۰ برده شد. همچنین نخستین محصول ارگانیک کشور که گل محمدی و فرآورده‌های آن میباشد نیز توسط شرکت گلاب زهرا که بنیانگزاران آن شادروانان شهیندخت سرلتی و همایون صنعتی زاده هستند در لاله‌زار کرمان تولید شد که گل محمدی را جایگزین کشت خشخاش در آن منطقه نمود.

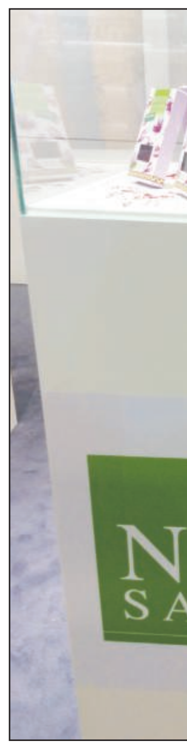
اما امسال هدف از برگزاری پاویلیون ایران در بایو فاخ، نمایش تنوع، کیفیت، زیبایی و غرور محصولات غذایی و صنایع بسته بندی ایران در آن نمایشگاه بود. پس از سالها تلاش، ایران اکنون دارای تعداد قابل توجهی محصولات ارگانیک می باشد که دارای گواهی های معتبر بین المللی میباشند. پرچم ایران، در کنار تعداد انگشت شماری از پرچم کشورها که دارای پاویلیون در نمایشگاه بودند از قبیل سوئیس و کانادا و ایالات متحده آمریکا، بالا رفت. پرچم ایران، جلوتر از پرچم تمامی کشورها ایستاده و قد برافراشته بود که اشک شوق را در چشمان هر ایرانی می آورد. بی شک این اتفاق در تاریخ حرکت ارگانیک کشور برای همیشه ثبت شده خواهد ماند.

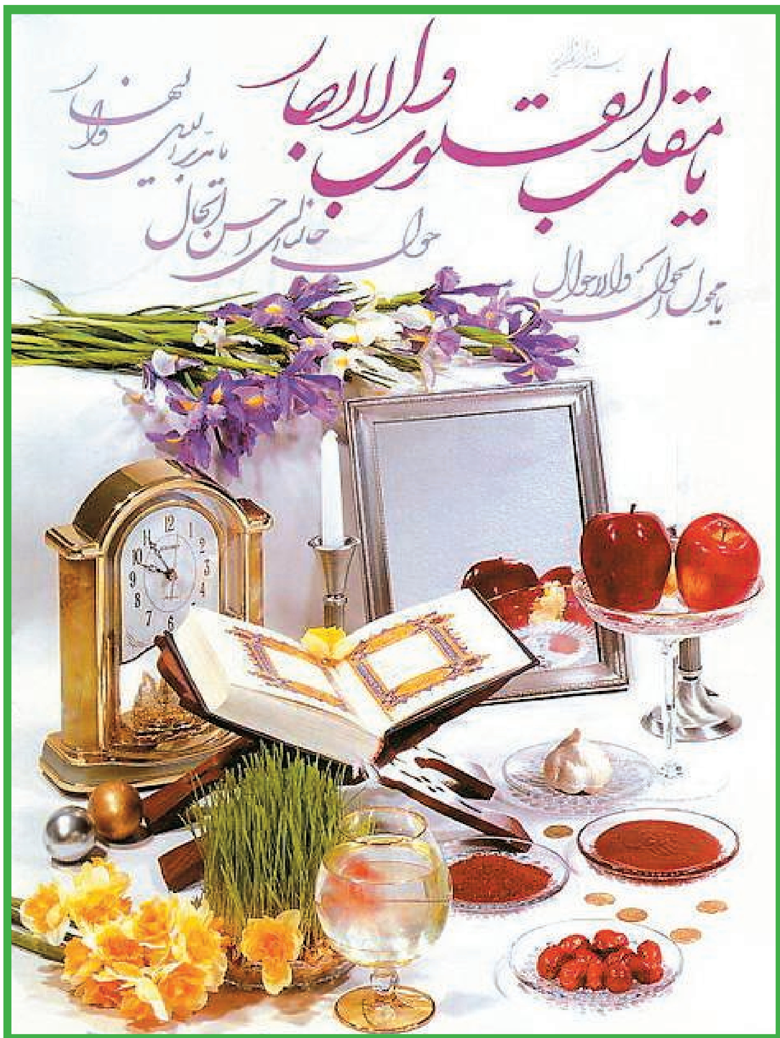


دستاوردهای نخستین پاویلیون ایران در نمایشگاه بایوفاخ

۱- نمایش بازگشت پرقدرت ایران به بازارهای تجارت جهانی پس از برداشتن تحریم‌ها
۲- نمایش تنوع محصولات ارگانیک ایران که دارای استانداردهای معتبر ارگانیک جهانی می باشند
۳- جذب مشتری‌های بین المللی برای محصولات ارگانیک ایران
۴- توسعه امکان صادرات مواد اولیه ارگانیک و همچنین محصول نهایی ارگانیک ایران به سایر کشورها و ارز آوری
۵- ایجاد امکان تبادل اطلاعات و تکنولوژی با سایر کشورها در جهان
۶- توسعه امکان تحقیق و توسعه و نوآوری در ارتباط با محصولات ارگانیک در ایران
۷- کمک به جذب سرمایه گزاران خارجی در صنعت ارگانیک ایران







دعا

چرا در نوروز «دعا» می‌خوانیم؟

■ محمد آب‌برین

چرا نوروز ؟ چرا دعا ؟
همه ســـاله نوروز جانبخش با دعایی زیبا و فرحناک شروع می شود و ایرانیان در هر کجای جهان که هستند حلول سال جدید خورشیدی را به زمزمه دعایی لطیف به استقبال می روند :
یا مقلب القلـــوب والابصار یا محول الحول والاحـــوال حول حالنا الی احسن الحال
این نوشـــتار با زبانی روشـــن و ســـاده در مقام ایضاح جایگاه دعا در زندگی اســـت و با این سخن به فرجام می رســـد که : ما در نوروز دعا می‌خوانیم چرا که نوروز دعای خداوند است.

زیباترین هماهنگی میان اجزاء هســـتی در دعا نمایان می‌شود.دعا عبارتست از: برخاستن دست‌های کوچک هستی برای طلب از هســـتی بزرگ. وقتی دعا می کنیم خداوند دست‌های خود را به نمایندگی ازما انسان ها به سوی آسمان بلند می‌کند. می توان یقین کرد که دعا زیباست، حتی اگر به اجابت نرسد.

در حالت دعا، زیبایی و عمق و نجابتی وجود دارد که هستی را به سکوت و شرم وادار می‌کند. جهان در خدمت دعاست، حتی اگر نداند و حتی اگر بر زبان نیاورد.آری، جهان، جهان دعاست و دعا، جهانی ناب که هرکسی آن را تجربه نمی‌کند. تجربه دعا، از زیباترین تجربه‌های روحی بشر است.

انسان‌ها با دعا از زمین برمی‌خیزد و به مرتبه‌ای والا و بالا صعود می‌کنند.

فراموش نکنیم که ما دعاهایی هستیم به اجابت رسیده. همان سان که شـــما به اجابت رسیده‌اید، دعای شما نیز به اجابت خواهد رسید. بر اساس تاریخ و بر اساس تجربه دعا فوران امید است در قلب و چه بسیار جهانهایی که با تپش قلب امید، قلبشان می تپد. شتران اجابت در راهند. با دعاهایتان آنها را در شـــهر و خانه‌تان فرود بیاورید. اگر شمع دنیا را خاموش کنید، جهانتان به تیرگی خواهد گرایید...

پس بر ماست که بگوییم که دعا، نوری است در تاریکی همان‌سان که خورشید گیاهان را از خاک و زمین برمی‌کشد، دعا نیز خواست‌ها را از زمین غیب خارج می‌کند و به جهان ظهور می‌آورد. پشتوانه تمام توفیق‌های معنوی دعاهایی هستند که از صدورش بی‌خبریم.

دعا تیری در تاریکی نیست. پیکی است که از ازل به ابد می‌رود میان غیب و شهادت در رفت و آمد است. کوتاه‌ترین راه به خداوند دعاست. دعا شهری از شهرهای خدا نیست، برکه‌ای است پر از آب‌ها خداوند و کلبه‌ای است پر از حضور خداوند. دعای ما ارادۀ ماست.

انســـان با دعا، اراده‌اش را در تراز ارادۀ خداوند قرار می‌دهد. وقتی دعا می‌کنیم، دستمان را بلند می‌کنیم به سوی دستی که بلندترین دست است.

با دعا جهان دگرگون می‌شود. هیچ چیزی به اندازۀ دعا جهان را دگرگون نمی‌کند.چه کسی می‌تواند انکار کند که میان شاخه‌های دعا و خوشه‌های گندم ارتباط وجود دارد؟نبض زمین و قلب زمان در دستان دعا می تپد.

کسانی که دعا می‌کنند، در گسترۀ بی‌پایان هستی، خداوند را شکار می‌کنند.

در گسترۀ بی‌پایان هستی، خداوند در هیچ‌جا به اندازۀ قاب دعا قابل درک و دریافت نیست.

اتفاقات بزرگ هستی هم در صدور، هم در تحقق و هم در تداوم، حاصل و محصول دعا هستند.

دستی که به دعا بلند نشود، به چیزهای دیگر هم بلند نمی‌شود. دعا را فراموش نکنید، تا اجابت شما را فراموش نکند. جنبه هستی شناسی دعا، هزاران برابر بیشتر از جنبۀ دینی و مذهبی آن است.

جهان از پشت عینک دعا، نرمتر، آرامتر و ملایمتر به نظر می‌رسد. دعا نوری است در تاریکی. هیچ نوری به اندازۀ دعا نمی‌تواند تاریکی‌ها را روشن‌تر و قابل تحمل‌تر کند.

دعا پرنده‌ای است سبکبال که در دل و دست شما نهفته و مستور است. اگر این‌ها را رها کنید، آرامش را برایتان به ارمغان می‌آورد.

جهان به احترام دعا سکوت می‌کند و برای تحققش از جایش برمی‌خیزد. انسان عقب‌تر از دعایشان هستند و دعاها جلوتر از انسان‌ها هستند...

وقتی دعا می‌کنید، شمعی در درونتان روشن می‌کنید. هیچ وقت نگذارید درونتان بدون شمع دعا به تاریکی گراید.

جدی‌ترین و حقیقی‌ترین قیافه و چهره انســـان را در لحظه‌ای می‌توان دید که برای خواستش دعا می‌کند.

دعای حقیقی قلب آسمان را می‌شکافد و آسمان‌ها را در خدمت اجابت قرار می‌دهد.

دعا رازی است میان انسان و خداوند تا زمانی که زمین و آسمان برقرار است، این راز نه گشوده خواهد شد و نه کهنه خواهد شد. زیبایی دعا در این است که هرگز وطن اصلی خود را فراموش نمی‌کند: قلبی که از آن خارج می‌شود و به پرواز درمی‌آید.

بسیاری از انسان‌ها دعایشان را فراموش می‌کنند. به همین جهت به اجابت رسیدن دعایشان را لمس نمی‌کنند.

برخی از انسان‌ها فقط دعا کردنشان را به خاطر می‌سپارند ولی اجابت را فراموش می‌کنند. این در حالی است که برخی از دعاها و اجابت‌ها همزمانند.

از ســـوی دیگر برخی از اجابت‌ها، پیش از دعا روی داده‌اند و منتظر دعایی هستند تا فرود بیایند و ظاهر شوند.

در جهان حوادث و مسائلی وجود دارد که کلیدی جز دعا ندارند.

حوادث و مسائلی در جهان وزندگی وجود دارد که برای همشان هیچ راهی جز «دعا» وجود ندارد.

دعا راهی است که می‌رویم و چشمی است که می‌نگریم. اگر دعا نبود، بسیاری از بخش‌های زندگی ما نبود.

بسیاری از انسان‌ها نمی‌دانند که اگر دعا نبود، اجابت هم نبود. به قول مولانا در مثنوی : هم دعا از تو، اجابت هم زتو.

تا امروز نسیمی خوشبوتر از دعا برجهان نوزیده است. دعا همچون برف و بـــاران می‌بارد و جهان را قابل تحمل می‌کند. دعاها هرگز با هم نمی‌جنگند.ممکن است دعایی به حرمت دعایی دیگر تا ابد ســـاکت باشد، چون در بین دعاها، نخستین قانون «احترام» است. آنجا که دعا می‌کنید شمعی روشن می‌کنید و آنجا که دعا نمی‌کنید شمعی را نابود می‌کنید.

دست‌هایتان را بگشایید تا پرندۀ اجابت در وجود شما لانه کند. چه کسی می تواند انکار کند که دعا ریشۀ ناامنی را می‌سوزاند و جوانه امنیت را می‌رویاند.مدرنیته با بستن دهان خود به روی دعا، خـــود را از عمق و باطن و معنا محروم کرده است.

کودکان دعا با دعا به دنیا می‌آیند و وارد زندگی می‌شوند، بدون اینکه بدانند.به همین منوال مادران دعاهای دیروز، امروز را به فرداها متصل می‌کنند با دعاهایشان. دعا در زیر پوست جهان وظیفه حفاظت از جهان را برعهده می‌گیرد. دعا مقسّم است و جهان را هر روز بین صاحبان دعا تقسیم می‌کند. دعا فراسوی کفر و ایمان است.

هیچ کافری با باور به دعا کافر نمی ماندو هیچ مومنی با عدم ایمان به دعا ، مومن نمی ماند

دعا بذری اســـت که هر روز به بار بنشیند ، محصولی ارزشمند پدید می آورد.

نخستیم ثمره دعا، امید است.آنگاه نوبت به حاجت و تحقق می رسد. خداوند، خدای دعاست و اجابت . دعا و اجابت دو روی یک سکه اند. در دعا خداوند اراده اش را به اراده دعا کننده تفویض می کند.

ما در نوروز دعا می‌خوانیم چرا که نوروز دعای خداوند است. ما نوروز را بی اختیار با دعا شروع می کنیم چون نوروز شروع بی اختیار ماست.





حیات

جهان در بحران بی‌عاطفه‌گی و بی‌مهری

تن آدمی شریف است به جان آدمیت

■ دکتر ابوطالب میرعابدینی

امروز در جهانی متشنج و بحرانی زندگی می‌کنیم. در واقع، جهان با بحران بی‌عاطفه‌گی و بی‌مهری روبروست. در حالی که نقاط مختلفی از جهان را جنگ و خون و آتش نابود کرده، حرف‌زدن از مدارا، پرهیز از تعصب و گوش‌دادن به بزرگان فرهنگ راه چاره است. مولانا می‌گوید:

این جهان همچون درختست ای کرام
ما برو چـــون میوه‌هـــای نیم‌خام
ســخت گیرد خامها مر شـــاخ را
زانـــک در خامی نشـــاید کاخ را
چون بپخت و گشت شیرین لب‌گزان
ســـــت گیرد شــــاخها را بعد از آن
چون از آن اقبال شــیرین شد دهان
ســـرد شـــد بر آدمی ملک جهان
ســـخت‌گیری و تعصب خامی است
تا جنینی کار خون‌آشـــامی اســـت

در زمان مولوی هم همین گرفتاری‌ها وجود داشته، حمله مغولها به ایران بحران بسیار بزرگی را بوجود آورده بود. به یاد دارم در تحقیقی که در نیشابور انجام می‌دادیم، قبرهایی پیدا می‌کردیم که در این قبرها میخ به کله‌ها فرو رفته بود. حکومتی ستمگر در آن دوران میخ به تن آدمیان فرو می‌کرده و هر جا خبر می‌رسیده که مغولها در راه هستند، مردم در عذاب بوده‌اند. مطالعات تاریخی نشـــان می‌دهد یک بی‌رحمی تمام‌عیار از جانب خشن‌ترین لشگریان و سربازان بوجود آمده بوده و اوج این بی‌عاطفه‌گی با آمدن مغولها شروع می‌شود، مغولها مردمی بیابان‌نشین بودند که قدرت گرفتند و قدرت در آنها فساد ایجاد کرد. زیرا فقط به قدرت فکر می‌کردند نه به چیز دیگری. شعر و ادبیات ایران، دردها و ستمهای تاریخ را بازگو می‌کند و بزرگان شعر و ادب ما، زمینه‌های ظلم و فساد را نشان می‌دهند. سعدی در گلستان سعدی می‌گوید:

پادشاهی پارسایی را دید گفت هیچت از ما یاد آید گفت بلی وقتی که خدا را فراموش می‌کنم
باز در همان جا می‌خوانیم:

درویشی مســـتجاب الدعوة در بغداد پدید آمد حجاج یوسف را خبر کردند بخواندش و گفت دعای خیری بر من کن. گفت خدایا جانش بســـتان گفت از بهر خدای این چه دعاست گفت این دعای خیرست ترا و جمله مسلمانان را.

شاعران و عارفان بزرگ ایران مصائبی که بر ملت تحمیل شده بود را می‌شـــناختند، و مدام با شعر و سخن روشنگر خودشان برای بیداری مردم تلاش می‌کردند. طبیعتا هر چه آدمی عاقل‌تر می‌شود، عارف‌تر هم می‌شود. عقل و دل با هم رشد می‌کند. از زبان مولانا جلال‌الدین بشنویم و از یگانگی انسانها:

صد کتاب ار هست جز یک باب نیست
صد جهت را قصد جز محراب نیست
این طرق را مخلصی یک خانه است
این هزاران ســـنبل از یک دانه است

عارف بزرگ ما خواجه عبدالله انصاری جایی می‌گوید:«نان دادن، کار جوانمردان است، دلی به دست آر؛ که کار ، آن است. اگر بر روی آب روی، خسی باشی، و اگر به هوا پری، مگسی باشی، دلی به دست آر تا کسی باشی» و این پیام مهر و محبت و معرفت ادبیات ایران اســـت که همچنان دعوتی به جانب مهرورزی و مدارا اســـت. پیام ادبیات و فرهنگی که در طول تاریخ به دانش و خروج از جهل توصیه کرده است. در شعر حافظ هم این طور بیان شده:

بنده پیر مغانم کـــه ز جهلم برهاند
پیر ما هر چه کند عین عنایت باشـــد
دوش از این غصه نخفتم که رفیقی می‌گفت
حافظ ار مست بود جای شکایت باشد

البته همه گلها به میوه نمی‌رسند. من اغلب از دید عاطفی مسائل را نگاه می‌کنم، اما در دنیای امروز که آگاهی‌ها بیشتر شده می‌توان از طریق آموزش و فرهنگ و سوادآموزی آدمهایی را بوجود آورد که مانند سعدی، سنایی، حافظ، مولوی، عطار و... به جهان نگاه کنند و از بزرگان فرهنگ درس بیاموزند. تربیت امر مهمی در زندگی و ساختن جهان بر پایه همدلی و مدارا و تساهل است. یکی از مفاخر علمی ما که سرآمد دانشمندان روزگار خود بود گفته بود:

تـــا بدانجـــا رســـید دانـــش من
کـــه بدانـــم همـــی کـــه نادانم

جهل و تعصب‌ورزی ریشه بسیاری از مصائب است آنهم وقتی هیاهو بسیار است و معرفت اندک. متاسفانه نسل جدید با اندکی شوخی، «نسلی ساندویچی» است. در دانشگاهها که اکنون در همه نقاط وجود دارند حتی در روستاها و شهرهای کوچک، دانشجویان می‌خواهند تمام فنون و دانشها در یک ساندویچ جمع شود و از آن برخوردار شوند! تحمل و تأمل در نسل جدید، خیلی کم است. مع‌الوصف تعلیم و تربیت، مسیر خودش را دارد. میان‌بُر ندارد و حوصله می‌خواهد. رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی متعددی امروزه وجود دارد و مردم را از این طریق سرگرم می‌کند، ولی با چنین تصوراتی نمی‌توان امیدی به بهبود این روند داشت. الان رسانه‌هایی هستند که جای خود را در میان مردم باز کرده‌اند و در برخی موارد هم کارکرد کتاب را بر عهده گرفته‌اند. اما چیزی جای کتاب را نمی‌گیرد، وقتی در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که همه چیز ساندویچی شده است، دید محدودی پیدا می‌کنیم. دانشجویان که کار اصلی‌شان مطالعه و تحقیق است، حوصله کتابخوانی و کارهای تحقیقاتی را ندارند. جوانان هم به کتاب کمتر اهمیت می‌دهند و با خواندن چند سطر و چند خط، فرض را بر این می‌گذارند که مطلب را متوجه شده‌اند. گاهی دانشجویان ادبیات هم شعر حافظ یا مولوی را از روی کتاب غلط می‌خوانند! وقتی درس خواندن دانش‌آموز و دانشجو به شب امتحان محدود شده تا نمره‌ای بگیرد، روند مطالعه هم بهتر از این نمی‌شـــود. این اشکال به تربیت نادرست اجتماعی برمی‌گردد، و اگر جامعه بیدار نشود آینده خطیری در پیش اســـت. بدون کتاب و بدون دانش و بدون فرهنگ جامعه سرنوشـــت خوبی نخواهد داشت. در ممالک متمدن، کتاب هنوز نقش تعیین‌کننده دارد. مردم کتاب و روزنامه و مجله می‌خوانند و دریچه فرهنگ را خودشان باز نگه می‌دارند. اما در روزگار ما، توجه به فرهنگ کمرنگ شده و به همین سبب، انس با شعر و ادب و اخلاقیات که رسم دیرینه‌ای بوده رنگ باخته و همه فجایع و دشمنی‌ها به علت بی‌توجهی به اخلاق و انسانیت است. اگر اخلاق و ادب کنار گذاشته شود یا کمرنگ جلوه کند، چهره دنیا مکدر می‌شود...

بنابراین مولوی است که در میان هیاهوی بسیاری از در طول تاریخ وجود داشته داد می‌زند:«ما درون را بنگریم و حال را/ نی برون را بنگریم و قال را» و بشنو از نی، در آن شعر نکته مهمی را بازگو می‌کند. مولوی به موسیقی خیلی اهمیت می‌داد، زیرا موسیقی بسیار زندگی‌ساز و کارساز است، موسقی تناسب ریتم و تناسب صدا است، مدام می‌پرسند که خوشبختی یعنی چی؟ خوشبختی یعنی تناسب زندگی. این تناسب را مولوی با نی شروع می‌کند، اما نی غریب است چون از نیستان بریده شده، نی پر گله و شکایت است، انسان امروز هم پر از گله و شکایت است. مولوی رنج بشری را مطرح می‌کند و مردم رنج دیده مولوی را می‌فهمند. من دنیا را عارفانه می‌بینم و از آنجا که زندگی‌ام را مدیون ایران و ایرانیان بوده‌ام، همیشه در فکر اصلاح جامعه بوده‌ام. با اینکه به آینده فرزندان امروز ایران امید بسیاری دارم و آینده روشنی را برایشان متصور هستم، اما معتقدم که برای پیروزی باید تصمیم گرفت و احساس مسئولیت کرد؛ چرا که زندگی با زنده‌ها شکل می‌گیرد. بنابراین باید حوصله کرد؛ زیرا گذر زمانه، فرزندان خود را می‌سازد و می‌پرورد. در مسیری که پیش رو داریم، برای از دست نرفتن نشاط زندگی توجه بیشتری به شعر و ادبیات لازم است. شعری که دعوت است، دعوت به مدارا، سعادت، زندگی، معرفت و کمال، و پیام راستین آن، دعوت به انسانیت و مهربانی است:

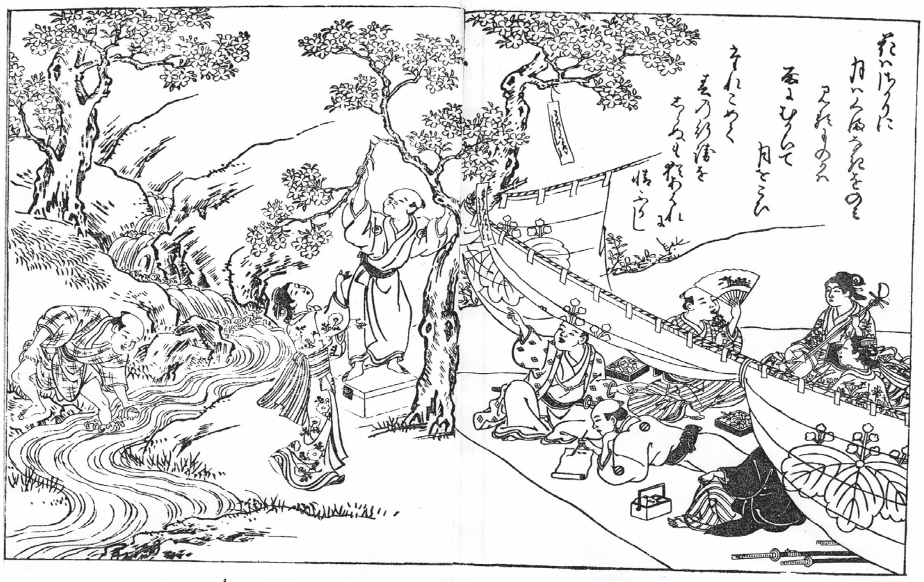
تن آدمی شـــریف است به جان آدمیت
نه همین لباس زیباســـت نشان آدمیت
اگر آدمی به چشم است و دهان و گوش و بینی
چـــه میان نقش دیـــوار و میان آدمیت
اگر ایـــن درنده‌خویی ز طبیعتت بمیرد
همه عمر زنده باشـــی به روان آدمیت

ملل

وصف بهار و نوروز در ادب قدیم ژاپن



■ دکتر هاشم رجب‌زاده



گلگشت و گردش در گُلریزان بهار (سیزده بدَر)، قطعهٔ ۱۳۷

از آثار ماندگار ادب ژاپن که در دل مردم این سـرزمین هم جای دارد و نسخه ای از آن، مانند دیوان حافظ و گلستان سعدی نزد فارسـی زبانان، در خانهٔ بیشـتر ژاپنی‌ها یافت می‌شود و هر نوباوه ای در مدرسه قطعه ها و حکایتهایی از آن را می خواند و دیباچهٔ آن را از بر می‌کند، تسُوره زُورِه گُوسا نوشتهٔ کِنکو راهب صاحبدلِ ژاپنی اسـت که نزدیکِ عصر سعدی می‌زیست. از زندگی او (به روایتی از سال ۱۲۸۳ تا ۱۳۵۰ میلادی) چندان نمی‌دانیم، و همین اندازه روشن است که در یوشیدا، شمال شرقی کیوتو، زاده شد و در جوانسالی با قریحهٔ شاعری به دربار ژاپن راه پیدا کرد و سال‌ها در خدمت گوـ ئُودا، امپراتور کناره گرفته (سالهای پادشاهی‌اش ۱۲۷۵ تا ۱۲۸۷م.) بود، اما با درگذَشتن این امپراتوردر سال ۱۳۲۴م. از درگاه کناره گرفت و ماندهٔ عمر را در معبدی بودایی در بیرون کیوتو پایتخت آن روز ژاپن در گوشـهٔ تنهایی گذراند. تسُوره زوُره گوُسا حاصل همین سالهای فراغت اوست. نام این کتاب که از عبارتِ آغاز آن گرفته شده، به معنی «پراکنده نویسی های هنگام سرخوشی» یا «پاره یادداشت های ساعاَت سبکباری» است. این اثر، مرکّب از ۲۳۴ قطعه، مجموعه ای است از داستان ها و نکته ها و دانستنی‌های دلنشین در موضوع های متنوع، از آداب و رسوم و عادات مردم و اصول رفتار و مناسبات اجتماعی گرفته تا شرح یادها و احساس‌ها و حال و هوای مردمان و پند و نکته آموزی نویسنده در بارهٔ آرام گذراندن عمر و کنار آمدن با خود و دیگران و بینش او در کار زندگی و مرگ و هرآنچه که در گسترهٔ میان این دو حقیقتِ محسوس و محتوم متصوّر است.

بسـیاری از ادیبان ژاَپنی و پژوهندگان غربی تسُوره زُورِه گُوسـا را آئینهٔ روشن نمای روح و اندیشهٔ ژاپنی میشناسند، وَ شماری از ایرانشناسان دل آگاه سرزمین آفتاب این اثر را در ادب ژاپن همتای گلستان سعدی در زبان و فرهنگ ایران می‌دانند. این است که گزارش فارسی آن، ترجمهٔ هاشم رجب‌زاده، که در سال ۱۳۷۲ از سوی مؤسّسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی انتشار یافت، گلستان ژاپنی نام گرفت و برای هر قطعهٔ آن (که در اصل عنوانی ندارد) عبارتی از گلستان سعدی آورده شد. قطعه‌های زیر از این ترجمه برگرفته شده است.

فصل‌ها و جشن‌ها

قطعهٔ ۱۹ در ستایش جشن های نوروز و بهار است:

هر چند یک بار فصل دیگر شود و هر موسم نو در دل و جان ما شوری تازه ریزد. همه می‌پندارند که «گیرایی زندگی در پاییز پُرمایه‌تر از هر موسم دیگر است» ، و براستی نیز چنین است؛ اما باز در بهار، طبیعت جلوه‌ای دیگر و گیرایی و زیباییِ بیمانند دارد. سرود و سرور پرندگان، آمدن بهار را آواز می دهد وَ، همچنان‌که درخت و بوته‌های گُل در باغچه‌مان با گرمی دلپذیر آفتاب از نوجوانه می‌زند، بهار آرام آرام می‌رسد، مِه در هوا میپراکَنَدَ و شکوفه‌ها بر شاخه‌ها به جلوه درمیآید. اما در این میان باد و باران می گیرد، و از ریختن گلبرگها اندوهی گران بر دلمان مینشیند تا آنگاه که برگهای سبز درختان بردمد. از رایحهٔ شکوفهٔ نارنج بسیار گفته‌اند ، اما این عطر شکوفهٔ آلُوست که پرندهٔ خیالمان را عاشقانه به روزهای رفته پرواز می‌دهد. صفای نسترن زرد و زیبایی موّاج گل ویستریا را هم نمی‌توان از یاد برد و نادیده گرفت.

در موسم تولّد بودا و جشن کامو آنگاه که شاخه‌های نازک جامهٔ سبز و نو در بر می‌کند و بهار به درختان جانِ تازه می‌دمد، خوشدلی ما از زندگی و شور یارگیری و دلدادگَی، بارورتر از همیشه است. در ماه پنجم بامها و پرچین‌ها از گلهای سوسن پوشیده میشود، نشـاهای تازهٔ برنج را در شالیزار می‌کارند و زنجره‌ها یک بند آواز می‌خوانند. این حال چه شورانگیز است! در ماه ششم، جلوهٔ پوست زرد و مات کدوها در شب، و دود و آتشی که در کلبه‌های کوچک برای گریزاندن پشه‌ها برپا کرده‌اند دل‌انگیز است. در این ماه جشنهای بودایی نیز بسی زیبا است.

پس از آن، جشن تاناباتا چه پرشور است! سرانجام هنگامی که شبها رو به سردی دارد، فریاد غازهای وحشی به گوش میآید، و آنگاه که برگهای زیرین شبدر صحرایی رنگ می‌بازد، ساقه‌های زودرسِ برنج را می‌چینند و در شالیزار خشک می‌کنند. پاییز از





کنکو، نویسندهٔ تسُوره زُورِه گُوسا (بالا)، و نامه ای از او (پائین)

این گونه دلپذیریها بسیار دارد؛ اما، در برابر، چشم‌انداز بامدادی پس از تندبادِ شبِ دوشین چه ترسناک است!

اینِ وصَف‌ها از دیرباز در کتابهایی چون داستانهای گِن‌جی (به ژاپنی: گِنجی مونوگاتاری Genji Monogatari) و ماکُورا– نو–سوءِشی (Makura-no-Sôshi) فراوان آمده است، اما در تکرارش دل آزار نیست. اگر به وصف این حالها نپردازم شوق و احساس در دل انباشته شود؛ پس عنان قلم را رها سازم، هر چند که نوشته‌ام خیال‌پردازیِ پوچ و دور ریختنی باشد، و نه سزاوار گوشهٔ چشم کسی.

هان، بنگر که لطف چشـم‌اندازِ گرفتهٔ زمستان کم‌تر از دورنمای پاییز نیست. برگهای آتشی دَرخت افرا که پراکنده بر سبزه‌زارِ کنار دریاچه ریخته و شبنم صبحگاهَ بر آن نشسته و یخ زده، و بخَاری که از نِی های کنار جویبار برمی‌خیزد، چه دل‌انگیز است!

در ماه پایانی سال هر کسـی در تکاپو است. این روزها پرشورترین هنگام سال است. آسمان نیز پس از روز دوازدهم این ماه، با ماهِ بس سرد و صافش که هیچ کس به خیالِ تماشای آن نمی‌افتد، لَطفی بی‌مانند دارد. سپس هنگام نیایش‌ها و آَیین‌های دل‌انگیز و پرشـور می‌آید، مانند آیین «صدا زدنِ نامِ بوداها» و «پیشکش میوه‌های نوبرانه به نیاکان» کَه همزمانَ با آَماده شدن شتابزده برای بهاری که می‌آید ، برگزار می‌شود؛ که براستی دلپذیر است. هنوز «آیین راندنِ دیوان» به انجام نرسیده، امپراتور نیایش درود به چهارسو را انجاَم می‌دهد. این آَیین نیز بسیار شکوهمندَ است.

در آخرین شـبِ سال که چون قیر سیه‌فام است، مردم با مشعلی از کُندهٔ سروهایَ سوزان تا پاسی گذشته از نیمه‌شب کوی به کوی می گردند و درها را می کوبند. این کار برای چیسـت؟ آتشداران همچنان‌که بلند فریاد برداشته‌اند، از شُور و نیرو سرشارند و به هر سو می‌دوند؛ اما صبح که میرسد از اینهمه هایوهُو نشانی نیست . بدرود گفتن با سال کهنه چه شورانگیز است!

نیایش برای مردگان، یا آیینِ شبی که ارواح باز می‌آیند ، دیگر در پایتخت برگزار نمی‌شود هرَچند که در ایالات باختری هنوز این آیین برجا است. دریغ است که این رسم از یاد برود.

با دمیدن بامداد نوروز، با آن‌که آفتاب همان آفتاب دیروز است، حال و هوای ما بشگفتی دیگرگون شده است؛ و به دیدن کوی و بازار سال نو و آذین‌های درختِ کاج دلهامان از شور و شادی لبریز می‌شود.

هر چه به دل فرو آید، در دیده نکو نماید

قطعهٔ ۴۳ گلستان ژاپنی وصف نگاهی دزدانه به منظرهای دل انگیز در بهار است: آخر بهار بود و آسمان صاف و زیبا، در باریکه راهِ بیشه‌زار از کنار خانه‌اَی خوشساخت که انبوهِ درختان آن را در برَ گرفته بود می گذشتم. درختهای شکوفه در باغ گَل افشان بودند. ضلع جنوبی خانه که نورگیرهای حصیری پنجره‌هایش پایین بود، می‌نمود که آنجا کسی خانه ندارد، اما در سوی دیگر دری نیمه باز بود؛ و از شکاف پردهٔ حصیر نگاهم به مردی افتاد که از تبار والا می‌نمود، و با آن‌که بیست ساله نشان می‌داد، با وقارِ تمام، پاکیزه و آراسته نشسته و کتابی برابرش روی میز گشوده بود.

راستی او که بود؟ کاشکی او را می‌شناختم!

آئینِ خواندنِ پیامهای شادباش نوروزی در دربار

قطعهَٔ ۱۳۲ بهَ رسم قدیم خواندن آهنگین پیامهای شادباش سال نو برای امپراتور اشاره داَرد:

«جادهٔ جدید توبا» بعد از ساخته شدن کاخ توبا به این نام خوانده نشد، و از مدتها پیش این نام را داشت. در یادداشتهای شاهزاده ریهوءِ آمده اسـت که در بامداد نوروز که شاهزاده موتویوشی شادباشهای سال نو را نزدِ امپراتور می خواند، صدایش چنان طنین داشت که از تالار مشاورهٔ سلطنتی تا دوردستها و در جادهٔ جدید توبا نیز شنیده میشد.

چون به درخت گل رَسَم...

قطعهٔ ۱۳۹ با وصف شکوفه های بهاری آغاز می شود:

کاج و گیلاس درختهایی است که دوست دارم در حیاط خانه‌ام باشـد، از کاج‌ها، پنج سوزنی آن بهتر است؛ و درخت گیلاس هم تک شکوفه‌اش بهتر از دو شکوفه است. گیلاس دو شکوفه را قدیم، در پایتخت–نارا–می شد یافت، اما این روزها در بیش‌تر جاها دیده می‌شود؛ گیلاسهای یوشینو... تک شکوفه است. گیلاس دو شکوفه نمایی غیرعادی دارد و درختی است وحشی و خودرُو که کاشتنش لطفی ندارد.

ادامه در صفحه۵۵

یادداشت

چرا از گذشته خود برای آینده می هراسیم؟

از طبیعت بیاموزیم



■ منوچهر دین پرست

سراسر زندگی آدمیان سرشار از تضاد و کشمکش بوده و کمتر دورانی را و یا شـــاید بتوان گفت هیچ زمانی تقابلی میان دو زمان صورت نگرفته است. اما ما در جهانی زندگی می کنیم که زیست آن را آدمیانی تعیین می کنند که تارخ ساز و یا دوران ساز هم هستند کسانی که تاریخ برای آنها به مثابه تقویم و زمان نیست بلکه ترکیبی از گذشته و آینده است. اگرچه برای تاریخ سازان سرزمین ما گذشته بیشتر معنا داشته تا آینده. گویی گذشته برخی از سرزمینها آینده ما ست.

اما دوران ما دوران سرنوشـــت اســـت چرا که ما در این دوران زیســـت می کنیم و نمی توانیم خود را برهوت توهم گذشته و آینده مدفون کنیم. والتر بنیامین، فیلسوف و جامعه شناس آلمانی، می گوید: «گذشته حامل نوعی نمایه زمانی است که از طریق آن به رستگاری رجوع می کند». این عبارت بنیامین منطق صحیح تاریخ را برای ما روایت می کند و ما نمی توانیم فارغ از این منطق و در جهان پر از افراط و تفریط سپری کنیم. در زندگی انسانها آسانترین و پرترددترین راه، راه افراط و تفریط است و در مقابل، هیچ راهی به اندازه راه اعتدال و مدارا، دشواریاب و تیره و پرپیچ و خم و حتی صعب العبور نیست. ما را جهان سومی نامیده اند.

اینکه باور کنیم که در منطق تاریخ در کجای این جهان سومی هستیم خود نیازمند بحث جدی و تعمقی ژرف در این موضوع دارد اما باید باور کنیم که در جهان جدید، تمییز و تفکیک افراط و تفریط از اعتدال موقوف به شناخت اوصاف این جهان و امکانهای آن است و با بیان تعاریف اعتدال و مثلاً اینکه اعتدال حد وسط میان افراط و تفریط است، بی اعتدالی از میان نمی رود بلکه با رضایت و اکتفا به این حرفها شاید مشکل پیچیده و غامض تر و حتی در سایه نیز قرار گیرد. نسیم اعتدال در طوفان افراط و تفریط چند ســـالی است که در این نقطه تاریخ که در آن هستیم در حال و هوای سیاست بیشتر وزیده و کمتر توانسته ایم این نسیم را به حصار محکم افراط و تفریط را بشکنیم و فضای اعتدال و آزادی را گشایش دهیم.

اگر می گویم کمتر توانسته ایم دلیل آن این است که هنوز



جهان معرفتی ما با واژه های بسیاری درگیر است و نمی تواند راه برون رفت خود را بیابد. کدورت افراط و تفریط فضای کره محیط را تیره و تار کرده است.

فضای ذهنی متحجران و دگم اندیشان تاریخ را برای ما سیاه کرده اند و کمتر زمانی را می یابیم که روزی در آن خبری از مرگ نباشد. مرزهای جغرافیایی ما از نسیم اعتدال هنوز دور است. طعم فضیلت انسانی را با زخمتی رذیلت به خوبی احساس می کنیم.

اما جهان ما نباید سیاه باشد. راه برون رفت ما راه ویرانی و انتحار و به تماشـــای مرگ نشستن نیست. طبیعت به ما آموخته که چگونه نسیم اعتدال می تواند طوفان افراط و تفریط را آرام کند. به تعبیر میشـــل هانکه، موسیقی دان، «جایی که تفکر به بن بست می خورد، موسیقی آغاز می شود». موسیقی اعتدال و مدارا، شرایط و امکانهای زیادی را برای ما می سازد که می توانیم آنها را با منطق حقیقت و طبیعت منطبق کنیم و سرآمد زیستی دوباره را در فصلی نو و سالی نو دوباره جانی جدید دهیم.

اما باید بپذیریم که منطق حقیقت بدون توجه به اخلاق و منطق اجتماعی پذیرفته شده نیســـت. باید بدانیم که با رفتارهای احساسی فردی و گروهی نمی توانیم صحبت از آزادی خواهی کنیم در حالی که گروه مقابل واجد همه عیبها و زشتیها و گاهی عین عیب و زشتی است و. منطق آنها سراسر رذیلت است. به این جهت است که آنها زبانشان پر از سخن ناسزا و دروغ است هرچند که قصد دروغ گفتن نکرده باشند. هیچ یک از دو گروه نه فقط نظر دیگری بلکه وجود او را هم تحمل نمی کند.

بـــه این جهت چـــه بدانند و چه ندانند منشـــی را می‌پسندند و اعمال می کنند که سیاست بدون تفکر است. هر دو گروه دیگری را مستحق نابودی می دانند. گروههایی از آرمان خواهان افراطی چون از لوازم امور سیاسی غافلند و سیاست را با حقیقت اشتباه می کنند، در سیاست و اداره امور دچار تفریط می شوند زیرا هنوز نمی دانند که «آرمان» و «امید»، حافظ و ضامن دوام و بقاء جامعه است و شیوع فساد و نادرستی و دروغ و بیماری و بی نظمی و فقر و گسیختگی پیوندها و روابط اجتماعی و بی سامانی فرهنگ، نظام دورانی که در آن زندگی می کنیم به نابودی می کشـــاند و آرمان و امیدمان را مدفون می کند و ما شاهد دست و پا بسته انتحار «انسانیت» هستیم.

از طبیعـــت بیاموزیم که مـــرگ را در کالبد زندگی نمی دمد و سراسر ســـردی را به روح افزایی و نوازش می کشاند. اکثریت به دور دستها نظر نمی کنند بلکه آنها همین اطراف را می بینند. اقلیت همیشـــه و در همه زمانها به آن رستگاری فکر می کنند. اما همواره جرات اندیشدن دارند. جهل و ناتوانی را آزمودن و آن را پذیرفتن شجاعت می خواهد یا نشانه ظهور شجاعت و عدالت در وجود مردمان است. اگر این را ندانیم و همه مسائل را با نظر خود و فکر خود قابل حل بدانیم، به جایی نمی رسیم.

مدارا چشم نواز اســـت اما مرغ زیرک آن است که در دام خودرأی و خودبین مستبدان و اهل استبداد رسمی نیفتد و ستایشگر گذشته نوستالژیک خود نباشد و از سوی دیگر نظاره گر انتحار معنای زندگی نیز نباشد. راه همواره طولانی است. اما انسانها خرابه های نابودی را با شادی و امید دوباره ساخته اند باز هم خواهند ساخت. همانطور که طبیعت دوباره ساخته است و کسی از این همه تکرار مکرر تاریخ طبیعت خسته و آزرده نشده و اسیر ملال نشده است.

وصف بهار و نوروز در ادب قدیم ژاپن

ادامه از صفحه ۵۴

گیلاس دیر شکوفه هم گیرایی ندارد... .

از درختهای آلو، شـــکوفهٔ سفید و شکوفهٔ صورتی را بیش‌تر می‌پســـندم. تک شکوفهٔ آلو که زود باز می‌شود و رایحهٔ مطبوعِ گیلاس قرمزِ دو شکوفه، هر دو دلپذیراند. اما آلوی دیررس که در موسمَ گیلاس شکوفه می‌زند، در پیش شکوفه‌های گیلاس چندان جلوه‌ای ندارد، و در واقع در این شکوفه‌ها گم می‌شود. نیز، شـــکوفه‌های آلوی دیُررس که بر شـــاخه‌ها می‌پژمُرَد نمایی دل‌آزار دارد. کیوءگوکُو ، رایزن میانپایه و راهب، نزدیک ایوان خانه درختهای تک شکوفهٔ آلو کاشت، و می‌گفت که این آلوها که زودتر از درختهای دیگر گل می‌دهد و زمین را گل‌افشان می‌کند بسی دل‌انگیز است. دو آلوی تک شکوفه از درختهایی که او کاشت هنوز در کنارهٔ جنوبی خانه‌اش در کیوءگوکُو مانده اســـت. درخت بید نیز بسیار خوشمنظر است، و برگهای تازه‌رستهٔ افرا هم در آغاز ماه چهارم سال دوست‌داشتنی‌تر از همهٔ شکوفه‌های بهار یا برگهای آتشی پاییز می‌نماید. پرتقال و درخت غار نیز هرچه تنومند و کهنسال‌تر باشند دیدنی‌تر و دلپذیرتراند.

از بوته‌های کاشـــتنی بهتر از همه گُلِ سُرخ، گلیسین، زنبق و سوسن و گل میخک است، و در بِرکه‌ها نیلوفر آبی بهترین نما را دارد... .

بهارِ زودرس

در قطعـــهٔ ۱۵۵ وصفـــی زیبا از بهـــار زودرس و شکوفه های پایان زمستان می یابیم:

در ماه دهم سال، هوا چندگاهی چون بهار می‌نماید، چمن سبز رنگ می‌شـــود و درختهای آلو جوانه می‌زند. در برگ‌ریزان زمستان نباید پنداشت که درختان خفته‌اند و فقط پس از سرما و موسم برگ‌ریزان جوانه می‌زنند. برگهای پیر از شاخه می‌افتند زیرا که در برابر جوانه‌هایی که از زیر برمی‌دمد تاب ماندن ندارند. جوهر و مایهٔ این دگرگونی در دل و جان گیاه است. درخت بازشکفتن خود را جشن میگیرد، و تند جامهَٔ نو در بَر می‌کند.

توالی مراحل حیات آدمی، و گردش زندگی به پیری و بیماری و مرگ، از این نیز پرشتاب‌تر است.

گُلهای فروردین و اردیبهشت

قطعهٔ ۱۶۱ از شکوفه‌های دیررَس سخن میگوید:

گویا شـــکوفه‌های گیلاس صد و پنجاه روز پس از کوتاه‌ترین روز زمســـتان (۳۱ اردیبهشت) یا هفت روز بعد از «بامـــدادی که تفاوت نکند لیل و نهـــار » (۸ فروردین) بیش‌ترین شـــکوفایی و جلوه‌گری را دارد. پس بجا خواهد بود که این موســـم را هفتاد و پنج روز بعد از میان زمستان (۳۰ فروردین) بدانیم.

مرغ خوشخوانِ بهار

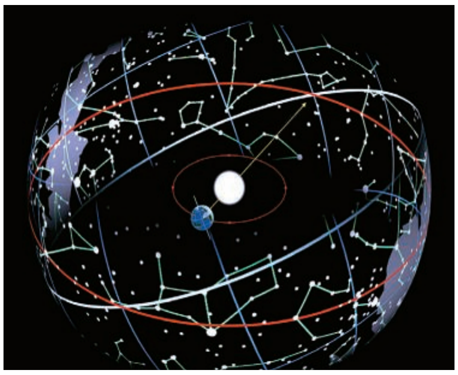
قطعـــهٔ ۲۱۰وصفی دارد از مرغی خوش آواز که پیام آورِ بهار است:

در وصفِ یوبُوکو- دوری همین اندازه شنیده‌ایم که آوازش در بهار به گوش می‌رســـد؛ اما در هیچ کتابی نیامده که این دقیقاً چه نوع پرنده‌ای اســـت. یکی از متونِ مکتب بودایی شین‌گون فصلی دارد در شرح آیینِ دعوت اَز ارواح درگذشتگان که «هنگام نغمه‌سرایی یوبُوکَو ـ دوری» برگزار می‌شود. این اشاره به «نوئه» یا مرغ شب است.

یک شـــعر بلند در مجموعهٔ مانیوءشُوء که چنین آغاز می‌شود

کاسُو مـی تـاتـسوُ: رمه‌های مه بهاری شناوراند
ناگاکی هارُو ـ بی‌نو: و روزها بلندتر می‌شود

نیز به این مرغ اشاره دارد. از این قرینه پیداست که یوبُوکو ـ دوری و «مرغ شب» کم و بیش همانندند.



بهار

اعتدال بهاری در متون کهن نجومی

اعتدال بهاری

■ فاطمه رأفتی

در متون کهن نجومی از اعتدال بهار سخن به میان آمده و به این صورت تشریح شده است:

اعتدال دو نقطه تلاقی استوای سماوی با دایره البروج که شامل نقطه اعتدال بهاری باشد و متقابلا نقطه اعتدال پاییزی و در مختصات سماوی نقطه اعتدال بهاری (حمل) مبدأ فرض شود با این تفاوت که نیم‌دایره اعتدال در مختصات استوایی عمود بر استوای سماوی باشد. و در مختصات دایره البروجی عمود بر دایره البروج.

اما در تلقـــی های جدید اعتدال بهاری به این صورت مطرح می شود:

دایره آبی استوای ســــماوی و دایره زرد مسیر ظاهری حرکت خورشید(دائره البروج) را نشان می‌دهد. نقطه برخورد این دو، اعتدال بهاری یا اعتدال پائیزی است.

به دلیل گردش زمین به دور خورشید، از دید ناظر زمینی چنین به نظر می‌رسد که خورشید در طول سال در حال ورود و خروج به صورت‌های فلکی واقع در دائره البروج است. ورود خورشید به برج حمل در تقویم ایرانی لحظه تحویل سال دانسته شده.

اعتدال بهاری یا هموگانِ بهاری (در نیم‌کره شمالی) در ستاره‌شناسی به لحظه‌ای گفته می‌شود که خورشید از دید ناظر زمینی از صفحه اســـتوای سماوی می‌گذرد و حرکت خود به سمت شمال آسمان را در پیش می گیرد. اعتدال بهاری یکی از دو اعتدالی زمین است که در هر سال رخ می‌دهد . می دانیم که اعتدال دیگر اعتدال پائیزی است. اعتدال بهاری در نیم‌کره شمالی برابر است با اعتدال پائیزی در نیم‌کره جنوبی. حرکت زمین به دور خورشید در هر سال باعث می شود تا ناظر زمینی تصور کند خورشید روی یک مدار دایروی که با مدار استوای زمین ۵ ر۲۳ درجه اختلاف دارد، به دور سیاره ما می‌چرخد. در این میان چهار نقطه از مدار فرضی گردش خورشید به دور زمین بسیار مهم می‌شود. دو اعتدال بهاری و پاییزی که محل تلاقی دو مدار گردش خورشید به دور زمین و دایره استوای سماوی است و دو انقلاب تابستانی و انقلاب زمستانی که به نظر می‌رسد خورشید در بیشترین ارتفاع نسبت به استوای سماوی قرار گرفته است.

جشن باستانی نوروز از لحظه تحویل سال در نیمکره شمالی شروع می‌شود. در گذشته، با به دست آوردن احکام نجوم هر فصل سال، زمان تحویل خورشید را به برج آغازین آن فصل درنظر می گرفتند و از همین روی تحویل ســـال و آغاز فصل بهار، هنگام ورود خورشـــید به برج حمل در دائره البروج یا آغاز برج حمل بود. امروزه به کمک ابزار مدرن می‌توان لحظه رسیدن خورشید به نقطه اعتدال بهاری را به طور مستقیم و با دقت زیاد محاسبه کرد و در این لحظه، مختصات دائره البروجی خورشید، صفر فرض می‌شود.

شعر زیر از بدرالدین چاچی به مضمون اعتدال بهاری اشاره دارد:

آهوی آتشین روی چون در بَره درافُتد
کافور خشک گردد با مُشک تر برابر

در این شعر آهوی آتشین، خورشید است (آهو در ادبیات کهن فارسی نماد بهار و شیر نماد زمستانست) که نقطه اعتدال برج حمل (بره) وارد می شود و روز (کافور خشک) با شب (مشک تر) با هم برابر می‌شوند. گفتنی است در ۲۱ مارس سال ۱۹۷۱ او تانت، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، روزی را که اعتدال بهاری در آن رخ می‌دهد، «روز زمین» نام نهاد و از آن پس سازمان ملل و بسیاری از کشورها این روز را جشن می‌گیرند و ســـعی در گسترش آگاهی در مورد لزوم حفظ محیط زیست در زمین می‌کنند.



سنگ‌نگاره‌ای در تخت جمشید که نمادی از نوروز زرتشتیان را نشان می دهد. در اعتدال بهاری در روز نخست نوروز، نیرو و توان شیر و گاو در حال نبرد برابر است. شیر نماد خورشید و گاو نماد زمین است.





درنگ

زمان و مکان چگونه مقدس می‌شوند

جشن و جشنواره

■ دکتر مینو امیرقاسمی

واژه جشن از اصل اوستایی یَسن/یَسنَه، به معنای ستایش و پرستش است و عموماً آیینی است برای بزرگداشت یک رویداد واقعی یا اساطیری (معمولاً) خوب.

ایـــن واژه در اغلب موارد، در همان معنی عید نیز به کار می‌رود. به طور کلی، در تمامی جوامعی که جشن‌های گوناگونی در آنها برپا می‌شـــود، جشـــن با خواندن دعاها و سرودهای (اغلب) مذهبی، دعا برای درگذشتگان و متبرک کردن انواع و اقســـام خوراکی‌ها و مانند آن، آغاز می‌شود؛ سپس به شادی و سرور و خوردنی خوراکی‌های ویژه که به نوعی تبرک یافته‌اند؛ می‌پردازند.

انتخاب یا تعیین روزهای ویژه جشن، هر یک برای خود دلیل، بهانه یا فلسفه‌ای دارد که مردمان با تکیه بر آنها، جشن‌های عمومی یا خصوصی خود را پایدار و قابل تکرار می‌کنند.

برخی از این جشن‌ها به ستایش و پرستش نیروهای طبیعت اختصاص دارد؛ بعضی به ستایش عناصر طبیعت، مانند آب، باد، آتش، گیاه و مانند آن؛ برخی به آغاز و پایان رویدادی مذهبی؛ تعدادی از جشن‌ها بار سیاسی دارند و به آغاز حکومتی خاص یا بزرگداشت پیشوایی عزیز یا مقتدر تعلق می‌گیرند. دسته دیگر از جشن‌ها به بزرگداشت قهرمانان ملی، دینی، حماسی، قومی و بخش دیگری به رویدادهای زندگی شخصی افراد، مانند تولد بچه، ازدواج یا موفقیت‌های زندگی متعلق است.

در بسیاری از جوامع حتی جشن هایی در قالب مراسم و آیین‌های ویژه برای درگذشتگان برپا می‌شود که از حوزه مراسم شخصی خارج است و به شـــکل یک آیین همگانی برگزار می‌شود. (مثلا عید رغایب)

در بعضی از زبانهای دنیا نیز کلمه‌های مربوط به جشن و جشـــنواره، با مفاهیم سور و ضیافت و بزرگداشت و مانند آن هم‌ریشه‌اند. به عنوان مثال، فســـتیوال (= جشنواره)، در زبان انگلیسی یا در زبانهای هم ریشـــه با لاتین، از واژه feast (= سور) گرفته شده است و همانطور که اشاره شد، همه جشن‌ها با تقدیس و تبرک مواد غذایی نیز همراه‌اند.

همراهی نیایش با ضیافت نشان‌دهنده اهمیت بزرگداشت اولیه چیزهایی است که با معیشت و حیات بشری پیوند دارد و در ادامه، بیانگر آن است که انسان برای حفظ و تداوم زندگی مادی و معنوی خود، نیازمند عناصر و عواملی است که با ستایش و نیایش آنها، از آنها مراقبت و از حیات خود محافظت کند.

انجام تمامی مراسم، آیین‌ها، خورد و خوراک‌ها، پایکوبی‌ها، شادی و سرورها، همگی در واقع به ساحت عوامل و عناصری هدیه می‌شود که حیات بشری به وجود آنها نیازمند است.

جشن‌های محدود به یک خانه یا خانواده، اغلب شکل عمومی و مراسم عمومی ندارند و خانواده‌ها بیشتر با سلیقه خود یا مطابق سنت‌های فرهنگی خویش، با تفاوت‌هایی نه چندان اساسی، آنها را برپا می‌کنند. در اغلب این جشن‌های خانوادگی نیز خورد و خوراک زیاد، شادمانی کردن، پوشیدن لباس‌های نو، هدیه دادن‌ها و گرفتن‌ها و یا انجام مراسمی آیینی (مانند پهن کردن سفره‌های ویژه، قربانی کردن‌ها، حمام‌های تطهیر و ...) به جشن‌ها صورتی تقریباً یکسان می‌دهد که با فلسفه وجودی جشن همراه است.

جشنواره (= فستیوال)، جشنی است (معمولاً) فرهنگی که در فاصله‌های زمانی معینی برگزار می‌شود. جشنواره‌ها در روز یا دوره‌ای معین از سال و در همان محل دائمی به منظورهای خاصی که اغلب مذهبی است با ریشه کهن‌سال آن در باورهای دینی/اسطوره‌ای نهفته است برگزار می‌شود.

تعدادی از جشنواره‌ها در سطح بین‌المللی مطرح می‌شوند (المپیک ـ جشن‌های سال نو ـ جشن‌های نیکوکاری ...) و برخی از آنها در کشورها، شهرها یا مناطق معینی از طرف نهادهایی تعیین و برپا می‌شوند. شاید یکی از تفاوت‌های اصلی جشن‌ها با جشنواره‌ها، نحوه‌ی برگزاری آنها باشد.

جشن‌ها لزوماً با گردهم‌آیی و تشکیل مجامع عمومی همراه نیستند و اغلب حتی جشن‌های مذهبی و ملی نیز با تمام عمومیت داشتن آنها، به طور شخصی نیز، در محدوده‌ی خانواده‌ها برگزار می‌شود (جشن‌های سال نو، اعیاد مذهبی و...). ولی جشنواره‌ها با تعیین روز یا دوره‌هایی معین از طرف سازمان‌ها یا نهادهای اغلب دولتی، برپا می‌شوند.

چرا جشن می‌گیریم و چرا جشنواره برگزار می‌کنیم؟

بسیار پیش از آنکه ثانیه‌ها و دقیقه‌های ساعت، زمان را به برش‌های کوچک تقسیم کند، و پیش از آنکه تقویم‌های شمسی و قمری و جز آن، روزها و ماه‌ها و سال‌ها را در چرخه‌ی نظم خود بچرخانند و ســـال‌ها را با تاریخ‌های مشخصی بسازند، انسان در ابتدایی‌ترین شکل حیات خود نیز نیاز به تعیین زمان داشت. نیاز داشت برای رویدادهای طبیعی، نشانه‌هایی در زمان و مکان قرار دهد؛ زیرا بدون این نشانه‌ها، حافظه‌ای برای استفاده و یادگرفتن از قوانین طبیعت به منظور ســـاختن زندگی خود نمی‌داشت.

زمان در معنای عام آن برای این انسان، براساس رویدادهای

> **همراهی نیایش با ضیافت نشان‌دهنده اهمیت بزرگداشت اولیه چیزهایی است که با معیشت و حیات بشری پیوند دارد و در ادامه، بیانگر آن است که انسان برای حفظ و تداوم زندگی مادی و معنوی خود، نیازمند عناصر و عواملی است ...**

طبیعی نشانه‌گذاری می‌شد؛ چنان که برای فرد، زمان در معنای خاص آن، براســـاس حوادث زندگی او تعیین می‌یابد. امروزه نیز اگر به شیوه‌ی زمانبندی یا نشانه‌گذاری زمانی افراد کم‌سواد یا بی‌سواد بنگریم، می‌بینیم که زمان را بر پایه‌ی اتفاقاتی چون عروسی، مرگ، آغاز و پایان بیماری نزدیکان، تولد کودکی در خانواده و مانند آن تقســـیم می‌کنند و حافظه‌ی خود را بر آنها استوار می‌سازند.

مراســـم و آیین‌های مربوط به نیایش و ستایش نیروهای طبیعت، ماوراء طبیعت و یا دستاوردهای بشری در تکرار تاریخی خود، در قالب جشن‌ها و جشنواره‌هایی یادآوری می‌شوند و تداوم و استمرار می‌یابند.

اغلب این گونه مراســـم و آیین‌ها، به ویـــژه آنها که با طبیعت مرتبط‌اند، ریشه‌های مذهبی دارند و جزو آداب و رسوم دینی اقوام مختلف محسوب می‌شوند؛ اگرچه در اغلب موارد ممکن است به نظر برسد که رنگ و بوی مذهبی ندارند ولی سرچشمه‌ی آنها بی‌تردید در ترس‌ها و امیدها، در نیایش‌ها و ستایش‌ها، در جذب و دفع نیروهای خیر و شرّ نهفته است و زمانی که این جشن‌ها و بزرگداشت‌ها با دستاوردهای بزرگ انســـان پیوند می‌خورد، در واقع آداب و رســـوم و آیین‌های برگزاری جشن‌ها و جشنواره‌ها تقدیم می‌شود به آن شخص (پیامبران، امامـــان، بزرگان دینی، اجتماعی و...) یا آن رویداد و پدیده‌ای که تأثیری اساسی در کیفیت زندگی انسان‌ها و رشد و بالندگی زندگی مردمان به جا گذاشته است (کتاب، انواع مختلف هنرها، آثار علمی، فرهنگی و...).

کار و کوشش، شـــادمان ساختن انسان‌ها، و حتی دیگر موجودات و پرورش گیاهان خوب و مانند آن، همه از کارهای مقدس به شمار می‌آیند. آن دوره‌ی زمانی که اغلب به آغاز و یا پایان چنین فعالیت‌هایی تعلق می‌گیرد نیز مقدس محسوب می‌شود و برای بزرگداشـــت چنین زمان‌هایی یا پدیده‌ها و رویدادهایی است که به افتخار آنها جشن‌ها برپا می‌شود.

این گونه جشـــن‌ها عموماً با اسطوره‌های خاص خود می‌آمیزند و آیین‌های ویژه‌ای برپا می‌شود که اغلب در طول زمان دارای معنای عمیق و کاربردهای اجتماعی و فردی ـ روانشناختی خود می‌شوند.

در برگزاری جشن‌ها و جشنواره‌ها، غیر از مایه‌های دینی در آنها، تاریخ و اسطوره‌ی ملت‌ها، خاطره‌های قومی و حماسی، یاد قهرمانان ملی و مانند آن، نقش اساسی بازی می‌کنند.

«زمانی» که قداســـت در آن تجلی می‌یابد، بر واقعیات مختلفی دلالت دارد. ممکن است به معنی زمانی باشد که زمان برگزاری رسم و آیینی است و بدین علت آن زمان، زمانی قدسی، یعنی زمانی ذاتاً متفاوت با زمان دنیوی باشد (مانند زمان‌هایی که به انجام عبادت یا نیایشی تعلق می‌گیرد) و نیز ممکن است منظور از زمان قدسی، زمانی اساطیری باشد که گاه از طریق آیین، اعاده و بازیافته می‌شود، (مانند روزها یا دوره‌هایی که به سال نو تعلق می‌گیرد، یا به کشف و پیدایش عنصری اساسی در زندگی بشر، مثل آتش، اختصاص پیدا می‌کند) و گاهی از طریق تکرار ساده و مختصر عملی که دارای صورتی اساطیری است، واقعیت می‌یابد (مانند زمان‌های برگزاری سنت‌ها و مراسم مربوط به ازدواج، مرگ یا مانند آن) و سرانجام ممکن است زمان قدسی دلالت بر وزن و آهنگ‌های کیهانی (مثلا تجلیات ماه، ستارگان...) که آنها پایه و اساس کیهان تلقی می‌شوند.

بدین ترتیب، هر لحظه یا پاره‌ای از زمان هر لحظه ممکن است محل تجلی قداست شود. کافی است که در آن لحظه یا پاره از زمان، قدرت، قداست یا الوهیت تجلی کند تا آن لحظه از زمان تقدس پیدا کند و بر اثر تکرار و تجدید، یادآوری شود و در نتیجه تا بی‌نهایت قابل تکرار باشد (الیاده ۱۳ص: ۳۶۶).

در مجموع می‌توان تقدس یا بی‌زمان را به دو جریان کلی وابسته دانست: اول اینکه رویدادها یا قوانین ثابت طبیعت، آغاز یا پایان آنها یا نحوه‌ی تأثیرگذاریشان در زندگی انسان، آن پاره از زمان را قداست می‌بخشند. دوم اینکه رویدادها و آیین‌های برخاسته از زندگی اجتماعی مردمان، زمان‌های انجام خود را یا منطبق با زمان‌های طبیعی می‌کنند یا همانند قوانین طبیعت، به هستی خود ثبات، دوام و استمرار می‌بخشند و به این ترتیب صاحب قداست می‌شوند.

گفتگو

ما ایرانی‌ها از بیرون چگونه دیده می‌شویم

ایرانی؛ پرباری و قناعت

■ گفتگو با پرفسور ریکاردو زیپولی

*** نخست با ما کمی از زیپولی بگویید: تولد، تحصیلات، دیدگاه‌ها، کارها و آرزوها تابعد به بحث اصلی برسیم: زندگی ایرانی از منظر یک عکاس ایتالیایی.**

بیان آرزوها، فرصت زیادی می‌طلبد، اما تولد کار آســـانی اســـت! تولدم سال ۱۹۵۲میلادی است در شهر توسکانا، نزدیک فلورانس، در پراتوی ایتالیا. بعدها برای تحصیل به ونیزمنتقل شدم و در دانشگاه ونیز درس خواندم؛ یعنی در سال ۱۹۷۲. همان سال اسم‌نویسی کردمو برای اولین بار به ایران آمدم و این تحت تأثیر استاد بزرگم روبرتو اسکارچا بود که زبان وادبیات فارسی تدریس می‌کرد.

او، همان اول مرا قانع کرد که به ایران بیایم و گفت: کشوری که می‌خواهی زبان وفرهنگش را بخوانی، باید بروی ببینی چگونه کشوری است. من همان ســـال به ایران آمدم وبه‌قدری از ایران خوشم آمد که قابل توصیف نیست و دیدم انتخابم درست و منطقی بوده استو من باید همین رشته را ادامه دهم.

آن زمـــان ما با اتومبیل از ایتالیـــا راه می‌افتادیم و از طریق یوگسلاوی و ترکیه به ایران‌می‌آمدیم. من حدود دو ماه در ایران توقف کردم و به همه جای آن ســـر زدم. البته در آن زمان‌ایران را نمی‌شناختم، ولی به جاهای مهم سفر کردم: اصفهان، کرمان، یزد، شیراز، آذربایجان وسیستان و بلوچستان و... بعد به ایتالیا برگشتم و به تحصیلاتم در زبان فارسی ادامه دادم.

در سال ۱۹۷۴ یک بورس تحصیلی یک‌ساله گرفتم و به ایران آمدم و با استادان بزرگ‌از قبیل آقایان: خطیب رهبر، منوچهر ستوده و استاد جعفر شهیدی دوره‌ای را گذراندم. آن‌زمان بزرگانی بودند که با خارجی‌ها کار می‌کردند و من از این جهت خیلی خوش‌اقبال بودم.در این سفر دو ماه در ایران ماندم و با اتمام بورس تحصیلی، به ایتالیا برگشتم و یک سال بعد،فارغ‌التحصیل شدم. همان سال در کنکوری که برای استادیاری کرسی زبان و ادبیات فارسی گذاشته بودند، پذیرفته شدم و از آن وقت، تدریس زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه ونیزشروع کردم؛ یعنی چیزی حدود سی و سه سال.

*** علت اینکه ایران شما را جذب کرد، چه بود؟**

ادبیات و طبیعت. کشور شما، هنری‌ترین کشور دنیاست و جالب‌ترین منظره‌ها را دارد.نه اینکه فقط زیبا باشد، بلکه تنوع دارد. زیبایی فرمول ندارد تا من بتوانم آن را برایتان وصف‌کنم. ایتالیا هم زیباست و جنگل دارد، اما طبیعت شما دو حالت متفاوت دارد که باهم ترکیب‌شده است: یکی مرتب و منظم بودنش است و یکی هم شاعرانه بودنش؛ یعنی شعر و هندسه درکشور شما با‌هم ترکیب می‌شود و این مهم خیلی به ندرت رخ می‌دهد. مثلاً تک‌درخت روی‌تپه، درست است که منظم و زیباست، ولی در درونش شعری نهفته است و ما از خود می‌پرسیم:این تک درخت، روی این تپه چه می‌کند؟ چه کسی آن را کاشته است و چرا اینجاست؟ علاوه‌بر ترتیب و تنظیم، در آن شعر و عشق هم هست. یک ترتیب و عشق دست‌ساز نیست، عشق‌وحشی هم نیست، بلکه تازگی است. مناظر ایران پر از تازگی است.

من بعد از اینکه متوجه این حالت شدم، در تمام دنیا دنبال این حالت به جستجوپرداختم و در کشورهای دیگر هم پیدا کردم، مثل یمن، مکزیکوسیتی و کشورهای دیگر که از آنها عکس انداخته‌ام. به عبارت دیگر من ایرانیّت را در کشورهای دیگر هم پیدا کردم، از بس که این خصوصیات ایرانی برای من مهم بوده و نقش مهمی در نگرشم ایفا کرده است. این ازطبیعت. اما شما بعد از اینکه ایران را شناختید، با جنبه‌های دیگری نیز آشنا می‌شوید.

در دنیا کمتر کشـــوری را می‌توان یافت که اینگونه باشد. ایرانی‌ها به صورت‌شگفت‌انگیزی در چند زمینه مهم هنری فعالیت می‌کنند: گرافیک، سینما، عکاسی، موسیقی،شعر. ایران در تمام زمینه‌های هنری قابل توجه اســـت. این یک امر مشخص است.



کافی است به‌سینما فکر کنید! سینمای ایران در دنیا معروف است و جایگاه خاصی دارد.

*** آقای زیپولی! شما علت این موضوع را که بازگشت آن به هنر است، چه می‌دانید؟**

تمدن دیرین و قدیمی. کشوری که چنین تمدنی دارد، ریشه‌ای دارد که از بین نمی‌رود.ایتالیا و تمدن رومی نیز همین‌طور است. تمدن کهن و غنی عامل این موضوع است، چیزی که کاملاً مشخص است و من شکی ندارم، وگرنه این پرباری و قناعت و این زندگی که الآن در بین‌مردم ایران وجود دارد، وجود نمی‌داشت.

*** آن وقت با توجه به تخصصی که دارید، دوست دارم بدانم شما شعر ایران را چگونه‌می‌بینید؟**

> **آن زمان ما با اتومبیل از ایتالیا راه می‌افتادیم و از طریق یوگسلاوی و ترکیه به ایران‌می‌آمدیم. من حدود دو ماه در ایران توقف کردم و به همه جای آن سر زدم. و به جاهای مهم سفر کردم: اصفهان، کرمان، یزد، شیراز، آذربایجان وسیستان و بلوچستان و...**

این سؤال، دامنه وسیعی دارد، ولی همانطور که گفتم، ادبیات ایران، از ادبیات‌های کهن‌است. در مجموع، من بر این باور هستم که شعر به اضافه هندسه، به اضافه عشق مخصوص ایران است.

*** اجازه بدهید سؤال را اینگونه طرح کنم که اگر بخواهید ادبیات قدیم و جدید ایران‌را با هم مقایسه کنید، چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟ منظورم ادبیات کلاسیک و مدرن است.**

راستش من بیشتر دَرباره ادبیات کلاسیک ایران کار کرده‌ام و کمتر با ادبیات مدرن‌سروکار داشته‌ام. من ترجیح می‌دهم روی شاعران معروف کار کنم، چون عمر آدمی کوتاه‌است و نمی‌توان در باب همه شاعران ایران کار کرد، به تعبیر ایرانی‌ها در آن صورت آدم‌می‌شود: همه‌کاره و هیچ کاره! باید انتخاب کنید! در میان شاعران کلاســـیک نیز باید انتخاب‌کرد و من از این رهگذر متوجه بیدل دهلوی شدم.

استاد بزرگی دارم به نام عثمانوف که روس است و قرآن را هم به روسی ترجمه کرده‌.او می‌گفت: «وقتی به سی سالگی رسیدی، جهت و برنامه‌ات را مشخص کن و دو سه موضوع‌را انتخاب کن و روی آنها کار کن و روی یک برنامه متمرکز شو»! شاید بتوانم ادبیات‌کلاسیک و مدرن را با هم مقایسه کنم، ولی بی‌فایده است و یک نظر تخصصی نخواهد بود.هستند استادهایی که درباره روابط این دو ادبیات کار کرده‌اند. من بیشتر کلاسیک کار کرده‌ام والبته از اختلاف و تفاوت این دو ادبیات آگاه هستم، ولی ترجیح می‌دهم از کلاسیک صحبت‌کنم.

در دوره جدید شاعران زیادی نیستند که توجه مرا به خود جلب کنند و البته این بدان‌معنا نیست که شما در دوره جدید شاعران خوبی ندارید، بلکه سلیقه من این گونه است. ازمیان معاصران، من سهراب سپهری را دوست دارم و اشعارش را به زبان ایتالیایی هم ترجمه‌کرده‌ام، ولی با آثار شاملو و... کار نکرده‌ام و تنها در کلاس‌هایم به آنها اشاره داشته‌ام، امادرمورد سپهری مفصل کار کرده‌ام.

*** سپهری شاعر زندگی است و شعر او در باب زندگی، واقعاً شاهکار است. می‌توانم‌بپرسم چرا سپهری؟**

به دلیل اینکه او پیوندی اختصاصی با طبیعت ایران دارد. شعر سپهری، شعر طبیعت‌است. می‌دانید که او خیلی به طبیعت علاقه داشت و طرز نوشتنش هم زیبایی دارد. انگیزه اول،عشق سپهری به طبیعت است، بعد مسائل دیگر مثل نقاشی و...

*** برگردیم به تمـــدن ایران که در بردارنده زندگی ایرانی اســـت. ویژگی‌های تمدن ایران‌از نظر شخص آقای ریکاردو زیپولی چیست؟**

پاسخ من به این سؤال در واقع ویژگی‌های مردم ایران است. مردم ایران ویژگی‌های‌فراوان و جالبی دارند که از جمله آنها شاعر بودن و استعداد هنری است. ایرانی‌ها بالقوه شاعرهستند. علاوه بر این، خون‌گرمـــی و مهمان‌نوازی هم از خصوصیات عمومی آنهاست.

ایران یکی از تمدنهای قدیمی دنیاست، اما تمدن‌های دیگر هم در تاریخ سهم دارند واین، یک امر مشخص است. دنیای قدیم بدون ایران، اصلاً وجود نداشت. بنابراین، وقتی ازتاریخ و تمدن قدیم صحبت می‌کنیم، به صورت واضحی می‌توانیم برآورد کنیم که سهم ایران‌چقدر بوده است. در مجموع، ما و شما؛ یعنی روم و ایران، از تمدن‌های قدیم دنیا هستیم. وجالب اینکه از زمانی که اسلام وارد دنیای ایران شده، کاملاً جزو ایران شده است، مثل‌مسیحیت برای ما.

*** آقای زیپولی! شـــما تفاوت ایران کهن و ایران‌جدید را در چه می‌بینید؟**

ایران قدیم ماشـــین نداشته اســـت، ولی الآن ماشین دارد! (می‌خندد). ایران مثل اقیانوس، بسیار گسترده است. خود شما در این زمینه چه می‌گویید؟

*** من برای مثال می‌توانم به شتابزدگی جدید اشاره کنم که در زندگی ما و ایران جدیدهست.**

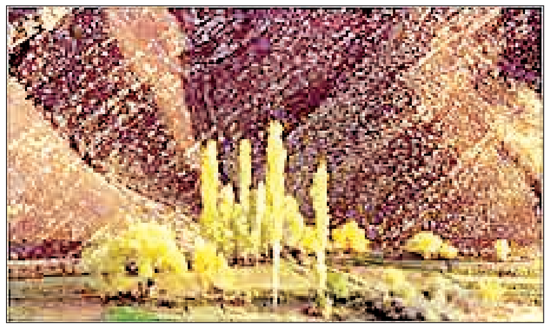
بله، این نکته مهمی اســـت. عکس‌هایی هم که من از ونیز انداخته‌ام و هر کدامش باشعری از بیدل دهلوی همراه است، دقیقاً بر ضد شتاب‌زدگی است. اندرزی که من با این‌عکس‌ها می‌خواهم بدهم، همین است. شما اگر بخواهید طبیعت را ببینید، نمی‌توانید با شتاب وسرعت این کار را بکنید! صبر می‌خواهد، وقت می‌خواهد، حوصله می‌خواهد. با شتاب‌زدگی‌نمی‌شود. باید با این شتابزدگی که امروزه بر زندگی ما حاکم شده است، مبارزه کنیم. این‌شتاب، در ایران قدیم و بلکه دیگر تمدن‌های قدیم نبود.

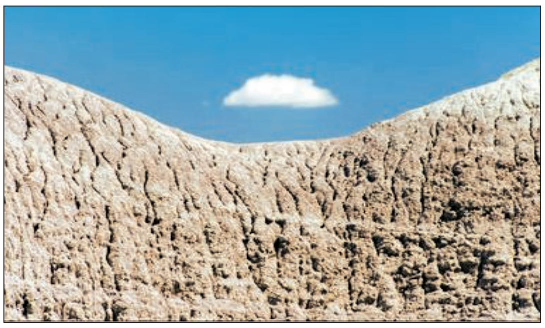
*** بزرگ‌ترین شـــاعران ایران‌زمین از نظر شما ریکاردو زیپولی چه کسانی هســـتند یاریکاردو از میان هزاران شاعر ایرانی، چه کســـانی را به عنوان شاعران درجه اول وشاخص تعیین‌می‌کند؟**

روی چند نفر نمی‌شود حرف زد: منوچهری، عنصری، فرخی، سعدی، حافظ و مولانا،اما من همان‌طور که عرض کردم، بیشتر درباره بیدل کار کرده‌ام. من با اجازه شما که می‌دانم‌همگی عاشق حافظ هستید، بیشتر بیدل را دوست دارم که یک جنبه مدرن در کارش هست واین طرزِ فکر خیلی شبیه دنیای غرب معاصر است. نمی‌دانم چرا، ولی واقعاً من پیوند عجیب وغریبی میان بیدل و دنیای جدید احساس می‌کنم و این، به خاطرِ سبک هندی است.

سبک هندی، در مقایسه با سبکِ عراقی و خراسانی برای من مقبول‌تر است. نمی‌گویم‌از سبک عراقی خوشم نمی‌آید و نمی‌شود گفت: حافظ بزرگ‌ترین شـــاعر ایران نیست. من این‌موضوع را قبول دارم، ولی از نظر احســـاســـات فردی، اگر از من بپرسید که ترجیح می‌دهی شعرکدام شاعر را بخوانی، می‌گویم: بیدل دهلوی. همان‌طور که عرض کردم، سپهری را دوست‌دارم و تنهایی و در طبیعت بودن او برای من خیلی پرمعنا و محسوس است.

*** برسیم به ماجرای عرفان و معنویت ایران. به باور شما این**







فرایند که از آن به«عرفان و تصوف» تعبیر می‌شود، تا چه اندازه در رشد و ارتقای شعر و هنر ایرانی تأثیر گذاشته است؟

تأثیر عرفان و معنویت در همه گونه‌ها و بخش‌های هنر را نمی‌دانم، اما در شعر یک امرمعلوم است. زمانی که تصوف وارد ایران می‌شـــود، ادبیات کاملاً دگرگون می‌شود. من با همه‌هنرها سروکار ندارم، ولی مشخص است که قبل از ورود تصوف، ادبیات خیلی ساده‌تر است؛یعنی به جنبه‌های درونی مردم توجه نداشته، ولی وقتی تصوف و عرفان وارد می‌شـــود، شعرکامل‌تر می‌شود. بدون تصوف، نمی‌توان حافظ را تصور کرد. غیر ممکن است. پس، تصوف وعرفان نقش اساسی ایفا کرده است. اتفاقاً شعر بیدل هم پر اســـت از فضای صوفیانه، پس درمجموع تصوف یک عنصر اساسی است و شـــعر را بســـیار زیباتر و کامل‌تر کرده است. شعرعنصری و فرخی را نمی‌توان گفت زیبا نیست، اما شعر عارفانه خیلی زیباتر است.

*** دوست دارم بدانم که آقای زیپولی، جایگاه هنری ایران را در دنیای معاصر چگونه‌ارزیابی می‌کند؟**

من معتقدم، جایگاه هنری ایران در دنیا، آن‌طور که باید و شاید معرفی نشده است.واقعاً تعجب‌آور است! گرافیک و نقاشی ایران به حد بالایی رسیده است، ولی در دنیا شناخته‌نشده است. یکی از وظایف ما باید این باشد که مردم دنیا را با هنر ایران آشنا کنیم. من به سهم‌خودم این کار را کرده‌ام.

در سال گذشـــته، در ونیز نمایشگاهی از آثار بنده و عباس کیارستمی و ۵۶ عکاس‌جوان ایرانی برگزار شد که کتابش به نام «ایران» به چاپ رســـید و نشان می‌دهد که عکاسان‌ایرانی چقدر فوق‌العاده کار می‌کنند. در ایتالیا این کار بسیار مورد پسند و استقبال قرار گرفت وما اصلاً انتظارش را نداشتیم. اشکال ما در اروپا این است که ما با ایران واقعی و راستین‌آشنایی نداریم و متأسفانه تحت تأثیر تبلیغات هستیم، اما مردم که به نمایشگاه آمدند، خیلی‌علاقه نشان می‌دادند و می‌گفتند: چقدر ایران زیباست و چقدر عکاسان ایرانی ماهرند وحرفه‌ای کار می‌کنند! برای آنها باعث تعجب بود، در حالی که نباید باعث تعجب باشد. چراباید شگفت‌زده بشوند؟!

ایران را باید به مردم دنیا شناساند و این خیلی مهم است. باید مردم را با شایستگی‌ایرانیان آشنا کرد.

*** جناب زیپولی! در عکس‌های شما نوعی فلسفه‌اندیشی دیده می‌شود. شما با نوعی‌فلسفه عکس می‌اندازید. این موضوع را تا چه اندازه قبول می‌کنید؟**

نمی‌دانم. این چیزی اســـت که دیگران باید بگویند. از نظر خودم، بعضی وقت‌ها این‌طوراست. باید بگویم در مورد عکس‌های ونیز، من حتماً تحت تأثیر بیدل بوده‌ام. هرچه بیشتردرباره عکاسی و این عکس‌ها فکر می‌کنیم، می‌بینیم عمدتاً تأثیر شعرهای بیدل در مورد«آینه» است. از این نظر، در ذهنم موضوع «آینه» و «حیرت» و «انعکاس» و نظایر آن بوده‌است.

***پاسخ شما به این سؤال که «در طبیعت ایران دنبال چه چیزی‌می‌گردید؟»چیست؟**

من دنبال زیبایی می‌گردم، زیبایی که در آن ثبات و سکوت هم هست، نه غربت. البته‌هیچ‌گاه سعی نکردم زیبایی را تعریف کنم، ولی امیدوارم موفق شده باشم زیبایی را به مردم‌نشان بدهم.

*** در اینجا این سؤال پیش می‌آید که تلقی شما از زیبایی چیست و چه تعریفی اززیبایی دارید و چه جایگاهی برای زیبایی در زندگی قائل هستید؟**

اگر از من بخواهید زیبایی را توصیف کنم، باید به عکس‌هایم از ایران مراجعه کنید! من‌با عکس‌هایم حرف می‌زنم. اگر آنها موفق باشند، من هم موفق خواهم شد. در این زمینه، من باعکس‌هایم حرف می‌زنم که فکر می‌کنم حرف‌هایی ماندگار هم هستند.

*** آن وقت، تعریف‌تان از ماندگاری چیست؟**

ماندگاری، آرزویی است که دارم. از نظر من، ماندگاری، خیلی قضیه بالا و والایی‌است. در مقابل حس جاودانگی، این ترس را دارم که نتوانم تمام زیبایی‌هایی را که دیده‌ام، به‌مردم نشان بدهم. این ترس همیشه در من هست که زندگی ما کوتاه است.

همیشه این واهمه را دارم که ممکن است نرسم و نتوانم دوباره به ایران بیایم، به طبیعت‌بروم، از زیبایی‌ها عکس بیندازم و به مردم دنیا نشان بدهم. واهمه‌ای که دارم، ترس اتمام‌است، ترس پایان فعالیت و اینکه یک روز این فرصت زیبایی که پیدا کرده‌ام، از دستم برود وکارهایم ناقص بماند.

*** فکر می‌کنید آنچه ایران را ایران کرده‌است، از نظر شما چیست؟**

طبیعت ایران و ایرانی‌ها. طبیعتی که ایران دارد، شگفت‌انگیز است. بعد از آن، ایرانی‌هاکمک کرده‌اند تا ایران، ایران شود.

*** از نظر شما، فاصله‌ای که میان هنر شرق و هنرغرب به عنوان یک فاصله ذهنی وجود دارد چه فاصله‌ای است و علت آن چیست؟**

من به این سؤال در چارچوب ادبیات جواب می‌دهم. اختلاف بزرگی که میان ادبیان ماو ادبیان ایران وجود دارد، مسئله «حافظه» است. می‌دانید که ایرانی‌ها هزاران بیت شعر حفظ هستند، در حالی که ما این‌گونه نیستیم و به صورت تحقیقاتی و سیستماتیک کار می‌کنیم. این،یک اختلاف عمیق است که ما بیشتر روی سیستم و برخورد علمی کار می‌کنیم، ولی شمابیشتر به احساسات و حافظه تکیه‌می‌کنید.

در اینجا، حتی معلمی که در روستا تدریس می‌کند، ابیات حافظ را از بر کرده اســـت.این اهمیت حافظ، تأثیری در برخورد با مسائل برجای گذاشته است که در هنر و هنرمندان‌غربی وجود ندارد. این در مورد ادبیـــات، اما در مورد هنرهای دیگر اطلاع و تجربه زیادی‌ندارم. در غرب این مسائل بیشتر به عنوان یک شغل و حرفه مطرح اســـت، نه به عنوان زندگی وعجین‌شدن با آن. در اینجا زندگی با شعر مخلوط شده است، در حالی که در غرب و اروپا،به‌عنوان مثال، کسی که ساعت ۸ کارش تمام می‌شود، وارد یک دنیای دیگر می‌شود، اما درایران، حافظ و مولانا ساعتی نیستند و صبح و شام نمی‌شناسند. شما با تمام وجود و با تمام‌حافظه کار می‌کنید، ولی ما در یک چارچوب حرکت می‌کنیم.

*** موضوع مذهب می‌تواند عامل پیوند این دوکشور و این دو تمدن با دو نوع و نحوه از زندگی به شمار برود؟**

چرا، همین‌طور است، اما در دنیای امروز، اقتصاد و سیاست از اهمیت بیشتری‌برخوردارند. من هیچ تمدنی را بدون مذهب نمی‌شناسم؛ یعنی تمدن بدون دین و مذهب وجودندارد. در دنیای کهن، دین همواره وجود داشت. در دنیای کنونی هم، اگر روابط برپایه مذهب‌بود، مسائل خیلی آسان می‌شد، در حالی که نیست. بنابراین، علاوه بر مذهب چیزهای دیگرهم هست و آن اقتصاد و سیاست است، وگرنه ما همه برادر هستیم و همین برادری سبب شده‌است که من ایران را دوست بدارم.

من، همه ایران را دیده‌ام، چون سی سال است که به اینجا سفر می‌کنم. به همه جامی‌روم، جز شمال. شمال کمتر می‌روم، چون شمال مثل اروپاست. دریای خزر برای من‌جذّاب نیست. نمی‌گویم زشت است، قشنگ است، اما من ترجیح می‌دهم به بیابان بروم برای‌اینکه در اروپا آنچه ما نداریم، کویر است.

*** با توجه به تأکیدهایی که نسبت به ایران و دوست داشتن آن دارید، این سؤال برای‌من مطرح می‌شود که راز ایران دوستی آقای ریکاردو زیپولی چیست؟**

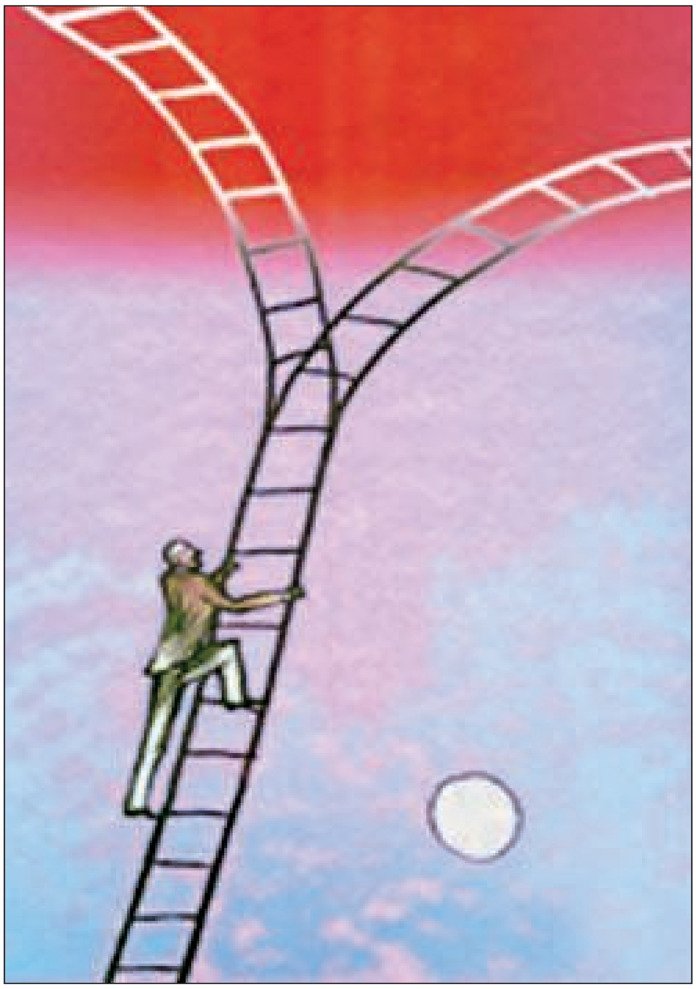
حقیقت این است که من خودم را ایرانی می‌دانم. من ایران را دوست دارم و دوست دارم‌همه این کشور را دوست داشته باشند و بیایند و ایران را ببینند. البته هر کس هم که به ایران‌می‌آید، دوستدار ایران می‌شود. مثل خود من که تا پیش از آمدن هرگز فکر نمی‌کردم ایران این‌اندازه زیبا باشد.



با وجود این، عده زیادی هستند که شک دارند به ایران بیایند و این بر اثر تبلیغات‌نادرست چند کشور است که می‌گویند: رفتن به ایران خطر دارد! من دوستانی دارم که همواره‌از من می‌پرسند: «ایران می‌روی، خطر ندارد؟» من می‌گویم: «چه خطری؟ کدام خطر؟» این‌تصویر را باید از بین برد. من چند بار نمایشگاه تشکیل داده‌ام تا نشان بدهم ایران چقدرزیباست. صحبت هم می‌کنم. حرف‌هایی که الآن به شما می‌گویم، به مردم ایتالیا هم می‌گویم.من در دنیای کوچک خودم، می‌کوشم که خدمت کوچکی انجام دهم، ولی این مسئولان کشورشما هستند که باید به این موضوع مهم توجه کنند.

اولین کتابی که مـــن درباره ایران چاپ کردم، هنگام جنگ ایران و عراق بود که همراه‌اشـــعارهایی از یکی از شعرای معاصر (گرمارودی) به چاپ رســـید. بعد، آن را در ایتالیا با کیفیتی‌بهتر چاپ کردم، دو سه کتاب دیگر هم است که آخرینش اولین کتابی است که درباره ایران‌نیست! برنامه‌ای که برای دو سال آینده دارم، گذاشتن عکس‌هایی که از ایران در آرشیو دارم،در وب‌سایت است. برای دو ســـال بعد هیچ برنامه‌ای جز این ندارم و به چیز دیگری فکرنمی‌کنم.

کنکاش



خورشید کیفیت چه زمانی بر ما خواهد تابید

متن و حاشیه فقر

■ کریم فیضی



اشاره: طبق آخرین گزارش مجمع جهانی اقتصاد در خصوص اقتصاد ایران، جمعیت فقیر ایران رشدی ۱/۵ نیم برابری پیدا کرده و به رقم ۸ تا ۱۰ درصد کل جمعیت کشور رسیده است. این آمار که به خودی خود نگران‌کننده است، از سوی کارشناسان و اقتصاددانهای داخلی، رقمی محتاطانه ارزیابی می‌شود چرا که نهادهای بین‌المللی گزارش‌های خودشان را براساس آمارهای رسمی و دولتی تنظیم و منتشر می‌کنند. به همین جهت، احتمال اینکه عدد و رقم میزان فقر در ایران گسترده‌تر از نرخ اعلام شده باشد، منتفی نیست. آنچه این سخن را قابل قبول می‌کند، این است که مقیاس ارزیابی فقر، درآمد کمتر از ۳ دلار در روز است. این در حالی است که نرخ دلار در ایران به‌طور قطع در ۶ ماه گذشته دچار تحول شده و ۱۵ درصد افزایش پیدا کرده است. نکته ظریف‌تر اینکه گزارش مجمع جهانی اقتصاد بر پایه هر دلار ۲۲۰۰ تومان تنظیم شده است که رقمی است غیر واقعی. در این میان، آنچه محل بحث نیست وجود فقر، گسترش فقر و نفوذ رو به رشد آن در لایه‌های از جمعیت شـــهری و روستایی ایران است. در این سلسله نوشتار، قصد داریم آثار و تبعات فقر را با عنوان «متن و حاشیه فقر» مورد بررسی قرار بدهیم.

برخلاف بسیاری چیزها که یا حاشیه ندارند یا از حاشیه کوچک برخوردارند، حاشیه فقر از متن فقر بیشتر و بزرگ‌تر است تا به آن حد که به‌جای حاشیه باید از کلمه «حواشی» سخن بیاوریم و در خصوص کشورهای بسیار فقر یا فقرهای شدید از واژهٔ «حواشی‌ها» استفاده کنیم با اینکه می‌دانیم حواشی خودش جمع است و جمع‌الجمع به لحاظ ادبی غلط است، اما باید توجه داشته باشیم که این غلط به شکل عملی در مورد فقر روی داده است و باز هم روی می‌دهد و حتماً بعد از این نیز روی خواهد داد و تحققش را شاهد خواهیم بود.

به یک معنا می‌توان تمام یا اغلب آسیب‌های اجتماعی را ـ به‌طور خاص ـ در کشورهای فقیر و فقرزده در ذیل «فقر» مورد مطالعه قرار داد. طبق این فرض، آنچه در ممالک فقیر و زندگی انســـانهایی که زیر خط فقر واقع شده‌اند، روی می‌دهد، از فقر است و برخاسته از فقر. از این رو فقر را می‌توان به عنوان یک عامل جدی در نظر گرفت. اگر در باب فقر تأمل کافی به خرج بدهیم، آن را به عنوان یک امر کانونی و مرکزی بســـیار مؤثر، دارای حاشیه‌هایی خواهیم یافت با طیف‌های مختلف و ظلع‌های مختلف. به عنوان مثال، یک ظلع این متن سوء تغذیه است و ظلع دیگرش اعتیاد. در مثالی دیگر یک ظلع این متن گسترش فسادهای مختلف است و ظلع دیگرش سقوط شاخص‌های بهداشت. به همین قیاس، یک ظلع این امر کانونی، آسیب‌های اجتماعی پرقدرت آسیب‌زا است از نوع طلاق و کودکان طلاق و ظلع دیگر آن آسیب‌های فرهنگی از نوع شرایط نامطلوب آموزش و شرایط نامناسب نهادهای علمی و باقی ظلع‌هایی که هر کسی با مختصری تأمل می‌تواند آنها را به‌صورت مرتب شمارش کند و به قلم بیاورد، چرا که امری است واضح و قابل مشاهده و اشاره.

اگر بخواهیم سخن را به‌صورت یک فرمول و قاعده در بیاوریم می‌توانیم بگوییم: فقر اصولاً موجب سقوط شاخص‌هایی می‌شود که به‌طور طبیعی به گسترش حاشیه‌های منفی و دامنگستر دامن می‌زنند و از اینجاست که حواشی فقر سر بر می‌آورد و در دریای جامعه ـ که خود بخود متلاطم است ـ موج می‌کارد و طوفان درو می‌کند. هر اندازه امواج بزرگ و بزرگ‌تر باشند، احتمال طوفان بالاتر است و شدیدتر. به عنوان مثال می‌توان به مقوله‌ای به نام «سقوط کیفیت» صرفاً به دلیل فقر اشاره کرد که دارای تبعاتی بسیار گسترده است و متأسفانه کمتر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. سقوط کیفیت مقوله‌ای است که به تنهایی شامل همه مؤلفه‌های اقتصادی و غیر اقتصادی جوامع فقیر می‌شود: از سقوط کیفیت تولید که امری کاملاً محسوس و قابل مشاهده و اندازه‌گیری است تا سقوط کیفیت آموزش و حتی سقوط کیفیت اخلاق و کیفیت زندگی که ممکن است قابل اندازه‌گیری‌های حسی نباشد ولی در شاخص‌هایی از نوع بهداشت روان، سلامت اخلاقی جامعه، میزان رضایت از زندگی، آمار جرم و جنایت و میزان موفقیت‌های خرد وکلان جامعه به طور نسبی مجال ظهور و بروز پیدا می‌کند و به شکلی خودش را نشان می‌دهد. ساده‌ترین مثال برای سقوط کیفیت تولید، تمام یا غالب تولیدات داخلی کشورهای فقیر اســـت که غالباً فاقد استانداردهای لازم است و توان رقابت با هیچ محصول مشابه خارجی و بین‌المللی را

فقر اصولاً موجب سقوط شاخص‌هایی می‌شود که به‌طور طبیعی به گسترش حاشیه‌های منفی و دامنگستر دامن می‌زنند و از اینجاست که حواشی فقر سر بر می‌آورد و در دریای جامعه ـ که خود بخود متلاطم است ـ موج می‌کارد و طوفان درو می‌کند

ندارد، از شکر و شیرینی و شکلات و مربا به عنوان دم‌دستی‌ترین نمونه‌ها بگیرید تا گوشی تلفن ثابت تا وسایل پیچیده‌تری مثل تلفن همراه (موبایل) تا خودرو تا یخچال و دیگر لوازم ترکیبی هر چیز دیگری که شامل واژهٔ «تولید» می‌شود. در واقع در این قبیل نمونه‌ها، کیفیت اختصاصاً به دلیل فقر ـ هم فقر اقتصادی، هم فقر فرهنگی، هم فقر اجتماعی و هم فقر اخلاقی ـ سقوط می‌کند. اما موضوع به همین حد متوقف نمی‌شود بلکه همین سقوط، سلسله‌ای دیگر از سقوط‌ها را در پی می‌آورد که نتیجه آن قضایایی از نوع: از بین رفتن اعتماد عمومی، از دست رفتن اعتماد به نفس، از بین رفتن منابع محدود مالی و غیرمالی در چرخه‌ای بسیار مضر و معیوب و مهمتر از همه از دست رفتن فرصت رشد و ارتقای همه جانبه یک جامعه است. یک مثال ساده می‌تواند این موضوع را روشن‌تر کند: وقتی فقر موجب سقوط کیفیت می‌شود که به عنوان یکی از حواشی فقر محل بحث ماست، تولیدکنندگان بجای صرف هزینه و وقت برای تحقیق و پژوهش که موجب ارتقای تولید و کیفیت دار شدن آن می‌شود، به تولید محصولاتی روی می‌آورند که عجالتاً در توان خرید فعلی جامعه است در حالی که این محصول دقیقاً به دلیل نداشتن کیفیت، ارزش تهیه شدن و استفاده را ندارد. در نتیجه این تفکر، به طور سیستماتیک لوازمی تولید می‌شود که به صراحت باید گفت حاصل آن جز رفع فقر تولید کنندگان و خالی کردن پول مصرف کنندگان فقیر و تحویل دادن اجناسی بی‌ارزش نیست که در کوتاه زمان ممکن یا باید با صرف هزینه‌ای دوباره تعمیر شود تا قابل استفاده شود یا باید به عنوان موارد زاید و آشغال به رده زباله‌ها برود: سرنوشت ناگفته و نانوشته بسیاری از محصولات داخلی ما همین است و متأسفانه این موضوع مورد بررسی قرار نمی‌گیرد توجه کافی مبذول نمی‌شود که به دلیل نبود مقولهٔ کیفیت و سقوط کیفیت، سالانه میلیونها تن جنس یا مواد اولیه و توان مالی و انسانی با صرف هزینه‌هایی بالغ بر صدها و هزارها میلیارد تومان پول، عملاً تبدیل به زباله می‌شـــود. در واقع، در اینجا فقر، به فقری دیگر و شدیدتر و متنوع‌تر دامن می‌زند. بی‌جهت نیست که در کشورهای توسعه یافته و ثروتمند پیوسته با اشکال مختلفی با ضرب‌المثل‌هایی از این دست روبرو می‌شویم: هیچ چیزی گرانتر از جنس ارزان نیست! یا می‌گویند: هر موقع خواستید چیزی گران بخرید، اشـــیا ارزان را بخرید، چون آن جنس را دوباره باید تهیه کنید یا می‌گویند: هنوز آنقدر پولدار نشده‌ایم که اشیاء ارزان بخریم! در گزاره‌هایی از این دست، بازگشت موضوع به کیفیت است. جنس ارزان کیفیت ندارد و جنس بی‌کیفیت ارزان است و ارزان و ارزانی کلیدی‌ترین مفهومی است که می‌تواند در چارچوب فقر یک جامعه مورد مطالعه قرار بگیرد. اصولاً ارزانی مفهومی است که در فقر مطرح می‌شود و برای فقیران موضوعیت دارد. فقر و فقیر در جستجوی ارزانی است و ارزانی دامی است که بر دامنه فقر می‌افزاید، چون همیشه کسانی هستند که با اطلاع از جستجوی ارزان طلبان که نیازشان با اهرم فقر به تقاضایی نازل و بی‌مصرف بدل می‌شود، اجناسی ارزان را تولید و عرضه کنند که هیچ مصرفی نخواهد داشت جز اتلاف منابع مواد تولید شده و جز دور ریختن پول‌های ارزانی که صرف تهیه آنها می‌شود. در واقع این اجناس تولید می‌شوند برای مصرف نشدن و تولید می‌شوند برای انتفاع تولید کننده، آنجا که مصرف کننده انتفاعی کمتر از آنچه هزینه‌اش را می‌پردازد داشته باشد، الزاماً جای کیفیت خالی است و آنجا که جای کیفیت خالی باشد چیزی جز فقر مباشرت ندارد و این موضوع تنها یکی از حواشی فقر است: جایگزینی کمیت بجای کیفیت که به صورت دقیق و مفصل می‌توان درباره آن بحث کرد.

یاد

قضیه یک دستنوشته در باب مولانا

بخارا و بلخ در وین

■ حمیدباستانی پاریزی

در دهه هفتاد شمسی، دو برادر هنرمند و با فضل و کمال، آقایان اردوان و پژمان طاهری که دانشجوی دانشکده هنرهای زیبا بودند به هر دلیلی ـ که البته یکی از دلایل آنرا من باید حتماً عرض کنم و آن تشویق و ترغیب مادر و دایی گرامی این دوستان بود که به پیوستگی همه شاخه‌های هنر و ادب معتقد بودند ـ با نوشته‌های پدر آشنا می‌شوند. همسایگی دانشکده ادبیات و هنرهای زیبا هم کمک می کند تا ارتباط اخوان طاهری و پدر فراتر از خواندن کتابها و مقالات ایشان شود.

ما هم از این دوستی و رابطه بی‌بهره نبودیم و تا این دو برادر در ایران بودند شنونده کنسرتهایشان بودیم.

هرچه که بود و هست این دو گرامی مدتهاست که دو هوایی شده‌اند و ماههایی از سال را در وین پایتخت موسیقی دنیا و بقیه اوقات را در گرگان و تهران به همان کار موسیقی و تحقیق و نگارش سر میکنند.

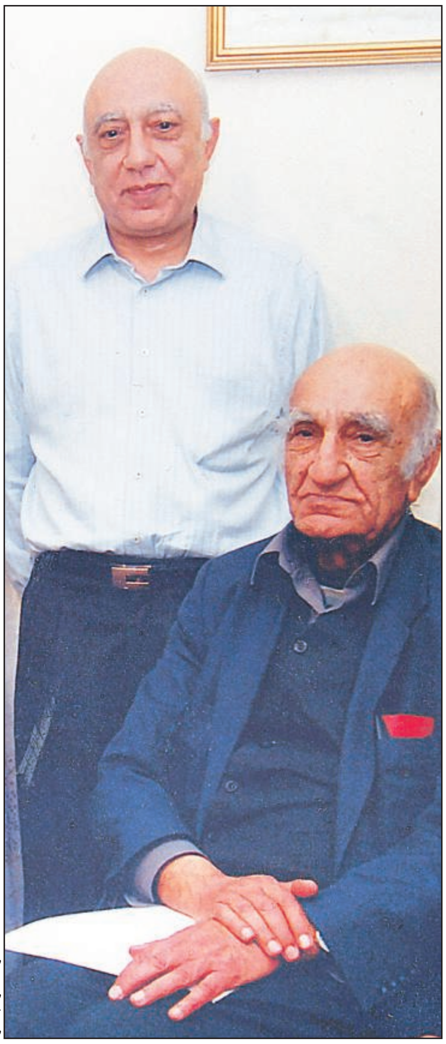
چند سال پیش ـ زمستان ۱۳۸۶ ـ برادران طاهری تصمیم داشتند کنسرتی با مضمون مولانا و شعر او در وین برگزار کنند. از پدر خواستند که در این کنسرت شرکت کنند و صحبت کوتاهی داشته باشند. متاسفانه زمستان و سرما و ضعف جسمانی مانع شد و خوشبختانه با کوشش مادر گرامی این دو هنرمند، صحبت پدر در نواری ضبط شد و در شب کنسرت پخش شد.

باید عرض کنم تا آنجا که اطلاع دارم به همت برادران طاهری چراغ کنسرتهای موسیقی ایرانی در وین روشن است که باید به ایشان دست مریزاد گفت.

چند روز پیش در روزنامه اطلاعات به مناسبتی قسمتی از این نوار پخش شد به نظرم آمد توجه حاضران در جلسه به موضوع مطرح شده جلب شده و برخلاف گفته یکی از شاگردان پدر ـ که باستانی کتبیش بهتر از شفاهیش هست ـ تاثیر شفاهی پدر هم کم نبود. لذا فکر کردم دستخط ایشان را تقدیم روزنامه اطلاعات کنم تا چنانچه مناسب بود چاپ شود.

با احترام

حمیدباستانی پاریزی



■ در کنار پدر

بخارا و بلخ در وین

امشب در وین پایتخت هنر دنیا، صحبت بخارا و بلخ و نیشابور و قونیه در میان است. مخلص پاریزی می‌خواهم خار خاری که سالهاست در سینه دارم آشکار کنم.

مردم هم‌زبان ما افغانان ـ مولانا را هم شهری خود میدانند و حق هم دارند ـ مگر نه آن است که او زاده بلخ اســـت و امواج پر صدای مناره‌های مسجد بلخ و طنین عبادت شبانه بت‌خانه‌های آنجا، گوش دل او را نوازش داده است؟

ـ ما، ایرانیان فارســـی زبان نیز مولانا را از خود و از فارسی زبانان می‌دانیم که زبان او زبان دل ماست، و همان سخنی را می گوید که سعدی و حافظ گفته‌اند، و چه کسی بهتر از ما امروز به زبان مولانا آشنایی دارد؟ و چه کسی بهتر از ما مثنوی را می خواند و می فهمد؟

ـ مردم تاجیکستان و ساکنان ازبکستان نیز همانند ما با او هم پیمانان‌اند که گاهگاهی جان او عزم بخارا کرده است و همیشه از سمرقند چو قند یاد می‌کرده و به هر حال مسلّم است که پیراهن مولانا نیز روزی در آفتاب ترمذ و بخارا خشک شده بوده است، پس دلیلی ندارد که تجلیل از آن عاشق صادق در شهر عشق‌آباد نیز به عنوان یک هم ولایتی صورت نگیرد.

ـ ساکنان ولایت دیار روم قدیم و بیزانس لاحق و ترکیه امروز هم جایٍ خود دارند که مولوی را هم ولایتی خود بدانند. زیرا اولاً مولانا قسمت عمده عمر خود را در ولایت آنها طی کرده، و زن از مردم قونیه گرفته ـ که گفته‌اند: اهل کجائی؟ جواب شنیده‌اند: هنوز زن نگرفته‌ام ـ و بالاخره مهمتر از همه آن که این گوهر تابناک اکنون در زیر خاکهای قونیه آرمیده است...

اما حقیقتی که میخواستم در این مجلس با روح که به همت دوستان هنرمند ایرانی ـ اردوان طاهری و دیگران فراهم آمده و مردم هنرشناس وین در آن شرکت دارند، و ایرانیان دور مانده از ایران، و در واقع نی‌های بریده از اصل خویش ـ که مولانا در صفحه اول مثنوی خود از آنان یاد می‌کند و هم‌نوای آنان است ـ اینک آن هم‌وطنان هنر دوست مجلس مولانا را گرم دارند ـ من دلم میخواست خود در آن مجلس باشم و حرف خود را در حضور آن دوستان بزنم، اما پیری است و ناتوانی و زمستان است و دل سرد، مرحوم ایرج میرزایم فرموده بود:

گر از سرچشمه تا سر تخت باشد
سفر باپای پیـــــری سخت باشد

بدین ســـبب از همین راه دور سلام خود را تقدیم می‌کنم و عرض می‌کنم که شوخی روزگار است که آن هم ولایتی‌های بلخ و بخارا همان‌ها هستند که پدر مولانا و طفل تازه سال او را از ولایت بیرون کردند (و این نکته را چهل سال پیش، من در کوچه هفت پیچ به زبان آورده‌ام)، آری او را از ولایت بیرون کردند و راه غرب را نشانش دادند و او و فرزندان، نگران افق خونین غرب، پای به راه نهادند و با هزار آرزو و بیم راهی غرب شدند.

در نیشـــابور، عارف هم‌زبان آنها ـ عطار، از دکان عطاری درآمد و آنان را شبی به خانه برد، اما او که امکان پذیرایی از یک خانواده خسته و درمانده نداشت ـ پس، فردای آن روز، بعد از کمال الجود بذل الموجود، یعنی تقدیم یک رساله تألیفی خود ـ به طفل آن خانواده ـ که مولانای بعدی باشد ـ در واقع به قول ما کرمانیها، کفش آنان را جفت کرد و راه خانه خدا را به آنها نشان داد ـ ولابد وقتی از او پرسیده‌اند که تا بغداد و مکه و مدینه چه‌قدر راه است؟ او در جواب آنها، مثل بلوچها که در بیابان راه را نشان میدهند، جواب داده است که: روی تا رسی. او هم دعای سفر در گوشش خواند و راه غرب را نشانش داد.

مکه و مدینه که جای ماندن نیســـت، جای زیارت است. اهالی دمشق و قونیه البته به گردن مولانا حق دارند که پای‌کوبی‌ها و دست افشانی‌های مولانا در دیار آنهاست، اما آنجا هم جای آسایش مولانا نیست، مگر خود نگفته است

هر زمان خواهم که آهی برزنم
چون علی سر را فرا چاهی کنم

ســـرزمینی که آدم برای شکایت دل خود، باز مثل نی، ناچار است سر را در چاه فرو کند و راز دل بگوید ـ چه‌گونه جایی اســـت؟ پس همه ما که امروز مولانا را از خود می‌دانیم، در واقع مولوی هفتصد سال پیش را از خود می‌رانیم.

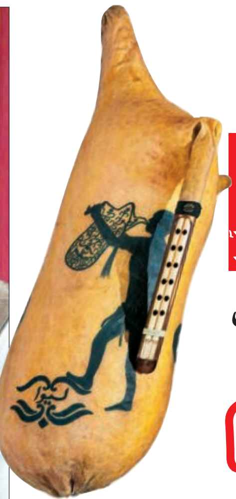
مولانا، زاده عرفان شرق و مجسم بودای بلخ است، او پرورش یافته مکتب و فرهنگ اسلامی است، او گویا به زبان فردوسی و رودکی و آداب و رسوم ایرانی است، او مالیات خود را به پول ترکان آناطولی به دولت می‌دهد و خوشه انگور و استافیل را ـ به قول خودش ـ از بازار بقایای رومیان و یونانیان می‌خرد، او چراغ دیوژن یونانی را به‌دست گرفته در دیار رومیانی که جای خود را به ترکان سپرده‌اند، طالب حقیقت و جویای راه است و طریقت می‌طلبد. نماز خود را به عربی می‌خواند و شعر خود را به فارسی می‌گوید. اما هیچکدام ازین صاحب زبان‌ها بر او حقی ندارند.

همانطور که نیچه در حق افلاطون فرموده است که «افلاطون، فرشته‌ای است که از آسمان‌ها به زمین آمده و دیگر به آسمان نرفته است» من نیز در حق مولانا عرض میکنم که مولانا، فرشته ایست که از آسمان به زمین آمده، در زمیـــن، افغانها و ایرانیها و رومیها بال او را بریده‌اند ـ پس دیگر راه بازگشت به آسمان نیافته و به پای خود در خاکدان قونیه ـ به خاک رفته است.

مکانم لامکان باشد، نشانم بی نشان باشد
نه‌تن باشدنه‌جان باشدـ که‌من‌از جان‌جانانم
نه از هندم نه از چینم، نه از بلغار و سقسینم
نه از ملک عراقینم، نه از خاک خراسانم
نه شرقی‌ام نه غربی‌ام، نه بحری‌ام، نه برّی‌ام
نه ارکان طبیعی‌ام، نه از افلاک گردانم

تهران ـ دی ماه ۱۳۸۶ ـ ژانویه ۲۰۰۸ باســـتانی پاریزی استاد تاریخ دانشگاه تهران







آوا

موسیقی محلی، گنجینه و فرصتی ملّی

چگونه محلی عمل کنیم

■ * هومن ظریف

جمله مشهوری است به این مضمون که «جهان بیاندیش و محلّی عمل کن». خواه این جمله مشهور از «دیوید بروئر» فعال اجتماعی و بنیانگذار انجمن «دوست‌داران زمین» باشد که مخالف هرگونه فعالیت هسته‌ای بودند و چه گوینده آن «رنه جولز دوبو» باشد که زیست‌شناس برنده جایزه پولتیزو است و چه گوینده این جمله را «فرانک فزر» آینده‌گرا، گفته باشد، می‌توان آن را در ساحت‌های گوناگونی چون؛ سیاست، کشاورزی، صنعت و فرهنگ و هنر، رصد کرد.

شاید بر همین اســـاس است که موسیقی محلی یک کشور با بُرد جهانی و نفوذ بسیار بالا از شرق آسیا تا مرزهای جنوب آمریکا پیش می‌رود و دو هنرمند از دو سوی جهان، بی‌آنکه به ظاهر ریشه‌های موسیقایی مشترکی داشته باشند با هم می‌جوشند و موسیقی فیوژن یا تلفیقی را پدید می‌آورد. یکی از مهمترین تجربه‌های این جوشش موسیقایی، با حفظ اصالت‌های محلی آن که توانســـته است جهانی شود، آثار موسیقایی پیترگابریل باشد که از ایران تا آذربایجان و ترکیه و هند و آفریقا را چنان درهم آمیخته است که مخاطب آن اگرچه جهان است، اما چون اصالت‌های بومی آن لحاظ شده است، باید به عنوان انسان مخاطب آن بود. اما در این میان، در بازار عرضه سرچشمه‌های اصیل موسیقی محلی، عملکرد موسیقیدانان بسیار اهمیت دارد. اگرچه در بسیاری از جوامع بشری، با حمایت دولت و شهرداری‌ها توانسته‌اند، موسیقی محلی خود را به ثبت و عرضه و عرصه برسانند، اما در همه دنیا سهم خود موسیقیدانان در ثبت علمی موسیقی‌های محلی بســـیار اهمیت داشته است. اگر در جایی از دنیا، در جنوب ایتالیا، موسیقی محلی و فولکلور ناپولی به درجه‌ای رسیده است که بزرگان موسیقی کلاسیک، با افتخار به عنوان ناپلویتن آنها را می‌خوانند و ما بســـیاری از این ترانه‌ها را با صدای خوانندگان سولسیت نام آشنایی چون؛ بوچلی، پاوراقی و دومینگو می‌شنویم، می‌توانیم بسیاری از ترانه‌های محلی را با روایت هنرمندانی چون سیمابینا، پروین بهمنی و عثمان محمدپرست در حافظه تاریخی خود داشته باشیم.

اما ثبت در حافظه تاریخی کافی نیست. موسیقیدانان باید برای معرفی این آثار، از وزارت فرهنگ و متولیان موسیقی ایران بخواهند تا بسیاری از موسیقی‌های فولکلور و کلامی و بی‌کلام را در بانکی موسیقایی موسوم به بانک ترانه‌های محلی ایران جمع‌آوری کنند، بانکی دربرگیرنده رنگین‌کمانی از موسیقی محلی برای عرضه ملی آنها.

اگر موسیقی محلی ناپولی تن توانسته است اکنون تا جایی پیش رود که در جشنواره موسیقی فجر سال ۱۳۹۴، توسط استاد رازمیک اوحانیان در تالار رودکی توسط استاد رشید وطن‌دوست اجرا شود، حتماً مدیون فعالیت بین‌المللی کشور ایتالیا و موسیقیدانان آن است.

ما در کشوری که رنگین‌کمانی از اصوات و نغمات تُرکی و کُردی، بلوچ و سیســـتانی و لُر و مازنی و گیلکی، عربی و بنـــدری و ترکمنی و بختیاری و خوزی و تاتی داریم، آیا فقدان فستیوالی موسوم به جشنواره موسیقی محلی به صورت بین‌المللی، زیبنده است؟! جشنواره‌ای که می‌تواند از انتهای اسفند تا شروع سال آینده بهترین فرصت برای اعتلای نام ایران را به خود اختصاص دهد. روزهای آخر اسفند، فرصت دل‌انگیزی است برای طنین‌انداز شدن، بهاریه‌های موسیقی محلی ایران و استفاده بهینه از نغمات فولکلور در اعتلای نام ایرانی حاصلی از هم افزایی ترانه‌های محلی واین فرصت جهانی و انسانی را باید سیاســـتمداران فرهنگ دوست و نازک‌بین و ظریف، در نظر بگیرند.

اعتماد به کارکرد موســـیقی، آن هم موسیقی محلی با نگرشی ملّی اعتماد به اقوام ایرانی است و براین اساس، حاصل

> **به نظر می‌رسد، افرادی که امروزه درگیر روزمرگی فرهنگی شده‌اند و خود را بانی فرهنگ کشور می‌دانند، نباید از این غلفت بورزند که جایگاه موسیقی نواحی امروزه، ابزاری کارآمد برای دیپلماسی فرهنگی باشد**

این اعتماد و سامان‌دهی جشنواره موسیقی محلی، مبتنی بر بانک موسیقی محلی، می‌تواند فرصتی جهانی و دیپلماسی شادابی را به ارمغان بیاورد.

این ظرفیت در بســـیاری از افراد و گروه‌های موسیقی این سرزمین پهناور وجود دارد. از علیرضا امینی گرفته که سرود ای ایران را به انگلیسی، سالها پیش اجرا کرده است تا فرهنگ قاسمی که ترانه‌های فولکلور ایرانی را به فرانسه، با حفظ هجاها و حالات، برگردانده است و بسیاری از گروه‌های خستگی‌ناپذیر معروفی چون کامکارها، رستاک، لیان بوشهر و گروه‌های بندر ترکمن، چون به مختوم قلی فراغی، با همه کمبودها و محدودیت‌ها در معرفی موسیقی محلی متنوع ایران کوشا هستند. از جوانترین گروه‌های موسیقی محلی، گروه موسیقی آوای موج اســـت که بنا دارد. در فروردین ۱۳۹۵، با اجرای موسیقی در برج آزادی تهران در تحقق این شعار؛ «موسیقی، سفیر فرهنگی ایران برای صلح جهانی» کوشا باشد، جالب اینجاست که گروه موسیقی موج همانند همه گروه‌های موسیقی برخاسته از بوشهر، ناخودآگاه، صحنه آمیزش موســـیقی اقوام ترک و لُر و کُرد و حتی میهمان موسیقی هندی هم هستند! این نوع موسیقی محلی، می‌تواند نقش دیپلماسی فرهنگی را به خوبی ایفا کند.

این گروه موســـیقی، در جشنواره اخیر، بسیاری از قطعات موسیقی بوشهر را مانند؛ دمام زنی، جنگ نامـــه خوانی، نوبان (زار)، چوپی و شکی، مرکب خوانی، چوپی چاردستمال، خیام خوانی و بیت خوانی را با موفقیت اجرا کرده‌اند و غلفت از این گروه های پویا همانند گروه لیان، خدای ناکرده سرنوشتی چون هجرت گروه سعید شنبه‌زاده را رقم خواهد زد.

از سوی دیگر بســـیاری از گروه‌های محلی ایران در شهرهای مرکزی ایران پهناور فعالیت دارند. به عنوان مثال گروه پویای دف‌نوازان «هیوا» به سرپرستی محمدرضا نامدارپور، در پایتخت فرهنگ هنر اصفهان سال‌هاست در حال فعالیت است. فعالیت آنها به صورت حرکت به سوی موسیقی علمی و ثبت آکادمیک نغمات کوبه‌ای است. از جمله اهداف این گروه «هیوا» ایجاد رویکردی متفاوت در تنظیم قطعات برای سازه‌های کوبه‌ای و پرداختن به گفتمان ریتم بدون حضور ملودی است که می‌تواند، طنین دف با حمایت مسولان در خارج از کشـــور گوش‌نواز شود. حمایت از گروهی چون «هیوا» که با حمایت استادان جمشید عندلیبی و بیژن کامکار سال ۹۴، تجربه کنسرت‌های موفقی را پشت سرگذاشته است، می‌تواند منجر به حضور دف‌نوازان در مراسم بزرگداشت



مولانا در قونیه شود و طپش دف‌نوازندگان ایرانی، اصالت و اصل ایرانی مولانا را گوشزد کند. انتظار منطقی است که در شرایط پساتحرم با برنامه‌ریزی‌ها و تعاملات فرهنگی مسئولان زمینه همکاری گروه‌های موسیقی محلی برای نیل به اهداف فراملی فراهم شود و موسیقیدانان ایران بتوانند به عنوان سفیران فرهنگی مناسب، هرچه بیشتر، فرهنگ و هنر ایران را در دنیا مورد شناسایی قرار دهند.

این پویایی در اقصی‌نقـــاط ایران و در قالب گروه‌های موسیقی وجود دارد. از خراسان پهناور، گروه‌های رقص و حرکات موزونی «ورشـــرنگ و شمس» که توانایی شرکت در جشنواره‌های خارج از کشـــور را نظیر جشنواره فلک تاجیکستان و جشنواره قونیه ترکیه را دارند.

در این زمینه سیدجمال محمدی سرپرست گروه موسیقی نواحی «کایر»، که چندین سال در کنار هنرمندان و استادان برجسته و به‌نام کشور، مشغول برگزاری کنسرت‌های داخلی و خارجی است معتقد است که، از آنجا که موسیقی فولکلور مناطق مختلف ایران به علت مهاجرت‌های گوناگون قومی در هم گره خورده و نیاز جامعه اقتضا می‌کرد که اقوام مهاجر هم بتوانند موسیقی محلی ناحیه خود را در کنار نواحی دیگر کشور داشته باشند، گروه کایر خود را مترصد این امر دید و در سال ۱۳۸۷ تأسیس شد.

هدف این گروه این است که بتواند بر اساس موسیقی محلی هر منطقه از هنرمندان همان منطقه موسیقی برای اجرای موســـیقی دعوت به همکاری کند تا به این شکل بتواند در راستای اشـــاعه فرهنگ بومی محلی مناطق کشور گام‌های



موثری بردارد.

این اهتمام، اگر به غیر از اهداف یگ گروه موسیقی محلی در دیگر سطوح مدیریت موسیقی کشور، توسع و تسری پیدا کند، در کنار بنیانگذاری بانک موسیقی نواحی و جشنواره‌ای همیشگی در روزهای آخر اسفند به عنوان جشنواره موسیقی محلی بین‌المللی ایران، خواهد توانست، غبار فراموشی از بسیاری از ترانه‌های محلی ایران زمین را بزداید و به صورت علمی و آکادمیک و نت‌نویسی، پارتیتورهای موسیقی محلی را در اقصی نقاط جهان، بپراکند.

همین گروه کایر، سال گذشته (۱۳۹۳) در عید نوروز از لحظات سال تحویل در شبکه یک سیما، با اجرای موسیقی اقوام و سرنای سال تحویل، برنامه اجرا کرده است و کاری تحت عنوان نوروزخوانی که سمبل نوگرایی و پیمان دوستی نیز است، اجرا کرده است. امسال نیز این گروه پویا در صدد اجرای برنامه‌های فراوانی است که به نظر می‌رسد، نوروز به عنوان یکی از اشتراکات مهم کشورهای منطقه، تاجیکستان، عراق، آذربایجان، ارمنستان، قرقیزستان، قزاقستان، ترکمنستان، افغانستان و بخشی از ازبکستان، یکی از جشنواره‌های منطقه‌ای را به شرط سیاستگذاری اهل فرهنگ به همراه داشته باشد.

به نظر می‌رسد، افرادی که امروزه درگیر روزمرگی فرهنگی شده‌اند و خود را بانی فرهنگ کشور می‌دانند، نباید از این غفلت بورزند که جایگاه موسیقی نواحی امروزه، ابزاری کارآمد برای دیپلماسی فرهنگی باشد. با وجود لغو تحریم‌های اقتصادی و فرهنگی باید تلاش‌های ما این باشد موسیقی ناب و اصیل ایران به گوش جهان برسد. مخصوصاً در شرایطی که برخی از شبکه‌های تلویزیونی و مغرض، با دستمایه قرار دادن تنگنای موسیقی در داخل ایران، جنبه‌های غیرعلمی و دور از ذوق اصیل ایران را به عنوان موسیقی ایرانی، مورد تبلیغ قرار می‌دهند. غفلت از گنجینه‌های موسیقی اصیل و محلی اقوام ایرانی و سوق دادن آنها به شبکه‌های خارجی و عدم تکریم اجراهای گروه‌های موسیقی محلی در رخدادهای بزرگ جهانی، نوعی خیانت به رنگین‌کمان معنوی موسیقی محلی است.

امروزه در داخل کشور، بسیاری از موسیقی‌های پاپ راحت‌تر از موسیقی محلی، مجوز می‌گیرند، در حالی که با وجود اجراهای ضعیف و عدم استقبال مردم از اجراهای موسیقی پاپ در جشنواره موسیقی فجر سال ۱۳۹۴ وقت آن است که مدیریت موسیقی کشور، به فکر ساماندهی کنسرت‌های محلی و حمایت از موسیقی فولکلور پویا و ارزشمند باشند. زیرا کج‌فهمی و بی‌اعتنایی به گنجینه موسیقی محلی به عنوان رایزنی فرهنگی، در واقع راهزنی فرهنگی محسوب می‌شود.

از جمله کارهای مغتنمی که بر پایه فعالیت‌های افراد در ایران کم و بیش در حال شکل گرفتن است، جمع‌آوری سازهای موسیقی نواحی در برخی از مناطق کشور است، به عنوان مثال اسماعیل بختیاری آزاد، به علت نبود سازهای مناسب، زیبا و با کیفیت، به فکر تأسیس کارگاهی برای جمع‌آوری و ساخت اینگونه سازها کرده است.

سازهایی از قبیل؛ سازهای مراسم زار (لیوا)، دمام، ضرب، دیره، تیمپو (داربوکا)، نی‌انبان، نی جفتی، فلوت و سازهای ابداعی، از جمله ساز گلاقی، به شیوه سنج‌سازی سنتی که از چوب و میخ آهنی استفاده می‌شود. در این کارگاه، به غیر از اسماعیل بختیاری آزاد، امیر ملاحی، محسن حیدریه، مجید پاکدل، احسان بختیاری آزاد، مُنا دقیقی و ابراهیم سیدی مشغول سازسازی هستند. این تکاپوی فرهنگی باعث شده است که نخستین نمایشگاه تخصصی سازهای بوشهری توسط این گروه ایجاد شود و دمام و نی جفتی ساخت کارگاه لیوا، موفق به اخذ نشان ملی کشور شوند.

در شمال ایران نیز، استان مازندران، سازهایی وجود دارد که هیچ ارگانی به ترویج یا درست کردن موزه‌ای برای حفظ این سازها، اقدامی نکرده است. گروه کایر درصدد احداث چنین موزه‌ای است تا سازهایی چون «لله وا» و «نقاره» (دسرکوتن)، در آنجا جمع‌آوری شود.

به هرحال، نوروزخوانی که توسط خنیاگران گمنام از دو هفته مانده به نوروز، در کوی و برزن اجرا می‌شده است، باید با تمهیدات متولیان فرهنگی به جشنواره‌ای بین‌المللی و ملی تبدیل شود.

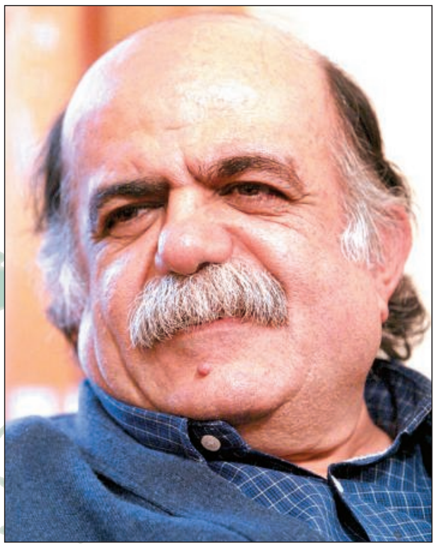
نامه

بازخوانی نامه‌ای از دکتر جلال‌الدین کزازی به شهریار

نامه به شهریار

دکتر میر جلال‌الدین کزازی، استاد مسلم ادبیات فارسی و از چهره‌های ماندگار این رشته، برای دوستداران زبان و ادبیات فارسی چهره‌ای آشناست، به‌خصوص به جهت نوع گویشی که دارد و همه می‌دانند که این استاد بزرگ سال‌هاست جز با واژه‌های سره پارسی سخن نمی‌گوید و نمی‌نویسد.

دکتر کزازی از کودکی و نوجوانی دارای ذوق ادبی بود و به سایقه محیط فرهنگی زادگاهش کرمانشاه و شرایط خانوادگی‌اش در جوار پدری فرهنگی و شاعر و شعر دوست، به شعر و ادب و شاعران بزرگ توجه خاص نشان می‌داد. در همین راستا نامه‌ای به قلم استاد در دست است که در سال ۱۳۴۴ زمانی که در دبیرستان تحصیل می‌کرد و محصلی بیش نبود، خطاب به استاد شهریار نوشته و به تبریز فرستاده است. جالب اینکه این نامه مورد توجه مرحوم شهریار قرار می‌گیرد و از ناشر دیوانش می‌خواهد که آن را در مقدمه جلد دوم دیوان شهریار چاپ کند. بخش‌هایی از آن نامه را با هم می‌خوانیم و از آقای دکتر کزازی سپاسگزاریم.



استاد عزیز! خواندن آثار شما انسان مرا تحت تأثیر قرار داد که بر آن شدم نامه زیر را که نماینده احساسات من به شماست بنویسم.

تقدیم به شهریار

ای شهریار ملک سخن که با شانه نبوغ، گیسوان مواج و در ریز عروس طبع را شانه می‌زنی

ای رب النوع احساس! آیا تار و پود تو را از عشق ساخته‌اند؟ که این سان با اشعارت شور می‌افکنی و قلب‌های پر مهر را از تنگنای خفقان آور مادیت به فراخنای فرح انگیز معنویت می‌بری؟

ای نسیم روح نواز شعر! که از شادی کده قلب شهریار میوزی و از فراز گلهای خوشبوی شور می گذری و هنگامی به ما می‌رسی که یکپارچه وجد و هیجان گشته ای! تو رابطی هستی بس کوتاه بین ما و شهریار ما.

ای بلبل نغمه پرداز کیست که شعر زیبای انشتین تو را بشنود و در برابر عظمت روح تو سر تعظیم فرود نیاورد؟ نمی دانی زمانی که آن را شنیدم چه حالی پیدا کردم. تو گویی بر بال‌های لطیف فرشتگان خدا نشسته‌ام و در میان آسمان‌ها پرواز می‌کنم و به سویت می‌آیم....ای شهریار بر آستان پر شکوه تو، سر از سعادت می‌سایم زیرا توانسته ام به عقیده خودم ذره‌ای از احساس پر ابهت تو را درک کنم. نمی‌دانم چطور اینهمه موهبت را با بدن نحیف خویش تحمل کنم. این عطیه زیادتر از ظرفیت حقیر من است...از چه چیزت سخن رانم‌ای شهریار؟ از شکوه‌ات؟ از معشوق؟

از تو بگذشتم و بگذاشتمت با دگران
رفتم از کوی تو لیکن عقب سر نگران
ما گذشتیم و گذشت آنچه تو با ما کردی
تو بمان و دگران وای به حال دگران

یا از طرز تلقی‌ات از مرگ عاشق؟

گر چه دانم آسمان کردت بلای جان ولیکن
من به‌جان خواهم تو را عشق ای بلای آسمانی
گر حیات جاودان بی عشق باشد
لیک مرگ عاشقان باشد حیات جاودانی

کدامیک؟ من نمی‌دانم از میان زیبارویان سخنت، کدام را رعناتر بدانم و یا از شکوفه‌های طبیعت، یکی را خوشبوتر معتقد شوم و فقط آنچه را که می‌دانم این است: تو شهریاری، شهریار شعر.

با تقدیم بهترین احترامات
میر جلال الدین کزازی
دانش آموز کلاس چهارم دبیرستان رازی ـ کرمانشاه



زیست

گفتگو با دکتر پرویز کردوانی

محیط زیست ما

■ حمید مجتهدی



آقای دکتر کردوانی! تهران یکی از پدیده های زمستانی‌اش آلودگی است. این آلودگی از چه چیزی ناشی می‌شود؟

ما چند جور آلودگی هوا داریم. یکی این آلودگی است که موقت است و سالی یکبار پیش می آید. یکی آلودگی هوای دائمی این شهر است و یکی دیگر هم آن آلودگی گرد و غبار است. این آلودگی که الان هست و ما داریم احساس می کنیم به دلیل سردتر بودن زمین نسبت به هواست؛ گرمایی که ما احساس می کنیم، گرمای مستقیم خورشید نیست. این گرما برای انعکاس است. یعنی گرمای خورشید خورده است به زمین و منعکس می شود. منبع گرما، زمین است. روی همین اصل است که هر چه از سطح زمین به ارتفاعات برویم؛ خنک‌تر می شود. نقطه پست است که گرما را منعکس می‌کند. در ارتفاعات به فرض در دماوند این گرما منعکس نمی شود. گرمای اطراف ما ۸۵ درصدش برای انعکاس گرماست. تنها ۱۵ درصد آن گرمای خورشید است. بنابراین وقتی سطح زمین گرم است، هوا و آلودگی ها صعود می کند و بالا می رود. اگر هوا هم آلوده باشد، آن بالاست.

الان موقعیت جغرافیایی و شرایط تپوگرافیک تهران و برخی از شهر ها طوری است که در این زمان زمین سردتر از هواست. وقتی سرد شود دیگر امکان صعود ندارد. بنابراین آلودگی های جلوی دماغ ما می ماند. قبلاً که زمین گرم تر بود به این شبیه بود که چتری دست ما هست و آلودگی از لبه های چتر به سمت مرکز و بالای آن می رفت، اما الان شبیه این است که چتری وارونه و پشت و رو دستمان گرفته باشیم. به این می‌گویند هوای معکوس؛ این هست و کاریش نمی شود کرد. گاهی شاید باد بیاید و اوضاع بهتر می شود. بهترین اتفاق این است که باد بوزد؛ باد بیاید به طور موقت است و اوضاع را بهتر کند؛ اگر باران بیاید وضع بدتر می شود. باران اسیدی می شود و ضرر هم دارد. یعنی اگر کسی لباس آویزان کرده باشد برای خشک شدن، می بیند که لباس سیاه می شود.

کشورهای دیگر برای این پدیده چه کاری کرده اند؟

کشورهای دیگر از اول آلودگی نداشته اند که بخواهد الان به وارونگی بدل شود. آنها این آلودگی را ندارند؛ چیزهای دیگری دارند. سه جور آلودگی در دنیا وجود دارد، آلودگی ای که ما داریم، آلودگی است که مربوط به ماشین هاست. وقتی این آلودگی روی می دهد می گوییم که زن های باردار، مردان پیر و .. بیرون نیایند. کشورهای دیگر این آلودگی را ندارند، آلودگی آنها مربوط به لایه ازن است. لایه ازن هم یا پاره شده، یا سوراخ شده یا شکسته است. به همین دلیل اشعه ماوراء بنفش به زمین می خورد. این اشعه برای انسان آب مروارید و سرطان پوست می آورد و گیاهان را هم فلج می کند.

آلودگی هوای تهران چه شکل و ترتیبی دارد؟

آلودگی هوای تهران دو جور است. گاهی ناشی از انسان است و گاهی هم طبیعی است. آلودگی طبیعی شدت و مسائله‌اش بیشتر از آلودگی ناشی از انسان است. یکی از این منابع آلودگی طبیعی، شالیزارهاست. شالیزار ها خیلی کثیف هستند؛ هر چند خیلی زیبا هستند اما چون در آب است، گاز متان تولید می کند. همان گازی است که در آشپزخانه استفاده می کنیم. یکی دیگر حیوانات نشخوار کننده هستند. حیوان‌هایی مثل آهو، گوسفند، شتر و بز و .. اینها تا زمانی که راه می روند و نشخوار می کنند اکسیژن می گیرند و CO_2 می دهند. ولی وقتی می خوابند به این دلیل که نشخوار کننده هستند و غذا را زیاد نمی جوند، باید غذایشان را از این معده خالی کرده و به معده دیگرشان بریزند. اینجاست که در معده شان ناهوازی اتفاق می افتد. این ناهوازی همان گاز متان است. در معده هم گاز متان است. الان بسیاری از کشورها برای مثال چین مشکل انرژی روستاهایش را از همین سیستم نشخوار حیوانات حل کرده است. به این گاز می گویند بیوگاز. این گاز را از موجودات زنده تولید می کنند. گازی که ما تولید می کنیم از فسیل ها است. آلودگی های طبیعی هوا، گاهی موضعی است. برای مثال در رشت فرد از طرفی شالیزار و برنجکاری دارد و از طرف دیگر گاوداری هم دارد. اینها همگی آلوده کننده است. کشورهایی هستند که حتی برای صاحبان حیوانات نشخوار کننده شان مالیات می گذارند. به این دلیل که دارد هوا را آلوده می کند.

به نظر می رسد مشکل بزرگ ما همین ماشین هاست

فرهنگ ماشین داری هم نداریم. تا ماشین می رود، نمی رویم موتور آن را تنظیم کنیم. معاینه فنی هم به عقیده من غلط است. شما می روید یک مکانیکی میزان می کند، اما ممکن است همین پس فردایش خراب شود. فرد باید مرتب به ماشینش برسد. معاینه فنی یک سال گواهی دارد؛ در حالی که ممکن است دو روز بعد ماشینش پت پت کند.

ماشین های ما مصرفشان زیاد است و از طرف دیگر احتراق کامل را هم ندارند. همان چیزی که می گویند باید یورو ۴ و یا یورو ۵ باید داشته باشند. ماشین های ما هنوز یورو ۲ دارند. در کشورهای اروپایی شهرهایی هستند که ماشین هایشان خیلی بیشتر از ماست اما آلودگی ندارند. چرا که ماشین هایشان احتراق کامل دارند، مصرفشان کم است، ماشین هایشان زود خراب نمی شوند، ماشین های ما ممکن است که اول خوب کار کند، اما خراب می شود.

از طرف دیگر ما عادت به خاموش کردن ماشین نداریم. ماشین مدام روشن است. اتوبوس های شهرداری و شرکت ها را هم حتی شنیده ام که از شب تا صبح هم خاموش نمی کنند. برای این که دینامشان ضعیف است و در سرما روشن نمی شود. ما خودمان هم معمولاً این کار را نمی کنیم. پشت چراغ ایستاده ایم، ماشین را خاموش نمی کنیم؛ چراغ سبز می شود، عابر پیاده فرهنگ ایستادن و صبر کردن را ندارد؛ از جلوی ماشین ها رد می شود، تا ماشین بخواهد رد شود، چراغ دوباره قرمز می شود و ماشین همچنان روشن یک چراغ دیگر را هم می ایستد. پل عابر پیاده هم گذاشته اند، اما مردم باز هم از خیابان رد می شوند. ما فرهنگ ماشین سواری هم نداریم. ما موقع پیاده روی، پارک رفتن و حتی نان خریدن هم سوار ماشین می شویم.

به نظر من، پارکینگ مهم تر از فضای سبز است. مردم مدام دور می زنند تا یک جای پارک پیدا کنند؛ دست آخر هم یک جایی پارک می کند و جریمه می شوند. آنهایی هم که کمی عاقل تر هستند، دو نفری می روند. یک نفر در ماشین می ماند و ماشین را هم خاموش نمی کند تا آن یکی کارش را انجام دهد و پلیس هم اگر آمد بگوید که می خواهد برود. کارخانه ها هم دو جور آلودگی دارند. یک آلودگی موتوری دارند، کارخانه ها و شوفاژ ها؛ بخاری های خانه ها هم از این دست هستند. استانداردی وجود ندارد که لوله بخاری باید چند سانت و تا کجا باشد. تمام شوفاژ ها را زیر پنجره ها کار گذاشته اند که از آنجا تمام گرما بیرون می رود. نمی فهمند که کجا باید بگذارند. لوله بخاری هم یک ارتفاعی می خواهد. همین است که خانه یکی می روید، می گوید که خانه ما پر از دوده است.



چه کاری می شود کرد؟

آب را از کوه های غرب می گیرند و می دهند به شهرها. این سیستم غلط است. نباید این کار را کرد. آب دریای خزر را الان دارند شیرین می کنند و می دهند به شهرها؛ می گویم ندهید. این همه آب دادید به کاشان و اصفهان.. آب ها را می‌دهند به شهرها، کارواش درست می کنند و فضای سبز. آلوده می کنند. به کشاورزی که نمی دهند؛ کشاورزان هم رها می‌کنند و می‌آیند شهر. هر استانی را خواستید نابود کنید، به آن آب بدهید.

آب دادند به یزد؛ الان ۶۷ تا ۷۰ درصد روستاهایش خالی شده است. همه جا ۵ سال یکبار محاسبه می کنیم که مهاجرت چقدر است؛ در یزد ماهانه حساب می کنیم. چرا که آب را دادند فقط به شهرها. این ها اشتباه های بزرگی است. الان دیر شده است. مثل خانواده ای است که نفهمیده و ۳۰ تا ۴۰ تا بچه درست کرده است و با پس انداز تا به حال زندگی کرده است. تنها راه این است که به کشاورزی برسیم.





کشاورزی که آب می خواهد، اما آب هم نیست.

کشاورزی را از لار گرفتند، کشاورزی را تعطیل کردند. ورامین منطقه کشاورزی خیلی وسیعی بود. تا زمستان و بهار آب داشت و تابستان نداشت. سد ساختند و ۳۶۰ پارچه آبادی داشت. همان قبل از انقلاب ورامین شد چشم و چراغ ایران و آمدند کارخانه قند، پنبه و .. را درست کردند. بعد گفتند تهران دارد جمعیتش زیاد می شود؛ یک دهم را بدهیم به تهران. زیادتر شد و این سهم زیادتر شد.

الان چهار سال است که یک قطره آب به ورامین نرسیده است و تمام آب دارد می آید تهران. زمان آقای هاشمی گفتند حالا که این طور شده است؛ دیگر سد مانلو را به ورامین بدهید. این آبی بود که از دماوند می آید و می ریزد به همان جوی ها برای کشاورزی. آن هم شد برای شرق تهران؛ افسریه و شهر ری. همه آب ها دارد می آید تهران. گفتند زیر سد لتیان چاه زدند؛ آوردند برای تهران. قنات های لواسان خشک شد. چهار ســـال است که از شمال آب می آورند، از سد سفید رود. آب قزل اوزن است که از سنندج و بیجار سرچشمه می گیرد، می آید زنجان و میانه و آذربایجان شرقی و از آنجا می آید از مرز زنجان و اردبیل و توی این سد می ریزد. اینها گفتند آب برای ماست و ۱۱ تا سد زدند. سد شهریار را هم می خواهند بزنند؛ این سد ها را اگر بزنند، برنج کاری گیلان هم تعطیل می شود. قرار بود با این سد هر سال ۱۷۰ هزار هکتار برنجکاری شود. الان ۱۱ سد دارند می زنند، ۱۱ سد دیگر هم در برنامه است که بزنند.

یکی دیگر هم از شاخه شاهرود بود که آن را هم گرفتند برای تهران. الان هم دارنـــد آب تنکابن، قله دو هزار را که همش کشت و کشاورزی و اینها می شود می خواهند بیاورند برای تهران. چالوس هم رودخانه های کمی دارد، اگر این را بیندازند روی دیزین و بدهند به تهران و دیگر آب ندارد. باید یک راکتور اتمی بزنند کنار دریا، شیرین کنند آب را و بفرستند برای تهران. چرا که شهرها را دارند توسعه می دهند. هر چه به شهرها بیشتر می رسند روستاها بیشتر تخلیه می شوند و شهرها مشکلشـــان بیشتر می شود. پس کی می خواهد این وضع تمام شود.

قانون گذاشـــتند؛ وقتی جمهوری اسلامی آمد گفت کشاورزی را توسعه دهیم برای این که وابسته به امریکا نباشیم. رفتند چاه زدند و می دانید که چه شد؛ دریاچه ارومیه را هم چاه ها نابود کردند. جهرمی که سال ۱۳۴۲ آب ۱۳ متری و ۱۴ متری بود، الان ۵۰ متر پائین رفته است. جهرمی که صادر کننده میوه بود؛ الان صادر کننده ذغال شده است. همینطور پسته را توسعه دادند و چاه زدند. یک چاه در گرمسار، سمنان و این جور جاها خیلی باشد ۸۰۰ میلیون تومان است. آنجا ۱۰ میلیارد تومان شده است. چرا که آب نیست، ۳۵۰ متر رفتند پائین تا به آب برســـند. سال هاست دیگر آب نمک می آید بیرون. اینقدر شور است.

پس باید نتیجه بگیریم کلا آب به زودی تمام می شود یا کم می آید

اینطوری هیچ جای ایران تابســـتان آب مـــازاد ندارد، مثل خانواده ای که هیچ وقت پـــول اضافی ندارد. اگر از یک خانواده دیگر هم پـــول بگیرد آن خانواده را هم خـــراب می کند. ما از چهار محال و بختیـــاری آب گرفتیم، الان خودش فاضلاب هم ندارد که اســـتفاده کند. در کارون پارســـال رفتم داشتند سبزی می کاشتند. کارون ۲۰میلیارد متر مکعب آب داشت، کارونی که ۷۲ شهر اهواز را می خواست بگیرد، الان دارند توش سبزی می کارند.

اینقدر آب نیست که شهردار اهواز هم دارد مدام خاک می ریزد که به شهرش اضافه کند. اینجا هم که آب بهش داده اند آباد نشده است، اینجا را هم نابود کرده است. آبی که از اهواز داشتند انتقال می دادند را به روستاها ندادند، فقط روستاهایی که کنار لوله بودند؛ لوله را سوراخ کردند. بنابراین از آن آب به آنها دادند فقط برای استفاده خانه شان نه برای کشاورزی.

چرا در کشـــوری که تمام محصولات درونش کاشته می شود از قهوه و ذرت درونش کاشته می شود و تمام آب و هواها را در خودش دارد، از زمین خوزستان سالی سه بار ذرت برداشت می شود. در استان گلستان سالی دوبار سویا برداشت می شـــود. با این روش غذای دام ها تامین می شود. به مردم دروغ نگویند بگویند که ما الان مرغ به شما کم می دهیم اما تا سه ماه دیگر دانش را تامین می کنیم.

گندم؛ ما امسال گندم ها را دادیم به دام ها و ۳ درصد آن را به دولت دادیم. گندمی که آن همه هزینه دارد ۴۲۰ تومان می خرد، دامدارها گندم را از ما ۵۰۰ تومان خریده اند. جو هم بود ۷۰۰ تومان؛ جو نخریدند و گفتند گندم می خریم. گندم

> **آلودگی بیشتر به این خاطر است که مردم آمده اند به شهر. منشاء آلودگی بیشترش از روستاست. آمده اند در شهر، خانه، کار و ماشین می خواهند.**
> **اجتماع را هم فاسد کرده اند. خود من که دهاتی بودم آمده ام شهر و فرهنگم هم از دست رفته است و شده ام تهرانی**

ها را دادند به دام ها. سال آینده بدتر است مردم دیگر گندم نمی کارند. چرا گفتند جو خوب است. از ما نخریدند رفتند با ارز ۲۵۰۰ تومانی، ۷۵۰ تومان از فرانسه و امریکا گندم خریدند. چرا این گناه است. چایی دارند وارد می کنند، اما هنوز پول چایی مردم را ندادند. ۱۰ -۱۲ میلیارد تومان بدهکارند. پول چایی را هنوز نداده اند. پ

پس کشاورز چطور کار کند. الان پنبه ها را نه کسی هست که بچیند و نه کسی می خرد. وزیر کشاورزی اعلام کرده است به تمام نقاط ایران که رهبر فرموده اند تولید باید بالا برود، هر جا زمین خالی هست ببرید زیر کشت. کشت را باید کم کنیم، بدبختی ما توسعه بی رویه بوده است. این که سطح کشت، شهرها، صنعت و دانشگاه ها را توسعه دادیم. همه اینها آب می خواهد.

باید کمتر بکاریم تا امکانات بیشتری داشته باشیم. باید راندمان را بالا ببریم. گرمسار الان ۸ تا شهرک صنعتی دارد، همه را جمع کنید یکی هم نمی شود. بی خود دانشگاه ها را توسعه می دهیم؛ خودم الان ۱۲ دانشجوی دکتری روستایی دیدم که حتی یکی از آنها گاو را ندیده است، به درد نمی خورند؛ چطور می توانند مشـــکل مملکت را حل کنند. این ۱۲ تا سال دیگر بکنند ۲۰۰ تا این فایده اش چیست؟ این ها سربار جامعه هستند. کشورهای خارجی اگر بخواهد دانشجوی دکتری بگیرد؛ باید حداقل فرد یک سال در روستا کار کرده باشد.

دریاچه ارومیه هم که الان خشک شده است، به خاطر توسعه بی رویه است. دریاچه قربانی توسعه بی رویه کشاورزی است.

نتیجه این بی آبی چه می شود؟

به آلودگی ختم می شود. آلودگی بیشتر به این خاطر است که مردم آمده اند به شهر. منشاء آلودگی بیشترش از روستاست. آمده اند در شهر، خانه، کار و ماشین می خواهند. اجتماع را هم فاسد کرده اند. خود من که دهاتی بودم آمده ام شهر و فرهنگم هم از دست رفته است و شده ام تهرانی. چقدر هم فجایع و دزدی از روی ناچاری ایجاد شده است. ما آمدیم در تهران، دو کار کرده ایم. یکی این که آلوده کرده ایم تهران را و یکی دیگر این که سرطان درست کرده ایم. سرطان چیست؟ سرطان تکثیر سلول است. این قدر جمعیت سرطان است. فکر می کنیم که داریم زندگی می کنیم. اینطور نیست. ما همان سلول ها هستیم و داریم تهران را هم نابود می کنیم. همان که نابود کرده ایم. دیگر حیوان و پرنده هم در آن نیست. یعنی تهران سرطان گرفته است. تنها کاری که می توانند بکنند این است که فکر کنند برای کاهش آلودگی، این که طرح زوج و فرد کنیم و ماشین ها را کنترل کنیم اینها بی خود است. همه این کارها هم با حقه انجام می شود. مثلا معاینه فنی طرف می رود می گیرد. معاینه فنی هم غلط است. باید سطح فرهنگ مردم بالا برود. باید به روستاها برسند تا مشکل تهران حل شود.

ما در تهران دو مشکل داریم، یکی این که داریم ریه های تهران را نابود می کنیم. تپه های عباس آباد و چیتگر همه از بین رفته است. از طرف دیگر توسعه فضای سبز مطرح است. گفتند بیاییم فضای سبز را در شهر زیاد کنیم، اما چمن کاری کردند.

فضای سبز اشـــتباه است. فضای سبز تهران را باید کم کرد. کشورهای پیشرفته منابع آلوده کننده را از بین می برند. ماشین و دودکش را نمی گذارند دود کنند. توسعه فضای سبز اشتباه است، اصلا آب نداریم. مشکل این است که هر کسی می خواهد کار خودش را بکند و به فکر خودش است. همه هم می آیند شهر. همه هم از وزارت نیرو آب می خواهند. از کجا بیاورد. وزارت نیرو آب ندارد که بدهد. مهم ترین مسئله آب است، آب نیست. فضای سبز هم هر چیزی باشد، آب می خواهد. چمن که دیگر هیچی. شورا کردند که ۵ هزار هکتار به فضای سبز تهران اضافه کنند. آب کجا را دیگر برای تهران بیاوریم؟ تهران همه جا را نابود کرد و خودش هم آباد نشد. تهران ســـرطان است. جایی می شود که دیگر جای زندگی نیســـت. دیگر نمی شود در خیابان ها راه رفت. می خواهند هوا را با دود، کامیون و ماشـــین آلوده کند و بعد با گیاه آن را تمیز کند. گیاه هم مثل انسان است؛ ما از بینی نفس می کشیم. این گیاه دیگر اینقدر دوده خورده است که نمی تواند نفس بکشد. کشـــورهای اروپایی حداقل این ها را می شویند، ما آب هم نداریم که گیاه را بشوییم. بعد درخت ها را می آیند هرس می کنند. اگر درخت را برای فضای ســـبز می کارید؛ چرا هرسش می کنید. درخت هر چقدر بزرگتر باشد، قدرت تصفیه کنندگی اش بیشتر است. وقتی قطعش می کنید دیگر سایه، تصفیه کنندگی و خنکی هم ندارد.

پس به جای فضای سبز باید چه کنند؟

یکی این که باید پارکینگ درست کنند و دیگر این که باید منابع آلوده کننده را از بین ببرند. همه اینها باید اصلاح شود. همه اینها را کشورهای خارج دارند. به عقیده من اصلا ولش کنیم، شاید خودش درست شـــد. خرابی چو از حد بگذرد، آباد می گردد. باید تهران را ول کنند. مثل پدر و مادر می ماند که نمی توانند خانواده را اداره کنند. بهتر است ولش کنند شاید بچه ها بهتر اداره کنند.





هنر

نگاهی به زندگی و آثار هنری نیره سادات طباطبایی

نقاشی اصالت، اصالت نقاشی

نیره سادات طباطبایی (با نام هنری «طبا») در یک خانواده اصیل و پرجمعیت در تهران به دنیا آمد. او از نخستین سال‌های کودکی دارای استعداد سرشار هنری بود، به گونه‌ای که از طفولیت به کارهای هنری واقعی علاقه نشان می‌داد و تعجب اطرافیان را بر می‌انگیخت. توجه شدید به جزئیات و محیط اطراف، هم سخنی با برگ‌ها و درختان، دقت به انواع نورها و رنگ‌ها و کشش به هر آنچه حاوی نحوه ای از زیبایی‌های اصیل بود، بخش اصلی کودکی او را شکل داد. همانگونه که خود می گوید، در کودکی پیش از آنکه به مدرسه برود، بارها و بارها از دیدن یک پروانه دچار اعجاب می‌شد و همواره می کوشید آنچه را که می‌دید، نقاشی کند.خیره شدن او به یک پروانه خوشرنگ کوچک گاهی ساعت ها طول می کشید و با مکالمات زمزمه هایی همراه بود که برای دیگران بی معنی و حتی نگران کننده می نمود و غالبا اعتراض تند و تلخ بزرگتر ها را در پی داشت.

به دلایلی که مجال طرحش نیست، استعداد هنری این بانوی هنرمند امکان بروز نیافت و گذشت زمان موجب سرکوب توانایی‌های هنری یک نقاش فطری شد. به گونه‌ای که هنر به صورت کامل از اصل و فرع زندگی او خارج شد و هرگز امکان بروز یافت. سال‌ها بعد، این استعداد در نخستین سال ازدواج توسط همسرش کشف شد و چنین بود که او با تشویق‌های شوهر به نقاشی روی آورد و توانست با استعدادی کم مانند و خلاقیتی منحصر به فرد و صد البته پشتکاری که در نوع خود طاقت فرسا و بی‌نظیر بود، آثاری را پدید آورد که برای اهالی هنر و صاحبان نظر اعجاب انگیز است.

نیره سادات طباطبایی، در قدم اول چندین پرتره پرکار را روی کاغذ آورد. پس از آن نقاشی را به صورت حرفه‌ای آغاز کرد. او برای اینکه به صورت کامل در خدمت هنر باشد و بتواند نبوغ هنری‌اش را به طور برساند، از تدریس ـ که شغل اصلی‌اش بود ـ کناره گرفت و به صورت تمام وقت به خلق و آفرینش پرداخت. از روی علاقه بیش از ۲ سال در شاخه‌های مختلف هنرهای اسلامی و به طور خاص تذهیب، مینیاتور و گل مرغ کار می‌کرد و آثاری را پدید آورد که استادان شاخص این عرصه نسبت به قوت و برجسته بودن آن به صورت کتبی گواهی داده‌اند و در ادامه همین نوشته به بخشی از آنها اشاره خواهیم کرد.

او بعد از به ســـرانجام رساندن زمینه های کاری هنر سنتی ـ بومی ایران ، به نقاشی رئال روی آورد و مدت ها طبیعت بی‌جان، منظره و هر آنچه که به نقاشی واقع گرا مربوط باشد نیز کار کرد، و آثاری را پدید آورده است که دقت موجود در آنها، به کارهای اصیل پهلو می‌زند.علاو بر این، طباطبایی در حوزه نقاشی مدرن و پست مدرن و سورئال هم آثاری پدید آورده است که نشان دهنده گستره وسیع تخیل هنری او و برداشت ویژه او از جهان امروز، انسان امروز و مناسبات جدید روزگار دیجیتال است.

کوتاه سخن اینکه: از نیره سادات طباطبایی می توان به عنوان هنری صاحب سبک، دارای خلاقیت ویژه و صاحب توانمندیهای خاص یاد کرد که استعداد هنری‌اش پس از سال‌ها مسکوت ماندن و مغفول افتادن، به طرزی شگفت و معجزه آسا امکان ظهور یافته و در فضای هنری معاصر جریان یافته است. این نکته قابل توجه است که در شرایط فکری، زندگی و فرهنگی ایران معاصر، کم نیستند اشخاصی که استعداد هنری آنها به دلایل مختلف بروز نمی‌یابد و این قطعاً امری خسارت بار است که هرگز نمی‌توان آن را جبران کرد. از این نظر، خانم نیره سادات طباطبایی نمونه‌ای قابل توجه از بانویی است که موفق شده جوهر هنری یک زن ایرانی را به طوری ناباورانه به ظهور برساند و شگفتی و حیرت اصحاب هنر، استادان، صاحبنظران و دانشوران معاصر را موجب شود.در اینجا بخشی از اظهار نظرهای استادان به نام و شخصیت‌های شاخص و برجسته دربارهٔ آثار، کارها و خلاقیت‌های هنری خانم طباطبایی را نقل می کنیم، با این امید که این امر موجب تشویق دیگران برای کشف استعدادهایشان گردد

دیدگاه‌ها و نظرهای استادان

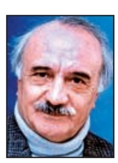


استاد ادیب برومند، هنرشناس برجسته و مجموعه دار بین‌المللـــی: بانوی هنرمند، سرکار خانم نیره سادات طباطبایی ۲۸ خرداد ۹۳ به خانه من آمدند و قسمتی از نقاشی‌های اخیرشـــان را آوردند که پیشرفت خانم را در زمینه مینیاتور بخوبی نشان می‌داد و مایه امیدواری بیشتر شد که سرکار خانم نیره سادات طباطبایی به سرعت مراحل ترقی را در نقاشی پیموده، خاصه با پشتکاری که دارند.



دکتر غلامحســـین ابراهیمی دینانی: مســـئله‌ای که باید یادآور شوم این است که سرکار علیه خانم نیره‌سادات طباطبایی برای نخستین بار دست به یک سلسله کارهای هنری زده‌اند که در حقیقت شبه اعجاز است و بنده هر چه در آن کارها دقت کردم، کارهای هنری ایشان را بی‌نظیر یا کم نظیر دیدم.

با اخلاص ابراهیمی دینانی



دکترحسن انوری، اســـتاد دانشگاه و مؤلف «فرهنگ سخن»: امروز هشتم مرداد ۹۳ ساعت ۷ بعدازظهر، خانم نیره طباطبایی همراه با تابلوهایشان به منزل ما آمدند و ما را شاد و مسرور ساختند. به خصوص دیدن تابلوهای خانم طباطبایی من و همسرم را شگفت زده کرد چرا که ایشان در عرض کمتر از یک سال این آثار را به وجود آورده‌اند. شعر حافظ را تقدیم ایشان می‌کنم:

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر
یادگاری که در این گنبد دوار بماند



دکتر مهدی محقق رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: توفیق دیدار خانم هنرمند سرکار خانم نیره‌سادات طباطبایی دست داد. در این جلســـه که با حضور همسرم خانم نوش‌آفرین انصاری اتفاق از آثار هنری سرخانم طباطبایی استفاده کردیم. امیدواریم که روز به روز هنر ایشان در ترقی و تعالی باشد:

باش تا صبح دولتش بدمد
کاین هنوز از نتایج سحر است



زنده یاد خسرو افشـــار هنرشناس و هنرمند برجسته و برادر مرحوم ایرج افشار: با علم و آگاهی می‌گویم که کارهای اخیر خانم نیره سادات طباطبایی شاهکار است به معنای واقعی کلمه.

فرهنگ و هنر ایرانی با وجود این کارها، هنرمندی برجسته در اختیار دارد که تمام اصول هنری را می‌شناسد مراعات می‌کند. خرم و رنگ در کارهای خانم طباطبایی درست‌ترین و زیباترین حالت ممکن را پیدا کرده است... آرزو می‌کنم با وجودی که در چنگال بیماری اسیرم،زنده بمانم و کارهای بعدی این هنرمند قوی و برجسته را ببینم...



دکتر ســـیدکمال قائمی: ... هنرنمایی عالی و گرانمایه حضرت علیه خانم، هرکی من جمله بنده دکترکمال قائمی و خانم را خشنودتر می‌کند. ظرافیت کار و تناســـب رنگ و قابل کارهای نقاشی مینیاتور خانم طباطبایی بسیار چشمگیر و مورد تحسین است... نمونه‌های هنر علی و تا حدی اختصاصی خانم را نمی‌توان مورد توجه قرار نداد و من قبول می‌کنم که سخت تحت تاصیر واقع شده‌ام...



استاد ســـیدعبدالله انوار، فیلسوف و نسخه‌شناس برجسته: سعادت یاری کرد خانم نیره‌سادات طباطبایی را زیارت کردم و سرکار خانم نقاشی‌ها و مینیاتورهای بسیار عالی را نمایش دادند که بسیار کارهای هنری ارزشمندی بود. از خدای بزرگ تعالی و ترقی ایشان را مسألت دارم.



دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن: ساعتی توفیق دست داد که کارهای هنری خانم نیرهٔ طباطبایی را تماشا کنم. در میان هنرهای نقاشی از همه ظریف‌تر تذهیب است که کاری است بسیار دقیق و حوصله سوز. ظرایف قلمی و شکیبایی بشر نهایت توانایی خود را در این هنر می‌نمایاند. در دوران ما که همه کارها ابزاری شده است، این‌گونه پرداختن به هنر به راستی قابل تحسین است که ترکیبی از بوته‌ها و رنگ‌هایی را به وجود می‌آورد که چشم‌نواز و فرحبخش است. توفیق این خانم گرامی را آرزومندم.



دکتر شـــیرین بیانی (استاد دانشگاه و هنرشـــناس): غروب بس دلنشین و اندیشه برانگیزی است این غروب، در بین نقش‌ها و رنگ‌ها غوطه‌خوردم و می‌خورم: نقش‌هایی که یک بانوی جوانی و عاری از ریب و ریا آفریده است. شگفت آنکه تازه کار است ولی گویا سال‌هاست که در کار نقاشی و مینیاتور کار کرده. دستی توانا، ظرایفِ و لطیف دارد که حاکی از روح لطیف اوست. رنگ‌ها را کاملاً به جا و درست به کار می‌گیرد و تلفیق می‌کند. نقش‌های مینیاتوری را به درستی و بدون لغزش دست و اندیشه بر سرجای خود می‌نشاند. آیندهٔ بسیار درخشانی برای این بانوی جوان عزیز و هنرمند می‌بینم. به امید این آیندهٔ درخشان در زمان حال پر تلألو.



ابوالفضل جلیلی (کارگردان سینما و داور بین‌المللی فیلم): فقط می‌توانم برایتان آرزوی سلامت بکنم، چون حقیقتا موفق هستید.



دکتـــر حکمـــت الله ملاصالحـــی (باستان‌شناسی و استاد دانشـــگاه): روزی گذشت اما چه زیبا و مبارک زیر سقفی که همه هنر بود و هنرمندانگی بانویی هنرمند و خوش ذوق... آثار تذهیب ســـرکار خانم نیره‌سادات طباطبایی آنچنان برایم چشم‌نواز بودند که هر بار من و همسرم با دقت و مراقبت بیشتر به آنها نگاه می کردیم، آنچنان جان ما را گرمی می‌بخشید که جز تحسین چیز دیگری بر زبانمان جاری نمی‌شد و نمی‌تراوید. برای ایشان دعای خیر و آرزوی توفیق دارم.



دکتر پرویز کردوانی (اســـتاد دانشگاه تهران و پدر کویرشناسی ایران): فرصتی دست داد طلایی و غیرقابل تصور از کارهای بسیار زیبا که وصف آن مشکل است از خانم نیره ســـادات طباطبایی که واقعاً چنین کارهای با ارزشی از خانمی خیلی جوان ندیده بودم به گونه‌ای که اگر این کارها را ندیده بودم و این خانم یا هر شخص دیگری از هنرمندی فوق‌العاده ایشان تعریف می‌کرد، باور نمی‌کردم اما امروز که این کارها را دیدم و از نزدیک و با دقت آنها را مطالعه کردم، از شوق دیدار این آثار بســـیار با ارزش می‌خواستم با دید پدرانه آنطور که شایسته بود، خودم را خوشحال کنم نه او را، با بوسه زدن بر پیشانی این هنرمند جوان بسیار با ارزش.

دکتر پرویز کردوانی

شادی

راهکارهایی برای شادزیستن

شاد زندگی کنیم

■ پروفسور داریوش فرهود

شادکامی به مقدار زیادی به فرد و ویژگی های فردی وابسته است. از این رو، برای برخورداری از نیکزیستی روانی ابتدا باید راهکارهای فردی افزایندۀ شادکامی را بشناسیم که در ادامه مهم ترین آنها معرفی می شوند.

اهمیت دادن به خانواده

خانواده به عنوان کانونی ترین سیســـتم اجتماعی موثر بر شخص قلمداد می شـــود. در جوامعی که سطوح بالایی از خشونت خانگی دیده می شـــود، آمـــار طلاق بالاست و حمایت هـــای اجتماعـــی لازم از خانوادهها صورت نمی گیرد، شادکـــامی کاهش معناداری را نشان می دهد. داشتن ارتباطات خانوادگی سالم و مبتنی بر احترام متقابل، احساس امنیـــت و عزت نفس فرد را افزایش داده و همین امر کیفیت زندگی و به طبع شادکامی افراد را تحت تاثیر قرار می دهد.

تمرین مهارت های اجتماعی

مهارت های اجتماعـــی ، تعامل و ارتباط با دیگران را تســـهیل می کند و نقش های اجتماعی و مراودات را خلق می کند. بنابراین، داشتن مهارت های اجتماعی باعث می شود بتوانیم دایرۀ ارتباطات خود را گسترش دهیم و از سلول تنهایی خود رهایی یابیم. اجتماعی شدن با یادگیری مهارت های اجتماعی امکان پذیر است و افراد با مهارت اجتماعی بیشتر شادکامی بیشتری را تجربه می کنند.

تمرکز بر تداوم ارتباطات

انسان در طول زندگی خود روابط گوناگونی را تجربه میکند. هر چه فرد دارای دایرۀ ارتباطی وســـیع تر و روابط اجتماعی مستحکم و بادوام تر باشد، شادکامی بیشتری را تجربه خواهد کرد. بنابراین، برای دستیابی به شادکامی، فرد علاوه بر گسترش دایرۀ ارتباطات، باید به تداوم آنها نیز توجه کند.

شرکت در جشن ها

جشن ها و اعیاد در هر فرهنگی زمانی برای شاد بودن و در کنار هم بودن است. شرکت در چنین مراسمی، منجر به افزایش ارتباطات اجتماعی مثبت و لذت بخش شده و ساعاتی شاد را برای افراد رقم می زند.

استفاده از رفتارها، مناسبات و ادبیات گفتگویی مهربان و شادی آفرین

برای اینکه شاد باشیم و توانایی این را داشته باشیم که دیگران را نیز شاد کنیم، می بایست رفتارهای بین فردی همدلانه را برگزینیم و در مراودات خود با دیگران بر مولفه های شادی آفرین بیش از غم و اندوه تاکید داشته باشیم.

پرهیز از مقایسۀ اجتماعی

شادکامی به واسطۀ فرآیند مقایسه میان وضعیت موجود با استانداردهای ویژه ارزیابی می شود. چنانچه افراد در فرایند مقایسه، وضعیت موجودشان را با استانداردهایی بسیار فراتر از آن ارزیابی کنند، احساس رضایت کمتری خواهند داشت و در نتیجه کاهش معناداری را در سطح شادکامی شان تجربه خواهند کرد. فرآیند مقایســـه اجتماعی در بیشتر موارد جو رقابت را حاکم می سازد که این امر با افزایش فشار و استرس، شادکامی را کاهش می دهد. بنابراین، برای شادکـــام بودن می بایست مقایسۀ اجتماعی را کنار نهاد و رفاقت و همکاری را به جای رقابت جایگزین نمود.

تقویت صفات شخصیتی مثبت

همانطور که در بخش دوم کتاب حاضر مطرح شـــد؛ برخی صفات شـــخصیتی وجود دارند که با شادکامی در ارتباطند. ایجاد تغییر در برخی صفات شخصیتی کاری بس دشوار است (مانند جایگاه پایش). اما، افـــراد می توانند با تقویت برخی از ویژگی های فردی و صفات شخصیتی مثبت در درون خود شادکامی شان را افزایش دهند.

بالا بردن سطح عزت نفس و خودکارآمدی

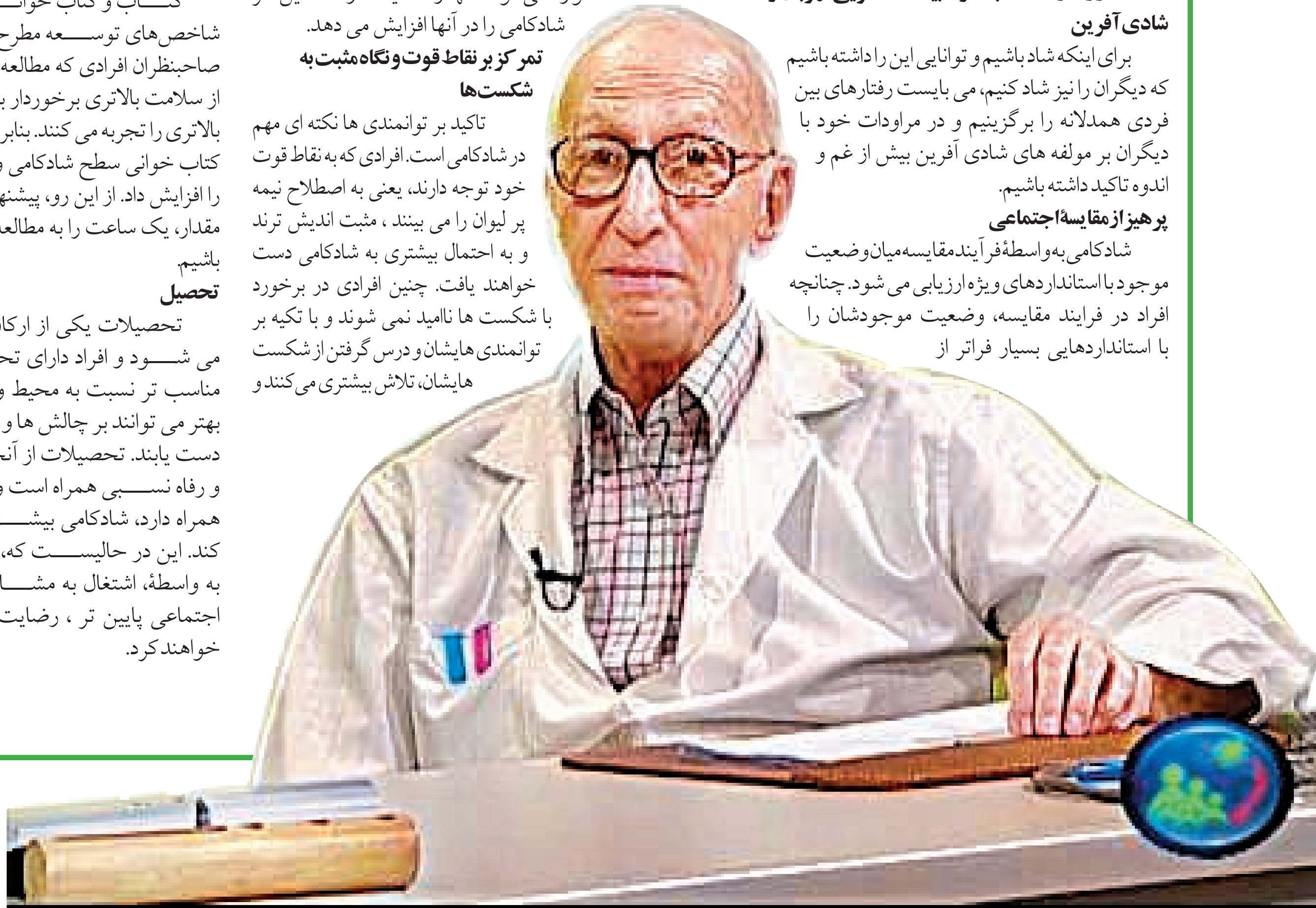
زمانیکه ارزیابی های فرد از خودش مثبت باشـــد و قضاوت وی دربارۀ میـــزان توانایی هایش در انجام تکالیف و رسیدن به اهداف به واقعیت نزدیک تر باشد (نه بیش از حد و نه کمتر از واقع)، رضایت از زندگی و به دنبال آن نیکزیستی پنداری وی افزایش خواهد یافت. افراد دارای سطوح بالای عزت نفس که توانایی های خود را درست ارزیابی می کنند در برخورد با چالش ها بهتر می توانند موقعیت را مدیریت کرده و موفقیت بیشتری کسب می کنند.

بالا بردن سطح خوش بینی و مثبت اندیشی

خوش بینی و مثبت اندیشـــی به عنوان نگرش های پنداری‌ای که موقعیت ها و رویدادها را به عنوان موارد مثبت تعبیر و تفسیر می کنند، شادکامی را افزایش می دهند. افراد خوش بین نسبت به آینده امیدوار ترند و موانع و رویدادهای ناگوار نمی تواند آنها را نا امید سازد . همین امر شادکامی را در آنها افزایش می دهد.

تمرکز بر نقاط قوت و نگاه مثبت به شکست ها

تاکید بر توانمندی ها نکته ای مهم در شادکامی است. افرادی که به نقاط قوت خود توجه دارند، یعنی به اصطلاح نیمه پر لیوان را می بینند ، مثبت اندیش ترند و به احتمال بیشتری به شادکامی دست خواهند یافت. چنین افرادی در برخورد با شکست ها ناامید نمی شوند و با تکیه بر توانمندی هایشان و درس گرفتن از شکست هایشان، تلاش بیشتری می کنند و احتمال بیشتری دارد که به موفقیت دست یابند.



تقویت حس شوخ طبعی

اگر با این تعریف شـــوخ طبعی موافق باشیم که شوخ طبعی را به عنوان عمل ، گفتار و یا نوشـــتاری که شادی و خوشحالی ایجاد می کند، معرفی می کند، به طور ضمنی با این امر موافقت کرده ایم که شوخ طبعی خود عامل شادکامی است. افراد شوخ طبع هم خود شاد هستند و هم دیگران را شاد می کنند.

هدفمندی و دنبال کردن اهداف

پر واضح است که؛ هدفمندی و تلاش برای دستیابی به اهداف یکی از تاثیر گذارترین مولفه های زمینه ساز شادکامی و نیکزیستی پنداری است. هدفمندی به زندگی جهت می دهد و یکی از ارکان اساسی سازگار شدن با محیط پیرامون است.

پرهیز از تعصب و دگم اندیشی

دگم اندیشی در تمامی انواع آن (مذهبی، نژادی، قومی، سیاسی)، به عنوان یکی از عواملی که شادکامی و نیکزیستی را به صورت منفی تحت تاثیر قرار می دهد، مورد توجه است. افراد دگم اندیش در ذهن خود ، یک سیستم شناختی خشک و غیر قابل انعطاف را شـــکل می دهند که به صورت یک ویژگی شخصیتی باثبات، توان سازگاری آنها با محیط پیرامون را کاهش می دهد. از آنجا که مولفه های شناختی و هیجانی شادکامی هر دو به میزان قابل توجهی تحت تاثیر سازگاری فردی هستند، بنابراین در افراد دگم اندیش، که سطح سازگاری پایینی دارند، کاهش سطح شادکامی و بروز خشونت امری غیر قابل اجتناب است.

توجه به بعد معنوی زندگی

یکی از ابعاد شکل دهندۀ شـــادکامی معنویت است تا جاییکه برخی صاحبنظـــران این حیطه، بـــا به کار بـــردن مفهومی تحت عنـــوان «شـــادکامی معنـــوی»آن را بالاترین شـــادکامی ها معرفی می کنند. توجه به معنویات در زندگی، شادی غیر مشروطی را ایجاد می کند که با درک واقعی از جهان پیرامون همراه است. حتی بسیاری بر این باورند که؛ گزینش اهداف درونی ،که رشد شخصی و معنویت را در بر می گیرد، شادکامی بیشتری نسبت به اهداف بیرونی و مادی ایجاد می کند.

تفریح و داشتن سرگرمی های سالم

فراغت و زمان های آزاد هر فرد بهترین موقعیت را برای دستیابی به شادی و لذت فراهم می کند. البته، به شرطی که این زمان را با انجام فعالیت های لذتبخش ، سرگرم کننده و مورد علاقۀ خود پر کنیم. از آنجا که اوقات فراغت زمان مناسبی برای مقابله با استرس کاری و دور بودن از فشارهای روزمره می باشد، شـــادکامی می تواند به واسطۀ کاهش تنش ایجاد شود. از طرفی پژوهش ها بیانگر این امر هستند که انتخاب یک سرگرمی و انجام فعالیت های داوطلبانه و غیر اجباری شادکامی را افزایش می دهند.

مطالعه و کتاب خوانی

کتـــاب و کتاب خوانـــی امروزه به عنـــوان یکی از شاخص‌های توســـعه مطرح است. بر اساس دیدگاه بیشتر صاحبنظران افرادی که مطالعه می کنند، ذهنی پویا تر داشته، از سلامت بالاتری برخوردار بوده و در نتیجه کیفیت زندگی بالاتری را تجربه می کنند. بنابرایـــن، می توان با ایجاد عادت کتاب خوانی سطح شادکامی و نیکزیستی فردی و اجتماعی را افزایش داد. از این رو، پیشنهاد می شود روزانه، در کمترین مقدار، یک ساعت را به مطالعه اختصاص دهیم تا شادکام تر باشیم.

تحصیل

تحصیلات یکی از ارکان سبک زندگی سالم قلمداد می شـــود و افراد دارای تحصیلات بالاتر به سبب درک مناسب تر نسبت به محیط و توانایی های شناختی بالاتر بهتر می توانند بر چالش ها و موانع غلبه کرده و به موفقیت دست یابند. تحصیلات از آنجا که به طور معمول با درآمد و رفاه نسبـــی همراه است و منزلت اجتماعی بیشتری به همراه دارد، شادکامی بیشـــتری را برای فرد به ایجاد می کند. این در حالیســـت که، افراد دارای تحصیلات پایین به واسطۀ، اشتغال به مشـــاغل با حقوق کمتر و منزلت اجتماعی پایین تر ، رضایت از زندگی کمتری را تجربه خواهند کرد.

شعر

نسیم خُلد می‌رود

■ حکیم قاآنی شیرازی



نسیم خُلد می‌رود مگر ز جویبارها
که بوی مُشک می‌دهد هوای مرغزارها
فراز خاک و خشت‌ها، دمیده سبزکشت‌ها
چه کشت‌ها؟ بهشت‌ها، نه ده، نه صد، هزارها
به چنگ بسته چنگها، به نای هشته رنگها
چکاوها، کلنگ‌ها، تَذروها، هَزارها
ز نای خویش فاخته، دوصد اصول ساخته
ترانه‌ها نواخته، چو زیر و بمّ تارها
ز خاک رُسته لاله‌ها، چو بُسّدین پیاله‌ها
به برگ لاله ژاله‌ها، چو در شفق ستاره‌ها
فکنده‌اند همهمه، کشیده‌اند زمزمه
به شاخِ سروبن همه، چه کبک‌ها چه سارها
نسیم روضهٔ ارم، جَهَد به مغز دمبدم
ز بس دمیده پیش هم، به طرف جویبارها
بهارها، بنفشه‌ها، شقیقه‌ها، شکوفه‌ها
شمامها، خجسته‌ها، اراک‌ها، عرارها
ز هرکرانه مستها، پیاله‌ها به دستها
ز مغز می‌پرست‌ها، نشانده می خمارها
ز ریزش سحابها، بر آبها حبابها
چو جوی نقره آبها، روان در آبشارها
فراز سرو بوستان، نشسته‌اند قمریان
چو مُقریانِ نغزخوان، به زمردین منارها
فکنده‌اند غلغله، دوصد هزار یکدله
به شاخ گل پی گله، ز رنج انتظارها
درختهای بارور، چو اشتران باربر
همی ز پشت یکدگر، کشیده صف قطارها
در این بهار دلنشین، که گشته خاک عنبرین
ز من ربوده عقل و دین، نگاری از نگارها
... به جای آب، شعر من اگر برند در چمن
ز فکر آب و رنج تن، رهند آبیارها
هماره تا به هر خزان، شود ز بادِ مهرگان
تهی ز رنگ و بو جهان، چو پشت سوسمارها
خجسته باد حال تو، هزار قرن سال تو
به هر دل از خیال تو، شکفته نوبهارها

پیرامون

بهار، اتفاقی که هر سال یک بار روی می دهد

اتفاقی به نام بهار

■ دکتر افسانه تهرانیان



بهار در واقع، اتفاقی است که هر سال یک بار روی می‌دهد و طلیعه آن لحظه تحویل سال است که ایرانیان از قرن‌ها پیش این لحظه را با عنوان «تحویل سال» جشن می گیرند؛ اما به لحاظ علمی تحویل سال دقیقا چه زمانی است و کی رخ می‌دهد؟ «تحویل سال» یا در اصطلاح نجومی «اعتدال بهاری» به لحظه‌ای گفته می‌شود که خورشید از دید ناظر زمینی، استوای سماوی را قطع و از آن عبور کند و زاویه میل آن صفر شود. به عبارت دیگر زمانی است که زاویه تابش خورشید بر استوای زمین عمود باشد. این بدین معنی است که نور خورشید در این لحظه به نیم‌کره شمالی و جنوبی به مقدار مساوی می‌رسد. اگر هنگام ظهر در نقطه‌ای بر استوای زمین بایستیم خورشید را درست بالای سرمان خواهیم دید. هم‌چنین اگر در قطب شمال باشیم، در لحظه اعتدال بهاری، خورشید در حال طلوع خواهد بود و در قطب جنوب، در حال غروب.

در روز اول فروردین طول روز و شب در نقاط مختلف دنیا به طور تقریبی یکی می‌شود و مرکز خورشید دقیقا ۱۲ ساعت بالای افق قرار می گیرد که قابل رؤیت است. دلیل تقریبی بودن طول روز و شب این است که خورشید از روی زمین قطر زاویه‌ای قابل توجهی دارد (حدود ۰/۵ درجه) و در هنگام طلوع، مرکز خورشید هنوز زیر خط افق محلی است ولی پرتوهای نور از قسمت‌های بالایی خورشید به ما می‌رسند. هم‌چنین نور خورشید در جو زمین کمی پراکنده می‌شود و نور آن زودتر از آن‌که خورشید از افق بالا بیاید به ما می‌رسد. به این دو دلیل است که طول روز کمی بیشتر از طول شب می‌شود.

در واقع علت اصلی به وجود آمدن فصل‌ها در روی کره زمین، زاویه‌ی محور چرخش زمین به دور خود نسبت به محور عمود بر صفحه‌ی گردش زمین به دور خورشید است. این زاویه تقریبا ۲۳/۵ درجه است. در برخی از اشکال نجومی، چهار نقطه‌ای که تغییر فصل در آن‌ها رخ می‌دهد نشان داده شده است.

این چهار نقطه به ترتیب به اعتدال بهاری، انقلاب تابستانی، اعتدال پاییزی، و انقلاب زمستانی معروفند. وقتی که قطب شمال به سمت خورشید متمایل شده باشد، در نیم‌کره شمالی مسیر خورشید در آسمان طولانی‌تر است و خورشید در ارتفاع بالاتری قرار دارد و این یعنی رخ دادن فصل تابستان. شش ماه بعد وقتی قطب شمال از خورشید دور شده باشد، خورشید مسیر کوتاه‌تری را در آسمان طی می‌کند و ارتفاع پایین‌تری دارد که به معنی رخ‌دادن زمستان در نیم‌کره شمالی است. در هنگام اعتدالین، محور گردش زمین به دور خود، نه از خورشید دور و نه به آن نزدیک می‌شود و فصل بهار یا پاییز اتفاق می‌افتد.

شاید شنیده باشید که در هنگام اعتدال بهاری خورشید از شرق طلوع و در غرب غروب می‌کند. این گزاره کاملا بدیهی است اما منظور از این جمله، «دقیقا» شرق و «دقیقا» غرب است. در زمان‌های دیگر سال، مثلا در هنگام انقلاب زمستانی، خورشید به جای شرق از شمال شرق طلوع می‌کند و در شمال غرب، غروب می کند. اعتدال بهاری در نیم‌کره‌ی شمالی مصادف با اعتدال پاییزی در نیم‌کره‌ی جنوبی است و در نیم‌کره‌ی جنوبی به جای بهار، فصل پاییز آغاز می‌شود. همچنان که در آغاز نوشته اشاره کردیم، از قرن‌ها پیش اعتدال بهاری در نیم‌کره شمالی جشن گرفته می‌شود و ما آن را لحظه تحویل سال می‌خوانیم.



نوشته‌ای از آلبر کامو، برگرفته از روزنامه کُمبا، ۳۰ نوامبر ۱۹۴۶

در دفاع از انسانیت

■ ترجمه: بیتا عظیمی‌نژادان

آری، می‌بایست صدا را بالا برد. من تا به امروز با غلبه بر احساسات از خودم دفاع کرده‌ام. آنچه که امروز ما را خرد می‌کند منطقی تاریخی است که تمام پاره‌هایش را ما خلق کرده‌ایم و گره‌های آن با خفه‌کردن ما به پایان می‌رسند. با این حال این احساسات نیست که می‌تواند گره‌های این منطق مهمل را بگشاید، تنها برهانی می‌تواند گره‌ها را بگشاید که بتواند با آگاهی به محدودیت‌ها استدلال کند.

با وجود این، در نهایت من نمی‌خواهم باور داشته باشم که آینده دنیا با نیروی تصورات وعشق ما ادامه می‌یابد. من نیک می‌دانم، مردمانی با انگیزه‌های سترگ می‌باید، که قدم پیش گذارند و نیک می‌دانم برای مبارزه با اهدافی محدود، جایی که امید را به سختی بتوان خردمندانه خواند، تکانی به خود دادن و قدمی پیش نهادن، کاری است بس دشوار. ولی موضوع وادارکردن انسان نیست و برعکس، ضرورت این است که نباید کسی را به کاری واداشت بلکه باید هر کسی با آگاهی به ضرورت کاری که انجام می‌دهد اقدام کند.

نجات‌دادن کسانی که هنوزامیدی به نجاتشان هست؛ این است آن انگیزه سترگ، آن شور و ایثار لازم. ضروری است که فقط به آن بیاندیشیم و آشکارا تصمیم بگیریم، که آیا می‌بایست همچنان به رنج انسان‌ها که همیشه با اهدافی غیرمعلوم انجام می‌شود بیافزاییم، آیا می‌بایست پذیرفت که جهان پر از اسلحه خواهد شد و دوباره برادری برادرش را خواهد کشت و یا برعکس، می‌بایست تا جایی که امکان دارد خون و رنج انسان‌ها را نگه داریم تا شاید فقط بتوانیم فرصتی دیگر به نسل‌های آینده بدهیم که به یقین به اسلحه‌های بهتری مجهز خواهند بود.

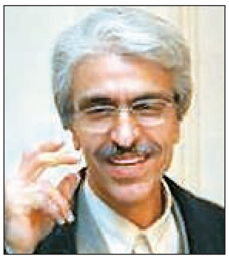
من به نوبه خود، تا حدودی به آنچه که انتخاب کرده‌ام اطمینان دارم. چون انتخاب کرده‌ام، به نظرم می‌رسد که می‌باید سخن بگویم، می‌باید بگویم که من هرگز جزو آنانی نخواهم بود، هرکه می‌خواهند باشند، که با آدم‌کش‌ها کنار می‌آیند و پیامدهایی را که به نفعشان است نتیجه می‌گیرند.

از ما می‌خواهند که کدامین کشور و مردم را دوست بداریم و یا دوست نداشته باشیم. در حالی که ما جزو آنهایی هستیم که به خوبی به شباهت‌هایمان با دیگر انسانها آگاهیم تا اینکه بخواهیم آن انتخاب را بپذیریم. بهترین راه برای دوست داشتن مردم روس با توجه به آنچه که همیشه بوده‌اند –یعنی همان خمیرمایه زندگی که تولستوی و گورکی از آن حرف می‌زنند– این نیست که برایشان ماجراجویی‌های قدرت را آرزو کنیم، شاید بهتر این باشد که پس از گذشته فلاکت‌باری که گذرانده‌اند دیگر خونریزی جدید و وحشتناکی تکرار نشود. این دقیقاً همان چیزی است که برای مردم امریکا و اروپای نگون‌بخت نیز صدق می‌کند. این اولیه‌ترین نوع واقعیت است که ما آن را در هیاهوی روزانه فراموش می‌کنیم.آری، امروز آنچه که باید با آن مبارزه کرد، ترس است و سکوت، که به سبب آنها جدایی روح و روان رخ می‌دهد. آنچه که باید از آن دفاع کنیم گفت‌وگو است وارتباطات جهانی بین انسان‌ها. بندگی، بیداد و دروغ مصیبت‌هایی هستند که ارتباطات را پایان می‌دهند و گفت‌وگو را ناممکن می‌سازند. به همین دلیل باید آنها را به جد نفی کنیم. اما امروزه همین مصیبت‌ها هستند که متن تاریخ را می‌سازند و انسان‌های بسیاری وجود دارند که آنها را شرهای ضروری می‌پندارند. این نیز حقیقتی است که ما نمی‌توانیم از تاریخ بگریزیم، چرا که تا گردن در آن فرو رفته‌ایم. با این حال، می‌توانیم ادعای نبرد با تاریخ را داشته باشیم برای حفاظت از کسانی که تعلقی به آن ندارند. این همه آن چیزی است که من می‌خواهم بگویم. من در تمام موارد از این موضع و از این موضوع‌ها با منطقی که در نظر دارم محکم‌تر دفاع خواهم کرد و مایلم قبل از پایان، صادقانه بر روی این موضوع بیاندیشیم.امروزه تمام ملت‌ها بر اساس قوانین قدرت و سلطه، تجربه‌های بزرگی را می‌گذرانند. من نخواهم گفت که می‌باید مانع این تجربه شد و یا اجازه داد که این تجربه به راه خود ادامه دهد. این، هیچ نیازی به کمک ما ندارد. بنابراین تجربه راه خود را ادامه خواهد داد. حتی هم اکنون مخالفت ما را نیز به سخره می‌گیرد. من فقط خواهم پرسید: آیا علی‌رغم این دو یا سه جنگ، علی‌رغم نسل‌های فراوانی که قربانی شدند و ارزش‌هایی که به غارت رفتند، روزی فراخواهد رسید که نوادگان ما –به فرض اینکه زنده باشند– خود را به جامعه جهانی نزدیک‌تر نیابند؟ آن روز فراخواهد رسید که بازماندگان این تجربه، حتی نیروی آن را نخواهند داشت که به زوال خود شهادت دهند. چرا که تجربه، راه خود را ادامه می‌دهد و ناگزیر همچنان ادامه خواهد داد، بد نیست که انسان‌ها وظیفه خود بدانند که در طول این تاریخ رستاخیزی که در انتظار ماست به اندیشه‌ای ساده پای‌بند باشند، اندیشه‌ای که همیشه آماده خواهد بود تا به هر لحظه‌ای از زندگی روزانه معنایی ببخشد، بدون آنکه ادعایی در حل تمامی مشکلات داشته باشد.

مسئله اساسی این است که انسان‌ها باید استوار باشند و یک بار برای همیشه هزینه‌ای را می‌باید، ادا کنند. اکنون می‌توانم نتیجه‌گیری کنم. آنچه که اکنون دلخواه من است، این است که در میان این دنیای پر از آدم‌کشی، ما بتوانیم تصمیم بگیریم که به آدم‌کشی بیاندیشیم و انتخاب کنیم. اگر امکان این باشد، ما یا لزوماً جزو آدم‌کشان می‌شویم و یا جزو کسانی که با تمام قدرت آنها را نفی می‌کنند. بنابراین اکنون که با چنین تقسیم‌بندی غریبی مواجه هستیم حداقل روشن‌شدن این تقسیم‌بندی گامی است به جلو.

در گذر از پنج قاره و در سال‌هایی که می‌آیند، یک کشمکش بی‌پایان بین خشونت و سخن‌گفتن در خواهد گرفت. حقیقت این است که بخت اولی هزار بار بیش از آخری است. با این وجود من همیشه فکرکرده‌ام که اگر آنکه در شرایط انسانی امید دارد یک دیوانه است، آنکه از رویدادها و اتفاق‌ها ناامید است، ترسویی بیش نیست. از این پس، تنها افتخار این خواهد بود که مصرانه به این شرط‌بندی ترسناک تن دهیم، که آیا کلام قوی‌تر است از گلوله.

دو سروده نوروزی از جلال رفیع



بهاری که می‌آید

دلم آیینه شد و عکس تو در سینه نهفت
مژه چشم تو زنگار از این آیینه رُفت
در ره دوست سرانجام ببازم سر را
تا بگویند به دل سرّ سر خویش نهفت
بنگر بر رخ این لالهٔ صد داغ که باغ
در تماشای رخ توست که یکباره شکفت
وه چه زیباست که در بستر ایوان بهار
طاق ابروی من و یار به هم گردد جفت
یاد باد آن دو کبوتر که به دستم دادی
همه شب دیده‌ام از حسرت پرواز نخفت
می خورد آب حیات از لب شیرین‌دهنان
هر که در ظلمت آشفتهٔ زلف آشفت
جامِ دل مست شراب است بدست آر و بنوش
مگر عاقبت مُلک جم این جام نگفت؟
حسرت شمس گرت هست بیاور شمعی
هم از این شمع توان سرّ انا الشّمس شنفت
همه شب سینهٔ من در غم عشقش می‌سوخت
مژهٔ دیدهٔ جانان گهر جان می‌سُفت
سوختن در عطش لیلی و مجنون تا کی؟
عاشقان را پس از این روی روا نیست نهفت
یاد باد آن شب معراج که شد میکده باز
شد لب عاشق و معشوق پر از گفت و شنفت
عیب آدم مکن ای دل که فرشته ز ازل
بال بر دوش در آغوش همین آدم خفت

بهاری که می‌رود

رفتی شهاب‌وار و مرا جا گذاشتی
تنها میان اینهمه تن ها گذاشتی
دیدی میان حجلهٔ پاییز خفته‌ایم
از ما گذشتی و به خدا وا گذاشتی
ای نازنین بهار دل ما شکستنی است
زان سرخوشم که بر دل ما پا گذاشتی!
آبی به قدرِ تشنگی‌ات در سبو نبود
لب را دوباره بر لب دریا گذاشتی
آن دست‌های خستهٔ بوسیدنی کجاست
این داغ را تو بر جگر ما گذاشتی
دیدم به خوابِ خویش که گل از گلت شکفت
با خنده لب به ساغر مینا گذاشتی
گفتم که خاک پای تو را بوسه می‌زنم
رفتیّ و پا به بام ثریّا گذاشتی
گلدسته‌های شهر هنوز از تو پر صداست
چون باد سر به دامن صحرا گذاشتی
ای معنی مجسّم آدم، ملک، پری
در گوش ما صدای پری‌سا گذاشتی
صبح بهار را به برت آمدیم، باز
ای باغ، داغ بر دل گل‌ها گذاشتی
ای مهربان مسیح، کجایی که شهر را
در حسرت حضور مسیحا گذاشتی
داروی ما است نرگس چشمان مست تو
بیمار را بدون مداوا گذاشتی
ای گلعذار، ای گل مریم، چرا مرا
با اشک‌های مریم عذرا گذاشتی
ای سروِ بر صلیب شکسته چرا چنین
سرو مرا به چوب چلیپا گذاشتی؟
با قلب آسمانی و قاب زمینی‌ات
تصویر عشق را به تماشا گذاشتی
در سرسرای زندگی عاشقانه‌ات
یک تابلو، ز طرح تمنّا گذاشتی
ای دفتر حیات تو یک جمله ناتمام
در انتهای جملهٔ «امّا» گذاشتی
نخل تو صد شکوفهٔ «آیا» به شاخه داشت
صدها سؤال بر لب «آیا» گذاشتی
یادت به خیر باد که با دلشکستگی
پا بر سر شکستهٔ دنیا گذاشتی
فردای ما ز غصّهٔ دیروز جان سپرد
دیروز را به وعدهٔ فردا گذاشتی

رسانه

از دفتر خاطرات یک خبرنگار

ما خبرنگارها



■ ارمغان زمان‌فشمی

شغل ما خبرنگارها پر است از خاطرات تلخ و شیرین. گاهی بازگو کردن پشت پرده تهیه گزارش‌ها و شرح آنچه در تحریریه اتفاق می‌افتد خالی از لطف نیست. برای همین به یادداشت‌هایم ســـر زدم تا برخی از خاطرات کاری ام را برای چاپ در ویژه نامه نوروز انتخاب کنم. بدیهی است که شیرین‌هایش را سوا کرده‌ام و البته بدون هیچ تغییری تقدیمتان می‌کنم؛ باشد که لبخندی بر لبانتان بنشاند.

بستنی

تعدادی از مسئولان روزنامه به دیدار آقای ظریف رفته بودند. تصویری از این دیدار شد عکس یک روزنامه امروز. طبق سنت دیرینه که هرکس عکسش چاپ شد باید شیرینی بدهد، یکی از افراد حاضـــر در تصویر برای همه اعضای تحریریه‌بستنی خرید.

من این چند بیت را فی البداهه درباره اتفاق پیشامد کرده سرودم:

«ظریـــف»ی بـــا ظریفانی نشســـته
به عکـــسِ تیترِ یـــک در اطلاعات
الهـــی بســـتنی باشـــد همیشـــه
پس از هـــر گفتگو و هـــر ملاقات
ولـــی البتـــه نـــوع بســـتنی هم
مهم اســـت‌ای خردمندان خوش ذات!
خوشـــا این بســـتنی‌های خوراکی
نـــه از آن بســـتنی‌های مکافـــات
چه بســـیار آن بزرگانی که بســـتند
طرفدارانشـــان را بـــا مجـــازات!

ترس

پریـــروز رفتیم دیدن آقای خاتمی، بعد خبر رســـید پدرخانمشان فوت کرده است.

دیروز رفتیم برای تهیه گزارش از باشگاه مبتلایان به ایدز که زیر نظر دکتر مینو محرز بود. امروز آگهی تسلیت فوت برادر خانم دکتر را در روزنامه دیدیم.

دیگر می‌ترسیم فردا برویم جایی!

راهکارموثر

سوار تاکسی شدم. در طول مسیر، جوان بغل دستی مدام یادش می‌رفت من هم آنجا نشسته ام.

تلفنم که زنگ خورد، برای دوستم تعریف کردم که امروز برای تهیه گزارش به بهشت زهرا و سالن تطهیر(غسالخانه سابق!) رفتم و نزدیک بود جنازه‌ای را هم غسل بدهم و شروع کردم به توصیف آنجا...

مردک کم کم خودش را جمع و جور کرد و چسبید به مرد آن طرفی!

مشکل

یکی دیگر از مشکلات اخیر ما روزنامه نگارها هم این است که وقتی داریم مصاحبه مان با یک مقام مسئول را تنظیم می‌کنیم، باید تا موقع چاپ، لحظه به لحظه چک کنیم ببینیم طرف هنوز سر پستش هست یا نه!

رازوخبرنگار

زن غریبه بود، اما ناگهان سر درددلش باز شد و بدون آن که بداند من کی هستم و چه کاره ام، همه زندگی اش را برایم تعریف کرد، که ۱۸ سال پیش با یک کارگردان معروف آشنا شـــده، زن غیررسمی اش شده، رفته، آمده... چند سال بعد طرف ولش کرده. الان دیگر حتی به دفترش هم راهش نمی‌دهد. او رفته دم خانه اش، رفته دادگاه، اما مدرکی نداشته تا چیزی را ثابت کند.

گفتم خب شما آبرویش را بردید، الان چه توقعی دارید؟

گفت: بله، اما هر کاری کردم به خاطر این بود که برگردد. نرفتم اینها را به یک خبرنگار بگویم که!

تیتر ریشه‌ای!

تیتر گزارشـــم درباره اعتیاد به شیشـــه را گذاشـــته بودم«تیشه‌های شیشه ای». بعد که چاپ شد دیدم به قدری حس شاعرانگی رئیس را قلقلک داده که تیتر را تبدیل کرده به:«شیشه، تیشه‌ای بر پیشه و ریشه»!

البته به نظرم چندان بد نشد، اما بهتر از این هم می‌شد: شیشه، چه تو بیشه چه تو گیشه، باز هم مثل همیشه، تیشه‌ای بر ریشه و پیشه، هرکی به فکر خویشه، کوسه به فکر ریشه، شیشصد و شصت و شیش سه تا شیشه!

من و همکارم با ماشین روزنامه برای تهیه گزارش از باغ وحش به مجموعه ارم رفته بودیم. دم در، راننده به نگهبان مجموعه گفت: دو تا خبرنگار آوردم برای باغ وحش!

شنبه‌ای که گذشـــت، عده‌ای از اهالی اندیشه و قلم به مناســـبت تولد آقای جلال رفیع کیک و گل خریدند و به موسســـه اطلاعات آمدند. به همراه حاج آقا دعایی، آقای علیرضا خانی، سردبیر روزنامه و تعدادی از اعضای هیات تحریریه ناهار را در خدمتشان بودیم.

جلال رفیع برای آن که دسته گل اهدایی دوستانش را قدر دانسته باشـــد، کفش از پا در آورده و روی لبه حوض سفره خانی سنتی که دورتادورش نشسته بودیم رفت تا گل را روی سرستون وسط آن بگذارد. در این میان آقای حسن فرازمند، از شاعران و نویسندگان روزنامه هم وارد شد. آقای رفیع از همان بالا ایشان را به میهمانان معرفی کرد: آقای فرازمند از همکاران ما در هیات تحریریه... من گفتم: فعلاً که شـــما «فرازمند»هستید!

بعد هم این بیت فی البداهه را به نویسنده و روزنامه نگار طنزپرداز چیره دست تقدیم کردم:

در «جـــلال» آمد شـــبیه ســـروناز
فکر کن آیـــد «رفیـــع» ی در فراز!



مرحوم دکتر اسماعیل رفیعیان

با نام وطن

یکی از نویسندگان بزرگ تحت عنوان «وطن»، ماجرایی را به رشته تحریر کشیده است که واقعاً شاهکار است او می‌نویسد در یکی از روستاهای گیلان مهمان دوستی بودم. بعدازظهر گفت در میدان روستا مراسمی است مایل هستید برویم ببینیم؟ رفتیم تمام میدان و حتی پشت بام‌ها پر از تماشاچی بود میزبان توضیح داد هر وقت دختری دو نفر خواستگار داشته باشد، معمول این است که آن دو کشتی می‌گیرند هر کدام مغلوب شد دختر غالب را انتخاب می‌کند و اگر خودشان توافق کردند خروس یا گاوشان را به میدان می‌فرستند این بـــار دو رأس گاو زورآزمایی می‌کردند وقتی که یکی از گاوها به عقب برگشت و میدان مبارزه را ترک کرد صاحب گاو شکست‌خورده میان های و هوی، کلمه وطن را تکرار می‌کرد. آن نویســـنده بزرگ علت را می‌پرسد میزبان توضیح می‌دهد که گاو پیروز زودتر وارد میدان شده بود در آن محل زودتر توطن کرده بود و میدان را وطن خود می‌دانست مبارزه دوباره تکرار شد و هر دو گاو همزمان به میدان وارد شدند الخ... حتی ماکیان و چرنده و پرنده و... از لانه و آشیانه خود دفاع می‌کند. در بحبوحه ایامی که برخی از به اصطلاح روشنفکران مدعی مبارزه و داعیه‌دار انقلاب که سرشان زیر بغل ابرقدرت شرق بود و در زمان اشغال میهن، شعار اعطای امتیاز نفت شمال به ابرقدت شرق را می‌دادند. آموزه‌های غیرملی و تلقین اعتقادات و باورهای وارداتی بی‌اصالت، از آنان انسان‌هایی ســـاخته بود که حتی در عصر و زمانی که وطن در اشغال بیگانه بود خواست او را تبلیغ می‌کردند و شعار به نفع او می‌دادند. اما مردم ایران و وطن‌دوستان واقعی شعارشان طرد بیگانگان و مبارزه منفی بود و آنگاه که باز سرسپردگان به بیگانه در راستای اهداف شوم به مقام تجزیه آذربایجان عزیز از مام میهن برآمدند شهریار چنین سرود:

تو همایون مهد زرتشـــتی و فرزندان تو
پـــور ایرانند و پـــاک آئین نـــژاد آریان



اختـــلاف لهجه ملیت نزایـــد بهر کس
ملتی با یک زبان کمتر به یـــاد آرد زمان
گر بدین منطق تو را گفتنـــد ایران نه‌ای
صبح را خوانند شـــام و آسمان را ریسمان
مادر ایران ندارد چون تـــو فرزندی دلیر
روز سختی چشم امید از تو دارد همچنان
بی‌کس است ایران، به حرف ناکسان از ره مرو
جان بـــه قربان تو ای جانانـــه آذربایجان

بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم کنفرانسی در تهران تشکیل شـــد که در آن کنفرانس رزولت و چرچیل و استالین شـــرکت نمودند و لطف کردند!؟! ایران را پل پیروزی لقب!!؟ دادند حســـن وطن‌دوستی شهریار را واداشته دردناکانه انزجار خود را در ابیات زیر که طنزی است بسیار لطیف و ظریف و قوی بسراید:

دوره جنگ به پایان شـــد و دنیا می‌گفت
که در این معرکـــه ایران پل پیروزی بود!؟
جنگ پیروز شـــد و هر یکی از بختوران[1]
خورد از سفره عجب آنچه بدو روزی بود
لیک ایران به همان ســـان پل پیروزی ماند
پشـــت دولا که دگر مایه دلســـوزی بود

از غنایم که میان شـــرکا شـــد تقسیم
می‌توان گفت که ما قسمت‌مان قوزی بود

در ســـال ۱۳۲۴ پس از آنکـــه فرقه دموکرات آذربایجان در اقصی نقاط این سرزمین مقدس مستقر گردید از شـــادروان استاد ابوالحسن اقبال‌آذر هنرمند ارزشمند عرصه موسیقی و آواز خواسته شد با اجرای قطعاتی از آواز سحرانگیز خود مجلس جشنی را که با حضور سران فرقه دموکرات در عمارت عالی‌قاپو تبریز برپا شده بود گرمی ببخشد.

هنرمند وارسته و وطن‌دوست شهر مقاوم تبریز که فضای حاکم را مشحون از احساسات بیگانه سروری می‌بیند برخلاف انتظار ترتیب‌دهندگان مراسم در حضور سرکردگان و عوامل اصلی غائله دو بیت زیر از اشعار عارف قزوینی را در حالی که اشک می‌ریخت به زبان فارسی با صدای ماندگار خود طنین‌انداز کرد.

لباس مـــرگ بر اندام عالمی زیباســـت
چه شد که کوته و زشت این قبا به قامت ماست
چـــرا که مجلس شـــورا نمی‌کند معلوم
که خانه، خانه غیر است یا که خانهٔ ماست؟

این اقدام شـــجاعانه استاد اقبال‌آذر در آن فضای خفقان‌آور موجب گردید که جو حاکم بر جشـــن را دگرگون ساخته و خشم ســـران فرقه را برانگیزد به طوری که دستور بگیر و ببند صادر شد اما «اقبال» به مدد فداکاری عده‌ای از یاران خود که برق سالن را قطع کردند موفق به نجات جان خود شد.

سال‌های بعد شهریار این واقعه تاریخی را در ابیات زیر جاودان ساخت و نشان داد که او نیز چون اقبال‌آذر تا چه حد به وطنش ایران عشق می‌ورزد.

یاد آن شـــب کن که او از بهر ایران عزیز
صیحه‌زد با نفس کاین جا سر بده ترکی مخوان
شعر عارف خواند و گفت ای مجلس شورا بگو
خانه از غیر است یا زین ملت بی‌خانمان؟
و آنگه آتش زد به جان خلق و با شیون گریست
ثبت شـــد آن گریه در تاریخ آذربایجان
غیـــرت قفقازیان با خدا هـــم کار کرد
تا حریف شیردل جانی به در برد از میان
ترکی ما بس عزیز اســـت و زبان مادری
لیک اگر ایران نگویـــد لال بادا این زبان
مرد، آن باشد که حق گوید چو باطل رخنه کرد
هم بایســـتد بر سر پیمان حق تا پای جان

۱ـ منظور سران متفقین (استالین، چرچیل، روزولت)

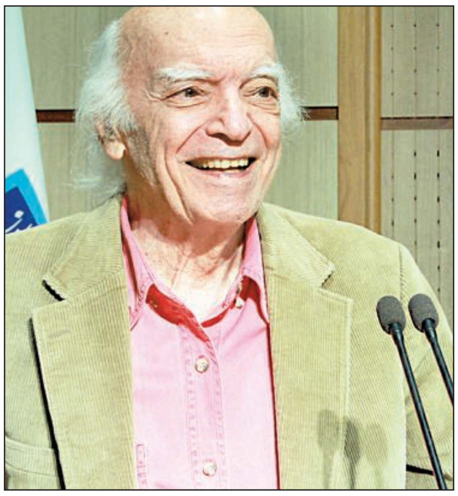




مترجم

وقتی مصاحبه گزارش می‌شود

در حضور نجف دریابندری



■ پویان پروین

جمعه بارانی، قرار؛ ده و نیم صبح با پاشا سلیمی، روبروی پارک ملت در خیابان ولی عصر. با کمی تأخیر رسیده ام و سوار بر ماشین پاشا، به‌دنبال منزل آقای مترجم. دومین باری است که به منزلش می روم، ولی به‌خاطر نداشتن حافظه، بین دو-سه کوچه مردّدم. دفعه پیش با بهزاد نادعلیان به منزلش رفته بودیم، البتّه آن وقت همسرش زنده بود، ولی حالا فهیمه راستکار حدود یک ماهی می شود که فوت کرده است. به هرحال به بهزاد زنگ زدم که؛ کوچه منزل آقای مترجم خاطرت هست؟ او هم نام کوچه یادش بود و هم پلاک! با پاشا کوچه را پیدا کردیم و به درب منزل فرزند «ناخدا خلف»۱ رسیدیم. ناخدا خلفِ دریابندری یعنی پدر آقای مترجم، پایلت و راهنمای کشتی ها در آبادان بوده است.

جمعه ها جلسه دوستانه ای است در منزلش با دوستان قدیمی که اشعاری خوانده می شود و گپ‌وگفتی صورت می



گیرد. زنگ منزل را زدیم و وارد شدیم، منزل آقای مترجم طبقه ی اول است. دیروز زنگ زدم و گفتم که برای پرسیدن چند سوال درباره نوستالژی خواهیم آمد. دو حیطه اصلی مربوط به نوستالژی، همان زمینه های تخصّصی اندیشه و ترجمه آقای مترجم است؛ فلسفه و ادبیات. بعد از خاطراتی که تعریف شد، گفت و گوهایی که صورت گرفت و شعری از بهار که با صدای خوب آقای قدرت‌الله مهتدی خوانده شد، حاضرین آماده به رفتن شدند. بعد از رفتن آخرین مهمان، با آقای مترجم هشتاد و دو ساله، با تعیین جای مناسبی برای عکّاسی توسّط پاشا،نشستیم و پرسیدن سوال را شروع کردم. البتّه فرد دیگری هم در اتاق، حاضر بود و در کناری نشسته و مصاحبه را نگاه می‌کرد.

سوال اوّل این بود:«خاطره و حسّ نوستالژیک،می تواند چه اثری در خلق هنر نائیف داشته باشد؟» امّا این که اصلا خودِ هنر نائیف چیست که حالا اثر خاطره بر آن چه باشد، از زبانِ خود آقای مترجم بشنویم؛ «کلمه ی نائیف یعنی ساده‌دل یا حتّی شاید ساده لوح. بنابراین هنر نائیف هنری است که از روی سادگی به‌وجود می آید، نه با مهارت و بعد از تعلیم دیدن و این‌جور چیزها. ما در جامعه خودمان هنرمند نائیف فراوان داشته ایم، ولی کم تر در ارزش های هنر نائیف باریک شده ایم.»۲ اما درباره سوالمان که به نسبت نوستالژی و نائیف برمی گشت گفت؛ «بستگی دارد -حسّ نوستالژیک و خاطره تا چه اندازه زاینده باشد». به سراغ سوال بعدی رفتم و گفتم: شما در مصاحبه ای گفته اید به نظرتان هنر، زاییده تجربه های شخصی هنرمند است. خود شما چقدر تجربه های شخصی زندگی تان و خاطره آن-ها روی آثار ترجمه و تالیفتان اثر داشته است؟ آقای مترجم درباره تفکیک تجربه ها و خاطره های زندگی از خلق اثر و هنر، تردیدی مطرح کرد و گفت: «اثر نمی شود گفت، زندگی همین است. این‌طور نیست که شما چیزی گذاشته اید اینجا و چیز دیگری روی آن اثر می گذارد. من چنین فکر نمی کنم، زندگی یعنی ترکیبی از همه ی این ها». توضیح این نکته لازم است که کمی سنگینی گوش آقای مترجم، ایشان را اذیّت می‌کرد و همین باعث می شد کار گفت و گو سخت پیش برود و خستگی جلسه دو-سه ساعته قبل هم مزید بر علّت بود و باعث می شد مصاحبه در جملاتی کوتاه ردّ و بدل شود و حتی مجبور شدم سوال‌ها را به چهار سوال کاهش دهم. در ابتدای سوال سوم، آثار خستگی و اذیّت در چهره اش بیشتر نمایان شد، گفتم به نظر فرصت مناسبی برای ادامه گفت وگو نیست و اذیّت می شوید. ایشان گفت: «بله، الان معذرت می خواهم، یک کمی الان مناسب نیست؛ علتش هم این است که این گوش من کار نمی کند و حواسم را پرت کرده، الان این گوشی (سمعک) من کار نمی‌کند و خیلی مشکل است برای من، ولی یک وقت دیگر تشریف بیاورید که این کار بکند، بهتر است.» به این ترتیب گفت و گو را با آقای مترجم عزیز به پایان بردیم. ایشان به مبل تکیه داده و مشغول خوردن شیرینی شان شدند.

از اینجا گفت و گوی کوتاه و جالبی با آن فرد دیگر که بالاتر به حضورش اشاره کردم، آغاز شد. آن فرد دیگر، فرزند آقای مترجم؛ سهراب دریابندری بود. او ابتدا با افسوس اشاره کرد:«این‌جور بحث‌ها همیشه و گاهی ساعت‌ها در خانه ما بوده. طبیعتا بیشتر این بحث‌ها ضبط نشده و مقداری از دیدگاه‌های استاد نجف روی کاغذ نیامده. استاد نجف تا جایی که من می‌دانم طرز فکر مستقلی دارد و بغضی از باورهای او که شبیه به هیچ‌کس دیگری نیست در جامعه منعکس نشده. به‌هرحال آدم همیشه همه حرف‌هایش را نمی تواند بزند.»

به مناسبت، به دو کتاب گفت و گوی آقای مترجم اشاره کردم که ایشان در این مصاحبه‌ها نسبتا صریح حرف زده‌اند، با این حا، آن مصاحبه‌ها هم آن‌طور که باید در این امر موفق نبوده‌اند. نوه ناخداخلف گفت: «فکر می کنم فضای آن دو کتاب مصاحبه هم از این واقعیت جدا نیست. مصاحبه با آقای حریری در شرایط بهتری انجام شده. هم استاد نجف احوال بهتری داشته، هم آقای حریری مصاحبه را به‌نظرم بهتر پیش برده. آقای مظفری هم خیلی زحمت کشید و کار بسیار سختی انجام داد؛ چون بیماری استاد نجف مصاحبه را بسیار دشوار کرده بود. متقاعد کردن او برای مصاحبه، خودش کاری بود! آقای مظفری از لحن و نحوه حرف زدن معمول استاد نجف که به آن عادت داریم فاصله گرفته، با وجود اینکه ایشان مصاحبه را ضبط و از روی نوار پیاده کرده.

اما به‌هرحال مسائل قابل توجهی هست که خواسته و ناخواسته از قلم افتاده.» برگشتم رو به آقای مترجم و گفتم: صحبت از دو کتاب گفت و گوی شماست. گفت: بله، گفت و گوهایی بود که سال ها قبل انجام شد. گفتم: به‌نظرم کتاب گفت و گوی آقای حریری بهتر است. گفت: بله، حریری ها دو برادر بودند که با هر دو دوست بودم. سال های قبل آمد و این صحبت ها انجام شد. شما از او خبری ندارید که کجاست و چه می‌کند؟ گفتم: خیر، من شناخت و اطّلاعی از ایشان ندارم، ولی از دوستانی که ممکن است اطّلاعی داشته باشند سوال می کنم و خدمتتان عرض می کنم. ایشان تشکر کرده و گفتند خسته اند و می روند استراحت کنند. بعد از تشکر و خداحافظی از مترجم چیره دست، صحبت را با سهراب ادامه دادیم.

پرسیدم به‌نظر شما از ویژگی‌های خاص نوع نگاه آقای دریابندری، کدام ویژگی شاخص‌تر است؟ او در پاسخ به اندیشه پدر اشاره کرد و گفت: «به‌نظرم شکل تفکر استاد نجف، به‌خصوص در مسائل مربوط به هنر و رابطه‌اش با منبع الهام، مبتنی بر مسئله علیت نیست؛ یعنی او رابطه این دو را به‌صورت علت و معلول نمی‌بیند. از نظر فلسفی او بیشتر به نوع نگاه دیوید هیوم نزدیک است و مدتی هم مشغول به ترجمه کتاب «رساله‌ای در طبیعت انسان» (A Treatise on Human Nature) هیوم بود. این کتاب تابه‌حال ترجمه هم نشده. حدود صد و چهل، پنجاه صفحه از آن را ترجمه کرد ولی ترجمه‌اش را ادامه نداد و رها شد. شاید اگر آن کتاب ترجمه می‌شد، اوضاع فرق می‌کرد. این کتاب بسیار مهمی است و جای آن در کتابخانه‌های فلسفی فارسی زبان خالی است.»

در ادامه سوال کردم: به‌نظر شما چرا نوع نگاه آقای دریابندری به پدیده‌ها، اندیشه‌ها، هنر و زیبایی‌شناسی با نگاه رایج به این مقوله‌ها متفاوت است؟ او گفت: «رابطه بین پدیده‌ها لزوما رابطه علی (علت و معلولی) نیست. در نگاهی که در حصار مسئله علیت به‌معنای رایجش محبوس نباشد، به شکل وسیع‌تری با پدیده‌ها ارتباط برقرار می‌کنیم، این نوع نگاهی است که من از پدرم شناخته‌ام.»

کمی درباره سیر زندگی و آثار آقای مترجم صحبت کردیم و با آقای سهراب خداحافظی کرده و از منزل، بیرون آمدیم.

منابع :

۱-گفت و گو با نجف دریابندری، مهدی مظفری، نشر مروارید، ص۲۵

۲-یک گفت و گو با نجف دریابندری، ناصر حریری، نشر کارنامه، ص۱۹۱

سینما

نگاهی به مهم‌ترین رویداد سینمای ایران در سال ۹۴

اعتلا به کمک تازه‌نفس‌ها



■ سیدمحمد سلیمانی

سینمای ایران در سال ۹۴ یک ویژگی مهم و در خور تأمل داشت که می‌تواند به عنوان نقطه آغازی بر رویکرد جدید این سینما به مقوله مخاطب و مخاطب‌شناسی جدی گرفته شود.

استقبال کم سابقه مخاطبان سینمای ایران از سینمای اجتماعی در سال ۹۴ و موفقیت چشمگیر فیلم‌هایی با مضامین اجتماعی در جشنواره فجر سی‌وچهارم نشان داد که این «گونه» پر طرفدار سینمایی، توانسته به عنوان مقوله‌ای تأثیرگذار در سینمای ایران، مخاطبان گریز پا را به سالن‌های سینما بکشاند و رکوردهای فروش را جابجا کند و اتفاقاً فیلم‌هایی که در صدر جدول فروش فیلم‌ها در سال ۹۴ قرار گرفتند، فیلم‌های متوسط رو به بالایی در عرصه سینمای اجتماعی ایران بودند که نشان می‌دهد سلیقه مخاطبان سینمای ایران هم در مسیر رشد و تعالی قرار گرفته است.

صرف نظر از نقدهای جدی که بر «گینس» ساخته محسن تنابنده دارم، حضور فیلم‌هایی همچون نهنگ عنبر، ایران‌برگر، گینس، رخ دیوانه، عصر یخبندان، استراحت مطلق و... در صدر جدول فروش فیلم‌ها، در کنار فیلم تاریخی و پرمخاطب «محمد رسول الله(ص)» این واقعیت مهم را اثبات می‌کند که مخاطبان عام سینمای ایران تشخیص داده‌اند که باید به تلاش چشمگیر فیلمسازان وطنی که اغلب به نسل جوان فیلمسازان سینمای ایران تعلق دارند، اعتماد و از دیدن فیلم خوب اجتماعی در سینماها استقبال کند که تنور این سینما همچنان داغ بماند و تولید فیلم پر مخاطب اجتماعی، جایگزین







ملودرام‌ها و شبه کمدی‌های سخیفی شود که در مدتی کوتاه توانستند پرده سینماها و شبکه نمایش خانگی را تسخیر کنند.

تغییر رویکرد سینمای ایران به تولید آثار جدی اجتماعی که جلوه‌هایی از آن را در اکران ۹۴ و فهرست فیلم‌های مهم و جدی جشنواره فجر امسال دیدیم، نشان می‌دهد که تزریق هوای تازه به سینمای ایران از طریق تربیت فیلمسازان جوان و شناسایی مستعدترین‌هایشان جواب داده و باید منتظر نتایج بهتر و در خور تأمل‌تری هم بود.

هنر و تجربه

به گمان نگارنده در کنار توجه به موضوع اکران حرفه‌ای در سینمای ایران و نقش سینمای اجتماعی در موفقیت فیلم‌های میلیاردی اکران ۹۴، باید به یک نکته مهم و اساسی بیش از پیش توجه و دقت کنیم.

زمانی که در سال ۱۳۹۳ گروه «هنر و تجربه» پس از آزمون و خطاهای بسیار راه‌اندازی شد و رفته رفته در مراکز استان هم مخاطبان بسیاری پیدا کرد، کمتر کسی می‌توانست حدس بزند که این گروه به رغم تجربه‌های ناموفق قدیمی‌تر مثل «آسمان‌باز»، «حیله خاص» و... بتواند به حیات خود ادامه دهد. ولی مرور زمان ثابت کرد که با سرمایه‌گذاری روی این مقوله و ارائه به موقع سوبسیدها و تلاش برای معرفی بهتر و بیشتر فیلم‌های به نمایش در آمده در این گروه، می‌توان مخاطبان بالقوه آثار متفاوت و هنری را به سالن‌های سینما کشاند و اکران محدود ولی پرمخاطبی را پی‌ریزی کرد.

اطلاع‌رسانی به موقع درباره نمایش فیلم در گروه هنر و تجربه باعث شد که مخاطبان محدود ولی علاقه‌مند و جدی

> **اتفاقاً فیلم‌هایی که در صدر جدول فروش فیلم‌ها در سال ۹۴ قرار گرفتند، فیلم‌های متوسط رو به بالایی در عرصه سینمای اجتماعی ایران بودند که نشان می‌دهد سلیقه مخاطبان سینمای ایران هم در مسیر رشد و تعالی قرار گرفته است**

فیلم‌های این گروه بتوانند در میان اکران‌های محدود ولی متنوع فیلم‌های گروه، آثار مورد نظرشان را در زمان و مکان مناسب تماشا کنند و فیلمی را از دست ندهند.

در این بین، انتخاب صحیح و کارشناسی شده فیلم برای این گروه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تاکنون هم روند مطلوب و قابل توجهی داشته و نشان می‌دهد که مدیریت این گروه توانسته با مشاوره‌های به موقع و مناسب با کارشناسان این عرصه، فیلم‌هایی را از بین انبوه متقاضیان انتخاب کنند که به نیازهای واقعی دوستداران سینمای متفاوت و اندیشمندان پاسخ می‌دهد. فیلم‌های متفاوت با مخاطبان خاص مدت‌هاست که از محاق بایگانی‌های راکد خارج شده و امکان نمایش بر پرده سینما را یافته است.

فیلم‌های گروه هنر و تجربه برنامه‌های افتتاحیه آبرومندی دارند و حضور گسترده فیلمسازان مشهور و حرفه‌ای در مراسم افتتاحیه این فیلم‌ها نشان می‌دهد که اهالی سینمای ایران با هر دیدگاهی، موافق نمایش فیلم‌های متفاوت در سینماها هستند و معتقدند که همین فیلم‌ها و فیلمسازان زمینه‌ساز تغییر رویکرد سینمای حرفه‌ای ایران و تقویت ارزش‌های هنری در کلیت سینمای ایران هستند.

وقتی در جشنواره امسال نام فیلم‌های برگزیده داوران و منتقدان را در بین آرای مردمی می‌بینیم، بیانگر این واقعیت کتمان ناپذیر است که فیلم خوب، همیشه و در همه حال مخاطب خود را پیدا می‌کند. فقط باید به مخاطب مجال انتخاب مناسب داد و فیلم را درست و به موقع و با اطلاع‌رسانی کافی معرفی کرد.

در گذشته‌های نسبتاً دور آثار متفاوت و اندیشمند سینمای ایران غالباً در سکوت کامل تبلیغاتی و بدون هرگونه آگهی و اعلان، روی پرده می‌رفتند و بسیاری از علاقه‌مندان تماشای این قبیل آثار بعد از پایان اکران از نمایش آن‌ها مطلع می‌شدند.

درست است که کمک‌های دولتی به گروه هنر و تجربه، نقش مؤثری در موفقیت آن ایفا کرده است ولی فراموش نکنیم که در گروه‌هایی از این دست، همه مشکلات با تزریق نقدینگی حل نمی‌شود. نبود مدیریت آگاه، خلاق و مطلع از مقوله نمایش فیلم متفاوت در سینماها، باعث می‌شود که با جور سوبسیدهای میلیونی، نتیجه قابل طرحی حاصل نشود و فیلم‌هایی از این دست، مخاطبان واقعی خود را پیدا نکنند. تجربه ثابت کرده است که هرگاه با تکیه صرف به کمک‌های دولتی، جریانی به راه افتاده است، عمر چندانی نیافته چرا که با قطع احتمالی این کمک‌ها ـ به هر دلیلی ـ قطار پرشتاب، از ریل خارج شده است.

حالا به نظر می‌رسد قطار گروه هنر و تجربه قصد توقف ندارد و می‌خواهد برای ارتقای سطح سلیقه و آگاهی مخاطبان فرهیخته و بالقوه سینمای ایران باقی بماند.

اعتلای سینمای اجتماعی

نوشتم که سینمای اجتماعی ایران با اقبال عمومی روبرو شده است هم از جانب سینماگر و هم از سوی مخاطب و منتقد. این، از معدود دفعاتی است که فیلمسازان و عموم مخاطبان به یک درک و سلیقه مشترک می‌رسند که نتیجه‌اش هم می‌شود استقبال چشمگیر از «ابد و یک روز» و چند فیلم اجتماعی دیگر در جشنواره فیلم فجر امسال یا ورزش چندین میلیاردی فیلم‌های اجتماعی در اکران ۹۴ و نکته مهم‌تر اینکه اغلب فیلمسازانی که به این عرصه روی‌آورده‌اند در زمره فیلم اولی‌ها هستند که خود، نویدبخش حضور چشمگیر نیروهای تازه نفس در سینمای ایران است؛ سینمایی که به نظر می‌رسد باید دوران گذار را قدری پرشتاب‌تر و عمیق‌تر طی کند و بالتبع به کمک نیروهای مستعد و جوان این سینماگر که دو تن از ایشان امسال با دو فیلم «ابد و یک روز» و «ایستاده در غبار» توانستند توجه بسیاری را به خود جلب کنند. بهتر و زودتر از این دوران عبور کند.

*

سینمای ایران در حال دگردیسی است و اگر رویکرد تازه به ژانر اجتماعی باعث نشود که دیگر گونه‌های سینمای ایران به ویژه سینمای کمدی و کودک و نوجوان به حاشیه رانده شوند و فیلم‌های پرمخاطب در همه ژانرها روی پرده بروند، می‌توان سال ۹۴ را به عنوان مقطعی بسترساز، نقطه عطفی در تاریخ سینمای بعد از انقلاب به شمار آورد.



حکایت آن نسخه‌های خطی

■ **دکتر احمد مهدوی دامغانی**



پس از آنکه مهندس شـــریف امامی از دنیا رفت. از جمله ماترک و میراث او قریب یکصدوســـی مجلدکتب مخطوطه که نفائس بســـیاری در آن بود و نیز در آن قبالۀ نکاحیّۀ فیروز میرزای نصرۀ الدولۀ بزرگ، یعنی جد یا پدر عبدالحسین میرزا فرمانفرما، با دختر پادشاه وقت می‌بود که به راستی اثر هنری و ادبی و خطاطی و تذهیبی بسیار جالبی بود که به قول معروف:«آدم از دیدنش سیر نمی‌شد».

این قباله یا طومار به طول قریب دو متر و عرض یک متر بر روی کاغذی کلفت که به نظرم زمینه‌ای آبی آسمانی داشت و بر پشت آن پارچۀ کتان سپیدی چسبانده بودند و بالا و پایین آن در غلاف(دسته، لوله) چوبی قرمز رنگ ظریفی قرار داشت که قباله که به صورت طوماری عریض و طویل بود به مدد آن غلاف‌ها پیچیده و درنوردیده می‌شد و سجلّات این سند نفیس ظریف در دو حاشیۀ راست و چپ آن نگاشته شده و در بالا پادشاه بر آن صحّه گذارده بود.

این ماترک و لابد بسیار چیزهای مرده ریگ دیگر به پسر و دختر آن مرحوم تعلق گرفته بود و آنان آن را در نیویورک به عتیقه‌فروش درســـت‌کار گوهرشناس وطن‌دوستی از کلیمیان اصفهانی به نام آقای شـــاهین خلیلی به مبلغی که از مقدار آن اطلاع نیافتم فروختند و این معامله در اواسط دهۀ ۷۰ شمسی و ۹۰ میلادی صورت گرفته بود. این را فعلاً داشته باشید تا بعداً دنباله‌اش را عرض کنم.

در اواخر ســـال یک هزار وسیصد و هفتاد و پنج شمسی (اوایل سال ۱۹۹۷م) یک عتیقه‌فروش دیگر نیویورکی که اصلاً از کلیمیان مشهد بود و علاوه بر اشتغال به قالی و عتیقه‌فروشی بسیار مفصل معتبری که به پدر سالخورده‌اش و خود او تعلق داشت، به مناسبت آنکه کارشناس هنر هم بود و در آن رشته دکترا داشت، گویا در «اِن. وای.یو» یعنی دانشگاه نیویورک (یا در کالجی) در همان رشته یا تاریخ هنر یا همچو چیزی تدریس هم می‌کرد.

پس از فروپاشی اتحادجماهیر شوروی، به تاجیکستان و قرقیزستان و بخارا و آن طرف‌ها، به قصد تجارت و خرید مال التجارۀ مناسب کارش سفر کرده بود و قریب یک سال در آن بلاد به گشت و گذار و جستجوی آثار هنری و عتیقه پرداخته بود و در مراجعت علاوه بر اشیاء مورد نظرش حدود سه هزار مجلد مخطوطات عربی و فارسی (اکثراً عربی) از آن ممالک به آمریکا حمل کرده بود و آن مخطوطـــات را، در حدی که چنان کس می‌تواند و با کمک بعضی افراد دیگر در فهرستی که فقط متضمّن نام آنها ـ آن هم نه نام صحیح آنها بلکه به آن گونه‌ای که خودش و آن همکارانش خوانده بودند!! ـ و شماره‌ای که برای آنها در نظر گرفته بود ثبت کرده در کارتن‌های متعددی در همان مغازۀ دو دهنۀ وسیعی که در خیابان دوم نیویورک داشت نگه‌داری می‌کرد و نام این مرد امین درستکار آقای دکتر ژرژ عَناویان است.

و او نمی‌دانم کتبـــاً یا با تلفن به دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل اطلاع می‌دهد که چنین مجموعۀ مخطوطاتی را از جمهوری‌های جدیدالتأسیس مذکور در تملک خود دارد و حیف است که بعضی از این مخطوطات قدیمی و نفیس به مالکیت ایران در نیاید.

> **باری پس از آنکه فهرست این ۱۲۶ نسخه را آماده کردم و آن پنجاه و چهار نسخه را مشخص ساختم خریداری همۀ آن را به بهایی که مناسب بدانند توصیه کردم و لایخفی که بی‌آنکه من توقعی داشته باشم و اظهاری کنم آقای خلیلی دستمزدی نقدی هم به قدر همت خود به من پرداخت.**

سفیر فرهنگی و امور اجتماعی ایران در آن زمان در سازمان ملل این «جوان قدیمی» ادیب و فرهنگ‌پرور آقای مهدی فریدزاده بود که نزدیک یک سال بود که به جای آن سلف نازنین ارجمند خود که در اینجا حسنِ رابطه ایرانیان مقیم آمریکا با نمایندگی و تألیـــف قلوب «مؤلّفۀ معنـــوی» آن جماعت با راهنمایی و حمایت عموی گرامی و نجیب شریف خود خدمات چشمگیری انجام داده بود، یعنی آقا سید محمّد صادق خرازی معروف به «آقا صادق» ـ دام عمره و عزّه ـ به نیویورک آمده بودند و آقای فریدزاده ـ دام عزّه ـ (برادر گرامی ایشان جناب دکتر محمّد جواد فریدزاده سفیر سابق ایران در واتیکان است) نیز بنا بر ادب دوستی ذاتی و رعایت مراتـــب اداری گزارش این مطلب را به جناب آقای دکتر سیدکمال خرازی سرپرست محترم نمایندگی ـ دامت معالیه ـ تقدیم کرد و جناب آقای دکتر خرازی هم این جانب را لطفاً مأمور ساختند که با مراجعه به مالک مخطوطات در آن‌باره اظهار نظر کنم و اگر مخطوطات ارزنده‌ای در آن میان باشد آن را جداگانه فهرست و معرفی کنم که برای تملک آن اقدام شود.

شوق شخصی خودم از طرفی و اجرای امر جناب آقای دکتر خرازی از طرف دیگر موجب شد که این بنده در بیشتر از دو ماه یعنی در ماه‌های فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۷۶ هر هفته گاهی یک روز و گاهی دو روز به نیویورک بروم و آن مخطوطات را مشاهده و و وارســـی کنم و هر مخطوطه‌ای را که مناسب منظور بدانم از آن میان کنار بگذارم و مختصراً مشخصات آن را فهرست‌وار یادداشت کنم. در این میان سروکلّۀ آقای دیگری که از طرف دانشگاه پرینستون مأموریتی مانند تکلیفی که به مخلص شده بود داشت پیدا شد. ولی آقای عَناویان به او گفت که پس از آنکه مهدوی کارش در اینجا تمام شد شما انتخاب خودتان را از بقیۀ مخطوطات انجام دهید و به قول نویسندۀ حسین کُرد «القصه» این بنده دویست و هفتاد و دو نسخۀ مرغوب مطلوب را که معدودی از آن از نوادر مخطوطات بود انتخاب و با تأکید خرید آن را پیشنهاد کردم و گزارش کار خود را تقدیم داشتم که آن گزارش و پیشنهاد اسیر گردونۀ تشریفات و امور اداری شد، خاصّه آنکه ایام مصادف با انتخابات ریاست جمهوری گشت و به قول روزنامه‌نویس‌ها: «... و بقیۀ قضایا».

از طرفی آقـــای عَناویان هم هی به من بنده تلفن می‌کرد که تکلیف این کتاب‌هایی را که جدا کرده‌اید زودتر روشن کنید که بنده چون جواب مقنع نداشتم او را به صبر و تأمل توصیه می‌کردم و در این میان؛ و بـــه نظرم اوائل تیرماه ۱۳۷۶ بود که جناب آقای دکتر علی اکبر ولایتی برای آخرین بار به ســـمَت وزیر امور خارجه برای شرکت در کمیسیونی در سازمان ملل به آمریکا تشریف آوردند و آقای فریدزاده هم که علاقمند بود این مخطوطات گران‌بها به تملّک ایران در آید به من گفتند اگر بتوان چند جلد از این مخطوطات را به امانت از صاحب آن گرفت که جنابان دکتر ولایتی و دکتر خرازی آن را ملاحظه فرمایند، شاید جریان اداری مطلب سریع‌تر پیش رود و من بنده پذیرفتم که چنین درخواستی را از آقای عَناویان بنمایم و چنین کردم.

و آن مرد هم پذیرفت که چند نسخه را که بتوانم به تنهایی بردارم و سنگین نباشد به من امانت بدهد و من هم فی‌المجلس نسخۀ کوچک قطع بغلی، جزوی از تفسیر نجم‌القرآن نجم‌الدین دایه ـ رحمۀ الله تعالی علیه ـ و جلدی از مجلدات ناقص مصابیح السنۀ بَغَوی و جلدین کامل الصناعۀ علی بن عباس مجوسی و اخبار الخوارج و الکوفیات حضرت مسعودی(رض) و شرح تائیۀ ابن فارض از قیصری و اخلاق حملۀ القرآن آجُرّی و المحرَّر رافعی و التیسیر دانی و مجلدی از تذکرۀ حضرت علامۀ حلّی ـ رضوان الله علیه ـ که از اول زکوۀ بود (و مجموعاً در سه مجلد از اول زکـــوۀ تا آخر حج بود) را جدا کردم و یک اقرار نامه‌ای نوشتم که آن مخطوطات به امانت نزد من است که حداثر تا سه روز دیگر آنها را به صاحبش مسترد کنم و آن نوشته را به عَناویان دادم و او که آن را خواند گفت: من بی‌ادبی نمی‌کنم که نوشته و امضای شما را پاره پاره کنم و آن را به خودتان بر می‌گردانم که همین الان پاره کنید.

و اضافه کرد به قول مشهدی‌های خودمان «کور شود گدایی که پس از چهل ســـال گدایی شب جمعه‌اش را فراموش کند» و خودش کتاب‌ها را به خیابان آورد و تاکسی گرفت و من آن را به «رزیدانس» یعنی محل اقامت سفیر ایران در خیابان پنجم نیویورک بردم و همان شـــب آنها را به معظم لهما ارائه کردم و وقتی که خودم دربارۀ «سماعات» و «اجازاتی» که بر پشت ورق اول و پشت ورق آخر مصابیح السنه و تذکره از سوی اعلام و مشاهیری که آن کتاب‌ها را بر استاد قرائت کرده‌اند و یا شیوخی که اجازۀ آن را مرحمت فرموده بودند توضیحاتی خدمت آن دو مرد شریف دین‌دار نازنین بیان می‌کردم در خودم و آنان انقلاب حالت و تأثری و یا بهجت و سروری از اینکه چگونه بحمدالله علوم و معارف اسلامی خلفاً عن سلف محافظت می‌شده است احساس می‌شد.

آن شب جناب دکتر ولایتی که فردایش عازم مراجعت بودند

و هم جناب دکتر خرازی که مسلم بود که بر جناح سفرند و به زودی نیویورک را ترک خواهند فرمود وعده فرمودند که ترتیبات لازم را برای خریداری آن دویســـت و هفتاد و دو نسخه مقرر خواهند فرمود و به اصطلاح آن مسأله در دستور کار رئیس هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل قرار خواهد داشت تا تسهیلات لازم بودجهٔ کافی برای آن را ـ که هنوز اساساً این مسأله چون مشخص نشده بود که آیا نمایندگی ایران آن را خواهد خرید یا نه، لذا کار مطلقاً به تقویم و ارزیابی و بهای ادعایی منجر نشده بـــود ـ فراهم آورد. من بنده فـــردای آن روز آن کتاب‌ها را به صاحبش پس دادم.

جناب آقای دکتر خـــرازی ـ دامت معالیه ـ برای تصدّی وزارت امور خارجه به ایران مراجعت کردند و سرپرست دیگری برای ریاست هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل که مردی بسیار مؤدب و مهذّب است یعنی جناب دکتر سیدمحمّد هادی نژادحسینیان ـ حفظه‌الله تعالی ـ انتخاب شد، که به تعبیر معهود تکنوکرات و اهل علم و صنعت‌اند و به بســـیاری از کمالات نفســـانی و فضائل اخلاقی آراسته و در آنچه به امور صنایع و خصوصاً نفت مربوط است اطلاع و نظر و مهارت کافی دارند، ولی به قول مرحوم گویندهٔ اصلی این اصطلاح که نمی‌دانم کی بود ولی مرحوم مغفور استاد دکتر شهیدی ـ أطاب‌الله ثراه ـ آن را زیاد بر زبان می‌آورد در آنچه از علوم «چرک‌تاب» است و تجدد و نوآوری در آن راه ندارد یعنی همین «علومی» که نمی‌دانم چرا به آن «علوم انســـانی» اطلاق شده است جناب نژادحسینیان به کلی بی‌عنایت‌اند و طبعاً چون هیچ «عینیّتی» در این قیل و قال‌ها ملاحظه نمی‌فرمایند، صرف وقت و خصوصاً بذل مال را آن هم در آن سال‌های آخر دههٔ نود و اوائل قرن بیست و یکم میلادی که دولت ایران خیلی دست‌تنگ بود(!) و در مضیقهٔ مالی(!؟) قرار داشت جایز نمی‌دانستند و صرفه‌جویی عموماً و خصوصاً دربارهٔ آن «علوم چرک‌تاب» وجههٔ همت ایشان می‌بود تا بدانجا که حتی آن نهال نوپایی را که به نام مجلهٔ گلستان منتشر می‌شد و جای خود را در بسیاری از ممالک فارسی‌زبان و یا فارسی دوست به خوبی باز کرده بود ـ و این را البته به «اغواء» و «اغراء» به ناصواب شخص دیگری ـ ریشه‌کن فرمودند، و صرف مبالغ نسبةً مختصر و کم اهمیتی را که به چاپ و انتشار آن مجله می‌رسید ناروا و نابه جا تشخیص دادند.

اولین نموداری که از این بی‌مرحمتی ایشان به این نحوه از امور ظاهر شد آن بود که مسئله خرید مخطوطات مذکور و گزارش آن امر با همهٔ تأکیدات وزیر قبلی و وزیر منتخب جدید «أدام الله عزّهمـــا ـ به جایی رفت که به قول معروف «عرب نی انداخت» و آن فروشنده هم که به تعبیر مرحوم صمصام‌السلطنه بختیاری یا سپهدار رشتی از اینکه با نمایندگی ایران معامله‌ای کند «امید یأس»! پیدا کرده بود اکثر آن مخطوطاتی را که من صورت کرده بودم به «پرینستون» و قسمتی از آن به یک مؤسسهٔ فرهنگی دیگر فروخت و بسیاری از آن مخطوطات را که نه ارزش علمی و نه ارزش تاریخی داشت و عموماً کتب تحصیلی مقدماتی ادب عـــرب از صرف و نحو و معانی و بیان بود و غالباً هم ناقص و مندرس می‌بود برای زینت مغازهٔ خود نگه داشت.

حالا بروم به دنبالهٔ مطلب صفحهٔ اول، زیرا «بثّ شکوی» و افسوس‌خواری در از دست رفتن چنان مخطوطات نفیسی از کتابخانه‌ها و مجامع و معاهد فرهنگی ایران را به همین اندازه کافی می‌دانم.

آقای شاهین خلیلی که مجموعهٔ فی‌الواقع گرانقدری که مرحوم شریف‌امامی فراهم آورده بود و از یادداشت‌های کوچکی به خط خود در لای بعضی از مخطوطات گذارده بود نحوهٔ حصول یا تحصیل آن مخطوطه را که گاه به هدایت و کارشناسی مرحوم مغفور دکتر مهدی بیانی ـ رحمه الله علیه ـ یا مرحوم ادوارد ژوزف یا این انسان والای فرشته‌خو کیکاووس میرزا جهانداری ـ که خداش سلامت بدارد ـ فراهم شده بود از «صرافان گوهرناشناسی» که خرمهرهٔ پول را با در ثمین چنان گنجینه‌ای برابر کرده بودند» یعنی فرزندان مرحوم شریف امامی به دست آورد و این معامله را به نظرم هنوز چلهٔ شریف امامی منقضی نشده بود انجام داده بود و چه خوب فرموده است حضرت شیخ اجل که:

> **شوق شخصی خودم از طرفی و اجرای امر جناب آقای دکتر خرازی از طرف دیگر موجب شد که این بنده در بیشتر از دو ماه یعنی در ماه‌های فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۷۶ هر هفته گاهی یک روز و گاهی دو روز به نیویورک بروم و آن مخطوطات را مشاهده و و وارسی کنم**

وه که گر مرده باز می‌گردید
به میان قبیله و پیوند
رد میراث سخت‌تر بودی
وارثان را ز مرگ خویشاوند

و صدق مولانا امیرالمؤمنین ـ صلواه الله علیه ـ که: «بشّر مال الشحیح بحادث أو وارث». به هر حال باز خدا پدر آن بچه‌ها را بیامرزاد که آن گنجینه را یک جا به عتیقه‌فروش امینی فروختند و طوری عمل نکردند که آن مجموعه متفرق گردد.

بـــاری یا از باب: «الیوخون الی اولیائهم!!» آقای عناویان به آقای خلیلی اظهار و اخباری کرده بود یا آنکه خلیلی به صرافت طبع و آن جوری که خودش می‌گفت به مقتضای «حبّ‌الوطن» و چون دوست داشت این مخطوطات به ایران برگردد با نمایندگی ایران در سازمان ملل به نحوی تماس گرفت و آقای فریدزاده ـ سلّمه الله تعالی ـ باز مسأله را به مخلص ارجاع فرمود که بروم و اگر نفائس و «چیزهای به درد بخوری» در آن میان دیدم نتیجه و فهرست آن را به ایشان تقدیم کنم که بلکه انشاءالله این دفعه بتوانند آن نفائس را به تملک دولت ایران درآورند.

گـــو اینکه حقیر با خاطرهٔ ناگواری کـــه از «مأموریت» قبلی داشتم یقین داشـــتم که آقای فریدزاده در تحقّق آن نیّت و بنـــده در حصول نتیجهٔ مثبتـــی از آن «مأموریت» = ایضاً : «امید یأس»!!خواهیم داشت؛ با این همه چون ایام تعطیلی دانشگاه بود چهار پنج روز من و همسرم دکتر تاجماه آصفی ـ حفظها‌الله تعالی ـ به نیویورک رفتیم. مخطوطات موردنظر در بنگاه یا انبار زیرزمینی مغازهٔ آقای خلیلی که بسیار وسیع و تو در تو که شباهت به «غار»هایی که درفیلم‌های سینمایی به مقتضای نظر کارگردان ساخته می‌شد و در آن گنجینه‌هایی نهفته می‌بود قرار داشت و این «غارها» مزیّن به اشیاء عتیقه و مصنوعات عجیب قرون گذشته و حال، از قبیل ساعت‌های دیواری عظیم و پیانوهای بسیار بزرگ و اثاث البیت‌هایی که حاکی از زندگی نازپروردگان تنعّم منقرض شـــده و چراغ‌ها و «گوبلن»های زیبا و غیره و غیره بود و روز اول آقای خلیلی برای من و همسرم از آن «آنتیک»ها توضیحات مختصری با بیان «شناسنامهٔ» هنری و دست به دست گشتن آنها تا مغازهٔ خود بیان می‌کرد.

اما مخطوطات در اطاق نسبتاً وسیعی که با شبکه‌های آهنی محصور بود جای داشـــت که میزی بزرگ با دو صندلی در آن نهاده بودند و کتاب‌های خطی در چند کارتن شماره‌دار که عدد نسخی که در آن کارتن است بر روی آن نوشته شده بود بر روی هم چیده بود و ما یعنی من و همسرم هر روز تقریباً از ساعت ده صبح تا قریب غروب در همان اطاق می‌ماندیم و حسب‌المقرّر ناهاری که عبارت از نان و ماست و پنیر و مغز گردو و چای بود همانجا صرف می‌کردیم و نمازمان را می‌خواندیم و باز به کار می‌پرداختیم.

به این صورت که همسرم کتاب‌ها را از کارتن خارج می‌کرد و در صفحه و ورق اول و ورق آخر و در چند ورق متفرّق دیگر با کاغذهای کوچک مخصوص نشانه‌گذاری، نشانه می‌گذاشت و خود یک فهرست مختصری از آن فراهم می‌کرد که بعداً برای آنکه مبادا کتاب یا جزوه‌ای از نظر من بنده مخفی مانده باشد، در آخر وقت هر روز آن را با فهرست و صورتی که من نوشته بودم مقابله می‌کرد و گاه نیز مطالبی در آن باره می‌نوشت.

مجموع مخطوطات مرحوم شریف امامی (یا آنچه که به تملّک آقای خلیلی درآمده بود؟) یکصد و بیست و شش نسخه است و فی‌الواقع مشتمل بر نفایس علمی و ادبی و هنری است و کاش آنانکه از مراتب و مدارج علمی و ذوقی؟! او اطلاعی دارند (فی‌المثل دوست عزیز نازنین محترمم جناب آقای کیکاووس جهانداری) این مسأله را روشن فرمایند که آیا شریف امامی غیر از تخصص در رشتهٔ فنی خودش که مهندس صنایع بوده آیا در رشته‌های دیگر هم تحصیلی کرده بوده است؟ و آیا در جمع این کتب غیر از سرمایه‌گذاری مالی و ذخیرهٔ روز مبادا کردن، محرک دیگری هم داشته است؟

و بعید نیست به مناسبت آخوندزادگی فی‌الجمله مقدماتی را می‌دانسته است و در میان این نسخه‌ها، پنجاه و چهار مخطوطه را این بنده بسیار ارزنده و برخی از آن را هم از لحاظ موضوع و هم از نظر خط (نستعلیق، شکسته، نسخ، ثلث) بسیار نفیس یافتیم که بعضاً جنبهٔ هنری و تذهیب یا جلد آن نیز ممتاز بود.

باری پس از آنکه فهرست این ۱۲۶ نسخه را آماده کردم و آن پنجاه و چهار نسخه را مشخص ساختم خریداری همهٔ آن را به بهایی که مناسب بدانند توصیه کردم و لایخفی که بی‌آنکه من توقعی داشته باشم و اظهاری کنم آقای خلیلی دستمزدی نقدی هم به قدر همت خود به من پرداخت.



بهداشت



چگونه سفر خاطره انگیزی داشته باشیم

بازگشت به سلامت

■ احمد نساجی

سفر، سفر، سفر و سفر با همه خوبیها و خوشی‌هایش با همه یادها و خاطراتش باهمه شادی‌هایش که همیشه آرزو داریم مســـافرانمان در انجام آن سالم و تندرست باشند و با سلامت کامل از آن بازگردند و این بار بازگشت به سلامت از سفر. بازگشتی که باید سالم باشد، بازگشتی که باید به شادی باشد، بازگشتی که باید به سلامت باشد تا فرصتی دست دهد برای مرور خاطرات یک سفر خوب و به یادماندنی همچون سفرهای نوروزی آن هم سفری که در دل طبیعت و بهاری شاداب و با طراوت صورت می‌گیرد، پس بازگشت سالم از سفر به مراتب از خود سفر مهم‌تر است.

در روز پنجشـــنبه ۹۳/۱۲/۲۸ و در حالی که سفرهای نوروزی به تازگی آغاز شده بود در بخش خبری ۲۰/۳۰ شبکه دوم تلویزیون اعلام شد که طی این روز و در آغاز سفرهای نوروزی تصادفات زیادی در سطح جاده‌های کشور به وقوع پیوسته که تعداد زیادی از هموطنانمان آسیب دیده و تعداد زیادی اتومبیل دچار سانحه و خسارت شده‌اند.

این خبر، حداقل برای من که همه ســـاله با سفرهای نوروزی همراه هستم، خبر خوبی نبود. من که سالهاست با سفرهای مسافران نوروزی همراه بوده و هستم خبر پخش شده دلم را به درد آورد که ای وای، خدای من برای روزهای اول ســـفرهای نوروزی سال جدید این همه تصادف و این همه خســـارت، این که تازه اول کار است پس وای به حال روزهای دیگر و دو هفته آینده، و از خود می‌پرسم، چرا؟ چرا سانحه؟ چرا تصادف؟ چرا جراحت؟ چرا خسارت؟ و صدها چرای دیگر.

این چراها را چه کسی باید پاسخگو باشد، چرا هموطنانی که دست در دست اعضای خانواده برای سیاحت، زیارت، دید و بازدید عید از خانه خود، از شهر خود، از استان خود خارج می‌شوند چرا باید دچار حادثه شوند و صدمه ببینند، چرا نباید به فکر بازگشت خود باشند چرا نباید به این موضوع فکر کنند حال که سفر را با سلامت آغاز کرده‌ایم باید به سلامت برگردیم و باز هم صدها چرای دیگر، به همین خاطر هست که تصمیم گرفتم مطلب مورد بحث امســـال را به سلامت بازگشتن از سفر اختصاص داده و برادرانه و دلسوزانه تقاضا کنم همان‌طوری که سفرتان را به سلامت آغاز می‌کنید سعی کنید آن را با یاری خدا و دقت و همت خودتان به سلامت به پایان برسانید و به بازگشت سالم از سفر هم توجهی خاص داشته باشید زیرا سالم برگشتن از سفر به مراتب مهمتر از خود سفر است، پس برای دست یافتن به این امر مهم لازم است نکاتی چند را در سفر مورد توجه و دقت قرار دهید. در گذشته مطالبی را که ما به عنوان سلامت در سفر ارائه می‌کردیم بیشتر در زمینه رعایت نکات بهداشتی بود که می‌خواستیم بدین‌وسیله سلامت مسافران در سفرها حفظ شده و دچار بیماری در طول سفر نشوند ولی حالا می‌بینیم که علاوه بر نکات بهداشتی به امر دقت و مراقبت‌های طول رانندگی هم باید بپردازیم تا انشاالله با توجه به نکاتی که مطرح می‌شود مسافران نوروزی سفری خوب و خوش توأم با سلامتی داشته باشند.

> **چرا هموطنانی که دست در دست اعضای خانواده برای سیاحت، زیارت، دید و بازدید عید از خانه خود، از شهر خود، از استان خود خارج می‌شوند چرا باید دچار حادثه شوند و صدمه ببینند، چرا نباید به فکر بازگشت خود باشند**

امروزه با توجه به تغییراتی که در شیوه سفر به وجود آمده، وسیله نقلیه، سرعت و جاده در سفرها تعیین‌کننده شده و هر ساله تعدادی از هموطنان ما را گرفتار می‌کند بهتر آن دیدیم که بار دیگر به مسافران عزیز نوروزی یادآوری کنیم که با توجه به نکاتی که مطرح می‌شود در طول سفر به بازگشت سالم از سفر نیز بیندیشند. البته مسافران عزیز نوروزی خود به خوبی آداب سفر را می‌دانند ولی ما به خاطر یادآوری عرض می‌کنیم که به نکات مورد نظر به خوبی توجه نمایند.

۱ـ در طول سفر به آرامی رانندگی کنید، از سرعت زیاد بپرهیزید و همواره به نکات ایمنی سفر در رابطه با رانندگی توجهی خاص داشته باشـــید و بستن کمربند ایمنی را در اولویت رانندگی قرار دهید.

۲ـ در طول سفر همواره به بازگشت سالم از سفر فکر کنید، این امر باعث خواهد شد راننده‌ای با احتیاط، صبور، بردبار، غیرعصبی، دقیق و آرام باشید.

۳ـ طبق گفته کارشناسان راهنمائی و رانندگی پس از هر دو ساعت رانندگی حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه از اتومبیل پیاده شـــده و استراحت کوتاهی داشته و پس از رفع خستگی به رانندگی ادامه دهید.

۴ـ از صحبت کردن با سرنشینان اتومبیلتان مخصوصاً زمانی که صحبت‌ها به حاشیه رفته و تبدیل به جَرّ و بحث می‌شود جداً بپرهیزید و وارد آن نشوید.

۵ـ در طول سفر از غذای سالم استفاده کنید و حتی‌الامکان سعی کنید غذا را در حدّ رفع گرسنگی میل کنید، یعنی غذائی کم حجم. ساده و سالم میل نمائید.

۶ـ در برنامه‌های سفر و به هنگام رانندگی اجازه ندهید خســـتگی بر شما غالب شـــده و پلک‌هایتان را آزار دهد، به محض احساس خواب، اتومبیل را به محلی اَمن و مطمئن هدایت کرده و چند دقیقه‌ای را به استراحت بپردازید و پس از رفع خستگی به حرکت در مسیر سفر ادامه دهید با توجه به اینکه مجدداً کمربند ایمنی را بسته باشید.

۷ـ راننده هر اتومبیل مسئولیت حفظ جان و سلامتی سرنشینان اتومبیل خود را به عُهده دارد، پس هر وقت که عقربه سرعت‌سنج اتومبیل شما از حدّ مجاز گذشت بدانید که ممکن است خدای ناکرده اتفاقی ناخوشایند در کمین اتومبیلتان باشد، پس به آرامی پا را از روی پدال گاز برداشته و فشار بر آن را کم کنید مطمئن باشید سلامت در این عمل است.

۸ـ به هنگام گرفتن سبقت و رفتن به سمت چَپ مسیر حرکت مواظب باشـــید که از جهت مقابل اتومبیلی به شما نزدیک نشده و با مراقبت کامل عمل سبقت را انجام دهید

۹ـ چنانچه در شب رانندگی می‌کنید از سیستم روشنائی اتومبیل خود به ویژه چراغهای جلو و چراغ‌های قرمز عقب کاملاً مطمئن باشید و حتی‌المقدور سعی کنید نور بالای چراغ جلوی اتومبیل شما باعث آزار اتومبیل مقابل نشود.

۱۰ ـ شـــوخی و خنده، خوردن و آشامیدن و گفتگو با همسفران حاضر در اتومبیل را بگذارید برای زمانی که از اتومبیل پیاده شده و به استراحت می‌پردازید.

۱۱ـ آب، غذا، میوه و دیگر مواردی را که برای ســـفر برمی‌دارید سعی کنید به گونه‌ای نگهداری و مصرف کنید که به طور صحیح و ســـالم نگهداری شده و صحیح و سالم و مطمئن مصرف نمائید.

۱۲ـ در هر شرایطی شستشـــوی دستها را قبل از غذا خوردن فراموش نکنید آن هم با آب و صابون.

۱۳ـ در طول سفر و مسیر جاده‌ها از خوردن مواد لبنی ارائه شده در کنار جاده‌ها به‌خصوص شیر و پنیر تازه خودداری نمائید چون ممکن است به تب مالت دچار شوید.

۱۴ـ در بعضی از مســـیرهای سَفر که جاده به موازات رودخانه قرار دارد اغلب ماهی‌های رودخانه‌ای را برای فروش ارائه می‌کنند که شاید زیاد مطمئن و سالم نباشند زیرا ماهی در هر شرایطی باید در کنار یخ یا در یخچال نگهداری شود ولی این قبیل ماهی‌ها یا به صورت دانه‌ای یا بند شده ریسه‌ای ارائه می‌گردند که نه در کنار یخ هستند و نه در یخچال که مسلماً قـــرار گرفتن ماهی در هوای آزاد آن هم برای مدت طولانی ممکن است از سلامت کامل خارج شده و ناسالم باشند.

۱۵ـ به تاریخ مصرف غذاهای کنسرو شده و سالم بودن قوطی آنها توجه نموده و پیشنهاد می‌شود هر نوع مواد غذائی کنسرو شده را پس از باز کردن کاملاً بجوشانید سپس مصرف نمائید.

موارد ذکر شده نکاتی چند بود از سفر با اتومبیل در مسیر جاده‌ها و در سفرهای نوروزی که کوتاه و پُر شتاب است امید آنکه با صبر و حوصله از این شتاب بکاهید و با دقت و مراقبت از کوتاهی این سفر لذّت ببرید و توجه به این نکته لازم است که شما باید سالم از سفر بازگردید و رانندگان محترم اتومبیل‌ها بدانند که حافظ جان و سلامتی سرنشینان اتومبیل خود در سَفر هستند.

مراقب خود و همسفرانتان باشید، سفرتان ایمن، بازگشتتان به سلامت، خدانگهدار.



سنت‌ها



زهوشنگ ماند این سده یادگار

خاکستری که برباد رفته است

■ دکتر محمدجعفر یاحقی

جوانترها حق دارند به ما پشـــت کنند، خود کرده را درمان نیســـت؛ مگر ما از پدرانمان فاصله نگرفته و به آن‌ها پشت نکرده‌ایم؟ مگر ما لباس و خوراک و سنت‌های زندگی نیاکانمان را به کناری ننهاده و چیزهای دیگری را به جای آن بر نگزیده‌ایم؟ بریدن و پشت کردن همه‌اش این نیست که به کسی ناسزا بگوییم. وقتی از سنت‌های آن‌ها پا کنار می‌کشیم وقتی فراموش می‌کنیم که آن‌ها به چه چیزهایی دلخوش و از چه چیزهایی ناخرسند بوده‌اند، این خود نمونهٔ آشکار پشت کردن اســـت. آن‌ها دروغ و ناراستی و بیماری را اهریمنی می‌دانســـتند و از آن به شدت می‌پرهیزیدند، آن‌ها شادی را دوست می‌داشتند و اندوه را در سپاه اهریمن می‌دیدند، آن‌ها



روشنی را گرامی می‌داشتند و از تاریکی و سیاهی و مرض بیزار بودند، داد و دوستی را برای همگان می‌خواستند و از دشمنی و کینه‌وری دوری می‌جستند؛ و امروز ما با بسیاری از این خوی‌های اهریمنی به آسانی کنار می‌آییم که بماند، آن‌ها را اهورایی و آسمانی نیز می‌پنداریم.

جشن‌ها و نیایش‌ها، شادی‌ها و خوشدلی‌ها؛ به ویژه آن‌ها که بر بنیاد همدلی و مهربانی استوار بود، همه به روشی نیکو برپا داشته می‌شد و مردمان این سرزمین خود را و مهربانی‌های یکدیگر را در آیینهٔ آن می‌دیدند بنابر این از هر فرصتی برای یادآوری نیکی‌ها و خوش‌آمدها و خوش‌آمده‌ها سود می‌بردند و به هر بهانه‌ای بهای خوی‌های همگانی و دستاوردهای گرانِ زندگی خیز را فزونتر می‌کردند.

بیشترینهٔ سنت‌های پیشینیان ما و از آن جمله همهٔ جشن‌ها و آئین‌های ملّی مبنایی نیایشی و اهورایی داشته است. ما این جشن‌های نیایشی را فراموش کرده یا به سایه‌ای و سیاهه‌ای از آن بسنده کرده‌ایم. فراموش کردن این زیبایی‌ها یعنی از یادبردن خویشتنِ خویش، یعنی برگهٔ هویت و شناسنامهٔ خود را با دست خَود در آتش انداختن؛ یعنی از یاد بردن آنکه پدران ما که بودند، چگونه می‌زیستند و زندگی را چطور می‌دیدند و به چه چیزهایی دل گرم می‌داشتند. همهٔ سرفرازی‌هایی که ما را در درازای تاریخ سرپا نگه داشته و ایرانی بودنمان را به جهانیان نشان داده به همین آئین‌ها و زیبائی‌های آن بازبسته است. ایرانی بودن یعنی تاریخ داشتن، یعنی با زندگی کنارآمدن و بر همهٔ ناراستی‌ها و ناروایی‌ها چیرگی یافتن؛ این کجایش ناخوب و نادلپذیروکنارگذاشتنی است؟

از نوروز تنها نامی و سایه‌ای مانده است، جشن نوروز در سپهر زندگی ما جای خود را از دست داده و بسیار نزار و لاغرمیان شده است، در همین زندگانی کوتاه خود اندک اندک ناظرکاهیدن این تن نزار بوده‌ایم. این درحالی است که دیگر ملت‌های آریائی‌نژادَ که هنوز خود را فراموش نکرده اند، یعنی تاجیکان و افغانان و ترکمن‌ها و ارامنه، آذری‌ها و گرجی‌ها و... به آن بها می‌دهند و کم‌کم دارد کار به جایی می‌رسد که از نوروز هم بمانند «تار» و «نرد» و «چوگان» و... چیزی برای ما باقی نماند. خاکستر «سده» اما در اندیشهٔ فرهنگی ما بکلی برباد رفته و سیل بنیان‌کَن اندیشه‌های ناخوبِ وارداتی گردی هم از آن برجای نگذاشته است. اگر همین هم‌میهنان زردشتی پاک نهاد ما نبودند و با چنگ و دندان از این سنت دیرینه سال آریایی پاسداری نمی‌کردند امروز نامی هم از آن برجای نبود. سده یادگار فیروزی‌ها و سربلندی‌های فرهنگ ایرانی و رگهٔ اصلی هویت آریایی ما بوده است. شاهنامه(۳۰/۱) می‌گوید که این جشن به یادگار پیدایی آتش در دوران سرد زندگی آغازین بشر برپاداشته شده است. هوشنگ پس از آنکه در یک رویداد خوش به آتش دست پیداکرد،

یکی جشن کرد آن شب و باده خورد
سـده نام آن جشـن فرخنده کرد
زهوشـنگ ماند این سـده یادگار
بسـی باد چون او دگر شـهریار

مناسبت جشن سده را دیگرانی در آن دانسته‌اند که آن روزکه شمار فرزندان گیومرث(انسان نخستین) به صد رسید، به فرخندگی این رویداد، جشنی برپاداشته شد، و ابوریحان نوشته است (التفهیم، ۱۳۶۲، ۲۵۷) به مناسبت آنکه از آن روز تا نوروز پنجاه روز و پنجاه شب مانده است، و این که در این روز فرزندان پدر نخستین صد تن تمام شدند. و سبب آتش کردن در این روز آن است که بیوراسب(ضحّاک) در سرزمین خویش فرموده بود هر روز دو مرد را بکشند و مغز آنان را بر زخم شانه‌های وی بگذارند(به روایت شاهنامه۵۶/۱: به مارانْ رسته بر دوش او بدهند). ضحّاک خوالیگری(آشپزی) داشت نیکدل و نیک کردار، ارمایل نام، که هر روز یکی از این جوانان را نمی‌کشت و پنهان به دماوندکوه می‌فرستاد. چون فریدون بر ضحّاک چیره شد و او را به بند کشید، ارمایل را بگرفتند و ســرزنش کردند. گفت: توانایی من آن بود که از دوکشته یکی را برهانیدمی و همگی ایشان در پس کوهند. با وی کسان فرستادند تا به درستی سخن او گواهی دهند. او کسی را پیش فرستاد و بفرمود تا هرکسی از آن رستگان بر بام خانهٔ خویش آتش افروختند، زیرا که شب بود و خواست تا بسیاری ایشان پدید آید. کاری که ارمایل کرده بود نزد فریدون پسند افتاد وی را آزاد کرد و بر تخت زرّین نشاند. اندکی بعد از بیرونی شهمردان بن ابی الخیر رازی هم در کتاب نجومی خویش موسوم به روضةالمنجّمین، (چاپ عکسی، ۱۳۶۸، ص ۳۷) به سال ۴۶۶ همین داستان را آورده و افزوده است که: «فریدون این را جشنی فرمود کردن و رسمی شد و دانایان چون بدیدند که اندرین وقت حال هوا بگردیده بود و چون آتش افروزند عفونات از هوا دور شود محکم‌تر گردانیدند تا از وبا ایمن باشند».

خجستگی تاراندن تاریکی و بیماری و یادآوری دفع زیان‌های ضحّاکی نیاکان ما را بر آن داشـته بود که به یاد آن خاطره‌ها جشـنی برپا دارند و به شادی و آتش‌افروزی بپردازند. وآن جشن سده بود. ناسازگاری با سده سازواری با ضحّاکیان و دوستداری بیماری و وبا برای مردمان است. همین هم‌نسلان من، که بسی بیشتر و ژرفتر از امروزیان نومسلمان به آئین‌های دینی تشیّع هم پای بند بودند، بی آنکه تعارضی میان باورهای دینی خود با این سنت‌ها بیابند، نه خیلی دور، نیم سده‌ای پیشتر در حاشـیهٔ همین کویرجنوب خراسان جشن سده را با خوشـدلی و آزادگی تمام در چارچوب توانایی‌های ناچیز خویش برپا می‌داشتند و برای شبی دلگرم کننده و روشنی بخشای، یعنی دهم بهمن ماهِ هرسال لحظه شماری می‌کردند. آن‌ها هم بمانند پیشینیان این سنت را در چارچوب یادگاری‌های تقویمی می‌دیدند. حراره‌هایی که در شب آتش‌آفروزی زمزمه می‌کردند گویای همین پندار بود (یاحقی، آن سال‌ها، ۱۳۷۱، ص۳۰): سده سده، صد به غلّه، پنجه(پنجاه) به نوروز.

آن‌ها می‌دانستند که به قول منوچهری دامغانی(دیوان، چاپ دبیرسیاقی، ۲۱۹): «شب جشن سده را حرمت بسیار بود» و به این بهانه دلشـان را به آمدن نوروز و رسیدن غلّه خوش می‌کردند و از زمان سـده، یعنی پنجاه روز مانده به نوروز، به استقبال شادیی می‌رفتند که طبیعت از آن‌ها دریغ می‌داشت و همزبان با منوچهری (همان، ۳۰)که هزار سال با آن‌ها فاصله داشت، می‌گفتند:

برلشـکر زمسـتان نوروز نامدار
کرده‌سـت رای تاختن و عزم کارزار
وینک بیامدست به پنجاه روز پیش
جشـن سـده طلایهٔ نوروز نامدار

همشـهریان امروز من همین مقدار اندک را هم از یاد برده‌اند و دریغ از این همه فراموشی و خاموشی!

ما از پدران خود ننگ می‌داریـم یا خود را فراموش کرده‌ایم؟ مگر نمی‌دانیم:

کسی که‌ازپدران‌ننگ‌داشت‌ناخلف‌است
که مرد را شـرفِ باب و مام نام دهد

(دیوان بهار، ۵۹۶/۱)

با هم باشیم با نوروز و سده و دلها را گرم نگه داریم.



شعری از وانگی وی

در وصف بهار

بر بام در بهار
قمری‌ها آواز می‌خوانند
بر دامن روستا
گل‌های سپید زرد آلو می‌شکفند
گنجشکها لانه‌های قدیمشان را
جستجو می‌کنند
صاحبخانه پیر تقویم سال جدید را ورق می‌زند
ناگاه باز می‌ایستد:
ناشاد از غم کسانی که به غربت رفته اند
و از این زندگی آرام روستا بی بهره اند...

صبح فروردین تو

زهرا فراهانی

تاکه بر جان می زنی نقشی ز رؤیای بهار
تا ثریا مـی رود شـوق تمنـای بهار

صبح فروردین تو همتای شام قدر ماست
از طـرب انگیزی شـور و نواهای بهار

نغمه‌ای دیگر شده در باغ و بستانها از آنْک
کوک ما اجرا شـده در ساز لبهای بهار

کوچه ی اردیبهشتت، از ره میخانه است
مستی ام دارد نشان از جام صهبای بهار

پرشکوه و پرتجلی، مهر نوروز است و هم
پر فـروغ و پر تلألؤ، ماه شـبهای بهار

هر چه تحریر قلم دارد نسـیمی از صبا
می نشـیند بر دلم بیت و غزل های بهار

شاخه ی سرو و صنوبر بر رخ آلاله ها
می نویسد قصه ای با صد معمای بهار

تازگی را پیشه کن با کهنگی ها کن وداع
تا شوی از روح و دل، جانا مهیای بهار



شکستن قفل زندان با عید

باز آمدم چون عید نو

باز آمدم چون عید نو تا قفل زندان بشـکنم
وین چرخ مردم خوار را چنگال و دندان بشکنم
هفت اختر بی آب را کاین خاکیان را می‌خورند
هم آب بر آتش زنم هم بادهاشـان بشکنم
از شـاه بی‌آغاز من پران شـدم چون باز من
تا جغد طوطی خوار را در دیر ویران بشـکنم
ز آغاز عهدی کرده‌ام کاین جان فدای شه کنم
بشکسته باد ا پشت جان گر عهد و پیمان بشکنم
امروز همچون آصفم شمشیر و فرمان در کفم
تا گردن گردن‌کشان در پیش سلطان بشکنم
روزی دو باغ طاغیان گر سـبز بینی غم مخور
چون اصل‌های بیخشان از راه پنهان بشکنم
من نشـکنم جز جـور را یـا ظالم بدغـور را
گـر ذره‌ای دارد نمک گیرم اگر آن بشـکنم
هر جا یکی گویی بود چـوگان وحدت وی برد
گویی که میدان نسپرد در زخم چوگان بشکنم
گشـتم مقیم بزم او چون لطف دیدم عزم او
گشـتم حقیر راه او تا سـاق شیطان بشکنم
چون در کف سلطان شدم یک حبه بودم کان شدم
گر در ترازویم نهی می‌دان که میزان بشکنم
چون من خراب و مست را در خانه خود ره دهی
پس تو ندانی این قدر کاین بشکنم آن بشکنم
گر پاسبان گوید که هی بر وی بریزم جام می
دربان اگر دستم کشد من دست دربان بشکنم
چرخ ار نگردد گرد دل از بیخ و اصلش برکنم
گردون اگر دونی کند گردون گردان بشکنم
خوان کرم گسترده‌ای مهمان خویشم برده‌ای
گوشـم چرا مالی اگر من گوشهٔ نان بشکنم
نی نی منم سـرخوان تو سرخیل مهمانان تو
جامی دو بر مهمان کنم تا شرم مهمان بشکنم
ای که میـان جان من تلقین شـعرم می کنی
گر تن زنم خامش کنم ترسم که فرمان بشکنم
از شـمس تبریزی اگر باده رسد مستم کند
من لاابالی وار خود اسـتون کیوان بشـکنم

مولانا جلال الدین بلخی

در وصف هفت‌سین

گاه نـوروز جهانـی پـر ز غوغـای بهـار
هفت سـینی چیده ام بـا نام و یـاد کردگار

*

سـین اول سنجد اسـت و جلوه عقل و خرد
رونـق سـنجیدن و ادراک و فهم بیشـمار
سیب سـرخی را به نام سین دوم خوانده ام
مایه و سـر منشـاء صحت به رسـم روزگار
سـبزه ای را سـبز کردم بهر سـین سومم
بلکه روحش زنده سازد عشق را در قلب یار
سین چارم را از جوانه پخته ام نامش سمن
چون بـه وزن مـا نگنجـد واو آن آیـد کنار
جلوه اش تاب و توان اسـت و نفوذ و چیرگی
زان کـه قـدرت در امور زندگی آیـد به کار
سین پنجم سـیر باشد درس آن قانع شدن
بل بیاویزم به گوش این پند را چون گوشوار
بهر تسـلیم و رضا بنهاده ام در هفت سین
سرکه را این سین شش در ظرف تنگی پایدار
سین هفتم هم سماق است و صبوری وصف آن
تـا شـکیبایی شـود در سـختی ره برقرار

*

این گیاهان گر نماد هفت سین پارسی است
از نیـاکان کهن ماندسـت رسـمی یـادگار



سکه‌ای بگذاشتم زان رود هد برکت به مال
روزی و رزق حـلال مـن بمانـد مانـدگار
ماهی سرخم نماد حرکت اسـت و در تلاش
تا کـه باشـم در مصـاف زندگی امیـد وار
شمع و عود و آینه بر سـفره ام زینت فزود
بل بگردد روشـنی در سـال آتی رهسـپار
پرچم ایران زمین در اهتزاز این فضاسـت
تـا بمانـد کشـور ایـران «زیبـا» پایـدار

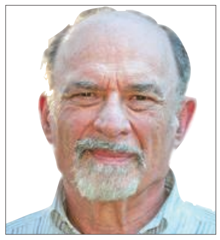
زیبا صالحی (زیبا)

اروین دیوید یالوم (Irvin David Yalom) روانپزشک هستی‌گرا (اگزیستانسیالیست) نویسنده‌ای جهانی است که آثارش دارای شهرت است و به چندین زبان ترجمه شده است. شهرت او بیش از شهرت فروید است و شاید با یونگ هم‌تراز باشد.

او متولد ۱۹۳۱ است. در واشنگتن به دنیا آمده و در سال ۱۹۵۶ در بوستون در رشته پزشکی و در سال ۱۹۶۰ در نیویورک در رشته روانپزشکی فارغ التحصیل شده است. او از سال ۱۹۶۳ استاد دانشگاه استنفورد شناخته می‌شود. یالوم پایه‌گذار الگوی روانشناسی هستی‌گرا یا «اگزیستانسیال» است و با همین شاخه از روانشناسی انقلابی در جهان علم ایجاد کرده است. در حقیقت، او نگاهی فلسفی به درون دارد و برخلاف روانشناسان پوزیتیویست که روح را انکار می‌کنند، هرگز روح را انکار نمی‌کند و آن را نیرومندترین حقیقت جهان می‌داند. یالوم برای تبیین دیدگاه‌هایش آثار دانشگاهی متعددی را تالیف کرده است و نخستین روانشناسی است که از قالب رمان استفاده کرده و چندین رمان موفق دارد که از آن میان می‌توان به «وقتی نیچه گریست» و «جهان آرتور» اشاره کرد. او در سال ۲۰۰۲ جایزه انجمن روانپزشکی آمریکا را به خود اختصاص داد.

«وقتی نیچه گریست»، «روان درمانی اگزیستانسیال»، «درمان شوپنهاور»، «مامان و معنی زندگی»، «هنر درمان»، «مسئله اسپینوزا»، «جلاد عشق»، «مخلوقات فانی» و چند داستان روان درمانی دیگر آثار او را تشکیل می‌دهد. گفتنی است «وقتی نیچه گریست» در سال ۱۹۹۲ منتشر شد و شهرتی جهانی برایش به ارمغان آورد. این کتاب ابتدا با نام «و نیچه گریه کرد» توسط مهشید میرمعزی در سال ۱۳۸۱ به فارسی ترجمه شد و توسط نشر نی انتشار یافت اما پس از آن یک بار دیگر در سال ۱۳۸۵ با ترجمه دکتر سپیده حبیب از سوی انتشارات کاروان منتشر شد و اکنون اصلی‌ترین ترجمه این کتاب شناخته می‌شود. یالوم در سال ۱۹۹۶ «خوابیدن (دروغ گفتن) بر روی تخت» و در سال ۲۰۰۵ «درمان شوپنهاور» را به انتشار سپرد که هر دو کتاب به فارسی ترجمه شده است.

در میان آثار غیرداستانی پروفسور یالوم «روان‌درمانی اگزیستانسیال» اهمیت بسیار زیادی دارد. یالوم در این کتاب از چهار موضوع مهم و عمده سخن به میان آورده است:



روان

نگاهی به زندگی اروین یالوم

روانکاوی هستی‌شناسانه

■ زهرا حسینیان

۱.مرگ ۲. آزادی ۳. تنهایی ۴. پوچی.

توضیحات یالوم درباره این چهار موضوع چنان دقیق و قابل اعتناست که کمتر کسی را می‌توان یافت که با خواندن این کتاب نگاهش به زندگی عوض نشود. در حقیقت، اروین یالوم با نگارش کتاب «روان درمانی اگزیستانسیال» گام بلندی در تفسیر معقول جهان درون و برون برداشته است که بی نظیر است. یالوم در جایی از کتابش می‌نویسد:

هستی به طرز بی‌رحمانه‌ای آزاد و فارغ از مقررات و درنتیجه نامعلوم و بی‌ثبات است. بنیادهای فرهنگی و ساختارهای روانشناختی اغلب در صدد پنهان کردن این وضعیت اند اما رویارویی با موقعیت اگزیستانسیال خویش به ما یادآوری می‌کند که الگوها را خود آفریده ایم. آنها موانعی هستند به نازکی کاغذ در برابر درد بی‌ثباتی و عدم قطعیت. درمانگر مجرب باید در رویکرد نظری اگزیستانسیال هم مانند سایر رویکردها این عدم قطعیت بنیادین را تاب آورد.

جالب است که یالوم شیوه و الگوی اگزیستانسیال را که ابداع خود اوست، برتر از الگوهای دیگر نمی‌داند و می‌گوید: مانند سایر الگوها، برتری خاصی بر قالب‌های دیگر ندارد و قادر نیست رفتارها را توضیح دهد. او اضافه می‌کند: انسان پیچیده‌تر از آن است که چنین اجزاءای را به الگویی واحد دهد.

یالوم در جایی از کتابش روان درمانی اگزیستانسیال را به فردی بی خانمان تشبیه می‌کند که در میان همسایگان دانشگاهی اش جایی ندارد! او فقدان حمایت از سوی جامعه روانپزشکی و روانشناسی دانشگاهی را دلیل این موضوع می‌گیرد که تاثیر زیادی بر عدم رشد این رشته گذاشته است. در این زمینه یالوم می‌نویسد: بد نیست اندکی به علت طرد شدن رویکرد اگزیستانسیال از نظام دانشگاهی بپردازیم.

پاسخ در درجه اول در شالوده این علم نهفته است: اینکه آنچه را می‌دانیم، از کجا فهمیده ایم. روانپزشکی و روانشناسی دانشگاهی بر سنتی اثبات‌گرا بنیان نهاده شده که به پژوهش تجربی به عنوان شیوه‌ای ارزیابی‌کننده یک علم می‌نگرد.... برای دانشمند فوق‌العاده دشوار است که بر پایه تحقیق تجربی در زمینه مسایل اگزیستانسیال به حرفه دانشگاهی دست یابد. اصول اساسی درمان اگزیستانسیال متناسب و قابل انطباق بر شیوه‌های پژوهش تجربی نیست (روان درمانی اگزیستانسیال/۴۳)

اما واپسین سخن اروین یالوم در این کتاب بسیار شنیدنی است. او می‌نویسد: با مرگ، آزادی و تنهایی باید مستقیماً گلاویز و دست به گریبان شد. ولی وقتی نوبت به پوچی می‌رسد، درمانگر باید به بیمارانش کمک کند از پرسش فاصله بگیرند به این صورت که به جای غوطه ور شدن در معضل پوچی، راه حل تعهد را برگزینند. پرسش درباره معنای زندگی همانطور که بودا اندرز داده، کمال نمی‌آورد. باید در رودخانه زندگی شناور شد و اجازه داد پرسش نیز به راه خود رود.

یکی از ابتکارات یالوم شیوه «گروه درمانی» است که با کتاب درخشانش با عنوان «روان درمانی گروهی»، شروع شد و نضج گرفت و ادامه پیدا کرد. خودش ابراز می‌دارد: این کتاب به زوایای حرفه‌ای گروه درمانی پرداخته است در حالی که کتاب «درمان شوپنهاور» روابط انسانی دخیل در گروه را آشکار می‌سازد.



مجتمع فولاد مبارکه
آرمان ما
سربلندی جمهوری اسلامی ایران در جهان
شرکت فولاد مبارکه اصفهان از شرکت‌های پیشرو ایرانی است که در زمینه تولید ورق‌های فولادی فعالیت می‌نماید. این شرکت با مأموریت ایفای نقش محوری در توسعه صنعتی، اقتصادی و اجتماعی کشور و ارتقای سطح فناوری صنعت فولاد، به عنوان سازمانی جهان تراز حدود پنجاه درصد از مصرف فولاد کشور را جهت استفاده در صنایع خودروسازی و قطعه‌سازی، صنایع فلزی سبک، صنایع فلزی سنگین و لوله‌های انتقال سیالات، صنایع بسته‌بندی، صنایع لوازم خانگی و الکتریکی و صنایع لوله و پروفیل تولید می‌نماید. شرکت فولاد مبارکه دارای هفت مجتمع صنعتی در اقصی نقاط کشور بوده و بیش از بیست هزار نفر در بخش‌های مختلف این شرکت به کار اشتغال دارند. گروه فولاد مبارکه تا کنون بیش از ۱۵ میلیون تن محصولات فولادی به ارزش بیش از ۶ میلیارد دلار به خارج از کشور صادر نموده است.
شرکت فولاد مبارکه اصفهان
تنها دارنده تندیس زرین تعالی سازمانی
و شرکت سرآمد کشور و سازمان دانشی برتر قاره آسیا
www.msc.ir

رکود اقتصادی مانع اجرای پروژه‌های شهری اصفهان نشد
تنوع پروژه‌های شهری در گوشه گوشه نصف جهان

چندی پیش رئیس جمهور در همایش «اجرای برجام» تأکید کرد که بزرگ‌ترین مشکل کشور در حال حاضر رکود است و این موضوع اقتصاد و شرایط کشور را از رونق انداخته است؛ دامنه این مشکل بسیاری از فعالیت‌های مختلف را در شهرها و استان‌های کشور در برگرفته و سبب ایجاد مشکلات فراوانی در حوزه‌های مختلف اقتصاد و عمرانی شده و پروژه‌های نیمه تمام بسیاری را باقی گذاشته است.
با این وجود اما اگر این روزها در اصفهان قدمی بزنید متوجه این موضوع می‌شوید که با وجود همه مشکلات اقتصادی کشور و رکود حاکم بر جامعه، موتور محرکه فعالیت‌های عمرانی و خدماتی در اصفهان خاموش نشده و پروژه‌های بسیاری در گوشه‌گوشه شهر با وجود وضعیت نامناسب اقتصادی و رکود حاکم، در حال اجراست.
اما برای تشریح بهتر این موضوع به ۶ پروژه بزرگ و شاخص شهرداری اصفهان که در حال اجراست اشاره‌ای کوتاه می‌شود.

تقاطع غیرهمسطح ۲۵ آبان

تقاطع غیرهمسطح میدان ۲۵ آبان یکی از پروژه‌های شاخص سال ۹۴ شهرداری اصفهان است که طبق قرارداد قرار بود تا خردادماه ۹۵ به اتمام برسد اما بنا به دستور شهردار اصفهان و حرکت‌های جهادی با فعالیت شبانه‌روزی مقرر شده تا پایان امسال به بهره‌برداری برسد.
شمع‌های پروژه ایجاد شده، فونداسیون‌ها و دیواره‌ها احداث و ستون‌های آن نیز آماده شده و ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است.

تقاطع غیرهمسطح اشکاوند

این پروژه به منظور اجرای مسیرهای ویژه ترافیکی برای هدایت خودروها ایجاد شده و در کاهش ترافیک منطقه اشکاوند اهمیت دارد و یکی از تقاطع‌های مهم حلقه چهارم ترافیکی شهر اصفهان به حساب می‌آید.
پروژه تقاطع غیرهمسطح اشکاوند که ۳۶ درصد پیشرفت کار داشته در مسیر رینگ چهارم ترافیکی قرار دارد و دسترسی به مجموعه مرکز همایش‌های بین‌المللی را آسان می‌کند و با توجه به قرار داشتن آن در مسیر مرکز همایش‌های بین‌المللی احداث شده است.

مرکز همایش‌های بین‌المللی امام خامنه‌ای (سالن اجلاس)

سالن همایش‌های امام خامنه‌ای یکی از بی‌نظیرترین و زیباترین سالن‌های برگزاری همایش‌ها در خاورمیانه به حساب می‌آید؛ این سالن دارای پروژه‌های مختلف بوده و تاکنون ۶۰ درصد پیشرفت کار داشته است.
ساخت این سالن یکی از فعالیت‌های فاخر اصفهان است که می‌تواند در آینده و پس از بهره‌برداری، سرمایه‌های بسیاری را برای شهر جذب کند.

مجموعه پل‌ها و میدان استقلال

یکی از مباحث مهم هر شهر، ورودی‌های آن شهر است که از همین رو شهرداری اصفهان اقدام به احداث پروژه میدان استقلال کرده است.
این پروژه که تاکنون ۴۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته یکی از اولویت‌های اصلی شهرداری به حساب می‌آید و میدان بزرگی با تقاطع‌های غیرهمسطح همزمان با پروژه میدان ورودی شهر در قسمت شمال اصفهان ساخته می‌شود.
قرارداد این پروژه ۲۴ ماهه بوده و با برنامه‌ریزی‌های انجام شده تا نیمه نخست امسال تقاطع‌های میدان استقلال و بخشی از رینگ چهارم ترافیکی شهر به اتمام می‌رسد و در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد.

ایستگاه‌های قطار شهری

پس از افتتاح فاز نخست خط یک مترو اصفهان، این پروژه با جدیت هر چه تمام‌تر و در سه شیفت کاری در حال پیگیری و ساخت و ساز است و مقرر شده تا پایان سال ۹۶ خط یک مترو اصفهان به صورت کامل به بهره‌برداری برسد تا شهروندان بتوانند از آن استفاده لازم را ببرند.

محل جدید نمایشگاه‌های بین‌المللی استان اصفهان

محل جدید شرکت نمایشگاه‌های بین‌المللی استان اصفهان در زمینی به مساحت ۴۷ هکتار و با استفاده از تجربیات نمایشگاه‌های بزرگ دنیا در شرق اصفهان احداث می‌شود. پیش‌بینی شده در دو سال آینده مرحله نخست ساخت نمایشگاه بین‌المللی اصفهان که ۲۰ هزار مترمربع فضای مسقف دارد، با اعتباری بالغ بر ۸۰۰ میلیارد ریال تکمیل و به بهره‌برداری برسد.
گام نخست احداث محل جدید، با اعتبار ۳۰ میلیارد تومان حداکثر یک سال زمان می‌برد و تاکنون محلی که تملک و دیوارکشی شده در حدود ۴۵ هکتار است اما این متراژ تا ۱۵۰ هکتار نیز قابل توسعه است.
این پروژه در چهار گام اصلی طراحی شده که در گام نخست سه سالن پنج هزار متری در نظر گرفته شده است.
با توجه به این شرایط به خوبی می‌توان گفت که هر چند فضای رکود، بدنه فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی کشور را فلج کرده اما شهرداری اصفهان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مختلف مانند قراردادهای غیر نقدی و جذب سرمایه‌گذاران مختلف داخلی و خارجی، این رکود را مدیریت کرده و فضای پویای خدماتی و عمرانی با سبد پروژه‌ای متنوع را ایجاد کرده است.


تقاطع غیرهمسطح ۲۵ آبان


تقاطع غیرهمسطح اشکاوند


سالن همایش‌های بین‌المللی امام خامنه‌ای


مجموعه پل‌ها و میدان استقلال


ایستگاه مترو - میدان امام حسین (ع)

توصیه‌های پلیس یزد به مردم و مسافران نوروزی





بهاری دیگر از راه رسید، یکسال دیگر گذشت؛ سالی سرشار از موفقیت و سربلندی برای ملت بزرگ ایران زمین و مردم خوب دارالعباده یزد، سالی که بحمدالله با همدلی و همزبانی دولت و ملت شاهد کاهش چشمگیر جرائم و آسیب های اجتماعی در استان یزد بودیم.

بی تردید مشارکت و همدلی مردم مومن، قانع و بزرگوار یزد در تحقق امنیتی پایدار در سطح استان بسیار تاثیر گذار است، خداوند متعال را شاکریم که در این سالی که گذشت شاهد امنیت و آرامشی مطلوب در استان‌مان بودیم، امیدواریم در سال جدید نیز همه ما بتوانیم با رعایت نکات ایمنی و توجه به قوانین و مقررات، نقش و سهم خود را در ایجاد محیطی امن و توام با آرامش و آسایش به خوبی ایفا نمائیم.

اینجانب حلول سال نو و بهار طبیعت را به تمام شما خوانندگان گرامی در جای جای کشور عزیزمان شادباش عرض نموده و از درگاه ایزد منان سالی سرشار از معنویت و امنیت توام با نشاط و پیشرفت آرزومندم. امید است با همکاری بیش از پیش با پلیس؛ با حفظ و ارتقاء امنیت، لحظه‌هایی شاد برای خود و خانواده هایمان ترسیم نمائیم.

فرمانده انتظامی استان یزد ـ سرتیپ دوم ایرج کاکاوند

توصیه‌های پلیسی هنگام ترک منزل(مسافرت):

۱-تا حد امکان از خالی گذاشتن منزل خودداری نمائید.

۲-برروی دیوارها، کلیه پنجره‌ها و نقاط قابل نفوذ مانند نورگیر و ... حفاظ محکم و مقاوم نصب نمائید.

۳-در صورت تغییر محل سکونت یا مفقود شدن کلید یدک منزل، توپی قفل درهای ورودی را تعویض نمائید.

۴-کلید منزل خود را در دسترس افراد مطمئن قرار دهید.

۵-از قرار دادن کلید در زیر جاکفشی، داخل کفش و سایر نقاط قابل دسترسی خودداری نمائید.

۶-حتی‌الامکان درهای ورودی و داخلی منزل خود را به سیستم هشدار دهنده مجهز نمایید.

۷-از نگهداری وجوه نقد و طلا و جواهر به مقدار زیاد در منزل بپرهیزید.

توصیه‌های پلیس راه و راه‌ور:

هر ساله با فرا رسیدن ایام عید نوروز و تعطیلات پایان سال بسیاری از مردم تصمیم به مسافرت و گردش می گیرند که در این میان استفاده از خودرو شخصی در این مسافرتها طرفدار بیشتری دارد. شاید بتوان گفت رکن اصلی مسافرتهای نوروزی اتومبیل می باشد.

به همین جهت در طول ایام تعطیلات از کلیه رانندگان عزیز درخواست داریم که توصیه های زیر را مد نظر قرار داده تا سفری آرام، لذت بخش، همراه با ایمنی، برای خود و همسفران به ارمغان آورند:

۱-در هیچ زمانی و تحت هیچ شرایطی نباید عجله و شتاب کرد و همیشه صبر و حوصله پیشه کنید.

۲-خود را پایبند به رعایت کلیه قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی بدانید.

۳-در صورت بروز تصادف خسارتی حتماً راه را باز نمایید.

۴-هنگام تردد داخل شهرها مواظب عابرین پیاده باشید.

۵-سطح شهر دارای دوربین های کنترل سرعت و نظارتی می باشد.

۶-جاده های استان دارای دوربین های کنترل سرعت می باشد.

۷-رانندگی با سرعت مطمئنه و مجاز

۸-هنگام رانندگی حق تقدم عبور را مد نظر قرار داده و به یکدیگر احترام بگذارید.

۹-استراحت بعد از هر ۲ساعت رانندگی به میزان ۱۰الی۱۵دقیقه

توصیه‌های پلیس در خصوص چادرهای مسافرتی:

۱-در محل‌های تعیین شده اقدام به نصب چادر نمائید.

۲-در صورت استفاده از چادرهای مسافرتی،حتی الامکان اموال خود را بیرون از چادر مسافرتی نگهداری ننمائید.

۳-در زمان رها نمودن چادر همیشه یکی از افراد همراه درمحل حضور داشته باشد.

۴-چادرهای مسافرتی، مکان مناسبی برای اموال با ارزش نمی باشد، در صورتی که حتی برای لحظاتی کوتاه قصد ترک چادر را دارید، اموال با ارزش خود را درون آن جا نگذارید.

نگاهی به خدمات شرکت توزیع برق استان یزد



شرکت توزیع نیروی برق استان یزد در سال ۱۳۷۱ به صورت رسمی فعالیت خود را آغاز و با عنایت به تغییر ساختار و بر اساس قانون استقلال شرکت‌های توزیع، شرکت توزیع نیروی برق استان یزد از تاریخ ۸۶/۸/۱ رسما از شرکت برق منطقه ای یزد منتزع شده و زیر نظر شرکت توانیر به انجام وظیفه ادامه می دهد.

اهم وظایف و فعالیت‌های شرکت توزیع نیروی برق عبارت است از:

ارائه خدمات مربوط به فروش و واگذاری انشعاب برق و خدمات پس از فروش

کنترل و بازرسی از لوازم اندازه گیری مشترکین و اعمال تعرفه‌های مناسب مطابق با استانداردها و آیین نامه های وزارت نیرو



توسعه و احداث شبکه ۲۰ کیلوولت و فشار ضعیف

ارائه خدمات مربوط به تأمین و بهبود روشنایی معابر عمومی

ارائه خدمات مربوط به بهینه سازی و بهره برداری از شبکه ها و تأسیسات توزیع

ارائه خدمات مربوط به رفع خاموشی از مشترکین و کنترل و نظارت بر توزیع انرژی الکتریکی

اقدامات و فعالیت‌های شاخص شرکت توزیع نیروی برق استان یزد

-افتتاح دیسپاچینگ نوین و اتوماسیون تجهیزات شبکه توزیع با هدف کاهش خاموشی و قطعی برق و افزایش پایداری شبکه

-راه‌اندازی سیستم متمرکز اطلاع رسانی و پرداخت الکترونیک قبوض از طریق تماس با تلفن ۱۵۲۱

-نصب سامانه های فتوولتاییک برای ۱۰ مسجد و زیارتگاه، اماکن زیارتی، ۴۲ واحد آموزشی ۴ واحد اداری و ۸۱ واحد مسکونی با اعتباری بالغ بر ۳۵ میلیارد ریال به منظور گسترش انرژی های تجدید پذیر

-واگذاری خدمات شرکت به بیش از ۸۰دفاتر پیشخوان خدمات دولت

-ایجاد سامانه ۱۲۱ به عنوان مرکز پاسخگویی شبانه روزی اتفاقات برق به مردم

-طرح ابتکاری تولید «تیر کامپوزیت» با قابلیت تغییر ارتفاع برای اولین بار در سطح کشور و اجرای آن در شهرستان یزد و زارچ با هدف کاهش خاموشی های ناشی از شکستگی و استفاده موقت در مواقع بروز بحران

-جایگزینی شبکه های هوایی مسی به کابل خودنگهدار با هدف کاهش تلفات و سرقت شبکه ها

-اتخاذ راهکارهای فنی، اقتصادی و فرهنگی در راستای مدیریت مصرف برق از جمله: اجرای طرح برق یاران کوچک ویژه مهدهای کودک با هدف ترویج فرهنگ مصرف صحیح برق، اجرای طرح مدیر انرژی در منزل برای دانش آموزان در اردوگاه‌ها، برگزاری همایش تجلیل از بانوان برگزیده در مدیریت مصرف بهینه برق از سال ۸۷ تاکنون با حضور بیش از هزار بانوی منتخب و صرفه جوی استان، تدوین دستور العمل مدیریت انرژی در ساختمانهای اداری برای نخستین بار در کشور ،اجرای طرح های ذخیره عملیاتی و تعطیلات و تعمیرات صنایع و...

- برقرسانی به کلیه روستاهای بالای بیست خانوار استان و برقدار بودن بیش از ۹۶ درصد چاههای کشاورزی استان

-استفاده‌ازروش خط گرم در پروژه‌های سرویس ونگهداری با هدف کاهش خاموشی

- برقرسانی به مسکن مهرهای اتمام یافته با هزینه‌ای بالغ بر ۴۳۰۹ میلیون ریال

- تدوین برنامه استراتژیک شرکت و تعریف چشم انداز، اهداف و برنامه های عملیاتی شرکت تا سال ۱۴۰۴ جهت‌افزایش رضایت‌مندی مشترکین، مدیریت تامین برق پایدار، کاهش تلفات و مدیریت بار و انرژی و تعالی سرمایه های انسانی شرکت

افتخارات شرکت:

-کسب رتبه نخست ارزیابی عملکرد سال ۹۳ بین شرکتهای توزیع برق سراسر کشور

-کسب رتبه دوم ارزیابی عملکرد در دوسال متوالی ۹۱ و ۹۲ بین شرکت‌های توزیع برق سراسر کشور

-کسب رتبه اول در نخستین جشنواره آگاهی بخشی و فرهنگ سازی روابط عمومی های وزارت نیرو در بین کلیه روابط عمومی های شرکت های توزیع برق کشور

-کسب رتبه برتر صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در بین دستگاه های استان در سالهای ۹۲ و ۹۳

-کسب رتبه برتر پیاده سازی و عملیاتی نمودن GIS در بین کلیه شرکتهای توزیع برق کشور

-کسب رتبه نخست سرانه پیشنهادات در سال ۹۳ در بین کلیه شرکت‌های صنعت برق کشور



به یزد سفر کنید

راهداران امنیت سفرهای نوروزی شما را تأمین می‌کنند



پیـــام مدیـــر کـــل

قبل از هر سخن عرض سلام و ادب دارم خدمت شما هموطنان عزیزی که استان یزد را به عنوان یکی از مقاصد سفر نوروزی خود برگزیده‌اید. پیشاپیش فرارسیدن نوروز، این عید فرخنده و باستانی را به شما میهمانان عزیز نوروزی تبریک و تهنیت عرض نموده و برای شما و خانواده محترمتان روزهای خوب و سرشار از شادی آرزو می‌کنم. سفر از طریق جاده هرچند از کهن‌ترین روش‌های مسافرت بوده اما هم اکنون نیز در مقایسه با سایر روش‌های حمل و نقل بنا به دلایل متعددی نظیر انعطاف‌پذیری، سهولت دسترسی به وسیله نقلیه، امکان بهره‌مندی مستقیم و غیرمستقیم از جاذبه‌های موجود در طول سفر از جذابیت بسیاری برخوردار بوده و محبوب‌ترین شیوه مسافرت برای بسیاری از مردم است. استان یزد در طول تاریخ به علت‌های گوناگون همواره مقصد و معبر مسافران بسیاری بوده است. قرارگیری در مرکز جغرافیایی ایران؛ امنیت پایدار و کم‌نظیر: سخت‌کوشی، درستکاری و اعتقادات عمیق مذهبی مردمانش را می‌توان از این دلایل برشمرد. گذر زمان و ابداع شیوه‌های نوین سفر نه تنها از اهمیت جایگاه این استان نکاسته بلکه قدمت و سابقه تاریخی افزون شده به آن، در کنار شاهکارهای حیرت‌انگیز نیاکان خیراندیشمان چون، بادگیر، آب‌انبار، قنات و .... بر ارزش آن صد چندان افزوده است. دارالعباده؛ شهر بادگیرها؛ عروس کویر و نگین کویر القابیست که صاحبدلان اندیشمند از دیرباز با مشاهده این شهر باستانی که عنوان نخستین شهر خشتی جهان و دومین شهر تاریخی دنیا را به خود اختصاص داده بدان نسبت داده‌اند. به منظور فراهم نمودن امکانات و تجهیزات امدادی برای ایجاد سفری امن و ایمن برای تمامی مسافران نوروزی در شبکه راه‌های استان، تمامی دستگاه‌های ذیربط در ایام تعطیلات نوروزی بسیج می‌شوند تا به مبارزه‌ای قاطع با حوادث رانندگی بپردازند. اما به نظر می‌رسد کاستن از آمار حوادث رانندگی و در نتیجه کاهش تلفات و مصدومان این حوادث جز در سایه همت ملی و عزم عمومی میسر نیست. به مسافران گرامی توصیه می‌کنم قبل از سفر و در طول مسافرت خود همواره نکات ایمنی و قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت نمایند. در پایان برای همه شما عزیزان صحت سلامت و شادمانی آرزو نموده: امیدوارم در سایه الطاف بیکران پروردگار متعال همواره موفق و منصور باشید.

محمدرضا نقصان محمدی

مدیر کل راه و شهرسازی استان یزد



پیـــام مدیـــر راهداری

فرارسیدن بهار و عید باستانی و فرخنده نوروز که سرآغاز حیات مجدد، زندگی دوباره طبیعت و آئینه قدرت بی‌انتهای الهیست را به همه شما میهمانان و مسافران بزرگوار نوروزی تبریک عرض نموده سالی آکنده از موفقیت و شادکامی را برایتان از درگاه کارساز بنده‌نواز آرزو می‌نمایم.

تعطیلات نوروزی فرصتی مغتنم است تا همراه با خانواده به مسافرت رفته و در کنار دیدن طبیعت زیبای بهاری فارغ از همه دغدغه‌های روزمره کاری لحظاتی آسوده و خود را برای روزهای کار و تلاش در سال نو آماده و توانمندتر ساخت. بی‌گمان سفر آنگاه لذت‌بخش است که بی‌سانحه و حادثه بوده و در ایمنی و امنیت سپری گردد. به سلامت رسیدن مسافران به مقصد منتهای آرزوی همه دست‌اندرکاران سفرهای نوروزی بویژه راهداران پرتلاش و سخت‌کوش است. امیدوارم شما نیز تجربه سفری ایمن، زیبا و آسوده را در شبکه راه‌های تحت پوشش این اداره کل داشته و با سکنی و بازدید از کهن‌ترین شهر خشت خام جهان و دومین شهر تاریخی دنیا لحظاتی به یادماندنی و خاطره‌انگیزی داشته باشید.

جواد ذاکر- مدیر راهداری



توصیه‌های ایمنی

*واژگونی از مهمترین حوادث جاده‌ای در راه‌های کویریست.
*در صورت احساس خستگی در اولین مکان مناسب، توقف و استراحت کنید.
*قبل از شروع مسافرت از وضعیت مسیر و راه مورد نظر خود اطلاع حاصل کنید.
*رعایت مقررات رانندگی ضامن سلامتی شما و همسفرانتان است.
*علائم ایمنی در جاده‌ها به خاطر حفظ سلامتی شما و سایر مسافران است به آنها توجه نموده و در حفظ و نگهداری آنها بکوشید.
*سلامتی مسافران بهترین هدیه شما راننده عزیز به همسفرانتان می‌باشد.
*مهترین عامل ایمنی در جاده‌ها، شما راننده عزیز هستید.
*احتیاط شرط حیاتی در رانندگی است، آن را از دست ندهید.

مراکز خدمات بین راهی

مراکز خدماتی رفاهی بین راهی در محورهای شریانی استان

ردیف	نام محور	مسافت (کیلومتر)	از مبدا
۱	یزد ـ مهریز ـ انار	۸۰	یزد
۲	یزد ـ اردکان ـ نائین	۷۳	یزد
۳	اردکان ـ چوپانان	۳۸	اردکان
۴	یزد ـ طبس	۶۰	یزد
۵	یزد ـ طبس	۱۸۳	یزد
۶	یزد ـ خاتم	۱۲۵	یزد
۷	یزد ـ شیراز	۱۷۷	یزد

شهراه، راهی به سوی شهروندان

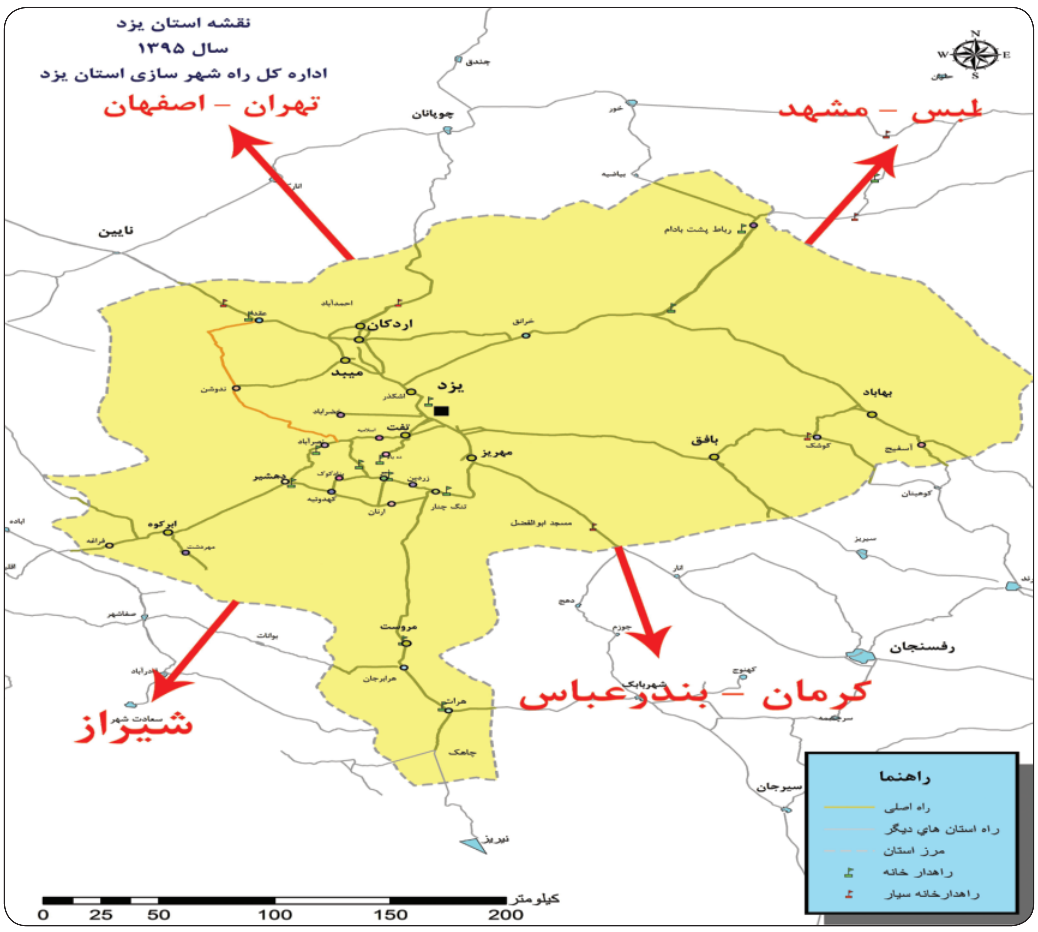
سامانه مدیریت ارتباط شهروندی وزارت راه و شهرسازی

Shahrah.mrud.ir

مرکز مدیریت راه‌های استان یزد ۰۳۵۳۸۲۸۶۹۶۰

آدرس و شماره تلفن اداره کل و ادارات تابعه

ردیف	نام شهرستان (اداره تابعه)	آدرس	تلفن
۱	ساختمان شماره ۱	یزد صفائیه خیابان تیمسار فلاحی	۳۸۲۴۹۵۶۱ -۶۵
۲	ساختمان شماره ۲	یزد خیابان کاشانی خیابان مسکن و شهرسازی	۳۶۲۳۶۱۹۶ -۲۰۰
۳	ساختمان شماره ۳ (مدیریت راهداری)	یزد صفائیه بلوار صیاد شیرازی	۳۸۲۲۳۵۶۷ -۹
۴	اداره راه و شهرسازی یزد	یزد میدان امام علی	۳۷۲۳۸۰۶۰ -۹
۵	اداره راه و شهرسازی اردکان	محور اردکان ـ نایین کیلومتر ۱۰	۳۲۲۷۲۲۴۴-۲۸۲۸
۶	اداره راه و شهرسازی میبد	میبد ـ شهرک شهدا ـ خیابان کشاورز ـ جنب منابع طبیعی	۳۲۳۵۱۲۱۲-۶۲۱۲
۷	اداره راه و شهرسازی اشکذر	اشکذر ـ خیابان امام ـ جنب اداره دامپزشکی	۳۲۷۲۲۸۴۸-۶۴۰۰
۸	اداره راه و شهرسازی تفت	تفت ـ بلوار شهید بهشتی	۳۲۶۳۲۵۳۵-۲۶۰۶
۹	اداره راه و شهرسازی ابرکوه	ابرکوه ـ خیابان سعدی ـ روبروی اداره پست	۳۲۸۲۲۶۹۴-۸۹۱۴
۱۰	اداره راه و شهرسازی مهریز	مهریز ـ بلوار ورودی مهریز ـ روبروی اداره منابع طبیعی	۳۲۵۲۲۵۳۵-۲۲۸۰
۱۱	اداره راه و شهرسازی خاتم	هرات ـ ابتدای ورودی شهرستان خاتم	۳۲۵۷۳۴۶۰-۴۱۷۷
۱۲	اداره راه و شهرسازی بافق	بافق ـ بلوار ورودی بافق	۳۲۴۲۱۲۰۰-۷۰۰۹
۱۳	اداره راه و شهرسازی بهاباد	بهاباد ـ خیابان اصلی ورودی	۳۲۲۷۲۹۶۰-۰۸۰۰
۱۴	راه و شهر سازی خرانق	محور یزد ـ طبس کیلومتر ۶۰	۳۲۲۱۱۲۳۰ -۳۱



خرانَق دهکده جهانی

خرانق:

خرانق بخشی است از بخش‌های شهرستان اردکان به وسعتی برابر با ۱۸۱۵۰ کیلومتر مربع شامل دهستان‌های زرین و رباطات. دهستان رباط ۱۷۶ آبادی و دهستان زرین ۱۲۷ آبادی دارد و بزرگترین بخش کشور است.

روستای خرانق در ۶۲ کیلومتری شرق اردکان و ۸۲ کیلومتری شمال شرقی شهر یزد در مختصات جغرافیایی ۵۴ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. این روستای کویری ۱۷۶۲ متر از سطح دریا بالاتر است و در دامنه کوههای خرانق با قله معروف خونزا (۳۱۸۵ متر) قرار گرفته و از شمال به کوه هامانه و روستای مزرعه آقا و درند، از جنوب به کوه خونزا و اشتری، از غرب به کوه بندری و چک چک و از شرق به صحرا و ریگزارهای حد فاصل ساغند و خرانق محدود است. خرانق اقلیم بیابانی و هوای گرم و خشک دارد. بارش متوسط سالانه‌اش ۱۰۰ میلیمتر و دمای میانگینش ۵/۱۸ درجه سانتیگراد است. دمای خرانق در سردترین ماه‌های سال به کمتر از ۱۲ درجه سانتیگراد زیر صفر و در گرمترین روزها به ۴۰ درجه بالای صفر می‌رسد. این روستا از لحاظ کمیت سفره آب زیرزمینی بسیار فقیر است و اراضی محدوده آن به شدت در معرض فرسایش و تخریب و نفوذ شوری است. لایه‌های گچ و نمک درصد بسیاری از سطح منطقه را پوشانده است. در نقشه تراکم پوشش گیاهی استان منطقه کویری خرانق جزء مراتع درجه ۴ یعنی در گروه مناطق شدیدا حفاظت شده رده بندی شده است. مسیلی بزرگ و عمیق در منطقه خرانق است که به شکل رودخانه‌ای فصلی به نام کال از حوالی روستای خرانق (دامنه ارتفاعات) به سمت کویر در انجیر تا فاصله ۵/۲۲ کیلومتر جاری می‌شود.

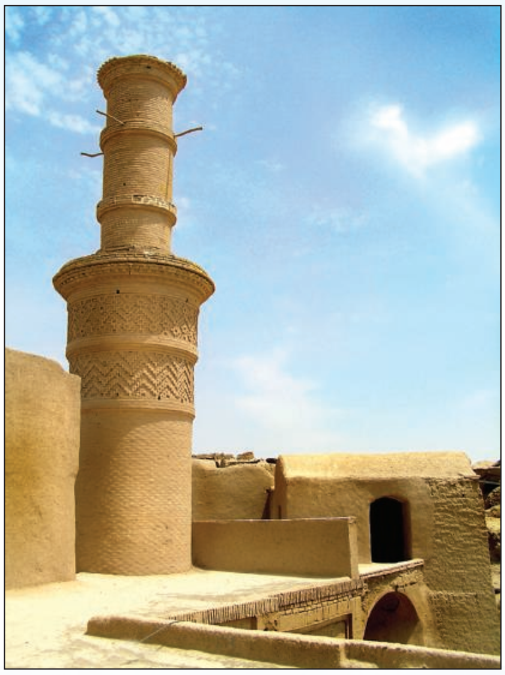
روستا در معرض دو نوع باد است. یکی باد مفید (باد خراسان) که در فصل گرما از سمت شمال غربی می‌وزد و به همین دلیل در معماری سنتی منطقه تالارهای خانه‌ها و ایوانهای جلوی اتاقها رو به این سمت است. دیگری بادی مضر معروف به باد قبله که در فصل پاییز از جنوب غربی می‌وزد. و توام با گرد و غبار است میانگین سرعت باد غالب در حدود ۱۰ گره یا ۵ متر بر ثانیه است.

شغل اصلی ساکنان روستای خرانق کشاورزی و باغداری است و در کنار آن گاهی به دامداری در سطح کوچک مشغولند. شغل اکثر زنان روستا قالیبافی است. محصولات عمده کشاورزی این روستا گندم، هویج (زردک) پنبه، جو و خربزه است. ولی به علت کمبود آب و محدودیت زمین مناسب و سایر مشکلات کشاورزی کفاف زندگی اهالی را نمی‌دهد و روستائیان در فصولی از سال در امور ساختمانی و معادن به فعالیت مشغولند.

از مهمترین ویژگی‌های اقتصادی بخش وجود معادن است که از تعداد ۵۰ معدن فعال در سطح شهرستان نزدیک به ۳۰ معدن در این بخش فعال است. که مهمترین آنها عبارتند از: مجتمع صنعتی معدنی چادرملو، اورانیوم ساغند، باریت، سیلیس، اولوزیست، روی، گرافیت، طلا، مس و خاکهای معدنی.

قلعه خرانق:

قلعه خرانق با مساحت ۱/۱ هکتار یکی از عظم‌ترین، کاملترین و زیباترین قلعه‌های مسکونی روستایی استان یزد است. بنای این قلعه عموماً خشت و گل است و اندک مصالح دیگری چون آجر و سنگ و گچ هم در معمای آن به کار رفته است. سقف‌ها از مواد عایقی چون تیرهای چوبی، حصیرهای الیافی و پوشال ساخته شده است. برای تسطیح و اندودن کف اتاقها از مخلوط



خاک و آهک استفاده شده است. نمای بیرونی از کاهگل و برای تزئین دیوار اتاقها، تالارها، و ایوانها از گچ استفاده شده است. بافت ساختمانی متراکم با معابر باریک و سرپوشیده مصالح بازدارنده تبادل گرما و به طور کلی سازگاری و تناسب بناها با شرایط محیطی از ویژگیهای مهم قلعه خرانق است که عوامل آزار دهنده خاص اقلیم منطقه را تا حد زیادی تعدیل کرده است.

قلعه خرانق با حصار و برج و دروازه و حتی خندق از آن



مجموعه‌های زیستگاهی است که نشانه‌های مقاومت را برای حفظ موجودیت و اصالت با خود به این زمانه آورده است.

مسجد و منار جنبان:

مسجد جامع مسجدی است کوچک که شبستانی مربع و غرفه‌هایی گرداگرد آن دارد. صحن این مسجد چند ضلعی است که از جنوب شرقی به حسینیه متصل است. شبستان در حال حاضر مورد استفاده اهالی روستاست. پشت منبر مسجد سنگ قبری رسوبی به ابعاد ۵۰ در ۳۰ سانتیمتر به تاریخ ۴۹۹ هجری قمری موجود بوده است که فعلا در اداره میراث فرهنگی استان یزد نگهداری می‌شود. برای این سنگ به خط کوفی نام علی بن محمد اسحاق نوشته شده است. مناره بلند مسجد در ضلع شمالی صحن برپا شده که قدمت آن از خود مسجد بیشتر است. معروفیت این مناره جنبیدن آن است. از این مناره که بلندترین سازه منطقه به حساب می‌آید و از چند کیلومتری دیده می‌شود، در قدیم به عنوان فانوس خانه یا برج دیده‌بانی استفاده می‌شده است.

کاروانسرا:

در تاریخ حیات خود بارها مرمت شده است. مولفانی ساخت آنرا به شاهزاده محمد ولی میرزا (فرزند فتحعلی شاه قاجار) نسبت داده‌اند. و نوشته‌اند که به رباط شاهزاده یا رباط شازده معروف بوده است. کاروانسرای خرانق از نوع کاروانسراهای دشتی است که عموماً یک طبقه‌اند سبک بنای فعلی شاه نوشته‌اند. این رباط ۴ تیمچه دارد که سه تای آنها مسقفند و یکیشان بدون سقف است سقف اغلب صفه‌ها نوک تیز و شیبدار است بامها مسطح و کم شیب و سقف اتاقهای بزرگ کاملاً قوسیند. سقف تیمچه‌ها با آجر پوشیده شده است و اگر کسی در وسط تیمچه پایش را به زمین بکوبد صدای آن در سقف گنبدی شکل تیمچه تا چند لحظه به نحو جالبی تکرار می‌شود. این کاروانسرا به شکل حیاط مرکزی است که اتاقها و صفه‌هایی با طاقهای هلالی اطراف آن را گرفته‌اند. نمای خارجی با آجر و سنگ بری تزیین شده و در قسمت دروازه ورودی طاق نماها و ایوان‌ها هم آجرکاری شده‌اند.




مانا
مانا، طعم به یاد ماندنی
لازانیا
Lasagne N° 100
مانا، طعم به یاد ماندنی
لازانیا سبزیجات
Lasagne N° 104
همراه با ادویه مخصوص
Weight: 300 g
Mana
مانا، طعم به یاد ماندنی
مینی
لازانیا
میدان ونک - گاندی جنوبی - کوچه ۲۵ - پلاک ۱۷
تلفن : ۸۳۹۴ فکس :۸۸۲۰۷۴۱۸
www.manamacaron.com



بسم الله الرحمن الرحیم

یا مقلب القلوب و الابصار
یا مدبر اللیل و النهار
یا محول الحول و الاحوال
حول حالنا الی احسن الحال

منت خدای را، عزوجل که طاعتش موجب قربتست، و به شکر اندرش مزید نعمت، هر نفسی که فرو میرود ممد حیاتست و چون بر آید مفرح ذات.

همکاران تلاشگر و ساعی صنعت برق از اینکه همه ساله در تلاشید که بهترین و مطلوبترین خدمات را به مردم ولایت مدار استان و کشور ارائه نمائید، مبین طاعت از باریتعالی است، و از اینکه این خدمت را وظیفه خود می دانیم مزید نعمت، پس بر آن باشیم که نشاط را با توجه به فرا رسیدن فرخنده نوروز ۹۵ به جای جای استانمان هدیه کنیم و ورود بهار پر طراوت را به همدیگر تبریک بگوییم و نعمات باریتعالی را شاکر.بر خود وظیفه میدانم فرخنده نوروز را به خانواده‌های صبور شما بزرگواران تبریک بگویم و از خداوند منان سالی پر از مهر و محبت برای شما و عزیزانتان مسئلت نمایم، و تبریک ویژه به آندسته از عزیزان باز نشسته که عمری از زندگیشان را در این شرکت سپری کرده و با خدماتشان موجب تعالی شرکت گردیدند و نهایتا به میهمانان گرانقدر که از اقصی نقاط کشور به این استان سفر می کنند تبریک گفته و امیدوارم خدمات ارزنده ما موجب نشاط باشد ، و در آخر دعا میکنم که سال ۹۵ سال خیر برکت به همراه امنیت اسلامی باشد.

با احترام عادل کاظمی
رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل



مدیرعامل شرکت تشریح کرد:

دستاوردهای شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان در سال دولت و ملت، همدلی و همزبانی



به گزارش دفترروابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان، همزمان با آغاز سی وهشتمین بهار پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال دولت و ملت ،همدلی و همزبانی ۵۳۲ پروژه ی این شرکت درقالب ۸۹ طرح بزرگ اعم از طرح های تامین برق مراکز بهداشتی، درمانی، آموزشی، کشاورزی، صنعتی ،مجتمع های مسکونی و همچنین افتتاح پروژه ساختمان های اداری - رفاهی ،کاهش تلفات انرژی، روشنایی معابر و نیز اصلاح و بهینه سازی شبکه های توزیع برق استان با اعتباری بیش از ۱۰۱ میلیارد ریال به بهره برداری رسید.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان با بیان مطلب بالا افزود: وضعیت کنونی صنعت برق درمقایسه با پیش ازانقلاب رشد کمی وکیفی قابل توجهی داشته است و همزمان با دولت یازدهم نیز پیشرفت چشمگیری در حوزه ی بهره برداری از پروژه های مربوط به شبکه های توزیع برق از جمله اصلاح و بهینه سازی و بهره مندی از فناوری های روز دنیا داشته ایم.

مهندس عادل کاظمی گفت: امسال که از سوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به شعار دولت و ملت، همدلی و همزبانی مزین شده است و مصادف با ایام الله دهه فجر ، تعداد ۵۳۲ پروژه قابل افتتاح این شرکت با صرف اعتباری بیش از ۱۰۱ میلیارد ریال به بهره‌برداری رسید.

وی خاطرنشان کرد: از مجموع ۸۹ طرح بزرگ درسطح استان تعداد ۶۲ پروژه با اعتباری بالغ بر ۷۳ میلیارد ریال مربوط به شهرستان زنجان ونواحی ، تعداد ۱۰ پروژه با اعتباری بالغ بر ۱۱ میلیارد ریال مربوط به شهرستان خدابنده، .تعداد ۷ پروژه با اعتباری بالغ بر۶ میلیارد و ۴۰۰میلیون ریال شهرستان خرمدره و ۱۰پروژه با اعتباری بیش از ۱۰ میلیارد ریال نیز به شهرستان ابهر اختصاص یافته است.

مهندس کاظمی بیان کرد: با بهره برداری از این طرح های شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان ، قابلیت اطمینان قریب به ۱۳هزار و ۵۰۰ کیلومتر شبکه توزیع برق در سطح استان ارتقاء یافته و مردم شریف مناطق یاد شده از نعمت برق با کیفیت مناسب در تمامی سطوح بهره مند و گام های موثری در توسعه ی استان برداشته شد.

طرح ملی کاهش تلفات

این مقام مسئول افزود: در راستای سیاستها و اهداف تعیین شده وزارت نیرو و شرکت توانیر در جهت کاهش تلفات انرژی در شبکه های برق و پیرو میثاق نامه و دستورالعمل های ابلاغی شرکت توانیر مبنی بر اجرای طرح جهادی ، مهندسی کاهش تلفات برق ، شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان نیز در همین راستا و پیرو خط مشی ابلاغی ، اجرای طرح جهادی را با جدیت تمام در سرلوحه فعالیتها و برنامه های خود قرار داده است .

رییس هیأت مدیره شرکت توزیع نیروی برق استان با بیان اینکه این شرکت در شروع حرکت خود اقدام به تهیه و تدوین برنامه های متعددی در حوزه های فنی - بهره برداری -خدمات مشترکین و مهندسی و نیز فرهنگ سازی و تبلیغی بر مبنای چارچوب و محورهای مشخص شده شرکت توانیر نموده تا بصورت کاملا هدفمند و جهت دار حرکت کرده و بتواند تلفات ابتدای طرح را که حدود ۱۰,۸۳در صد بود در پایان طرح به میزان ۸,۵ در صد تعیین شده دست پیدا کند افزود: در حال حاضر این برنامه تدوین شده و در اختیار واحدها و شهرستان‌ها قرارگرفته تا بر اساس سهم و میزان هر شهرستان، نسبت به اجرایی نمودن برنامه اقدام نمایند.

وی با تاکید بر اینکه این طرح مشخصا یکی از اهداف راهبردی و استراتژیک شرکت تعیین شده است افزود: جهت دستیابی به اهداف آن ، کمیته ایی در سه سطح اجرایی و فرعی تشکیل شده که هر کمیته به فراخور وظایف خود ، اقدام به تشکیل مستمرجلسات نموده و پیگیر برنامه‌ها و اهداف می باشند.

وی گفت: مطالعات و بررسی‌ها در میزان و نوع تلفات این شرکت نشان می دهد که باید تمرکز فعالیت‌ها و برنامه های شرکت حول برنامه‌هایی صورت گیرد که موجب کاهش تلفات فنی می شوند.

مهندس کاظمی یادآور شد: با توجه به میزان اثر بخشی هر کدام از محورها در برنامه تدوین شده در راستای هدف تعیین شده ، این شرکت فعالیت هایی از قبیل: تست و کنترل مضاعف لوازم اندازه گیری عادی و سنگین - تعویض کنتورهای معیوب - تعویض سیم با کابل خودنگهدار-دیماندی مبارزه با برقهای غیرمجاز - نظارت بیشتر روی صدور صورتحساب ها و مامورین کنتور خوان را در اولویت اجرا قرار داده است.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان خاطر نشان ساخت: علیرغم محدودیت اعتباری موجود ، از ابتدای طرح ، تعداد ۲۰۶پروژه ی کاهش تلفات انرژی برق استان زنجان به ارزش بیش از ۶۸میلیارد و ۸۴۹ میلیون ریال در سیستم پروژه تعریف و تامین اعتبار شده که از این میزان تعداد ۱۴۴ پروژه با صرف هزینه بالغ بر ۴۳ میلیارد ریال اجرایی شده و در حال بهره برداری می باشد.

کاظمی به اقدامات و نقشه های استراتژیک تدوین شده در برنامه چشم انداز سال ۱۴۰۴ شرکت توزیع نیروی برق استان اشاره کرد و گفت: یکی از اهداف اصلی چشم انداز بهبود متوسط زمان انرژی توزیع نشده است و عدد یکان استراتژی شرکت به منزله کاهش تلفات در افق ۱۴۰۴ به میزان (۴ درصد) و عدد دهگان آن یعنی مراجعین حضوری را به صفر برسانیم.

این مقام مسئول مهمترین راهکارها واقدامات کوتاه مدت ومیان مدت درحوزه بهره برداری را افزایش قابلیت اطمینان شبکه با انجام اقداماتی از قبیل: کنترل کیفی تجهیزات شبکه وهماهنگی حفاظتی ، اصلاح وبهینه سازی شبکه های توزیع برق برشمرد.

وی نگهداری وتعمیرات پیشگیرانه وتقویت فعالیت های نظارت بر بهره برداری ، کاهش انرژی توزیع نشده بی برنامه از طریق بهره مندی از تجهیزات نوین و هوشمندسازی شبکه های توزیع برق ، افزایش نقاط مانوری ، توسعه اتوماسیون شبکه ، توسعه متناسب مراکز حوادث در مناطق عملیاتی و متمرکز نمودن راهبری و مدیریت شبکه های توزیع برق سراسر استان زنجان و کاهش انرژی توزیع نشده بابرنامه با انجام عملیاتی از جمله برنامه ریزی و کنترل خاموشی های بابرنامه ، توسعه بهره گیری از فناوری سرویس وتعمیرات خطوط و پست های زمینی بصورت خط گرم (بدون اعمال خاموشی) و گسترش نقاط مانوری قطع و وصل در سطح ۱۳ هزار و ۵۰۰ کیلومتر شبکه توزیع برق استان از دیگر اقدامات معاونت بهره برداری در این راستا برشمرد.

استفاده از فناوری‌های روز دنیا در راستای افزایش رضایتمندی مردم

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان با اشاره به اینکه درراستای تجهیز تمامی امورهای عملیاتی و اجرایی استان به فناوری سرویس گرم پست های زمینی ، برنامه ریزی های لازم جهت آموزش پرسنل در کارگاه های آموزشی مقدماتی و تکمیلی خط گرم (سرویس پست ها بدون اعمال خاموشی) و دوره آموزشی مفصل وسرکابل بندی حرارتی وسرد ویژه اکیپ های عملیاتی انجام شده است افزود: خوشبختانه اکیپ های خط گرم از ابتدای سال جاری در تمامی امورها تجهیز و با مدیریت وکنترل ستادی ، بدون خاموشی برق به کار سرویس و تعمیرات پست های زمینی برق استان اقدام می کنند تا ضمن کاهش میزان انرژی توزیع نشده ، موجب افزایش رضایتمندی مردم شود.

مهندس کاظمی یاد آور شد: در این راستا با پی گیری های صورت گرفته برای کنترل ومدیریت بهتر سرویس وتعمیرات خطوط وپست‌های زمینی برق در امورهای شش گانه استان سه نسخه نرم افزار اندروید PMخریداری و با اجرای موفقیت آمیز پایلوت در مدیریت توزیع برق شهرستان خرمدره واموربرق غرب شهرستان زنجان تا پایان سال جاری در تمامی امورها اجرا خواهدشد.

وی برنامه محور کردن فعالیت های سرویس وتعمیرات پیشگیرانه به نحوی که انجام سرویس فقط پس از تکمیل چک لیست و فرآیندبازدید توسط ناظرین امورها در هر حوزه انجام می شود از مزایای این نرم افزار اعلام کرد.

استقرار سیستم کنتاکت سنتر (مرکز پیام هوشمند متمرکز)

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان استقرار سیستم کنتاکت سنتر (مرکز پیام هوشمند متمرکز) و تجمیع مراکز ۱۲۱ شهرستان های تابعه در مرکز پیام وفوریتهای برق دیسپاچینگ

ستاد گام دیگری درجهت پاسخگویی شایسته به مردم ورفع خاموشی های بی برنامه را از دیگر اقدامات این شرکت برشمرد و افزود: این پروژه با همکاری معاونت برنامه ریزی ومهندسی و نیز دفتر فاوا از خرداد ماه سال جاری با جذب نیروی انسانی ماهر و اجرای آموزش‌های لازم آغاز به کارکرده است.

مهندس کاظمی با بیان اینکه با استقرار این سیستم امکان مدیریت تماس های -مشترکین سراسر استان با شماره ۱۲۱ فراهم گردیده است افزود: ایجاد حداقل ارتباط با اپراتور با مدیریت تماس بصورت راهنمایی سیستماتیک مشترکین و پیش بینی پیام‌های اطلاع رسانی خاموشی های بابرنامه ،بی برنامه ، منطقه ای و پیام های مدیریت مصرف بهینه برق و.. از دیگر امکانات سیستم است که در روند تکمیل آن پیش بینی رسیدگی به شکایات ، روابط عمومی و ارتباطات مردمی در فازهای آتی نیز صورت خواهد گرفت.

پژوهش وتحقیقات در توزیع برق استان زنجان

به گفته مهندس کاظمی فعالیت پژوهشی و تحقیقاتی برای دستیابی به رشد و توسعه صنعت های برق از اهمیت زیادی برخوردار است و در این راستا براساس اصول و معیارهای علمی و برمبنای واقعیات و نیازهای شرکت اولویت های تحقیقاتی تعریف شد که نتایج ارزشمندی از جمله جهت گیری روشن در فرآیند تحقیقات، جلوگیری از اتلاف منابع، پرهیز از دوباره کاری و تخصیص بهینه اعتبارات تحقیقاتی و افزایش نقش تحقیقات کاری، در تصمیم سازی ها و تصمیم گیریهای کلان شرکت را به دنبال داشت.

مدیر عامل شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان با تاکید بر اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ با وجود جوانان و کارشناسان تلاشگر توفیقات بسیار ارزشمندی در حوزه پژوهش وتحقیقات علمی صورت گرفته که تنها در یکسال اخیر در شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان ۱۸ پروژه تحقیقاتی کاربردی و قابل صنعتی سازی اجرا و به بهره برداری رسیده است بیان کرد: در بخش ارائه و پذیرش مقاله های علمی و پژوهشی ۵۹ مقاله در کنفرانس های بین المللی و مطرح جهان ارائه و به چاپ رسیده که از این تعداد ۳ مقاله در کنفرانس سیرد اصلی و ۵ مقاله در کنفرانس سیرد منطقه ای پذیرفته شده اند.

رئیس هیئت مدیره شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان از طراحی و ساخت ریموت کنترلر هوشمند پیشرفته سکسیونر های خطوط فشار

یک مگاوات و ۸۰ مشترک با دیماند بین ۵۰۰ کیلو وات تا یک مگاوات و ۷۴ مشترک با دیماند بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ کیلو وات نصب گردیده است.

اجرای موفق طرح فهام

کاظمی طرح فهام را از طرح‌های مهم و موفق این شرکت اعلام کرد و گفت: فاز نخست طرح هوشمندسازی کنتورهای برق «طرح فهام» با نصب یک میلیون دستگاه کنتور در ۵ استان کشور، هر استان ۲۰۰ هزار دستگاه کنتور آغاز شده و استان زنجان تاکنون ۲۰۹ دستگاه تحویل و نصب کرده است.

وی ادامه داد: در گام بعدی، مشترکین عادی شهری و روستایی (تک فاز) به شبکه هوشمند وصل خواهند شد و با رسیدن به سطح اتصال ۲۵ درصد از مشترکین به شبکه هوشمند و در صورت موفق بودن عملکرد زیرساخت های ایجاد شده، طرح هوشمندسازی در سایر مناطق توزیع برق نیز به مرحله اجرا درخواهد آمد.

مهندس کاظمی از اجرای سیستم ردیابی خودرو (AVL) در شرکت توزیع برق زنجان خبر داد و گفت: با اجرای این سیستم اپراتور دیسپاچینگ می تواند موقعیت تمامی خودروهای حوادث برق را تشخیص و نسبت به مدیریت آنها جهت انجام ماموریتهای فوری اقدام کند.

وی افزود: این پروژه بعنوان طرح پایلوت کشوری در شرکت توزیع برق زنجان اجرا و نتایج آن برای اجرا در سطح سایر شرکتهای توزیع برق مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

بازدید نمایندگان رسانه ها از شرکت تعاونی آبادگران صنعت برق استان زنجان

مدیر عامل شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان در بازدید خبرنگاران و نمایندگان رسانه های سراسری از شرکت تعاونی آبادگران



تخصصی اخذ مجوز های لازم در خصوص خرید و فروش انرژی و خرده فروشی برق و همچنین احداث و سرمایه گذاری در حوزه نیروگاه‌های تجدید پذیر با مقیاس کوچک انجام میدهد. مهندس کاظمی به اقدامات و پروژه های شرکت تعاونی آبادگران اشاره کرد و افزود: در مرحلۀ خرید دستگاه حفاری جهت حفاری بصورت زیرزمینی و مفید برای حفاری عرضی - در مرحلۀ خرید دستگاه عیب یاب کابل پرتابل جهت سرویس و تعمیر ترانسفورماتورها -خدمات جرثقیل - تولید چراغهای LED خیابانی که نمونه ساخته شده به تایید دانشگاه شیراز رسیده و در مراحل تایید نهایی می باشد - تولید پایه های روشنایی معابر با طرح جدید با هدف زیباسازی شهری که در مرحله امکان سنجی و بررسی میباشد از جمله اقدامات این شرکت است.

وی پروژه های انجام شده توسط این شرکت را پروژه های تامین برق سایت مصالح فروشان، تامین برق فاز ۷ و ۸ گلشهر و و روشنایی پروژه سروش رفاه اعلام کرد و گفت: شرکت تعاونی آبادگران جهت گسترش فعالیتهای خود طرح ها و برنامه های مختلفی دارد که نیاز به



متوسط برق در استان خبر داد و گفت: سوئیچینگ هوشمند سکسیونرها بصورت ریموت کنترل از کابردها و کاهش زمان خاموشی مشترکین –سرعت عمل در قطع و وصل برق و افزایش رضایت مشترکین از مزایای این سیستم است .وی طراحی و ساخت بار مجازی قابل حمل برای تست لوازم اندازه گیری سنگین با هدف اعمال بار برای تست صحت کارکرد کنتورهای مشترکین ، طراحی و ساخت سیستم دینامیک جهت ایجاد تعادل بار در خطوط سه فاز شبکه فشار ضعیف کاهش تلفات – کاهش ضعف ولتاژ و افزایش تعادل بار را از دیگر اقدامات شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان اعلام کرد.

پیشرو در هوشمندسازی شبکه های توزیع برق

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان از نصب سکسیونرها و کلیدهای کنترل از راه دور در شبکه و پست با هدف پیاده سازی اتوماسیون فیدرها در استان خبر داد و گفت: این پروژه توسط شرکت پارس سوئیچ کلید خورده و در حال حاضر تعداد ۸۵ دستگاه سکسیونر کنترل از راه دور در نقاط بحرانی و دوردست در سطح استان با موفقیت نصب گردیده و ۴۰ دستگاه سکسیونر و دژنکتور کنترل از راه دور دیگر نیز آماده برای نصب می باشد.

به گفته کاظمی این پروژه کاملا بصورت بومی انجام گردیده و به همین خاطر به عنوان طرح برگزیده مجموعه شرکت های تابعه وزارت نیرو در سال جهاد اقتصادی انتخاب گردیده است.

وی هوشمندسازی کنتورهای آب و برق در راستای اصلاح الگوی مصرف ، صیانت از منابع آبهای زیرزمینی و جلوگیری از هدر رفت انرژی را از دستاوردهای این شرکت برشمرد و افزود: نصب کنتورهای هوشمند آب و برق با همکاری شرکت آب منطقه ای از سال ۹۰ شروع و عملیاتی گردیده است و تا کنون ۱۲۱۵ دستگاه کنتور هوشمند آب و برق در چاههای کشاورزی نصب شده است.

او از نصب مودم قرائت از راه دور برای مشترکین بالای ۲۵۰ کیلووات استان خبر داد و گفت: تاکنون این مودم ها برای ۱۵۸ مشترک بالای

صنعت برق استان ، تاسیس این شرکت با موضوعیت انجام فعالیت های پیمانکاری برق و تولید و خرید و فروش تجهیزات مرتبط با صنعت برق را از دیگر دستاورد های شرکت توزیع نیروی برق استان عنوان کرد و افزود: ترکیب سهامداران شرکت تعاونی، شرکت سرمایه گذاری کارکنان صنعت برق ، بازنشستگان برق منطقه زنجان و قزوین، و پرسنل شرکت توزیع برق صنعت برق (شامل کلیه پرسنل با سهام یکسان) می‌باشد.

وی هدف از تشکیل این تعاونی را گسترش فعالیتهای تخصصی حوزه برق در سطح استان ، کمک به اشتغالزایی و کمک به رونق اقتصادی استان ، بهره مندی سهامداران از سود ناشی از فعالیتهای شرکت تعاونی برشمرد و افزود: شرکت تعاونی آبادگران نظیر شرکت های هلدینگ فعالیت های تخصصی خود را به فراخور نیاز در قالب شرکت‌های همچون (شرکت توان نیروی زنگان) در حوزه تخصصی اجرا و احداث تاسیسات شبکه های توزیع برق ، شرکت کوشا نیروی خمسه درحوزه تخصصی فعالیتهای بازرگانی در حوزه خرید تجهیزات برقی ، شرکت دانش بنیان زنجان صنعت پرداز در حوزه تخصصی فعالیتهای دانش محور - مونتاژ تابلوهای هوشمند سکسیونرهای کنترل از راه دور و دژنکتورهای داخل پست زمینی بصورت کاملا بومی ، (شرکت نیرو پخش ایرانیان)حوزه



تامین منابع مالی (تسهیلات بانکی با درصد بهره مناسب) جهت سرمایه گذاری دارد و در حال حاضر این شرکت در شهرک صنعتی شماره یک زمینی به مساحت ۵۰۰۰ متر مربع شامل ۲۰۰۰ متر مربع سوله خریداری و در حال فعالیت در راستای تولید پایه های فلزی مدرن ، تابلوهای هوشمند و تیر ترانس های برق بصورت تخصصی می باشد.

اجرای پروژه های بند «ز» تبصره ۹ قانون بودجه سال ۱۳۹۴ کشور در توزیع برق استان زنجان

رئیس هیئت مدیره شرکت توزیع نیروی برق استان با بیان اینکه طبق بند «ز» تبصره ۹ قانون بودجه کل کشور شرکت های برق موظفند، علاوه بر دریافت بهای برق به ازای هر کیلووات ساعت برق فروخته شده مبلغ سی ریال به عنوان عوارض برق در قبوض مربوطه درج و از مشترکین برق به استثنای مشترکین خانگی روستایی و چاه‌های کشاورزی دریافت نمایند، تا برای توسعه و نگهداری شبکه‌های روستایی و تولید برق تجدیدپذیر و پاک توسط شرکت توانیر هزینه گردد افزود: در این راستا امسال شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان با دریافت ۱۲ میلیاردریال اعتبار از سوی شرکت مادرتخصصی توانیر پروژه های تامین برق ۹۱۹ متقاضی برق جدید روستایی و توسعه ی ۲۳ کیلو متر و ۷۴۵ متر شبکه‌های توزیع برق فشارمتوسط وفشارضعیف روستایی اجرا وبه بهره برداری رسانده است.

وی گفت: در ادامه ی اجرای این قانون در سال جاری پروژه‌های تامین برق بیش از ۱۵۰ متقاضی جدید روستایی ، توسعه ۶ هزار و ۳۵۹ مترشبکه های توزیع برق روستایی و نصب یکهزار و نهصدو پنجاده وسه دستگاه چراغ خیابانی ، احداث ۵ هزار و ۶۸۸ مترکابلکشی فشار ضعیف شبکه های روشنایی معابر روستاهای استان ، اصلاح وبهینه سازی ۲۰ کیلومترو ۲۸۳ متر شبکه های فشار متوسط وفشار ضعیف روستایی به ارزش بیست وسه میلیارد ریال پس از تبادل موافقت نامه و تامین اعتبار از سوی شرکت توانیر به بهره برداری می رسد.



پیام نوروزی

مهندس منصور شبــانی

مدیر مجتمع سرب و روی انگوران

یامقلــب القلوب والابصــار ، یامدبراللیــل والنهار
یامحول الحول والاحوال ، حول حالنا الی احسن الحال

خداوند متعال را شــاکرو سپاسگذارم که توفیق دوبــاره عنایت فرمود تا در گذر ایام ، بهاری دیگر را تجربه و حلول ســال جدید را درک کنیم و به پاس نعمت سلامت و رحمتش سجده شکر به درگاهش به جای آوریم .

سال ۱۳۹۵ را در حالی آغاز می کنیم که معدن انگوران در سال ۱۳۹۴ توانست با تکیه برخداوند متعال و حمایتها و همراهی و همکاری مسئولین استان و شهرســتان و مردم عزیز منطقه و تلاش همکاران سخت کوشــم نه تنها به کلیه برنامه ها و اهداف تعیین شــده برسد بلکه بیش از ۲۰ درصد نیز تولیدات معدن نسبت به برنامه شرکت افزایش یافته است .

به نوبه خود از زحمــات تمامی خدمتگزاران و تلاشــگران معدن انگوران که در طول سال با تمام سختیها و مشــکلات توانستند برنامه های معدن را بیش از اهداف تعیین شــده محقق نمایند و از مسئولین شهرستان و استان که ما را در این مدت یاری و همراهی کردند تشکر و قدردانی می نمایم.

فرار رســیدن ســال نو و آغاز بهار طبیعت را به محضر مبارک حضرت ولی عصر (عج) ، مقام معظم رهبری ،مسئولین و مردم عزیز شهرستان و کارکنان زحمت کش و خانواده بزرگوارشان تبریک وتهنیت عرض نموده و از درگاه احدیت سالی پر از معنویت و برکت را در ســایه توجهات حضرت بقیه ا... (عج) برای شما عزیزان مسئلت می نمایم.

مدیر مجتمع سرب و روی انگوران

تولید یک میلیون و ۱۰ هزار تن ماده معدنی از معدن انگوران

مدیر مجتمع ســـرب و روی انگوران وابسته به شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران از تولید بیش از یک میلیون و ۱۰ هزار تن ماده معدنی ســـال گذشته از معدن انگوران خبر داد و گفت : بر اســاس برنامه ریزیهای صورت گرفته سال گذشته اســتخراج ۷۸۰ هزار تن ماده معدنی از این معدن هدفگذاری شده بود که با یک برنامه ریزی مجدد در مهر ماه تحرک جدیدی در معدن آغاز شــد و میزان تولید ماده معدنی تا پایان ســال به بیش از یک میلیون و ۱۰ هزار تن افزایش یافت و رکورد تولید ماده معدنی در تاریخ معدن انگوران شکست .

مهنــدس منصور شــبانی با بیان اینکه بر اســاس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته امســال هم استخراج ۷۵۰ هزار تن ماده معدنی هدفگذاری شده بود افزود :این در حالی اســت که تا پایان بهمن ماه میــزان تولید ماده معدنی در معدن به ۹۰۰ هزار تن رسیده است .

این مقام مســئول با تاکید بر اینکه ۸۳ درصد از تولیدات ماده معدنی معدن انگوران بین واحدهای صنعتی اســتان زنجان توزیع میشــود و ۱۷ درصد هم به واحدهای صنعتی ســایر استانها اختصاص داده میشــود بیان کرد : برخی از افراد در استان انتقاد دارند که خاک معدن انگوران به سایر استانها صادر میشود و این صحت ندارد چون کارخانه های اســتان بالای ۳۰ درصد ظرفیت فعالیت میکنندو خاک معدن فقط ۳۰ درصد خوراک واحدهای صنعتی استان را پوشــش میدهد و واحدها مابقی نیازهای خود را از معادن کوچکتر استانهای دیگر و یا از ترکیه وارد می کنند و خاک معدن انگوران بر اساس صدور صد برنامه ریزی شده توزیع می‌شود.

مدیر مجتمع ســـرب و روی انگوران میزان ذخیره ماده معدنی معدن انگوران را حــدود ۷ میلیون تن اعلام کرد و گفت : بر اســاس اطلاعات اکتشافی موجود ذخیره معدن حداکثر در مدت حدود ۱۰ ســال استخراج خواهد شد که ازاین میزان نیز حــدود ۵ میلیون تن به صورت روباز و در حدود ۲ میلیون تن هم به صورت زیرزمینی خواهد بود .

وی وضعیت استخراج در معدن را که توسط پیمانکاران مجرب انجام می شــود رضایت بخش دانســت و گفت : با توجه به وضعیت معدن و شکل ماده معدنی و تنگ شدن فضای استخراج انتظار می رود استخراج ماده معدنی کاهش پیدا کند .

مهندس شــبانی عیار ماده معدنی معدن انگوران را در مقیاس جهانی خوب توصیف کرد و گفت: طی یک ســال گذشــته برنامه های استخراجی معدن را توسعه دادیم تا با اطمینان بیشــتر تولید را انجام داده و پاسخگوی تعهد و سهمیه بندی باشیم .

وی احداث مســیرهای دسترسی با توجه به کوهستانی بودن منطقه و بهبود وضعیت تردد و توســعه استخراج را از اقدامات انجام شده طی یک سال گذشته بر شمرد .

کشف ماده معدنی تراورتن

مدیر مجتمع سرب و روی انگوران از کشف ماده معدنی تراورتن در بخش زیرین سایت پشتیبانی معدن با ذخیره بالا و کیفیت مطلوب خبر داد و گفت : بر اســاس بررسی های زمین شناسی انجام شــده بیش از ۳۰ میلیون تن ذخیره این ماده معدنی است و در حال حاضر مطالعات آن به اتمام رسیده و کارهای اولیه آن آغاز شده است .

وی با بیان اینکه در شــرف اخذ پروانــه بهره برداری ۱۴ میلیون تن از ذخیره این ماده معدنی هســتیم افزود: با در یافت پروانه بهره برداری ســالانه ۲۵ هزار تن سنگ ســاختمانی تراورتن با کیفیت بالا از این معدن استخراج خواهد شد .

مهندس شبانی با اشاره به اینکه بر اساس پیش بینی ها این میزان ماده معدنی که در این بخش از معدن قرار گرفته میتواند برند معتبری برای معدن انگوران باشد افزود : یک توده فلورین نیز در طرح منطقه بهره برداری شناسایی شده بود که کار اکتشــاف روی آن انجام شد ولی درجه خلوص و میزان ذخیره آن از حد مورد نیاز کمتر بود .

کشف عناصر کمیاب در معدن انگوران

این مقام مسئول انجام مطالعات پژوهشی در زمینه عناصر نادر و کمیاب خاکی در معدن انگوران را از دیگر اقدامات این شرکت اعلام کرد و افزود : با توجه به اینکه عناصر شناسایی شده کاربردهای خاص در صنعت دارند با همکاری دانشگاه زنجان اقدامات مهــم و مطالعاتی صورت گرفته و عناصری مثل نقره نیز شناسایی شده است .

مدیر مجتمع سرب و روی انگوران با اشاره به اینکه حوزه معاونت اکتشاف شــرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران با موافقت ســازمان صنعت ،معدن و تجارت و استانداری مرحله اول اکتشــاف در پهنه ماهنشان به مساحت ۴۲۰ کیلو متر مربع را انجام داده است افزود : در این طرح کلیدی پتانسیل امید بخش هم برای سرب و روی و هم برای طلا در مجاورت معدن وجود دارد که با انجام مطالعات اولیه روزنه امیدی در این زمینه ایجاد شده است .

مهندس شــبانی اجرای طرح مطالعات زیست محیطی در منطقه انگوران و حوضــه آبریز منطقه که معدن در آن قــرار دارد را از دیگر اقدامات مهم معدن انگوران اعلام کرد و گفت : در این زمینه با مشارکت دانشگاه ارومیه مطالعات زیســت محیطی معدن و پتانسیل های آب همچون ایجاد سدهایی برای مقابله با آلایندگی انجام شده و مطالعاتی هم در زمینه اســتفاده از تکنولوژی جهت کاشت گیاهانی که برای جذب این عناصر مفید هستند و همچنین در خصوص پتانسیل های آلایندگی هوا پژوهش هایی انجام شده و در حال پیگیری هســتیم تا آلایندگی را در منطقه به حداقل برسانیم .

وی در ادامه به جذب نیروهای بومی در معدن اشاره کرد و گفت : بیش از ۷۰ در صد پرســنل معدن در همه بخشها



از جمله بخش های تخصصی از بومیان شهرستان و استان هستند و این امر موجب شده نرخ بیکاری در منطقه کاهش و از مهاجرت روستاییان به شهرها جلوگیری شود .

مدیر مجتمع ســرب و روی انگوران مشارکت در ساخت مرکز درمان بستر شهر دندی را از جمله کمک های معدن انگوران جهت محرومیت زدایــی در منطقه عنوان کرد و افزود: شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران بخش عمده ای از هزینه های ساخت این مرکز را بر عهده گرفته است .

مهندس شبانی ایجاد امکانات رفاهی برای پرسنل معدن را یادآور شد و گفت : معدن انگوران در راستای ایجاد نشاط در بین کارکنان سالنهای ورزشی از جمله سالن بدنسازی، فوتســال والیبال ، تنیس روی میز و... را در محل مجتمع



ایجاد کرده و مربیان ورزشی خوبی نیز جذب کرده تا پرسنل بتوانند از امکانات فراهم شــده اســتفاده مطلوبی داشته باشند.

او افزود : برگزاری مراســم ویژه در اعیاد و مناســبت های مختلف همچون ایام دهه مبــارک فجر ،ماه مبارک رمضان،محرم و ... از دیگر اقدامات مجتمع ســرب و روی انگوران است .

تاریخچه معدن انگوران

* معدنــکاری در معدن انگوران به صدها ســال پیش باز می گردد . اما از فعالیتهای استخراجی این معدن در گذشته دور نظیر سایر معادن ایران اطلاعات چندانی در دست نیست .
* اولین پروانه بهره برداری معدن انگوران در سال ۱۳۰۱ به نام آقای ابوالقاسم صفاری صادر گردید ، اما در همان سال با مخالفت وزارت جنگ، پروانه بهــره برداری معدن موقتاً لغو شــد. بدین ترتیب فعالیت معدن تا سال ۱۳۲۴ متوقف گردید. در ســال ۱۳۲۴ این معــدن از طریق مزایده برای مدت ۱۰ سال مجدداً به آقای صفاری واگذار شد و او نیز معدن را به شرکت اتحاد سرب و روی انگوران واگذار کرد. با واگذاری معدن به شرکت اتحاد ســرب و روی انگوران، فعالیت‌های معدنکاری بصورت ابتدائی و غیر مکانیزه آغاز گردید.
* در تاریخ ۱۳۳۲/۱۰/۲۸ شــرکت مزبور باستناد مـاده ۳۵ آئیـن نـامه معـادن موفق بــه اخـذ پروانـه بهره‌برداری به مدت ۱۵ سال شد .
* در تاریخ ۱۳۴۵/۸/۲۳ شــرکت اتحاد ســرب و روی انگوران، معدن را به شرکت سهامی انگوران واگذار کرد.
* در ســال ۱۳۴۸ معدن انگوران در اختیار شــرکت کالسیمین قرار گرفت.
* اســتخراج معدن به صورت قابل توجه، عملاً پس از سال ۱۳۲۴ با واگذاری آن به بخش خصوصی آغاز شــده است. در طی این سالها ماده معدنی به روش زیرزمینی استخراج می‌شد. قسمت پر عیار آن برای تبدیل به شمش مستقیماً به کوره‌های تکلیس حمل و قسمت کم عیار ماده معدنی در نزدیکی دهانه تونل‌های استخراجی درون دره ای دپو می گردید.
* از سال ۱۳۵۲ بازگشایی معدن بصورت روباز آغاز شد.
* این شــرکت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۹، مصادره و ملی اعلام شد. بهرحال شرکت کالسیمین تا اوایل سال ۱۳۷۷ از معدن بهره برداری می کرد.
* در ابتدای ســال ۱۳۷۷ بهره برداری از معدن انگوران به شرکت ســهامی کل معادن ایران واگذار شد. در اواسط همین سال شرکت سهامی کل معادن ایران بهره برداری از معدن را به شــرکت توسعه معادن روی ایران (سهامی عام) واگذار نمود .
* در سال ۱۳۸۱ شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران، که جایگزین شــرکت کل معادن ایران شده و دارنده پروانه بهره برداری از معدن اســت ، با برگــزاری مزایده ، پیمان استخراج از معدن روباز را به شرکت توسعه معادن روی ایران واگذار کرد .
* از سال ۱۳۸۵ تا به حال عملیات استخراج و بهره‌برداری از معدن انگوران مستقیماً توسط شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران انجام می گیرد.

●در ایــن معدن با توجه به خصوصیــات پیچیده ماده معدنی و ارزش بالای آن لازم است استخراج کاملا انتخابی و مینیاتوری انجام شود.

●در صورتیکه این روش اعمال نگردد با کاهش عیار ماده معدنی تولید شده مواجه خواهیم بود که باعث کاهش و افت شدید ارزش ماده معدنی خواهد شد.

ژنز کانسار

* بخش سولفیدی دارای منشا هیدروترمال بوده و سپس بخش کربناته توســط پدیده متاسوماتیسم تشکیل شده است .
* کل کانســار در مراحل مختلف ژئوشیمیایی از لحاظ محیط های اکسیدی و احیا همزمان بارسوب گذاری سنگ اولیه تشکیل شده است.
* تشکیل کانسار بصورت رســوبی با منشاء آتشفشانی یعنی منشاء ولکانیکی فلزات محتوی ودر عین حال انتقال رســوبات این محلولها از منشــا به محل فعلی و سپس رسوبگذاری آن.
* بخش ســولفیدی اولیه که عمدتا از اسفالریت، گالن و پیریت تشکیل شده و بخش کربناته ثانویه که از آلتراسیون بخش سولفیدی وتوسعه پدیده جانشینی آن حاصل شده و اساسا از کانیهای اسمیت زونیت، سروزیت و همی مورفیت به همراه گانگ کربناته وکوارتز تشکیل شده است.

حفاری های اکتشافی و شکل ماده معدنی

از مجموع فعالیت های اکتشــافی که تاکنون در منطقه انگوران و بر روی کانســار موجود در این منطقه انجام شده است، تنها اکتشافات فیزیکی کانسار که با حفر گمانه های اکتشــافی و مطالعه مغزه های آنها بدست آمده تا اندازه ای قابل اعتماد می باشــد. نتایج بدست آمده از سایرموارد که اکثرا در مرحله اکتشاف مقدماتی انجام شده اند، چندان در خور توجه نیستند.

کانســار انگوران با یک شبکه حفاری ۵۰×۵۰ متر مربع توســط ۹۵ حلقه گمانه قائم و دو حلقه گمانه مایل با شیب ۷۰ درجه و در مجموع به طول ۱۴،۵۰۰ متر، اکتشاف شده اســت. بنابراین چگالی شبکه اکتشــافی معدن در حدود ۴۰/۰۰۰ گمانه بر واحد سطح با طول متوسط حدود ۱۵۰ متربرای هر گمانه برآورد می‌شود.

مشخصات هندسی

کانســار انگوران در بخش مرکزی یــک تاقدیس ، بین دو بخش دگرگونی شیســتی و آهکی واقع شده است . در کمربالای کانسار ، طبقات آهکی قرار دارند و شیب کلی آنها حدود ۲۰-۲۵ درجه به ســمت جنوب شرق است . در کمر پایین ، شیست های دگرگونی قرار دارند که شیب کلی آنها ۱۰-۲۵ درجه و درهمان جهت جنوب شرق است .

شکل هندسی کانسار که با استفاده از نرم افزار دیتاماین و براساس اطلاعات حاصل از گمانه های اکتشافی مشخص شــده ، تقریباً مشابه یک عدســی یا گلابی وارونه و دارای شــیبی در حدود ۲۰ تا ۳۰ درجه بطرف جنوب شرق است. در مقاطع افقی ، بزرگترین طول کانســار در جهت شمال شــرق-جنوب غرب و بزرگترین عرض آن در جهت شمال غرب-جنوب شرق است . کانســار از سطح زمین در تراز حدود ۲۹۸۰ متر رخنمون داشــته و عمق آن درحدود تراز ۲۷۰۰ متر اســت . در تراز ۲۹۸۰ +بزرگترین طول و عرض کانسار به ترتیب ۳۴۰ و ۱۶۰ متر بوده است .

طرح معدن روباز

* تا قبل از اجرای طرح معدنکاری روباز، استخراج از معدن به صورت زیرزمینی و بــه روش کارگاه و پایه نامنظم انجام می شد. با پیشرفت نسبی عملیات اکتشافی و تعیین ذخیره معدن مقدمات طراحی معدن روباز فراهم آمد و بدین ترتیب



اولین طرح روباز معدن که تا مدتها نیز به عنوان طرح نهایی معدن شناخته میشد، در سال ۱۳۴۷ توسط آقای کندی از شرکت گلدر اسوشــیت Golder Associate تهیه شد. این طرح برمبنای اطلاعات حاصل از ۵۲ گمانه اکتشــافی و رسم مقاطع قائم توسط این اطلاعات تهیه شده است.

* بخش سولفوره معدن انگوران

●با توجه به عیار بالای ماده معدنی ســولفوره و ارزش این بخش از ذخیره و مشکلات اســتخراجی آن به روش زیرزمینی و اجتناب از هرگونه ریســک باید استخراج به روشی کاملا مهندسی و دقیق انجام شود.

●عملیات انجام شده در بخش زیرزمین

* احــداث تونل های دسترســی در افق های ۲۷۰۰ و ۲۷۷۵
* احداث تونل و دویــل ارتباطی بین تونل های فوق و ایجاد تهویه طبیعی برای انجام ادامه عملیات
* احداث پذیرگاه در تونل ها و دو خطه نمودن مســیر حمل و نقل
* احداث کانال بتنی در افق ۲۷۰۰ به منظور هدایت آب معدن زیرزمینی
* نصب سیستم روشنایی تونل ها
* احداث بخشــی از رمپ ارتباطی بین افق های ۲۷۰۰ و ۲۷۷۵
* احداث بخشــی از افق ۲۷۲۰ جهت دسترسی به ماده معدنی





پیام نوروزی

دکتر یگانه

شهردار زنجان

یا مقلب القلوب و الابصار
یا مدبر اللیل و النهار
یا محول الحول والاحوال
حول حالنا الی احسن الحال

بهار نماد و جلوه‌گاه اراده الهی در باز آفرینش طبیعت است و نوروز طلیعه این دگرگونی شگرف و پیامی است به آدمی برای از خود رستن و به او پیوستن.

نوروز میراث ارزشمند نیاکان فرهنگ پرور ماست. روزی که بهار باز آفریده می‌شود و روز رویش مجدد طبیعت، روز سبز شدن، روز استشمام عطر ماندن و بقاء و سرانجام نوروز گاه تحول و دگرگونی است.

طبیعت این آئینه گردان جمال دوست با رویشی دوباره جانی تازه می گیرد و رخسارش از شادی می‌شکفد و درختان خلعت نوروزی دربر می کنند.

با نگاهی امید بخش به آینده و با نگرشی نوین بر آموخته‌ها و اندوخته‌های حاصل از تجربیات گذشته پای در راه اهدافی متعالی گذاشته‌ایم و در شروع این سال جدید با استعانت از پروردگار متعال مسیر زندگی خود را به راه پرشکوه الهی پیوند می‌زنیم.

حلول موسم خجسته بهاران و فرخنده نوروز نیاکان را بر همکاران گرامی و خانواده محترمشان شاد باش گفته، زیباترین ایام و نیکوترین فرجام را برایتان آرزومندم.

همچنین حلول سال نو و بهار پرطراوت رابه تمامی شهروندان گرانقدر و مسافران و گردشگران عزیز که از اقصی نقاط ایران اسلامی به این استان سفر می‌کنند تبریک و تهنیت عرض نموده و سالی سرشار از برکت و معنویت را از درگاه خداوند متعال و سبحان برای شما عزیزان مسئلت می‌نمایم.

شهردار زنجان تشریح کرد:

تحقق برنامه‌های مدیریت شهری در سال همدلی و همزبانی



امسال با حمایت اعضای شورای اسلامی شهر زنجان بیشتر پروژه های عمرانی که پیش بینی شده بود تاکنون یا به مرحله اجرا در آمده و یا در مراحل پایانی اجرا قرار دارد.

شهردار زنجان با بیان مطلب بالا در نشست اعضای هیئت رئیسه شورای اسلامی شهر زنجان و نمایندگان رسانه ها افزود: امسال ۷/۸ هکتار پارک‌های شهری در زنجان اجرا و بیش از ۱۲ پارک محله ای و منطقه ای نیز افتتاح شده است و بر اساس برنامه ریزی مدیریت شهری افزایش ۱۰ هکتار سرانه فضای سبز با ایجاد و تکمیل ۱۵ پارک و آغاز عملیات اجرایی ۸ پارک دیگر در برنامه کاری سال ۹۵ شهرداری زنجان قرار دارد.

دکتر یگانه از اتمام تملکات زینبیه غربی حد فاصل خیابان شهدا تا خیابان مطهری خبر داد و گفت: مبلغ اعتباری که برای اجرای این پروژه در بودجه پیش بینی شده بود ۸ میلیارد تومان بود که ۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان آن محقق شده و تا ۵ ماهه اول سال آینده نیز تملک تمامی پلاکهای واقع در بستر خیابان انجام و نیمه دوم باز گشایی و احداث معبر اجرا خواهد شد.

وی باز گشایی خیابان ۱۶ متری امتداد خیابان ۷ تیر تا خیابان شهدا را از برنامه های امسال و سال آینده شهرداری اعلام کرد و افزود: امسال تاکنون ۲ میلیارد تومان اعتبار برای اجرای این پروژه هزینه شده و سه‌ماهه اول سال آینده نیز نسبت به انجام تملکات اقدام خواهد شد.

شهردار زنجان تقاطع غیر هم سطح حضرت سیدالشهدا (ع) را جزء پروژه‌های نیمه تمام چندین ساله شهرداری عنوان کرد و گفت: اجرای این پروژه در سه سطح بود که قرارداد سطح سوم تقاطع امسال بسته شده و در حال حاضر عملیات اجرایی در محل پروژه ادامه دارد و انشاالله در صورت تحقق اعتباری که برای پروژه پیش بینی شده شهریور سال آینده به بهره برداری خواهد رسید.

این مقام‌مسئول احداث تقاطع ورودی گلشهر کاظمیه، اصلاح هندسی میدان جهاد که قرار داد آن به پیمانکار ابلاغ شده و بعد از تعطیلات نوروز عملیات اجرایی آن آغاز خواهد شد را از دیگر برنامه های شهرداری اعلام کرد و افزود: اجرای پروژه فرهنگسرای پارک بانوان و اجرای پروژه پارک بانوان شرق زنجان از پروژه های اجرا شده شهرداری در سال جاری است که برای پارک بانوان شرق زنجان یک میلیاردو ۴۰۰ میلیون تومان از منابع داخلی شهرداری و حدود ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیارد تومان از محل بودجه استانی هزینه صرف شده است.

یگانه با اشاره به اینکه اجرای پارک بانوان غرب زنجان هم در دستور کار مدیریت شهری قرار دارد افزود: با هماهنگی اعضای شورای شهر زنجان عملیات اجرایی احداث این پارک آغاز شده و جزء پروژه هایی است که فاز اول آن سال آینده به مرحله بهره‌برداری خواهد رسید.

وی بازگشایی ضلع غربی پادگان را از جمله پروژه های مهم شهرداری بر شمرد و گفت: برای اجرای این پروژه یک میلیارد تومان اعتبار مصوب شده بود که تاکنون حدود یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان هزینه صرف شده و عملیات آسفالت ریزی آن نیز به اتمام رسیده و روز ارتش کل محور زیر بار ترافیک خواهد رفت.

شهردار زنجان تکمیل مرکز کنترل ترافیک شهر زنجان تا پایان سال ۹۵ را از برنامه های شهرداری عنوان کرد و افزود: در حال حاضر عملیات اجرایی پروژه آغاز شده وبر اساس برنامه ریزیهای صورت گرفته در مدیریت شهری تا پایان سال آینده به بهره برداری می رسد.

وی با بیان اینکه پروژه احداث پارکینگ طبقاتی سعدی که ۱۲ سال است به صورت راکت مانده بود امسال به مرحله اجرا رسیده است گفت: احداث بلوارهای شرقی به طول ۱/۵ کیلومتر در شرق زنجان با اعتبار ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان و بلوار ۳۵ متری شهر آرا از برنامه های سال ۹۵ شهرداری زنجان است.

این مقام مسئول توجه به مناطق محروم و ساماندهی معبر و احداث فضای سبز خطی حد فاصل خیابان منتظری تا انتهای خیابان شورجه را از دیگر برنامه های شهرداری در سال ۹۵ اعلام کرد و افزود: تکمیل پارک بانوان و سالن ورزشی مدیریت بحران واقع در پارک بانوان غرب زنجان از دیگر پروژه های سال آینده مدیریت شهری است که به مرحله بهره برداری خواهد رسید.

اجرای پروژه‌های مشارکتی اولویت شهرداری

دکتر یگانه با تاکید بر اینکه مهمترین توجه شهرداری امسال به پروژه های مشارکتی شامل احداث پارکینگ طبقاتی و ایجاد شهربازی شمالی است که به مرحله بهره‌برداری رسیده است بیان کرد: تعدادی از پروژه‌های سرمایه گذاری در مرحله فراخوان است که ۴ پروژه آن با مبلغ سرمایه گذاری حدود ۳۴۰ میلیارد تومان از جمله پروژه های مشارکتی شهرداری زنجان است.

شهردار زنجان صدور آگهی‌های فراخوان برای پروژه‌های مشارکتی شهرداری در زمینه‌های مختلف



احداث مجتمع های اداری ، تجاری ، خدماتی و رفاهی –پارک آبی –هتل ۵ ستاره –احداث زیر گذرهای شهری – ایجاد گلخانه صنعتی و دهها پروژه دیگر را از دیگر برنامه های مدیریت شهری در سال ۹۵ بر شمرد .

وی بودجه شهرداری مرکز و تابعه را در سال آینده ۲۰۰ میلیارد تومان و بودجه سازمانهای تابعه شهرداری را برابر مصوبه شورای اسلامی شهر ۳۷ میلیارد تومان اعلام کرد و گفت : انشاالله با همت و همدلی و همزبانی که بین مجموعه مدیریت شهری و دستگاههای مختلف اجرایی وجود دارد این بودجه به مرحله عملیاتی برسد .

اقدامات شهرداری برای استقبال از نوروز

یگانه با اشاره به اینکه شهرداری زنجان برای استقبال از نوروز سال ۹۵ اقدامات و برنامه های مختلفی را پیش بینی کرده است افزود : برای استقبال از عید نوروز نظافت تمام خیابانها و معابر شهری در دستور کار قرار گرفته و اقدامات گسترده‌ای در زمینه پاک‌سازی مبادی ورودی شهر ،خط کشی معابر ، لکه گیری خیابانها ،رسیدگی به وضعیت پارکها و وسایل بازی و نمازخانه هایی که در اختیار شهرداری قرار دارد مورد باز بینی قرار گرفته و نواقصات آنها بر طرف و نور پردازی‌های شهر نیز انجام شده است .

شهردار زنجان از تهیه و تولید برنامه هایی در زمینه معرفی جاذبه های تاریخی و گردشگری زنجان بصورت ۱۰ برنامه ۲۰ دقیقه ای و پخش آن از طریق شبکه مستند سیما در ایام نوروز خبر دادو گفت : دو برنامه ۴۵ دقیقه ای نیز در زمینه جاذبه های هنری شهر زنجان تدوین شده که در ایام نوروز از شبکه جام جم پخش خواهد شد .

وی گفت :تمهیداتی برای راه اندازی کمپینگ دعوت از هموطنان برای بازدید از زنجان تدوین شده که در این برنامه با اجرای طرحهایی با عنوان زنجان شهر میزبان مهربان ، زنجان را بشنوید ،پند زنجان و سوغاتی زنجان، آماده شده و از ۱۰ نفر از بزرگان نامی حوزه های سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی شهر در این برنامه شرکت خواهند کرد و این برنامه بصورت همزمان در شبکه های اجتماعی انعکاس خواهد یافت .

این مقام مسئول تاکید کرد : کلیه مجموعه های خدماتی شهرداری از جمله پارکها ، پارک بانوان و تمام مجموعه هایی که شبانه روز به مسافران خدمات ارائه می دهند همچون ایستگاه‌های آتش نشانی و ایستگاههای CNG در ایام عید فعال خواهد بود .

شهردار زنجان از طراحی اپلیکیشن قابل نصب در گوشیهای همراه جهت معرفی جاذبه های گردشگری ، مراکز اقامتی، جاذبه های تاریخی ، صنایع دستی ، مراکز درمانی و داروخانه ها توسط شهرداری زنجان خبر داد و گفت : شهرداری زنجان در بیش از ۷ نقطه شهر از جمله موزه کارخانه کبریت شبکه وای فای آماده کرده تا مسافران بتوانند از خدمات اینترنتی بهره مند شوند .

یگانه اجرای ۱۵ المان نوروزی که برخی از آنها بصورت المان نوری هستند ، اجرای سفره آرایی و سفره هفت سین با عنوان خلعت بهار را از دیگر اقدامات شهرداری برای استقبال از نوروز بر شمردو یاد آور شد : ایام نوروز برنامه‌های موسیقی سنتی در محل موزه کارخانه کبریت اجرا خواهد شد و عکاسخانه ای نیز همراه با لباس‌های محلی در این محل پیش بینی شده است .

وی بیان کرد : ویژه برنامه گذر نوروز ۲ نیز در هفته دوم بهار از ۹ تا ۱۱ فروردین در محدوده بافت مرکزی شهر اجرا خواهد شد .

پاسخگویی و شهروند محوری رویکرد شورای دور چهارم

رئیس شورای اسلامی شهر زنجان پاسخگو و شفاف بودن ، شهروند محوری ، تقویت تعامل شورا با تمامی حوزه ها را از رویکرد های شورای دور چهارم عنوان کرد و گفت : از شهریور ماه امسال که ترکیب هیئت رئیسه تشکیل شده به این موضوعات تاکید داشته اند و امیدواریم در سال آینده به سر انجام برسد .

مهندس امیدی حضور مستمر اعضای شورا در محل شورا و پاسخگویی به شهروندان ، تشکیل منظم جلسات رسمی علنی و غیر علنی و کمیسیون‌های شورا ، تعامل با سایر دستگاهها ، سازمانها و تشکل های غیر دولتی ، اطلاع رسانی در خصوص در آمد هزینه شورا ، انعکاس مصوبات شورا در سایت و به طرق مختلف به شهروندان را از اقدامات شورای دور چهارم بر شمرد و گفت : بازدیدهای مستمر میدانی از پروژه های سطح شهر ، رسیدگی به مشکلات و دغدغه های مردم و پشتیبانی جدی از برنامه های فرهنگی ،اجتماعی و گردشگری از دیگر اقدامات مهم شورای اسلامی شهر زنجان است .

وی احیای مجموعه موزه کارخانه کبریت و برگزاری همایشها و نشست ها و برنامه های مناسبتی در این مکان را از دیگر اقدامات مهم شورا بر شمرد و افزود : مجموعه شورا به مدیریت شهری به صورت یک موضوع چند بعدی نگاه می کند و موضوعات فرهنگی اجتماعی را به عنوان اولویت ها در دستور کار خود قرار داده است.

رئیس شورای اسلامی شهر زنجان از بر گزاری ۲۲۵ جلسه رسمی در سالجاری خبر داد و گفت : در این جلسات ۲۳۷ مصوبه به تصویب اعضای شورا رسیده و عمدتا در سایت شورا قرار گرفته و در آینده نیز در قالب کتابچه چاپ و در اختیار شهروندان قرار خواهد گرفت .

امیدی با بیان اینکه یکی از مهمترین موضوعاتی که شورا دنبال کرده است استفاده از ظرفیت بخش خصوصی و توان آنها برای توسعه و عمران و آبادانی شهر است افزود : اعتقاد داریم موضوع سرمایه گذاری در دوره شورای چهارم آغاز شده و مراحل تکمیل خود را ادامه می دهد و تلاش خواهیم کرد موضوع سرمایه گذاری مشارکتی به منصه ظهور برسد تا شهروندان بتوانند مصداقی از پروژه های مشارکتی را در شهر مشاهده کنند و شهرداری‌ها نیز بتوانند به موضوع در آمد پایدار که یکی از دغدغه های شهرداری‌های سراسر کشور است دست پیدا کنند .

رئیس شورای اسلامی شهر زنجان یکی از مهمترین بخش های بودجه سال آینده شهرداری زنجان را موضوع سرمایه گذاری عنوان کرد و افزود : مجموع پروژه های که مقرر شده بصورت مشارکتی اجرا شود ۴۹۰ میلیارد تومان است .

در پایان شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر زنجان با اهدای لوح تقدیر و هدایایی از خبرنگاران نمایندگان رسانه ها تجلیل کردند .









دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زنجان مقدم مسافران نوروزی به این استان را گرامی می‌دارد

یا مقلب القلوب و الابصار ،یا مدبر الیل و النهار یا محول الحول و الاحوال، حول حالنا الی احسن الحال

شمیم بهار دل انگیز، نرم نرمک، مشام جان طبیعت را به طراوت و سرسبزی می نوازد و عطر شکوفه‌های شادی، چکاوک های نغمه خوان را به جشنواره ترانه‌ها می خواند.

حلول آفتاب در افشان بهار، دل های سرسبز از معرفت الهی را به شکر گزاری و تسبیح وا می دارد و زنده شدن یک پارچه طبیعت، در آرزوی حلول و ظهور بهار مهدویت، زندگی آسمانی جاوید را نوید می بخشد.

خداوند سبحان را به خاطر توفیقات خدمت مخلصانه می ستاییم و از آستان حضرتش، دوام تاییدات و توجهات و توفیق استمرار خدمات را می طلبیم. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زنجان، مقدم مسافران نوروزی به استان زنجان را گرامی می دارد و در ایام نوروز با تمام توان در خدمت هم وطنان عزیز می باشد.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان اعلام کرد:

رشد چشمگیر شاخص‌های سلامت در زنجان

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شاخص‌های سلامت در استان زنجان رشد چشمگیری داشته و امسال هم شورای عالی انقلاب فرهنگی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور را به ۱۰ قطب تقسیم بندی کرد و در این مصوبه دانشگاه علوم پزشکی استان زنجان به عنوان محور و دبیر خانه قطب ششم انتخاب شد.

دکتر علیرضا بیگلری، رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان زنجان با بیان مطلب بالا افزود: قبل از انقلاب اسلامی استان زنجان دارای دو بیمارستان با ۱۶۵ تخت بود که به ۱۳ بیمارستان و ۱۵۰۰ تخت و شمار پزشکان از ۵۰ پزشک به حدود ۸۰۰ پزشک در تخصص‌های مختلف افزایش یافته است و کمتر بیماری به تهران یا خارج از کشور اعزام می‌شود.

وی افزود: در حوزه تربیت نیروی انسانی استان زنجان صاحب هیچ دانشگاهی نبود، اکنون دارای دانشگاه علوم پزشکی تیپ یک کشوری است و نزدیک ۳۷۰۰ دانشجو در ۶۰ رشته مقطع در حال تحصیلند.





دکتر بیگلری با اشاره به اینکه در حال تغییر فضاهای زایمانی هستیم و بلوک‌های زایمانی برخی بیمارستان‌ها تکمیل شده است، گفت: در این بلوک‌ها علاوه بر ارایه خدمات، حریم بیماران هم رعایت می‌شود و هر بیمار در یک اتاق خصوصی می‌تواند زایمان انجام دهد. در بخش درمان هم امسال یکی از نیازهای اصلی استان افزایش ۲۰ تخت ICU در بیمارستان ولیعصر (عج) و ۱۵ تخت مراقبت ویژه ICU و NICU نوزادان بود که به انجام رسید.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی با تاکید بر این که استان با کمبود ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ تخت بیمارستانی مواجه و این کمبود باعث شده است بیمارستان‌ها همیشه در فشار کار کنند و پاسخگوی نیازها نیستند افزود: تلاش برای بهره‌برداری بیمارستان ۲۲۰ تختخوابی ابهر در سال آینده و پیگیری افزایش ۴۰۰ تا ۵۰۰ تخت بیمارستان ولیعصر با کمک انجمن خیریه ولیعصر تا ۳۸ ماه آینده از برنامه‌های این دانشگاه در این راستا است.

دکتر بیگلری با اشاره به اینکه در حوزه شاخص‌های مرگ و میر که از هزار کودک، ۱۰۴ نفر قبل از یک سالگی فوت می‌شدند، افزود: این میزان مرگ و میر ۱۱/۶ در صد است و این شاخص افتخار بزرگی برای استان به شمار می‌رود.

این مقام مسئول شاخص امید به زندگی در سال ۵۷ را حدود ۴۷ سال اعلام کرد و گفت: این شاخص اکنون به ۷۲ سال افزایش یافته است.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی دومین سال اجرای طرح تحول سلامت در استان را پر برکت دانست و افزود: بیمارستان شفیعیه زنجان که بیش از ۹ سال راکد مانده بود، امسال با پیگیری امام جمعه زنجان و کمک اداره کل اوقاف تخریب شد و اقدامات اولیه برای ساخت کلینیک ویژه که در سطح کشور بی نظیر خواهد بود، در اجرای نیات واقفین آغاز شد و ایجاد ساختمان الحاقی آن هم با ۱۵۰ تخت با توافق وزیر و کمک خانواده خیر حاج علی مقدم آغاز شده است و در مدت ۱۲ تا ۱۸ ماه آینده به بهره برداری خواهد رسید.

وی از خرید ۲۵ میلیارد تومان تجهیزات بیمارستانی از جمله دستگاه ام.آر.ای برای بیمارستان آیت الله موسوی خبر داد و گفت: همه بیمارستان‌های استان که نیاز به تعمیر داشتند، تعمیرات اساسی در آنها صورت گرفته و هتلینگ بیمارستانها هم در حال اتمام است.

وی ورود بخش خصوصی و افزایش تعداد تخت‌های خصوصی در استان را ضروری خواند و گفت: ۸۰ در صد خدمات بهداشتی و تخت‌های بیمارستانی در سیستم دولتی ارائه می‌شود و نیاز است بخش خصوصی وارد شود و کمک کار حوزه سلامت باشد.

تولد اولین نوزاد در مرکز ناباروری

رئیس دانشگاه علوم پزشکی از تولد اولین نوزاد با وزن ۳۷۵ گرم در مرکز ناباروری استان خبر داد و گفت: در این مرکز تعداد بسیار زیادی لقاح آزمایشگاهی انجام شده و درصد موفقیت این مرکز قابل توجه است.

دکتر بیگلری پرداخت نکردن طلب‌های دانشگاه از سوی بیمه‌ها را از مشکلات مهم این دانشگاه اعلام کرد و گفت: دانشگاه علوم پزشکی بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان از بیمه‌ها طلب دارد و بیش از یک سال است که بیمه‌ها از پرداخت آن امتناع می‌کنند.

این مقام مسئول از افتتاح ۹ پایگاه اورژانس و تحویل آمبولانس‌های جدید در دهه فجر خبر داد و افزود: راه اندازی آزمایشگاه جامع بهداشت، طراحی و اجرای سیستم کنترل یکپارچه سرمایش واکسن برای نخستین بار در کشور، اجرای طرح پویش ملی مبارزه با سرطان از ۸ تا ۱۵ بهمن ماه، اتمام ۶۸ پروژه عمرانی از دیگر اقدامات این دانشگاه است.

مانور مشترک بسیج سلامت نوروزی در دانشگاه علوم پزشکی زنجان





به گزارش خبر نگار وب دا زنجان - با توجه به نزدیکی فصل بهار و ایام تعطیلات نوروزی و به‌منظور تشدید نظارت‌های بهداشتی هدفمند بر فعالیت مراکز تهیه و توزیع موادغذایی و اماکن عمومی بویژه «اماکن حساس از جمله مراکز بین راهی، هتل‌ها، رستوران‌ها و تأسیسات آب و فاضلاب و ...» در راستای برنامه بسیج سلامت نوروزی، مانور مشترک بازرسین بهداشت محیط به‌طور همزمان در سراسر کشور برگزار شد.

این مانور با هدف حفظ و ارتقاء سطح سلامت جامعه و مسافران نوروزی و ایمنی آب و مواد غذایی در سطح عرضه به‌منظور کاهش و کنترل بیماری‌های مرتبط با آب و موادغذایی و هماهنگی بین‌بخشی، روز شنبه اول اسفند در محوطه ستادمرکزی دانشگاه علوم پزشکی زنجان برگزار گردید.

دکتر محمدرضا صائینی معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات و بهداشتی و درمانی استان زنجان در مراسم آغاز این مانور گفت: با اجرای این طرح نظارت و بازرسی از اماکن عمومی و مراکز تهیه و توزیع مواد غذایی تشدید می‌شود.

وی افزود: حفظ و ارتقا سطح سلامت جامعه و مسافران نوروزی، بهداشت و ایمنی مواد غذایی و کنترل بیماری های منتقله از آب و مواد غذایی از اهداف اجرای مانور عملیاتی تشدید نظارت های بهداشتی است.

دکتر صائینی اظهار کرد: با اجرای این مانور نظارت بر جمع‌آوری و دفع پسماندها، سیستم آب شرب در مناطق شهری و روستایی نیز دنبال می‌شود.

رئیس مرکز بهداشت استان گفت: این استان به لحاظ تعداد پایش و نظارت‌های بهداشتی در طرح بسیج نوروزی ۹۳-۹۴ از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رتبه اول و به لحاظ تعداد نمونه‌برداری مقام سوم را کسب کرد.

معاون بهداشت دانشگاه ابراز امیدواری کرد، مانور عملیاتی تشدید نظارت‌های بهداشتی در این استان با همکاری دستگاه‌های متولی با کمترین مشکلی انجام شود.

گفتنی است: مانور سلامت نوروزی با حضور نمایندگان نیروی انتظامی، میراث فرهنگی، گردشگری، صنایع دستی، اداره کل دامپزشکی استان، تعزیرات حکومتی استان، سازمان حمل و نقل و پایانه‌های استان، آب و فاضلاب شهری استان، شرکت آب و فاضلاب روستایی استان، خدمات شهری شهرداری، سازمان صنعت و معدن و تجارت استان، معاونت غذا و دارو دانشگاه و مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی استان برگزار گردید.
















جشنواره
بهار تا بهار
(از ۱ بهمن ۱۳۹۴ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵)
ارائه بیمه نامه های :
اتومبیل • آتش سوزی منازل مسکونی
مسئولیت ناشی از آتش سوزی درقبال همسایگان
حوادث انفرادی و مسافرتی (با شرایط و تخفیفات ویژه)
اطلاعات بیشتر: تماس با مرکز ارتباط نوین (۰۶۰-۲۲۲۵۱۰۶۰-۰۲۱)
خط ویژه: ۲۳۰۴۷(۰۲۱)
سامانه ارتباطی پیام کوتاه: ۳۰۰۰۷۱۲۲۲
www.novininsurance.com
info@novininsurance.com
بیمه نوین (سهامی عام)
Novin Insurance
ایده نوین، زندگی نوین



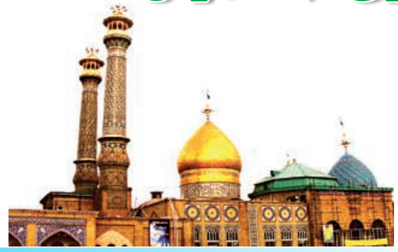
جشنواره نوروزی
فقط تا شنبه ۲۹ اسفند
ماکسیم
پوشاک نسل امروز... و فردا
maxim® COLLECTION
٪۲۰
تخفیف ویژه
maxim COLLECTION
ماکسیم پوشاک نسل امروز... و فردا
ماکسیم را فقط از بوتیک‌های زنجیره‌ای ماکسیم تهران و شهرستان‌ها خریداری کنید
مرکزی: میرداماد، مجتمع پایتخت ۸۸۷۸۹۰۹۶
میرداماد: نرسیده به میدان مادر، شماره ۱۱۸ ۲۲۲۵۱۷۰۹
میرداماد (بانوان): مجتمع پاسارگاد ۲۶۴۱۵۶۳۴
پاسداران: مقابل برج سفید ۲۲۵۹۳۳۰۰
شهرک غرب: میلاد نور ۸۸۰۸۹۹۹۰
شریعتی: مرکز خرید قلهک ۲۲۶۴۱۳۳۰
شریعتی (بانوان): مرکز خرید قلهک ۲۲۶۴۱۳۸۶
فاطمی: مرکز خرید لاله ۸۸۹۵۱۳۵۱
الماس ایران: مینی‌سیتی، بلوار نیروی زمینی، همکف ۲۲۹۶۹۰۹۶ -۷
اصفهان: سپاهان شهر، سیتی سنتر ۳۶۵۵۰۱۶۷
ایلام : بلوار امام علی ۲۲۳۷۸۴۷
رشت : بلوار گلسار ۳۳۷۵۸۸۷۵
شیراز: هتل بین المللی پارس ۳۲۳۵۷۷۶۳
مشهد (بانوان): هتل همای شماره ۲ ۳۷۶۸۶۵۳۰
مشهد: هتل همای شماره ۲ ۳۷۶۲۴۲۱۱
کرمان: هتل بین المللی پارس ۳۲۱۱۹۳۹۲
بابل: خیابان مطهری ۳۲۳۱۱۸۵۱
اراک: خیابان بهشتی، خیابان میثم ۳۲۲۱۴۷۷۷
اهواز: کیانپارس، برج کوثر ۳۳۷۳۱۱۲۸
بندرعباس: هتل هرمز ۳۳۳۴۳۸۰۸
کرج : خیابان بهشتی، جنب هلال احمر ۳۴۴۰۴۳۸۰
گرگان: خیابان امام خمینی، مقابل هتل خیام ۳۲۲۲۴۴۱۶
قزوین: میدان عدل ۳۳۳۶۷۱۶۱
زاهدان: نبش جانبازان ۱۹ ۳۳۴۴۸۰۲۳
یزد : آیت‌اله کاشانی ۳۸۲۴۵۶۳۹
گنبد : خیابان مطهری ۳۳۵۵۷۵۷۰
روابط عمومی و بازرگانی: ۸۸۸۸۸۸۱۵

MIRACLE

Certified **Organic**

Coming soon

مقام معظم رهبری:
ری قبله تهران است



اطلاعات

شهرستان ری (پهنه جنوب تهران)

دفتر نمایندگی
روزنامه اطلاعات شهرستان ری
آماده چاپ هر نوع ویژه‌نامه، انعکاس اخبار و درج تبلیغات است.
مسئول ویژه‌نامه: خانم خسروی
تلفن: ۵۶۵۲۳۹۹۷ - ۳۳۷۴۴۳۷۴
Mahdieh_khosravi2002@yahoo.com

ویژه اسفند ماه ۱۳۹۴

امام جمعه باقرشهر: منتخبان، خدمت به خلق را سرلوحه کار خود قرار دهند



امام جمعه باقرشهر گفت: نمایندگان منتخب ملت ایران باید کار برای خدا و خدمت به خلق خدا را سرلوحه کارهای خود قرار دهند و منافع ملی بر همه چیز ترجیح داشته باشد.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین سید احمد موسوی در خطبه‌های نماز جمعه باقرشهر شهرستان ری، پاکدستی، ساده زیستی، حضور موثر در جایگاه خدمت به مردم و ایستادگی شجاعانه در برابر مستکبران زیاده طلب و مداخلات بیگانگان را از دیگر ویژگی‌های منتخبین ملت ذکر کرد. وی با اشاره به حضور پرشور مردم در انتخابات هفتم اسفند گفت: ملت ایران بار دیگر حضور دشمن شکن خود را در قالب مردمسالاری دینی به رخ جهانیان کشیدند. موسوی با اشاره به روز احسان و نیکوکاری گفت: مردم در ایام پایان سال و در آستانه سال نو فقرا و مستمندان را فراموش نکنند و سهمی در شادی آفرینی برای آنان داشته باشند. وی همچنین با اشاره به هفته درختکاری افزود: باید از تلاش حافظان محیط زیست مخصوصا کشاورزان و باغداران تشکر کرد و همه قدر گنجینه طبیعت که هدیه‌ای الهی است را دانسته باشیم.

موسوی با اشاره به ضرورت رعایت تقوا از سوی همه آحاد جامعه رعایت انصاف در خرید و فروش را از مصادیق رعایت تقوا ذکر کرد و افزود: با توجه به نزدیک شدن به روزهای پایانی سال و فرارسیدن عید نوروز، کسبه بازار باید از کم و گرانفروشی پرهیز کنند.

بسته مطالبات شورای شهر کهریزک روی میز نمایندگان شورای کلانشهر تهران

رئیس شورای اسلامی کهریزک از حضور اعضای شورای شهر کهریزک در صحن علنی شورای شهر تهران خبر داد.

رجوع به صفحه ۲

شهرری مهد شهدای مدافع حرم

معاون امور اجتماعی و فرهنگی منطقه ۲۰ از نامگذاری منطقه ۲۰ به نام قرارگاه فرهنگی شهدای مدافع حرم خبر داد. برومند نامداری در جمع خبرنگاران جنوب تهران با بیان این که شهرستان ری با تقدیم ۴۹ شهید مدافع حرم، بیشترین شمار شهدای مدافع حرم را در بین مناطق ۲۲ گانه به خود اختصاص داده است، اظهار داشت: جایگاه فرهنگ ایثار و شهادت در بین مردم شهیدپرور، مومن و انقلابی شهرستان ری،

رجوع به صفحه ۸

سایه تهران در ری آزار دهنده است

معاون استاندار و فرماندار ویژه شهرستان ری گفت: احاطه بیش از حد شهرداری تهران بر فضای شهرستان ری یکی از اساسی‌ترین مشکلات است. هدایت‌الله جمالی‌پور در گفتگو با خبرنگار اطلاعات افزود: مهمترین مشکل شهرستان ری احاطه شهرداری تهران است که کاملا غیر قانونی و برخلاف تصمیمات کشوری و ماده ۱۴ و قانون ۲ حریم شهرها و روستاهاست. وی افزود: شهرستان ری مستقل و دارای ساختار اداری جداگانه است. مرزهای شهرستان ری مشخص است و هیچ تلاقی و ارتباطی از لحاظ ساختاری با تهران ندارد؛ این ۲ شهرستان از نظر ساختار مدیریتی مستقل از هم هستند اما دخالت و سایه شهرداری

رجوع به صفحه ۲

مدیران کم کار شهرستان جابه جا می‌شوند

هدایت‌اله جمالی پور معاون استاندار و فرماندار ویژه شهرستان ری به خبرنگار اطلاعات گفت: عملکرد ادارات شهرستان ری هر ۶ ماه یک بار بررسی دقیق می‌شود. وی افزود: مدیرانی که در چارچوب سیاست‌ها و اهداف دولت کار و تلاش نکنند قطعا در انتصاب آنها تجدید نظر خواهد شد. فرماندار ویژه شهرستان ری ادامه داد: در سال ۹۵ برخی از مدیران ادارات به علت ضعف عملکردی و عدم کسب امتیاز لازم در عرصه توان مدیریتی در چارچوب ارتقای بهبود خدمات رسانی، جابه جا خواهند شد.

پاسخ فرماندار ری به اظهارات اخیر چمران



معاون استاندار تهران و فرماندار ویژه شهرستان ری به اظهارات اخیر رئیس شورای اسلامی شهر تهران، ری و تجریش پاسخ داد و خواستار تعیین تکلیف جایگاه مردم شهرری در شورای اسلامی شهر شد.

به گزارش خبرنگار اطلاعات به نقل از روابط عمومی فرماندار ویژه شهرستان ری، مهدی چمران چندی پیش در گفتگویی با استفاده از واژه‌های نامتعارف گفته بود درخواست فرمانداری ری مبنی بر تغییر نام شورای شهر تهران به شورای تهران، ری و تجریش، عقلانی نیست.

هدایت‌الله جمالی پور، اظهار داشت: آقای چمران در این مصاحبه به جای تمکین به قانون و رعایت حقوق قانونی مردم شهرری، اینجانب را به علت پیگیری حقوق اساسی مردم شهرری متهم به الفاظی کرده‌اند که قابل بیان نیست و بنده از این مصاحبه ایشان بسیار متاسف شدم.

فرماندار ویژه شهرستان ری افزود: اینجانب و مردم شریف شهر ری از رئیس شورای اسلامی شهر تهران، ری و تجریش انتظاری خارج از قانون نداشتیم، بلکه انتظار داشتیم به سوگندشان برای رعایت حقوق مردم پایبند باشند ودر توجه به حقوق مردم نگاه طبقاتی و میل به مرفهین نداشته باشند.

وی تاکید کرد: اگر رای مردم شهرری نبود قطعاً ایشان نمی‌توانستند

رجوع به صفحه ۲

در صفحات دیگر می‌خوانید:

روش نگهداری از شیرینی‌های خشک وتر و بیسکویت

مهندس رضا نویدی کارشناس و مهندس تکنولوژی شیرینی و شکلات گفت: شیرینی‌ها دو نوع اصلی «خشک» و «تر» دارند. از معروف‌ترین شیرینی‌های خشک می‌توان به زبان، کشمشی، دانمارکی و مربایی و از شیرینی‌های تر به خامه‌ای و رولت اشاره کرد.

مدیریت شیرینی سرای پانیذ در کهریزک ادامه داد: شیرینی‌های تر، دوره ماندگاری کوتاهی دارند و باید حتماً در یخچال نگهداری شوند! زیرا رطوبت بالایی دارند و در ترکیب آنها از تخم‌مرغ و خامه استفاده می‌شود. با توجه به اینکه سطح آلودگی میکروبی در تخم‌مرغ و خامه بالاست، شیرینی تر باید هرچه سریع‌تر مصرف شود. اگر این شیرینی بیش از یکی، دو ساعت بیرون از یخچال بماند، نباید آن را مصرف کرد، زیرا احتمال بالای اضافه شدن آلودگی میکروبی و چربی آن، احتمال مسمومیت را به‌ویژه در کودکان، سالمندان، خانم‌های باردار، بیماران دچار نقص سیستم ایمنی و کسانی که دچار بیمارهای زمینه‌ای مثل دیابت هستند، افزایش می‌دهد. مدت ماندگاری شیرینی‌تر در یخچال ۲۴ تا ۴۸ ساعت است. وی بیان کرد: مدت نگهداری شیرینی خشک به دلیل اینکه رطوبت کمتری دارد، بیشتر از شیرینی‌تر است و حتی می‌توان آن را ۲-۱ هفته بیرون از یخچال، البته در جای خنک یا به مدت یک ماه در فریزر نگهداری کرد.

مهندس نویدی ادامه داد: این واقعیت را هم نمی‌توان نادیده گرفت که هر چه مدت زمان نگهداری شیرینی خشک کوتاهتر باشد، بهتر است، زیرا احتمال اکسید شدن روغنی که در تهیه آن به کار رفته است، در طولانی‌مدت افزایش پیدا می‌کند. بنابراین شیرینی را به اندازه‌ای بخرید که در مدت کوتاهی مصرف شود.

یکی از روش‌ها برای افزایش مدت ماندگاری شیرینی به‌ویژه شیرینی‌های عید، قرار دادن آن‌ها در ظروف دردار به صورت ردیفی است. برای جلوگیری از چسبیدن شیرینی‌ها به یکدیگر و خرد شدنشان هم می‌توانید ورقه‌ای از کاغذ روغنی بین ردیف‌های بالا و پایین قرار دهید و در ظرف را ببندید و آن را در یخچال بگذارید (برای مدت کوتاه) تا شیرینی تازه‌تر بماند.

وی با تبریک سال نو گفت: مشاوره رایگان برای خرید، نگهدار و پخت انواع شیرینی انجام می‌شود.



ادامه از صفحه اول

بسته مطالبات شورای شهر کهریزک روی میز نمایندگان شورای کلانشهر تهران

حسن محمدی‌فرد اظهار داشـــت: در چارچوب پیگیری مصوبات و تعهدهای سابق شهرداری تهران برای ارائه اعتبار و خدمات ویژه به شهر کهریزک، اعضای شورای اسلامی شهر کهریزک در صحن علنی شورای شهر تهران حاضر و طی دیدار با رئیس و نایب رئیس شورا خواستار تحقق مطالبات مطرح شده، شدند.

وی گفت: شـــهر کهریزک به دلیل واقع شدن در جنوب شـــهر تهران و همجواری با آرامستان بهشت زهرا (س) و مرکز دفن زباله آرادکوه همواره محل سرریز مشکلات کلانشهر تهران بوده است که با توجه به ضرورت مطرح کردن درخواست و پیشنهادها؛ اعضای شورای اسلامی شهر کهریزک خواستار دیدار با هیأت رئیسه شورای اسلامی تهران شدند که خوشبختانه این موضوع با استقبال اعضای شورای شهر مواجه شد و اعضای دوره چهارم شورای کهریزک مهمان جلسه علنی شورای کلانشـــهر تهران شدند و پس از آن به طور اختصاصی با مرتضی طلایی و مهدی چمران به گفتگو و رایزنی پرداختند.

رئیس شورای اسلامی کهریزک افزود: مطالبات شهر کهریزک براساس اولویت اهمیت اجرا به نایب رئیس شورای شـــهر تهران اعلام شد که تعریض پل زیرگذر بهشت زهرا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین پروژه‌های عمرانی و ترافیکی مطرح شـــد. اجرای این طرح علاوه بر زیباسازی منظر ترافیکی شهر در کاهش تصادفات و ترافیک گلوگاهی این معبر نیز تاثیر بسزایی دارد. محمدی‌فرد ادامه داد: در گذشـــته بنا به درخواست مدیریت شهر کهریزک، یک دستگاه پل عابر پیاده از سوی سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران در محل ایستگاه مترو کهریزک نصب شده بود که اکنون باتوجه به تعریض محور جاده قم و پر تردد بودن این محل تقاضای توسعه عرشه پل به داخل محوطه ایســـتگاه مترو و مکانیزه شدن پل برای سهولت تردد شهروندان در فهرست مطالبات شورای شهر کهریزک از نمایندگان شورای اسلامی پایتخت مطرح شد.

رئیس شورای اسلامی شهر کهریزک با اشاره به تردد روزانه بیش از یکصد خودرو حمل زباله شهر تهران از محور جاده قدیم قم خاطرنشان کرد: عبور مستمر وسایل نقلیه سنگین از این محور علاوه بر آلودگی زیست محیطی، ایجاد ترافیک و افزایش ضریب تصادفات، منجر به اصطکاک سطح آسفالت محور جاده قدیم قم در داخل شهر کهریزک می‌شود که توزیع آسفالت از ابتدای ورودی کهریزک تا بخش ورودی مرکز دفن زباله از ســـوی شهرداری تهران به‌عنوان یکی از مطالبات اعضای شـــورای شهر کهریزک مطرح شد و در صورت توافق اجرای این طرح می‌تواند سهولت تردد رانندگان و بهبود سیمای شهری را در پی داشته باشد.

وی اظهار داشـــت: در این جلسه موضوعات پیشـــنهادی و درخواست‌ها به اطلاع هیأت رئیسه شورای شهر تهران رسید و مقرر شد اواخر فروردین یا اوایل اردیبهشت در جلسه مشترک شورای شهر تهران و کهریزک بسته پیشنهادی و مطالباتی نمایندگان شهر کهریزک مورد بررسی قطعی اعضای شـــورای شهر تهران قرار گیرد که در صورت جلب موافقت شورای شهر تهران، تعدادی از مشکلات دانه درشت شهر کهریزک برطرف و نتیجه مساعد آن مشمول حال شهروندان شهر کهریزک می‌شود.

ادامه از صفحه اول

پاسخ فرماندار ری به اظهارات اخیر چمران

توفیق خدمت به نظام و مردم را در شـــورای شهر پیدا کنند و بر کرسی شورای شـــهر تکیه زنند. یقین دارم بهتر از اینجانب می‌دانند که رای مردم ری در تعیین سرنوشـــت شـــان برای ورود به شورای شـــهر سرنوشت‌ساز بوده است. فرماندار ویژه شهرســـتان ری با بیان این مطلب که جای تعجب دارد که چرا آقای چمران و برخی از دوستان شورای شهر از روزی که وارد شورای شهر شده اند به‌جای تکریم رای مردم و پیگیری حقوق آنها و تمکین در برابر قانـــون از هر طریق ممکن جلو احقاق حق مردم ری ایســـتاده اند؟ جمالی پور اظهار داشت: مطمئن هســـتم مهندس چمران از مفاد اصل یکصدم قانون اساسی بخوبـــی آگاهی دارد و می داند که قانون اساســـی این حق را برای مردم هر روستا، شـــهر، بخش قائل شده است که برای پیشـــبرد امور فرهنگی، اجتماعی و عمرانی خود، شورا داشته باشند. وی با طرح این ســـئوال که اگر شورای فعلی مربوط به شهر تهران است، وی مشخص کند تکلیف شورای شهر ری چه می‌شود؟ فرماندار ویژه شهرستان ری با اشاره به نامگذاری شـــهرری به عنوان قبله تهران، خواستار توجه بیشتر اعضای شورای تهران به این شهر شـــد و گفت: مگر، شهر ری که از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) قبله تهران نامگذاری شده و در گذشـــته هم سالیان دراز مرکز حکومت ایران بوده و پیشینه تاریخی آن هزاران ســـال بیشتر از شهر تهران است، اعتبار آن پایین تر از پایتخت اســـت درج نام آن در کنار تهران کسر شان دانسته می‌شود؟ فرماندار ویژه شهرستان ری خطاب به ریاست شورای شهر تهران تصریح کرد: اگر شما اعتقادی به درج نام شهر ری در ادامه نام شورای شهر تهران نداشتید، چرا مقابل دولت قبل که قرار بود برابر اصل یکصدم قانون اساسی شورای شهر مستقل در شهر ری تشکیل دهد ایستادید و دست به هر اقدامی زدید که این حقوق مسلم مردم شهر ری محقق نشـــود؟ چرا پافشاری کردید که شورای شهر های تهران، ری و تجریش در هم ادغام شوند. حال چه شده است که به قانونی که خود پیگیر تصویـــب آن بودید، تمکین نمی کنید؟ نماینده عالی دولت در پایان افزود: وزیر کشور، استاندار تهران، رئیس مجمع نمایندگان مردم شریف شهرهای تهران، ری و تجریش، فرماندار تهران و همچنین معاون امورعمرانی وزیر کشور طی مکاتبات متعدد با جنابعالی بر اجرای قانون تاکید کرده است و از شما خواستند که حق مردم شهرری را براساس اصل یکصدم قانون اساسی و تبصره ذیل ماده ۱۲ قانون مصوب سال ۱۳۹۲ در عنوان شورای شهر درج کنید و قانون را به رسمیت بشناسد، اما متاسفانه تا کنون اعتنایی به قانون نکرده اید. قطعا اینجانب با پشتکار تا احقاق حقوق مردم این مسأله را پیگیری خواهم کرد و از دوســـتان عزیزم در شورای شهر انتظار دارم به احترام رای مردم قانون را اجرا کنند.

شهرستان ری آماده پذیرایی از مسافران نوروزی می‌شود

بخش های مختلف شهرستان ری برای میزبانی و پذیرایی شایسته از مسافران نوروزی آماده خدمت رسانی هستند. محمد رضا طالبی معاون امور فنی و عمرانی فرماندار ویژه شهرستان ری، در نشست ســـتاد خدمات سفر شهرستان ری گفت: معاونت اسکان و آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهرری، محل های اسکان در سطح شهرستان را برای دریافت جعبه های کمک های اولیه در اختیار شبکه بهداشت و درمان شهرستان قرار دهند.

وی گفت: معاونت اسکان شهرستان ری با هماهنگی اداره بهداشت و درمان شهرســـتان ری نسبت به ضدعفونی کردن مدارس دارای اسکان اقدام خواهند کرد.

طالبی ادامه داد: اداره شـــبکه بهداشت درمان شهرستان با تشکیل اکیپ‌های ویژه و با هماهنگی و همکاری اداره تعزیرات حکومتی شهرســـتان، نظارت بر رســـتوران‌ها و اغذیه فروشی‌ها، هتل‌ها، مسافرخانه‌ها و همه اماکن تهیه و توزیع مواد غذایی در دستور کار خود قرار داده است.

وی همچنین به وظایف اداره صنعت و معدن و تجارت شهرســـتان در ایام نوروز اشـــاره کرد و افزود: این اداره نسبت به بر پایی جایگاه عرضه مســـتقیم میوه‌های مصوب شـــده در سطح شهرستان از تاریخ ۲۵ اســـفند ۹۴ تا ۱۵ فروردین ۹۵ با قیمت‌های تعیین شده اقدام خواهد کرد. طالبی همچنین فعال کردن اکیپ بازرسی روزانه با وسیله نقلیه و پیاده از جایگاه‌های عرضه میوه فروشـــی‌ها، قنادی‌ها و واحدهای صنفی، کنترل و نظارت بر امور طبخ و افزایش کیفیت نان و ارائه خدمات خودرویی در سطح شهرها با همکاری مجمـــع امورصنفی را از دیگر وظایـــف اداره صنعت و معدن شهرستان ری در ایام نوروز ذکر کرد.



وی اظهار داشت: نسبت به استقرار اکیپ اورژانـــس در ۵ نقطه اتوبان تهران – قم از جمله عوارضی، پل رباط کریم و پل فرودگاه حضرت امام (ره) و پوشـــش امداد هوایی دستورات لازم به اورژانس جنوب تهران داده شده است.

طالبی افزود: جایگاه‌های CNG ســـلمان فارسی و ابن بابویه از ۲۵ اســـفند تا تاریخ ۱۵ فروردین ماه ۹۵ توسط شرکت گاز منطقه ۸ بازگشایی خواهد شد.

وی در پایان اعلام کرد: معاونت ترافیک منطقه ۲۰ با همکاری راهور این منطقه نســـبت به ایجاد پارکینگ مناسب برای اتوبوس‌های زائران حضرت عبدالعظیم الحسنی (ع) اقدام لازم را انجام خواهند داد.

ادامه از صفحه اول

سایه تهران در ری آزار دهنده است

تهران و حضور آن در ری معلوم نیست بر استناد چه قانونی شـــکل گرفته است. جمالی‌پور تصریح کرد: باید دولت و وزارت کشـــور برای حل این تناقض و ســـامان دادن مدیریت یکپارچه‌ای، تصمیم جدی بگیرند، در غیر این صورت ری در آینده با مشکلات زیادی مواجه خواهد شـــد. این مشکلات می‌تواند به رفاه اجتماعی مردم، توســـعه شهرستان ری در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... آسیب جدی وارد کند. فرماندار ویژه شهرستان ری با اشاره به همسایگی تهران و ری گفت: نزدیک بودن ری به کلان شهر تهران به جای اینکه منجر به توســـعه یافتگی شهرســـتان ری شود، موجب عقب‌افتادگی آن شده است. وی با اشاره به فرمایش مقام معظم رهبری در مورد شهرری، اذعان داشت: بنا به فرمایش مقام معظم رهبری، شـــهرری قبله تهران نامیده شد و باید شهرری در حوزه فرهنگ نماد فرهنگی استان تهران باشد. همچنین وقتی بحث از فرهنگ و نماد فرهنگی می‌شود باید در همه حوزه‌ها شهرستان ری متجلی شود که متاسفانه همه آنها به دلیل بارمنفی مشکلات تهران مغفول مانده است.

مقاوم‌سازی و تعریض معابر اصلی روستای قمصر با مشارکت اهالی



دهیار روستای قمصر گفت: مشارکت اهالی در مقاوم سازی و طرح تعریض معابر اصلی و نوسازی روستا اهمیت دارد.
علی فرجی با توجه به بحث مقاوم‌سازی در این روستا بیان کرد: اگرچه امروزه ساختمان‌سازی‌ها بر اساس قوانین و آیین‌نامه‌های مقاوم‌سازی ساخته می‌شوند، اما قسمتی از روستای قمصر بافت فرسوده دارد که مهم‌ترین محل مورد تهدید در برابر آسیب‌های طبیعی است و این نکته هم قابل توجه است که هرچه بافت فرسوده در روستا بیشتر باشد هنگام وقوع زلزله میزان تلفات و خسارات بیشتر و البته امداد رسانی دشوارتر است.
فرجی ادامه داد: در این زمینه دهیاری قمصر گام‌هایی برداشته است که از جمله آن می‌توان به حمایت از متقاضیان نوسازی پلاک‌های واقع در بافت فرسوده اشاره کرد.
دهیار روستای قمصر با توجه به وجود گسل در شهرری و زمین‌لرزه گفت: اگرچه موضوع زلزله و مقابله با بحران‌های طبیعی هنوز به دغدغه‌ای عمومی و گسترده بین اهالی تبدیل نشده، اما برنامه ریزی و فرهنگ سازی مناسب توسط سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با این موضوع از اهمیت ویژه برخوردار است و دهیاری قمصر در نظر دارد مقاوم‌سازی خانه‌های روستایی را با مشارکت مردم و اهالی انجام دهد.
وی با اشاره به اقدامات دهیاری برای طرح تعریض معابر گفت: دهیاری قمصر آمادگی توافق با مالکانی که املاک آنها در طرح تعریض خیابان اصلی (خیابان امام خمینی) می‌باشد را دارد.
دهیار قمصر افزود: اهالی روستا برای مشارکت و همکاری در این طرح می‌توانند به دهیاری این روستا مراجعه نمایند و در کمیسیون این طرح شرکت کنند.

فرهنگ کاشت درخت باید نهادینه شود



محمد صالحی نائب رئیس شورای اسلامی قمصر بر لزوم توسعه فرهنگ درختکاری و نهادینه شدن این فرهنگ در جامعه تاکید کرد.
وی با تاکید بر این که کاشت درخت بستر سازی برای توسعه فضای سبز است افزود: درختان به عنوان یکی از مهم‌ترین سامانه‌های حیات بخش بشر، جایگاه انکارناپذیری در تأمین رفاه، آسایش و سعادتمندی جوامع بشری دارند. وی با بیان اینکه کاشت هر اصله درخت احیای حیات است و بستر حیات را فضای سبز فراهم می کند ادامه داد: پیامبر گرامی اسلام(ص) در حدیثی فرموده اند: «هر کس درختی بکارد و مردم یا موجود زنده از میوه او بهره‌مند شوند، مانند صدقه‌ای است که در راه خداوند پرداخت کرده است» و توجه به این سخنان نشان می‌دهد که امر درختکاری تا چه حد مورد تاکید بزرگان دینمان بوده است.
صالحی با تاکید بر لزوم توسعه درختکاری در سطح روستا افزود: امیدواریم اهالی با توجه به اهمیت حیات طبیعی در حفظ و نگهداری آن کوشا باشند و در سال‌های آینده شاهد توسعه فضای سبز و توجه بیشتر مردم و مسئولان به این امر مهم باشیم.

مقام اول راگبی ایران در مسابقات قهرمانی غرب آسیا

تیم ملی راگبی ایران در مسابقات غرب آسیا با حضور ۱۲ کشور در امارات موفق شد مقام اول را از آن خود نماید. رضا بیات ورزشکار ارزشمند «ری» برای سومین سال متوالی به عنوان کاپیتان تیم ملی راگبی و حامد شفیعی به عنوان بازیکن در این مسابقات حضور داشتند و در کسب این افتخار نقش اصلی را ایفا کردند. تیم ملی راگبی ایران اردیبهشت ماه سال ۹۵ در مسابقات قهرمانی آسیا در قطر شرکت خواهد کرد.

کشف و ضبط ۱۵۹۰۰ دلار قاچاق در فرودگاه بین‌المللی امام

روابط عمومی اداره تعزیرات حکومتی شهرستان ری از کشف و ضبط ۱۵۹۰۰ دلار قاچاق در فرودگاه بین المللی امام راحل خبر داد.
پیرو گزارش پلیس آگاهی فرودگاه بین المللی حضرت امام (ره) مقدار ۱۵۹۰۰ دلار از شخصی به نام (ع-م) کشف شد و پرونده به اداره تعزیرات حکومتی شهرستان ری ارسال و شعبه اول ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز همان شهرستان پس از سیدگی متهم را علاوه بر ضبط مواد مکشوفه به پرداخت مبلغ ۸۰۰ میلیون ریال جریمه نقدی در حق دولت محکوم کرد. همچنین رای پس از تائید در شعبه تجدیدنظر قطعی و نسبت به اجرای کامل آن اقدام شده است.

شهردار باقرشهر:
اجرای طرح‌های عمرانی ثمره همکاری همه مسئولان است



شهردار باقرشهر گفت: طرح‌های عمرانی باقرشهر که در ایام‌اله دهه فجر و روز درختکاری مورد بهره برداری قرار گرفت ثمره همکاری و تلاش همه مسئولان و دست اندرکاران شهری از جمله شورای شهر و زحمات کارکنان شهرداری است. سعید استاد فرج در مراسم غرس نهال در بوستان شاهد باقرشهربیان کرد: حضور مسئولان در این مراسم در واقع لبیک به اقدام معنوی و آسمانی درختکاری است که همواره در دین مبین اسلام و منش بشری مورد تاکید و سفارش بوده است.
وی ایجاد بوستان شاهد را اقدامی دیگر برای آبادانی باقرشهر و رفاه شهروندان ذکر کرد وافزود: در این بوستان شیوه سنتی آبرسانی با تانکر که هزینه، مشکلات و حتی تلفات جانی را به همراه داشت، به شیوه کانال کشی، شبکه کشی و سیستم آبرسانی علمی ارتقا یافته است. استادفرج خاطرنشان کرد: شیوه آبرسانی مدرن علاوه بر کم کردن هزینه‌ها و بهینه کردن مصرف آب، به نیروی انسانی کمتری برای آبرسانی نیازمند است.
وی توجه به سبز کردن باقرشهر به عنوان آستانه کویر را امری حیاتی ذکر کرد و افزود: درخت مظلوم و متاسفانه اسیر دست انسان شده است و اگر انسان آن را مریض کند خود نیز مریض و از مواهب طبیعت الهی بی بهره می‌شود. استاد فرج گفت: انسان آلوده ثمره هوا و خاک آلوده است و برای مقابله با آلودگی هوا و خاک باید با درختکاری و گسترش جنگل‌ها و مراتع، سلامت انسان‌ها را تضمین کنیم. مراسم غرس درخت در جنگل‌های شاهد با عرصه ۵ هکتار در کمربند سبز ضلع غربی باقرشهر با حضور جمالی پور فرماندار شهرستان ری، استادفرج شهردار باقرشهر، موسوی بخشدار کهریزک و جمعی از مسئولان بخش باقرشهر برگزار شد. در این جنگل‌ها حدود ۴ هزار اصله درخت مثمر از جمله زیتون و توت و غیر مثمر از جمله کاج سوزنی و پهن برگ غرس می‌شود.

اجرای طرح اصلاح هندسی خیابان دکتر حکیم زاده



معبر ورودی خیابان دکتر حکیم زاده، ایمن‌سازی مسیر تردد شهروندان و مراجعه کنندگان به آسایشگاه سالمندان کهریزک و زائران آرامستان قلعه شیخ، مرمت و اصلاح هندسی شد. ناصر مصیبی مسئول واحد فنی شهرداری کهریزک با اعلام این خبر گفت: خیابان دکتر حکیم زاده یکی از پر ترددترین معابر شهر کهریزک است که به دلیل دسترسی این خیابان به آسایشگاه سالمندان و آستان امامزادگان ابراهیم(ع) واسماعیل(ع)، روزانه شمار قابل توجهی از اهالی شهر کهریزک و حتی شهروندان سایر مناطق شهر تهران از این معبر تردد دارند به همین منظور برای تسهیل معبر و کاهش بار ترافیکی ورودی خیابان، اصلاح هندسی این معبر در دستور کار واحد فنی و عمران شهرداری کهریزک قرار گرفته که اجرای این طرح، آرام سازی معبر و رضایتمندی شهروندان را به همراه داشته است. وی افزود: در تکمیل طرح اصلاح فرم هندسی خیابان دکتر حکیم زاده، ساماندهی ایستگاه تاکسی مستقر در ابتدای خیابان نیز به اجرا درآمد.

اجرای طرح خانه و مدرسه در مدیریت آموزش و پرورش ناحیه ۱ ری



معاون پرورشی آموزش و پرورش ناحیه ۱ ری از اجرای طرح خانه و مدرسه در چارچوب پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی خبر داد. رسول ملکی افزود: این طرح با همکاری اداره مراقبت از آسیب‌های اجتماعی آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران، ستاد مبارزه با مواد مخدر، در دبستان دخترانه حضرت معصومه(س) و با حضور اعضای هشت خانواده برگزار شد.
ملکی، تقویت مهارت‌های زندگی، افزایش حس مسئولیت پذیری و مشارکت جویی دانش آموزان در کارهای جمعی را از اهداف این طرح برشمرد و افزود: دوره ابتدایی شخصیت دانش آموز در حال شکل گرفتن است، بنابراین باید سعی کنیم این توانایی‌ها و مهارت‌ها را در بین آنان نهادینه کنیم. وی اظهار داشت: همه فعالیت‌های طراحی شده در این برنامه به دنبال تقویت روابط خانوادگی و ایجاد رابطه صمیمانه میان اعضای آن با کودک است.
ملکی جلوگیری از مشکلات بهداشت روانی، خشونت، بزهکاری و پیشگیری از اعتیاد و ترک تحصیل در میان دانش آموزان را از دیگر اهداف این طرح اعلام کرد و افزود: امیدواریم با توانمند سازی والدین در زمینه فرزند پروری و آموزش مهارت‌های لازم در نحوه برقراری ارتباط با فرزندان خود و چگونگی تعامل با محیط مدرسه و معلمان گام مهم و اساسی را در کاهش آسیب‌های اجتماعی در سطح مدارس بر داریم.

خبرنگاران دین خود را به انقلاب ادا کرده‌اند



سرهنگ عبدالرضا زنگنه معاون فرماندهی سپاه حضرت سیدالشهدا(ع) تهران در همایش خبرنگاران بسیجی اظهار داشت: قلم شما خبرنگاران ارزشی و متعهد با قلم خبرنگاران دنیای غرب تفاوت بسیار دارد، چراکه شما با صداقت و صراحت قلم به منظور پیشرفت، اصلاح و رفع نارسایی‌ها و مشکلات مردم قلم می‌زنید و این حرکت شما قابل تحسین و تقدیر است. وی با قدردانی از خبرنگاران، خاطرنشان کرد: آنان در دوران دفاع مقدس در خاکریزهای اول حضور داشتند که دین خود را به جامعه ادا کردند و بسیاری از آنها در این مسیر به فیض شهادت نایل شده یا به افتخار جانبازی و آزادگی دست یافتند.
زنگنه گفت: خداوند نانوشته‌ها را می‌داند، وای به حال نوشته‌ها، بنابراین مراقب قلم‌های خودتان باشید و برای حفظ نظام و ارزش‌های اسلامی قلم بزنید. این فرمانده دوران هشت سال دفاع مقدس، تصریح کرد: خبرنگاران ولایتمدار، در طول ۳۷ سال عمر پر برکت جمهوری اسلامی دین خود را نسبت به نظام ادا کردند و نوشته‌ها و آثار گرانبهای آنان به‌عنوان سند معتبر، ارزشمند و غنی ایثارگری‌ها و جانفشانی‌های مردم و اقشار مختلف جامعه اقتدار و عظمت ایران را به رخ جهانیان کشیده است. زنگنه با تجلیل از همت بلند خبرنگاران افتخاری بسیج بیان کرد: شما به دنبال پست و مسئولیت نیستید و هدف والای شما ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و ادای دین به خون شهدای گرانقدر انقلاب و امام راحل است.

سیداحمد صفوی شهردار منطقه ۲۰ تهران شد

سید احمد صفوی در حکمی از سوی محمد باقر قالیباف، شهردار تهران به‌عنوان شهردار منطقه ۲۰ تهران منصوب شد.
در مراسمی در سالن جلسات شهرداری منطقه ۲۰، با قدردانی از زحمات منصور کتانباف، سید احمد صفوی به‌عنوان شهردار منطقه ۲۰ معرفی می‌شود.
قائم مقام شهردار منطقه ۵ و منطقه ۱۵ تهران و مدیرعاملی سازمان میادین میوه و تره‌بار از جمله سوابقی است که در کارنامه سیداحمد صفوی شهردار جدید منطقه ۲۰ به ثبت رسیده است.

همکاری پلیس راهور و بهشت زهرا به آرامش بیشتر شهروندان منجر می‌شود



سردار تیمور حسینی رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ در آستانه پنج‌شنبه و جمعه پایان سال و با حضور در دفتر مدیرعامل سازمان بهشت زهرا آخرین هماهنگی‌ها برای فراهم کردن شرایط مناسب برای حضور شهروندان در آرامستان بهشت زهرا را انجام داد.
اکبر توکلی مدیر عامل سازمان بهشت زهرا با اشاره به همکاری خوب پلیس راهور تهران بزرگ و شهرداری تهران به ویژه سازمان بهشت زهرا در سال‌های اخیر گفت: با تمام وجود به پلیس و زحمات این عزیزان اعتقاد داریم و می دانیم که خدمت کردن به پلیس یعنی خدمت کردن به شهروندان و تکریم مردم.
مدیرعامل سازمان بهشت زهرا گفت: تلاش بیش از یک هزار ۵۰۰ پلیس راهور برای برقراری نظم و ترافیک آخر سال بهشت زهرا و با هدف آرامش تلاشی ستودنی و قابل تقدیر است.
مدیرعامل سازمان بهشت زهرا با اشاره به چاپ نقشه و توزیع آن بین شهروندان افزود: با توجه به تمهیدات رفاهی و اجتماعی دیده شده و با توجه به این که تمام خیابان‌های اصلی و فرعی سازمان نامگذاری و مسیرها مشخص شده است، نقشه راهنمای قطعات بهشت زهرا تهیه و به‌صورت تمام رنگی از طریق همکاران خدوم پلیس راهور نیروی انتظامی در مبادی ورودی شهر تهران و مسیرهای منتهی به بهشت زهرا توزیع می‌شود.
به گفته توکلی مجهز شدن همه راه‌های ارتباطی به سازمان بهشت زهرا به تابلوهای اطلاع‌رسانی، دوربین‌های پلیس، آماده‌سازی و زیباسازی فضای سبز ۷۵۰ هکتاری سازمان بهشت زهرا و کاشت درخت، بازسازی فضاهای سبز، مبلمان شهری و نظافت محیطی و آماده‌سازی فضای کلی بهشت زهرا برای استقبال از بهار فاطمی و شهروندان، برپایی بازارهای میوه و تره‌بار، هماهنگی‌های لازم با مترو برای افزایش سرویس‌دهی به شهروندان در روزهای پایانی سال به ویژه پنجشنبه و جمعه پایان سال و کوتاه شدن فاصله حرکت قطارهای مترو به هفت و پنج دقیقه در آن ایام از دیگر برنامه‌های سازمان بهشت زهرا در قالب طرح استقبال از بهار فاطمی است. وی با تأکید بر برگزاری مراسم ویژه تحویل سال در قطعات شهدا با حضور خانواده‌های معظم شهدا و شهروندان قدرشناس در روزهای پایانی سال و لحظات تحویل سال و اهدای گل و گلدان و گلاب به زائران قبور مطهر شهدا در لحظه تحویل سال جدید، تأکید کرد: امسال قرار است ماشین‌های برقی به منظور رفاه زائران حرم مطهر حضرت امام خمینی (ره) و رفاه حال خانواده معظم شهداء به‌ویژه مادران و پدران شهدا مورد بهره‌برداری قرار بگیرد.

ترکاشوند: اقتصاد مقاومتی در گرو توسعه روستاهاست

حسین ترکاشوند رئیس شورای بخش کهریزک گفت: توسعه روستایی در چارچوب اقتصاد مقاومتی از وظایف مسئولان است.
وی در حاشیه سومین نمایشگاه دستاوردها و توانمندی‌های دهیاری‌ها و روستاییان استان تهران در روستای قمصر افزود: نمایشگاه توانمندی‌های روستا پتانسیل‌ها را به خوبی نمایش گذاشت که می‌تواند در تبادل اطلاعات و افکار و نمایش توانمندی‌ها برای رشد دیگر روستاها تاثیر گذار باشد.
به گفته ترکاشوند با وجود کمبود امکانات در روستاها شاهد صنایع دستی و دستاوردهای روستایی خوبی بودیم.
رئیس شورای بخش کهریزک با اشاره به توجه مقام معظم رهبری به موضوع اقتصاد مقاومتی بیان کرد: توسعه روستایی گامی موثر به سوی اقتصاد مقاومتی است که برپایی این نمایشگاه‌ها و فعالیت‌ها، برای هدایت روستاها و روستا نشینان در مسیر اقتصاد مقاومتی اهمیت دارد.
ترکاشوند افزود: قمصر به عنوان یکی از بزرگترین روستاهای شهرستان ری، دارای شاخص‌های اقتصادی، ورزشی، فرهنگی و اجتماعی خوبی است که می‌تواند به عنوان نمادی از توسعه روستایی باشد.
وی در پایان گفت: این نمایشگاه به میزبانی قمصر و به همت فرمانداری شهرستان ری، امور روستایی استانداری تهران، بخشداری کهریزک، شورای بخش کهریزک، دهیاری و شورای اسلامی قمصر، مسئولان شهرستان ری به نحو مطلوب برگزار شد.

برگزاری نمایشگاه عرضه مستقیم کالا ویژه بهار ۹۵ در شهرستان ری

با توجه به فرارسیدن ایام پایانی سال و افزایش تقاضا برای خرید، اداره صنعت معدن و تجارت شهرستان ری با همکاری دستگاه‌های ذیربط اقدام به برگزاری نمایشگاه بهاره ۹۵ کرده است.این نمایشگاه ۲۷ اسفند در محل میدان فرمانداری روبروی فروشگاه رفاه دایر است.در نمایشگاه مذکور محصولاتی چون: آجیل و خشکبار – موادغذایی – گوشت و مرغ – کیف و کفش و... ۵ تا۱۵ درصد پایین‌تر از قیمت بازار عرضه شده است.

نمره خوب میزبانی قمصر در سومین نمایشگاه دستاوردهای روستایی



محمدنهاوندیان رئیس دفتررئیس جمهوری در مراسم اختتامیه سومین نمایشگاه دستاوردها و توانمندی‌های دهیاری‌های استان تهران در قمصر گفت: وضع روستاها در مقایسه با گذشته قابل مقایسه نیست و ارتقای زیرساخت‌ها و بهبود شرایط زندگی در سطح روستا از اولویت‌های دولت تدبیر و امید است.وی درباره بیمه سلامت روستاییان هم گفت: بیش از یک میلیون روستایی از بیمه محروم بودند که در دو سال گذشته همه آنان زیر پوشش سلامت قرار گرفتند.نهاوندیان در ادامه افزود: برای رفع مشکل گاز روستاییان، گاز رسانی روستایی را براساس برنامه ریزی وزارت نفت، به بالای ۹۰ درصد خواهیم رساند.وی خاطرنشان کرد: باید با تقویت فرهنگ غنی روستایی، حفظ بافت روستایی، بالا بردن بهره‌وری کشاورزی، بهبود شرایط زندگی روستایی و... باعث عدم مهاجرت به شهر شویم.نهاوندیان با اشاره به میزبانی قمصر در این نمایشگاه گفت: سومین نمایشگاه دستاوردها و توانمندی‌های دهیاری‌های استان تهران در قمصر با کیفیت بالا، میزبانی و میهمان نوازی خوب قمصر برگزار شد.

سبک زندگی اسلامی بر مبنای قناعت بنا شده است



رئیس امور مساجد شهرری گفت: اصول سبک زندگی اسلامی بر مبنای قناعت و استفاده درست از ضروریات زندگی بنا شده است.

حجت‌الاسلام مهدی اصلانی در مسجد جامع شهرری گفت: انبیا(ع) و ائمه معصومین(ع) دلسوزترین انسان‌ها نسبت به مردم به شمار می‌روند.

وی دلسوزی امام زمان(عج) برای به مردم را بالاتر از دلسوزی و مهربانی پدر و مادر نسبت به فرزند دانست و بیان داشت: امام صادق(ع) فرمودند: «به خدا قسم ما اهل بیت(ع) شما را از خودتان هم بیشتر دوست می‌داریم»، این مهم‌ترین قاعده خداوند متعال در انتخاب افراد برگزیده بود.

وی ملاقات بیماران، سیر کردن گرسنگان و رفع نیاز دیگران را تنها در سایه رأفت قلبی انسان‌ها برشمرد و گفت: دعای شبانه حضرت زهرا(س) نسبت به همسایگان و بذل و بخشش حضرت علی(ع) به مستمندان نشان از رأفت بی حد و حصر این دو بزرگوار دارد.

حجت‌الاسلام اصلانی با اشاره به این که اصول سبک زندگی اسلامی که بر مبنای قناعت و استفاده درست از ضروریات زندگی بنا شده است، اظهار داشت: متاسفانه امروز تجمل گرایی و اسراف در سطح جامعه به شدت رواج یافته و این در حالی است که در اطراف شهر تهران بسیاری از مستمندان گرسنه سر بر بالین خواب می گذارند و ما در برابر رفع مشکل آنان در برابر خداوند مسئول هستیم.

رئیس امور مساجد شهرری درباره صدقه دادن و کمک به نیازمندان که موجب افزایش نعمت می‌شود، اعلام کرد: رفع نیاز مردم ابتدا دلی مهربان و سپس تمکن مالی می‌خواهد.

حضور ۱۵ هزار نفر از مردم بخش فشافویه در انتخابات



دعوت و تأکیدات مقام معظم رهبری و ریاست جمهوری برای حضور حداکثری مردم در انتخابات سبب شد که مردم در میدان عمل وارد شوند.به گزارش روابط عمومی شورای اسلامی شهر حسن آباد، صابری بخشدار و رئیس ستاد انتخابات بخش فشافویه گفت:مردم با حضور پرشور خود نشان دادند که همیشه برای رقم زدن سرنوشت کشورشان در صحنه‌های انتخابات خوش درخشیده اند.

وی با اشاره به سخنان مقام معظم رهبری درباره حضور گسترده مردم در انتخابات گفت:رای مردم حق الناس است و همه ما موظفیم امانتداری راپیشه کنیم.صابری با بیان اینکه بیش از ۱۵ هزار نفر با حضور در شعب اخذرای، رأی خود را در صندوق انداختند، افزود:میزان مشارکت شهروندان بخش فشافویه دراین دوره از انتخابات بسیار چشمگیر بوده است.بخشدار و رئیس ستاد انتخابات بخش فشافویه درادامه گفت:دربخش فشافویه ۳۴ صندوق پیش بینی شده بود که ۳۴ هیات اجرایی انتخابات متشکل از ۵ عضو،۳۴ کاربر،۳۴ بازرس ودونماینده فرماندار درمکانهای تعیین شده صندوقهای اخذرای مستقر شده بودند.

ثبت اینترنتی درخواست کاشت نهال امکانپذیر شد

معاون امورشهری و فضای سبز شهرداری منطقه ۲۰ از آغاز اجرای طرح نهضت درختکاری در این منطقه جنوبی خبرداد.سعید شیرازی گفت: به منظور توسعه فضاهای سبز شهری و ترویج فرهنگ حفاظت از محیط زیست، به مناسبت هفته منابع طبیعی، طرح نهضت درختکاری در این منطقه جنوبی آغاز و علاوه بر کاشت نهال در معابر، بوستان‌ها و حریم جنگل کاری‌ها، ظرفیت توزیع رایگان هزاران نهال در منازل، مجتمع‌های اداری و مسکونی و... از سوی مدیریت شهری این منطقه جنوبی فراهم شده است.وی به ظرفیت توزیع ۱۲۰ هزار اصله نهال مثمر و غیرمثمر برای این طرح اشاره کرد و افزود: شهروندان علاقه مند می‌توانند تقاضاهای خود را از طریق سامانه اینترنتی به آدرس http://derakht.tehran.ir و یا http://137.tehran.ir ثبت کنند. همچنین می‌توانند با سامانه تلفنی ۱۳۷ تماس بگیرند.

شیرازی با اشاره به اینکه حفظ و نگهداری از نهال‌ها بعد از کاشت به عهده ساکنان است، ادامه داد: نهال‌ها متناسب با شرایط اقلیمی و سازگار با محیط اهدا می‌شود.وی به اهمیت آموزش‌های شهروندی اشاره کرد و گفت: به منظور ارائه آموزش‌های تخصصی، همراه با عوامل اجرایی کاشت نهال، کارشناسان کشاورزی هم اعزام می‌شوند.معاون شهردار منطقه ۲۰ در پایان یادآور شد: شهروندان برای بهره مندی از دیگر آموزش‌های مرتبط با فضاهای سبز می‌توانند به مرکز تحقیقات و مشاوره گل و گیاه شهرداری منطقه ۲۰ واقع در بزرگراه شهید کریمی بوستان فجر مراجعه کنند یا برای مشاوره با شماره ۳۳۷۴۲۸۲۱ تماس بگیرند.

تلاش جدی برای کاهش آلایندگی کهریزک



بخشدار کهریزک با تأکید بر تشویق شهرداری و دهیاری‌ها نسبت به توسعه فضای سبز گفت: با وجود صنایع آلاینده در بخش کهریزک، انتظار است اقدامات جدی در کاهش آلودگی هوا در این منطقه صورت گیرد.

سید ناصر موسوی در حاشیه آیین درختکاری روستای قمصر که با حضور مدیرکل بحران استانداری تهران، حجت‌الاسلام سید احمد موسوی امام جمعه باقرشهر، بخشدار کهریزک و جمعی از مسئولان شهرستان ری و فعالان رسانه استان تهران برگزار شد، با گرامیداشت روز درختکاری در ارتباط با استاندارد سرانه فضای سبز در بخش‌ها و شهرها اظهار داشت: با توجه به پراکندگی و وسعت بخش‌ها و شهرها، سرانه فضای سبز در بخش‌ها و شهرها متفاوت است.وی با اشاره به ظرفیت روستای قمصر گفت: روستای قمصر با جمعیتی بالغ بر ۷ هزار و ۵۰۰ نفر از توابع بخش کهریزک شهرستان ری است و این بخش با تلاش مسئولان و مدیران این روستا در سال‌ها و ماه‌های اخیر با پیشرفت‌های خوبی روبرو بوده است.بخشدار کهریزک با اشاره به وجود صنایع آلاینده در این بخش اعلام کرد: صنایع آلاینده زیادی چون پالایشگاه تهران، حجم بالای عبور و مرور به‌دلیل آرامستان بهشت زهرا(س)، مرکز زباله و... در این بخش قرار دارد که این آلاینده‌ها اقدامات جدی‌تری برای کاهش آلایندگی در این منطقه را می‌طلبد.وی، توسعه فضای سبز پایدار را از راه‌های موثر در کاهش میزان آلایندگی برشمرد و تاکید کرد: باید تشویق شهرداری و دهیاری‌ها در حوزه توسعه پایدار فضای سبز در دستور کار مسئولان و مدیران قرار گیرد و در بخش کهریزک هم به‌طور جدی این مهم را در دستور کار خود قرار می‌دهیم و امیدواریم مسئولان نیز کمک جدی و شایسته‌ای به بخش کهریزک برای تحقق این مهم داشته باشند.موسوی، نبود آب سالم و کیفی را از آسیب‌های جدی کاهش فضای سبز بخش کهریزک دانست و تاکید کرد: کمبود آب در سال‌های اخیر سبب کاهش و تخریب اراضی کشاورزی بخش کهریزک شده است.

ورزشکار ری‌شهری در مسابقات آسیایی دو و میدانی مدال نقره را کسب کرد

مهدی زمانی دو و میدانی کار جوان اهل شهرری با کسب مدال نقره در مسابقات آسیایی قطر افتخاری دیگر برای شهرری و ایران کسب کرد.هفتمین دوره رقابت‌های دو و میدانی داخل سالن قهرمانی آسیا به میزبانی قطر برگزار شد و تیم چهارم در ۴۰۰ متر امدادی مردان ایران ششمین مدال کاروان ایران را در آخرین روز این رقابت‌ها کسب کرد. تیم چهار در ۴۰۰ متر مردان ایران متشکل از مهدی زمانی، سجادهاشمی آهنگر، رضا قاسمی و مصطفی ابراهیمی با ثبت زمان ۳:۱۱:۸۶ دقیقه پس از قطر میزبان نایب قهرمان شد و علی‌رغم شکست رکورد ملی این ماده به میزان ۲ ثانیه به مدال نقره رسید.

راه مقابله با دشمنان به کارگیری علم و دانش است



حسین حبیب‌زاده مدیر مدرسه هجرت امام باقرشهر و نایب‌رئیس شورای اسلامی باقرشهر از دانش آموزان به عنوان امید و سرمایه‌های اجتماعی یاد کرد و بیان داشت: آموزش دانش آموزان بسیار مهم است و شکل گیری شخصیت از سنین دانش آموزی و پایین‌تر آغاز شود چرا که بهترین و با استعدادترین قشر در میان اقشار جامعه دانش آموزان هستند. وی افزود: تمام دانش آموزان باید در نظر داشته باشند که فراگیری علم و دانش موجبات افتخارات فردی و ملی را فراهم می‌آورد و یگانه راه مقابله با دشمنان دین و اسلام فراگیری و بکارگیری علم و دانش است.حبیب زاده ادامه داد: دانش آموزان آینده‌سازان و امیدهای ما برای اداره کشور هستند باید قدر خود را بدانند و تلاش کنند آموزش‌های لازم را به بهترین نحو فرا بگیرند.

وی در پایان گفت: به همه دانش آموزان مدرسه هجرت امام باقرشهر افتخار می کنم، تک تک آنها دوست دارم و برایشان آرزوی پیشرفت در مراحل تحصیلی و زندگی را دارم.



قلعه نوچمن در انتظار رسیدن به آینده‌ای خوب



محســـن فلاح عضو شورای اسلامی روستای قلعه نوچمن هم به خبرنگار اطلاعات گفت:با تلاش‌ها و همکاری خوب اهالی قلعه نوچمن اقدامات خوبی در سطح روســـتا با توجه به منابع محدود انجام شده است.

وی افزود: در ســـال جاری فعالیت‌های زیرســـاختی قابل قبولی در روســـتا با توجه به طرح‌هادی روستایی صورت گرفت که آینده خوبـــی را برای قلعه نو چمن رقم خواهیم زد.

فلاح بیان کرد: طرح‌هادی روســـتایی طرحی است که ضمن ســـاماندهی و اصلاح بافت موجود، میزان و مکان گســـترش آتی و نحوه استفاده از زمین برای عملکردهای مختلف از قبیل مســـکونی، تجاری و کشاورزی و تأسیســـات و تجهیزات و نیازمندی‌های عمومی‌روستایی را برحســـب مورد در قالب مصوبات طرح‌های ساماندهی فضا و سکونتگاههای روستایی تعیین می کند.

عضو شورای اسلامی روستای قلعه نو چمن ایجاد زمینه توســـعه و عمران روستاها با توجه به شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، بهبود وضع فیزیکی روســـتا را از اهداف واجرای طرح‌های برشمرد.

سپس وی درمورد ساخت وسازهای غیر اصولی و غیر مجاز در روســـتا گفت: با نظارت‌های مستمر در زمینه ساخت و ســـازهای غیر مجاز و همکاری اهالی، مانع از این کار در ســـطح روستا شده‌ایم که افزایش کیفیت ساخت و سازهای روســـتایی، دسترسی روستاییان به خدمات فنی و مهندسی، هدایت توسعه کالبدی روستا از اولویت‌های مهم کاری دهیاری و شـــورای اسلامی است.

فلاح با اشـــاره به طرح اســـتقبال در ســـطح روستا خاطرنشان کرد:طرح استقبال از بهار در روستای قلعه نوچمن به منظور ارتقای کمی و کیفی خدمات، ایجاد چهره‌ای مطلوب و فضایی شاد از سیمای روستا، آماده سازی روســـتا برای رفال حال اهالی، تلطیف سیمای بصری انجام شـــده است.هدف از اجرای این طرح هم هماهنگی، همراهی و ترغیب عموم اهالی محترم ر به منظور حفظ نظافت وستا و پاکسازی محیط روستایی در آستانه سال جدید است.

وی ادامه داد: انجام اقداماتی در سطح روستا به منظور پاکیزه سازی، زیباسازی، ایمن سازی، تلطیف روحیه شهروندان و... در شروع ســـال نو از دیگر اهداف این طرح است.

ضرورت توجه مسئولان به قلعه نوچمن



رئیس شـــورای اسلامی روستای قلعه نوچمن از توابع بخش کهریزک شهرستان ری خواستار توجه بیشتر مسئولان استانی و شهرستانی به این روستا شد.

علی کلهر در گفتگو با خبرنگار ما با تشـــریح فعالیت‌های دهیاری و شـــورای اسلامی روستای قلعه نوچمن، گفت: با وجود مشکلات زیادی که به دلیل کمبود بودجه وجود دارد، ولی با برنامه‌ریزی‌های انجام شـــده بسیاری از مشکلات روستا کاهش یافت و با ایجاد امکانات رفاهی و زیرساختی رضایت خاطر اهالی روستا جلب شد، ولی ضرورت توجه مسئولان به قلعه نوچمن وجود دارد.

وی افزود: فاصله روســـتای قلعه نوچمن تا مرکز بخش کهریزک ۳کیلومتر است، اما از کمترین امکانات برخوردار بود که با تلاش‌های و پیگیری‌های مستمر کارهای عمرانی، فرهنگی، آموزشی و ورزشی خوب و در خور شأن مردمی که در این روستا زندگی می کنند، فراهم شد.رئیس شورای اسلامی روستای قلعه نو چمن از اصلاح بلوار ورودی روستا خبر داد و گفت: متاسفانه این روستا دارای ورودی خوب و مناسبی نبود که توانستیم با پیگیری‌های فراوان این پروژه را به انجام برسانیم.

کلهر اذعان داشت: با تمهیدات انجام شده؛ همه منازل قلعه نوچمن در برابر حوادث طبیعی در سال آینده بیمه خواهند شد.

وی با تاکید بر این که همزمان با آغاز این دوره فعالیت شـــورای اســـلامی روستا، فعالیت‌های عمرانی در اولویت‌های اصلی اقدامات قرار گرفته است اظهار داشت:از سال ۹۳ تا کنون حدود ۶۰درصد پیش بینی پروژه‌ها به انجام رسیده و بقیه به علت نبود بودجه کافی محقق نشده است که امیدواریم کارهای عمرانی باقی مانده را در سال‌های آینده به اتمام برسانیم.

جوانان روستایی سرمایه‌های بزرگی هستند



حسن اصلان عضو شورای اسلامی روســـتای قلعه نوچمن هم به خبرنگار ما گفت: روستای قلعه نوچمن، در گذشـــته دارای مشـــکلات زیادی بود که با پیگیری‌های انجام شده قسمتی از آن رفع شـــده است و امید داریم با حمایت مسئولان و اختصاص بودجه بیشتر برای محرومیت‌زدایی آن گام تأثیر گزاری برداریم.وی جوانان روستا ســـرمایه دانست و افزود: برای شناسایی پتانسیل‌های آنان باید تلاش کرد تا برای عمران و آبادانی ســـطح روستا کار ساز باشند.عضو شورای اسلامی روستای قلعه نو ادامه داد: بی توجهی به جوانان تشـــدید انحرافات و آســـیب‌های اجتماعی را در پی خواهد داشت، به همین دلیل غنی سازی اوقات فراغت نوجوانان و جوانان مسأله مهمی است و نباید آن را به برنامه‌های محدودی خلاصه کرد.وی اذان داشـــت: با همکاری کانون مسجد باب‌الجنت و پایگاه بسیج محمد رسول‌الله(ص) اردوی پارک آبی به صورت رایگان در روستا گذاشـــته شد که برگزاری چنین اردوهایی می تواند جوانان را از آسیب‌ها دور نگه دارد.وی برگزاری مســـابقات عکاسی با موضوع راهپیمایی ۲۲ بهمن، مسابقه کتابخوانی با موضوع حماسه حسینی و اهدا هدایا به برگزیدگان، شـــرکت در مسابقات فوتسال جام رمضان و کســـب مقام اول کهریزک، برگزاری مسابقات فوتسال جام دهه مبارک فجر با همکاری شورای بخش کهریزک، شرکت در مسابقات فوتسال جام هفته بسیج، دعوت از جوانان برای مشارکت فعالیت‌های فرهنگی و مناسبتی دهیاری و شوارای اسلامی و... را از جمله فعالیتها در زمینه اوقات فراغت جوانان بیان کرد.اصلان با اشـــاره به وجود اتباع بیگانه گفت: تعدد زیاد اتباع بیگانه در روستای قلعه نو چمن می تواند به فرهنگ بومی، جوانان، اشتغال، امنیت و... آســـیب جدی وارد کند که برای رسیدگی و ساماندهی این موضوع باید مسئولان چاره بیندیشند تا شاهد بسیاری از مشکلات نباشیم.

قلعه نوچمن به استقرار کانکس نیروی انتظامی نیاز دارد



کنترل روند مهاجرت از روستا به شـــهر از کارکردهای مهم دهیاری‌هاست. عیسی دوســـت‌محمدی دهیار قلعه نوچمن در گفتگویی با خبرنگار اطلاعات با اعلام این مطلب افزود: مهم‌ترین فعالیت دهیاری‌ها کنترل کننده روند مهاجرت از روستا به شهر و ارائه‌دهنده خدمات و تسهیلات عمومی در سطح روستاست.

وی ادامه داد: با ارائه خدمات ســـعی شده است محرومیت‌ها را در سطح روستا کاهش دهیم تا شاهد مهاجرت معکوس شویم.

دوست‌محمدی با اشاره به همکاری مستقیم دهیاری و شورای اسلامی بیان کرد: دهیار بازوی اجرایی شورای اســـلامی در نظام مدیریت روستایی است که با تعامل دو جانبه برای ارتقا و زیرساخت‌های روستایی تلاش می کنند و نمونه بارز این مهم در روستای قلعه نو چمن اتفاق افتاده است.

دهیار قلعه نوچمن ارائه خدمات و تســـهیلات عمومی، تقویت روند توسعه اجتماعی و فرهنگی، حفاظت از امکانات زیربنایی ساخته شده در نواحی روســـتایی، کمک به شورا در بررسی وشناخت کمبودها و نیازهای روستا، توسعه عمران در سطح روســـتا، فراهم‌سازی زمینه‌های اشتغال در روستا، مساعدت به خانواده‌های بی‌سرپرست و بی‌بضاعت و وظایفی مانند ثبت احوال، حفظ، احیاء وتوسعه منابع طبیعی در روستاها را بخشی از فعالیت دهیاری برشـــمرد.وی در مورد امنیت روستا هم گفت: برای برقراری نظم و امنیت در سطح روستا دوربین مدار بسته نصب شده است که اهالی اطمینان خاطر داشته باشند، ولی این مورد کافی نیست و قلعه نو چمن پایگاه انتظامی و استقرار کانکس نیروی انتظامی را برای برقراری آسایش و امنیت بیشتر نیاز دارد.

دوســـت‌محمدی در ادامه پیگیری و تخصیص کد پستی و نصب پلاک پستی در روستا، لکه گیری آسفالت و نصب سرعت گیر کوچه‌های یاس ۱،۲،۳، تهیه نقشه پارک و بلوار روستا، نصب تابلو برای اطلاع‌رسانی مردم بابت استعلام از دهیاری، خرید دو دستگاه خودرو برای حمل و نقل مسافر از روستا به مترو کهریزک و بالعکس، زیرســـازی قسمت‌هایی از بلوار گلها به صورت جداگانه که باعث تخریب آسفالت می‌شد، حفاری و تغییر لوله آب از آزبســـت به پلی اتیلن در بلوار گلها، جابجایی تیرهای برق از داخل بلوار به پشت جداول و داخل پیاده‌رو، آســـفالت، نصب سرعت گیر و اجرای فضای بنر کوچه یاس ۴، زیرسازی انتهای بلوار گلها، اجرای روشنایی و نصب فضای بنر بر روی تیرهای روشـــنایی بلوار گلها، نصب بیلبورد کوچه کشاورز، جدول گزاری، زیرسازی و آســـفالت کوچه‌های بنفشه ۱،۲،۳، ساخت و نصب پل فلزی ورودی کوچه‌های بلوار گلها، ساخت و نصب ۷ عدد پایه پرچم در ابتدای بلـــوار گلها، نصب علایم ترافیکی در بلوار گلها، تهیه و نصب تابلوهای کوچه‌های بنفشه ۱ و ۲، خیابان لاله، یاس ۱،۲،۳،۴ و کارآفرین ۱و۲، اجرای جدول خیابان اصلی و ابتدای کوچه کشاورز، لکه گیری خیابان لاله و کوچه یاس اول، نصب نیمکت و ســـطل زباله در سطح روستا، ساخت و تجهیز پارک انقلاب اسلامی و فضای سبز روستا، اجرای جدول و کفپوش پیاده‌روهای بلوار گلها، اجرای طرح آمار گیری از افراد روستا، خط کشی وسط بلوار، اجرای خط کشی عابر پیاده در بلوار گلها و... را از جمله فعالیت‌های دهیاری و شورای اسلامی قلعه نوچمن در سال جاری بیان کرد.به گفته وی ساختمان دهیاری و شورای اسلامی قلعه نوچمن در مرحله ساخت است و دارای زیرزمین انبار، همکف تجاری، اول دهیاری، دوم شورا و سالن جلسات است.دهیار روستای قلعه نوچمن درپایان این گفتگو با قدردانی از تلاش‌های معاون استاندار و فرماندار ویژه شهرستان ری و معاونین وی، بخشدار کهریزک، شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر کهریزک، اعضای شورای بخش کهریزک(آقایان ترکاشوند، موسوی، ابراهیمی، حسینی راد، کلهر)،اعضای شورای اسلامی روستای قلعه نوچمن؛ اظهار امیدواری کرد با همراهی و مساعدت مسولین شهرستانی، مشکلات باقیمانده اهالی روستا در آینده نزدیک رفع شود.



روشنایی کوچه گلها



جدول گذاری، زیرسازی و آسفالت بنفشه ۱و۲



احداث بوستان انقلاب اسلامی

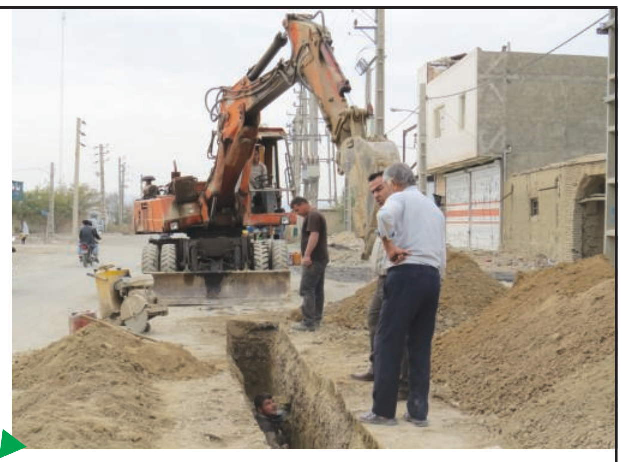


احداث ساختمان دهیاری

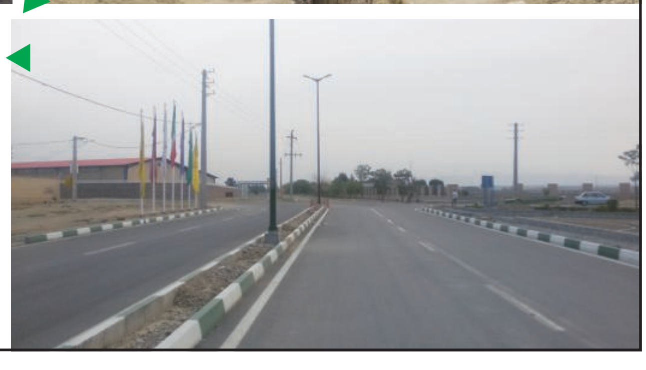


فضای سبز کوچه چهارم









جدول گذاری، زیرسازی و آسفالت، اجرای روشنایی و اجرای کفپوش پیاده روهای بلوار گلها



آسفالت یاس چهارم

تأکید آیت‌الله ری‌شهری بر ضرورت الفت میان جریانات سیاسی پس از انتخابات

تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم الحسنی گفت: کاری که همه جریانات سیاسی باید بعد از انتخابات انجام دهند این است که اختلافاتی که در ایام انتخابات پیش آمده است را کنار بگذارند و اجازه ندهند آن مسائل و جریانات ادامه پیدا کند.

آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری در ابتدای آخرین جلسه هیأت امنای آستان مقدس در سال ۹۴، با استناد به روایتی از امام باقر(ع) افزود: یکی از کارهای شیطان برای دین‌زدایی از جامعه این است که مسلمانان و به‌ویژه پیروان اهل‌بیت(ع) را علیه یکدیگر تحریک و با هم درگیر کند و هنگامی که اختلافات در میان آنها حاکم شد، استراحت می کند.

تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم‌الحسنی(ع) با بیان اینکه باید خداوند متعال را سپاسگزار باشیم که یکی از پرشورترین انتخابات تاریخ انقلاب توسط مردم رقم زده شد و این حضور پرشور، حقیقتا ستودنی است، تاکید کرد: کاری که همه جریانات سیاسی باید بعد از انتخابات آن را سرلوحه خود قرار دهند این است که کدورت‌ها و اختلافاتی که در ایام انتخابات پیش آمده است را کنار بگذارند.

رئیس دانشگاه قرآن و حدیث افزود: در ادامه این روایت، امام باقر(ع) می‌فرمایند: «خدا رحمت کند، کسی که موجب الفت میان مسلمانان شود و درگیری میان ایشان را برطرف کند» و همچنین تاکید شده است که «ای اهل ایمان با همدیگر مهربان باشید و نسبت به یکدیگر الفت بورزید».آیت‌الله محمدی ری‌شهری گفت: همیشه یکی از خواست‌های دشمن این است که دوستان نظام به‌جان یکدیگر بیفتند، زیرا اختلاف باعث شکست می‌شود و این سنت خداست که وقتی در میان جماعتی اختلاف ایجاد شود، سستی و شکست را در پی خواهد داشت.تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم‌الحسنی(ع) اظهار امیدواری کرد با هدایت رهبر معظم انقلاب همه افراد و جریانات سیاسی، حول محور ولایت جمع شوند و اگر اختلافی وجود دارد، به‌خاطر خون شهدا و ارزش‌های انقلاب اسلامی از اختلافات پیش آمده گذشت کنند تا الفت و برادری همیشه در جامعه و نظام اسلامی حاکم باشد.

مدارس در فرهنگ‌سازی نگهداری فضای سبز نقش مهمی دارند

هادی رحمتی مدیر کل ستاد بحران استان تهران در گفتگو با سایت دهیاری و شورای اسلامی قمصر گفت: یکی از مشکلات عمده شهرستان‌های استان تهران مخاطرات زیست محیطی، پدیده‌های گرد وغبار و آلایندگی‌ها درمجموعه روستاهای استان است.

وی ادامه داد: به خاطر وجود صنایع آلاینده به‌ویژه پالایشگاه در کنار باقرشهر و کهریزک، دفن زباله‌های تهران در کهریزک و سرریز فاضلاب به جنوب تهران می‌طلبد که تمهیدات بهتری در راستای رفع این مشکلات اتخاذ شود.وی بر توسعه جنگل کاری تاکید کرد و افزود: توسعه جنگل‌های دست‌کاشت تاثیر خیلی زیادی برای تولید اکسیژن و تضمین حفظ سلامت شهروندان دارد که شاهد این کار در روستای قمصر بودیم.رحمتی در مورد مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد هم گفت: با در اختیار گذاشتن توسعه فضای سبز به عهده مدارس و مشارکت سازمان‌های مردم نهاد می‌توانیم در این زمینه گام موثری به منظور توسعه جنگل کاری داشته باشیم.به گفته وی مدارس می‌توانند در تغییر فرهنگ نگهداری جنگل‌ها مشارکت کند و در حوزه اجتماعی تاثیرگذار باشند.

توسعه فضای سبز روستای قمصر در دستور کار دهیاری قرار گرفت



علی فرجی دهیار روستا با اشاره به توسعه درختکاری و فضای سبز در سطح روستا گفت: نهضت کاشت درخت باید در سطح روستاها نهادینه شود.وی افزود: با توجه به اینکه روستای قمصر در گذشته تفرجگاه اهالی ری بوده ولی با وجود برخی مشکلات به مرور زمان به توسعه فضای سبز بی مهری شده بود، اکنون تلاش خواهیم کرد فضای سبز روستا را در حد بسیار مطلوب احیا کنیم.فرجی با اشاره اهمیت کاشت درخت گفت: درخت گونه‌ای زنده است و باید نسبت به کاشت آن توجه ویژه‌ای شود و توسعه آن در اولویت کار دهیاری قرار دارد.دهیار روستای قمصر خاطر نشان کرد: افزایش پارکها و فضای سبز می‌تواند بستری برای اوقات فراغت جوانان سطح روستا فراهم آورد که این امر در روستای قمصر محقق شده است.

هزینه‌کرد ۱۱۲/۵ میلیارد تومان اعتبار برای فضاسازی فرهنگی

معاون فنی وعمران شهرداری منطقه ۲۰ از اتمام عملیات عمرانی ۵ پروژه فرهنگی در این منطقه جنوبی خبرداد.ابراهیم بابازاده گفت: ۵ پروژه فرهنگی با حجم عملیات ۶ هزار و ۵۰۰ مترمربع توسط معاونت عمران در این منطقه جنوبی به اجرا درآمده و برای بهره‌برداری در اختیار شهروندان قرار گرفته است.وی به اعتبار ۱۲/۵ میلیارد تومانی این ۵ پروژه اشاره کرد و افزود: شبستان امام خمینی، مسجد ساجدین، بازسازی آرامگاه جهان پهلوان تختی، سراهای محله بهشتی، عباس آباد از جمله پروژه‌های فرهنگی در سال جاری بوده است که عملیات عمرانی آن انجام شد.وی با اشاره به اینکه عملیات عمرانی پروژه مجموعه فرهنگی برج طغرل با پیشرفت ۶۰ درصدی طبق برنامه زمانبندی شده از سوی معاونت فنی عمران شهرداری تهران در حال اجراست، گفت: این پروژه ملی و فرامنطقه‌ای با زیربنای ۳۲ هزار مترمربع در محیطی به مساحت ۴ هکتار با اعتبار اختصاصی شهرداری تهران به میزان یکصد میلیارد تومان در جریان است.معاون فنی وعمران شهرداری منطقه ۲۰ یادآور شد: با توجه به رویکرد اجتماعی شهرداری تهران و توسعه فعالیت‌های فرهنگی، اجرای پروژه‌های فرهنگی در یک دهه گذشته روند صعودی داشته است.

شهردار منطقه ۲۰: خدمات شهری باید از منظر شهروندان ارزیابی شود



شهردار منطقه ۲۰ با بیان این که امور شهری را از منظر شهروندان ارزیابی کرد، توجه به مسائل خرد در کنار مسائل کلان شهری، فعالیت‌های میدانی تمامی مدیران حوزه‌های اجرایی و مراقبت و جدیت در نگهداشت شهر را خواستار شد. سید احمد صفوی در مراسم معارفه شهردار جدید منطقه ۲۰ تهران، خدمت به ساکنان همجوار حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) را توفیق ارزشمندی برشمرد و گفت: امیدوارم با مدد حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) و همکاری و تلاش همکاران، بتوانیم کار ارزنده و شایسته‌ای که بر اساس تدابیر شهردار تهران در حال اجراست، به خوبی دنبال کنیم.وی با اشاره به این که مسئولیت‌ها امانتی هستند که برای خدمت به مردم و تامین رضایت خاطر آنها به ما سپرده می‌شود و این امانت‌ها به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی و خون شهیدان شکل گرفته است، افزود: خدمتگزاری صادقانه بهترین پاسخ به این امانت سنگین است.صفوی ادامه داد: با توجه به تنوع و گستردگی فعالیت‌ها در شهرداری، این مجموعه به‌ویژه منطقه ۲۰ بهترین محل برای خدمتگزاری است.وی بر انجام وظایف ارزشی و انقلابی با تکیه بر آموزه‌های دینی و روحیه جهادی تاکید کرد و گفت: توجه به سرمایه‌های انسانی از جمله مسائل اولویت داری است که موجب پیشبرد کار و فعالیت‌های مجموعه می‌شود و باید همواره مورد توجه قرار گیرد.

صفوی به رویکرد اجتماعی مدیریت شهری تهران و تقویت سرمایه‌های اجتماعی هم اشاره کرد و افزود: شورایاران، مدیران محله، سراهای محله، اماکن مذهبی و مساجد از جمله سرمایه‌های اجتماعی هستند که با کمک آنها می‌توانیم خدمت‌رسانی به مردم را بیش از پیش افزایش دهیم و رضایت خاطر آنها را کسب کنیم.

شستشوی فرش در چشمه‌علی

بسیاری از شهروندان در محله چشمه‌علی شهر ری با رسیدن روزهای پایانی اسفند، به استقبال عید نوروز رفته و انجام سنت خانه تکانی را آغاز کرده‌اند. ولی بهتر است در کنار این سنت‌ها بسیاری از مسائل حفظ شود.

ای کاش مردم عزیزمان می‌دانستند که چشمه‌علی یکی از نقاط باستانی، دیدنی و تفریحی شهرری به شمار می‌رود که در جنوب تهران و شمال شهرری، منطقه ۲۰ شهرداری تهران قرار دارد. این چشمه در همسایگی ابن بابویه، برج طغرل، دژ رشکان و در زیر باروی ری واقع شده است. چشمه‌علی از میان صخره‌ای بزرگ خارج می‌شود و به‌سوی جنوب و سپس جنوب شرق جاری است. نام باستانی این چشمه سورینی بوده است که احتمالاً منسوب به دودمانی بزرگ در دوره اشکانیان و ساسانیان است. بعدها به نام امام اول شیعیان علی به چشمه‌علی معروف شد. قدمت چشمه‌علی به حدود ۸۰۰۰ سال پیش بر می گردد.



دیدار جمعی از مسئولان سپاه حضرت سیدالشهداء(ع) و اصحاب رسانه با خانواده شهیدان ملکی



مسئولان سپاه حضرت سیدالشهداء(ع) استان تهران و اصحاب رسانه شهرستان ری در آستانه سالگرد شهادت شهیدان ملکی، با حضور در این دیدار با تکریم خانواده معظم شهدا، با آرمان‌های والای امام راحل، شهدا و رهبر فرزانه انقلاب تجدید میثاق کردند.

حسین ملکی پدر این شهیدان والا مقام وصیتنامه فرزندان شهیدش را قرائت کرد و افزود: هر دو فرزند شهیدم ارادت خاصی به حضرت فاطمه زهرا(س) داشتند و زهراگونه و در ایام شهادت آن بانوی بزرگوار به شهادت رسیدند.مادر شهیدان ملکی هم گفت: مهدی که در ۱۸ سالگی به شهادت رسید، بسیار عاشق شهادت و دفاع از مرزهای میهن اسلامی بود، به‌طوری که سن خود را در شناسنامه تغییر داد تا بتواند به جبهه اعزام شود.وی با بیان خصوصیات اخلاقی مهدی و اینکه خطاط ماهری بود، ادامه داد: مهدی در تاریخ ۲۷ بهمن ۱۳۶۴ (مصادف با ایام فاطمیه در سال ۶۴) در عملیات والفجر ۸ با اصابت خمپاره به پهلویش، با نائل شدن به مقام رفیع شهادت، به آرزوی خود رسید و بنا به وصیت شهید در قطعه ۵۳ بهشت زهرا به خاک سپرده شد.مادر شهیدان ملکی با بیان اینکه مصطفی از نیروهای لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) سپاه پاسداران و جاویدالاثر می‌باشد، افزود: مصطفی بسیار باایمان، خوش اخلاق و پیرو خط امام راحل بود که در ۲۱ بهمن ماه سال ۶۴ در سن ۲۰ سالگی در جزیره ام‌الرصاص شربت شهادت را نوشید.

طرح تفکیک زباله خشک و تر از مبدا در کهریزک اجرا شد

۴تن کیسه پلاستیکی در بین اهالی شهر و مناطق صنعتی کهریزک برای تفکیک پسماند خشک از مبدا توزیع شد.

داریوش خطیر با اعلام این خبر گفت: تفکیک زباله از مبدا یکی از مهمترین موارد زیست محیطی است که علاوه بر کاهش حجم زباله، تاثیر بسزایی در به کارگیری دوباره مواد اولیه دارد، از این رو واحد خدمات شهری شهرداری کهریزک با نصب بنرهای اطلاع رسانی، برپایی دوره‌های آموزشی برای عموم شهروندان و توزیع کیسه‌های پلاستیکی برای تفکیک پسماند خشک، اقدام موثری در این زمینه انجام داده است.

مسئول واحد خدمات شهری در ادامه افزود: بسیاری از زباله‌ها مثل پسماندهای غذا، قابل بازگشت به چرخه طبیعت هستند، اما برخی مانند شیشه و پلاستیک تجزیه نمی شوند و بعضی دیگر هم مدت زیادی طول می کشد تا به چرخه طبیعت بازگردند، بنابراین اجرای طرح تفکیک زباله از مبدا بخش زیادی از هزینه‌های جمع‌آوری و ساماندهی زباله را حذف و فرصت استفاده مجدد از مواد را فراهم می کند. برای مثال برای تولید یک تن کاغذ جدید باید ۱۵ درخت تنومند قطع شود، در حالی که برای تهیه همین مقدار کاغذ از کاغذ بازیافتی، احتیاج به چوب نیست .خطیر در پایان افزود: یکی از مهمترین دلایل عدم تفکیک زباله از مبدا آگاه نبودن شهروندان از اهمیت و ضرورت اجرای این طرح است که اکنون باتوجه به تاکید شهردار کهریزک بر مقوله حفظ و صیانت از محیط زیست و جلوگیری از اتلاف مواد قابل بازگشت به چرخه تولید، اجرای طرح تفکیک زباله از مبدا به طور ویژه در برنامه های واحد خدمات شهری قرار گرفته و خوشبختانه استقبال شهروندان از این طرح، تاکنون تاثیر بسزایی در پیشبرد این طرح داشته است.

کسب ۷ مدال رنگارنگ توسط ورزشکاران ری در مسابقات کاراته قهرمانی استان

مسابقات کاراته قهرمانی استان در تاریخ ۱۴ اسفند ماه در سالن معلم یافت آباد برگزار شد.ورزشکاران شهرستان ری با مربیگری اکبر ابراهیم خانی در این مسابقات حضور چشمگیر داشته و با کسب ۳ مدال طلا، ۱ مدال نقره و ۱ مدال برنز برای شهرستان ری افتخارآفرینی کردند.در بخش بزرگسالان صادق صفری در وزن ۶۰ کیلو مدال طلا و امیر ارشدی در وزن ۸۰ کیلو مدال برنز را از آن خود کردند.در بخش جوانان محمد مهدی ابراهیم خانی در وزن ۶۸ کیلو مدال طلا گرفت.در بخش نوجوانان محمد مهدی رزاقی مدال برنز را کسب کرد و در نونهالان و بخش کاتا محمدامین ابراهیم‌خانی مدال نقره و در بخش کومیته علی اکبری صاحب مدال‌های طلا و برنز این دوره از مسابقات شدند.

هنرمندی دیگر به جمع نیکوکاران آسایشگاه کهریزک پیوست



عظیم فلاح، استاد خوشنویسی و عضو بنیاد نخبگان ایران به جمع مربیان افتخاری در کارگاههای توانبخشی آسایشگاه خیریه کهریزک پیوست.

از این پس کارگاه سفالگری یک میهمان ویژه دارد که آمده است تا هم هنر ارزنده خود را به هنر جویان معلول آسایشگاه کهریزک آموزش دهد و هم با انواع طراحی‌های زیبا، رونقی خاص به این کارگاه پر طرفدار بخشد.

عظیم فلاح جوان خوش ذوق که در این سن توانسته است خیلی زود توانمندی‌های خود را در عرصه نقاشی و خطاطی به رخ هنردوستان بکشد و با برپایی ۸ نمایشگاه خارجی و گالری هنری در وطن، نام و آوازه‌ای مثال زدنی برای خود کسب کند.وی از این پس با حضور در کارگاه هنری سفالگری، طرحی نو ارائه خواهد داد تا سهمی از توانمندی خود را ارزانی کهریزک و اهالی آن کند.وی می گوید: هنر زبان رسایی دارد. با زبان هنر می‌شود بسیاری از ناگفته‌ها را به تصویر کشید و به جامعه و دوستداران هنر و زیبایی عرضه کرد. امیدوارم مانند علاقمندان به امور خیر و نیکوکاری، حضور من هم در مجموعه کهریزک، مثمر ثمر باشد و بتوانم با آموزش معلولان، توانمندی‌های آنان را بیش از پیش افزایش دهم.

روابط عمومی آسایشگاه خیریه کهریزک با آرزوی توفیق برای این جوان مستعد و پر آوازه وطن که آمده است یار هنری هنرجویان معلول و سالمند خانواده بزرگ کهریزک باشد، حضور و قدوم پر خیر ایشان را به فال نیک می گیرد و اطمینان خاطر دارد مانند همه خیرین و نیک اندیشان، این حضور هم منشاء خیر و برکات عالی برای مجموعه بزرگ کهریزک خواهد شد.

نمونه کامل مهاجرت معکوس در روستاهای بخش مرکزی



سید مهدی حسینی رئیس شورای بخش مرکزی شهرستان ری گفت: در چارچوب مناسب‌سازی روستاها و ایجاد روحیه نشاط، طرح استقبال از بهار به صورت ویژه در روستاهای بخش مرکزی شهرستان ری اجرا شد.

وی افزود: با توجه به اجرای طرح استقبال از بهار برنامه‌هایی چون نظافت معابر، خیابان‌های اصلی، فرعی، شستشوی مخازن و معابر شهر، پاکسازی و رنگ آمیزی دیوارها، جمع‌آوری نخاله‌های تخلیه شده در معابر، شستشوی انهار و جداول و... در روستاها صورت گرفت.

حسینی ادامه داد: زندگی در روستا در مقایسه با شهرها بسیار کم هزینه‌تر است و اگر رفاه، آسایش و سپس امکان اشتغال و سرمایه‌گذاری در روستاها فراهم شود، بسیاری از افراد، علاقه‌مند به سکونت در این روستاها می‌شوند.

رئیس شورای بخش مرکزی شهرستان ری با اشاره به مهاجرت معکوس گفت: با وجود امکانات و زیر ساخت‌های خوب روستایی و گسترش صنعت به روستاها زمینه اشتغال زایی و زندگی بهتر فراهم شده که این سبب مهاجرت معکوس شده است و نمونه کامل آن را می‌توانیم در روستاهای بخش مرکزی شهرستان ری شاهد باشیم.

هویت خاک شده



اینجا هیچ نشانه‌ای از زنانگی‌های بزک‌شده و آب و رنگ‌دار نیست. از آن هم ساده‌تر هیچ خبری از بحث کردن بین زنان مدرن و سنتی نیست، تا مثل همیشه، سر آخر مدرن‌ها و سنتی‌ها هیچ کدام دیگری را راضی نکنند. اینجا نه صدای موسیقی خاموش شده زنان را می‌شنوی، نه صدای زنانی که در مجلس شورای اسلامی شبیه مردها حرف می‌زنند، اما هنوز هم روح زن بودن زنده است. زنی که لباسش از پارچه‌های رنگین و سوزن دوزی شده است، روی زمین نشسته و در سردترین روزهای سال نوعی سبزی را خرد می کند برای غذایی که نمی‌شود حتی حدس و نظری درباره‌اش داشت. این یک موقعیت کاملا جبری، جغرافیایی برای هشت زنی است که به همراه خانواده‌شان از ۱۵۲۳ کیلومتر آن سوتر از تهران، از سیستان‌وبلوچستان، نزدیک به ۱۶ ساعت حرکت کرده‌اند تا به تهران برسند و شاید زندگی‌شان تغییری کند.

به گزارش خبرنگار اطلاعات، روزنامه جهان صنعت در ادامه گزارش خود می‌نویسد: حالا هم که به تهران رسیده‌اند تمام سهمشان از زندگی شهری چیزی نیست جز، زندگی در حاشیه روستایی اطراف تهران. اگر تهران متن اصلی این کلاف تو در تو باشد، باقر شهر حاشیه آن است و کمی دورتر از باقر شهر روستای اسماعیل‌آباد، در مجاورت پالایشگاه نفت، آخرین و دورترین نقطه حاشیه‌ای است که حتی ساکنان بومی‌اش آن را تخلیه کرده‌اند. اما همین روستایی که هیچ سهمی از پیشرفت و تکنولوژی شهری ندارد، چند سالی است که موطن این خانواده سیستان‌وبلوچستانی شده است.

در حاشیه این روستا اما خانواده‌ای مهاجر به دنبال یافتن آخرین بارقه‌های امید در کپرهایی زندگی می کنند که از آب و گاز هم که بگذریم حتی، سرویس بهداشتی هم ندارند. همه آنچه از مفهوم خانه برای این خانواده بزرگ وجود دارد چیزی نیست جز اتاقک‌های کوچک کاهگلی و پارچه‌ها و تکه‌هایی از چوب و پلاستیک. اینجا مفهومی از کفپوش و فرش قابل درک نیست. فرش این زندگی همین زمین خاکی است که رویش نشسته‌اند و سبزی خرد می کنند.

زنی ایرانی که غریبه‌ای غریب است

فقر برای مهاجران پاکستانی نیست که اگر هم بود بی شک باید باز هم نگران می‌شدیم، اما این صدای حرف زدن‌های زنی ایرانی است که دخترش را با فریاد می خواند و می گوید: «کجا بودی؟ زود باش بیا خونه ببینم". این لحظه است که همه دلواپسی‌های زنانه‌ات به سراغت می آیند و دلت اشک می خواهد که چرا زنی ایرانی، در همین مرز و خاک، به هر دلیلی از نگاه هموطنانش بیگانه و مهاجر به نظر می‌رسد؟! آیا سکوتش او را از متن اصلی زندگی بیگانه کرده است؟ یا لباس‌های رنگین و زیبای سیستانی‌اش؟ این زنان سیستانی که چشم‌ها و دهانشان را بسته‌اند و به حکم زن بودنشان و به حکم نبودن ساده‌ترین امکانات زیستی به تهران مهاجرت کرده‌اند، چه تفاوتی با زنان دیگر این سرزمین دارند؟!

زنان سیستان و بلوچستان در اینجا شناسنامه ندارند. زن می گوید در شهر ما برای دخترها شناسنامه نمی گیرن! اصلا رسم نیست برای دخترها شناسنامه بگیرن! من خودم هم شناسنامه ندارم. این جاری‌هامم که می‌بینی شناسنامه ندارن، خواهر شوهرمم شناسنامه نداره. ما هیچ‌وقت به فکر شناسنامه داشتن نبودیم!

اینجا در دورترین نقطه از متن تهران، حاشیه‌ای‌ترین نقطه زندگی، وقتی انسان‌ها دیده نمی‌شوند به تلخ‌ترین شکل خود نمود پیدا می کند. دیدن انسان‌ها کار ساده‌ای است، فقط باید مرزهای فقر و ثروت، جنسیت و نژاد را پاک کنی تا چشمانت حتی با بزرگ‌ترین لکه زندگی بتوانند انسانیت را ببینند. زنان سیستان و بلوچستانی که به امید زندگی بهتر به تهران آمده‌اند. هنوز هم هیچ سهمی از زندگی ندارند. مگر می‌شود شناسنامه نداشت و به دنبال ساده‌ترین نیازهای زیستی هیچ درخواستی نداشت؟ در کدامین قانون آمده است که زنان این سرزمین بی‌شناسنامه، بدون تحصیلات و بدون هیچ حقی از زندگی کردن فقط باید زنده بمانند؟ از سیستان‌وبلوچستان تا تهران ۱۶ ساعت راه است. اما این ۱۶ ساعت، تبدیل شده است به قرن‌ها عقب ماندن از ابتدایی‌ترین حقوق زندگی.

مجید آباد در انتظار کمک مسئولان



داوود لک قاسم‌آبادی رئیس شورای اسلامی روستای مجیدآباد به خبرنگار ما گفت: روستای مجید آباد دارای جمعیتی بالغ بر ۳۵۰ نفر است و با توجه به منابع مالی محدود فعالیت‌های زیرساختی خوبی برای رفاه حال اهالی روستا انجام شده است.

وی ادامه داد: با توجه با اینکه بودجه و در آمد مستقلی نداریم و تمام هزینه‌ها از سوی شورای بخش کهریزک تامین می‌شود، در سال جاری اعتبارات خوبی در روستا هزینه شده است، ولی با این وجود نیازمند توجه بیشتری برای عمران و آبادانی بیش از پیش در روستا هستیم.

لک قاسم‌آبادی پروژه‌های انجام شده را زیر سازی معابر، ساخت جداول، ایجاد سنگفرش معابر، اجرای طرح اگو(ساخت کانال شهری)، روشنایی کوچه آتش پنجه، آسفالت کوچه اول و آتش پنجه، نصب دستگاه‌های ورزشی در کوچه آتش پنجه و تامین آب شرب روستا، اعلام کرد.

وی در ادامه از جمله پروژه‌هایی که قرار است انجام شود را چنین برشمرد: زیرسازی، جدول کشی و آسفالت خیابان امام حسین(ع)، اجرای طرح اگو در سطح روستا، ساخت سالن چند منظوره با توجه به وسعت روستا، احداث ساختمان شورا و دهیاری.

وی در مورد نداشتن کد روستایی مجیدآباد گفت: کد روستایی یعنی شناسنامه روستا و با توجه به نداشتن کد روستایی، نمی‌توانیم از استانداری بودجه مستقل جذب کنیم. طبق قانون روستاهای بالای ۳۰ خانوار می‌توانند کد روستایی داشته باشند، ولی با توجه به اینکه مجید آباد حدود ۸۰ سال قدمت دارد و دارای ۷۰ خانوار است، نیازمند کد روستایی هستیم، لذا از مسئولان استانداری تهران تقاضای جدی برای رسیدگی به این مورد را داریم.

رئیس شورای اسلامی روستای مجیدآباد کرد: روستای مجیدآباد مشکلات زیادی دارد و با پیگیری‌های اعضای شورا قسمتی از آنان رفع شد و برای آبادانی بیشتر روستا تلاش خواهیم کرد.

همچنین از جمالی‌پور معاون استاندار و فرماندار ویژه شهرستان ری، موسوی بخشدار کهریزک، ترکاشوند رئیس شورای بخش کهریزک، نخعی رئیس بنیاد مسکن شهرری برای کمک‌های فراوانی که در مورد رفع مشکلات مجید آباد داشته اند، تشکر و قدر دانی می کنم.

مهاجرت معکوس روستایی در گرو ایجاد امکانات



قربانعلی ترک علی‌آبادی عضو شورای اسلامی مجیدآباد در مورد نقش روستا در کشور به خبرنگار ما گفت:

روستا به عنوان بخش بزرگی از نظام اجتماعی و جمعیتی کشور که در آن تعداد زیادی از عوامل انسانی سکونت دارند، محسوب می‌شود. در روستاها عوامل و منابع ارزشمندی اعم از عوامل انسانی، منابع طبیعی و اقتصادی به عنوان ذخایر استراتژیک کشور وجود دارند که در پیشرفت جامعه نقش مهمی ایفا می کنند.

وی افزود: فعال‌سازی ساکنان روستاها می‌تواند کمک شایان توجهی به تامین امنیت اجتماعی بکند و باعث کاهش حجم زیاد ناملایمات اجتماعی گشته و منجر به کاهش پدیده «مهاجرت روستا ـ شهری» شود.

ترک علی‌آبادی با اشاره به مهاجرت معکوس روستایی گفت: با توجه به افزایش جمعیت شهر نشینی برای جلوگیری از مهاجرت روستایی باید همه امکانات را در سطح روستا افزایش داد تا شاهد مهاجرت معکوس باشیم.

وی در ادامه گفت: سطح روستای مجید آباد از حداقل امکانات برخوردار است که با برنامه‌ریزی مناسب، باید کمبودها، کاستی‌ها، نقاط ضعف و قوت برنامه‌های روستایی را شناسایی و نسبت به اصلاح آن باید اقدام کرد و این مورد نیازمند یاری مسئولان برای ارتقای روستاست.

عضو شورای اسلامی مجیدآباد درباره نبود کانکس نیروی انتظامی در قاسم‌آباد گفت: مجیدآباد دارای جمعیتی بالغ بر ۷۰ خانوار است که علاوه بر آن اسقرار کارگاه‌های صنعتی و تردد افراد غیر بومی، این روستا را از لحاظ امنیتی دچار مشکل کرده است و از مسئولان تقاضای جدی برای ایجاد کانکس نیروی انتظامی در سطح روستا را داریم.

مجید آباد در بین انبوهی از کارگاه‌ها و مراکز صنعتی



سهیلا نجف‌قلی‌زاده عضو شورای اسلامی مجیدآباد هم به خبرنگار ما گفت: روستای مجیدآباد کوچکترین و محروم‌ترین روستای بخش کهریزک و دارای ۷۰ خانوار ساکن است که حدود ۲۰ خانوار آن اتباع خارجی و ساکنان دارای مشکلات اقتصادی هستند.

وی افزود: مجیدآباد در بین انبوهی از کارگاه‌ها و مراکز صنعتی از جمله مجتمع صنعتی فرخی باقرشهر و مجتمع جوکی واقع و موجب بروز مشکلات و معضلاتی از جمله آلودگی هوا، آلودگی صوتی، زیست محیطی، تردد ماشین‌های سنگین، رفت و آمد اتباع کارگر خارجی غیر قانونی و... شده است.

نجف‌قلی‌زاده بیان کرد: با وجود این مشکلات هیچ گونه عوارض و مالیاتی از این مراکز به این روستا اختصاص داده نمی‌شود. همچنین در صدد پیگیری انتقال صنایع آلاینده یا خانه‌های مسکونی هستیم.

وی در مورد امکانات رفاهی سطح روستا گفت: با وجود کمک‌هایی که از سوی شورای بخش کهریزک به مجید آباد شده است ولی از نظر وسایل رفاهی (خط تاکسیرانی، اتوبوس)، ورزشی (زمین فوتبال، والیبال، فضای سبز، پارک)، امکانات فرهنگی، اجتماعی و... این روستا حداقل است. با توجه به اینکه فعالیت‌های زیادی در مجیدآباد انجام شده است، ولی نیازمند اختصاص بوجه و توجه بیشتری برای رفاه حال ساکنین هستیم.

نجف‌قلی‌زاده نداشتن هیچ گونه فضای تفریحی، پارک، ورزشی و... معضلی بزرگ در سطح مجیدآباد دانست و افزود: نبود هیچ گونه امکانات در روستا می‌تواند زمینه انحراف جوانان را فراهم کند که این نباید از کنار این مورد به سادگی گذشت.

وی در پایان از مسئولانی که برای عمران مجید آباد تلاش کرده‌اند، تشکر و قدردانی کرد.













جوانه‌ها نشان از دادار مهربان است

عید نوروز عیدی باستانی با پیشینه هزار ساله که هر ساله در میان تمامی اقوام ایرانی جشن گرفته می‌شود. عیدی که با آداب و رسوم خاص خود به استقبال بهار طبیعت می‌رود.

خانه تکانی، خرید و جنب و جوش به اتمام رساندن کارهای نیمه تمام و... شور و حال زیبایی به لحظه‌های پایانی سال می‌دهد.

لحظه تحویل سال آنقدر مقدس است که حتی طبیعت هم از درختان خشکیده جوانه‌های تازه‌ای می‌رویاند و دیری نمی‌پاید که این جوانه‌ها به ثمره‌هایی تبدیل می‌شوند که هر کدام نشان از دادار مهربان است.

پس بیایید شاخه‌های خشکیده قلبمان را که از بی مهری‌ها و بی توجهی‌ها نشات گرفته، با الفت جوانه‌ها یی برویانیم و منتظر معجزه الهی باشیم که بی شک تحقق خواهد یافت.

قدر لحظه‌ها را بدانیم و به یاد داشته باشیم که در کنار پستی و بلندی‌های زندگی خوشی‌ها جبران تمام سختی‌هاست و کنار هم بودنمان را تلخ نکنیم تا با گذر زمان غصه آنها را نخوریم.

عیدتان سبز، دلتان خوش و تک تک لحظه‌هایتان بهاری.

احمدرضا ابراهیمی

ادامه از صفحه اول

شهرری مهد شهدای مدافع حرم

در شهر تهران و سطح کشور منحصر به فرد است و نامگذاری این منطقه به‌عنوان قرارگاه فرهنگی شهدای مدافع حرم باعث انتقال بیشتر راه و تفکر شهدا به نوجوانان و جوانان امروز می‌شود.وی افتتاح این قرارگاه فرهنگی را عامل ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه دانست و افزود: شهدای مدافع حرم تداوم‌گر فرهنگ ایثار و شهادت هستند و با مراجعه به تاریخ در می‌یابیم که فرهنگ دوران دفاع مقدس باعث شد جوانان ما مشتاقانه و داوطلبانه برای دفاع از حرم اهل‌بیت(ع) و مبارزه با گروهک‌های تکفیری اعزام شوند.

معاون امور اجتماعی و فرهنگی منطقه ۲۰ با بیان اینکه باید سیره و منش شهدا به‌عنوان فرهنگ و الگو در بین مردم معرفی تا روحیه شهدا در جامعه ماندگار شود، خاطرنشان کرد: یکی از عواملی که می‌تواند در ترویج فرهنگ شهادت مؤثر باشد، زنده نگهداشتن یاد و حماسه‌سازی‌ های شهدا، به‌ویژه شهدای کربلا و به تبع آن شهدای انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و شهدای مدافع حرم و تبیین این مطلب که «ما مدیون خون شهدا هستیم»، است.

✻ صدای مردم

با نزدیک شدن به عید و چهارشنبه‌سوری شاهد فروش انواع مواد منفجره از سوی دستفروشان هستیم. از مسئولان تقاضا داریم با عوامل تولید و فروش این مواد خطرناک برخورد شود.

جمعی از اهالی محله دولت‌آباد

چشمه علی یک مکان تاریخی و تفریحی مناسب برای خانواده‌هاست، ولی این مکان به دلیل حضور اراذل و اوباش به یک جای ناامن تبدیل شده است. از مسئولان تقاضا دارم با این اشرار برخورد کنند.

جمعی از اهالی محله چشمه علی

از شهرداری منطقه کهریزک برای ترمیم آسفالت معابر تشکر می کنیم.

خانم محسنی

سرانه فضای سبز ۲۳/۵ متری کهریزک روی سکوی برترین‌ها





گردهمایی مسئولان فضای سبز استان تهران با حضور مهندس سلیم‌آبادی مدیر کل دفتر فنی استانداری تهران، دکتر هدایت‌الله جمالی‌پور معاون استاندار و فرماندار ویژه شهرستان ری، مهندس عربی شهردار و اعضای شورای شهر کهریزک، دکتر رجبی استاد دانشگاه و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و مدیر عامل شرکت مهندسی مشاور نگاه پرداز برگزار شد. مهندس رامین عربی، شهردار کهریزک در این مراسم از دستیابی سرانه فضای سبز شهر کهریزک به ۲۳/۵ متر مربع خبر داد و گفت: سرانه فضای سبز شهر در سال ۹۰ تا ۹۲ حدود ۱۷ متر مربع بود، اما خوشبختانه با توجه ویژه شهرداری و شورای کهریزک به مقوله توسعه فضای سبز، این سرانه در ۲ سال اخیر با افزایش ۶,۵ درصدی به ۲۳,۵ متر مربع رسیده و از حد استاندارد استان نیز پیشی گرفته است. وی یکی از مهمترین سیاست‌های شهرداری در کنار توسعه کمی فضای سبز را کیفی سازی پوشش‌های گیاهی شهر دانست و افزود: اکنون به دنبال کاشت گونه‌های گیاهی جدید و سازگار با اقلیم آب و هوایی این شهر هستیم تا بتوانیم شهری سبز، زیبا با پوشش گیاهی منحصر را به تصویر بکشیم.

وی در ادامه افزود: کهریزک جمعیتی بالغ بر ۳۰ هزار نفر دارد که در محدوده‌ای بالغ بر ۲ هزار هکتاری ساکن هستند که در چارچوب بهبود اوضاع زیست محیطی شهر به دنبال ارتقای کیفی و کمی فضای سبز شهر هستیم تا بتوانیم با توسعه فضای سبز، بخشی از مشکلات تحمیل شده به شهر را کاهش دهیم.

شهردار کهریزک ادامه داد: بازسازی بوستان شهرک امام حسن مجتبی(ع) محور اصلی برنامه‌های شهرداری و شورای شهر است و با مساعدت و همکاری شورای این شهر این بوستان با مساحت ۷ هزار مترمربع با هزینه یک میلیارد تومان در دوفاز بازسازی شده که امید است فاز دوم این طرح در سال جدید به اتمام برسد.

طراحی و اجرای پارک محلی ولیعصر(عج) به مساحت ۱۱۰۰ متر مربع، طراحی پارک محله مجتمع بهران به مساحت ۷۰۰ متر مربع، بازسازی فضای سبز ورودی قلعه شیخ(یکی از روستاهای شهر کهریزک)، تعریض خیابان مصطفوی که ۱/۵ هکتار مساحت از این خیابان را فضای سبز در نظر گرفتیم از جمله اقدامات مهمی است که در زمینه توسعه فضای سبز اجرا شده است.وی درباره برنامه‌های روز درختکاری گفت: همزمان با روز درختکاری ۶ هزار اصله نهال در شهر کهریزک غرس کردیم و ۳۰ هزار اصله نهال برای توسعه فضای سبز و ترویج فرهنگ درختکاری در بین شهروندان توزیع شده است.

عربی افزود: در اضلاع شمال و جنوبی کهریزک بهشت زهرا و مرکز دفن زباله آراد کوه قرار گرفته و آثار مخرب روحی، روانی و بهداشتی را این دو مجموعه به شهر کهریزک تحمیل کرده است. روزی ۸ هزار تن زباله شهر تهران از کهریزک می گذرد و ماشین‌های حامل زباله علاوه بر آلودگی صوتی، شیرابه‌هایی را که در مسیر بر روی آسفالت می‌ریزند که سطح جاده را تخریب می کند.

شهردار کهریزک درباره دریاچه دفن زباله در این مرکز گفت: آلودگی که دریاچه مرکز دفن زباله ایجاد کرده حتی به چاه‌های آب زیر زمینی نفوذ داشته است و آزمایش‌هایی که انجام دادیم نشان داده است چاه‌های آب زیر زمینی شهر کهریزک بسیار غیر بهداشتی هستند و حتی برای آبیاری نیز مناسب نیستند.

عربی اظهار داشت: مشکلات ترافیکی و بوی نا مطبوع زباله‌ها در این شهر از جمله مشکلاتی است که به این شهر تحمیل شده است.وی در ادامه با اشاره به مباحث امور زیر بنایی در شهرداری کهریزک گفت:تهیه نقشه UTM برای فضای سبز اطراف شهر و افزایش ۵ هکتاری فضای سبز، عقد قرارداد با مشاوران برای پلاک کوبی الکترونیکی، مطالبات آب و تفکیکی آب شرب با آب آبیاری، مطالبات GIS فضای سبز و آزمایش آب همه ی چاه‌های آب از اقداماتی است که در حوزه امور زیر بنایی انجام شده است.عربی با توجه به برنامه‌های سال آینده شهرداری کهریزک گفت: با حمایت و مساعدت اعضای شورای شهر کهریزک در سال جدید در نظر داریم فضای سبز را افزایش دهیم.وی ادامه داد: بازسازی فاز دوم بوستان شهرک امام حسن مجتبی(ع) با هزینه یک میلیارد تومان، طراحی و اجرای پارک قلعه شیخ به مساحت ۲/۵ هکتار، طراحی و اجرای پارک کریم خان به مساحت ۷ هزار متر، اجرای فاز دوم پارک آفتاب به مساحت یک هکتار و اجرای جنگل کاری پائولونیا در قلعه نو چمن به مساحت ۱/۵ هکتار از مباحثی است که در سال جدید با کمک و همکاری شورای شهر کهریزک اجرا خواهدشد.

عربی با توجه به شرایط اقلیمی شهر کهریزک گفت: نگهداری فضای سبز در کهریزک با توجه به شرایط آب و هوایی بسیار سخت است و از اداراتی که در فضای سبز فعال هستند تقاضا داریم با شهرداری همکاری لازم را داشته باشند تا تلاش‌های این شهرداری به نتیجه برسد.

فرماندار: برای توسعه روستاهای ری قدم‌های بزرگی برداشته شده است

هدایت‌الله جمالی‌پور فرماندار ری در مراسم بازدید نهاوندیان رئیس دفتر رئیس‌جمهوری از نمایشگاه دستاوردها و توانمندی‌های دهیاری‌ها و روستاهای شهرستان‌های استان تهران گفت: حدود ۲ هزار و ۲۰۰ میلیارد ریال بودجه که معادل بودجه عمرانی شهر تهران است از ابتدای دولت یازدهم برای توسعه روستایی، مدیریت شهری، بخش درمان و بهداشت و تامین آب شرب مصرفی در شهرستان ری صرف شده است.

وی با بیان اینکه شهرستان ری با ۱۳۱ روستا بیشترین روستا را در شهرستان‌های استان دارد افزود: شهرری دومین شهر استان تهران، دوازدهمین شهر صنعتی و دهمین شهر صنفی کشور است.

جمالی پور وجود بارگاه حضرت عبدالعظیم(ع) و سابقه انقلابی و مجاهدت‌های عظیم مردم را از جمله ظرفیت‌های عظیم شهرستان ری ذکر کرد و افزود: فرمانداری ری از ابتدای مسئولیت در دولت یازدهم اقدامات بزرگی برای بازیابی جایگاه شهرستان ری از جمله ارتقای جایگاه ادارات این شهرستان از دفتر نمایندگی به معاونت اداره کل انجام داده است.

جمعی از مسئولان از جمله نهاوندیان، رضوی معاون توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری، جمالی پور فرماندار ویژه شهرستان ری و الماسی مدیر کل امور روستایی استانداری تهران از سومین نمایشگاه دستاوردها و توانمندی‌های دهیاری‌ها و روستاهای شهرستان‌های استان تهران در روستای قمصر از توابع کهریزک شهرستان ری بازدید کردند.

گشایش زورخانه حضرت سیدالکریم(ع) برگ زرین دیگری در ورزش باقرشهر



به همت مجموعه شهرداری و شورای اسلامی باقرشهر زورخانه حضرت سیدالکریم(ع) به بهره برداری رسید و از این پس روزانه ذکر اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام در این مکان مقدس طنین انداز می‌شود.

مسئول تربیت بدنی شهرداری باقرشهر با اعلام این خبر گفت: با مساعدت و پیگیری‌های خوب شهردار باقرشهر و اعضای شورای اسلامی زورخانه سیدالکریم با تجهیزات مناسب و کافی پس از دوسال طبق وعده شهردار باقرشهر به بهره برداری رسید. رضا لک اظهار داشت: این زورخانه که با تلاش شهردار و اعضای شورای اسلامی باقرشهر ساخته شده یکی از بهترین و بزرگترین زورخانه‌های کشور است و با افتتاح این پروژه میتوانیم فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی را احیاء کنیم. مسئول هیأت ورزش‌های زورخانه‌ای باقرشهر در حاشیه این مراسم در گفتگو با خبرنگار ما اظهار داشت: امروزه ورزش زورخانه‌ای در پرورش شایسته‌ترین خصایص انسانی مانند جوانمردی، گذشت، ایثار، فداکاری، حس نوع دوستی و مبارزه با ظلم و جهل جایگاه خوبی پیدا کرده است از این رو ورزشکاران باید توجه ویژه‌ای به این ورزش باستانی داشته باشند. ترهنده با تاکید بر این که این ورزش روح و جسم را از ناپاکی‌ها صیقل می‌دهد؛ گفت: بارزترین ویژگی این ورزش، پهلوانی و پهلوان بودن است. ورزش زورخانه‌ای با توجه به ویژگی خاص خود نه فقط یک ورزش کامل است بلکه فرهنگ خوب و اصیل ایرانی در آن نهفته است که باید همگان از آن بهره‌مند شوند. وی با اشاره به قدمت سه هزار ساله این ورزش باستانی، اظهار داشت: ورزش باستانی و زورخانه‌ای ایران قدمتی بیش از سه هزار سال دارد و یکی از کهن‌ترین ورزش‌های جهان است که با نام، نشان، آداب، رسوم، زبان و خصلت‌های ایرانیان به دیگر کشورهای جهان راه یافته است. مسئول هیأت ورزشی‌های زورخانه‌ای باقرشهر در ادامه به توضیح برخی از ادوات ورزشی زورخانه‌ای پرداخت و گفت: معمولا ورزش با ضرب مرشد و بسم‌الله الرحمن الرحیم یا شعری که همین مضمون را داشته باشد شروع می‌شود. برخی از ادوات این ورزش عبارتند از: «گود» نماد گودال قتل گاه امام حسین(ع) در حقیقت نشانه اعتقاد و محبت به اهل بیت بوده و قداست آن تا جایی است که ورزشکاران بدون وضو وارد آن نمی‌شوند.

«میل» ابزار ورزشی است از چوب استوانه‌ای شکل مایل به بدنه مخروط که از ۱۰ تا ۳۰ کیلوگرم وزن دارد. شکل میل تداعی کننده گرز است و قدمت آن به دوره‌های کهن می‌رسد. چون ورزش زورخانه‌ای از ریاضت‌های اهل فتوت بود از وسیله‌ای شبیه میل برای ورزیده ساختن خود استفاده می کردند. «کباده» نماد کمان جنگی یکی دیگر از ابزارهای ورزش باستانی است. کباده شکلی از همان کمان جنگی است. «تخته شنا» یکی دیگر از ورزش‌هایی که در زورخانه برگزار می‌شود است. ورزشکاران تخته‌های شنا را مقابل خود قرار داده و با هر دو دست روی تخته شنا قرار می گیرند و با سرهای برافراشته به تقلید از میاندار حرکاتی را انجام می‌دهند. در مراسم افتتاح زورخانه، شهردار باقرشهر، دارابی و عبادی عضو شورای شهر، مسئولین شهری و پیشکسوتان حضور داشتند.

نگذاریم به پوشش ایرانی دهن کجی شود

در کوچه و خیابان‌های شهر من، فرهنگ پوشش غربی به فرهنگ اصیل و لباس ایرانی سرزمینم نیشخند و دهن کجی می کند.

بسیاری از لباس‌های مغازه‌ها و پوشش‌های هموطنانم برازنده سرزمینم ایران نیست. ایران من زیبایی و شیک پوشی را می‌طلبد، ولی پوشش غربی و غربزدگی آمیخته با فرهنگ نابجای آنان را نه.

مطمئن هستم که شیک پوشی و تمیز بودن با تجمل گرایی متفاوت است، این در حالی است که برخی از افراد این دو مساله را با یکدیگر اشتباه می گیرند.

در حقیقت بیشترین توجه یک فروشنده برای فروش است، به همین خاطر کپی‌برداری مدل‌های بیگانه را انجام می‌دهد و این در حالی است که فرهنگ، نگاه، جایگاه و حتی استیل بدن مردم ما با آنچه در ژورنال‌ها می‌بینیم متفاوت است.

جوانان برای پاسخ دادن به حس تنوع طلبی خود به مد روی می‌آورند. آنها دوست دارند خودشان را با سلیقه خاص به نمایش بگذارند تا اطرافیانشان آنها را به یک نوع تیپ و آرایش خاص بشناسند. البته بسیار طبیعی است، که باید به سمت و سوی فرهنگ‌های شاخص کشورمان هدایت شوند که اینجا سئوالی پیش می‌آید که مسئولان فرهنگی در این زمینه چه کارهایی انجام داده‌اند؟ آیا آنچه در رویاهایشان پرورانده‌اند عملی کرده اند؟

نباید بگذاریم جوانانمان همان کسانی که آینده کشورمان را با دیدگاه و تفکراتشان رقم خواهند زند، خودشان را در آینه ماهواره و شبکه مجازی و اینترنت پیدا کنند. گویی سال‌های سال با آنها زندگی کرده‌اند واگر بتوانیم اعتماد به نفس ایرانی را افزایش دهیم، دیگر مارک، مدگرایی و غربزدگی معنا نخواهند داشت.

متاسفانه در این میان هنوز در جامعه شاهدیم که برخی از خانم‌ها از لگ و ساپورت فراوان استفاده می کنند. آیا کارگروه مد و لباس توانسته به طرح مشخصی برای شلوار برسد؟ آیا برای دکمه‌های از دست رفته مانتوها چاره اندیشی شده است و امیدی به برگشتشان وجود دارد؟ آیا شلوار برخی از آقایان دیگر مانع از راه رفتنشان نخواهد شد؟ برنامه ریزی و اجرای ترویج مدهای ایرانی قوی عمل کرده است یا غربی؟

انگار کار از کار گذشته است و شاید ما برای مسئولان باید چاره‌اندیشی کنیم! هموطنم! لباسی که بیگانه به تن من و تو می کند غیرت ایرانی، فکر و اندیشه زیبای ما را هدف گرفته است بیایید با پوشش شیک، زیبا و به روز خودشان و منزلت ایرانی بودنمان را حفظ کنیم.

ایران با ما ایران است پس با انتخاب صحیح خود به دشمنان نشان دهیم که هجمه‌های فرهنگی که به پوشش و تن‌هایمان اصابت می کنند را به سوی افکار پلیدشان برمی گردانیم. امسال که گذشت، فروشگاه‌های ما برای فروش چندین و چند ساله خود پر از اجناس به ظاهر برند و برگرفته از الگوی غربی با حداقل کیفیت است و عمده خریدها از همین فروشگاه‌ها انجام شد.

از اینک برای ویترین فروشگاهه و لباس‌های تن خود، خانواده و هموطنانمان برنامه‌ریزی کنیم.

«آن طور که شایسته است...»

مهدیه خسروی

إنا لله وإنا إلیه راجعون

جناب آقای محسن شیرازی

درگذشت خواهرزاده گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می کنیم و از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت و غفران و برای شما صبر مسئلت داریم.

جمعی از خبرنگاران و اصحاب رسانه شهرستان ری

هو الباقی

جناب آقای سعید اناری

مشیت الهی بر این تعلق گرفته که بهار فرحناک زندگی را خزانی ماتم‌زده به انتظار بنشیند

و این بارزترین تفسیر فلسفه آفرینش در فراخنای بی‌کران هستی و یگانه راز جاودانگی اوست.

درگذشت همسر گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت می‌گوییم، برایشان از درگاه خداوند متعال مغفرت و برای شما و سایر بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل خواهانیم.

مجتبی جانعلی رئیس اداره ورزش و جوانان شهرستان ری

جمعی از هنرجویان کیوکوشین کاراته شهرستان ری - علیرضا توکلی - خانم خسروی - مهندس مجتبی عباسی

بهبهان

اطلاعات

ویژه نامه اطلاعات شهرستان بهبهان

آماده چاپ پیشنهاد ها و انتقاد ها ، آگهی تبریک و تسلیت ، عملکرد نهادها و اداره ها ، آگهی های بازرگانی خدماتی و چاپ عکس دانش آموزان ممتاز است .

نشانی : چهار راه بانک ملی روبروی اداره دارایی جنب نگار خانه میرزا شوقی
نشانی ایمیل : ettelaat.daezadeh.behbahan@gmail.com

تلفن : ۰۶۱۵۲۷۲۲۷۶۸۷–تلفن همراه : ۰۹۱۶۶۷۱۴۲۲۸
شهرام دایی زاده – نماینده–خبرنگار اطلاعات

دوشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۴ - شماره ۲۶۴۰۰

سرمقاله

نوروز، ارمغان پارسیان



پیوند ناگسسته ایرانیان با فرهنگ نیاکان نیک کردار و راست گفتار شان چنان بوده که در طول تاریخ این مرز و بوم، ملتی را پرورانده که خویشتن خویش را هیچگاه به فراموشی نسپرده و با حفظ آیین‌ها و آداب چند هزار ساله پیروز و ظفرمند ساخته است.

بی تردید کهن‌ترین این آیین‌ها که فخر جشن‌های جهان خوانده شده جشن ملی نوروز است نوروزی که هزاره‌ها (هر سال بدون تغییر) نسل به نسل گرامی داشته شده تا پیوند ما با گذشته‌ها و نیاکانمان ناگسستنی باقی بماند.

نوروز ایرانی، ارمغان پارسیان برای امید، صلح و خوشبختی جهانیان است، نوروز جشن جشن‌های گیتی و فخر میراث‌های ماندگار بشری است، ایرانیان نوروز را فراوان گرامی داشته و در طول سالیان دراز با برپایی آیین‌های باشکوه به پاسداشت آن همت گمارده اند.

نوروز فقط یک روز در تقویم‌ها نیست. نوروز فرهنگی عمیق و ریشه دار است که با تمامی آداب و سنن خود هر سال امید، صلح و خوشبختی را برای میلیون‌ها انسان در سراسر کره خاکی به ارمغان می‌آورد. از زمانی که نوروز نخستین بار در سرزمین پارس پایه گذاری شد و در سراسر این قرن‌های طولانی که این سرزمین خاستگاه اقوام و تمدن‌های گوناگون بوده است، نوروز به صورت زبان مشترک میلیون‌ها انسان در آسیا، شبه قاره هند، آسیای مرکزی، خاورمیانه، قفقاز، بالکان، حوزه دریای سیاه و بسیاری از نقاط دیگر جهان درآمده است، امروز بیش از ۳۰۰ میلیون نفر نوروز را در سراسر جهان گرامی می‌دارند. نوروز بزرگداشت ریشه‌ها، تاریخ و ارزش‌های تمدن بشری است که در طول قرن‌ها ارزش‌های انسانی را منتقل کرده‌اند.

ترویج و پیشبرد فرهنگ زندگی سازگار با طبیعت یکی دیگر از جنبه‌های نوروز است. نوروز یادگار روزگاران کهن و پرچم فرهنگ ایران است. اگر امروز صدها میلیون ساکنان این گستره فرهنگی از غرب چین تا شرق اروپا خواهان آن هستند که نوروز به نمادی جهانی تبدیل شود برای این است که می‌خواهند آیینی که فقط نماد دو پرورنده پاکی و دوستی و آشتی و سازگاری و نیکی است و با هیچ دین و مسلکی سر ناسازگاری و ستیز ندارد، جهانی و جهانگیر باشد، بگذار نوروز هدیه‌ای از فرهنگ ایران به جهانیان و برای همه باشد تا همگان آن را ارج نهند.

این نمایندگی برای همشهریان سالی نو همراه با موفقیت و سلامتی را آرزومند است. پیشاپیش از همه عوامل موثر در رفاه حال مسافران نوروزی از جمله نیروی انتظامی، هلال احمر، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، داروخانه‌ها، مهمان پذیرها و شهرداری به ویژه کارگران زحمتکش تنظیف قدردانی می‌شود.

فعالیت‌های کمیته امداد بهبهان



عبدالوهاب عبدی مدیر شهرستان بهبهان که دارای مدرک کارشناسی ارشد، مدیریت برنامه ریزی و مدرس دانشگاه است درباره فعالیت‌های کمیته امداد توضیح ارائه کرد.

صفحه ۵

مهندس سنایی مطلق: توزیع و رهاسازی آب باید براساس ظرفیت‌های هر منطقه انجام شود



مهندس الماس سنایی مطلق معاون بهره برداری از سدهای انحرافی و شبکه‌های آبیاری مارون در گفتگو با خبرنگار ما، با اشاره به کم آبی و بحران خشکسالی در حوضه مارون اقدامات انجام گرفته در مدیریت بحران آب را تشریح کرد.

صفحه ۵

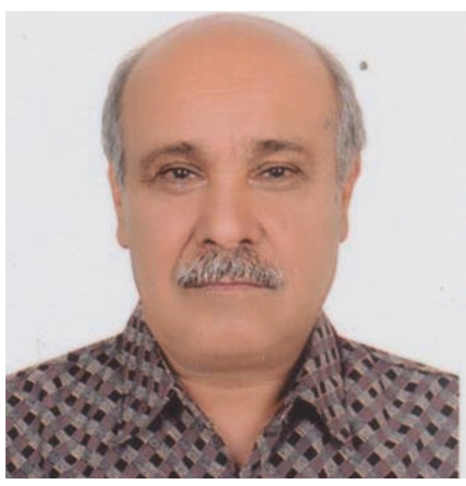
گزارش عملکرد اداره راه و شهرسازی بهبهان



با سلام ـ اداره راه و شهرسازی بهبهان که در بخش راه بزرگ ترین حوزه راهداری بعد از کلان شهر اهواز را دارا می باشد، عمدتاً متولی نگهداری راههای اصلی ، فرعی و روستایی می باشد

صفحه ۶

ارائه بهترین سرویس و خدمات توسط تکنسین‌های مجرب و آموزش پرسنل ویژگی مهم شرکت است



ناصر پوردانش مدیر شرکت درخشش بهبهان در گفتگو با خبرنگار اطلاعات عملکرد و وظایف شرکت تحت مدیریت خود را بر شمرد

متن گفتگو را در زیر می‌خوانید:

آقای پوردانش! لطفاً درباره اهداف تأسیس و عملکرد شرکت توضیح دهید.

صفحه ۴

اقدامات پیشگیرانه مردم برای مبارزه با وقوع سرقت

سرهنگ پاسدار «سید نورالدین موسویان» فرمانده انتظامی شهرستان بهبهان با تأکید بر لزوم گسترش و ارتقای سطح آگاهی عمومی جامعه راه‌های پیشگیری از سرقت منزل، سرقت محل کسب و کیف قاپی را برشمرد.

۱ـ هنگام ساخت و ساز، به استحکام و ایمنی ساختمان به اندازه زیبایی آن اهمیت دهید.

۲ـ راه‌های ورودی (درب و پنجره‌ها) ساختمان را ایمن سازید. از سیستم‌های دزدگیر استفاده کنید.

۳ـ مطمئن شوید که کلید منزلتان در اختیار افراد ناشناس یا غیر مطمئن قرار ندارد.

۴ـ برای در ورودی منزل از قفل‌های مطمئن و استاندارد استفاده کنید.

۵ـ در صورت سکونت در مجتمع مسکونی، از نگهبانان محله یا سرایدار مورد اطمینان استفاده کنید.

۶ـ در تمام ساعات شبانه روز، به ویژه در مجتمع‌های مسکونی، درهای ورودی و پارکینگ را ببندید.

۷ـ از خالی گذاشتن منزل تا حد امکان خودداری کنید. و در صورت لزوم کلید را به دست افراد مورد تائید خودتان بدهید.

۸ـ از اموال با ارزش خود در محل مناسب (گاو صندوق) محافظت کنید.

۹ـ مشخصات لوازم خانگی (شماره سریال) خود را نگه دارید.

۱۰ـ هنگام به کار گرفتن افراد به عنوان نیروی خدماتی، نگهبان، نظافتچی، آشپز و.... با احتیاط عمل کنید. (حتماً افراد معتبر ضمانت کنید)

۱۱ـ در صورتی که محل سکونت شما کم تردد و خلوت است با مشارکت سایر ساکنین محل، برای محله خود، نگهبان یا شبگرد استخدام کنید.

*در صورت وقوع چه باید بکنید؟

۱ـ خونسردی خود را حفظ کنید.

۲ـ با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرید (سریعاً کلانتری و یا پاسگاه محل را مطلع کنید)

۳ـ به هیچ چیز دست نزنید و جای چیزی را تغییر ندهید تا اثر انگشت سارقان آثار جرم را از بین نرود.

۴ـ به افراد غیر مسئول اجازه دست زدن به صحنه سرقت تا قبل از رسیدن کارشناسان صحنه جرم را ندهید.

۵ـ از تجمع افراد در محل سرقت جلوگیری کنید.

پیشگیری از سرقت محل کسب

ـ چنانچه برای حفاظت از محل کار خود از آژیر خطر استفاده می‌کنید محل نصب آن را طوری انتخاب کنید که به سادگی برای سارقین قابل تشخیص نباشد.

ـ درهای مغازه و... را از انواع کرکره‌ای مشبک استفاده کرده و شبها نیز روشنایی کافی وجود داشته باشد.

ـ ورودی کانال کولر هر چند کوچک باشد با حفاظ فلزی محفوظ کنید.

ـ در مدتی که مغازه را به صورت طولانی تعطیل می‌کنید حتما خود یا افراد مورد اطمینان از مغازه بازدید کرده و از سالم بودن قفل‌ها، لولاها و... اطمینان حاصل کنید.

ـ در صورت تغییر مکان محل کسب، قبل از هر اقدامی، توپی قفل‌های محل کسب جدید را تعویض کنید.

ـ حتی الامکان از قفل‌های سوییچی استاندارد استفاده کنید، زیرا قفل‌های معمولی به سهولت با قیچی بریده می‌شوند.

ـ در صورتی که قفل‌های آویز استفاده می‌کنید آنها را طوری نصب کنید که فاصله قفل تا زمین ۳۰ سانتی متر باشد.

ـ چنانچه در مجاورت یا پشت مغازه شما ملک مخروبه وجود دارد دیوارها و کف مغازه خود را با بتون تقویت کنید تا غیرقابل نفوذ باشد.

ـ از نگهداری وجوه نقد بیش از حد معمول در محل کسب جداً خودداری کنید.

ـ از گماردن افراد نابالغ و کم تجربه در مغازه اجتناب کنید، زیرا آنان زودتر اغفال می‌شوند.

ـ افرادی که به عنوان کارمند، کارگر و شاگرد استخدام می‌کنید شناخته شده و مورد اطمینان باشند. بهتر است برای اطمینان بیشتر شماری از بستگان این قبیل افراد را شناسایی کنید.

ـ در هنگام حضور مشتری در محل کسب به هیچ عنوان محل کار ترک نشود.

ـ در مواقع تعطیل حتماً اقلام با ارزش مانند طلا و.... از داخل ویترین‌ها جمع آوری و در گاوصندوق قرار داده شود.

ـ بهتر است گاوصندوق در مغازه طوری جاسازی شود که حجم و حتی خود گاوصندوق قابل رویت نباشد.

ـ تا حصول اطمینان از صداقت و امانت داری شاگردان، کارمندان و کارگران از تحویل دادن کلید به آنها خودداری کنید.

ـ از خرید هرگونه اموال اشیا و جواهرات بدون فاکتور خرید از افراد ناشناس و افراد نابالغ به شدت اجتناب کنید و در صورت مشاهده مراتب را به پلیس ۱۱۰ یا کلانتری اطلاع دهید.

ـ به کارگران و خدمه اجازه ندهید افراد دیگری را به عنوان دوست، فامیل و همشهری و.... به محل کسب وارد کنند.

ـ نسبت به ثبت مشخصات و شماره سریال اشیا و اموال خود در دفترچه‌های مخصوص ثبت سریال که توسط نیروی انتظامی و با همکاری و مشارکت دیگر بخش‌ها در اختیار شما قرار گرفته اقدام کنید و آن را در جای مطمئن نگهدارید تا در صورت وقوع سرقت، کشف و تحویل اموال مسروقه شما به سهولت انجام شود.

ـ در صورت امکان از اشیاء، لوازم و اجناس گرانبهای خود عکس تهیه کنید.

پیشگیری از کیف قاپی

در حین حرکت گاه به گاه به اطراف نگاهی بیندازید

مراقب غریبه‌هایی که به شما نزدیک می‌شوند، باشید.

از حمل و جابجایی پول نقد به میزان زیاد خودداری کنید و تا حد امکان از چک‌های تضمینی و مسافرتی استفاده کنید.

هنگام استفاده از تلفن، کیفتان را از نزدیک بدنتان یا دستی که آزاد است نگهدارید و اطمینان حاصل کنید که با امنیت کامل و محکم آن را نگه داشته اید.

هنگام حمل پول نقد حتما از اتومبیل استفاده کنید و از پیاده روی بپرهیزید.

کیف دستی را با دستی که مجاور دیوار یا جوی آب است حمل کنید و از حرکت در سطح سواره رو خیابان بپرهیزید.

در صورت رفتن به مغازه یا داخل اتوبوس، رستوران و... کیفتان را به پشت صندلی آویزان نکنید.

هنگام خروج از بانک از قرار دادن پول در کیسه‌های نایلونی جدا خودداری کنید.

هنگامی که قصد سوار شدن یا بازدید از اتومبیل خود را دارید کیف دستی خود را زمین نگذارید.

رها کردن کیف در سبد خرید فروشگاه یا روی پیشخوان باعث ایجاد دردسر می‌شود در صورت امکان کیف دستی خود را درون یک پاکت حمل کنید.

در صورتی که مجبورید پیاده پول را حمل کنید کیفتان را دور گردن یا مچتان نیندازید ممکن است بر اثر قاپیدن زوری، به شما آسیب و صدمه وارد آید.

در صورت امکان یک کیف کوچک که دور از دید باشد در زیر بغلتان مخفی کنید.

کیف قاپی معمولاً با موتورسیکلت‌های تندرو و یک نفر ترک نشین با کلاه انجام می‌شود، بنابراین مواظب این قبیل موتورسوران باشید.

اگر کیفتان قاپیده شد آن را رها کنید تا مورد حمله قرار نگیرید و به دنبال کیف کشیده نشوید.

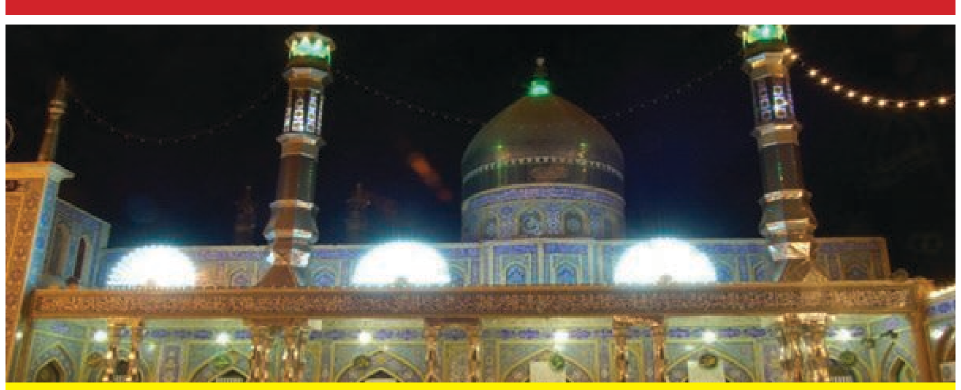
مشخصات وسیله نقلیه، راکب، سرنشین آن را بوسیله نوع و رنگ پوشاک و همچنین چهره و مو و..... جهت حرکت سارقین را به خاطر بسپارید.

در صورت امکان از عابرینی که در خیابان در حال تردد می‌باشند کمک گرفته و سارقین را تعقیب نمایید.

سریعاً به نزدیکترین کلانتری مراجعه و یا بلافاصله با تلفن ۱۱۰ تماس حاصل نموده و هرگونه اطلاعات بدست آمده و محتویات کیف خود را در اختیار ماموران بگذارید.

فرماندهی انتظامی شهرستان بهبهان ـ معاونت اجتماعی

تعدادی از مناطق زیارت گاهی و گردشگری شهرستان بهبهان



امامزاده حیدر بهبهان



دریاچه سد چاه ماری بهبهان



قلعه مدرسه خیراباد



پلاژ سد مارون بهبهان

مهندس سنایی مطلق: توزیع و رهاسازی آب باید براساس ظرفیت‌های هر منطقه انجام شود

ادامه از صفحه ۱

متن گفتگو را در زیر می‌خوانید:

ابتدا خودتان را معرفی کنید؟

با سلام ـ اینجانب الماس سنایی مطلق دارای مدرک مهندسی آبیاری از دانشگاه شهید چمران اهواز، دارای ۱۷ سال سابقه کاری هستم و مسئولیت معاونت بهره برداری از سدهای انحرافی و شبکه‌های آبیاری مارون را عهده‌دارم

***از میانگین سالانه ریزش باران در ایران و جهان مقایسه‌ای داشته باشید.**

میانگین بارش در ایران ۲۵۴ میلی متر و در جهان میانگین بارش ۸۶۰ میلی متر است.

***شاخص بحران آب در ایران و جهان چگونه است؟**

برداشت بیشتر از ۴۰ درصد از منابع در جهان به‌عنوان شاخص بحران تلقی می‌شود، ولی این در حالی‌است که در ایران بیش از ۸۰ درصد برداشت از منابع صورت می‌گیرد.

***وضع اقلیمی ایران چگونه است؟**

ایران با مساحت ۶۵/۱ میلیون کیلومتر مربع در جنوب غربی آسیا و در نوار خشک جهان قرار گرفته است.۸۵ درصد از کل سرزمین ایران از آب و هوای خشک و نیمه خشک برخوردار است. بارندگی در ایران یک سوم میانگین جهانی است در حالیکه به دلیل قرار گرفتن بر روی کمربند خشکی جهان، تبخیر آب ۳ برابر میانگین جهانی است.

خشکسالی را می‌توان یک دوره ممتد کمبود بارش که منجر به صدمه زدن محصولات و کاهش عملکرد آن می‌شود توصیف کرد. خشکسالی حالتی نرمال و ممتد از اقلیم است اگر چه بسیاری به اشتباه آن را واقعه‌ای نادر و تصادفی می‌پندارند، ولی این پدیده در تمامی مناطق اقلیمی رخ می‌دهد.

***الگوی مصرف در ایران و جهان چگونه است؟**

در جهان ۷۰درصد آب در بخش کشاورزی، ۱۰ درصد برای شرب و ۲۰ درصد در بخش صنعت مصرف می‌شود، ولی در ایران ۹۲ درصد در بخش کشاورزی، ۶ درصد برای شرب و ۲ درصد در صنعت به مصرف می‌رسد.

***وضع بارندگی در سال‌های گذشته چگونه بوده است. بر اساس آمار و اطلاعات به‌دست آمده میزان بارندگی امسال چگونه بوده است؟**

پدیده های هیدرولوژیکی و اتفاقات جوی به‌صورت مضربی از ۵ است. یعنی دوره‌های خشکسالی و ترسالی به صورت دوره‌های ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰ و.... است. مجموعه بهره برداری مارون در سال ۸۵، ۸۶ شرایط بسیار ایده آلی را داشت و به‌دلیل بارندگی‌های زیاد حتی منجر به سرریز شدن سد شده، ولی از سال ۸۷ به بعد عملاً به‌دلیل بارندگی‌های کم و تامین آب مورد نیاز اراضی پایین دست، وارد مرحله خشکسالی شدیم. ولی خوشبختانه امسال بر اساس آمار و اطلاعات به‌دست آمده هم از طرف اداره هواشناسی و هم وزارت نیرو پیش بینی یک سال نرمال شد و تاکنون هم با توجه به آمار به‌دست آمده از ایستگاههای باران سنجی و که در ایدنک و الگن قرار دارند میزان بارندگی اتفاق افتاده تا نیمه دوم دیماه نرمال ولی در ماه‌های بهمن و اسفند میزان بارندگی کاهش یافته است.



*** شرایط سد مخزنی مارون به چه صورت است و نبود بارندگی مناسب در سال‌های گذشته چه تاثیری در وضع سد مخزنی داشته است؟**

منابع آبی ما یا سطحی هستند یا زیرزمینی و این منابع یک نورم برداشت دارند. در استاندارد جهانی اگر بیش از ۴۰ درصد از منابع برداشت شود، وارد شرایط بحرانی شده اید. در حالی که در ایران این برداشت حدود ۸۰ درصد است، یعنی از شرایط بحرانی هم بسیار فراتر رفته‌ایم.

سد مخزنی مارون هم از این قاعده مستثنی نیست و این شرایط بحرانی بر روی شرایط سد بسیار تاثیر گذار بوده است، به گونه‌ای که ورودی سد از لحاظ میانگین و طراحی بر اساس ۵۰ متر مکعب در ثانیه بود، ولی از سال ۸۷ تاکنون این میانگین به ۳۰ متر مکعب در ثانیه کاهش یافته است.

***شهرهایی که زیر پوشش و مدیریت سد مخزنی مارون هستند و نحوه سرویس دهی به این مناطق چگونه است؟ از لحاظ وسعت چند هزار هکتار را شامل می‌شود؟**

شهرهایی که زیر نظر حوضه مارون قرار دارند عبارتند از: بهبهان، امیدیه، آغاجاری، رامهرمز، رامشیر، ماهشهر و شادگان. طراحیِ مارون بر اساس ۵۵ هکتار بوده ولی عملاً کشت زمستانه‌ای که در سال گذشته صورت گرفت بالغ بر ۸۵ هزار هکتار بوده است و پیش بینی امسال در همین سطح خواهد بود. با توجه به بارندگی‌های صورت گرفته و موثر در سطح حوضه تا ابتدای بهمن ماه و عدم نیاز به آبیاری، ذخیره سازی صورت گرفت، ولی با توجه به کاهش بارندگی از ابتدای بهمن ماه و همچنین پیش بینی سازمان هواشناسی مبنی بر کاهش نزولات جوی در ماه‌های بهمن و اسفند و افزایش درجه حرارت و نیاز آبی محصولات، نوبت بندی آب در سطح حوضه صورت گرفته و بر اساس برنامه تعیین شده در سطح حوضه، نوبت بندی آبیاری در حال انجام است.

*** مکانیسم و سیستم توزیع و رها سازی آب برای مناطق زیر پوشش به چه صورت است و چه معایب و معضلاتی دارد؟ آیا عدالت آبی بین کشاورزان رعایت می‌شود؟**

کشورها به فراخور رشد جمعیت و پیشرفت کار تکنولوژی‌های جدیدی را برای استفاده از آب به عنوان یک کالای ملی وارد کار کرده‌اند، ولی متاسفانه هنوز حوضه مارون نتوانسته است خود را به فراخور رشد جمعیت و پیشرفت کار تجهیز کند. برنامه ریزی‌های صورت گرفته برای توزیع و رهاسازی آب بر اساس پهنه بندی است. یعنی آب را به همه به‌صورت یکسان می‌دهیم، در صورتی که این شیوه کاملاً نادرست است، چرا که باید ارزش افزوده آب را دریابیم و این توزیع بر اساس پتانسیل‌های موجود در هر منطقه سنجیده و رها سازی شود.

***پیشنهاد شما درباره خواسته‌های بحق کشاورزان چیست و چه راه حلی برای شنیدن صدای مظلومیت و ناچاری کشاورزان هست؟**

باید در ابتدا عرض کنم که بیان این گونه اعتراضات به این شیوه صحیح و همچنین در خور کشاورزان فهیم نیست و چه بهتر است که به صورت مسالمت‌آمیز خواسته‌ها بیان شود. متولی کارهای کشاورزان در حیطه جهاد کشاورزی است و این یک مقوله صنفی به شمار می‌رود و کشاورزان از طریق انجمن صنفی باید خواسته‌هایشان را به مقامات بالاتر منتقل کنند تا این خواسته‌ها کارشناسی شود و به اجرا درآید. ما با کشاورزان از طریق نمایندگانی که به‌عنوان لیدر کشاورزان هستند، ارتباط و پیگیر مسائل آنها هستیم و باید عرض کنم در کشت تابستانه گذشته همکاری بسیار خوبی را با ما داشتند و عملاً اگر کار و تلاش این دوستانمان در بخش کشاورزی نبود، شاید تنش‌های بیشتری را داشتیم. ولی عملاً بیان خواسته‌ها و تحقق صحیح آنها باید از طریق صنوف و نهادهای مرتبط انجام شود.

***شرایط خشکسالی وتر سالی امری بدیهی است. با توجه به طرح ۵۵۰هزار هکتاری مبنی بر آبیاری قطره‌ای به ویژه در حوضه بنه باشت و مناطق دیگر؛ چقدر این طرح می‌تواند در کارآیی عملکرد حوضه مارون مثمر ثمر واقع شود؟**

شرایط منطقه‌ای ما به‌گونه‌ای است که در یک منطقه خشک و نیمه خشک قرار گرفته‌ایم و اگر عملاً یک سال بارندگی نداشته باشیم، دچار مشکل می‌شویم. ما سد و شبکه خوب ساخته‌ایم و در بعضی مواقع بیش از حد نیاز ساخته ایم. سیستمی که اکنون برای مصارف کشاورزی استفاده می‌شود، به فراخور رشد جمعیت و مقتضیات فعلی یک سیستم سنتی است و باید به سیستم‌های آبیاری مدرن تحت فشار، بارانی، قطره‌ای و.... مجهزٍ شویم که قاعدتاً اجرای این طرح قطعاً و یقیناً اثر گذار است.

***اقدامات نوآورانه و مفید مجموعه مارون برای مدیریت بحران آب در زمان خشکسالی چه بوده است؟**

حقاً و انصافاً در بحث چاره جویی و تولید ایده‌ها و نوآوری مجموعه بهره برداری مارون توانست نمره قابل قبولی را کسب کند که می‌توان این ایده‌ها را در سایر حوضه‌ها تعمیم داد. کمیته‌های چندگانه‌ای تشکیل شد از جمله آب، مصرف، تخلفات و اطلاع رسانی که عملاً برآیند بسیار خوبی داشت و توانستیم تا حدود بسیار زیادی بحران را مدیریت کنیم. در قسمت اطلاع رسانی بر این باور بودیم که اگر به‌صورت شفاف اطلاع رسانی شود و اگر مردم شرایط را از نزدیک ببینند و لمس کنند ما را در مدیریت بحران بهتر یاری خواهند کرد و همین اتفاق هم افتاد. ما با دعوت از مسئولان حوضه‌های مختلف و کشاورزان عزیز و با در اختیار گذاشتن سرویس برای عزیزان؛ در قالب گروه‌های چندگانه از مخزن سد بازدید به‌عمل آمد و همین حرکت سبب همراهی بسیار خوب کشاورزان با مجموعه شد. دعوت از نهادهای مختلف از جمله دادگستری و قضات، نیروی انتظامی، امام جمعه محترم نماینده شهرستان و تشکیل جلسات متعدد با شورای کشاورزی و فرمانداری موضوع خشکسالی و پیامدهای آن تشریح شد. اختصاص گشت شبانه و بررسی و مدیریت آب بر روی مناطق زیر کشت از دیگر اقدامات مفیدی بود که انجام گرفت و باید عرض کنم یکی از رتبه‌هایی که مجموعه مارونٍ بدست آورد بدلیل همین اقدامات اخیرٍ و خصوصاً اطلاع رسانی همه نهادها مخصوصاً در قبال حوضه پائین دست بود.

***آقای مهندس سنایی آماده شنیدن صحبت پایانی شما هستیم.**

ضمن تشکر مجدد از نشریه اطلاعات باید به این نکته اشاره کنم که لزوم بروزرسانی سیستم‌های آبیاری حوضه ی مارون اجتناب ناپذیر است. مجموعه نیازمند آن است که با توجه به نیاز و شرایط منطقه به تکنولوژی و سیستم‌های روز دنیا مجهز شود تا با مدیریت بهتر آب بتوانیم از این کالای ملی استفاده بهتر و بهینه کنیم. مسئولین با توجه به پتانسیل‌های هر منطقه در بحث آب کارشناسانه‌تر و دقیق‌تر با این مقوله برخورد کنند و در پایان باید بگویم اطلاع رسانی در همه شرایط باید انجام شود چه در زمان خشکسالی چه در زمان ترسالی تا همیشه بتوانیم همکاری و همیاری مسئولین و کشاورزان عزیز را داشته باشیم.

نشریه اطلاعات بهبهان ضمن سپاسگزاری از روابط عمومی شرکت بهره برداری مارون علی الخصوص آقای مهندس علیرضا نیکزاد که امکان این گفتگو را مهیا ساخت آرزوی موفقیت روز افزون را برای مدیریت و کارکنان خدوم مجموعه بهره برداری سد و نیروگاه مارون را از درگاه احدیت خواستار است.

توصیه‌های دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بهبهان درباره چهارشنبه‌سوری

ظهر چهارم اسفندماه ۱۳۹۱، انفجاری مهیب، خیابان ۱۳۱ تهرانپارس را تکان داد. ساختمانی چهارطبقه فروریخت. ۲ نفر از ساکنان ساختمان سوختند و ۴ نفر (سه زن و یک مرد) جان باختند. علت چه بود؟ نگهداری موادمحترقه برای چهارشنبه‌سوری در زیرزمین ساختمان! اندکی قبل از وقوع این انفجار مرگبار هم در خیابان پیروزی تهران، یک مهندس شیمی هنگام درست کردن مواد محترقه، دچار حریق شد و جان باخت. در این حادثه هم علاوه بر مرگ این جوان ۳۵ ساله، یک زن و مرد ۵۰ ساله در شوک ناشی از انفجار، بیهوش شدند و یک زن ۲۱ ساله به شدت مصدوم شد.

این، کم وبیش، ماجرای اسفندماه هر سال است؛ ماجرای پرسروصدا و آتشینی که معمولا از اوایل اسفند آغاز می‌شود و در آخرین شب چهارشنبه سال اوج می‌گیرد... و چه کسی می‌داند که چهارشنبه‌سوری امسال یا سال بعد، چند چشم زیبا بسته خواهد شد؟ چند دست و صورت مهربان خواهد سوخت؟ چند خانواده داغدار خواهد شد؟ و این ماجرا تا کی ادامه خواهد داشت؟

آموزش را جدی بگیریم

پیشگیری از حوادث تلخی مانند حوادث چهارشنبه‌سوری، مستلزم ارتقای فرهنگ ایمنی است و فرهنگ ایمنی بر سه اصل استوار است: آگاهی، آموزش و الزام. بسیاری از والدین، بدون آگاه‌سازی و آموزش مناسب فرزندانشان، سراغ سومین اصل می‌روند و سعی می‌کنند با توسل به زور و اجبار، آنها را از کاری منع یا به کاری ترغیب کنند، ولی این شیوه معمولا با شکست همراه است. آگاه‌سازی و آموزش نوجوانان و جوانان ضرورت دارد و در روند این آگاه‌سازی باید به شخصیت آنها احترام گذاشت و از جریحه‌دار کردن غرورشان پرهیز کرد. راه ایمنی از آموزش می‌گذرد و پیش‌شرط آموزش، آگاهی است. آگاهی از خطرهای چهارشنبه سوری و شیوه مقابله با این خطرها احتمال بروز حوادث تلخ را در آخرین ماه سال کاهش خواهد داد.

چهارشنبه‌سوری و خطر سوختگی

شایعترین حادثه‌ای که در چهارشنبه‌سوری رخ می‌دهد، سوختگی درجه یک (سطحی) است ولی سوختگی‌های درجه ۲ (شدید) و درجه سه (شدیدترین نوع سوختگی) هم در حوادث چهارشنبه‌سوری، زیاد دیده می‌شود. درد، تورم، تاول و قرمزی پوست از مهمترین نشانه‌های سوختگی هستند. در میان نواحی مختلف بدن معمولا سوختگی دست از بقیه شایع‌تر است و پس از آن، سوختگی صورت و تنه. قطع عضو و عفونت ثانویه، دو عارضه خطرناک از میان عوارض زودرس سوختگی‌اند و اختلال اعصاب و روان، به ویژه افسردگی، یکی از عوارض دیررس سوختگی است. اگر شدت سوختگی خیلی زیاد باشد، حتی گاهی ممکن است کار مصدوم به مرگ نیز بینجامد.

خطر سوختگی و ۷ توصیه

اگر در این ایام، با مصدومی مواجهه داشتید که دچار سوختگی ناشی از مواد محترقه شده بود، از توصیه‌های زیر کمک بگیرید:

۱ـ مصدوم را آرام و شرایط عمومی او را ارزیابی کنید. از باز بودن راههای هوایی و تنفس طبیعی او مطمئن شوید. صدایش بزنید یا تکانش بدهید تا از هوشیار بودنش اطمینان حاصل کنید. اگر بیهوش است، سر او را عقب بکشید تا زبانش باعث انسداد راههای هوایی اش نشود.

۲ـ محل سوختگی را با آب سرد و تمیز، حداقل به مدت ۱۰ دقیقه، بشویید و انگشتر، النگو، کمربند، ساعت، زیورآلات و وسایل تنگ و فشارنده را خارج کنید.

۳ـ اگر لباس مصدوم روی عضو سوخته را پوشانده، آن را از بدنش خارج کنید و اگر لباسش به پوست ناحیه سوخته چسبیده است، دورتادور آن را تا محل چسبیده به بدن قیچی کنید.

۴ـ تاول‌ها را نترکانید، چون آنها مانند پانسمانی مناسب در محل سوختگی عمل می‌کنند و آن ناحیه را از آلودگی‌های محیطی در امان نگه می‌دارند. فقط در صورتی باید محل سوختگی را به طور کامل پاکسازی کرد که سوختگی شیمیایی اتفاق افتاده باشد، اما این پاکسازی هم صرفا باید به وسیله پزشکان و در شرایط استریل انجام شود.

۵ـ با گاز استریل یا یک پارچه تمیز بدون کرک، محل سوختگی را آرام بپوشانید و هرگز از خمیردندان، سیب‌زمینی رنده شده و روغن برای تسکین درد و بهبود سوختگی استفاده نکنید.

برای درمان و پانسمان سوختگی باید به یک مرکز بهداشتی یا درمانگاه مراجعه کنید. در سوختگی‌های سطحی می‌توانید با استفاده از پمادهای سوختگی و پوشاندن محل سوختگی با پارچه تمیز یا گاز استریل، اقدام کمکی اولیه را انجام دهید تا در زمان مناسب، مصدوم را به مرکز درمانی برسانید، اما در سوختگی‌های شدید و عمیق باید بلافاصله با اورژانس (۱۱۵) تماس بگیرید.

۷ـ نواحی تناسلی، انگشتان، کف دست، صورت، مخاطها و چشم از قسمت‌های بسیار مهم بدن هستند که حتی سوختگی‌های کوچک آنها هم باید به وسیله پزشک معاینه و درمان شود، بنابراین اگر با کوچکترین سوختگی در این نواحی مواجه شده‌اید، بلافاصله مصدوم را برای معاینه و درمان به مرکز درمانی برسانید.

چهارشنبه‌سوری و خطر نابینایی

اصابت ترکش‌های ناشی از انفجار مواد محترقه به چشم، باعث بروز آسیب‌هایی در ناحیه پلک و چشم می‌شود و گاهی حتی به نابینایی می‌انجامد. مراجعه سریع به چشم‌پزشک، در صورت برخورد هر شیئی به چشم، شدت ضایعه را کاهش می‌دهد. در موارد خفیف، با انجام مراقبت‌های طبی یا انجام اعمال جراحی معمولا می‌توان بینایی فرد را بازگرداند، ولی متاسفانه در موارد شدید، گاهی چاره‌ای جز تخلیه چشم باقی نمی‌ماند.

خطر نابینایی و ۴ توصیه

اگر در این ایام، با مصدومی مواجهه داشتید که دچار آسیب‌های چشمی ناشی از حوادث چهارشنبه‌سوری شده بود، از توصیه‌های زیر کمک بگیرید:

۱ـ چشم‌ها و پلک‌های مصدوم را نمالید و در اولین فرصت به اورژانس چشم پزشکی مراجعه کنید، زیرا گاهی آسیب‌های چشمی در مراحل اولیه علایم زیادی ندارند و ظاهر بدی ایجاد نمی‌کنند ولی می‌توانند عواقب ناگواری داشته باشند.

۲ـ چشم آسیب‌دیده را با یک وسیله در دسترس مانند لیوان یکبار مصرف یا مقوایی که به شکل مخروط درآمده بپوشانید اما دستمال، پنبه یا گاز را روی چشم قرار ندهید.

۳ـ از هیچ پماد و قطره چشمی استفاده نکنید و چشم‌ها را نشویید، زیرا گاهی همین کارها ممکن است آسیب‌های چشمی را تشدید کند.

۴ـ تا رسیدن به اورژانس چشم‌پزشکی از مصرف هر گونه مسکن خودداری کنید و به مصدوم مواد غذایی ندهید تا در صورت نیاز به جراحی، بتوان در اولین فرصت، این کار را انجام داد.

چهارشنبه‌سوری و خطر انفجار

ترس ناشی از صدای انفجار، یکی از مشکلات رایج چهارشنبه سوری است که گاهی می‌تواند با تظاهراتی مانند از حال رفتن یا احساس درد در بخشی از بدن، به‌ویژه قفسه سینه، همراه باشد. این ترس معمولا در کودکان، سالمندان و زنان باردار با عواقب جدی‌تری همراه است. همچنین افرادی که به بیماری‌های قلبی مبتلا هستند، گاهی ممکن است در اثر شوک ناشی از شنیدن این قبیل صداهای غیرمنتظره، دچار حمله قلبی شوند.

خطر انفجار و ۲ توصیه

اگر می‌خواهید از این قبیل عوارض چهارشنبه سوری در امان باشید یا اگر می‌خواهید به مصدومی که در اثر سروصداهای شدید و ناگهانی چهارشنبه‌سوری از حال رفته است، کمک کنید؛ می‌توانید از توصیه‌های زیر کمک بگیرید:

۱ـ شاید ایمن‌ترین توصیه به تمام خانواده‌هایی که دوست ندارند با چنین عوارضی روبرو شوند، این باشد که چهارشنبه آخر سال را در جایی که مطمئن‌اند کمتر در معرض این قبیل سروصداها قرار می‌گیرد، بگذرانند یا از گوش‌گیرهای مناسب برای کاهش صداهای دریافتی به‌ویژه برای زنان باردار، کودکان و سالمندان استفاده کنند.

۲ـ اگر فرد مبتلا به بیماری قلبی با شنیدن صدای نارنجک یا ترقه از هوش رفت و به زمین افتاد، او را زیاد حرکت ندهید و از اورژانس یا افراد خبره برای بهبود وضع او کمک بگیرید. سپس مصدوم را در اولین فرصت به نزدیک‌ترین بیمارستان یا مرکز درمانی برسانید.

چهارشنبه سوری و خطرهای دیگر

چهارشنبه‌سوری، علاوه بر خطرهای رایجی که ذکر شد، خطرهای دیگری هم دارد.

ترکیباتی مانند نیترات پتاسیم، کلرات باریم، آرسنیک و پرکلرات پتاسیم که در موادمحترقه و منفجره به کار می‌روند، وقتی با اکسیژن یا کربن ترکیب شوند، بسیار خطرناک می‌شوند و می‌توانند عوارض شدیدی به دنبال داشته باشند؛ از عوارض پوستی گرفته تا سوختگی شایع‌ترین حادثه چهارشنبه‌سوری است عوارض تنفسی و خونی. مثلا تماس با ترکیبات نیتراته معمولا با عوارض پوستی همراه است. ترکیبات ذوب شده نیترات پتاسیم و سدیم هم می‌توانند سوختگی‌های شدیدی به وجود آورند و منجر به بروز سردرد، سرگیجه، کاهش عمق تنفس و خستگی شدید شوند. استنشاق ترکیبات سولفوره هم می‌تواند به عوارض تنفسی منجر شود. اگر پوست‌تان هم با این قبیل ترکیبات آلوده شد، باید بلافاصله آن را با آب فراوان بشویید و به یک مرکز درمانی مراجعه کنید.

نقش رسانه‌ها و ۱۰ توصیه

نقش رسانه‌ها در کاستن از حوادث تلخ چهارشنبه‌سوری، انکارناپذیر است. اگر رسانه‌ها در طول سال، در امر آگاهی‌بخشی و آموزش به خوبی ایفای نقش کنند، احتمال بروز
حوادث مرگبار در این ایام کاهش می‌یابد. توصیه‌های زیر، مشتی نمونه خروارند که اگر
به درستی و به شیوه‌های مناسبی به کودکان، نوجوانان و جوانان ارائه شوند، می‌توانند آمار تلخی‌های آخر سال را به حداقل برسانند:

۱ـ وجود یک کپسول آتشنشانی پودری در حوالی محوطه‌های که در آن آتش روشن کرده‌اید، ضروری است. ضمن این که قبل از ترک محل، حتما باید از خاموش بودنآتش اطمینان حاصل کنید و توسط آب، باقیمانده آتش را کاملاً سرد کنید و جمع‌آوری کنید.

۲ـ از نگهداری ترقه‌ها و سایر مواد محترقه در منزل پرهیز کنید و از آتش بازی در مجاورت وسایل نقلیه‌ای که حامل بنزین و مواد سوختنی هستند، اکیداً بپرهیزید.

۳ـ از ریختن مواد سریع الاشتعالی مانند نفت و بنزین بر روی آتش بپرهیزید و از حمل مواد محترقه و آتشگیر و انفجاری، حتی به مقادیر بسیار کم، در جیب لباس وکیف خودداری کنید.

۴ـ از پرتاب فشفشه و موشک بر روی شاخه‌های درختان، پشت بام و بالکن منازل خودداری کنید و در صورت بروز هرگونه حریق یا حادثه ای، ضمن حفظ خونسردی، در اسرع وقت با ۱۲۵ تماس بگیرید و نوع حادثه و نشانی دقیق محل حادثه را اطلاع دهید.

۵ـ وقتی از فشفشه استفاده می‌کنید، دستان تان را باز نگه دارید و جلو صور تتان بگیرید تا دچار سوختگی دست نشوید و از انداختن ظروف تحت فشار (کپسول‌ها و اسپر یهای حشره کش) به درون آتش اکیدا خودداری کنید؛ چراکه این ظروف به علت دارا بودن خاصیت انفجاری، ممکن است ذرات را به سمت خودتان پرتاب کنند و به چشم‌هایتان آسیب برسانند.

۶ـ از آتش زدن لاستیک، هیزم و کارتن خالی در واحدهای مسکونی یا در معابر و کوچه‌ها خودداری کنید.

چرا که در چنین شرایطی، با تشدید آلودگی هوا، خودتان واطرافیا نتان را در معرض آسیب‌های تنفسی قرار می‌دهید.

۷ـ هرگز مواد منفجره و محترقه را به طرف افراد دیگر پرتاب نکنید و به هیچ عنوان، این مواد را در ظروف شیشه‌ای یا فلزی قرار ندهید چون در صورت انفجار، ذرات شیشه یا فلز، به اطراف پرتاب و باعث آسیب‌های شدید خواهند شد. ضمنا هرگز از ماده محترقه و منفجره‌ای که یک بار استفاده شده است، دوباره استفاده نکنید.

۸ـ هرگز آتش را در معابر باریک و در مجاورت پست‌های برق یا ایستگاه‌های تقلیل فشار گاز و پارکینگ‌های عمومی بر پا نکنید و از برپایی آتش‌های حجیم و غیرقابل مهار هم خودداری کنید.

۹ـ ترقه بازی و فشفشه اگرچه ظاهرا بی خطرند، ولی اگر به نقاط خاصی از بدن به ویژه صورت اصابت کنند، باعث آسیب‌دیدگی‌های شدید و گاهی غیرقابل برگشت می شوند.

۱۰ـ اگر خدا ینکرده دچار سوختگی شدید، از دویدن خودداری کنید و بلافاصله بر روی زمین بغلتید. یادتان باشد که پتو وسیله مناسبی است برای خاموش کردن فردی که لباسش آتش گرفته است. آب هم همین طور. ولی هرگز از کپسول آتش نشانی برای خاموش کردن مصدومی که آتش گرفته، استفاده نکنید. والدین می‌توانند شرایطی فراهم کنندکه چهارشنبه سوری برای کودکان امن‌تر شود.

والدین در پیشگیری از حوادث چهارشنبه‌سوری، نقش مهمی دارند. آنها می‌توانندکودکان و نوجوانان خود را با خطرهای آتش بازی آشنا کنند و به آنها بفهمانند که در مقابل مواد محترقه و منفجره، چقدر آسیب‌پذیرند. بیان برخی از تجربیات ناگوار گذشته می تواند سودمند باشد و بچه‌ها را هوشیارتر کند. این هشدارها حتی اگر تکراری باشند، خالی از فایده نیستند. والدین می‌توانند با توجه به توصیه‌های زیر و به کاربستن آنها احتمال بروز حوادث تلخ چهارشنبه سوری را کاهش دهند:

۱ـ بیشتر کودکان، معمولا به دور از چشم والدین، مواد محترقه و منفجره را خریداری و در جیب، کیف یا کمد اتاق پنهان می‌کنند، اما این مواد، به دلیل درجه آتشگیری پایین، معمولا زود مشتعل می‌شوند و گاهی خسارات جبران ناپذیری به بار می‌آورند.

والدین باید علاوه بر توضیح عوارض این مواد آتش زا، با نظارت دقیق بر پول توجیبی کودکان و نحوه هزینه کرد آن در این ایام، نظارت بیشتری بر رفتار و وسایل فرزندشان داشته باشند و مواد سوختنی و آتش زا را از دسترس آنها خارج کنند.

۲ـ چهارشنبه سوری، سطحی از هیجان را در بیشتر کودکان و نوجوانان ایجاد می‌کند که برای آنها خوشایند و لذت بخش است و به همین دلیل، ما به عنوان پدر یا مادر، معمولا به سختی می‌توانیم فرزندمان را به کلی از این تجربه هیجانی بازداریم، اما می توانیم هیجان آنها را تعدیل و رفتارشان را مدیریت کنیم و شرایطی فراهم کنیم که چهارشنبه سوری برای آنها امن‌تر شود.

۳ـ یکی از راههای امن سازی چهارشنبه سوری، این است که خطرهای بالقوه این ایام را به خوبی برای فرزندمان توضیح دهیم و قوانین و چارچو بهای تربیتی مان را به او یادآوری کنیم. اگر کودک با ما همکاری کرد، جواب او پاداش و تشویق است؛ اما اگر او را منع کردیم و نپذیرفت، باید برایش شرط بگذاریم و بهترین شرط این است که خودمان هم کنار او حضور داشته باشیم و بر رفتارهایش نظارت کنیم تا خطری تهدیدش نکند. اگر به هر دلیلی چنین امکانی برایمان فراهم نیست، باید لااقل یک فرد بالغ مورداعتماد را همراه کود کمان بفرستیم.

۴ـ کبریت و مواد آتش زا مانند نفت و بنزین باید خارج از دسترس کودکان نگهداری شود و هرگز نباید به کودک اجازه داد با آتش زدن بوته، هیزم و امثال اینها در محیط خانه یا پارکینگ، جان خود و دیگران را به مخاطره بیندازد.

۵ـ در پایان شب، بقایای مواد آتش بازی را به سرعت جمع نکنید و حتما برای این کار، لااقل ۱۵ تا ۲۰ دقیقه صبر کنید و بعد از این مدت، آنها را در یک سطل آب بریزید و دور بیندازید.
قبل از ترک محل، حتما از خاموش شدن آتش مطمئن شوید.

فصل نرگس و لاله و پونه
روزگار پر هیاهو، آشنا
آتش و قاشق زنی و سورنا
سرخی آتش به جان دوستان
زردی رویت نثار دشمنان
آتش است و یک نماد زندگی
پاکی و یکرنگی و پایندگی
روشنایی و محاق یک گناه
آن سیاوش‌های بی یارو پناه
رسم زیبا و قدیمی از دیار
ماندگار است و بماند یادگار
سه طرف حلقه ز آتش در میان
شعر شیرین بر لب پیر و جوان
این طرف آتش به سر تا پای دل
آن طرف یک برکه اندر ماه خجل
ای پسرای دختر ایران زمین
شعله ی زیبنده در خود ببین
از کهن مردان و مهرویان ما
از زمستان‌های بی تکرار ما
از پریدن‌های بی ترس و گله
از گذشتن‌ها، شعر و فاصله
یک شروعی با نوازش‌های باد
همنوایی با صدای عشق و داد
یک زمستان را ز دنیا می‌خریم
سبزی نوروز به دلها می‌بریم
می رسد یار از کتاب قصه‌ها
می گریزد درد و رنج و غصه‌ها
می تراود شب بو و بابونه‌ها
عطر بوسونی و لاله، پونه‌ها
گل شقایق و نرگس و بی فاطمه
کنگر و نعنا، کنار و همهمه
چارشنبه سوری و رویای طاب
روزی بی محنت و سیمای ناب
آسمان روشن و پر نور یار
آتش عشق قدیمی برقرار
شب نشین گرد یاقوت وطن
گرمی دستان و روی پیل تن
آشنایی با سخن‌های کهن
تکیه گاهی بر نبود اهرمن
شاهنامه و گذر از آتشش
یک سیاوش با نگاه بی غشش
یک دو راهی با لبان دوخته
یک نسیم از هجر باد افروخته
یک شب و جشن و سرور و خنده ای
یک نماد ملی و زیبنده ای
با صلابت چون وطن سرزنده ای

فرشته سادات براتی
«اسفند ۹۴»

توصیه‌های ایمنی برای داشتن چهارشنبه سوری شاد و بدون حادثه

متاسفانه همه ساله شاهد حوادث تکاندهنده از جمله سوختگی‌های شدید، از دست دادن چشم یا پاره شدن پرده گوش در ایام چهارشنبه سوری هستیم. چهارشنبه سوری، سطحی از هیجان را در بیشتر کودکان و نوجوانان ایجاد می‌کند که برای آنها خوشایند و لذت بخش است از وظایف والدین، رسانه‌ها و مراکز آموزشی مدیریت در تعدیل هیجانی و فراهم آوردن شرایطی است که چهارشنبه سوری برای آنها امن‌تر شود یکی از راههای ایمن سازی چهارشنبه سوری توضیح دادن خطرات بالقوه این ایام است، بنابراین توصیه‌های زیر و به کار بستن آنها احتمال بروز حوادث تلخ چهارشنبه‌سوری را کاهش می‌دهد.

کودکان و نوجوانان عزیز!

۱ـ هنگام پرش از روی آتش، از لباسهای نایلونی استفاده نکنید چون این لباسها سریعتر آتش می‌گیرد و صدمات بیشتری وارد می کند.

۲ـ وقتی آتش زبانه می‌کشد به آن نزدیک نشوید و از روی آن نپرید.

۳ـ از ریختن مایعات آتش‌زا مانند بنزین، نفت، گازوئیل، الکل و مانند آن بر روی آتش خودداری کنید.

۴ـ از انداختن وسایل غیر متعارف مانند لاستیک، آمپول و قوطی‌های خالی حشره‌کش به منظور ایجاد انفجار خودداری کنید، زیرا ذرات این مواد به علت دارا بودن خاصیت انفجاری، پرتاب و وارد چشم می‌شود.

۵ـ از پرتاب فشفشه، موشک و سایر مواد آتش زا بر روی شاخه درختان، پشت بام و بالکن منازل خودداری کنید.

۶ـ از مواد محترقه دست ساز استفاده نکنید.

۷ـ در محیط‌های بسته مانند منزل، سالن، پارکینگ و ایستگاه‌های برق از روشن کردن آتش خودداری کنید.

۸ـ از نگهداری مواد محترقه و منفجره در کیف یا جیب یا کمد اجتناب کنید این مواد به زودی مشتعل می‌شوند و خسارات جانی و مالی فراوان به بار می‌آورند.

۹ـ از نگهداری مواد محترقه در نزدیک وسایل حرارتی و برقی خودداری کنید.

۱۰ـ هنگام استفاده از فشفشه، دستتان را باز نگه دارید و جلو صورتتان بگیرید تا دچار سوختگی نشوید.

۱۱ـ در صورت مواجهه با آتش‌سوزی، کنتور برق و گاز را قطع و بزرگترها را با خبر کنید و در اسرع وقت با تلفن ۱۲۵ تماس بگیرید.

۱۲ـ قبل از ترک محل از خاموش شدن کامل آتش، اطمینان حاصل و حتماً با آب سرد بقایای آتش را خاموش کنید.

۱۳ـ اگر خدای نکرده دچار سوختگی شدید گردیدید از دویدن خودداری کنید و بلافاصله روی زمین بغلتید و برای درمان و پانسمان سوختگی به مرکز بهداشتی درمانی یا درمانگاه مراجعه کنید.

۱۴ـ از آتش‌بازی در مجاورت وسایل نقلیه که حامل بنزین و مواد سوختنی هستند اکیداً بپرهیزید.

ترقه‌بازی و فشفشه اگر چه ظاهراً بی خطرند، ولی اگر به نقاط خاصی از بدن (به ویژه صورت) اصابت کنند، باعث آسیب دیدگی‌های شدید (و گاهی جبران ناپذیر) می‌شوند.

دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بهبهان





مدیر شرکت درخش رادان بهبهان:

ارائه بهترین سرویس و خدمات توسط تکنسین‌های مجرب و آموزش پرسنل ویژگی مهم شرکت است



ادامه از صفحه ۱

شرکت درخش رادان بهبهان در سال ۱۳۸۵ تحت مدیریت تاسیس شد و به عنوان راهبر جایگاه‌های عرضه سوخت و CNG در شهرهای بهبهان، امیدیه و آغاجری و هندیجان با شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی اهواز و آبادان همکاری دارد. شرکت درخش رادان با ۴۲ نیروی بومی و مجرب به عرضه سوخت در جایگاه مختلف از جمله جایگاه شرکتی شماره ۲ بهبهان می‌پردازد.

دوره آشنایی با طرح تکریم ارباب رجوع ۱۳ اسفند توسط مهندس ابوالقاسم زارعی و با هدف آشنایی کارکنان شرکت درخش رادان بهبهان با فرهنگ مشتری مداری و لزوم توجه به رضایتمندی ارباب رجوعان و مراجعه کنندگان به شرکت درخش رادان برگزار شد.

از آنجا که در آستانه تحویل سال نو قرار گرفته‌ایم و هر ساله این جایگاه با سیل عظیمی از مسافران نوروزی روبرو می‌شود و همچنین به دلیل اینکه رضایتمندی مراجعه کنندگان به جایگاه در اولویت اول اهداف مدیریت شرکت قرار دارد، برگزاری دوره آشنایی با طرح تکریم ارباب رجوع در صدر دوره‌های آموزشی شرکت درخش رادان قرار گرفت.

ابوالقاسم زارعی متولد ۱۳۵۰ در شهرستان بهبهان و دارای دانشنامه کارشناسی ارشد در رشته مهندسی محیط زیست گرایش آلودگی‌های محیط زیست به عنوان کارشناس HSE در شرکت درخش رادان بهبهان مشغول به فعالیت است.

از مشخصه بارز شرکت انجام تعمیرات و سرویس‌های دوره‌ای دستگاه‌ها جایگاه با توان داخلی از جمله ایمان پوردانش به عنوان تکنیسین فنی است که نیاز به نیروهای متخصص بیرونی را به شدت کم کرده است.



ایمان پوردانش تکنسین فنی



ابوالقاسم زارعی کارشناس HSE











رئیس راهنمایی و رانندگی بهبهان در گفتگو با اطلاعات

حذف میدان پرستار موفق‌ترین طرح‌های ترافیکی شهرستان است.



سرگرد احمد حسینی رئیس راهنمایی و رانندگی بهبهان در گفتگو با خبرنگار اطلاعات چگونگی مصوب شدن جمع آوری میدان پرستار توسط شورای ترافیک شهرستان را تشریح کرد.

وی اظهار داشت: شهر بهبهان به واسطه داشتن بافتی قدیمی با خیابانهای کم عرض در مرکز شهر و تجمع مراکز تجاری، درمانی، پزشکی و زیارتی در این بافت از پر ترافیک‌ترین شهرستان‌های استان خوزستان است. یکی از نقاطی که به واسطه موقعیت خاص آن ارتباط بین شمال و جنوب و شرق و غرب شهر را برقرار می‌کند و دارای بیشترین حجم تردد است، میدان بیمارستان شهیدزاده است. به دلیل کوچک بودن میدان و ورود بیش از حد ظرفیت وسایل نقلیه به داخل این میدان به ویژه در عصرها، گره ترافیکی شدیدی در آن نقطه ایجاد می‌شد که باعث می‌شد بار ترافیکی ناشی از این گره به خیابانهای اطراف کشیده شود و موجب نارضایتی مردم و هدر رفتن یک سوم توان عملیاتی پلیس راهور می‌شد. پس از بررسی‌های کارشناسی توسط کارشناسان پلیس راهور بهبهان و معاونت ترافیک شهرداری مشکل اصلی، ایجاد گره در میدان پرستار ناشی از کوچک بودن این میدان و ورود بیش از ظرفیت وسایل نقلیه به داخل آن تشخیص داده شد میدان پرستار در زمانی طراحی شده بود که بسیار کمتر از اکنون وسایل نقلیه در شهر تردد می‌کرد. لذا برای رفع این مشکل، موضوع در شورای ترافیک شهرستان مورد بررسی قرار گرفت. بهترین راهکار پیشنهادی ساخت زیرگذر یا روگذر یا خرید بافتهای اطراف میدان و بزرگ کردن میدان مثلاً در حدود و اندازه میدان محسنی یا یکطرفه کردن یک یا دو ورودی میدان بود که با توجه به وضع مالی شهرداری و شرایط موجود امکان اجرای طرح‌های فوق میسر نشد. سرگرد حسینی ادامه داد: بهترین و ارزانترین راهکار حذف و جمع آوری میدان پرستار و تبدیل آن به تقاطع و تجهیز به چراغ راهنمایی بود که با پیگیریهای صورت گرفته طرح پیشنهادی در شورای ترافیک شهرستان تصویب و با هماهنگی سایر مسئولان ذیربط میدان پرستار جمع آوری و تبدیل به تقاطع چراغدار شد که به لطف خدا مهم‌ترین اهداف این طرح که حذف گره ترافیکی در آن نقطه بود محقق شد و خودروهای عبوری به صورتی کاملا عادی و روان در آن تردد می‌کنند این طرح یکی از موفق‌ترین طرحهای ترافیکی در چند سال اخیر در سطح شهرستان بوده که با این اقدام و اقداماتی که قبلا در حوزه ترافیک صورت گرفت، دیگر هیچ نقطه‌ای در سطح شهرستان که به عنوان گره ترافیکی محسوب می‌شد، وجود ندارد.



کشف ۲۶ کیلوگرم تریاک در بهبهان

بهبهان ـ خبرنگار اطلاعات: ۲۶ کیلوگرم تریاک در بازرسی از یک دستگاه پژو ۴۰۵ واقع در محور زیدون ـ اهواز کشف شد.

فرماندار انتظامی بهبهان با اعلام این خبر افزود: در اجرای طرح کنترل محورهای مواصلاتی، پلیس مواد مخدر درونک و کلانتری زیدون در اقدامی مشترک در محور زیدون ـ اهواز به یک دستگاه خودرو پژو ۴۰۵ مشکوک شدند و آن را طبق مقررات متوقف کردند.

سرهنگ موسویان افزود: در بازرسی به عمل آمده از خودرو پژو، ۲۶ کیلوگرم مواد مخدر از نوع تریاک کشف شد. فرمانده انتظامی شهرستان بهبهان گفت: با اشاره به اعتراف سوداگر مرگ مبنی بر انتقال مواد مخدر از استان فارس به اهواز بوده است. متهم با تشکیل پرونده به همراه مستندات قانونی تحویل مراجع قانونی شدند.

کشف بیش از ۳۲ تن برنج قاچاق در بهبهان

بیش از ۳۲ تن برنج قاچاق در بازرسی از یک کامیون کشنده و پنج خودرو نیسان در سطح شهرستان کشف شد. فرمانده انتظامی بهبهان با بیان این خبر افزود: در چارچوب اجرای طرح ۱۰روزه مبارزه با قاچاق کالا، ماموران پلیس با انجام اقدامات اطلاعاتی و گشتزنی نامحسوس در سطح شهرستان یک دستگاه کامیون کشنده و پنج خودرو نیسان حامل برنج قاچاق را شناسایی و متوقف کردند.

سرهنگ سید نورالدین موسویان ادامه داد: در بازرسی از خودروهای توقیفی، ۳۲ تن و ۶۸۰ کیلوگرم برنج فاقد هرگونه مجوز گمرکی با ارزش تقریبی یک میلیارد و ۱۶۷ میلیون ریال کشف شد. فرمانده انتظامی شهرستان بهبهان افزود: در این رابطه شش نفر متهم دستگیر و پس از تشکیل پرونده مقدماتی تحویل مراجع قانونی شدند.

کشف بیش از ۶۵ هزار مواد محترقه در بهبهان

فرمانده انتظامی شهرستان بهبهان از کشف بیش از ۶۴ هزار عدد مواد محترقه غیر مجاز در شهرستان بهبهان خبر داد.

سرهنگ سید نورالدین موسویان گفت: با توجه به نزدیک شدن به ایام پایانی سال و در پیش بودن چهارشنبه آخر سال و سودجویی قاچاقچیان در به خطر انداختن امنیت قشر جوان و نوجوان. در همین زمینه ماموران انتظامی شهرستان بهبهان، با تشدید اقدامات انتظامی، اقدام به کنترل محورهای مواصلاتی این شهرستان کردند.

این مقام انتظامی بیان داشت: ماموران انتظامی با استقرار در محور دیلم ـ بهبهان در حین کنترل خودروهای عبوری به سه دستگاه خودرو پراید مشکوک شدند و آنها را متوقف کردند.

فرمانده انتظامی شهرستان بهبهان افزود: ماموران در بازرسی از خودروها، ۶۵ هزار و ۳۰۰ عدد مواد محترقه کشف کردند و در این زمینه سه متهم دستگیر و پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شدند.

اعتراف سارقان حرفه‌ای به هفت فقره سرقت طلا و جواهر در چند شهر کشور

بهبهان ـ دایی زاده: «با هوشیاری و اطلاع رسانی بموقع پلیس آگاهی شهرستان بهبهان دو سارق طلا فروشی با هفت فقره سرقت از چند شهر کشور دستگیر شدند.»

فرمانده انتظامی شهرستان بهبهان با اعلام این خبر افزود: با توجه به اینکه سرقتی به صورت (کش روی) طلا و جواهر از یک مغازه طلا فروشی در شهرستان بهبهان توسط یک نفر مرد و دو نفر زن صورت گرفته و فیلم لحظه سرقت آن در فضای مجازی منتشر شده بود. پلیس آگاهی این شهرستان با انجام اقدامات گسترده و اطلاع رسانی بموقع در سراسر کشور دو سارق که یک مرد و زن بودند، توسط پلیس آگاهی شهرستان ارومیه دستگیر شدند.

سرهنگ سید نورالدین موسویان، افزود پس از انتقال متهمان به شهرستان بهبهان در بازجویی‌های فنی پلیس به سرقت مقادیری طلا و جواهر به صورت کش روی از مغازه طلافروشی در این شهرستان اعتراف کردند. این مقام انتظامی بیان داشت: در ادامه تحقیقات فنی پلیس آگاهی، متهمان به انجام دو فقره سرقت به همان شیوه در شهر بهبهان و پنج فقره در شهرهای مختلف کشور از جمله اصفهان، مشکین شهر، تربت جام و شیراز هم معترف شدند.

فرمانده انتظامی شهرستان بهبهان در پایان با اشاره به این که دو سارق پس از دستور قضایی روانه زندان شدند و تحقیقات برای دستگیری همدست دیگر آنها ادامه دارد. از شهروندان خواست هرگونه اخبار مربوط به مجرمان را بلافاصله از طریق تماس با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ اطلاع دهند تا نسبت به شناسایی و دستگیری آنها اقدام شود.

تجلیل از یک بهبهانی در آیین کتاب سال خوزستان

در آیین انتخاب کتاب سال خوزستان از محمد جواد اسکافی تجلیل شد.

در آیین انتخاب کتاب سال خوزستان در بخش انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در زمینه خاطرات اسارت، کتاب برگزیده سال به محمد جواد اسکافی برای کتاب در سال‌های اسارت انتشارات علمی و فرهنگی تعلق گرفت و با اهدای تندیس و لوح تقدیر از وی تجلیل شد.

نمایشگاه آثار بزرگان خوشنویس

نمایشگاه بزرگ اساتید خوشنویسی بهبهان با عنوان «حلقه مشتاق» در محل نگارخانه میرزا شوقی بهبهان برگزار شد.

این نمایشگاه که از ۸ تا ۱۸ اسفند برپا بود، ۴۸ اثر از اساتید انجمن خوشنویسان این شهرستان در معرض دید عموم قرار گرفت.

در این نمایشگاه آثار اساتیدی همچون احمدرضا دقایقی، ابراهیم تدین، مهران و حیدیان، غلام محمودیان، وحید بخت، ابراهیم غفوری، محمد بازو، سید عطاالله طاهر زاده،هادی احمدی، محمد متعبد، سید رحمت تقوی، الهام طباخی، صدیقه محتسبی و فاطمه فقهی به نمایش گذاشته شد.

برپایی وروشاپ‌های آموزشی، برگزاری کلاس‌های انجمن در محیط نمایشگاه و چاپ و انتشار کتابچه نفیس آثار اساتید از برجستگی‌های این نمایشگاه بود.

انجمن خوشنویسان بهبهان با مدیریت احمدرضا دقایقی از انجمن‌های فعال کشوری و با مدارک ممتاز و فوق ممتاز خوشنویسی است.

فعالیت‌های کمیته امداد بهبهان

ادامه از صفحه ۱

وی در ابتدا با تسلیت ایام فاطمیه و همچنین تبریک پیشاپیش عید نوروز به همشهریان عزیز گفت که سابقه شکل گیری و پی ریزی تشکیلات این نهاد به سالهای قبل از پیروزی انقلاب و حدوداً سال ۱۳۴۲ برمی‌گردد که تعدادی از انقلابیون اول نهضت اسلامی که در زمره همراهان و همرزمان حضرت امام خمینی (ره) قرار داشتند و بعضاً مسئولین فعلی این نهاد میباشند، از طرف معظم له مأموریت رسیدگی به‌خانواده زندانیان سیاسی، نیازمندان و مبارزین را بعهده داشتند. اقدامات حمایتی و امدادی این بزرگان خصوصاً در زمان اوجگیری انقلاب اسلامی یعنی سالهای ۵۶ و ۵۷ که مبارزات امت مسلمان به اوج خود رسید و اعتصاب و تحصن همه جا را فرا گرفت، با حمایت گسترده و فراگیر از اعتصابیون و خانواده زندانیان سیاسی و نیازمندان جامعه سیر صعودی یافت. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و آغاز فعالیت مجدد بخشهای اداری، اقتصادی و فرهنگی کشور، لزوم حمایت از نیازمندان در صدر برنامه‌های نظام قرار گرفت و دقیقاً ۲۲ روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بعنوان دومین نهاد انقلابی در تاریخ ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۷، کمیته امداد امام، با صدور حکم پرخیر و برکت و تاریخی حضرت امام خمینی(ره) برای مدت نامحدود، به منظور تحقق بخشیدن به اهداف عالیه نظام جمهوری اسلامی ایران و ولایت فقیه در حمایت و امداد محرومان و مستضعفان و خودکفا کردن آنان، تأسیس شد.

اکنون حکمی در مورخه ۱۳۹۴/۰۱/۱۶ از طرف مقام معظم رهبری(مدظله العالی) حضرات آقایان حجت‌الاسلام حاج شیخ محسن کازرونی، مهندس پرویز فتاح، حسین انواری، حمیدرضا ترقی، سید مرتضی بختیاری، مهندس سید منصور برقعی و خانم دکتر مرضیه وحید دستجردی به‌عنوان اعضای هیأت امنا و جناب آقای مهندس پرویز فتاح را به‌عنوان رئیس کمیته امداد امام خمینی(ره) منصوب شده‌اند .

آقای عبدی خاطر نشان کرد: کمیته امداد در زمینه‌ها و سرفصل‌های متعددی به ارائه خدمت می‌پردازد که برخی از آنها عبارتند از: پرداخت کمک معیشتی به مددجویان، حمایت از ایتام تحت پوشش، تامین جهیزیه و کمک به امر ازدواج، خدمات فرهنگی و آموزشی، امور بیمه و خدمات بهداشتی و درمانی و سوء تغذیه کودکان زیر شش سال، عمران و مسکن مددجویان (احداث، تعمیر، بازسازی، تکمیل و توسعه)، مقاوم سازی مسکن مددجویان، پرداخت وام‌های خودکفایی و وام اشتغال، اعطاء وام قرض الحسنه، کمک به خسارت دیدگان ناشی از حوادث طبیعی، کمک‌های نقدی و موردی.

این نهاد در بودجه جنگ تحمیلی در شهرستان بهبهان در سال ۱۳۵۹ تشکیل گردید و لازم به ذکر است که تعداد خانوار تحت حمایت کمیته امداد بهبهان قریب به ۳۷۰۰ خانوار می‌باشد. همچنین به خانواده‌هایی که معرفی شده از سایر ادارات و یا به صورت خود معرف بوده‌اند نیز تا حد ممکن کمک و مساعدت در زمینه‌های مختلف صورت پذیرفته است.

کمیته امداد یکی از ابتکارات انقلابی است که به دستور بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) در راستای خدمت به محرومین و نیازمندان تأسیس شده است.

همچنین هر سال با برگزاری جشن‌ها و طرحهای مختلف از جمله: جشن عاطفه‌ها و جشن نیکوکاری، طرح اکرام و ایتام، طرح جمع آوری زکات و... در سراسر میهن اسلامی به فعالیت هدف مند و مستمری می‌پردازند.

عبدی با بیان این که حقیقتاً امداد متعلق به شیوه‌های انبیاء الهی بوده است افزود: و فقراء جایگاه خاصی نزد انبیاء داشته‌اند و در گوشه‌ای دیگر از سخنان خود اعلام داشت که توانمندی خانواده‌های پوشش با توجه به استعدادهای آنان صورت گرفته و شکوفا می‌شود و در صورت نداشتن مهارت، آموزش‌های کوتاه مدت و بلند مدت هدفمندی برای افزایش سطح کاریابی مددجویان ارائه می‌شود. یکی از اهدافی که کمیته امداد دنبال می‌کند و بسیار به آن توجه می‌نماید کارآفرینی و جهش اقتصادی است که مددجویان تحت حمایت بتوانند بعد از یادگیری آموزش‌های لازم در زمینه‌های مختلفی که این نهاد هر ساله ارائه می‌دهد تسهیلاتی را دریافت نموده و خودکفا شوند و به مسیر ثابت و همیشگی در زندگی خود دست یابند و جهشی رو به بالا در سطوح اقتصادی داشته باشند است.

محوریت اصلی بر مبنای ایجاد چهل سرفصل کاری با ۴ هدف عمده قرار گرفته است:

۱. تامین کمک معیشت برای مددجویان اعم از نقدی و غیر نقدی.

۲. توجه ویژه به مباحث فرهنگی، اجتماعی و مذهبی خانوارها.

۳. جذب خیرین در زمینه‌های مختلف در حوزه مشارکت مردمی.

۴. توانمندسازی اعضای خانواده مددجویان از طریق مشاوره شغلی، ارائه آموزشهای مهارتی و تسهیلات اشتغال زا.

در پایان این مصاحبه مدیریت امداد از مردم شریف و خداجو، امام جمعه، فرماندار، شهردار و سایر مؤسسات خیریه که همکاری قابل تحسینی با کمیته امداد در ارائه خدمات برای محرومان و نیازمندان داشته‌اند قدردانی کرد و از همه کسانی که در هر سنگر و لباسی خالصانه و صادقانه برای اعتلا و عظمت ایران اسلامی اندک و زیاد تلاش می‌کنند، خسته نباشید و خدا قوت عرض می‌کنم.





اهدا وام اشتغال



احداث مسکن مددجویی



اهداء جهیزیه



خرید و اهدای چرخ خیاطی جهت مشاغل خانگی



دستگاه تصفیه آب جهت بیماران



مسکن احداث شده امداد

خلاصه عملکرد ۹ ماهه کمیته امداد امام خمینی(ره) مدیریت شهرستان بهبهان

تعداد کمک معیشت بگیر – خانوار	تعداد کمک معیشت بگیر – نفرات	تعداد روستای تحت پوشش
۳۶۴۲	۷۳۱۷	۱۴۰

کمک به امر ازدواج: تعداد عروس و داماد مساعدت شده	کمک به امر ازدواج: مبلغ پرداختی(ریال)	حمایت از ایتام: تعداد ایتام تحت حمایت امداد	حمایت از ایتام: تعداد ایتام تحت حمایت حامیان	حمایت از ایتام: تعداد حامیان	حمایت از ایتام: مبلغ پرداختی به ایتام (ارزش نقد و کالا) (ریال)
۲۹۴	۳۵۹۵۰۰۰۰۰۰	۲۳۵	۲۳۵	۶۸۵	۱۱۳۱۹۳۹۷۹۱

امور بیمه و خدمات بهداشتی و درمانی				کمک به رفع سوءتغذیه کودکان زیر ۶ سال سن		خدمات فرهنگی				
بیمه های اجتماعی (زنان شهری سرپرست خانوار زیر ۵۰ سال سن و مجریان طرحهای فعال اشتغال) – خانوار	بیمه های اجتماعی – نفرات	تعداد افراد بیمه شده امداد	هزینه خدمات درمانی پرداختی (ریال)	تعداد نفرات	هزینه پرداختی (ریال)	تعداد دانش آموزان تحت حمایت	تعداد دانشجویان و طلاب تحت حمایت	افراد بهره مند از آموزش خانواده	افراد بهره مند از خدمات مشاوره ای	هزینه خدمات فرهنگی (ریال)
۲۷۳	۴۷۱	۲۳۱۸	۶۳۴۰۷۵۳۱۷	۱۵۵	۱۸۶۰۰۰۰۰۰	۵۴۶	۳۴۱	۳۸۱	۴۵۳	۱۱۶۵۱۵۴۴۸۰

اجرای طرحهای اشتغال

وام اشتغال – تعداد: صندوق اشتغال امداد	وام اشتغال – تعداد: تسهیلات بانکی	وام اشتغال: مبلغ وام پرداخت شده(ریال) (صندوق اشتغال امداد و تسهیلات بانکی)	از لحاظ شغل پذیری(خانوار): مورد حمایت طرحهای اشتغال	از لحاظ شغل پذیری(خانوار): مستعد شغل پذیری	از لحاظ شغل پذیری(خانوار): غیرمستعد شغل پذیری	آموزش شغلی: تعداد افراد آموزش فنی و حرفه ای دیده	آموزش شغلی: تعداد افراد کاریابی شده	تعداد خانوار مورد حمایت طرحهای اشتغال از ابتدا تاکنون
۵۰	۹۴	۱۱۵۴۰۰۰۰۰۰	۱۹۵۶	۲۱۳۲	۱۵۱۰	۲۵۸	۱۷	۱۹۵۶

وضعیت مسکن مددجویان: تعداد خانوار دارای مسکن	وضعیت مسکن مددجویان: تعداد خانوار فاقدمسکن و بدمسکن	وضعیت مسکن مددجویان: خرید و احداث	وضعیت مسکن مددجویان: تعمیر و تکمیل	وضعیت مسکن مددجویان: بهسازی ، مقاوم سازی و مسکن مهر	وضعیت مسکن مددجویان: مبلغ هزینه(ریال)	پرداخت وام قرض الحسنه (مددجویی ، محکومین نیازمند): تعداد	پرداخت وام قرض الحسنه (مددجویی ، محکومین نیازمند): مبلغ وام اعطایی(ریال)
۳۳۰۱	۳۴۱	۳۷	۴۵	۸	۹۸۳۰۴۰۰۰۰	۳۳۰	۳۵۸۰۰۰۰۰۰

مهندس عبائی باقری رئیس اداره راه و شهرسازی بهبهان:

گزارش عملکرد اداره راه و شهرسازی بهبهان



ادامه از صفحه ۱
در بخش توسعه راهها نیز وظیفه پیشنهاد، همکاری و هماهنگی میان دستگاههای مسئول از جمله اداره کل راه و شهرسازی خوزستان ، شرکت توسعه و زیر ساخت راههای کشور،وزارت راه و شهرسازی و معاونت های مربوطه (راه روستایی، توسعه و زیر ساخت و راهداری) را برعهده دارد که پس از اجرای پروژه های هر بخش ،در نهایت تحویل این اداره شده و نگهداری از آن بر عهده راه و شهرسازی بهبهان می باشد.

*خلاصه ای از عملکرد اداره در بخش راهداری و نگهداری از راههای شهرستان بهبهان را بیان کنید.

-۱تعمیر دال پل خیرآباد و تعویض بالشتک های زیر سری (نئوپرن های) پل خیرآباد و پل بزرگ زهره(زیدون) بعد از ۲۵ سال .

-۲تهیه و نصب علائم و تابلوهای ایمنی(مجموعاً ۲۵۰۰ عدد) وچراغ چشمک زن جدید (۱۶ عدد) و تعمیر تابلوها و علائم آسیب دیده در اثر تصادفات، رنگ آمیزی نرده ها و قرنیز های پلهای محور بهبهان – رامهرمز و بهبهان – گچساران و بهبهان – دیلم

-۳خط کشی راههای اصلی بهبهان (بهبهان – رامهرمز ، بهبهان – گچساران، بهبهان – دیلم ، بهبهان –داربهاره ، بهبهان – تشان و بهبهان – لیکک)با طول حدود ۲۰۰ کیلومتر بصورت یک خطه ، و سه خطه

-۴ایمن سازی ، شانه سازی و، برطرف نمودن آبشستگی ها و قنوسازی در محور بهبهان – دیلم بصورت ویژه و در مدت زمان ۴ ماه .

-۵ ترمیم جاده قدیم اهواز با استفاده از آسفالت سرد بصورت ویژه .

-۶لکه گیری با استفاده از آسفالت گرم و آسفالت تراش در محور بهبهان - رامهرمز ، کمربندی و بهبهان - دیلم به میزان ۷۰۰۰ متر مربع

-۷هدایت بارهای فوق سنگین مخصوصاً بارهای ترافیکی نیروگاه سیکل ترکیبی بهبهان از کنار گذر پلهای بزرگ (احداث کنار گذر در صورت نیاز)

-۸ مسدود نمودن راههای دسترسی غیر مجاز به جاده های اصلی و روستایی که باعث نا ایمن شدن و بروز تصادف می شدند.

-۹ رفع تجاوزات به حریم پلها و جاده های حوزه راهداری با همکاری دادستان محترم شهرستان بهبهان و همچنین نیروی محترم انتظامی شهرستان بهبهان

-۱۰ تهیه مصالح آسفالت سرد و ساخت و استفاده از آن جهت لکه گیری محورهای روستایی و فرعی حوزه راهداری و انجام حدود شصت هزار متر مربع لکه گیری .

-۱۱ تهیه و نصب ۹ عدد برج روشنایی در نقاط حادثه خیز و سه راهی های مهم مانند سه راهی منصوریه، لیکک، تشان، خاییز، شهرک صنعتی، سیلو، گرمز، سد شهداءو سه راهی آغاجاری

-۱۲ احداث رمپ ورود و خروج به پمپ بنزین محور زیدون و جاده دولت آباد.

-۱۳اجرای تعمیرات جاده چشمه شیخ واقع در بخش زیدون که شامل موارد زیر می باشد:

بهسازی و بازسازی محور چشمه شیخ به طول ۵/۳ کیلومتر به صورت موضعی با استفاده از ۲۰۰ متر مکعب تونان ، قنوسازی به طول ۱۰۰ متر با انجام ۱۰۰ متر مکعب سنگ کاری ، احداث دو دستگاه آبرو لوله ای ۸۰۰ در این محور ، بتن ریزی روی آبنمای محورچشمه شیخ به طول ۶۰ متر و عرض ۵/۷ متر.

-۱۴ -تهیه و نصب بیش از ۴ کیلومتر گاردریل در محور بهبهان – رامهرمز حد فاصل سه راهی دودانگه تا سه راهی امیر حاضر از محل اعتبارات استانی .

*فعالیت های انجام شده در بخش توسعه راهها را شرح دهید

-۱چهار خطه کردن و بهسازی محور بهبهان – رامهرمز حد فاصل سه راهی امیر حاضر تا روبروی روستای آب امیری به طول ۵/۴ کیلومترو با عرض تمام شده ۵/۲۳ متر با اعتباری بالغ بر ۳/۲ میلیارد تومان از محل اعتبارات ملی .

-۲بهسازی وروکش آسفالت محور بهبهان – رامهرمز حد فاصل سه راهی آغاجاری تا سه راهی بیدبلند یک به طول ۵ کیلومتربا عرض تمام شده ۵/۱۱ با اعتباری بالغ بر ۵/۱ میلیارد تومان از محل اعتبارات ملی .

-۳بهسازی و روکش آسفالت محور بهبهان – دیلم حد فاصل سه راهی تل چگاه تا انتهای حوزه به سمت دیلم به طول ۲ کیلومتر با عرض تمام شده ۵/۱۱ متر از محل اعتبارات ملی .

-۴حذف پیچهای خطرناک ، بهسازی و روکش آسفالت جاده بهبهان – لیکک(بهمئی) و تعریض جاده تشان مجموعاً به طول ۵/۹ کیلومتر با اعتباری بالغ بر یک و نیم میلیارد تومان از محل اعتبارات ملی .

-۵اجرای آبنمای محور روستایی تیله کوهی(با پیشرفت فیزیکی ٪۹۵) و اعتباری بالغ بر ۸۰۰ میلیون تومان از محل اعتبارات ملی

-۶احداث پل بزرگ عبدیخانی در محور داربهاره (محورروستایی عبدیخانی) با ٪۶۰ پیشرفت فیزیکی و اعتباری بالغ بر ۶/۱ میلیارد تومان از محل اعتبارات استانی که در حال حاضر سرستونهای آن اجرا گردیده و تیرهای فلزی آن در دست ساخت می باشد.

-۷بهسازی جاده پیازکار و آنتی های روستاه های و همچنین بهسازی جاده قالند – اسدآباد در مسیرشامل بهسازی ۲۸۰۰ متر جاده با استفاده از ۱۵۰۰ متر مکعب تونان از محل اعتبارات استانی و با پیشرفت فیزیکی ٪۷۰ .

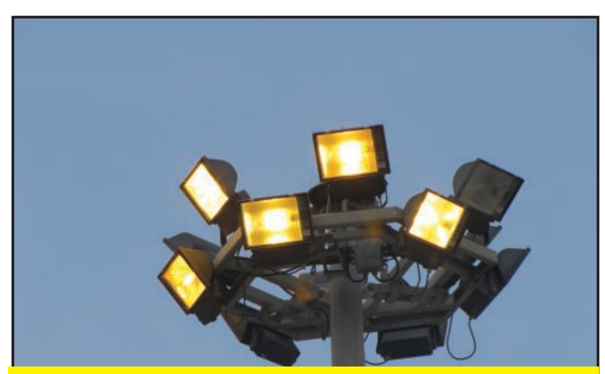
-۸بهسازی و روکش آسفالت جاده امامزاده عبدالله (چاه ابوعلی)به طول ۱۲ کیلومتر با پیشرفت فیزیکی ٪۵۰ و از محل اعتبارات ملی.

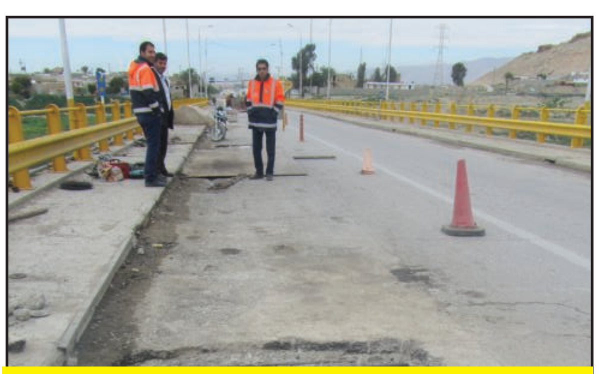
-۹پیگیری انجام مطالعات فاز ۱ و ۲ و برگزاری مناقصه پروژه چهار خطه محور بهبهان - گچساران واحداث پل دوم خیرآباد.

* در پایان اگر مطلب یا توصیه ای را لازم می دانید توضیح دهید

با توجه به در پیش بودن ایام آغازین سال نو و شروع سفرهای نوروزی و افزایش چندین برابری ترافیک در حوزه راههای بهبهان در حکم چهار راه منطقه می باشد ، ضمن آرزوی سفری خوش و خاطره انگیز همراه با سلامت کامل ، همشهریان و هموطنان عزیز را به رعایت کلیه قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی ، توجه با تابلوها و علائم ایمنی ، صبر و حوصله در رانندگی و همکاری با عوامل راهداری (در صورت نیاز) دعوت می نمایم.


تهیه ، نصب و تعمیر تابلوها و علائم ورنگ آمیزی قرنیز های پلها


تهیه ، نصب و تعمیر تابلوها و علائم ورنگ آمیزی قرنیز های پلها


تعمیرپل خیرآباد سال ۹۴


ترمیم جاده شیرعلی (جاده قدیم اهواز)


رفع تجاوز به حریم پل در محور داربهاره


تخریب ساخت و ساز غیر مجاز جاده منصوریه


خط کشی محور های اصلی حوزه راهداری


تهیه آسفالت سرد و لکه گیری محورهای روستایی و فرعی با آن


ترمیم جاده شیرعلی (جاده قدیم اهواز)

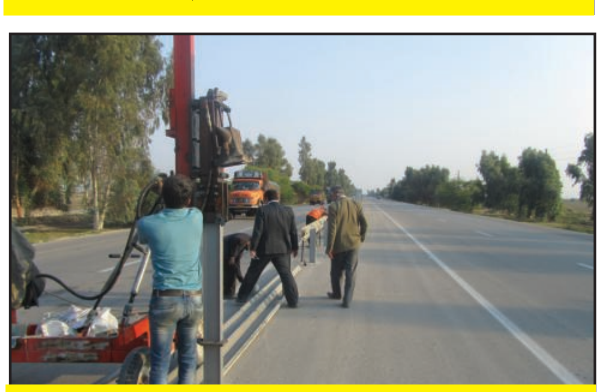

لکه گیری با آسفالت گرم


لکه گیری با آسفالت گرم


رفع تجاوز به حریم پل زهره


احداث آبنمای تیله کوهی


نگهداری راه و ایمنی سازی در محور بهبهان - دیلم


نصب ۴ کیلومتر گاردریل جاده بهبهان - رامهرمز


مسدود نمودن راههای غیر مجاز

آذربایجان شرقی
اطلاعات
دوشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۴ | ضمیمه شماره ۲۶۴۰۰ | ۸ صفحه | سال نودم

آگهی فروش جای خانه شهرداری سراب

در کمربندی شمالی، خیابان شهیدان علوی و جنب مجتمع ورزشی

صفحه ۵

کمک یک میلیون دلاری ژاپن برای احیای دریاچه ارومیه

ایجاد نوار سبز حایل دریاچه ارومیه آغاز شد

صفحه۷

با حضور وزیر راه و شهرسازی،

ساختمان جدید ترمینال تبریز مورد بهره برداری قرار گرفت

تبریز- خبرنگار اطلاعات: وزیر راه و شهرسازی گفت: فرودگاه تبریز در ردیف هفت فرودگاه در نظر گرفته شده برای بازسازی توسط شرکت های اروپایی قرار دارد، گفت: ریل های راه آهن تبریز- میانه نیز خریداری شده است.

به گزارش روابط عمومی استانداری، آخوندی در آیین بهره برداری از ساختمان جدید پایانه مسافربری مرکزی تبریز، با تاکید بر این که باید تبریز را به عنوان یک رکن در توسعه و امنیت ایران بدانیم، افزود: شهر تبریز فراتر از یک شهر در تاریخ ایران نقش داشته و این شهر در دوره های مختلف تاریخی و به ویژه در دوره مشروطه تعیین کننده بوده است.

وی گفت: تبریز دروازه توسعه و توسعه این شهر یک سرمایه گذاری ملی است و در این راستا توسعه حمل و نقل ریلی، هوایی و جاده ای را در شمال غرب کشور در دستور کار داریم.

آخوندی با اشاره به این که شش کریدور هوایی جدید از شمال غرب کشور می گذرد، گفت: فعال کردن کریدورهای شمال غرب یک نگاه فرا ملی و توجه به نقش منطقه ای ایران است.

وی برخی از شهرهای شمال غرب کشور از جمله تبریز، مراغه، میانه، خوی و ماکو را ثروت ملی خواند و افزود: یکپارچگی در بحث حمل و نقل مورد توجه وزارت راه و شهرسازی است و در این مسیر باید بین راه آهن، مترو و فرودگاه یکپارچگی ایجاد شود.

وزیر راه و شهرسازی در ادامه از بازسازی کامل هفت فرودگاه بین المللی کشور به عنوان فرودگاه های اصلی ایران خبر داد و با بیان این که فرودگاه تبریز یکی از این فرودگاه هاست، افزود: در این ارتباط با دوکشور اروپایی از جمله آلمان مذاکره شده است تا یک فرودگاه در کلاس جهانی در تبریز احداث شود.

وی به انتخاب شهر تبریز به عنوان شهر نمونه گردشگری کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۸ اشاره کرد و گفت: این فرودگاه جدید از زیرساخت های



مورد نیاز برای سال ۲۰۱۸ میلادی در این شهر است که مذاکرات در این زمینه در حال انجام است و خبرهای خوبی به زودی در این ارتباط اعلام می شود.

آخوندی همچنین از خریداری ریل های راه آهن میانه - تبریز خبر داد و با بیان این که اجرای این طرح با سرعت خوبی در حال اجرا است، گفت: ریل گذاری این طرح به طول ۲۸۳ کیلومتر در دو خط اجرا می شود و با اتمام آن فاصله زمانی سفر در مسیر تبریز تهران از ۱۳ ساعت به ۶ ساعت کاهش می یابد.

وزیر راه و شهرسازی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: تبریز همواره به عنوان مرکز تعادل، تمدن و توسعه منطقه ایران شهری تاریخی عمل کرده و در دوران بعد از تحریم در حال بازگشت به این نقش محوری است.

وی افزود: برگشت به نقطه تعادل فقط اظهار اقتدار نیست، بلکه مسوولیت هایی نسبت به همسایگان داریم و باید کریدورهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که از ایران به کشورهای منطقه عبور می کند را فعال کنیم و یکی از مهم ترین کریدورهای ما کریدوری است که از شمال غرب ایران می گذرد.

ظریف خبر داد:

تبریز میزبان اولین اجلاس وزرای گردشگری مجمع گفتگوی همکاری آسیا

تبریز- خبرنگار اطلاعات: وزیر امور خارجه کشورمان از میزبانی تبریز برای اولین اجلاس وزرای گردشگری کشورهای عضو مجمع گفتگوی همکاری آسیا در سپتامبر ۲۰۱۶ خبر داد.

به گزارش نصر، ظریف که در ادامه سفر آسیائی خود در بانکوک بسر می برد در سخنرانی خود در چهاردهمین نشست وزرای کشورهای عضو مجمع گفتگوی همکاری آسیا با تاکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران به همکاری های همه جانبه منطقه ای از جمله در زمینه مبارزه



با تروریسم و افراط گرائی بعنوان یک رویکرد مهم و اساسی می نگرد گفت: همکاری نزدیک بین مجمع گفتگوی همکاری آسیا با دیگر سازمانهای منطقه ای از جمله اکو، سارک و آ سه آن می تواند ضمن پرهیز از دوباره کاری و استفاده از تجربیات آنان به همگرایی منطقه ای و توسعه آسیا کمک کند.

وی افزود: برای افزایش مراودات بازرگانی بین کشورهای آسیائی استفاده از اتحادیه پایاپای آسیائی متشکل از بنگلادش، بوتان، هند، ایران، مالدیو، میانمار، پاکستان، نپال و سریلانکا (تاسیس ۱۹۷۴) پیشنهاد می شود.

ظریف در ادامه گفت: ایران به منظور ارتقای روابط مابین کشورهای عضو آمادگی خود را جهت میزبانی اولین اجلاس وزرای گردشگری کشورهای عضو در سپتامبر ۲۰۱۶ در تبریز اعلام می کند.

ظریف تاکید کرد: معتقدیم با تلاش منسجم و جمعی، ضمن گسترش روح همبستگی گروهی می توان زمینه را برای گسترش بیش از پیش همکاری های منطقه ای با هدف تامین رفاه و پیشرفت کشورهای عضو و در نهایت تشکیل خانه مشترک آسیائی فراهم کرد.

با برگزاری انتخابات و پس از هشت سال تعطیلی:

هیات مدیره خانه تشکل های غیر دولتی آذربایجان شرقی برگزیده شدند

تبریز- خبرنگار اطلاعات: انتخابات خانه تشکل های غیر دولتی آذربایجان‌شرقی پس از وقفه ای هشت ساله که در دولت های نهم و دهم گریبانگیر تشکل های غیر دولتی شده بود، برگزار شده و اعضای هیات مدیره جدید برگزیده شدند.

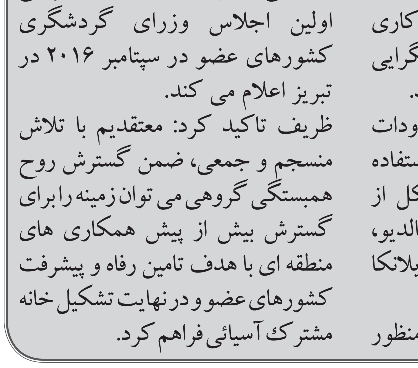
به گزارش خبرنگار ما، عصر پنج شنبه ۲۰ اسفند، مجمع عمومی خانه تشکل های غیر دولتی استان با حضور مدیران سازمان های مردم نهاد، رییس شورای اسلامی استان، مدیر کل امور اجتماعی و کارشناس مسئول سازمان های مردم نهاد استانداری در تالار اندیشه سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری تبریز تشکیل یافته و انتخابات هیات مدیره برگزار شد.



محمد حسین یعقوبی، مدیر عامل سابق خانه تشکل های غیر دولتی، هدف این تشکل را ارتقاء و گسترش فعالیت های سازمان های مردم نهاد، تقویت روحیه تعاون و همکاری بین آنها، تلاش در جهت ارتقای جایگاه تشکل ها، کمک به تشکل ها برای ارتباط بهینه با بخش دولتی، دفاع از حقوق تشکل های مردمی و در نهایت توانمند سازی سازمان های مردم نهاد عنوان کرد.

وی روش های اجرایی برای رسیدن به اهداف خانه تشکل های غیر دولتی را برگزاری برنامه های آموزشی، همایش ها و نشست های تخصصی، انتشار نشریه و تاسیس پایگاه اینترنتی، برگزاری نشست هایی با بخش دولتی و برنامه ریزی برای استفاده از ظرفیت های فوق العاده سازمان های مردمی در توسعه کشور ذکر کرده و افزود: امیدوارم با تشکیل هیات مدیره جدید خانه، تدارک مکان مناسب برای فعالیت تشکل های مردمی در تبریز برای ایجاد هماهنگی میان آنها، در صدر برنامه کاری قرار گیرد.

این گزارش می افزاید با برگزاری انتخابات، هیات مدیره خانه تشکل های غیر دولتی به شرح زیر انتخاب شدند. آقایان و خانم ها: غلامرضا نورآبادی - علی علمی - ذکریا



والایی - محمد حسین حسین زاده - حسین دهقانی - حسن توکلی - کمال الدین نیک رفتار خیابانی - محمد حسین یعقوبی - عفت رحیم زاده به عنوان اعضای اصلی و جاوید فاضلی و خدیجه اسلامی به عنوان اعضای علی البدل هیات مدیره. سعید نامور و آیدین معتمدین به عنوان بازرسین اصلی و سید رامین اسبقی و سید محمود مدنی به عنوان بازرسان علی البدل.

خبر

فرمانده نیروی انتظامی آذربایجان شرقی تاکید کرد:

مخالف شادی مردم نیستیم



تبریز-خبرنگار اطلاعات: فرمانده نیروی انتظامی آذربایجان شرقی گفت: رسانه ها در ایجاد و ارتقای احساس امنیت نقش بسیار تاثیر گذاری دارند.

به گزارش خبرنگار نصر، رئیس پلیس آذربایجان شرقی، اولویت های پلیس را مبارزه با سرقت، مبارزه با مواد مخدر، افزایش امنیت روانی، کنترل مرزها و کاهش تصادفات جاده ای عنوان کرد و گفت: در حوزه مبارزه با سرقت، موفقیت های خوبی داشته ایم و برای دومین سال پیاپی در سال ۹۴ شاهد کاهش ۵ درصدی سرقت ها بوده ایم.

حسن خانی از افزایش میزان کشف موارد سرقتی نیز خبر داد و گفت: کشف سرقت ها از ۷۸ درصد در سال ۹۳ به ۸۳ درصد در سال ۹۴ رسید، ضمن اینکه ۵ هزار و ۶۱۰ نفر سارق نیز دستگیر و به مراجع قضایی تحویل داده شد که ۷۰ درصد افراد دستگیر شده را سارقین معتاد به مواد مخدر تشکیل می دادند.

وی با بیان اینکه دو درصد در دستگیری سارقان در سال‌جاری افزایش داشته‌ایم، اظهار داشت: امسال ۱۳ هزار و ۷۰۰ معتاد متجاهر را دستگیر کرده و تحویل مراکز نگهداری داده ایم و در این مدت یک هزار و ۶۰۰ کیلو گرم انواع مواد مخدر در استان کشف شده است.

حسن‌خانی از دستگیری ۶ هزار نفر قاچاقچی و توزیع کننده مواد مخدر در استان خبر داد و گفت: ۹۱۷ مرحله پاکسازی و سالم‌سازی مناطق آلوده به مواد مخدر در استان انجام شده است و در پاکسازی های صورت گرفته در استان نیز، ۲ کارگاه تولید عمده مواد مخدر شیشه کشف و برخورد شد.

حسن‌خانی در بخشی دیگر از سخنان خود به آمار دستگیری اتباع غیر مجاز کشورهای خارجی در آذربایجان شرقی اشاره کرد و گفت: در سال ۹۴ بیش از ۵ هزار و ۶۰۰ تبعه خارجی دستگیر شده و از کشور اخراج شدند و برای کسانی هم که با این افراد همکاری داشتند، تشکیل پرونده قضایی شده است.

حسن خانی با اشاره به طرح های ویژه نیروی انتظامی در ایام پایانی سال و عید نوروز تاکید کرد: نیروی انتظامی با شادی جوانان و مردم مخالف نیست، اما به شرط اینکه خطوط قرمز زیر پا گذاشته نشود و مزاحمتی برای مردم پیش نیاید.

وی گفت: بهتر است نوجوانان و جوانان مراسم سنتی چهارشنبه آخر سال را در کنار خانواده خود برگزار کنند و برای پیشگیری از سوانح چهارشنبه آخر سال و نیز حوادث و جرائم روزهای تعطیل نوروزی به هشدارها و پیام های پلیس توجه داشته باشند.

معاون اجتماعی نیروی انتظامی در گفتگو با روزنامه اطلاعات:

اطلاع رسانی بموقع سرقت را جدی بگیرید

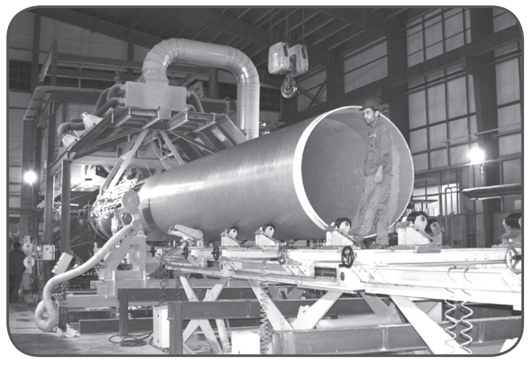
تبریز- خبرنگاراطلاعات: سرهنگ اسمعیل پور معاون اجتماعی نیروی انتظامی آذربایجان شرقی به همراه سرهنگ علی اکبری رئیس روابط عمومی نیروی انتظامی با حضور در دفتر روزنامه اطلاعات در زمینه تمهیدات این نیرو برای تعطیلات عید مطالبی عنوان کردند.

به گزارش خبرنگار، معاون اجتماعی نیروی انتظامی یکی از آسیب های تعطیلات نوروزی سرقت دراین تعطیلات است. وی افزود: وقتی خانواده ای به مسافرت می روند، سارقان که اکثراً دراین ایام از استانهای دیگر به آذربایجان شرقی می آیند از فرصت نبود آنها استفاده می کنند. معمولاً عدم اطلاع رسانی بموقع سرقت موجب می شود تا پلیس چند روز بعد و در اواخر تعطیلات از سرقت مطلع شود که این تاخیر دراطلاع رسانی فرصت مناسب برای سارقان وخروج آنها از استان را فراهم می کند.

معاون اجتماعی نیروی انتظامی آذربایجان شرقی باتاکید براهمیت کشف بموقع سرقت افزود : مردم با اطلاع رسانی بموقع به نیروی انتظامی، مارا در حفظ امنیت وآسایش جامعه همراهی کنند.

فرماندار مرند:

کارخانه عالم آرا به تولید و فعالیت ادامه میدهد



مرند- خبرنگار اطلاعات: فرماندار مرند با اشاره به شایعات موجود در فضای مجازی مبنی بر فروش کارخانه 'عالم آرای' این شهرستان گفت: لازمه فروش این کارخانه تولیدی 'لوله های جی آر پی '، مصوبه هیئت مدیره است که تاکنون فروش آن مطرح نشده است و تولید آن ادامه دارد.
کرمی روز سه شنبه در حاشیه بازدید از این کارخانه، در گفت وگو با خبرنگار ایرنا افزود: واحدهای تولیدی مرند مورد حمایت مسئولان شهرستان قرار دارد.
وی با اشاره به بحران بیکاری در شهرستان مرند تصریح کرد: مشکل بیکاری مرند فقط به دست مرندی ها حل شدنی است به طوری که باید با به گردش درآوردن سرمایه های خود و ایجاد واحدهای تولیدی کوچک این مشکل را حل کنند.
کرمی با اشاره به حمایت دولت از کارآفرینان گفت: شهرک صنعتی 'قرمزی قشلاق ' مرند در محدوده منطقه ویژه اقتصادی قرار دارد و سرمایه گذاران در این منطقه می توانند از مزایای قانونی آن بهره مند شوند.
مدیرعامل کارخانه عالم آرای مرند نیز دراین بازدید با مقایسه وضعیت قبلی و فعلی کارخانه ، گفت: مشکل تولید محصول استاندارد و کیفی که در سال های گذشته گریبانگیر این کارخانه بوده، مرتفع شده است و در زمان حاضر از نظر فنی و نیروی انسانی هیچ مشکلی نداریم.
'شهبازی با بیان اینکه ارزش سهام شرکت عالم آرا ، ۲،۲ برابر افزایش یافته است، افزود: این شرکت با دو مشکل در امور مالیاتی و تامین اجتماعی روبرو است که حل شدن آن نیازمند مساعدت مسئولان است.
به گزارش ایرنا، گروه صنعتی عالم آرا (سهامی خاص) با ترکیب سهامداران سازمان تامین اجتماعی، شرکت های زیرمجموعه شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی (شستا)، صندوق بازنشستگی کشوری، شرکت توسعه و عمران شهرستان مرند و سایر سهامداران از خرداد ۱۳۸۵ فعالیت خود را به منظور احداث کارخانه های الیاف شیشه و صنایع وابسته به آن از قبیل احداث کارخانه تولیدی لوله های جی آر پی آغاز کرده است.

در اولین جشنواره سرآمدی شرکت ملی گاز ایران:

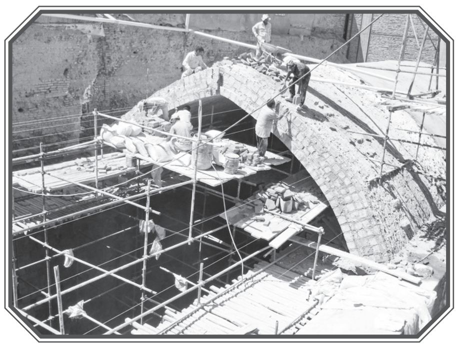
شرکت گاز آذربایجان شرقی سرآمد درسطح شرکت ملی گاز ایران

تبریز- خبرنگار اطلاعات: اولین جشنواره سر آمدی شرکت ملی گاز ایران که دوازدهم اسفند ماه در باشگاه شماره یک صنعت نفت تهران با حضور معاون محترم وزیر ومدیر عامل شرکت ملی گاز ایران و مدیران عامل شرکت های گاز استانی ،عملیات انتقال گاز، پالایشگاه و جمعی از مسئولان و کارشناسان شرکت های تابعه ملی گاز برگزارشد شرکت گاز استان آذربایجان شرقی موفق به کسب دو تندیس برنزین شد.
به گزارش روابط عمومی شرکت گاز استان آذربایجان شرقی، بر اساس نتایج حاصل از فر آیند ارزیابی عملکرد شرکت ملی گاز ایران در حوزه نظام پیشنهادات وحوزه طرح تکریم کارکنان وارباب رجوع شرکت گاز استان آذربایجان شرقی توانست در سطح شرکت ملی گاز ایران موفق به کسب دو تندیس برنزین گردد وبرگ دیگری از افتخارات را ثبت نماید
این گزارش می افزاید :شرکت گاز استان آذربایجان شرقی با بهره گیری از پیشنهادات سازنده وتوان کارکنان متعهد وبا انگیزه خود ودر سایه مشارکت جمعی آنان در جلب رضایت عمومی و ارایه خدمات مطلوب به مردم فهیم استان به این موفقیت دست یابد.

رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای اسلامی تبریز خبرداد:

یخچال‌های تاریخی تبریز بازسازی می‌شوند

تبریز- خبرنگار اطلاعات: در جلسه اخیر اعضای کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای اسلامی تبریز که در محل یخچال تاریخی قائم مقام فراهانی به انجام رسید، مصوب شد یخچال‌های تاریخی این کلان‌شهر به عنوان جاذبه‌های گردشگری تبریز بازسازی شده و برای بازدید گردشگران مورد استفاده قرار گیرد.
به گزارش نصر، رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای اسلامی کلانشهر تبریز اضافه کرد: اعضای کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای اسلامی کلانشهر تبریز در این جلسه همچنین تصویب کردند که شهرداری موظف شود حمام‌های تاریخی، قنات‌های تاریخی و تونل‌های زیرزمینی قدیمی تبریز که هر از گاهی اطلاعات غیرمعتبری در خصوص آن‌ها منتشر می‌شود، شناسایی کرده و نتیجه را به کمیته گردشگری کمیسیون فرهنگی اجتماعی منعکس کند تا تصمیم‌های بعدی در این زمینه اتخاذ و عملیاتی شود.



حاجی زاده اضافه کرد: بر پایه مصوبه دیگر، دبیرخانه ای با عنوان تبریز ۲۰۱۸ در شورای اسلامی کلانشهر تبریز مستقر خواهد شد تا ساز و کار هم اندیشی صاحب‌نظران، اساتید دانشگاه و اعضای علاقه‌مند شورای اسلامی شهر در حوزه مرتبط با تبریز ۲۰۱۸ حالت نظام‌مند به خود بگیرد.
وی یادآور شد: از این پس جلسات هفتگی کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای اسلامی تبریز در یکی از مکان‌های گردشگرپذیر، فرهنگی و هنری این کلانشهر تشکیل خواهد شد.

پارک جنگلی در مراغه احداث می شود

مراغه- خبرنگار اطلاعات: ابراهیمی در آئین درختکاری در شهرستان مراغه با اشاره به عملیات احداث پارک جنگلی مراغه اظهارداشت: پارک جنگلی بام شهر مراغه در زمینی به مساحت ۲۰ هکتار، در دو مرحله کاری اجرا خواهد شد که تلاش می‌شود این پروژه در سریع‌ترین زمان ممکن به بهره‌برداری برسد.
وی افزود: پارک جنگلی در کنار تاج سد علویان در زمینی به مساحت ۲۰ هکتار اجرا خواهد شد که از این میزان زمین ۱۴ هکتار متعلق به اراضی منابع طبیعی و اداره راه و شهرسازی بوده که شش هکتار آن نیز توسط مدیریت شهری طی سال‌های گذشته تملک شده است.
شهردار مراغه با اشاره به اینکه هدف از اجرای این طرح توسعه زیرساخت‌های گردشگری شهرستان است گفت: مدیریت شهری مراغه در راستای افزایش سرانه فضای سبز و هم چنین با هدف توسعه



زیرساخت‌های گردشگری شمال شهر طرحی را باعنوان پارک جنگلی بام شهر مراغه را اجرا می‌کند.
وی خاطرنشان کرد: براساس این طرح ۹۰ درصد اراضی به کاشت درختان و ۱۰ درصد دیگر نیز مربوط به احداث طرح تله‌کابین اختصاص یافته است.
ابراهیمی در ادامه از اجرای طرح تله‌کابین سد علویان مراغه با مشارکت بخش خصوص خبر داده و گفت: طرح تله‌کابین هم اکنون آماده واگذاری به سرمایه‌گذار بوده و مدیریت شهری در نظر دارد در صورت عدم ورود سرمایه‌گذار در این طرح با تشکیل شرکت تعاونی اقدام به اجرای طرح جامع تله‌کابین کند.
وی خاطرنشان کرد: شهرداری این شهرستان هفته منابع طبیعی را با شعار هر شهروند کاشت یک نهال آغاز کرده و در این طرح پنج هزار نهال در سطح شهر کاشته خواهد شد.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق تبریز خبر داد:

مصرف برق در ایران ۴ برابر میانگین جهانی است

تبریز- خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق تبریز با بیان اینکه مصرف برق در کشور در حال حاضر ۴ برابر میانگین جهانی است، گفت: با کاهش مصرف انرژی به میزان یک کیلو وات ساعت، ۹۲۲ گرم انتشار انواع گازهای آلاینده به جو کاهش پیدا می‌کند.
به گزارش نصر، روشن‌میلانی ظهر امروز در همایش مدیریت بهره‌وری انرژی اظهار داشت: موضوع انرژی و آلودگی‌های ناشی از تولید آن امروزه یک مسئله جهانی است، بطوری که با کاهش مصرف انرژی به میزان یک کیلو وات ساعت، ورود ۹۲۲ گرم انتشار انواع گازهای آلاینده به جو کاهش پیدا می‌کند.
وی افزود: همه ما باید بدانیم که باید انرژی را بهره‌ور، به جا و کارآمد مصرف کنیم تا علاوه بر کاهش هزینه‌های ناشی از تولید انرژی، به عنوان یکی از کشورهای عضو جامعه جهانی، بتوانیم تعهد بزرگ و حیاتی خود را در خصوص کنترل آلاینده‌ها به نتیجه برسانیم.



روشن‌میلانی با تأکید بر اینکه جهان راهی به جز مدیریت مصرف انرژی ندارد، افزود: هر کسی به زعم خود با تفکر در خصوص نحوه مصرف برق، مدیریت زمان مصرف و استفاده از تجهیزات بهره‌ور می‌تواند سهم خود را در این بحران جهانی به خوبی ادا کند.
وی با اشاره به اینکه مدیریت مصرف از ارکان اقتصاد مقاومتی است، تأکید کرد: اگر همه ما به عنوان مصرف کنندگان دائمی نیروی برق تنها چند روز از سال، با تفکر و مدیریت در مصرف برق صرفه‌جویی کنیم، توانسته‌ایم به ذخیره میلیاردها تومان از ثروت ملی کمک کنیم.
وی خاطرنشان کرد: شدت مصرف برق کشور ایران در حال حاضر ۴ برابر میانگین جهانی است که این رقم به راستی تامل برانگیز است.
مدیر عامل شرکت توزیع نیروی برق تبریز در پایان گفت: هنگام مصرف برق با پرسیدن سه سئوال ساده چه وقت، چه میزان و چگونه، می‌توانیم علاوه بر مدیریت مصرف برق، به صرفه‌جویی هزینه‌های ملی و به کاهش آلاینده های ناشی از تولید برق نیز کمک کنیم.

از سوی رئیس کل دادگستری آذربایجان شرقی؛

دلیل دستگیری یکی از اعضای شورای شهر تبریز اعلام شد

تبریز- خبرنگار اطلاعات: حجت الاسلام و المسلمین مظفری از دستگیری یکی از اعضای شورای شهر تبریز به اتهام تبانی و اخذ رشوه خبر داد.
به گزارش نصر، حجت‌الاسلام والمسلمین مظفری، از دستگیری یکی از اعضای شورای شهر تبریز خبر داد و گفت: برای این فرد به اتهام تبانی و اخذ رشوه پرونده تشکیل شده است.
وی ادامه داد: متهم با اخذ رشوه از مجموعه کارکنان شهرداری به آنها قول انتصاب در برخی پست‌های شهرداری را می‌داده و از طریق تبانی پیشنهادات مورد نظر آنها را پیگیری کرده است.
رئیس کل دادگستری آذربایجان شرقی در پایان خاطرنشان کرد: موضوع پرونده اختلاس نیست.

مدیرکل امور عشایر آذربایجان‌شرقی:

۲ درصد جمعیت آذربایجان‌شرقی را عشایر تشکیل می‌دهند

تبریز- خبرنگار اطلاعات: آل‌هاشم در نشست شورای ورزش همگانی استان، با بیان اینکه عشایر استان ۲ درصد جمعیت استان را تشکیل می‌دهند، اظهار داشت: با توجه به نحوه زندگی عشایر و تخصیص منابع در حوزه عشایر ۸۲ تا ۹۵ درصد از امکانات زیربنایی برخوردار هستند.
به گزارش خبرگزاری فارس، وی افزود: با توجه به ویژگی خاص زندگی عشایر مکان‌ها و سالن‌های ورزشی آنچنانی در اختیار ندارند و صرفا در خصوص ورزش‌های بومی عشایر تلاش شده و به دور از هر گونه تجملات در استان برگزار می‌شود.
مدیرکل امور عشایر استان آذربایجان‌شرقی گفت: مهم‌ترین رخداد جامعه عشایری همان سوارکاری عشایر است که هر ساله در آستانه کوچ عشایر اتفاق می‌افتد. این رویداد ورزشی در همه سال‌ها به جز سالی که سیل آمد با همکاری تمام تا به امروز برگزار شده و در تقویم ورزشی استان جایگاه مناسبی را دارد.
وی با اشاره به حضور جمعیت حدود ۴۰ هزار نفر در این مسابقات، گفت: زیبایی این رخداد به صورتی است که در هیچ کجا دیده نمی‌شود و باعث نشاط و شادابی خاصی در جامعه می‌شود.
آل‌هاشم با تاکید بر اینکه این رخداد ورزشی جامعه عشایر باید نظام‌مند شود. گفت: متولی اصلی ورزش در استان اداره کل ورزش و جوانان بوده و ما نیز در کنار این سازمان برای برگزاری این روز داد ورزشی مهم تلاش همکاری‌های لازم را خواهیم داشت.

انواع ورق های

استیل - گالوانیزه - آلومینیوم (رنگی)

در فروشگاه بزرگ عظیم زاده (تبریز)
به قیمت کارخانه عمده و خرده

تلفن: ۷و۳۴۴۷۵۴۷۶

همراه: بابک ۰۹۱۴۴۱۶۱۸۵۱ ؛ مهران ۰۹۱۴۱۱۵۱۶۲۵

عظیم زاده

تبریز- خیابان رسالت- بر مجتمع فلزکاران- جنب بانک کشاورزی

آگهی استخدام

یک نفر آقا جهت سرپرستی تولید قوطی سازی در شیراز با سابقه مفید کاری و اقامت در شیراز استخدام می گردد.

تلفن تماس:

۰۹۱۷۱۱۸۲۱۲۵



پرستو حاجی محمدی

دانش آموز ممتاز کلاس
ششم مدرسه غیر انتفاعی
سمانه تبریز

پیام تسلیت

درگذشت مادرزن استاد عزیز

دکتر محمدعلی طاهری

را به خانواده ایشان
تسلیت عرض می نماییم.

تبریز- جمعی از شاگردان
استاد محمدعلی طاهری

آگهی مناقصه

شهرداری مهربان

مرحله دوم نوبت دوم

شهرداری مهربان در نظر دارد بر اساس موفقت نامه شماره ۱۱۱۵۶۰ مورخه ۱۳۹۴/۰۶/۰۸ ریاست محترم سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان آذربایجان شرقی، آسفالت ریزی بلوار کمربندی شرقی شهر مهربان به مبلغ ۱/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال را به پیمانکاران واجد الشرایط با فهرست بهاء سال ۱۳۹۴ راه و باند واگذار نماید.

شرکت کنندگان بایستی تا تاریخ ۹۵/۰۱/۰۹ اسناد مناقصه را از امور مالی دریافت نموده و مهلت ارائه پیشنهاد از تاریخ انتشار ۱۰ روز (ده روز) کاری بوده و واریز مبلغ ۹۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال از بابت ۵ درصد سپرده شرکت در مناقصه به حساب شماره ۲۱۷۱۱۲۰۴۱۴۰۰۹ شهرداری مهربان نزد بانک ملی الزامی می باشد و یا ضمانت نامه بانکی تحویل شهرداری نمایند.

تاریخ انتشار مرحله دوم نوبت اول: ۱۳۹۴/۱۲/۱۷

تاریخ انتشار مرحله دوم نوبت دوم: ۱۳۹۴/۱۲/۲۴

حیدری

شهرداری مهربان

حصر وراثت

آقای امیر تقوی دارای شناسنامه شماره ۵۰۶۰۰۹۷۰۴۸ به شرح دادخواست به کلاسه ۷۰۰/۹۴/۱ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان حسین تقوی به شماره شناسنامه ۱۵۰ در تاریخ ۹۴/۱۰/۲۹ دراقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر ا به :

۱- امیر تقوی به شماره شناسنامه ۵۰۶۰۰۹۷۰۴۸ متولد ۱۳۷۶ پسر متوفی
۲- اسماء تقوی به شماره شناسنامه ۵۰۶۰۱۶۲۲۱۴ متولد ۱۳۸۱ دختر متوفی
۳- لیلا رحیمی مهمانداری به شماره شناسنامه ۱۳۷۱ متولد ۱۳۵۸ عیال متوفی
۴- مکرمه محمودیان دانالو به شماره شناسنامه ۱۱ متولد ۱۳۲۱ مادر متوفی

اینک باانجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را دریک نوبت آگهی مینماید تاهرکسی اعتراضی دارد ویا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه و یک روز به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

م الف: ۲۵۶ تاریخ:۹۴/۱۲/۲۰

قاضی شورای حل اختلاف واحد یک شهرستان عجب شیر
قره سید رومیانی

آگهی فروش جای خانه

شهرداری سراب

(مرحله چهارم)

در خیابان شهیدان علوی

شهرداری سراب در نظر دارد به استناد بند دوم مصوبه شماره ۲۶۷ مورخه ۹۴/۰۴/۰۹ شورای محترم اسلامی شهر سراب تعداد دو قطعه جای خانه واقع در خیابان ۱۲ متری و ۱۶ متری منشعبه از خیابان شهید علوی (تفکیکی مزین) با کاربری مسکونی به شماره پلاک ۱۱۴/۳۴۹۳ را از طریق مزایده کتبی با شرایط ذیل واگذار نماید.

الف. مشخصات قطعات:

۱- قطعه شماره ۱۲/۱ به مساحت ۲۴۳ متر مربع از قرار هر متر مربع ۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال جمعاً به مبلغ ۲/۱۸۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۲- قطعه شماره ۱۲/۳ به مساحت ۲۶۴ متر مربع از قرار هر متر مربع ۶/۵۰۰/۰۰۰ ریال جمعاً به مبلغ ۱/۷۱۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال

ب. شرایط مزایده:

۱- متقاضیان بایستی ۱۰درصد قیمت پایه را به عنوان سپرده به حساب ۳۱۰۰۰۰۲۹۵۲۰۰۵ شهرداری نزد بانک ملی شعبه سراب واریز و فیش مربوطه را به همراه درخواست کتبی و مبلغ پیشنهادی در پاکت سربسته از تاریخ نشر آخرین آگهی حداکثر ده روز تا آخر وقت اداری به دبیرخانه شهرداری تحویل و رسید دریافت دارند.

۲- شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.

۳- به تقاضاهای مخدوش ، مبهم و فاقد سپرده ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴- هزینه های متعلقه (نشر آگهی، دارائی و دفترخانه و ...) به عهده برنده مزایده خواهد بود.

۵- شرکت کنندگان در مزایده موظفند شماره قطعه مورد نظر را بر روی پاکت پیشنهادی خود قید نمایند.

۶- سپرده نفرات دوم و سوم تا انجام معامله با برنده مزایده مسترد نخواهد شد. در صورت انصراف هر کدام به ترتیب سپرده آنها به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.

۸- متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر به دایره فنی و شهرسازی یا درآمد مراجعه و یا با شماره تلفن های ۶۸- ۴۳۲۲۸۱۶۷ تماس حاصل نمایند.

تاریخ چاپ نوبت اول: ۱۳۹۴/۱۲/۱۷

تاریخ چاپ نوبت دوم: ۱۳۹۴/۱۲/۲۴

مرتضی اعیانی- شهردار سراب

آگهی فروش جای خانه

شهرداری سراب

(مرحله چهارم)

در کمربندی شمالی

شهرداری سراب در نظر دارد به استناد بند اول مصوبه شماره ۲۸۰ مورخه ۱۳۹۴/۰۵/۱۲ شورای محترم اسلامی شهر سراب تعداد ۴ قطعه جای خانه واقع در کمربندی شمالی (تفکیکی با وفا) با کاربری مسکونی به شماره پلاک ۲۰۲۲ از طریق مزایده کتبی با شرایط ذیل واگذار نماید.

الف. مشخصات قطعات:

۱- قطعه شماره دوازده به مساحت ۳۱۳/۸۵ متر مربع از قرار هر متر مربع ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال جمعاً به مبلغ ۱/۲۵۵/۴۰۰/۰۰۰ ریال

۲- قطعه شماره سیزده به مساحت ۲۴۷/۲ متر مربع از قرار هر متر مربع ۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال جمعاً به مبلغ ۱/۴۸۳/۲۰۰/۰۰۰ ریال

۳- قطعه شماره چهارده به مساحت ۲۴۵/۲۰ متر مربع از قرار هر متر مربع ۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال جمعاً به مبلغ ۱/۷۱۶/۴۰۰/۰۰۰ ریال

۴- قطعه شماره هیجده به مساحت ۲۷۸/۱۱ متر مربع از قرار هر متر مربع ۴/۵۰۰/۰۰۰ ریال جمعاً به مبلغ ۱/۲۵۱/۴۹۵/۰۰۰ ریال

ب. شرایط مزایده:

۱- متقاضیان بایستی ۱۰درصد قیمت پایه را به عنوان سپرده به حساب ۳۱۰۰۰۰۲۹۵۲۰۰۵ شهرداری نزد بانک ملی شعبه سراب واریز و فیش مربوطه را به همراه درخواست کتبی و مبلغ پیشنهادی در پاکت سربسته از تاریخ نشر آخرین آگهی حداکثر ده روز تا آخر وقت اداری به دبیرخانه شهرداری تحویل و رسید دریافت دارند.

۲- شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.

۳- به تقاضاهای مخدوش ، مبهم و فاقد سپرده ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴- هزینه های متعلقه (نشر آگهی، دارائی و دفترخانه و ...) به عهده برنده مزایده خواهد بود.

۵- شرکت کنندگان در مزایده موظف اند شماره قطعه مورد نظر را بر روی پاکت پیشنهادی خود قید نمایند.

۶- سپرده نفرات دوم و سوم تا انجام معامله با برنده مزایده مسترد نخواهد شد. در صورت انصراف هر کدام به ترتیب سپرده آنها به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.

۸- متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر به دایره فنی و شهرسازی یا درآمد مراجعه و یا با شماره تلفن های ۴۳۲۲۸۱۶۷ و ۴۳۲۲۸۱۶۸ تماس حاصل نمایند.

تاریخ چاپ نوبت اول: ۱۳۹۴/۱۲/۱۷

تاریخ چاپ نوبت دوم: ۱۳۹۴/۱۲/۲۴

مرتضی اعیانی- شهردار سراب

آگهی فروش جای خانه
شهرداری سراب
(مرحله سوم)
جنب مجتمع ورزشی

شهرداری سراب در نظر دارد به استناد بند اول مصوبه شماره ۱۹۶ مورخه ۹۳/۱۱/۲۷ شورای محترم اسلامی شهر سراب تعداد ۴ قطعه جای خانه واقع در جنب مجتمع ورزشی (معروف به خان باغی) با کاربری مسکونی به شماره پلاک ۱۱۸/۲۱۵۳ از طریق مزایده کتبی با شرایط ذیل واگذار نماید.

الف. مشخصات قطعات:

۱. قطعه شماره یک به مساحت ۲۵۹ متر مربع از قرار هر متر مربع ۵/۹۵۰/۰۰۰ ریال جمعاً به مبلغ ۱/۵۴۱/۰۵۰/۰۰۰ ریال

۲. قطعه شماره دو به مساحت ۲۵۹ مت ر مربع از قرار هر متر مربع ۵/۹۵۰/۰۰۰ ریال جمعاً به مبلغ ۱/۵۴۱/۰۵۰/۰۰۰ ریال

۳. قطعه شماره چهار به مساحت ۲۴۳/۹۴ متر مربع از قرار هر متر مربع ۶/۱۶۲/۵۰۰ ریال جمعاً به مبلغ ۱/۵۰۳/۲۸۰/۲۵۰ ریال

۴. قطعه شماره پنج به مساحت ۲۵۵/۶۴ متر مربع از قرار هر متر مربع ۶/۱۶۲/۵۰۰ ریال جمعاً به مبلغ ۱/۵۷۵/۳۸۱/۵۰۰ ریال

ب. شرایط مزایده:

۱- متقاضیان بایستی ۱۰درصد قیمت پایه را به عنوان سپرده به حساب سپرده شماره ۳۱۰۰۰۰۲۹۵۲۰۰۵ شهرداری نزد بانک ملی شعبه سراب واریز و فیش مربوطه را به همراه درخواست کتبی و مبلغ پیشنهادی در پاکت سربسته از تاریخ نشر آخرین آگهی حداکثر ده روز تا آخر وقت اداری به دبیرخانه شهرداری تحویل و رسید دریافت دارند.

۲- شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.

۳- به تقاضاهای مخدوش ، مبهم و فاقد سپرده ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴- هزینه متعلقه (نشر آگهی، دارائی و دفترخانه و ...) به عهده برنده مزایده خواهد بود.

۵- شرکت کنندگان در مزایده موظف اند شماره قطعه مورد نظر را بر روی پاکت پیشنهادی خود قید نمایند.

۶- سپرده نفرات دوم و سوم تا انجام معامله با برنده مزایده مسترد نخواهد شد. در صورت انصراف هر کدام به ترتیب سپرده آنها به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.

۷- متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر به دایره فنی و شهرسازی یا درآمد مراجعه و یا با شماره تلفن های ۴۳۲۲۸۱۶۷ و ۴۳۲۲۸۱۶۸ تماس حاصل نمایند.

تاریخ چاپ نوبت اول: ۱۳۹۴/۱۲/۱۷

تاریخ چاپ نوبت دوم: ۱۳۹۴/۱۲/۲۴

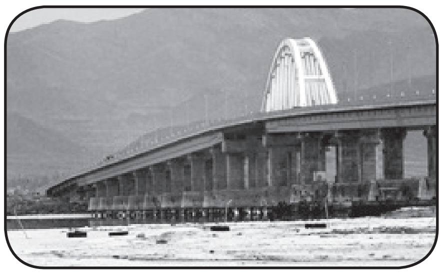
مرتضی اعیانی- شهردار سراب

کمک یک میلیون دلاری ژاپن برای احیای دریاچه ارومیه

تبریز- خبرنگار اطلاعات: مدیر ملی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران از مشارکت دولت ژاپن در احیای دریاچه ارومیه خبر داد و افزود: دولت ژاپن مبلغ یک میلیون دلار برای کمک به احیای دریاچه ارومیه اختصاص داده است.

به گزارش جوان، سلیمانی از مشارکت دولت ژاپن در احیای دریاچه ارومیه خبر داد و افزود: دولت ژاپن مبلغ یک میلیون دلار برای کمک به دریاچه ارومیه اختصاص داده که این مبلغ در راستای اجرای برنامه مدیریت جامع حوضه آبریز دریاچه ارومیه و در محورهای استقرار کشاورزی پایدار، مدیریت و حفاظت از تنوع‌زیستی در معرض خطر و برنامه‌های آموزش و اطلاع‌رسانی هزینه خواهد شد.

سلیمانی با اشاره به شروع پروژه کشاورزی پایدار در شش شهرستان از استان‌های آذربایجان غربی و شرقی افزود: با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته و با همکاری و پشتیبانی وزارت جهاد کشاورزی و سازمان‌های جهاد کشاورزی دو استان، عملیات کشاورزی پایدار در ۴۰ سایت جدید شروع شده و مطابق پیش‌بینی‌های صورت گرفته سهم قابل توجهی



از مصرف آب در مزارع صرفه‌جویی خواهد شد.

مدیر ملی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران به همکاری برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) و نقش کلیدی کشاورزان محلی دراجرای این پروژه اشاره کرد و اظهار داشت: منابع جدیدی نیز از سوی دولت ایران و از طریق سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان‌های جهاد کشاورزی استان‌های آذربایجان غربی و شرقی برای اجرای هرچه بهتر و وسیع تر این پروژه فراهم خواهد شد و اولین گام مهم و اجرایی از اصلاح روند توسعه در حوضه آبریز و احیای دریاچه ارومیه عملیاتی می‌شود.

پلمب ۱۳۴۰ حلقه چاه غیرمجاز در آذربایجان‌شرقی

بناب- خبرنگار اطلاعات: معاون بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب سازمان آب منطقه‌ای آذربایجان‌شرقی گفت: از اول امسال تاکنون یک هزار و ۳۴۰ حلقه چاه غیرمجاز در سطح استان پلمب و مسدود شده است.

جلیل‌زاده در جلسه شورای حفاظت از منابع آب شهرستان بناب، با بیان اینکه طی این مدت از برداشت غیرمجاز و اضافی ۱۵۰ حلقه چاه نیز جلوگیری به عمل آمده است؛ اظهار داشت: تاکنون یک هزار و ۴۰۰ کنتور هوشمند در سطح استان نصب کرده‌ایم تا از پرت آب جلوگیری شود.

وی با اشاره به اینکه ۷۰ درصد چاه‌های غیرمجاز در سه شهرستان بناب، ملکان و مراغه واقع شده‌اند، اظهار داشت: طرح تعیین تکلیف چاه‌های غیرمجاز در دست تدوین است که در سال ۹۵ نهایی می‌شود.

معاون بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب سازمان آب منطقه‌ای آذربایجان‌شرقی با اشاره به وضعیت منابع آبی خاطرنشان کرد: ۸۸ درصد آب‌های موجود در بخش کشاورزی مصرف شده، ۲ درصد آن در بخش صنعت که متوسط استفاده جهانی



آب در بخش صنعت ۲۵ درصد است و ۱۰ درصد نیز در مصارف شرب مورد استفاده قرار می گیرد.

جلیل‌زاده در خصوص وضعیت بارش در استان آذربایجان‌شرقی اظهار داشت: بارش برف و باران در استان ۱۸ درصد نسبت به درازمدت و ۲۴ درصد نیز نسبت به سال قبل کاهش دارد و در شهرستان بناب نیز میزان بارش باران ۳۱ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش نشان می‌دهد.

ایجاد نوار سبز حایل دریاچه ارومیه آغاز شد

کاهش شدید آب دریاچه ارومیه که موجب لنگر انداختن خشکی از چندین سال قبل در این دریاچه شد، منطقه را با بحران کشاورزی، زیستی و کاهش منابع آبی روبرو کرده است.

به گزارش ایرنا، بنا بر اظهار نظر کارشناسان کشاورزی با کاهش منابع آبی، نمکی شدن آب های زیرزمینی و شور شدن خاک، تولید محصولات کشاورزی که تا کنون نسل در نسل به عنوان سمبل و برند منطقه شناخته می شد با مشکل جدی روبرو شده است که البته راهکارهای مختلفی برای کشت جایگزین پیشنهاد شده است .

از طرف دیگر گرد و غبارها و بادهای نمکی در منطقه ، تهدید جدی دیگری است که مسئولان را به تکاپو انداخته تا راه حل یا حداقل راهکاری برای کاهش آسیب های نمک دریاچه ارومیه در اراضی کشاورزی و زیستی از یک طرف و جوامع انسانی بیندیشند .

بیماری های مختلف پوستی، ریوی و بیماری های مرتبط با آن مثل انواع سرطان و افزایش فشار خون از جمله این تهدیدات می تواند باشد، بنا به اظهار مدیر کل مدیریت بحران استانداری آذربایجان شرقی متوسط فشار خون مردم تبریز از نیم درجه تا یک درجه افزایش یافته است .

'آثار بیماری دریاچه ارومیه از ۱۵ سال پیش آغاز شده و در حال حاضر شاهد مرگ دریاچه ارومیه هستیم ،اما دولت تدبیر و امید برای احیا آن تلاش های خوبی برای احیا دریاچه داشته است': این بخش هایی از سخنان داور نامدار، مدیر کل منابع طبیعی آذربایجان شرقی در مراسم طرح بوته کاری و آبخیزداری حاشیه دریاچه ارومیه در شهر شندآباد شهرستان شبستر می باشد که اجرای طرح یاد شده را برای کاهش تهدیدات و آسیب های غبارهای نمکی مفید و ضروری عنوان می کند و قول ادامه اجرای این طرح ها را می دهد .

با این شرایط ضرورت تسریع طرح های احیا دریاچه ارومیه بیشتر خود را نشان می دهد، به طوری که رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی هم در اظهارات خود گفته که تنها ۱۱ درصد اب دریاچه ارومیه از طریق این استان تامین می شود اما به علت جهت وزش باد ۹۰ درصد خسارت های ناشی از خشکی دریاچه ارومیه متوجه آذربایجان شرقی است و این موضوع نشان دهنده آن است که باید طرح های کنترل غبارهای نمکی بیشتر در استان مورد توجه کامل قرار گیرد .

با این رویکرد بود که رئیس کارگروه مطالعات فنی و مهندسی دفتر بیابان سازمان جنگل ها و مراتع کشور بعد از ظهر امروز پنجشنبه در مراسم آغاز اجرای طرح بوته کاری و ابخیزداری حاشیه دریاچه ارومیه در شهر شندآباد شبستر، اظهار کرد : در جنوب و شرق دریاچه ارومیه در آذربایجان شرقی طرح های خوبی برای تثبیت خاک و جلوگیری از ایجاد گرد و غبار نمکی اجرا شده است.

طهماسبی افزود : اجرای طرح بوته کاری و آبخیزداری در ۱۵ هزار هکتار از شهرستان های آذرشهر، بناب و شبستر در دستور کار امسال ستاد احیا دریاچه ارومیه است که به صورت نوار شرقی و غربی به ترتیب در مناطق کشاورزی و سکونت گاهی انجام می شود .



وی اظهار کرد : در منطقه خاصلو آذرشهر ،ساخت بادشکن و عملیات نهال کاری با گونه گز در ۵۰۰ هکتار و در نوار بعدی ۹۸۰ هکتار با گونه قره داغ اجرایی شد که نتایج آن در تثبیت خاک و سایر هدف گذاری ها رضایت بخش است .

طهماسبی گفت : بر این اساس چهار باند طراحی شده تا کمترین غبار وارد اراضی زیستی و کشاورزی شود، از آنجایی که در شهر شندآباد شبستر بهترین محصولات کشاورزی به عمل می آید این منطقه نیز در داخل این باند حایل سبز قرار گرفته است .

وی اضافه کرد : بر این اساس اجرای طرح بوته کاری و نهال کاری چهارهزار هکتار از اراضی شندآباد شهرستان شبستر در راستای احیای دریاچه ارومیه شروع شد.

مدیر کل دفتر امور بیابان سازمان جنگل ها ، مراتع و آبخیزداری کشور نیز در این مراسم گفت: برای اجرای طرح بوته کاری،نهال کاری و آبخیزداری به صورت ملی ۳۰۰ میلیارد ریال اعتبار هزینه می شود.

کارگر اظهار کرد: در مجموع ۲۰ هزار هکتار برای ایجاد پوشش گیاهی و تثبیت خاک دراین طرح پیش بینی شده است.

وی افزود: ایجاد ۹۸۰ هکتار بوته کاری، ۵۰۰ هکتار نهال کاری، یکهزار و ۳۰۰ هکتار قرق و ۳۰ کیلومتر بادشکن جزو این طرح است.

وی گرد و غبار نمکی را از عمده ترین مشکلات ساکنان حوضه دریاچه ارومیه از جمله شبستر، شندآباد و دیگر مناطق درگیر عنوان کرد و افزود: دولت تدبیر و امید در نظر دارد تا برای کاهش گرد و غبارهای نمکی، پوشش گیاهی منطقه را احیا کند و طرح بوته کاری و آبخیزداری با این رویکرد انجام می شود.

مدیر کل دفتر امور بیابان سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری اعلام کرد: طرح بوته کاری که در شندآباد آغاز شد اردیبهشت سال آینده به پایان می رسد.

مدیر کل مدیریت بحران استانداری آذربایجان شرقی هم در این مراسم گفت : آب دریاچه ارومیه در سال ۷۴، ۲ تا سه هزار میلیارد متر مکعب بود که امروز به ۲,۵ میلیارد متر مکعب کاهش یافته است .

خلیل ساعی اظهار کرد : سال گذشته ارتفاع دریاچه ارومیه ۱۲۷۰,۶۱ متر بود که خوشبختانه توانسته ایم همین تراز را برای امسال نیز حفظ و تثبیت کنیم .

وی تاکید کرد : دولت تدبیر و امید دو سال اول طرح احیا دریاچه ارومیه را برای تثبیت تراز دریاچه هدف گذاری شده است که تحقق یافته است .

نامدار مدیر کل منابع طبیعی آذربایجان شرقی هم با بیان اقدامات انجام شده در خصوص طرح یاد شده، گفت : بخشی از دریاچه ارومیه تبدیل به بیابان شده و بدون پوشش گیاهی است بر این اساس پارسال ۵۰۰ هکتار پوشش گیاهی در شهرستان شبستر وامسال ۵۰۰ هکتار در شهرستان آذرشهر احیا شده است و بر اساس مصوبه ستاد احیا دریاچه ارومیه حدود ۳ تا ۴ هزار هکتار شناسایی شده تا نهال کاری و بوته کاری در آنها به عنوان کمربند سبز اجرا شود.

گزارش از پیمان پاکزاد

ویژه نامه روزنامه اطلاعات در آذربایجان شرقی
مسئول ویژه نامه: کاظم نیک رفتار
پست الکترونیک: tabriz@ostan.org
نشانی: تبریز- خیابان آیت ا... طالقانی- پلاک ۱۳۹
تلفن: ۳۵۵۵۲۵۹۰ نمابر: ۳۵۵۶۳۱۴۱
لیتوگرافی و چاپ: شرکت ایران چاپ (موسسه اطلاعات)

فرش

آشنایی با هنر قالیبافی

قسمت سوم: «رنگرزی» صادق رنجبری

اگر در شماره های قبلی همراه این روزنامه بوده باشید حتما ستون ویژه ی مراحل تولید فرش دستبافت را از نظر گذارنده اید. گفتیم که تهیه و استفاده ی مواد اولیه مرغوب از اهم مراحل تولید فرش می باشد. بعد از انتخاب مواد اولیه، مرحله بعدی رنگرزی و چگونگی انجام آن می باشد. همانطور که میدانید شهر آذربایجان یکی از قطبهای صنعت فرش دستبافت می باشد و طبیعتا این برخواسته از هنر و خلاقیت بالقوه صنعتگران این صنعت ماندگار می باشد. در کنار بازار فرش تبریز همواره هنرمندان و صنعتگران این حرفه، از دیر باز نزدیک و دوشادوش تجار به فعالیت پرداخته اند. در شهر تبریز رنگرزان ماهر و چیره دستی مشغول فعالیت بوده اند که امروزه به دلیل صنعتی و یا ماشینی شدن بسیاری از مراحل رنگرزی، این حرفه نیز دستخوش تغییرات شده است.



یکی از قدیمی ترین واحدهای رنگرزی در تبریز، در بازار صفی تبریز و در همسایگی مسجدجامع این شهر قرار دارد که شهروندان تبریزی آنرا با نام صباغی «چوخور بویاغ خانا» می شناسند. قدمت این واحد بالغ بر ۱۰۰سال بوده و در حال حاضر نیز هم به صورت سنتی و صنعتی مشغول فعالیت می باشد. در این کارگاه رنگرزی آقایان محمد باقر رضازاده صباغ و جواد صباغ خیابانی که ادامه دهنده ی پیشه ی اجدادی خویش هستند، مشغول به کارند. برهمین اساس ودر راستای آشنایی بهتر با مراحل رنگرزی گفتگویی با صباغین «بویاغچی» این کارگاه انجام دادیم که به نظر خوانندگان عزیز می رسانیم.

رنگرزی به دو روش سنتی و مدرن صورت می گیرد، اما در هر دو روش از رنگهای شیمیایی و گیاهی استفاده می شود. در رنگرزی گیاهی از موادی مثل پوست گردو، پوست انار، پوست پیاز، روناس، نیل و اسپلینگ و بعضی از مواد طبیعی دیگر استفاده می شود. امروزه به دلیل ضیق وقت و بهره گیری از تکنولوژی مدرن استفاده از مواد طبیعی رنگرزی مقرون به صرفه نبوده لذا از روش رنگرزی شیمیایی بهره گیری می شود. در رنگرزی شیمیایی نیز از رنگهای شیمیایی که اکثرا از خارج از کشور تهیه می گردد، استفاده می شود. این رنگها عمدتا از کشورهای آلمان، رومانی، بلغارستان ولهستان وارد می شوند. اکثر این رنگها به صورت کد بندی شده بوده و براساس کد و نام کارخانه ی تولید کننده شناخته می شوند.

ابزارهایی که در قدیم استفاده می شد عبارت بودند از: پاتیل یا دیگ (تیان)، خمره (بویاغ خانا کوپو)، چوبهای همزن، هیزم و مواد سوختی،..... و رنگهای طبیعی و گیاهی. برخی از ابزارها در حال حاضر نیز مورد استفاده قرار میگیرد. در رنگرزی نخ های با جنس ابریشم، پشم و کتان، نوع مواد رنگی باهم متفاوت بوده و نمی توان رنگی که در پشم و ابریشم مورد استفاده قرار می گیرد را در رنگرزی نخ یا کتان به کار برد.

در اولین مرحله رنگرزی بعد از افزودن رنگ مورد نظر که توسط طراح نقشه ی فرش، تعیین و شماره گذاری میشود، مرینوس یا پشم و یا کتان را که هریک از مواد بطور جداگانه رنگرزی می شود را در آب جوش حاوی رنگ به مدت بیست دقیقه جوشانده و بعد از مدت بیست دقیقه برای تثبیت رنگ، از مواد اسیدی و قلیایی نسبت به جنس رنگ استفاده شده، به آن اضافه می شود. بعد از اضافه کردن مواد اسیدی یا قلیایی که در اصطلاح رنگرزی به آن دندانه می گویند، بیست دقیقه دیگر نیز جوشانده می شود تا رنگ کاملا به جان ابریشم یا پشم و یا نخ رخنه و تثبیت گردد.



رنگرزی در خمره (بویاغ خانا کوپو) متفاوت بوده و در خمره فقط رنگهای نیل (خانواده رنگهای آبی) به دست می آید، مانند آبی، هوایی، لاجوردی و یا سرمه ای، که این رنگها در دمای ۴۰ درجه سانتیگراد در داخل کوپ به دست می آیند. در ادبیات ترکی ضرب المثلی به نام این وسیله ی رنگرزی که کنایه از عجله کردن است به کار برده می شود (بویاغ خانا کوپو دییل کی تز ایش گورولسون).

مواد اسیدی که در رنگرزی استفاده می شود عمدتا از جوهر لیمو، جوهر گوگرد، اسید سولفوریک و مواد قلیایی مانند بی کربنات پتاسیم و زاج تهیه می شوند. اکثر رنگهایی که در قالی به کار میروند ترکیبی از سه رنگ اصلی زرد، آبی و قرمز می باشند که کانی به حساب می آیند. ولی رنگهایی نیز هستند که هم به تنهایی رنگ بخصوصی هستند، مانند فیروزه‌ای و سبز که این رنگها با همدیگر ترکیب شده و ابریشم و مرینوس های زیبایی را خلق میکنند که بر جذابیت و ماندگاری فرش می افزاید.

در واقع رمز رنگرزی و مهارت استادی آن در ترکیب درست رنگ وزنده در آوردن رنگ ها است. اگر به هر دلیلی ابریشم یا مرینوس رنگ شده مورد دلخواه نبوده و یا ایرادی در آن به وجود بیاید و یا پررنگ باشد، با موادی به نام هیلد، که کاملا شیمیایی می باشد آنرا کم رنگ یا رفع ایراد می کنند. اگر که پشم یا ابریشم، پس از رنگرزی رگه دار، تیره یا روشن باشد، این ایراد می تواند دو علت داشته باشد: یکی عملکرد رنگرز و دیگری نحوه تولید کارخانه ی تولید ابریشم و ریس است که در مراحل تولید و سفید کردن مرینوس یا ابریشم از مواد سفید کننده ی شیمیایی بیشتری استفاده کرده‌است.

امروزه جوانان رغبت کمتری به این هنر نشان میدهند و این امر باعث تضعیف و یا از بین رفتن این هنر خواهد شد. اثرات منفی نبود رنگرزی در درجه اول در جامعه قالیبافی احساس خواهد شد. در زمان های نه چندان دور این صنعت از رونق خوبی برخوردار بود چرا که بسیاری از تجار فرش، خودشان کارگاه های بزرگ قالیبافی داشتند ونیز ریس و ابریشم اکثرا به صورت رنگ شده در بازار عرضه می شد. کار رنگرزی نیز به دلیل اینکه یک حرفه تخصصی و سلیقه ای به حساب می آمد، پر رونق بود، اما اکنون هم کثرت طرح و نقش و هم استفاده از دستگاههای رنگرزی و مکانیزه باعث کناره گیری بسیاری از رنگرزها از این هنر شده است. برای مثال در کارگاه رنگرزی آقایان رضازاده صباغ و صباغ خیابانی، قبلا ۱۰ نفر مشغول کار بودند که الان با ورود دستگاههای اتوماتیک و نیمه اتوماتیک به ۴ نفر تقلیل یافته است. امیدواریم سیاست های حمایتی دولت و بخش خصوصی بتواند مانع از جمع شدن این حرفه-هنر تخصصی شود.

بدین ترتیب در این شماره از ستون آشنایی با قالیبافی نیز بایکی از مراحل تولید فرش دستباف آشنا شدیم. لطفا در شماره های بعدی نیز با ما در تشریح مراحل تولید قالی، همراه باشید.......

پزشکیان:

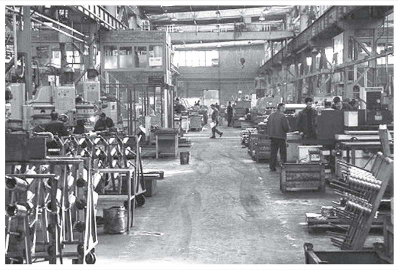
قانون خصوصی‌سازی وحی مُنزل نیست

تبریز- خبرنگار اطلاعات: نماینده مردم تبریز، اسکو و آذرشهر گفت: اکثر کارخانه های تبریز که به بخش خصوصی واگذار شده اند، نه تنها وضعیت بهتری پیدا نکرده اند، بلکه وضعشان وخیم تر شده و تعطیل هم شده اند. با خصوصی سازی صنعت آذربایجان را تضعیف کرده ایم که تقویت نکرده ایم.

به گزارش نصر، پزشکیان با انتقاد شدید از عملکرد و مواضع رئیس سازمان خصوصی سازی در واگذاری گروه ماشین سازی تبریز، گفت: با این عملکرد اصل خصوصی سازی زیر سوال رفته است؛ اگر بخواهید چیزی را خراب کنید، به آن حمله نکنید بلکه بد دفاع کنید. خصوصی سازی چیز خوبی است، اما به شرطی که درست انجام شود. اما کسانی که این کار را انجام می دهند، یا این کار را بلد نیستند یا نمی خواهند درست اجرا کنند. البته ایراد از مجلس هم هست که قانون را درست تدوین نکرده است.

وی در ادامه با بیان اینکه نتیجه خصوصی سازی آقایان، تعطیلی کارخانجات مادرصنعتی و بیکاری تعداد بیشتری از افراد در جامعه شده است، گفت: ادامه رویه کنونی سازمان خصوصی سازی در نهایت موجب آسیب دیدن صنعت کشور می شود و نباید این رویه ادامه پیدا کند.

پزشکیان تصریح کرد: وقتی صنایع واگذار شده به بخش خصوصی در این وضعیت گرفتار شده اند، یعنی این کار درست انجام نشده است. اکثر کارخانه های تبریز که به بخش خصوصی واگذار شده اند، نه تنها وضعیت بهتری پیدانکرده اند، بلکه وضعشان وخیم تر شده و تعطیل هم شده اند. با خصوصی سازی صنعت آذربایجان را تضعیف کرده‌ایم که تقویت نکرده‌ایم.



نماینده مردم تبریز، اسکو و آذرشهر تاکید کرد: خصوصی سازی باید بهره وری و کیفیت را بالا ببرد، تولید و اشتغال را بالا ببرد، اما آقایان خصوصی سازی شاخصی نشان ما بدهند که تایید کند این شرکت ها پس از واگذاری بهره وری و سطح اشتغال شان بالا رفته است. از تراکتورسازی، بلبرینگ سازی، کمپروسورسازی و تا بنیان دیزل کدام وضع بهتری پیدا کردند با خصوصی شدن؟

وی با بیان اینکه همه مسئولان استان در به وجود آمدن این وضعیت مقصر هستند، گفت: حتی ما نمایندگان هم برنامه مشخصی نداریم و ما هم مقصر هستیم. استانداری و امام جمعه هم مقصر است و باید هر کدام نقش خود را در این زمینه ایفا می کردند که نکرده اند. بله، ما کم کاری کرده ایم. می گویند قانون این طوری نوشته شده است و باید اجرا شود؛ جناب پوری حسینی شما که مدیر هستی و می بینی قانون درست نیست، چرا به مجلس نمی گویی اصلاح کنیم؟ قانون را من و امثال من نوشته ایم، وحی منزل که نیست!

در مزایده سازمان خصوصی سازی؛

بلوک ماشین سازی تبریز بدون خریدار ماند

تبریز- خبرنگار اطلاعات: بلوک ۹۸.۲۸ درصدی سهام شرکت ماشین سازی تبریز روز چهارشنبه به قیمت پایه هر سهم ۱۵۴۸ ریال به مزایده گذاشته شد که خریدار نداشت.

به گزارش نصر، بلوک ۹۸،۲۸ درصدی سهام شرکت ماشین سازی تبریز شامل ۱۶۴۸ میلیون و ۲۰۵ هزار و ۸۲۶ سهم به قیمت پایه هر سهم ۱۵۴۸ ریال و ارزش کل پایه ۲۵۵۱ میلیارد و ۴۲۲ میلیون و ۶۱۸ هزار و ۶۴۸ ریال روز چهارشنبه توسط سازمان خصوصی سازی روی میز فروش رفت که خریدار نداشت.

بر اساس این گزارش، بلوک ۹۸،۲۸ درصدی به صورت ۱۰ درصد نقد و بقیه اقساط ۸ ساله با مبلغ سپرده ۷۶ میلیارد و ۵۴۲ میلیون و ۶۷۸ هزار و ۵۵۹ ریال به مزایده گذاشته شد که متقاضیان اقبالی به آن نشان ندادند.

گفتنی است؛ عرضه بلوک ۹۸،۲۸ درصدی سهام شرکت ماشین سازی تبریز یکی از واگذاری های پرحاشیه امسال سازمان خصوصی سازی است و "تولید و فروش هر نوع ماشین آلات" مهمترین فعالیتهای این شرکت را تشکیل می دهند. بعلاوه این که در حال حاضر سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران ۹۸،۲۸ درصد سهام این شرکت را در اختیار دارد که وکالت فروش آن به سازمان خصوصی سازی داده شده است.

بلوک ریخته گری ماشین سازی تبریز هم خریدار نداشت

سازمان خصوصی سازی همچنین تعداد ۱۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار سهم شرکت ریخته گری ماشین سازی تبریز را به نرخ پایه هر سهم ۲ هزار و ۶۶۱ ریال و به ارزش کل پایه ۲۹۹ میلیارد و ۳۶۲ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال به همراه املاک ائل گلی به مساحت ۸۳ هزار و ۵۰۰ مترمربع در این روز روانه میز مزایده کرد که خریداری برای آنها پا پیش نگذاشت.

ورزشی

پیروزی تراکتورسازی در ثانیه های پایانی

تبریز- خبرنگار اطلاعات: تیم فوتبال تراکتورسازی که با قلعه نویی راه گرفتن ۳ امتیاز بازی‌ها را پیدا کرده، در روزی دشوار اما پر گل حریف خوزستانی خود را شکست داد.

قلعه نویی که این روزها با تراکتورسازی در اندیشه رسیدن به رده‌های بالای جدول لیگ برتر و کسب سهمیه آسیایی برای فصل بعد لیگ قهرمانان قاره کهن نیز هست، در یک بازی نفس‌گیر و پر افت و خیز، توانست با کسب ۳ امتیاز شیرین این مسابقه، یک پله در جدول بالاتر رفته و ضمن تصاحب رده پنجمی، خود را به جمع بالانشین‌های لیگ نزدیک تر کند.

اما نکته قابل توجه بازی، وقوع ۳ خطای پنالتی در محوطه‌های جریمه دو تیم بود که سهم تراکتورسازی ۲ گل و سهم فولاد خوزستان از این پنالتی‌ها یک گل بود.

تراکتورسازی در بازی این هفته، در حالی توانست از سد فولاد بگذرد که گل برتری اش را در ثانیه های آخر بازی به ثمر رساند! به عبارت دیگر دو امتیاز حساس این بازی را مدیون خوش اقبالی ثانیه های آخر است.

از سوی دیگر، رقیبان تراکتور به غیر از پرسپولیس، هم در برابر حریفان بزرگ و کوچک خود متوقف شدند و با تقسیم امتیازات، بهترین نتایج به نفع این تیم سرخ رقم خورد.

تراکتورسازی- پاختاکور سه شنبه ساعت ۱۵:۳۰

گزارش خبرنگار ما حاکی است، تراکتورسازی تبریز روز سه شنبه در چارچوب هفته سوم لیگ قهرمانان آسیا در ازبکستان به مصاف پاختاکور می‌رود.

سرخپوشان تبریزی که برای این بازی پرواز چارتر کردند ساعت ۱۲ روز یکشنبه به ازبکستان می‌روند. این دیدار روز سه شنبه و به وقت ایران در ساعت ۱۵:۳۰ در ازبکستان برگزار خواهد شد.

اعضای این تیم روز سه‌شنبه بلافاصله بعد از بازی به ایران باز می گردند.

مسابقات والیبال قهرمانی کارگران استان پایان یافت



تبریز- خبرنگار اطلاعات: تیم پلی نار سومین قهرمانی پی در پی خود در مسابقات والیبال کارگران استان را جشن گرفت.

در مسابقات والیبال قهرمانی کارگران استان که به مناسبت گرامیداشت دهه فجر و با شرکت۸ تیم از تبریز و استان برگزار شد مسابقات در ۲ گروه ۴ تیمی بصورت دوره ای برگزار و در نهایت تیم پلی نار اول شد، تیم برق مرند عنوان دوم را بدست آورد و تیم فولاد بناب مقام سوم را به خود اختصاص داد.

اسامی بازیکنان به ترتیب ایستاده از راست، هادی تقی زاد، موسی عباسی، اصغر زمانی، داریوش کلیایی، بهمن شخیص نیا، ویدافر، بهرام باقرزاده مربی تیم نشسته از راست، محمود حمودی، کریم احمدزاده و اکبر بیگی